کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۵

اوج دفاع

به اهتمام:
عماد هاشمی

دفتر
نشر معارف انقلاب

هاشمی رفسنجانی

سال ۱۳۶۵

اوج دفاع

به اهتمام:

عماد هاشمی

دفتر
نشر معارف انقلاب
۱۳۸۸

سر شناسه : هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدید آور : هاشمی رفسنجانی :کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۵: اوج دفاع / به اهتمام عماد هاشمی .
مشخصات نشر : تهران : دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۸۰۰ص .: مصور (بخشی رنگی).
شابک :۱۲۰۰۰۰ ریال : ۷-۲۰-۷۱۹۳-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳--- خاطرات
موضوع :هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳--- یادداشت ها ، طرح ها و غیره
موضوع : جنگ ایران و عراق ، ۱۳۵۹-۱۳۶۷--خاطرات
شناسه افزوده : هاشمی بهرمانی ، عماد ۱۳۶۳-
شناسه افزوده : دفتر نشر معارف انقلاب
رده بندی کنگره :DSR ۱۶۷۰/۲آ۳ه ۱۳۸۶
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲۹۲
شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۹۴۸۲۰

هاشمی رفسنجانی
اوج دفاع
کارنامه وخاطرات سال ۱۳۶۵

به اهتمام: عماد هاشمی
ویراستار: قادر باستانی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب
طراحی جلد و صفحات: کارگاه گرافیک سپهر
چاپ و صحافی : آوام

تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه
چاپ ششم: ۱۳۸۸
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

دفتر
نشر معارف انقلاب

تهران ـ خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، خیابان سوده،
کوچه شهید امیدیان تلفن: ۲۲۲۸۴۰۰۷ فاکس: ۲۲۲۸۵۷۶۰



فهرست مطالب

عنوان | **صفحه**

حرف اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در سال ۱۳۶۵ هم مانند سال‌های قبل، مهمترین محور حوادث کشور، دفاع مقدس است. به دنبال پیروزی خیره کننده در عملیات والفجر ۸ و عبور تحسین برانگیز رزمندگان از رودخانه عظیم اروند، علیرغم جزرومدهای وحشی آن و تصرف بخشی از شبه جزیره فاو و تثبیت نیروها در آن نقطه حساس، وضع جدیدی به وجود آمده بود.

اشراف ما بر ساحل خور عبدالله و بسته شدن راه عراق به خلیج فارس و اشراف نیروهای ما بر جزیره بوبیان کویت و درخشش قدرت فنی ایران، با ساخت پل بدیع بعثت در اروند، با هدف تسهیل پشتیبانی نیروهای مستقر در فاو و امکان پیشرفت به سوی بندر محصور امّ‌قصر عراق، و سابقه ساخت و نصب پل بی نظیر هفده کیلومتری خیبر در هور، برای تسهیل پشتیبانی نیروهای مستقر در جزیره مجنون و خبرهای مربوط به تجهیز پانصد گردان برای عملیات سرنوشت ساز، وضع کاملاً جدیدی به وجود آورده بود.

کاملاً واضح شده بود که نیروهای رزمنده ایران، قدرت نفوذ در عمق خاک عراق و دفع

شرارت‌های صدام را دارند. منظره شکست نهائی صدامیان، با آن همه پشتیبانی غرب و شرق و ارتجاع و از این سو بشارت پیروزی ایران تنها و تحت تحریم و فشار، منطقه و اردوگاه غرب و شرق را نگران ساخته بود و تلاش‌ها برای یافتن راه نجات از این کابوس وحشتناک برای آنان، کاملاً مشهود بود.

شرارت

یکی از راهکارهای آنها برای به ستوه آوردن ایران، شرارت‌های ضد مقررات بین‌المللی و انجام جنایات جنگی بود. دشمن بعثی در سال‌های گذشته هم، در عکس‌العمل به شکست‌ها، چنین شرارت‌هایی را مرتکب می‌شد.

این شرارت‌ها، با دادن چراغ سبز قدرت‌های بزرگ و تحویل موشک‌های فراوان و سلاح‌های شیمیایی و پشتیبانی هوایی، برای زدن کشتی‌ها و سکوهای نفتی و هواپیماهای غیر نظامی و بمباران شهرها و هر عمل ایذایی ممکن دیگر و تبلیغات رسانه‌ای فراوان، در جهت روحیه دادن به صدامیان و تحت فشار قرار دادن ایران عمل می‌شد[1]. خوانندگان در سراسر کتاب، به صورت مکرر از این نوع شرارت‌ها را می‌بینند.

تلافی

رزمندگان ایران اسلامی که به طور اصولی و از موضع اسلامی و انسانی، با این گونه اقدامات مخالف بودند، و اصولاً مردم عراق را دوست و همراه بالقوه خود می‌دیدند، فقط در موارد خاص و با هدف

---

۱ ـ عراق با دریافت ۲۴ جنگنده میراژ اف ـ ۱ از فرانسه، که می‌توانستند در آسمان سوخت‌گیری کنند، قادر شد که دورترین تأسیسات و تجهیزات نفتی ایران را در خلیج فارس مورد حمله قرار دهد. همچنین نیروی هوایی عراق با دست یابی به بمب‌افکن‌های توپولف تی. یو. ۱۶، که قادر به حمل بمب‌هایی به وزن ۱۹۸۰۰ پوند (۸۹۴۵ کیلوگرم) در مسیر ۳۰۰۰ مایلی هستند، توان خود را بیش از پیش افزایش داد. از سوی دیگر عراق با فرستادن خلبانان خود برای آموزش در فرانسه، شوروی، یوگسلاوی و با استخدام خلبانان خارجی (بلژیکی، پاکستانی و برزیلی)، کمبود خود را در این زمینه رفع می‌کرد. رسانه‌ها در مقایسه‌ای، برتری هوایی عراق به ایران را هشت به یک اعلام کردند. عراق ۵۰ فروند هواپیمای میراژ اف ـ ۱ و ۷۵ خلبان برای پرواز آنها در اختیار داشت. شوروی و فرانسه مهمترین صادرکنندگان تسلیحات نظامی به عراق بودند و آمریکا نیز انواع جنگ‌افزار و در درجه اول هلی‌کوپتر، هواپیماهای اکتشافی و سلاح‌های سبک به عراق ارسال می‌کرد. همچنین طبق اعلام کارشناسان نظامی، عراق دارای ۴۰ لشکر رزمی و ۴۵۰ تا ۶۰۰ هواپیمای جنگنده بود. تقویت ارتش عراق چنان اوج گرفت که در عین اینکه کارشناسان سازمان «سیا» در اوایل تابستان ۶۵ سقوطِ قریب‌الوقوع عراق را پیش بینی می‌کردند، بعد از چند ماه به این نتیجه رسیدند که با بهبود موقعیت نظامی عراق، ارتش عراق نه تنها تهاجم ایران را کُند خواهد کرد، بلکه به پاتک نیز دست خواهد زد و ممکن است تلاش کند تا «فاو» را نیز پس بگیرد. همکاری کشورهای غربی به خصوص آلمان و هلند با عراق، برای تولید سلاح‌های شیمیایی نیز چنان گسترده شده بود که چندین مجتمع تولید این سلاح‌ها در حومه شهرهای سامرا، عکاشه و القیم تأسیس شد و تنها در مجتمع سامرا، سالانه حدود ۱۰۰۰ تن ماده مورد استفاده در ساخت سلاح‌های شیمیایی تولید می‌شد.

باز دارندگی، با عمل مقابله به مثل جواب می‌دادند، از قبیل زدن کشتی‌ها یا زدن موشک به نقاط حساس نظامی، اقتصادی و یا سیاسی بغداد و بمباران این گونه اهداف در داخل یا خارج شهرها و وارد آوردن ضربه‌ای در جبهه‌ها، به عنوان جواب شرارت‌ها و در صورتی که این گونه عملیات می‌توانست به مردم غیر نظامی و بی گناه آسیب برساند، به دستور امام قبل از اقدام، به مردم اطلاع رسانی می‌شد تا آنها از ناحیه خطر احتراز کنند و در مواردی کوچ زیاد مردم از منطقه خطر، برای رژیم عراق دردسر زیاد به بار می‌آورد. نمونه‌های زیادی از موارد مورد اشاره، در سرتاسر کتاب ملاحظه خواهید کرد.

مشکل دیگری که در سیاست مقابله به مثل داشتیم، این بود که متجاوزان از بنادر یا فرودگاه‌ها یا کشتی‌های کشورهای جنوب خلیج فارس استفاده می‌کردند که برای ما درگیر شدن با آنها مطلوب نبود؛ این مشکل هم به نحوی حل شده بود که با کمی دقت در حوادث روزانه، قابل تشخیص است. یکی از نمونه‌ها توقیف کشتی کویتی حامل سلاح برای صدام بود.

رخنه‌های کوچک

یکی از سیاست‌های ارتش بعث، برای حفظ روحیه خود و جنگ روانی علیه ایران، رخنه‌های کوچک در مرزها و نقاط کم اهمیت و ضعیف جبهه‌ها بود که پس از انجام آن، موج بزرگی از تبلیغات و پخش تصاویر غیر واقعی با کمک امپریالیسم خبری ایجاد می‌شد. این موارد بیشتر در نقاط کوهستانی شمال غرب که اهمیت استراتژیک و تغییر قابل توجه در جنگ نداشت، از قبیل منطقه مریوان و حاج عمران و.... اتفاق می‌افتاد.

هدف دیگر دشمن از این گونه عملیات، جلوگیری از اجرای هدف تشکیل پانصد گردان و تمرکز قوا برای حمله سرنوشت ساز بود. زیرا رزمندگان ما ناچار بودند برای تقویت آن بخش از جبهه‌ها و عقب راندن دشمن و نیز پاسخ مناسب به تحرکات ایذایی، نیروهای خود را به کار بگیرند.

موارد متعددی از این نوع عملیات کوچک ارتش و سپاه را در این سال می‌بینید که با این اهداف و نیز گرم نگه‌داشتن فضای کشور و جامعه، برای توجه به ضرورت دفاع و حضور در جبهه‌ها و گاهی برای مشغول کردن حواس نیروهای دشمن انجام شده است[1].

نبرد اقتصادی

دشمنان و حامیان آنها از مشکلات اقتصادی ما در شرایط جنگی مطلع بودند. کم شدن تولید و به

---

۱ ـ مشروح عملیات‌های انجام شده در سال ۱۳۶۵ در بخش ضمایم کتاب درج شده است.

خصوص تولید نفت و ناامن بودن خلیج فارس برای صدور نفت و گران شدن بیمه‌ها در اثر نـاامـنی مسیر کشتی‌ها و هزینه‌های فراوان جنگ و گران تمام شدن خریدهای نظامی از بازار سیاه و واسطه‌ها و چیزهای دیگر، فشار زیادی بر اقتصاد کشور و تأمین نیازهای ضروری مردم وارد می‌کرد.

آنها از طریق جلوگیری از تولید و فروش نفت ما و تشویق دیگر کشورهای نفت خیز، برای اشباع بازار و پرکردن خلاء نفت ایران و عراق و حتی فروش نفت به وکالت از عراق ـ که صادراتش به شدت محدود شده بود و در صدور نفت، فقط متکی به خط لوله نفت شمال از طریق ترکیه و یا با تانکرهای نفتی از طریق اردن شده بود ـ فشار اقتصادی زیادی بر ما وارد می‌کردند.

در این بخش فشار بر اوپک برای عرضه بیش از نیاز مصرف نفت، با هدف پایین نگهداشتن قیمت نفت و تلاش‌های پیگیرانه ایران برای مهار مقدار عرضه نفت و حفظ قیمت نفت، در جای‌جای کتاب قابل توجه است و عجیب اینکه بعضی از کشورهای نفت خیز، با تحمل خسارت، به هدف شوم فشار بر ایران کمک می‌کردند!

استقراض از بانک مرکزی

در بودجه سال ۶۵، اعتباری برای تأمین هزینه‌های تجهیز پانصد گردان، جهت عملیات سرنوشت ساز دیده نشده بود و منبع دیگری برای تأمین آن در دسترس نداشتیم. در حالی که حامیان عراق، تمامی نیازهای اقتصادی و جنگی آن کشور را سخاوتمندانه تأمین می‌کردند.

تنها راه ممکن، استقراض از بانک مرکزی بود و این مورد هم چیزی نبود که بشـود در مـجلس شورای اسلامی، برای کسب اجازه مطرح شود، زیرا دشمنان پی به مشکلات ما مـی‌بردند و فشـار را بیشتر می‌کردند. پس از بررسی در جلسات سران قوا، راه را منحصر به کسب اجازه استقراض از امام یافتیم و رسماً و محرمانه، از امام درخواست اجازه اخذ سی میلیارد تومان وام کردیم و امام اجـازه را صادر فرمودند و بانک مرکزی هم همکاری خوبی داشت. به موارد زیـادی بـر خـورد مـی‌کنید کـه نیازهای فراوان و متنوع جنگ، از این منبع تأمین می‌شود.

توجه جهان به بی آینده بودن بعث عراق

سوابق عملیات خیبر، بدر و والفجر ۸ در داخل خـاک دشـمن و نـاکـامی عـراق و حـامیان آن در نتیجه‌گیری از شرارت‌ها و ملاحظه قدرت مقابله به مثل ایران و مشاهدهٔ استقبال مردم از فراخوان اعزام به جبهه‌ها و حماسه‌های روح افزای برنامه‌های اعزام به جبهه، حامیان صدام را به فکر آینده نگری و

باز کردن دریچه‌ای به سوی ایران انداخته بود و بخشی از مخالفان بعث عراق را هم، برای همراهی با ایران دلگرم نموده بود که نمونه‌هایی از آنها را در خاطرات این سال می‌بینید از جمله:

عملیات در عمق خاک عراق در کردستان

از سال‌های قبل، کردهای عراق تحت فشار و سرکوب صدام بودند و با ایران هم پیش از انقلاب همکاری داشتند و بعد از قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره، میان [محمدرضا] شاه و صدام دچار مشکل شده بودند و یاغیگری بخشی از ضدانقلاب کردهای ایران هم، همکاری آنان در دفاع با ایران را دشوار می‌کرد.

آنها با مشاهده تفّوق و دست بالای ایران در جنگ، همکاری با ایران را افزایش دادند، به نحوی که نیروهای ایران توانستند تا اعماق کردستان عراق پیشروی کنند.

قرارگاه حمزه، عملیات در شمال غرب و عمق خاک عراق را مدیریت می‌کرد و علاوه بر تصرف مناطقی در کردستان عراق، برنامه انهدام تأسیسات نفت کرکوک و خط لوله نفت شمال و نیز نجات اسرای ایرانی از اردوگاه موصل و نظایر آن را در دستور داشت. اتحادیه میهنی کردستان عراق (طالبانی‌ها) و حزب دموکرات کردستان عراق (بارزانی‌ها) و احزاب اسلامی کرد عراق، همکاری همه‌جانبه‌ای را با رزمندگان ما داشتند که تا آخر جنگ ادامه داشت و پس از جنگ هم این دوستی و همراهی، تاکنون ادامه یافته است.

پیشنهاد شاه عربستان

آقای ملک فهد که کمک‌های زیادی به صدام کرده بود و می‌دید که آینده‌ای سیاه در سرنوشت صدامیان، قابل پیش بینی است، پیشنهادهایی برای همکاری ایران و عربستان سعودی، برای پایان دادن به سلطه بعث عراق و صدام و نجات مردم عراق و منطقه از دست صدام، به ما ارائه کرد.

یکی از این پیشنهادها که از طرف پادشاه عربستان با واسطه ارائه شد، آن بود که ایران به مدت یک هفته، جنگ را در جبهه‌ها متوقف سازد و آنها خودشان برای برداشتن صدام اقدام کنند. این پیشنهاد در جلسات سران قوا بحث شد و امام هم در جریان قرار گرفت و به طور جدی پیگیری‌هایی به عمل آمد، اما در نهایت نتیجه‌ای حاصل نشد.

سعودی‌ها از سوئی از درخواست‌های روز افزون بعث، برای دریافت پول و پشتیبانی نظامی به تنگ آمده بودند؛ صدام با ادعای دفاع از اعراب منطقه، از آنها باج خواهی داشت و حاضر به

پرداخت وامهای دریافتی نبود و هنوز هم مطالبات آنها پرداخت نشده و از سوی دیگر شاهد نجابت و متانت ایران در برخورد با آنها، در عین اطلاع داشتن از کمک‌های فراوان پولی و تدارکاتی و سیاسی اعراب منطقه بودند.

در این سال همچنین بازداشت تعدادی از حجاج ایرانی بیت‌الله الحرام با ادعای حمل مواد منفجره، تنش‌هایی را پدید آورد که با خویشتنداری ایران و عربستان، ماجرا حل و فصل شد. نمونه‌های مختلفی را در خاطرات خواهید دید که نشان دهنده تحول تدریجی در دیدگاه مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس به صدام و آهسته شدن روند پشتیبانی آنها از بعث عراق بود.

آمریکا ـ مک‌فارلین

از نمونه‌های جالب در این سال، در خصوص توجه به قدرت ایران و ضعف بعث عراق، داستان سریال مانند و طولانی معامله سلاح در مقابل وساطت ایران در نجات گروگان‌های غربی است. بخش مهم این جریان، در ایران به نام رسوائی مک‌فارلین معروف شد و در آمریکا به نام ایران گیت یا ایران کنترا در رسانه‌ها مطرح گردید.

خوشبختانه دفتر نشر معارف انقلاب موفق شده مشروح این جریان مهم و جذاب تاریخی را در کتابی به نام "ماجرای مک‌فارلین؛ فروش سلاح ـ آزادی گروگان‌ها" تهیه، تنظیم و منتشر نماید. خلاصه ماجرا که در یادداشت‌های این کتاب به ترتیب زمانی می‌خوانید، چنین است:

مأموران ایرانی تهیه سلاح، در روابط خود با دلالان بین‌المللی فروش سلاح، با فردی به نام آقای منوچهر قربانی‌فر برخورد می‌کنند و با او معاملاتی هم انجام می‌دهند. او از فراریان ایرانی بود.

در تاریخ اول شهریور سال ۱۳۶۴ آقای قربانی‌فر می‌گوید با آمریکایی‌ها که از زمان رژیم سابق در ایران همکاری داشته، برای تهیه سلاح ارتباط برقرار کرده و متوجه شده است که آنها دچار مشکل جدی مسائل گروگان‌های خود در لبنان هستند و نجات آنها می‌تواند در سرنوشت انتخابات آینده آمریکا، تأثیر اساسی داشته باشد و آنها می‌دانند که ایران در نیروهای مقاومت لبنان نفوذ دارد و مایلند در مقابل تأمین نیازهای دفاعی ایران، نجات گروگان‌ها را به دست آورند. او ضمن ارسال نامه‌ای، از جلسه ملاقاتش با سران جمهوریخواه آمریکا [سناتور دول رئیس سنای آمریکا و جرج بوش معاون رئیس جمهور آمریکا] گزارشی با مضامین متن فوق می‌نویسد[۱].

ایران هم که برای فعال نگاه داشتن رادارها و موشک‌های فونیکس و تاو، هاک و هارپون، نیاز

---

۱ ـ برای مطالعه این نامه رجوع کنید ← هاشمی رفسنجانی، امید و دلواپسی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۴، دفتر نشر معارف انقلاب، صفحه ۵۴۷.

شدید به قطعات با خود این تجهیزات را داشت، آمادگی خود را با هدف تأمین این نیازها و نیز اهداف انسانی نجات انسان‌های به گروگان رفته و نیز نجات لبنان از بدنامی گروگان‌گیری، اعلان می‌کند.

مذاکرات مکرر طولانی بین او و آقای [محسن]کنگرلو مشاور نخست وزیر ایران، به شروع تحویل سلاح و شروع آزادی گروگان‌ها که با تلاش زیاد سر نخی از عوامل ربایش آنها به دست آمده بود، می‌شود. سوء ظن حاکم بر دو طرف و دیوار بلند بی اعتمادی در میان دو کشور ایران و آمریکا، باعث کندی حرکت بود، در حالی که هر دو طرف، نیازمند سرعت عمل بودند.

کار دادوستد به تدریج و کند پیش می‌رفت، ولی صبر آمریکایی‌ها رو به تمام شدن بود که ریسک سفر مقام عالیرتبه‌ای مثل آقای مک‌فارلین را با نام غیر واقعی در رأس یک هیأت پذیرفتند. هدف آنها این بود که کار را یک سره و به قول خودشان یخ‌های ضخیم را آب کنند.

این اقدام به اضافه موارد تردیدانگیز دیگر آمریکایی‌ها، به جای حرکت جهشی، کار را به بن‌بست رساند. دروغگوئی آنها در قیمت اجناس تحویلی و گرفتن چند میلیون دلار اضافی و نیز آلوده کردن کار با دخالت دادن مأموران اسرائیلی، باعث سوء ظن ما شد و به خصوص اینکه هیأت آمریکایی هم بخش ناچیزی از اقلام مورد توافق را با خود آورده بود.

عدم موافقت امام و سران قوا با ملاقات و مذاکره با ایشان و انجام مذاکره در سطح مدیران میانی، باعث رنجش مک‌فارلین و ناتمام گذاشتن کار و رفتن او شد.

با این همه آمریکا دست بردار نبود و فاز دیگری برای ارتباط و ادامه معامله به وجود آورد. این بار از طریق سفارت ما در انگلستان و از طریق یکی از بستگان من، [آقای علی هاشمی] به خواست فرمانده سپاه پاسداران که نیاز به سلاح را بیشتر از دیگران لمس می‌کرد، شروع شد و در فاز دوم هم سلاح‌هایی در مقابل وساطت خود به دست آوردیم، ولی هدف برای هر دو طرف ناقص ماند.

پس از مدتی، ماجرا که تا آن زمان مخفی مانده بود، توسط مجله الشراع لبنان فاش شد و در ایران هم به دستور امام، اینجانب کل جریان را همان گونه که بود، در سخنرانی روز ۱۳ آبان در مقابل مجلس و سپس در مصاحبه با خبرنگاران توضیح دادم.

در آمریکا این حرکت‌های مخفیانه و بعضاً مخالف قوانین آن کشور، طوفانی به پا کرد و در ۱۴ دسامبر (۱۳ آذر ۶۵) دادستان ویژه آمریکا برای کنترل بحران کاخ سفید در قبال ایران شروع به کار کرد.

همچنین کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا، هیأت تحقیق تشکیل داد و از همه افراد دخیل در ماجرا بازجویی کرد و در نهایت گزارشی با عنوان گزارش تاور از تحقیقات مذکور منتشر شد که نشان دهنده

صحت ادعای ما و تناقض در گفتار آمریکائیان بود. گزارش تاور ضربه مهلکی بر جمهوری‌خواهان که قبلاً در جریان حوادث اشغال لانه جاسوسی در مقابل دموکرات‌ها سود بردند، وارد کرد.

خوانندگان در سراسر کتاب، قطعاتی از این سریال طولانی منطبق بر تاریخ رخداد می‌خوانند. ولی مجموعه جریان و مقدمات و مقارنات و آثار آن، همراه با تحلیل حادثه را در کتاب "ماجرای مک‌فارلین" مطالعه فرمائید[1].

اروپا

در حاشیه مسأله ایران و آمریکا، اروپائی‌ها که گروگان‌هایی در لبنان داشتند، متوسل به ایران شدند و نمونه‌های کوچکی از دادوستدها تحقق یافت که در جای خود، در این کتاب آمده است. نامه اسقف اعظم کلیسای کانتربری انگلیس به من، برای همکاری مشترک برای آزادی نماینده ربوده شده اسقف، تری‌ویت و یافتن و آزادی [احمد] متوسلانی و [محسن] موسوی، دیپلماتهای ربوده شده ما در بیروت، نمونه‌ای از آن است که در خاطرات نمونه‌هایی از این همکاری‌ها را مطالعه می‌کنید. در خصوص فرانسه این همکاری‌ها بیشتر بود و به اخراج عناصر ضدانقلاب از این کشور و پرداخت بخشی از بدهی‌های سابق فرانسه از بابت شرکت اورودیف انجامید.

این تذهبون؟

پس از افشای جریان مک‌فارلین، هشت تن از نمایندگان مجلس، با هدف سوء استفاده سیاسی اقدام به طرح سئوالی از وزیر امور خارجه ـ که در این ماجرا نقشی هم نداشت ـ کردند[2] و امام راحل که متوجه

---

۱ ـ برای آگاهی از موضوع مک‌فارلین رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک‌فارلین؛ فروش سلاح ـ آزادی گروگان‌ها، محسن هاشمی، حبیب‌الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ ـ سوال این هشت نماینده چنین بود: "ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، احتراماً تقاضا دارد به وزیر محترم خارجه ابلاغ گردد تا طبق اصل ۸۸ قانون اساسی در مهلت مقرر در مجلس، حاضر و به سوالات ذیل پاسخ دهند: ۱ - با توجه به اینکه وزارت امور خارجه عهده‌دار اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تعیین خط مشی با مقام معظم رهبری و مجلس شورای اسلامی است، در رابطه با جنجال تبلیغاتی اخیر از داخل و خارج کشور، در خصوص ارتباط با دولت آمریکا، اعلام دارند که این ارتباط در چه سطحی صورت پذیرفته است؟ ۲ - نظر به اینکه مجلس هیچ گونه اطلاعی از این فعل و انفعالات نداشته است، اعلام دارند چه مقامی یا مقاماتی، تصمیم به این تماس و ارتباط گرفته‌اند؟ ۳ - به طوری که شنیده می‌شود، افرادی خارج از کادر وزارت امور خارجه با هیأت آمریکایی تماس گرفته و مذاکره نموده‌اند، لطفاً اعلام دارید که این افراد مأموریتی از جانب وزارت امور خارجه داشته‌اند یا خیر و در صورتی که پاسخ منفی باشد، مجوز قانونی تماس و ارتباط افراد مذکور کدام است؟ ۴ - جریان سفر هیأت آمریکایی به ایران، به چه صورت و با چه کیفیتی صورت پذیرفته و چه کسانی در ایران با آنها مذاکره نموده‌اند، محور مذاکرات چه بوده و مذاکرات به چه تصمیماتی منجر گردیده است؟ ضمناً موضوع قبلاً با وزیر محترم امور خارجه در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سیاسی و باندی بودن سئوال شده بودند، با نهیبی رهبرانه جلوی حرکت انحرافی آنها را گرفتند و این اقدام امام، بدون درخواست کسی و فقط به اراده شخص خودشان بود که از اول تا آخر در جریان مسائل بودند و در متن کتاب می‌بینید[1].

با این همه، بالاخره اطمینان به دست نیامد که قصد واقعی آمریکا از این حرکت چه بوده و مدارکی وجود داشت که آمریکا به خاطر بی آینده بودن دولت صدام و نیز وابسته بودن بعث عراق به اردوگاه شرق و جلوگیری از نزدیک شدن ایران به اردوگاه شرق، به خاطر نیاز تسلیحاتی و جلوگیری از قطع وابستگی ایران به سلاح غربی، در صدد تغییر اساسی در تأمین نیازهای جنگی ایران است، اما در عمل با رفتار قطره چکانی تحویل سلاح و آلوده کردن جریان با دخیل کردن اسرائیل و نیز سوء استفاده از گران فروشی برای تأمین طرفدارانش در نیکاراگوئه، تردیدها را بیشتر می‌کرد و به خصوص که احتمال انتخاباتی بودن اصل حرکت هم وجود داشت، ولی مدیریت خوب ایران بر مسأله، نتیجه کار را تا حدودی به نفع ایران و ضرر آمریکا تمام کرد.

نامه‌های مهم

در این میان در ارتباط با طرف‌های خارجی و اینجانب، نامه‌های مهمی برای فرانسه و چین نوشته‌ام که نکات مهم و قابل توجهی از اوضاع آن زمان و شرایط جنگ و مواضع نادرست اردوگاه‌های غرب و شرق و ارتجاع را نشان می‌دهد[2].

اصلاح ساختار نظامی

مشکلات ساختار و ترکیب نیروهای نظامی‌مان، کم کم آثار منفی خود را نشان می‌داد. تفاوت دید فرماندهان ارتش و سپاه در شیوه جنگ و اختلاف نظر در فرماندهان خود ارتش در شیوه فرماندهی، سه نیرو و وابستگی سازمانی هوانیروز و نیز جدی شدن تأسیس سه نیرو در سپاه و توسعه موازی کار پر هزینه و نگرانی بعضی فرماندهان ارتش از این جهت، مسائلی بودند که هم در کار دفاع و استفاده از امکانات موجود، مشکلاتی به وجود می‌آورد و هم وقت زیادی از مسئولان بالای نظامی را می‌گرفت.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

میان گذاشته شده و پاسخ مشارالیه مقنع نبوده است. [امضاء کنندگان:] سید احمد حسینی سیرجانی، جلال الدین فارسی، نیکروش، سید محمد خامنه‌ای، موسویانی، حسنعلی النجفی، رهنانی، فهیم کرمانی (با سوال بند چهارم موافق هستم)، اسرافیلیان".

۱ ـ متن کامل سخنرانی حضرت امام در تاریخ ۲۹ آبان ۶۵ در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۲ ـ متن نامه‌های مذکور در پایان همین کتاب در بخش ضمایم آمده است.

یکی از نمونه‌های زجرآور آن، فشارها برای تغییر فرماندهی نیروی زمینی و هوایی بود که سرانجام علیرغم عدم تمایل ما، شهید صیاد شیرازی مجبور به استعفا شد. درخواست فرماندهان ارتش برای استفاده از نیروهای داوطلب و شهادت طلب مردمی و موانع انجام این خواسته نیز با توجه به نقش بی‌بدیل این نیروهای داوطلب در خط شکنی در عملیات آفندی و متقابلاً درخواست سپاه برای گرفتن ابزار جنگ از ارتش، مشکلات را تشدید می‌کرد.

خوانندگان با ملاحظه مواردی از این گونه مشکلات در خاطرات روزانه که نمونه‌ای از موارد فراوان است، می‌توانند پی به مشکلات دفاع مقدس ببرند.

اقدامات عراق برای مقابله با عملیات سرنوشت

برای جلوگیری از اجرای عملیات سرنوشت و یا حداقل ممانعت از موفقیت آن، اقدامات متعدد و گسترده‌ای صورت می‌گرفت، طوری که می‌توان گفت در این زمینه یک اجماع و وحدت نظر بین‌المللی بین ابرقدرت‌ها، شرق و غرب و دیگر حامیان رژیم بعثی وجود داشت.

مهمترین موضوع در این زمینه، توانایی دشمن در بسیج و تجهیز نیروی انسانی برای مقابله با عملیات آتی بود که مقدمات آن از قبل بنا نهاده شده بود. به این ترتیب که از ابتدای هجوم سراسری عراق، نه تنها هیچ نیرویی از ارتش این کشور ترخیص نشد، بلکه به تدریج از یک طرف افراد مسن‌تر و از طرف دیگر افراد جوان‌تر فراخوانده می‌شدند، طوری که در شهریور ماه ۱۳۶۵، مردان ۴۱ و ۴۲ ساله و همچنین نوجوانان ۱۷ و ۱۸ ساله به خدمت وظیفه فراخوانده شدند. بقیه مردان بین این سنین، از قبل در اختیار ارتش عراق بودند. در این دوره، بسیج نیرو چنان بود که برخی رسانه‌ها آن را «بزرگ‌ترین تجمع نیرو از شروع جنگ» خواندند و اعلام کردند که عراق با بسیج گسترده بیش از یک میلیون نیرو، از جمله اعزام فوق‌العاده دانشجویان، خود را برای مقابله با حمله آتی ایران آماده می‌کند.

از دیگر تلاش‌های گسترده و مهم دشمن، افزایش اقدامات مهندسی در جبهه جنوب به ویژه در منطقه شرق بصره بود. این اقدامات شامل ایجاد مواضع جدید پدافندی، تحکیم خطوط پدافندی، مرمت خاکریزها و جاده‌ها، ایجاد مواضع سلاح‌های سنگین و تجهیزات زرهی، احداث سنگرها، ایجاد موانع و استحکامات و همچنین آب اندازی در بعضی از مناطق بود که بیشتر از همه در مناطق فاو، جزایر واقع در اروندرود (ام‌الرصاص، ام‌البابی، ماهی و بوارین)، طلائیه، کوشک و جفیر صورت می‌گرفت. با وجود همه آسیب‌پذیری‌های بصره، بعثی‌ها تا جایی که توانستند خود را آماده کردند.

عراق علاوه بر احداث دیوار زرهی، خاکریز طولانی و تمرکز سربازان در منطقه، در مناطق عظیمی از مرداب‌ها آب انداخته بود تا فضای مانور ما را کاهش دهد.

برای جلوگیری از غافلگیری و پی بردن به زمان و مکان حمله اصلی نیروها، دشمن فعالیت‌های زیادی می‌کرد. شناسایی در مناطق مهم و حساس از جمله فاو، شرق بصره و ابوالخصیب، جزایر مجنون و شرق العماره بیش از سایر نقاط بود. هر چند، دشمن در جبهه میانی و شمال غرب نیز در تلاش برای پی بردن به اهداف عملیات آینده بود. دشمن علاوه بر اعزام تیم‌های گشتی شناسایی به نقاط مختلف خطوط پدافندی، روز به روز بر تعداد دکل‌های دیده‌بانی خود می‌افزود. همچنین در این زمینه هلی‌کوپترهای شناسایی و هواپیماهای عکس برداری آنها فعال بودند. همه این اقدامات برای کسب اطلاعات، افزون بر اطلاعاتی بود که از طریق ماهواره‌ها و آواکس‌ها در اختیار عراق قرار می‌گرفت. همچنین ارتش عراق برای گسترش میدان دید خود، اقدام به از بین بردن درختان، نیزارها و روییدنی‌ها در بعضی از مناطق می‌کرد. از جمله نیزارهای جلوی منطقه چزابه را به آتش کشید. اعلام آماده باش در مناطق مختلف و بازدید فرماندهان عراقی از خطوط پدافندی نیز اقدامی به منظور حصول اطمینان از آمادگی نیروها بود. پرتاب منور و فعالیت تیربارها در شب از دیگر تلاش‌ها برای جلوگیری از غافلگیری بود.

عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵

بالاخره با تلاش زیاد، ساز و برگ و نیروهای مورد لزوم عملیات سرنوشت‌ساز، با امید به ختم جنگ در صورت رسیدن به اهداف عملیات، تا حدودی آماده شد[1]. بحث‌های ستادی و قرارگاهی و نیز

---

۱ - هم زمان با طرح ریزی عملیات، اقدامات آماده سازی عملیات، از جمله اعزام و آموزش نیرو، اقدامات مهندسی، شناسایی، تهیه تجهیزات مورد نیاز ادامه داشت. فراخوانی و تدارک نیروی مورد نیاز عملیات از مهمترین دغدغه‌ها به شمار می‌آمد و احتمال عدم تأمین ۵۰۰ گردان رزمی پیش‌بینی شده برای عملیات، بر مشکلات می‌افزود. یکی از مشکلات مربوط به فراخوانی و اعزام وسیع نیروهای داوطلب بسیجی بود که اساساً اجرای هر عملیات، وابسته به آنان بود. هم زمانی برخی اعزام‌ها با برداشت محصولات کشاورزی و نیز بازگشایی مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها از دلایل بروز این مشکل بود. به هر حال، برای تأمین نیروی مورد نیاز، اعزام‌های متعددی از شهرهای مختلف صورت گرفت و برنامه‌های گوناگونی طراحی شد. از جمله، به منظور گسترش سازمان رزم، سپاه پاسداران با ابلاغ دستورالعملی به نواحی مختلف سپاه، دستور تشکیل اردوگاه‌های انصارالحسین را با هدف تسریع امر سازماندهی مجدد یگان‌های رزم، استمرار روند اعزام نیرو، نگهداری و به کارگیری نیروهای اعزامی و تجمع نیروها در مناطق مختلف داد. همچنین نخست وزیر با ابلاغ بخشنامه‌ای در تاریخ ۱۳۶۵/۸/۱۷ بر ضرورت همکاری همه جانبه کلیه وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی جهت فراهم آوردن تسهیلات لازم برای اعزام بزرگ سپاه محمد (ص)، که قرار بود در هفته بسیج (۵ تا ۱۱ آذر) صورت گیرد، تأکید کرد. از سوی دیگر، اقداماتی به منظور جلب مشمولان نظام وظیفه به عمل آمد که موفقیت چندانی نداشت.

دسته دوم مشکلات و موانع تأمین ۵۰۰ گردان رزمی، مربوط به تجهیز، تدارک و آموزش نیروهای مزبور می‌شد. در اوضاع خاصی که

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اقدامات آموزشی و تهیه اطلاعات از اردوگاه دشمن و تدارکات پشتیبانی و به خصوص لوازم دفاع در مقابل سلاح شیمیایی دشمن و توصیه فرماندهان انجام شد و روز موعود فرا رسید.

عملیات در شب ۳ دی ماه آغاز شد و من به عنوان فرمانده جنگ در منطقه حضور داشتم و تا لحظه شروع آفند، نشانی از مطلع شدن دشمن به دست نیامده بود و به نظر می‌رسید، عنصر غافلگیری که نقش اساسی در شکستن خط‌ها و پیروزیهای اولیه دارد، تأمین است.

با شروع عملیات، گزارش‌های اولیه خبر از پیشرفت در اکثر محورها می‌داد، اما اولین خبر از ناکامی در بعضی از محورهای اصلی و مهم، نشان از اطلاع داشتن دشمن از برنامه عملیات داشت. لحظات بسیار تلخی گذشت تا اطلاعات تکمیلی رسید و معلوم شد در چند محور، نیروهای پیشتاز با موانع جدی مواجه شده و تلفات زیادی داده‌اند و در مواردی عقب‌نشینی انجام شده و تحرکات هوایی، توپخانه‌ای و موشکی دشمن هم در منطقه، وسعت کم سابقه‌ای گرفت.

هدف عملیات، تصرف ابوالخصیب و محاصره نیروهای مستقر در شبه جزیره فاو تهدید بصره از جنوب بود. تصرف فاو و رأس‌البیشه که ایران را با کویت همسایه کرده و راه زمینی عراق را به شمال خلیج‌فارس قطع کرده بود، می‌توانست با تصرف ابوالخصیب کامل شود. با این اقدام کل شبه جزیره فاو آزاد می‌شد، موقعیت ما در خلیج‌فارس بیش از پیش تقویت می‌گردید و نیز بصره از جنوب در خطر سقوط قرار می‌گرفت.

شواهد و قرائن نشان می‌داد که دشمن از طرح عملیات آگاه شده و با مسدود کردن دو طرف معبر کم عرض آبی «ام‌الرصاص»، پیشرفت نیروها را دچار مشکل کرده است. اجرای انبوه آتش دشمن روی نقاط خاص و حساس اروند رود، سازمان غواص‌های خط شکن و نیز قایق سواران را که موج دوم و سوم را تشکیل می‌دادند، بر هم زده بود، اما نیروهای غواص از تنگه گذشتند و در جزیره بلجانیه پیاده شدند. در محورهای دیگر نیز با شکسته شدن خطوط دشمن در جزایر سهیل و ام‌الرصاص جنگ به خشکی کشیده شد. برای نخستین بار در جنگ، خط دشمن در شلمچه نیز شکسته شد، امّا تداوم عملیات میسر نبود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

محدودیت‌های اقتصادی و تحریم تسلیحاتی شدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شد، امر تجهیز و تدارک این گردان‌ها، خود از مسائل مهم بود. همچنین نوع عملیات، که از پیچیدگی خاصی برخوردار بود، ضرورت روند سازمان دهی و آموزشهای خاصی را ایجاب می‌کرد که طی آن نیروی داوطلب، به نیرویی حرفه‌ای و تخصصی تبدیل شود تا بتواند مراحل مختلف و پیچیده عملیات را جلو برد. بنابراین، حتی موفقیت در فراخوانی و اعزام تعداد کافی از نیروهای داوطلب نیز برای شکل دهی ۵۰۰ گردان رزمی مورد نیاز کافی نبود و سرمایه‌گذاری عظیمی، از جمله برای تدارک و تجهیز و به خصوص در زمینه نیروی انسانی متخصص و کادر، جهت آموزش و سازماندهی این نیروها، بایستی صورت می‌گرفت.

پس از یک بحث قرارگاهی سریع، تصمیم بر این شد که اسم عملیات را به کربلای ۴ و هدف آن را عملیات محدود برای جواب شرارت‌های اخیر ارتش عراق اعلان کنیم و به انتظار بررسی بیشتر و تصمیم در مورد ادامه کار بمانیم.

تردیدها، بحث‌ها و شرارت‌ها

در فاصله دو هفته بین دو عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ مذاکرات و مشورت‌های فشرده و پیچیده‌ای داشتیم. از سویی فضای امید و نشاطی که در دوره تجهیز نیروها و اعزام از جامعه داشتیم که انتظارات زیادی شکل گرفته بود و از سوی دیگر ضربه‌ای که به بخشی از نیروهای پیشتاز وارد شده بود و باعث تضعیف روحیه بخشی از فرماندهان و تقویت روحیه دشمنان شده بود، که تبلیغات سهمگین عراقی‌ها و امپریالیسم خبری آن را پیگیری می‌کردند.

کافی است خوانندگان محترم، متن مذاکرات یکی از جلسات مشورت ستادی و قرارگاهی را که اخیراً در نشریه وزین نگین منتشر شده، ببینند که گوشه‌ای از بحث‌های فشرده آن شرایط است.[1]

تصمیم شجاعانه

بالاخره در پایان جلسه در قرارگاه خاتم‌الانبیاء در ساعت ۴ بامداد روز ۱۸ دی ماه ۶۵ تصمیم نهایی گرفته شد و فرمان آماده شدن برای عملیات کربلای ۵ را صادر کردم و به تردیدها پایان دادم[2] و انصافاً عملکرد نیروها و فرماندهان ـ حتی آنها که از لحاظ نظری، مخالف انجام عملیات در آن زمان بودند ـ نمونه خوبی از انضباط نظامی و تعهد فرماندهان و نیروهای جنگ است.

کربلای ۵

سرانجام پس از آن فرمان تاریخی، در ساعت ۲ بامداد روز جمعه ۱۹ دی ماه ۶۵ عملیات کم‌نظیر کربلای ۵ آغاز شد که خوشبختانه در این مورد، دشمن کاملاً غافلگیر شد، زیرا فکر نمی‌کرد به این

---

۱ ـ بخشی از این مذاکرات در خاطرات نیمه اول دی ماه و بخش دیگر در بخش ضمایم درج شده است. خوانندگان ارجمند برای اطلاع از مشروح طرح ریزی و تصمیم‌گیری برای عملیات کربلای ۵ رجوع کنید ← کتاب "نبرد شرق بصره"، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

۲ ـ آقای هاشمی این تصمیم را چنین بیان کرد: "ما با آقایان اینجا مشورت کردیم. با توجه به همه اظهاراتی که شده، نظرمان این است که [عملیات] ان‌شاءالله فردا شب انجام شود و فرماندهی آقای رضایی که حضور دارند اینجا تا لحظات آخر (قبل از عملیات) مسائل را زیر نظر دارند. اگر وضع فوق‌العاده پیش نیامد، همین طور که دستور داده، عملیات انجام می‌شود. اگر ایشان تشخیص داد که خواست متوقف کنند، ولی فقط ایشان این حق را دارند، یعنی فرماندهان دیگر، این حق را ندارند".

زودی و تنها دو هفته پس از پایان عملیات کربلای ۴، ما بتوانیم اقدام به عملیات با آن وسعت دست بزنیم.

در این عملیات مواضع عراق در کانال پرورش ماهی، پنج ضلعی و شلمچه از سمت شمال مورد هجوم قرار گرفت و بسیاری از دژهای نفوذناپذیر تسخیر شد. به این ترتیب خشنودی عراق در متوقف کردن عملیات ابوالخصیب (کربلای ۴) دیری نپایید و دو هفته بعد، بصره که زمین‌های اطراف آن بسیار مسلح و نفوذناپذیر شناخته می‌شد، در مقابل هجومی جدید و تهدیدی جدی قرار گرفت؛ هجوم نیروهای پیاده‌ای که اگر به زرهی و هلی‌کوپتر تجهیز شده بودند، پیشروی آنان تا دروازه بصره، مسلم به نظر می‌رسید.

فرصت دادن به نیروهای رزمی ما و واگذاری این منطقه، به معنای تسلیم عراق و تحقق خواسته‌های ما در جنگ بود، لذا عراق پذیرفت که برای سد کردن رزمندگان ایران، بهای سنگینی بپردازد و با گسیل انبوه نیروهای خود به منطقه‌ای با وسعت کم، در زیر آتش شدید و مؤثر نیروها ایستادگی نماید. این اقدام که به متلاشی شدن شمار فراوانی از یگان‌های عراقی انجامید، بدین معنا بود که عراق برای از دست ندادن زمین شرق بصره، آماده پذیرش تلفات فراوان است. پیروزی ایران در این زمین، شمارش معکوس پایان جنگ را در پی داشت. عبور از استحکامات شرق بصره نشان داد پیروزی ایران در هر وضعیت متصور است.

عبور از موانع مستحکم شلمچه و شکستن خطوط دشمن و عبور از استحکامات کم نظیر که به نظر عراقی‌ها غیر قابل نفوذ خوانده می‌شد، افتخار بزرگ نظامی در تاریخ نبردهای کلاسیک به نام رزمندگان ایران اسلامی ثبت کرد و نتایج حاصل از این عملیات، سند محکمی بر قدرت نظامی ایران در سال ششم جنگ است. در این حال تلاش گسترده‌ای برای جلوگیری از شکست ارتش عراق صورت گرفت که در نهایت به تصویب قطعنامه ۵۹۸ انجامید.

در عملیات کربلای ۵ تعدادی از شیرمردان جبهه از جمله حسین خرازی فرمانده دلاور لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و اسماعیل دقایقی فرمانده غیور لشکر ۹ بدر، شربت شیرین شهادت نوشیدند.

همان روزها اخبار تأمل انگیزی به دست آمد که کارشناسان نظامی از شرق و غرب و همراه با خود صدام، در قرارگاه‌های جنوب عراق به منظور جلوگیری از تسلط ایران بر منطقه استراتژیک و نفت‌خیز بصره، با فرماندهان نظامی عراق همکاری داشته‌اند و در اثر همان پشتیبانی‌ها بود که در مراحل میانی و نهائی عملیات، مقاومت ارتش عراق خیلی سخت و جدی شده بود، به طوری که آقای شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه و فرمانده میدان عملیات می‌گفت درگیری‌ها آن چنان سخت و

فشرده شده بود که به جنگ تن به تن منجر می‌شد، مثل اینکه نیروهای دو طرف با مشت به صورت یکدیگر بزنند. آنها آمریکا را هم به خاطر استفاده ایران از موشک‌های تاو آمریکایی در انهدام وسیع تانک‌های بعثی و استفاده از موشک‌های دقیق هاک در جلوگیری از حملات هوایی، مورد انتقاد قرار داده‌اند.

بعداً مطلع شدیم آمریکایی‌ها بودند که صدام را از برنامه عملیات ما مطلع کرده‌اند و این کار منجر به عدم دسترسی به اهداف در عملیات کربلای ۴ شد و در تمام روزهای عملیات کربلای ۴ و ۵، ماهواره‌ها و هواپیماهای جاسوسی آواکس آمریکا، مأمور کنترل منطقه و دادن اطلاعات لازم به ارتش بعث بوده‌اند و در جریان دخالت‌های علنی آمریکا در درگیری‌های خلیج فارس علیه نیروهای ما، شواهد بیشتری از تلاش آمریکا، برای جلوگیری از پیروزی مطلق ایران به دست آمد.

کار ناتمام

نیمه کاره و ناتمام ماندن عملیات کربلای ۵ و عدم امکان پیشرفت تا حد کنترل بصره، باعث شد که این عملیات هم حرکت نهایی و سرنوشت ساز موعود نشود و یک سال و نیم دیگر جنگ ادامه یابد و در سال ٦٦ بار دیگر شاهد پشتیبانی‌های بی دریغ شرق و غرب و ارتجاع از رژیم بعثی رو به زوال باشیم.

سفرهای فراوان جنگی

در این سال و مخصوصاً نیمه دوم سال به خاطر نظارت بیشتر بر امور جنگ، سفرهای فراوانی به جنوب و غرب و مناطق جنگی داشتیم.

با توجه به مسئولیت اداره مجلس که نشان حضور من در تهران هم بود، تنظیم سفرها تبدیل به برنامه پیچیده‌ای شد که دشمن از غیبت من و حضورم در جبهه‌ها، کمتر مطلع شود. تنوع مسیرها و استفاده از لباس مبدل و راه‌های فرعی و ماشین و قطار و گاهی هواپیما از لوازم این برنامه است[1].

بستگان و فرزندان

از ویژگی‌های دفاع مقدس ما، شرکت شخصیت‌ها و فرزندان آنها در دفاع مقدس، همدوش سایر

---

۱ ـ آقای هاشمی در سال ۱۳٦۵ در مجموع ۱۰ سفر به مناطق جنگی استان خوزستان انجام داد. چهار سفر با قطار و شش سفر با اتومبیل بود. ۵ فروردین تا ۹ فروردین، ۴ مهر تا ۷ مهر، ۱۸ آذر تا ۲۳ آذر، ۳۰ آذر تا ۵ دی با قطار و ۹ دی تا ۱۲ دی، ۱۷ دی تا ۲۴ دی، ۲۸ دی تا ۴ بهمن، ۱۲ بهمن تا ۱۷ بهمن، ۳۰ بهمن تا ۳ اسفند و ۸ اسفند تا ۱۵ اسفند با خودرو به سفرهای جبهه پرداخت.

رزمندگان گمنام و داوطلب است. در این سال و سال‌های قبل، نوه امام و فرزندان قائم مقام رهبری و رئیس جمهور و بسیاری از وزرا و نمایندگان و قضات و علما، در میدان‌های نبرد به صورت مکرر و گمنام شرکت داشته‌اند و دو فرزند اینجانب در خط مقدم جبهه، مجروح و یکی از آنها مصدوم شیمیایی شد که هنوز هم آثار رنج دهنده آن ادامه دارد.

در این خصوص چند نامه به فرزندان خودم و خواهر بزرگم که فرزندش [شهید محسن شریفیان] به شهادت رسیده و خواهرزاده دیگرم که فرزندش را تقدیم جهاد مقدس کرده، نوشته‌ام که بتواند دستاورد قابل توجهی در معرفی فضای جهاد مردمی در راه اسلام و وطن باشد[1].

صنایع نظامی

با استفاده از منابع مالی که امام اجازه داده بودند و با استفاده از تجارب سال‌های سابق جنگ، تحولی مهم در صنایع نظامی آفندی و دفاعی‌مان در این سال به وجود آمد که با تداوم آن در سال‌های پس از جنگ، ایران را تبدیل به یک قدرت قابل توجه در صنعت نظامی کرد، به خصوص که این صنایع، براساس درک درست از نیازهای واقعی نظامی شکل گرفت.

در این سال برای کاهش مشکلات تأمین تجهیزات مورد نیاز جنگ، ابتکارهایی به عمل آمد، از جمله اینکه با همکاری تعدادی از کارگاه‌های بخش خصوصی و همچنین کارخانجات صنعتی، تولید گلوله خمپاره و توپ را افزایش دادیم. با تلاش صنایع دفاع، برخی انواع سلاح‌های سبک تولید شد و یا به تولیدات آنها افزوده شد. بسیاری از تجهیزاتی که خسارت دیده بود، بازسازی و قابل استفاده مجدد شد. با همکاری دانشگاه‌ها برخی از نیازها از جمله خنثی کننده‌های سلاح‌های شیمیایی و نیز داروهای ضروری جبهه‌ها ساخته شد. با این همه، نیاز به تجهیزات و تسلیحات سبک و سنگین چیزی نبود که به سادگی مرتفع شود.

تولید اکثر مهمات مصرفی جنگ، تعمیر کشتی‌ها، تانک‌ها، توپ‌ها، هواپیماها، بالگردها و رادارها، ساخت انبوه توپ‌ها و خمپاره اندازها، ساخت قایق‌های سریع‌السیر نظامی و دو منظوره، شروع ساخت زیر دریایی‌ها و مین‌ها و مین روب‌ها و مین‌کوب‌ها، صنایع دفاع شیمیایی و صنایع مخابرات و ابزارسازی و سرانجام توجه ویژه به ساخت موشک‌های کوتاه برد، میان برد و دوربرد انجام شد که اهمیت نقش آنها در جنگ و به خصوص جنگ شهرها به اثبات رسیده بود و توانستیم در سال آخر جنگ، استفاده عملیاتی از آنها را آغاز کنیم.

---

۱ ـ متن نامه‌ها را می‌توانید در بخش ضمایم همین کتاب مطالعه کنید.

اهمیت صنعت موشکی به نظر خودم آن چنان بالا بود که از محسن ـ فرزندم ـ که رشته تحصیلی‌اش به درد صنعت موشکی می‌خورد، خواستم تحصیلش را ناتمام بگذارد و برگردد. او آمد و سپس سرپرستی یکی از حساس‌ترین بخش صنعت موشک‌سازی را به عهده گرفت.

با تلاش جوانان عالم و فداکار، این برنامه پس از جنگ هم ادامه یافت و خوشبختانه ثمره این جهاد صنعتی دفاعی، به جائی رسیده که امروز ابرقدرت‌های ناسازگار با انقلاب اسلامی، قدرت موشکی ایران را در ردیف خطرهای جدی منافع نامشروعشان ارزیابی می‌کنند و آخرین صحنهٔ بروز آن، پرتاب ماهواره "امید" به فضا و قرارگرفتن آن در مدار مشخص شدهٔ اطراف کره زمین است که آن هم، پایه‌اش را از احساس نیاز دوران دفاع مقدس دارد و البته در اینجا باید از نقش رهبر کشور دوست لیبی و همچنین کره شمالی، در تحویل سایت موشکی و موشک‌های دوربرد مورد نیاز، برای مقابله به مثل شرارت‌های صدام حسین مدعی دفاع از عروبت هم قدردانی شود که باعث تسریع آشنایی دانشمندان ما با فنون موشکی شد.

در لابلای خاطرات روزانه، موارد فراوانی از مراجعه مسئولان صنایع دفاع و رفع موانع و مشکلات آنها و تأمین مالی پروژه‌های دفاعی در عین مشکلات فزاینده اقتصادی کشور، می‌خوانید.

نگرانی از حال امام

هفتم فروردین که برای سرکشی وضع جبهه در خوزستان بودم، دفتر امام برای یک امر مهم و ضروری و فوری، از من خواستند که به تهران برگردم. معلوم شد که از رئیس جمهور هم که در آن زمان خارج از تهران بوده‌اند، خواسته شده که خودشان را به تهران برسانند و متوجه شدیم که مسأله به کسالت امام مربوط است.

پس از مراجعت، در جلسه‌ای با حضور پزشکان معالج امام و حاج سید احمدآقا معلوم شد که امام در لحظه‌ای زنگ خطر را ـ که با توجه پزشکان، همیشه همراه داشتند ـ به صدا در آورده‌اند و یکی از پزشکان معالج سریعاً خود را به امام رسانده و ایشان را در حال بیهوشی یافته و با ماساژ مخصوص، امام را از بیهوشی در آورده و ایشان را به بیمارستان کوچکی که با تدبیر احمدآقا و پزشکان در جنب منزل امام در جماران ساخته شده، منتقل کرده‌اند و به لطف خداوند حالشان به سرعت بهبود یافته و در هنگام زیارتشان، کاملاً عادی به نظر می‌رسیدند و پزشکان گفتند خطر رفع شده و ضرورت مراقبت دائم تأکید شد.

مسأله آیت‌الله منتظری و قائم مقامی رهبری

مشکل دیگری که در طول سال ۶۵ در جای جای خاطرات به چشم می‌خورد، مسأله بیت و شخص آیت‌الله منتظری و سید مهدی هاشمی و در نتیجه قائم مقامی رهبری است که با توجه به وضع حال امام، خود یک مسأله فوری و حیاتی جلوه می‌کرد. در این باره چند نقطه مشخص در این خاطرات وجود دارد:

۱ - شخص آیت‌الله منتظری، با توجه به مقام نیابت رهبری و امام که به تصویب مجلس خبرگان رهبری هم رسیده بود، ایشان شخصیت دوم نظام و امید آینده به شمار می‌رفت؛ مواضع و اظهارات و اقدمات ایشان، مورد توجه محافل داخلی و خارجی بود.

۲ - ایشان در اظهارات خودشان، صریحاً از دولت، مجلس، قوه قضائیه و جنگ، انتقاد می‌نمودند و رسانه‌های داخلی و خارجی، مواضع ایشان را بزرگنمائی می‌کردند؛ چیزی که با توجه به شرایط، مورد رضایت شخص امام و مسئولان کشور نبود.

۳ - آقای سید مهدی هاشمی که سخت مورد اعتماد آقای منتظری بود، اقدامات و اظهارات و مواضع غیرمنطبق با مواضع نظام بروز می‌داد و مسئولان امنیتی و اطلاعاتی کشور، آنها را مخالف امنیت نظام می‌دیدند و مشروح به اطلاع امام و سران نظام می‌رساندند. او در بیت آقای منتظری از طریق برادرش [سید هادی هاشمی] - داماد ایشان - نفوذ داشت و امام نظر مساعدی به وضع بیت ایشان و اطرافیان نداشتند و نگرانی خودشان را صریحاً در جلسات ملاقات با سران قوا ابراز می‌داشتند و از ما می‌خواستند، برای نجات نظام و شخص آقای منتظری اقدام کنیم و جلسات مکرر ما با ایشان در قم و تهران و مذاکرات مفصل و تکراری هم مشکل را حل نمی‌کرد.

رفته رفته امام به این نتیجه رسیدند که خودشان باید برای حفظ وضع فعلی و آینده نظام اقدام کنند و چند بار صریحاً در جمع سران نظرشان را ابراز کردند که از طرف ما با اظهار نگرانی از نتایج آن، عکس‌العمل داشت. سرانجام قاطعیت امام وارد مرحله عمل شد که نتیجه آن تحت تعقیب قرار گرفتن سید مهدی هاشمی و عزل آیت‌الله منتظری از منصب قائم مقامی رهبری بود.

خوانندگان محترم در یادداشت‌های روزانه این سال، به تدریج در جریان حوادثی که به این نتیجه منجر شد، قرار می‌گیرند.

اختلافات خطی و جناحی

اختلافات خطی بین دو جریان عمده فکری نیروهای انقلاب هم با مقداری تخفیف در سال ۶۵ ادامه

یافت. البته با تکمیل کادر دولت و مدیران سطح بالا و جلب توجهات بیشتر به جبهه و مسأله قائم مقامی رهبری و آینده نظام، با توجه به تشدید کسالت امام، شدت سال گذشته را نداشت و گاه گاهی خودنمائی می‌کرد.

از جمله فعال شدن دستگاه قضائی روی پرونده انفجار نخست وزیری و بازداشت چند نفر که از جناح رادیکال بودند و متهم شدن افرادی در سطح بالای آن جناح، باعث بروز تشنجات و تخاصم‌ها شد. امام با ملاحظه این وضع و با توجه به شرایط خطیر کشور، این اقدام را مغایر مصلحت تشخیص دادند و دستور بستن پرونده و آزادی بازداشتی‌ها را صادر کردند.

تعزیرات

از جمله اختلافات دیگر که خالی از تفکرات جناحی هم نبود، مسأله قانون تعزیرات بود که شورای نگهبان با آن موافقت نمی‌کرد و ضرورت آن برای اداره کشور در زمان جنگ مشهود بود. کار به دخالت امام کشید و با دخالت ایشان این مشکل هم رفع شد.

مصوبات مجلس

مجلس شورای اسلامی در سومین سال دوره دوم، علیرغم شرایط خاص جنگ، فعالیت بسیار پربار و شایسته‌ای داشت. در این سال ۷۰ لایحه و طرح به تصویب رسید و ۲۰ لایحه و طرح پس از بررسی توسط نمایندگان رد شد. قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران، قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، قانون ممنوعیت وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور، قانون بازپرداخت اوراق قرضه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون بودجه سال ۱۳۶۶ کل کشور در این سال به تصویب رسید.

حرف آخر

این جلد از خاطرات، نهمین کتاب خاطرات من است. کتاب "دوران مبارزه" مربوط به قبل از انقلاب و بقیه مربوط به بعد از پیروزی انقلاب می‌باشد. خاطرات قبل از انقلاب با شیوه مصاحبه تهیه و تنظیم شده و سال‌های ۵۷، ۵۸ و ۵۹ هم با مصاحبه و از روی اسناد تنظیم گردیده است. در آن سال‌ها یادداشت روزانه نداشتم، ولی سخنرانی‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و مصاحبه‌های فراوانی داشتم که به اندازه

کافی سند معتبر برای نوشتن خاطرات در اختیار می‌گذارند.

اما از اول فروردین سال ۶۰ هر روز در یک صفحه از سررسید همان سال، یادداشت‌هایی درباره کارهای خودم و حوادث مهم داخلی و خارجی می‌نویسم و این کار تاکنون ادامه دارد و عملاً برای هر سال یک کتاب آماده در یک تقویم [سررسید] بزرگ موجود است و بنا داریم هر سال یک جلد از آن توسط دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شود.

در چاپ و نشر خاطرات، تقریباً عین عبارات مکتوب دستی من می‌آید، جز در مواردی که اشتباهی باشد و یا نشر آن ضرری داشته باشد و یا به کسی توهین شود. سعی می‌شود مطالب مربوط به دیگران در صورتی که احتمال عدم رضایت طرف داده شود، با خود او در میان گذاشته شود و در صورت عدم موافقت، نوشته نمی‌شود.

در موارد بسیار نادری، اگر چیزی هنوز از اسرار نظام باشد، چاپ نمی‌شود اما چون هنگام نوشتن، توجه داشته‌ام که موارد سری را ننویسم، بنابراین موارد حذف، نزدیک به صفر است. معمولاً قبل از چاپ، نسخه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای می‌دهم و نظر ایشان را می‌خواهم. ایشان در موارد کمی اظهار نظر می‌کنند.

دفتر نشر معارف انقلاب در کنار انتشار کتاب خاطرات، چند کتاب دیگر شامل مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌ها، مجموعه خطبه‌های جمعه، مجموعه مصاحبه‌ها و مجموعه نطق‌های پیش از دستور مجلس شورای اسلامی، مربوط به همان سال را ضمیمه کتاب اصلی منتشر می‌کند که این کتاب‌ها می‌توانند مستندات مطالب خاطرات یا توضیحات بیشتر و یا مستقل از آن باشند.

در پاورقی کتاب خاطرات نیز ویراستار توضیحاتی راجع به مطالب مبهم می‌نویسند که معمولاً با کسب نظر خود من است. به هر حال سعی و وقت زیادی می‌شود که اصالت و صحت مندرجات تضمین شود و تغییرات، بسیار جزیی و معمولاً لفظی است و اگر در ویراستاری کلمه‌ای اضافه شود، در داخل کروشه می‌آید.

خوشبختانه دفتر نشر معارف انقلاب متن تمامی خاطرات نگاشته شده را به لوح فشرده هم منتقل کرده است که در صورت آسیب دیدن یادداشت‌ها، نسخه‌های دیگری وجود داشته باشد.

از خداوند متعال شاکرم که توفیق ثبت تاریخ مشعشع انقلاب را تا آنجا که به خود من مربوط است و نیز توفیق نشر بخشی از آن را عطا فرموده است. از تمام کسانی که در این راه مساعدت دادند متشکرم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۸۷/۱۱/۲۷



آیت الله هاشمی رفسنجانی - ۱۳۶۵

یادداشت ناشر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس بی‌پایان، مخصوص پروردگار بی‌همتاست که به ما توفیق عنایت فرمود تا برگ دیگری بر تاریخ زرین انقلاب شکوهمند اسلامی و یادمان سال‌های سراسر افتخار و از جان گذشتگی دفاع مقدس بیفزاییم.

اکنون دفتر نشر معارف انقلاب، جای خود را در میان ناشران کشور یافته است و ابراز لطف خوانندگان ارجمند و ملت شریف و فهیم ایران اسلامی، ما را بیش از گذشته مصمم ساخته است تا تلاش خود را برای انتشار کتاب‌های تاریخ انقلاب اسلامی افزون کنیم.

اردیبهشت سال ۸۷ برایمان فراموش ناشدنی است. کل شمارگان ۳۰۰۰ نسخه‌ای کتاب "امید و دلواپسی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۴" در دو روز نخست نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در مصلای امام خمینی(ره) تهران به فروش رفت. این رکورد بزرگی برای کتاب‌های تاریخی در ایران و به گفته ناشران، امری کم نظیر است. دفتر نشر معارف انقلاب از این استقبال بی‌شائبه و پرشور ملت قدرشناس، متشکر و ممنون است و خود را رهین منت توجه مردم می‌داند و به آن سرخوشانه می‌بالد.

اینک دفتر نشر معارف انقلاب بر اساس قول خود، صحیفه دیگری از خاطرات روز نوشت حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تقدیم فرهیختگان، تاریخ پژوهان و علاقمندان تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌نماید.

در این کتاب نیز همانند کتاب‌های خاطرات پیشین شامل دوران مبارزه، انقلاب و پیروزی، انقلاب در بحران، عبور از بحران، پس از بحران، آرامش و چالش، به سوی سرنوشت و امید و دلواپسی، خاطرات یک سال آمده است. در سال ۱۳۶۵ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جانشینی فرمانده کل قوا و فرماندهی جنگ را عهده‌دار بودند. همچنین ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت امام خمینی(ره) در شورای عالی دفاع را برعهده داشتند و به دلیل نزدیکی به امام عملاً در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های کلان کشور، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند.

بنابراین مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها به صورت روز نوشت به رشته تحریر در آمده است، علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهندهٔ بخشی از تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سال‌ها می‌باشد و قطعاً این خاطرات در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی، دستمایه مفید و ارزشمندی برای پژوهشگران و مورخان خواهد بود.

انتخاب نام کتاب‌ها مانند همه کتاب‌های قبلی توسط خود آقای هاشمی انجام شده است. ایشان با توجه به کلیات خاطرات یک سال، نامی را انتخاب می‌کنند و خوشبختانه این نام‌ها با استقبال دست‌اندرکاران عرصه کتاب و کتابخوانی مواجه شده است.

در این کتاب تغییراتی نسبت به کتاب‌های خاطرات قبلی مشاهده می‌کنید که حاصل توجه به دیدگاه‌ها و نظرات شما عزیزان می‌باشد که در نامه‌ها و یا تماس‌های تلفنی و یا در نمایشگاه‌های کتاب ابراز کرده‌اید. سعی ما بر آن بوده که پاورقی و توضیحات کتاب را بیشتر و پرمحتواتر کنیم. بخش تصویری کتاب را غنی‌تر کرده‌ایم و از صفحه آرابی جدیدی برای زیبایی بصری صفحات استفاده نموده‌ایم. تقاضا می‌کنم نظرات خود را مانند قبل با ما در میان بگذارید که نقایص و ایرادات موجود را برطرف نمائیم.

دفتر نشر معارف انقلاب خوشبختانه توانست به تقاضای فراوان برای تجدید چاپ کتاب‌های گذشته، جامهٔ عمل بپوشاند و مجموعه ۵ جلدی خاطرات را به بازار کتاب عرضه نماید.

دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ـ که اکنون همکاری و مساعدت‌های شایسته‌ای دارند ـ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توفیق عرضه سریع مجلدات را به شما خوانندگان محترم به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا متونی صحیح، پاکیزه و روان با اسناد دست اول و عکس‌ها، نقشه‌ها و مستندات تاریخی انتشار دهد. در این مسیر نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگوار هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه‌های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی سهیم باشند.

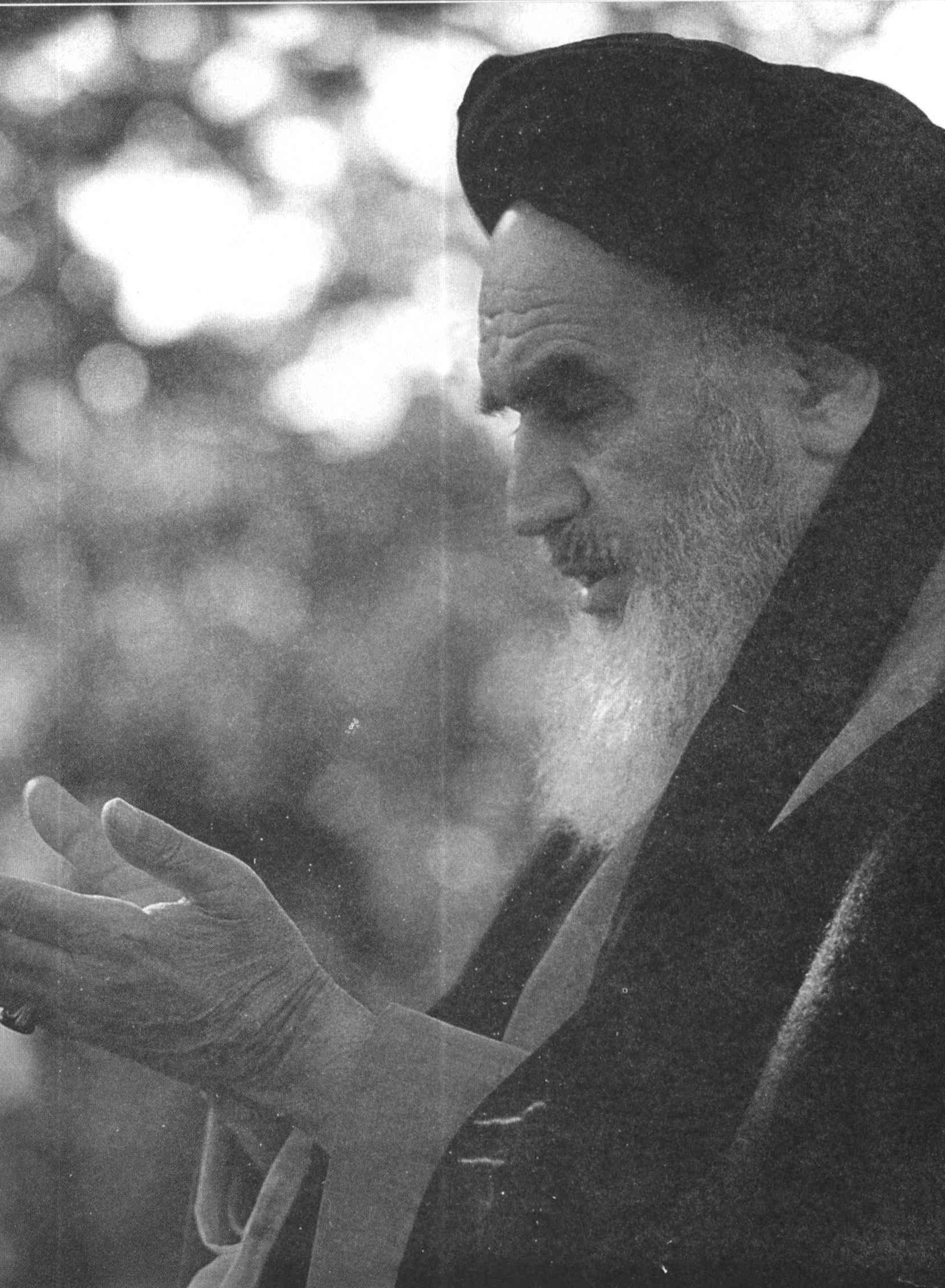
همچنین تشکر ویژه دارم از همکاری و مساعدت ارزشمند و صمیمانه دوست عزیزم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی و جناب آقای حمید انصاری و همکاران تلاشگرشان در دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) که قبول زحمت کردند و کتاب‌های دفتر از جمله این کتاب را مطالعه کردند و نظرات صائب و مفیدی را ارائه دادند. امیدوارم این همکاری استمرار داشته باشد.

از درگاه خداوند سبحان مسئلت می‌نمائیم توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی اداء کنیم.

در پایان لازم می‌دانم از تلاشهای جناب آقایان مسعود سپهر و شهرام اصغرنیا و همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب جناب آقایان سید علی نقی موسوی، حبیب‌الله حمیدی، داریوش باریکانی، جلال خیمه‌کبود، مجید اسدی، مسعود هاشمی، اشکان هاشمی و مجتبی غفوری‌پور و سرکار خانم کاشانی‌زاده و همچنین ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر کنم.

دفتر نشر معارف انقلاب
محسن هاشمی
زمستان ۱۳۸۷

فروردین ۱۳۶۵



جمعه ۱ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۰ رجب ۱۴۰۶ 21 March ۱۹۸۶

به نماز جمعه رفتم[1]. در جماران برف می‌بارید اما در دانشگاه تهران هوا آفتاب کمرنگی داشت. هوا سرد بود. لشکر فجر مجاهدان عراقی برای رفتن به جبهه در نماز جمعه شرکت داشتند[2]. به همه کارکنان دفترم مثل هر سال، هزار تومان عیدی دادم.

اول وقت آقایان محسن رضایی و صیاد [شیرازی][3] اطلاع دادند دیشب دشمن در منطقه پنجوین حمله کرده و ارتفاع کانی مانگا را از ارتش ما گرفته است. صیاد آمد، توضیح داد و برای جبران مافات به سوی [جبهه] غرب حرکت کرد.

امام برخلاف معمول هر سال با مسئولان جلسه نداشتند و فقط خانواده‌های شهدا به زیارت امام

---

۱ - در خطبه اول نماز موضوع عید نوروز از دیدگاه اسلام مورد بحث قرار گرفت و درباره تحول روحی در انسان‌ها و نگاه مثبت اسلام به لزوم ایجاد تحول در زندگی شخصی و اجتماعی انسان با فرا رسیدن سال جدید مطالبی مطرح شد. در خطبه دوم نماز مسایل جنگ و نتایج عملیات والفجر ۸ و شرایط جدید مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "جنگ اکنون به مقطع حساسی رسیده و اگر ما خوب برخورد کنیم و پشت قضیه را درست بگیریم و مسئولین، مردم، رزمندگان و تمامی ارگان‌ها و مردم آشنا به اسلحه، حساسیت این مقطع را به خوبی لمس کنند، سال جدید ما نیز ان‌شاءالله سال پیروزی و موفقیت خواهد بود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - نیروهای لشکر فجر متشکل از معاودین عراقی در این روز از مقابل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در میدان فردوسی تا محل برگزاری‌مراسم نماز جمعه در دانشگاه تهران را رژه رفتند و پس از شرکت در نمازجمعه، راهی جبهه‌های نبرد شدند.

۳ - آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سرهنگ علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی‌بودند.

رفتند. عصر عفت و یاسر همراه آقای خامنه‌ای به مشهد رفتند. فائزه هم به رفسنجان رفته است. من و مهدی در منزل ماندیم[۱]، مراسم عید نداشتیم و دید و بازدیدی نبود.

شنبه ۲ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۱ رجب ۱۴۰۶   ۲۲ March ۱۹۸۶

صبح زود فاطی و سعید به رفسنجان رفتند. من و مهدی در تهران ماندیم. برای سخنرانی در سمینار سید رضی، بیشتر به مطالعه درباره او و حکام زمانش پرداختم[۲].

آقای سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد و گزارش داد که دیشب نیروهای ارتش در پنجوین بخشی از آنچه پریشب از دست داده بودند، پس گرفته‌اند. از اطرافیان خاص [سرهنگ صیاد شیرازی]فرمانده نیروی زمینی شاکی بود و ضعف نیروی زمینی را معلول کارهای آنها و حذف نیروهای لایق می‌دانست و علاج را در برکناری آنها عنوان می‌کرد و برای فرماندهی نیروی زمینی، سرهنگ [حسین]حسنی سعدی را پیشنهاد می‌کرد.

فائزه از رفسنجان تلفن کرد. معلوم شد به زمین خورده و بیهوش شده ولی سریعاً علاج شده است. عصر عفت از بعضی ناهماهنگی‌ها در مشهد تلفنی گله کرد.

با آقای [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور تلفنی صحبت کردم و گفتم خوب است با آقای فهد ـ شاه عربستان ـ تلفنی صحبت کنند و او را تشویق نمایند که با اوپک بهتر همکاری کنند. گویا مذاکرات کنفراس اوپک پیشرفت کرده و تولید کنندگان نفت تلاش می‌کنند قیمت را به همان بیست و هشت دلار در هر بشکه برسانند و راه را هم کم کردن تولید می‌دانند و فعلاً بحث بر سر مقدار کاهش تولید

---

۱ - بانو عفت مرعشی همسر آقای هاشمی و فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر فرزندان و دکتر حمید لاهوتی و دکتر سعید لاهوتی دامادهای ایشان هستند.

۲ - ششمین کنگره نهج‌البلاغه به نام "هزاره سید الرضی" از روز ۴ فروردین ۱۳۶۵ به مدت ۵ روز با سخنرانی دانشمندان ایرانی و خارجی درباره شخصیت فرهنگی سیدرضی در حسینیه ارشاد برگزار شد. ابوالحسن محمد بن الحسین الموسوی، معروف به سید رضی و شریف رضی، متولد سال ۳۵۹ هجری در بغداد، با پنج واسطه از سوی پدر به امام موسی الکاظم(ع) و با چند واسطه از سوی مادر به امام زین‌العابدین، علی بن الحسین(ع) و به روایتی به امیرالمومنین(ع) می‌رسد. پدرش ابواحمد حسین بن موسی، از روزگاری کهن نقیب سادات علوی بغداد بوده است. سید رضی در دوران جوانی به تفسیر و توضیح آیات الهی روی آورد. عشق و علاقه وی به قرآن از همان اوایل کودکی آغاز شده بود. چنانکه بعد از یادگیری، اُنس دایم و رابطه همیشگی با قرآن برقرار کرد و در سی سالگی در مدت کوتاهی قرآن را حفظ کرد. او همواره با زمزمه کلام الهی آینه دل را جلا می‌بخشید. بعد از گذراندن علوم مختلف قرآنی علاوه بر شیرینی قرائت دوران کودکی، خود را با دریایی از زیبایی‌های روح بخش همراه می‌یافت که وسعتش بی انتها و غایتش بی منتها بود. سید رضی محو در جمال تابناک آیات الهی دست به قلم برد تا قطره‌ای از دریای بیکران تعالیمش را برصفحه روزگار جاری سازد. ثمره این تلاش با اخلاص از جمله گردآوری کتاب سترگ "نهج البلاغه" بوده است.

نفت و سهمیه‌هاست؛ گویا عربستان صمیمانه همکاری نمی‌کند و وقت‌کشی می‌نماید.

شب دکتر [حسن]روحانی آمد. درباره جنگ مذاکره کردیم. گزارش هیأت اعزامی به [جبهه] غرب را آورد که برای مقصران عقب نشینی از منطقه چوارتا، تقاضای تنبیه کرده‌اند. شب محسن رضایی تلفنی خواست که نیروهای جهاد رزمی از جبهه شمال غرب به جنوب بروند و صیاد خواست که همان جا بمانند. قرار شد فردا تصمیم بگیریم.

یکشنبه ۳ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۲ رجب ۱۴۰۶   ۲۳ March ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. کتابخانه‌ام را تنظیم کردم. با جلسه فرماندهان ستاد قرارگاه خاتم در تماس بودم. در این جلسه مسائلی در ارتباط با تبادل امکانات ارتش و سپاه برای جنگ مانند توپخانه، نیرو و... مطرح بود. جلسه تا ساعت چهار بعد از ظهر طول کشید و بالاخره به نتایجی رسیدند؛ لابد مثل گذشته در مرحله اجرا به اشکال برمی‌خوریم. تعدّد مراکز نظامی [ارتش و سپاه] مضّر است و نمی‌شود چاره‌ای کرد؛ جوش کاری هم مسکّن است نه علاج.

خبر دادند که ارتش از منطقه کانی مانگا و گزیشن ـ دو ارتفاع مهم در منطقهٔ پنجوین عراق ـ عقب نشینی کرده است و لابد به اینجا هم ختم نمی‌شود. این ارتفاعات را در عملیات والفجر چهار گرفته‌ایم.

آقای سعیدی از ژنو تلفن کرد و گفت کنفرانس اوپک تصمیم گرفته است سطح تولید نفت را به چهارده میلیون بشکه در روز کاهش دهد و تولیدکنندگان خارج اوپک هم قبول کرده‌اند که تولیدشان را کم کنند، ولی مقدار را نگفت. ضمناً سهمیه عراق را یکصد وهفتاد هزار بشکه بالا برده‌اند. در پذیرش این توافق تردید داشت. گفتم اگر مخالفت با ازدیاد سهمیه عراق موجب به هم خوردن تصمیمات اوپک شود، بپذیرند. باید برای حفظ قیمت نفت فداکاری کنیم و ضرر سیاسی را با توضیح جبران نماییم.

عصر احمدآقا آمد. دربارهٔ احتمال دخالت خطوط سیاسی در پرونده انفجار نخست وزیری، لزوم اجرای عدالت، مشکلات تضاد ارتش و سپاه، پیشنهاد ادغام نیروی زمینی ارتش در سپاه، مطرح شدن سپاه به عنوان نیروی زمینی ارتش و حفظ دو نیروی هوایی و دریایی، ضعفهای قوه قضائیه و لزوم تقویت شورای [عالی]قضائی بحث شد.

شب آقایان [علی]شمخانی و [محسن]رفیق‌دوست آمدند. از عملکرد سپاه و تداوم عملیات

والفجر ۹ گله کردم و گفتم شما کار را شروع کردید و آن را ناقص به دست ارتش دادید و خودتان را عقب کشیدید و اهمیت لازم را به موضوع ندادید و عراق بخشی از شکست خود را جبران کرده و ارتش تحقیر و فتح مخدوش شده است[1].

پیشنهاد گسترش واحدهای سپاه را داشتند. گفتم وضع موجود را تقویت کنند. پیشنهاد تعویض [سرهنگ صیاد شیرازی] فرمانده نیروی زمینی را داشتند؛ گفتم طرحتان را بیاورید. در مقابل اشکالات پاسخی نداشتند. شام را با مهدی، حاضری خوردیم.

دوشنبه ۴ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۳ رجب ۱۴۰۶ ۲۴ March ۱۹۸۶

صبح به احمدآقا تلفنی گفتم به امام عرض کند که امروز در صحبتهای خودشان، مردم را تشویق به رفتن به جبهه‌ها کنند. از آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر درباره نتایج جلسات اوپک پرسیدم. معلوم شد دیشب وزیر نفت اندونزی با کاهش سهمیه‌اش مخالفت کرده و نزدیک بوده همه چیز از هم بپاشد که ایران شرط خود را پس گرفته و پیشنهاد بررسی بیشتر داده و تصمیم‌گیری به امروز موکول شده است. مثل اینکه عمال استعمار نمی‌گذارند کار به خوبی پیش رود و کارشکنی می‌کنند.

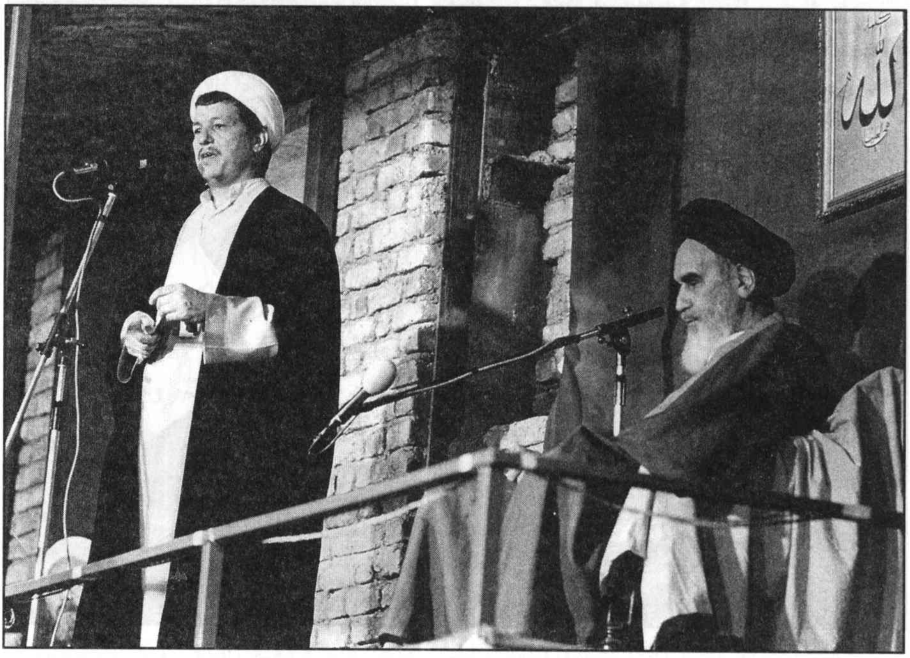
به زیارت امام رفتیم. ملاقات رسمی بود. آیت‌الله خامنه‌ای به مشهد رفته‌اند. من [میلاد امام علی(ع) را] تبریک گفتم. امام هم مفصل صحبت کردند و مخالفان جنگ را مورد ملامت قرار دادند و تشویق به جبهه رفتن کردند[2]. به خانه برگشتم.

---

۱ ـ اولین عملیات از سلسله نبردهای مربوط به استراتژی تعقیب دشمن در جبهه شمالی، در منطقه چوارتا با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در سه محور در اسفند ۶۴ اجرا شد و نیروهای خودی توانستند در دو مرحله به اهداف مورد نظر همچون ارتفاعات کوخ نم نم، ناصر، ماماخلان، موبرا، پلنگه سور و قله کاژال پیر ـ که از بلندترین قلل منطقه است ـ دست یابند. چند روز پس از پایان عملیات والفجر ۹ و تحویل خط به نیروهای پدافندی، در حالی که مناطق متصرفه هنوز به طور کامل تثبیت نشده بود، نیروهای عراقی توانستند کلیه نقاط تصرف شده را باز پس گیرند. نکته حائز اهمیت، هم زمانی این عملیات با عملیات والفجر ۸ بود، یعنی در حالی که توان اصلی سپاه در منطقه فاو درگیر بود، یگان‌های تازه تأسیس سپاه، عملیات والفجر ۹ را انجام دادند و توانستند در تهاجم خود موفق باشند و چنانچه درست تثبیت می‌کردند و نیروهای پدافندی جایگزین آنها قادر به حفظ منطقه می‌شدند، نیروهای ایران در منطقه سلیمانیه به موفقیت ممتازی دست می‌یافتند. آن عملیات نشان داد که در صورت گشودن دو جبهه هم زمان علیه ارتش عراق، توان دشمن تجزیه می‌شود و قادر نخواهد بود در دو جبهه مجزا و به طور هم زمان به مقابله برخیزد.

۲ ـ در این دیدار که به مناسبت میلاد حضرت امام علی(ع) انجام شد، مسئولان کشور و جمعی از سفیران و کارداران کشورهای اسلامی حضور داشتند. ابتدا آقای هاشمی رفسنجانی با تبریک میلاد با سعادت پیشوای اول شیعیان جهان، درباره اهمیت روز سیزدهم رجب مطالبی بیان کرد.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)



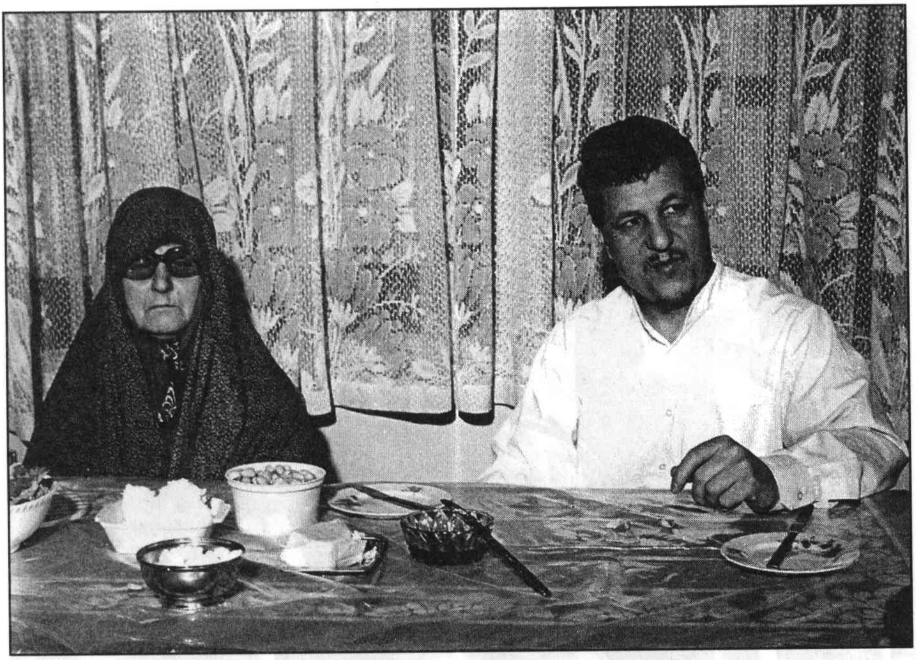
آقایان اروج و اقبالی آمدند. برنامهٔ مسافرت به خوزستان و جبهه را با قطار تنظیم کرده‌اند؛ موافقت کردم. عصر به حسینیه ارشاد رفتم و در مراسم [بزرگداشت] هزارمین سال [تولد]سید رضی که بنیاد نهج‌البلاغه تشکیل داده بود، سخنرانی کردم[1]. برای این سخنرانی زیاد مطالعه کرده بودم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ایشان با یادآوری موقعیت حساس زمانی کشور که از سوی رزمندگان اسلام سال پیروزی نام نهاده شده، با توجه به شرایط جهانی متذکر شد که ما باید در این روزها و ماههای آینده توجه خاصی داشته باشیم. ایشان گفت: "ما در شرایطی قرار داریم که مدعی ادامه راه بزرگمرد تاریخ امام علی(ع) هستیم، هر چند شرایط زمان به آن بزرگوار اجازه نداد حکومتی با اهداف انسانی و اسلامی را پیاده کند اما امروز به دست این مردم مسلمان و محروم ادامه یافته و رهبری این حکومت با فرزندان آن امام بزرگ است و برای اولین بار با ایدئولوژی امامت و ولایت، تاریخ شاهد حکومتی از این نوع است." ایشان اظهار امیدواری کرد که با نظرات فقهای عظام به ویژه نظرات رهبر انقلاب و همت جوانان جان برکف و ایثارگر و حمایت مردم فداکار بتوانیم کار قابل توجهی در راه پیاده کردن اسلام راستین در تاریخ امروز انجام دهیم. آن گاه امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی درباره تعالیم حکومت امام علی(ع) و شرایط امروز مطالبی بیان کردند. حضرت امام فرمودند: "امروز همه ما مکلف هستیم. جوانهای ما باید این جبهه‌ها را پرکنند از انسانهای قوی که بحمدلله هم الان پر کردند، لکن بیشتر لازم است." رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۲۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ ـ آقای هاشمی در این سخنرانی گفت: "جمع‌آوری نهج‌البلاغه از الهامات خدایی بود. سیدالرضی ابتدا قصد نداشت که سخنان علی(ع) را جمع‌آوری سازد بلکه قصدش براین بود که سخنان ائمه اطهار را در مجموع گردآوری کند اما وقتی روح کلمات علی(ع) به روح لطیف سیدالرضی پیوند خورد، نتوانست آن را رها کند. لذا سید عمر خود را بر روی این امر گذاشت. شخصیت‌هایی که در تاریخ می‌مانند، آنهایی هستند که کاری بنیادی کرده باشند، لذا بنیادهای فکری و فرهنگی باید بر روی کارهای بنیادی که در تاریخ می‌ماند، کار کنند. قرن چهارم که

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)



در کنار مادر

امروز عراق در فاو از سه محور به نیروهای ما حمله و از خط ما عبور کرده ولی با تحمل تلفات زیاد شکست خورده و [سلاح]شیمیائی زیادی به کار برده است.

آقای نخست وزیر اطلاع داد که کنفرانس اوپک با اصرار کشورهای عراق و ونزوئلا برای بالا بردن سهم تولیدشان، ناموفق به پایان رسیده است و برای دو هفته تنفس داده‌اند. گفتم در مصاحبه خود، عراق را مسئول شکست کنفرانس معرفی کنند.

شب حاجیه والده و بستگان آمدند. برایشان از بیرون غذا خریدیم. عازم عمره هستند. فشار خون والده بالاست و ناراحت است[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

زمان تولد سیدالرضی می‌باشد، قرن اعتلای علمی، صنعتی، فکری، سیاسی و تمدنی اسلام است. قرنی است که تشیع برای این قرن شناخته شده بود و روح تشیع پیامبر و ولایت از طریق دانشمندان و مجاهدان در سراسر دنیای اسلامی نفوذ و حضور داشت." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ بانو ماه بی بی صفریان والده گرامی آقای هاشمی در سال ۱۳۷۴ دارفانی را وداع گفت. ایشان در کتاب "دوران مبارزه" از والده خود این چنین یاد می‌کند: "مادرم از اهالی روستای بهرمان بود و در یک سالگی پدرش حاج محمد رضا ـ که شخصیتی نیکوکار بود ـ به دست یکی از اشرار که شناخته نشد، شهید شده بود. او علاوه بر خانه‌داری در امور زندگانی با پدرم همکاری داشتند. او هر چند بی‌سواد بود، اما اطلاعات خوبی از خواص گیاهان دارویی داشت. اطلاعات و تجربه‌های او برای اعضای خانواده و حتی اهالی روستا سودمند بود، چنان که هنوز هم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سه‌شنبه ۵ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۴ رجب ۱۴۰۶ | ۲۵ March ۱۹۸۶

اول وقت از جبهه سئوال کردم، مسأله مهمی نداشتند. به زیارت امام رفتم. مشکلات بین ارتش و سپاه، اختلاف افسران نیروی زمینی با آقای صیاد فرمانده نیرو و ادامه گزارش‌های قبلی دربارهٔ مذاکرات غیر مستقیمی که با آمریکایی‌ها بر سر کمک به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان در مقابل گرفتن امکانات نظامی داریم، راگزارش کردم. در مورد دوم موافقند و دستور احتیاط می‌دهند. برای رفتن به خوزستان از ایشان خداحافظی کردم.

آقای غزالی از مشهد آمد. از برخی مسئولان گله داشت. برای عیادت از مجروحان جنگ به بیمارستان طُرفه رفتیم، هدایایی هم دادم. مصاحبه‌ای هم بعد از عیادت از مجروحان انجام دادم[1]. به مجلس رفتم و کارها را انجام دادم. به منزل برگشتم. عفت و یاسر از مشهد رسیدند.

ساعت سه بعد از ظهر همراه با یاسر و مهدی و پاسداران برای سفر به جبهه با لباس بسیجی به راه‌آهن و با [خودروی] پیکان و به صورت ناشناس رفتیم. از ایستگاه رباط کریم سوار شدیم که کسی ما را نشناسد. در بین راه با آقای [صادق]افشار رئیس راه‌آهن درباره وضع راه‌آهن و کمبود بودجه و برنامه‌های توسعه مذاکره کردیم. با آقایان [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران]، [علی]شمخانی [جانشین فرمانده کل و فرمانده نیروی زمینی سپاه] و [ابراهیم]سنجقی[2] که همراه بودند، درباره امورجنگ و سپاه و ارتش بحث کردیم. ساعت سه بعد از نصف شب بیدار شدم و تا صبح نخوابیدم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گاهی از همان تجربه‌ها استفاده می‌کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب، جلد اول، صفحه ۵۸.

۱ ـ در این مصاحبه آمده است: "همان طور که انتظار داشتم، مجروحین اینجا را مانند رزمندگان میدان جنگ دیدم و آنها به ما روحیه دادند. وضع مداوا در این بیمارستان بسیار خوب است و من گله‌ای از بیماران نشنیدم و با آنکه مجروحین آدمهای جدی و صادقی هستند و حرفهایشان را می‌زنند، اما وضع این بیمارستان خیلی خوب بود و بنده از قبل هم با این بیمارستان آشنا بودم، خیلی خوب خدمت می‌کنند و ان‌شاءالله بقیه بیمارستان‌ها هم این طور باشند." آقای هاشمی درباره بیانات امام خمینی(ره) در مورد ضرورت رفتن به جبهه‌ها گفت: "سخنان امام آن قدر جدی بود که ما لحظه‌ای فکر کردیم، مجلس را رها کنیم و به جبهه‌ها برویم. ایشان حجت را تمام کردند و معمولاً وقتی امام این طور سخن می‌گویند، مسائلی هست که ما نمی‌فهمیم و لابد مسائل مهمتری را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است و باید به جبهه رفت. ما در شرایطی هستیم که اگر خوب از آن استفاده کنیم، می‌توانیم جنگ را به صورت خوبی تمام کنیم و به پیروزی دست یابیم و اگر به دشمن مهلت دهیم تا خود را آماده کند، ممکن است زمان بیشتری از ما گرفته شود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای ابراهیم سنجقی رابط فرماندهی کل سپاه با آقای هاشمی بود.



نمایی از ورودی گلف اهواز

چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۵ رجب ۱۴۰۶ | ۲۶ March ۱۹۸۶

ساعت شش صبح به اندیمشک رسیدیم. به خاطر امنیت بیشتر با قطار آمدیم. تا ساعت پنج بعد از ظهر در پایگاه هوایی دزفول ماندیم. آقایان دکتر [حسن]روحانی[۱]، سرهنگ [مصطفی]ترابی و رحیم صفوی آمدند. درباره جنگ و مسائل مربوط دیگر مذاکره کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد. هوا ابری است. از تهران اطلاع گرفتیم، گفتند که عفت برای سفر عمره به مکه پرواز کرده است.

عصر با مینی بوس به اهواز رفتیم. سرشب به گلف وارد شدیم[۲]. قرار بود فردا برای ملاقات با فرماندهان سپاه که از جبهه می‌آیند، به پایگاه امیدیه برویم. آقای [محمدعلی] انصاری از بیت امام، تلفنی گفت حضرت امام دستور داده‌اند به تهران برگردیم. نگران شدیم و تفسیرهای گوناگون داشتم.

---

۱ ـ آقای دکتر حسن روحانی رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس و رئیس ستاد کل پدافند کشور بود.

۲ ـ یکی از پایگاه‌های مهم و فعال رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس، "پایگاه منتظران شهادت" نام داشت که در محل باشگاه گلف شرکت نفت واقع در حومه اهواز تشکیل شده بود و به دلیل حساسیت و اهمیت فعالیت‌هایش، محل حضور و رفت و آمد فرماندهان ارشد جنگ محسوب می‌شد. برای آگاهی بیشتر از تاریخچه و اهمیت گلف در سال‌های دفاع مقدس به بخش ضمایم همین کتاب مراجعه نمایید.

در تلفن بعدی گفتند اگر کار ضروری دارم، برای برگشت عجله نکنم. آقای [میرحسین موسوی]نخست وزیر هم چیزی نمی‌دانست و آقای خامنه‌ای هم در تهران نبودند.

نخست وزیر گفت احتمالاً آقای [سیدکاظم] شریعتمداری به زودی از دنیا برود[1]. از سیاست و کیفیت برخورد با مراسم پرسید؛ گفتم که در شورای [مرکزی جامعه]روحانیت مبارز، چگونه تصمیم‌گیری شده است.

پنجشنبه ۷ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۶ رجب ۱۴۰۶ — ۲۷ March ۱۹۸۶

پس از نماز در همان ساختمان گلف اهواز، به مذاکره درباره مسائل جنگ پرداختیم. آقای محسن رضایی از قرارگاه آمد و سپس رؤسای قرارگاه‌های نجف، کربلا، نوح، مسئولان توپخانه و مهندسی رزمی آمدند و هریک گزارش وضع و کار را دادند و از مشکلات و کمبودها گفتند و تا نزدیک غروب یکسره مذاکره کردیم.

پیش از ظهر با رئیس جمهور تلفنی مذاکره کردم. اطلاع داد که دیروز حال امام به هم خورده و خطرناک بوده است. ایشان راکه خارج از تهران بوده، احضار کرده بودند و معلوم شد احضار من هم ـ که دیشب انجام شد ـ به این جهت بوده و به دیگران اطلاع نداده‌اند و امروز حالشان بهتر است و خطر رفع شده. عصر از بیت امام پرسیدم. آقای [محمدعلی]انصاری گفت، حالشان به سرعت رو به بهبودی است و دیگر لزومی ندارد من بروم. عصر از اهواز به دزفول آمدیم و شب را در پایگاه هوایی

---

۱ ـ آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری از مراجع تقلید شیعه پس از رحلت آیت‌الله بروجردی به عنوان یکی از مراجع جانشین مطرح شد و پس از درگذشت آیت‌الله محسن حکیم و با ارسال پیام تسلیت از سوی محمدرضا شاه پهلوی به ایشان به عنوان مرجع تقلید مورد نظر حکومت مشخص گردید. آیت‌الله شریعتمداری با روشهای انقلابی مخالفت می‌ورزید. وی معتقد به حرکت تدریجی به سوی حکومت اسلامی بود. آیت‌الله شریعتمداری در سال ۴۲ به همراه حضرت امام خمینی(ره) مبارزه علیه رژیم پهلوی را آغاز کرد اما روش آیت‌الله شریعتمداری برخلاف امام(ره) روش مسالمت‌آمیز و صلح جویانه بود. وی در اوج مبارزات انقلابی خواستار حفظ سلطنت و اجرای کامل قانون اساسی شد که با مخالفت روحانیون طرفدار امام(ره) مواجه گردید. آیت‌الله شریعتمداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از شخصیت‌های تراز اول روحانیت مطرح شد و مبادرت به تأسیس حزب خلق مسلمان در برابر حزب جمهوری اسلامی کرد. اعضای این حزب در تبریز تحرکاتی را موجب شدند و صداوسیمای این شهر را سه روز اشغال کردند. در سال ۶۱ در پی افشای توطئه براندازی، مشخص گردید که آیت‌الله شریعتمداری در جریان توطئه بوده اما آن را تأیید نکرده است. ایشان در تلویزیون به اطلاع خود از کودتا اعتراف کرد. در پی آن جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در یک عمل بی‌سابقه در تاریخ شیعه، ایشان را از مرجعیت خلع نمود. از آن پس آیت‌الله شریعتمداری تا هنگام مرگ در بهار سال ۱۳۶۵ خانه نشین بود. آقای شریعتمداری در روز پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ به علت سرطان کلیه در بیمارستان مهراد تهران درگذشت.

دزفول ماندیم. عراق در جبهه شمال حمله کرده‌است.

جمعه ۸ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۷ رجب ۱۴۰۶ ۲۸ March ۱۹۸۶

ساعت سه بعد از نیمه شب با تلفن صیاد شیرازی از منطقه عملیاتی والفجر ۹ بیدار شدیم. از حمله ارتش عراق خبر می‌داد و کمک می‌خواست. به سپاه گفتیم نیرو اعزام دارد.

بعد از نماز با اتومبیل به طرف باختران حرکت کردیم. بخشی از جاده‌ها خوب نبود. تقریباً در تمام مسیر از اراضی مزروعی و آباد عبور کردیم؛ غیر از قسمت کوهستانی. در قهوه خانۀ کوچکی توقف کردیم و چای و کباب برگ خوردیم. آقای محسن رضایی هم به ما ملحق شد.

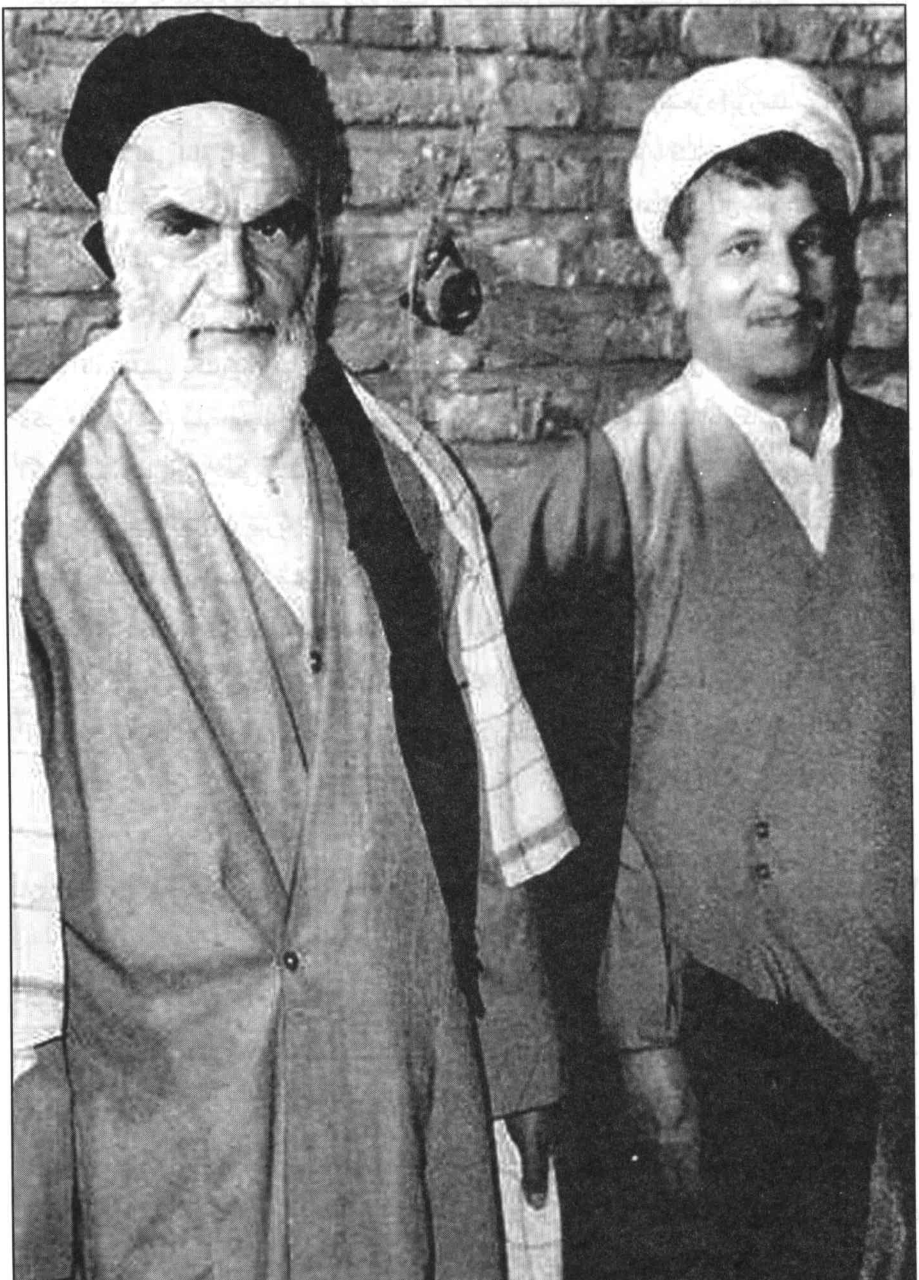
ظهر به شهر باختران [= کرمانشاه] رسیدیم و در مرکز سپاه پاسداران به صورت ناشناس مستقر شدیم. با جبهه تماس گرفتیم. وضعشان خوب نبود. آقایان محسن رضایی و سرهنگ ترابی برای کمک به آنها به مریوان رفتند که صیاد را تقویت کنند و یا سپاه مسئولیت دفاع را به عهده بگیرد.

شب گزارش برنامه‌ها را دادند. آقای حمیدی‌نیا فرمانده قرارگاه نجف ۲ آمد. گزارش وضع جبهه‌های غرب و برنامۀ عملیات محدود در منطقه نوسود و زیمناکوه را داد. عصر در منطقه باغ مرکز سپاه با دکتر روحانی پیاده روی کردیم و درباره جنگ و ارتش و سپاه بحث کردیم.

شنبه ۹ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۸ رجب ۱۴۰۶ ۲۹ March ۱۹۸۶

بعد از نماز صبح با اتومبیل به طرف تهران حرکت کردیم. برای مشاهده و ملاحظه امنیت منطقه با اتومبیل حرکت می‌کنیم. منطقه آباد و حاصلخیز است. در رستورانی بین همدان و قزوین برای استراحت توقف کردیم. چای و کباب برگ صرف شد. کافه چی من را شناخت. با لباس بسیجی بودم. خیلی خوشحال شده بودند. ساعت دو و نیم بعد از ظهر به تهران رسیدیم. خسته بودم.

بعد از استراحت و استحمام به زیارت امام رفتم. (امام هنگام ملاقات فرمودند: "از لحظه‌ای که تو به طرف خوزستان حرکت کردی، در ناراحتی بودم تا لحظه‌ای که به تهران برگشتی." عبارتی که بتواند جواب این لطف امام باشد، نیافتم. گفتم این سفرها خطری ندارد و نباید جنابعالی ناراحت بشوید). امام



فرمودند وقتی سرفه می‌کنند استخوانهای سینه‌شان درد می‌گیرد. احمد آقا گفت درد به خاطر ماساژهای شدیدی است که هنگام سکته، دکتر داده است. امام گفتند دلیلش این نیست. من به شوخی گفتم سرفه نفرمائید. امام از اخبار عقب نشینی ارتش از تصرفات عملیات والفجر ۹ پرسیدند؛ تأئید کردم. حالشان خوب و خطر رفع شده است. احمدآقا و دکتر [حسن]عارفی و دکتر [مسعود]پورمقدس، گزارش جریان حمله قلبی امام را در حالی که در دستشوئی بوده‌اند، دادند. امام با فشار دادن زنگ، دکترها را خبر کرده‌اند. تعبیه زنگ در مراکز خلوت از ابتکارات جالب احمدآقا است. ایشان را در بیهوشی کامل یافته‌اند. با ماساژ دکتر پورمقدس، تنفس امام برگشته و سپس به بیمارستان بیت منتقل شده‌اند.

این حادثه در روز پنجشنبه ۶۵/۱/۷ ساعت پنج بعد از ظهر اتفاق افتاده است. از کارهای خوب احمدآقا، تأسیس یک بیمارستان کوچک قلب با وسائل مدرن در کنار منزل امام است که با کمک دکتر عارفی انجام شده؛ مجهز و خوب است. این کار کمک کرده که کسالت امام کاملاً مخفی مانده و اگر به بیمارستانهای رسمی منتقل شده بودند، علاوه بر خطری که در بین راه ایشان را تهدید می‌کرد، منتشر شدن خبر کسالت، ضربه روانی به جنگ و انقلاب می‌زد و باعث روحیه گرفتن دشمن می‌شد.

اول شب آقای محسن رضایی و [سرهنگ]ترابی[1] از مریوان آمدند. گزارش کامل وضع جبهه والفجر ۹ را دادند؛ خوب نیست و احتیاج به مقاومت سپاه دارد. از آقای نخست وزیر اوضاع را پرسیدم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. عفت به مکه رفته است. برای من، مهدی و یاسر از بیرون شام آوردند: سالاد الویه و ساندویچ. شب زودتر از معمول خوابیدم.

یکشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۹ رجب ۱۴۰۶ — ۳۰ March ۱۹۸۶

امروز با یاسر و مهدی، در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. آقای رضایی اطلاع داد که وضع جبهه‌ها آرام است. نیروهای سپاه در شمال غربی تقویت شده‌اند و این مسأله باعث بالا رفتن روحیه ارتش و سپاه شده است. از دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] وضع ارتباطات خارجی را پرسیدم. خبر تازه‌ای نبود. با دکتر روحانی درباره وضع جنگ و تعقیب تصمیم‌ها صحبت کردم.

ظهر [آقای غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] آمد و گزارش کامل جلسات اوپک را داد. برای

---

۱ ـ آقای هاشمی به دلیل نمایندگی حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع، مسئولیت دفتر مشاورت امام در ارتش جمهوری اسلامی را عهده‌دار بود. سرهنگ مصطفی ترابی‌پور از طرف آقای هاشمی در این دفتر فعال بود.

جلسات آینده مشورت کرد و قرار شد هرگونه تلاش برای حفظ قیمت نفت بشود و در ارتباط با عربستان فعال باشیم.

آقای [محسن]کنگرلو [مشاور نخست وزیر] آمد و گفت چهار نفر برای مذاکره درباره گروگانهای آمریکایی در لبنان، آماده‌اند به ایران بیایند و در مقابل کمکهای ما برای آزادی آنها، برنامه ارسال نیازهای دفاعی را اجرا کنند. موافقت کردم بیایند.

آقای محسن رضایی آمد. پیشنهاد شد فرماندهی جنگ را به ایشان واگذار کنم و نیروی زمینی [ارتش] را تحت کنترل عملیاتی او قرار دهم. با استخدام پاسدار افتخاری شش ماهه، برای تقویت کادر لشکرهای سپاه و نیز با تشکیل ستاد نیروهای سپاه خارج از قلمرو شورای سپاه و اینکه نامه به امام بنویسند، موافقت کردم.

آخر شب آقای رضایی اطلاع داد که دشمن در منطقه پنجوین، مین‌ها را جمع کرده و گویا قصد تعرض دارد. از جبهه جنوب اطلاع دادند حدود ۱۵ نفر از نظامیان عراقی برای پناهندگی به طرف ما آمده‌اند که نیمی از آنها توسط نیروهای عراقی از پشت تیر خورده‌اند و بقیه رسیده‌اند. آنها می‌گویند وضع ارتش عراق بد است.

دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۰ رجب ۱۴۰۶ — 31 March ۱۹۸٦

اول وقت آقای رضایی اطلاع داد که نیروهای سپاه در منطقه میشلان حمله کرده‌اند و هنوز نتیجه روشن نیست. ظهر آقای [کمال]خرازی [رئیس سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی] آمد و گزارش سفر به کوبا برای شرکت در کنفرانس رؤسای خبرگزاری‌ها را داد و گفت وضع سیاسی ما در جهان خوب است. درباره جنگ روانی و راه‌انداختن فرستنده تلویزیونی در مرز برای داخل عراق تأکید کردم.

عصر برای عیادت خدمت امام رسیدم. امروز هم بی‌نظمی در عملکرد قلب امام دیده شده است. به دکترها گفتم اگر نیاز دارید برای کمک به شما از خارج دکتر بیاوریم؛ گفتند نیاز نیست. چون کسالت معلوم است و علاج هم معلوم و نگرانی ندارند و به طور کلی حال امام را رو به بهبودی می‌دانند.

مدتی با امام حرف زدم. قیافه امام پژمرده شده. صدایشان ضعیف است. سرم در یک دست و باتری تحریک قلب در دست دیگر، ولی روحیه خیلی خوب است. دستگاه فیلمبرداری کامل و

اتوماتیک در بیمارستان تعبیه شده که همه حرکت‌ها را فیلم می‌گیرد و در اتاق دیگر کنترل می‌شود. فیلم ملاقات خودم را در اتاق کنترل دیدم؛ این فیلم‌ها تاریخی است.

احمدآقا گفت امام توصیه‌های وصیت مانندی می‌فرمایند. به آیت‌الله منتظری پیغام می‌دهند که حرفهایشان را با مشورت قبلی بزنند. از آقای رئیس جمهور خواسته‌اند که با دشمنان سازش نکنند. از من درباره جنگ و وضع جبهه‌ها سئوال کردند و از حال آقای خامنه‌ای. آقای محسن رضایی اطلاع داد که دیشب در منطقه والفجر ۹ نیروهای ما عمل کرده‌اند و به جای اول برگشته‌اند، چون یک جناح موفق نبوده است.

سه‌شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۱ رجب ۱۴۰۶   1 April ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. تلفنی حال امام را پرسیدم. احمدآقا گفت خوب است. عصر آقای [علی]رازینی آمد. راجع به سازمان قضائی نیروهای مسلح استمداد کرد که حدود صلاحیت‌هایش تغییر یابد و شامل موارد سیاسی و کیفری مرتبط با حیثیت نظامی هم بشود. راجع به پرونده انفجار نخست وزیری گفت که از بازجوئی‌ها چیزی به دست نیامده که سند محکومیت متهمان باشد و بناست کیفر خواست صادر شود و به دادگاه داده شود. راهنمایی‌هائی کردم[1].

شب آقای [علیرضا]افشار [سخنگو و رئیس ستاد مرکزی سپاه] آمد و گزارش ستاد عالی نظارت بر امور اعزام نیروها را ـ که مرکب از ائمه جمعه، استانداران و فرماندهان سپاه است ـ داد. فردا سمینار لبیک با امام دارند. قرار شد من هم بروم. از جبهه‌ها خبر گرفتم. امروز آرام بوده. هواپیمای خودمان به اشتباه مراکز استقرار لشکر ۸ نجف را زده، اما خسارت عمده‌ای وارد نشده است.

چهارشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۲ رجب ۱۴۰۶   2 April ۱۹۸۶

امروز تا ساعت چهار و نیم بعد از ظهر در منزل بودم. به دفتر آقای رئیس جمهور رفتم. در سمینار

---

۱ ـ در پرونده انفجار نخست وزیری و شهادت دکتر محمد جواد باهنر و محمدعلی رجایی، افراد مختلفی متهم شدند. از جمله آقای علی تهرانی یکی از کارکنان نخست وزیری به علت اینکه معرف مسعود کشمیری (عامل بمب‌گذاری) بوده و با وی رفاقت داشته، دستگیر شد. بعد از دستگیری علی تهرانی، پای افراد دیگری مانند مهندس بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین، خسرو قنبری تهرانی رئیس وقت اداره اطلاعات نخست وزیری و چند نفر دیگر به میان آمد. خسرو تهرانی در اسفند ۶۴ دستگیر شد. به این پرونده رسیدگی کامل نشد و به دستور امام خمینی(ره) پیگیری اتهامات متهمان پرونده متوقف گردید.

«لبیک با امام» که با حضور ائمه جمعه مراکز استانها، استاندارها و فرماندهان سپاه برای پشتیبانی جنگ تشکیل شده، شرکت کردم. ابهاماتی داشتند. سخنرانی کردم و آن ابهامات را رفع نمودم[۱]. گفتم هدف تنظیم اعزام نیروهای مردمی و امکانات مردمی و دولتی در خدمت جنگ است. آنها اختیارات بیشتر و سپاه امکانات بیشتر می‌خواستند.

شب سران قوا مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. احمدآقا نیامده بود. پیشنهاد وزیر خارجه عمان در خصوص پیغام آمریکا مبنی بر کمک ما به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان در مقابل گرفتن نیازهای تسلیحاتی مطرح شد. با اینکه اصل مطلب را قبول داریم، چون از فاز دیگری در جریان است، قرار شد از طریق دیگری عمل نشود. رئیس جمهور تأکید بر لزوم عدم یأس آمریکا داشتند و من پیشرفت کاری راکه از طریق [محسن] کنگرلو انجام می‌شود، توضیح دادم و مورد تأئید قرار گرفت. قرار شد آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه، با چهار آمریکایی که به این منظور به زودی به ایران می‌آیند، صحبت کنند.

آقای [محسن] رضایی اطلاع داد که چند نظامی عراقی در جبهه به ما پناهنده شده‌اند. آنها می‌گویند که عراق آماده می‌شود تا دوشنبه آینده در منطقه فاو حمله کند. گفت امشب در جبهه شمال نیروهای ما به صورت محدود حمله کرده‌اند.

آقای حائری شیرازی در خصوص مسائل شیراز مشورت کرد. گفتم تسلیم نظرات آیت‌الله منتظری باشد و سعی در تفاهم با رقیبان داشته باشد. امام جمعه زنجان اصرار به سفر من به زنجان داشت و برای استان زنجان، لشکر مستقل سپاه می‌خواست. آخر شب مصاحبه رادیو تلویزیونی داشتم[۲].

---

۱ - در این سخنرانی آمده است: "در عملیات والفجر ۸ پیروزی‌های قاطعی به دست آمده که تاکنون به خوبی حفظ شده است و دشمن فکر نمی‌کرد رزمندگان اسلام چنین پیروزی را داشته باشند و تصور هم نمی‌کرد که بتوانیم مقاومت کنیم اما وضع برادران ما از روزهای اول بسیار بهتر است و ما در فاو استحکامات قابل دوام و تدارکات بسیاری داریم و فاو قابل حفظ است و پیروزی رزمندگان ما آثار قابل توجهی داشته است. دنیا اکنون جمهوری اسلامی را بهتر می‌فهمد و آثاری از انطباق با این شرایط دیده می‌شود و دنیا اکنون حاضر است، پیروزی ما را بپذیرد. رژیم عراق بیش از هر زمان دیگری متزلزل است و ما نباید به دشمن اجازه ترمیم ضایعات وارده را بدهیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - در این مصاحبه اهداف و نتایج سمینار لبیک یا امام تشریح شد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: "از مسائلی که در این سمینار مورد بررسی قرار گرفت، نحوه تأمین نظرات امام امت بود و در نتیجه بررسی و بحث کمیسیون‌های مختلف و جمع‌بندی نظرات تصمیم گرفته شد که در هر استان یک ستاد به نام ستاد جنگ مرکب از استاندار، امام جمعه استان که اکثراً نماینده امام هم هستند و فرمانده سپاه پاسداران ناحیه همراه با مسئولی از جهاد سازندگی تشکیل شود که این ستاد، نظارت عالیه بر همه مسائل مربوط به جنگ را در هر استان برعهده خواهد داشت. از وظایف این ستادها تنظیم امکانات مردمی و دولتی است که با درخواست سپاه این عوامل و امکانات به جبهه اعزام شوند، البته سایر عوامل که در این رابطه بودند کماکان به کار خود ادامه خواهند داد و در مرکز هم یک شعبه‌ای عالی مرکب از امام جمعه تهران، نخست وزیر، فرمانده سپاه، سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی و رئیس ستاد ارتش تشکیل می‌شود و در مجموع امکانات موجود کشور و نیازهای جبهه و جنگ زیر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۳ رجب ۱۴۰۶ — 3 April ۱۹۸۶

امروز صبح با آیت‌الله خامنه‌ای به زیارت امام رفتیم. حالشان بهتر بود، ولی هنوز باید مدتی در بیمارستان بمانند. لازم است به نحوی در چند روز آینده در انظار ظاهر شوند، مخصوصاً در یکی از اعیاد آینده. دکترها اجازه نمی‌دهند.

با هم به منزل ما آمدیم. درباره مسائل جنگ و مشکلات نیروی زمینی و سپاه مشاوره کردیم. نظر ایشان هم این بود که مسئولیت جبهه‌ها را به آقای محسن رضایی بدهیم و نیروی زمینی را به طور موقت در کنترل عملیاتی او قرار بدهیم.

سرهنگ [مصطفی]ترابی آمد و راجع به ارتش و جنگ و سپاه حرف داشت. آقای [حسین]مهدیان آمد و راجع به مسائل خیریه [مرحوم ابولفضل]تولیت[1] و مشکلات دفتر نشر [فرهنگ اسلامی] مذاکره شد. احمدآقا آمد. راجع به کیفیت ظهور امام در روزهای آینده صحبت شد. به جائی نرسیدیم. قرار شد به آیت‌الله منتظری هم از حال امام اطلاع دهم. فاطی و فائزه که در ایام عید سفر کرده بودند، آمدند. تلفنی با عفت در هتل الفتح مکه صحبت کردیم.

جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۴ رجب ۱۴۰۶ — 4 April ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم صبح در خانه کار کردم. در نماز جمعه شرکت کردم[2]. عصر آقای رضایی اطلاع داد،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نظر این شورا و ستادها اداره خواهد شد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ مرحوم ابوالفضل تولیت در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، تولیت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه(س) در قم را عهده‌دار بود. آقای هاشمی در خاطرات دوران مبارزه از مرحوم تولیت چنین یاد می‌کند: "ایشان امکانات مالی زیادی داشت، بچه هم نداشت. فردی بود روشنفکر و از نظر اعتقادی هم بیشتر جریان مبارزه اسلامی را قبول داشت. او آماده شد که اموال خود را وقف مبارزه بکند به عنوان تأسیس حکومت اسلامی". شرکت طاهر ـ طبق وصیت مرحوم تولیت ـ برای حمایت از مبارزان اسلامی با اموال و امکانات مالی او تأسیس شده بود و تعدادی از اعضای نهضت آزادی و تعدادی از روحانیون از جمله آقای هاشمی در اداره این شرکت سهیم بودند. ثروت مرحوم تولیت در تقویت نیروهای مبارز اسلامی در دوره پهلوی نقش ارزشمندی داشت. در مورد فعالیت‌های مرحوم ابوالفضل تولیت در نهضت اسلامی، رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، صفحات ۱۷۵، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۴.

۲ ـ در خطبه اول نماز ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با عنوان حقوق اجتماعی زن و مرد مطرح شد و به تفصیل درباره نقش زن در خانواده از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دشمن در منطقه هزار قله و شاخ شمیران تک کرده که در هزار قله رفع شده و در شاخ شمیران درگیری ادامه دارد.

عصر بستگان برای دیدنی عید آمدند. از نوق برگشته‌اند. آقای نخست وزیر اطلاع داد یک کشتی که به تازگی خریده‌ایم، وارد شده است و می‌تواند برای ترابری فاو مفید واقع شود. به دکتر روحانی گفتم بررسی کند.

آقای [سیدکاظم]شریعتمداری دیشب در بیمارستان مهراد[تهران] فوت کرده‌اند و بنا به تصمیم جامعه روحانیت مبارز، جنازه ایشان را بدون سروصدا با حضور خانواده در قبرستان ابوحسین [قم]دفن کرده‌اند. خبرگزاری‌های بین‌المللی این خبر را با وسعت مخابره کرده‌اند. آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] عصر اطلاع داد که در قم جمعی از طرفداران ایشان تظاهرات به راه انداخته‌اند. درباره کیفیت برخورد با آنها مشورت کرد. گفتم با دیگران هم مشورت کنید.

شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۵ رجب ۱۴۰۶ — 5 April ۱۹۸۶

ساعت هشت ونیم صبح به مجلس آمدم. آقای محسن رضایی اطلاع داد، دشمن ارتفاع شاخ شمیران در منطقه دربندیخان [عراق] را پس گرفته است ولی جنگ ادامه دارد[1]. [آقای محمدرضا آیت‌اللهی] وزیر معادن و فلزات با معاونان آمدند و گزارش وضع زمین شناسی و اکتشاف و استخراج معادن و نیاز به نیروهای متخصص بیشتر را مطرح کردند.

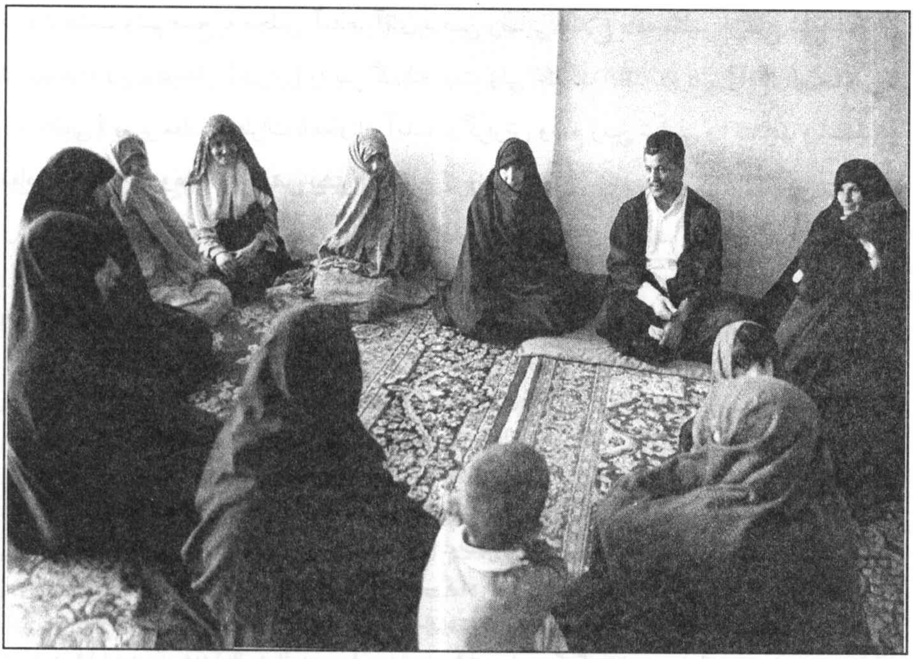
[آقای محمدجواد ایروانی] وزیر اقتصاد [و دارایی] و معاونان آمدند. گزارش وضع بانک‌ها،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دیدگاه اسلام مطالبی برای نمازگزاران بیان گردید. در خطبه دوم درباره ۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی و همچنین روز مبعث پیامبر اکرم(ص) مطالبی عنوان شد. سپس تحلیلی درباره وقایع و رخدادهای جبهه‌های جنگ و منطقه ارائه گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "این طور به نظر می‌رسد که حامیان نظامی صدام به فکر آینده افتاده‌اند. در آنها تردید پیدا شده و حرکت‌های جدیدی را شروع کرده‌اند. ما بارها گفته‌ایم که عراق به ریسمان‌هایی بند است و هر ریسمانی که قطع شود، تعادلش به هم می‌خورد و ریسمانی که صدام توسط آن به ابرقدرت‌ها وصل بود، در حال پوسیدن است. یک ریسمان دیگر که صدام به آن وصل است، ارتجاع منطقه است که این با قبلی‌ها فرق می‌کند. ارتجاع منطقه سرنوشت خود را به سرنوشت صدام وصل می‌کند، البته اشتباه می‌کنند و می‌توانند سرنوشت خود را جدا کنند. قصد ما برهم زدن امنیت منطقه نیست، ترس آن‌ها موردی ندارد، مگر اینکه تصمیم گرفته باشند که همیشه بد باشند که در این صورت حق دارند که بترسند."
رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - در روز ۱۵ فروردین در جبهه شمالی در اثر هجوم دشمن به استعداد ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی در منطقه دربندیخان عراق، ارتفاعات شاخ شمیران و شاخ سورمر سقوط کرد.





دیدار نوروزی با اقوام

مالیات‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را دارند و به لایحه مالیات که در مجلس مطرح است، انتقاداتی داشتند. کارکنان مجلس به عنوان عید به ملاقات آمدند. درباره رفتن به جبهه و گران شدن غذای مجلس و نیاز به مسکن صحبت شد.

ظهر [آقای محمدسعیدی‌کیا] وزیر راه و ترابری آمد. مشکل انتقال هواپیماهای نیروی هوایی به هواپیمائی کشوری، برای استفاده از امتیازات آنها برای آوردن نیازهای نظامی و راه حل آنها و لزوم توسعه راه آهن و ایجاد مرکز تحقیقات راه آهن ـ که تاکنون خارجی‌ها انجام می‌داده‌اند ـ را مطرح کردند.

آقای [قربانعلی]درّی [نجف آبادی] آمد. گزارشی از وضع فاو داد و از لزوم تقویت پدافند گفت. عصر مسئولان بهداری سپاه آمدند. گزارشی از وضع بهداری سپاه و امداد جبهه و مصدومان اصلی شیمیائی عراق و معالجه مجروحان و نیازهای جبهه دادند. با تقویت دفاع در مقابل حملات شیمیائی، فقط شش در هزار از مصدومان شیمیائی شهید می‌شوند.

آقای سید محمد باقر حکیم [رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] آمد. درباره جنگ و قرارگاه رمضان صحبت شد. از وضع عراقی‌های مهاجر به ایران خیلی نگران و ناراحت بود و از کمیته عراق که در دفتر ریاست جمهوری است، گله داشت[1]. دلداری دادم. قرار شد تعقیب کنم. آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و گزارش انرژی اتمی را داد.

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۶ رجب ۱۴۰۶ — ۶ April ۱۹۸۶

امروز اولین جلسه علنی مجلس در سال جدید تشکیل شد و چند لایحه به تصویب رسید. تا موقع تنفس در جلسه علنی بودم. آقای رضایی اطلاع داد، نیروهای ما از شاخ شمیران عقب نشسته‌اند. خیلی اوقاتم تلخ شد. با اینکه قرائنی از حمله دشمن داشته‌اند، اما نیروی کافی برای دفاع نگذاشته‌اند؛ خودشان مدعی‌اند که نیرو نداشته‌اند. آقای زمانی آمد و از نبود شرح وظایف تبلیغات جبهه شاکی بود.

ظهر آقای [حمید]میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر آمد و برای تسریع در تصویب ورود کالا از سوریه، کره شمالی و ترکیه بابت طلب‌مان، خارج از سقف ارز مصوب، کمک خواست.

---

۱ ـ کمیته عراق متشکل از آقایان سیدمحمد خاتمی، محمد علی هادی نجف‌آبادی و صباح زنگنه بود. این کمیته برنامه‌ریزی‌های مربوط به آینده عراق و نحوه تنظیم همکاری نیروهای اسلامی عراق را انجام می‌داد.

عصر برای دیدن سایت موشک ضدهوایی سام ۲ که از لیبی گرفته‌ایم، در منطقه پرندک به جنوب تهران رفتیم و تا مغرب طول کشید. خیلی وسیع و پردردسر است. موشک‌های هاک آمریکایی، خیلی جمع و جورتر است. از همان جا به خانه رفتیم. در طول راه با دکتر روحانی، مسائل جنگ را مورد بحث و مذاکره قرار دادیم.

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۷ رجب ۱۴۰۶ — 7 April ۱۹۸۶

صبح زود همراه با آقایان خامنه‌ای [رئیس جمهور]، [موسوی] اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] و [میرحسین] موسوی نخست وزیر به زیارت امام رفتم. امام به خاطر کسالت قلبی، ملاقات‌ها را حذف کرده‌اند. برای اینکه سئوال انگیز نباشد، ماها به ملاقات رفتیم. حالشان خوب است، ولی مدتی دیگر باید استراحت کنند. خوب مخفی مانده است.

تا شب در منزل بودم. عقد ازدواج یکی از پاسدارانم به نام شجاعی را بستم و نیم سکه بهار آزادی به او هدیه دادم. آقای [محمدعلی]رحمانی فرمانده بسیج آمد و از عدم توجه به بسیج در ستاد پشتیبانی جنگ شاکی بود. آمار کمک‌های جذب شده در ستاد جذب و هدایت کمکهای مردمی در تهران را آورد که در چند ماه گذشته بیش از سیصد میلیون تومان بوده است.

آقای صیاد [شیرازی] اطلاع داد دشمن در منطقه غرب در دو نقطه حمله کرده؛ یک حمله دفع شده و جایی دیگر یک ارتفاع مهم را گرفته[1]. بناست امشب پس بگیریم. آقای محسن رضایی گفت که دیشب در منطقه فاو ضربه‌ای به دشمن وارد کرده‌اند.

سه‌شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۸ رجب ۱۴۰۶ — 8 April ۱۹۸۶

مقداری از جلسه علنی را ماندم، به آقای کروبی سپردم و در جلسه ستاد قرارگاه خاتم شرکت کردم. ضعف‌های خطوط دفاعی و نیروی زمینی و راه‌های تقویت خطوط و جبران ضعف‌ها بررسی و تصمیماتی اتخاذ شد. دیروز در جبهه شرهانی هم عقب نشینی کرده‌اند. عراق فهمیده که خطوط دفاع

---

۱ ـ در روز ۱۸ فروردین در جبهه جنوبی در اثر هجوم دشمن تپه ۱۷۵ در شرهانی ـ منطقه عملیاتی محرم ـ سقوط کرد.

ما آسیب پذیر است و به خاطر شکست سخت در فاو، می‌کوشد در عملیات کوچک، برای تبلیغات و بالا بردن روحیه ارتش و مردم چیزی به دست بیاورد.

ظهر [آقای محمد تقی بانکی] وزیر نیرو آمد. از تخریب نیروگاه رامین [اهواز] با بمباران عراق خیلی ناراحت است. خسارت خیلی زیاد بوده. گفتم دفاع نیرومندی در مقابل حملات هوایی نداریم. قرار شد برای ایجاد هزار مگاوات برق با نیروگاه گازی در منطقه تهران اقدام نمایند.

عصر آقای [علی]شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] آمد. وضع جبهه فاو و برنامه آینده را گفت. خط دفاعی ما در فاو تا حدودی قابل اطمینان است. تأکید بر کمک به نیروی زمینی در دفاع از خطوط کردم. حاج ابراهیم از مسئولان یکی از مساجد تهران آمد. معامله‌ای با وزارت نفت کرده که خواهان اجرای آن بود.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. دکتر [عبدالله]جاسبی درباره دانشگاه آزاد اسلامی توضیح داد که نسبتاً مؤثر بود و کمی از مخالفتها کاست. شب شورای عالی ستادهای پشتیبانی جنگ جلسه داشت. اساسنامه‌ها را تصویب کردیم. نزدیک ساعت یازده شب به دفترم آمدم. شام خوردم و خوابیدم.

چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۵ | ۲۹ رجب ۱۴۰۶ — ۹ April ۱۹۸۶

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. در مراسم تشییع جنازه مرحوم عباس مرادی ـ پاسدارم که در سفر خوزستان در تصادف اتومبیل مجروح شد و دیشب فوت کرد ـ شرکت کردم. خیلی مغموم شدم. جوان لایقی بود. آقای [مرتضی] الویری آمد و اطلاع داد که آقای تقی محمدی یکی از متهمان پرونده [انفجار] نخست وزیری که در بازداشت بوده فوت کرده است. بازجوها مدعی‌اند انتحار کرده. گریه کرد و متأثر شدم. پیشامد مهمی است و در کل کار تأثیر خواهد گذاشت.

آقای [محمود]محمدی عراقی آمد. تأکید بر ضرورت تعیین نماینده امام در سپاه داشت. گفتم به خاطر بازگذاشتن دست فرماندهان سپاه در جنگ به تأخیر افتاده است. معمولاً تعارض بین نماینده امام و فرماندهان سپاه بوده است.

چند هزار نفر از رزمندگان راهیان کربلا از استان خراسان مقابل مجلس آمدند. برای آنها سخنرانی

کردم[1]. خیلی با حال بودند. با آقای خامنه‌ای درباره تشویق [پرسنل] هوانیروز که در عملیات والفجر ۸ خوب عمل کرده‌اند، مشورت کردم. موافقند[2].

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. آقای [محمد]یزدی [نایب رئیس مجلس] از عمره برگشته بود. وضع عربستان و سوریه راگفت و درباره درخواست نمایندگان مبنی بر شرکت در جنگ و تعطیل مجلس بحث شد. موافقت با تعطیل نشد و قرار شد مرخصی‌ها را محدود کنیم و به جای مرخصی، اعزام به جبهه و مأموریت‌های پشت جبهه باشد.

شب جلسه سران قوا، در مجلس مهمان من بودند. [آقای غلامرضاآقازاده]وزیر نفت آمد. سیاست‌مان در اوپک مشخص شد. قرار است این هفته اوپک برای حمایت از قیمت نفت جلسه داشته باشد. سپس درباره وضع عراقی‌های مهاجر به ایران و مجلس اعلا بحث شد. قرار شد به فعال شدن آنها توجه شود. از جبهه اطلاع دادند که قرارگاه ابوالفضل(س) در حال آماده شدن است. شب در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۶۵ | ۱ شعبان ۱۴۰۶ ‏ 10 April 1986

در جلسه علنی تا ساعت ده‌ونیم صبح کار کردیم. قبل از دستور درباره شرکت نماینده‌ها در جنگ

---

۱ ـ هنگام عزیمت سه لشکر از رزمندگان استان خراسان از مقابل مجلس شورای اسلامی به سوی جبهه‌های جنگ، آقای هاشمی به کشورهای حامی صدام اخطار کرد تا از فرصتی که به دست آمده، استفاده کنند و تسلیم حق شوند. در غیر این صورت، این حق ایران خواهد بود تا حق ملت خود، عراق و اسلام را بگیرد. ایشان همچنین به سفر جرج‌بوش معاون رئیس جمهور آمریکا به خاورمیانه اشاره کرد و گفت: "خیال می‌کردید جنگ به بن‌بست رسیده و فاتح ندارد ولی دیدید که فاتح دارد و جمهوری اسلامی برای حرف خود پشتوانه دارد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای حسن روحانی مسئول ستاد کل پدافند کشور در نامه‌ای به محضر امام خمینی(ره) چنین نوشت: "بسمه تعالی. از ستاد کل پدافند کشور به فرماندهی کل نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱ - همان گونه که استحضار دارند در پی برنامه‌ریزی‌های انجام شده و تلاش شبانه روزی و ایثارگرانه یگان‌های پدافند هوایی در عملیات غرور آفرین والفجر ۸ با حداکثر توان رزمی به نحو مؤثر شرکت نموده و علی‌رغم کلیه محدودیت‌ها و تنگناهای عملیاتی و تعمیراتی و فعالیت پروازی گسترده دشمن بعثی و تحمل بمباران‌های شدید موشک‌های ضد تشعشع و انواع پارازیت‌های الکترونیکی، موفق به کسب پیروزی‌های چشمگیر و بی‌سابقه‌ای شدند که نتایج آن در طی عملیات به عرض رسیده است.
۲ - پرسنل مشروحه در برگ‌های پیوست با ابراز رشادت، ایثار و فداکاری در عملیات والفجر ۸ موفق به کسب پیروزی‌های غرور آفرین و انهدام تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن شدند. و این ستاد پیشنهاد می‌نماید نامبردگان به پاس از خودگذشتگی شایان توجه ـ به شرح مندرج در برگ‌های مزبور ـ مورد تقدیر و تشویق قرارگیرند. منوط به اوامر عالی است. مسئول ستاد کل پدافند کشور ـ دکتر حسن روحانی"، حضرت امام (ره) نیز در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: "بسمه تعالی با تشکر از ایثار و فداکاری‌های این عزیزان شجاع و با تأیید و تصویب جناب آقای رئیس جمهور موافقت می‌شود. ۱۳۶۵/۱/۳۱ روح‌الله الموسوی الخمینی" رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۳۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).



بدرقه رزمندگان به جبهه های نبرد

صحبت کردم[۱]. بعد از تنفس، جلسه دیگر تشکیل نشد. راهیان کربلا مقابل مجلس آمدند. حدود نه هزار نفر از استان تهران بودند. خیلی با شکوه بود. برایشان صحبت کردم[۲]. باران هم می‌بارید. مردم

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "فشار زیادی از طرف آقایان نماینده‌ها هست که ما بتوانیم ترتیبی بدهیم که آقایان به نحوی در جبهه‌ها و کارهای جنگ شرکت کنند. یک نامه هست که عده زیادی از آقایان خواسته‌اند ما ترتیبی بدهیم که در ساعات غیر وقت مجلس، وسیله آموزش نظامی آقایان فراهم شود که این کار را می‌کنیم. با مراکز آموزش نظامی صحبت می‌کنیم و جای مناسبی را در نظر می‌گیریم، آقایان اسم‌نویسی کنند، تا ببینیم به چه ترتیب و چه اندازه باید آنجا برای آموزش تشریف ببرند. مسأله دوم اینکه، در حال حاضر، جمعی از نمایندگان، یا آن طور که می‌گویند همه در جنگ شرکت کنند. در کل، ما به این نتیجه رسیدیم که بیائیم کار حوزه‌ای نمایندگان را متوقف کنیم، یعنی مرخصی‌هایی که آقایان نمایندگان می‌گیرند، طبق آئین‌نامه، برای رفتن به حوزه‌های انتخابیه و برای کارهای حوزه خود، فعلاً این را متوقف می‌کنیم که در نتیجه، به طور معدل حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر که ما مرخصی می‌دادیم، دیگر مرخصی نمی‌دهیم و سعی می‌کنیم مأموریت‌های خارج از مسئولیت جنگ را که در خارج یا جاهای دیگر می‌دادیم، آنها را هم دیگر ندهیم. بنابراین، ما همیشه می‌توانیم بین ۳۰ تا ۴۰ نفر از آقایان را آماده برای کارهای جنگ داشته باشیم. چه آنهایی که مایلند مستقیماً در جبهه باشند و چه آقایانی که لازم است، پشت جبهه‌ها به مراکز استان‌ها بروند برای بسیج مردم، برای تأمین امکانات نیروها و برای همکاری با استاندارها و ائمه جمعه و سپاه به خاطر همین مسائل بسیج و کارهایی از این قبیل که مربوط به جنگ است، مجلس کار خود را ادامه داده و در حدود ۲۰۰ نفر در مجلس نگه می‌داریم. این احتیاج به همکاری جدی آقایان و خانم‌ها دارد که غیبت باید به حداقل خود فقط به ضرورت‌ها که قابل قبول باشد برای ما بشود که ما بتوانیم هم کارمان را ادامه دهیم و هم به جبهه برسیم. البته اگر در اثر رفتن به جبهه معلوم شد بیشتر از این لازم است که آقایان نمایندگان به جبهه بروند، آن موقع ترتیب جدیدی خواهیم داد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ چهارمین لشکر تازه نفس از استان خراسان متشکل از نیروهای رزمی ـ تخصصی در قالب ۲۶ گردان و سومین کاروان راهیان کربلای استان

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تهران بدرقه با شکوهی کردند. نمایندگان مراجعات داشتند.

عصر خانم تندگویان و سپس اعضای دفتر تحکیم وحدت آمدند. برای شرکت در سمینار شهید [سیدمحمدباقر] صدر به دانشگاه تهران رفتم و سخنرانی کردم[1]. مغرب به خانه رسیدم. عفت از سفر عمره برگشته بود؛ راضی است. عصر اعضای دفتر تحکیم وحدت آمدند و برای برنامهٔ شرکت دانشگاه‌ها در جنگ، مشورت و مذاکره کردند.

جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۶۵ | ۲ شعبان ۱۴۰۶   11 April ۱۹۸٦

امروز در منزل بودم. دیشب و پریشب، در تهران باران فراوان و کم سابقه‌ای باریده است. تلفنی اطلاع دادند که عراق در سومار چند ارتفاع را از نیروی زمینی گرفته است. خیلی عصبانی شدم[2]. به محسن رضایی تلفنی گفتم آنها را تقویت کنند.

عصر آقایان [محمد علی]رحمانی مسئول بسیج و [علیرضا]افشار رئیس ستاد سپاه برای حل اختلافاتشان آمدند. سپاه از آقای رحمانی شکایت دارد که راه استقلال گرفته و تبعیت نمی‌کند و آقای رحمانی شاکی است که سپاه، بسیج را پشتیبانی نمی‌کند و در مسئولیت‌های او دخالت می‌کند. توافق موقت برقرار کردم تا با رسیدگی به اساسنامه سپاه، مطالب و حدود وظایف روشن شود.

احمدآقا تلفنی گفت به عیادت امام بروم، زیرا ایشان مایلند من را ببینند. بعد از نماز مغرب رفتم. حالشان خیلی بهتر است. از روی تخت پائین آمده و سرم و باتری را برداشته بودند. وضو می‌گیرند. دکترها اظهار امیدواری کردند که در روز نیمهٔ شعبان، ایشان بتوانند به حسینیه [جماران] بیایند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تهران از پایگاه‌های مقاومت مقداد، اباذر، شهید بهشتی، شمیرانات، شهری، اسلام شهر، ورامین و دماوند پس از حضور در مقابل مجلس شورای اسلامی و استماع سخنرانی آقای هاشمی عازم جبهه‌های نبرد شدند. در این سخنرانی پرشور آمده است: "امام یک اشاره چند جمله‌ای در مراسم ولادت علی‌ابن‌ابیطالب(ع) فرمود آنهایی که می‌توانند جنگ کنند، حرکت نمایند و ما اینجا شاهد یک‌گوشه از قطره‌ای از اقیانوس این حرکت‌ها هستیم. مردان خراسانی همیشه در تاریخ جنگ‌ها سرنوشت ساز بودند. امروز هم از مردم خراسان همان انتظارهای تاریخی است. اولین پیروزی درخشان در جنگ با شرکت لشکر پیروز خراسان انجام شد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این روز در منطقه عملیاتی مسلم بن‌عقیل در جبهه میانی، در نتیجه هجوم دشمن با ۵ تیپ پیاده و ۲ گردان تانک، ارتفاعات اسماعیل‌خان و پایگاه دوله شریف سقوط کرد.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۱۴/۱۱۷/۲ [illegible]
تاریخ ۶۵/۱/۲۱
پیوست ....

وزیر محترم امور خارجه ایتالیا
آندره ئوتی
جناب آقای ...

از اظهار محبت و همدردی آن جناب در خصوص [illegible]
عراق و براساس [illegible] شهادت نمایندگان [illegible]
و منصفانه در قضاوت و سیاست متشکرم. امیدوارم در آینده
فرصت ملاقات و تبادل نظر داشته باشیم.

[illegible]

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

پاسخ به پیام وزیر خارجه ایتالیا

گزارش جبهه‌ها را دادم.

در دفتر بیت با آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها [دادستان کل کشور] درباره پرونده انفجار نخست وزیری صحبت کردم. ایشان معتقد است بازپرس‌ها خوب عمل می‌کنند و فوت تقی محمدی را به عنوان انتحار خود او و بدون تقصیر بازجوها می‌داند.

شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۶۵ | ۳ شعبان ۱۴۰۶ — ۱۲ April ۱۹۸۶

ساعت هشت‌ونیم صبح به مجلس آمدم. آقایان رحیم صفوی و [ابراهیم]سنجقی آمدند. گزارش جبهه را دادند و نامهٔ آقای محسن رضایی را آوردند که پیشنهادهایی درباره جنگ داشت: تشکیل دو قرارگاه در جنوب و شمال جبهه که قرارگاه جنوب به فرماندهی آقای شمخانی و قرارگاه شمال به فرماندهی عنصر ارتشی و خود ایشان جانشین من باشد.

آقای صیاد آمد و گزارش تفاهم با آقای رضایی را داد. مدعی بود تفاهم بر فرماندهی مشترک قرارگاه‌ها داشته‌اند که با نامه آقای رضایی نمی‌سازد.

جلسهٔ قرارگاه تشکیل شد. گزارش عقب نشینی نیروی زمینی از ارتفاعات سومار را دادند. خیلی ضعیف دفاع کرده‌اند. اعضای ستاد نیروی زمینی با صراحت گفتند، بدون کمک نیروهای داوطلب نمی‌توانند از خطوط دفاع کنند. درباره توپخانه و تعداد سرباز مورد نیاز نیروها بحث شد. معلوم شد برای مثال اگر ۴۸۰ هزار سرباز بگیریم، نیاز همه تأمین می‌شود. برای دفاع از خطوط به نتیجه مشخصی نرسیدیم. قرار شد آقای رضایی بیاید تا تصمیم‌گیری شود.

ظهر آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و گزارش مذاکره با هیأت فرانسوی را داد و گفت آلمانی‌ها اجناس خریده شده ما را ترخیص نمی‌کنند. عصر آقای [احمد] سالک آمد و گزارش کمیته پشتیبانی مجلس اعلای عراق را داد و نیازها را گفت. قرار شد عملیات داخل عراق از قرارگاه خاتم هدایت شود.

هیأت فرانسوی آمدند. نامهٔ آقای دلماس رئیس مجلس فرانسه را آوردند. آنها خواستار تحسین روابط بودند. کارهای غیر دوستانهٔ فرانسه را به طور مفصل گفتم و تصریح کردم که ما خواستار تحسین روابطیم ولی فرانسه مسئول تیرگی روابط است و باید از کارهای خلاف دوستی دست بردارد.

آقای [محسن] کنگرلو آمد. پیشنهاد جدید آمریکایی‌ها را در رابطه با گروگانهای لبنان آورد.

معلوم است که دارند بازی می‌کنند و به فکر فریبند. گفتم بگوید قبل از هر چیز باید قطعات هاک را بفرستند و سپس وارد صحبت شویم. تا ساعت هشت‌ونیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۵ | ۴ شعبان ۱۴۰۶ — ۱۳ April ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمدم، ولی برای انجام کارهای مربوط به جنگ به جلسه علنی نرفتم. آقای محسن رضایی آمد. با ایشان درباره فرماندهی جنگ مذاکره کردیم. با توجه به ضعف در دفاع از خطوط پدافندی، آقای رضایی را به جانشینی خودم انتخاب کردم و به آقای صیاد ماموریت دادم که در سمت معاونت ایشان همکاری کند. صیاد هم آمد، ابهاماتی داشت که برطرف کردم. احکام را صادر کردم و ابلاغ نمودم. ان‌شاءالله با دلگرمی بیشتر، دفاع خطوط مستحکم خواهد شد و عملیات پیشرفت خواهد کرد. قبلا با امام و آیت‌الله خامنه‌ای مشورت کرده بودم. آقای [حسین] موسویان [مدیر کل امور اداری مجلس شورای اسلامی] آمد. گزارش وضع اداری مجلس را داد. اطلاع رسید که نیروی زمینی در جبههٔ سومار عقب نشینی دیگری هم داشته است.

ظهر آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] آمد و پیشنهادهایی در همکاری وزارت صنایع سنگین در مهندسی جنگ داشت؛ خوب بود. آقای [محمد] غرضی [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد و گزارش کار داد. عصر گروه تبلیغات کردستان سازمان تبلیغات اسلامی آمدند و برای کار در کردستان کمک خواستند. سال گذشته از محل جنگ ۳۶ میلیون تومان بودجه گرفته‌اند.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. درباره تعطیل کردن دفاتر حزب بحث شد و به جلسه بعد موکول گردید. شب با سران قوا مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره رواج فساد اخلاقی و بدحجابی بحث کردیم. قرار شد لایحه‌ای برای مجازات مرتکبان و عوامل آن از طرف شورای عالی قضائی به مجلس بیاید.

درباره پیشنهاد آمریکا مبنی بر آمدن یک هیأت آمریکایی به ایران برای مذاکره درباره کمک ما به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان و در مقابل پرداخت قطعات اسلحه‌های آمریکایی به ما، با آمدن هیأت رسمی آمریکایی قبل از تحویل لوازم هاک، مخالفت شد. قرار شد بگوئیم اول با ارسال ۲۴۰ قطعه هاک، صداقت خودشان را ثابت کنند و سپس بیایند و موضوع بحث هم در محدوده فوق است، به اضافه دادن اطلاعات در مورد توطئه‌های روسها علیه ما که آمریکایی‌ها ادعا دارند. دیر وقت به خانه رفتم.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره [illegible]
تاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۴
پیوست

بکلی سری

جناب آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

براساس اختیارات تفویضی حضرت امام، و پس از کسب اجازه از مقام معظم‌له و مشورت با ریاست جمهوری، جنابعالی را به عنوان جانشین خود در امور جنگ تعیین می‌نمایم و جناب سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش نیز با موافقت شما و ایشان به معاونت شما انتخاب می‌شوند. در این شرایط که با ارشاد مقام معظم رهبری نیروها و امکانات دولت و مردم برای جنگ بسیج شده و دشمن در اثر ضربه‌ها و شکست از پیروزی‌های والفجر ۸ پریشان است لازم است با توکل بر خدای قادر کار جبهه را فعال و عرصه را بر دشمن متجاوز تنگ نمایید. با توجه به تلاشهای مذبوحانه دشمن در بعضی از نقاط جبهه برای اعاده روحیه سربازان شکست خورده‌اش لازم است با هماهنگی کردن نیروهای سپاه و ارتش و مردمی در مراحل اول مواضع از دست رفته را با تعقیب دشمن پس بگیرند و بلافاصله بدون فوت وقت در نقاط حساس و استراتژیک به تعقیب عملیات ضربه زننده بپردازید و سازمان جدید خود را با توجه به مسئولیت جدید برای تصویب به اینجانب پیشنهاد کنید.

۶۵/۱/۲۴
اکبر هاشمی رفسنجانی

حکم برای فرمانده کل سپاه پاسداران

دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۵ | ۵ شعبان ۱۴۰۶ — ۱۴ April ۱۹۸۶

تا ساعت دو بعد از ظهر در منزل بودم. احمدآقا آمد. اطلاع داد که آقای منتظری به زیارت امام آمده‌اند و امام دو موضوع را به ایشان تذکر داده‌اند: ۱ - توجه بیشتر به سپاه و جنگ ۲ - برخورد مساوی با روحانیون طرفدار انقلاب و عدم ترجیح یک جریان خاص. و نیز اطلاع داد که آقای سیدرضاصدر را در جریان درگذشت مرحوم شریعتمداری به اطلاعات احضار و چند ساعتی معطل کرده‌اند و آقای منتظری به این کار اعتراض داشته‌اند. آقای منتظری نظرشان این بوده که بهتر بود مراسم تشییع و فاتحه برای آقای شریعتمداری برگزار می‌شد.

آقای صیاد شیرازی به عنوان اعتراض به تعیین آقای محسن رضایی به عنوان جانشین من، از فرماندهی نیروی زمینی استعفا داده و رونوشت برای من و امام هم فرستاده است. تلفنی علت را پرسیدم؛ چون دیروز پذیرفته بود. گفت دیروز غافلگیر شدم. آقای [سرهنگ اسماعیل] سهرابی رئیس ستاد [ارتش] هم آمد و مخالف با جانشینی آقای رضایی بود و می‌گفت باعث تضعیف روحیه ارتشی‌ها می‌شود. با احمدآقا جریان را در میان گذاشتم. نظرش این است که باید حرفمان را پس نگیریم. آقای رضایی به همین دلیل نتوانسته ستاد خود را تشکیل دهد. این جریان مشکلی در جنگ خواهد آفرید. باید با ظرافت عمل شود.

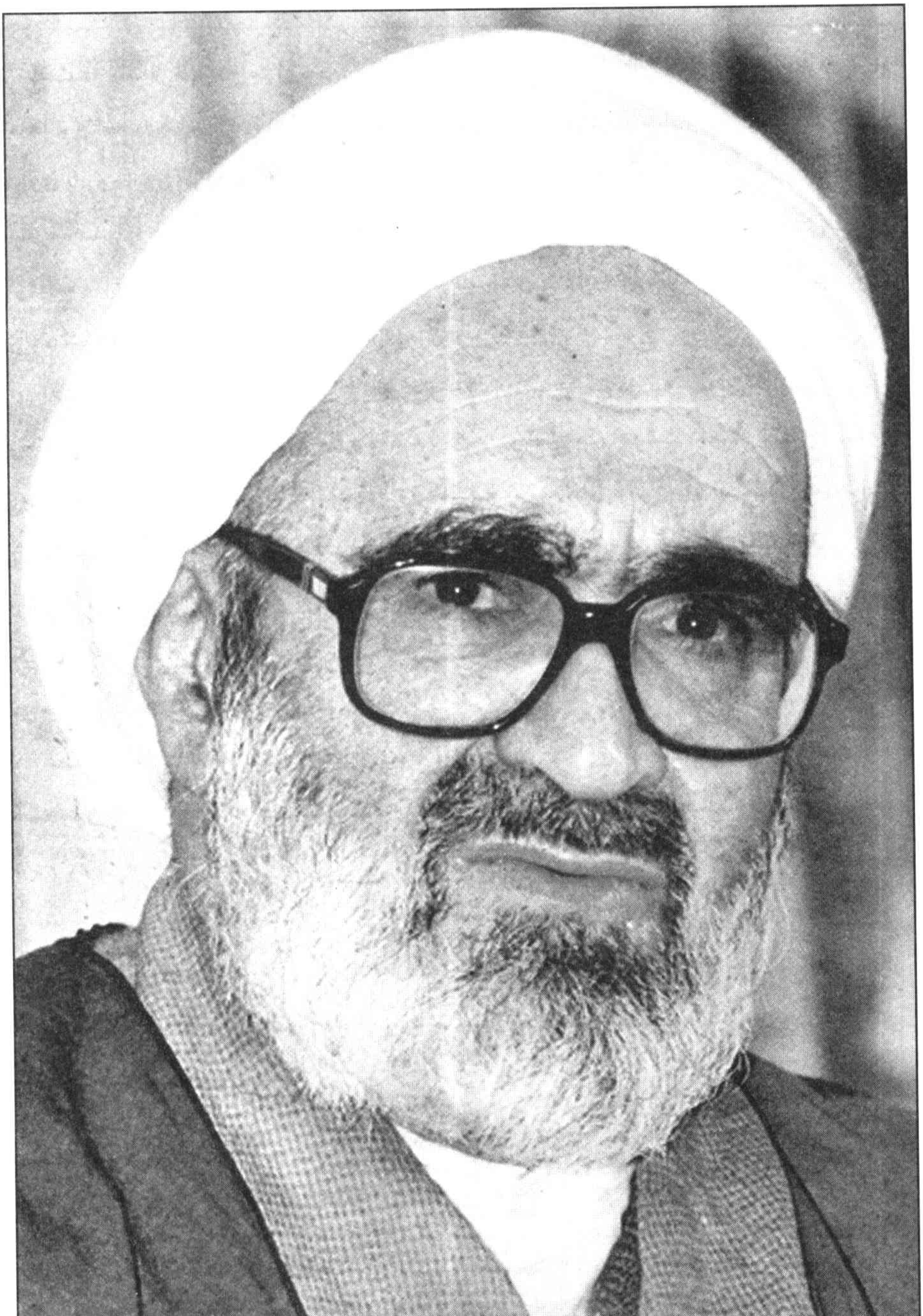
عصر به مجلس آمدم. برای پاسداران نمونه و پاسداران افتخاری صحبت کردم[1]. دوهزار نفر از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور که عازم جبهه بودند، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم[2].

شب به منزل نرفتم. اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور نخست وزیر برای مشورت در موضوع نیروی زمینی که فرمانده آن استعفا داده، جلسه داشتیم. چند فرض را مورد رسیدگی قرار دادیم و قرار شد تعقیب کنیم. امروز به خاطر لطمه‌ای که این مسائل به جنگ وارد می‌آورد، با ناراحتی گذشت. شب در مجلس ماندم.

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "حرکت دانشگاهیان در عزیمت به جبهه‌ها، انتخابی آگاهانه، عمیق و الهام بخش است. از آنجا که مهمترین ویژگی این جنگ، ماهیت مردمی بودن آن است، این جنگ یک ماهیت دفاعی دارد. به ما و انقلاب اسلامی تجاوز شده است و این تجاوز از جانب یک کشور مشخص نیست، انقلاب و کشور ما توسط عامل و مجری استعمار و ارتجاع مورد تهاجم قرار گرفته است. ماهیت دیگر جنگ، حضور مردم در صحنه است و این همان چیزی است که دفاع را مقدس می‌کند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



آیت الله منتظری قائم مقام رهبری

سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۶۵ | ۶ شعبان ۱۴۰۶ — 15 April 1986

صبح زود از رادیو آمریکا شنیدم که دیشب آمریکا با هواپیما به لیبی حمله کرده است.[۱] تا ساعت ده صبح در جلسه علنی ماندم. پیش از دستور درباره تجاوز آمریکا صحبت کردم[۲].

ظهر [آقایان فاروق الشرع و کامل حسن منصور] وزرای خارجه سوریه و لیبی به ملاقات آمدند.[۳] بیشتر بحث درباره حمله به لیبی بود. آمریکا موفقیت چندانی نداشته و در مجموع ضرر خواهد کرد. افکار عمومی او را محکوم و ظهور ضعف آمریکا هم، نیروی مردمی را صبورتر خواهد کرد.

عصر آقای محسن رضایی آمد و درباره جنگ و چگونگی دفع حملات دشمن صحبت کردیم. سپس در شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. ابزار و مسائل و عکس‌ها و مناظر و لباس‌های مبتذلی که از پانکها و فاسدها گرفته شده دیدیم که برای مبارزه با آنها فکری بشود.

شب به دفترم برگشتم و کارها را تا ساعت نه شب انجام دادم. در مورد نیروی زمینی، بالاخره صیاد پیشنهاد کرد که اختیارات فرماندهی را به سرهنگ جمالی بدهد که او در اختیار قرارگاه باشد. شب به خانه آمدم.

---

۱ ـ بمب افکن‌های اف ۱۱۱ نیروی هوایی آمریکا ساعت ۲ بامداد ۲۶ فروردین از پایگاه‌های انگلیس به پرواز در آمدند و شهرهای بن غازی و طرابلس را بمباران کردند. این حمله وسیع‌ترین حمله هوایی آمریکا پس از جنگ ویتنام ارزیابی شد. در این حمله منزل و مرکز فرماندهی سرهنگ معمر قذافی رهبر لیبی آسیب دید و دو پسر او مجروح شدند.

۲ ـ در این نطق آمده است: "دیشب دنیا شاهد یک حادثه افشاگر و رسوا کننده‌ای بود که در تاریخ معاصر ما نظیر روشنی ندارد که یک قدرت بزرگ جهانی مثل آمریکا در نیمه شب با هواپیما به یک کشور مستقل به بهانه‌های واهی این جوری حمله بکند. انصافاً این از نشانه‌های بارز ضعف و عجز استکبار و مخصوصاً آمریکا است. نشان می‌دهد که آمریکا تعادل خودش را در ارتباطات جهانی از دست داده و نه تنها آمریکا بلکه همکارانش در بلوک غرب چون انگلیسیها هم مستقیماً همکاری کرده‌اند و پایگاه در اختیار آمریکا گذاشته‌اند که از آنجا حرکت بکند. یک کمی آدم توجه بکند می‌فهمد که آثار ضعف و یک نوع دیوانگی در این حرکت خیلی روشن است. ضعف از این جهت که بعد از این همه زمینه‌سازی عجیب و غریب که آدم نمی‌فهمد اینها دارند چه می‌گویند این قدر حرف می‌زنند. همه رسانه‌ای غربی تجهیز شده بود برای یک کشور کوچک این قدر فشار روانی درست کنند. بعد در نیمه شب از نیروی هوایی و دریایی و یا استفاده از جاسوس‌ها و یا عمال عربی که دارند یک کار دزدانه‌ای که مناسب با جریاناتی مثل اسرائیل است نه آمریکا، آمریکایی که می‌خواهد سازمان ملل در کشورش باشد، آن که می‌خواهد میزبان نمایندگان مردم در سازمان ملل باشد، چطور چنین عمل احمقانه‌ای را انجام می‌دهد؟ آن هم با این ضعف، کشور به این بزرگی در یک حمله‌ای سفارت فرانسه هم پیمان خودش را هم مورد هدف قرار بدهد. این نشان ضعف عملکرد است در تهاجم قبلی‌شان اینها رسوا شدند، این دفعه خواستند جبران بکنند بعد این جوری شما می‌بینید در می‌آید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم، " دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در این ملاقات که آقای فاروق‌الشرع وزیر خارجه سوریه و آقای کامل حسن منصور دبیر کمیته مردمی روابط خارجی جماهیری لیبی حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "بمباران‌ها نمی‌تواند اراده ملتی را از میان ببرد و ملت‌ها می‌توانند اراده خود را بر متجاوزان تحمیل نمایند. باید از این تجاوز آمریکا بهترین استفاده را بکنیم و ثبات و قدرت مردم را نشان دهیم. اگر آمریکا در مقابل این تجاوز ضربه نخورد، گستاخ‌تر خواهد شد."



ملاقات با وزیران امور خارجه لیبی و سوریه

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۶۵ | ۷ شعبان ۱۴۰۶ — ۱۶ April ۱۹۸۶

اخبار رادیو [صدای] آمریکا [VOA] را گرفتم. عکس‌العمل‌های سریع و شدیدی در دنیا علیه آمریکا به خاطر تجاوز به لیبی شده است. به مجلس رفتم. اول وقت آقایان محسن رضایی و جمالی را به دفترم احضار کردم. بر سر برنامه‌ها توافق کردند و خواستار اختیارات بیشتر سرهنگ جمالی بودند.

مسئولان بنیاد مستضعفان آمدند. گزارش وضع مالی را دادند و از مشکلشان در خصوص حدود ۱۵۰۰ شرکت و موسسهٔ توقیفی و سرپرستی گفتند که قول مساعدت دادم.

[آقای علی اکبر محتشمی‌پور] وزیر کشور و مسئولان [شرکت] مترو [ی تهران] و بانک مرکزی و بیمه‌های اجتماعی آمدند. خواستار پنج میلیارد تومان اعتبار برای شروع کار مترو بودند. قرار شده بانک مرکزی با نظر مثبت، برای مقدمات کار اقدام کند. آقای [محمدحسن] اختری سفیر آینده‌مان در سوریه برای مشورت آمد. آقای شجاعی نماینده ساری آمد و طبق معمول از کارهای دولت گله داشت.

آقای [سیدمحمد] خاتمی وزیر ارشاد با آقایان [عبدالواحد] موسوی لاری و [صباح] زنگنه آمدند. ساختمان نیمه کاره تلویزیون آموزشی را که در اختیار مجلس است، برای مرکز اسناد انقلاب اسلامی خواستند. با تحویل موقت، تا زمان انتقال مجلس به آنجا موافقت کردم. آقای [غلامرضا] صفائی و آقای [حسن] روحانی آمدند. توصیه به عدم اقدام به جانشینی آقای رضایی داشتند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سپس به جلسه شورای عالی دفاع رفتم. بحث درباره گردانهای احتیاط قدس بود که نیروی زمینی تشکیل داده و بعضی از سران نظامی و کمیسیون دفاع مخالفند. ادلّهٔ نیروی زمینی قانع کننده نیست. سپس با دکتر روحانی و محسن رضایی درباره تشکیل ستاد جدید برای آقای رضایی به عنوان جانشین من صحبت شد و منتفی گردید. قرار شد از ستاد موجود استفاده کنند. آقای روحانی باز هم با جانشینی ایشان مخالفت کرد.

بعد از جلسه مصاحبه تلویزیونی کردم[1]. جلسه سران قوا داشتیم. از بالا رفتن قیمت نفت مأیوسند. درباره اقدامات برای تأمین ارز و مخالفت با صدور نفت زیاد صادرکنندگان بحث شد. به جای

---

۱ ـ در این مصاحبه آمده است: "حملات آمریکا علیه لیبی هیچ گونه ارزش نظامی ندارد و علی‌رغم اینکه این تهاجمات با غافلگیری شروع شد و برای آن برنامه‌ریزی کرده بودند با دستپاچگی، برخی از سفارتخانه‌های هم‌پیمانان خود را نیز بمباران کردند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

نرسیدیم. دیروقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۳٦۵ | ۸ شعبان ۱۴۰٦ ۱۷ April ۱۹۸٦

عفت صبح زود به رفسنجان رفت و من به مجلس آمدم. تا تنفس در جلسه علنی ماندم. مراجعات خیلی زیاد است. در تنفس برای مسئولان هیأت‌های تقسیم زمین صحبت کردم[۱]. آقای محسن رضایی اخبار جبهه‌ها را داد. چند پاتک را دفع کرده و تعدادی اسیر گرفته‌اند.

آقای روحانی خبر داد، یک هواپیمای باربری ایلوشین لهستانی که عازم هند بوده در آذربایجان مورد تعرض جنگنده‌های عراقی قرار گرفته، ولی پدافند موشک هاک تبریز آنها را فراری داده و هواپیما به شوروی رفته است. آقای سعیدالذاکرین [معاون روابط عمومی مجلس] آمد. خواهان انتقال به وزارت نفت بود. آقای دکتر [سیدجواد]انگجی [نماینده تبریز و رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها] آمد. از وزیر کشاورزی شاکی بود. معتقد است بد کار می‌کنند. عصر آقای [علیرضا] توکلی بینا آمد. از پیشرفت نکردن پیشنهاد مسئولیت جزیره کیش شاکی بود؛ آقای رسولی [محلاتی] مانع است.

با تلویزیون بلژیک مصاحبه‌ای درباره مسائل سیاسی و وضع زنان در ایران کردم[۲]. آقایان جعفری و هاتفی آمدند و از نفوذ باند سید مهدی‌هاشمی در بیت آیت‌الله منتظری شاکی بودند. شب به خانه آمدم. آقای سرهنگ جمالی آمد و گزارش داد. وضع جنگ رو به بهبود است.

جمعه ۲۹ فروردین ۱۳٦۵ | ۹ شعبان ۱۴۰٦ ۱۸ April ۱۹۸٦

در منزل بودم. احمدآقا آمد. گزارش‌هایی در مورد جنگ را برای اطلاع امام گرفت. دیشب در جبهه

---

۱ ـ در این دیدار که اعضای هیأت‌های ۷ نفره واگذاری زمین سراسر کشور و آقای فاضل هرندی نماینده آیت‌الله منتظری حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "اهمیت کشاورزی و پرداختن به آن برای کشور ما که درگیر یک جنگ تمام عیار است از لازمات است. مجلس و دولت نهایت سعی خود را مبذول می‌دارد تا مشکلات کشاورزان حل شود و ضروری است که هر چه سریع‌تر مسأله اراضی را حل کنیم و کسانی که باید در این مورد اقدامی انجام دهند به ایفای وظیفه‌شان بپردازند و کاری کنند که مسأله اراضی حل شود به گونه‌ای که کشاورزان به کارشان علاقمند شوند و به آینده خود مطمئن باشند."

۲ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳٦۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

وضع به نفع ما بوده؛ برعکس چند روز گذشته. عصر آقای صادق طباطبائی آمد. در مورد تعقیب پرونده‌هایش در اروپا مشورت کرد. مخارج پرونده‌هایش را می‌خواهد و گفت [ژاک]شیراک [نخست وزیر فرانسه] خواسته با او ملاقات کند[1].

مغرب برای زیارت امام به دفترشان رفتم. نماز جماعت را با ایشان خواندیم. حالشان رو به عادی شدن است، ولی موقع نماز هم سیم دستگاه کنترل قلب به بدنشان وصل بود و موقع بلند شدن دونفر کمکشان می‌کردند. بعد از نماز مدتی با ایشان صحبت کردم. گزارش تعیین آقای محسن رضایی به عنوان جانشین و وضع آقای صیاد و مراحل بعد را دادم. اظهار رضایت کردند. والده همراه با زن و دو دختر اخوی احمد آمدند. عیدی به بچه‌ها دادم.

شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۰ شعبان ۱۴۰۶   ۱۹ April ۱۹۸۶

بیشتر به مطالعهٔ نوشته‌های [عباس]قره‌باغی [رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی] و [حسین]فردوست [رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی] پرداختم. وضع رژیم پهلوی را خوب روشن می‌کنند.

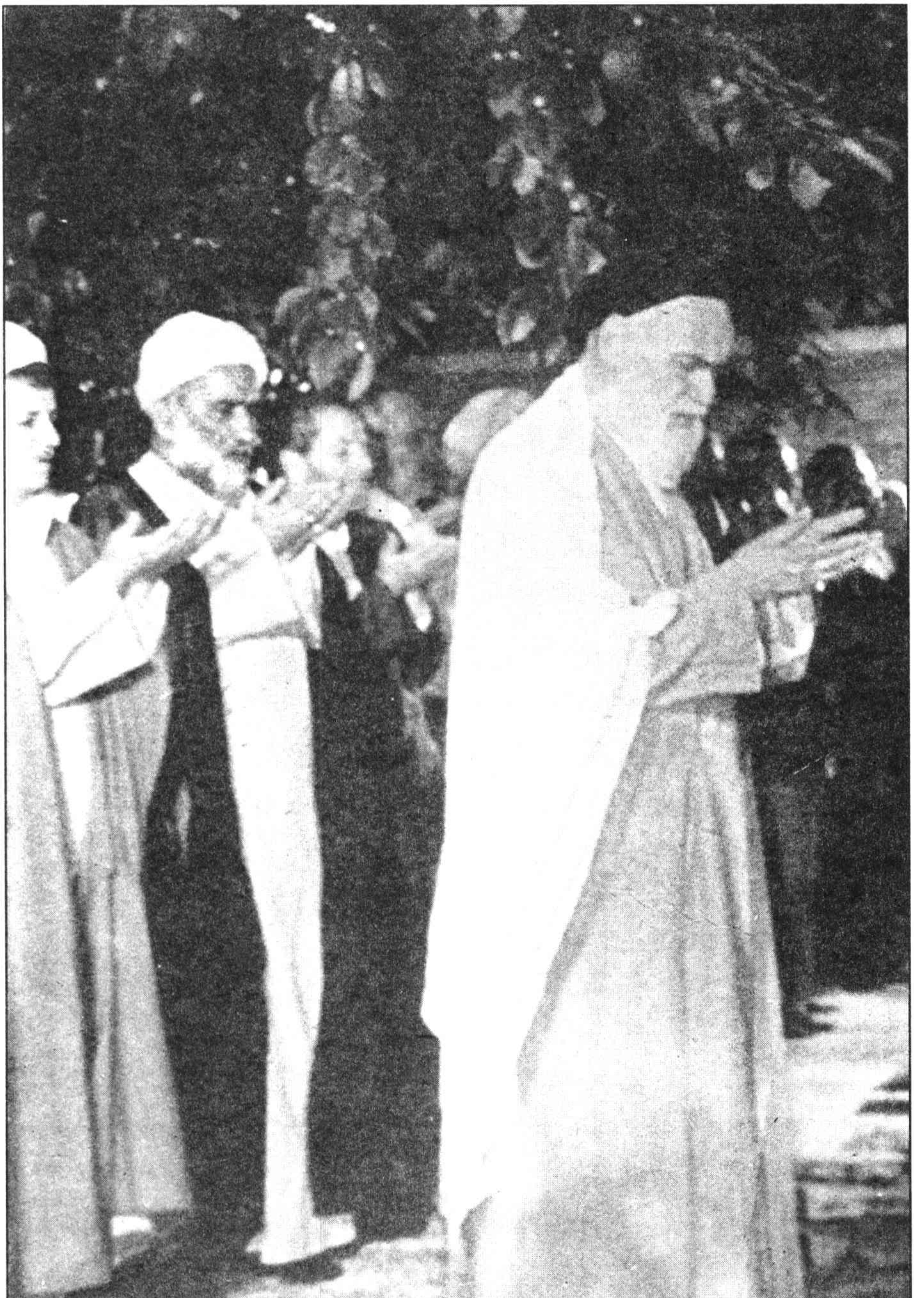
آقای دکتر روحانی تلفن کرد. از ادامه جانشینی آقای رضایی راضی نیست و با رفیق‌دوست برخورد تلخی داشته است. درباره تقسیم موشک‌های سطح به دریا و زمین به هوا که از چین رسیده و مایهٔ اختلاف بین نیروی دریایی و سپاه شده، قرار شد مشورت کنند. آقای رضایی تلفنی از همکاری میان ارتش و سپاه و استحکام خطوط اظهار رضایت کرد. به سرهنگ ترابی گفتم کارهای اجرایی دادن پاداش به هوانیروز و تعیین هدفهای مهم در خاک عراق را دنبال کند.

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۵ | ۱۱ شعبان ۱۴۰۶   ۲۰ April ۱۹۸۶

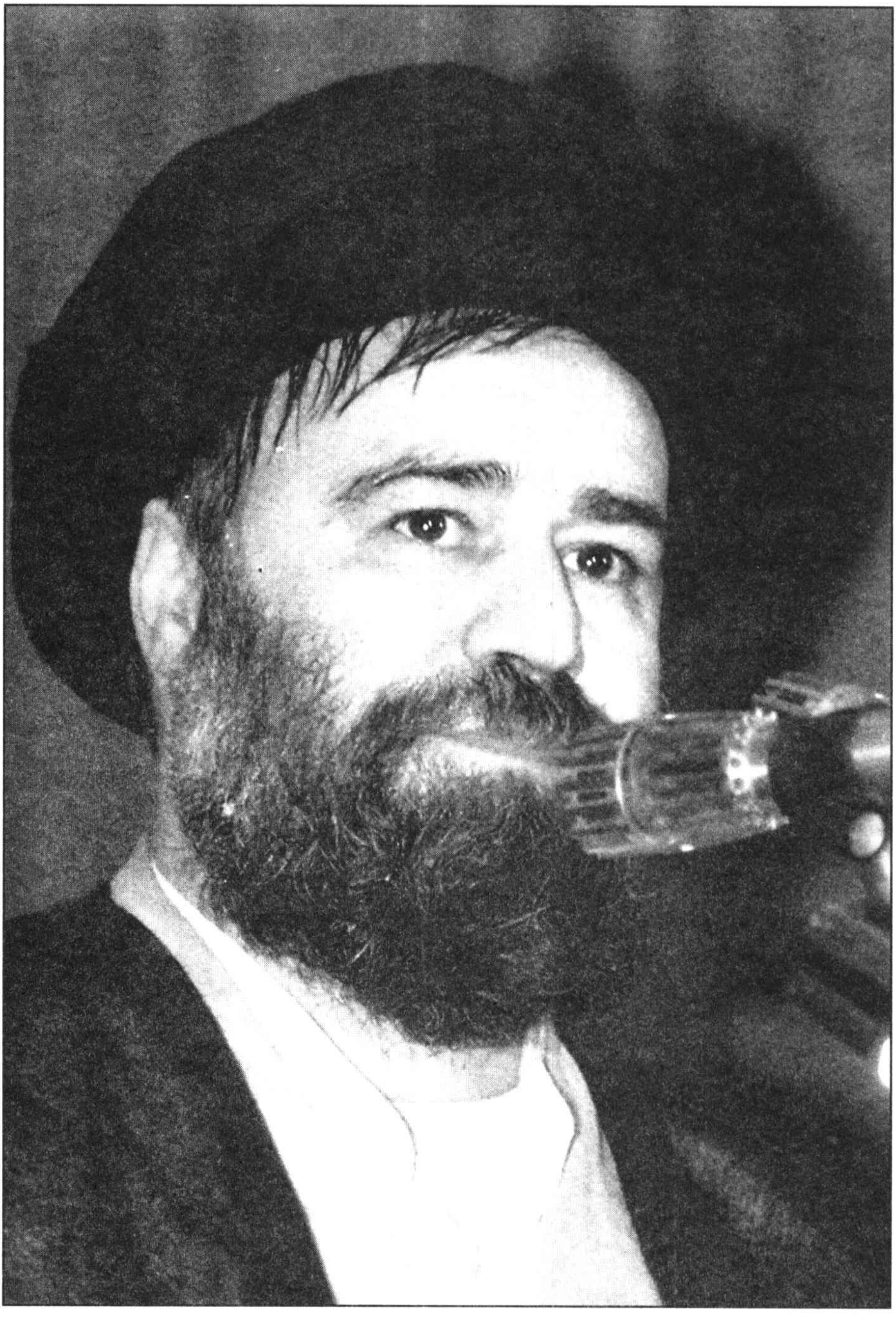
صبح زود به مجلس آمدم. از صدا وسیما آمده‌اند واز طریق ماهواره یک کانال به دفترم داده‌اند که

---

۱ ـ دکتر سید صادق طباطبایی فرزند مرحوم آیت‌الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی و برادر همسر مرحوم حاج سید احمدآقا خمینی است. وی در دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری اسلامی کاندیدا بود.او در زمینه تهیه ملزومات جنگ اقداماتی را انجام می‌داد. آقای طباطبایی در دی ماه سال ۱۳۶۱ به اتهام قاچاق تریاک در فرودگاه دوسلدورف آلمان دستگیر شد. وی از این اتهام تبرئه و مشخص گردید که عوامل ضدانقلاب، با انجام توطئه‌ای، مواد مخدر را در ساک او گذاشته‌اند. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، پس از بحران، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۱،" زیر نظر فاطمه هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب، صفحات ۱۸۵، ۲۵۵، ۲۶۳، ۲۶۹ و ۲۹۴.



نماز جماعت به امامت حضرت امام خمینی (ره)



حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی

شبکه تلویزیونی سی.ان.ان آمریکا را می‌گیرد. در دفاتر رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس شورای عالی قضائی هم گذاشته‌اند. دستور کارمان اختیارات و وظایف رئیس جمهور بود. چند هزار نفر از کارکنان دولت به عنوان نیروی تخصصی و خدماتی که عازم جبهه بودند، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. هیأت دولت هم به بدرقه آمده بودند. ظهر جمعی از نمایندگان باختران آمدند. از آقای سید زاده و موحدی امام جمعه اسلام‌آباد ـ که در خط مخالفشان هستند ـ شاکی بودند.

عصر [آقای کاظم خوانساری] سفیرمان در لیبی آمد و راجع به نوع کمکی که می‌توانیم به لیبی نمائیم، صحبت کرد. آقای سعید شاه آبادی آمد. پیشنهاد می‌کرد روز شهادت پدرش [آیت‌الله مهدی شاه‌آبادی] را روز روحانیون شهید اسم بگذاریم.

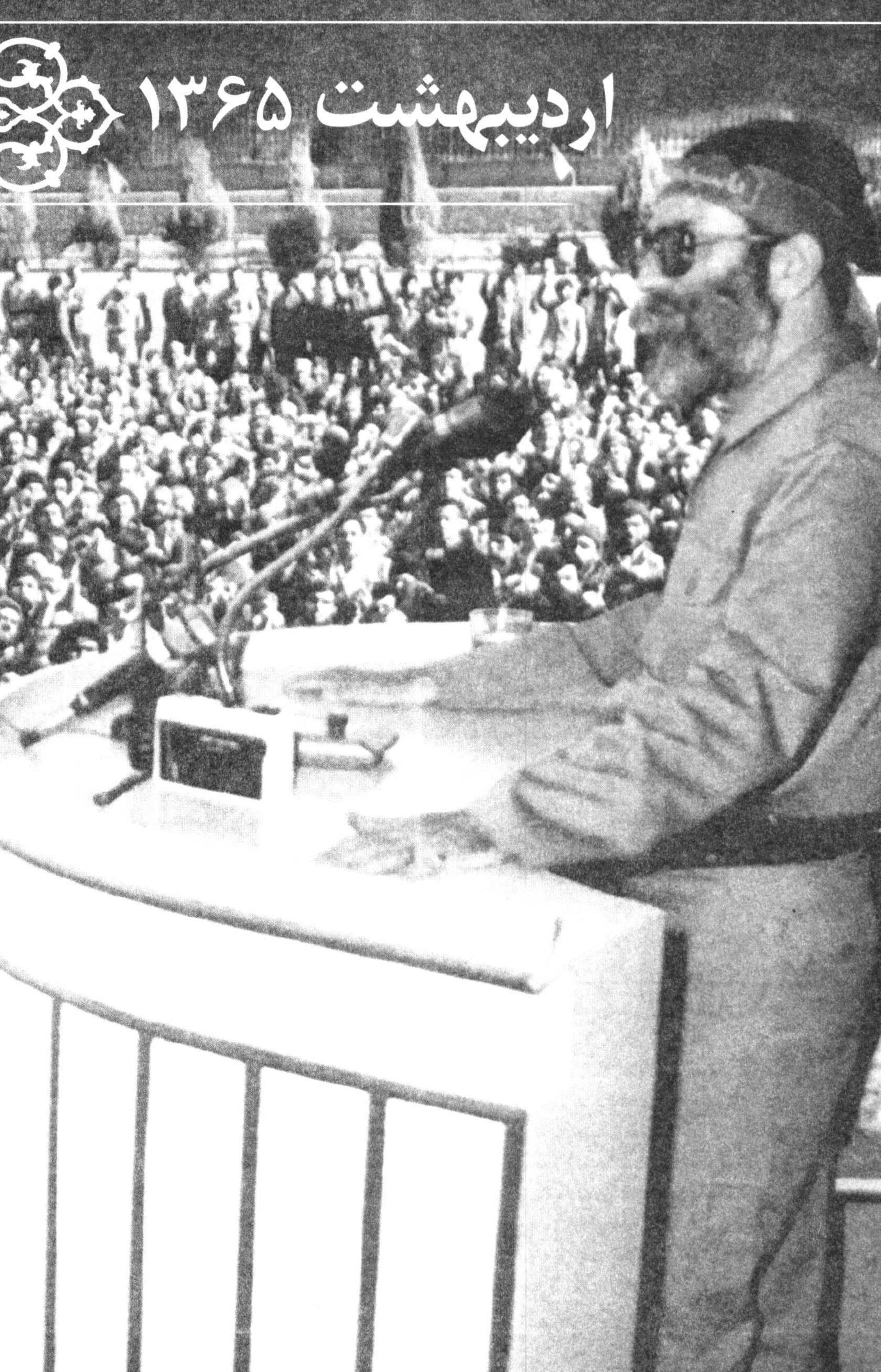
نماینده قائنات آمد و از نیازهای منطقه‌اش گفت. [آقای مسعود روغنی زنجانی] وزیر برنامه و بودجه با معاونان آمدند و مشکلات برای بودجه را با فرض ارزانی نفت گفتند. آقازاده از ژنو تلفنی خبر شکست کنفرانس اوپک را داد. آقای کنگرلو آمد و گفت آمریکایی‌ها حاضر شده‌اند برای اقدام ما جهت آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان، همراه خودشان قطعات هاک را بیاورند.

آقای [رضا]امراللهی آمد. دانشمندی را آورد که مدعی کشف انرژی جدیدی بود و از من در مورد به کار گرفتن آن سئوال داشت. نگران بود که نقش نفت را تضعیف می‌کند. شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. درباره جنگ و ارتش و سپاه و مسایل نفت و بودجه بحث کردیم. اطلاع دادند در منطقه فاو، پاتک سنگین دشمن را دفع کرده‌اند.

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "دنیا در خود سابقه این منظره‌ها را ندارد. در کجای تاریخ جنگ‌ها و انسان‌ها، ما چنین وضعی را سراغ داریم که با یک اشاره رهبری، این چنین به حرکت بیایند که برای کنترل و نظام دادن این حرکت، تمام قدرت دولت و کشور احساس عجز کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

اردیبهشت ۱۳۶۵



دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳٦۵ | ۱۲ شعبان ۱۴۰٦ ۲۱ April ۱۹۸٦

امروز بیشتر وقتم به مطالعه گذشت؛ بازجویی‌های [حسین]فردوست[1] و کارهای جاری. آقایان رضایی و جمالی از جبهه تلفنی از استحکام خطوط و همکاری مطلوب بین ارتش و سپاه راضی بودند و خواستار انحلال تیپ حضرت ابوالفضل(س) شدند. این تیپ را آقای صیاد با شرکت افراد داوطلب شهادت از میان واحدهای دیگر ارتش تشکیل داده است.

اینها مدعی‌اند که خروج افراد مومن از واحدهای ارتش، باعث تضعیف سایر واحدهایی شده که نیاز به افراد مؤمن دارند. با رئیس جمهور صحبت شد و قرار شد دستور انحلال آن تیپ را بدهند. همچنین آقای جمالی از عدم معرفی به مسئولان نیرو توسط صیاد گله داشت. احتمالاً درگیری بین

---

۱ ـ ارتشبد حسین فردوست از امرای بلند پایه نظام طاغوت و رئیس بازرسی شاهنشاهی بود. وی در تأسیس ساواک نقش محوری داشت. فردوست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مخفی گردید و تا سال ٦۲ که دستگیر شد، در خفا زندگی می‌کرد. وی پس از دستگیری به افشاگری تاریخی فساد در دوران پهلوی پرداخت و تا سال ٦٦ که در زندان درگذشت، به ذکر خاطرات خود از آن دوران پرداخت. افشاگریهای بسیار مهم ارتشبد فردوست توسط مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی وزارت اطلاعات در کتابی تحت عنوان «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» در دو جلد به چاپهای متعدد رسیده است. ضدانقلاب خارج نشین وی را به خیانت متهم کردند و مدعی شدند فردوست تجربیات خود از ساواک را در اختیار بنیانگذاران وزارت اطلاعات قرار داده و همکاری کرده است. ارتشبد فردوست از جمله نزدیکترین رجال دوران پهلوی به محمدرضاشاه و دوست و همکلاسی دوران کودکی وی بود. برخی منتقدان معتقدند فردوست در خاطرات خود به زیرکی بخش اعظم مطالب را به فساد شخصی شاه و رجال دوره پهلوی و مسایل جنسی پرداخته و فساد ساختاری و سیستمی رژیم ستمشاهی و مسایل اصلی آن را اغلب ناگفته گذاشته است. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید ← کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰.

صیاد و جمالی پیش آید.

عفت شب از رفسنجان رسید. او با جمعی از خانم‌های سخنران، برای سخنرانی در جلسات به رفسنجان رفته بودند.

سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۳ شعبان ۱۴۰۶   ۲۲ April ۱۹۸۶

در جلسه علنی مجلس، بررسی طرح وظایف و اختیارات رئیس جمهور ادامه داشت. کاروان پنج راهیان کربلا از استان خراسان به مقابل مجلس آمدند؛ خیلی با شکوه بود. برای آنها صحبت کردم[۱]. آیت‌الله خامنه‌ای هم آمده بودند. گروهی از جانبازان اراکی آمده بودند. برای آنها هم صحبت کردم[۲]. ظهر استانداران کشور آمدند. برایشان صحبت کردم و جواب سئوالات آنها را دادم[۳]. ناهار

---

۱ ـ آقای هاشمی در مراسم بدرقه هشت هزار تن رزمندگان لشکر پنجم «لبیک یا امام» استان خراسان که با حضور گروه کثیری از اقشار مختلف مردم تهران، مقامات مملکتی و نمایندگان مجلس در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی برگزار شد، اظهار داشت: "با حامیان صدام اتمام حجت می‌کنیم. هنوز فرصت دارید کلاه خود را قاضی کنید و تصمیم بگیرید. یا خواست‌های عادلانه این ملت شهید داده و مظلوم را بدهید و حزب بعث عراق را از صحنه حذف کنید و یا اینکه آماده باشید رزمندگان ما با قدرت تفنگ این کار را بکنند. تردیدی ندارم فرشتگان الهی نسبت به این حالی که شما دارید و نعمتی که خداوند به شما داده غبطه می‌خورند و آرزوی این را دارند که به جای شما اینگونه در راه خدا ایثارگری کنند. این نعمت را باید قدرش را بدانیم. بهترین برخوردی که با نعمت الهی شده، همین است. سال‌ها بود دعا می‌کردیم خدایا! به ما توفیق بده در رکاب امام عادل جهاد کنیم و چنین نمی‌شد، ولی حالا دعای ما مستجاب شده و شما وارث این دعاهای مستجاب شده هستید."
رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "سعی کنید در استانها کارها را به گونه‌ای تنظیم کنید که همان جا حل شود و به تهران محول نشود. گرفتاریهای شما آن طور پیچیده نشود که بخواهد از کانال‌های تنگ و پرپیچ و خمی عبور کند. شماها که اکنون کارشناس این مسائل هستید، در این زمینه‌ها طرح روشنی بدهید. آن چیزهایی که فکر می‌کنید در استان‌ها قابل حل است و دلیلی ندارد به تهران بیاید را مشخص کنید. شاید هم شما این را در سمینار طرح کرده‌اید. اگر دنبال این کار بروید، موفق خواهید شد. در کارهایتان برخدا توکل کنید. خداوند از زمانی که مردم وارد صحنه شدند و استحقاق رحمت خدا را به دست آورند، رحمت را بر ما نازل کرده است. ما هروقت در مقابل خود یک مشکلی را مجسم می‌کردیم و فکر می‌کردیم که این ممکن است سخت باشد دیدیم که مشکلات مثل ابر از جلو راه ما عقب می‌روند. نمونه‌اش همین امسال است که ما هیچ به فکر اینکه دشمنان ما برنامه‌هایی از لحاظ اقتصادی و نظامی چیده‌اند و این تهاجم جدید را آغاز کرده‌اند، نبودیم. ولی خداوند به ذهن امام امت انداخت و اول سال ایشان چنین دستوری دادند و چنین جوی در جامعه به وجود آمده است. حضور همین مردم در صحنه بسیاری از مشکلات جهانی را حل می‌کند. آنها که چشم سوئی به نظام ما داشتند، وقتی که این مردم را می‌بینند تحت تأثیر قرار می‌گیرند. هیچکس نیست که این مسائل را ببیند و تجدید نظر در مسائل خود نکند. ما که مثل ماهی در آب، شب و روز با مردم هستیم و می‌بینیم که این مردم دسته دسته به جبهه می‌روند و وقتی معنویت و فداکاری‌های مردم را می‌بینیم، قلبمان محکم می‌شود. دشمنان ما که اصلاً این چیزها را ندیده‌اند. طبعاً با دیدن این مناظر فکر می‌کنند که باید برای این کشور حساب جدیدی باز کنند و این کار را کرده‌اند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

مهمان مجلس بودند.

عصر اخوی محمود ـ که فعلا به طور موقت سفارت [ایران در] سوریه را اداره می‌کند ـ آمد و گفت که یک تاجر عرب مدعی است آماده است سه میلیارد دلار به ایران بدهد که بدهی‌های سوریه را ضمن آن مستهلک کنند. گفتم معمولاً چنین وعده‌هایی عمل نمی‌شود.

مسئولان مهندسی رزمی جهاد سازندگی آمدند و گزارش برنامه جدید را دادند. برای آنها صحبت کردم[1]. شب در مجلس ماندم و گزارش‌ها را مطالعه کردم. مسأله مهمی نداریم. جبهه‌ها هم امروز راکد است. به آقای خامنه‌ای تلفنی گفتم خوبست نیروی دریایی در خلیج فارس با احتیاط عمل کند.

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۴ شعبان ۱۴۰۶ — ۲۳ April ۱۹۸۶

تا ساعت هشت صبح کارهای اداری را انجام دادم و خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم. آقای جمالی اطلاع داد عراق دیشب در منطقه عملیاتی قادر از چهار محور حمله کرده ولی شکست خورده است[2]. به جای پنجشنبه، امروز جلسه علنی داشتیم. تا ساعت ده‌ونیم در جلسه علنی مجلس ماندم و بعد از تنفس به دفترم آمدم.

---

۱ ـ در این دیدار که مسئولان دفاتر نمایندگی حضرت امام(ره) در شوراهای جهاد سازندگی در استانها و مسئولان قرارگاههای ستادهای پشتیبانی جنگ حضور داشتند، آقای هاشمی با تأکید بر ضرورت سازماندهی نیروها، گفت: "وضعیت جنگ، در مقایسه با اوائل آن، خیلی فرق می‌کند و اکنون ابتکارات در جنگ می‌تواند نقش سرنوشت سازی داشته باشد. اگر چه روشن است که هنگام درگیری، نوک پیکان حمله را مبتکرها و افراد خط مقدم تشکیل می‌دهند ولی کار به آنجا ختم نمی‌شود. اگر کارها درست تنظیم نشود، آن مبتکرها و رزمنده‌ها نمی‌توانند از اهدافی که گرفته‌اند دفاع کنند. طبیعت جنگ این است برای محیطی که به وجود می‌آید، شرایط غیرعادی وجود خواهد داشت که باید آنها را حفظ کرد. مثلاً باید حساب کرد، برای پرواز یک خلبان نیروی هوایی چقدر پشتیبانی، ابزار پیچیده، مراکز تعمیراتی و مراکز دیگر لازم است. در زمین هم همین مسأله با مقداری تفاوت وجود دارد. نقش مهندسی رزمی در شرایط موجود، مخصوصاً در عملیات اخیر و آینده، به خاطر پیچیده شدن مسائل سرنوشت ساز است. شاید در ظاهر به نظر کار ساده‌ای بیاید، اما یک راننده بولدوزر در لحظه‌های درگیری می‌تواند با بولدوزر و لودر خود در آن نقاط حساس، موفقیت یک گردان را تضمین و جان یک عده رزمنده را که وجودشان در آن نقطه لازم است، در پناه یک تل خاک حفظ کند. این، تنها از عهده یک راننده بولدوزر برمی‌آید، کار او از یک هلی‌کوپتر یا دستگاه ناو و غیره که تانک دشمن را می‌زند، انصافاً در آن لحظه مهمتر است. شاید کسی اهمیت کار او در ذهنش نباشد ولی رزمنده‌ها این را می‌فهمند. یک جاده کوچکی که امکانات ترابری را فراهم می‌کند، یک سنگر به موقع در یک نقطه، نقش بزرگی در یک پیروزی عظیم می‌تواند داشته باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در جبهه شمالی در منطقه عملیاتی قادر (سیدکان) در نتیجه حمله دشمن به استعداد یک تیپ پیاده و یگان‌های جاش، ارتفاعات سرسول، گردشوان و لولان سقوط کرد.

آقای امامی کاشانی آمد و پیشنهاد کرد از مسلمانان و هواداران انقلاب در خارج از کشور درخواست کمک شود؛ به استناد تمایل به کمک که در ایام سفر عمره مشاهده کرده بود و پیشنهاد اتاق بازرگانی را آورد که گفته‌اند دولت به کارخانه‌ها اجازه بدهد تا درصدی از محصولات خود را به طور آزاد بفروشند و مسئول تهیه ارز خود باشند.

به آقای [طهماسب]مظاهری مسئول بنیاد مستضعفان تلفن کردم که به قرارداد خود با آستان قدس [رضوی] در مورد هتل و پرداخت بهای آن عمل نمایند؛ آقای [واعظ]طبسی خواسته‌اند.

ظهر آقای [سیدجمال]ساداتیان کاردارمان از لندن آمد و گزارش آنجا را داد و برای رفع ضعفها استمداد کرد. آقای [حبیب‌الله]عسکراولادی آمد و برای کمیته امداد امام کمک خواست.

عصر عقد ازدواج برادر آقای [اکبر]پرهیزکار [نماینده تبریز و]کار پرداز مجلس را بستم. آقای [علی]فلاحیان [معاون وزیر اطلاعات] آمد و برای کارهای برون‌مرزی اجازه خواست.

اطلاعات رسیده از منطقه قادر می‌گوید دشمن در قسمتی از میدان، پیروزی به دست آورده و این مایه شکست مدیریت جدید نیروی زمینی و آقای رضایی است که مدعی بودند خطوط را محکم کرده‌اند[۱].

شام سران قوا مهمان نخست وزیر بودیم. آقای [موسوی]اردبیلی پیش نویس لایحه تعزیرات و جلوگیری از فساد و بدحجابی را آوردند؛ تایید شد. درباره جبران کمبود ارز و بودجه به خاطر سقوط قیمت نفت بحث شد. خبر دادند یک انبار مازوت در جنوب تهران آتش گرفته است. درباره احتمال هجوم آمریکا و... به ایران بحث شد.

شب سرهنگ جمالی آمد و گزارش نظامی منطقه عملیاتی قادر را داد.

پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۵ شعبان ۱۴۰۶ — ۲۴ April ۱۹۸۶

تا ساعت ده صبح در منزل بودم. به مجلس آمدم. آقای [فریدون] مهدی نژاد با [آقای احمد

---

۱ ـ خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی از بغداد ضمن نقل بخش‌هایی از بیانیه نظامی عراق در مورد تصرف چندین ارتفاع در جبهه‌های شمالی می‌نویسد: "نیروهای عراقی در هفته‌های اخیر در چارچوب تلاش برای جلوگیری از تجمع نیروهای ایرانی در جبهه‌های شبه جزیره فاو به حملات برق‌آسا علیه نیروهای پراکنده ایران در جبهه‌های مختلف دست زده‌اند. در این حال صدام حسین رئیس جمهور عراق امروز چهارشنبه ریاست یک اجلاس ۱۲ ساعته از فرماندهان ارتش را که در ارتباط با بررسی اوضاع جبهه‌های جنگ تشکیل شده بود، برعهده داشت. در اجلاس مزبور وزرای دفاع و اطلاعات عراق و همچنین عزت ابراهیم نائب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق حضور داشتند".

وحیدی] معاون اطلاعات سپاه آمد و در مورد فعالیت‌های خارج از کشور مشورت کرد. آقای [ابراهیم]سنجقی آمد و گزارشی از وضع آموزش نظامی و ضرورت تقویت پایگاه‌های بسیج داد.

عصر برای سخنرانی در مدرسه فیضیه قم در سمینار "اسلام و مستضعفان" و ملاقات با آیت‌الله منتظری به قم رفتیم. مذاکرات با ایشان بیشتر درباره جنگ و مشکل همکاری سپاه و ارتش بود. نظراتی ابراز شد و قرار گذاشتیم هفته آینده با سران قوا در حضور ایشان جلسه داشته باشیم.

اجتماع مدرسه فیضیه زیاد بود. درباره استضعاف و استکبار صحبت کردم[۱]. بعد از نماز مغرب به تهران برگشتیم. حوضچه‌های مازوت پالایشگاه تهران که آتش گرفته در مسیر تهران ـ قم منظره بدی دارد و دود فضا را گرفته و در تهران باران سیاه باریده است.

جمعه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۶ شعبان ۱۴۰۶ ۲۵ April ۱۹۸۶

تا ساعت ده صبح در منزل بودم. اول وقت همراه رئیس جمهور و نخست وزیر به زیارت امام رفتیم. حالشان خوب است. به نماز جمعه رفتم[۲].

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "نتیجه تلاش و مجاهدت‌های مستضعفین، مقدمه ظهور امام زمان (عج) را فراهم می‌سازند. این مسأله که عدالت بیش از هر چیز دیگری در قیام حضرت مهدی (عج) مطرح است، بهترین پاسخ به کسانی است که می‌پندارند با سکوت در مقابل رژیم‌های استکباری می‌توان زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم ساخت. یکی از مهمترین مسائل در رابطه با قیام حضرت ولی عصر (عج) برخورد جدی با مستکبرین است. آرام نشستن یک مفهوم بی اساس در انتظار ظهور آن حضرت است که گمراهان و ناآگاهان از آن دم می‌زنند. این یک انحراف اصولی است که ادامه آن اساس اسلام را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. مسلمانان و مستضعفان برای زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) باید مستکبران عالم را بی رقیب نگذارند و همواره در پی ستیز با آنان باشند. خود را مکلف بدانند که برای رسیدن به حاکمیت مستضعفین، شهادت و سختی‌های فراوانی را به جان بخرند تا به هدف اصلی خود نائل شوند. دید عمیق قرآنی مبتنی بر این واقعیت است که خوی استکباری همواره به عنوان مانعی بر سر راه تکامل همه جانبه مستضعفین مطرح شده است. از آیات قرآنی دقیقاً چنین برمی‌آید در عین حال که جهت‌گیری حرکت انبیاء الهی بر علیه مستکبران بوده، ولی به توده‌های محروم و مستضعف نیز هشدار داده شده که نباید در مقابل مستکبران و اعمال ضد انسانی آنان سکوت اختیار کنند. قرآن آن دسته از مستضعفین را که با سکوت خود میدان تاخت و تاز مستکبرین را آماده کرده و رشد همه جانبه آنان را تضمین می‌کنند، مورد تقبیح قرار داده و آنان را همسو با مستکبرین تلقی می‌کند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در خطبه اول درباره دیدگاه اسلام راجع به حضرت مهدی (عج) با مباحث ادله نیابت عامه فقها، مسأله انتظار امام زمان (عج)، تفکر اصلاح جامعه و تکلیف مسلمانها در زمان امام عصر مطالبی مطرح شد. در خطبه دوم مسأله تروریسم بین‌المللی، حمله آمریکا به لیبی و وحشت استکبار جهانی از جمهوری اسلامی تحلیل هایی ارائه گردید. در بخشی از خطبه دوم خطاب به آمریکا آمده است: "بیایید خودتان را اصلاح کنید. به مردم زور نگویید. از جاهایی مثل اسرائیل حمایت نکنید. نوکرانی در سراسر دنیا هی نتراشید و علیه مصالح مردم به کار نگیرید. مردم را عصبانی نکنید. ببینید از این حرفها هم نخواهد بود و شما هم در قاره آمریکا این قدر امکانات دارید که بتوانید خوب زندگی کنید، روابطتان هم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر آقای فلاح دادستان کرمان آمد و گزارش وضع منطقه را داد. از رواج مواد مخدر و همچنین از آثار سوء اختلافات خطی محلی نگران است.

شب آقای محسن رضایی گزارشی از وضع جبهه‌ها و برنامه‌های دفاعی و پدافندی آینده داد. تا ساعت دوازده شب بیدار بودم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم[1]. مسائل مهم نیست. تهدید ریگان نسبت به سوریه و ایران و کشف شبکه قاچاق اسلحه از آمریکا به ایران سروصدا دارد[2].

شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۷ شعبان ۱۴۰۶ — ۲۶ April ۱۹۸۶

آقای [محسن] کنگرلو آمد و گزارش داد که آمریکایی‌ها می‌گویند قطعات هاک آماده تحویل است ولی می‌خواهند قبل از تحویل با کنگرلو ملاقات کنند. گفتم مانعی ندارد ولی ظاهراً آنها با اغراض

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌تواند با همه دنیا روابط اسلامی باشد و بر اساس صحیح باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ خبرگزاری فرانسه خطبه‌های نماز جمعه این روز را چنین نقل کرده بود: "هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران امروز جمعه تهدیدات رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا در مورد انجام اقدامات تلافی جویانه نظامی علیه ایران را «پوچ» خوانده و اخطار کرد در صورتی که این تهدیدات به مورد اجرا گذارده شوند، آمریکا خواهد فهمید ترور چه معنی دارد. رئیس مجلس که نماینده آیت‌الله خمینی در شورای عالی دفاع ایران نیز هست، پیش از مطرح کردن تهدیدات خالی ریگان که فوراً توسط جرج شولتز وزیر امور خارجه امریکا تکذیب شد، تروریسم دولتی کاخ سفید را محکوم کرد. وی ضمن اشاره به تدابیر امنیتی جهت حمایت از منافع شهروندان امریکا افزود شما هم اکنون با وحشت مواجه هستید اما اگر تهدیدات خود را علیه ایران به مورد اجرا بگذارید، آن گاه معنی ترور را خواهید فهمید. هاشمی رفسنجانی اظهار عقیده کرد که یک بمباران آمریکا علیه شهرهای ایران آنچه را که عراق از چندین سال پیش به ایران تحمیل می‌کند، نخواهد داشت. وی همچنین اظهار داشت مردم ایران روزی که در یک جنگ باز علیه آمریکا قرار گیرند، به‌طور گسترده‌تری بسیج خواهند شد. یادآوری می‌شود ریگان روز چهارشنبه اعلام کرد که ایران و سوریه در صورتی که مسئولیت یک اقدام تروریستی از سوی آنها به‌گونه‌ای انکارناپذیر ثابت شود، مورد یک اقدام تلافی جویانه قرار خواهند گرفت. رئیس مجلس ایران از سوی دیگر تبلیغات امپریالیستی را در مورد قاچاق سلاح آمریکایی به مقصد ایران مسخره توصیف کرد. وی از خود پرسید کدام قاچاقچی است که می‌تواند هواپیما و موشک‌های مدرن را بفروشد. در حالی که کنگره آمریکا هنوز تصمیم به فروش این گونه تسلیحات به عربستان سعودی را اتخاذ نکرده است. وی همچنین این توطئه‌ها را که حاکی از وحشتی است که انقلاب اسلامی و بسیج ملت ایران در آمریکا و نوکرانش در منطقه به وجود آورده است، محکوم کرد. وی سپس از ملت ایران خواست تا برای دادن یک درس جدید به خصم آماده باشد."

۲ ـ خبرگزاریهای غربی اعلام کردند ۱۷ نفر به جرم فروش سلاح به ایران در آمریکا تحت پیگیرد قانونی قرار گرفته‌اند. تعدادی از افراد این گروه دستگیر شده‌اند و پلیس آمریکا در جستجوی ۸ تن دیگر است. پیش از این نیز جنجال‌های خبری نظیر «خرید تسلیحاتی ایران از اسرائیل» یا «قاچاق اسلحه از آمریکا به ایران» از سوی غرب مطرح شده بود. سخنگوی گمرک آمریکا حجم این معامله را حدود ۲/۵ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت به ازای این مبلغ قرار بود دهها فروند هواپیمای بمب افکن، هلی کوپتر و هزاران قبضه موشک هدایت شونده و دهها قبضه موشک هوا به هوا به ایران تحویل داده شود.

خاص جریان را به تأخیر می‌اندازند و حسن نیت ندارند. در گذشته هم از این فیلم‌ها بازی کرده‌اند.

علی‌القاعده آنها باید عجله بیشتری برای آزاد کردن گروگانهای خود در لبنان داشته باشند؛ یا در داخل خودشان مشکلی دارند ویا در صدد اجرای توطئه‌ای هستند. باید با هوشیاری برخورد کرد و نباید هیچ قولی درباره گروگانها داد و فقط گفته شود که اگر با تحویل قطعات هاک، حسن نیت خود را ثابت کردند، ما برای نجات گروگانها شروع به اقدام می‌کنیم و پس از اقدام می‌توانیم بگوئیم چه می‌کنیم.

دکتر [محمدعلی]هادی آمد و راجع به کنگره بین‌المجالس و مسائل خودش حرف زد. آقای سرهنگ جمالی آمد. او نگران تبلیغات علیه او در خصوص پذیرفتن جانشینی آقای محسن رضایی بود و خواهان لغو آن حکم است. گفتم پس از آنکه همکاری ارتش و سپاه روشن شد، آن را لغو می‌کنیم، ولی راضی نشد. به آقای رضایی هم گفته بود و آقای رضایی شب آمد و در این باره مذاکره کردیم و راهکارهایی مطرح شد، اما به نتیجه نرسیدیم.

مشکل مهم جنگ، عدم تفاهم بین ارتش و سپاه است. ارتشی‌ها حاضر نیستند زیر بار سپاه بروند. اطلاع دادند که عراق در جزیره جنوبی مجنون حمله کرده و شکست خورده است[1]. عصر عفت مهمان داشت و مراجعات هم به من داشتند.

یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۸ شعبان ۱۴۰۶ ۲۷ April ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمدم. رئیس جمهور تلفنی از من خواستند که در مجلس کمک کنم تا اختیارات رئیس جمهور ضعیف نشود، ولی با مواضع اکثریت نمایندگان، عملاً کار زیادی نمی‌شود کرد.

در جلسه علنی تا هنگام تنفس ماندم. مطابق معمول به خاطر مسئولیت جنگ کمتر در جلسات مجلس می‌مانم. راهیان کربلا که از استان گیلان عازم جبهه بودند، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. نمایندگان به خاطر مسائل امنیتی موافق نیستند که زیاد در اینگونه مراسم شرکت کنم.

---

۱ ـ در این روز در جبهه جنوبی، در منطقه عملیاتی خیبر (جزیره مجنون) دشمن به استعداد یک لشکر زرهی حمله کرد، اما ظرف چهار روز نتوانست بیش از ۲۰۰ متر پیشروی کند.

۲ ـ آقای هاشمی در مراسم عزیمت لشکر چهارم راهیان کربلا از استان گیلان به جبهه‌های نبرد که در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شد، اظهار داشت: "این احساسات، فداکاریها، بزرگواریها و عواطفی که ملت عزیز ما این چنین بروز می‌دهند، بسیار با ارزش است. این حرکتی که مردم ما

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

این روزها این صحنه چند بار تکرار شده است.

پیش از ظهر با جمعی از دانش آموزان مدرسه امیر کبیر قزوین که چهل هزار تومان برای جبهه آورده بودند، ملاقات و برایشان صحبت کردم. ظهر دکتر محیط و اسماعیلی آمدند. محیط برای جلوگیری از ضایعات روانی در اثر جنگ پیشنهادهایی داشت.

عصر پاسداران نمونه‌ای که در جنگ خوش درخشیده بودند، آمدند. برای آنها صحبت کردم[۱]. در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بحث بر سر تعطیل دفاتر حزب بود که به نتیجه نرسیدیم.

شب با سران دیگر قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. نامه سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] مطرح شد که خواسته بود فرمانده نیروی زمینی عوض شود و حکم جانشینی آقای رضایی لغو شود. مقبول نیفتاد. قرار شد به او ابلاغ شود که با همین وضع باید خدمت کنند. درباره مشکل ارتش و سپاه بحث شد. قرار شد چهارشنبه به قم برویم.

آقای دکتر ولایتی برای سفر به لیبی و سوریه عازم است. قرار شد اطلاع دهد که به تقاضای سوریه حدود چهل میلیون دلار نفت به آنها کمک می‌کنیم و کالاهای بیشتر از آنها می‌خریم و در ساختن یک سد شرکتشان می‌دهیم. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۹ شعبان ۱۴۰۶ — ۲۸ April ۱۹۸۶

امروز بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. احمدآقا آمد. درباره وضع سپاه و نیروی زمینی بحثهای دیشب را

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برای خدا، انقلاب و اجرای فرمان امام برای دفاع از اسلام، داوطلبانه و با شور و نشاط انجام می‌دهند و به جبهه می‌روند، پدیده بسیار بزرگی است و در تاریخ جایگاه برجسته‌ای خواهد داشت، بخصوص در مورد استان گیلان و مازندران، جایی که دشمنان اسلام در آنجا با برنامه ریزی و به کارگیری امکانات مختلف سعی در تضعیف دین و اخلاق داشتند و فکر می‌کردند که می‌توانند آنها را از دامن اسلام دور کنند. اما حالا می‌بینیم که مردم این خطه از پیشتازان اعزام به جبهه هستند و این شور و هیجان نشانه عمق اسلام، مذهب و اخلاق در میان شما مردم پاکدل و متدین است." رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - در این دیدار که منتخبین فاتحان فاو و جمعی از پرسنل اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "فتح فاو از چنان اهمیتی برخوردار است که بسیاری از معادلات جهان را بر هم زد و دنیا اکنون تسلیم رزمندگان اسلام شده است. پیروزی رزمندگان اسلام در فاو تنها از نظر نظامی مطرح نیست، بلکه از لحاظ سیاسی و روابط دولتها و مسائل آینده نیز دارای آثار ارزشمندی است که نتایج آن تنها با گذشت زمان روشن خواهد شد. حامیان صدام با تجهیزاتی که در اختیار صدام قرار داده بودند، مطمئن بودند که او شکست نمی‌خورد، ولی فتح فاو به حامیان صدام نشان داد که صدام شکست می‌خورد. زیرا عراق تمام توانش را برای بازپس‌گیری فاو به کار برد، اما نتوانست کاری از پیش ببرد. عبور از اروند رود و مهمتر از آن تدارک و مقاومت کردن پس از آن، در مقابل آن همه تهاجم بی سابقه به فاو که دشمن حتی نتوانست یک وجب از خاک آن را پس بگیرد، بسیار مهم است و باعث شده که دنیا اکنون در برابر شما رزمندگان اسلام سر تعظیم فرود آورد." رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

برای اطلاع امام به ایشان گفتم. برنامه ملاقات رزمندگان ممتاز با امام نیز تنظیم شد. آقای سرگرد هاشمی آمد. او از دوستان صیاد است. پیشنهادهایی در ارتباط با جانشینی آقای محسن رضایی داشت.
آقای احمد شجاعی آمد و طرحی برای زدن تلمبه خانه‌های نفت عراق از طریق ترکیه آورد.

عصر خانم شهید مطهری آمد. از آیت‌الله منتظری و سایر دوستان شهید مطهری به خاطر عدم توجه به خانواده ایشان گله داشت. خواب‌های نوید بخشی از بستگان نقل کرد. کارها را از مجلس آوردند. در گزارش‌ها از موشک خوردن یک کشتی کوچک ما و درگیری قطر و بحرین بر سر یک جزیره خبری بود.

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۰ شعبان ۱۴۰۶ — ۲۹ April ۱۹۸۶

با زنگ تلفن سرهنگ [مصطفی]ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] بیدار شدم. اطلاع داد یک کشتی روسی حامل اسلحه برای کویت را برای بازرسی توقیف کرده‌اند. گفتم آزادش کنند. به دفتر آمدم. آقای محسن رضایی اطلاع داد دیشب در چهار محور در دریاچه نمک به عراق حمله کرده‌ایم و موفق شده‌ایم و به اهداف رسیده‌ایم[1].

در تنفس آقایان [محمد]یزدی و [احمد]آذری [قمی] و [محمدعلی]موحدی کرمانی آمدند و درباره تشکیل واحد جدید "همکاری حوزه و دانشگاه" که از طرف جامعه اسلامی دانشگاهی و جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و جامعه روحانیت مبارز [تهران] تشکیل شود، مشورت کردند. نگرانند متهم به لیبرالی و سرمایه‌داری شود. گفتم بهتر است قبلاً در شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه و تشکیلات آن تصویب شود.

مسئولان ورزش بانوان آمدند و درباره مسائل کار خود سئوال داشتند. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم پیروزی دیشب را تبلیغ کنند. آقای [حسن]فیروز آبادی [معاون نخست وزیر در امور جنگ] آمد و درباره نحوه تخصیص ارز برای سپاه و ارتش سئوال کرد. گفتم کمیسیون ویژه‌ای تشکیل شود تا اولویت‌ها را تعیین کنند.

---

۱ ـ عملیات پیروزمندانه والفجر۸ که از ۲۰ بهمن سال ۶۴ شروع شده بود، در این روز با تهدید بصره از جنوب به پایان رسید. یگان‌های احتیاط ارتش عراق ۷۵ روز پاتک کردند اما مؤثر نبود و بر آمار تلفات و خسارت‌های دشمن افزود، چنان که سر فرماندهی ارتش عراق به یقین رسید که تلاش برای باز پس‌گیری فاو به جایی نمی‌رسد و به جز انهدام یگان‌هایش نتیجه‌ای ندارد، لذا پاتک‌ها را متوقف کرد. در عملیات والفجر۸، حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع تصرف شد.

عصر برای صحبت در سمینار شهید مطهری[1]، به دانشگاه تهران رفتم. اول شب به خانه رسیدم. در فکه، دشمن حمله کرده[2] و در فاو ما حمله کرده‌ایم.

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۱ شعبان ۱۴۰۶   ۳۰ April ۱۹۸۶

صبح زود دکتر روحانی آمد. درباره جنگ، سپاه و ارتش و مسائل مربوط به قرارگاه صحبت کردیم. آقای محسن رضایی آمدند. در مورد عملیات آینده و مشکلات کمبود امکانات در اثر توطئه اخیر سقوط قیمت نفت مذاکره کردیم.

در ملاقات رزمندگان ممتاز خدمت امام شرکت کردم. چون امام صحبت نمی‌کنند، اینجانب مختصری حرف زدم[3]. ساعت ده به دفترم آمدم. عده‌ای برای پرداخت کمک به جبهه آمده بودند.

آقای [سیداحمد] زرگر دادستان [مبارزه با]مواد مخدر آمد. از تصمیم شورای عالی قضائی مبنی برعدم اعدام قاچاقچیان غیرمسلح شاکی بود و کمک می‌خواست. اعضای کمیسیون نیرو[4] که به دعوت شرکت‌های فروشنده نیروگاه به ایران، به کشورهای آلمان، سوئیس و ایتالیا رفته بودند گزارش

---

۱ ـ آقای هاشمی در اولین نشست سمینار بررسی اندیشه‌های استاد شهید مرتضی مطهری با ارائه تحلیلی پیرامون زندگی آن شهید، تأثیرات استاد مطهری در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داد. ایشان گفت: "مطهری از موفق‌ترین علما و دانشمندان تاریخ است، به طوری که اگر کسی بخواهد برای زندگی خود سناریو و فیلم نامه بنویسد، نمی‌تواند به این خوبی این کار را به انجام ببرد. ایشان در دوران مختلف زندگی خود کار کرده است و در زمان خوبی زندگی ایشان مصرف شده است. جانبازیهای امروز جوانان در جبهه‌های جنگ، معلول شهادت انسانهای بزرگی چون استاد شهید مطهری می‌باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در نتیجه هجوم دشمن در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی و والفجر یک در فکه که با یک لشکر زرهی و ده تیپ پیاده انجام شد، اقدام گسترده دشمن با واکنش مؤثر خودی خنثی گردید. در این عملیات ۱۷۶ دستگاه زرهی و ۱۲ خودروی دشمن منهدم شد.

۳ ـ در این ملاقات که جمعی از ایثارگران عملیات والفجر ۸ متشکل از پرسنل واحدهای رزمی، پدافندی، مهندسی، پشتیبانی، تدارکات، امداد و سایر نیروهای شرکت کننده در عملیات حضور داشتند، آقای هاشمی ابعاد مختلف عملیات والفجر ۸ را که منجر به آزادسازی شهر استراتژیک فاو شد، تشریح کرد. ایشان ضمن طلب دعای خیر امام خمینی (ره) برای رزمندگان اسلام گفت: "این افراد که هر یک نمایندگانی از واحدهای خود می‌باشند، برای تجدید دیدار با فرمانده خود به اینجا آمده‌اند و امیدواریم که دعای خیر امام امت و امت شهید پرور بدرقه راه همه رزمندگان باشد."

۴ ـ اعضای کمیسیون امور پست و تلگراف و نیرو در مجلس شورای اسلامی عبارت بودند از: آقایان غلامرضا حیدری، محسن رهامی، عبدالرضا هاشم زائی، جواد راستی، حامد دامنی، اسحاق جهانگیری، طالب خیاطی، برزو مهبودی، رحیم علیزاده، سیدمحمد علی قریشی، احمد همتی و علی معزی. اعضای این کمیسیون به دعوت کمپانی براون باوری از تأسیسات تولید و انتقال نیرو در کشورهای سوئیس، آلمان و ایتالیا بازدید کرده بودند.



نتایج سفر را دادند.

سرهنگ خوشنویسان آمد و از فشار گروه کار نظامی رئیس جمهور و ستاد مشترک بر سازمان حفاظت اطلاعات [ارتش] گفت و گزارش کار داد. آقای هاشمی معاون امور بین‌الملل مجلس آمد و از عدم توجه کارپردازی به کار او گله داشت.

ظهر آقایان [علی]رازینی، اتابکی، [علی]یونسی و [مصطفی]پورمحمدی برای مشورت در خصوص تشکیل دادگاه صحرائی برای محاکمه نظامیان متخلف در جنگ آمدند. درباره اهداف سیاسی و نظامی دادگاه و کیفیت برخورد، نیازهای مقرراتی و فتوائی صحبت شد. اطلاع دادند که از منطقه فکه، دشمن به لشکر ۱۶ حمله کرده و سه گردان را ضربه زده و از خط دفاع به خط دفاع دوم عقب نشسته‌ایم؛ اوقاتم تلخ شد و در جلسه هیأت رئیسه مجلس شرکت نکردم.

قرار بود امشب با سران قوا به قم برویم. چون آقای خامنه‌ای دیر وقت از سیستان برگشتند و نمی‌توانستند به قم بیایند، منصرف شدیم و به آقای منتظری اطلاع دادم که یکشنبه آینده می‌آییم. شب نخست وزیر به دفتر آمد. درباره وضع اقتصادی کشور بحث کردیم. او معتقد است می‌تواند با مشکلات بودجه بسازد. شب در مجلس ماندم. آقای نادی [نجف‌آبادی] آمد و قرار شد کمیسیونی برای تعیین اولویت‌های خریدهای نظامی تشکیل شود.

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۱ شعبان ۱۴۰۶   1 May ۱۹۸۶

بعد از نماز تا ساعت هفت صبح در دفترم کار کردم. آقای محسن رضایی آمد. درباره تحکیم خطوط و عملیات آینده و مسائل نیروی زمینی تا ساعت نه‌ونیم مذاکره کردیم. احمدآقا اطلاع داد که امام جواب سئوالات دادگاه صحرائی را به آقای منتظری ارجاع داده‌اند.

در جلسه علنی برای رسیدن به مسائل جنگ شرکت نکردم. آقای دکتر روحانی و رضایی آمدند. گفتند آقای صیاد از دادن اختیارات به سرهنگ جمالی پشیمان شده و گفته است خودش می‌خواهد حضور داشته باشد. عصر اعضای سمینار وزارت ارشاد اسلامی آمدند. برای آنها صحبت کردم[1].

---

۱ ـ در این ملاقات که آقای سید محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی و نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "در شرایط حاضر حساسیت دنیا در مقابل ما فقط مسائل اقتصادی و سیاسی و اهمیت سوق الجیشی ایران و غیره نیست. شاید آنچه ریشه دار و مورد بغض اینهاست جنبه‌های فرهنگی انقلاب است، آنها می‌دانند که مسأله فرهنگی چقدر مهم است و اگر ملت‌ها از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)



آقای هاشمی ، آقای خاتمی وزیر ارشاد اسلامی

سید مهدی‌هاشمی [۱] آمد. از خودش دفاع کرد و داشتن گروه مخفی و اسلحه و تندروی و پخش

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

فرهنگ خالی باشند اگرچه عنصر ملی گرائی در آنان قوی باشد، ولی باز خطر زیادی ندارند، البته تعصب قومیِ نیرومندی ایجاد می‌شود، ولی مزاحمت زیادی ایجاد نمی‌کند. اکنون دنیا فاقد یک فرهنگ غنی است که بتواند مزاحم قدرت‌های سلطه‌گر شود. مارکسیست‌ها واقعاً در صدد بودند مکتب کاملی بیاورند که همه چیز از زیربنا دید فلسفی و آمیخته با مسائل اجتماعی داشته باشد و محورهای خاصی هم برای تنظیم همه چیز ارائه گردید. اگر اینها با واقعیت دنیا وفق می‌داد می‌توانست کاری بکند، اما مطالب این مکتب با فطرت نمی‌خواند، تفسیر غلطی از تاریخ و طبیعت و تحلیل‌های اشتباهی از آینده ارائه نمودند که مسائل غلطی هم بر این تحلیل‌ها بار می‌شد. آنها وجود هر چیزی را می‌خواستند با ابزار تولید تحلیل کنند. می‌بینیم که همان سال‌های اول هم لنین و دیگران نتوانستند این طرح‌ها را اجرا کنند، مکتبی که بر مبنای آن می‌خواستند اساس خانواده را به هم بریزند و زندگی خصوصی مردم را متلاشی سازند و آن ارتباط‌های عاطفی را از انسان جدا سازند، به خاطر همین مسائل بود که این مکتب کم‌کم شکست می‌خورد و اکنون دارند تسلیم همان تز غربیها می‌شوند. چه می‌شود که مکتبی بعد از آن همه ادعاهای دهان پرکن، همان رویه و کارهای غربیها را پیشه کند و البته اسمش را چیز دیگری بگذارد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ سید مهدی هاشمی برادر داماد آیت‌الله منتظری، در ابتدای انقلاب مسئولیت جنبش‌های آزادیبخش را در سپاه پاسداران عهده دار بود. بعد از انحلال این جنبش، او اقداماتی را خودسرانه در استان اصفهان انجام داد. به دنبال برخی فعالیتهای اطلاعاتی و قضایی و احراز تخلفات عدیدهٔ سید مهدی هاشمی، امام خمینی (ره) در نامه‌ای، آیت الله منتظری را از مخالفت با اقدامات انجام شده و نیز حمایت از نامبرده برحذر داشتند. در بخشی از نامه حضرت امام (ره) آمده است: "من تأکید می‌کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است، والا هیچ عکس العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد اتهام، حتمی است. سلامت و توفیق جنابعالی را خواهانم." سید مهدی هاشمی پس از دستگیری در آبان ۶۵ و محاکمه در دادگاه ویژه روحانیت، در سال ٦٦ اعدام شد.

اعلامیه علیه بعضی از مسئولان را تکذیب کرد. گفتم به خاطر حفظ اعتبار آیت‌الله منتظری باید جنبۀ اثباتی قضیه درست شود. من پیشنهاد کرده‌ام که به عنوان سفیر به خارج برود؛ او این را تبعید تلقی می‌کند.

سه نفر از معاونان وزارت کشاورزی آمدند و از ضعف [دکتر عباسعلی زالی]وزیر کشاورزی گفتند. [آقای سید کاظم اکرمی] وزیر آموزش و پرورش برای حل مشکل مدرسه چیت‌چیان آمد. این مدرسه منحل اعلان شده و اولیاء بچه‌ها می‌خواهند بیایند و در مجلس متحصن شوند. قرار شد من دو نفر داور معرفی کنم.

[دکتر علیرضا مرندی]وزیر بهداری با معاونان آمدند و از تلاش مخالفان برای لغو قانون الحاق دانشکده‌های پزشکی در بهداری شاکی بودند. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. از آیت‌الله خامنه‌ای خواستم برای مشکل [اختلاف میان] آقایان صیاد و جمالی کمک کنند.

جمعه ۱۲ اردیبهشت ۱۳٦۵ | ۲۲ شعبان ۱۴۰٦ — ۲ May ۱۹۸٦

تا ساعت ده‌ونیم صبح مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. در ابتدای خطبه‌ها باران گرفت. چون اکثر مردم زیر سقف نیستند، خطبه‌ها را کوتاه کردم[۱]. عصر جمعی از اعضای دفتر تبلیغات اسلامی قم برای مذاکره و همکاری در تکمیل کار کلید قرآن آمدند. در سالهای زندان پیش از انقلاب برای فهرست کردن مطالب قرآن، یادداشت‌های زیادی برداشته‌ام که حدود صد هزار فیش است. با آنها توافق کردیم[۲].

---

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی با عنوان روابط میان زن و مرد دنبال شد و موضوعات خانواده از دیدگاه اسلام، نگرش مارکسیسم به نهاد خانواده، تقلید برخی از مادران از غرب و هشدار به خانم‌های بدحجاب مطرح گردید. در خطبه دوم نیز درباره شخصیت شهید مطهری، خدمات جمهوری اسلامی به طبقات مستضعف، ارج و اهمیت مقام معلم و دلایل عدم برگزاری کنفرانس سران عرب مطالبی به اطلاع نمازگزاران رسید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "دنیا فهمید که بعد از هفت سال که از این انقلاب می‌گذرد و علی‌رغم مشکلات فراوانی که در جامعه ما به خاطر جنگ وجود داشته که نتوانسته‌ایم هنوز به قشر مستضعف‌مان آن‌گونه که حقشان هست برسیم، ولی این قشر مستضعف نشان داد که هوشیار و بیدار و وفادار به انقلاب است و این تظاهراتی که اینها دیروز انجام دادند، چنان خاری در چشم حسودان و دشمنان ماست که اینها را گیج می‌کند و نمی‌توانند بفهمند که چه رابطه‌ای بین این مردم و انقلاب است که این‌گونه اینها را پایدار نگه می‌دارد و خیال می‌کردند که با تحمیل مشکلات می‌توانند طبقات مستضعف را از انقلاب دور کنند و امروز طبقات مستضعف ما نشان می‌دهند که هوشیار و فهمیده‌اند و می‌دانند جهت انقلاب چیست و راه انقلاب را می‌دانند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳٦۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ نتیجه این همکاری تشکیل مرکز فرهنگ و معارف قرآن در شهر مقدس قم بود. محققانی از حوزه علمیه قم با استفاده از فیش‌های موجود و

شب آقایان شمخانی و جمالی اطلاع دادند که امشب بناست به نیروهای عراقی که اخیراً در منطقه فکه به داخل ایران پیشرفت کرده‌اند، حمله کنیم. باران شدیدی در جماران می‌بارد.

شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۳ شعبان ۱۴۰۶   ۳ May ۱۹۸۶

اول وقت سرهنگ جمالی اطلاع داد که حمله دیشب نیروهای ما در فکه با نتیجه‌ای در حد انهدام نیروهای دشمن تحقق یافته و چون نتوانسته‌اند الحاق نمایند، به خط خود برگشته‌اند. دو روز است که باران می‌بارد و این مقدار باران که امسال باریده، می‌گویند از ۲۵ سال پیش تاکنون سابقه نداشته است.

از دبیرخانه ائمه جمعه آمدند. درباره برنامه‌های اصلاح در جهت نظم و کنترل ائمه جمعه توضیح دادند؛ خوب است. درباره حل اختلافات ائمه جمعه و نمایندگان مجلس نظر خواستند. قرار شد در هر مورد گروه تحقیق مرکب از نمایندگان دبیرخانه و رئیس مجلس تشکیل شود. نسبت به خطی برخورد کردن ستاد [برگزاری]نماز جمعه تهران و قم در مورد [انتخاب]سخنرانان قبل از خطبه‌ها هم گله داشتند.

آقای [حسین]مهدیان آمد و پیغامی از طرف آقای [محمدتقی]فلسفی آورد. پیغام این بود که یک کمپانی خارجی پیشنهاد کرده چهل هواپیمای اف ۱۴ ما را با اف ۵ و اف ۴ عوض کنند. گفتم موافق نیستم، چون اف ۱۴ خیلی پیشرفته و بهتر است. آنها فکر کرده‌اند اف ۱۴ها به خاطر نیاز به قطعه از خط خارجند. برای شرکت در مراسم مدرسه عالی [دانشگاه]امام صادق(ع) اصرار داشت.

اول شب آقای محسن صانعی آمد و از تاثیر خطبه‌های جمعه من در دانشجوها گفت.

احمدآقا آمد. وضع جنگ و مسائل ارتش و سپاه را برای گزارش خدمت امام گفتم و از امام خواستم که در جهت تقویت دانشگاه آزاد اسلامی، پیغامی به افراطی‌های دانشگاه بدهند. آنها اخیراً مشکل تراشی می‌کنند. ایشان در جهت گرفتن بعضی از مستملکات غیر مهم بنیاد مستضعفان و واگذاری آن به نهادهای دیگر پیشنهاد داشت. کارهای مجلس را آوردند. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

روش خاص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این کار عظیم را تکمیل کردند و اکنون تفسیر راهنما در ۲۰ جلد به چاپ‌های متعدد رسیده و با استقبال بسیار خوب جامعه قرآنی مواجه شده است. همچنین مجموعه فرهنگ قرآن (کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم) نیز زیر نظر ایشان تدوین گردیده و تاکنون ۲۱ جلد از این مجموعه نیز توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم (بوستان کتاب) به زیور چاپ آراسته شده است.

یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۴ شعبان ۱۴۰۶ — ۴ May ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمدم. باران می‌بارد. از جبهه سراغ گرفتم. آقای شمخانی گفت حادثه مهمی ندارند، ولی براثر بارندگی، رودخانه‌ها طغیان کرده‌اند و ممکن است در جاده‌های هور مشکل پیش آید. در جلسه علنی تا تنفس شرکت کردم. طرح نهاد ریاست جمهوری در دستور بود. در تنفس برای پاسداران مرودشت و همدان و خانواده‌های شهدای فریدن صحبت کردم[۱].

آقای رضایی از صحبت آقای صیاد در جلسه معاونان نیروی زمینی که در جهت تضعیف گروه سرهنگ جمالی بوده، تلفنی شکایت کرد. ظهر آقای [عطاالله] فضایلی [نماینده سمیرم] آمد و از مخالفت مسئولان اجرائی سمیرم گلایه داشت. آقای [سیدکاظم] اکرمی [وزیر آموزش و پرورش] آمد و اجازه جواب دادن به روزنامه رسالت را خواست.

آقای قادری [نماینده پیرانشهر] آمد و از اوضاع کردستان گفت؛ مدعی است عراق از منطقه تصرفی عملیات قادر عقب نشسته است. آقای مهدوی آمد و گزارش کار آقای سیاح ـ که مدعی ساختن موشک زمین به زمین است ـ را داد.

عصر [مسئولان] کمیته‌های تبلیغات جنگ آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[۲]. با دیگر سران قوا با اتومبیل به قم رفتیم. شب مهمان آقای منتظری بودیم. ایشان طرحی برای ادغام نیروهای مسلح و ارتش و سپاه و ژاندارمری و کمیته‌ها و شهربانی ارائه داد[۳]. اصل ایده مورد قبول همه بود ولی در زمان و کیفیت آن، نیاز به مطالعه بیشتر دیده شد.

ساعت دو بامداد به تهران رسیدیم. هنوز باران می‌بارید. عصر آقای مشایخی، هم زندانی قبل از انقلاب که اکنون در سپاه کردستان خدمت می‌کند، آمد و از ضعف همه شاکی بود.

---

۱ ـ در این دیدار آقای هاشمی بر لزوم حضور نیروها در جبهه تأکید کرد و با اشاره به اینکه نیروهای بسیجی و پاسدار بسیار قوی در جبهه‌ها عمل می‌کنند، در مورد حمله اخیر ایران در فکه گفت: "همین یکی دو روز پیش در منطقه فکه که منطقه نسبتاً بازی است و دشمن فکر می‌کرد که چون نیروی زرهی قوی دارد و نیروهای ما نیز در آنجا متمرکز نیست، دست به تحرک زد و مانور می‌داد ولی در یک زمان کوتاه نیروهای بسیج و سپاه حرکت کردند و خودشان را به خط رساندند و ضربه‌ای مهلک به دو لشکر بزرگ عراق که یکی لشکر ۱۰ زرهی و دیگر لشکر ۳ زرهی بود، وارد کردند."

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ستاد تبلیغات جنگ باید کار کند و راه را روشن کرده و جهت بدهد و تبلیغات جنگ را به خوبی اداره کند. تعبیر من این است که اگر شما حتی بخشی از حقایق جنگ را بدون سانسور و رتوش و همان طور که اتفاق افتاده در تبلیغات منعکس کنید، در کار جنگ موفق خواهید بود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در دوره اول ریاست جمهوری آقای هاشمی کمیته‌های انقلاب اسلامی، شهربانی و ژاندارمری ادغام شد و «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی» از ادغام این سه نهاد پدید آمد.

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۵ شعبان ۱۴۰۶ | 5 May 1986

صبح و عصر باران می‌بارید. آقای سرهنگ نوری فرمانده لشکر ذوالفقار آمد. گزارش وضع جبهه و نیروی زمینی را داد. چون شماره تلفن [منزل] عوض شده، ارتباط تلفنی کم بود. معمولا وقتی که عده زیادی از شماره تلفن ما مطلع می‌شوند، آن را عوض می‌کنیم، زیرا علاوه بر مزاحمت زیاد، دشمنان هم سوء استفاده می‌کنند.

ظهر عفت مهمان خانم مطهری بود و من در خانه تنها بودم. عصر آقایان [محمدعلی]رحمانی و [علیرضا] افشار آمدند. درباره نیروهای اعزامی مذاکره شد. به نظر رسید در نحوه به‌کارگیری نیروها مشکلات جدی وجود دارد. هر دو از عدم حاکمیت ضوابط در اداره سپاه شاکی بودند. فرماندهی سپاه به خاطر مشکلات اساسنامه، ناچار به تخلف‌هائی است که به خاطر جنگ اعتراض جدی به آن نمی‌شود.

شب عفت و بچه‌ها مهمان فاطی بودند. برای من هم غذا آوردند. احمدآقا تلفنی درباره مسأله جدید نظریه شورای نگهبان در خصوص لزوم تصویب ارجاع به داوری سئوال کرد. گفتم چون در قراردادهای گذشته قید شده که به داوری ارجاع شود و اگر مجلس هم تصویب نکند، طرف ما مراجعه خواهد کرد.

سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۶ شعبان ۱۴۰۶ | 6 May 1986

ساعت دو بامداد تلفن شد که جمعی از افراد تحت آموزش سپاه در محاصرهٔ سیل قرار گرفته‌اند و هلی‌کوپتری که برای نجات آنها رفته، سقوط کرده است و دیگر هلی‌کوپتر نمی‌آید. به دفتر مشاورت [ارتش] گفتم موضوع را تعقیب کنند. گفتند خلبان پرواز شب، آماده نیست. باران چند روز گذشته در بسیاری از نقاط کشور سیل به راه انداخته است، منجمله در لرستان، خوزستان، خراسان و تهران و...

در گزارش‌ها خبر از موشک خوردن یک کشتی نفتی بود. در جلسه علنی طرح وظایف و اختیارات رئیس جمهور را تمام کردیم. بررسی این طرح خیلی وقت برد. مراجعات نمایندگان زیاد بود. بعد از تنفس آقای دکتر روحانی آمد و راجع به جنگ و مشکل ارتش و سپاه و مهندسی رزمی بحث شد. آقای روحانی نگران توسعه طلبی سپاه است.

طرح آقای منتظری درباره نیروهای مسلح را گفتم، به آینده خوشبین شد. او قبول دارد که موفقیت در جنگ متکی به سپاه است و جایگزین ندارد و باید با فرماندهان سپاه مماشات کرد. آقای رضایی تلفنی و با رمز، برنامه آینده عملیات را گفت و از همکاری با سرهنگ جمالی اظهار رضایت کرد. دکتر محانی دندانپزشک مجلس آمد و از خاتمه کارش در مجلس ناراضی بود.

عصر اعضای حفاظت اطلاعات سپاه آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1]. آقای [عطاءالله]مهاجرانی معاون پارلمانی نخست وزیر آمد. مشکل تفسیر شورای نگهبان از قانون اساسی را مطرح کرد که می‌گویند ارجاع به داوری قراردادهای قبل از انقلاب هم احتیاج به رأی مجلس دارد، با اینکه لغو است و طرف ما اگر به نفعش باشد، ارجاع خواهد کرد.

آقای [عبدالحسین] ساوه [نماینده کرمان] آمد و در مورد دو مدرسه [راهنمایی] مدرس و [دبیرستان شهید]چیت‌چیان حرف داشت[2]. آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد. مدعی است که آرژانتینی‌ها تا حدودی موافقت کرده‌اند در راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر با ما همکاری کنند.

اعضای کمیسیون تعیین اهداف مهم در خاک عراق آمدند و اطلاعات جامعی از مراکز صنعتی، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و مراکز نفتی عراق آوردند. آقای رحیمی آمد، پیشنهاد چند قلم اسلحه آورد. آقای [واعظ]طبسی آمدند. از خط مزاحم نسبت به خودشان گله داشتند. درباره معالجه پایشان

---

۱ ـ در این دیدار که مسئولان حفاظت و اطلاعات مناطق، نواحی و یگان‌های رزمی و مسئولان حفاظت بخشهای مرکزی سازمان حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشتند، آقای هاشمی با تأکید بر اینکه مسأله حفاظت و اطلاعات برای جمهوری اسلامی و نیروهای نظامی و انتظامی بسیار حساس و کاری با ارزش، ضروری و مؤثر در بهتر کردن نحوه کار این نیروهاست، گفت: "دشمنان ما، مسلماً از رویه‌های گذشته خویش به صورت پیچیده‌تری استفاده می‌کنند. اینها از دوران‌های گذشته که در جهان سوم حضور یافتند، همیشه سعی داشتند به درون سازمان‌ها و تشکیلات نفوذ کنند و هرجا که لازم باشد تخم نفاق بپاشند و تفرقه ایجاد کنند و نیز، به هر بخشی که لازم باشد، خط بدهند و خلاصه در جلد موجودیت نظامهای دیگر رفته و از درون فرمان بدهند. اینها کاری نیست که دشمنان ما، به تازگی آموخته باشند. مثلاً همیشه در دربارها و موقعیت سلاطین صاحب نفوذ بوده‌اند و همچنین در نیروهای مسلح کشورها رخنه کرده و جاهای دیگر را هم که مهم بوده، از نظر دور نداشته‌اند. در شرایطی مثل کشور ما، دشمنان جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ در نهادی چون سپاه، خیلی سرمایه‌گذاری کردند و برای این کار، همیشه از جاهای دور شروع کرده‌اند، ممکن است مثلاً بچه‌ای را بپرورانند و وی را به صورت آدم مقبول و مطلوب وارد جریان کنند."رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ این دو مدرسه به صورت غیرانتفاعی و با دریافت شهریه فعالیت می‌کرد. پس از معرفی مدیر از طرف آموزش و پرورش، مسئولان مدرسه از پذیرفتن مدیر خودداری کردند و مدیر اعزامی را اخراج نمودند. به دنبال آن وزارت آموزش و پرورش نسبت به انحلال مدارس مذکور اقدام نمود. پس از ملاقات وزیر آموزش و پرورش با آقای هاشمی، مقرر شد ریاست مجلس دو نفر را تعیین نمایند تا درباره این مسأله تحقیق و بررسی کنند. همچنین چند مدیر به این دو نماینده معرفی شود، تا آنها برای هر یک از دو مدرسه انتخاب کنند و اگر چنانچه اولیای دانش‌آموزان این حق قانونی آموزش و پرورش را در مورد انتخاب مدیر نپذیرفتند، این دو مدرسه همچنان منحل باقی بماند. آقای هاشمی در ملاقات با وزیر آموزش و پرورش گفت: "حرف شما قانونی است و باید این دو مدرسه با مدیریت دولتی اداره گردند."

صحبت شد. شب دیروقت به خانه رفتم.

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۷ شعبان ۱۴۰۶ ۷ May ۱۹۸۶

اول وقت به پایگاه امام علی(ع) رفتیم. جمعی از روحانیون برای اعزام به جبهه تحت آموزش هستند. جمعی از خانمها نیز برای مربیگری آموزش نظامی تحت آموزش‌اند. رژه رفتند؛ با شکوه بود. برای آنها صحبت کردم[1]. در جلسه هیأت دولت در حضور رئیس جمهور شرکت کردم. بحث بر سر راهکارهای برخورد با سقوط قیمت نفت و کسر بودجه ریالی و ارزی بود که تا ساعت یازده‌ونیم طول کشید. تصمیماتی اتخاذ شد. مشکل زیادی خواهیم داشت.

اطلاع دادند پالایشگاه تهران بمباران شده و آتش سوزی شدید است. وضعیت قرمز اعلان شده. به دفترم آمدم. نیروی هوایی می‌گوید رادارها، هواپیماهای مهاجم را اصلاً ندیده‌اند و حتی تا ساعت دوازده ظهر، خیال می‌کردند انفجار بوده است. بعداً قبول کردند که هواپیمای دشمن بوده ولی احتمال می‌دادند غیر عراقی است.

وزیر نفت می‌گوید که یک واحد پالایشگاه آسیب کلی دیده و دیگری قابل ترمیم است. مشکل مواد سوختی خواهیم داشت. به آقای رضایی گفتم توپخانه‌ها صنایع اطراف بصره را بزنند. به مسئول موشک زمین به زمین گفتم که آماده شوند. به نیروی هوایی هم گفتم آماده مقابله به مثل شوند. ظهر آقای [علی] آقامحمدی آمد. درباره عملیات ویژه در خاک عراق بحث شد.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. آقای [مهدی] کروبی [سرپرست حجاج ایرانی] گفت قرار شده ارز حجاج را از هزار وسیصد ریال سعودی به پانصد ریال تقلیل دهیم. عصر هم وضعیت قرمز اعلان شد و ضد هوایی‌ها عمل کردند. بعداً معلوم شد هواپیمائی به اطراف تهران نیامده است.

آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد و گزارش سفر به لیبی و سوریه را داد و گفت سوریها گفته‌اند که فرانسویها اظهار آمادگی فروش دومیلیارد دلار اسلحه به ایران کرده‌اند و انگلیسی‌ها آماده دادن موشک راپیر هستند.

آقای امراللهی آمد و پیشنهادی از شخصی در سوریه آورد که تحت نظر وزارت اطلاعات سوریه بوده و گفته حاضر است مقداری کالا به ارزش بیش از یک میلیارد دلار برای پرداخت بدهی‌های

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

سوریه به ما بفروشد؛ در جلسه سران، این پیشنهاد به شرط کم شدن قیمت و اطمینان کامل تایید شد.

آقای [محسن]کنگرلو تلفنی اطلاع داد که آمریکایی‌ها گفته‌اند روز هفده ماه می [۲۸ اردیبهشت] نصف قطعات در خواستی [موشک]هاك را با هیأت ظاهراً آلمانی به ایران می‌آورند و پس از تنظیم برنامهٔ آزادی گروگانها در لبنان، بقیه را می‌آورند.

شب رئیس جمهور و نخست وزیر مهمان من بودند. درمورد مقابله به مثل علیه عراق و خرید کالا و آمدن آمریکایی‌ها توافق شد.

پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۸ شعبان ۱۴۰۶ 8 May ۱۹۸۶

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. پیش از دستور و قبل از رسمیت جلسه از عمل تشنج آفرین جلسه گذشته مجلس انتقاد کردم و احتمال جلوگیری امام از پخش [رادیویی] مستقیم [مذاکرات] مجلس را در صورت بروز این گونه حوادث مطرح کردم.

پیش از ظهر برای جمعی از شخصیت‌های کردستان که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم[1].

ظهر دو ملاقات داشتم؛ با آقایان امام موسوی و حسینی کارگزینی مجلس. عصر دو هزار نفر معلم و دانشجوی تربیت معلم آمدند. برای آنها صحبت کردم. [اعضای] انجمن اسلامی و رئیس جدید دانشگاه تربیت معلم آمدند و از اظهارات دکتر [عباس]شیبانی شاکی بودند.

رؤسای پنجاه دانشگاه کشور آمدند. برای آنها درباره استفاده از امکانات مردمی دانشگاه آزاد اسلامی، توسعه تحقیق، توجه به نیروهای متعهد و بهداشت و درمان مفصلاً صحبت کردم[2]. آقای

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این دیدار که وزیر فرهنگ و آموزش عالی و مسئولان دانشگاهها حضور داشتند، آقای هاشمی با اشاره به ضعف تکنولوژیک کشورهای جهان سوم و ایران در برابر دانش پیشرفته، اظهار داشت: "اگر مدیران آموزش عالی کشور موفق شوند، دانشمندانی با کیفیت‌های بالا تربیت کنند، گام بسیار مؤثری برای رفع کمبودها خواهد بود. علم در دنیا در خدمت حق نیست و این عیب بزرگی برای انسان هاست، که دانشمندان برجسته در خدمت افکار لجن زده سیاستمداران غربی و شرقی هستند. در دانشگاههای ما باید انسان هایی تربیت شوند که برای مردم کار کنند و به خاطر اینکه با سرمایه همین مردم درس خوانده‌اند، آرمان‌های آنان را دنبال نمایند. با توجه به تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی که نیازهای مادی تحقیقات علمی را تأمین می‌کند، باید تحقیقات گسترده شود. بهره گیری از کمک‌های مردمی برای آموزش عالی مسأله‌ی مهمی است و موفقیت‌های علمی در کشورهای غربی، مرهون کمک‌های مردمی است. بهترین سیستمی که براساس آن بتوانیم از امکانات مردمی استفاده کنیم، کاری شبیه دانشگاه آزاد اسلامی است که مطرح کردیم و از دانشگاههای دولتی شما کمتر نیست. شما به عنوان یک سیاست بپذیرید که در این مقطع باید از امکانات کنترل شده که خارج از امکانات دولت هستند، استفاده شود تا دانشگاهها از نظر کمی توسعه یابند."
رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

[احمد] وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. درباره کارهای خارج از کشور و هیأت احتمالی آمریکایی و مسایل لبنان مذاکره شد. کنسول ما در بمبئی هند آمد. توصیه می‌کرد که از زرتشتی‌های هند بیشتر استفاده کنیم.

جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲۹ شعبان ۱۴۰۶ — ۹ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتم را به استراحت ومطالعه گذراندم. از جبهه خبر دادند دشمن در سه نقطه حمله کرده و شب معلوم شد حمله‌ها با خسارت دشمن دفع شده است[1].

مغرب برای نماز خدمت امام رفتم. با جماعت خوانده شد و سپس به زیارتشان رفتم. وضع جنگ و مشکل نیروی زمینی و ارتش و سپاه و همچنین طرح آقای منتظری را در مورد ادغام نیروهای مسلح مطرح کردم. اصل طرح را قبول داشتند. زمان فعلی را برای طرح یا اشاعه آن مناسب نمی‌دانند.

در مورد نظر شورای نگهبان در خصوص نیاز ارجاع به داوری قراردادهای قبل از انقلاب به تصویب مجلس مذاکره شد. فرمودند اگر در خود قرارداد ارجاع به داوری قید شده، نیازی به تصویب مجلس ندارد. شب آقایان فیاض بخش و زائری آمدند. آنها در مورد رفتن دانشجویان و طلاب به جبهه سئوالاتی داشتند.

شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۳۰ شعبان ۱۴۰۶ — ۱۰ May ۱۹۸۶

امروز بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. باران هم بارید. مقداری وقت صرف نظم کتابخانه‌ام کردم. اتاق و قفسه‌ها گنجایش کتابهایم را ندارد. با جبهه تماس داشتم. خبر مهمی نداشتیم. از طرف آقای رحیمیان مقداری دلار برای مصارف جبهه آوردند و رسید گرفتند. عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد. در مورد بنیاد تاریخ انقلاب و کار تنظیم فیش‌های کلید قرآن بحث و مذاکره کردیم.

---

۱ ـ در این روز در جبهه جنوبی منطقه عملیاتی والفجر ۱ (پیچ انگیزه) دشمن با دو لشکر و ۱۱ تیپ مختلط حمله‌ای ترتیب داد. چند روز تلاش دشمن تنها منجر به سقوط ۳۶ کیلومتر مربع از ارتفاعات حمرین شد.

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱ رمضان ۱۴۰۶ 11 May ۱۹۸۶

ساعت دو و بیست وپنج دقیقه بامداد برای سحری خوردن از خواب برخاستم و عفت، فاطی، مهدی و یاسر را بیدار کردم. ساعت سه‌ونیم، بعد از سحری و نماز خوابیدم. ساعت هفت به طرف مجلس آمدیم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود.

در دستور مجلس لایحه شوراهای روستائی بود. تا ساعت ده‌ونیم درجلسه ماندم. به دفترم آمدم. قرار شد در جلسات ماه مبارک رمضان تنفس ندهیم و بیست دقیقه به ظهر ختم کنیم که بعضی از آقایان نمایندگان به مساجد برسند.

آقای محسن رضایی گفت دیشب دشمن حمله‌ای کرده و شکست خورده و چند اسیر داده است. در دفتر آقای خامنه‌ای، برای ستاد عالی پشتیبانی جنگ جلسه داشتیم. اساسنامه را اصلاح کردیم. ظهر دو ملاقات داشتم: [آقای محمد حسن اختری] سفیر جدیدمان در سوریه و نمایندهٔ ارومیه.

عصر آقایان یونسی و رازینی اعضای دادگاه جبهه آمدند. پیشرفتی در کارشان ندیدم. گزارشی از لبنان شامل اطلاعاتی درباره جهاد اسلامی و گروههای دیگر لبنان و امکانات کار و نیازها رسید. سرهنگ [محمد حسین] جلالی وزیر دفاع آمد. از مشکلات کارش گفت و اظهار تمایل به کناره‌گیری و جایگزین شدن توسط آقای صیاد را نمود. افطار به منزل رفتم.

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۲ رمضان ۱۴۰۶ 12 May ۱۹۸۶

در منزل بودم. دوشنبه‌ها جلسه علنی نداریم، بنابراین کار زیادی نداشتم. یکنواختی کار درخانه که بیشتر مطالعه بود، روزه‌داری را مشکل کرد. با جبهه تماس داشتم. حمله‌های دشمن را دفع کرده‌ایم.

آقای ولایتی تلفنی گفت [آقای فاروق الشرع] وزیر امور خارجه سوریه با عجله آمده و ملاقات می‌خواهد. گفتم ملاقات با ریاست جمهوری کافی است. شب آیت‌الله خامنه‌ای اطلاع دادند که پیام او درخواست خودداری از زدن کشتی‌های سعودی است.

عصر کارهای مجلس را آوردند، انجام دادم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم. [آقای فوزی الشکشوکی] وزیر نفت لیبی هم در همین موضوع، پیام قذافی را آورد. عربستان از طریق دو حامی عرب ما وارده شده که فشار بیاورد. شاید نگران است که در برنامه مقابله به مثل ما در زدن کشتی‌ها،

آسیب به کشتی‌های سعودی که متهم به فروش نفت به نیابت از عراق است، وارد شود.

سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۳ رمضان ۱۴۰۶ — ۱۳ May ۱۹۸۶

بعد از خوردن سحری خوابم نبرد و تا ظهر کسل بودم. به مجلس آمدم. در جلسه علنی تا ساعت ده‌ونیم صبح ماندم. یکی از نمایندگان آذربایجان غربی از رهبران بارزانی‌ها شاکی بود و پیشنهاد دقت بیشتر در برخورد با آنان را داشت.

ظهر آقای صفائی گزارش اجلاس غیر متعهدها را آورد. آقای [محمدباقر] بهرامی از امام جمعه اسد آباد همدان شکایت آورد. از جبهه اطلاع دادند که دشمن در منطقه حاج عمران تجمع نیرو کرده و آماده حمله می‌شود. به فرماندهان تذکر داده شد. تا ساعت شش در دفترم کار کردم و سپس به منزل رفتم.

نخست وزیر تلفنی اجازه صرف صد میلیون دلار از سهم جنگ را برای تامین ارز کارگاه‌های کوچک برای حفظ اشتغال خواست. به آقای کنگرلو گفتم با آقای وحیدی در مورد امنیت آمریکایی‌هائی که بناست بیایند، هماهنگ کنند. البته بعید است که بیایند. به نظر می‌رسد سیاست صبر و انتظار را دنبال می‌کنند.

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۴ رمضان ۱۴۰۶ — ۱۴ May ۱۹۸۶

اول وقت سرهنگ جمالی از جبهه اطلاع داد عراق امشب در منطقه حاج عمران حمله کرده ولی با آمادگی قبلی، حمله دفع شده و از همکاری ارتش و سپاه اظهار رضایت کرد و سپس آقای قادری نماینده پیرانشهر همین را اطلاع داد و در خواست پشتیبانی هوایی کرد. به [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی گفتم از پایگاه تبریز و همدان پشتیبانی کنند.

به دفترم آمدم. آقای [سیدحسین]موسویان [مدیر اداری مجلس شورای اسلامی] آمد. گزارش عملکرد خود را در مورد تنظیم ادارات مجلس گفت. مدعی است دفتر اموال مجلس، پس از انقلاب مفقود شده و جدیداً مشغول تهیه دفتر هستند. بایگانی، راکد وضع بدی داشته که حتی اوراق قیمتی مثل

اعتبار نامهٔ نمایندگان دوره‌های اول و... مجلس در شرف نابودی بوده و قس علی هذا.

آقای دکتر انواری رئیس دانشگاه شریف آمد و در خصوص لغو تصویب نامه دولت در مورد انتقال دارائی صندوق پس‌انداز کارکنان دانشگاه، قبل از دولتی شدن استمداد کرد.

نخست وزیر تلفنی اطلاع داد، دادگاه لاهه حکمی مبنی بر پرداخت حدود پانصد میلیون دلار بدهی بانکهای آمریکایی به ایران را به نفع ما صادر کرده که هنوز قطعی برای اجرا نیست؛ پیروزی خوبی است.

جلسه‌ای مرکب از نمایندگان تهران، [محمد اصغری] وزیر دادگستری و [حسین طاهری] استاندار تهران، برای بررسی طرح انتقال [بدکاران] ساکنان محله جمشید[1] ـ محله بدنام تهران ـ داشتیم که بنا دارند آنها را به جای دیگر منتقل کنند ولی تحت تربیت قرار دهند و محله را بازسازی کنند. ادامه بحث به هفته بعد موکول شد. ظهر آقای فخر روحانی از طرف آقای منتظری آمد و پیشنهاد اقدام به اصلاح روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین ـ ساف ـ داشت.

ظهر سرهنگ جمالی اطلاع داد که از ساعت ده صبح فشار عراق زیاد شده؛ با اینکه عراق شصت اسیر داده و هشت هلی‌کوپتر و ده تانک از دست داده و تلفات زیاد داشته اما دو ارتفاع را گرفته است[2]. کمک هوایی و ضدهوایی خواست. آقای شمخانی قبل از ایشان فقط از پیروزی‌ها و دفع حمله گفت.

جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. خبر دادند مرکز بهره‌برداری نفت کرکوک عراق را بمباران کرده‌ایم. اگر درست باشد موفقیت خوبی است. خبر دادند که عراق به قطار مسافربری در ایستگاه هفت تپه حمله کرده و ده‌ها نفر شهید و صدها نفر زخمی شده‌اند[3]. چند واگن حامل مهمات هم در ایستگاه بود که منفجره شده است.

شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره جنگ، گروگان‌های فرانسوی و آمریکایی و تحسین روابط با فرانسه صحبت شد. قرار شد آقای [علیرضا]معیّری معاون [سیاسی] نخست وزیر برای بردن جواب نامهٔ سران فرانسه برای اصلاح روابط به فرانسه برود.

---

۱ ـ این محله در دوران سازندگی به فرهنگسرا و بوستان رازی تبدیل شد. اکنون در این مکان که ما بین میدان قزوین و میدان رازی (گمرک) در جنوب تهران قرار دارد، علاوه بر تفریحات سالم و شهر بازی برای کودکان و نوجوانان، کلاسهای آموزشی در رشته‌های مختلف علمی، فنی و هنری برگزار می‌شود.

۲ ـ در این روز در جبهه شمالی منطقه عملیاتی والفجر ۲ ـ حاج عمران ـ دشمن با ۷ تیپ پیاده و ۱۲ گردان کماندویی حمله کرد و طی ده روز ارتفاعات ۲۵۱۹ و ۲۴۲۵ سقوط کرد اما دشمن ۳۲۰۰ کشته، زخمی و اسیر داد و ۱۷ فروند هلی کوپتر آن نیز منهدم شد.

۳ ـ جنگنده‌های عراقی در ساعت ۱۶/۳۰ این روز، قطار فوق العاده اول اهواز ـ تهران در ایستگاه هفت تپه را مورد حمله هوایی قرار داد. در این حمله چند واگن قطار و خانه‌های مسکونی سازمانی آسیب دید و بیش از ۶۰ نفر از مسافران قطار و پرسنل راه آهن و خانواده‌های آنان به شهادت رسیدند و قریب به ۲۰۰ نفر نیز مجروح شدند.

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۵ رمضان ۱۴۰۶ — ۱۵ May ۱۹۸۶

بعد از سحری تا ساعت هفت صبح خوابیدم. قبل از دستور، درباره حمله به قطار مسافربری در هفت تپه صحبت کردم.[۱] به دفترم آمدم. دکتر روحانی و دکترهادی آمدند. درباره گرم گرفتن با فرانسه و کمک به آزادی گروگانهای فرانسوی درلبنان توصیه می‌کردند.

آقای رضایی آمد و گزارش وضع جبهه‌ها را داد. عراق در جبهه‌ها خیلی فعال شده و ما را به موضع انفعالی کشانده است. نیروهائی که برای حمله جمع کرده‌ایم، داریم در دفاع به کار می‌گیریم. مدتی است که مشغول آموزش و اعزام نیروهای تازه نفس به جبهه برای عملیات سرنوشت‌ساز هستیم. عصر از کمیسیون نفت آمدند. وضع ضعیف پدافند پالایشگاه‌ها را گفتند و از دکتر روحانی به خاطر برخورد تند گله داشتند.

عصر به جلسه شورای‌عالی دفاع رفتیم. درباره گردانهای احتیاط قدس و بودجه ارزی سپاه و ارتش بحث شد. بعد از افطار مصاحبه تلویزیونی کردم[۲]. وضعیت قرمز اعلان شد و ضد هوایی‌ها کار کردند. معلوم شد هواپیمای دشمن نبوده و گویا ماهواره‌هایی را با چشم دیده‌اند.

جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۶ رمضان ۱۴۰۶ — ۱۶ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتم به مطالعه واستراحت گذشت. در منطقه حاج عمران درگیری شدیدی است[۳].

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "در فاجعه حمله هواپیماهای عراق به قطار مسافربری، ما بار دیگر شاهد جنایتکاری رژیم بعثی عراق هستیم که اینها ماهیت خود را در اوقاتی که در تنگنا قرار می‌گیرند، این طور نشان می‌دهند. ما از رزمندگانمان انتظار داریم مانند مواردگذشته، دشمن را از این جنایات هولناک پشیمان نمایند و به بازماندگان شهدای فاجعه قطار از طرف همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی تسلیت و تبریک عرض می‌کنم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این مصاحبه آمده است: "اگر رژیم بعثی عراق جنگ را به شهر بکشاند، ایران به ناچار برنامه‌های تدارک شده خود را در این زمینه به اجرا می‌گذارد. ما سیاست مقابله به مثل را به عنوان دفاع انتخاب کرده‌ایم. در صورت انجام هرگونه حرکت ناجوانمردانه‌ای از سوی دشمن ما مجبوریم این سیاست را به اجرا بگذاریم. ما اتمام حجت می‌کنیم همان طور که تأسیسات نفتی عراق در کرکوک را در پاسخ به حملات به تأسیسات اقتصادیمان بمباران کردیم، حمله به قطار مسافربری اهواز - تهران را نیز بی جواب نخواهیم گذاشت. رژیم عراق در شرایط فشار ممکن است به جنگ شهرها رو بیاورد. البته در جریان جنگ شهرها که سال گذشته روی داد رژیم بغداد ضرر کرد. رژیم صدام از امکانات بیشتر ما در مقابله با این حملات و پیشرفتهای موشکی و توپخانه‌های جدید دوربرد ما اطلاع دارد. دشمن از آسیب پذیری خود در این زمینه آگاه است ولی این بدان معنا نیست که در حالت فشار دست به اینگونه کارهای احمقانه نزند. ما امیدواریم که چنین حالتی پیش نیاید، اما اگر رژیم عراق بخواهد بهاینگونه اعمال روی آورد، ما ناچاریم برنامه‌های خود را در این زمینه اجرا کنیم. پس از عملیات پیروزمند والفجر ۸ و فتح فاو رژیم عراق اعتبار نظامی خود را در نزد حامیانش از دست داد و اینک برای به دست آوردن اعتبار مخدوش شده نظامی خود، شروع به دست و پازدن در جبهه‌ها نموده است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در این روز دشمن با ۷ تیپ پیاده و ۲ تیپ زرهی عملیاتی را در منطقه مهران (منطقه علمیاتی والفجر ۳) ترتیب داد و توانست شهر مهران را

عـصر احـمدآقا آمـد. دربـاره جـنگ و مـواظـبت بـیشتر از امـام و مسأله تـلگراف آقـای [سیدمحمدرضا]گلپایگانی و اختلاف سپاه و بسیج صحبت کردیم.

صبح دکتر [مسعود] پورمقدس برای معاینه عفت آمد. او فکر می‌کند قلبش ناراحت است اما نظر دکترها این است که قلب سالم است و ناراحتی مربوط به اعصاب و معده است. عصر برای معاینه دقیقتر به دفتر دکتر بیرونی امام رفت. افطار عفت با فاطی و فائزه مـهمان آقـای مـهدیان در دانشگـاه امـام صادق(ع) بود و من، مهدی و یاسر در خانه بودیم.

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۷ رمضان ۱۴۰۶ ۱۷ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. اطلاع دادند که عراق به مهران حمله کرده و دو تیپ ارتش عقب نشسته‌اند. نیروهای سپاه رسیده‌اند و پیشرفت دشمن را سد کرده‌اند. آقای ری‌شهری [وزیر اطـلاعات] آمـد. داسـتانی غم‌انگیز از اختلاف‌های حزب الدعوه و گروه آقای [سیدمحمدباقر]حکیم در مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق گفت.

اطلاع داد که مدارکی از اصفهان دست آمده که قبل از انقلاب سید مهدی‌هاشمی، علیه دکترهادی و ابراهیمی گزارش داده است. قرار شد مطالب را با آیت‌الله منتظری در میان گذارد. اطـلاع داد کـه فدائیان خلق (اکثریت) باحدود دو هزار عضو و سی هزار هوادار در داخـل کشـور مشـغول فـعالیت هستند. درباره تلاش منافقین برای کسب اطلاعات از طـریق تـلفن نـیز گـزارشـی داد. دربـاره رفـتن یهودی‌ها به خارج مذاکره شد.

یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۸ رمضان ۱۴۰۶ ۱۸ May ۱۹۸۶

ساعت هفت‌ونیم صبح به دفترم رسیدم. در گزارش‌ها رجزخوانی عراقی‌ها در خصوص تصرف شهر مهران خودنمائی می‌کند. بهره‌برداری سیاسی و روحیه‌ای می‌کنند. با آقـایان رضـایی و شـمخانی در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تصرف کند. البته پاتک‌های خودی، ضربه‌های مؤثری به دشمن وارد کرد.

خصوص لزوم اقدام برای پس گیری مهران تاکید کردم. قبل از شروع رسمی جلسه به نمایندگان، توضیح کوتاهی درباره از دست رفتن مهران دادم. آنها هم خیلی ناراحتند.

ساعت ده‌ونیم به دفترم آمدم. [آقای بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد سازندگی آمد. درباره نیاز به ماشین آلات سنگین برای مهندسی جبهه و آموزش رانندهٔ ماشین‌های سنگین و تونل زیر آب اروند یا بهمن‌شیر و اصلاح اراضی دیمی و بودجه مذاکره کردیم. [آقای سعیدالذاکرین] معاون روابط عمومی [مجلس] آمد. درباره سیاست خارجی و جناح بندی‌های داخلی، تحلیل گونه‌ای بیان داشت. ذهن سیاسی نیرومندی دارد. می‌خواهد از مجلس برود.

آقای محسن رضایی آمد. درباره پس گرفتن مهران مذاکره کردیم. صلاح نمی‌دانست که امشب حمله کنیم. وقتی فهمید نیروهای در خط آمادهٔ حمله‌اند، اظهار رضایت کرد. درباره لزوم تشکیل گردانها و تیپهای متخصص سپاه برای تامین پدافند در کنار ارتش به منظور آزاد سازی نیروهای پدافندی سپاه صحبت کرد. قرار شد اقدام وسیع کنیم. کمی خوابیدم؛ خسته و ناراحت.

عصر جمعی از نیروی دریایی سپاه آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1]. آقای [حسین]علائی فرمانده نیروی دریایی [سپاه] گزارشی از پیشرفت کار و طرح ساخت قایقهای کنترل از راه دور، برای ضربه زدن به کشتی‌ها و موشک‌های جدید چینی داد.

آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد. از خرید بعضی از نیازها و از عدم تحویل راکتور اتمی از طرف آلمان گفت. [سرهنگ جلالی] وزیر دفاع آمد. درباره ساصد [= سازمان صنایع دفاع] و نیازها گفت.

آقای جاسبی آمد و راجع به دانشگاه آزاد اسلامی و معافیت دانشجویان آن صحبت کردیم. آقای سعیدی مسئول حفاظت سپاه آمد. از ابهام وظایف و کیفیت ارتباط واحد با فرماندهی و از عدم

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "حضور نیرومند ابرقدرت‌ها در اقیانوس هند که به سادگی از آن چشم نخواهند پوشید و حساسیت منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و سواحل سیستان و بلوچستان و هرمزگان چیزی نیست که ما به آنها توجهی نکنیم و آن را نادیده بگیریم. در شمال هم دریای خزر برای ما یک منطقه واقعاً حیاتی است که نیاز به حضور جدی ما دارد. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی تحقیقاً از حضور نیروی دریایی سپاه در کنار خود برای پر کردن خلاء ما در دریا برخلاف القاء دشمنان خوشحال می‌شود و همان گونه که نیروی زمینی ارتش با وجود سپاه کنارش احساس پشتگرمی می‌کند چنین چیزی برای نیروی دریایی به خاطر وسعت دریا به طریق اولی خواهد بود و مطمئناً با حضور بیشتر و وسیع‌تر شما در دریا آنها هم دلشان قویتر و محکمتر خواهد شد. ما سواحل خودمان را در خلیج‌فارس و دریای عمان با نیروی دریایی خوب حفظ کردیم و امیدواریم که این حضور با توسعه کار شما قویتر شود و همان طور که در جریان عملیات والفجر ۸ نشان دادید، می‌توانید همکاری خوبی با هم داشته باشید. مسأله‌ای که اهمیت دارد و باید بدان توجه شود، این است که دریای جنوب ما جایی است که همیشه امکان بروز خطرهای بزرگ در آنجا وجود دارد و شما باید با استمداد از مغزها و فکرهای مبتکر و برنامه ریزی‌های دقیق، دست به ابتکاراتی بزنید که متناسب با قدرت و امکانات ما در مقابل قدرت‌های وسیع دریایی کشورهای قدرتمند باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

مراعات ضوابط در سپاه می‌نالید و این شکایت خیلی‌ها است. شب مهمان رئیس جمهور بودیم. در همه زمینه‌های مسائل روز مذاکره شد.

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۹ رمضان ۱۴۰۶ — ۱۹ May ۱۹۸۶

صبح اطلاع دادند که دیشب در حد تأمین ارتفاعات مشرف برمهران عمل شده است. آخر شب دیشب اطلاع داده بودند که به خاطر عدم تکمیل نیروهای مورد لزوم، بنا نیست عمل کنند. دیروز قرار شده بود که دیشب برای پس گرفتن مهران اقدام شود. بیشتر وقت به مطالعه گزارش‌ها گذشت. امام از طریق احمدآقا از وضع جبهه مهران سؤال کردند، توضیح دادم.

عصر آقای معیّری معاون نخست وزیر که عازم فرانسه است، برای مشورت در مورد مسائل فیمابین آمد. قرار شد در مورد استرداد وام و اخراج عوامل ضدانقلاب و یا جلوگیری از فعالیت آنها و ایجاد توازن در روابط فرانسه با ما و عراق تأکید شود و در خصوص گروگانهای فرانسوی در لبنان با اینکه به ما مربوط نیست، حاضریم در صورت تحسین روابط کمک کنیم و نیز درباره آزادی دو نفر مامور اطلاعات که در فرانسه در سفارت‌مان محصور هستند.

احمدآقا درباره عبارتی که امام زیر درخواست فرمانده سپاه بنویسند، تلفنی مشورت کرد[1]. شب سرهنگ جمالی آمد. اطلاع داد عراق ارتفاعات تصرف شده دیشب را و همچنین ارتفاع ۲۵۱۹ در

---

۱ ـ اشاره به درخواست فرمانده سپاه پاسداران برای تشکیل ستادی جهت اداره سه نیرو (زمینی، هوایی و دریایی). حضرت امام(ره) با این درخواست موافقت کردند. متن نامه آقای محسن رضایی و پاسخ امام به این شرح است: "بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. محضر مبارک فرمانده کل قوا، حضرت امام خمینی ـ روحی فداه، با سلام و عرض ادب به استحضار می‌رساند، به موازات تنظیم اساسنامه سپاه، نیروهای رزمی سپاه در حال شکل‌گیری بودند تیپ و لشکرهای ما غالباً به موازات و یا پس از تصویب اساسنامه سپاه بنا به ضرورت دفاع از انقلاب اسلامی تشکیل شدند. اکنون با صدور فرمان تاریخی حضرتعالی مبنی بر تشکیل نیروهای سه‌گانه، به یک ستاد برای اداره سه نیرو نیازمندیم. در صورتی که بخواهیم از ستاد مرکزی سپاه قدیم بدین منظور استفاده کنیم، از آنجا که تشکیلات و سازمان سپاه قدیم براساس اساسنامه برای انجام مأموریت‌های ضدانقلاب و یا بسیج مردمی به صورت استقراری در شهرها و استانها شکل گرفته، بایستی هم از نظر شکل و هم در بعد اختیارات در ستاد مذکور تغییراتی بدهیم که این امر نیازمند مصوبه مجلس شورای اسلامی و یا تأیید حضرتعالی است و یا اینکه یک ستاد جداگانه برای اداره سه نیرو تشکیل دهیم که تأیید حضرتعالی در هر یک از دو شیوه مذکور، مشکلات تشکیلاتی فعلی ما را حل خواهد کرد. طبق صحبت‌هایی که با سرور عزیزم جناب آقای هاشمی رفسنجانی در این زمینه داشتیم به این نتایج رسیدیم: ۱ - اداره سپاه قدیم کمافی السابق طبق اساسنامه. ۲ - تشکیل یک ستاد برای اداره سه نیرو. ان‌شاءالله با تأیید حضرتعالی بتوانیم بیش از پیش در خدمت به انقلاب اسلامی لیاقت و توفیق یابیم. ملتمس دعا ـ ۱۳۶۵/۳/۴ ـ محسن رضایی. "پاسخ امام خمینی(ره)": بسمه تعالی موافقت می‌شود. ان‌شاءالله تعالی موفق باشید. روح‌الله الموسوی الخمینی" ۶۵/۳/۸" رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۴۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

حاج عمران را پس گرفته است. گفتم باید باز پس بگیریم.

سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۰ رمضان ۱۴۰۶ ۲۰ May ۱۹۸۶

اول وقت به مجلس آمدم. برای پیگیری مسائل جنگ به جلسه علنی نرفتم. آقایان جمالی و رضایی اطلاع دادند که دیشب برای بار دوم ارتفاع مشرف بر مهران و نیز ارتفاع ۲۵۱۹ حاج عمران را گرفته‌ایم. تاکید کردم بر تقویت خطوط دفاعی با کمک سپاه، مخصوصاً قصرشیرین و خرمشهر که تهدید می‌شوند.

آقای [علی]آقامحمدی که از طرف من مسئول پیگیری قرارگاه رمضان برای عملیات داخل عراق است، آمد و گزارشی از وضع گروههای عراقی و مشکل اداره آنها و ضعف روابط آنها با مسئولان مربوطه داد و در مورد اصول اقدامات آینده و تعیین خط مشی تصمیم‌گیری کردیم.

آقای یوسف‌پور آمد. اهداف مهم داخلی خاک عراق را در بخش‌های نفت و نیرو و... آورد. نمایندگان ایلام آمدند و اطلاع دادند که متصرفی‌های دیروز ما را امروز عراق پس گرفته است. از آقای رضایی پرسیدم، اطلاع نداشت. با آقای رضایی و احمدآقا درباره متن نامه سپاه و جواب در مورد تشکیل ستاد سه نیروی سپاه و عدم لزوم مقررات شورائی برای آنها مذاکره کردم.

با دکتر روحانی درباره تعقیب مسائل جنگ تلفنی صحبت کردم. به خاطر مسائل مهران و تبلیغاتی که عراق راه انداخته و ضعفی که نیروهای ما در باز پس گیری دارند، دَمَغم. ظهر آقای جواد مصدرالاحمور آمد. از دوستان دوران طلبگی و کارمند بانک صادرات است. اخیراً از سمت ریاست امور حقوقی بانک برکنار شده و پست بازرسی ویژه را به او داده‌اند. گله داشت و استمداد کرد.

آقای صانعی پور و جمعی از مدیران صنایع نفت آمدند. وضع صنایع نفت را گفتند و برنامه پدافند غیرعامل را و برای حفاظت صنایع نفت استمداد نمودند. عصر برای نمایندگان درباره جنگ و به خصوص وضع مهران صحبت کردم. مقداری از نگرانی‌ها را تعدیل نمودم.

به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. اساسنامه جهاد دانشگاهی در دستور بود. افطار با جامعهٔ مدرسین [حوزه علمیه قم] و اعضای شورا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم.

بعد از افطار با جامعه مدرسین جلسه داشتیم. نگرانی‌هائی از وضع جنگ و ارتش و سپاه داشتند. به دنبال ملاقات آقای صیاد شیرازی با آنها به فکر مذاکره با من افتاده بودند که منجر به این جلسه شد.

ساعت یازده شب به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ | ۱۱ رمضان ۱۴۰۶ — 21 May ۱۹۸۶

در مجلس جلسه‌ای با حضور نمایندگان تهران و وزرای ارشاد، مسکن، بهداری، دادگستری و شهرداری و استانداری تهران درباره بررسی طرح اصلاح محله جمشید وانتقال زنان فاسد به جای دیگر برای اصلاح و تربیت داشتیم. به نتیجه روشنی نرسیدیم و پیشنهاد تشکیل اردوگاه‌ها و قانونی کردن ازدواج موقت با همین زنان منحرف و جذب تدریجی آنها به خانواده‌های دائم، مورد قبول واقع نشد.

سپس با [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار [تهران] و [آقای سراج‌الدین کازرونی] وزیر مسکن و [آقای محمد اصغری] وزیر دادگستری، درباره تعیین تکلیف بناهای نیمه تمام غیر قانونی مذاکره کردیم. قرار شد در تصویب لایحه‌ای که در این‌باره در مجلس مطرح است، تسریع شود.

آقای [اسدالله]بادامچیان [نماینده تهران] به دفترم آمد. از تهدیدی که در خصوص مطرح شدن پرونده انفجار حزب برای مقابله به مثل با طرح پروندهٔ نخست وزیری شده نگران بود. پیشنهاد تغییر دولت و آوردن دولت جدیدی که طرفدار واگذاری کارها به مردم باشد، برای حل مشکلات اقتصادی را داد که گفتم عملی نیست. بهتر است آنها با دولت موجود همکاری کنند و این برنامه توسط همین دولت انجام شود. آقای مولوی آمد. درباره علمای اهل سنت و مفتی‌زاده کار داشت.

عصر هیأت دولت جلسه داشت. افطار با هیأت دولت، مهمان رئیس جمهور بودیم. شب سران قوا جلسه داشتند. پیشنهاد شد از خارج برای امام دکتر قلب دعوت کنیم و رفته رفته خبر کسالت قلبی امام را اعلام کنیم.

قرار شد منزل امام در خمین را وزارت فرهنگ بخرد. بستگان امام می‌خواهند سهام خود را بفروشند. امام از آنجا فعلاً چیزی ندارند. آقای رضایی گفت دشمن از منطقه فکه فرار کرده و مقدار زیادی ادوات جنگ و مهمات جا گذاشته است.

خرداد ۱۳۶۵



پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳٦۵ | ۱۲ رمضان ۱۴۰٦ ۲۲ May ۱۹۸٦

تا ساعت ده‌ونیم صبح در جلسه علنی ماندم. قبل از شروع جلسه توضیحاتی در مورد جنگ و فرار دشمن از فکه به نمایندگان دادم. قبل از ظهر برای خانواده‌های شهدای شرق تهران صحبت کردم[1]. ظهر فرماندهان سپاه آمدند و گزارش وضع جبهه را دادند. عصر برای سالگرد [تأسیس]مجلس شورای اسلامی مصاحبهٔ تلویزیونی کردم.

از ساعت چهارونیم بعد از ظهر تا ده شب، جلسه ستاد قرارگاه خاتم با حضور فرماندهان ارتش و سپاه داشتیم. آنها افطار هم مهمان مجلس بودند. در این جلسه تصمیمات مهمی گرفتیم. دو ماه بر خدمت سربازان افزوده شد و با بررسی وضع جبهه‌ها و نیروهای دشمن و خودی، سیاست کلی جنگ و حرکت‌های پدافندی و آفندی را معین کردیم. تفاهم سپاه و ارتش نسبتاً خوب شده است. مطالب را به رئیس جمهور اطلاع دادم. شب به خانه آمدم.

جمعه ۲ خرداد ۱۳٦۵ | ۱۳ رمضان ۱۴۰٦ ۲۳ May ۱۹۸٦

احمدآقا آمد و راجع به حکم جدید امام در سپاه بحث شد. آقای کنگرلو آمد و اطلاع داد که پس‌فردا

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

هیأت آمریکایی وارد می‌شوند. درباره کیفیت کنترل آنها و مسائل گروگان‌ها و چیزهائی که در مقابل آن باید بدهند، مذاکره شد. افطار بستگان مهمانمان بودند. آقای مرعشی دادیار دادسرای انقلاب در امور اموال توقیفی، اطلاعاتی از وضع اموال و پرونده‌ها داد و از مراجعه زیاد فراری‌ها گفت.

شب آقای محسن رضایی آمد. درباره جنگ و لزوم تجهیز بیشتر نیروهای مردمی و استفاده بیشتر از امکانات کشور برای جنگ بحث شد. اطلاع داد ارتفاعاتی را که امروز در منطقه حاج عمران گرفته بودیم، عراق پس گرفته است.

شنبه ۳ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۴ رمضان ۱۴۰۶ — ۲۴ May ۱۹۸۶

با احمدآقا درباره جواب نامهٔ فرمانده سپاه مذاکره کردیم. قرار شد به گونه‌ای جواب بدهند که نمایندگی امام در سپاه تضعیف نشود و دست فرماندهان در امور جنگ باز باشد. از طرف کسانی به دفتر امام گفته شده که موافقت امام با تشکیل ستاد سه نیرو و اجرای فرماندهی بدون نظر شورا، باعث رنجش دیگران می‌شود.

آقای نجفی از باختران آمد. نیاز میمک و قصرشیرین به تقویت خط دفاعی را گفت و نیاز به هماهنگی نیروها را در منطقه توضیح داد. عصر آقای [علیرضا]معیّری معاون نخست وزیر آمد و گزارش سفر به فرانسه را داد؛ راضی است. [ژاک]شیراک [نخست وزیر فرانسه] قول داده که هفتهٔ آینده اقدامی علیه ضد انقلاب ایران شروع کند و در مورد وام، هیأتی برای اقدام تعیین نماید و توقع داشته عکس‌العمل آن را روی گروگانهای فرانسوی در لبنان ببیند[۱] آقای رضایی تلفنی اجازهٔ امام را مبهم و غیر کافی توصیف کرد[۲].

یکشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۵ رمضان ۱۴۰۶ — ۲۵ May ۱۹۸۶

در گزارش‌ها آمده که عراق تلمبه خانه گوره و امیدیه را بمباران کرده و صدور نفت قطع شده است. به

---

۱ ـ روزنامه السفیر چاپ بیروت در این روز چنین نوشت: "هشت فرانسوی که در لبنان گروگان گرفته شده‌اند، در طول ۹ روز آینده در دو مرحله آزاد خواهند شد. ظاهراً تماس تلفنی ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در این مسأله تأثیر داشته است. منابع مطلع گفتند چهار فرانسوی در دو روز آینده و چهار تن دیگر تا یک هفته پس از آن، آزاد خواهند شد. ژاک شیراک چند روز پیش با صدور اعلامیه‌ای از تلاش‌های دولت سوریه برای خاتمه دادن به جنگ داخلی لبنان قدردانی کرده بود".

۲ ـ متن نامه آقای محسن رضایی و پاسخ حضرت امام(ره) در خاطرات روز ۲۰ اردیبهشت همین کتاب درج شده است.

[سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی گفتم تلافی کنند و به توپخانه‌های نیروی زمینی هم گفته شد که تلافی نمایند.

آقای [محسن]کنگرلو اطلاع داد که هواپیمای حامل قطعات گران قیمت آمریکایی ـ که با پاسپورت ایرلندی آمده‌اند و به نام ایرلندی هستند ـ در فضای تهران است. به آقای دکتر روحانی گفتم که برای کنترل قطعات و اداره مسائل سیاسی و مذاکرات همکاری کنند. کمی در جلسه ماندم و به خاطر مسائل جنگ به دفترم آمدم.

سرهنگ ترابی از سرهنگ جمالی نقل کرد که با فشار کار کردن برایش مشکل است. نماینده و فرماندار دزفول آمدند و برای ابقای رادیو دزفول کمک خواستند. [علی]آقامحمدی آمد. راجع به عملیات داخل عراق و همکاری با گروههای عراقی مخالف صدام و ساخت کاغذ مخصوص اسکناس صحبت کردیم. آقای قادری [نماینده پیرانشهر] آمد و وضع اکراد داخل عراق و خواسته‌های بارزانی‌ها را داد. قرار شد فردا برای افطار خدمت امام باشیم.

آقای لطفی اطلاع داد عراق منطقه مهران را با وسعت بمباران شیمیائی کرده است. ظهر اعضای اتاق بازرگانی آمدند و پیشنهادهائی در جهت توسعه صادرات برای جایگزینی ارز نفت داشتند. به نظرم خوب آمد. به آقای عالی‌نسب گفتم که با آنها جلسه‌ای بگذارد و آقای [قربانعلی]دری‌نجف آبادی هم از طرف من شرکت نماید.

عصر خلبان هلی‌کوپتری که در عملیات والفجر ۸ یک هواپیما را سرنگون کرد و سپس در بمباران دیگری چشم خود را از دست داده، همراه با فرمانده خودش آقای انصاری آمدند. گزارش کار را دادند و از روحیه فداکاری خلبانهای هوانیروز و خود او گفتند و خواستار توجه بیشتر به هوانیروز شدند.

آقای [عبدالرضا]اسدی‌نیا [نماینده اهواز] آمد و از دست خط بازی در مجلس و بیشتر از تندروها ناراحت بود. سفیر جدید چین آمد. حرف تازه‌ای نداشت. راجع به توسعه روابط حرف زدیم و تذکر دادم که چینی‌ها به فکر رابطه با اسرائیل نباشند. خوشش نیامد.

آقای [علی]شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] و آقایان [محمدباقر]قالیباف و [قاسم]سلیمانی و[1]... فرماندهان لشکرهای سپاه آمدند. راجع به پس گرفتن شهر مهران از عراق بحث کردیم. قرار شد اقدام کنند. گزارشی تلخ از عقب‌نشینی‌ها دادند.

افطار مهمان نخست وزیر بودیم. آقایان [محسن]کنگرلو [مشاور نخست وزیر] و

---

۱ ـ آقای محمد باقر قالیباف فرمانده لشکر ۵ نصر و آقای قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بودند.



[احمد] وحیدی [مسئول اطلاعات سپاه] آمدند. گزارش وضع هیأت آمریکایی را دادند. یک چهارم قطعات هاک در خواستی را آورده‌اند. آقای مک فارلین مشاور ویژه ریگان و شخصیت‌های حساس دیگر آمریکا در هیأت‌اند. برای سران کشور ماکلت و شیرینی، هدیه آورده‌اند[1] و خواهان ملاقات با سران هستند.

قرار شد هدیه را نپذیریم و ملاقات ندهیم و مذاکره را در سطح دکترهادی و دکتر روحانی و مهدی‌نژاد مخفی نگهداریم و [مذاکرات] محدود به مسأله گروگانهای آمریکایی در لبنان و دادن قطعات هاک و چند قلم دیگر اسلحه [باشد]. آنها بیشتر خواهان مذاکره در مسائل کلی و سیاسی‌اند. می‌خواهند یک نفر دائماً در هواپیمای خودشان برای تماس با خارج از طریق ماهواره بماند. این را هم قبول نکردیم. سپس با اصرار آنها قبول شد که برای مشورت و تماس، در موارد لزوم به هواپیما بروند.

بنا بود در جایی غیر از هتل اقامت کنند، اما چون جای مناسبی نبوده در هتل آزادی مانده‌اند. به ماموران اطلاعات سپاه گفته شد که آنها را حفاظت کنند. درباره مسایل دیگر هم از قبیل جنگ و بودجه و....بحث شد. سلمان غفاری سفیرمان در واتیکان آمد. دیر وقت به خانه رسیدم.

---

۱ ـ انجیل حاوی پیام رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا که از کانال دیگری به مقامات ایران اهداء شده بود، در مرکز اسناد، کتابخانه و موزه رئیس جمهور در رفسنجان نگهداری می‌شود.

دوشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۶ رمضان ۱۴۰۶ ۲۶ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. دکترهادی و دکتر روحانی آمدند و پس از توصیه آنها در مورد مسائل قابل بحث، قرار شد دکتر هادی با هیأت آمریکایی مذاکره کنند. عصر آمدند و گفتند مک فارلین ناراضی است و مدعی است به او توهین شده که چرا مقامات با او حرف نمی‌زنند و چرا هدیه‌اش را نمی‌پذیریم و می‌گوید اگر من برای خرید پوست گربه به روسیه بروم، گورباچف در روز دو بار با من ملاقات می‌کند.

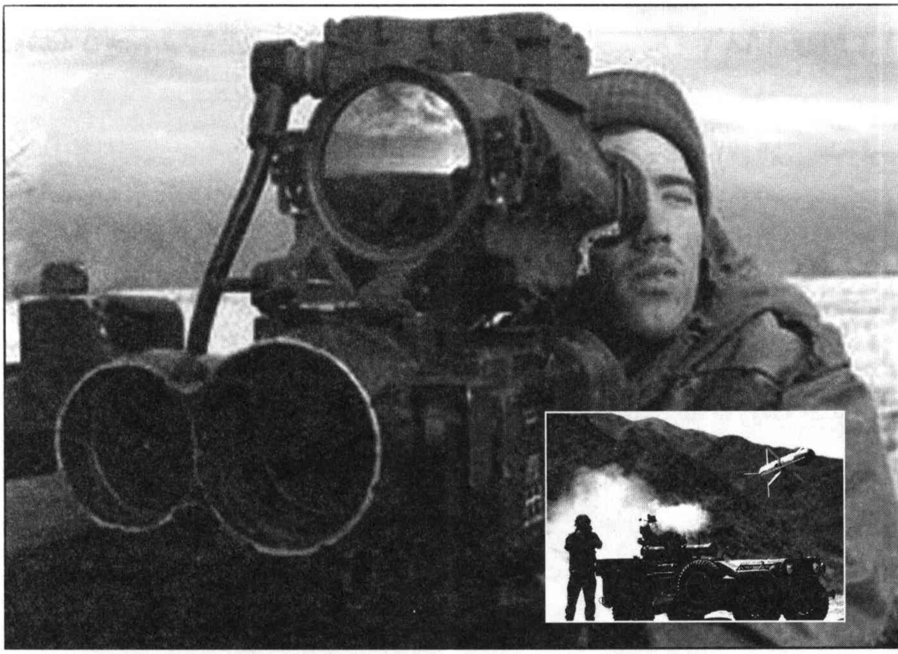
دیشب موضوعات مهمی را مطرح کرده‌اند که قابل گفتگو است و مدعی‌اند که روسیه قصد حمله به ایران را دارد. باز هم موضوع قابل بحث را مشخص کردم و گفتم مانعی ندارد که دکتر هادی با همراهان او صحبت کند، ولی سران کشور ما ملاقات و مذاکره با آنها را نمی‌پذیرند. قرار شد به آنها بگویند به خاطر تخلف‌ها و بد قولی‌هایشان اعتماد به آنها نیست و تا عملاً جلب اعتماد نکنند، مذاکره رسمی ممکن نیست؛ این نظر سران قوا است.

افطار با بسیاری از مسئولان کشور و مردم جماران، مهمان امام بودیم. نماز جماعت را با امام خواندیم و فیلمبرداری شد. امام چند لحظه‌ای سر سفره نشستند و طبق معمول سالهای گذشته، افطار را نماندند. هنگام برخاستن با شوخی آهسته فرمودند: "چون نمی‌توانند این غذاها را بخورند و.... که می‌خورند حریفان و...." بعد از افطار آقایان خامنه‌ای و [موسوی]اردبیلی به خانه ما آمدند و درباره مسائل هیأت آمریکایی مذاکره کردیم. بر گفته‌های قبلی تأکید نمودیم.

سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۷ رمضان ۱۴۰۶ ۲۷ May ۱۹۸۶

فراموش کردم که زنگ ساعت را تنظیم کنم. سحر بیدار نشدم و همگی بدون سحری روزه گرفتیم. معمولاً با زنگ ساعت بیدار می‌شوم و بچه‌ها را بیدار می‌کنم. به مجلس آمدم. پیش از رفتن به جلسه، دکترهادی آمد و گزارش مذاکره سه ساعت و نیمه دیشب را با آمریکایی‌ها داد.

معتقد بود تا حدی آنها را قانع کرده که روش آنها نادرست است و توقعات آنها بی جاست. نوشته‌هایی که در گذشته [منوچهر قربانی‌فر] شخص رابط دربارهٔ این سفر و تعهدهای آنها نوشته بود، به دکترهادی دادم که به آنها استناد کند.



موشک تاو

بعد از ظهر خبر داد که جلسهٔ امروزشان بی نتیجه بوده و آنها می‌گویند امشب بدون اخذ نتیجه خواهند رفت. گویا اختلاف بر سر این است که نمی‌خواهند قبل از آزادی گروگانها، قطعات را تحویل دهند.

تا ظهر در جلسه علنی ماندم، چون دستور مهم بود[1]. ظهر سفیرمان در یمن جنوبی آمد و گزارش وضع یمن بعد از کودتا و جریان کودتا را داد. آقای محلوجی آمد و گزارش مشاهداتش از صنایع نظامی را داد؛ از طرف قرارگاه خاتم مامور بررسی صنایع نظامی‌اند. پروژه ساخت موشک تاو[2] را

۱ ـ در این روز طرح قانونی اجرای اصل ۷۶ قانون اساسی درباره تحقیق و تفحص جهت دریافت گزارش‌ها و اطلاعات واصله در همه امور کشور در دستور بود. آقای موحدی ساوجی پیشنهاد اصلاحی داد و آقای هاشمی به عنوان مخالف پیشنهاد ارائه شده صحبت کرد. آنگاه پیشنهاد کمیسیون در مسکوت گذاشتن این طرح به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید. همچنین طرح اصلاح ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری اعاده شده از شورای نگهبان رسیدگی و به کمیسیون امور شوراها ارجاع گردید.

۲ ـ تاو موشکی است ضد تانک که برای انجام عملیات‌های ضد زره طراحی شده است. تاو را می‌توان به جرأت یکی از بهترین موشک‌های ضد تانک جهان نامید که تا به امروز بیش از ۶۶۰۰۰ فروند از آن به کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران صادر شده است. تاو به روش هدایت سیمی هدایت می‌شود. خود موشک تاو درون محفظه مخصوصی قرار دارد. در هنگام شلیک این موشک بالچه‌های خود را که شامل چهار عدد در عقب موشک و چهار عدد در جلوی موشک است، باز می‌کند. دو رشته سیم که از یک طرف به لانچر و از طرف دیگر به موشک متصل است، وظیفه هدایت موشک را دارند. کاربر موشک که از درون سایت هدف‌گیری هدف را نشانه رفته است، به وسیله همین دو رشته سیم، که طولشان به اندازه برد موشک است، فرامین اصلاح مسیر را به موشک منتقل می‌کند. تاو را می‌توان از انواع تجهیزات زمینی چون

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)



پروژه خوبی می‌داند ولی قابلیت زمان‌بندی آن را قبول ندارد. همچنین ادعای ساخت موشک از طرف آقای سیاح تنکابنی را بی‌اساس می‌داند.

عصر به جلسه شورای انقلاب فرهنگی نرفتم. افطار مهمان آقای فخرالدین حجازی بودم. عصر دکترهادی آمد. گزارش مذاکره با مک فارلین را داد. مطلب مهمی نداشت. آنها می‌خواهند گروگانها قبل از تحویل سلاح آزاد شوند و ما برعکس؛ قرار شد فرمول تدریج را بگیریم.

چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۸ رمضان ۱۴۰۶ — ۲۸ May ۱۹۸۶

در منزل بودم. هنگام سحری خوردن، دکترهادی اطلاع داد که مذاکره با آمریکایی‌ها به بن بست رسیده و آنها عازم ترک ایرانند. پیش از آن آقای کنگرلو اطلاع داد که آنها رفته‌اند و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تانک و نفربر و جیپ و حتی از روی زمین شلیک کرد. علاوه بر اینها تاو از هلی‌کوپترهای زیادی چون کبرا و فنک و چند هلی‌کوپتر دیگر قابل استفاده است. معمولاً هر هلی‌کوپتر می‌تواند ۴ تا ۸ موشک تاو را حمل کند. از تاو در درگیری‌های نظامی بسیاری استفاده شده که مهمترین آنها جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج‌فارس ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ میلادی و حمله نظامی آمریکا به افغانستان و درگیری‌های بالکان ۱۹۹۹ است.

[منوچهر]قربانی‌فر را گذاشته‌اند که دنبال کار را بگیرد. عصر احمدآقا آمد. در جریان مذاکرات با آنها قرار گرفت که خدمت امام بگوید.

آقایان [اسدالله]بیات و [سیدمحمد]هاشمی آمدند و برای رفع اختلافات با [آقای محمدهاشمی] مدیرعامل سازمان صداوسیما، استمداد کردند. جلسه هیأت رئیسه مجلس در منزل ما برقرار شد و افطار مهمان من بودند و پاسدارانشان در ضیافت افطار امام ـ که به محافظان داده‌اند ـ شرکت کردند.

قسمت عمده‌ای از شب را برای مراسم احیاء بیدار ماندم و کمی خوابیدم. بچه‌ها در مراسم احیای مسجد جماران شرکت کردند.

پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۹ رمضان ۱۴۰۶ ۲۹ May ۱۹۸۶

ساعت هشت‌ونیم صبح به مجلس آمدم. [سام]نجوما رهبر [جبهه آزادی بخش نامیبیا] سواپو به ملاقات آمد و مذاکرات درباره وضع انقلاب نامیبیا بود. دکتر [محسن]نوربخش [رئیس کل بانک مرکزی] آمد. خواست که در مراسم افتتاح سمینار بانکداری اسلامی که قرار است سی کشور در آن شرکت کنند، سخنرانی کنم و رفتم. [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران و مجدآراء [معاون وزیر کشور] آمدند. از نفوذ افرادی در وزارت کشور شاکی بودند[1].

آقای [ناصر جیرانی]نوبری سفیر جدیدمان در روسیه [= اتحاد جماهیر شوروی] آمد و از ضعف نیرو در سفارت گفت و توصیه شد که در توسعه روابط بکوشد. آقایان [مسیح]مهاجری و [محمدرضا] بهشتی آمدند. از دو مقاله روزنامه جمهوری اسلامی در مورد مجلس و دانشگاه آزاد اسلامی انتقاد کردم و آنها از اینکه به پیشنهادهای اتاق بازرگانی در مورد توسعه صادرات توسط بخش خصوصی توجه شده، ناراحت بودند.

ظهر آقای [حاتم]ناروئی نماینده بم آمد. از اختلاف بین امام جمعه بم و روحانیون سازمان تبلیغات اسلامی نگران بود. آقایان محلوجی و مهدوی آمدند و گزارش کارهای سیاح، مدعی ساخت موشک زمین به زمین را دادند. گفتند سطحی و غیر قابل اعتماد است.

عصر دکترهادی و دکتر روحانی آمدند. راجع به پیگیری مسأله گروگانهای آمریکایی بحث شد.

---

۱ ـ در این دیدار مسأله احداث متروی تهران و لزوم همکاری بانک‌های کشور با شهرداری تهران نیز مورد بحث قرار گرفت.

قرار شد طبق همان پیشنهاد نهائی ما که نپذیرفتند عمل شود؛ اگر آمریکایی‌ها خواستند جلو بیایند.
شورای عالی دفاع جلسه داشت. تصویب شد که دوماه به خدمت سربازان، برای شش ماه در سه دوره، اضافه شود. افطار مهمان مجلس بودند.

جمعه ۹ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۰ رمضان ۱۴۰۶ ۳۰ May ۱۹۸۶

احمدآقا آمد و گفت نامه شش نفر از شخصیتها درباره پرونده انفجار نخست وزیری به امام رسیده و امام، آقای اردبیلی و خوئینی‌ها و رئیسی را احضار کرده‌اند و پس از اینکه دادستان کل گفته است که متهمان بی تقصیرند، امام دستور آزادی آنها را داده‌اند و قرار شده درباره سه نفر بازپرسی که به عنوان اعتراض استعفاء داده‌اند، رسیدگی شود.

شب احمدآقا تلفنی گفت به دنبال نامهٔ آقای محسن رضایی به امام در مورد مطرح شدن صلح [با عراق] در جلسهٔ نمایندگان مجلس با حضور دکتر روحانی، امام از من توضیح خواسته‌اند. گفتم فردا به زیارتشان می‌آیم.

شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۱ رمضان ۱۴۰۶ ۳۱ May ۱۹۸۶

شب را احیاء داشتم. ساعت نه‌ونیم صبح به زیارت امام رفتم. گزارش وضع جبهه‌ها و آمدن هیأت آمریکایی را دادم. پیشنهاد کردم که برای جلوگیری از پخش خبر توسط آنها به گونه‌ای که ما را در موضع دفاعی قرار دهند، خودمان خبر آمدن آنها را ابتدا پخش کنیم؛ امام موافق نبودند.

امام فرمودند طبق گزارش فرمانده سپاه، در جلسه‌ای جمعی از نمایندگان صحبت از مشکلات جنگ کرده و ختم جنگ را مطرح نموده‌اند. از من خواستند که به آنها بگوییم ما باید تا آخرین فرد با صدام بجنگیم و صحبت از صلح نکنند. از امام خواستم دانشگاه آزاد اسلامی را در مقابل مخالفان تندرو تقویت کنند. فرمودند موارد اختلاف و نقاط نظر طرفین را بنویسم تا تصمیم بگیریم؛ نوشتم و فرستادم. مسأله‌ای در رابطه با کشف وجه و کفنی و قدمین پرسیدم. یادشان نبود. چگونگی سودی را که نظام بانکداری اسلامی ما می‌دهد، توضیح دادم و اینکه آقای [حسین]راستی [کاشانی] در جایی

گفته این سود به نظر امام اشکال دارد. فرمودند مانعی ندارد اگر طبق قرارداد شرعی باشد، که هست.

یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۲ رمضان ۱۴۰۶ — 1 June ۱۹۸۶

ساعت هفت‌ونیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها آمده بود که یک کشتی نفتکش ما زده شده است. تا ساعت ده در جلسه علنی ماندم. آقای [اکبر]ترکان برای مشاوره در امر خریدهای نظامی و احداث کارخانه هواپیماسازی آمد. آقای رحمانی برای مسائل سپاه و ستاد اجرائی قرارگاه خاتم آمد.

[آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت و مسئولان نظامی و ائمه جمعه خارک و گچساران و امیدیه آمدند. درباره ضعف پدافند موسسات نفتی و اهمیت حفظ آنها مطالبی گفتند. ظهر رئیس زاده از روابط عمومی [مجلس] آمد. توصیه‌های سیاسی داشت و اجازه انتقال به وزارت نفت می‌خواست. [آقای سید حسین قاضی‌زاده هاشمی] نماینده فریمان آمد. پیشنهاد ترتیب بایگانی آمار وضع حوزه‌های انتخابیه توسط هر نماینده را داشت.

عصر آقای صلاح زواوی سفیر فلسطین در ایران آمد. از سردی روابط گله داشت و درباره جنگ و نزاع فلسطینی‌ها با [حزب] امل در لبنان و مشکلات اداری‌اش در تهران و مسائل فلسطینی‌ها در دنیا و مشکلات دیپلمات‌ها در ایران مطالبی گفت. گفتم مانع روابط خوب، موضع غلط آنها، هم در جنگ و هم نسبت به ارتجاع عرب و نزدیکی با جناح کمپ دیوید و سازشکاری است[1]. برای افطار به سفارت فلسطین دعوت کرد. قول دادم اگر مواضع را اصلاح کنند، ما استقبال می‌کنیم.

گروه گزینش آموزش و پرورش آمدند. پیشنهاد کردند که شورای‌عالی انقلاب فرهنگی اجازه تحقیق به گزینش بدهد و به صرف استعلام اکتفا نشود. آقای ریاضی آمد. گزارش کار کمیسیون ناظر بر خرید سلاح را داد. از وزارت سپاه شاکی بود و خبر آمادگی چین را برای فروش تانک و هواپیما داد.

افطار سران قوا مهمان من در مجلس بودند. آقای خامنه‌ای نظر دادند که دستگاه قضائی افرادی را

---

۱ ـ یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین ـ ساف ـ در سال‌های جنگ، جانب عراق را گرفت و با صدام حسین بارها ملاقات کرد و علیه جمهوری اسلامی موضع‌گیری کرد. او معتقد بود که جنگ عراق با ایران به ضرر فلسطین و به نفع اسرائیل است. بعد از پایان جنگ و در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی در سال ۶۹ یاسر عرفات واسطه مکاتباتی میان رئیس جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور عراق شد. این دوازده نامه مبادله شده میان آقای هاشمی و صدام به آزادی اسیران دو طرف منجر شد. برای مطالعه نامه‌ها رجوع کنید ← کتاب "دوازده نامه"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۶

که اخیراً سران نهضت آزادی را کتک زده‌اند، تحت تعقیب قرار دهد[۱]. درباره بسیج امکانات برای جنگ و پیشنهاد فرانسه در خصوص تکمیل نیروگاه اتمی ما با استفاده از وام یک میلیارد دلاری مذاکره کردیم. عصر برای فرماندهان نواحی سپاه سخنرانی کردم[۲].

دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳٦۵ | ۲۳ رمضان ۱۴۰٦ — ۲ June ۱۹۸٦

ساعت هشت‌ونیم صبح به مجلس رسیدم. تا ده صبح گزارش‌ها را خواندم. مطلب مهمی نداشت. فرمانده سپاه کرمان آمد. گزارشی از وضع منطقه و سپاه داد. اکنون بیش از سیزده گردان نیروهای مردمی کرمان در جبهه‌اند. درباره گردان‌های قدس و تدارک مردمی مذاکره شد.

---

۱ - در روز ۲۵ اردیبهشت ٦۵ عده‌ای از سران نهضت آزادی ایران از جمله مهندس مهدی بازرگان به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این نهضت، عازم بهشت زهرا می‌شوند تا بر آرامگاه آیت الله طالقانی و شهید دکتر چمران حضور یابند. در این حین خودروی چند تن از آنها از سوی مأموران کنترل کننده خودروها متوقف می‌شود و آنها پس از بردن این افراد به یکی از روستاهای متروکه اطراف تهران، آنها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و محل را ترک می‌کنند. رسانه‌های خارجی پوشش خبری وسیعی به این حادثه دادند. وزارت کشور و کمیته انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای هرگونه دخالت در این موضوع را رد کردند.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "این اجتماع شما ان‌شاءالله با برکت و جهش در جبهه‌ها و در نتیجه در سرنوشت جنگ و در نهایت در سرنوشت انقلاب و مسلمانان مؤثر خواهد بود. همت‌ها را باید عالی گرفت. وقتی ما با ملتی ایثارگر روبرو هستیم که ثابت نموده از نوادر تاریخ بشریت است، باید از این امکانات زیاد، این مردم و این اقیانوس بیکران قدرت که در اختیار اسلام قرار گرفته است، برای اهداف اسلام و انقلاب استفاده کنیم. تا آنجاکه من می‌دانم علت این اقدام مسئولان جنگ و بخصوص سپاه، ایجاد آمادگی برای شرایطی است که ممکن است در آینده پیش آید. چنانچه مقدمات آن اکنون ایجاد شده است. عملیات «والفجر ۸» ثابت کرده که اولاً دشمن به شدت آسیب‌پذیر است و آن‌طور که بعضی‌ها خیال می‌کردند قدرت مقاومت و دفاع ندارد و قدرت او بستگی به توانی دارد که ما بتوانیم به کار بگیریم. هر جا و به هر اندازه ما توان مناسبی به کار بگیریم، به همان اندازه می‌توانیم قدرت پیشرفت داشته باشیم، ولی آن را در سطح مطلوب به کار گرفته‌ایم. ثانیاً دشمن با خوردن یک ضربه از پای نمی‌نشیند. حامیان بعث عراق و آنها که این جنگ را طراحی کردند تا به نقطه یأس نرسند کارهای خود را ادامه خواهند داد. ما دیدیم با آنکه عراق ضربهٔ کاری خورد و نیروهای عمده‌اش آسیب جدی دیدند و قطعه‌ای ارزشمند از خاکش از دستش رفت و حیثیت نظامی او آسیب شدید دید، با این حال تلاش‌های مذبوحانه جدیدی را به عنوان «استراتژی» جدید شروع کرد که بهترین اسم بر آن، «استراتژی انتحاری» است. یعنی صدام و حزب بعث با الهام از طراحان اصلی جنگ به این نتیجه رسیدند که در این مقطع هر چه دارند باید به کار گیرند، شاید بتوانند مقاومت کنند، ولی این کار با انتحار انجام می‌شود. کارهایی که عراقیها در طول یک ماه و چند روز گذشته در جبهه‌ها انجام دادند اگر ادامه یابد معلوم می‌شود چه بر سرشان خواهد آمد. زیرا آن چنان تحلیل خواهند رفت که در مقابل یک تهاجم جدی ما، دیگر چیزی برای دفاع، آن هم دفاع طولانی نخواهند داشت. آن استراتژی که عراق در ابتدا داشت که خود را پشت میدان‌های مین، ردیف‌های مکرر سیم‌های خاردار، کانال‌های آب و بشکه‌های انفجاری پنهان می‌کرد و کمین‌های دائماً هوشیار خود را حفظ می‌کرد و نیز، احتیاط‌های مکرر را پشت سر هم قرار می‌داد، این خاصیت را داشت که نیروهای ما برای عبور از این موانع باید تلفات می‌دادند و آنها در مرحلهٔ اول، کمتر تلفات می‌دادند از این رو، برای مراحل بعد، آماده می‌شدند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵، " دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

آقای [مصطفی]هاشمی [طبا] وزیر سابق صنایع آمد. توضیحاتی درباره طرح‌های مهم اولویت‌دار داد و برای استفاده بهتر از حق یوزانس جهت طرحهای دراز مدت استمداد کرد. آقای علیزاده دادستان دیوان محاسبات آمد. گزارش وضع دیوان و نیاز به دادیار و دستیار را داد.

آقایان [مرتضی]فهیم [کرمانی] و [میرغفار] سجادی آمدند. درباره اظهارات آقای سجادی نسبت به آقای هادی غفاری که مورد شکایت آقای غفاری است، توضیح دادند. آقای [علی]رازینی تلفن کرد و از عدم همکاری فرماندهان ارتش با دادگاه زمان جنگ گله داشت. گروه کارگران مهار کننده چاه نفت آتش گرفتهٔ خلیج فارس آمدند. از عزل رفیقشان از مسئولیت حراست شکایت داشتند.

آقای [محمدعلی]رحمانی مسئول بسیج آمد. گزارش سفر به لیبی را داد و گفت لیبیائی‌ها مایلند تعدادی نیروی بسیجی از ما در لیبی باشد. راجع به ستاد پشتیبانی برای جنگ صحبت کردم. آقای [محمدجواد]لاریجانی [معاون امور بین‌الملل وزارت خارجه] آمد. گزارش سفر به سازمان ملل را داد[1]. ملاقات‌های سطح بالائی داشته و نشان می‌دهد که دنیا روی قدرت ما حساب باز کرده است. شرق و غرب در صدد نزدیکی به ما هستند، ولی نمی‌خواهند ما نیرومندتر بشویم.

افطار با هیأت رئیسه و کمیسیون قضائی، مهمان آقای [محمد]یزدی نایب رئیس مجلس بودیم.

سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۴ رمضان ۱۴۰۶ — 3 June 1986

در جلسه علنی مجلس تا ساعت ده‌ونیم صبح شرکت داشتم. آقای [مهدی]کروبی [نایب رئیس مجلس] بقیه جلسه را اداره کردند. ظهر آقای محسن رضایی آمد. راجع به ستاد اجرائی قرارگاه خاتم

---

۱ ـ آقای محمد جواد لاریجانی معاون امور بین‌الملل وزارت خارجه که در سیزدهمین اجلاس فوق العاده سازمان ملل برای بررسی مسائل اقتصادی آفریقا شرکت کرده بود، گزارشی از این اجلاس ارائه کرد. در این دیدار آقای لاریجانی با اشاره به اینکه آمریکا و غرب با دادن کمکها به کشورهای منطقه آفریقا، قصد نفوذ بیشتر در این منطقه را دارند، گفت: «هیأت جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس پیشنهاد کرد کشورهای صادر کننده نفت با افزایش یک دلار بر قیمت نفت صادراتی، عواید آن را در حسابی به نفع آفریقا منظور کنند.» وی سپس گزارشی از دیدارهای خود با دبیرکل سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی ارائه کرد. آقای هاشمی نیز با تأکید بر اینکه کشورهای صادر کننده نفت اگر عدالتخواه هستند باید از طرح جمهوری اسلامی ایران حمایت کنند، گفت: "با استقبال از این طرح، گشایشی در مشکلات اقتصادی آفریقا به وجود خواهد آمد." ایشان همچنین پیرامون توطئه کاهش قیمت نفت گفت: "ما نباید اجازه دهیم که ذخایر جهان اسلام به ویژه نفت توسط قدرتها غارت شود. ما باید سلطه ابرقدرتها بر ذخایر خود را که متعلق به نسلهای آینده است، قطع کنیم." آقای هاشمی در زمینه موضع دبیرکل سازمان ملل در قبال جنگ تحمیلی گفت: "همانگونه که بارها اعلام کرده‌ایم آقای «پرز دکوئیار» باید در این زمینه موضع بی طرفی داشته باشد و سعی نماید چهره متجاوز را به جهانیان معرفی کند."

به منظور بسیج امکانات کشور برای جنگ مذاکره کردیم و اشکالات مصاحبهٔ ایشان را تذکر دادم[۱].

عصر به شورای انقلاب فرهنگی نرفتم و برای کارها در مجلس ماندم. آقای محسن رضایی آمد و فیلم یک نوع خمپارهٔ ابتکاری سپاه را آورد که پس از اصابت به زمین، به فضا پرتاب می‌شود و با انفجار در چهارمتری زمین، ترکش‌هایش پخش می‌شود. همچنین خمپاره ضد تانک را آورد که ابتکار شده است. برای تولید انبوه آنها استمداد کرد.

عصر آقای سید هادی‌هاشمی [داماد و رئیس دفتر آقای منتظری] آمد و پیام آیت‌الله منتظری را آورد که در مورد طرحشان نسبت به ادغام ارتش وسپاه پیگیری کرده‌اند و از مضروب شدن سران نهضت آزادی ناراحت شده‌اند و پیگیری طرح‌های عملیات داخل عراق را. درباره سید مهدی‌هاشمی مذاکره کردیم.

افطار مهمان آقای فاضل هرندی بودیم. درباره مشکلات اقتصادی با کم شدن ارز نفتی صحبت شد. بعضی‌ها خوشبین‌اند که این نیاز به استقلال و خودکفائی و کم شدن وابستگی خواهد انجامید. درباره روابط خارجی مخصوصاً اصلاح روابط با شوروی و فرانسه صحبت شد.

قرار شد که هیأتی به ریاست آقای ابراهیمی از بیت آیت‌الله منتظری به لبنان برای میانجیگری جنگ جاری بین امل و فلسطینی‌ها اعزام کنیم. شب به دکتر ولایتی گفتم که ترتیب کار هیأت را بدهد، دکتر ولایتی اطلاع داد فرانسه گفته که منافقین را بیرون می‌کند.

چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳٦۵ | ۲۵ رمضان ۱۴۰٦ — ۴ June ۱۹۸٦

ساعت هفت‌ونیم صبح به مجلس رسیدم. به دکتر ولایتی گفتم در اعزام هیأت به لبنان اقدام کند و به سفارت فلسطین در تهران، مقداری محبّت شود. قبل از دستور درباره روز قدس و ۱۵ خرداد صحبت کردم[۲].

---

۱ ـ آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در روز ۱۰ خرداد در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلویزیونی وضعیت جبهه‌ها، برنامه‌های آینده جنگ، آموزش نظامی نیروهای رزمنده و کمک‌های انسانی و اقتصادی استکبار و مرتجعین منطقه به رژیم عراق را تشریح کرد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: "تنها راهی که امروز برای خاتمه جنگ در پیش روی ما قرار دارد، بسیج کلیه نیروها و امکانات کشور در جبهه‌هاست."

۲ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "به مناسبت سالگرد قیام پرافتخار ۱۵ خرداد و روز جهانی قدس که توسط حضرت امام اعلام شد، ما از ملت بزرگورمان انتظار داریم که حق عظمت این دو مناسبت را مراعات بفرمایند و با شرکت در تظاهرات، روح شهدای ۱۵ خرداد را که پیشتازان این

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در جلسهٔ علنی، طرح خیلی حساس و جنجالی اصلاحیه قانون وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مطرح بود. اکثر دانشگاهیان با انتقال دانشکده‌های پزشکی از وزارت علوم مخالفند و روزنامه‌ها در ماه‌های گذشته به نفع آنها جوسازی کرده‌اند و بحث در مجلس خیلی جدی است.

قسمت عمدهٔ جلسه را ماندم که در بحث‌ها تشنج پیش نیاید، ولی اواخر جلسه بیرون آمدم. برای خود من حق خیلی روشن نیست. بالاخره مجلس به نفع بهداشت و درمان رای داد و جوسازی‌ها بی اثر از آب درآمد.

آقایان [بیژن نامدار]زنگنه [وزیر جهاد سازندگی] و [عبدالله]نوری [نماینده امام در جهاد سازندگی] آمدند. نگران بودند که به عنوان جنگ امکانات جهاد از روستاها بیرون بروند. تفاهم کردیم که با توافق خود آنها از امکاناتشان استفاده شود. ظهر آقای هادی آمد. درباره پیشنهاد آقای [عبدالله]نوری در خصوص کاندیدا شدن ایشان برای [عضویت در] حقوقدانان شورای نگهبان مذاکره کردیم.

لطیف صفری آمد. مطالبی درباره جنگ‌های نامنظم گفت. آقای [اکبر]ترکان آمد و درباره صنایع هواپیما و هلی‌کوپتر سازی و توپ سازی مشاوره کرد. قرار شد اقدام شود. آقای [علی محمد]بشارتی [قائم مقام وزیر خارجه] آمد. دربارهٔ ترکیب هیأت اعزامی به لبنان صحبت شد.

افطار مهمان نخست وزیر بودیم. آقای [احمد]جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] آمد و انحلال نیمی از دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی را اعلام داشت. درباره جنگ و امور اقتصادی بحث شد.

پنجشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۶ رمضان ۱۴۰۶ — 5 June ۱۹۸۶

اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] آمد. درباره اختلافش با شورای سرپرستی گفت. عصر آقای سراج آمد و برای کمک به کاروانهای نور در شرق کشور استمداد کرد. افطار به مرکز سپاه رفتیم. اکثر مسئولان هم بودند. درباره جنگ و لزوم بسیج امکانات برای ختم زودتر جنگ با ضعف بنیهٔ اقتصادی صحبت کردم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

انقلاب عظیم اسلامی بودند، شاد کنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

اتومبیلم خیلی تکان پیدا کرده، گفتم عوض کنند. در راه خیلی اذیت کرد، گویا کمک فنرهایش عیب پیدا کرده است.

جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۷ رمضان ۱۴۰۶ ‏6 June ۱۹۸۶

تا ساعت ده و نیم صبح مطالعه می‌کردم. همراه با اهل خانه برای اقامهٔ نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[۱]. شرکت مردم در راهپیمائی روز جهانی قدس، خیلی وسیع و خوب بود. سفرای کشورهای اسلامی هم آمده بودند[۲].

عصر آقایان رمضانی و مرعشی از دادسرای انقلاب آمدند و گزارشی از وضع پرونده‌ها دادند. چند مورد از مسئولان خرید دولتی در وزارت نفت و بازرگانی و بهداری که در معاملات انجام شده از خارجی‌ها پورسانت گرفته‌اند، تحت تعقیبند و راجع به کیفیت برخورد با آنها مشورت کردند. گفتم قاطعیت همراه با تدبیر که نتوانند جوسازی کنند. نگران بودند که روابط مانع کار شود. گفتم همه سران قوا از تعقیب و کیفر مجرمان حمایت می‌کنند.

---

۱ ـ در خطبه اول نماز، بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوع عدالت در تنظیم روابط خانوادگی دنبال شد. تفاوت‌های اساسی بین زن و مرد، موقعیت زن در جوامع غرب، محبت مادر به فرزند و وضعیت خانواده در کشورهای غربی از مباحث مطرح شده در خطبه اول بود. در خطبه دوم نیز دربارهٔ قیام ۱۵ خرداد، توانمندی روحانیت در جریان مبارزات، هدف از اشغال فلسطین، شرایط اسرائیل و نوع برخورد مسلمانان با قضیه فلسطین مطالبی مطرح شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "امروز روز جهانی قدس و روزی است که افکار آماده است برای اینکه عمق این جهاد مقدس ما را خوب درک بکنند. بنده به ملتمان عرض می‌کنم و به تمام کسانی که قدرت برداشتن اسلحه دارند، همان طوری که امام فرموده باید به‌گونه‌ای شما در میدانهای رزم و مراکز آموزش و مناطق اعزام آماده باشید که یک روز هم، فرماندهان جنگ ما چه ارتش و چه سپاهی در میدان جنگ احساس کمبود نیرو نکنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در پی مطرح کردن راه عبور از عراق به فلسطین در خطبه‌های نماز جمعه این روز، رئیس مجلس ملی عراق به آن واکنش نشان داد. رادیو کویت در این باره گفت: "عراق آمادگی خود را جهت اجازه دادن به نیروهای ایرانی جهت عبور از خاک کشورش بدون هیچ گونه شرط قبلی، چنانچه ایران می‌خواهد در آزادسازی فلسطین شرکت نماید، اعلام نمود. این مطلب توسط رئیس مجلس ملی عراق در پاسخ به اظهار هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران که در دانشگاه تهران ایراد نموده بود، عنوان شده است. هاشمی رفسنجانی علل خودداری ایران و ملتهای شرق جهان اسلام جهت حرکت به سوی اسرائیل را توجیه کرده بود، رادیو بغداد اظهارات رفسنجانی که گفته بود تا زمانی که حزب بعث در عراق می‌باشد، به ملتهای شرق جهان اسلام اجازه داده نخواهد شد که به سوی اسرائیل حرکت کنند را منعکس کرد. هاشمی رفسنجانی گفته بود بر مسلمان‌ها است که به ایران جهت برداشتن دیوار موجود میان ملت ایران و ملت فلسطین کمک کنند تا این راه باز شود. حمادی افزود: من به عنوان نماینده تمام ملت عراق و با داشتن اختیارات رسمی از سوی دولت عراق، اعلام می‌نمایم که کشورم هیچگونه شرط قبلی و یا مانعی بر سر راه حرکت نیروهای ایرانی قرار نمی‌دهد."

احمدآقا آمد. از نامۀ تذکر شصت‌وسه نماینده [جناح راست مجلس] در مورد پروندۀ انفجار نخست وزیری گله کرد. گفتم ممکن است آنها نمی‌دانسته‌اند که امام دخالت کرده‌اند. در مورد جنگ برای اطلاع امام توضیح دادم. در مورد دانشگاه آزاد اسلامی صحبت کردیم. گفت نامه‌ای که به امام در خصوص نقاط نظر مخالفان داده‌ام، جلوی امام است و هنوز نخوانده‌اند.

شب بعد از افطار همشیره‌زاده مهدی شریفیان آمد. جزو گروهی است که در لشکر ثارالله آموزش غواصی برای خط شکنی در عملیات علیه عراق دیده‌اند. فعلاً به آنها مرخصی داده‌اند. با حدود یکصدوپنجاه نفر از همرزمانش عازم مشهد هستند. وقت ملاقات خواستند. قرار شد بعد از مراجعت بیایند.

آقای روحانی شریک زمین منزل حمید و سعید لاهوتی، برای تفکیک زمین کمک خواست. گفتم به روال عادی عمل کنند. گفت شهرداری چی‌ها رشوه می‌خواهند. گفتم کمک کند که آنها را شناسائی کنیم. اطلاع داد در مورد ارز مورد نیاز ماشین‌آلات کارخانۀ ساخت گچ‌های تخته سیاه که وزارت صنایع چهارمیلیون وهفتصدهزار فرانک سوئیس را تأئید کرده، توانسته معامله را در آلمان به هفتصد هزار مارک تمام کند. به نخست وزیر تلفنی گفتم موضوع را پیگیری کنند که از این ناحیه، ممکن است فساد مالی زیادی کشف شود. ارز بیشتر می‌گیرند و از تفاوت قیمت رسمی و آزاد سود می‌برند.

آقایان معیری و ولایتی درباره برخورد با سوئیس و فرانسه در مورد اخراج [مسعود]رجوی گزارش تلفنی دادند که به زودی [از فرانسه] اخراج می‌شود.

شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۸ رمضان ۱۴۰۶   7 June ۱۹۸۶

ضعف ناشی از روزه کار کرد را کم کرده است. بیشتر وقتم به مطالعه گزارش‌ها و جزوه‌ها گذشت. معمولاً هر روز اوراق زیادی از عملکردها، طرح‌ها یا نیازها از طرف ارگانهای دولتی یا اشخاص می‌رسد که وقت زیادی می‌گیرد. علاوه بر جزوه‌های مرتب گزارش سیاسی، امنیتی، نظامی، اطلاعات و... که از طرف وزارت اطلاعات، امور خارجه، کمیته،سپاه و... داریم. تلکسهای خبرگزاری پارس [ایرنا] را هم که اخبار روز است، می‌بینم.

آقای مهدیان آمد. قرار شد سهم ساختمان گرگان را برای خرج ساختمان منزل بفروشد. همچنین



مطالعه گزارشها و بولتن ها وقت زیادی را می گیرد

مقرر شد در جلسه‌ای به دانشگاه امام صادق(ع) بروم. به آقای روحانی گفتم فردا جلسه ستاد قرارگاه را تشکیل دهد. اخبار اخراج رجوی از پاریس انعکاس وسیعی داشته است[۱].

عصر آقای رحیم صفوی از جبهه آمد. گزارش جنگهای اخیر در حاج عمران را داد و گفت عراق از حملهٔ خود ضرر کرده و بعید است آنجا تکرار کنند. وضع فاو را گفت. با انتقال آب از طرف ما در مقابل خط عراقی‌ها، آن قسمت از خط که امکان حمله رزمی عراق را داشت، از حیّز انتفاع افتاده و خیال نیروهای ما راحت شده، ولی در محور ام‌القصر هنوز احتمال تهاجم عراق هست. در مهران نیروهای اعزام شده ما برای استرداد شهر ـ که اخیراً از دست داده‌ایم ـ مشغول کسب آمادگی هستند.

بیشتر وقت به تماشای تلویزیون گذشت. مراسم روز جهانی قدس در تهران و بعضی از مراکز استانها و شیراز و قم و مشهد و... و پاکستان و لبنان و لندن پخش شد؛ جالب و امیدوار کننده است.

---

۱ ـ مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) توسط پلیس فرانسه تا فرودگاه نظامی «بورژه» اسکورت شد. وی به همراه چهار نفر دیگر از جمله مریم عضدانلو ـ همسرش ـ با یک جت اختصاصی فرانسه را به مقصد بغداد پایتخت عراق ترک کرد. پلیس فرانسه برای بازرسی، برگه هویت افراد مقیم محل سکونت رجوی را مورد بازرسی قرار داد. سخنگوی دولت فرانسه اعلام کرد که دولت فرانسه از رجوی نخواسته است فرانسه را ترک کند و این تصمیم از جانب خود این گروه گرفته شده است. شورای ملی مقاومت در بیانیه‌ای نوشته است: "رژیم ایران سعی می‌کند با ساختن حرکتهای دست‌آموز مثل جمعیت جدید بازرگان و... مجاهدین را منزوی کند و از سوی دیگر با گروگانگیری و فشار بر دیگر کشورها، تصمیماتی را علیه مجاهدین فراهم نماید." این بیانیه همچنین درباره علت انتقال مقر این شورا از پاریس به بغداد می‌گوید: "این تغییر محل را به عنوان آخرین گام برای عبور به میهن می‌داند."!

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۵ | ۲۹ رمضان ۱۴۰۶ 8 June ۱۹۸۶

ساعت هشت‌ونیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها خبر خروج [مسعود]رجوی از پاریس و رفتن به بغداد و استقبال رسمی در بغداد، انعکاس وسیعی داشت[1]. دکترهادی آمد. مشروح مذاکرات با هیأت آمریکایی راکه از نوار پیاده شده، آورد.

از ساعت نه‌ونیم صبح تا یک بعد از ظهر در ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشتیم. طرح استرداد شهر مهران توسط آقای [رحیم]صفوی [جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه] توضیح داده شد و پس از بررسی تصویب شد. قرار شد نیازهای طرح تامین شود.

عصر جمعی از فرماندهان نیروی َزمینی آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. تشویق به مقاومت نمودم و تشکر کردم؛ برای جبران روحیه‌ها که در اثر ضعف عملکردهای اخیر ضربه خورده است. اطلاع دادند که عراق ماهواره اسدآباد [همدان] را زده و ارتباطات خارجی قطع است.

آقای کنگرلو آمد؛ در تعقیب مذاکره با واسطه‌ای که در مسأله گروگانهای آمریکایی در لبنان و معاوضهٔ با سلاح مطرح است. پیشنهاد مشخصی نداشت. گفتم اگر محموله مورد نظر به تهران برسد، اقدام می‌کنیم.

آقای [سیدهادی]خسروشاهی آمد. به کیفیت دفن و محل دفن مرحوم [آیت‌الله سیدکاظم]شریعتمداری انتقاد داشت و می‌گفت ایشان را مظلوم جلوه می‌دهد. همچنین نسبت به سخت‌گیری در مورد آقایان قمی و سید صادق روحانی و همچنین در جهت رفع آثار نسبت‌های آقای حمید روحانی [زیارتی] درباره ایشان کمک خواست[3]. به خاطر رفاقت سابق با صادق المهدی، عازم سودان بود. من هم به رئیس مجلس سودان پیام دادم.

---

۱ ـ در بغداد طه یاسین رمضان معاون اول نخست وزیر، عدنان خیراله وزیردفاع و جاسم وزیر فرهنگ و اطلاعات به همراه سه وزیر دیگر و مقامات بلند پایه حزب بعث حاکم بر عراق در فرودگاه از مسعود رجوی استقبال کردند.

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ما انتظار داریم با آمادگی کامل در فرصت مناسب جنگ را به نقطه پیروزی برسانید و این پیروزی مرهون آماده بودن شما نیروهای رزمنده است. نیروهای عراقی در این منطقه نه تنها نتوانستند یک قدم پیش بیایند، بلکه هر روز عقب‌تر هم رفته‌اند و حالا مدتی شروع کرده‌اند به همان وسعتی که جاهای دیگر کار می‌کنند جلوی ما سیم خاردار، کانال و مین بگذارند که دیگر ما جلوتر نرویم. با توجه به این شکست‌های پی در پی، فرماندهان نظامی عراق نیاز دارند به اینکه برای تجدید روحیه خود اظهار وجودی بکنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ آقای حمید روحانی کتابی با عنوان "شریعتمداری در دادگاه تاریخ" منتشر ساخت. او در این کتاب آیت‌الله شریعتمداری را به همکاری با رژیم پهلوی و مخالفت با انقلاب اسلامی و توطئه چینی علیه روحانیان مبارز متهم می‌نماید. این کتاب در آن سال‌ها به طور وسیع در سطح کشور پخش گردیده بود.

آقای [کاظم]خوانساری سفیرمان در لیبی آمد. پیام آقای قذافی را آورد که گفته بود اگر نمی‌توانید جنگ را تمام کنید، برای ختم آن اقدام کنند. خواسته بود که در افغانستان جبهه مشترک ضدامپریالیسم تشکیل بدهیم.

در مورد اول گفتم می‌توانیم به عراق ضربه کاری بزنیم و در مورد دوم گفتم موشکها و هواپیماهای موعود در سفر من به لیبی را بدهند. گفتم تا افغانستان در اشغال است و مارکسیست‌ها سرکارند، ما مخالفیم. روسها بیرون بروند و حکومت مردمی تشکیل شود. ما آماده همکاری در آن صورت هستیم و خواستم که چند کشتی مهمات بفرستند. خبر داد که پدرش بیمار قلبی است و خوب است برای معالجه به لندن برود. عضو خبرگان است.

آقای نخست وزیر تلفنی خواست در جواب به فرانسوی‌ها تلاش شود که دو گروگان از لبنان آزاد شوند. افطار به خانه آمدم. شب با آقای رئیس جمهور صحبت شد که زدن کشتی‌ها را به عنوان تلافی شروع کنیم.

دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۵ | ۱ شوال ۱۴۰۶ — ۹ June ۱۹۸۶

نماز عید فطر را در خانه به صورت فرادیٰ خواندم. از رادیو مراسم برگزاری نماز عید در مصلای بزرگ تهران را گوش دادم. شکایت آوردند که مأموران، نمایندگان را که کارت ملاقات امام ندارند راه نمی‌دهند. دیروز با احمدآقا قرار گذاشته بودیم که با کارت نمایندگی بپذیرند. به احمدآقا تلفن کردم.

امام [پس از دوران نقاهت] بحمدلله خیلی خوب و طبیعی صحبت کردند. در مورد شرکت دادن مردم در امور و اجازهٔ تأسیس مدارس و دانشگاه‌های غیر دولتی تأکید بلیغ داشتند. خیلی خوب بود و جلوی فتنه احتمالی را گرفت[1].

---

۱ ـ در بخشی از سخنرانی حضرت امام خمینی (ره) آمده است: "قوی باشید و پشت هم باشید، دولت و ملت با هم باشد، ملت پشتیبان دولت در امور باشد، دولت خدمتگزار ملت باید در امور شرکت بدهند مردم را در همهٔ امور. دانشگاهها باید مردم درش دخالت داشته باشند. مردم خودشان به طور آزاد باید دانشگاه داشته باشند، منتها دولت نظارت باید بکند. نظارت دولت حتمی است، لکن این طور نباشد که خیال کنید که خود دولت می‌تواند همهٔ کارها را انجام بدهد، می‌بینید که نمی‌تواند، اعتراف دارند همه بر این، دولت اعتراف دارد، همه اعتراف دارند بر اینکه بدون ملت ما نمی‌توانیم. این ملت را از دست ندهید، نگه دارید. روحانیون مکلف‌اند، خودشان هم می‌دانند مکلف اند که حفظ اسلام را بکنند، حفظ اسلام به حفظ وحدت است و باید بکنند و این واجب است بر همه که حفظ کنند وحدت را، مردم را نگه دارند. اگر در یک

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای سرهنگ‌هاشمی فرمانده شمال غرب نیروی زمینی آمد. از احتمال عوض شدن صیاد و جایگزینی سرهنگ جمالی نگران بود و از بی حرمتی بعضی به ارتشی‌ها و ضعف تبلیغات خدمات ارتش گفت. آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. در مورد امور سپاه و جنگ صحبت شد.

بقیه روز به مطالعه و استراحت گذشت. بچه‌ها [به مناسبت عید فطر] عیدی می‌خواستند. چیزی آماده نداشتم. به چند نفر از خانواده محافظان عیدی داده شد. شب آقای محسن رضایی تلفنی خواست که به وزیر نفت بگویم با نیروهای رزمنده برای جنگ همکاری شود.

سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۶۵ | ۲ شوال ۱۴۰۶ — 10 June ۱۹۸۶

ساعت هفت‌ونیم صبح به مجلس رسیدم. پیش از دستور درباره بیانات دیروز امام صحبت کردم. روی اتحاد و شرکت مردم در امور فرهنگی و مدارس و دانشگاه‌ها تأکید کردم[1]. اعتراض نمایندگان به بی‌احترامی دیروز ماموران بیت امام زیاد بود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

شهری از شهرها بنا بود یک اختلافی واقع بشود، بدانند که دست شیطان در کار است، باید این را از بین ببرند و نگذارند یک وقت - خدای نخواسته - ولو در یک شهری، در یک روستایی اختلاف واقع بشود. برادران روحانی قویاً، با هم باشند و کناره‌گیری نکنند، همه در میدان باشند، با هم باشند. ما می‌خواهیم حفظ اسلام را بکنیم، با کناره‌گیری نمی‌شود حفظ کرد. خیال نکنید که با کناره‌گیری تکلیف از شما سلب می‌شود، تکلیف دو چندان است. باید در صحنه باشید، بیایید، همه روحانیت بیاید، کنار رفتن، از مکاید ابلیس است که نمی‌گذارد که همه با هم باشند. قدرت را روی هم بگذارید؛ ارتش، سپاه، بسیج و گروههای مردمی همه با هم باشید. اگر باشید با هم، خدای تبارک و تعالی نصرت می‌کند شما را. نصرت خدا این است که همه با هم برای رضای خدا باشید. همه با هم برای این باشید که اسلام را تقویت کنید و اسلام را به جاهای دیگر هم برسانید و این نصرت خداست و خداوند وعده کرده است که اگر نصرت کنید، من هم نصرت می‌کنم." رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۵۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ ـ در این نطق آمده است: "بیانات بسیار مهم حضرت امام امت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب برای ما تکلیف مجدد می‌کند که یک مقدار روی این مسائلی که ایشان اشاره فرمودند دقت کنیم و ان‌شاءالله در برنامه‌های آینده خودمان، اینها را به کار بگیریم. از ویژگی‌های رهبری امام این است که مسائل خاصی را در آن مقطعی که فکر می‌کنند لازم است ملت و مسئولان بدانند، مطرح می‌کنند و درست مثل طبیب حاذقی، در موقع مناسب، دستورات لازم را می‌دهند. ما اگر از این نعمت الهی استفاده نکنیم، تحقیقاً اگر این نعمت را به جا نیاورده‌ایم و کفر آن نعمت در چنین شرایطی استحقاق عذاب سنگین دارد. امام هم مثل همه ماها، تحت تأثیر حضور جلب مردم در صحنه بودند. انصافاً مردم ما، همانطور که امام فرمودند، سنگ تمام گذاشتند و این برای ما نقص است اگر نتوانیم همپای این مردم و در حد استحقاق این مردم درست به آنها خدمت کنیم. حضوری که مردم در روز جهانی قدس و ۱۵ خرداد بدون تبلیغات و بدون تکلیف، خودشان با شعور خودشان، در صحنه داشتند برای دوستان و دشمنان، برای همه درس و عبرت است. بهترین قدردانی از نعمت رهبری و این مردم این است که ما نماینده‌ها در درجه اول و مسئولان اجرائی و قضائی در درجه بعد به همین بیاناتی که امام فرمودند، عمل کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

[آقای محمد باقر بهرامی] نمایندهٔ اسدآباد آمد. توضیح بمباران مرکز مخابرات اسد آباد را داد و مسامحه ماموران پدافند راگفت. ساعت ده‌ونیم به دفترم آمدم. فرماندهان نیروهای دریایی و هوایی و وزیر نفت آمدند. درباره حفاظت از کشتی‌های نفتی در خلیج فارس تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد تلافی راکه دوسه هفته است متوقف کرده‌ایم، انجام دهیم.

آقای نخست وزیر تلفنی خواست که موافقت کنم ده میلیون دلار از محل جنگ، صرف خرید دستگاه‌های مخابراتی برای تامین مخابرات در صورت از کار افتادن [مرکز مخابراتی] اسدآباد شود.

ظهر اخوی محمد [رئیس سازمان صدا و سیما] آمد. درباره تحویل امکانات ماهواره‌ای تلویزیون به شرکت مخابرات صحبت کردم. ظاهراً انهدام زیاد نیست. از نماینده اسد آباد پرسیدیم. گفت می‌توانند کاملاً اسدآباد را راه بیندازند. قرار شد تحقیق بیشتری شود.

ظهر مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی داشتیم. به سوالات آنها درباره جنگ و مجلس و... جواب دادم.[1] عصر آقای عظیمی عضو دفترم که در جبهه است، آمد. مدعی است از دانشجویان

---

۱ ـ در این مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلویزیونی با خبرنگاران خارجی،آقای هاشمی به سئوالات آنان در رابطه با مسائل مختلف و سیاستهای داخلی و خارجی پاسخ داد. ایشان در پاسخ خبرنگاری که پرسید علیرغم اینکه مطلع هستیم جنگ بر جمهوری ایران تحمیل شده و با توجه به اینکه تمام امکانات برای یک حمله نهایی جهت پایان بخشیدن به جنگ در پیش است، آیا این حرکت کشورهای عربی را علیه ایران تحریک نمی‌کند،گفت: "ما نمی‌دانیم کشورهای عربی چه مقدار تا به حال وارد گود شده‌اند و می‌توانند وارد شوند. ممکن است تحریکشان بکنند و بعضی هایشان را هم ناراحت کنند اما آنهاکار زیادی نمی‌توانند انجام دهند. تا آنجاکه می‌دانیم کشورهای عربی که با عراق موافق بوده‌اند تا به حال اقداماتی به نفع عراق کرده‌اند و همین مقداری هم که کرده‌اند پشیمان هستند، چون سودی نخواهند برد و ما بعید می‌دانیم از این مقدار که تا به حال اینها جلو آمده‌اند، بیشتر اقدا م کنند. بلکه اگر از مقاومت عراق مأیوس شوند شاید بیشتر به طرف ما بیایند و واقعیت‌ها را بپذیرند. از طرفی یک سوءظنی ممکن است الان داشته باشند که ما بعد از سقوط حزب بعث در عراق، در مسائل داخلی دخالت کنیم ولی وقتی که عملاً دیدند دخالت نمی‌کنیم و کار عراق را به مردمش واگذار می‌کنیم، عراق به صورت یک کشور عربی مستقل خواهد ماند و ما به استقلال عراق کمک می‌کنیم، طبعاً کشورهای عربی هم از ما راضی می‌شوند. الان شاید باور نکنند و بعد عملاً می‌بینید ما چگونه رفتار خواهیم کرد. شاید با ما همکاری کنند و ما از آن جهت نگرانی نداریم. "آقای هاشمی در پاسخ یکی دیگر از خبرنگاران در مورد حمایت دولت ایران از مبارزین فلسطینی و حرکتهای اسلامی به ویژه حرکت شیعیان لبنان و درگیری اخیر گفت: "ما از این درگیریهای فلسطینی‌ها و امل ناراضی و مخالف هستیم و گروهی را فرستاده‌ایم برای اینکه آن نزاع را اصلاح کنند و این طور نیست که طرفین صد در صد از ما حرف شنوی داشته باشند. فلسطینی‌ها مخصوصاً جناح اکثریت یعنی سازمان آزادیبخش به خاطر همراهی با مصر و اردن و یا به خاطر دوستی که با بغداد دارد، روابط گرمی با ما نداشتند، لذا آنها از ما حرف شنوی ندارند وگروه امل این طور نیست که کاملاً از ما حرف شنوی داشته باشند و اگر منظور حزب الله در لبنان است، آنها از ما حرف شنوی دارند و در این ماجرا دخالت نمی‌کنند و مخالف با این جنگهای داخلی هستند و اگر چیزی به آنها بگوییم از ما می‌پذیرند. و اماگروه امل چنین پذیرشی ندارد،گاهی قبول می‌کند گاهی هم نمی‌پذیرد. یکی دو بار تا به حال ما دخالت کرده و جنگ را خاتمه داده‌ایم، این بار هم سعی می‌کنیم تا ان‌شاءالله جنگ را خاتمه دهیم. ولی آنجا فتنه‌انگیزهایی هستند که شاید به صورت جاسوس یا عوامل دستهای خارجی متأسفانه این فتنه را همیشه راه می‌اندازند". ایشان در مورد بهبود روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب به ویژه فرانسه و آمریکاگفت: "ما هیچوقت مصمم نبوده‌ایم که با غرب قطع رابطه کنیم. با ادلهٔ زیادی ما ترجیح می‌دهیم که روابطمان را داشته باشیم ولی آنچه که نمی‌خواهیم سلطه غرب است. در رژیم گذشته غرب در ایران سلطه داشت و آمریکا در امور داخلی دخالت می‌کرد و استقلال ما مخدوش

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خوب استفاده نمی‌شود. به آقای رضایی تذکر دادم.

در جلسهٔ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بحث بر سر جذب استاد و دانشمندان بود. قرار شد دفتری وابسته به شورا در داخل و خارج برای این منظور تشکیل شود. [آقای سید کاظم اکرمی]وزیر آموزش و پرورش از اظهارات امام جا خورده و تسلیم شده است. با آقای رئیس جمهور درباره جنگ مذاکره کردم.

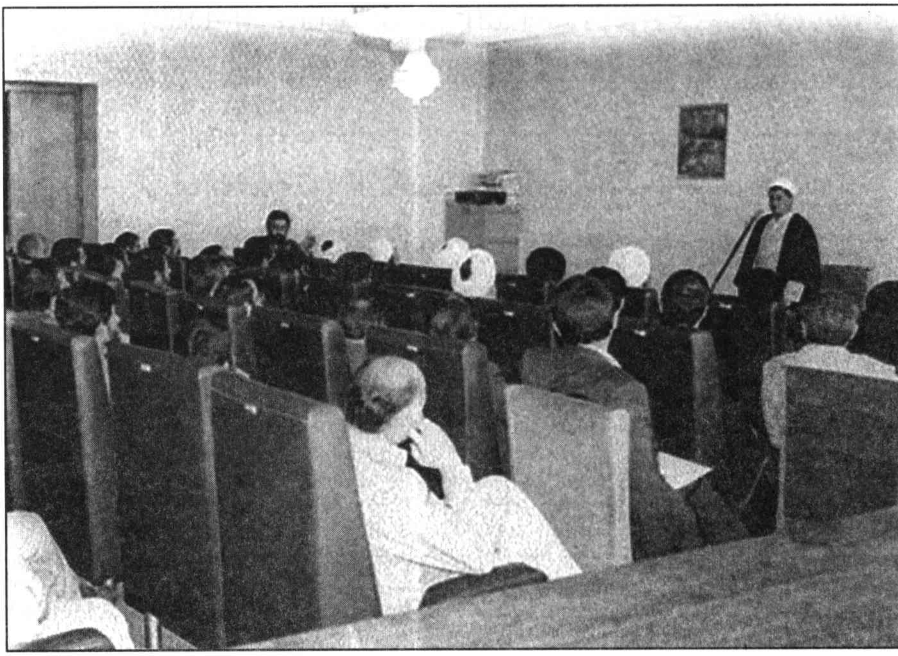
شب به مجلس آمدم و ماندم. آقای ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] اطلاع داد هواپیمای عکس برداریمان، احتمالاً سقوط کرده است. فقط یک دوربین داشتیم که هواپیماها برای عکس‌برداری از آن استفاده می‌کنند.

چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۵ | ۳ شوال ۱۴۰۶   11 June ۱۹۸٦

بعد از نماز تا ساعت هفت‌ونیم صبح کارهای دفترم را انجام دادم. فقط تا قرائت قرآن در جلسه علنی ماندم. با تاخیر، جلسه شروع شد. برای افتتاح سمینار بانکداری اسلامی به هتل آزادی رفتم. نیم ساعتی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بود. ما می‌خواهیم روابط حسنه و دوستانه باشد و تلاش می‌کنیم که روابط بهتری برقرار کنیم که البته غربیها معمولاً به روابط مساوی و طرفینی قانع نیستند و تمایل دارند که زور بگویند و افکار سیاسیشان را تحمیل کنند و اگر دستشان باز باشد مخصوصاً آمریکا در روابط اقتصادی استفاده‌های بیشتری می‌برند. در مورد فرانسه باید بگویم که روابط فرانسه خیلی با ما تیره بود و تقریباً در جنگ شریک عراق بوده و هنوز هم خیلی پیشرفت نکرده و مرکز ضدانقلاب بوده و تروریستها در آنجا به نام پناهندهٔ سیاسی جمع شده‌اند و فعالیت می‌کنند و این برخلاف روابط خود فرانسه هم هست که اخیراً دارد بهبود پیدا می‌کند ولی هنوز اول کار است و خیلی پیشرفت نکرده‌ایم. در مورد آمریکا نیز باید بگویم که آمریکا درگذشته خیلی درکشور ما بد کرده است. قبل از انقلاب مسئول بسیاری از جنایات رژیم گذشته بوده و بعد از انقلاب هم به جای اینکه عذرخواهی کند وگذشته را اصلاح کند بعد از آن که احساس کرد در ایران دیگر نفوذ استعماری ندارد، شما دیدید که شاه را برد و در آمریکا پناه داد و بنا داشتند فعالیتشان را تشدید کنند که ما هم شدیداً برخورد کردیم و آنها پیشقدم شدند و روابطشان را با ما قطع کردند و اموال ما را در آنجا بایکوت نموده و توطئه وسیعی علیه ما کردند. ما معتقدیم که در جنگ هم دست آمریکا وجود دارد وکشورهایی مثل مصر، عربستان سعودی و کویت که تقریباً به نحوی عامل آمریکا در منطقه هستند در این جنگ به بغداد کمک می‌کنند. ما باز هم گفتیم اگر آمریکا دست از شیطنت بردارد و قانع شود که مثل یک کشور عاقل دنبال روابط صحیح باشد بعد از اینکه این را اثبات کند ما الان به آمریکا سوءظن داریم ولی اگر اثبات کند که واقعاً دیگر خواهان شرارت و شیطنت نیست، آن موقع ما می‌توانیم با آمریکا روابط داشته باشیم، ولی با شیطنت‌هایی که می‌کند بعید به نظر می‌رسد به زودی یک چنین روزی پیش بیاید." ایشان در پاسخ به سئوال یکی دیگر از خبرنگاران در مورد خاتمه دادن به وضعیت جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان از طریق مذاکره گفت: "ما مذاکره را مشروط به این کرده‌ایم که بپذیرند عراق متجاوز بوده و مسئول جنگ است. مذاکره بر این اساس باشد که چه کیفری برای متجاوز باید در نظر بگیریم یعنی مذاکره سر هیچ چیزی را در این جریان ما قبول نمی‌کنیم جز کیفر متجاوز. کل اینها همه در شرایطی است که پذیرفته شود عراق متجاوز بوده و جنگ را شروع کرده است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



سخنرانی در سمینار بانکداری اسلامی





صحبت کردم[1]. به مجلس برگشتم.

ظهر آقای [عبدالعلی]قنبری نماینده [قائم شهر]آمد. از نحوه برخورد کردن سپاه حوزه خود گله داشت و کمک مالی برای خانواده شهید گرفت. آقای [سیدحسین]موسویان آمد. درباره مزایای آقای قیصر توضیح داد که در حکم سابق اشتباه رخ داده است. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. آقای کنگرلو آمد. گزارش ادامه برخورد با آمریکایی‌ها در خصوص گروگانهای لبنان را داد.

شب با سران دیگر قوا مهمان احمدآقا بودیم. گروه دکترهای معالج امام آمدند و متّفق بودند بهتر است برای آنژیوگرافی و احتمالا عمل قلب از خارج دکتر بیاوریم. امام در جلسه ما شرکت کردند. با ایشان در میان گذاشتیم. با آمدن دکتر مخالف نبودند ولی ابتدا با عمل قلب مخالف بودند. با توضیحاتی که داده شد قبول کردند. قرار شد پزشکی توسط بنیاد شهید دعوت شود.

درباره اصرار آمریکا به تجدید رابطه با ایران مذاکره کردیم. مخالف و موافق صحبت کردند. به نتیجه نرسیدیم. بنا شد در جلسات بعد بحث و قبلاً با حضرت امام مذاکره شود.

درباره گرانی و کمبود اجناس به خاطر کسری ارز مذاکره شد. قرار شد قانونی مبنی بر قیمت‌گذاری کالاها و کیفر گرانفروشان و محتکران وضع شود. دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۳٦۵ | ۴ شوال ۱۴۰٦ — ۱۲ June ۱۹۸٦

ساعت شش‌ونیم صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم. تا ساعت ده‌ونیم در جلسه علنی شرکت داشتم. سپس تا ظهر کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. آقایان [محسن]رفیق‌دوست و [حسن]روحانی و [حسین]محلوجی و [محمدعلی]هادی آمدند. وضع کارخانه‌های دفاع شیمیائی ارتش و سپاه بررسی شد. قرار شد سپاه هم مرکز خود را به محل ارتش منتقل کند. کار هردو ناقص است.

عصر اعضای دفتر پیگیری [و رسیدگی به شکایات] نخست وزیری آمدند و گزارش کار را دادند. برای آنها صحبت کردم[2]. [آقای محمد جواد ایروانی]وزیر دارایی آمد و درباره وضع

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "اسلامی کردن بانکداری در ایران، از مهمترین اقدامات نظام اسلامی است و ما حاضریم تمام بهای لازم را برای انجام کامل بانکداری اسلامی در کشور بپردازیم، چون معتقدیم تنها اسلام است که می‌تواند مشکلات جوامع را حل کند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵، جلد ششم، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این دیدار که اعضای دفتر ویژه رسیدگی به شکایات در نخست وزیری و نمایندگان نخست وزیر در وزارتخانه‌ها و ادارات تابعه حضور

اقتصادی گزارش‌هایی داد. شورای‌عالی دفاع جلسه داشت. درباره پدافند و تقسیم بودجه جنگ ارتش و سپاه بحث شد.

جمعه ۲۳ خرداد ۱۳۶۵ | ۵ شوال ۱۴۰۶ 13 June 1986

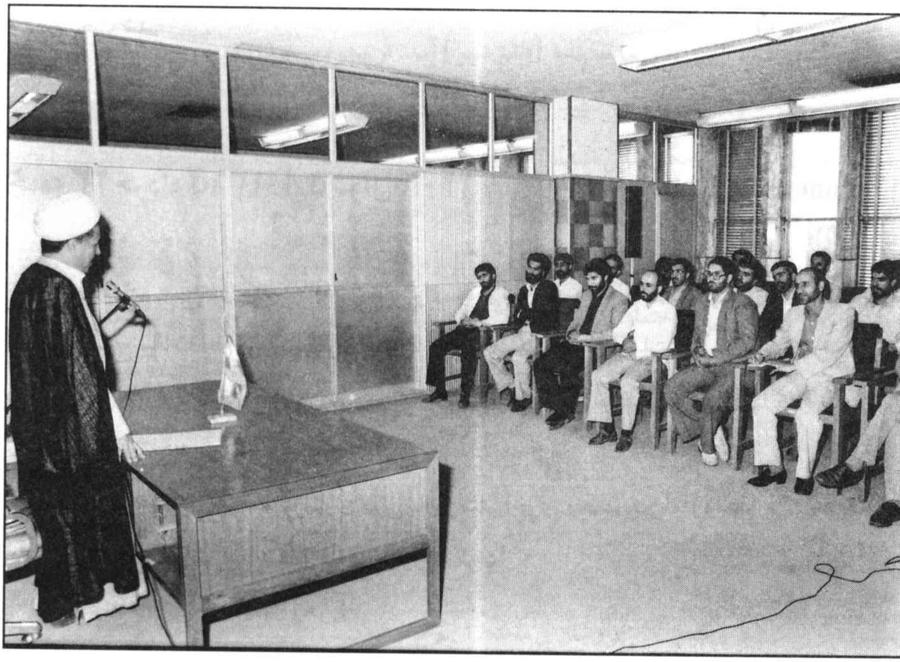
تا ساعت ده‌ونیم صبح در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه دوم درباره توضیح بیانات امام بود[1]. عصر احمدآقا آمد. گفت بحث مذاکرات با آمریکایی‌ها را با امام مطرح کرده امام فرموده‌اند تاکنون ضرری نداشته ولی باید خیلی مواظب بود که آنها کلاه بر سرمان نگذارند. آنها تجربه در شیطنت دارند.

عفت و بچه‌ها برای مراسم عزاداری دایی‌شان رفتند. اخوی محمد هم آمد و درباره کیفیت پخش اخبار جنگ و اظهارات فرماندهان نظامی مشورت کرد.

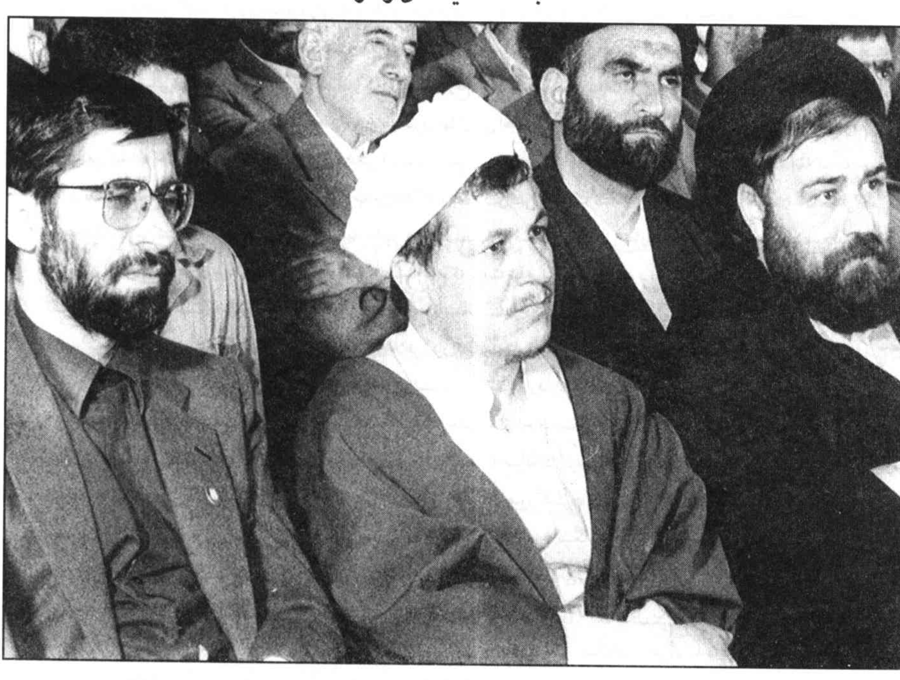
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

داشتند، آقای هاشمی گفت: "از زیارت برادرانی که با تلاش خود برای رفع مشکلات مردم کار می‌کنند، خوشحالم. آثار حضور این دفتر را در گزارشهایی که ماهانه منتشر می‌کنید مطالعه می‌کنم و با برخوردها تا حدودی آشنا هستم. این طور به نظر می‌رسد که کار شما کار مفیدی است و ان‌شاءالله آن را پیگیری کنید و خسته نشوید. انصافاً اگر در رابطه با رفع مشکلات پیگیری شود، اثر عمومی زیادی خواهد داشت. در جامعه ما به خاطر ویژگیهایی که انقلاب ایجاد کرده نهادهایی به خاطر ضرورتها از متن انقلاب جوشیده و این رسیدگی به شکایات و مشکلات مردم را نیز ایجاب می‌کند. به خاطر آنکه انقلاب ما کاملاً مردمی است و مردم آن را از خودشان می‌دانند و خود را عضو خانواده انقلاب به حساب می‌آورند. گاه منافع خود و گاه منافع انقلابشان ایجاب می‌کند که از بعضی نواقص شکایت کنند. من وقتی نامه‌های رسیده را مطالعه می‌کنم در جامعه شکایت می‌کنند و این نشان می‌دهد که آنها حاضر نیستند، نسبت به مسائل جامعه بی تفاوت باشند. اگر بی تفاوت بودند این قدر مراجعت و شکایات از سوی مردم صورت نمی‌گرفت، خاصیت دوم که باعث شده این وضع به وجود بیاید، این است که به هر حال وضع اداری کشور دارای نواقصی است و افرادی هستند که به این انقلاب علاقه‌مند نیستند و در عین حال مسئولیتهایی دارند که البته تعدادشان زیاد نیست. در ادارات افراد زیادی هستند که زحمت می‌کشند و با اخلاص کار می‌کنند ولی وجود همین افراد حداقل هم، مضر است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوعات وضعیت خانواده از لحاظ علمی، دینی و تجربی، وظایف مسلمین در حفظ نهاد خانواده، اهمیت احترام نسبت به مادر و سیاست جمهوری اسلامی نسبت به مسأله کارکردن بانوان در ادارات دنبال شد. در خطبه دوم درباره خدمات جهاد سازندگی، نقش جهاد سازندگی در جبهه‌های جنگ، اهمیت حضور گسترده مردم در جبهه‌ها، لزوم پرهیز از تفرقه‌افکنی و توجه به نصایح امام برای وحدت نیروهای انقلاب، مزمت گرانفروشان و محتکران، توسعه دانشگاه آزاد اسلامی و لزوم یاری رسانی مردم در ایجاد و توسعه مدارس و دانشگاهها مطالبی بیان شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "الان می‌بینید که امام کم حرف می‌زنند. امام شاید به این نتیجه رسیده‌اند که کمتر درکارها حضور پیدا کنند که ماها رشد بکنیم و جامعه ما همیشه متکی به این شکل نباشد که اگر یک وقتی خدای نکرده در آینده‌ای دور امام حضور نداشته باشند، ضربه بخوریم. اینکه گاهی الان حرف می‌زنند و مسأله‌ای را می‌گویند، این نشان اهمیت قضیه است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



جلسه نمایندگان و دولت



شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۶۵ | ۶ شوال ۱۴۰۶ — 14 June 1986

آقای [شیخ حسن]صانعی [رئیس بنیاد پانزده خرداد] آمد. برای گرفتن سهم چهار درصد کالا برای بنیاد پانزده خرداد که به خانواده‌های شهدا می‌دهد، استمداد کرد و برای کارخانهٔ سیمان که بخشی از آن برای بنیاد مصادره شده، ارز خواست.

آقای [محسن]کنگرلو تلفنی گفت آمریکایی‌ها خواسته‌اند که برای مذاکره درباره گروگانهای لبنان دوباره به ایران بیایند. گفتم موافقت نداریم که بیایند. مذاکره دیگر لازم نیست. اگر قطعات هاک را بفرستند، برای نجات آنها اقدام می‌کنیم.

جانشین فرمانده نیروی زمینی و جمعی از فرماندهان نیرو آمدند. از نحوه عمل دادگاه رسیدگی به تخلفات جنگی و برخوردهای سپاه شاکی بودند.

عصر آقای [غلامرضا]آقازاده [وزیر نفت] آمد و برای مواضع ما در جلسه اوپک مشورت کرد. قرار شد اگر بتوانند قبل از جلسه از صادرکنندگان نفت مبنی بر آمادگی کاهش تولید امضا بگیرند. ادعا داشت که وضع کارها رو به بهبودی است. قرار شد در بندر جاسک هم برای کم کردن آسیب پذیری مرکز صدور نفت، شبیه جزیره سیری درست شود.

عصر خانم عباسی از اعضای حزب [جمهوری اسلامی] آمد. از ابهامات و سئوالاتی که در جامعه درباره اختلافات دو جناح در جامعه [روحانیت مبارز تهران] و حزب [جمهوری اسلامی] و از بروز فساد اخلاق در مدارس دخترانه گفت.

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۵ | ۷ شوال ۱۴۰۶ — 15 June 1986

تا ساعت هفت‌ونیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه رسمی مجلس، انتخابات هیأت رئیسه انجام شد. من با ۱۷۹ رأی موافق و ۲۲ مخالف و ۲۴ ممتنع به ریاست انتخاب شدم. آقای کروبی نایب رئیس اول شد. آقای یزدی هم از نیابت اول به نیابت دوم تنزل کرد که باعث ناراحتی هم گرایش‌های ایشان شد[1].

---

۱ ـ رادیو اسرائیل در واکنش به آرای ریاست مجلس چنین گفت: "در رابطه با انتخاب مجدد هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس شورای اسلامی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)



احمد متوسلیان در کنار نیروهای اعزامی به سوریه

پیش از ظهر آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. گزارش وضع لبنان را داد و آقای دشتی که همراه او برای ترتیب آزادی گروگانهای فرانسوی، به لبنان رفته بود، مشکلات کار را گفت و قرار شد تلاش کنند که دو نفر از چهار نفر خبرنگار فرانسوی که اخیراً ربوده شده‌اند، آزاد شوند و از فرانسه بخواهیم که تعهد نماید که برای نجات چهار نفر ربوده شده ما ـ آقایان [سید محسن]موسوی و [احمد]متوسلیان و.... که دو سال پیش توسط فالانژها ربوده شدند ـ اقدام کنند[1]. گفته می‌شود شهید شده‌اند. به آقای معیری گفتم به کاردار فرانسه اطلاع دهد.

ظهر جمعی از نمایندگان که برای رسیدگی به جبهه رفته بودند، آمدند و از وضع ارتش و سپاه و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برخی خبرگزاریها اظهار نظر کرده‌اند که وی تعدادی از طرفداران خود را در مجلس از دست داده است. روزنامه‌های تهران امروز نوشتند هاشمی رفسنجانی با ۱۷۹ رأی موافق در مقابل ۲۲ رأی مخالف و ۲۴ رأی ممتنع انتخاب شد. خبرگزاری رویترز در این رابطه یادآوری کرد که در انتخابات سال گذشته هاشمی رفسنجانی با ۲۰۰ رأی موافق در مقابل ۷ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع به این سمت برگزیده شده بود. در انتخابات دیروز سمتهای حجت‌الاسلام مهدی کروبی و حجت‌الاسلام محمد یزدی با یکدیگر عوض شد. حجت‌الاسلام کروبی سرپرست بنیاد شهید که قبلاً دومین نایب رئیس مجلس بود با ۳۹ رأی موافق به عنوان نایب رئیس اول برگزیده شد و حجت‌الاسلام محمد یزدی نماینده قم با ۱۳۲ رأی موافق به سمت نایب رئیس دوم تعیین گردید."

۱ ـ احمد متوسلیان کاردار سفارت ایران در بیروت به همراه تقی رستگار مقدم، سید محسن موسوی و کاظم اخوان چهار ایرانی بودند که در ۱۴ تیر ۱۳۶۱ به دست فالانژهای لبنان ربوده شدند و تاکنون خبر موثقی از زنده بودن یا شهادت آنها به دست نیامده است.



سخنرانی در جمع سنگرسازان بی سنگر جبهه های نبرد

جنگ نکاتی آوردند. عصر جمعی از دانشگاهیان که برای جنگ کار می‌کنند، همراه با گردان ویژه غواص و صف شکن با لشکر ثارالله از استان کرمان آمدند، برای آنها صحبت کردم[1].

به احمدآقا گفتم که ملاقات امام را برایشان ترتیب بدهد؛ به بعد موکول شد. جمعی از نمایندگان متشخص مجلس که درباره جنگ در جلساتشان بحث می‌کنند، آمدند. دو سه ساعت مذاکره کردیم. درباره اهداف جنگ، استراتژی سیاسی، نظامی و تاکتیک، امکانات، مشکلات، نیرو و بودجه و آینده عراق بحث شد؛ مفید بود. شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره گروگان‌ها، کنترل قیمت‌ها و توزیع مذاکره شد.

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۶۵ | ۸ شوال ۱۴۰۶ — ۱۶ June ۱۹۸۶

بــه خــاطر وضــع جــنگ و شــهادت‌ها و مشکــلات مـردم نشـاط نـدارم. پیش از ظـهر آقـای [عبدالمجید]معادیخواه آمد. برای تأسیس صندوق قرض‌الحسنه بنیاد تـاریخ و مـحافظ مـرحـومش استمداد کرد و برای بنیاد ماشین خواست و خبر داد که شرکت زیاد مردم در مراسم روز قدس در آلمان را دیده که نشان وضع خوب طرفداران انقلاب در خارج و حرکت قهقرائی ضدانقلاب است.

ظهر بچه‌ها مهمان بودند و من تنها خودم کباب درست کردم. عصر آقای [محمد حسـن]زورق معاون سیاسی صدا وسیما آمد. درباره استعفاء از این سمت به خاطر خستگی و رسیدن به وضع خانواده مشورت نمود و وضع سازمان را توضیح داد. آقای رحمانی را برای اطلاع از پرونده آقای سماواتیان فرستادم. او به خاطر معرفی کردن افراد ضدانقلاب، خودش در اثر گزارش متقابل به زحـمت افـتاده است.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "حالا دیگر قهرمانان ما، رستم و اسفندیار، تهمتن و امثال آنها نیستند. قهرمانان ما، جوانانی هستند که با یک تفنگ، خطوطی را که شبیه خطوط «ماژینو» یا «بارلو» هستند، شکسته‌اند. اینها شعر و افسانه و داستانهایی که قهرمان می‌سازد نیست، بلکه واقعیت است و به چشم دیده شده است که چطور در مقابل توپ، تانک، ابزار و اسلحه‌های دقیق و نیز هواپیماهای پیشرفته بمب افکن و همه وسایلی که قدرت دفاعی دشمن را دهها برابر بیشتر از گذشته کرده است، ایستادند و دشمن را در پشت این خطوط مستحکم، به اسارت گرفتند. ما از بیان قهرمانی‌ها و ایثار این قهرمانان عاجز هستیم. شما این موفقیت را قدر بدانید. این فرصت در تاریخ اسلام برای دیگران پیش نیامده است. این فرصت را شما از خداگرفتید و شما آن را خلق کردید. هیچکس غیر از خداوند و اولیای دین و مجاهدتهای خود شما بر شما حق ندارند و این انقلاب متعلق به شما است و شما صاحبان آن هستید و ان‌شاءالله، آثار تلاش شما در آینده بروز خواهد کرد و فسادها از این طریق از بین خواهد رفت و شما مستحق ثوابهای الهی در اصلاح مسیر تاریخ هستید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

نخست وزیر با نگرانی از احتمال حمله عراق به جزیره سیری خبرداد. به دو نفر فرانسوی که آنجا کار می‌کنند، اطلاع داده شده که جزیره را ترک کنند.

شب بستگان مهمان بودند. از وضع مشهد و رفسنجان و کثرت تلمبه‌ها و مزارع جدید بعد از انقلاب تعریف کردند.

سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۳٦۵ | ۹ شوال ۱۴۰٦ — 17 June ۱۹۸٦

صبح زود به مجلس آمدم. در جلسه علنی، مراسم تحلیف برای هیأت رئیسه جدید انجام شد. در تنفس آقای دکتر روحانی آمد. درباره جنگ مذاکره کردیم و همین طور در مورد سفر ایشان به خارج. آقامحمدی آمد از اختلاف نظرش با مسئولان قرارگاه رمضان درباره کیفیت به کار گرفتن کردهای عراقی علیه صدام گفت. قرار شد آنها را برای مذاکره به تهران دعوت کنند.

ظهر برای گردانهای انصار جهاد که برای مهندسی رزمی تشکیل شده و مقابل مجلس آمده بودند، صحبت کردم[1]. عصر برای مسئولان اردوگاه‌های اسرای عراقی که به مجلس آمده بودند، سخنرانی کردم[2]. دو هدیه از کاردستی اسرا آورده بودند.

دکتر ولایتی آمد و در مورد سفر به کشورهای چکسلواکی، کوبا و نیکاراگوئه مشورت کرد. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد. گزارش سفر به سوریه و لبنان را داد. در جلسهٔ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. دربارهٔ شرایط دانشجویان برای ورود به دانشگاه‌ها بحث شد.

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "کسی فکر نمی‌کرد جهاد سازندگی زمانی دارای این همه برکت باشد. پیش از آنکه مسئولین جنگ اعلام بسیج عمومی کنند، جهاد به فکر افتاد که نظم جدیدی به مهندسی رزمی بدهد که امروز به صورت گردان‌های انصار تبلور یافته است و در شرایطی که اوضاع و عوامل جهانی و داخلی و جنگی اقتضا می‌کرد که در کار جنگ جهشی صورت بگیرد و از لحاظ تجهیز امکانات مردمی و دولتی گام بزرگ و بی‌سابقه‌ای برداریم، شما جهادگران این آمادگی را پیشاپیش از خود نشان دادید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این دیدار که مسئولان اردوگاه‌های اسرای عراقی به اتفاق آقای محمد علی نظران دبیر شورای عالی دفاع و سرپرست کمیسیون اداره اسرای عراق حضور داشتند، آقای هاشمی بر لزوم ترویج سوادآموزی و آموختن فنون مختلف به اسرا تأکید و از مسئولان خواست تا وقت آنها را با امکانات ورزشی، هنری و مطالعه کتاب که بسیار مؤثر است، پر کنند. ایشان ضمن تأکید بر اشتغال اسرا و پرداخت دستمزد به آنها گفت: "به اسرا اجازه دهید در صورت تمایل محل زندگیشان را وسعت دهند و به کارهای عمرانی و درختکاری در اطراف محل اقامت خود بپردازند. اسرای عراقی نوعاً انسان‌هایی هستند که می‌توانند در آینده عراق نقش نیرومندی داشته باشند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

شب شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. درباره کیفیت برخورد با روحانیون ضد انقلاب بحث شد و آیت‌الله خامنه‌ای جریان احضار بعضی از علما به وزارت اطلاعات را گفتند که در مسجد آنها علیه انقلاب فعالیت می‌شود.

چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۰ شوال ۱۴۰۶ — 18 June 1986

ساعت هشت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت نه گزارش‌ها را خواندم. از آقای [محسن]دعاگو احوالپرسی کردم. مبتلا به سرطان شده و ماهها در لندن معالجه کرده. گفت خطر رفع شده است.

مدیران سازمان اقتصاد اسلامی آمدند. برای کنترل صندوقهای قرض‌الحسنه و تسهیلات صادرات کمک خواستند[1]. آقای میرعماد دادستان تهران آمده بود و به خاطر اقدام به تفتیش بدنی ایشان توسط محافظان قهر کرده و برگشته است. همسران آقایان بوشهری، تندگویان و یحیوی ـ که در عراق اسیرند ـ برای استمداد در آزاد سازی آنها آمدند و گزارش فعالیتهایشان را دادند.

[دکتر محمد فرهادی] وزیر علوم و اعضای ستاد هماهنگ کنندهٔ فعالیت‌ها و امکانات دانشگاه‌ها برای جنگ آمدند. گزارش کار دادند و بودجه خواستند و تسهیلات برای دانشجویان جبهه رفته را گفتند. آقای [محمد]فروغی نماینده دوره سابق [مسجد سلیمان] آمد و از وضع کردستان گفت. آقای [برزو]مهبودی نماینده کازرون آمد. درباره کیفیت برخورد با دو خط فکری در کازرون مشورت کرد.

عصر هیأت رئیسه جلسه داشت. کارها را با اعضای جدید تنظیم کردیم. آقای کنگرلو آمد و خبر داد آمریکایی‌ها همچنان اصرار دارند، برای حل مسأله گروگانها به تهران بیایند. گفتم اجناس را بفرستند و نیازی به آمدن آنها نیست. اطلاع دادند که عراق به چندین مرکز تأسیسات نفتی حمله کرده و خسارات زیادی وارد آورده و یک یا دو هواپیمای عراق ساقط شده؛ ممکن است ادعا کند به تلافی انفجارهای دیروز در پالایشگاه کویت اقدام کرده است.

شب سران قوا مهمان من بودند. درباره جنگ ارتش و سپاه بحث شد. آقای خامنه‌ای انتقادات

---

۱ ـ در این ملاقات ابتدا گزارشی از فعالیت صندوقهای قرض الحسنه در رفع مشکلات مردم ارائه شد. سپس آقای هاشمی از تلاشهای مسئولین سازمان اقتصاد اسلامی قدردانی کرد و گفت: "تلاش کنید که خدمات خود را به خصوص در جهت رفاه قشر مستضعف توسعه دهید و از امکانات خود در جهت پیشرفت امر کشاورزی و دامداری و تولید و کسانی که در این زمینه‌ها قدم برمی دارند، استفاده کنید."

آقای منتظری را نقل کرد. قرار شد آقای [موسوی]اردبیلی به نماز جمعه بروند؛ مدتی است که نمی‌روند.

پنجشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۱ شوال ۱۴۰۶ ‏19 June ۱۹۸۶

پس از نماز تا ساعت هفت‌ونیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی خیلی کم ماندم. با آقایان [اسدالله]بیات و [عبدالرضا]اسدی‌نیا و اسماعیل فدائی، برای رفع کدورت ناشی از اظهارات آقای بیات در شورای سرپرستی که توسط آقای اسدی‌نیا به مجلس منتقل شده، صحبت کردم، ولی نتیجه‌ای نگرفتم؛ به نظرم رسید که می‌خواهند از این پیشامد، برای اهداف سیاسی بهره بگیرند.

نماینده خلخال آمد و کمک‌های مردم خلخال برای جبهه را آورد. [ناخدا محمد حسین ملک‌زادگان] فرمانده نیروی دریایی [ارتش] آمد. گزارش حفاظت از نفتکش‌ها را داد و راجع به حفاظت از جزیره سیری و انتقال مراکز صدور نفت آن به جاسک صحبت کردیم.

ظهر خانم [مریم]بهروزی آمد. راجع به مشکل خانمهای بی سرپرست، ازدواج مجدد و موقت برای حل مشکل آنها بحث کرد. آقای [اکبر]حمیدزاده آمد و راجع به اختلافات دو خط [سیاسی] و روزنامه رسالت و کلیمیان مطالبی داشت.

عصر هیأت‌های گزینش آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. اعضای هیأت امنای بنیاد رسالت آمدند. آقای [احمد]آذری [قمی] شرحی درباره علت تأسیس بنیاد و روزنامه رسالت داد و برای رفع

---

۱ ـ در این دیدار که اعضای هیأت عالی گزینش و شرکت کنندگان در سمینار سراسری گزینش آموزش و پرورش حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "گزینش نهادی است که برمبنای ضرورت ایجاد گردید و شرایط و ارزشها و معیارهای انقلاب اسلامی ایجاب می‌کرد که همه چیز تغییر کند و ارزشهای جدیدی در جامعه براساس خواست‌های ملت و مردم ما که انقلاب کرده بودند به وجود آید و به خاطر همان معیارها، ضرورت داشت که افراد عوض شوند و صلاحیت‌ها و فیلترهای جدیدی برای پذیرش به وجود آید. تحقیقاً انقلاب اسلامی برای تحقق چنین ارزشهایی به وجود آمد و برای آن تلاش کرد. لذا برای به دست آوردن کارگزاران آن نیاز به صلاحیت هایی داشت که لازم بود توسط مراکزی تشخیص داده شود. سازمانی هم که باید تشخیص بدهد وجود نداشت در حالی که ما وارث همه نحوست‌ها و اشکالات نظام گذشته بودیم. هسته این نهاد گزینش نیز همچون نهادهای دیگر به طور خودجوش به وجود آمد و در مسیر خود دچار سلیقه‌های شخصی شد و هر قسمتی و جریانی براساس سلیقه خود عمل کرد. تا آنکه نیاز به دخالت امام احساس گردید و امام گام اصلاحی را برداشتند. البته باز هم باید برای بهتر شدن آمادگی داشت. طبیعت نیروهای جوان و کم تجربه این است که هر روز نیاز به اصلاح و بهتر شدن دارند و هیچ عیبی هم ندارد که در راه اصولی که پیش گرفته، اشکالات خود را رفع و راه خود را پیدا کند. ما این راه را مجموعاً مثبت و مفید می‌دانیم. بسیاری از برخوردها مشخص شده و شیوه‌های تشخیص خیلی آبرومند گردیده و رو به اصلاح پیش می‌رود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

مشکلات مالی و فشار سیاسی که روی آنها است، استمداد کرد. من هم با قبول ضرورت ارگانی برای بیان فکر خط آنها، توصیه کردم که برای پاک کردن پیش داوری‌ها، شکل مسائل اختلافی و تشنج زا را مطرح نکنند؛ مواظب باشند یکنواخت در تضعیف دولت کار نکنند. منصفانه برخورد کنند. از موضع‌شان در خصوص پرونده انفجار نخست وزیری، مدرسه چیت‌چیان و پخش نامه ۶۳ نفر نماینده ـ که مخالفت با امام تلقی شده ـ انتقاد کردم[۱].

آقای محسن رضایی آمد. گزارش وضع جبهه‌ها، عملیات آینده، بسیج امکانات برای جنگ نیروی زمینی و... مذاکره شد. آقای بروجردی و بیت اللهی و مصطرزاده آمدند. راجع به اختراعی گفتند که نقش رادارهای دشمن را ضعیف می‌کند. به فرمانده نیروی دریایی گفتم برای آزمایش آن با آنها همکاری شود.

آقای ایروانی نمایندهٔ آیت‌الله منتظری در غنا آمد. از زمینه‌های مناسب تبلیغ اسلام در آفریقا گفت. ایشان را به آقای [محمد]خاتمی [وزیر ارشاد اسلامی] معرفی کردم. آقازاده وزیرنفت آمد و

---

۱ ـ در این دیدار ابتدا آقای آذری قمی پیرامون نحوه مدیریت و کار روزنامه سخنانی بیان کرد. سپس آقای هاشمی با اشاره به دوستی و همکاری قدیمی خود با دست اندرکاران بنیاد و روزنامه رسالت، فلسفه تأسیس روزنامه را صحیح دانست و گفت: "به هر حال این جریان فکری وجود دارد و به پایگاه مطبوعاتی و تبلیغاتی نیاز دارد که حرف‌های آنها هم شنیده شود و این نه تنها حق صاحبان این فکر بلکه حق مردم است. و این اصل اسلامی را ما باید در مطبوعاتمان مراعات کنیم. بنابراین تأسیس روزنامه با توجه به اینکه ما این اصول را قبول داریم، کاملاً منطقی است. درون جامعه اسلامی اختلاف نظر وجود دارد و اختلاف نظر هم قابل اجتناب نیست. اصلاً در تاریخ سراغ نداریم که اختلاف نباشد. حتی در زمان پیامبر(ص) و ائمه (ع) با آنکه آنان داوران بزرگی برای مردم بودند، اختلاف وجود داشت که شاید از نعمت‌های الهی باشد. اکنون یک پیشداوری در جامعه وجود دارد. اگر این پیشداوری در همه افراد نباشد، در خیلی‌ها هست. این واقعیتی است. یک تقسیم‌بندی شده است از همان روزها که همین روزنامه هنوز آغاز به کار نکرده بود و پیش شماره‌های آن منتشر می‌شد و پیشتر از آن وقتی خبر انتشار آن پخش شده بود، یک پیشداوری وجود داشت و تعبیراتی می‌کردند که روزنامه مثلاً دست راستی یا طرفدار مستکبرین یا سرمایه‌داری یا ارتجاع است، با تعبیر آنکه در جامعه ما ضد ارزش شناخته شده است. یک چنین پیشداوری وجود دارد. حالا اینکه چه کسی به وجود آورنده این پیشداوری است، من کاری ندارم. عوامل زیادی دارد. باید این واقعیت را علاج کنیم. از طرفی روزنامه با روحانیت ارتباط پیدا می‌کند و یا با حوزه به یک نحوی مربوط است. آقای آذری قمی عضو جامعه مدرسین هستند و اگر هم عضو نبودند، از استوانه‌های روحانیت هستند. از سوابق ایشان همه مطلع هستند و معروف هستند. باید خیلی مواظب باشید که روزنامه، روزنامه ساده‌ای نیست. روزنامه‌ای است که به خیلی جاها مربوط است. کیفیت طرح مسائل، باید به گونه‌ای باشد که این پیشداوری را تأیید نکند، بلکه از بین ببرد. این پیشداوری برای شما مایه زحمت زیادی است. شاید هم رادیوهای خارجی کم کم این مسأله را برای تفرقه القاء کنند. کم کم آن قدر رادیوهای خارجی عناوین دست راستی یا بنیادگرا را مطرح می‌کنند که این اسامی اصلاً در میان مردم رسم شود که این کار مشکل خواهد شد. لذا آقایانی که این مطلب را تنظیم می‌کنند، باید سعی کنند این مسأله اگر به این عنوان تثبیت شود، شما همیشه در کار روزنامه‌تان مشکل خواهید داشت. تب اختلاف الان در کشورمان بالاست. دارید می‌بینید. با مسأله کوچکی که مطرح می‌شود طرفین هیجان زده می‌شوند و کنترل خودشان را از دست می‌دهند. پرخاش و اهانت می‌کنند. برداشت‌ها همیشه برداشت‌های معارضه است. الان این جو برای ما خیلی ضرر دارد. در این شرایط جنگی که داریم تحملش دشوار است، اگر کسی متهم شود به اینکه مسائل تفرقه‌انگیز یا هیجان ایجاد می‌کند، این کار را دشوار خواهد کرد. من تا به حال تعبیراتی شنیدم که نمی‌خواهم بگویم اینها تعبیرات درستی است. بعضی‌ها تعبیر می‌کنند که این هم سرنوشتش مثل "میزان" و یا فلان می‌شود. باید مواظب باشید که روزنامه به تفرقه‌انگیزی و اختلاف آفرینی متهم نشود که به تعطیلی آن منجر خواهد شد".

شرحی از خسارات بمباران دیروز مناطق نفتی داد و برای پدافند بیشتر استمداد کرد. آقای رضایی تلفنی از نوعی توپ ضدهوایی چینی گفت. قرار شد برای تهیه آن اقدام شود*.

جمعه ۳۰ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۲ شوال ۱۴۰۶ — ۲۰ June ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای امامی [کاشانی] نماز جمعه را اقامه کرد[1]؛ از درخت کوچک توت که در حیاط منزل است توت چیدم، خاطره‌های دوران کودکی در ذوق زنده شد. اطلاع دادند که دو نفر گروگانهای فرانسه در لبنان آزاد شده‌اند.

آقای نخست وزیر تلفنی گفتند که کاردار فرانسه تماس گرفته و برای مراحل بعد استفسار کرده است. گفتم بهتر است جواب را به بعد از مشورت و برنامه‌ریزی و ارزیابی آزادی این دونفر موکول کنیم. به واحد موشکی سپاه دستور دادم که مرکز صنعتی نفتی کرکوک را بزنند.

امام یک چک حاوی حدود پنج هزار دلار که برای جنگ به نام ایشان نوشته بودند، ارسال فرمودند که خرج جنگ کنم.

شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۵ | ۱۳ شوال ۱۴۰۶ — ۲۱ June ۱۹۸۶

در منزل بودم. تا ساعت هشت‌ونیم صبح در کتابخانه‌ام کار کردم. به سرهنگ [مصطفی] ترابی گفتم به سرهنگ [عباس] بابائی در مورد عملیات برون مرزی تأکید کند. مدتی است دستور جدی برای مقابله به مثل در مورد مراکز صنعتی عراق داده‌ایم، اما غیر از یک مورد، درست انجام نشده است. دلیل آن کمبود هواپیماست.

---

* - روزنامه یومیوری چاپ ژاپن در این روز در تحلیلی وضعیت جنگ و شرایط ایران را چنین ارزیابی می‌کند: "امروز وضع سیاسی و اقتصادی موجود کشور برای ایران نگرانی‌هایی به وجود آورده است. به ویژه با کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایران و روند جنگ زیان شدیدی وارد شد، اگر قیمت نفت در همین میزان باقی بماند، درآمد ارزی ایران حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار خواهد بود یعنی به نصف سال گذشته خواهد رسید. به گمان دیپلمات‌های غربی، ایران نمی‌تواند اسلحه مورد نیاز خود را تهیه کند و تنها با نیروی انسانی خود می‌تواند بجنگد".

۱ - در بخشی از این خطبه آمده است: "دولت باید بر فعالیت مردم در تولید، صادرات و امور فرهنگی کنترل و نظارت داشته باشد تا مسیر غلط نروند."

آقای دعاگو آمد. از کیفیت معالجه‌اش در لندن گفت. سرطان داشته و با شیمی درمانی معالجه شده. راضی است. موهایش در اثر معالجه ریخته است. از نتایج معالجه در مدت اقامت، پیشنهاد جلوگیری از اعزام دانشجو به خارج را داشت که ارز آن را صرف تأمین استاد در داخل کنیم و همچنین در مورد اعزام بیماران به خارج و ایجاد سیستم فاضلاب در شهرها و برگرداندن آب تصفیه شده آنها برای مصارف غیر شرب به منازل و واگذاری شاهراه‌ها به بخش خصوصی مطالبی داشت. در مورد نرفتن سرمسئولیت ریاست کمیته شمیران مشورت کرد؛ موافقت کردم.

عصر آقای عاصمی‌پور و جمعی از مسئولان نفت در جنوب آمدند. گزارش خسارات وارده بر اثر بمباران‌های اخیر عراق را دادند و برای تامین قطعه و پدافند استمداد کردند. از فداکاری‌های کارکنان در بازسازی و حفاظت تأسیسات شرحی دادند.

اعضای شورای سپاه لبنان آمدند. از مشکلات شورای لبنان گفتند و از تازه کاری سفیرمان در سوریه و ضعف او و از ایذاءهای سوریه نسبت به حزب‌الله و عدم وجود مرجع قوی در تهران برای امور لبنان گله داشتند. حاجیه والده آمدند. از مشهد برگشته‌اند. همشیره فاطمه به علت کسالت قلبی بستری شده است.

احمدآقا آمد. راجع به جنگ، اعلامیه‌هائی که اخیراً در حمایت ارتش و علیه سپاه منتشر می‌شوند[۱] و مسأله سید مهدی‌هاشمی مذاکره شد. آقای [محسن] کنگرلو اطلاع داد که واسط آمریکایی‌ها تماس گرفته و اظهار آمادگی بیشتر، برای توجه به خواسته‌ها در مقابل آزادی گروگانها کرده است.

---

۱ ـ این اطلاعیه‌ها توسط آقای احمد کاشانی نماینده نطنز تهیه و پخش می‌شد. وی در پاییز همین سال در حالی که اعلامیه هشتم را تکثیر می‌کرد، توسط وزارت اطلاعات دستگیر شد.

تیر ۱۳۶۵



یکشنبه ۱ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴ شوال ۱۴۰۶ 22 June 1986

تا ساعت نه‌ونیم صبح در جلسهٔ علنی مجلس ماندم. در دفترم آقای [سید حسین] قاضی زاده هاشمی نماینده مردم فریمان آمد. پولی برای جبهه آورده بودند. در جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. تصمیماتی اتخاذ شد.

ظهر اعضای قرارگاه رمضان آمدند. دربارهٔ بکارگیری گروه‌های عراقی علیه صدام بحث شد و قرار شد سخت‌گیری نشود؛ امکانات به آنها بدهیم و عمل بخواهیم. تاکنون سخت‌گیری می‌شده و از آنها کار نمی‌گرفتند.

عصر مدیران گمرکات آمدند و گزارش امکانات جدید را دادند. برای آنها صحبت کردم[1]. جمعی از خلبانان هوانیروز آمدند و از وضع هوانیروز شاکی بودند. سفیر جدیدمان در کره شمالی آمد و مشورت کرد.

آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] همراه گروهی که اخیراً در ارتباط با انفجار نخست وزیری

---

۱ ـ در این ملاقات که آقای محمود صانعی پور رئیس کل گمرک ایران و مدیران گمرک سراسر کشور حضور داشتند، آقای هاشمی درباره ویژگی‌های گمرک مطلوب سخنانی ایراد کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "تحقیقاً ما تاکنون با تأخیر در اصلاحات اساسی در امر گمرک کشور ضرر کردیم. آنجا دروازه‌های مهم کشور ماست و شما دروازه‌بان‌های بخش عظیمی از مسایل کشور هستید. ماندن کالاها در گمرک ممکن است با دید سطحی به عنوان ضرری برای صاحبان کالا تلقی شود ولی آنها به هر حال کاسب هستند و دنبال سود می‌باشند و در مجموع ضرر نمی‌کنند ولی این ضرر به نحوی متوجه مردم و حتی کارکنان گمرک می‌شود که باید همه خسارت آن را از جیب بپردازند و ضررش به خانواده و بچه‌های خود آنها می‌رسد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

بازداشت بودند و به دستور امام آزاد شدند، آمدند. از برخوردهای سیاسی و بازجوئی‌ها شاکی بودند. آقای بهزادنبوی نتایج سفر ترکیه را گفت؛ راضی است. شب مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم.

دوشنبه ۲ تیر ۱۳۶۵ | ۱۵ شوال ۱۴۰۶ — ۲۳ June ۱۹۸۶

ساعت نه صبح فرماندهان سپاه آمدند. طرح عملیات آینده و برنامهٔ بسیج عمومی برای تشکیل پانصد گردان تا پائیز و هزار گردان تا آخر سال را آوردند. وزارت سپاه برای تدارک این برنامه مبلغ سی میلیارد تومان بودجه می‌خواهد که حدود هشتصد میلیون دلار آن ارز است؛ چاره‌ای هم غیر از این نداریم. اگر بخواهیم در جنگ به جائی برسیم چاره، منحصر در همین است.

عصر محمدهاشمی و حمید و احمد آمدند. برای صادرات و کشت یک نوع دانهٔ روغنی در سواحل دریا با آب شور مطالبی داشتند. شب آقای محسن رضایی آمد و برنامهٔ جدیدی برای سازمان جنگ و قرارگاه و ستاد آورد. دوباره از فکر عمل مشترک با ارتش منصرف شده‌اند و فکر اداره دو قرارگاه مستقل برای ارتش و سپاه را پذیرفته‌اند. مدتی به فکر بودند که از طریق قرارگاه خاتم عمل کنند اما وقتی دیدند من اصرار دارم که آقای دکتر روحانی به عنوان رئیس ستاد بماند، طرح را عوض کردند.

فاطی به ملاقات همشیره فاطمه در بیمارستان سعادت‌آباد رفت. گفت حالشان خوب نیست. تلفنی احوال پرسیدم. اولین شنای تابستانی را امروز انجام دادم. پزشک اصرار دارد که لااقل دوبار در هفته ورزش شنا داشته باشم[1].

سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۶۵ | ۱۶ شوال ۱۴۰۶ — ۲۴ June ۱۹۸۶

به مجلس رفتم و در جلسه علنی تا ساعت ده‌ونیم صبح ماندم. چون کمتر در جلسه می‌مانم، مراجعات نمایندگان زیاد است. آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] آمد و از مصرف

---

۱ ـ بعد از حادثه ترور ناموفق آقای هاشمی در تابستان سال ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان، درد مزمنی در ناحیه شکم وجود داشت که تا سالها ادامه داشت. پزشکان برای کاهش درد در ناحیه دیافراگم، شنای مستمر را تجویز کرده بودند.

زیاد بودجه در ارتش گفت.

آقایان دکتر هادی و کنگرلو آمدند. راجع به گروگانهای فرانسوی و آمریکایی صحبت شد. به آقای دکترهادی مأموریت دادم که برای گرفتن نامهٔ رئیس مجلس فرانسه، کاردارشان را بپذیرد و تذکر دادم که چه بگوید. آقای [سیدصادق]حسینی [طباطبایی] نماینده زابل آمد و گزارشی از [نتایج سفر] آقای خامنه‌ای به سیستان گفت.

دکتر [سیدجواد]انگجی [نماینده تبریز] آمد و خبری آورد که شخصی امضای من را پای یک توصیه به وزارت صنایع جعل کرده است. گفتم جریان را پیگری نماید.

آقای [محمد]فروزنده [رئیس ستاد قرارگاه خاتم] آمد. گزارش وضع مهندسی رزمی را داد و دربارهٔ مواردی از کارهایش مشورت کرد. خبر داد که فرماندهان مسئول عملیات بازپس‌گیری مهران، به خاطر کمی نیرو، دلشان محکم نیست. آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] از تصمیم خریدن [خودروهای] تویوتا برای جنگ بدون نظر وزارت صنایع سنگین، تلفنی گله کرد. گفتم نماینده‌اش را در جلسهٔ تصمیم‌گیری دعوت نمایند.

دکتر [محمدتقی]بانکی [وزیر نیرو] آمد. راجع به تعویض‌های زیادی که در وزارت نیرو انجام داده و مورد انتقاد قرار گرفته، توضیح داد. آقای محمد صالحی عضو حقوقدان شورای نگهبان، که برای دوره آینده معرفی نشده، آمد و برای پست سفارت صحبت کرد. آقای [اسدالله]بادامچیان آمد و از دولت انتقاد داشت.

به دکتر [علیرضا]مرندی [وزیر بهداری] گفتم که از همشیره فاطمه که به علت کسالت قلبی در بیمارستان سعادت آباد بستری است و از آنجا ناراضی است، عیادت شود و در صورت صلاحدید به بیمارستان قلب منتقل گردد.

عصر مسعود بارزانی [رئیس حزب دموکرات کردستان عراق] آمد. در مورد عملیات در خاک عراق صحبت شد و از تسهیلات جدید تشکر کرد. آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و درباره استفاده از آرژانتین برای تکمیل نیروگاه [اتمی] بوشهر مشورت کرد[1]. عصر شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت.

---

۱ ـ تحریم‌های عملی غربی‌ها در مورد دانش هسته‌ای علیه ایران و عدم عمل به تعهدات و قراردادهای گذشته باعث شد که سازمان انرژی اتمی به دولت آرژانتین روی بیاورد و قراردادهایی را با آنها امضا نماید و اقدامات عملی شود، اما فشار غرب بر آرژانتین آن راه را هم بست و ایران روی پای خود ادامه داد و در این راه با اتکا به دانش و فن خود پیشرفت کرد. ایران در سال ۱۳۷۵ به خودکفایی در تولید "رادیو داروها" دست یافت.

چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۶۵ | ۱۷ شوال ۱۴۰۶ | ۲۵ June ۱۹۸۶

ساعت هشت صبح به مجلس آمدم. تا ساعت نه گزارش‌ها را خواندم. آقای [محمود محمدی]عراقی قائم مقام نمایندهٔ امام در سپاه آمد و گزارش وضع جبهه‌ها و سپاه را داد. گفت بعضی از فرماندهان، موافق عملیات آینده در مهران نیستند و بر لزوم تعیین نماینده امام در سپاه تأکید داشت.

دکتر [مهدی]غرضی رئیس سازمان تأمین اجتماعی آمد و طرحهای سرمایه‌گذاری منجمله در نیشکر خوزستان را گفت. آقای میرعماد دادستان [عمومی] تهران همراه مسئول امور فرهنگی کمیته [انقلاب اسلامی] آمدند. گزارش برنامه مبارزه با فساد اخلاق و احتکار و سوء استفاده از معاملات دولتی و... را گفتند و برای تعقیب سوء استفاده در خریدهای دولتی، از من نماینده‌ای خواستند. آقای اسماعیل شوشتری [نماینده قوچان] را معرفی کردم.

[سید جلیل] صدر طباطبائی [نماینده یزد] آمد و از وضع حوزهٔ انتخابیه‌اش گفت. برای معالجه در خارج کمک خواست. قرار شد به اتریش برود. دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. گزارش وضع دانشگاه آزاد اسلامی را داد و برای معافیت سربازی [دانشجویان مشمول] و تصویب اساسنامه کمک خواست.

مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی آمدند. آقای [علی اصغر] باغانی گزارش کارشان را دادند و من هم صحبت کردم[1]. آقای رضایی اطلاع داد که امشب قرار است دو موشک به تاسیسات نفتی کرکوک بزنند. گفتم بهتر است در دو زمان باشد نه یک زمان.

اصناف تهران عازم به جبهه، مقابل مجلس آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. هیأت رئیسه مجلس

---

۱ ـ در سالگرد تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی، مسئولان و سرپرستان این سازمان با آقای هاشمی ملاقات کردند. ایشان در این ملاقات بر اهمیت استقلال مالی سازمان تبلیغات اسلامی و عدم اتکا به بودجه دولت تأکید کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ما خیر زیادی از خودکفایی در تاریخ روحانیت دیده‌ایم و نقش آن را در استحکام و ماندن روحانیت لمس کردیم. مثلاً حوزه نجف هر چه طاغوت آمد و رفت، استحکام خود را حفظ کرد. حوزه‌ای مثل قم با همه نوسانات کشور، هزاران روحانی شایسته و شخصیت‌های عظیم ارائه نمود و اینها سندی است برای این گونه نهادها که قابل اعتماد هستند و برای برنامه‌های درازمدت می‌توان روی آن حساب باز کرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ اعضای بسیج اصناف و بازاریان تهران متشکل در پنج لشکر با اجتماع در مسجد امام و راهپیمایی در خیابانهای تهران، توان رزمی خود را به نمایش گذاشتند و دهها کامیون کمک‌های خود را به جبهه‌ها ارسال کردند. آنها پس از راهپیمایی در خیابان‌های تهران در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتماع نمودند. آقای هاشمی در جمع رزمندگان اصناف و بازاری، سخنانی در ارتباط با حرکت امت حزب الله در جهت سرکوبی دشمن و اثر این حرکت در معادلات جهانی ایراد کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "چنین اجتماع و سازماندهی ۵۰۰ کامیون از هدایای مردم به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیون تومان به جبهه‌ها، نشانه قدرت اقتصادی مردم است و این گونه حرکات، تلاش دشمنان را که با سقوط نفت و فشار می‌خواهند اقتصاد ما را تضعیف کنند، با شکست مواجه خواهد کرد. حضور بازاریان در ابعاد مختلف انقلاب اسلامی، نشانه محکومیت کسانی است که می‌کوشند جنایات و سودجویی محتکران را به حساب اصناف و کسبه بگذارند. بازاریان جزو پشتیبانان انقلاب

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

جلسه داشت. ساعت پنج‌ونیم بعد از ظهر به قم حرکت کردیم. سر راهمان به قم در بهشت زهرا برمزار شهدای هفتم تیر مصاحبه‌ای کردم[1].

شب با دیگر سران قوا، مهمان آیت‌الله منتظری بودیم. بیشتر درباره جنگ حرف زدیم و درباره نحوه توزیع کالا[2]. موافقت شد که بیست‌وپنج میلیارد تومان درخواستی سپاه برای جنگ با کسب مجوز از امام، از بانک [مرکزی] قرض شود. دیر وقت به تهران برگشتم. ساعت یک بامداد به مجلس رسیدم و خوابیدم.

پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۶۵ | ۱۸ شوال ۱۴۰۶   ۲٦ June ۱۹۸٦

تا ساعت هفت ونیم صبح در دفترم کار کردم. پس از افتتاح جلسه علنی و امضای مرخصی‌های نمایندگان به دفترم برگشتم. فرماندهان سپاه از جبهه آمده بودند. تا ظهر در باره وضع جبهه‌ها بحث شد و سرانجام علی‌رغم تردیدی که به خاطر کمی نیرو وجود داشت، تصمیم گرفتیم برای پس گرفتن مهران، عملیات طراحی شده را انجام دهیم.

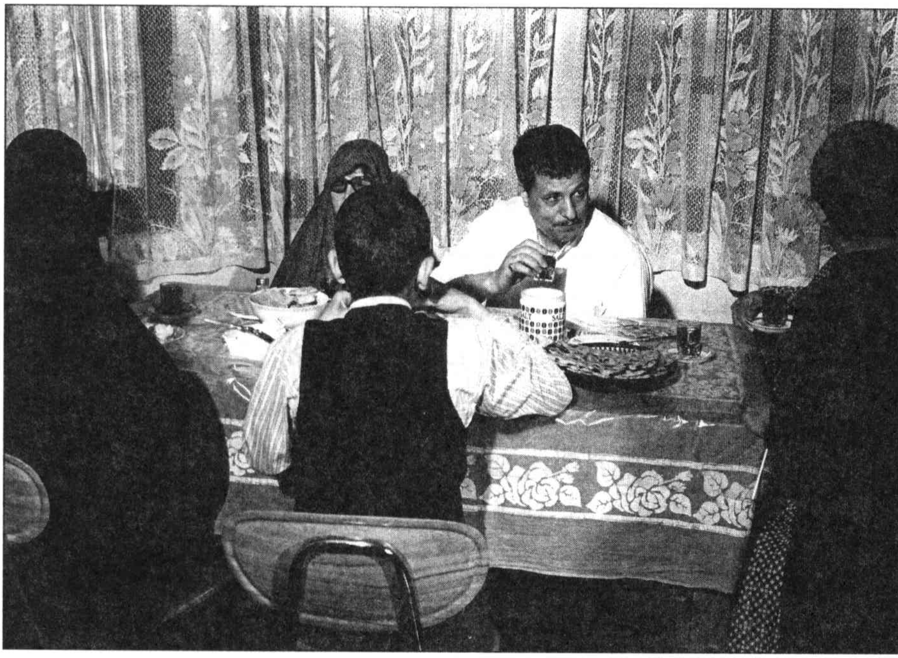
عصر [آقای مهندس غلامرضا شافعی] وزیر صنایع و معاونان آمدند. گزارش عوارض منفی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هستند که همیشه بخشی از زندانیان را در زمان طاغوت تشکیل می‌داده‌اند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ در این مصاحبه آمده است: "ضدانقلابی که قصد مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی را داشت، با جنایت هفتم تیر و انفجار نخست وزیری و نیز با به شهادت رساندن شهدای محراب و سایر نیروهای حزب اللهی، پلهای پشت سرش را خراب کرد و راه برگشت را به روی خود بست. خون آنان چنان جوشید که آثار منفی را جبران کرد و به کلی پایه‌های منافقین، با این جنایت زده شد. شهید بهشتی در دستگاه قضایی نیز مهم‌ترین شخصیتهای انقلابی بود و جای خالی او را ما هنوز هم احساس می‌کنیم. گرچه خون او خیلی چیزها را جبران می‌کند و توجه به شهادت این شهید گرامی، عمق جنایت دشمنان او را نشان می‌دهد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آیت‌الله منتظری روز سه شنبه ۳ تیر در ملاقات با مدیران مسئول و سردبیران مطبوعات درباره توزیع کالا نیز مطالبی عنوان کرده بود. در بخشی از سخنرانی ایشان درخصوص توزیع آمده است: "توزیع باید واقعاً به مردم محول شود، منتهی با نظارت. دخالت مستقیم دولت چند تا اشکال دارد یکی اینکه موجب تنفر و بغض ملت می‌شود و دیگر اینکه استعدادها رکود پیدا می‌کند و دولت باید استخدام زیادی برای کنترل کردن بکند. یکی اینکه انگیزه نه برای بسط مواد است نه برای تکامل. وقتی دست ملت باشد، این کارخانه سعی می‌کند از آن مرغوب‌تر باشد. او می‌خواهد جنسش از این مرغوب‌تر باشد. رقابت درکار پیدا می‌شود. در رقابت و عرضه و تقاضا خیلی از مشکلات حل می‌شود. اما وقتی که بنا باشد دولت وارد کند و بعد هم به تعاونی بدهد. همین است که هست. آن تولید داخلی هم می‌گوید هر بنجلی که هست، کوپنی به مردم می‌دهند چه داعی داریم که جنس مان را بهتر کنیم. اگر دست مردم باشد و آزادی برای مردم باشد، این تکامل پیدا می‌کند."





در کنار مادر و خواهر

کمبود ارز برای صنایع را دادند و راههای حل مشکل را مطرح کردند[۱].

در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. شب با آقای خامنه‌ای درباره نیروی زمینی مذاکره کردیم. قرار شد روز شنبه به منظور کسب نظر ایشان با هم خدمت امام برویم. درباره سفر ایشان به زیمبابوه هم صحبت شد.

جمعه ٦ تیر ۱۳٦۵ | ۱۹ شوال ۱۴۰٦ — ۲۷ June ۱۹۸٦

در منزل بودم. از استخر کوچک خانه برای شنا استفاده کردم و از درخت کوچک توت حیاط توت خوردم. اطلاع دادند که دیشب دو موشک اسکاد ـ بی به تاسیسات نفتی شمال غرب کرکوک زده‌ایم و هواپیماهایمان هم، امروز صبح تاسیسات دیگری از عراق را در همان ناحیه بمباران کرده‌اند. چون محل اصابت موشک‌ها را نمی‌دانیم، قرار شد خبر را تا کسب اطلاع از محل اصابت به تأخیر اندازیم.

ظهر حاجیه والده و همشیره طیبه آمدند، مهمانمان بودند. حسین ـ همشیره‌زاده ـ گزارشی از وضع کارخانه‌های بنیاد شهید داد و امیدوار است که بتوانند ارز مورد نیازشان را با صادرات تأمین کنند. شب سرهنگ جمالی [معاون فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش وضع جبهه‌ها را داد و امیدوار است که نیروی زمینی را آماده کار آفند و پدافند نماید.

شنبه ۷ تیر ۱۳٦۵ | ۲۰ شوال ۱۴۰٦ — ۲۸ June ۱۹۸٦

ساعت هشت صبح با آقای رئیس جمهور خدمت امام رسیدیم*. درباره تعویض فرمانده نیروی زمینی مذاکره شد و اینکه آقای صیاد را امام برای عضویت در شورای‌عالی دفاع منصوب کنند و از زحماتش

---

۱ ـ در این دیدار با توجه به وضعیت جدید بهای نفت و اثرات آن در صنایع کشور، جهت‌گیری این وزارتخانه و نحوه اداره واحدهای صنعتی و سیاست‌گزاری‌های مربوطه از لحاظ تأمین ارز و راه‌های استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت کارخانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین شیوه‌های مختلف تأمین ارز از طریق منابع غیر دولتی، اعم از صادرات بدون انتقال ارز و سایر شیوه‌ها، معاملات بین المللی و صادرات مصنوعات مطرح شد. سپس گزارشی از سقف ارزی این وزارتخانه از سال ۱۳٦۱ تا ۱۳٦۵ ارائه گردید.

* ـ در این روز، حضرت امام(ره) در حکمی آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی را بار دیگر به ریاست دیوان عالی کشور (قوه قضائیه) منصوب کردند.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

خیلی محرمانه

بسمه تعالی

شماره ۲/۱۵ر/۶۵۲۲م
تاریخ ۱۳۶۵/۴/۸
پیوست —

(۲) حضرت آقای سرهنگ حسنی
(۱) جانشین محترم فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی
با توجه به نیاز شدید جبهه‌ها به توپ [illegible] لازم است که هرچه
سریعتر توپهای تعمیری آماده بکار بشود. به مسئولان داخل کشور
دستور سریع اقدام شد. صنایع نظامی سپاه و سپاه اراک
نیز باید امکانات خود را در این باره بکار گیرد
هر تعداد از توپها را که قدرت تعمیر تا دو ماه دیگر ندارید
برای تعمیر به اراک برای تعمیر به سپاه بدهید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رونوشت: فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
جهت [illegible]

نامه به جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش

تقدیر نمایند و برای عبارت فرمان امام، قرار شد من و آقای خامنه‌ای متنی تهیه نماییم. برای نیاز تجهیز به پانصد گردان نیروی رزمنده، موافقت امام را جهت اخذ ۲۵ میلیارد تومان وام از بانک مرکزی جلب کردیم که به شیوه سال گذشته عمل شود. درباره عملیات بازپس گیری مهران هم با امام صحبت کردیم.

سپس در منزل ما با آقای خامنه‌ای دربارهٔ کمبود ارز و وضع بد اقتصادی کشور بحث کردیم. یک پیشنهادی مطرح شد که به استثنای اقلام خاصی از نیازهای عمومی، به کارخانه‌ها اعم از دولتی و خصوصی برای توزیع و تولید و تهیه ارز و تعیین قیمت، آزادی بدهیم و کمک ارزی نکنیم. طرح دیگری هم مطرح شد که کارخانه‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کنیم و در مورد بند جیم مطابق قانون اصلی عمل شود؛ به جائی نرسیدیم.

تا شب به مطالعه گزارش‌ها گذشت. عصر خانم دکتر واعظی و خواهرش و خانم نوبخت آمدند و از سیاست آموزش و پرورش در مورد خودشان به اتهام ارتباط با خط راست شاکی بودند.

شب نخست وزیر اطلاع داد که عراق با قطع برنامه‌اش، خبر پرتاب موشک ما را به مراکز نفتی کرکوک گفته و تهدید به انتقام کرده است. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم خبر را بدهد و زدن مراکز مسکونی را نفی نماید. آقای رضایی از جبهه تلفنی برای عملیات مهران، پدافند هاک خواست. به سرهنگ ترابی دستور دادم که بگوید اعزام کنند.

یکشنبه ۸ تیر ۱۳۶۵ | ۲۱ شوال ۱۴۰۶ — ۲۹ June ۱۹۸۶

ساعت شش ونیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها تهدید عراق و مسائل اوپک مهم است. امید به اخذ تصمیم نیم بندی در اوپک می‌رود[1] و نیز خبر اصابت دو کشتی نفتی در آبهای جنوب توسط

---

۱ ـ کشورهای عضو اوپک روز شنبه ۷ تیر به توافقی موقت پیرامون یک سقف تولید جدید و قیمت‌های مورد نظر برای نفت خود که ٦ تا ۸ دلار از نرخ‌های جاری بالاتر است، دست یافتند. اما ساعاتی بعد آقای بلقاسم نبی وزیر نفت الجزایر که کشورش به طور مداوم خواهان سقف تولید پایین‌تر و قیمت‌های بسیار بالاتری برای نفت بوده است، جلسه وزیران اوپک را ترک کرد. او ضمن تقبیح این توافق گفت: "احساس نمی‌کنم که کار مفیدی صورت داده باشیم و یا اینکه در جهت رفع مشکلات پیشرفتی کرده باشیم." در روز یکشنبه ۸ تیر نیز پیشرفتی حاصل نشد و آقای غلامرضا آقازاده وزیر نفت ایران گفت: "اگر سهمیه بندی جدید نفت اوپک براساس ملاحظات سیاسی تعیین شود، ایران مطابق با مواضع اعلام شده خود عمل خواهد کرد و متعهد به مصوبات اوپک نخواهد بود. ایران در برابر هر مقدار افزایش تولید برای عراق، به میزان دو برابر آن نفت تولید خواهد کرد." کنفرانس ۷۸ اوپک در یوگسلاوی در روز دوشنبه بدون نتیجه پایان یافت و تنها مسأله‌ای که اکثریت اعضا در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

هواپیماهای ما آمده بود که از نیروی دریایی توضیح خواستم. معلوم شد نیروی هوایی آنها را زده است. مرکز صدور نفت ما از جزیره سیری به لارک در جنوب بندرعباس منتقل شده، که امن‌تر است[1].

در جلسهٔ علنی صحبت کوتاهی درباره شهدای انفجار دفتر مرکز حزب جمهوری اسلامی کردم[2]. ساعت نه‌ونیم به دفترم برگشتم. دکتر روحانی آمد و درباره فرمانده نیروی زمینی صحبت کردیم. قرار شد ایشان با سرهنگ [حسین]حسنی سعدی به طور کلی صحبت کند. آقای مهاجری معاون رئیس دفترم که به جبهه رفته بود، آمد و گزارش آنجا را داد.

ظهر با خانواده شهدا که مهمان مجلس بودند، نماز جماعت خواندم و بین دو نماز برای آنها صحبت کردم[3]. عفت و دوستانش به دفترم آمدند. ناهار در جمع خانوادهٔ شهدا شرکت کرده بودند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

خصوص آن به یک توافق ضمنی دست یافتند، کاهش سقف تولید ۱۷/۶ میلیون بشکه‌ای در روز برای سال ۸۶ میلادی بود که در راستای استراتژی افزایش حدود ۵ دلار در هر بشکه در قیمت‌های نفت قرار داشت."

۱ ـ خبرگزاری رویتر درگزارشی درباره موقعیت جزیره لارک، دلایل ایران را برای انتخاب این محل جهت صادرات نفت، امنیت نسبی از حملات عراق و نرخ پایین‌تر بیمه کشتی‌رانی در این منطقه عنوان کرد. در این گزارش که رادیو بی بی سی آن را پخش کرد، از قول منابع کشتی‌رانی گفته شده است که پایانه موقت جدید ایران در کنار جزیره لارک و داخل تنگه هرمز در مدخل خلیج‌فارس واقع شده است و اکنون به جای تأسیسات نزدیک جزیره سیری (که هشتاد میل دریایی آن طرف‌تر در جنوب خلیج‌فارس است) مورد استفاده قرار می‌گیرد. پایانه جدید شامل ۶ کشتی عظیم نفتکش مادر و ۹ کشتی یدک کش می‌باشد که در غرب جزیره و خارج از شعاع عملیاتی جت‌های عراقی قرار دارند. منابع کشتی‌رانی می‌گویند: "امنیت نسبی لارک و نرخ پایین‌تر بیمه کشتی‌رانی در این منطقه، از جمله دلایل ایران برای انتخاب این محل جهت صدور نفت است و با شروع عملیات بارگیری از لارک، از پایانه موقت سیری برای تخلیه و بارگیری گازوئیل و نفت سیاه استفاده می‌شود". این منابع می‌گویند که اگر عراق توانایی حمله هوایی به لارک را پیداکند، پایانه موقت فعلی را می‌توان به سرعت ظرف چند روز به بندر جاسک که بیرون از تنگه هرمز قرار دارد، منتقل کرد اما در حال حاضر به خوبی از لارک دفاع می‌شود زیرا این جزیره در ۲۳ کیلومتری شمال آبراه اصلی و عمیق گشت‌زنی در تنگه هرمز، واقع در پایین جزیره قشم و جنوب پایگاه دریایی ایران در بندرعباس قرار دارد. در پایان گزارش رویتر آمده است که ایران کار احداث دو خط لوله موقت را از گناوه به خارک برای افزایش حجم نفت ارسالی به خارک، به اتمام رسانده است اما هنوز از این دو خط لوله جدید بهره‌برداری نشده است. چون تمهیدات لازم برای بهره‌برداری از پایانه بارگیری نفت لارک پیش بینی نشده بود، پس از یک ماه که از آغاز فعالیت آن گذشت براثر بدی وضع هوا و طوفان‌های دریایی، از اوایل ماه جاری متوقف شده است.

۲ ـ در این نطق آمده است: "فاجعه هفتم تیر بیانگر این معنا بود که دشمنان اسلام به هیچ اصلی از اصول انسانی و اسلامی و ملی پایبند نیستند و ماهیت آنها را برملاکرد. از طرفی نشان داد که جمهوری اسلامی پایبند به افراد و اشخاص نیست. تا این ملت بزرگ و فداکار وفادار به نظام در صحنه است، هیچ چیز نمی‌تواند به این جمهوری ضربه بزند و حضور ملت همه چیز را جبران می‌کند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "اگر قرار بود ریشه جریان فریبکاری مثل منافقین در جهان سوزانده شود، هیچ چیزی مثل جریان انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی نمی‌توانست ریشه آنان را بسوزاند. دشمنان برنامه ریزی کردند تا با ایجاد آن فاجعه، خیالشان از مجلس، دولت، قوه قضائیه و یاران امام راحت بشود، ولی خداوند چنین نمی‌خواست و مقررکرده بود که خود آنها از همین ناحیه ضربه بخورند و از بین بروند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

خانواده شهید دانش خوزستانی آمدند و برای رفع مشکلات خود استمداد کردند. عصر شورای‌عالی اسلامی کار و ۷۲ تن از رزمندگان به مناسبت شهادت ۷۲ تن آمدند. برای آنها صحبت کردم[1].

معاون امور خارجی وزارت اطلاعات آمد و راجع به همکاری وزارت اطلاعات با جنگ و لزوم جدی گرفته شدن امکانات آنها صحبت کرد.

آقای [ماسوکی] میاکه، فرستاده ویژه وزیر خارجه ژاپن آمد. نامه آقای [شینتارو] آبه [وزیر امور خارجه ژاپن] را در مورد جنگ، سفر دبیرکل سازمان ملل به ایران، گروگانهای آمریکایی در لبنان و تمایل آمریکا به تحسین روابط با جمهوری اسلامی آورد. نظر من را خواست. در مورد جنگ گفتم شرط حذف صدام و [حزب] بعث عراق از طرف ما جدی است. گفت غربی‌ها، عرب‌ها و ترکیه با توجه به دیکتاتوری صدام، نگران ناامنی شدید در منطقه و پیدا شدن لبنانی جدید در عراق با تحریکات شوروی هستند. گفتم می‌شود از پیش برای حفظ آرامش، وحدت و تمامیت ارضی عراق با همسایگان طرح همکاری داشت.

در مورد آمدن دبیر کل هم گفتم اگر با این هدف بیاید، موفق است و اگر غیر از این باشد، آمدنشان را ما نفی نمی‌کنیم ولی توفیق کم است. در مورد گروگانهای آمریکایی در لبنان، ما حاضریم کمک کنیم ولی آمریکایی‌ها برای آزادی آنها جدی نیستند و این کشور می‌خواهد اغراض دیگرش را تأمین کند و تحسین روابط ما با آمریکا، احتیاج به مقدماتی دارد که بهتر از همه، اصلاح رفتار و مواضع موذیانه آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی ایران است و آمریکا باید عملاً ثابت کند که دست از شطینت علیه ما برداشته است. جواب نامه آقای آبه را هم دادم.

کاردار جدیدمان در افغانستان آمد و برای سیاست کارش در آنجا مشورت کرد. دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به کوبا، نیکاراگوئه و چکسلواکی را داد و درباره جواب به فرستادهٔ پاکستان در مورد مسأله افغانستان مشورت کرد. آقای [حمید]میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر آمد. در مورد سفرش به چین مشورت کرد و گزارش پیشرفت برنامه‌های جزیره کیش را داد.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. قرار شد به پاکستان جواب بدهیم که مسأله افغانستان

---

۱ - در این دیدار که آقای ابوالقاسم سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی، اعضای شورای اسلامی کار همراه با ۷۲ تن از رزمندگان جبهه‌ها به یادبود ۷۲ تن از شهدای هفتم تیر حضور داشتند، آقای هاشمی اهمیت شوراهای اسلامی کار و شوراهای اسلامی روستایی در ایجاد حاکمیت مردم را تشریح کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "بسیاری از کشورها در دنیا ادعای دموکراسی دارند ولی همه می‌دانند در کشورهایی که زادگاه به اصطلاح دموکراسی است، ادای حاکمیت مردم بر مردم را در می آورند. قدرتمندها، پولدارها و کسانی که با ابزارهای پیچیده و قدرت احزاب، آرای مردم را تغییر می‌دهند و اسم آن را دموکراسی می‌گذارند، حاکمیت را در اختیار دارند. اگر ما با این شوراها که به خاطر آن قیام کردیم، بخواهیم پیش برویم و بنابر گفته قرآن، حکومت مستضعفان را در زمین، خواست خدا بدانیم، تنها راه درست، راهی است که پیش گرفته‌ایم و شوراهای اسلامی را مطرح می‌کنیم، زیرا این راهی است که مخدوش نشده است."

باید با همکاری سه همسایه، ایران، پاکستان و شوروی و بدون دخالت آمریکا حل شود و حضور نماینده مردم افغان لازم است. قرار بود امشب عملیات در مهران شروع شود، اما انجام نشد.

دوشنبه ۹ تیر ۱۳۶۵ | ۲۲ شوال ۱۴۰۶ — ۳۰ June ۱۹۸۶

در منزل بودم. طرف صبح بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. آقای [محسن]رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] اطلاع داد که عملیات [کربلای یک] به شب آینده موکول شده است. عصر آقای [کاظم] خوانساری [سفیر ایران در لیبی] آمد و نظرات رهبران لیبی را آورد. آنها توقع دارند که ما در مسأله گروگانهای آمریکایی در لبنان، فشاری به آنها به نفع لیبی وارد کنیم. دربارهٔ سفر آقای موسوی اردبیلی به لیبی مشورت کرد.

آقای رفیق‌دوست و مسئولان پدافند هوایی سپاه و مسئول گروهی که برای آموزش موشک‌های ضد هوایی و ساحل به دریا به چین رفته بودند، آمدند. درباره محل استقرار موشک‌ها و آموزش پرسنل لازم مذاکره کردیم. معلوم شد قبل از آموزش بیشتر، نمی‌توانیم به خوبی از این موشک‌ها استفاده کنیم.

خانم اخوان فرشچی و پسرش دکتر محمد آمدند. از مشکلاتشان گفتند و استمداد کردند. دکتر در دانشگاه استاد بوده و مشکل پیدا کرده. همچنین درباره ملک مشاعمان در خیابان گرگان که گفتم من مایلم آن را برای رفع نیازم بفروشم.

شب آقایان محسن رضایی و [علی]شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] از جبهه مهران اطلاع دادند که ساعت ده‌وبیست دقیقهٔ شب، حمله ما برای پس گرفتن مهران شروع شده است[1].

نخست وزیر و وزیر نیرو درباره مشکلات کمبود سوخت و تعطیلی بعضی از نیروگاه‌ها و قطع آب و برق، تلفنی مذاکره کردند. قرار شد ترتیبی برای حفاظت بیشتر از تاسیسات نفتی داده شود.

---

۱ ـ شهر مهران که در عملیات والفجر ۳ آزاد شده بود، پس از عملیات والفجر ۸ در اردیبهشت ۶۵ مورد تعرض ارتش عراق قرار گرفت و اشغال شد. دو ماه بعد عملیات کربلای یک را سپاه پاسداران طراحی و در پنج مرحله اجرا کرد. در این عملیات، تمامی منطقه از جمله شهر مهران، پاسگاه دراجی و قله ۲۲۳ ـ از سلسله ارتفاعات قلاویزان ـ آزاد شد. این پیروزی بیش از آنچه بود که پیش بینی می‌شد. سرعت پیروزی در این نبرد تأثیر اقدامات قبلی عراق در دوره دفاع متحرک را خنثی کرد، به نحوی که از آن پس تحرک دیگری از ارتش این کشور، تا روزهای پایانی جنگ مشاهده نشد و ارتش عراق دوباره در لاک دفاعی فرو رفت. در این عملیات فرماندهان بسیاری از ارتش عراق اسیر شدند و متقابلاً رضا دستواره جانشین فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) به شهادت رسید. عملیات کربلای یک از ۹ تیر تا ۱۹ تیر ادامه داشت و ۲۲۰ کیلومتر مربع شامل شهر مهران و ارتفاعات آن در این عملیات آزاد شد.

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۶۵ | ۲۳ شوال ۱۴۰۶ | 1 July ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمدم. آقای شمخانی اطلاع داد که مرحله اول عملیات با موفقیت انجام شده و نیروهای ما مشغول زدن خاکریز هستند. به دکتر روحانی گفتم برای پشتیبانی ضد هوایی‌ها و هاک و ارسال مهمات خمپاره پیگیری نماید. به آقای [کمال]خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] گفتم آماده باشد که اولین بیانیه قرارگاه را پیش از ظهر، پس از معلوم شدن وضع جبهه بدهیم.

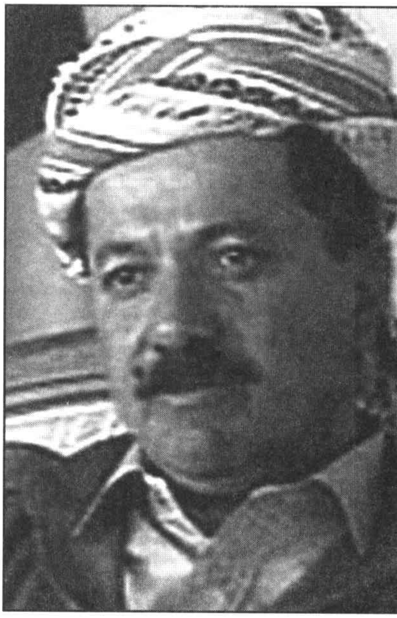
برای رسیدگی بیشتر به وضع جنگ به جلسه علنی نرفتم. به آقای [مهدی]کروبی [نایب رئیس اول] گفتم که خبر شروع عملیات استرداد مهران را به نمایندگان بگوید. تا عصر در دفترم ماندم. مرتب با جبهه تماس داشتم. مضامین بیانیه‌های قرارگاه را تایید کردم. آخرین اخبار از منطقه مهران می‌گوید، بیش از ۳۰۰ اسیر گرفته‌ایم و نیمی از مرحله دوم عملیات هم انجام شده و تاکنون دشمن مقاومت جدی نداشته و غافلگیر شده است.

ظهر [سید محمد کاظم] امام موسوی نماینده شوشتر آمد و از تحرکات خط تندرو و امام جمعه شوشتر گله داشت آقایان دری [نجف‌آبادی] و [عبدالله] نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] برای مذاکره و بررسی مصرف بودجهٔ جنگ آمدند. آقایان [علی اکبر]محتشمی [وزیر کشور] و [اصغر] ابراهیمی [مدیر عامل شرکت مترو] آمدند. درباره نیازهای مترو[ی تهران]مذاکره شد. بناست فعال شود.

عصر به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. از جبهه خبرهای خوب مبنی به پیشرفت بیش از حد انتظار در مهران دادند. شب [اعضای] شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز [تهران]، مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودند. دیر وقت به منزل رسیدم. در اثر گرمی هوا راحت نخوابیدم.

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۵ | ۲۴ شوال ۱۴۰۶ | 2 July ۱۹۸۶

بعد از نماز و ورزش و تمیز کردن استخر به مجلس آمدم. آقای سعیدی [فر مسئول اطلاعات قرارگاه قدس] اطلاع داد که دیشب به سوی مهران پیشرفت داشته‌ایم. در اخبار ساعت هفت [صبح رادیو]از اخبار جنگ خبری نبود. به سپاه و ستاد تبلیغات [جنگ] اعتراض کردم. معلوم شد در اثر اختلاف بین سپاه و ستاد، اخبار جنگ درست پخش نمی‌شود. به صدا و سیما گفتم اخباری که از منطقه توسط سپاه



مسعود بارزانی



جلال طالبانی

می‌رسد، بدون انتظار تایید ستاد پخش کنند و آقای محسن رضایی مسئولیت تنظیم اخبار و روش تبلیغ را پذیرفت.

در جلسه علنی مجلس قبل از رسمیت جلسه، اخبار جنگ را به نمایندگان دادم. قبل از دستور درباره پیروزی مهران و عملیات کربلای یک صحبت کردم[1]. در حین جلسه علنی، پیام آقای محسن رضایی رسید که نیروهای ما وارد شهر مهران شده‌اند.

به دفترم آمدم. آقای دکتر روحانی آمد. درباره نظرات سرهنگ حسنی سعدی مذاکره کردیم. درباره جنگ‌های منظم و نامنظم صحبت نمودیم. آقامحمدی آمد. نحوه کار با بارزانی‌ها و طالبانی‌ها

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "از رزمندگان دلیر و فداکارمان که این روزها دشمنان بعضی را تحت فشار گذاشتند و کاری در دست اقدام دارند که بعث عراق را از آن سیاست انتحاری جنگی‌اش پشیمان کردند، متشکریم. عراقی‌ها در منطقه مهران، وارد گورستانی شدند که هر چه نیرو به آنجا بفرستند، به دست رزمندگان ما یا اسیر می‌شوند یا از رده به‌کلی خارج خواهند شد. این پیروزی هایی که برخی از آن را ملت عزیز ما مطلع هستند، در سایه همکاری نیروهای رزمنده ارتش، سپاه و نیروهای مردمی بسیج و با حمایت مهندسی - رزمی و جهاد سازندگی به دست آمده است و همکاری و اتحاد نیروهای رزمنده ما امروز برای ما افتخارآمیز و امیدوارکننده است. در شرایطی که خود عراقی‌ها به وجود آوردند و تحت ضرورتی که پیروزی فاو به آنها تحمیل کرد، دست به حرکت های انتحاری زدند، به نام "دفاع متحرک" و از پشت سیم‌های خاردار و کانال‌های آب و سنگرهای مستحکمی که تهیه کرده بودند، بیرون آمدند و خود را در معرضی قرار دادند که الحمدلله نیروهای ما دارند از این موقعیت استفاده می‌کنند و ضربات کاری را که مقدمه شکست نهایی است، بر ارتش رو به اضمحلال عراق وارد می‌سازند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

را در خصوص بکارگیری آنها علیه صدام راکه نوشته بود، آورد. تا ظهر چندین ملاقات داشتم. آقای [گودرز]افتخار جهرمی آمد و درباره پذیریش مسئولیت عضویت [حقوقدان] شورای نگهبان مشورت کرد. نظر موافق دادم. استعفایش را مسکوت گذاشت.

تا عصر مرتباً خبر از پیروزیها در منطقه مهران و تصرف کامل ارتفاعات حساس قلاویزان می‌رسید. آقای رئیس زاده آمد و درباره مسائل سیاسی و مجلس نظراتی ابراز کرد. شب با رؤسای قوا مهمان رئیس جمهور بودیم. درباره جنگ و لبنان و سوریه بحث شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۵ | ۲۵ شوال ۱۴۰۶ — ۳ July ۱۹۸۶

در منزل بودم. به مطالعه گزارش‌ها پرداختم. خبرهای جبهه خوب و حاکی از پیشرفت بیشتر در منطقه مهران است. همشیره طیبه و محمد و معصومه آمدند. خبر داد که فرزندش مهدی در مهران جراحت برداشته و به نوق منتقل شده است. او آموزش [غواصی] برای عبور از اروند و شکست خط دیده است. قرار شد پسته‌های نوق را به محمد ـ همشیره‌زاده ـ از قرار سالی ۴۰۰ هزار تومان و ۲۰۰ من پسته اجاره بدهیم. ظهر بچه‌ها مهمان فاطی بودند و ناهار برای من هم آوردند. تنها در منزل بودم.

جمعه ۱۳ تیر ۱۳۶۵ | ۲۶ شوال ۱۴۰۶ — ۴ July ۱۹۸۶

در نماز جمعه شرکت کردم. خطبه دوم را درباره پیروزیهای مهران ایراد کردم[1]. خبر رسید که دیشب و

---

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوع مسایل خانواده در اسلام دنبال شد و درباره نحوه برخورد زن و شوهر، خصوصیات مردان خوب و اهمیت صبر در برابر بداخلاقی دیگران مطالبی عنوان کرد. در خطبه دوم درباره اهمیت عملیات کربلای یک و آزادی منطقه مهران، خسارات وارد شده بر ارتش عراق، پوچی ادعاهای دولت عراق، مخدوش شدن اعتبار نظامی عراق برای حامیان صدام حسین، هماهنگی کامل نیروهای سپاه اسلام، نیاز جبهه‌ها، ضرورت حضور مردم در مراکز آموزش نظامی و لزوم مبارزه جدی با گرانفروشان و محتکران مطالبی برای نمازگزاران جمعه ایراد شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "کاری که رزمندگان عزیز ما در کربلای یک کردند که الحمدالله با هماهنگی کامل نیروهای رزمنده‌مان چه ارتشی‌ها و چه سپاهی‌ها و بسیجی‌ها انجام شد، هماهنگی کامل نیروهای زمینی و هوایی و پدافند هوایی و هوانیروز همه مثل یک ماشین هماهنگ، وظایف خودشان را هر یک در آن نقطه معین به خوبی انجام دادند و با همکاری فوق العاده مؤثر، مهندسی رزمی و جهاد سازندگی اینها همه هماهنگ عمل کردند که این نشان قدرت و اتحاد و قدرت اعمال نظر برای جمهوری اسلامی و نشان

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

امروز دو تیپ از گارد ریاست جمهوری عراق در مهران منهدم شد. عصر آقای امیر عراقی آمد و درباره شغلش مشورت کرد. رابطه‌اش با مسئولان بالاتر وزارت نفت گرم نیست و گفت کسانی هستند که پیشنهاد دادن وام به ایران دارند که بعد نفت ببرند. آقای مهندس حسین سالاری آمد و از بی توجهی به او در وزارت نفت شاکی بود.

شب آقای محسن رضایی آمد. گزارش کامل عملیات کربلای یک در مهران و برنامه‌های آینده را داد. دیشب و امروز هم در ارتفاعات قلاویزان، ضربه به دشمن وارد آورده‌ایم. دکتر معالج عفت آمد. بشارت داد که قلبش کاملاً سالم است.

شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۵ | ۲۷ شوال ۱۴۰۶   5 July ۱۹۸۶

پیش از ظهر آقای رضایی اطلاع داد که دیشب و امروز در مهران بر سر ارتفاعات قلاویزان درگیری بوده که به نفع ما تمام شده است. به نخست وزیر و وزیر سپاه و رئیس بانک مرکزی درباره تسهیل و تسریع در پرداخت بودجه تجهیز ۵۰۰ گردان صحبت کردم. با وزیر نفت درباره تولید و توزیع نفت صحبت کردم.

عصر آقای معادیخواه آمد. در خصوص بنیاد تاریخ و کار کلید قرآن و انتساب بنیاد به مجلس مذاکره شد. آقای رفیق‌دوست برای گرفتن تسهیلات بیشتر برای تخصیص ارز خرید و مسائل جنگ آمد. احمدآقا و محسن رضایی آمدند. تاکید بر تسریع در تعویض فرمانده نیروی زمینی و تقویت سپاه داشتند.

سرهنگ جمالی آمد و گزارش عملیات مهران را داد. خیلی راضی است. با اینکه قبل از شروع موافق نبود. تقاضای سفر به سوئیس برای شرکت در سمیناری داشت. بنا شد با آقای رئیس جمهور مشورت شود. آقای [مصطفی]میرسلیم اطلاع داد که [آقای حاج سید جوادخامنه‌ای] ابوی آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد در سن نود و دو سالگی فوت کرده‌اند[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ضعف و اضمحلال و آسیب پذیری عراقیها در این هفته مجسم شده است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ مرحوم آیت‌الله حاج سید جواد خامنه‌ای در سال ۱۲۷۳ در خانواده‌ای روحانی متولد شد. پدر ایشان آیت‌الله حاج سید حسین خامنه‌ای از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

یکشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۵ | ۲۸ شوال ۱۴۰۶ | ۶ July ۱۹۸۶

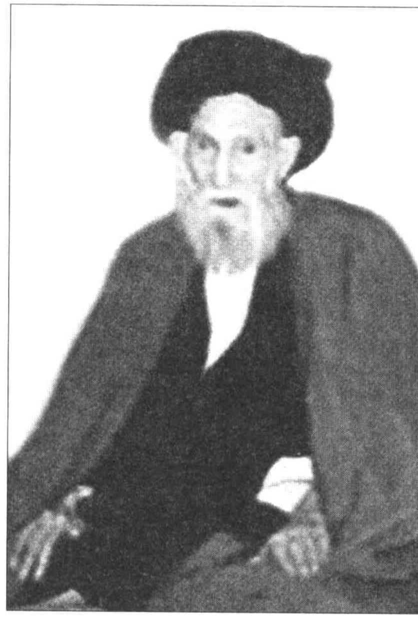
در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. در جلسهٔ علنی، قبل از دستور در مورد فوت ابوی آقای خامنه‌ای حرف زدم[1]. ساعت ده به دفترم آمدم. آقای [محمد]خزاعی نماینده رشت آمد و از آقای [صادق]احسانبخش [نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه رشت] و طرفدارانش گله داشت.

آقای ریاضی مسئول کمیسیون نظارت بر خرید سلاح آمد. از بی انضباطی وزارت سپاه شاکی بود. آقای [جواد]مقصودی از ماندن تخم مرغها در مرغداری و عدم اقدام وزارت بازرگانی برای مصرف آنها تلفنی شکایت کرد؛ به نخست وزیر گفتم. ظهر [منوچهر نیکروز] نماینده کلیمیان آمد و از سخت‌گیری‌ها برای خروج یهودی‌ها از کشور گله داشت.

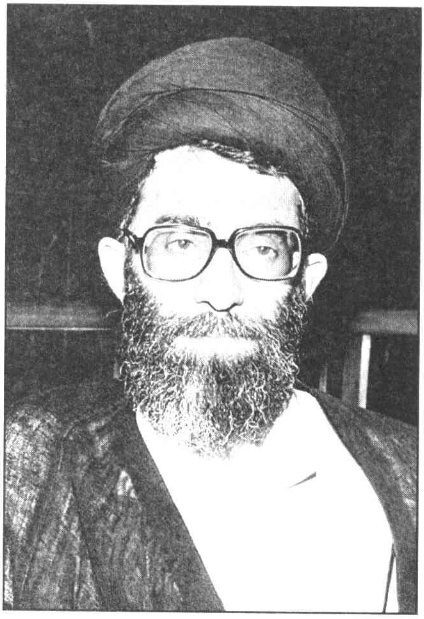
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

علمای بزرگ آذربایجان و امام جماعت مسجد جامع تبریز بود. آقا سید جواد در نوجوانی شاهد وقایع مشروطیت در تبریز بود، مخصوصاً اینکه شوهر خواهرش "شیخ محمد خیابانی" بخش بزرگی از جریان مشروطه خواهی را در تبریز رهبری می‌کرد و به طور بدیهی تمام خانواده را درگیر این جریانات ساخته بود. آقا سید جواد خامنه‌ای تحصیل را در تبریز آغاز نمود و در جوانی سفری به عتبات و سفر دیگری به مشهد کرد و در همین سفر آخر، جذب معنویت و صفای علمای مشهد و هم جواری با حضرت امام رضا(ع) شد و تصمیم به اقامت در مشهد گرفت. ایشان در مشهد از علمای بزرگی چون آیت‌الله آقازاده خراسانی و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی استفاده کرد و سپس به مدت پنج سال برای ادامه تحصیلات دینی به نجف اشرف عزیمت نمود و از درس آیت‌الله العظمی میرزای نائینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بهره وافر برد. پس از آن آقا سید جواد به مشهد بازگشت و تا پایان عمر پربرکت خود به وظایف دینی و علمی اشتغال داشت. ایشان پس از بازگشت به مشهد با دختر آیت‌الله حاج سید هاشم میردامادی ازدواج کرد که حاصل این وصلت چهار پسر و یک دختر بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرزند دوم ایشان هستند. آقا سید جواد خامنه‌ای در عین برخورداری از مقامات عالی علمی، وجهه‌ای مردمی و محبوب داشتند و تا آخر عمر در خانه‌ای محقر و البته با صفا زندگی کرد. ایشان سالها در مشهد به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در مسجد جامع گوهرشاد و مسجد صدیقی‌های بازار بزرگ مشغول بود. رهبر معظم انقلاب در خاطرات خود درباره پدرشان چنین می‌گویند: "پدرم روحانی معروفی بود، اما خیلی پارسا و گوشه‌گیر. زندگی ما به سختی می‌گذشت. من یادم هست شبهایی اتفاق می‌افتاد که در منزل ما شام نبود، مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می‌کرد و آن شام هم نان و کشمش بود." آقا سید جواد خامنه‌ای پس از چند ماه نقاهت و ضعف در چنین روزی به لقاءالله پیوست و پیکرش در دارالفیض حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) دفن گردید. امام خمینی (ره) در پیام تسلیت خود چنین بیان فرمود: "جناب حجت الاسلام حاج سید علی خامنه‌ای رئیس جمهور محترم دامت افاضاته، رحلت والد معظم جنابعالی که عمری با علم و تعهد و تقوا به سر بردند، موجب تأسف گردید. این مصیبت را به جنابعالی و اخوان محترم و خاندان جلیل تسلی گفته، سلامت و موفقیت آن جناب را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة... ۲۸ شوال المکرم ۱۴۰۶ روح الله الموسوی الخمینی."

۱ - در این نطق آمده است: "متأسفانه فوت والد محترم ریاست جمهورمان و همکاران محترم‌مان آسید محمد و آقای آسید هادی باعث اندوه و عزای ما و مردم شد. ما این مصیبت را به مقام محترم ریاست جمهوری و برادران همکارمان در مجلس شورای اسلامی و همه فامیل محترم خامنه‌ای تسلیت عرض می‌کنیم و امیدواریم خداوند به آنها صبر و اجر عنایت بفرماید و نشان عمر پر برکت این عالم ربانی وجود فرزندانی مثل مقام ریاست جمهوری و آقای آسید محمد خامنه‌ای و آقای آسید هادی خامنه‌ای هستند که همه از بزرگان این کشور و از خدمتگزاران دوران انقلاب و بعد از انقلاب هستند و آثار خیر و برکت را ما در وجود این برادران‌مان همیشه داریم می‌بینیم. از طرف همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مخصوصاً نمایندگان استان خراسان ما به این فامیل محترم تسلیت عرض می‌کنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷



آیت الله سید جواد خامنه ای



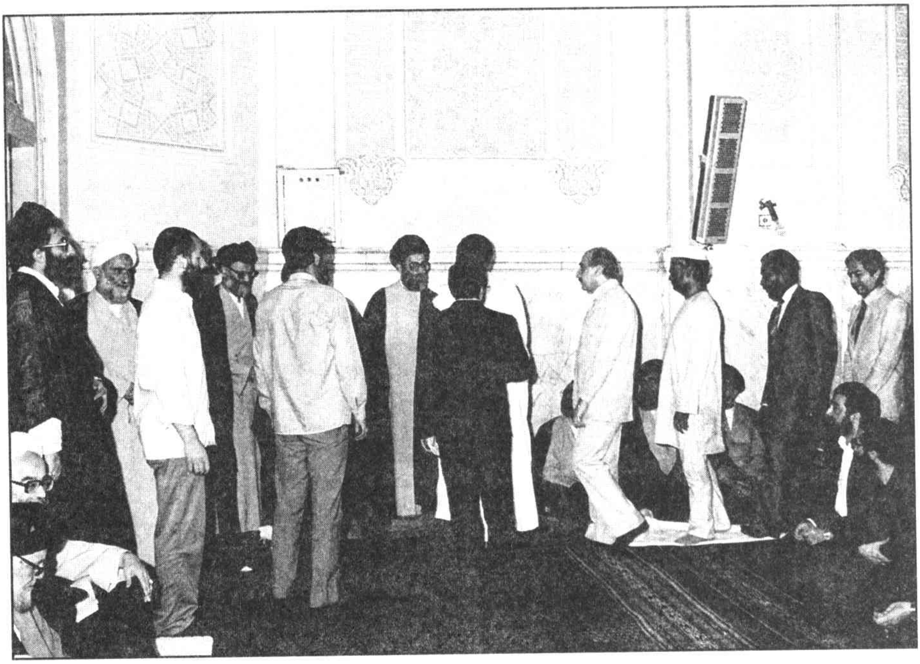
آیت الله سید علی خامنه ای



حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خامنه ای



حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خامنه ای



مراسم ختم ابوی آیت الله خامنه ای در مدرسه عالی شهید مطهری



آقایان [عطاالله]مهاجرانی و نواب برای استمداد درباره حل مشکل ارجاع به داوری بین‌المللی آمدند. شورای نگهبان در مورد قرار دادهای قبل از انقلاب هم موکول به تصویب مجلس نموده و امام این نظر را رد کرده‌اند.

عصر آقای معیری [معاون نخست وزیر]آمد. در مورد کار با فرانسوی‌ها در خصوص اصلاح روابط مشورت کرد[1]. حاضر شده‌اند سیصدوپنجاه میلیون دلار از بدهی را فعلاً بپردازند. [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر اقتصاد آمد. گزارش مشکلات کار کرد با بانکها را داد و مدعی بود که اشکال‌ها ناشی از سیاست دکتر نوربخش [رئیس بانک مرکزی] است. به فکر تعویض ایشان است.

مسئولان دفاتر نمایندگی امام در سپاه آمدند. از مشکل عدم هماهنگی با فرماندهی و تعیین نشدن

---

۱ ـ نشریه "المجله" چاپ لندن در این باره نوشت: یک هیأت ایرانی به سرپرستی آقای "علیرضا معیری" معاون نخست وزیر ایران هم اکنون از پاریس دیدن می‌کند. محافل وزارت امور خارجه فرانسه گفتند که آقای "معیری" همراه خود، نامه‌هایی از مقامات ایرانی برای همتای فرانسوی آنها به پاریس آورده است. این محافل می‌افزایند هیأت ایرانی با مقامات فرانسوی در مورد تمامی مسائل موجود میان دو کشور ایران و فرانسه، از جمله مسأله گروگان‌ها در لبنان، مسأله یک میلیارد دلار وام شاه به فرانسه، مسأله روابط عراق و فرانسه، مخالفین ایرانی مقیم پاریس و نیز زندانیانی که به جان "شاپور بختیار" سوء قصد نافرجام کرده بودند، گفتگو خواهد کرد. در مورد گروگان‌ها در لبنان، فرانسوی‌ها دیگر معتقد شده‌اند به جز تهران کسی نمی‌تواند بر ربایندگان در لبنان، تأثیری بگذارد. به دلیل اینکه این گروگان‌ها بنا به گفته یکی از مقامات فرانسه به صورت "سمبل ملی فرانسه" در آمده‌اند و نیز به دلیل اینکه توسل به زور برای نجات جان آنها، شاید به مرگشان منجر گردد، پاریس برای آزادی این گروگان‌ها روش انجام مذاکرات با تهران را ترجیح داده است. برخی از ناظران معتقدند فرانسوی‌ها یک معامله شامل مسائل زیادی برای بحث و بررسی آن با ایرانی‌ها، در دست دارند. از جمله این مسائل می‌توان از مسأله گروگان‌ها، مسأله مخالفین رژیم ایران و مسأله یک میلیارد دلار نام برد. براساس این معامله پاریس بایستی آزادی عمل مخالفین رژیم ایران همچون "بنی‌صدر" و "مسعود رجوی" و "شاپور بختیار" را محدود نمایند و نیز یک میلیارد دلار شاه "معدوم" را به صورت کمک‌های اقتصادی پس از پایان جنگ، در قبال آزادی گروگان‌های موجود در لبنان، به تهران برگرداند. به نظر می‌رسد که میزان فعالیت گروه‌های مخالف رژیم ایران در پاریس کاهش یافته است. در حال حاضر گفتگوها میان دو کشور ایران و فرانسه دقیقاً در مورد این معامله صورت می‌گیرد. اما داستان یک میلیارد دلار چیست؟ در نیمه دهه هفتاد، شاه از یکی از شرکت‌های آلمانی خواست تا یک نیروگاه اتمی در ایران، احداث نماید. همچنین از فرانسه درخواست نمود تا این کشور با خرید چندین سهم از سهام یک شرکت اروپایی که در زمینه تولید "اورانیوم" فعالیت می‌کند و فرانسه بزرگترین سهام دار آن به شمار می‌رود، موافقت کند. کشور فرانسه در این زمینه موافقت خود را اعلام نمود. شاه برای جبران لطف و محبت این کشور، یک وام یک میلیارد دلاری برای سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی، در اختیار رژیم فرانسه قرار داد. این داستان یک میلیارد دلار بود. سومین شرط ایران همان خودداری رژیم فرانسه از ارسال اسلحه به عراق است. در اینجا این سئوال مطرح می‌شود که آیا رژیم فرانسه با ۳ شرط ایران موافقت خواهد کرد؟

در اظهار "ژاک شیراک" نخست وزیر فرانسه آمده است: "پاریس خواهان ادامه گفتگو با "ایران" کشور بزرگی که فرانسه هیچ گونه دشمنی با آن ندارد، می‌باشد، و در عین حال خواهان حفظ و ادامه روابط دوستی و همکاری با کشور عراق نیز می‌باشد. "اظهارات نخست وزیر فرانسه بیانگر این است که رژیم پاریس اکنون برای ایجاد توازن در روابط دیپلماتیک خود با تهران و بغداد، تلاش زیادی مبذول می‌دارد. برخی از محافل فرانسه بر این عقیده هستند که پاریس راهی جز آمیختن تلاش‌های خود با تلاش‌ها برای برقراری صلح میان بغداد و تهران، ندارد. آیا پاریس دست به طرح تازه‌ای در این زمینه می‌زند و آیا در این امر موفق می‌شود؟ تمامی دلایل نشان می‌دهند که ایران هرگونه طرحی را در جهت برقراری صلح با عراق رد کرده و بر شرایط خود اصرار خواهد نمود، به ویژه اکنون که توانسته است قسمتی از قدرت نظامی و روابط سیاسی خود با دیگران را دوباره بدست بیاورد. آن وقت پاریس خود را ناگزیر به اتخاذ موضع سابق خود مبنی بر تأیید عراق و دست کشیدن از برقراری توازن در دیپلماسی و یا تسلیم در برابر شرایط ایران، خواهد یافت.



علیرضا معیری معاون سیاسی نخست وزیر در کنار آقای هاشمی



سید کمال خرازی رئیس ستاد تبلیغات جنگ

نماینده به جای شهید محلاتی و نیاز به کار فرهنگی بیشتر درجبهه‌ها گفتند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1].

آقای [کمال]خرازی آمد. پیشنهادهای جدید تبلیغاتی داشت و از عدمِ همکاری سپاه گله می‌کرد. آقایان [علی]یونسی و [مصطفی]پورمحمدی آمدند و گزارش کارکرد دادگاه تخلفات جنگی را دادند. برای ادامه کار سیاست مشخص خواستند که بحث شد. آقای محسن رضایی اطلاع داد امروز جبهه مهران آرام بود و خبرنگاران خارجی دیدار کرده‌اند. شب مهمان آیت‌الله موسوی اردبیلی بودیم. درباره روابط با فرانسه و قیمت‌ها[2] بحث شد.

دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۶۵ | ۲۹ شوال ۱۴۰۶ — 7 July ۱۹۸۶

در منزل بودم. تا ظهر وقتم به مطالعه گزارش‌ها وانجام تلفنی کارها صرف شد. معمولاً روزهائی‌که در منزل هستیم، کارها را به خانه می‌آورم. عصر آقای [علی]فلاحیان [معاون وزیر اطلاعات] آمد. توضیحاتی درباره اقدامات وزارت داد و درباره برنامه‌های آینده مشورت کرد. از اینکه مسئولیت معاونت امنیت داخلی از ایشان گرفته شده، ناراضی است.

آقای رفیق‌دوست و مسئول صنایع نظامی سپاه آمدند. دو سه ساعت مذاکره کردیم. قسمت عمدهٔ وقت را برنامه تولید وسائل دفاع در مقابل اسلحه‌های شیمیائی گرفت. پیشرفتهای قابل توجهی در امر پل سازی، قایق سازی و تولید وسائل دفاع داشته‌اند. در ساخت مهمات به شیوه ریخته‌گری به جای روش معمول کشش، و در امر ساخت وسائل نیروی دریایی و زیر دریایی، ابتکارات جالبی دارند.

---

۱ ـ در این ملاقات که مسئولان دفاتر نمایندگی امام در سپاه پاسداران، ستاد مرکزی، نواحی و قرارگاه‌ها حضور داشتند، آقای هاشمی با تشریح اهمیت نقش این دفاتر در سازماندهی نیروها، بر ضرورت شرکت فعال روحانیون در جبهه‌ها تأکید کرد. در بخشی از سخنرانی آمده است: "اگر بنا باشد سپاه همیشه حافظ انقلاب باشد، نیاز به فداکاری و ایثارگری دارد و روحیه ایثارگری، همواره نیاز به هدایت‌گر و معلم دارد. از بیرون، حضرت امام این نیاز را رفع می‌کنند و از درون افرادی مانند شما، این ترکیب را حفظ می‌کنند، اگر تا دیروز مثلاً هزار روحانی به جبهه‌ها اعزام می‌شد، امروز باید چهار برابر آن به جبهه اعزام شوند و در این رابطه از روحانیان سطح بالا و از جامعه مدرسین هم استفاده کنید و در جبهه‌ها، ضمن رسیدگی به واحدها، به واحدهای ارتش هم سر بزنید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی در گزارشی اعلام کرد که شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در خرداد ۱۳۶۵ نسبت به ماه قبل، ۴ درصد افزایش داشته است. این شاخص در مقایسه با رقم خرداد سال قبل ۱۶ درصد ترقی نشان می‌دهد. براساس این آمار، متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران طی سه ماه اول سال ۶۵ به میزان ۱۲/۴ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش یافته است. در ادامه این گزارش، افزایش قیمت بسیاری از کالاهای اساسی در مدت مذکور مورد تأیید قرار گرفته است.



سخنرانی در اجتماع پنج هزار نفری بسیجیان سلحشور در ورزشگاه آزادی





آقای محسن رضایی اطلاع داد، امروز درگیری‌های محدودی در جبهه بوده است.

سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۳٦۵ | ۳۰ شوال ۱۴۰٦ | 8 July ۱۹۸٦

تا ساعت ده‌ونیم در جلسهٔ علنی بودم. اطلاع دادند که نیروهای ما در حمله به ارتفاعات جنوب قلاویزان در خاک عراق، پیروزی‌های مهمی به دست آورده‌اند.

در دفترم تا ظهر چند ملاقات داشتم. آقایان آقامحمدی و کمالی آمدند. امام جمعه پاوه از برخورد شهردار پاوه شکایت داشت. آقای نورانی از قم، مدعی تحقیقات وسیع درباره خواص داروهای گیاهی بود و کمک می‌خواست. قرار شد از طریق دانشگاه آزاد اسلامی رسیدگی و در صورت مفید دیدن کمک کنیم.

عصر آقای حافظ ریاض از علمای پاکستان با جمعی از طلاب آمدند و درباره اوضاع پاکستان توضیحاتی دادند. مدعی بودند طرفداران خانم [بی‌نظیر]بوتو در پاکستان، بیشتر از حامیان جناح حاکمند. محرومان هم حامی حزب مردم هستند و درباره موضع شیعه در مقابل دو طرف مشورت کرد.

در جلسه فاتحه برای ابوی آیت‌الله خامنه‌ای در مدرسه شهید مطهری شرکت کردم. دکتر [هادی]منافی و همکارانش در [سازمان حفاظت از]محیط زیست آمدند و از مشکلات کارشان و خطرهای عدم مراعات مقررات محیط زیست گفتند. تأکید کردم مسأله تالاب انزلی را حل کنند.

اطلاعات ارتش آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. آقای خسرو تهرانی آمد و از کیفیت برخورد با او و رفقایش در جریان رسیدگی به پرونده انفجار نخست وزیری شاکی بود[2].

---

۱ ـ در این دیدار که مسئولان واحد حفاظت و اطلاعات ارتش جمهوری حضور داشتند، آقای هاشمی با اشاره به حساسیت ارتش در نظام‌های سیاسی، به ویژه در جمهوری اسلامی که به خاطر اهداف انقلابی و اسلامی خود مورد هجوم دشمنان قرار دارد، بر مسئولیت خطیر ارتش در حفاظت از مرزوبوم تأکید کرد و گفت: "نفوذ دشمن در همه جا خطرناک است، اما در ارتش بیشتر از جاهای دیگر می‌تواند مضر باشد و سلامت محیط ارتش، مسأله‌ای است که به سلامت کشور کمک می‌کند و خیال مردم را راحت می‌سازد؛ چرا که مردم با وجود ارتش صالحی که مرزهایشان را حفظ می‌کند، آسوده زندگی کرده و در تلاش‌ها شرکت می‌کنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای خسرو قنبری تهرانی یکی از مبارزان مسلمان قبل از انقلاب بود که به خاطر مبارزه با رژیم ستم شاهی، سالهایی را در زندان گذراند. وی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ با حکم شهید محمد علی رجایی به سمت معاون نخست وزیر و رئیس دفتر اطلاعات و تحقیقات

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سرهنگ ترابی آمد و طرح تصرف اسکله‌های البکر والعمیه عراق را توسط نیروی دریایی آورد. گفتم با سپاه هماهنگ نمایند. تا ساعت نه شب در دفتر کارم کارها را انجام دادم. امروز کسالت داشتم؛ کمی تب و خستگی.

چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۶۵ | ۱ ذیقعده ۱۴۰۶ — 9 July ۱۹۸۶

پس از شروع جلسه علنی مجلس، برای سخنرانی در سمینار طرح فرماندهان بسیجی به ورزشگاه [آزادی] رفتم[1]. بناست از افراد بسیجی برای کار [آماده سازی] پانصد گردان جدید التاسیس سپاه استفاده شود[2]. ساعت یازده برگشتم. خانم توحیدی از فریمان برای شکایت از نماینده خودشان و گزارش وضع آنجا آمد.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. عموزاده محسن از رفسنجان آمد. با آقای میری مدیر عامل [مس]سرچشمه اختلاف پیدا کرده است. شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. درباره

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نخست وزیری منصوب شد و به کشف و خنثی سازی توطئه‌های ضدانقلاب و برخورد با عوامل جاسوسی پرداخت. آقای تهرانی این سمت را درکابینه آیت‌الله مهدوی کنی و مهندس میرحسین موسوی نیز حفظ کرد و تا سال ۱۳۶۳ که عملاً وزارت اطلاعات تشکیل شد، این وظیفه را به انجام رساند. وی پس از حادثه هشتم شهریور و شهادت محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر در پرونده مربوط به این حادثه مدت کوتاهی بازداشت شد. پرونده مزبور در سال ۶۵ به دستور امام خمینی(ره) مختومه گردید. عامل سوءقصد هشتم شهریور فردی به نام مسعود کشمیری بود که متواری گردید. دکتر تهرانی در دولت آقای محمد خاتمی، مشاور رئیس جمهور بود.

۱ - سمینار سراسری پنج هزار نفری فرماندهان بسیجی (طرح مالک اشتر تا اسامه) در سالن ۱۲ هزار نفری استادیوم آزادی برگزار شد. در این سمینار آقای هاشمی گفت: "طرح مالک اشتر به دلاوران از تبار مالک اشتر نوید می‌دهد برای ایجاد تحول وارد جبهه‌ها شوند. وضع جبهه‌ها و شرایط منطقه و دنیا، یک آمادگی جدی را مطالبه می‌کند. بعد از عملیات والفجر هشت در شرایط سیاسی منطقه تحولی ایجاد شد و شرایط دنیا تا حدودی بستگی به شرایط جبهه‌ها دارد. همان طور که امام فرموده‌اند امسال سال پیروزی است و امیدواریم سالی باشد که اهداف مقدس ما تحقق یابد و سربازان خوبی برای رهبر باشیم و به اهداف جنگ تا پایان سال دست یابیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - در این روز فرمانده کل سپاه پاسداران طی نامه‌هایی به فرماندهان نواحی مختلف کشور، برنامه ریزی تعهدات نیروی انسانی آنان را به نیروی زمینی سپاه، برای سال ۱۳۶۵ ابلاغ کرد که طبق آن در سال جاری، نواحی مذکور می‌باید در مورد جذب و تأمین حدود ۴۸۰ هزار نیرو، شامل ۹۵ هزار پاسدار و ۱۶۰ هزار سرباز و ۲۲۰ هزار بسیجی، اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین با توافق سپاه پاسداران و وزارت آموزش و پرورش، تعدادی از نیروهای داوطلب آموزش و پرورش خود را به عنوان مأمور برای گذراندن دوره آموزش فرماندهی از ردهٔ گردان به پایین، به سپاه پاسداران معرفی می‌کنند. این افراد بایستی دوره آموزش نظامی را گذرانده و حداقل دوبار در عملیات شرکت کرده باشند. مدت مأموریت اینان یک سال می‌باشد که قابل تمدید است. افزون بر این اقدامات، عزیمت کاروان‌های مختلف رزمی و تخصصی متشکل از نیروهای داوطلب مردمی و بسیجی از سراسر کشور به سوی جبهه‌ها نبرد ادامه دارد.

سناریوی کار با فرانسه که توسط آقای معیری ارائه شده تصمیم‌گیری کردیم و متن پیشنهادی به امام در مورد نصب صیاد شیرازی در شورای‌عالی دفاع تایید شد. شب در مجلس خوابیدم*.

پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۵ | ۲ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۱۰ July ۱۹۸۶

قبل از شروع جلسه درباره عدم امکان طرح گزارش کمیسیون ویژه [رسیدگی به] بیانیه الجزایر در جلسه علنی صحبت کردم. ۱۲۰ نفر نماینده خواستار طرح آن شده‌اند[1]. رفسنجانی‌ها تماشاچی جلسه بودند. شعار دادند. آقای [مرتضی]فهیم [کرمانی]آمد، اعتراض داشت.

ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشت. طرح عملیات نیروی دریایی در اسکله العمیه عراق مطرح بود که تصویب شد. گزارش عملیات مهران توسط آقای [علی]شمخانی ارائه شد. آقای [محسن]نوربخش آمد و اظهار آمادگی برای ادامه خدمت در بانک مرکزی داشت. وزیر اقتصاد با ایشان مخالف است.

فرماندهان سپاه آمدند. درباره مواضع موشکهای ساحل به دریای چین و عملیات آینده مذاکره شد. عصر هیأت سوری [متشکل از] سه وزیر اقتصاد، صنایع و نفت بـه ملاقات آمـدند. استمداد کردند. دکتر [عباسعلی]زالی [وزیر کشاورزی] آمد. موفقیت‌های کشاورزی و طرحـها را گـفت و برای رفع مشکلات استمداد کرد.

آقای [ایرج]صفاتی [دزفولی] رئیس دیوان محاسبات آمد. گزارش داد و از کمی بودجه وعدم همکاری کمیسیون محاسبات گله داشت. آقای فومنی حائری سفیرمان در امارات آمد. از لزوم انسجام برنامه تجارت ما در امارات گفت. آقای رهنما آمد و از عدم همکاری بانک مرکزی با صادر کنندگان شاکی بود. سفیرمان در بنگلادش آمد. وضع آنجا راگفت و لزوم توجه بیشتر به آنجا را خواستار شد.

---

* ـ در پی بازگشت ناموفق مک‌فارلین و همراهان وی از تهران در هفتم خرداد سال ۶۵، در این روز، منوچهر قربانی‌فر ـ دلال اسلحه و یکی از عوامل اصلی ترتیب دهنده سفر مزبور ـ در نامه‌ای به محسن کنگرلو رابط ایرانی خود، به بررسی تأثیرات آزاد شدن "مایرفرد" یکی از گروگان‌های آمریکایی در بیروت بر ارسال سلاح، تغییر رفتار آمریکا و اصلاح مواضع سیاست خارجی‌اش در مورد جمهوری اسلامی و همچنین انتظارات متقابل آمریکا از ایران پرداخت. برای مطالعه متن این نامه رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک‌فارلین، محسن هاشمی، حبیب‌الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۱ ـ در این نامه نمایندگان درخواست کردند تاگزارش کمیسیون ویژه رسیدگی به بیانیه الجزایر و مسایل مربوط به دعاوی ایران و آمریکا در دستور کار مجلس قرار گیرد. مجلس این کمیسیون را در سال ۶۵ به منظور تحقیق در نحوه عملکرد دستگاه اجرایی مربوط به هیأت داوری دعاوی ایران و آمریکا تشکیل داده بود.

خبر رسید امشب در مهران پیروزی جدیدی بدست آمده است[۱]. آقای محسن رضایی از اردبیل، از تصویب طرح نیروی دریایی [درخصوص اسکله العمیه] اظهار نارضایتی کرد.

جمعه ۲۰ تیر ۱۳۶۵ | ۳ ذیقعده ۱۴۰۶ | 11 July 1986

در منزل بودم. امامت جمعه [در تهران] را آقای موسوی اردبیلی اقامه کردند. پیش از ظهر احمدآقا آمد. در مورد متن حکم امام در خصوص تعیین صیاد [شیرازی] و [محسن رفیق‌دوست] وزیر سپاه در شورای‌عالی دفاع مذاکره کردیم.

عصر مصاحبه مفصلی با مجله پاسدار اسلام [ارگان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم] درباره جنگ داشتم[۲]. تلفنی اطلاع دادند که نیروی دریایی برای تصرف اسکله العمیه آماده عملیات شده ولی نیروی هوایی نتوانسته ماموریت خود را انجام دهد و نواخت توپخانه سپاه هم قوی نیست.

---

۱ ـ با پایان یافتن عملیات کربلای یک سپاه پاسداران، در منطقه عمومی مهران که منجر به آزادسازی شهر مهران و تسلط نیروهای خودی بر ارتفاعات منطقه گردید، امروز نیروی زمینی سپاه، یک دستورالعمل پدافندی به نیروهای تحت امر در منطقه مذکور، ابلاغ کرد. طبق این دستورالعمل، قرارگاه نجف به منظور تثبیت خط منطقه عملیاتی کربلای ۱ با استفاده از یگان‌های تحت امر خود شامل تیپ ۲۱ امام رضا (ع)، تیپ ۱۵ امام حسن (ع)، لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)، لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)، لشکر ۵ نصر، تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) و لشکر ۴۱ ثارالله، به پدافند از منطقه مذکور می‌پردازد.

در هنگام تثبیت خطوط، لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)، باقی مانده یال‌های ارتفاع ۲۲۳ را در غرب این ارتفاع تصرف کرد. در این عملیات، قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ ارتش عراق به تصرف درآمد و حدود سه گردان از نیروهای دشمن منهدم شدند و ۷۰ تن از آنان به همراه یک فرمانده تیپ به اسارت درآمدند. همچنین در این عملیات نیروهای اسلام ۱۰ تانک سالم را به غنیمت گرفتند و ارتفاع ۱۹۰ آزاد گردید. عملیات مزبور در واقع آخرین پیشروی نیروهای خودی در عملیات کربلای یک است و از این پس، نیروها به تثبیت و تحکیم مواضع تصرف شده و تقویت خطوط پدافندی موجود می‌پردازند. به این ترتیب عملیات کربلای یک با پیروزی کامل و دست یابی به اهداف به میزان بیش از ۱۰۰ درصد اهداف تعیین شده، به پایان رسید و نیروهای خودی با تسلط کامل بر قله ۲۲۳ و یال‌های آن، تا ۱/۵ کیلومتر از این ارتفاع به سمت غرب گسترش یافتند. از سوی دیگر، دومین کاروان اسیران عراقی عملیات کربلای یک با ۶۰۰ اسیر وارد اصفهان شد و مردم این شهر ضمن حضور در مسیر عبور آنها، با شرکت در یک تظاهرات خیابانی، شعارهایی را در حمایت از ادامه جنگ تا پیروزی نهایی سردادند.

۲ ـ این مصاحبه با عنوان "نقش توطئه‌ها در تسریع پیروزی نهایی" منتشر شد و در آن مطالبی در خصوص توطئه سقوط قیمت نفت، اهمیت فتح فاو، وضعیت جبهه‌های جنگ، ستاد پشتیبانی جنگ، وضعیت اقتصادی کشور و نتیجه توطئه دشمنان مطرح شده است. در بخشی از این مصاحبه که جنجال بسیاری به پاکرد، آمده است: "کشورهای جنوب خلیج فارس که حامی عراق هستند و عراق از منابع نفتی آنها تغذیه می‌کند، باید بدانند که اگر بنا شد مراکز اقتصادی زده شود، آنها را هم به حساب عراق خواهیم گذاشت". این مصاحبه در شماره مرداد به چاپ رسید و بازتاب بسیار زیادی در محافل سیاسی دنیا داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



اعضای شورای نگهبان قانون اساسی

شنبه ۲۱ تیر ۱۳۶۵ | ۴ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۱۲ July ۱۹۸۶

از برنامه تسخیر اسکله العمیه استخبار کردم. معلوم شد نتوانسته‌اند تصرف کنند، اما مدعی هستند که یک هواپیما و دو هلی‌کوپتر عراق را سرنگون و دو قایق را غرق کرده‌اند[1].

---

۱ ـ اطلاعیه شماره ۲۵۲۹ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران حاکی است که در ساعت ۲۲/۳۰ امشب «اسکله العمیه عراق مورد حمله تکاوران نیروی دریایی ارتش قرار گرفت و به تأسیسات آن خسارت‌های بسیاری وارد شد. دو فروند از واحدهای شناور دشمن نیز در این عملیات با آتش شناورهای نیروی دریایی جمهوری اسلامی منهدم شدند."

طبق طرح عملیات مذکور، که قبلاً در جلسه‌ای با شرکت فرماندهان نیروی هوایی و ستاد مشترک ارتش، سپاه پاسداران و آقای هاشمی بررسی شده بود ـ می‌بایست ۸ قایق «اف.اچ.سی» به همراه یک یا دو فروند «روتورگ» به اسکله حمله می‌کردند و چند فروند «روتورگ» و «مینی روتورگ» مسلح به توپ ۲۳ و ۱۰۶ میلی متری پشتیبانی نزدیک آنها را انجام می‌دادند. یک شناور «اف.اچ.سی» به همراه ۵ فروند «ریجندر» مسئول تأمین دهانه خور عبدالله بودند تا آن را ببندند و همین تعداد شناور نیز وظیفه داشتند که بین دو اسکله البکر و العمیه (حدود ۱۱ کیلومتر) پخش شوند تا از نزدیک شدن شناورهای دشمن به اسکله العمیه جلوگیری کنند. پیش بینی شده بود که دو یا سه ناوچه موشک انداز «کلاس پیکان» از نوع «لاکومپاتان» برای پشتیبانی آتش ـ از دور ـ شناورهای عمل کننده، به منطقه آورده شوند. براساس پیش بینی‌ها تلاش شد که برای فریب دشمن از هدف‌های کاذب استفاده شود و به این منظور یک کشتی مستعمل جهت پدافند به منطقه وارد شد.

برخلاف این طرح، تکاوران نیروی دریایی ارتش با شروع عملیات، پیش از رسیدن به اسکله، از راه دور به تیراندازی و شلیک پرداختند و پس از مدتی اجرای آتش، همه آنها ـ بی هیچ آسیبی ـ عقب نشینی کردند. بدین ترتیب عملیات بدون دست‌یابی به اهداف تعیین شده، به اجرای آتش متقابل از راه دور منحصر شد. گفتنی است که در اطلاعیه ستاد مشترک ارتش آمده است که همزمان با عملیات مذکور، شناورها و یگان‌های پدافند

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در جلسه علنی مجلس شرکت کردم. طرح دو فوریتی کیفیت انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان مطرح بود. صف بندی جدی و جو مجلس پشیمانی بود. هدف صاحبان طرح، مبارزه با انتخاب شدن آقایان دکتر [محمدعلی]هادی و [سید محمد]اصغری و [گودرز]افتخار جهرمی است. با کنترل شدید، جلسه را اداره کردم. کلیات طرح رد شد.

نامهٔ پاسخ [آقای ری‌شهری] وزیر اطلاعات در خصوص جعلی بودن اسنادی که اخیراً علیه دکترهادی پخش شده، رسید. گفتم آن را بین نمایندگان توزیع کنند. خوشحال شد.

ساعت سه ونیم بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه مجلس خبرگان در دفترم تشکیل شد. دستور جلسه را تنظیم کردیم. از ساعت چهار تا هفت ونیم جلسهٔ خبرگان داشتیم. مسأله لزوم مرجعیت فعلی رهبر یا عدم لزوم آن مطرح بود. شام را با اعضای خبرگان در سالن کتابخانهٔ مجلس خوردم.

تا دیر وقت کارهای دفترم را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. با نخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی در مورد نحوه برخورد با پزشکانی که تهدید به اعتصاب ۲۴ ساعته کرده‌اند، صحبت کردم.

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۵ | ۵ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۱۳ July ۱۹۸۶

در جلسهٔ علنی امروز مجلس، انتخابات اعضای حقوقدان شورای نگهبان، هیجان زیادی داشت. کشاکش بین دو جناح بود و در مورد دکتر هادی، بالاخره با تفاوت دو رای ـ نودوپنج در مقابل نودوهفت ـ او شکست خورد.

ساعت ده صبح به جلسه شورای‌عالی ستادهای پشتیبانی جنگ رفتم. در مورد اعزام دانشجویان تربیت معلم و دادن وام به ستادهای پشتیبانی و... تصمیماتی اتخاذ شد. آقای خامنه‌ای مریض بود، به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هوایی نیروی دریایی ارتش یک هلی کوپتر «سوپرفرلئون» و یک «میگ ۲۳» ارتش عراق را سرنگون کردند.

دشمن در مقابل اقدامات مذکور، در شب عملیات با عبور دادن دو شناور از خور عبدالله به منظور کمک رسانی به نیروهای خود در اسکله و همچنین شلیک ۵ موشک به طرف نیروهای خودی، تأکید کرد که با هرگونه حمله‌ای به اسکله‌های «العمیه» و «البکر» به شدت مقابله می‌کند. در این باره، عراق در اطلاعیه نظامی شماره ۲۲۸۹ خود اعلام کرد: "در ساعت ۲۳ یک نیروی دشمن متشکل از چند قایق بزرگ و متوسط قصد نفوذ به بندر العمیه را داشتند که در درگیری با نیروهای ما ۶ قایق متوسط، یک کشتی فرماندهی، یک قایق توپدار و تعداد زیادی قایق کوچک که حامل افراد نیز بودند منهدم شدند. همچنین یک یدک کش بزرگ دریایی در حال خروج از جزیره خارک، هدف قرار گرفت و منهدم شد. رادیو آمریکا نیز در انعکاس این عملیات گفت که واحدهای توپخانه ساحلی ایران تأسیسات نفتی عراق را در جنوب آن کشور گلوله‌باران کردند و خسارت‌های فراوانی به آنها وارد کردند."

عیادت ایشان رفتم. ظهر سرهنگ جمالی برنامهٔ آیندهٔ نیروی زمینی را گفت. او عازم ژنو است.

عصر مجلس خبرگان جلسه داشت. سپس هیأت رئیسه خبرگان در دفترم جلسه داشت. قرار شد سند تنظیم شده درباره رهبری آیت‌الله منتظری به امام و آقای منتظری داده شود و خبر آن پخش شود.

ناخدا [محمد حسین] ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی آمد. گزارش حملهٔ ناموفق به اسکله العمیه را داد. مدعی است تجربه خوبی کسب کرده و فهمیده است تکاوران موجود نیرو، عرضه کاری از این قبیل را ندارند و باید عوض شوند، ولی کار بخشی دیگر خوب بوده است. وزرای سوریه به ملاقات آمدند[۱].

شب مهمان نخست وزیر بودیم و بیشتر درباره نطق آقای خامنه‌ای در کنگرهٔ غیر متعهدها در زیمبابوه بحث بود. درباره اعتصاب احتمالی پزشکان برای حمایت از [سازمان] نظام پزشکی هم صحبت کردیم[۲]. امروز عصر توسط [ابراهیم]اسرافیلیان به من متوسل شدند که دکتر حفیظی آزاد و به حرفهایشان توجه شود. گفتم پس از لغو تصمیم اعتصاب، می‌توانند برای مذاکره بیایند. شب در مجلس ماندم*.

---

۱ - پروتکل فروش ۲/۵ میلیون تن نفت به سوریه امضا شد. بر اساس موافقت نامه جدیدی که در پایان سومین دور مذاکرات هیئت نفتی سوریه با وزیر نفت ایران امضاء شد، مقرر گردید که جمهوری اسلامی ایران طی شش ماه از اکتبر ۱۹۸۶ تا پایان مارس ۱۹۸۷ (از نیمهٔ مهر ۱۳۶۵ تا نیمه فروردین ۱۳۶۶) به میزان ۲/۵ میلیون تن نفت به سوریه بفروشد. این هیئت بلند پایه تجاری، نفتی، صنعتی و مالی سوریه با شرکت وزیر اقتصاد و تجارت خارجی، وزیر صنایع، وزیر نفت و ثروت‌های معدنی و تنی چند از مقامات دولتی سوریه برای سفری یک هفته‌ای، از ۱۴ تیرماه به ایران آمده‌اند. رادیو بی بی سی ضمن انعکاس خبر توافق نامه نفتی دو کشور (ایران و سوریه) گفت: "طبق قرارداد قبلی، ایران سالانه ۶ میلیون تن یا روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت در اختیار سوریه قرار می‌داد که ۲۰ هزار بشکه آن به طور رایگان و ۱۰۰ هزار بشکه دیگر در روز با نرخ تخفیفی به سوریه صادر می‌شد، اما سقوط قیمت نفت، اخلال در جریان صدور نفت ایران و مشکلات سوریه در پرداخت بهای نفت خریداری شده، این قرارداد را با مشکلاتی رو به رو ساخت." این منبع افزود: «آنچه مسلم است معامله جدید در مقایسه با قرارداد قبلی، حاوی امتیازات کمتری برای سوریه است." بی بی سی این امتیاز ایران به سوریه را عمل متقابل ایران در مقابل برخورداری از حمایت سوریه در جنگ و بستن لولهٔ نفتی عراق در سوریه، اعلام کرد.

۲ - اعتراض سازمان نظام پزشکی و تهدید به اعتصاب ۲۴ ساعته پزشکان به مطرح شدن لایحه جدید نظام پزشکی در مجلس شورای اسلامی بود. در اطلاعیه گروه آمده است: "لایحه جدید نظام پزشکی، جامعه پزشکی را به اسارت مقامات اجرایی در می‌آورد." این اقدام در وضعیت خاص کشور امری مشکوک تلقی شد و با هماهنگی دستگاه قضایی، نخست وزیر طی حکمی هیأت مدیره نظام پزشکی مرکزی و شهرستان‌ها را به علت عدم صلاحیت منحل کرد و دکتر هادی منافی را تا تعیین تکلیف قطعی این سازمان به سرپرستی سازمان نظام پزشکی ایران منصوب نمود. دکتر حفیظی از بنیانگذاران سازمان نظام پزشکی و دبیر کل آن بوده است.

* - در این روز جنگنده‌های عراقی نفتکش قبرسی "آچیلس" را مورد حمله قرار دادند. این نفتکش که ۲۶۹ هزار تن ظرفیت دارد، در حالی که به منظور بارگیری عازم جزیره خارک بود، هدف یک موشک اگزوسه هواپیماهای عراقی قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی شد که پس از مهار آتش به مسیر خود ادامه داد.

دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۶۵ | ٦ ذیقعده ۱۴۰٦ — ۱۴ July ۱۹۸٦

از ساعت هشت صبح تا ظهر جلسهٔ مجلس خبرگان داشتیم. آقای [صادق]خلخالی در نطق پیش از دستور در جواب آقای [احمد]آذری [قمی]، حرفهای تندی گفت. عصر آقایان [محمد مهدی]دستغیب و [غلامحسین]جمی امام جمعه آبادان آمدند. با آقای جمی درباره جنگ زدگان و حفظ نخل‌های آبادان مذاکره شد.

آقای شیرازی امام جمعه مشهد آمد و از دخالت‌ها در امور اجرایی استان و مخصوصاً کمیته و استانداری گله داشت. توصیه به همکاری و رفاقت کردم. آقای [مصطفی]ایزدی [فرمانده قرارگاه حمزه] آمد و از عملیات مهران گزارش داد. از خود محوری‌ها در سپاه وعدم مراعات ضوابط گله داشت و به ایجاد کنترل از طرف امام در سپاه توصیه می‌کرد.

آقای سرگرد دادبین آمد. از باند حجتّیه در ارتش اظهار نگرانی کرد و درباره فرمانده نیروی زمینی در آینده حرف‌هایی داشت و از حساسیت ارتشی‌ها گفت. آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. درباره اوضاع پاکستان، هند، قبرس و لبنان بحث شد.

شب همراه اعضای مجلس خبرگان، جامعه روحانیت مبارز، شورای نگهبان و شورای‌عالی قضایی مهمان رئیس جمهور بودیم. آقای مشکینی [رئیس مجلس خبرگان رهبری] و من برای حضار صحبت کردیم[1].

رئیس جمهور اطلاع دادند که امام به نخست وزیر فرموده‌اند کسی را به جای رئیس نظام پزشکی نصب کنند و ایشان دکتر [هادی]منافی را نصب کرده است. احمدآقا اطلاع داد که آقای منتظری مخالف سخت گیری و شدت عمل نسبت به پزشکان اعتصابی است.

امروز جمعی از پزشکان به عنوان اعتراض به لایحه نظام پزشکی، دست از کار کشیده بودند ولی امام به آقای منتظری پیغام داده‌اند که در این امر دخالت نکنند، تا نیروهای امنیتی و قضائی وظیفه خود

---

۱ ـ آقای هاشمی در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری - در ضیافت شامی که آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور برای آنان تدارک دیده بود - اظهار امیدواری کرد که طبق یک طرح جدید و آینده‌ای نزدیک، جنگ به جایی برسد که تمام حقوق جمهوری اسلامی تأمین شود. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "عملیات فاو و مهران به دنیا ثابت کرد که ما توانایی پایان جنگ را از طریق نظامی داریم... برنامه‌ریزی ما برای خاتمه جنگ بسیار جدی است. طبق طرح جدید قرار بر این است که سپاه حداقل ۵۰۰ گردان مجهز را برای اجرای عملیات آماده کند و نیروهای ارتش نیز با امکانات اضافی، توانایی‌های خود را بیشتر و قوی‌تر نمایند. درگام بعدی ۱۰۰۰ گردان توسط سپاه تجدید سازمان خواهد شد. این طرح بسیار جدی است وکار فراوان و فشرده‌ای را لازم دارد که مسایل مالی، تسلیحاتی و آموزشی آن تأمین شده و با توکل به خدا با موفقیت اجرا خواهد شد."

را انجام دهند. شب در مجلس ماندم*.

سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۳۶۵ | ۷ ذیقعده ۱۴۰۶ — 15 July 1986

صبح در جلسه علنی مجلس شرکت کردم. ساعت نه صبح به دفترم آمدم. آقای شاملو از اداره قوانین مجلس برای کارهای اداری آمد. سعیدالذاکرین [معاون روابط عمومی مجلس] برای کسب اجازه انتقال به شرکت نفت آمد.

آقای ری‌شهری آمد و درباره باندی که شبنامه به نفع ارتش و علیه سپاه پخش می‌کنند، مذاکره کردیم. تا حدودی به آنها رسیده‌ایم. از موفقیت‌هایی در نفوذ در عناصر ضد انقلاب و نیز از ضربه‌ای که امروز در خاک عراق به نیروهای قرارگاه رمضان وارد آمده گزارشی داد.

پیش از ظهر در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. ظهر سفرا و کاردارانمان در کشورهای آفریقائی و عربی آمدند. برای آنها صحبت کردم[۱]. عصر آقایان هادی و روحانی آمدند. درباره تحسین روابط با فرانسه و انگلیس و اجازه به انگلیس برای معرفی سفیر تأکید داشتند.

عصر مجلس خبرگان جلسه داشت. بحث با اصرار آقای خامنه‌ای بر لزوم عدم تفکیک رهبری و مرجعیت متمرکز شد و ناتمام ماند. شب جمعی از نمایندگان که عازم اردوگاه آموزش نظامی برای رفتن به جبهه هستند، آمدند[۲]. آقای [صادق]احسانبخش امام جمعه رشت آمد. از نیازهای استان

---

* ـ در این روز امام خمینی(ره) فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، طی حکمی دو عضو جدید به شورای عالی دفاع افزودند. متن حکم حضرت امام چنین است: "بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. برای فعال کردن هر چه بیشتر و بهتر قوای مسلح کشور ضرورت دارد از تجربه اشخاصی که در متن مسائل جنگ بوده‌اند، استفاده هر چه بیشتر شود. بدین سبب سرکار سرهنگ صیاد شیرازی، و وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تا پایان جنگ به عضویت شورای عالی دفاع منصوب می‌نمایم، از خداوند متعال توفیق همگان را در خدمت به اسلام و کشور مسئلت می‌نمایم. روح‌الله الموسوی الخمینی. ۲۳ تیر ماه ۱۳۶۵." رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۷۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "از مجموعه برخوردها و شرایط کشور ما و منطقه و دنیا، من احساس می‌کنم که دنیا و آنها که امکانات و نظراتشان در دنیا سرنوشت ساز است. در مورد ما بر سر دو راهی قرار گرفته‌اند و این پا و آن پا می‌کنند. گاهی به طرف ما تمایل پیدا می‌کنند و گاهی ضد ما می‌شوند. جمهوری اسلامی یک واقعیت است که دنیا باید با آن کنار بیاید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این ملاقات ابتدا مسئول بسیج نمایندگان مجلس شورای اسلامی گزارشی از فعالیت‌های انجام شده و استقبال نمایندگان از این امر و نحوه آموزش ارائه کرد. سپس آقای هاشمی در سخنانی گفت: "با توجه به تصمیمات متخذه در جهت خیزش عمومی برای پایان دادن به جنگ و پیروزی در میدان نبرد در سال جاری، اعزام نمایندگان برای دیدن دوره و حضور آنان در قرارگاه‌ها یا لشگرها می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی در این راستا داشته باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

[گیلان] گفت، از جمله تأمین نیازهای کارخانه‌های چای و... آقای علی محمد دستغیب آمد. از تعادل خودش در برخورد با آقای [محی‌الدین]حائری [شیرازی] گفت و از تندی برادرش [آقای محمد مهدی دستغیب] و [احمد]نجابت گله داشت. شب در مجلس ماندم.

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۵ | ۸ ذیقعده ۱۴۰۶ — ١٦ July ١٩٨٦

تا هنگام تنفس در جلسه علنی ماندم. گرما زده و خسته بودم. آقای هادی غفاری به دفترم آمد و از روزنامه رسالت و خط مقابل اظهار ناراحتی کرد.

نامه‌ای در مورد آموزش سریع پرسنل ضد هوایی‌ها و ساحل به دریاها به نخست وزیر چین نوشتم که آقای [حمید]میرزاده [معاون نخست وزیر] به چین ببرد. عصر در جلسه مجلس خبرگان شرکت کردم. بحث عدم تفکیک مرجعیت از رهبری مطرح بود. گرچه به نتیجه مصوب رسمی نرسیدیم، ولی در پایان رای تمایل حضار به لزوم وحدت رهبر و مرجع اظهار شد.

شب سران قوا و احمد آقا مهمان من بودند. در این جلسه درباره فرمانده نیروی زمینی بحث کردیم که قرار شد آقای [حسین]حسنی سعدی باشد. دربارهٔ کالاهای [مانده] در خارج بحث شد و هم دربارهٔ پیشنهادی درخصوص دادن چند میلیارد دلار نقد به ایران که نفت آن را در سالهای بعد ببرند[1].

---

۱ ـ در مقابله با وضعیت نابسامان اقتصاد، برخی تلاش‌های به ثمر رسیده ایران مورد توجه محافل اقتصادی جهان قرار داشت: از جمله به گزارش نشریه اقتصادی «میدل ایست اکونومیست»، صادرات نفتی جدید ایران از پایانه نفتی «لارک» باعث کاهش نرخ بیمه نفتکش‌ها در خلیج فارس شده است. مطابق این گزارش، کمیته نرخ بندی بیمهٔ نفتی در لندن مرکب از شرکت‌های بیمه جهان اعلام کرده است که این کمیته نرخ بیمه خود را از ۲۵ درصد به ۱۰ درصد کاهش داده است. در حال حاضر صادرات نفتی ایران از جزیره «خارک» علی رغم حملات هوایی عراق به طور عادی ادامه دارد و جمهوری اسلامی ایران روزانه یک میلیون و ٦۰۰ هزار بشکه نفت از این پایانه صادر می‌کند.

مفسران علی رغم به ثمر رسیدن این گونه تلاش‌ها و تداوم صدور نفت ایران در وضعیت به شدت مشکل جنگ کشتی‌ها، غالباً می‌گویند: ایران در تنگنای اقتصادی شدیدی قرار دارد. «دیوید هرست»، مقاله نویس آمریکایی در این باره می‌نویسد: «فشار مالی که عراق را تاکنون سخت در تنگنا قرار می‌داد، اکنون ایران را نیز بیش از هر زمان تحت فشار قرار داده و تولیدات صنعتی و کشاورزی کماکان رو به تنزل است. لااقل ده میلیون بیکار و احتمالاً حدود چهار میلیون تن کم کارند. میزان تورم سالانه به حدود ۵۰ درصد می‌رسد و فقط کمک کلان مالی دولت است که از افزایش سرسام آور بهای مواد غذایی جلوگیری می‌کند و مردم را از عسرت و گرسنگی می‌رهاند. اقتصاد ایران اکنون بیش از هر زمان دیگر متکی به عواید نفت است. ماه مارس سال جاری (اسفند ۱۳٦۴) مجلس بودجه‌ای به تصویب رساند که مبلغ آن از عایدی نفت به میزان ۱۸ میلیارد و ٦۰۰ میلیون دلار بود ولی یک ماه و نیم پیش وزیر نفت این امتیاز را به ده و نیم میلیارد دلار کاهش داد، حتی این رقم بیش از حد خوشبینانه است. زیرا اگر ایران صدور نفت را در حد یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز نگاه دارد، با توجه به بهای کاهش یافته نفت، احتمال نمی‌رود که از آن بابت در سال جاری بیش از پنج الی هفت میلیارد دلار نصیب کشور شود."

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شب را در مجلس ماندم. تمام این هفته به خانه نرفتم. برای فرماندهان ارتش و سپاه از امام وقت ملاقات گرفتم و ابلاغ کردم.

پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۵ | ۹ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۱۷ July ۱۹۸۶

به علت تاخیر چند نماینده، جلسه با سه چهارم ساعت تأخیر، رسمی شد. قبل از شروع از بی نظمی نمایندگان انتقاد کردم و تهدید به اجرای کیفرهای پیش بینی شده کردم. تا آخر در جلسه بدون تنفس ماندم و بعضی از مرخصی‌ها را لغو کردم.

بعضی از نمایندگان آمدند و از حمایت شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز به اتفاق آراء از آقای ناطق [نوری] اظهار ناراحتی کردند. دنبال راهی هستند که اتفاق آراء نباشد که به معنای حمایت من و آقای خامنه‌ای از ایشان است.

عصر فرستادگان ویژه سرهنگ قذافی آمدند و پیشنهاد همکاری ما و لیبی برای مبارزه با توطئه سقوط قیمت نفت را داشتند. نکاتی مطرح کردم و قرار شد پس از بردن پیام ما برای آقای قذافی جواب بدهند. آقای کنگرلو آمد و پیشنهاد جدید آمریکایی‌ها را در خصوص دادن امتیاز برای جلب کمک ما به آزادی گروگانها را آورد. امشب بعد از یک هفته به منزل رفتم.

جمعه ۲۷ تیر ۱۳۶۵ | ۱۰ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۱۸ July ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم برای خطبه‌ها مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. عصر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌توان در بررسی اقتصادی فوق و نیز بررسی‌های عدیده دیگر، تأثیر قیمت‌ها یا جنگ نفت علیه ایران را مشاهده کرد. به تدریج این امری پذیرفتنی می‌گردد که با اقدامات همه جانبه‌ای که عمدتاً در چارچوب جنگ اقتصادی علیه ایران و مهار پیروزی‌های همه جانبه در جنگ صورت گرفته است، قیمت نفت روز به روز کاهش می‌یابد، اما این سقوط هنوز امری عادی نشده است، فی المثل روزنامه «لاریوبلیکا» چاپ ایتالیا در شماره امروز خود نوشت: "بازار نفت دیوانه شده است، تمامی سطوح قیمت‌هایی که کارشناسان تصور می‌کردند دیگر پایین‌تر از آن نخواهد آمد، ماه به ماه و روز به روز شکسته می‌شود. روز دوشنبه (۱۳۶۵/۴/۲۳) نفت خام استخراج شده از دریای شمال (نفت برنت) به پایین‌ترین قیمت خود در ۱۲ سال اخیر یعنی به بشکه‌ای ۹ دلار رسید و صبح دیروز (۱۳۶۵/۴/۲۴) هر بشکه به قیمت ۸ دلار و ۸۰ سنت و بعد از ظهر دیروز هر بشکه به قیمت ۸ دلار و ۶۵ سنت معامله شده است. در همین حال خبر رسید که نفت «دوبی» به بهایی کمتر از ۸ دلار به فروش رسیده است. از ژنو نیز خبرهایی مبنی بر مبادله پایاپای بی نهایت با صرفه نفت و کالا بین ایران و اروپا مخابره شده است."

۱ ـ آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه امروز ضمن تشریح وضعیت کنونی جنگ، کاهش قیمت نفت را توطئه استکبار جهانی و هدف آن را

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

وقتم را بستگان گرفتند. خانواده آشیخ محمدهاشیمان، همشیره صدیقه و بچه‌هایش و نیز بچه‌های مرحوم اخوی حاج قاسم آمدند. آقای سرهنگ جمالی از سوئیس تلفنی گفت سخنرانان سمینار که کارشناسان قدرت‌های نظامی هستند، نوعاً از شکست عراق و رفتنی بودن صدام حرف می‌زنند.

شنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۵ | ۱۱ ذیقعده ۱۴۰٦ — ۱۹ July ۱۹۸٦

آقای [علی]شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] آمد، وضع جبهه‌ها را گفت و در خصوص مطالبی که باید در جلسه فرماندهان سپاه مطرح شود، مذاکره شد.

ساعت هشت صبح همراه با فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌های ارتش و سپاه به زیارت امام رفتیم. قبل از ملاقات در حیاط منزل امام، خدمتشان رسیدم و درخواست کردم که درباره اتحاد ارتش و سپاه و لزوم تداوم عملیات و مهلت ندادن به صدامیان و لزوم شرکت بیشتر مردم در جبهه چیزی بفرمایند.

در حیاط کوچک بیرونی امام که حدود هفتاد نفر گنجایش دارد، جلسه تشکیل شد. مقدمتاً من چند جمله‌ای صحبت کردم و عید را تبریک گفتم. امام مفصل صحبت کردند[1]. همگی فرماندهان موفق

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بازداشتن ایران از ادامه جنگ دانست و افزود: "امروز ما در بحبوحهٔ یک مبارزهٔ بسیار بسیار جدی و حیاتی قرارگرفته‌ایم. استکبار غرب برای گرفتن یکی از دست آوردهای انقلاب اسلامی برنامه ریزی کرده است و یک بخش آن این است که قیمت نفت را که بر اثر انقلاب اسلامی بالا رفت و چند برابر شد، از ما بگیرد و تا امروز هم در این کارش موفق بوده است. این چند ماهه، دورهٔ موفقیت اقتصادی غرب است و البته این یک تهاجم اقتصادی صرف نیست، به خیال غرب یک تهاجم اقتصادی، سیاسی و نظامی است و شاید کانون مبارزه ما باشیم ولی او می‌خواهد کل منطقه را هم خلع سلاح کند. آنها با این اقدام [کاهش قیمت نفت] می‌خواهند با یک تیر چند نشان بزنند و مهم‌ترینش این است که می‌خواهند دست ما را در جنگ تحمیلی خالی کنند. ما در این جنگ آن چنان برنامه‌ریزی کرده‌ایم که این توطئه را نیز شکست خواهیم داد و چنان که آثار این برنامه را در «فاو» و «مهران» دیده‌ایم، این توطئه نیز نتیجه معکوس خواهد داشت. این برنامه ان شاءالله در آینده آثار عظیم‌تری از گذشته خواهد داشت." ایشان ضمن اشاره به دستگیری یک جاسوس آمریکایی که با پاسپورت ایتالیایی در ایران مشغول به کار بوده است، از اعلام اعتصاب جمعی از پزشکان، به عنوان اقدامی هم جهت با توطئه جهانی دشمنان برای بر هم ریختن وحدت کشور در وضعیت کنونی و بهره برداری از کمبودهای ناشی از ذهنیت کنونی اقتصادی کشور نام برد و گفت: "دشمنان انقلاب فکر می‌کنند جامعه ما به خاطر کمبود امکانات اقتصادی تأثیرپذیری خواهد داشت. آنها می‌خواهند از عواملی که خیال می‌کنند در جامعه وجود دارد برای در هم ریختن وحدت جامعه استفاده کنند." خواسته صنفی مورد قبول است اما مبارزه با انقلاب قابل قبول نیست. شما آن قدر امتیاز دارید که گرفتن امتیاز از شما برای کیفر دادن‌تان کافی است. بنابراین، جریاناتی که آمریکا روی آنها حساب باز کرده، گمان نکنند که از آب گل آلود می‌شود ماهی گرفت." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ که به مناسبت تولد امام رضا(ع) انجام شد، ابتدا آقای هاشمی در گزارشی به فرمانده کل قوا، به آمادگی نیروهای رزمی جمهوری اسلامی برای به دست آوردن پیروزی نهایی اشاره کرد و با توصیف وضعیت متزلزل دشمن، گفت: "خبرهایی که ما از داخل عراق و ناظران خارج از عراق

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شدند دست امام را ببوسند و چون معمولاً در ملاقات‌های عمومی، چنین توفیقی نیست، خیلی خوشحال بودند.

از ساعت نه ونیم تا یازده ونیم در حسینیه جماران با فرماندهان سپاه برای شنیدن نیازها و حرفهای آنان و تصمیم‌گیری در امر جنگ جلسه داشتیم. تب داشتم. با صرف قرص مسکن توانستم جلسه را تحمل کنم. آقای [محمد]باقری مسئول اطلاعات [نیروی زمینی] سپاه از به هم خوردن تعادل ارتش عراق و ضعف قدرت بازسازی آنها و لزوم توالی حملات ما گفت. موفقیت‌های مهران روحیه رزمندگان ما را قوی کرده است. لشکرها، نیروهای داوطلب موجود کم دارند. از آنها خواستم با ترکیب نیروهای خود، اقدامی برای انجام دستور امام در خصوص تداوم عملیات بشود. عصر احمد آقا

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

داریم، نشان می‌دهد که سه حرکت قاطع اخیر باعث شده است که ماشین جنگی عراق رو به ضعف و زوال برود و علی رغم توطئه دشمنان، روحیه سربازان اسلام روند تکاملی دارد."

سپس امام خمینی (ره) به تعیین وظایف و چارچوب حرکت نیروهای مسلح در جنگ و تأکید بر لزوم تسریع و مداومت در عملیات علیه دشمن، پرداختند و فرمودند: "بر همه واجب است که دفاع کنیم از اسلام. امروز قضیه، قضیهٔ دفاع است... این یک فریضه است بر همه ما و از اهم فرائض است؛ یعنی حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است. شما در جبهه‌ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند، می‌رود و تجهیز بیشتر می‌کنند و شما را به زحمت می‌اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید، الان در اضطراب است، نگذارید که از اضطراب بیرون بیاید. باید همه ملت ایران در این امر شرکت داشته باشند. مسأله، مسأله یک حکومت نیست. مسأله، مسأله یک جبهه نیست، مسأله، مسأله اسلام است."

امام خمینی در بخش دیگری از سخنان خود فرمودند: "شما گمان نکنید که اتکا به ماورای خدا برای ما بتواند کارگشایی بکند؛ اتکای به خدا بکنید که اگر یک روز ما اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت. اخلاص پیدا کنید در کارهایتان، اتکای خودتان را به خداوند تبارک و تعالی قوی کنید که تصور نصرت بدون اتکا [به] او حاصل نمی‌شود. شما در آن ملاحظه کنید که قدرت‌های بزرگی که اتکا دارند به آن سلاح‌های عجیب و غریب خودشان، در اضطراب دارند زندگی می‌کنند. گمان نکنید کاخ سفید و کاخ کرملین الان آرام نشسته و آرام زندگی می‌کند، آنها با اضطراب زندگی می‌کنند و این اضطراب به خاطر این است که آنها تبع شیطان هستند و شیطان نمی‌گذارد طمأنینه پیدا شود. شما بخواهید که اضطراب نداشته باشید و ایمان‌تان را قوی بکنید، بدانید که نصرت دنبالش است. اول باید اخلاصتان را قوی کنید، ایمان‌تان را قوی کنید بعد بروید دنبال کار آن طوری که خداوند تبارک و تعالی فرموده است و این اخلاص و ایمان شما را قوی می‌کند و روحیه‌تان را بالا می‌برد... و من به شما سفارش می‌کنم که بعد از اخلاص، اتحاد را، وحدت را، اگر اخلال به این وحدت، شیاطین پیدا بکنید، به وحدت شما رزمندگان، بدانید که شما گرفتار آن کید شیطان شدید و شکست همراهش است. کوشش کنید که در بین ما این نباشد که من ارتشی هستم، من سپاهی هستم، من بسیجی هستم، همه احساس این را بکنید که ما خدمت گزار اسلامیم، وقتی بنا شد همه خدمت‌گزار اسلام باشیم، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید. ... امروز که دشمنان از جهات دیگر مأیوس شدند از جهت اینکه در جبهه‌ها آنها یک پیشرفتی بکنند یا بتوانند «فاو» را برگردانند یا بتوانند در «مهران» کاری بکنند آنها مأیوس شدند، ولی از این نکته مأیوس نیستند که بین خودتان بیایند و اختلاف ایجاد کنند. این اختلاف از زبان هرکس باشد، از زبان هر موجودی باشد، این زبان، زبان شیطان است؛ چه از زبان یک روحانی باشد، چه از زبان یک مقدس باشد، چه از زبان یک نمازگزار باشد و چه از زبان سایر زبان‌ها، بدانید که این زبان، زبان شیطان است و گاهی هم خود آن آدم ملتفت نیست که تحت تأثیر شیطان است و زبان شیطان دارد در او فعالیت می‌کند. بنابراین از امور مهمه‌ای که بر همه ما واجب است، دفاع از اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی است که بستگی دارد به وحدت." رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۷۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

به منزل آمد. دربارهٔ مسائل جاری کشور و جنگ مذاکره کردیم.

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۵ | ۱۲ ذیقعده ۱۴۰۶ ۲۰ July ۱۹۸۶

به علت تعداد کم نمایندگان حاضر، نصاب رأی گیری با مشکل روبرو بود. یکسره تا نزدیک ظهر کار کردم و در جلسه ماندم.

ظهر آقای [محمد]اسحاق مدنی از نمایندگان اهل سنت استان سیستان و بلوچستان [نماینده سراوان] آمد. گزارش کامل از وضع منطقه و بلوچستان پاکستان و خطرات بالقوه و وضع روحانیون اهل سنت داد. پیشنهاد داشت که یکی دو نفر از علمای محل، مصدر امور باشند که با قدرت، امکانات و امتیازات دولت، منطقه و روحانیون را هدایت کنند.

عصر گروهی از نیروی هوایی آمدند. پیشنهاد و طرحی برای ساخت بال و بدنه هواپیما داشتند و کمک و حمایت می‌خواستند. به گروه صنایع نظامی قرارگاه، ماموریت دادم با آنها مذاکره شود. [آقای عجلی] سفیر الجزایر برای خداحافظی آمد. برای سفرم به کشور الجزایر تأکید داشت[1].

سرهنگ رزمجو رئیس نظام وظیفه آمد. از کثرت مراجعه مشمولان نظام وظیفه گفت که نوبت اعزام آنها به ماههای ۷ و ۸ این سال هم می‌کشد. این هجوم برای طرح جدید مجلس است و به خاطر کثرت غایبان بیش از نیاز است. از توصیه‌ها و سوء استفاده از معافیت پزشکی ناراضی است.

سفیرانمان در سودان و گابن آمدند. گزارش وضع آنجا را دادند و پیشنهادهایی درجهت توسعه روابط داشتند. آقای [حسین]شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزارت امور خارجه] آمد و گزارش سفر به مالزی و اندونزی برای ایجاد هماهنگی در مبارزه با سقوط قیمت نفت را داد[2]. نتیجه روشنی نیاورده است.

---

۱ ـ آقای هاشمی در این ملاقات خواستار تصمیم و اقدام مشترک کشورهای صادرکننده نفت برای مقابله با توطئه استکبار جهانی در کاهش قیمت نفت شد. ایشان در پاسخ به دعوت برای سفر به الجزایر تشکر کرد و اظهار امیدواری نمود که تلاش‌ها برای پیشرفت دو کشور ایران و الجزایر ادامه داشته باشد.

۲ ـ جنگ قیمت‌ها (در زمینه نفت) علیه ایران از موضوعات جدی مرتبط با جنگ ایران و عراق است که در محافل داخلی و خارجی مرتباً مورد بحث قرار می‌گیرد. در این باره آسوشیتدپرس به نقل از شرکت «داوجونز» در توکیو، گزارش داد: "عربستان سعودی با کاهش قیمت نفت خود به صورت «نت بک» در صدد جلب بیشتر مشتریان ژاپنی است. در این راستا کشورهای دیگر تولیدکننده نفت در خاورمیانه به ویژه ایران و کویت برای فروش نفت خود به ژاپن تحت فشار قرار می‌گیرند. بزرگ‌ترین بازنده به سعودی‌ها، ایران خواهد بود، زیرا ژاپنی‌ها در ماه ژوئیه روزانه ۱۵۰ هزار تا ۲۰۰ هزار بشکه نفت ایران را با قیمت‌های پایین‌تر از بازار آزاد از آن کشور خریداری کرده‌اند."

شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. آقای خامنه‌ای نبودند. ایشان مشهد هستند.

دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۵ | ۱۳ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۲۱ July ۱۹۸۶

دکتر وحید [دستجردی رئیس جمعیت هلال احمر ایران] و دکتر [علیرضا]مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] و [عطاالله] مهاجرانی [معاون حقوقی و پارلمانی نخست وزیر] دربارۀ لایحه نظام پزشکی که قرار است در مجلس مطرح شود، تلفنی صحبت کردند. معتقد بودند مسکوت بماند تا در آینده محکم‌تر شود. سرانجام قرار شد در دستور بماند.

آقای [علیرضا]توکلی‌بینا آمد. در مورد احیای [جزیره] کیش هم صحبت شد. عصر محمد ـ همشیره‌زاده ـ آمد. اجاره نامۀ املاک نوق را به او دادم؛ چهار ساله از قرار سالی چهار صدهزارتومان اجاره داده‌ایم. شب بستگان عفت مهمانمان بودند. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. امشب بارش باران در تهران، هوای گرم را عوض کرد*.

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۵ | ۱۴ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۲۲ July ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم صبح در جلسه علنی ماندم. در دفترم به کارهای جاری امور جنگ پرداختم[1]. آقای

---

* ـ در این روز خبرگزاری کویت از لندن درباره اقدام برخی از نمایندگان مجلس عوام انگلیس در خصوص تحریم تسلیحاتی دو طرف درگیر در جنگ عراق و ایران گزارش داد. "در لندن اعلام شد نمایندگان مجلس عوام انگلیس طرحی را پیشنهاد کرده‌اند که طبق آن یک تحریم تسلیحاتی علیه هر دو کشور درگیر در جنگ خلیج [فارس] اعمال گردد. در این پیشنهاد که از سوی ۷۸ تن از نمایندگان متشکل از تمامی جناح‌های محلس این کشور امضا گردیده، از دولت انگلیس خواسته شده است که اطمینان دهد هیچ یک از سیاست‌هایش موجب کمک به بقای رژیم [امام] خمینی نگردد. در این پیشنهاد همچنین به ادعای کمیسیون حقوق بشر مجلس انگلیس تحت عنوان "نقض حقوق بشر در ایران" اشاره شده است." در ادامه گزارش آمده است: شاپور بختیار [رئیس گروه موسوم به "جنبش مقاومت ایران"] ضمن حمایت از این حرکت مجلس انگلیس اظهار امیدواری کرد که دولت انگلیس به فریاد مجلس عوام در این خصوص گوش فرا داده و مطابق خواسته آن مجلس عمل نماید".

۱ ـ ماهنامه آمریکایی «ریدرزدایجست» در گزارشی که نویسنده آن آشکارا در پی کم اهمیت نمایاندن تسلیح و تجهیز فراوان عراق به دست دولت‌های غربی و دامن زدن به شایعات بی اساس روابط تسلیحاتی ایران و اسرائیل است، اعلام کرد که دلالان سلاح با موافقت کشورهای غربی در حال فروش حدود یک میلیارد دلار سلاح به کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران می‌باشند. طبق گزارشی که در شماره اخیر این نشریه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و خبرداد که در مذاکره با فرانسه از ادعای غرامت آنها در خصوص لغو قرار داد نیروگاه دارخوین کاسته‌اند. از مزاحمت شهرداری در مورد کارهای انرژی اتمی در اهواز گله داشت.

آقای [احمد]وحیدی [معاون اطلاعات سپاه] آمد. در مورد آزاد کردن یکی از گروگانهای آمریکایی در لبنان مذاکره شد. ما نفوذ جدی در گروگان‌گیرها نداریم. آنها موانعی مطرح کرده‌اند و به نظر می‌رسد معطل خواهند کرد[1].

آقای [عبدالمحمد] رئوفی فرمانده لشکر ولی عصر خوزستان آمد و از کمی پشتیبانی استان از لشکر گله داشت. بنا شد کمک کنیم. گویا امکانات استان از کانالهای دیگر صرف جنگ می‌شود و استانهای دیگر بیشتر به لشکر مربوط خود می‌پردازند. معمولا هر استانی لشکرهای سپاهی مربوط به خود را با کمک‌های مردمی پشتیبانی می‌کنند.

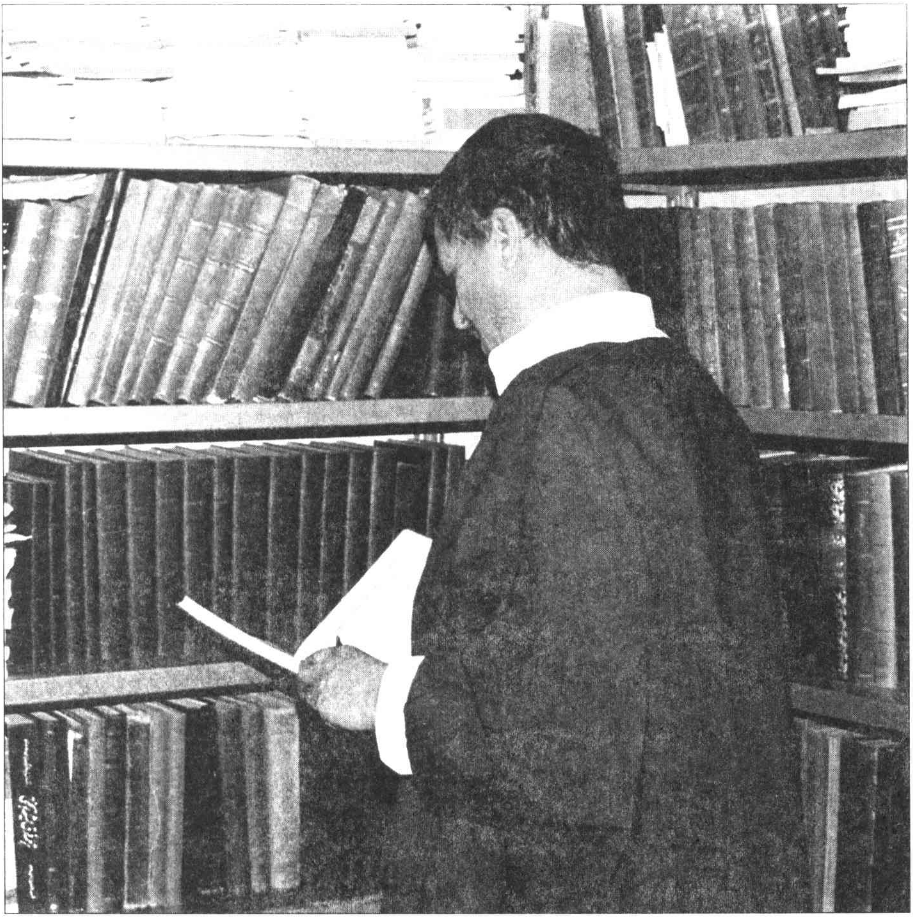
ظهر نماینده الیگودرز آمد. ماشین و محافظ می‌خواست. روحانی دهدشت آمد. از اینکه بعضی از مسئولان منطقه به دلیل اینکه مقلد آقای [سیدابولقاسم]خوئی است، با ایشان مخالفت می‌کنند، گله داشت.

عصر در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. اساسنامه دانشگاه تربیت مدرس مطرح بود و آقایان [محسن]قرائتی و [غلامعلی]حدادعادل برای بحث در کتب دینی مدارس و دانشگاه‌ها آمدند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آمده است، بعضی از دلالان اسلحه وابسته به شرکت‌های قانونی هستند که کالاهای خود را با موافقت دولت‌های غربی به فروش می‌رسانند. این نشریه افزوده است: "حدود ۲۰۰ دلال و فروشنده اسلحه، کشورهای قانون شکن خاورمیانه از جمله ایران و لیبی را از طریق اتریش تأمین می‌کنند. علاوه بر آن، یک کمپانی دولتی صنایع فولاد به نام «وئست آلپین» قراردادی محرمانه به ارزش یک میلیارد دلار با ایران منعقد کرده است. استرالیا نیز موافقت کرده است تا در مقابل نفت، کالا، مهمات و تجهیزات، از جمله توپ ۱۵۵ میلی متری به ایران تحویل دهد. سازمان‌های جاسوسی کشف کرده‌اند که استرالیا به عراق نیز مواد شیمیایی صادر کرده است که از آنها در کارخانجات تولید گاز سمی استفاده می‌شود. در میان کشورهایی که در تجارت اسلحه شرکت داشته‌اند بعضی از اعضای «ناتو» و هم پیمانان نزدیک آمریکا از جمله فرانسه، اسرائیل و آلمان غربی نیز به چشم می‌خورد، علاوه بر آن، نام ایتالیا و یونان نیز در میان این کشورها دیده می‌شود. اسرائیل یکی از مهم‌ترین منابع تأمین اسلحه و مهمات برای ایران است. اسرائیل در سال ۱۹۸۵ یک کمپانی اسرائیلی در «تل آویو» به دلالان از جمله چندین ایرانی پیشنهاد فروش موشک‌های هوا به هوای آمریکایی و تانک و تفنگ را ارائه کرد." این مجله آمریکایی در پایان گزارش کذب خود می‌نویسد: "آنچه که در پشت حمایت نظامی اسرائیل از چنین رژیم‌های قانون شکنی چون آیت‌الله خمینی به چشم می‌خورد این است که درگیری بیشتر ایران و عراق در جنگ با یکدیگر، امنیت اسرائیل را کمتر تهدید می‌کند."

۱ ـ در حالی که سوریه تلاش می‌کند تا در مسأله گروگان‌های عربی در لبنان، جهت کسب امتیاز در روابط با غرب برای خود نقش مهمی دریافت و ترسیم کند و مزایای هر چه بیشتری به خود اختصاص دهد، امروز یک کادر سیاسی و دو تن از کارکنان سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان را هنگام عبور، نیروهای سوری مستقر در یک پست بازرسی در منطقه «بقاع» در نزدیکی روستای «بنی شیت» توقیف کردند و پس از ضرب و جرح و اهانت، آزاد کردند.



آقای قرائتی به تلخی از کتب موجود شکایت داشت. فکر می‌کند افرادی از قبیل جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] می‌توانند این کتابها را بنویسند. آقایان [غلامعلی] حداد عادل و دکتر [علی] احمدی جواب‌های خوبی دادند. رئیس دانشگاه تربیت معلم هم تعیین شد. شب در مجلس ماندم*.

* ـ در این روز، نزدیک به صد تن از معترضان به مسأله بدحجابی در تهران، سوار بر موتور، فاصله میدان ولی‌عصر(عج) تا میدان تجریش را پیمودند و در طی این مسیر علیه افراد بدحجاب و کسانی که لباس‌های غیر معمولی بر تن می‌کنند شعارهای مختلفی را سر دارند، این گروه از موتورسواران را حدود پانزده تن از زنان با حجاب که سوار بر دو دستگاه وانت بودند همراهی می‌کردند. موتور سواران در مواردی علاوه بر شعار "مرگ بر بی‌حجاب" در اعتراض به گران‌فروشی و احتکار و همچنین تأکید بر ادامه جنگ تا پیروزی، شعارهایی می‌دادند. این گروه "اعلام اعتصاب" اخیر عده‌ای از پزشکان را نیز محکوم کردند.

مرداد ۱۳۶۵



چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۵ ذیقعده ۱۴۰۶ ۲۳ July ۱۹۸۶

قبل از دستور دربارهٔ سفر [شیمون پرز] نخست وزیر اسرائیل به مراکش[۱] [و ملاقات با شاه حسن دوم پادشاه این کشور] صحبت کردم و آن را محکوم کردم[۲]. تا ساعت نه ونیم صبح در جلسه ماندم. لایحه نظام پزشکی مطرح بود. برخی از اطباء به عنوان اعتراض به این لایحه یک روز اعتصاب کرده‌اند.

ساعت ده برای سخنرانی در سمینار فرماندهان سپاه به مرکز ستاد سپاه رفتم و درباره لزوم تسریع در عملیات و تجهیز پانصد گردان حرف زدم[۳]. در اثنای سخنرانی، خبر دادند وضعیت قرمز است و

---

۱ - «شیمون پرز» نخست وزیر اسرائیل در «کاخ ارزان» با شاه حسن دوم پادشاه مراکش دیدار کرد. این نخستین ملاقات و مذاکره رسمی میان یک رهبر اسرائیلی و رهبر یک کشور عرب در هشت سال گذشته است. در آستانه انجام شدن این سفر، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه‌ای رسماً این سفر را به شدت محکوم کرد. عراق نیز در بیانیه‌ای که یکی از ارگان‌های حزب بعث به نام «فرماندهی بان عرب» منتشر کرد، پذیرایی پادشاه مراکش از نخست وزیراسرائیل را یک عمل انحرافی خواند و آن را محکوم کرد. سوریه نیز روابط خود را با مراکش قطع کرد. لیبی این ملاقات را خیانت به آرمان اعراب دانست و یمن جنوبی، الجزایر و سازمان آزادی بخش فلسطین نیز این دیدار را به عنوان خیانت به ملت عرب محکوم کردند. در لیبی و لبنان تظاهراتی علیه شاه مراکش برپا شد. از سوی دیگر، فرانسه، انگلستان و آمریکا حمایت خود را از این دیدار اعلام کردند.

۲ - در بخشی از این نطق آمده است: "کشورهای عرب خلیج‌فارس احتمالاً به این دلیل در صدد مصالحه با اسرائیل هستند که از اسرائیل بخواهند در مقابل نقش فزاینده ایران در منطقه خلیج فارس صف آرایی کند. شاید آنها به این دلیل بر صلح با اسرائیل پافشاری می‌کنند که از پیروزی ایران به وحشت افتاده‌اند و می‌بینند که صدام حسین در حال سقوط به قعر جهنم است، چیزی که می‌تواند خطری برای اسرائیل باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ - سمینار دو روزه سراسری فرماندهان نواحی و پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور فرمانده کل سپاه و فرماندهان نیروهای سه‌گانه سپاه پاسداران و فرماندهان نواحی و پایگاه‌های سپاه آغاز به‌کار کرد. آقای هاشمی به تشریح سخنان اخیر حضرت امام (ره) فرمانده کل قوا در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

صدای انفجار شنیدم. بعداً معلوم شد به پارچین بمب‌انداخته‌اند. شکر خدا که به نقاط حساس نخورده است. یک انبار پشم آتش گرفته که خاموش شده و هفت نفر مجروح شده‌اند. آنجا مواد منفجره وجود دارد و خیلی خطرناک است. مشخص است که با اطلاعات قبلی آمده‌اند[1].

به کارخانه ذوب آهن اصفهان هم حمله کرده‌اند که آسیب‌هائی هم وارد آمده است[2]. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم خبر بدهد به اطراف تهران حمله شده و انتقام خواهیم گرفت. بعد از بیرون راندن عراق از مهران و تصرف نقطه‌ای در خاک عراق ارتش عراق برای ترمیم روحیه، به زدن شهرها روی آورده است. عراق معمولاً وقتی در جبهه شکست می‌خورد به این گونه شرارت‌ها می‌پردازد.

آقای طارمی سفیرمان در عربستان آمد. از تیرگی روابط و عدم جواب مساعد به پیشنهادهای تحسین روابط ما گفت. قرار است سیاست پی‌گیرانه‌تری نسبت به آنها داشته باشیم و مسائل مدیریت حرمین شریفین و بازسازی بقیع و داشتن کرسی فقه در مراسم حج برای زوار و تظاهرات علیه آمریکا

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جمع فرماندهان یگان‌های رزمی سپاه و ارتش پرداخت و از شرکت کنندگان در سمینار خواست زمینه اجرای فرامین ویژه ایشان را فراهم نمایند. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ملت سلحشور ایران و رزمندگان اسلام بایستی هر چه سریع‌تر جنگ را به مرحله‌ای برسانند که استکبار جهانی از باج‌خواهی و سران کشورهای عرب از باج دهی مأیوس شوند و رژیم‌های اسرائیل و عراق و حامیان صدام را با شکستی دیگر مواجه نمایند. از فرماندهان نواحی و پایگاه‌های سپاه و مسئولین ستاد پشتیبانی جنگ استان‌ها و شهرستان‌ها می‌خواهم تا جهت آماده سازی و سازمان دهی هر چه سریع‌تر ۵۰۰ گردان رزمی مورد نیاز سپاه و بکارگیری امکانات ارائه شده از جانب مردم، تلاش بیشتری نمایند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - در این روز نیروی هوایی عراق علاوه بر مناطق عملیاتی، در بخش وسیعی از ایران فعالیتی شدید داشت. بمباران ذوب آهن اصفهان، صنایع نظامی پارچین تهران و چند ایستگاه راه آهن و مقر نظامی و نیز تجاوز هوایی به آسمان چند شهر غربی و مرکزی، از جمله حملات هوایی امروز دشمن است. در حمله هواپیماهای عراقی به «صنایع نظامی پارچین» تهران از مجموع شش بمب پرتاب شده، سه بمب به قسمت انبار پنبه اصابت کرد که باعث آتش سوزی گردید. به گفتهٔ شاهدان عینی، هواپیماهای دشمن دو فروند و از نوع سوخو بوده‌اند. این حمله هفت مجروح داشت.

۲ - در حمله پنج جنگنده رژیم عراق به کارخانه ذوب آهن اصفهان تعداد هفت بمب به سوی تأسیسات آن پرتاب شد که چهار بمب عمل کرد و خسارت‌هایی وارد آورد، اما نه در حدی که منجر به تعطیلی کارخانه شود. در این بمباران ۵ تن شهید و ۱۲۰ تن زخمی شدند. از ابتدای جنگ تحمیلی این اولین بار است که ذوب آهن اصفهان مورد حمله هوایی هواپیماهای عراقی قرار می‌گیرد. این حمله یک روز پس از بازدید سفیران چین، شوروی، کره شمالی، بنگلادش و یوگسلاوی از خط تولید ذوب آهن انجام شد. از سوی دیگر، کارشناسان روسی طرف قرارداد ذوب آهن از زمانی که کشور متبوعشان وضعیت فوق العاده اعلام نموده، اصفهان را ترک کرده‌اند و هنوز به این شهر باز نگشته‌اند. پادگان «شهید عبادت» مریوان را نیز امروز دوباره هواپیماهای عراقی بمباران کردند که در نتیجه ۱۵ تن مجروح شدند. در بمباران روز گذشته این پادگان، پمپ بنزین پادگان دچار آتش سوزی شد که در این حادثه ۳۵ تن شهید یا مجروح شدند. هواپیماهای دشمن همچنین ایستگاه‌های راه آهن تنگ پیچ و تنگ زنگ در استان لرستان و یک پاسگاه در حوالی مسجد سلیمان را نیز بمباران کردند. آسمان قم و حریم هوایی استان همدان نیز مورد تجاوز هوایی قرار گرفت و نیز دیوار صوتی در شهرستان‌های نهاوند، کرمانشاه و اسدآباد شکسته شد. هواپیماها و هلی‌کوپترهای عراقی مجموعاً ۷۳ سورتی پرواز در ۲۴ ساعت گذشته در مناطق مختلف عملیاتی روی مواضع خودی انجام داده‌اند. از سوی دیگر توپخانه ارتش نیز نیروگاه برق و تأسیسات صنعتی و اقتصادی الحارثه عراق واقع در شمال بصره را زیر آتش گرفت.

را مطرح کنیم.

مسئول حفاظت سپاه آمد. راجع به حفاظت نمایندگان ـ که اخیراً با تصمیم شورای تامین کمتر شده ـ مذاکره شد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. قرار شد گزارش کمیسیون بیانیهٔ الجزایر را به کمیسیونهای مجلس بدهیم که نمایندگان مطالعه کنند، سپس برای بحث و تصمیم‌گیری، فکری بشود.

شب در مجلس ماندم. درباره زدن موشک به بغداد مشورت کردم. منتظرم که نظر رئیس جمهور و نخست وزیر را بگیرم. آنها [برای شرکت در مراسم ختم ابوی آیت‌الله خامنه‌ای] فعلاً در مشهدند.

پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۶ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۲۴ July ۱۹۸۶

اول وقت آقایان [حسن]روحانی و [محمدعلی]هادی آمدند و درباره مقابله به مثل حملات عراق بحث شد. تا ساعت ده ونیم در جلسه ماندم. اختلاف بین دو خط در انتخابات هیأت اجرائی بین‌المجالس وقت‌گیر شده است[1].

ظهر خانم [عاتقه صدیقی همسر شهید]رجائی [نماینده تهران] آمد و از کم توجهی به خانم‌ها مخصوصا در ماموریت‌های حج گله داشت. آقای [حسین]محلوجی گزارش پیشرفت صنایع دفاع را داد.

عصر مسئولان تبلیغات جبهه و جنگ روانی و نیز گروه اطلاعات سپاه برای افغانستان و نمایندگان امام در واحدهای نظامی و خانواده‌های شهدای هفتاد دو تن آمدند. برای همه آنها جداگانه صحبت کردم[2].

---

۱ ـ به علت انقضای دوره تصدی شورای اجرایی بین‌المجالس، انتخاباتی جهت تعیین ۱۵ نفر اعضای شورای اجرایی جدید برگزار شد که این افراد به ترتیب اکثریت آرا را برای مدت دو سال کسب کردند: ۱ - احمد عزیزی ۲ - دکتر موسی زرگر ۳ - محمد یزدی ۴ - جلال الدین فارسی ۵ - محمد علی موحدی کرمانی ٦ - محمد علی هادی نجف‌آبادی ۷ - سید جلیل سیدزاده ۸ - غلامعباس زائری ۹ - علی موحدی ساوجی ۱۰ - رسول منتجب‌نیا ۱۱ - سید فضل الله حسینی برمائی ۱۲ - سید هادی خامنه‌ای ۱۳ - اکبر پرهیزکار ۱۴ - حسین سبحانی نیا ۱۵ غلامرضا فدایی. شورای اجرایی جدید در تاریخ ۱٦ شهریور ٦۵ اولین جلسه خود را جهت انتخاب اعضای هیأت رئیسه و دبیر کل تشکیل داد و این افراد انتخاب شدند: محمد علی موحدی کرمانی (رئیس)، علی موحدی ساوجی (نایب رئیس اول)، محمد علی هادی نجف‌آبادی (نایب رئیس دوم)، دکتر موسی زرگر (دبیرکل)، غلامعباس زائری (خزانه‌دار)، غلامرضا فدائی (منشی‌اول) و حسین سبحانی‌نیا(منشی دوم).

۲ ـ آقای هاشمی در دیدار با مسئولان واحدهای تبلیغات سپاه بر فعالیت همهٔ سازمان‌های ذی ربط در انعکاس اخبار جنگ تأکید کرد و دربارهٔ تأثیر تبلیغات در پایداری رژیم عراق و حمایت‌های تبلیغاتی آمریکا از آن گفت: "شکست عراق در فتح‌المبین و خرمشهر و جاهای دیگر، هر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[آقای محمدرضا آیت‌اللهی]وزیر معادن و فلزات و معاونان آمدند. گزارش دادند و توضیحاتی گرفتم. آقای [موسی]خیّر [حبیب‌اللهی] آمد و از تعقیب وزارت اطلاعات شاکی بود. با نخست وزیر در مورد حمله امروز عراق به سنندج، باختران و کاغذسازی پارس و... و مقابله به مثل صحبت کردیم[1]. قرار شد در مورد بصره تهدید کنیم. به نیروی هوایی دستور حمله به داخل عراق داده شد. دیر وقت به خانه رسیدم. بعد از سه روز کار متراکم، خسته بودم.

جمعه ۳ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۷ ذیقعده ۱۴۰۶ ۲۵ July ۱۹۸۶

در منزل بودم*. آیت‌الله اردبیلی را برای اقامه جمعه فرستادم و نکاتی به ایشان درباره مسائل جنگ و مقابله به مثل دادم.

عصر آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. گزارشی از مناطق تحت کنترل طالبانی‌ها در عراق

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کدام به تنهایی کافی بود که عراق را به نقطه نهایی بکشاند، ولی اینها با عوامل فراوانی من جمله با همین تبلیغات توانستند خودشان را حفظ کنند. در جریان شکست فاو، آمریکایی‌ها حتی حاضر شدند که برای پوشانیدن شکست عراق ماهواره خودشان را رسوا کنند؛ آمریکایی‌ها گفتند که ماهواره‌ها چیزی را نشان ندادند. در حالی که ما می‌دانیم ماهواره وسعت زیادی را زیر پوشش قرار می‌دهند و همه چیز را زیر نظر می‌گیرند، با این حال آنها حاضر شدند به قیمت بدنامی و رسوایی ماهواره‌ها، مسأله شکست را مشکوک نگه دارند و بعد هم به دروغ هر روز می‌گفتند که عراق چند کیلومتر در فاو به طرف مواضع ایرانی‌ها پیش روی کرده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ جنگنده‌های نیروی هوایی عراق در این روز نیز به شدت حملات هوایی خود را بر تأسیسات اقتصادی و شهرهای مسکونی ادامه داد. در این حملات، شهرهای شوش، کرمانشاه، سنندج، سقز، مریوان و ایلام هدف قرارگرفت و در نتیجه بیش از ۳۰۰ تن از افراد غیرنظامی شهید و شمار بسیاری مجروح شدند. از سوی دیگر، سه هواپیمای دشمن ضمن حمله به کارخانه کاغذسازی پارس در هفت تپه، شش راکت پرتاب کردند که در نتیجه، بخش اداری پشتیبانی و انبار کاغذ آسیب کلی دید و حدود ۳۰ تن شهید و ۲۰۰ تن مجروح شدند. در این حمله همچنین به انبار مواد اولیه، انبار محصولات کارگاه مرکزی، قسمتی از سالن تولید، ساختمان اداری، ناهارخوری و آتش نشانی خسارت‌هایی وارد آمد و قسمت عمده‌ای از مواد و بخشی از ماشین آلات موجود از بین رفت. میزان این خسارت‌ها، دو میلیارد ریال برآورده شده است. همچنین در ساعت ۱۴:۴۱، شهر کرمانشاه هدف بمباران هوایی واقع شد. در این حمله، دو میگ ۲۳ که یک فروند شکاری دیگر دشمن آنها را پشتیبانی می‌کرد، تأسیسات پالایشگاه شهر را بمباران کردند و به دنبال آن، ستون بزرگی از آتش و دود آسمان شهر را فراگرفت و تا شعاع سه کیلومتری محل بمباران، شیشه‌های واحدهای مسکونی خرد شد. به نقل از شاهدان عینی در باختران، یکی از هواپیماهای مهاجم دشمن هدف پدافند هوایی شهر قرارگرفت و سرنگون شد. منابع غیررسمی آمار خسارت‌های جانی را ۱۳ تن شهید و ۵ تن مفقود ذکر کرده‌اند.

* ـ در این روز در عراق جلسه‌ای به ریاست صدام حسین و با شرکت تعدادی از فرماندهان و نظامیان ارشد ارتش از جمله عدنان خیرالله معاون فرمانده کل و وزیر دفاع، طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه و لطیف جاسم وزیر فرهنگ و اطلاعات تشکیل شد. این جلسه هشت ساعت به طول انجامید. در این جلسه صدام گفت: "اگر ضرورت حکم کند ما می‌توانیم ارتشی سه برابر ارتش موجود عراق به وجود بیاوریم که همه افراد آن از خود عراقی‌ها باشند.

داد. به نظرم رسید که در گذشته در نپذیرفتن همکاری با آنها اشتباه کرده‌ایم. آنها آماده همکاری با ما هستند. چون به خارج راه ندارند و تحت فشارند، امتیاز زیادی هم نمی‌خواهند. خود وحیدی ده روز در مناطق آنها از اربیل تا خانقین، گشته. به جز راه‌ها و شهرها حضور دارند.

با آیت‌الله خامنه‌ای که پس از یک هفته از خراسان برگشته، درباره زدن موشک به بغداد، تلفنی مذاکره کردیم. قرار شد در جلسه سران قوا در شب دوشنبه بحث شود.

شنبه ۴ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۸ ذیقعده ۱۴۰۶ ۲۶ July ۱۹۸۶

فرزندم مهدی برای آموزش نظامی و رفتن به جبهه همراه آقای رحمانی ـ پاسدارم ـ عازم اردوگاه بود. عفت مادرش صابرانه او را بدرقه کرد و قرآن گرفت و صدقه و دستور کشتن گوسفند داد. وضع روحی مهدی با اینکه ۱۷ سال بیشتر ندارد، کاملاً عادی بود. از این تحّول در جوانان و مادران لذت بردم و مخفی از آنها اشک شوق ریختم.

برای شرکت در مراسم ختم آموزش هیأت ویژه هوابرد سپاه به پادگان خاتم رفتم. ده نفر از نمایندگان مجلس هم برای دیدن دوره کوتاهی با آنها بودند. برایشان صحبت کردم[1]. گفتم با

---

۱ ـ در مراسم اختتامیه نخستین دوره آموزش عمومی تیپ ویژه هوابرد بسیج سپاه پاسداران و نخستین دوره آموزش نظامی نمایندگان مجلس، ایشان ضمن متزلزل دانستن دولت عراق، اظهار امیدواری کرد که در سال جاری با اعزام گسترده نیروها به جبهه، تحولی سرنوشت ساز در تاریخ جنگ و منطقه روی دهد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ارتش صدام از اوجی که برای خود درست کرده بود به طرف سراشیبی می‌رود و صدام دیگر از لحاظ مالی و اقتصادی امکان تدارک نیروهایش را مانند گذشته ندارد و نیروی مهندسی صدام نیز قدرت تحرک خود را از دست داده است. کفگیر صدام به ته دیگ خورده است و علت آن این است که دانشگاه‌ها و مدارس را تعطیل کرده و به قول خود دستور بسیج عمومی داده است". نماینده امام در شورای عالی دفاع به نقل از فرماندهان اسیر عراقی گفت: "از هر گردان رزمی عراقی که به سوی جبهه حرکت می‌کنند، در بین راه تعدادی از نیروها فرار می‌کنند و در میدان جنگ هم چه در فاو و چه در مهران، جنگشان را دیده‌اند". تأسیس تیپ ویژه هوابرد در این شرایط بسیار ضروری بود و گروهی از شما اکنون در عمق خاک عراق می‌توانید به یک لشکر دشمن صدمه وارد کنید و در شرایطی که فرار سربازان عراقی از جبهه‌ها افزایش یافته، داشتن چنین نیروی مجهزی ضروری است... با وجود اینکه مردم خسارات زیادی از جنگ متحمل شده‌اند و داغ دل‌های زیادی دارند ولی برخلاف عراق، خواهان ادامه جنگ بیش از هر زمان شده‌اند... نگاهی به آثار کاروان‌های کمک‌های مردمی به سوی جبهه‌های جنگ تحمیلی نشان می‌دهد که این کمک‌ها نسبت به سال گذشته چند برابر شده است.... این کاروان‌ها را افرادی به سوی جبهه‌های جنگ می‌فرستند که فرزندانشان را هم به جبهه می‌فرستند و داروی رزمندگان را هم خود آنها تأمین می‌کنند و اگر لازم باشد. خودشان را هم در این راه می‌دهند و چنین جو عاشقانه‌ای در جبهه‌های جنگ حاکم است".

فرمانده عالی جنگ با اشاره به حضور نمایندگان مجلس در میان رزمندگان تیپ هوابرد و عزیمت آنان به جبهه‌های نبرد، گفت: "از خیلی وقت پیش فشار بر روی ما بود که مجلس را تعطیل کنیم و همه نمایندگان به جبهه بروند ولی ما دیدیم که با توجه به کارهای روزمره انقلاب و تأثیر تریبون

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نمایندگان مصاحبه شود.

عصر آقای کنگرلو تلفنی گفت یکی از گروگانهای آمریکایی در لبنان آزاد شده، ولی سوریها از آمریکایی‌ها برای آن امتیاز می‌خواهند و از ما کسب تکلیف شده است. گفتم در رابطه با سوریها به ما ربطی ندارد، خودشان می‌دانند. اگر آمریکا به تعهد خود عمل نکند، در آینده از ما انتظاری نداشته باشد.

احمدآقا آمد. دربارهٔ فرماندهی نیروی زمینی صحبت شد. آقایان جمالی، حسنی سعدی و دادبین مطرحند. احتمال زدن موشک به بغداد را مطرح کردم که از امام بپرسند. آقای [مصطفی] کفاش‌زاده آمد و از آمادگی کردهای عراق برای همراهی با ما در رزم با صدام گفت.

آقای مهدیان آمد و گفت در بررسی نهائی، ارزش پاساژ خیابان گرگان که نصف آن از من است، قیمت بالاتری از آنچه وراث اخوان فرشچی گفته‌اند، دارد. قیمت آن حدود پنج میلیون تومان است. به پول آن برای ساخت خانه خودم و بچه‌ها نیاز داریم. یاسر از سفر آمد و کمی جای خالی مهدی را پر کرد.

یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۹ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۲۷ July ۱۹۸۶

در گزارش‌ها آزادی یک نفر گروگان آمریکایی آمده است و آمریکایی‌ها از سوریه تشکر کرده‌اند. منتظر رسیدن محمولهٔ قطعات هاک‌ها هستیم. در جلسه علنی تا هنگام تنفس ماندم. آقای نیک روش از برخورد آقای هادی غفاری [نماینده تهران] شکایت آورد. اختلافات دو جریان دارد به برخورد می‌انجامد. عفت، فاطی، یاسر و سارا برای ناهار به مجلس آمدند.

خبر رسید که عراق مراکز نفتی را در اراک بمباران کرده وحدود صد نفر شهید و چهارصد نفر مجروح شده‌اند و خرابی تاسیسات داشته‌ایم. بسیار متاثر شدم. از این رهگذر خسارت زیادی می‌بریم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مجلس در حرکت جامعه، نمی‌توان مجلس را تعطیل کرد و موافقت شد که نمایندگان، گروه گروه به جبهه بروند و امروز اولین گروه از برادران آموزش دیده همراه شما عازم جبهه‌های جنگ تحمیلی هستند. اکنون همه اقشار ملت ایران روستاییان، دانشجویان، شخصیت‌های سیاسی و نظامی، فرماندهان بسیج، سپاه، ارتش، نمایندگان مجلس، شخصیت‌های اسلامی و فرزندان شخصیت‌های بزرگی مانند آیت‌الله‌العظمی منتظری و فرزند رئیس جمهور همراه با رزمندگان هستند و این یکپارچگی مردم و مسئولان سپاه و ارتش و اقشارگوناگون جامعه را نشان می‌دهد و ما در تاریخ‌مان اکنون شاهد رویدادهای بزرگی هستیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷





سران سه قوه آیت الله موسوی اردبیلی ، آیت الله هاشمی رفسنجانی ، آیت الله خامنه ای

وضع دفاع ضد هوایی‌مان خوب نیست[۱].

ظهر آقای [عباسعلی]بهاری [نماینده ساری] آمد و از مسئول حزب جمهوری [اسلامی] در مازندران شکایت داشت. آقای بنکدار آمد و از آقای جمشیدی رئیس دفتر آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها [دادستان کل کشور] شاکی بود.

عصر آقای حمید بهرامی از لاهه آمد. راجع به حکم دادگاه لاهه در مورد مذاکره ایران و آمریکا درباره مسائل مهم مورد اختلاف در لاهه گفت که ظاهراً این حکم برای ایجاد محیط مناسب مذاکره و تفاهم طراحی شده است. قرار شد جواب گزارش کمیسیون ویژه را بنویسند.

استاندار کردستان و معاونش آمدند. درباره وضع نظامی و فرهنگی منطقه گزارش دادند و خواستار تقویت نظامی و فرهنگی منطقه شدند و از نماینده امام در غرب ناراضی‌اند. وزیر سپاه و فرماندهان نیروی هوایی و موشکی سپاه آمدند. درباره خرید موشک زمین به زمین و زدن موشک به بغداد بحث شد.

اعضای حزب جمهوری اسلامی از اصفهان آمدند از بلا تکلیفی اعضای حزب نگران بودند. برای آنها صحبت کردم و علل این وضع خراب حزب را توضیح دادم.

شب با سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. درباره موضع مان در اوپک و فرماندهی نیروی زمینی و زدن شهرهای بصره و بغداد در حد حمله به مراکز صنعتی با اعلان قبلی و بمباران مراکز صنعتی با هدف مقابله به مثل و بازدارندگی بحث و اتخاذ تصمیم شد[۲]. دیر وقت به خانه رسیدم.

---

۱ ـ امروز بعد از دو روز عملیات نسبتاً کم حجم، بار دیگر تهاجمات هوایی عراق علیه مناطق و اهداف غیرنظامی ایران، شدت یافت.

عمده‌ترین حملات هوایی امروز عراق، علیه مناطق غیرنظامی در اراک صورت گرفت، به این ترتیب که صبح امروز هواپیماهای عراقی به مناطق کارگری صنعتی اطراف شهرستان اراک حمله کردند. که براثر آن، شماری از کارگران که مشغول کار بودند به شهادت رسیدند. طی این حمله، شش هواپیمای عراقی در حالی که در ارتفاع پایین پرواز می‌کردند کارخانه واگن سازی پارس آلومینیوم، کارخانه آذر آب، مراکز آموزش ماشین سازی اراک، یک ساختمان اداری و یک منطقه در شهر اراک را مورد حمله قرار دادند. این تعرض هوایی بیش از ۱۰۰ شهید و بیش از ۵۰۰ مجروح برجای گذاشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از شاهدان عینی بمباران، هواپیماهای عراقی در ارتفاع فوق العاده پایین اهداف خود را مورد حمله قرار دادند و کارگرانی را که از محوطه کارخانه‌ها بیرون آمده بودند، به زیر رگبار کالیبرهای خود گرفتند. خبرگزاری آلمان غربی در این‌باره طی تفسیری گفت: "عراق امروز یک رشته حملات هوایی علیه تأسیسات نفتی و اقتصادی در داخل ایران به مرحله اجرا گذاشت که تهدیدات ایرانی‌ها مبنی بر تلافی آنها به وسیله موشک‌های زمین به زمین را به دنبال داشت".

۲ ـ عملیات بزرگ آینده ایران جایگاه ویژه‌ای در تفسیرها و خبرهای رسانه‌های خارجی دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: یکی از مفسران رادیو بی بی سی که از ایران بازگشته است، در تفسیر خود که از این رادیو پخش شد - ضمن اشاره به اینکه رهبران ایران سال جاری را به عنوان سال پیروزی و پایان جنگ برگزیده‌اند، گفت: "خود این رهبران اظهار می‌دارند که دیگر نمی‌توانند حالت نه جنگ و نه صلح را تحمل کنند. آنان این هدف روانی را انتخاب کرده‌اند تا بتوانند به جنگ سروسامان بدهند. نشانه‌هایی در دست است دال بر اینکه ایران احتمالاً حمله نهایی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دوشنبه ٦ مرداد ۱۳٦۵ | ۲۰ ذیقعده ۱۴۰٦ — ۲۸ July ۱۹۸٦

سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی آمد. گزارش سمینار امنیت بین‌المللی ژنو را داد. انستیتوی مطالعات استراتژیک برگزار کرده بود. او خواستار تعجیل در تعیین فرمانده نیروی زمینی شد. عصر تلفنی گفتم و احتمال انتخاب شدن سرهنگ حسنی سعدی را مطرح کردم. کمی ناراحت شد و گفت در صورت آمدن آقای حسنی سعدی، نمی‌تواند به عنوان جانشین ایشان عمل کند.

نخست وزیر و وزیر کشور پیشنهاد تعطیل شدن کارخانه پلی اکریل اصفهان را به خاطر احتمال بمباران شدن مطرح کردند. از نیروی هوایی پرسیدم. گفتند از فردا هواپیمای اف ۱۴ در فضای اصفهان و تهران خواهند گماشت و امنیت نسبی دارد. آقای نخست وزیر که به ملاقات امام رفته بودند، نقل کردند که امام با زدن شهرهای عراق ملاحظاتی دارند. از احمدآقا پرسیدم و پس از استفسار از امام، جواب داد که در حد تصمیم‌گیری شده که مراکز صنعتی داخل شهرهای بغداد و بصره با اعلام قبلی زده شود، موافقند.

عصر یاسر مهمان داشت؛ همدرسانش و یک معلم که کلاس تابستانی دوره‌ای داشتند و به همین دلیل دیگران از خانه بیرون رفتند و من هم بیشتر در حیاط بودم و کمی در جلسهٔ آنها شرکت کردم و احوالپرسی نمودم.

سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۳٦۵ | ۲۱ ذیقعده ۱۴۰٦ — ۲۹ July ۱۹۸٦

اول وقت با آقای خامنه‌ای درباره تعیین فرمانده نیروی زمینی و زدن موشک به بغداد مذاکره کردیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

را در شمال بصره با جبهه‌های مرکزی آغاز خواهد کرد. برخی تحلیل‌گران معتقدند ایران احتمالاً خود را در موقعیت مستحکم و نیرومندی قرار خواهد داد تا بتواند از طریق مذاکرات راه حلی برای پایان جنگ بیابد".

مفسر رادیو کلن نیز در این باره گفت: "اخیراً ایران آشکارا اعلام کرده است که برای شکست دادن هر چه سریع‌تر عراق، تمام نیرویش را به کار گرفته تا پیش از اتمام سال جاری، جنگ بین ایران و عراق را به پایان برساند، اما ناظران خارجی در بغداد در این مورد شک و تردید دارند. یکی از شخصیت‌های متنفذ بین‌المللی یادآور شد که باید در نظر داشت با توجه به وضع حکومت‌های دو کشور، برای خاتمه جنگ در سال جاری امکان زیادی موجود نیست چون از یک طرف برای ایران تنظیم برنامه جهت انجام دادن عملیات تعیین کننده مشکل است و از طرف دیگر اوضاع داخلی عراق به طورکلی ثابت است. به علاوه، مهم‌تر از آن در حال حاضر عراق از لحاظ نیروی اقتصادی و نظامی از ایران ضعیف‌تر نیست.» این منبع افزود: "این تصمیم استراتژیک، مبنی بر تبدیل جنگ فرساینده به جنگ زود فرجام که اواسط ماه مه (اواخر اردیبهشت) سال جاری توسط خود امام خمینی رهبر ایران تنظیم شده است، اکنون در سراسر کشور به‌ویژه در میان پاسداران انقلاب فعالانه به مرحله اجرا در می‌آید. در مقابل، هیئت حاکمه عراق نیز یک تصمیم سیاسی مهم را اتخاذ کرده است؛ مثلاً سراسر عراق اکنون در حالت بسیج عمومی به سر می‌برند".

در جلسه علنی تا ساعت ده‌ونیم ماندم. در صحبت‌های پیش از دستور آقای [مرتضی] رضوی [نماینده تبریز] درگیری به وجود آمد[1].

اطلاع رسید عراق شهر اراک را بمباران کرده است. صحبت مختصری درباره مقابله به مثل در مقابل شرارت‌های صدام نمودم[2]. برای گروهی از اعضای جندالله کردستان صحبت کردم.

جمعی از خواهران بسیج پایگاه مقداد آمدند و هدایایی برای جنگ آوردند. از استقبال زیاد خانمها برای آموزش نظامی گفتند و برای امکانات آموزشی کمک خواستند. آقای حسنی سعدی آمد و درباره مسئولیت فرماندهی نیروی زمینی و برنامه‌های جنگ با او مذاکره کردم.

آقای [جمال]ساداتیان کاردارمان در لندن آمد و برنامه توسعه تدریجی روابط با انگلیس را مطرح کرد و برای تصویب آن کمک خواست. آقای [سیدحسین]موسویان برای کارهای اداری آمد. آقای [محمدعلی]رحمانی مسئول بسیج آمد و درباره عملیات داخل عراق و بسیج نیرو مذاکره کرد.

عصر [آقای محمدی ری‌شهری] وزیر اطلاعات و معاونان و مدیران کل آمدند و نیازها و

---

۱ - آقای رضوی از نمایندگان طرفدار دولت، سخنان خود را با مباحث آماری شروع کرد و گفت: "بنده به جناب آقای خاتمی وزیر محترم ارشاد عرض کردم که بهتر است در صدا و سیما و روزنامه‌های ما یک سری بحث‌های آماری مطرح شود تا ببینیم ملت ۴۰ میلیونی ما چه مقدار گوشت مصرف می‌کند و ژاپن ۱۱۰ میلیونی چه مقدار؟ ما چقدر لباس مصرف داریم و فرانسه چقدر؟ و بالاخره ما چقدر می‌خوریم و کشورهای مرفه دنیا چقدر؟ طبق تحقیقاتی که انجام داده‌ام، مصرف در کشور ما از هیچ کشور مرفهی اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست". وی سپس دربارهٔ انتخابات و اعتراض انجمن اسلامی معلمان ایران مطالبی بیان داشت و در ادامه گفت: "جناب آقای امامی کاشانی یک نکته مهمی را فرمودند. فرمودند مسأله اصلی این است نماینده‌ای که به مجلس می‌رود نمایندگی‌اش مشروع باشد. کسانی که با اینگونه جوها می‌خواهند... اگر جو نیست، جواب بدهند تا مشخص شود. اما با چنین عناوین مجهول می‌خواهند خودشان را تبلیغ کنند، چگونه شرعاً خودشان را قانع می‌کنند که به مجلس بیایند و بگویند ما نماینده مردم هستیم. از همین حالا کمر بسته‌اند که بیایند مجلس و ریشه دولت را بزنند و در مخالفت با دولت کار کنند. اعتراضیه بعدی (ساکت شوید. خلاف قانون حرف نزنید... رئیس بالای من است)". آقای رضوی در بخش پایانی سخنان پیش از دستور خود با عنوان نهادهای جعلی گفت: "انجمن اسلامی معلمان داریم، جامعه اسلامی چیست؟ انجمن اسلامی معلمانی که مرحوم بهشتی در جایی و دیگر شهدای بزرگوار در تأسیس آن دخیل بودند، آن یکی دیگر چیست؟ ماکدام راه را می‌خواهیم برویم. دیگر این همه هر روز به پایه‌های اساسی اخلاق لطمه زدن، آخر می‌خواهیم چه بکنیم با ۲۵۰ هزار یا ۲۰۰ هزار شهید. (آقای هاشمی رئیس مجلس در این لحظه اعتراض کرد که این رقم شهید را شما از کجا می‌گوئید. آقای رضوی گفت: "این رقم را احتمالی می‌گویم. رقم اصلی را عرض نمی‌کنم". رئیس مجلس مجدداً گفت: "خوب، چرا رقم خلاف می‌دهید". در اینجا چون وقت نماینده تبریز پایان یافته بود و می‌بایست سه دقیقه باقیمانده را نماینده اراک سخنرانی می‌کرد، آقای رضوی از پشت میکروفون کنار رفت.)

۲ - در این نطق آمده است: "دو روز اخیر جنایات بعثی‌های عراق در زدن شهرها به اسم مراکز صنعتی و حمله به محیط کارگری و جنایاتی که در سنندج و اراک و بعضی جاهای دیگر مرتکب شدند، نشانی از استیصال و به استقبال کارهای ضدانسانی رفتن است که در طول جنگ، ما همیشه از صدام دیده‌ایم. رزمندگان اسلام، نیروی هوایی و سایر مسئولان جنگ ما وظیفه خودشان را در مقابله به مثل انجام می‌دهند ما ناگزیر به مقابله به مثل هستیم و بدون مقابله با دشمن نمی‌توانیم دست این جنایتکار را بشکنیم و از این بابت برای مردم عراق متأسفیم که گرفتار ناراحتی خواهند شد ولی مسئولیت این ناراحتی‌ها به عهده سردمداران حزب بعث عراق است که آنها همیشه این گونه کارها را شروع می‌کنند و پای ما را می‌کشند به جایی که نمی‌خواهیم به آن جا وارد بشویم. ما به مردم شهیدپرور سنندج و مردم ایثارگر و فداکار اراک تسلیت عرض می‌کنیم مخصوصاً به خانواده‌های شهدا و امیدواریم که رزمندگان اسلام جواب مناسب را در جبهه‌ها و در جاهای مناسب به این جنایت بدهند".

مشکلات را ارائه دادند. برای آنها صحبت کردم[۱]. آقای سرهنگ صیاد آمد و برای وظایف آینده مشورت کرد. دربارهٔ اشتباه او در استعفای گذشته و برنامه آینده مذاکره کردیم. امیدوار است که فرماندهی نیروی زمینی را داشته باشد. با اینکه خود ایشان استعفا داده، من هم مایلم بماند و تلاش زیادی نمودم که اختلافاتشان را حل کنم اما نتیجه نداد.

در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و جامعه روحانیت مبارز، برای انجام کارهای جاری شرکت نکردم. شب آقای رفیق‌دوست آمد و امضای دریافت چهار میلیارد تومان برای مخارج جنگ از طریق استقراض [از سیستم بانکی] را گرفت.

چهارشنبه ۸ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۲ ذیقعده ۱۴۰۶   ۳۰ July ۱۹۸۶

تا ساعت ده صبح در جلسه علنی ماندم. قبل از شروع جلسه نمایندگان را از مطرح کردن اختلافات در تریبون برحذر داشتم. طرح مجازات عاملان احتکار و گرانفروشی در دستور بود.

پیش از ظهر در دفترم برای امور جنگ و مخصوصاً موشک زدن به بغداد تماسهایی داشتم. متخصصان لیبی گفته‌اند دستگاه پرتاب موشک آماده نیست و احتیاج به تعویض قطعه دارد. ولی افراد خودمان آن را آماده کرده‌اند؛ شاید نمی‌خواهند کمک کنند.

ظهر آقای [سیدمحمد مهدی] شمس‌الدین معاون مجلس اعلای شیعه لبنان آمد. درباره امور لبنان

---

۱ ـ در این دیدار آقای هاشمی با اشاره به تشکیل و شکل‌گیری وزارت اطلاعات اظهار داشت: "قبل از تشکیل و شکل‌گیری این وزارتخانه، کارهای اطلاعاتی به صورت پراکنده و غیرحساب شده انجام می‌گرفت و برنامه ریزی‌ها در این مورد در حد برآورد نیازهای روزمره بود. البته این روش در مسأله اطلاعات که یک امر ریشه‌ای و متراکم است کفایت نمی‌کرد. در چنین مقطعی انجام کار اطلاعاتی و مبارزه با سازمان‌های اطلاعاتی پیشرفته ابرقدرت‌ها و همچنین عوامل ستون پنجم دشمن کار دشواری است و باید با تلاش بیشتر کمبودهای احتمالی را جبران نماییم".

ایشان با تأکید بر ضرورت ارزیابی کار اطلاعات و نقاط مثبت و منفی آن گفت: "از جمله نکات مثبت کار شما وجود نیروهای خوبی است که جذب این وزارتخانه شده‌اند و این از مهم‌ترین عناصر انجام کار اطلاعاتی است. در میان شما کسانی هستند که فکر می‌کنند با انجام اینکار دارند دینشان را به انقلاب و اسلام ادا می‌کنند. این گونه افراد شیوه برخوردشان با مردم خوب است و هم قدرت انتقال خوبی دارند و هم خوب خبر می‌آورند. باید مواظب باشید که افراد خوبی را که جذب می‌کنید به گونه‌ای خیلی خوب تربیت کنید و رشد بدهید و سازمان اطلاعاتی‌ای در دنیا شکل بدهید که دنبال حق باشد و حق را پیگیری کند. و افراد آن روح دینی در مسائل را در نظر بگیرند. اگر اعتماد مردم جلب شود و مردم اطلاعات‌شان را به راحتی در اختیار آن سازمان قرار دهند، تحقیقاً آن تشکیلات قوی‌ترین و معتبرترین سازمان اطلاعاتی خواهد بود. این در صورتی امکان‌پذیر است که اعتماد مردم را جلب کند و مردم نمونه‌های بدی نبینند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

مخصوصاً ورود نیروهای سوری به جنوب بیروت مشورت کرد و نظراتی ارائه نمود. عصر به کارهای جاری پرداختم.

شب آقایان خامنه‌ای، موسوی، احمدآقا و ولایتی مهمان من در مجلس بودند. درباره لبنان معلوم شد که حزب‌الله خلع سلاح را ـ که از طرف سوری‌ها پیش خواهد آمد ـ تحمل نمی‌کنند؛ حتی با درگیری. ولی در مقابل حضور سوری‌ها در بیروت درگیر نمی‌شوند و قرار شد ایران فعالیت سیاسی شدیدی برای جلوگیری از برخورد سوریها با حزب‌الله بنماید.

در مورد اطباء و اعتصاب گذشته نظام پزشکی، قرار شد بررسی شود. آیت‌الله منتظری پیام داده‌اند که ملاطفت شود. در مورد زدن موشک به بغداد، قرار شد اگر عراق شرارت جدیدی نکند، فعلاً نزنیم ولی اگر مرکز غیر نظامی را بمباران کرد، به نقطه صنعتی در بغداد بزنیم.

پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۳ ذیقعده ۱۴۰۶   ۳۱ July ۱۹۸۶

در مجلس یکسره تا ظهر کار کردیم. طرح پرزحمتی داشتیم. ظهر ملاقات‌ها را حذف کردم. عصر قرار بود جلسه‌ای برای تکمیل طرح، پس از عودت از شورای نگهبان تشکیل شود. چند نفری نیامدند. به جلسه رفتم و تلفنی احضارشان کردیم. به زحمت جلسه رسمی شد. به خاطر تعطیلات معمول تابستان، مجلس برای یک ماه تعطیل شد.

خبر رسید که عراق کارخانه سیمان درود را بمباران کرده و این حمله عده زیادی شهید و مجروح داشته است[1]. تصمیم گرفتم به بغداد موشک بزنیم و دستور صادر شد[2]. شورای عالی دفاع جلسه

---

۱ ـ بر اثر حمله جنگنده‌های عراقی به مناطق کارگری و صنعتی شهر درود ۲۰ تن غیرنظامی شهید و حدود ۱۰۰ تن مجروح شدند. در ساعت ۱۲:۱۵ پنج فروند جنگنده عراقی به حریم هوایی شهرستان درود تجاوز کردند که دو فروند از آنها پدافندهای منطقه را مشغول و سه فروند دیگر پرتاب راکت کردند و در نتیجه، پنج نقطه از جمله کارخانه سیمان این شهر و هنرستان مجاور آن مورد اصابت قرار گرفت. هواپیماهای عراقی به آسمان اراک نیز تجاوز کردند اما بمب‌های خود را در بیابان‌های اطراف این شهر فرو ریختند. هواپیماهای دشمن صبح امروز پل «قطور» و ایستگاه راه آهن سلماس در استان آذربایجان غربی را هم مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن، خسارتی جزئی به یکی از پایه‌های پل وارد شد. یکی از گزارشگران بی بی سی در این‌باره گفت: "هواپیماهای عراقی در موج تازه حملات هوایی، از ارتفاع کم روی مواضعی که برای جنگنده‌ها خطر نداشت پرواز کردند و نیروهای دفاع هوایی ایران بی اثر ماندند. به طور قطع این موج حملات باعث بالا رفتن روحیه عراقی‌ها خواهد شد که پس از عقب نشینی تحقیرآمیز عراق از شهر مرزی مهران، کاهش یافته بود".

۲ ـ آقای هاشمی در پایان جلسه شورای عالی دفاع اعلام کرد: "ایران علی‌رغم عدم تمایل خود، شرارت‌های اخیر رژیم بعث در حمله به مناطق مسکونی و اقتصادی را پاسخ خواهد داد و کلیه مراکز اقتصادی و صنعتی عراق را هدف حملات موشکی، هواپیما و توپخانه قرار می‌دهد".

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

داشت. آقای حسنی سعدی به عنوان فرمانده جدید نیروی زمینی تعیین شد. آقای صیاد در طول دفاع مقدس خدمات زیادی داشته اما اختلافات درون ارتش و بین سپاه و ارتش، کار را به اینجا رساند. خیلی متأثرم. شب درباره جنگ مصاحبه تلویزیونی نمودم[۱].

جمعه ۱۰ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۴ ذیقعده ۱۴۰۶ 1 August ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتم به استراحت و مطالعه گذشت[۲]. عفت از محل و حال مهدی پرسید. آقای اقبالی خبر داد که در محل اردوگاه سد است. دکتر ولایتی برای خداحافظی و مشورت درباره سفر به چند

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ایشان از مردم عراق خواست به منظور پیش‌گیری از صدمات احتمالی، اطراف مراکز اقتصادی و صنعتی تمام شهرهای عراق را تخلیه کنند. "تا هنگامی که عراق دست از شرارت‌های خود برندارد این اتمام حجت به قوت خود باقی بوده و علی‌رغم اینکه حمله به شهرهای عراق برای ما تلخ است اما ما ناچاریم که جواب رژیم عراق را بدهیم. هدف ما مراکز صنعتی است اما این احتمال وجود دارد که برخی از گلوله‌ها به مناطق مسکونی برخورد کنند". ایشان ضمن رد این ادعای عراق که ایران به مناطق مسکونی شهر سلیمانیه عراق حمله کرده است، گفت: "عراق تلاش دارد به وسیله این دروغ‌ها اقدامات خود را توجیه کند". خبرگزاری فرانسه در انعکاس این خبر به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: "این هشدار به منظور جلوگیری از وارد آمدن تلفات انسانی در جریان گلوله باران این مراکز است". در این باره آسوشیتدپرس نیز به نقل از رادیو تهران گزارش داد: "ایرانی‌ها در طول خطوط مقدم جبهه در نزدیکی خلیج‌فارس واحدهای بزرگ موشکی مستقر کرده‌اند که بر روی اهداف نظامی و اقتصادی عراق نشانه‌گیری شده است".

۱ ـ آقای هاشمی درباره وضع آتی جنگ مجدداً گفت که امسال، سال دست یابی به پیروزی‌های بزرگ در صحنه‌های نظامی خواهد بود. ایشان تأکید کرد که این بدین معنا نیست که جنگ امسال پایان خواهد یافت.

در بخشی از این مصاحبه آمده است: "برنامه‌ها به منظور تدارک عملیات آینده از هرنظر مهیا می‌باشد و عمده‌ترین عامل در عملیات آینده، حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه‌هاست تا وقتی کار اساسی شروع شد بتوانیم به آن تداوم ببخشیم. ان‌شاءالله با کمک مردم و نیروهای مسلح این پیروزی‌ها حاصل خواهد شد اما علی‌رغم تعبیرهای مختلف، این بدان معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد بلکه با برنامه‌هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که پیروزی ایران مشخص شود و یکی از نمودهای این پیروزی، قطع حمایت حامیان صدام از این رژیم است. امسال سال دست‌یابی به پیروزی‌های بزرگ در صحنه‌های نظامی خواهد بود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ هشدار آقای هاشمی به شیوخ خلیج‌فارس به سبب حمایت آنها از صدام که در مصاحبه با مجله پاسدار اسلام مطرح شده بود و دیروز به چاپ رسید، بازتاب وسیعی در محافل سیاسی داشته است. در این باره سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در یک موضع‌گیری آشکار گفت: "به نظر می‌رسد که ایران دوباره تبلیغات تحریک‌آمیز خود را علیه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از فوریه (بهمن ماه) گذشته آغاز کرده است... این سخنان تهدیدی برای گسترش جنگ به کشورهای بی طرف خلیج فارس است... "آمریکا همواره خواستار پایان جنگ عراق و ایران بوده است". وی همچنین تأکید کرد: "گسترش جنگ به مناطق دیگر خلیج‌فارس، یک خطر جدی برای منافع آمریکا تلقی می‌گردد". این اخطار دولت آمریکا به ایران به دنبال سخنان دیروز حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با مجله پاسدار اسلام، بوده است. آقای رفسنجانی در آن مصاحبه گفته بود: "ایران در مقابل کشورهای خلیج‌فارس که پول در اختیار عراق می‌گذارند تا آن کشور اسلحه تهیه کرده و تأسیسات نفتی ایران را بکوبد، عکس‌العمل نشان خواهد داد".

کشور آفریقائی آمد. در مورد سفر به اتیوپی توصیه کردم که اخبار را به گونه‌ای منتشر کنند که با سیاست حمایت ما از مسلمانان مبارز در مورد اریتره و اوگاندا و... سازگار باشد.

ظهر بستگان عفت مهمانمان بودند. کارگرمان محمد تقی از نوق آمده بود. او از اجاره املاک نوق به همشیره‌زاده محمد ناراضی است. می‌ترسد از او گرفته شود.

شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۵ ذیقعده ۱۴۰۶ — ۲ August ۱۹۸۶

در منزل بودم. از مهدی خبر رسید که در اردوگاه است و آموزش جنگ و عملیات آبی خاکی را می‌گذراند. او بعد از ظهر با آقای رحمانی آمد. عفت خیلی خوشحال شد. از آموزش راضی است. دوره فشرده‌ای دیده و مدعی است فقط در شبانه روز دو، سه ساعت می‌خوابیده‌اند و بقیه وقت را صرف آموزش کرده‌اند.

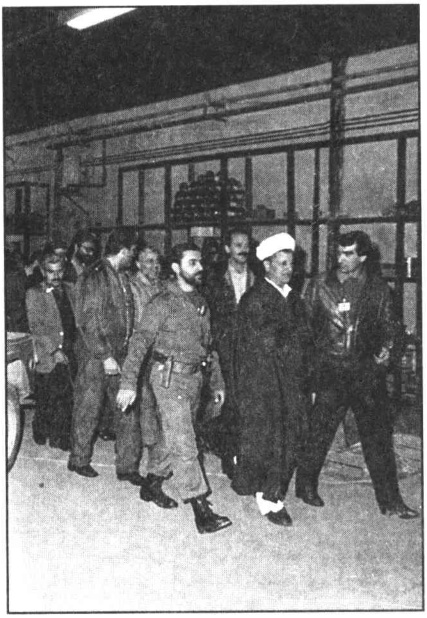
این اردوها و شرکت در جنگ و عملیات مخاطره‌آمیز، برای بچه‌ها سازنده است. مادرش نمی‌خواهد او را از رفتن به جبهه باز دارد، ولی گاهگاهی که فشار روحی‌اش زیاد می‌شود، بروز می‌دهد اما علی‌رغم احساس مادری تحمل می‌کند.

از نیروی هوایی سپاه اطلاع دادند که دیشب نتوانسته‌اند، موشک را به بغداد بزنند و امکان دارد امشب بتوانند. با مشورت با آقایان خامنه‌ای، میرحسین موسوی و احمدآقا، قرار شد بر فرض آمادگی موشک، قبل از اینکه عراق حرکت جدیدی نکند، پرتاب نکنیم. با توجه به نظرات امام سعی می‌کنیم از شدت جنگ شهرها جلوگیری شود. دو روز است که حرکتی نکرده است.

آقای کنگرلو اطلاع داد که هواپیمای آمریکایی حامل ۲۴۰ قطعه هاک در مقابل آزادی یک گروگان آمریکایی از لبنان روز دوشنبه به ایران می‌آید؛ مطمئن نیستم. بنا بود ۲۴ ساعت پس از آزادی گروگان بیاورند. اگر اینها را بدهند، نشانه کم شدن خصومت آمریکایی‌هاست، چون توان پدافند هوایی ما را زیاد می‌کند.

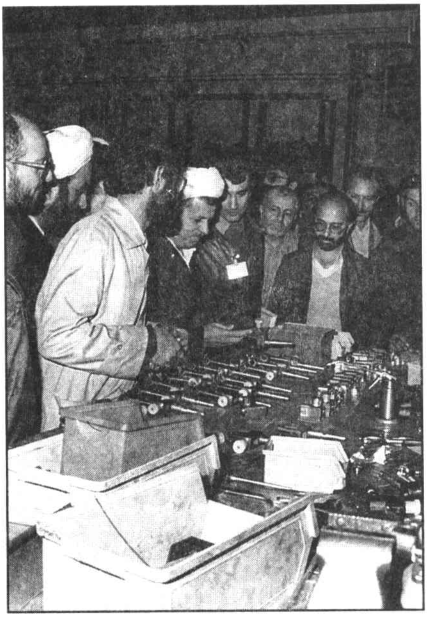
شب دکتر وحید [دستجردی] [رئیس سازمان هلال احمر] آمد که بخواهد در مورد سخت‌گیری به پزشکان محرک اعتصاب نظام پزشکی کوتاه نیاییم و گفت آقای منتظری را هم تا حدودی قانع کرده است. در مورد آمدن اعضای صلیب سرخ جهانی به ایران استمداد کرد. آقای [محمدعلی] نظران مخالفت می‌کند. شرحی از واگذاری کتابخانه چهارهزار جلدی پدر زنش به آستان قدس





بازدید از پیشرفتهای صنایع دفاع





رضوی داد.

آقای سالاری سفیرمان در آلمان آمد و از آمادگی آلمان برای انتقال تکنولوژی به ایران و همکاری در ساخت سلاح ضد تانک تی ۷۲ روسی و مطالب دیگر از جمله بی انضباطی ارتباط ارگانهای ایرانی با مراکز آلمانی گفت.

یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۶ ذیقعده ۱۴۰۶   3 August ۱۹۸۶

رئیس جمهور تلفنی طرح پیشنهادی صیاد را برای شرح وظایف سمت جدید عضویت شورای‌عالی دفاع گفت. گزارش‌ها را خواندم. بوی خبری از نشست جاری اوپک نمی‌رسد. جناح مرتجع کارشکنی می‌کند. عراقی‌ها بعد از اخطار روز پنجشنبهٔ من، موقتاً جا زده‌اند و با شعار و حرف برخورد می‌کنند[1]. چند نفر از کارکنان مجلس آمدند و درباره تاسیسات و کمیسیون اصل ۹۰ و... مطالبی مطرح کردند.

آقای محسن [مجتهد]شبستری [رئیس کمیسیون امور بازرگانی و توزیع مجلس] از عدم توجه سپاه به حفاظت ایشان گله داشت. نمایندگان اصناف آمدند و از عدم همکاری وزارت بازرگانی در تشکیل شورای مرکزی اصناف و اتمام آئین نامه شاکی بودند. آقای شبستری را مامور رسیدگی کردم. غلامرضا ـ همشیره‌زاده ـ کارمند مجلس برای خداحافظی سفر حج آمد.

آقایان سرهنگ ترابی و سنجقی آمدند و درباره امور جنگ و سپاه و ارتش، بسیج نیرو، عملیات، نیازهای ارتش و سپاه، قرارگاه رمضان، نیازهای طالبانی‌ها و بارزانی‌ها و حفاظت از مراکز صنعتی و کشتی‌ها مذاکره کردند. سردبیران مجلات العالم و افکار آمدند و درباره سیاست ایران در امور مهم

---

۱ ـ روزنامه عراقی الثوره امروز بار دیگر تأکید کرد که عراق از این پس به هیچ وجه سهمیه تولید نفت خام خود را که در اوپک تعیین می‌شود، اگر کمتر از سهمیه ایران باشد، نخواهد پذیرفت. این روزنامه در آستانه کنفرانس اوپک در ژنو، اظهار عقیده کرده است که چنانچه تفاوت میان سهمیه‌های ایران و عراق تداوم یابد، اوپک به طور غیرمستقیم مسئول ادامه تجاوز تهران علیه عراق خواهد بود.الثوره افزوده است: "این سهمیه بالا که توسط اوپک برای ایران تعیین شده است، به رژیم تهران فرصت‌های دیگری می‌دهد تا هزینه جنگ خود را علیه عراق تأمین نماید".
از سوی دیگر، معاون امور بین‌الملل و بازرگانی وزارت نفت ایران (حسین کاظم پور اردبیلی)، در ژنو تقاضای رژیم بغداد برای داشتن سهمیه تولید نفت به میزان تولید ایران را یکی از مواضع غیرواقع‌بینانه آن رژیم خواند و گفت: "اتخاذ چنین مواضعی از سوی بغداد برای ایران تازگی ندارد. ایران اگرچه برای موفقیت اجلاس اوپک از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد اما این به معنای پذیرش هرگونه موضع غیرواقع‌بینانه از سوی برخی اعضا نیست.... تولید نفت ایران در طول تاریخ ۲۵ ساله اوپک به میزان دو برابر تولید عراق بوده است".

مثل جنگ و نفت و... سئوالاتی کردند[۱].

آقازاده از ژنو تلفنی گفت اوپک به طرف تثبیت سهام قبلی پیش می‌رود. فقط می‌خواهند عراق را استثناء نمایند. مسئولان اتحادیه حمل و نقل آمدند و از سخت‌گیری وزارت راه در تعرفه‌ها و حق گاراژها شاکی بودند.

آقای [غلامرضا]حدادی کاردارمان در پاریس آمد. درباره سیاست برخورد با فرانسه و مسائل گروگانها سئوالاتی داشت. سرهنگ قناعتی رئیس اداره گذرنامه آمد. گزارش آماری داد و از کوچکی ساختمان اداره و نیاز به توسعه گفت.

شب با آیت‌الله خامنه‌ای مهمان نخست وزیر بودم. درباره مسائل جنگ[۲] و گروگان‌ها و گرفتن نیازهای دفاعی از آمریکا مذاکره شد. سپس به خانه آمدم*.

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این روز صدام حسین در یک ژست سیاسی و صلح طلبانه، با طرح پیشنهادی پنج ماده‌ای بدون اشاره به تنبیه متجاوز، از ایران خواست که با اعلام آتش بس و استقرار صلح موافقت کند. این پیشنهادها طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به رهبران ایران مطرح گردید. در این نامه بر برتری لجستیکی عراق تأکید و در آن اعلام شده است که هیچ راه دیگری به جز راه صلح وجود ندارد. طرح صلح پنج ماده‌ای که صدام ارائه داده است، شامل عقب نشینی سربازان به پشت مرزهای خود، مبادله اسیران جنگ، امضای قرارداد صلح، شناسایی و احترام متقابل و همکاری با یکدیگر جهت ثبات در منطقه خلیج‌فارس می‌باشد.

در نامه مذکور آمده است: این شعار شما که براساس آن، شرایط زمانی را به نفع خود قلمداد می‌کردید، شکست خورده است و اکنون شما شعار جنگ طولانی و فرسایشی را به شعار کوتاه کردن زمان جنگ و قراردادن سال جاری به عنوان سال سرنوشت نهایی، مبدل ساخته‌اید. اما برتری در تمامی زمینه‌های سوق الجیشی در مقایسه با آنچه که شما دارای آن هستید، به نفع ماست؛ توانایی عراق بزرگ‌تر و فعال‌تر از توانایی شماست. پیروزی حتمی از آن استراتژی ما می‌باشد، زیرا که شعار، شعار توسعه‌طلبانه و هدف از آن تسلط بر عراق و برقراری یک امپراطوری توسعه طلبانه است، در حالی که شعار ما، حفاظت از حاکمیت، مقدسات و خواسته‌هایمان می‌باشد و در هر فرصتی دعوت به صلح را تکرار کرده و این خط مشی ما در تمام حالت‌های موجود، می‌باشد. ما به شما می‌گوییم؛ از تنها راهی که می‌توان آنچه راکه می‌شود نجات داد، نجات دهید و آن، گام برداشتن در راه صلح و دست یابی به صلح شرافتمندانه‌ای است که براساس مبانی زیر می‌باشد:

۱ - عقب‌نشینی کامل و همه جانبه و بدون قید و شرط تا مرزهای شناخته شده و بین‌المللی.

۲ - مبادله کامل و همه جانبه اسرا

۳ - امضای موافقت نامه صلح و عدم تجاوز میان دو کشور.

۴ - عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احترام گذاشتن هر کشور به حق انتخاب خود.

۵ - هر یک از کشورهای عراق و ایران باید عامل مثبت در تحقق ثبات و امنیت منطقه و به‌ویژه منطقه خلیج‌عربی باشد.

در همین حال «طه یاسین رمضان» عضو شورای فرماندهی انقلاب و معاون اول نخست وزیر عراق تأکید کرد که عراق آماده است از شرف و استقلال خود دفاع نماید، حتی اگر جنگ با ایران برای صدها سال ادامه یابد.

روزنامه لوکوتیدیندوپاری چاپ پاریس در تفسیری نوشت: "صدام نخستین بار است که از طریق یک نامه سرگشاده روحانیون جمهوری اسلامی را مخاطب قرار می‌دهد. با توجه به مفاد نامه می‌توان گفت رئیس جمهور عراق با پاسخ به هاشمی رفسنجانی (اشاره به سخنان آقای هاشمی در مجله پاسدار اسلام) از یک سو محافل بین‌المللی و از سوی دیگر محافل داخلی کشورش و به ویژه ارتش را با این پیام هدف قرار داده است".

* ـ به پیشنهاد شورای عالی دفاع، «سرهنگ حسین حسنی سعدی» را امام خمینی (ره) به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

## دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۷ ذیقعده ۱۴۰۶ 	4 August ۱۹۸۶

آقای نخست وزیر اطلاع داد که هواپیمای آمریکایی حامل قطعات هاک وارد ایران شده است. بالاخره پوزهٔ ریگان را به خاک مالیدیم و علی‌رغم شعاری که می‌دهد که در مورد گروگان‌گیری باج نمی‌دهد، باج مهمی داد. گرفتن مسائل پدافندی مثل هاک از دشمنی مثل آمریکا مهم است. این را مرهون مجاهدات مسلمانان مجاهد لبنان هستیم[1]. ان‌شاءالله بتوانیم قسمتی دیگر از نیازها را بگیریم.

عصر آقای [محمدحسن] اختری سفیرمان در سوریه همراه با اخوی محمود آمدند. گزارش وضع لبنان را داد و مشورت نمود. تصمیمات جلسه شب پنجشنبه سران قوا را گفتم. شب آقای رفیق‌دوست برای کارهای سپاه و خرید نیازهای جنگ آمد*.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

منصوب کردند. امام خمینی در پاسخ خود به نامه شورای عالی دفاع مرقوم فرمودند: "با تقدیر از زحمت‌های طاقت فرسای سرکار سرهنگ صیاد شیرازی که با تعهد کامل به اسلام و جمهوری اسلامی در طول دفاع مقدس از هیچ‌گونه خدمتی به کشور اسلامی خودداری نکرده است... امید است در آینده نیز در هر مقامی که باشد، موفق به ادامه خدمات ارزنده خود باشند".

۱ ـ به گزارش رادیو کلن، سازمان جهاد اسلامی در لبنان - که هنوز سه تن آمریکایی را در گروگان دارد - با انجام دادن مذاکره با ریگان رئیس جمهور آمریکا و «پاپ ژان پل دوم» و همچنین اسقف اعظم کانتربری برای آزادی گروگان‌های مذکور، مخالفت می‌کند. طبق این گزارش، سازمان مذکور در اعلامیه‌ای که در روزنامه لبنانی «النهار» به چاپ رسیده، تهدید کرده است در صورتی که تقاضای این سازمان عملی نشود، گروگان‌ها را به قتل خواهد رساند. رادیو کلن ضمن اعلام این خبر افزود: "از جمله درخواست‌های سازمان جهاد اسلامی، آزادی هفده نفر از هواداران این سازمان است که در رابطه با انجام [دادن] عملیاتی در کویت زندانی هستند". جهاد اسلامی در اعلامیه خود اظهار می‌دارد: "ما هرگز با ریگان قاتل و جانی معامله نکرده‌ایم و هرگز نخواهیم کرد". در ادامه این اعلامیه آمده است: "سکوت پاپ در مورد جنایات آمریکا و هم پیمان‌هایشان وی را شریک جنایت آنها کرده است".

* ـ در این روز بزرگ‌ترین انبار ذخیره مهمات ارتش عراق واقع در حدفاصل شهر سلیمانیه و کرکوک را یک گروه شورشی از مخالفان حزب بعث منفجر کردند. براساس این گزارش، ۱۵۰ دستگاه تریلی و کامیون‌های شخصی که مأموران حزب بعث برای حمل مهمات به جبهه‌های جنگ به کار می‌بردند، به آتش کشیده شد و یک کارخانه اسفالت‌سازی متعلق به وزارت راه و ترابری عراق که در مجاورت این انبار واقع شده بود، به کلی با خاک یکسان شد و حداقل ۶۰ دستگاه ماشین آلات سنگین نیز در جریان انهدام این کارخانه طعمه حریق شد و سوخت. منابع مطلع خسارت‌های ناشی از انفجار این انبار و کارخانه آسفالت را میلیاردها دینار برآورد کرده‌اند و تلفات جانی را حداقل ۲۰۰ تن کشته و بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی تخمین زده‌اند. از سوی دیگر، انفجار بزرگ‌ترین انبار مهمات ارتش عراق، خسارت فراوانی نیز به روستاییان مجاور وارد آورده است به طوری که در شهرک الهی شش تن و در روستای قوش قایه هفت تن براثر برخورد ترکش انفجار کشته شدند. طبق این گزارش، در حال حاضر کلیه شهرک‌ها و روستاهای مجاور این انبار از سکنه خالی است. در همین حال همزمان با این اقدام، گروه دیگری از مخالفان صدام که در ارتش این کشور خدمت می‌کنند، طی عملیات‌های جداگانه‌ای ۱۳ انبار مهمات دیگر را در شهرهای موصل، بصره و جلولء در استان بعقوبه منفجر کردند که این انفجارها خسارت‌ها و تلفات سنگینی داشته است. گفته می‌شود وقوع این انفجارها موجی از وحشت در بین سران حزب بعث در رابطه با ادامه جنگ ایجاده کرده است.

سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۸ ذیقعده ۱۴۰۶ | 5 August ۱۹۸۶

شب باران بارید و صبح باران سیل آسا در جماران آمد. معمولاً این گونه باران در این فصل نداشتیم.

برای بازدید از صنایع نظامی با ماشین به پارچین رفتیم. صنایع موشکی، صنایع شیمیائی و باروت سازی و پرکن مهمات و کاتیوشا و آر.پی.جی. سازی را دیدیم و به توضیحات مسئولان گوش دادیم و برای کارکنان سخنرانی کردم. عصر به تهران برگشتیم.

خبر موفقیت نسبی ما در اوپک و موافقت با پیشنهاد ما در خصوص کاهش تولید، خستگی را رفع کرد[1]. گزارش‌ها را خواندم، مطلب مهمی نداشت. با خستگی خوابیدم. با زنگ تلفن وزارت خارجه بیدار شدم. آقای [حسین]شیخ الاسلام اطلاع داد که کاردار سوریه اطلاع داده احتمالاً در عراق کودتا شده و روابط تلفن و تلکس قطع شده است[2]. به فرماندهان سپاه تذکر دادم که اگر کودتا محرز شد،

---

۱ - سرانجام اجلاس اوپک بعد از ۹ روز بحث برای تعیین سهمیه اعضا امروز با تصویب پیشنهاد ایران مبنی بر کاهش تولید اعضا تا سطح ۱۶ میلیون بشکه در روز و استثنا کردن عراق از سهمیه‌بندی، به کار خود پایان داد. این تصمیم بحران اخیر اوپک را که باعث کاهش شدید قیمت نفت در بازار جهانی شده بود، موقتاً پایان داد.

آقای آقازاده وزیر نفت، در مورد این پیشنهاد گفت: "با توجه به اینکه عراق حاضر نیست با اوپک همکاری نماید، این مسأله مورد تأیید کلیه اعضای اوپک قرار گرفت که تولید خود را سریعاً حدود ۴ الی ۵ میلیون بشکه کاهش دهند که اجلاس به اتفاق آرا این پیشنهاد را پذیرفت. وی در مورد نتایج تصویب این پیشنهاد گفت: "در حالی که نتیجه این اجلاس هنوز اعلام نشده ولی شایعات آن منجر به افزایش قیمت نفت حدود سه الی چهار دلار در بازارهای جهانی شده است". آقای آقازاده نتایج دیگر موفقیت به تصویب رسیدن پیشنهاد ایران را شکسته شدن جنگ قیمت‌ها، انسجام هر چه بیشتر اوپک، حذف روش‌های غلط قیمت‌گذاری و تخفیف‌های مخصوص دانست. در همین زمینه، وزیر نفت کویت پس از پایان اجلاس اوپک در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد دلیل قبول پیشنهاد ایران در اجلاس ژنو، گفت: "پیشنهاد مذکور در مقایسه با دیگر پیشنهادهای ارائه شده ضمن کوتاه مدت بودن، از انعطاف بیشتری برخوردار بود به ویژه آن که سهمیه‌ای برای عراق نیز مشخص نساخته است. این امر به معنی تغییر سیاست کشورش نمی‌باشد. سهم اوپک در بازار باید بیشتر از ۱۶ میلیون بشکه در روز باشد".

۲ - در پی مطرح شدن احتمال وقوع کودتا در عراق که به نحو غیررسمی در برخی محافل دیپلماتیک، به خصوص «سوری»ها ابراز گردید، خبرگزاری جمهوری اسلامی، اعلام کرد که شایعه وقوع کودتا در عراق به شدت در سطح کشور و جبهه‌های جنگ در حال گسترش است. در تهران اقشار مختلف مردم و نیز مراکز مختلف دولتی ضمن تماس با این خبرگزاری، با ابراز خوشحالی، از چند و چون ماجرا می‌پرسند. در همین زمینه مردم متناسب با ذوق و سلیقه خود به پخش شایعاتی نظیر «ترور صدام»، سرکوبی کودتا، فرار گروهی از مقامات عربی از عراق، پناهندگی یک هواپیمای عراقی به ایران و نظایر آن مبادرت نموده‌اند. همچنین براساس گزارش رسیده از قرارگاه حمزه، شایعه مزبور و سرنگونی صدام به طور گسترده‌ای در میان رزمندگان مطرح است، به طوری که در این قرارگاه شیرینی توزیع شده است. از باختران، اهواز، اراک، تبریز و تفرش نیز گزارش رسیده است که شایعه مزبور در سطح این شهرها پخش شده است. به دنبال قوت گرفتن این شایعه، منابع خبری ایران در پی یافتن میزان صحت و سقم و جوانب آن برآمدند. با توجه به اینکه فضای خبری به شدت بسته عراق امکان تحقیق مستقیم را منتفی می‌کرد، روش‌های کسب خبرهای مربوط با واسطه مورد نظر قرار گرفت. در پی این امر، یک منبع موثق ترک در یک تماس تلفنی با خبرگزاری جمهوری اسلامی در آنکارا به نقل از سفیر ترکیه در عراق گفت که در چند روز اخیر واقعه‌ای که نشان دهنده ایجاد تحولات اساسی در کادر رهبری این کشور باشد به وقوع نپیوسته است و اوضاع در این کشور عادی می‌باشد. این منبع اطلاعاتی همچنین اعلام کرد که مسئولان وزارت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تلاش کنند مراکز حساس مثل جاده بصره و ام‌القصر را بگیرند.

چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۵ | ۲۹ ذیقعده ۱۴۰۶ — 6 August 1986

ساعت نه صبح به مجلس آمدم. مجلس تعطیل است. سفیر آلمان غربی آمد. در مورد لزوم تکمیل طرحهای نیمه تمام تذکر دادم. کاردار کره جنوبی آمد. خواهان تبدیل کارداری به سفارت بود و در مورد آزادی یک دیپلمات کره‌ای که در لبنان ربوده شده استمداد کرد. اظهار بی‌اطلاعی نمودم.

مسئول قضائی مقر شهید مطهری آمد و از برخورد نمایندگان با پاسداران گله داشت. مسئولان گزینش دانشگاه آزاد اسلامی آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1].

درباره احتمال کودتای عراق پیگیری کردم. آقای شیخ‌الاسلام اطلاع داد که روزنامه الشرق در لبنان هم مطرح کرده و پرواز هواپیمای عراقی به عربستان سعودی هم تاخیر داشته و قرائن دیگری نداریم. ظهر آقای عبدالله نوری [رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] و سرهنگ حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] برای مذاکره در امر بودجه ارتش و مسائل جنگ و نیروی زمینی آمدند.

عصر آقای ریاضی آمد. در مورد دکتر [ابراهیم] یزدی که از آمریکا برگشته[2] و هم درباره خریدهای تسلیحاتی مطالبی داشت. نمایندگان شوراهای جهاد دانشگاهی آمدند. برای آنها صحبت

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

خارجه ترکیه از احتمال وقوع کودتا در عراق اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. یک مقام سفارت ژاپن در ایران نیز گفت: "مطابق اطلاعاتی که آنها از سفارت خود در بغداد دریافت کرده‌اند، هیچ نشانه‌ای از وضعیت غیرعادی در پایتخت عراق دیده نشده است". در همین حال آقای سید محمد باقر حکیم طی تماسی با خبرگزاری جمهوری اسلامی، اعلام کرد: براساس آخرین تماس ما با عراق، کودتایی در این کشور صورت نگرفته است و بدین وسیله شایعه وقوع کودتا تکذیب می‌شود.

۱ ـ آقای هاشمی خطاب به هیأت‌های گزینش مرکزی و هسته‌های گزینش دانشگاه آزاد اسلامی گفت: "خواهش من از برادران مسئول گزینش این است که با معیارهای اسلامی برخورد کنند و گروه تحقیق مکلف نیست که به خانه و محل کار مردم برود و اشخاص را که زمینه‌های سالمی دارند، به سمت بدی سوق دهند. اگر کسی را شناختید و اسناد قوی علیه او وجود داشت، مسأله‌ای نیست اما اصل را همیشه بر برائت و صحت بگذارید. اگر کسی خوب باشد و مسائل را رعایت کند و ظاهری قابل قبول داشته باشد و علیه او هم شکایتی نباشد، بدون تحقیق باید او را بپذیریم مگر آنکه سئوال جدی علیه او وجود داشته باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در رسانه‌های غربی شایع شده بود که یکی از کانال‌های ارتباط ایران و آمریکا برای تهیه سلاح از طریق دکتر ابراهیم یزدی بر قرار شده است. این ادعا تکذیب شد.

کردم[1] و گزارشی دادند. [آقای غلامرضا شافعی] وزیر صنایع و معاونان آمدند. گزارشهای خوبی دادند که صنایع در جهت استقلال از ارز دولتی پیش می‌روند. شب مهمان رئیس جمهور بودیم. تقریباً روشن شده که کودتای ادعا شده در عراق یا اصلاً نبوده و یا شکست خورده است. در مورد ورود نیروهای سوری به جنوب بیروت هم بحث شد.

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۵ | ۱ ذیحجه ۱۴۰۶ | 7 August ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه و استراحت گذشت. احمد آقا آمد و درباره جنگ، مقابله به مثل، قطعات هاک گرفته شده از آمریکا و مراحل بعد معاوضه با گروگانها، طرح تشدید مجازات محتکران و پیام امام به حجاج مذاکره کردیم.

عراق به اصفهان و خارک حمله کرده و خساراتی وارد کرده است[2]. دستور مقابله به مثل دادم. عصر فرماندهان قرارگاه رمضان درباره قرارداد با بارزانیها و طالبانیها صحبت کردند و خواستند که برای انجام قرارها کمکشان کنم. گفتم به تدریج و گام به گام پیش بروند، در حدی که آنها امتحان صداقت می‌دهند، امکانات بدهیم.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "تشکیل جهاد دانشگاهی از اقدامات خوب بعد از انقلاب فرهنگی بوده است. پیشنهاد دهندگان این طرح، احساس کرده بودند باید خلایی که در دانشگاه وجود دارد پر شود تا در نظام آموزش عالی، تعطیلی مطلق بروز نکند. ایجاد نهادهای انقلابی به تناسب نیازهای انقلاب بوده و صرفاً برای خدمت به جامعه و بدون برنامه‌ریزی قبلی تأسیس گردیده‌اند و به همین خاطر سالم‌ترین نوع نهادها در طول تاریخ هستند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - در این روز بار دیگر حملات هوایی عراق گسترش یافت؛ به این ترتیب که بندر گناوه مورد حملهٔ هواپیماهای عراقی قرار گرفت ولی خسارتی ببار نیامد. همچنین مراکز غیرنظامی و اقتصادی در اصفهان و جزیره خارک مورد حملات خسارت‌بار قرار گرفتند. صبح امروز هشت هواپیمای دشمن، چند ناحیه صنعتی و کارگری اصفهان را بمباران کردند. در این حمله هوایی سه نقطه پالایشگاه شمارهٔ یک اصفهان و یک قسمت از مخازن پخش شهید محمد منتظری هدف قرار گفت. هواپیماهای عراقی همچنین نیروگاه اسلام آباد اصفهان را بمباران کردند که براثر آن، واحدهای یک، دو و سه این نیروگاه آسیب دید، خساراتی نیز به سالن توربین وارد گردید و تانک‌های ذخیره‌سازی مازوت نیز براثر برخورد ترکش سوراخ شدند. در این حمله حدود ۲۰ تن مجروح شدند. به گفته شاهدان عینی، در حمله به نیروگاه اسلام آباد اصفهان دو هواپیمای عراقی در سطح بسیار پایین به نیروگاه حمله کردند به طوری که خلبانان این هواپیماها دیده می‌شدند. به گفته این شاهدان، یکی از هواپیماها با راکت و بمب و دیگری با کالیبر به نیروگاه حمله کردند. هواپیماهای عراقی بعد از ظهر امروز نیز به فضای اصفهان وارد شدند ولی تنها دیوار صوتی را شکستند. به نظر می‌رسد هدف از حمله اخیر، عکس‌برداری از مناطق آسیب دیده باشد.

جمعه ۱۷ مرداد ۱۳٦۵ | ۲ ذیحجه ۱۴۰٦ — 8 August ۱۹۸٦

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. در جریان امور جنگ و مقابله به مثل تجاوزهای عراق قرار گرفتم. دستور زدن مراکز صنعتی بصره با توپ و حمله هوایی به مراکز اقتصادی داده‌ایم که اجرا می‌شود. عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد. درباره بنیاد تاریخ بحث شد.

به نخست وزیر گفتم به کنگرلو بگوید تا آمدن هواپیمای دوم حامل [موشک]تاو و لامپ P.R پول قطعات هاک آمریکایی‌ها را نپردازد. شب خبر دادند هواپیمای حامل قطعات موشک اسکاد ـ بی از لیبی برگشته است. خوشحال شدم. از همکاری لیبیائی‌ها مطمئن نبودم*.

شنبه ۱۸ مرداد ۱۳٦۵ | ۳ ذیحجه ۱۴۰٦ — 9 August ۱۹۸٦

ساعت هشت صبح همراه [پسرم]مهدی به زیارت امام رفتیم. مهدی برای رفتن به جبهه از امام خداحافظی کرد. سارا هم بنا بود بیاید ولی نرسید. درباره مشکلاتی که مجلس با شورای نگهبان در مصوبات خود دارد با امام صحبت کردم و مخصوصاً روی نظرات شورای نگهبان درباره تعزیرات و به خصوص طرح تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان تکیه کردم.

آنها معتقدند که مجازات‌ها را خود قاضی‌ها باید تعیین کنند و نمی‌پذیرند که مجلس به صورت قانون کلی بیاورد و این موجب تفاوت فراوان و گاهی فاحش بین مجازات‌ها می‌شود. در مورد مرجعیت گروه چهارنفری منصوب امام هم اشکال ایجاد کرده‌اند. در مورد جنگ هم گزارشی دادم[1].

---

* ـ در پی دستگیری یک جاسوس آمریکایی به نام "جان پاتیس" که به عنوان مهندس مخابرات برای یک شرکت مقاطعه کار بین‌المللی در ایران کار می‌کرد، امروز رادیو آمریکا به نقل از وزارت خارجه این کشور گفت: "سفارت سوئیس در ایران می‌کوشد یک مهندس آمریکایی مخابرات را که شش هفته پیش به اتهام جاسوسی دستگیر شد، آزاد کند. به گفته یک سخنگوی وزارت خارجه، سفارت سوئیس که حافظ منافع آمریکا در ایران است نتوانسته است با مهندس ۴۹ ساله به نام "جان پاتیس" ملاقات کند". رادیو آمریکا همچنین به نقل از روزنامه واشنگتن پست گفت: "جان پاتیس هنگامی که با یک پاسپورت جعلی ایتالیایی دستگیر شد، در مرکز مخابرات بین‌المللی ایران در اسدآباد کار می‌کرد. ماه گذشته (۱۳٦۵/۴/۲۷) علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: "یک آمریکایی با گذرنامه جعلی ایتالیایی به اتهام جاسوسی در بازداشت به سر می‌برد." وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید پاتیس کارمند دولت آمریکا نیست. خواهر پاتیس جاسوس آمریکایی نیز دستگیری وی را نوعی سوء تفاهم خواند و گفت: "برادرم در زمان حمله هواپیماهای عراقی به اسدآباد، برای انجام دادن مأموریتی به اهواز رفته بود و این امر باعث تو هم مقامات ایرانی مبنی بر جاسوسی وی برای آمریکا شده است.

۱ ـ جرج شولتز، وزیر خارجه آمریکا امروز در مصاحبه‌ای اعلام کرد که دو ابر قدرت یک ابتکار تازه برای پایان بخشیدن به جنگ شش ساله ایران

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

امام به خصوص از وضع موشک‌ها سئوال کردند و از قطعات هاک که اخیراً از آمریکا در مقابل آزادی یک گروگان آمریکایی در لبنان گرفته‌ایم پرسیدند. مراحل بعدی معاوضه را که بناست [موشک] فونیکس و... بگیریم، گفتم.

تا شب در خانه بودم و بیشتر وقت به مطالعه گذشت. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزارت امور خارجه] اطلاع داد که سفیر ژاپن آمده و راجع به آمریکا و گروگانهای لبنان مطالبی پرسیده، ولی جواب آقای بشارتی را نپسندیدم.

یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۵ | ۴ ذیحجه ۱۴۰۶   ۱۰ August ۱۹۸۶

مهدی برای رفتن به جبهه آماده می‌شد و من برای انجام ملاقات‌ها به مجلس آمدم. آقای سرهنگ ترابی برای گزارش مسائل جنگ آمد. آقای حمید نقاشیان آمد. اظهار کرد که بیکار است. آقای ناجی رئیس صنایع فولاد آمد. گزارشی از وضع صنایع فولاد داد و برای تقویت بودجه و نیروی انسانی استمداد کرد و از عدم همکاری وزیر [معادن و فلزات] گله داشت.

در جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم. مصوباتی در جهت اعزام نیرو و تجهیز امکانات داشتیم. سپس با آقای محسن رضایی دربارهٔ سه عملیات محدود قبل از حمله وسیع آینده مذاکره کردیم. ناهار به مجلس آمدم. عصر قرار بود برای پاسخ به سئوالاتی که در اثر تبلیغات دشمنان در مورد جنگ وجود دارد، مصاحبه تلویزیونی داشته باشم، اما به خاطر آماده نشدن سئوالات به بعد موکول شد.

فرزندم مهدی و پاسدارم آقای رحمانی که عازم جبهه بودند، برای خداحافظی آمدند. یک ساعت به آقای رحمانی هدیه دادم. مهدی را به خاطر روحیه فداکارانه‌ای که دارد، بیشتر از گذشته دوست دارم. با عفت تلفنی صحبت کردم، ولی راضی است. نمی‌خواهد فرزندش را از ثواب و سعادت باز دارد، می‌داند که حضور او در جبهه برای انقلاب مفید است، ولی مادر است دلش

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و عراق مطرح کرده‌اند. وی جزئیات این طرح را فاش نکرد. بنا به گزارش خبرگزاری کویت، شولتز افزود: "هر دو ابر قدرت دارای اندکی وجوه اشتراک در رابطه با چگونگی تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق بوده و هر دو مایلند این جنگ خاتمه پیدا کند". به گزارش منبع مذکور، وی از افشای جزئیات بیشتر، خودداری کرد و مشخص نکرد که آیا دو ابرقدرت قبلاً گفت‌وگوهای مربوط به چگونگی پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق را آغاز کرده‌اند یا اینکه قصد دارند آن را در اجلاس آتی وزیران خارجه آمریکا و شوروی مطرح کنند.

می‌سوزد، گفت صدقه بدهم و برای او و پاسداران، گوسفند قربانی کنم.

آقای [علاءالدین] بروجردی سفیر جدیدمان در چین برای مشورت و خداحافظی آمد. آقای علیزاده عضو جدید شورای نگهبان آمد و از دستگاه قضائی انتقاد داشت. از آقای [مصطفی] محقق داماد [رئیس سازمان بازرسی کل کشور] راضی بود.

گروه مسئول حفاظت شخصیت‌ها از طرف شورای امنیت آمدند. در مورد کم کردن تشریفات و حجم حفاظت مشورت کردند. شب سران قوا مهمان من بودند. درباره اختلافات مالی و سیاسی با فرانسه صحبت شد و آقای [محمدجواد] لاریجانی [معاون امور بین‌الملل و اقتصادی وزارت امور خارجه] گزارش سفر به روسیه را داد. گویا روسها مایلند با ما روابط خوبی داشته باشند[1].

دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۵ | ۵ ذیحجه ۱۴۰۶ — 11 August ۱۹۸۶

آقای بشارتی اطلاع داد که عربستان اعلان کرده چند نفر از حجاج ایرانی در ساک‌های خود تی.ان.تی داشته‌اند. آقاجلال برای مهدی یک گوسفند قربانی کرد و انفاق نمود. پیش از ظهر احمدآقا آمد. درباره مرجع تعیین تعزیرات قانونی که با شورای نگهبان مشکل پیدا کرده‌ایم، مذاکره شد. نظر دادم که بهترین مرجع مجلس است، ولی شب احمدآقا اطلاع داد که امام می‌خواهند کار را به آیت‌الله منتظری محول کنند که ایشان مرجع را تعیین کنند.

---

۱ ـ دکتر محمد جواد لاریجانی معاون امور بین‌الملل و اقتصادی وزارت امور خارجه در بازگشت از سفر رسمی به مسکو، گفت که میان ایران و شوروی زمینه‌های همکاری وسیعی وجود دارد. او گفت که در این دیدارها حسن‌نیت، علاقه و تصمیم دولت شوروی به توسعه روابط با ایران را احساس کرده است. در این باره رادیو کلن در تفسیری گفت: "روابط ایران و شوروی بعد از سفر لاریجانی به مسکو را نمی‌توان حسنه توصیف کرد و هنوز از این مرحله بسیار دور است. نقش اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان مانع از آن می‌شود که روابط حسن همجواری واقعی بین تهران و مسکو به وجود آید. رهبران ایران کماکان خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای نظامی شوروی از افغانستان هستند. تأکید گرومیکو بر ضرورت آغاز مذاکرات صلح از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا ایرانی‌ها ظاهراً در تدارک یک حمله جدید همه جانبه علیه عراق می‌باشند و به این ترتیب در مرحله مقدماتی به تهران اخطار می‌شود که اگر جنگ شدت یابد، این امر با انتقاد و مخالفت شوروی رو به رو خواهد شد.

در همین حال میخائل کاپتسا معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی در مسکو، گفت: "جنگ ایران و عراق هم اسفبار است و هم بی‌معنا. موضع اتحاد شوروی از ابتدای جنگ این بوده که این جنگ هر چه زودتر پایان یابد. این درگیری مصائب بیشتری برای دو طرف درگیر به همراه خواهد داشت... ما مدام و با قوت از هر دو طرف خواسته‌ایم که با پایان خصومت‌ها، عقب کشیدن نیروها و آغاز مذاکرات موافقت کنند".

از سوی دیگر، رادیو بی.بی.سی در تفسیری دربارهٔ روابط ایران و شوروی گفت: "قرائن و شواهد حاکی است که تا حدی روابط ایران با ابرقدرت شمالی خود در مقایسه با آمریکا - که همچنان به شیطان بزرگ توصیف می‌شود - بهتر شده است. در حقیقت آغاز یک رشته دیدارهای اقتصادی میان دو طرف، نوعی واقع‌گرایی مبتنی بر مسائل اقتصادی را به وجود آورده است. ظاهراً ایران و شوروی هر دو بر این نکته متفق‌اند که نگذارند اختلاف بر سر مسائل مهم سیاست خارجی، مانعی در راه بهبود روابط دو طرف شود".

عصر آقای معادیخواه آمد و درباره نیازهای بنیاد تدوین تاریخ انقلاب صحبت کرد. جمعی از مدیران بهره‌برداری شرکت نفت آمدند. گزارشی از خسارات بمباران اخیر خارک دادند و برای پدافند استمداد کردند. به سرهنگ ترابی گفتم که به حرفهایشان توجه کنند.

درباره کاروانی که در جده گیر افتاده و جمعی از حجاج که در ساک آنها مواد منفجره کشف و بازداشت شده‌اند، پیگیری کردم. معلوم شد. که حجاج بی‌اطلاع بوده‌اند. فقط رئیس کاروان می‌دانسته. به وزارت خارجه و اطلاعات گفتم که برای ملاقات با رئیس کاروان در حج تلاش کنند.

آقایان اروج و وحیدی دربارهٔ برنامه‌ای که برای کنفرانس [جنبش کشورهای غیر متعهد در] حراره پایتخت زیمبابوه دارند، توضیح دادند. اطلاع دادند به پالایشگاه اصفهان از طرف عراق حمله شده است[1]. دستور زدن موشک به پالایشگاه الدوره در جنوب بغداد را دادم[2].

سه‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۵ | ٦ ذیحجه ۱۴۰٦ — ۱۲ August ۱۹۸٦

در منزل بودم. صبح زود اطلاع دادند که دیشب موشک را زده‌ایم[3]. نزدیک ظهر اطلاع رسید که

---

۱ ـ امروز بار دیگر حمله‌های هوایی عراق به مناطق مسکونی و صنعتی شدت گرفت که براثر آن، بیشترین آسیب متوجه شهر اصفهان بود. در حمله به این شهر که با شش فروند هواپیمای عراقی صورت گرفت، دو هواپیمای دشمن به حرکات فریب دهنده پرداختند و دو فروند دیگر از ارتفاع ۳۰ متری تعداد ۹ بمب فرانسوی ۷۵۰ پوندی (تقریباً ۳۴۱ کیلوگرم) را به طرف پالایشگاه اصفهان پرتاب نمودند. که در نتیجه آن، دو مخزن ذخیره فرآورده‌های نفتی مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش سوزی شد. همچنین ترمینال پخش فرآورده‌های نفتی نیز ۲۰ درصد دچار آسیب شد و تعدادی از تانکرهای نفتکش مستقر در آن نیز در آتش سوختند. در این حمله ۱۸ تن از کارکنان پالایشگاه شهید یا مجروح شدند. نوع هواپیماهای عمل کننده میراژ فرانسوی بوده‌اند.

در خصوص حملات اخیر هواپیماهای عراقی، رادیو بی.بی.سی در تفسیری گفت: "گزارش‌های مکرر حاکی از این است که ایران تهاجم وسیع دیگری را تدارک می‌بیند و شاید هدف عراق از حملات هوایی اخیرش این باشد که ایران را به شروع این تهاجم پیش از آن که آمادگی کامل داشته باشد، وادار کند".

۲ ـ در پاسخ به حملات اخیر عراق به مناطق غیرنظامی، هواپیماهای نیروی هوایی ارتش امروز یک پادگان نظامی عراق واقع در شمال غربی شهر اربیل را بمباران کردند. همچنین توپخانه ایران شهر بصره و پتروشیمی آن را از مقابل پاسگاه زید و شلمچه مورد هدف قرار داد. ارتش عراق در اطلاعیه نظامی شماره ۲۳۲۲ خود حمله یک هواپیمای جنگی ایران به پادگان در نزدیکی «اربیل» را اعلام کرد و افزود: "براثر گلوله‌باران شهر بصره، یک غیرنظامی کشته و ۱۱ نفر دیگر از جمله ۳ کودک مجروح شدند.

۳ ـ در پاسخ به حملات هوایی اخیر عراق، امروز پس از حدود یک سال بار دیگر بغداد هدف یک موشک دوربرد ایران قرارگرفت. این حمله را در ساعت ۱:۲۵ بامداد امروز یگان موشکی نیروی هوایی سپاه پاسداران انجام داد که براثر آن، پالایشگاه «الدوره» بغداد به آتش کشیده شد. پالایشگاه مزبور در ۱۵ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد و یکی از بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های نفت عراق است. این پالایشگاه، بنزین سوپر، بنزین هواپیما و نفت سفید و نیز روغن اتومبیل تصفیه و تولید می‌کند. عراق برای محافظت از این پالایشگاه عظیم نفتی، دو پایگاه موشکی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عراق به جزیره سیری حمله کرده و چند کشتی را زده است. با توجه به اینکه بیش از هزار کیلومتر تا عراق فاصله دارد، قاعدتاً باید از کشورهای مجاور استفاده کرده و یا امکانات جدیدی بدست آورده باشد[۱].

اطلاع رسید یک جت فالکن آموزشی شرکت آسمان فرار کرده و در بغداد به زمین نشسته است[۲]. خبرگزاری‌ها به دروغ گفته‌اند که هواپیمای اختصاصی من بوده یا خلبانش خلبان مخصوص من بوده. به خبرگزاری [جمهوری اسلامی] گفتم که تکذیب نمایند. پخش این مطالب از رادیوهای بیگانه هیجانی در سراسر کشور به وجود آورده بود که عصر و شب تلفنهای زیادی به منزل و دفتر داشتیم.

آقایان [احمد]وحیدی [معاون اطلاعات سپاه]، عروج و [محمدباقر]ذوالقدر [فرمانده قرارگاه رمضان] برای مذاکره درباره کردهای عراقی، مسائل حج و کنفرانس غیرمتعهدها آمدند.

چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۵ | ۷ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۱۳ August ۱۹۸۶

ساعت هشت به مجلس آمدم. [آقای یوناکا نومورانو] سفیر ژاپن آمد. نامه آقای [شینتارو]آبه [وزیر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

زمین به هوا و یک سلسله مخازن هیدرولیکی در اطراف آن ایجاد کرده است. این مخازن هیدرولیکی به هنگام نزدیک شدن هواپیماها، به طور اتوماتیک نوعی گاز تیره رنگ برای استتار پالایشگاه از خطر حمله هوایی متصاعد می‌کنند. این پالایشگاه با شش لوله نفتی ۱۲ اینچی که از منطقه موصل امتداد یافته، تغذیه می‌شود و اطراف آن دارای مخازن ذخیره نفت و بنزین می‌باشد.

۱ ـ هواپیماهای عراقی امروز برای اولین بار پایانه نفتی «سیری» را که در ۹۰۰ کیلومتری نزدیک‌ترین پایگاه هوایی عراق قرار دارد، بمباران کردند و حداقل سه نفتکش اجاره‌ای ایران را با بمب‌های هدایت شونده لیزری فرانسوی هدف قرار دادند. برخی منابع معتقدند که عراق در این حمله از کشورهای دیگر منطقه کمک گرفته است. در حمله امروز چهار هواپیمای میراژ اف ـ ۱ عراق شرکت داشتند. این اولین بار در جنگ است که جنگنده‌های عراقی چنین برد طولانی را پرواز می‌کنند. نویسنده کتاب جنگ خلیج (gulf war) معتقد است که لازمه پرواز در چنین بردی، نیاز به سوخت‌گیری مجدد است. هواپیماهای عراقی احتمالاً یا سوخت‌گیری مجدد نموده‌اند و یا اینکه از برخی پایگاه‌های کشورهای عربی مانند عمان، عربستان سعودی یا بحرین استفاده کرده‌اند. نزدیک‌ترین پایگاه هوایی عراق به جزیره سیری، پایگاه ناصریه در بصره می‌باشد که نزدیک به ۹۰۰ کیلومتر با این جزیره فاصله دارد و بمب افکن‌ها و شکاری‌های عراق نمی‌توانستند بنزین کافی برای رفت و برگشت برای طی این مسافت داشته باشند. براثر حمله امروز عراق به پایانه نفتی در جزیره سیری، دو نفتکش بزرگ، هدف واقع شدند که یکی از آنها به طور کامل سوخت. این حمله پیش از ظهر امروز صورت گرفت.

۲ ـ هواپیمای آموزشی جت فالکون ۲۰ متعلق به شرکت هواپیمایی آسمان با هدایت خلبان آن علی اکبر محمدی، پس از برخاستن از فرودگاه رشت، خاک ایران را ترک کرد و با استفاده از فضای ترکیه در یکی از فرودگاه‌های بغداد به زمین نشست. در این باره خبرگزاری یوگسلاوی ضمن تأیید این خبر، به نقل از مصاحبه خلبان در بغداد، اقدام وی را یک اقدام شخصی و در اعتراض به جنگ ایران و عراق توصیف کرد. خبرگزاری آلمان، رویتر و کویت نیز گزارش‌های مشابهی منتشر کردند. رسانه‌های خارجی مدعی شدند همسر و یکی از دختران آقای هاشمی رفسنجانی در این هواپیما بوده و به عراق پناهنده شده‌اند! خلبان نامبرده یک ماه پس از فرار، از طریق عراق به آلمان غربی رفت و در روز جمعه ۲۶ دی ماه ۱۳۶۵ در هامبورگ به دست دو ناشناس کشته شد. پلیس هامبورگ این ترور را سیاسی و مربوط به اداره امنیتی پلیس دانست.

خارجه ژاپن] را آورد و برای نجات گروگانهای آمریکایی در لبنان استمداد کرد. گفتم آمریکا تعهد کند که برای نجات زندانیان در کویت تلاش نماید. این خواست سازمان جهاد اسلامی لبنان است.

همچنین قطعات خریده شده ما که در انبارهای آمریکا مانده و یازده هلی‌کوپتر ما راکه در ایتالیا با توقیف آمریکا مانده، بدهند تاکمک کنیم و اضافه کردم به نظر می‌رسد آمریکا در این موضوع جدی نیست، اگر جدی باشد اینها خواسته‌های زیادی نیست. اگر این کارها را بکند، گامی هم در جهت عادی سازی روابط که خواست آمریکا و ژاپن است، برداشته است.

جمعی از فرهنگیان که سمیناری برای تغییر نظام آموزشی داشته‌اند، آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. قبل از جلسه آقای اسدی لاری از اظهاراتی که آنها را متهم به اعمال سیاستهای خطی کرده‌اند ابراز ناراحتی کرد. آقایان سرهنگ [محمدحسین]جلالی [وزیر دفاع] و [اکبر]ترکان آمدند و در ارتباط با فشارهایی که از طرف سپاه بر آنها وارد می‌شود، شاکی بودند. تاکید کردم که با سپاه بسازند و قول دادم که آنها را هم نصیحت کنم.

جمعی از اعضای شورای مدیریت انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمدند. از عدم حمایت مطلق ما از ایشان گله داشتند. توضیحاتی دادم و نصیحت کردم که تندروی نکنند و از آنها خواستم به جای مخالفت با دانشگاه آزاداسلامی، با آن همکاری کنند که اگر انتقادی دارند رفع شود.

ظهر آقایان [بیژن نامدار]زنگنه [وزیر جهاد سازندگی] و [غلامرضا] فروزش آمدند و از مشکلات جهاد و نیازها و خدماتشان گفتند. سرهنگ ترابی و سرهنگ [منصور] ستاری [معاون طرح و برنامه نیروی هوایی] آمدند. برای پدافند اصفهان و جزیره سیری بحث شد. به ظنّ قوی به نظر می‌رسد عراق در حمله به سیری از کمک کشورهای همسایه استفاده کرده است.

[آقای رضا امراللهی] رئیس سازمان انرژی اتمی آمد و ابتکار هدف لیزری برای توپ‌ها را گفت. عصر شورای‌عالی دفاع جلسه داشت. بعد از جلسه مصاحبه کردم[2]. شب مهمان احمدآقا بودیم. امام هم

---

۱ - در این ملاقات که آقای سید کاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش و مسئولین تغییر نظام آموزشی حضور داشتند، آقای هاشمی لزوم ایجاد یک نظام هماهنگ و یکپارچه از کودکستان تا دوره‌های عالی تخصصی در راستای اهداف انقلاب اسلامی را مورد تأکید قرار داد. در بخشی از سخنرانی آمده است: "موقعیت کنونی یک موهبت است و شرایط از هر جهت برای این منظور مساعد است. باید این اقدام را جدی بگیریم چرا که در غیر این صورت، ممکن است به زودی پشیمان شویم. تغییر نظام فرهنگی از پایین به بالا از مهمترین کارهاست و تعلیم باید به گونه‌ای باشد که الگوی مسلمان واقعی را به دانش‌آموز نشان دهد. دانشگاه‌ها و سطوح متوسطه باید بچه‌ها را به گونه‌ای تربیت کنند که واقعاً حامی قشر محروم و مستضعف باشند."

۲ - در بخشی از این مصاحبه آمده است: "اسناد و مدارکی در اختیار داریم که نشان می‌دهد هواپیمای عراقی برای حمله به جزیره سیری از امکانات کشورهای منطقه استفاده کرده‌اند." ایشان حمله جنگنده‌های عراق به پایانه نفتی ایران در جزیره سیری را یک مسأله مبهم از لحاظ نحوه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شرکت کردند. آقای خامنه‌ای از امام خواستند که ارشادات خاص معنوی بفرمایند. امام تاکید بر خدمت به مردم و توجه به خدا و عبادت فرمودند و گفتند مطالب خاص ویژه‌ای ندارند.

پنجشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۶۵ | ۸ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۱۴ August ۱۹۸۶

تمام روز در منزل بودم*. فاطی و فائزه برای استراحت به جواهرده رفتند. خانواده مرحوم لاهوتی در آنجا منزلی دارند. به پاسداران گفتم برای رفتن به مشهد آماده بشوند. بناست خانواده همهٔ محافظان را هم ببریم. آقای رحمانی [مسئول] بسیج آمد و از فشار سپاه و تحویل ساختمان بسیج گله داشت.

جمعه ۲۴ مرداد ۱۳۶۵ | ۹ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۱۵ August ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم صبح برای خطبه‌ها مطالعه می‌کردم. در دانشگاه تهران نماز جمعه را اقامه نمودم[1]. قبل

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دسترسی جنگنده‌های عراقی به آن مکان توصیف کرد و گفت: "براساس مدارک موجود، نظیر متن ضبط شده از مکالمات خلبانان عراقی توسط شنود دریایی و نیز گزارش‌های واحدهای رادار نشان می‌دهد که عراق برای حمله به سیری از امکانات و تسهیلات کشورهای منطقه سود جسته است." سخنگوی شورای عالی دفاع خسارات وارده به پایانه نفتی سیری را اندک توصیف کرد و یادآوری کرد که جمهوری اسلامی در خلیج فارس دارای ساحلی وسیع و امکانات فراوانی است و قادر است در هر جای خلیج فارس که بخواهد برای صدور نفت خود پایانه صادراتی ایجاد کند. آقای هاشمی افزود: "حمله عراق به سیری نمایش کوچکی بود که بنگاه‌های تبلیغاتی وابسته آن را خیلی بزرگ کردند... عراقی‌ها از این اقدام خود نتیجه‌ای نخواهند گرفت، جز اینکه خیلی‌ها ضرر کنند." سخنگوی شورای عالی دفاع همچنین درباره اقدامات اخیر عراق و شرایط ایران برای پایان دادن به مقابله به مثل گفت: "ما تا به حال مقابله به مثل را به عنوان یک عامل بازدارنده به کار گرفته‌ایم، اکنون نیز حاضریم همانندگذشته در صورتی که عراق تضمین بدهد که از حمله به مراکز اقتصادی و شهرهای ما خودداری کند، از مقابله به مثل خودداری کنیم و تذکر می‌دهیم که اگر عراق این پیشنهاد را نپذیرد و یا اگر بپذیرد و به آن عمل نکند با توجه به تدارکات وسیعی که برای مقابله با شرارت‌های رژیم جنگ‌افروز بعثی آماده کرده‌ایم، تمامی هدف‌های تعیین شده در خاک عراق را با موشک و توپ‌های دوربرد و بمب‌های جنگنده‌های خود هدف قرار خواهیم داد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

* ـ در این روز دبیر کل سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای در مقر سازمان ملل، اعلام کرد: "افزایش حملات در جنگ ایران و عراق باعث افزایش اضطراب در منطقه و نگرانی کشورهای همسایه از توسعه جنگ شده است." وی گفت: "از بیانیه‌های اخیر ایران و عراق معلوم می‌شود که دو کشور از توقف حملات به مناطق مسکونی خشنود هستند." سپس وی خواستار پرهیز دو طرف از حمله به مناطق مسکونی ـ که جز کشتار غیر نظامیان نتیجه‌ای ندارد ـ و توقف آن از روز عید قربان (۲۵ مرداد / ۱۶ اوت) شده است. دبیر کل در ادامه ضمن تأکید دوباره بر پایان جنگ، از دو طرف درگیری خواست که از گسترش بیشتر جنگ جلوگیری نمایند. وی آمادگی مجدد خود را برای گفت‌وگو با دو طرف به منظور دسترسی به یک صلح عادلانه، اعلام کرد. سخنگوی دبیر کل سازمان ملل طی اعلامیه‌ای در این باره گفت: "دبیر کل در نظر دارد هیأتی وابسته به این سازمان را جهت پای‌بندکردن دو طرف جنگ به قرارداد پرهیز از حمله به مناطق مسکونی ـ که دو سال پیش امضا شده بود ـ به دو کشور درگیر جنگ اعزام کند".

۱ ـ آقای هاشمی جانشین فرمانده کل قوا در خطبه‌های امروز نماز جمعه مطالب مهمی درباره جنگ بیان کرد. ایشان ضمن تأکید بر اینکه حملهٔ

از شروع خطبه‌ها با آقای [محمد تقی] مصباح [یزدی] درباره وضع درسها و حوزه صحبت کردیم. معتقد است استعدادهای نیرومندی جذب حوزه [علمیه] قم شده‌اند، ولی مدیریت و درسها در حد لازم نیست.

عصر و شب هم به استراحت و مطالعه گذشت[1]. به مسئولان نظامی سرهنگ ترابی و سرهنگ

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آینده نیروهای رزمنده، حمله نهایی نبوده بلکه حمله سرنوشت ساز است، به تلاش‌های آمریکا و شوروی و کشورهای مختلف برای جلوگیری از پیروزی نظامی جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: "عظمت اسلام و پایداری این انقلاب منوط به پیروزی در جنگ است". همچنین در خصوص ناحیه سیروان عراق، حمله به جزیره سیری و تبلیغات برخی گروه‌های مخالف در داخل کشور و نیز مواضع فرماندهی عالی جنگ مطالبی بیان کرد که بخش‌های عمده آن چنین است: "مواضع ما همان مواضع قبلی است اما اکنون که جمهوری اسلامی ایران خود را برای کار بزرگی در جنگ آماده کرده است، استکبار دست به کار تبلیغاتی انحرافی زده است و از حمله سرنوشت ساز به عنوان حمله نهایی یاد می‌کند که در آینده چنانچه به اهداف خود که تکلیف جنگ را روشن خواهد ساخت، رسیدیم، از آن به عنوان پیروزی یاد نکنند و آن را شکست تلقی نمایند. ما هیچ‌وقت این را حمله نهایی نمی‌دانیم و اگر کسی نیز این سخن را می‌گوید از روی بی اطلاعی و خامی می‌باشد. با حمله سرنوشت‌ساز خود، جنگ را به جایی خواهیم رساند که کلیه رگ‌های امید صدام و حامیانش را پاره سازیم و آنها را ناچار به تسلیم در برابر خواسته‌های به‌حق خود نماییم و تکلیف جنگ را برای آینده روشن سازیم. آنها که زمانی به خود حق می‌دادند سرنوشت دیگران را رقم بزنند اکنون شدیداً در رابطه با جنگ تحمیلی بر سر یک دو راهی حیرت آوری قرار گرفته‌اند و دل هایشان پر از خشم از پیروزی‌های بعدی ماست و حالا به رغم قبول شکست تمامی تلاش‌های گذشته‌شان در نابود کردن جمهوری اسلامی ایران، هنوز هم به صدام و مرتجعین امیدوارند و همچنان امیدوار به شکست ما هستند. استکبار با مشاهده پیروزی‌های اخیر رزمندگان ما، خیال گذشته خود را که جنگ راه‌حل نظامی ندارد، «نقش بر آب شده»، قلمداد می‌کند و در حال حاضر شدیداً در نگرش‌های خود متزلزل شده است، تا جایی که نماینده‌ای از کنگره آمریکا به عده‌ای از نمایندگان گزارشی ارائه می‌دهد که از خراب بودن اوضاع عراق حکایت دارد. آنها پس از پیروزی ما در فاو و مهران بدان نتیجه رسیدند که این نشان بی اطلاعی آنان است که این قدر دیر به این نتیجه رسیده‌اند. در همین زمینه یک مقام رسمی آمریکا اعلام می‌کند که ما با شوروی‌ها به توافقاتی رسیده‌ایم و علی‌رغم اختلاف نظرهای موجود به این نتیجه رسیده‌ایم که جنگ میان ایران و عراق باید پایان پذیرد. البته ما معتقدیم که آنها خواهان پایان جنگ به نفع عراق هستند. این دو، به دلیل اختلاف نظرهایی که با هم دارند به آسانی با هم متحد نمی‌شوند اما به هر حال نزدیکی آمریکا و شوروی در رابطه با جنگ، مطلب جدیدی نیست، از روز اول هم همین بود؛ آنها با هم جنگ را شروع کردند که ما را شکست بدهند و با هم به صدام کمک کردند که ما پیروز نشویم". ایشان در ادامه فاجعه سیروان را به عراق نسبت داد و گفت: "عراقی‌ها مسأله سیروان را با ۳۶ ساعت تأخیر منعکس کردند و زمانی این را مطرح کردند که ما آن روز در آن منطقه یک شلیک هم نداشته‌ایم. رژیم عراق در یکی از مراکز مخالفین کرد، کشتاری را انجام داد و بعد آمدند آن را به حساب ایران گذاشتند و جالب اینکه بغداد از وابستگان نظامی سفارت‌خانه‌های خارجی در بغداد برای بازدید از این کشتار خود دعوت به عمل نمی‌آورد و تنها خبرنگاران و وابستگان سیاسی سفارت‌خانه‌ها را دعوت به بازدید می‌کند. مع‌الاسف خبرگزاری‌ها و همین دیپلمات‌های بازدید کننده، سیاست سکوت خود را در قبال جنایت صدام ادامه می‌دهند و تا به این حد اعتبار یک حبر را به مسخره می‌گیرند. همین خبرگزاری‌ها مسأله زدن نفتکش‌های ما را در سیری به شکل گسترده‌ای مطرح می‌نمایند، مسأله‌ای که اساساً فاقد اهمیت نظامی است. آنها نفتکش‌هایی را زده‌اند که ما از آنها به عنوان ترمینال‌هایی متحرک استفاده می‌کنیم. آنها زدن سیری را به اسم اینکه عراق هواپیمای سوخت‌گیری دارد، مطرح می‌نمایند، ولی ما در تحقیقاتی که انجام دادیم مشخص شد هواپیماهای عراقی که از فرودگاه شعیبیه بغداد حرکت کرده‌اند تا جزیره فارسی یعنی محازی جزیره خارک بیشتر دیده نشده‌اند و از آن به بعد با اینها مسأله داریم که ان شاءالله بعداً این مسائل را حل خواهیم کرد و روشن خواهیم ساخت [که چه کسی به سیری حمله کرده است]". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ـ در انعکاس سخنان آقای هاشمی، خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: "این اظهارات، ظاهراً نشانه این است که رهبران ایران که مردم را برای وارد

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[هوشنگ] صدیق [فرمانده نیروی هوایی] گفتم که حمله به مراکز غیر نظامی عراق را متوقف کنند. دو سه روز است، عراق متوقف است. [ناخدا ملک‌زادگان] فرمانده نیروی دریایی اطلاع داد که یک کشتی را به انتقام حملات عراق زده‌اند.

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۰ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۱٦ August ۱۹۸٦

در منزل بودم. وقتم با مطالعه گذشت. عصر خبر رسید که عراق به تاسیسات دو سد دز و شهید عباسپور حمله کرده و یک فروند میراژش ساقط شده و کمی هم خسارت وارد شده است[1]. نامهٔ مفصلی به محسن رضایی نوشتم که آقای دانائی ببرد ولی نرسید.

نزدیک غروب احمدآقا آمد. مطابق معمول دربارهٔ جنگ و سفر مشهد و انفجار قم صحبت کردیم. معتقد است نباید به مشهد سفر کنم. امروز در مقابل درب جنوبی صحن مطهر قم، بمبی که در اتومبیلی کار گذاشته شده بود منفجر شده و یازده نفر شهید و یکصد نفر مجروح داشته است[2]. به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آوردن ضربه نهایی علیه عراق، فراخوانی می‌کردند، اندکی کوتاه آمده‌اند، علی‌رغم آن که ظرف هفته‌های اخیر بسیج سراسری عظیمی انجام شده است". رادیو بی.بی.سی نیز در انعکاس سخنان امام جمعه تهران گفت: "علی‌رغم اینکه ایران هر از چندگاهی یک بار به کشورهای عربی منطقه خلیج‌فارس هشدار می‌دهد که به عراق کمک نرسانند، انتظار نمی‌رود که مستقیماً با آنها درگیر شود مگر آن که در مخمصهٔ بزرگی گرفتار آید... تنها مسأله‌ای که می‌تواند دامنه جنگ را گسترش دهد، مسأله نفت است، اما ایران در حال حاضر حمله عراق به سیری را یک مسأله کوچک تلقی می‌کند که می‌توان آن را حل کرد، اما چنانچه صدور نفت ایران به شدت مختل شود، آن وقت باید کشورهای مذکور واقعاً مراقب امنیت خود باشند".

۱ ـ هواپیماهای عراقی امروز سد «شهید عباسپور» در مسجد سلیمان و سد «دز» در دزفول را بمباران و به آسمان اصفهان تجاوز کردند که در این حملات یک هواپیمای عراقی سرنگون شد. در ساعت ۱۲:۱۵ امروز دو هواپیمای دشمن منطقه عمومی شهر مسجد سلیمان و سد شهید عباسپور را با هشت راکت مورد هدف قرار دادند که پنج فروند از این راکت‌ها به دستگاه کنترل و سه فروند دیگر به دیوار سد اصابت نمود. در این بمباران، چهار تن شهید و چهار تن مجروح شدند. براثر این بمباران خسارت‌هایی نیز به تأسیسات فنی وارد آمد و با توجه به خسارت‌های قبلی، تولید این نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی عملاً متوقف شده است. این امر به خاموشی‌های مکرری در اهواز و دیگر شهرهای خوزستان در روزهای آینده منجر شد. همچنین یک هواپیمای عراقی ساعت ۱۲:۱۳ تأسیسات سد «دز» در منطقه دزفول را بمباران کرد که خسارات جزئی به تأسیسات سد وارد شد. این هواپیما که از نوع میراژ اف - ۱ بود در بازگشت مورد هدف پدافند هوایی قرار گرفت و در حوالی جاده اندیمشک سقوط کرد. تلویزیون عراق اعتراف کرد که یک فروند از جنگنده‌های این کشور در خاک ایران سقوط کرده است. در این اطلاعیه علت سقوط هواپیمای عراقی نقص فنی ذکر شد. همچنین یک هواپیمای عراقی به آسمان منطقه اصفهان تجاوز نمود اما با اقدامات تاکتیکی هواپیماهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی مواجه گردید و متواری شد.

۲ ـ در ساعت ۹:۳۰ روز عید قربان به هنگام پایان نماز عید، یک بمب نسبتاً قوی در خیابان موزه قم واقع در ضلع جنوبی حرم مطهر حضرت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مسئولان نظامی گفتم زدن تاسیسات بصره را که از دیشب متوقف شده بود، مجدداً شروع کنند[1].

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۱ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۱۷ August ۱۹۸۶

به مجلس آمدم. به دفترم گفتم ترتیب سفر به مشهد را بدهند. آقای زاهد از دانشجویانمان در ترکیه آمد. از فساد و آبروریزی زنان فراری ایرانی در ترکیه و از بی نظمی پروازهای ایران ایر گفت و مبلغی از طرف مردم عربستان سعودی[2] برای جنگ و سهم امام آورده بود.

کاردار لیبی آمد. خواهان سفر آقای خامنه‌ای به لیبی بود و هواپیمای سی - ۱۳۰ باری می‌خواست و خواسته‌های ما را با اگر و مگر گذراند. آقای [مجید]قاسمی مدیر عامل بانک ملی آمد. از تحول

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

معصومه (س) منفجر شد که براثر آن، جمعی از نمازگزاران به شهادت رسیدند. اکثر شهیدان و مجروحان، زائران حرم مطهر بودند. انفجار این بمب خساراتی به ساختمان‌ها و مغازه‌های اطراف وارد آورد و شیشه‌های ضلع جنوبی حرم مطهر را خردکرد و به آیینه‌کاری مسجد طباطبایی نیز آسیب رساند. طبق پی‌گیری و بررسی هایی که تیم خنثی سازی یگان حفاظت ناحیه ویژه قم انجام داده است، این بمب دارای سیستم الکترونیکی و حاوی حدودی پنج الی شش پوند مواد منفجره بوده که در قسمت صندوق عقب یک اتومبیل قرار داده شده بود. در این انفجار ۱۵ تن از جمله ۴ کودک به شهادت رسیدند. این انفجار همچنین باعث مجروح شدن بیش از ۱۰۰ تن از مردم نمازگزار شد.

۱ - نیروی زمینی سپاه امروز یک برنامه زمان بندی شده در خصوص اجرای چند عملیات محدود به قرارگاه خاتم‌الانبیاء تقدیم کرد. براساس این برنامه، آمادگی اجرای عملیات مذکور عموماً تا آخر شهریورماه تنظیم شده است. این برنامه با توجه به وضعیت دشمن، وضعیت منطقه و میزان آمادگی و توان یگان‌ها و قرارگاه طی دو هفته گذشته تهیه شده است.

۲ - امروز ۱۱۳ زائر ایرانی بیت‌الله الحرام که ۹ روز است در بازداشت رژیم سعودی به سر می‌برند، در محاصره نظامیان مسلح به طواف خانه خدا و اعمال حج پرداختند. این گروه که تعدادی از آنها به دلیل کهولت سن یا خستگی به کمک دیگران یا بر دوش خدمه، اعمال حج به جا آوردند، در پایان مراسم طواف به بازداشتگاه برگردانیده شدند. این افراد که تعدادی زن نیز در میان آنها می‌باشند، از استان اصفهان هستند و صبح جمعه ۱۳۶۵/۵/۱۷ هنگام ورود به فرودگاه جده، مأموران امنیتی عربستان سعودی آنها را بازداشت کرده‌اند. مقامات سعودی مدعی‌اند که زائران بازداشتی می‌خواستند اقداماتی برخلاف مصالح امنیتی حکومت سعودی انجام دهند. رادیو اسرائیل نیز در این باره به نقل از رادیو «صوت لبنان» گزارش داد که جمعاً ۴۰۰ تن از زائران حج را مقامات سعودی بازداشت کرده‌اند که بیش از ۱۰۰ تن آنها ایرانی و تعدادی نیز لبنانی هستند. رادیو صوت لبنان افزوده است که این عده قصد داشته‌اند برای ایجاد آشوب در عربستان به توزیع وسایل تخریبی و پخش اعلامیه بپردازند.

یک نشریهٔ داخلی سپاه در ذیل خبر دستگیری و تداوم بازداشت حجاج یادشده، نوشته است: "به احتمال زیاد عربستان سعی خواهد کرد از جریان دستگیری کاروان اعزامی از اصفهان به این اتهام که با جاسازی مواد انفجاری در ساک‌هایشان در صدد لطمه زدن به امنیت عربستان بوده‌اند، بعد از خروج کامل حجاج از این کشور، بهره‌برداری نماید. عدم بهره‌برداری عربستان از این سوژه تبلیغاتی مهم احتمالاً به علت ترس از عکس العمل حجاج ایرانی و تلاش این کشور در جهت تشنج زدایی و حفظ آرامش در ایام مناسک حج و احتمالاً مشغول بودن به بازجویی حجاج نشأت می‌گیرد، اما از این امر خواهد توانست مستمسک مناسبی جهت بدبین نمودن مردم عربستان و از بین بردن زمینه‌های مردمی جانبداری از انقلاب اسلامی بیابد که از هم اکنون مقدمات آن در رسانه‌ها فراهم شده است".

کار بانک در جهت جذب سرمایه‌های مردم و سرمایه‌گذاری در موارد نیاز دولت و لزوم تعیین تکلیف رئیس بانک مرکزی گفت.

آقای [منوچهر]منطقی از بخش موشک سازی صنایع دفاع و سپاه آمد. توضیحاتی در باره موشکهای تاو، اسکادبی، عقاب و نازعات و همچنین کاتیوشا و آر.پی. جی داد. عصر آقای [علی]شمخانی آمد. برنامه عملیات چند ماه آینده را توضیح داد. گروهی از بسیجی‌های استانهای ایلام، باختران، کردستان و سمنان [فارس و آذربایجان غربی] آمدند. برای آنها صحبت کردم[1].

آقامحمدی آمد. گزارش پیشرفت برنامه عملیات داخل عراق و مسافرت آقای [محمدباقر]حکیم به منطقه کردستان را داد[2]. مدعی است قرارگاه رمضان در مورد به کارگیری بارزانی‌ها کوتاهی می‌کند. سرشب آقای [ابراهیم]سنجقی برای امضای چند مورد برای کارهای جنگ آمد. آقای محسن رضایی از بوشهر نیازهایشان را تلفنی مطرح کرد.

شب مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. دربارهٔ جنگ، فرانسه، آمریکا و لبنان و امور اقتصادی بحث شد. آقای نخست وزیر گفتند که خطبه جمعه گذشته من در مورد افراط کاری در مبارزه با منکرات، متصدیان مبارزه را ناراحت کرده است. آقای خامنه‌ای مطالب خطبه را تایید کردند و قرار شد در خطبه آینده تایید کنند. شب آقایان مهدوی کنی، جوادی آملی، رسولی و توکلی آمدند.

شورای ناحیه سپاه آمد. گزارش وضع خودشان را دادند و نیازهایشان را گفتند. دو سه نفر از خانمهای مسجد سلیمان آمدند و از نمایندهٔ آنجا شاکی بودند. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۲ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۱۸ August ۱۹۸۶

اول وقت دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به چند کشور آفریقائی و کنفرانس خلع سلاح ژنو را داد. معتقد است سفرها موثر بوده و جمهوری اسلامی اعتبار خوبی دارد. برنامه سفر به پاکستان و هند و

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هر بار که افرادی مثل شما را زیارت می‌کنیم، نشاط بیشتری برای کار و روحیه بیشتری برای برنامه‌ها می‌گیریم. انصافاً خداوند، نعمت و حجت را برای مسئولین این نظام تمام کرده است و برای شما هم بهترین فرصت را برای خودسازی پیش آورده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، آقای محمد باقر حکیم، اعلام کرد که به زودی کنگره بزرگی از مخالفان نظام بعثی عراق به منظور هماهنگی مواضع و همکاری آنها بر ضد رژیم بعثی، در تهران تشکیل خواهد شد. رادیو اسرائیل در این باره گفت: "از قرائن چنین برمی آید که مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق نیز خود را برای آغاز فعالیت وسیع همزمان با حمله آتی ایران، آماده می‌سازد".

مشکل سفر به پاکستان با توجه به آشوب‌های جدید جاری آنجا و اظهارات منفی ضیاءالحق را گفت. درباره اسرائیل و فلسطین هم بحث شد. قرارشد در وزارت خارجه راجع به اصل سفر و یا محتوای کار بحث و شور شود. درمورد ترکیه و مسامحه آنها در رفتن فالکن دزدیده شدهٔ ما به عراق بحث شد و قرار شد بازخواست کنیم. در مورد ارامنه و لزوم بهره‌گیری از آنها به عنوان اهرمی در مقابل ترکیه، شوروی، فرانسه و لبنان مذاکره کردیم.

تلفنی با نخست وزیر و وزیرجهاد [سازندگی] و فرمانده سپاه و فرمانده نیروی دریایی و سرهنگ ترابی درباره کارهای جنگ و دفاع صحبت کردم.

فاطی برای دعوت همراهان مشهدش فعال است و برای دعوت همشیره فاطمه رفت. نزدیک ظهر برنج‌هایی را که خیس کرده بود در دیگ خورشت ریختم، خیال کردم می‌خواهد دمپخت درست کند، معلوم شد برای صافی نمک ریخته بود که شور شد.

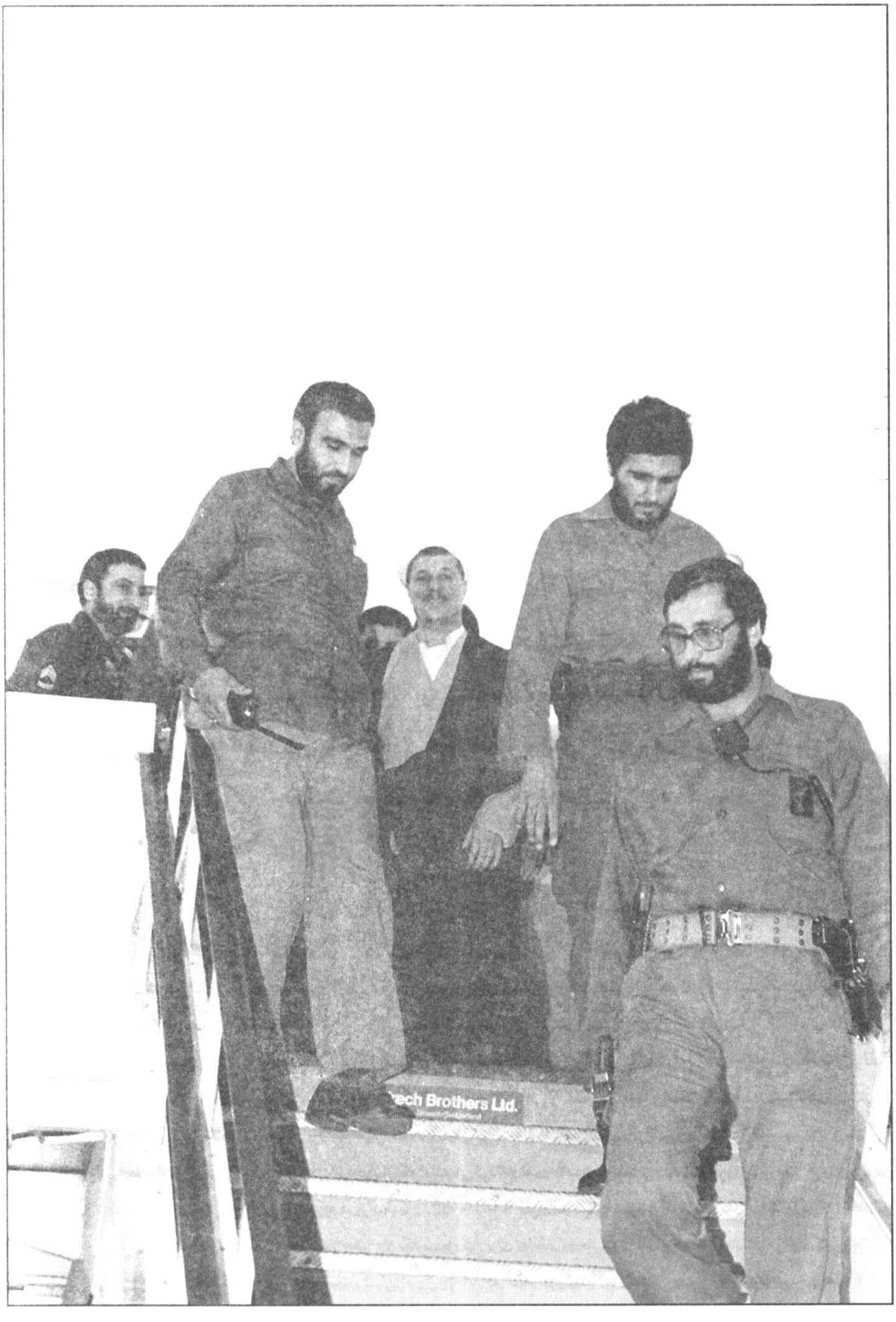
عصر همراه با پاسداران محافظ و خانواده‌های آنها و دوستان فائزه و فاطی که جمعاً بیش از یکصدوبیست نفر بودیم، با هواپیما به مشهد پرواز کردیم. در فرودگاه مشهد آقای [واعظ]طبسی با جمعی از مسئولان استقبال کردند[1]. مغرب به سالن تشریفات آستان قدس در صحن مطهر و مسجد گوهرشاد وارد شدیم. مردم ابراز احساسات زیاد کردند. یکبار هم شب به احساسات مردمی که در صحن امام جمع شده بودند و خواهان ملاقات بودند از بالکن پاسخ دادم.

جمعی از علما و روحانیون به مناسبت حضور من، شب به شام مدعّو بودند. در اجتماع آنها پس از شام سخنرانی کوتاهی نمودم[2]. ضمناً برنامه اقامت چهار روز را تنظیم کردند. همراهان را در دوسه نقطه جا دادند.

---

۱ ـ آقای هاشمی ساعت ۱۸ امروز وارد مشهد شد و در فرودگاه این شهر از سوی آیت‌الله واعظ طبسی نماینده امام و تولیت آستان قدس رضوی، آیت‌الله شیرازی امام جمعه مشهد، سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش، مهندس کوپایی استاندار خراسان، آقای علی جنتی استاندار خوزستان، جمعی از نمایندگان استان خراسان، مدیران کل، فرماندهان نظامی، انتظامی و مقامات این استان مورد استقبال قرار گرفت.

۲ ـ در این دیدار که آیت‌الله واعظ طبسی، آیت‌الله شیرازی، آیت‌الله میرزا جواد تهرانی و جمعی از علما و فضلا حضور داشتند، آقای هاشمی با اشاره به عظمت انقلاب اسلامی در جهان و اثرات تعیین کننده آن در حرکت‌های اسلامی در دیگر کشورها گفت: "کاخ سفید و کرملین که روزی با سرانگشت خود سرنوشت هرگوشه‌ای از جهان را که اراده می‌کردند، تغییر داده و به هم می‌ریختند، امروز با نیرویی قوی و مردمی رشید و مقاوم همچون ملت ما روبرو شده‌اند که در برابرشان ایستاده و آنها را علی‌رغم تمام خصومتی که با انقلاب و ملت ما دارند، وادار به خضوع نموده است. فداکاریها و ایثارگری مردم عصر ما، تکلیف بزرگی برای علما و روحانیت آگاه ایجاد کرده است. هر چند که روحانیت خود جلودار و پیشتاز این حرکت عظیم بوده است، لیکن امروز نیز باید در تمام امور پیشگام باشد و حضور روحانیون در جبهه‌ها و اثرات گرانقدر معنوی آن که بر کسی پوشیده نیست، یکی از اهم این موارد است چراکه امروز مرکز نشان دادن فداکاری و از خودگذشتگی جبهه‌های نبرد است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



ورود به استان خراسان



استقبال نماینده ولی فقیه و تولیت آستان قدس رضوی در فرودگاه مشهد



سه‌شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۳ ذیحجه ۱۴۰۶ — 19 August ۱۹۸۶

اول وقت به زیارت امام رضا رفتم. از اتاقی که در طبقه دوم پائین پای ضریح مطهر بود، زیارت نامه خواندم. اگر میان اجتماع بروم، شلوغ می‌شود و مردم ابراز احساسات می‌کنند و نمی‌گذارند باحضور قلب زیارت کنم.

هنگام صبحانه آقایان طبسی و فردوسی از اذیت‌های خط مقابل ومخصوصاً معاون سیاسی و استانداری و مدیر کلِ آموزش و پرورش خراسان گفتند. پیشنهاد کردم که با مهربانی آنها را جذب کنند.

به دیدار موزهٔ تابلوهای خط خوشنویسان و موزه قرآن‌های خطی رفتیم. سپس برای بازدید از مرزعه نمونه رفتم. شش هزار وپانصد هکتار زمین و گاوداری مدرن و دامداری خوبی دارد. عملیات شیردوشی و تلقیح مصنوعی گاوها را تماشا کردیم. به نظر جالب آمد. بعد از ناهار تا ساعت چهار استراحت کردیم.

عصر در صحن امام اجتماع با شکوهی بود. سخنرانی کردم[۱]. کمی تب عارضم شد. با مسکن سبک شدم. فاطی آمد و گفت [دخترش] سارا هم تب کرده است.

بعد از نماز روحانیت مبارز مشهد آمدند. بحث بر سر مشکلات و خطرهای اختلافات خطی بود که طبق معمول به جائی نرسید. آنها از خط مقابل گله داشتند و من خطاهای هر دو طرف را گفتم. با کسالت و خستگی خوابیدم. برنامه فارسی رادیو آلمان را گرفتم. خبر تازه و مهمی نداشت[۲]. آقای

---

۱ ـ در این سخنرانی آقای هاشمی ضمن تأکید بر حمایت‌های همه جانبه نظام بین‌الملل از صدام برای جلوگیری از پیروزی رزمندگان، از مردم خواست به طور گسترده در جبهه‌ها حضور یابند. ایشان در اجتماع مردم مشهد گفت: "کار اساسی ما امروز جنگ است و ما باید به جای متوقف شدن در جبهه‌ها، قوی‌تر و شدیدتر عمل کنیم. بر این اساس، ما طوری برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا بتوانیم هر روز شاهد اعزام خیل رزمندگان اسلام به جبهه‌ها باشیم. صدام، آمریکا، شوروی و همه قدرت‌های استکباری می‌خواهند در منطقه آتش‌بس برقرار شود تا جمهوری اسلامی هر چه در توان دارد صرف خرید تسلیحات کند و در واقع ما را در یک مسابقه دائمی تسلیحاتی انداخته و با این کار خیال اسرائیل را راحت کنند. آنها می‌خواهند وضعیتی که اکنون در مرزهای اسرائیل، سوریه و لبنان وجود دارد، بین ما و عراق نیز ادامه یابد و حالت نه جنگ و نه صلح در مرز حاکم باشد. بنابراین وظیفه ما امروز خیلی سنگین است و اگر ما اسلحه را زمین بگذاریم دیگر نمی‌توانیم آن را برداریم. من در این جا اعلام می‌کنم که مهم‌ترین، مناسب‌ترین و مؤثرترین زمان برای رفتن به جبهه‌ها، همین مقطع کنونی است که باید سرنوشت جنگ برای همیشه در آن رقم زده شود. استکبار جهانی برنامه‌ریزی کرده بود تا با تحت فشار قرار دادن ما از نظر اقتصادی و مالی، از ادامه جنگ جلوگیری کرده و ما را مجبور به صلح کند و یک سال است که ما نیز وارد این مرحله شده‌ایم، بنابراین اقدام ما در برابر توطئه‌های دشمن، تسریع جنگ بود و علائم این اقدام نیز اکنون به چشم می‌خورد. پس باید نوک پیکان حرکت ما جنگ باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آسوشیتدپرس در تفسیری از سخنان آقای هاشمی، گزارش داد: "آقای هاشمی رفسنجانی قصد داشته که انتظارات ایرانیان را مبنی بر اینکه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شیرازی امام جمعه مشهد اصرار دارد که به منزل ایشان بروم. در محظور افتاده‌ام و همین محظورات مانع سفر به جاهای دیگر است*.

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۴ ذیحجه ۱۴۰۶ ۲۰ August ۱۹۸۶

بعد از نماز و زیارت حرم شریف و صبحانه به فرودگاه مشهد رفتیم و با سه هلی‌کوپتر به پالایشگاه گاز [خانگیران] سرخس رفتیم. دو سه ساعت از قسمتهای مختلف بازدید کردیم و در پایان برای کارکنان صحبت کردم[1]. سپس با هلی‌کوپتر به محل جنگلی پسته در مرز شوروی رفتیم. سرجنگلداری و مستاجران پسته‌ها توضیحاتی دادند. امسال دویست وپنجاه تن اجاره رفته و معلوم است، اگر خوب به درختها برسند، بار بهتری خواهد داد. در گذشته نسبت به این ثروت که در جاهای دیگر استان خراسان هم هست، بی توجهی شده است.

به شهر سرخس رفتیم. ناهار در مهمانسرای آستان قدس، مهمان سازمان املاک استان قدس بودیم. آقای اسپهبدی مدیر عامل این سازمان توضیحاتی دربارهٔ املاک آستانه و طرحهای وسیع عمرانی داد. از رودخانه هریررود که مرز مشترک ما و شوروی است، آب می‌گیرند. مطابق قرار داد غیر عادلانه‌ای ۳۰ درصد آب رودخانه از ایران و ۷۰ درصد از شوروی است و از همین مقدار هم استفاده نمی‌شد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ضربه نهایی به عراق در پی بسیج انبوه سراسری در کشور قریب الوقوع است، کاهش دهد، ولی به نظر می‌رسد که اظهارنظرهای او در مشهد نشان دهندهٔ تغییر موضع اوست. با وجود این تحلیل گران نظامی تردید دارند ایران که به دلیل وجود جنگ و ارزانی بهای نفت با مشکلات اقتصادی روبه‌روست، بتواند آغاز یک تهاجم طولانی را تحمل کند".

* - صبح این روز بمبی نسبتاً قوی به قدرت انفجار تخمینی ۵ پوند در میدان فردوسی تهران منفجر شد. این بمب که در یک اتومبیل ژیان در ضلع شمال شرقی میدان فردوسی مقابل دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران کارگذاشته شده بود، موجب شهادت ۲۱ تن و مجروح شدن شمار بسیاری از مردم شد. در ضمن، پنج خودرو سواری و یک اتوبوس شرکت واحد که در حال عبور از این محل بودند و تعدادی مغازه تا شعاع ۷۰۰ متری، آسیب‌های کلی دیدند.

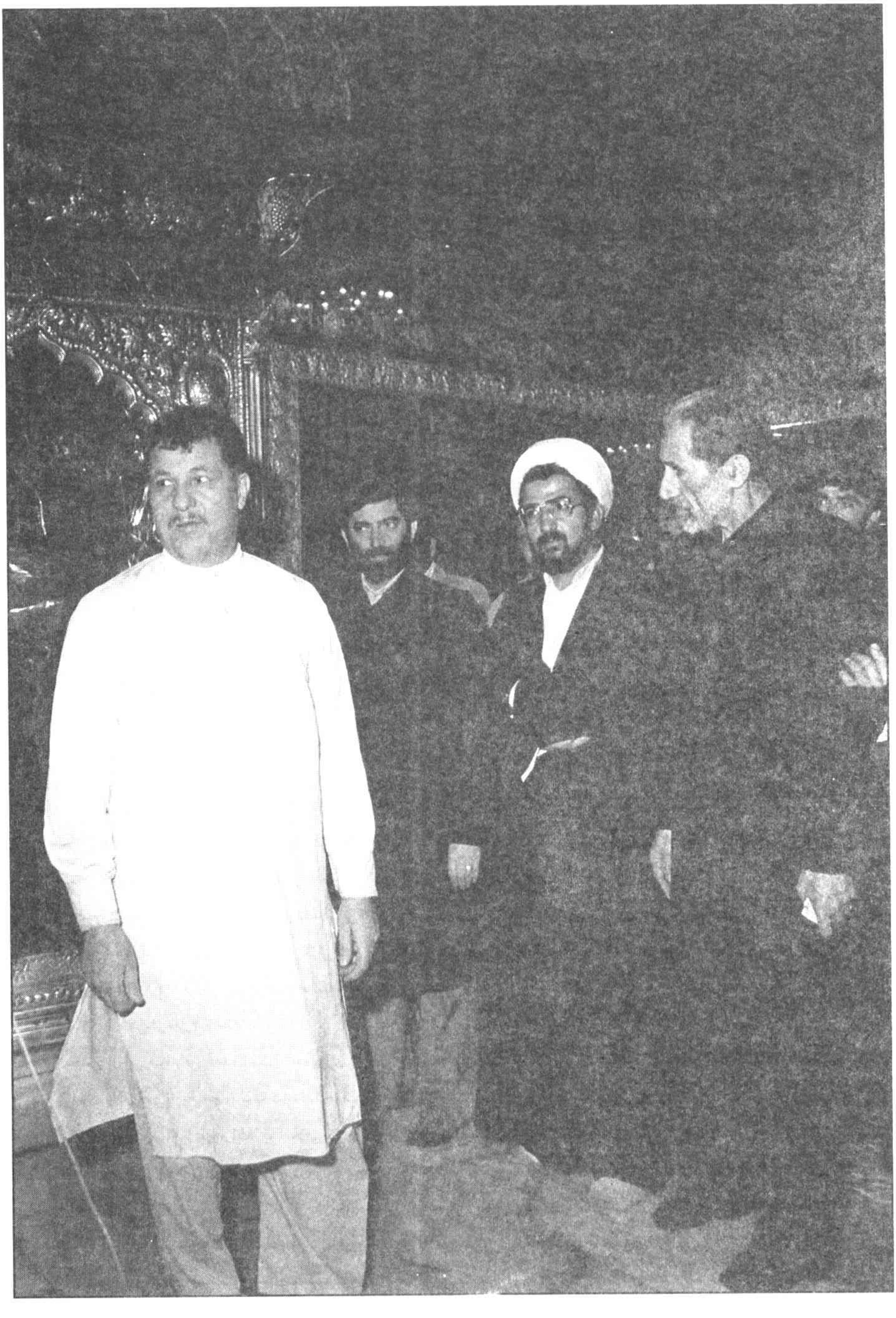
۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "در این مراکز انسان شاهد گوشه‌ای از استقلال کشور است. ما شیرینی استقلال را در این بازدیدها حس می‌کنیم. یکی از اهداف این انقلاب استقلال است که بالاترین مراحل تا پائین‌ترین رده‌ها این توفیق را شاهد هستیم. در این رابطه اگر زمامداران یک کشور وابسته باشند استقلال معنا ندارد. چراکه در صورت وابستگی رهبران، زحمات تمام بخش‌ها را با منافع بیگانگان مرتبط می‌سازند. به همین دلیل مهمترین عامل توفیق در استقلال گرفتن امور مملکت به وسیله مردم است. ایران می‌تواند ادعا کند که از هیچ کشور خارجی دستور نمی‌گیرد و در هیچ زمینه‌ای خود را ملزم به برقراری رابطه فرماندهی و فرمانبری نمی‌بیند. استقلال سیاسی اگر با مشکلاتی در زمینه صنعت و تکنیک و مسائل فرهنگی و هنری باشد، این استقلال مخدوش می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷



دیدار با علمای مشهد مقدس







غبار روبی ضریح مطهر حضرت امام رضا (ع)

اخیراً آستان قدس با حفر چند کانال بهره برداری می‌نماید.

تا لب مرز هم رفتیم. مرز آرام و بی مسأله است. روسها با برجهای دیده بانی و مأموران مجرب و امکانات خوب، بهتر از ما مرزداری می‌نمایند. از مزارع و دریاچه‌های پرورش ماهی و اردک هم بازدید کردیم.

عصر در محل سپاه پاسداران برای مردم سخنرانی کردم[1]. جمعیت خوبی جمع نشده بود. به مشهد مراجعت کردیم. غروب به مشهد رسیدیم. در صحن‌ها مواجه با ابراز احساسات مردم نمازگزار شدیم.

شب مسئولان اجرائی استان خراسان آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[2] و پس از شام برای استراحت به اتاقم رفتم. نخست وزیر تلفنی بر ضرورت تقویت پدافند جزایر سیری و لارک تأکید نمود.

پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۵ ذیحجه ۱۴۰۶ — 21 August 1986

اول وقت به زیارت حرم شریف رفتم و در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح در پادگان لشکر ۷۷ خراسان شرکت نمودم و برای آنها سخنرانی کردم[3]. مراسم رژه را برگزار کردند و از همان جا

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "جنگ را باید هر چه زودتر با پیروزی تمام کنیم تا بتوانیم سرمایه‌های این کشور را برای اجرای طرح‌های عمرانی مصرف نماییم. امروز جنگ اساسی‌ترین کار ماست و آن را باید به نقطه‌ای رساند تا این همه امکانات را از ما نگیرد. الان دشمن و حامیانش متزلزل شده‌اند. عراق اگر تنها بود، مدت‌ها قبل نابود می‌شد، اما این امکانات کشورهای دیگر است که عراق را سرپا نگه داشته است و بدانید تا وقتی که مسأله جنگ حل نشود، به سایر کارهای کشور نمی‌رسیم. در صورت وقوع آتش‌بس در جنگ، وضعیت نیز از حالت فعلی بدتر می‌گردد، لذا ستادهای پشتیبانی باید تلاش کنند که ۵۰۰ گردان را بسیج نمایند و اگر مسأله جنگ با این ۵۰۰ گردان حل نشد، این تعداد را به یک هزار گردان برسانند تا جنگ را به نقطه خوب و درخشانی برسانیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "جمهوری اسلامی مصمم است پیکار رزمندگان اسلام را در جبهه‌های جنگ تحمیلی به عنوان یک پیروزی واقعی در تاریخ جهان ثبت کند، لذا جنگ را به نقطه‌ای سرنوشت‌ساز خواهد رساند. یکی از آرزوهای دیرینهٔ ملت ایران، زندگی در حکومت حق بود که با ظهور انقلاب اسلامی به این آرزو جامه عمل پوشانیده شد. به طوری که علی‌رغم فشارهای شدید نظامی و اقتصادی استکبار جهانی که تلاش می‌کرد اسلام واقعی حضور پیدا نکند، اسلام و مسلمانان در جهان عزیز شدند و مسلک‌ها و مکتب‌های بشری در سراسر دنیا از رونق افتاد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ صبحگاه مشترک نیروهای مسلح مشهد بامداد امروز با حضور آقای هاشمی در محل لشگر ۷۷ پیروز خراسان برگزار شد. در این مراسم، پس از اجرای سرود جمهوری اسلامی و دعا و نیایش، سرهنگ جمالی جانشین نیروی زمینی ارتش به آقای هاشمی و حاضرین خیرمقدم گفت. آنگاه جانشین فرمانده کل قوا طی سخنانی اظهار داشت: "بی شک امروز نیروهای مسلح جزو مهم‌ترین ارکان نظام هستند و جنگ و حوادث مربوط به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

برای بازدید از سایت کبکان که آمریکایی‌ها در زمان شاه برای کنترل عملیات هسته‌ای و موشکی و ماهواره‌ای شوروی احداث کرده‌اند، عازم کبکان شدیم. دو، سه ساعتی صرف استماع توضیحات مسئولان کردم. معلوم نیست که در آینده بتوانیم از آن بهره برداری کنیم یا خیر. باید برای رفع نواقص فنی دستگاه‌ها ویاد گرفتن شیوه کار آن فکری کنیم. با سه هلی‌کوپتر رفته بودیم. ارتفاعات مهمی است که برای کنترل خاک شوروی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، ولی به خاطر احتراز از حساس شدن روسها، فعلاً ما نمی‌توانیم بهره گیری کنیم. قرار شد خبر بازدید ما پخش نشود. ظهر به مشهد برگشتیم.

عصر در محل دانشگاه امام رضا(ع) با طلاب حرف زدم. جلسه مهمی بود. من هم مفصلاً درباره وظایف روحانیت در این مقطع صحبت کردم[1]. عبور پیاده از میان مردم در صحن‌های مطهر و اطراف آن برایم لذت بخش بود. مردم هم که ناگهان ما را در میان خود می‌دیدند، خوشحال می‌شدند. شب همراهانم در محل اقامتم، مهمان آستان قدس رضوی بودند*.

جمعه ۳۱ مرداد ۱۳۶۵ | ۱۶ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۲۲ August ۱۹۸۶

در برنامهٔ غبار روبی ضریح مطهر امام رضا(ع) شرکت کردم. آقایان [لطف‌الله]صافی [گلپایگانی] و مهدوی کنی، امامی کاشانی، رسولی [محلاتی]، جوادی [آملی]، [محمدرضا]توسلی، فردوسی و [واعظ]طبسی هم بودند.

بیش از پنجاه میلیون تومان پول و مقدار زیادی طلا به عنوان نذر از طرف زوار در این مدت پنج

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آن صرورت قدرت نیروهای مسلح را به شکل علمی به مردم ما و منطقه ثابت کرده است. امروز همه اتفاق نظر دارند که نیروهای مسلح باید قوی، مقتدر و مجهز باشند. همه امکانات منطقه برای شکست شما بسیج شد. اما امروز صدای رعب آسای نیروهای مسلح اسلام و دست قوی رزمندگان ما در همه دنیا مشهود است. شرایطی که امروز در جبهه حاکم است، به نفع نیروهای مسلح ما است. دشمن به علت چند شکست متوالی روحیه‌اش را از دست داده است و گرفتار ضعف و پیشروی به سوی انهدام کامل است. در عوض شما در بهترین شرایط قرار دارید".

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

* ـ در این روز با تلاش پرسنل وزارت اطلاعات و کمیته انقلاب اسلامی، اعضای شبکه بمب‌گذاری در تهران و قم دستگیر شدند. در بازجویی از این افراد مشخص شد که شبکه بمب‌گذاری قم مستقیماً با سردار جاف (یکی از عمال عراق) در ارتباط بوده و بمب‌ها نیز از وی تحویل گرفته شده است. شبکه بمب‌گذاری تهران را نیز یک جاسوس عراقی تبار به نام "عبدالرحمن کریم" هدایت می‌کرد که وی همراه با چندین تن دیگر دستگیر شده‌اند. این شبکه تاکنون به بمب‌گذاری در پایانه شهید فیاض‌بخش تهران (در نزدیکی پارک شهر) و پایانه آزادی تهران (تعاونی ۷) اعتراف کرده‌اند.

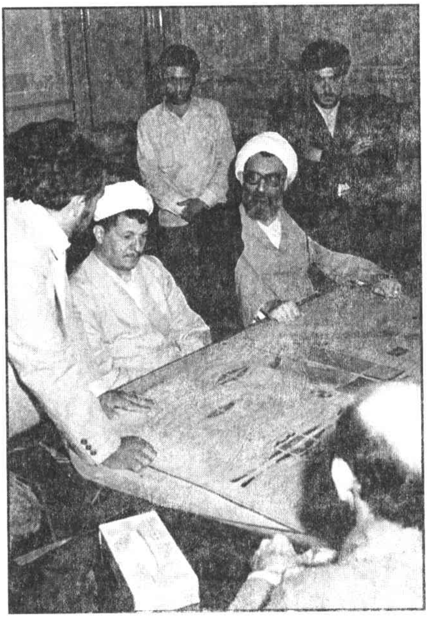


بازدید از منطقه مرزی سرخس



نماز در جوار بارگاه حضرت ثامن الائمه (ع)





بازدید از طرحهای عمرانی آستان قدس رضوی





ماه در ضریح مقدس ریخته شده بود. بعد از برداشت پول‌ها ضریح را جارو کردیم و با گلاب شستیم. زیارت خوبی بود. لابد مردم از دو سه ساعت ممنوعیت حضور در حرم ناراحت می‌شوند. همراهان ما و پاسداران محافظ آمدند.

مدیر کل اطلاعات استان [خراسان] آمد. راجع به کارهای جاسوسی افغان‌ها و روس‌ها و ضدانقلاب و مشکلات اختلافات خطی گفت. از طرح بازسازی فلکه و کتابخانه بزرگ آستانه بازدید کردیم. طرح بسیار عظیمی است.

عصر در مرکز بسیجیان مشهد برای آنها سخنرانی کردم[1] و از آنجا به فرودگاه رفتیم. مصاحبه کردم[2] و اول شب وارد مهرآباد شدیم. در رفت و برگشت در هواپیما از همراهان احوالپرسی کردم.

از این سفر راضی و ممنون بودند. شب اوضاع را از نخست وزیر و رئیس جمهور تلفنی پرسیدم. آقای خامنه‌ای شرح مأموریت وزیر خارجه سوریه را دادند که عمدتاً برای شفاعت کشورهای جنوب خلیج فارس مخصوصاً عربستان آمده بود، که ما آنها را به خاطر حمایت عراق تنبیه نکنیم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم[3].

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "نقش بسیج و نیروهای داوطلب که با میل و شوق و اختیار و اراده، راه جهاد، جانبازی و سعادت و شهادت را انتخاب کرده‌اند، برای همه روشن است. ما پیروزی‌های گذشته‌مان را تا حدود زیادی مرهون این عزیزان هستیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این مصاحبه آمده است: "آستان قدس رضوی بعد از انقلاب اسلامی گام‌های مؤثری در جهت گسترش کشاورزی و دامپروری و پرورش ماهی در استان خراسان برداشته است و امید می‌رود در آینده نزدیک، استان خراسان از لحاظ بخشی از تولیدات کشاورزی و همچنین دامپروری خودکفا شود". رجوع کنید ←کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در این روز آقای غلامرضا آقازاده وزیر نفت که دیروز از مسکو به تهران بازگشت، در مصاحبه‌ای توافق‌های ایران و شوروی را در خصوص مسائل نفتی تشریح کرد. وی ملاقات‌های دو کشور را سازنده و مثبت ارزیابی کرد و به نقل از نخست وزیر شوروی افزود که هیچ مانعی برای گسترش روابط دو کشور وجود ندارد.

در همین زمینه رادیو کلن، بهبود روابط ایران با شوروی را چنین بررسی کرده است. "دیپلمات‌های ایران در مسکو فعالیت شدیدی را در این زمینه آغاز کرده‌اند. در آغاز ماه جاری معاون وزیر امور خارجه ایران با گورباچف ملاقات کرد. آقازاده وزیر نفت ایران نیز در پایان سفر موفقیت‌آمیز خود به شوروی، به کشورش بازگشت. بنا بر گزارش‌های رسیده از تهران، وزیر امور خارجه ایران قبل از پایان سال جاری میلادی به شوروی سفر خواهد کرد. یک هیئت از سوی دولت ایران نیز به زودی به آلمان شرقی خواهد رفت... روابط اقتصادی ایران و شوروی که سال‌ها قابل توجه نبود، احتمالاً اینک به سرعت بهبود خواهد یافت. از سوی دیگر، باید دید که آیا روابط سیاسی دو کشور نیز چنین خواهد شد یا خیر... انتقاد رئیس جمهوری شوروی از ایران که اوایل ماه جاری عنوان شده بود، اینک توسط "ریشکوف" نخست وزیر شوروی نیز تکرار شده است. ریشکوف اخیراً از ایران به خاطر عدم تمایل به مذاکره به منظور پایان جنگ انتقاد کرده و به وزیر نفت ایران گفته است که خواستار حل مسأله جنگ خلیج‌فارس مبتنی بر مذاکره می‌باشد".

شهریور ۱۳۶۵



چشمان خسته یکی از فاتحین اسکله العمیه که سه شبانه روز نخوابیده است

شنبه ۱ شهریور ۱۳٦۵ | ۱۷ ذیحجه ۱۴۰٦ — ۲۳ August ۱۹۸٦

تمام روز در منزل بودم. کار عمده‌ام، مطالعه گزارش‌ها و انجام کارهای عقب مانده چند روز مسافرت بود. خبر دادند آقای عبدالحلیم خدام معاون رئیس جمهور سوریه به ایران آمده و می‌خواهد با من هم ملاقات کند. ملاقات محدود شد.

شب آقای خامنه‌ای خبر دادند که بیشتر برای وساطت در مورد برخورد ما با عربستان سعودی آمده و خواسته است که کشتی‌های عربستان را در سیاست مقابله به مثل نزنیم و ادعای فهد را در خصوص عدم همکاری با عراق در زدن سیری و... عدم ایذاء زوّار بازداشت شده در عربستان را گفته و بالاخره از آقای خامنه‌ای قول گرفته که تا دو هفته دیگر، کشتی‌های عربستان را نزنیم[1].

---

۱ ـ در پی مسافرت چند روز پیش (۲۸ و ۲۹ مرداد) "فاروق الشرع" وزیر امور خارجه سوریه به تهران و تسلیم پیام "حافظ اسد" به مقامات ایران، امروز نیز "عبدالحلیم خدام"، معاون رئیس جمهوری سوریه وارد تهران شد و دومین پیام "حافظ اسد" را به رئیس جمهوری ایران، تسلیم کرد و چند ساعت بعد از ورود، تهران را ترک کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی از دمشق در این‌باره به نقل از رادیو دمشق گزارش داد: "سفر خدام معاون رئیس جمهوری سوریه به ایران به دلیل تحولات اخیر در جنگ عراق علیه ایران می‌باشد". رادیو دمشق سپس به نقل از "خدام" گفته است: "ما مطمئنیم اگر جنگ نبود، امروز صدها هزار ایرانی در کنار سوریه در مقابل رژیم اشغالگر قدس قرار داشتند". روزنامه کویتی "السیاسه" در این باره نوشت: "سفرهای مسئولان بلندپایه سوری به تهران، در پی ارسال نامه‌ای از "فهد" پادشاه عربستان سعودی به حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، صورت گرفته است". به نوشته این روزنامه، نماینده ویژه "فهد" پس از حملات هوایی عراق به منابع نفتی ایران و تهدیدهای اخیر آقای خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران، مشورت‌هایی را با مقامات سوری انجام داده و در سفر "فاروق الشرع" به تهران، قرار شد عبدالحلیم خدام نیز قبل از مسافرت به تهران با «حریری» نماینده ویژه «فهد» ملاقات کند. رادیو اسرائیل نیز در گزارشی درباره سفر مقامات سوری به ایران، گفت: "در روابط تهران و دمشق امری که اکنون چنین سفرهای فوری و مکرری را ایجاب نماید، وجود ندارد ولی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر دکتر روحانی آمد و گزارش سفرش و وضع سمینار لندن را داد. او را در جریان اوضاع جاری جنگ قرار دادم. شب استاندار کرمان آمد و گزارش اوضاع را داد و در مواردی استمداد کرد. مهدی و آقای رحمانی از جبهه تلفن کردند. حالشان خوب است و مشغول آموزش‌اند. برای عملیات آینده آماده می‌شوند.

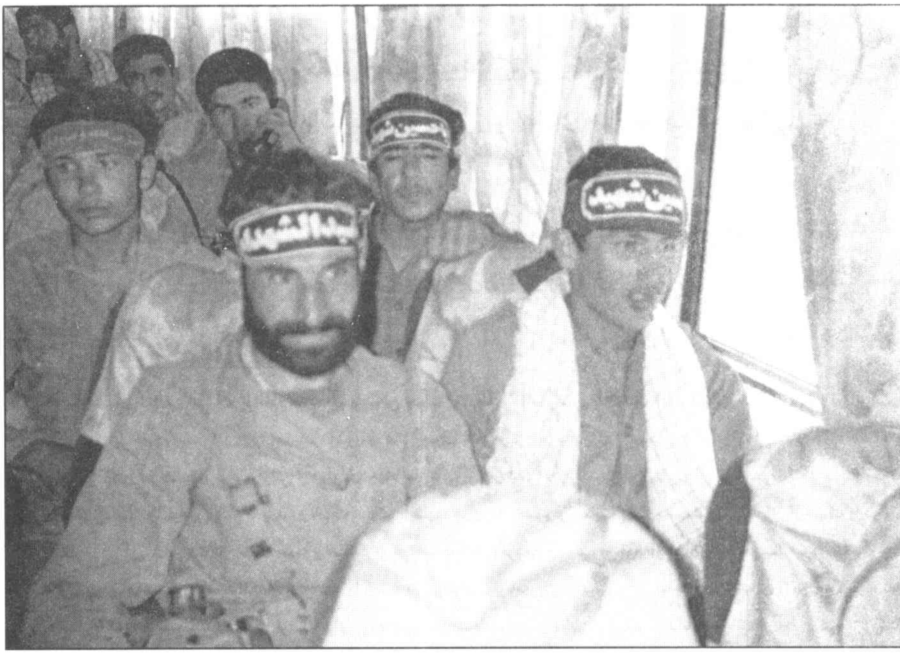
یکشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۸ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۲۴ August ۱۹۸۶

امام ملاقات داشتند. کمی دیر رسیدم. جلسه رسمیت پیدا کرده بود. امام نسبتاً با لحن قوی و صدای سالم صحبت کردند[1]. اخوی محمد آمد و از رأی شورای سرپرستی درباره آقای حجت گله داشت. آقای روحانی آمد. وقت جلسه ستاد قرارگاه را برای بررسی طرح عملیات آینده تعیین کردیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

توسعه جنگ در خلیج‌فارس می‌تواند علت اصلی این سفرهای پیاپی باشد". رادیو بی.بی.سی نیز در این باره گفت: "ممکن است سوریه هشدار ایالات متحده را به ایران ابلاغ کرده باشد". خبرگزاری آلمان غربی نیز این پیام را یک درخواست برای متوقف کردن حملات ایران به کشتی‌های کشورهای عربی، خواند. و افزود: "این نکته قابل توجه است که طی چهار روز گذشته هیچ‌گونه حمله‌ای از سوی ایرانی‌ها علیه کشتی رانی در خلیج‌فارس گزارش نشده است".

۱ـ امام خمینی در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری در روز عید غدیر خم، به شدت سازش طلبان در جنگ را مورد انتقاد قرار دادند و خواستار تجهیز همه امکانات به منظور ادامه جنگ تا پیروزی شدند. ایشان در سخنان خود فرمودند: "ما الان مبتلای به جنگیم، یک دسته‌ای در همین قضیه هم دارند اشکال تراشی می‌کنند. نه یک اشخاصی باشند که حالا تأثیری داشته باشند، اما هستند، هستند اشخاصی که می‌گویند بیایید صلح بکنیم، بیایید یک سازشی بکنیم. ما از تاریخ باید این امور را یاد بگیریم. به حضرت امیر تحمیل کردند، مقدسین تحمیل کردند، آنهایی که جبهه‌شان داغ داشت و اضر مردم‌اند بر مسلمین، آنها تحمیل کردند به حضرت امیر حکمیت را و تحمیل کردند آن که حَکَم باید بشود را. بعد که حضرت امیر با فشار اینها نتوانست، می‌خواستند بکشندش، اگر نکند. برای اینکه آنها چیز کرده بودند که چه باید بشود، حَکَم قرار بدهید، قرآن است، قرآن است این. این ابتلا را حضرت امیر داشت، الان نظیر او را ما داریم. اینکه می‌گویند، این ور و آن ور می‌افتند که بگذارید یک حکمیتی پیدا بشود، بیایند حَکَم، حَکَم پیدا بشود که کارها را انجام بدهد، تشخیص بدهد که کی چی است. دنیا نمی‌داند که کی متجاوز است؟! ما از آن قضیه باید عبرت بگیریم و زیربار حکمیت، ما در این هفت سالی که بوده است فهمیدیم که این حکم‌ها کی هستند و اینهایی که می‌خواهند صلح ایجاد کنند، کی‌ها هستند... آن صلح تحمیلی‌ای که در عصر امام حسن واقع شد، آن حکمیت تحمیلی که در زمان امیرالمؤمنین واقع شد و هردویش به دست اشخاص حیله گر درست شد، این ما را هدایت می‌کند به اینکه نه زیر بار صلح تحمیلی برویم و نه زیربار حکمیت تحمیلی. ما باید خودمان به حسب رأی خودمان، به حسب رأی ملتمان، آن طوری که الان همه ملت دارند می‌گویند، ما باید این جنگ را ادامه بدهیم تا وقتی که ان‌شاءالله پیروزی حاصل بشود و نزدیک است ان شاءالله، منتها اگر بخواهد ملت ما نزدیک‌تر بشود این پیروزی، زیاد نزدیک بشود ـ که به صلاح ماست و به صلاح ملت عراق است و به صلاح منطقه است ـ باید مجهز بشود، باید در این برهه زمان باید به تمام معنا مجهز بشود برای جبهه‌ها". رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۱۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).



مهدی هاشمی و عبدالعلی رحمانی در جبهه



عصر به مجلس رفتم و در سمینار ستادهای پشتیبانی جنگ سخنرانی کردم[1]. شب در مجلس ماندم.
بعد از نماز ستاد قرارگاه خاتم جلسه داشت. فرماندهان سپاه چهار طرح عملیاتی را که روزهای آینده می‌خواهند انجام دهند، توضیح دادند و تصویب شد. به نیروهای هوایی، زمینی و دریایی ارتش هم مسئولیت‌هایی برای پشتیبانی عملیات داده شد. شام را با اعضای ستاد صرف کردیم. نخست وزیر هم در جلسه شرکت کرد. شب در مجلس ماندم[2].

دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۹ ذیحجه ۱۴۰۶ | ۲۵ August ۱۹۸۶

پیش از ظهر در دفترم ماندم. چون سمینار در مجلس برقرار بود، ترجیح دادم که برای مراجعات بمانم.

---

۱ ـ دومین سمینار سراسری «لبیک یا امام» ستادهای پشتیبانی جنگ استان‌های سراسر کشور با سخنان آقای هاشمی گشایش یافت. در این سمینار دو روزه با حضور جمعی از وزیران، اعضای شورای عالی جنگ ستاد مرکزی و ستادهای پشتیبانی جنگ استان‌ها، امامان جمعه، استانداران سراسر کشور، فرماندهان سپاه و ارتش و مسئولان جهاد سازندگی برگزار شد. آقای هاشمی عالی‌ترین مقام فرماندهی جنگ پس از امام، در سخنانی ضمن تأکید بر اینکه ما باید در جنگ محکم بایستیم، ضرورت حضور و حمایت یکپارچه مسئولان و مدیران از جنگ را در مقطع کنونی یادآور شد. ایشان از امامان جمعه و استانداران خواست امکانات مردمی و دولتی موجود در استان را به نحو مطلوب در خدمت جنگ قرار دهند. در بخشی از سخنرانی آمده است: "ما باید به دشمن فرصت برنامه‌ریزی ندهیم و وقتی تهاجم همه جانبه‌ای را شروع کردیم، تداوم عمل باید محفوظ بماند تا دشمن فرصت برای برنامه‌ریزی‌های شیطنت‌آمیز و تجهیز و ترمیم خود نداشته باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای هاشمی در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه مصری «الشعب» به پرسش هایی دربارهٔ نحوهٔ فعالیت احزاب سیاسی در کشور، ترکیب نیروها در مجلس شورای اسلامی، امکان برقراری رابطه بین ایران و آمریکا، رابطه سوریه و عراق، شایعه درخواست ایران از یاسر عرفات برای میانجی گری بین ایران و عراق و اختلاف نظر بین مسئولان جمهوری اسلامی، پاسخ گفت.

در این مصاحبه ایشان در پاسخ به سئوالی درباره آینده روابط ایران با فرانسه و آمریکا گفت: "ما هیچ وقت در فکر قطع روابط با غرب نبودیم و فقط می‌خواهیم مستقل باشیم؛ مثلاً وقتی سعی می‌کنیم با برخی کشورهای قدرتمند نظیر فرانسه مناسباتی برقرار نماییم، می‌بینیم که این کشور بیش از دیگر کشورها، عراق را به سلاح‌های مدرن مجهز می‌کند، قطعاً احساس می‌کنیم برقراری روابط عادی با فرانسه نیاز به زمان بیشتری دارد. با این همه، روابط ما با فرانسه در حال حاضر به تدریج رو به بهبود است. اما در مورد روابط با آمریکا اگر این کشور از ما عذرخواهی کند و قول عدم توطئه‌چینی علیه ما را بدهد و همپیمانان خود را از مساعدت به عراق باز دارد، می‌تواند با ما روابط متقابلی داشته باشد، ولی من برقراری چنین روابطی را در آینده نزدیک بعید می‌دانم". ایشان در مورد تلاش‌های در حال انجام شدن برای بهبود روابط بین عراق و سوریه گفت: "مشکلات و مسائل ریشه‌داری بین عراق و سوریه وجود دارد و من تصور نمی‌کنم با وجود این مشکلات و اختلافات، روابط بین دو کشور طبیعی شود". آقای هاشمی هرگونه دعوت از عرفات برای میانجی گری را رد کرد و گفت: "مهم‌ترین خواسته‌های ملت ایران، عدم مذاکره بود و یکی از مهم‌ترین شرایط ما برای پایان جنگ، محکوم نمودن متجاوز است". ایشان در خصوص وضعیت داخلی و جناح‌های مختلف، ضمن تأکید بر آزادی مخالفان در بیان نظرهای خود، گفت: "اکنون در مجلس ایران، تنها اعضای حزب جمهوری اسلامی به ریاست آقای خامنه‌ای حضور دارند و احزاب دیگر، حضور ندارند. فعالیت سیاسی حزبی در ایران ریشه‌دار نیست ولی فعالیت‌های ایدئولوژیکی گسترده‌ای انجام می‌گیرد. اکنون در داخل حزب جمهوری اسلامی نیز دو جناح قدرتمند وجود دارد که جناح اول خواهان حاکمیت مطلق دولت بر تمامی فعالیت‌های کشور می‌باشد و جناح دوم خواهان مشارکت طبقه‌ای خاص در تمام مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و این دو جناح در واقع نمایندگان دو حزب بدون تشکیلات می‌باشند و امام همواره توصیه می‌کند که اختلاف نظرهای دو جناح فقط در جنبه اقتصادی باشد... در مجموع فعالیت هر دو جناح به نفع جمهوری اسلامی است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

مسئولان استان باختران آمدند و نیازهای منطقه را گفتند؛ چون نزدیک جبهه‌اند بسیاری از امکاناتشان صرف جنگ می‌شود و نیاز به حمایت بیشتر دارند.

ظهر فرماندهان نواحی سپاه آمدند. از مشکلاتشان با ستادهای پشتیبانی جنگ و نیازها در ارتباط با تجهیز پانصد گردان و گردانهای قائم گفتند. عصر هم در سمینار شرکت کردم. گزارش کمیسیونها و سخنرانی آقای خامنه‌ای را شنیدیم و جواب سئوالات را دادم.

آقای عبدالله نوری را خدمت آیت‌الله منتظری فرستادم. نامه‌ای که به امام در مورد تعزیرات نوشته بودم و امام به آقای منتظری ارجاع داده بودند، توسط ایشان فرستادم[1]. آیت‌الله منتظری حق تعیین تعزیرات احکام سلطانیه را به مجلس محول کردند. اگر شورای نگهبان هم قانع شود، یک مشکل مهم از سر راه مجلس برداشته می‌شود. شب به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۰ ذیحجه ۱۴۰۶   ۲۶ August ۱۹۸۶

در منزل ماندم. نقاش آمده و منزل را رنگ می‌کند. محدودیت داریم. دیروز اتاق خواب من را و

---

۱ - در این نامه آمده است: "بسمه تعالی. محضر شریف حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی - دامت برکات وجوده الشریف. معمولاً در قوانین مصوبهٔ مجلس‌های دنیا و منجمله مجلس شورای اسلامی کیفرهایی برای متخلفان از قانون و مجرمان پیش‌بینی می‌شود که بدون آنها ضامنی برای اجرای قانون نیست. مدتی پیش شورای محترم نگهبان نظر داد که اینگونه کیفرها تعزیرهایی‌اند که باید توسط قاضی در دادگاه معین شوند و نمی‌شود به صورت کلی در لباس قانون در آیند. شورای عالی قضایی به خاطر اینکه احالهٔ کیفرها به قضات باعث تفاوت‌های فاحش و زننده در کیفرها می‌شود و مایهٔ بی‌اعتباری دستگاه قضایی و نظام کیفری اسلامی خواهد شد، با احالهٔ کیفرها به نظر قضات مخالفت داشت. در برهه‌ای از زمان پذیرفته شد که سقفی و حداقل و اکثری برای کیفر مجرمان تعیین شود و اختیارات قضات را در انتخاب حدی در میان اقل و اکثر قرار دهیم. این روش نه نظر شورای نگهبان را تأمین کرد، نه نظر شورای‌عالی قضایی را. و بالاخره حضرتعالی برای حل مشکل، هیأتی مرکب از دو عضو شورای نگهبان و یک عضو کمیسیون قضایی مجلس و رئیس شورایعالی قضایی را جهت تعیین تعزیرات معین فرمودید. این هیأت نتوانست مشکل را حل نماید". در ادامه این نامه به بیان علل ناکامی هیأت پرداخته شده و آن‌گاه چنین پیشنهاد شده است: "در مجلس همهٔ وسایل رسیدگی و دقت موجود است، و لوایح همراه خود نظر کارشناسی دولت و دستگاه قضایی دارند، و دوباره درکمیسیونها با حضور کارشناسان بحث می‌شود و معمولاً یک لایحه در چند کمیسیون و دوبار در جلسهٔ علنی مورد بحث قرار می‌گیرد، و از وسایل ارتباط جمعی پخش می‌شود و صاحبنظران ذی علاقه معمولاً نظراتشان را برای مجلس می‌فرستند و حداقل برای تصویب آن ۹۱ رأی نمایندگان مجلس وجود دارد که معمولاً در میان آنها افراد مجتهد و متقی فراوان است، و اگر اشتباهی پیش آید با نظر شورای نگهبان به مجلس برمی گردد. و بعد از همهٔ اینها اگر باز هم خلاف بود، قانون عادی است و قابل اصلاح. خواهشمندیم هرگونه که مصلحت می‌دانید مشکل را حل بفرمایید. ضمناً پیوست عریضه، طرح تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان را تقدیم می‌دارد که مشکل ما را ملاحظه فرمایید. رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی - ۶۵/۵/۲۶". پاسخ امام خمینی (ره) چنین بود: بسمه تعالی. جناب حجت الاسلام آقای هاشمی، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی. در این موضوع به حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای منتظری - دامت برکاته - مراجعه نمایید که با نظر ایشان مشکل حل شود، ان شاءالله تعالی. ۱ شهریور ۶۵ روح‌الله الموسوی الخمینی رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۱۰، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

امروز نقاط دیگر را نقاشی کرده است.

آقای شیرازی امام جمعه مشهد و فرزندش آمدند. فرزند دربارهٔ لزوم رسیدگی و دلداری خلبانها که با مسأله‌دار شدن از کشور می‌روند، گفت. از دخالت‌ها در عزل و نصب‌ها و امور دولتی شاکی بود و خواستار کمک به ایجاد سقف در [محل برگزاری] نماز جمعه مشهد شد. آقای طبسی هم قبلاً از تصمیم زدن سقف روی صحن گوهرشاد گله داشتند.

عصر آقازاده وزیر نفت آمد. گزارش مذاکرات با رهبران شوروی را داد. معتقد است به تفاهم‌های خوبی در زمینه اکتشاف و حفاری نفت در خزر، فروش گاز، مسائل فنی و سیاسی رسیده‌اند. در مورد سفر چین که فردا می‌رود، مشورت کرد. گفتم تأکید کند در آموزش کارکنان سایتهای ضد هوایی و ساحل به دریا تسریع شود.

شب اخوی احمد و خانواده‌اش با همشیره فاطمه مهمانمان بودند. از بیرون غذا گرفتیم. اطلاع دادند عراق به مراکز نفتی ما حمله کرده، اما خیلی موثر نبوده است. ما هم به اسکله‌های البکر و العمیه حمله کرده‌ایم.

چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۱ ذیحجه ۱۴۰۶ ۲۷ August ۱۹۸۶

تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم[1]. برای ملاقات‌ها به مجلس رفتم. آقای [مصطفی] محقق داماد رئیس سازمان بازرسی کل کشور آمد. از بی سامانی دادگاه‌ها و مخصوصاً دادگاه‌های انقلاب و خشونت زیاد آنها واتلاف اموال توقیفی شاکی بود و توصیه به تلطیف جو جامعه داشت.

آقای [محسن] دعاگو آمد. از گله بعضی از افراد کمیته از انتقادات من در نماز جمعه از برخورد

---

۱ ـ امروز «عصمت کتانی» نماینده دائمی عراق در سازمان ملل طی نامه‌ای خطاب به دبیرکل این سازمان به نقل از دولت متبوع خود اعلام کرد که در تاریخ ۲۰ اگوست ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۴/۲۹)، خبرگزاری رویتر گزارشی از مصاحبه تلویزیون آمریکا با آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران منتشر ساخته که وی در آن مصاحبه گفته است که تهران قطعنامه ۲۰ جولای ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۴/۲۹) شورای امنیت را که در آن دعوت به آتش‌بس شده است، نمی‌پذیرد، زیرا عراق به عنوان متجاوز معرفی نشده است. در این نامه همچنین آمده است "رفسنجانی اعلام کرد که ایران قصد خود را برای ادامه جنگ تا ۲۰ سال دیگر، تا سرنگونی دولت صدام حسین اعلام می‌نماید". عراق همچنین در نامه‌ای به شورای امنیت ادعا کرد که به رغم پیام‌های متوالی این کشور به ایران مبنی بر قطع حمله به غیرنظامیان، ایران بار دیگر حمله به شهرها و مناطق مسکونی را از سر گرفته است. طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق طی نامه‌ای که برای رئیس شورای امنیت سازمان ملل فرستاده، پس از اعلام مطلب فوق افزوده است که شهر بصره امروز در معرض حمله توپخانه قرار گرفت و براثر آن، دو غیرنظامی کشته و هفت شهروند مجروح و چند باب خانه مسکونی منهدم شده است.

خشن آنها با مردم گفت و از مشکلات صدا و سیما در ارتباط با آقایان حجت و بهزادی نیا و واعظی که اختلاف دارند و معتقد است که تکیه من در نماز جمعه بر ازدواج موقت آثار خوبی ندارد، چون با فرهنگ موجود نمی‌سازد.

آقای [احمد] سالک آمد. از برنامه جدید در امور ادارهٔ مجلس اعلا ونیروهای اسلامی عراق و مشکل تشکیل گروه سه نفری جدید با دستور آیت‌الله منتظری و تعارض اختیارات آیت‌الله خامنه‌ای از طرف امام در مورد مسائل عراق با آنکه آقای منتظری به عنوان مختار از طرف امام، آقای [محمدعلی] رحمانی را تعیین کرده‌اند.

ظهر آقای [عباس] محتاج رئیس ستاد سپاه آمد. از مشکل تامین نیروی بسیجی کادر برای پانصد گردان گفت. عصر مصاحبه مفصل تلویزیونی، برای رفع ابهامات و ایرادات ادامه جنگ نمودم[1]؛ ستاد تبلیغات جنگ خواسته است.

آقای [جواد] اژه‌ای و همکارانش از دفتر اداره انجمن‌های اسلامی آمدند. گزارشی از وضع انجمن‌ها و مشکلات و ارتباط آنها با مدیریت‌ها دادند. آقای محمد رضا بهشتی برای استمداد مالی جهت تدوین تاریخ معاصر از محل کمک وزارت ارشاد به بنیاد تدوین تاریخ آمد.

شب مهمان آقای اردبیلی بودیم. از مکه برگشته‌اند. از سفر راضی‌اند. از مکه تلفنی درباره زوار بازداشتی خبر دادند که سعودی‌ها قول داده‌اند، فردا آزادشان کنند. درباره دونفری که از دست

---

۱ - با توجه به وضعیت حساس جنگ و شدت فشارهای سیاسی و تبلیغاتی علیه ایران، آقای هاشمی در یک نشست رادیو تلویزیونی به سئوالات متعدد خبرنگاران پاسخ داد. سئوالات عمدتاً در خصوص تشریح وضعیت جنگ، شرایط ایران برای ختم جنگ، روابط ایران با کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس و شایعه خرید سلاح از اسرائیل بود. در این مصاحبه، جانشین فرمانده کل قوا اعلام کرد: "اگر حزب بعث عراق توسط یک کودتا ساقط شود و صدام از صحنهٔ سیاسی عراق حذف شود، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران تأمین شده است و اگر حاکمیت جدید یک حاکمیت اسلامی و مردمی باشد، ما برای دریافت غرامت فشاری متوجه او نخواهیم ساخت". ایشان با اشاره به اینکه مجامع بین‌المللی تاکنون نتوانسته‌اند رژیم عراق را از به کاربردن سلاح‌های شیمیایی بازدارند، گفت: "اگر عراقی‌ها در نبردهای بعدی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کنند ما نیز ناچار به استفاده از این سلاح‌ها خواهیم بود". ایشان شرایط ایران را برای خاتمه جنگ، محاکمه متجاوز در یک دادگاه صالحه، پرداخت حقوق تضییع شده مردم ایران (غرامت جنگی) و بازگشت مردم آوارهٔ عراق به وطنشان عنوان کرد. آقای هاشمی به کشورهای منطقه خلیج‌فارس اطمینان داد که ایران قصد توسعه جنگ را ندارد و اگر خواستار چنین اقدامی بود، دلایل کافی برای آن داشت. ایشان این دلایل را انواع کمک‌های کشورهای خلیج‌فارس به رژیم عراق ذکر کرد و افزود: "اما آنها نباید فکر کنند چون ما با عراق می‌جنگیم نمی‌توانیم با آنها بجنگیم زیرا آنها در حد یک استان عراق‌اند و ما فکر می‌کنیم که عراق یک سپاه دیگر دارد... همهٔ امکانات کشورهای خلیج‌فارس مانند سواحل نفتی، دستگاه‌های آب شیرین کن و کشتی‌های تجاری در تیررس ما هستند و ما عملاً نشان داده‌ایم که بردبار هستیم؛ مثلاً فاصله ما با جزیره «بوبیان»کویت تنها خور عبدالله است. اما با این همه ما مسلمانیم و مسلمان جنگ علیه مسلمان دیگر را آغاز نمی‌کند. البته تحمل نیز حدی دارد، هنگامی که از حدگذشت، مردم ما اجازه گذشت بیش از اندازه را به ما نمی‌دهند. ما نیازی به کمک کشورهای خلیج‌فارس نداریم، فقط آنها اگر مایل به خاتمه جنگ هستند، به عراق کمک نکنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

مأموران سعودی در رفته‌اند و دنبال وسیله‌ای برای خروج از عربستان‌اند، صحبت شد.

دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به هند و پاکستان را داد و گفت آمریکا توسط پاکستان پیغام داده که مایل به رفع مشکلات روابط با ما است. درباره آوردن دکتر جدید برای امام و نیز سفر رئیس جمهور به زیمبابوه برای شرکت در کنگره سران جنبش غیر متعهدها[1] و درباره جنگ و سایت‌های بهشهر و کبکان صحبت شد.

پنجشنبه ۶ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۲ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۲۸ August ۱۹۸۶

در منزل بودم. وقتم به مطالعه گذشت. همشیره طیبه و بستگان دیگر آمدند. محمد همشیره زاده که از مکه برگشته می‌گوید وضع ایرانی‌ها خیلی خوب بوده، افکار ما نفوذ کرده و بچه‌های عربستان، ایرانی را که می‌بینند با حماسه مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل می‌گویند. زوار دیگر کشورها هم در راهپیمائی [برائت از مشرکین] شرکت کرده‌اند.

عصر آقای رحمانی محافظم و مهدی فرزندم از جبهه تلفن کردند و خداحافظی نمودند و گفتند عازم خط مقدم برای عملیات هستند. روحیه خوبی داشتند. خداوند همه نیروهای جان برکف اسلام را حفظ کند. عفت نیست و خبر ندارد، لابد خواب خواهد دید.

جای مهدی را در خانه خالی می‌بینم ولی از راهی که انتخاب کرده خوشحالم. اگر بماند در زندگی‌اش مؤثر است و اگر شهید شود، رستگار است. از لحاظ روحی آمادگی نوشتن نامه‌ای به مهدی احساس شد، نشستم و یک نامه نه صفحه‌ای نوشتم[2]. خبردادند که عربستان صدوسه نفر از صدوسیزده نفر حجاج بازداشتی ما را آزاد کرده است.

---

۱ ـ یاسرعرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین دربارهٔ اجلاس آتی جنبش عدم تعهد در حراره و نیز لزوم طرح مسأله پایان جنگ عراق و ایران در آن اجلاس، در مصاحبه با روزنامه «هرالد» چاپ حراره گفت: "اجلاس سران غیرمتعهدها در خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق مسئولیتی اساسی دارد و باید ایران را به قبول یک میانجی‌گری واقعی تشویق کنند". رئیس ساف در مورد جنگ ایران و عراق که آن را دیوانه‌وار خواند، گفت: "فلسطینی‌ها خود را بزرگترین بازنده جنگ ایران و عراق می‌دانند. من به ایرانی‌ها می‌گویم کافی است، کافی است، کافی است. ما غیرمتعهدها برای این جنگ بهای بسیار سنگینی پرداخته‌ایم". روزنامه «هرالد» همچنین نوشته است: "طرحی از سوی عرفات به هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در حراره پیشنهاد خواهد شد که طبق آن جنبش غیرمتعهدها یک نیروی حافظ صلح به مرزهای ایران و عراق گسیل خواهد داشت و براساس این طرح حتی مخالفت یکی از طرفین درگیر مانع از اعزام این نیرو نخواهد شد، زیرا در این صورت این نیرو با عبور از مرز کشوری که با آن موافق است، در جبهه بین ارتش ایران و عراق مستقر خواهد شد".

۲ ـ متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

جمعه ۷ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۳ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۲۹ August ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم صبح در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. عصر احمدآقا تلفنی گفت که آقای کروبی می‌گوید ده نفر باقی نیستند، دو سه نفری هستند. قرار شد خود ایشان از فهد تشکر کند. شب ارتباطات تلفنی زیادی با جبهه و قرارگاه خاتم داشتم.

هماهنگی سپاه و نیروهای ارتشی که باید عملیات را از لحاظ پدافند و توپخانه و هوایی پشتیبانی کند، ضعیف است. در اصفهان بر سر مدیریت فرودگاه قدیم که به سپاه سپرده شده، بین سپاه و هوانیروز درگیری بروز کرده که گفتم هیأتی برای رسیدگی به آنجا بروند.

شنبه ۸ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۴ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۳۰ August ۱۹۸۶

اول وقت دستور هماهنگی‌های جبهه‌ها را پیگیری کردم. وضع جبهه بهتر شده است. فاطمه خانم کارگری که هفته‌ای چند روز به کمک عفت می‌آید، پس از سه هفته غیبت امروز آمد. برای جمع

---

۱ ـ در خطبه‌های نماز جمعه امروز بر ضرورت سرعت بخشیدن به جنگ و تسریع در اعزام نیروهای بیشتر برای ادامه جنگ تا پیروزی تأکید شد و نیز موضوعات مهمی چون نقش شورای همکاری خلیج‌فارس در جنگ علیه ایران و ضرورت مقابله با آن مورد بررسی قرار گرفت. آقای هاشمی در آخر به تحلیل شایعات و مشکلات مردم در داخل کشور پرداخت و تلویحاً و تصریحاً از مردم در تحمل مشکلات یاری طلبید. در بخشی از خطبه‌های نماز جمعه آمده است: "در این شرایط که حضرت امام حضور در جبهه‌ها را واجب کفایی اعلام کرده و سپاه پاسداران هم که اعلام کرده است ابتدا ۵۰۰ گردان و اگر کارساز نشد ۱۰۰۰ گردان را به جبهه‌ها سرازیر کند، همهٔ ما وظیفه داریم که در جبهه‌ها حضور داشته باشیم؛ کسانی که آموزش دیده‌اند لازم است در جبهه‌ها باشند". آقای هاشمی خطاب به حکام خلیج‌فارس گفت: "خوب، بی‌انصاف‌ها، شما آنجا نشسته‌اید و می‌دانید عراق دارد اعلان می‌کند که «من کشتی را زده‌ام» آیا شما نمی‌توانید بفهمید که نمی‌شود دست روی دست گذاشت تا کشتی‌های ایران زده شود؟ اگر ایران نتواند نفت بفروشد و بعد دیگران نفت صادر بکنند و به جای ایران بفروشند و اسلحه بخرند و بدهند به عراق، خوب اینکه معقول نیست، شما مگر با سفیه طرف هستید؟ مگر شما [حکام کشورهای منطقه] شریک جنگ عراق نیستید؟ شما مگر نفت [منطقه] بی طرف را به عراق نمی‌دهید؟ شما مگر پول به عراق نمی‌دهید که پشتوانهٔ جنگی‌اش باشد؟ رادیوهایتان و خودتان در تأیید عراق متجاوز مگر نیست؟ خوب اگر در جنگ شریک هستید، دیگر چه توقعی دارید؟! به علاوه، ما ادعای شما مبنی بر زدن کشتی‌ها را به عهده نگرفته‌ایم و از اول گفته‌ایم این تیر غیب است که کشتی‌ها را می‌زند و به فرض اگر روزی قبول کنیم که زده‌ایم، این حق ما است، با این وصف خیلی هم کوتاه آمدیم، اگر ما بخواهیم با شما قاطع برخورد کنیم باید تنگه هرمز را ببندیم و کشتی‌های شما را توی خلیج‌فارس راه ندهیم". ایشان خطاب به مردم نیز گفت: "من قبول دارم که تحمل این کمبودها برای ما مشکل است اما چه باید کرد؟ این انقلاب در شرایطی که قرار گرفته است و وضع جبهه به حالی که در آمده مانند این است که از پله‌های زیادی بالا رفته‌ایم و نزدیک پشت بام رسیده‌ایم و حالا باید برگردیم؛ این منطق هیچ‌کس نیست، حتی لیبرال‌ها هم دیگر جرأت نمی‌کنند این حرف‌ها را بزنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷



صحنه ای از نبرد در جبهه ها



کردن برنجهای مزرعه‌اش به لاهیجان رفته بود. از زیادی محصول خوشحال و از گرانی کارگر ناراحت است. می‌گوید سه جریب زمین دارند.

ظهر، علی اخوی زاده که از اروپا برگشته آمد. از طریق کاردارمان در لندن، دو نفر از مقامات آمریکایی با او ملاقات کرده‌اند. خواستار رفع تیرگی روابط شده‌اند و از ما برای آزادی گروگانهایشان در لبنان استمداد کرده‌اند و در مورد جنگ از موضع قبلی دشمنی‌شان با ما نرمشی نشان داده‌اند. در مورد کانالهائی که در گذشته به ما پیغام داده‌اند، پرسیده‌اند. توسط احمدآقا به حضرت امام گزارش دادم. گفتم متن اظهارات آنها را بنویسد که در جلسه سران سه قوه مطرح کنیم.

عصر آقای رفیق‌دوست و آقای ادیب آمدند. از مدیریت صنایع نظامی ارتش شاکی بودند. رفیق‌دوست در مورد سفر آینده‌اش به سوریه و لیبی مشورت کرد. احمدآقا آمد. دربارهٔ سخنان امروز امام که از روزنامه رسالت انتقاد کرده‌اند، صحبت کرد[1] و مقصود امام از جریانی که فرمودند شناسائی

---

۱ - امام خمینی (ره) به مناسبت هفتهٔ دولت، در جمع اعضای هیأت دولت مطالب مهمی درباره رفتار مخالفان و منتقدان از دولت آقای میرحسین موسوی بیان فرمودند، از جمله: "ما باید عملکرد دولت را روی هم رفته حساب کنیم، ببینیم که آیا این دولت در این مدتی که در جنگ بوده است و در محاصره اقتصادی بوده است و مخالفت همه قدرت‌های بزرگ دنیا بوده است، این دولت موفق بوده است روی هم رفته یا نه؟ بی انصافی است که ما بگوییم موفق نبوده، بی انصافی است که ما بگوییم که دولت کار ازش نیامده. خوب، کارهای بزرگی کرده‌اند، کارهایی که در ظرف چهل پنجاه سال نشده بود اینها کرده‌اند، در هر قشرشان، همه جا، همه افرادشان و روی هم رفته یک دولت موفق بوده است... من به همه اشخاصی که قلم در دستشان است، زبان گویا دارند می‌خواهم سفارش کنم متوجه باشند که قلم آنها، زبان آنها در حضور خداست، فردا مؤاخذه دارد. صحبت سر دولت و ریاست جمهور و اینها نیست، صحبت سر نظام است، نظام اسلام است. آقای خامنه‌ای سلمه‌الله - باشند رئیس جمهور یا یک کسی دیگر، آقای موسوی نخست وزیر باشند یا یک کس دیگری، این مطرح نیست، مطرح نظام جمهوری اسلامی است، ما مکلفیم به حفظ او، همه نویسنده‌ها مکلفند به حفظ نظام... آقایان توجه بکنند که قلم آنها یک وقت قلمی نباشد که جمهوری اسلامی را تضعیف بکند. من می‌بینم در بعضی قلم‌ها این جوری است و اینها توجه بکنند. من همیشه میل دارم که با نصیحت، با - عرض می‌کنم که - تقاضا، باملایمت با آقایان رفتار کنم و همیشه جوری باشد که یک صحبتی که ملایم نباشد، نباشد؛ لکن اگر چنانچه یک وقتی اقتضا بکند مصلحت اسلام، یک وقت انسان ببیند که می‌خواهد یک کسی اسلام را تضعیف کند ولو نمی‌فهمد خودش، یا خدای نخواسته از روی فهم - که بعضی نادر هست الان - که از روی ادراک می‌خواهند لطمه بزنند و شناسایی هم ممکن است شده باشند، لکن توجه کنند که اگر یک وقت یک همچو چیزی پیش بیاید، آن وقت یک وضع دیگری پیش می‌آید، این جور نیست که همه‌اش قضیه نصیحت باشد و ملایمت باشد، یک مسأله دیگری پیش می‌آید. ما در حال انقلاب هستیم. شما ملاحظه کنید، آن جاهایی که انقلاب شده است چه کرده‌اند! آن جاهایی که انقلاب شده است، انقلاب روسیه‌ای که پنجاه و چند سال از آن گذشته است، روزنامه باز همچو تحت کنترل است که نمی‌توانند یک کلمه این ور آن‌ور بگویند. الان به طوری که برای من گزارش دادند، در عراق هیچ مطلبی را جز اینکه اداره اطلاعات اجازه بدهد نمی‌توانند بروز بدهند؛ هیچ مطلبی را راجع به اقتصادشان، راجع به عرض می‌کنم که - ارزشان، راجع به نظامی شان، همه چیزها، باید اداره اطلاعات اجازه بدهد تا چی بشود... خوب ما چی؟ ما هر چه دستمان آمد گفتیم. الان اقتصاد ما این طوری است و ما ورشکسته هستیم، خوب، ما ورشکسته، جناب عالی که می‌فرمایید که ما ورشکسته شدیم. این برای اسلام مضر است یا برای دولت مضر است؟ این برای جمهوری اسلامی مضر است، وقتی فهمید طرف ما، ما ورشکسته نیستیم، چون مردم می‌دانند، اما تویی که برمی داری می‌نویسی ما ورشکسته هستیم. تویی که می‌نویسی ما هیچی دیگر نداریم. تویی که این حرف‌ها را می‌نویسی، این برای اسلام مضر است، نه برای دولت. اگر یک چیزی بود که مخصوص دولت بود، خوب، یک

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شده و فساد می‌کند را معرفی کرد. گزارش کامل پیام آمریکایی‌ها را گرفت تا برای امام منتقل نماید[1].

یکشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۵ ذیحجه ۱۴۰۶   31 August ۱۹۸۶

اول وقت به مجلس رفتم. معلوم شد دیشب عملیات انجام نشده است[2]. دکتر جاسبی آمد. گزارشی از وضع دانشگاه آزاد اسلامی داد. می‌خواهند شهریه را گران کنند. گفتم با نخست وزیر مشورت نماید. اجازه ساختن دانشگاه کرج را می‌خواست.

[آقای درگاهی معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی به همراه مشاوران، مدیران کل و رؤسای فدراسیون‌های ورزشی و] مدیران تربیت بدنی آمدند. گزارشی از وضع ورزش دادند و من هم مفصلاً صحبت کردم[3]. قرار است در جبهه حمله داشته باشیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مسأله‌ای بود، باز می‌شد یک چیزی، اما یک چیزی که برای نظام مضر است، هست و این را توجه کنید به آن، دست‌هاتان را یک قدر نگه دارید، قلم‌هایتان را یک قدر نگه دارید، توجه بکنید به اینکه هر چیزی نباید نوشته بشود، هر چیزی نباشد منتشر بشود. و من به شما عرض می‌کنم که من ممکن است یک روزی اگر چنانچه خدای نخواسته تعقیب بکنند آقایان، ممکن است من یک وضع دیگری پیش بیاید برایم".
رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۲۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ ـ برای مطالعه جریان کامل روابط ایران و آمریکا در ماجرای مک فارلین رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک‌فارلین، محسن هاشمی، حبیب‌الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ ـ غروب امروز حرکت ۱۲۰ نیروی غواص برای تصرف «اسکله العمیه» آغاز شد. این نیروها قبل از حرکت به سوی سه پایه «العمیه» (در پنج کیلومتری اسکلهٔ العمیه)، از زیر قرآن که بر دست‌های امام جمعه اصفهان آیت‌الله طاهری قرار داشت، گذشتند و پس از آماده شدن، در قایق‌ها نشستند و در ساعت ۲۱ به سوی هدف یاد شده که به عنوان «نقطه رهایی» نیروها در نظر گرفته شده بود، حرکت کردند. غواصان موفق شدند بعد از یک ساعت به «بویه ۸» برسند، اما با تغییر ناگهانی وضعیت جوی و افزایش فورس (نیرو) آب و تلاطم آن، مهار قایق‌ها مشکل شد و قطب نمای برخی شناورها براثر نفوذ آب از کار ایستاد؛ شدت گرما و شرجی بودن هوا نیز نیروها را دچار تهوع و سرگیجه‌ای جانکاه کرده بود؛ مجموعه این عوامل موجب دیر رسیدن غواصان به سه پایه العمیه شد. اگر چه فرمانده می‌توانست با دادن تغییراتی در طرح، عملیات را ادامه دهد اما به دلیل احتمال کاهش موفقیت آن، پیشنهاد شد که عملیات یک شب به تعویق بیفتد و سرانجام پس از مشورت فرماندهان عملیات، در حدود ساعت یک بامداد به نیروها دستور داده شد که عقب نشینی کنند و با حفظ استتار در منطقه بمانند و خود را برای عملیات در شب آینده آماده کنند. گفتنی است که مشاهده نشدن واکنشی از دشمن در برابر حرکت نیروهای خودی، این امید را در فرماندهان نیرو بخشید که عملیات لو نرفته است.

۳ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ورزش همان طور که در زندگی فرد مؤثر است، در زندگی اجتماعی هم تأثیر فراوان دارد. در تمام طول تاریخ، ورزش وجود داشته و ما مقطعی از تاریخ را سراغ نداریم که ورزش در آن به اشکال و انحاء مختلف وجود نداشته باشد. در مورد ورزش ما نباید با سوءظن برخورد کنیم، چه ورزش در مقایسه با دیگر آثار اجتماعی جهان از سلامت بیشتری برخوردار است. هیجانات ورزشی از جاذبیت‌های ورزش است، اما اشکال از آن کسی است که می‌خواهد از این هیجانات سوءاستفاده کند. عده‌ای فکر می‌کنند، مسابقه و برد و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

هیأت سودانی[۱] به ملاقات آمدند. از نماز جمعه ایران اظهار اعجاب کردند و از باز شدن قبرستان بقیع اظهار خوشحالی نمودند و از مشکلاتشان در جنوب سودان و رفع خرابیهای زمان [جعفر]نمیری و نیاز شدید به نفت گفتند. درخواست دارند که به سوخت آنها کمک کنیم. خانم افراز از هلال احمر آمد. از مشکلات روانی خانواده‌های مفقودان و اسرا و لزوم تحرک صلیب سرخ جهانی گفت. ظاهراً کمیسیون اسرای عراقی همکاری نمی‌کند.

آقایان رازینی، یونسی و منتظری از دادگاه نیروهای مسلح آمدند. از مشکلاتشان گفتند و از عدم همکاری سپاه در جریان درگیری اصفهان بین لشکر امام حسین(ع) و مرکز توپخانه سپاه گفتند که در آنجا لشکر امام حسین(ع) بخشی از پادگان آموزشی توپخانه را در اختیار دارد. اتحادیه صنف قنادها آمدند و از وزارت دارائی شاکی بودند. برادر آقای انواری که در آمریکا طبیب است، آمد. پیشنهاد همکاری در انتقال اطلاعات صنعتی داشت.

عصر آقای محفوظی آمد. از مسامحه گزینش دانشگاه‌ها در خصوص فساد اخلاق و در عین حال از سخت‌گیری وزارت اطلاعات در پذیرش متهمان گروهگی شاکی بود. از من خواست با جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] گرم‌تر باشم. درعین حال از جامعه اسلامی دانشگاهیان و وزارت بهداشت و درمان گله داشت. گفتم در مواضع تناقض دارد.

دکتر [حسن]حبیبی آمد. از بی حالی شورای‌عالی قضائی و عدم کارائی [وزارت] دادگستری گفت و برای اصلاح آن استمداد کرد. آقای تفرشی آمد. برای فعال شدن روابط اقتصادی با چین طرحی داشت. [آقای محمدجواد ایروانی] وزیر دارائی آمد. گزارش وضع اقتصادی و ارزی کشور را داد و از بانک مرکزی شکایت داشت.

آقای خلیلی از پاریس برای استمداد در آزادی گروگانها از لبنان آمد. گفتم اختلاف راست و چپ در فرانسه مانع تصمیم‌گیری خود آنهاست.

شب مهمان نخست وزیر بودیم. رئیس جمهور برای شرکت در کنگره غیر متعهدها در زیمبابوه است. گزارش کامل پیغامهای آمریکایی‌ها را که توسط علی ـ اخوی زاده ـ داده‌اند، مورد بحث قرار دادیم. آمریکایی‌ها برای برقرای روابط با ما دست وپا می‌زنند و به هر وسیله‌ای متشبث می‌شوند و اعلان آمادگی برای دادن امکانات نظامی می‌نمایند و این بار مدعی طرفداری از ما در مقابل عراق

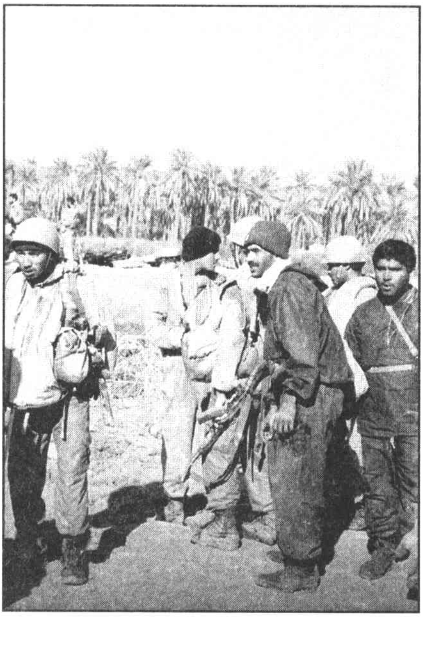
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

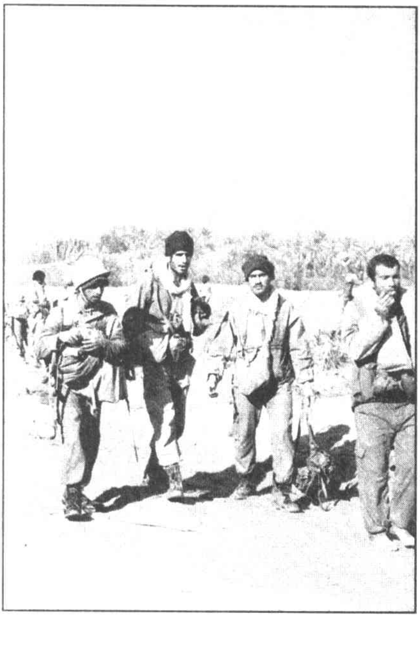
باخت با مقدسی، انقلابی و حزب اللهی بودن مغایر است، در صورتی که همین رقابت با افتخار و پیروزی عجین است که اسلام هم آن را تخطئه نکرده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ آقای محمود مادیبو وزیر انرژی سودان و هیأت اقتصادی ـ سیاسی همراه.



رزمندگان اسلام در حال انجام عملیات





هستند. مدعی‌اند روسها با تمام قوا از عراق حمایت می‌کنند. قرار شد از دکتر [محمدعلی] هادی بخواهیم که در این باره با آنها صحبت کند و در حد کمک برای آزادی گروگانهای آنها در لبنان در مقابل گرفتن نیازهای نظامی مذاکره نماید.

خبر رسید که یک فروند هواپیمای اف ۱۴ به عراق فرار کرده و شب [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی از شنود نقل کرد که هواپیما در شرق زبیدات عراق سقوط کرده است. معلوم نیست زده‌اند یا خلبان کابین عقب که مدعی مخالفت با فرار بوده، اقدامی کرده است. گر چه عراقی‌ها گفته‌اند، هواپیما در پایگاهی نشسته و خلبانها پناهنده شده‌اند[1].

دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۶ ذیحجه ۱۴۰۶ — 1 Sept ۱۹۸۶

منتظر خبر نتایج عملیات شب گذشته بودم. حدود ساعت نه صبح خبر از طریق آقای محسن رضایی رسید که در جنوب عمل نشده و در شمال در منطقه حاج عمران عمل شده است[2]. [پسرم] مهدی هم

---

۱ - این خلبان که سرگرد «احمد مرادی» نام داشت و برای گشت زنی در اطراف اصفهان پرواز می‌کرد، این هواپیما را با تجهیزات کامل به عراق برد و درخواست پناهندگی سیاسی کرد. وی خانواده خود را قبلاً به فرانسه منتقل کرده بود. کمک خلبان این هواپیما به دنبال آگاهی از قصد خلبان مرادی، با برج مراقبت تماس گرفته است، سپس کوشیده که از هواپیما خارج شود، اما به دلیل سرعت زیاد هواپیما موفق به این کار نشده است. وی در مصاحبه رادیو تلویزیون بغداد با سرگرد خلبان احمد مرادی نیز حضور نداشت. رادیو بغداد با استناد به مصاحبه این خلبان فراری در بغداد، گفت: "ایران هم اکنون بیش از هفت یا هشت فروند هواپیمای اف - ۱۴ در اختیار ندارد و ادعاهای ایران مبنی بر دارا بودن ۷۰ تا ۸۰ فروند از این نوع هواپیما را رد کرد. خبرگزاری آسوشیتدپرس در این خصوص گزارش داد: "در کمتر از یک ماه این دومین مورد گزارش شده از فرار خلبانان ایرانی با هواپیماهایشان می‌باشد. همچنین در ۱۲ اوت ۱۹۸۶ (۲۱ مرداد ۱۳۶۵) عراقی‌ها فرود یک هواپیمای غیرنظامی ایران به همراه خلبان آن و دو تن دیگر را که عضو نیروهای مسلح ایران بوده‌اند، اعلام کردند". این اولین هواپیما از نوع اف - ۱۴ ایران است که به عراق برده می‌شود هر چند که قبلاً چهار هواپیمای جنگی و مسافربری دیگر نیز به بغداد برده شده بود.

۲ - چنان که ذکر شد، براثر نامساعد شدن اوضاع جوی، عملیات تصرف اسکله العمیه در شب گذشته متوقف و به امشب موکول شد. از اولین دقایق غروب امروز، اعزام مجدد نیروها برای تصرف اسکله آغاز شد و تا ساعت ۲۴ اقداماتی به این شرح انجام گرفت. نیروهای غواص پس از گزاردن فریضه نماز و مراسم کوتاه عزاداری و توسل به امام حسین (ع)، در حالی که هر یک وسایل و لباس غواصی و تجهیزات عملیاتی خود را همراه داشتند، با شور و هیجان شدیدی برای رسیدن به نقطه رهایی سوار قایق‌ها شدند. طبق طرح قرار بود که غواصان با دو فروند شناور ابتدا با گرای مشخص به «بویه ۸» (اولین نقطه کمکی»، برسند، سپس با تنظیم مجددگرا به طرف سه پایهٔ «العمیه» یعنی «نقطه رهایی» ادامه مسیر بدهند و از این نقطه با پوشیدن لباس غواصی وارد آب شوند و مسیر پنج کیلومتری سه پایه تا اسکله را شنا کنند. پس از راهی شدن شناورها بر طبق برنامه، جانشین فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) (برادر ابوشهاب) به چهار سکان دار قایق‌های «والفجر» که امکانات صعود از اسکله (نردبان) را با خود داشتند دستور داد چنانچه به وجود آنها در بالارفتن از اسکله نیاز شد، به منطقه درگیری اعزام شوند. در عمل به سبب پیدایش مشکلات متعدد، نیروهای غواص با یک ساعت و نیم تأخیر به نقطهٔ رهایی رسیدند. برای اینکه تأخیر پیش آمده سبب نشود که

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در همان منطقه است.

تیپ بدر که متشکل از عراقی‌ها است، کاملا به اهداف خود رسیده و در سمت چپ هنوز درگیریم. معلوم می‌شود عراقی‌های مجاهد خوب می‌جنگند. دویست اسیر از هموطنانشان گرفته‌اند. قاعدتاً آنها برای گرفتن اسیر از ایرانی‌ها موفق‌ترند. زیر و بم زبان همدیگر را می‌فهمند و هم عاطفه بیشتری دارند.

سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی] اوضاع را گفت. از مجموع گزارش‌ها بدست می‌آید که موفقیت نسبی است نه کامل[1]. عصر آقای مهدیان آمد. خواست که در مورد دفتر نشر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نیروهای غواص در زمان مقرر به اسکله نرسند، قرار شد که قایق‌ها، غواص‌ها را دو کیلومتر جلوتر از نقطه رهایی که پیش از این تعیین شده بود در آب رها کنند. قایق‌ها پس از گذراندن مسافت تعیین شده، غواص‌ها را با تجهیزات کامل در آب رها کردند، در حالی که وضعیت جوی نامساعد می‌شد و با افزایش سرعت باد، موج‌ها نیز بلندتر می‌شدند. غواص‌ها با ورود به داخل آب در سه ستون صف بستند و افراد هر ستون به منظور حفظ انسجام خودشان، به فاصله دو متر از هم، دست خود را به طناب بلندی گرفته بودند. غیر از نفر اول که برای حفظ نظم و هدایت ستون و خواندن قطب نما سرش بیرون از آب قرار داشت، بقیه افراد با گذاشتن «اشنوگر» سر خود را در آب فرو برده و منتظر دستور حرکت بودند. با رسیدن دستور حرکت در آخرین دقایق روز دهم شهریور و در حالی که اوضاع جوی نیز هر لحظه نامساعدتر می‌شد و امواج خروشان خلیج‌فارس غواص‌ها را بالا و پایین می‌برد، هر سه ستون شناکنان حرکت خود را به سوی اسکلهٔ العمیه که در سه کیلومتری قرار داشت، آغاز کردند.

۱ - در منطقه عملیاتی «حاج عمران»، علی‌رغم اجرای آتش توپخانه دشمن روی نیروهای خودی و شلیک منورهای فراوان و پی در پی که حاکی از هوشیاری دشمن بود، نیروهای خودی توانستند در اولین ساعات بامداد امروز خود را به خط تماس برسانند و در حالی که هنوز دقایقی به ساعت یک بامداد باقی مانده بود، یکی از گردان‌های تیپ ۱۰۵ قدس را دشمن در شکاف میان ارتفاع «واراس» و ارتفاع «۲۵۱۹» دید و درگیری ناخواسته و زود هنگام آغاز گردید. در محور راست، عملیات تیپ ۹ بدر با استفاده از سه گردان عملیاتی («شهید صدر»، «شهید دستغیب»، و «شهید بهشتی») و یک گردان احتیاط (گردان حمزه که عمدتاً از اسیران عراقی بودند)، از سه محور با هدف تصرف ارتفاع «شهید صدر» انجام شد. این تیپ طی یک رشته عملیات و درگیری سخت موفق شد در نهایت به جز مقر فرماندهی دشمن واقع در نقطه‌ای موسوم به مثلثی، تمامی منطقه عملیاتی مورد نظر را تصرف کند و در آن مستقر شود. از سوی دیگر، براساس طرح مانور، ارتفاع «تخته سنگی» که ارتفاع شهید صدر را زیر دید و تیر داشت، می‌بایست به دست نیروهای تیپ ۱۱ قائم تصرف می‌شد که این تیپ نتوانست عملیات خود را انجام دهد، با روشن شدن هوا متوقف شد، ولی تیپ ۹ بدر در ادامهٔ پیش روی‌های خود این تپه را نیز تصرف کرد. در محور چپ نیز نیروهای یگان‌های عمل کننده با حرکت به سمت منطقهٔ درگیری، زیر آتش شدید توپخانه و مسلسل‌های سنگین دشمن قرار گرفتند که تعدادی از آنان شهید و مجروح شدند، اما بقیه خود را به سنگرهای دشمن رساندند و درگیری را آغاز کردند. تیپ ۱۵۵ شهدا با موفقیت هدف ابتدایی خود را روی ارتفاع «۲۵۱۹» به دست آورد و جهت تصرف دو هدف دیگر روی بلندترین نقطهٔ قله، مسیر را ادامه داد. یک گردان از این تیپ از سمت راست خود را به پشت دشمن رساند و با استقرار در زیر یال‌ها، جادهٔ «دربند» به «۲۵۱۹» را بست و موفق شد ۱۱۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت بگیرد، ولی با شروع پاتک دشمن، تلفات بسیاری بر آن وارد آمد و ناگزیر عقب‌نشینی کرد، در نتیجه دوباره جاده برای دشمن باز شد. به این ترتیب نیروهای خودی براثر مقاومت و آتش دید دشمن موفق به تصرف قله «۲۵۱۹» نشدند و تنها با گرفتن جاپایی در یال پایین «۲۵۱۹» به عقب بازگشتند. تیپ ۱۰۵ قدس نیز علی‌رغم تحمل تلفات در هنگام حرکت به سوی خط دشمن، خود را به آن جا رساند و توانست یک گردان (گردان میثم) را تا نزدیکی «واراس» برساند و به قسمتی از اهداف خود دست یابد، ولی به سبب پاکسازی نکردن یال‌های پایین ارتفاعات «۲۵۱۹» و «تپه تخم مرغی» و نیز هوشیاری دشمن، این گردان محاصره شد و بقیهٔ نیروهای تیپ تا صبح امروز به عقب

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[فرهنگ اسلامی] خبری از ملاقات منتشر شود. دکتر روحانی آمد. درباره پدافند و قرارگاه رعد و عملیات جاری و آینده و بررسی پیشنهاد آمریکایی‌ها در خصوص گروگانهای آمریکایی در لبنان و تأمین اسلحه مورد نیاز صحبت شد.

اخوی محمود آمد. وضع لبنان و مشکلات شورای لبنان را گفت و در مورد تلاش برای ایجاد ارتباط با مردم مصر صحبت کرد. شب در منزل تنها بودم و از وضع جبهه‌ها استفسار کردم[1]. معلوم شد عملیات کربلای سه برای تصرف البکر و العمیه امشب انجام می‌شود و بنا است عملیات کربلای دو ادامه پیدا کند[2].

سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۷ ذیحجه ۱۴۰۶   2 Sept ۱۹۸۶

زود به مجلس آمدم. آقای محسن رضایی از جبهه جنوب اطلاع داد که رزمندگان موفق شده‌اند اسکله العمیه عراق را بگیرند. حدود صد نفر اسیر گرفته‌اند. هواپیماهای عراق حمله کرده‌اند و یکی از آنها

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بازگشتند. لشکر ۱۰ سیدالشهدا نیز در آغاز کار تا حدودی موفق بود و توانست «تپه تخم مرغی» را تصرف کند، ولی براثر آتش شدید دشمن که از ارتفاعات «۲۵۱۹» و یال «سکران» اجرا می‌شد، موفق نشد اهداف خود را به طور کامل تصرف کند و با فشار دشمن، ناچار عقب نشینی کرد. «سرهنگ ابوفارس» مسئول گردان اسیران عراقی که در ساعات اولیه عملیات قرارگاه فرماندهی نیروهای دشمن را به محاصره خود درآورده و علی‌رغم تلاش بسیار نتوانسته بود آن را تصرف کند، با تعدادی از نیروها پس از دور زدن دشمن، به آنان حمله کرد و در ساعت ۸:۳۰ این قرارگاه را به تصرف درآورد. رجوع کنید ← کتاب "روز شمار جنگ ایران و عراق" جلد چهل و سوم، «در تدارک عملیات سرنوشت ساز»، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱ ـ در این روز خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از رادیو بغداد گزارش داد که «سعدون حمادی» رئیس مجلس ملی عراق در آستانه برگزاری اجلاس سران عدم تعهد در «حراره» در یک مانور تبلیغاتی دیگر اعلام کرد که عراق حاضر است پیمان عدم تجاوزی را با ایران و به ضمانت پنج عضو دائمی شورای امنیت امضاء کند. وی همچنین پیشنهاد کرد که ایران و عراق هر کدام ۳۰ کشور را انتخاب و به منظور تضمین این پیمان به یکدیگر معرفی کنند و در صورت مخالفت ایران، اعضای سازمان کشورهای اسلامی مستقیماً به جای ایران وارد عمل شوند و اقدام کنند.

۲ ـ اگرچه زمان عملیات کربلای ۲ مربوط به دوره‌ای است که استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی پایه‌ریزی شده بود اما تا قبل از احساس بن‌بست در جنوب، اجرای این استراتژی جدی نشد. به عبارت دیگر اجرای عملیات کربلای ۲ بیش از هر چیز متأثر از استراتژی معروف به «دفاع متحرک» ارتش عراق بود. در این دوره در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۶۵ در منطقه حاج عمران، عراق به ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر حمله کرد و دستاوردهای عملیات والفجر ۲ را به اشغال درآورد. از آنجا که تسلط و اشراف دشمن بر منطقه، نیروهای خودی را در فشار قرار می‌داد و پیوسته متحمل تلفات می‌کرد، عملیات کربلای ۲ با فرماندهی سپاه در دو محور شمالی و جنوبی اجرا شد. در محور شمالی، ارتفاع شهید صدر تصرف شد، اما در محور جنوبی، هوشیاری و مقاومت دشمن موجب شد تا نیروهای خودی به عقب بازگردند و ارتفاع ۲۵۱۹ در دست ارتش عراق باقی بماند.

ساقط شده است. خواست اهمیت کار به مردم توضیح داده شود[۱].

فرمانده نیروی دریایی اطلاع داد که یک کشتی شوروی حامل مهمات و موشک را بازرسی کرده‌اند که به صورت ظاهر به کویت می‌رود، اما به احتمال قوی مال عراق است[۲]. تلفنی به آقای [شیخ حسن] صانعی گفتم که از امام کسب تکلیف کند. امام نظر صریحی ندادند و فقط فرموده بودند که ما نمی‌توانیم با شوروی در بیفتیم.

با نخست وزیر مشورت کردم. قرار شد سفیر شوروی را احضار کنند و مطلب را با خود روسها در میان بگذاریم. به نیروی دریایی گفتم که تا معلوم شدن تصمیم نهائی، کشتی را نگهدارند.

اولین جلسه بعد از تعطیلی مجلس بود. در جلسه علنی که به موقع تشکیل شد، پیش از دستور درباره جنگ و نصایح اخیر امام صحبت کردم[۳]. دو نفر از نمایندگان خط مخالف گروه [روزنامه]

۱ـ برای آگاهی از عملیات کربلای ۳ و نحوهٔ تصرف اسکله العمیه، به شرح کامل عملیات در بخش ضمایم همین کتاب مراجعه نمایید. منبع دیگر برای مطالعه بیشتر رجوع کنید ← کتاب «نبرد العمیه»، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، صفحات ۱۴۳ تا ۱۵۸

۲ـ یک کشتی باری شوروی که مشکوک به حمل کالا برای عراق بود، توقیف شد. خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از مقامات کشتیرانی گزارش داد که امروز نیز یک کشتی دیگر شوروی به نام «توتوف» را نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران ره‌گیری کرده است اما ایرانیان وارد کشتی نشده و به آن اجازه داده‌اند که مسیر خود را به یک بندر عربی در خلیج‌فارس که نام آن فاش نشده است ادامه دهد. به گزارش خبرگزاری فرانسه سخنگوی وزارت خارجه شوروی امروز در یک کنفرانس مطبوعاتی تأیید کرد که یک کشتی شوروی به دست نیروهای ایران در روز گذشته توقیف شد و افزود که این کشتی هنگامی که در آب‌های بی طرف به سمت کویت می‌رفت مورد ره‌گیری یک کشتی ایرانی قرار گرفته است. رادیو اسرائیل نیز در انعکاس این خبر گفت: "در طول شش سال جنگ ایران و عراق این نخستین بار است که نیروهای دریایی ایران یک کشتی بازرگانی روسی را متوقف می‌سازد تا مطمئن شود که حامل اسلحه یا کالا برای عراق نمی‌باشد.

به نوشته نشریه «گزارش»، یکی از کشتی‌های توقیف شده حامل مهمات برای کویت بود که ظاهراً نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران آن را تخلیه کرده است و کشتی دوم نیز سیمان (ظاهراً برای عراق) حمل می‌کرده است. طبق برخی گزارش‌ها، این کشتی ۱۱۷۵۰ تنی از دریای سیاه عازم کویت بود که در ۵۰ کیلومتری غرب دوبی متوقف شد.

۳ـ در بخشی از این نطق آمده است: "عملیات محدود کربلای ۲ و ۳ به عنوان اقدامی در راستای دستورات حضرت امام و قبل از اجرای عملیات سرنوشت‌ساز، انجام گرفته است و نیز اهداف سیاسی خاصی را دنبال می‌کند؛ همچون: مأیوس کردن حامیان عراق، جلوگیری از تحرکات آنها در اجلاس سران عدم تعهد و نیز از بین بردن فریب‌های تبلیغاتی عراق در داخل آن کشور که تحت عنوان سالگرد «جشن‌های قادسیه صدام» اجرا می‌شود. حضرت امام فرموده بودند تداوم عملیات محفوظ باشد و به دشمن اجازه تجدید نیرو داده نشود. براساس آن دستور، برنامه ریزی شده بود، از دیروز نیز حرکت عملی در جبهه‌ها آغاز شد و ان‌شاءالله به گونه‌ای خواهد بود که تا قبل از شروع عملیات سرنوشت ساز، بتوانیم توان دشمن را تحلیل برده و زمینهٔ موفقیت کامل را فراهم آوریم. همین امروز نیز عملیات کربلای ۳ شروع شد که با محتوایی بسیار حساس در یکی از نقاط مهم جبهه‌ها ادامه دارد و اخبارش را در لحظات بعد خواهید شنید. همچنین در عملیات کربلای ۲ آن چنان ضربه‌کاری به دشمن وارد شد که هنوز هم ادامه دارد و ان‌شاءالله شرایط را برای برنامه‌هایی که در شمال عراق تا قبل از شروع عملیات سرنوشت ساز و پیروزی مطلق لازم داریم، به دست ما خواهد داد. تحرکات مجاهدین عراقی در عملیات کربلای ۲ برای ما خیلی جالب بود. تیپ ۹ بدر متشکل از نیروهای عراقی بهترین درخشندگی را در این عملیات از خود نشان داد و عمده اسرایی که به پشت جبهه تخلیه شده‌اند به دست آنها اسیر شده‌اند. عجیب اینکه همین عراقی‌ها که در صف صدامیان آن گونه بزدل هستند، وقتی در میدان جنگ و در صف اسلام قرار می‌گیرند این طور نیرومندند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

رسالت از موقعیت استفاده کرده و به رسالتی‌ها و مخالفان دولت حمله کردند[۱]. آقای [احمد]آذری قمی [صاحب امتیاز روزنامه رسالت] برای جواب وقت خواست.

آقای [علیرضا] معّیری معاون سیاسی نخست وزیر آمد و درباره مطالبی که می‌خواهد به سفیر شوروی بگوید، مشورت کرد. به دفترم آمدم. آقای [احمد] جنتی آمد و از منتقل شدن خطبه‌های نماز جمعه قم از کانال یک به کانال دو تلویزیون گله داشت. احمدآقا تلفنی گفت خوب است مهمات کشتی شوروی را مصادره کنیم. گفتم از امام اجازه بگیرند. بالاخره نظر صریحی ندادند. بعد از ظهر سفیر شوروی جواب آورد که رهبران شوروی برای ادامه سفر کشتی مصممند و در روسیه همین را به کاردارمان گفته‌اند. پیامی از طریق کاردارمان در روسیه به وزارت خارجه شوروی دادیم. عصر در مشورت با نخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی به همین نتیجه رسیدیم که این کار نباید به درگیری با شوروی منجر شود. فعلا سیاست صبر و انتظار داریم.

ظهر آقای سعید الذاکرین برای کارهای مجلس و برگزاری سمینار بزرگداشت شهید مدرس آمد. آقای ریاضی برای مشورت در تجویز خرید جدید سپاه از دانمارک آمد؛ کمی گرانتر است ولی عجله دارند. قرار شد حتی الامکان تخفیف بگیرند.

عصر آقای [علی اصغر] حجازی معاون آقای ری‌شهری آمد و از عملکرد سپاه در خارج گله داشت. اختلاف دارند. از اوضاع افغانستان هم گفت که چند روز قبل به ماموران ما در کابل حمله شده است.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. کلیات آموزش عالی نیمه حضوری تصویب و چند کار دیگر انجام شد. برای انجام کارهای جنگ، شب در مجلس ماندم. امشب عملیات کربلای سه شروع شد.

چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۸ ذیحجه ۱۴۰۶ — ۳ Sept ۱۹۸۶

ساعت یک ونیم بامداد با تلفن آقای محسن رضایی از جبهه جنوب بیدار شدم. گفت هفت ناوچه موشک‌انداز دشمن از خور عبدالله گذشته‌اند و احتمال درگیری شدید در منطقه البکر و العمیه هست

---

۱ - این دو نفر عبارت بودند از آقایان سید حسین قاضی‌زاده هاشمی نماینده فریمان و سیدابولحسن حائری زاده نماینده بیرجند.

و کمک خواست[1]. به سرهنگ ترابی گفتم به نیروهای هوایی و دریایی ارتش بگوید کمک کنند. عملیات کربلای دو هم نیمه کاره متوقف مانده است. آقای [محمود] کاوه فرمانده تیپ ویژه شهدا شهید شده است[2]. او مکرر مجروح شده بود. خیلی شجاع و فداکار بود و به استقبال خطر می‌رفت.

تماسهای مکرری با فرماندهان نیروها و قرارگاه، برای پشتیبانی نیروهای دفاع اسکله العمّیه داشتم. عراقی‌ها هم به موضوع خیلی اهمیت داده‌اند. با ریسک زیاد ناوچه‌های اوزا را به البکر فرستاده‌اند. مرتباً خبر از فشار زیاد هوایی علیه نیروهای مستقر در العمّیه می‌رسد. فیلم جالبی دیشب پخش شد.

احمدآقا به مجلس آمد و در مورد برخورد با کشتی شوروی مشاوره کردیم. خودش مثل آقایان موسوی اردبیلی و نخست وزیر مخالف بود. بعد تلفنی گفت امام هم مصلحت نمی‌دانند.

آقای محلوجی آمد و از فشار وزرای کشور و آموزش و پرورش بر فرماندار و مدیران آموزش و

---

۱ ـ در ادامه عملیات کربلای ۳ در اسکله العمیه، دشمن در نخستین ساعات بامداد امروز در یک جنگ الکترونیک که علیه نیروهای خودی به راه انداخت، توانست با اشغال کلیه بی سیم‌های لشکر امام حسین (ع)، هرگونه تماس با نیروهای مستقر در اسکله را غیرممکن کند. همچنین در نخستین دقایق بامداد امروز، تحرک ناوچه‌های عراقی برای حضور در منطقه عملیاتی شروع شد. قرار بود همزمان با عملیات در اسکله، برای بستن خورعبدالله به منظور قطع ارتباط دریایی عراق با این اسکله نیز اقداماتی انجام گیرد، اما نیروهای خودی به دلیل نداشتن آمادگی، در این مأموریت موفق نشدند و دشمن توانست هشت ناوچه سبک مجهز به توپ و رادار خود را از خورعبدالله بگذراند و وارد منطقه عملیاتی کند. حضور این ناوچه‌ها در منطقه نشان می‌داد که با روشن شدن هوا، دشمن علاوه بر بمباران اسکله، با این شناورها نیز به آن جا (اسکله) حمله خواهد کرد. در عمل نیز چنین شد، یعنی مقارن روشنایی هوا، حملات هوایی عراق با شدت آغاز گردید. قبل از آن، هنگام اذان صبح، دشمن یک فروند موشک نیز به سمت اسکله پرتاب کرده بود. هواپیماهای دشمن در بمباران‌های شدید خود ابتدا کلیه سلاح‌های پدافند هوایی مستقر در اسکله را به دقت شناسایی و منهدم کردند، آن‌گاه از ارتفاع پایین به بمباران شدید اسکله پرداختند. با فشار دشمن از هوا و دریا، سرانجام نیروهای خودی به سه پایه العمیه و سپس با تداوم فشار، به بویه ۸، یعنی مواضع اولیه خود بازگشتند. به دنبال عقب نشینی نیروهای خودی و تسلط مجدد دشمن بر اسکله العمیه، جلسه‌ای با حضور فرمانده کل سپاه و مسئولان نیروی زمینی و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) تشکیل شد و نقاط ضعف و قوت عملیات مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه تصمیم گرفته شد که به منظور جلوگیری از عبور ناوچه‌های دیگر دشمن، بخشی از خور عبدالله مین گذاری شود و ناوچه‌هایی که در اسکله مستقر شده‌اند نیز حمله کنند. در عمل به رغم کوشش مجدد نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، توفیق قابل توجهی در حمله به ناوهای مدافع اسکله عاید نگردید، اما عملیات مین‌گذاری در آبراه خورعبدالله انجام شد و ۱۵ مین به داخل آن (بین ساحل و بویه ۱۹) پرتاب گردید. این مین‌ها دارای لنگرهای بسیار بلندی بودند که احتمال جا به جایی آنها را در آب کاهش می‌داد. هرکدام از مین‌ها ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلوگرم وزن داشتند. در مجموع در عملیات کربلای ۳ علاوه بر وارد آمدن آسیب جدی به اسکله العمیه و پی آمدهای سیاسی، نظامی و اقتصادی حاصل از آن علیه عراق، ۶۳ تن از نیروهای دشمن کشته و ۱۱۰ تن از آنها به اسارت درآمدند که با شلیک موشک دشمن به پد هلی‌کوپتر اسکلهٔ العمیه ۱۵ تن از آنها به قتل رسیدند. همچنین دو هواپیمای جنگی دشمن ساقط شد و یک ناوچه «اوزا»، ۱۵ قبضه سلاح ضدهوایی و دو دستگاه رادار نیز منهدم گردید و ۱۲ سلاح ضدهوایی و ۴ دستگاه رادار به غنیمت درآمد. از نیروهای خودی نیز مجموعاً ۷۵ تن شهید و ۱۸۶ تن مجروح شدند و ۲۵ قایق خودی نیز منهدم گردید.

۲ ـ شهید محمود کاوه یکی از جوانترین فرماندهانی بود که در جنگ عراق با ایران، از خودگذشتگی و رشادت فراوان از خود نشان دادند. روزی که جنگ شروع شد او یک جوان ۱۹ ساله بود، اما سه سال بعد فرماندهی تیپ ویژه شهدا را به عهده گرفت. تیپی که از کلیدی‌ترین یگان‌های سپاه بود. رشادتها و انجام عملیات خارق‌العاده توسط این تیپ، با فرماندهی کاوه، باعث شد به لشکر ویژه ارتقا یابد. کاوه در ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ در منطقه عمومی حاج عمران بر روی قله ۲۵۹ حاج عمران بر اثر اصابت ترکش گلوله توپ، در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسید.

پرورش کاشان گله داشت. آقای امراللهی آمد و از ندادن بودجه آب شیرین کن بوشهر گله داشت. عصر عقد ازدواج فرهاد قاسمی ـ پاسدارمان ـ را بستم و هدیه‌ای دادم.

هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب آقایان کنگرلو و دکتر هادی درباره تعقیب مذاکره برای موضوع گروگان‌های آمریکایی و نحوه تأمین نیازهای نظامی آمدند. به آنها از طرف سران سه قوه، مسئولیت واگذار شده است.

شب آقایان موسوی اردبیلی و نخست وزیر در مجلس مهمان من بودند. معلوم شد نیروهای سپاه به خاطر فشار هوایی، با دادن حدود هشتاد شهید از العمّیه عقب نشینی کرده‌اند.

آقای [جلال‌الدین] طاهری اصفهانی از جبهه، تلفنی از همکاری ضعیف نیروهای دریایی و هوایی ارتش گله کرد. یک فروند هواپیمای اف ۱۴ ما توسط پدافند خودمان در گوره سقوط کرده، که خسارت عمده‌ای است.

آقای شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزارت خارجه] آمد و گزارش آخرین وضعیت مذاکرات با روسها را درباره کشتی توقیفی داد. قرار شد کشتی را آزاد کنیم و اگر بتوانیم کاری به سر محموله آن در کویت بیاوریم. شب در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۵ | ۲۹ ذیحجه ۱۴۰۶   ۴ Sept ۱۹۸۶

صبح زود از وزارت اطلاعات برای مشاوره در امر کشتی روسی و بندر کویت آمدند. در جلسه علنی شرکت کردم. به نمایندگان تذکر دادم که از حرفهای تفرقه انگیز خودداری نمایند. بعد از تنفس به دفترم آمدم.

آقای [علی اصغر] حجازی آمد و گزارش نتیجه مذاکراتشان برای ماموریت در کویت را داد. قرار شد ماموری همراه هیأت وزارت خارجه برای جلوگیری از تحویل سلاح‌ها به عراق برود.

ظهر آقای [محسن مجتهد] شبستری برای مذاکره درباره مشکلات بین اتحادیه اصناف و شورای عالی نظارت آمد. به آقای [حسن عابدی جعفری] وزیر بازرگانی گفتم مساعدت نماید. آقای سرهنگ ترابی آمد. از نامهٔ گله آمیز سپاه به امام در خصوص عدم همکاری ارتش در العمّیه شکایت داشت.

آقای [علیرضا] معیری آمد و گزارش اقدامات درباره پس گرفتن پولهایمان از بانک‌های سوئیس

را داد که گفته می‌شود به اسم سران رژیم سابق گذاشته شده است. عصر علی ـ اخوی زاده ـ برای پیگیری پیام کاردارمان در لندن در خصوص پیام آمریکاییان آمد. گفتم تعقیب نکند و از مطرح کردن مسأله ممنوعش کردم. خوب نیست به خاطر رابطه فامیلی، علی در موضوع وارد شود.

گردان ویژه روحانیون عازم جبهه آمدند و گزارش اقدامات فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی در جبهه‌ها را دادند. برای آنها صحبت کردم[۱]. آقای درّی [نجف‌آبادی] آمد. درباره گزینش و صنایع نظامی ارتش و سپاه و بودجه صحبت کرد.

گروهی از رؤسای دانشگاه‌ها آمدند و درباره مشکلات ناشی از مدیریت وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی گفتند. رئیس دانشگاه [بوعلی سینای] همدان از کشف مهم «حلاّل» برای تشخیص عیب قطعات پیچیده گفت[۲] و برای پیاده کردن کمک خواست.

جمعه ۱۴ شهریور ۱۳۶۵ | ۳۰ ذیحجه ۱۴۰۶ — 5 Sept ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم درمنزل برای خطبه‌های جمعه کار می‌کردم. نماز جمعه را اقامه نمودم[۳]. عصر فیلمی

---

۱ ـ آقای هاشمی در مراسم اعزام اولین گردان از کاروان محرم، ویژهٔ روحانیان، با اشاره به بیش از یک هزار شهید روحانی در جنگ، از شرکت گسترده روحانیان در جبهه‌ها تجلیل کرد و خواستار همراهی آنها با ۵۰۰ گردان اعزامی برای عملیات سرنوشت‌ساز شد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "یکی از عوامل مقاومت و ایثار و عدم خستگی مردم در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، دیدار روحانیون از جبهه‌ها و حضور آنها در صحنه‌های رزم بوده است... وقتی می‌گوییم می‌خواهیم ۵۰۰ گردان در جبهه‌ها داشته باشیم، به معنی آن است که به تناسب آن، روحانی اعزام خواهد شد که مردم، هم کنار روحانیون و به دنبال آنان به جبهه روی خواهند آورد و هم به فرمان امام لبیک خواهند گفت. شهادت بیش از یک هزار روحانی در جبهه‌ها از افتخارات تاریخی روحانیون است که شهدای روحانیت نسبت به سایر اصناف و اقشار بیشتر است و این مسأله، تبلیغات دشمنان را مبنی بر اینکه روحانیون در خانه می‌نشینند و دیگران را به کشتن می‌دهند، عملاً خنثی کرد و گویندگان این ادعاها را رسوا نمود و مردم فهمیدند که آنها دروغ می‌گویند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ برای نخستین بار در ایران فرمول حلال انواع پوشش‌های شیمیایی قطعات الکترونیکی حساس با کاربرد نظامی به کوشش متخصصان دانشگاه بوعلی سینای همدان و با همکاری جهاد خودکفایی پایگاه هوایی شهید نوژه به دست آمد. با استفاده از این حلال‌ها می‌توان قطعات الکترونیکی نظامی که با یک ماده پلیمری معروف به «پاوینگ» کاملاً پوشیده شده‌اند، تعمیر و بازسازی کرد و از این راه شمار فراوانی از قطعات الکترونیکی نظامی که به علت نواقص جزئی از رده خارج شده‌اند به کار گرفت. همچنین با استفاده از این حلال‌ها می‌توان از خروج مبالغ هنگفتی ارز به منظور تهیه قطعات یدکی جلوگیری کرد. پوشش پلیمر پاوینگ به روی قطعات نظامی، برای انحصاری کردن تعمیر و ساخت آنها است و سازنده اصلی قطعات آن را انجام می‌دهد.

۳ ـ آقای هاشمی در خطبه‌های امروز نماز جمعه تهران با تشریح دو عملیات کربلای ۲ و ۳ و تأکید بر وضعیت مطلوب سیاسی ـ نظامی جمهوری اسلامی، اظهار امیدواری کرد که در ماه محرم اعزام نیروهای داوطلب به جبهه‌ها افزایش یابد. ایشان در ابتدا با اشاره به حماسه تیپ ۹ بدر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از تلویزیون تماشا کردم. یکی از پاسدارانم خواستار گرفتن عکس یادگاری با من شد؛ چون قبلاً شکایتی رسیده بود که او از موقعیت محافظت من سوء استفاده کرده، برایم دشوار بود، ولی نتوانستم خواسته او را رد کنم. روز بعد ادعا کرد که عکس خراب شده است.

رادیوهای بیگانه مدعی شدند که پیام رضا [پهلوی] پسر شاه سابق با تصویر از کانالهای ۷ و ۱۰ سیمای ایران پخش شده است، ولی موردی بدست نیامد که دیده باشند. گر چه آنها ادعا دارند که دیده شده است.

خبر دادند که عراقی‌ها به جزیره لاوان حمله کرده‌اند. در این حمله یک کشتی و چند مخزن نفت آسیب دیده است. مسئولان پدافند می‌گویند از خاک کویت استفاده شده است[1].

شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۵ | ۱ محرم ۱۴۰۶ ۶ Sept ۱۹۸۶

خبر حمله به کنیسه یهودیان در استانبول ترکیه و کشتن ۲۴ نفر از جمله شش خاخام یهودی بازتاب

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

(متشکل از مجاهدان، پناهندگان و اسیران تواب عراقی) در عملیات کربلای ۲ در محور حاج عمران، گفت: "شجاعت این نیروها به خاطر پیوستن آنها به خط امام و اسلام می‌باشد". آقای هاشمی با ذکر اقدام یک سرهنگ پناهنده عراقی در این عملیات، اظهار امیدواری کرد که از این به بعد عراقی‌ها در آزادسازی مراکز حساس عراق شرکت کنند و با آزاد کردن کشورشان پس از پیروزی، خودشان ارتش جدید عراق را سازمان دهند. ایشان در ادامه به تصرف اسکله «العمیه»، و انهدام اسکله «البکر» عراق در عملیات کربلای ۳ اشاره کرد و این اسکله‌ها را پایگاهی برای نظارت عراق به کمک رادارهای خود در خلیج‌فارس و اجرای عملیات‌های ایذایی علیه جمهوری اسلامی در منطقه دانست و افزود: "ما باید این امکانات را از دشمن می‌گرفتیم. ما از لشکر امام حسین (ع) در صف شکنی‌ها و عبور از خطوط خطرناک خیلی جاها از این صحنه‌ها را دیده بودیم، این فوق همهٔ آن صحنه‌هاست و از لحاظ مشکل بودن کار،... یعنی برای کسانی که می‌خواهند جنگ دریایی بکنند و می‌خواهند فنی بجنگند این اصلاً در ردیف کارهای دریایی به تصور نمی‌آید... بعد خود فرماندهان نظامیشان می‌آیند برای شما توضیح می‌دهند که شجاعت و حماسه این‌ها را در تاریخ ثبت کنند... این بسیار مهم بود که رفتند و العمیه را گرفتند. آنها ۱۱۰ نفر را اسیر کردند و آن ابزار مزاحم برای ما را در خلیج‌فارس منهدم کردند و عملاً اسکله را برای استفاده نظامی عراق از کار انداختند و اسکلهٔ «البکر» را هم آتش زدند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - چهار هواپیمای عراقی در ساعت ۱۸:۲۵ جزیره «لاوان» واقع در شمال غربی جزیره «سیری» در خلیج‌فارس را بمباران کردند. در این بمباران پالایشگاه جزیره «لاوان» مورد اصابت قرار گرفت و سه مخزن نفت آن سوراخ شد و قسمتی از پالایشگاه نیز آتش گرفت. در این حمله، نفتکش ایرانی «مکران» نیز که در محل لنگر انداخته بود هدف قرار گرفت که دچار آتش سوزی شد و سه تن از خدمه‌های آن شهید و ۱۰ تن نیز زخمی شدند. خبرگزاری رویتر در این باره به نقل از یک کارشناس امدادی گفت: "به نظر می‌رسد که هدف عراق از حمله به لاوان آسیب رساندن به تأسیسات راداری بوده است. این تأسیسات برای ایجاد یک سپر راداری برای نفتکش‌های ایران در مقابل حملات هوایی عراق در هنگام گذر از خلیج‌فارس طرح‌ریزی شده است. در این جزیره همچنین یک باند برای استفادهٔ جنگنده بمب افکن‌های اف - ۴ وجود دارد. به همین دلیل از جزیره لاوان بیش از هر جزیره ایرانی دیگر در خلیج‌فارس دفاع می‌شود. منابع کشتی‌رانی گفتند: "حتی اگر تانکرهای ذخیره نفت در این جزیره آسیب دیده باشند، ایران در سراسر خلیج‌فارس دارای یک سلسله ذخایر نفتی است و اختلال در کشتی‌رانی این کشور جزئی خواهد بود".

زیادی داشت[۱]. رسانه‌های دشمنان، سعی دارند این حادثه و حادثه دیروز حمله به هواپیمای آمریکایی در کراچی پاکستان را به دوستان ما نسبت بدهند[۲].

به وزارت خارجه گفتم به آقای شیخ‌الاسلام در کویت بگوید در مورد خبر همکاری کویت با عراق در حمله به لاوان اخطار بدهد. با وزارت خارجه و وزارت اطلاعات درمورد فردی اردنی که اخیراً به ایران آمده و مدعی برنامه‌ای بزرگ برای اردن است و مورد سوءظن مقامات امنیتی ما قرار گرفته و نمی‌گذارند برود و تلگرافی از من برای خروج از ایران استمداد کرده، صحبت کردم. قرار شد تحقیق بیشتری بشود.

مهدی از جبهه تلفن کرد، ولی قبل از صحبت تلفن قطع شد. در خط مقدم است. خبر درستی از وضع او ندارم. آقای رفیق‌دوست که از لیبی برگشته، تلفنی خبرداد که موفق بوده و کشتی برای آوردن اجناس اعزام خواهد شد.

یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۵ | ۲ محرم ۱۴۰۶ — ۷ Sept ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمدم. در گزارش‌ها ابهامی از وضع تصمیمات نهائی کنفرانس غیر متعهدها وجود دارد. مثل اینکه برای قطعنامه و محل کنفراس آینده به مشکل برخورده‌اند[۳]. آقای هدایت [لطفیان]

---

۱ ـ مقامات دولتی ترکیه اعلام کردند که در حمله مسلحانه مردان ناشناس به کنیسهٔ یهودیان شهر استانبول حداقل ۲۲ یهودی و دو تن از مهاجران کشته شدند. طبق گزارش پلیس، چند مرد ناشناس به عنوان عکاس به کنیسهٔ یهودیان - که بعد از مدت‌ها دوباره افتتاح می‌شد ـ وارد شدند و ناگهان با مسلسل و نارنجک به حاضران حمله کردند. براثر انفجار نارنجک، آتش سوزی عظیمی در کنیسه ایجاد شد که در نتیجه آن، ۲۱ یهودی بلافاصله کشته شدند و یک تن دیگر در بیمارستان جان داد. دو تن از مردان مسلح نیز در این واقعه به قتل رسیدند.

۲ ـ ماجرای هواپیمای ربوده شده آمریکایی در پاکستان با به جاگذاردن ۱۸ کشته و ۱۲۷ زخمی خاتمه یافت. چهار مرد مسلح عرب که جمبوجت شرکت «پان امریکن» را در فرودگاه کراچی به تصرف خود در آورده بودند، براثر قطع برق هواپیما وحشت زده شدند و به سمت مسافران تیراندازی کردند که در همین زمان کماندوهای ارتش پاکستان به هواپیما یورش بردند. گروه‌هایی به نام «جندالله» و «هسته انقلابی لیبی» در تماسی تلفنی مسئولیت این هواپیماربایی را پذیرفته‌اند، اما عده‌ای از مسافران که جان سالم بدر برده‌اند عقیده دارند هواپیماربایان فلسطینی هستند. آنها رفتار هواپیماربایان را دوستانه توصیف کردند. یکی از مسافران گفت: "هنگامی که برق هواپیما قطع شد، یکی از هواپیماربایان با صدای بلند به عربی فریاد زد: "زمان برای آخرین جهاد فرا رسیده است؛ اگر کشته شویم، همگی شهید به شمار خواهیم رفت". سپس همگی شروع به شلیک کردند.

۳ ـ به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در بحث‌های اجلاس کمیته سیاسی سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که در حراره پایتخت زیمبابوه جریان دارد، ۱۳ کشور حامی عراق به طور مشخص علیه ایران موضع گرفته‌اند. این موضع‌گیری زمانی آشکار شد که ۱۹ کشور عضو جنبش در خصوص سه بند از پیش نویس اعلامیه سیاسی نهایی هشتمین اجلاس جنبش، اصلاحیه‌ای صادر کردند. در این اصلاحیه کشورهای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از قرارگاه حمزه اطلاع داد که ادامه عملیات کربلای دو را متوقف کرده‌اند و خواست که ادامه یابد. تا ساعت ده ونیم صبح در جلسه علنی ماندم.

ظهر ستاد پدافند کل کشور آمدند. مدعی بودند هواپیماهای عراق برای زدن لاوان، سیری و العمّیه از خاک کویت و نیز بعضی از کشورهای دیگر جنوب خلیج فارس استفاده کرده‌اند ولی ادله کافی نداشتند. با توجه به کمک‌های دیگر آنها به عراق با ظن قوی مطلب‌شان درست است، اما قابل اثبات نیست. قرار شد با مقابله به مثل و کارهای ایذائی دیگر فشار بیاوریم و فرمانده نیروی دریایی مامور این کار شد.

ظهر نمایندگان استان گیلان آمدند و از استاندارشان و وزیر کشور که او را عزل نمی‌کند، شاکی بودند. از اقدام امام جمعه‌شان هم در کنترل برنج ناراضی‌اند. عصر آقای [محمدعلی] نظران [سرپرست اداره امور اسیران عراقی در ایران] آمد. راجع به اسرا و سازمان صلیب سرخ مطالبی گفت. قرار است صلیب سرخ مجدداً فعال شود[1]. سپاه می‌خواهد از اسرای تائب در جنگ استفاده کند. در عملیات کربلای دو ۱۶۵ نفر از آنها بوده و خوب جنگیده‌اند.

وزیر نفت آمد و از مشکلات صدور نفت گفت. کشتی‌ها حاضر نیستند به خارک بروند. خبر داد بهره‌برداری از گاز قم شروع شده و روزانه یک میلیون متر گاز به لوله‌های مصرف می‌رود. گاز شیرین است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مذکور خواستار تشدید لحن سه بند از پیش نویس شده بودند. این پیش نویس را قبلاً زیمبابوه نوشته بود. در جلسه امروز کمیته سیاسی جنبش که به ریاست نماینده یمن جنوبی برگزار شد، ابتدا کشورهای حامی عراق شامل عربستان سعودی، کویت، مصر، اردن، مراکش، تونس، قطر، بحرین، عمان، امارات متحده عربی، یمن شمالی، سومالی، موریتانی، مالزی، افغانستان، کنیا، چاد، کومور و مالدیو اصلاحیه‌ای به کنفرانس دادند که در آن تنها خواستار پایان جنگ از طریق مذاکره شده بودند. کمیته سیاسی - که وظیفه تهیه متن بیانیهٔ سیاسی اجلاس سران را برعهده دارد - در سه بند پیش نویس اولیه، تجاوز عراق به ایران، کاربرد سلاح‌های شیمیایی و حمله به مناطق مسکونی را محکوم نمود. در این جلسه ایران اعلام کرد که بحث در این زمینه باید به کمیته ویژه‌ای سپرده شود، اما رئیس جلسه به درخواست حامیان عراق که خواستار طرح مطالب در جلسه عمومی بودند، پاسخ مثبت داد و بدین ترتیب بررسی متون طرح‌های پیشنهادی، در جلسه آغاز شد. در این جلسه کویت به نمایندگی از کشورهای حامی عراق، مطالب نسبتاً مفصلی مطرح کرد و ایران را ادامه دهندهٔ جنگ و مسئول خونریزی و مانع از تحقق صلح قلمداد نمود. سپس ۱۳ کشور از این مواضع حمایت کردند که عبارت‌اند از: عربستان، کویت، مصر، اردن، مراکش، بحرین، امارات، یمن شمالی، سومالی، موریتانی، کنیا، مالزی و افغانستان.

۱ - به دنبال برخی اخبار مبنی بر شروع به کار مجدد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران که از دو سال پیش به اتهام جاسوسی به نفع عراق، به دستور مسئولان جمهوری اسلامی از ادامه کار بازمانده بود، این کمیته اعلام کرد که هنوز تصمیم قاطعی در مورد دیدار از اسیران جنگی عراق در ایران اتخاذ نکرده است. در این باره «سرگئی کاسپا» به آسوشیتدپرس گفت: "دفاتر سراسری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سوئیس، تنها کلیات موافقت ایران را دریافت کرده‌اند". آسوشیتدپرس افزود: "پیش از این، خبرگزاری جمهوری اسلامی جزئیات موافقت را به نقل از وحید دستجردی سرپرست هلال احمر ایران اعلام کرده بود".

اعضای کمیته برگزاری هفته جنگ آمدند و برنامه خود را گفتند. برای آنها صحبت کردم[1]. تیپ بدر [مجاهدین] عراق که از منطقه حاج عمران آمده بودند، برای آنها سخنرانی کردم[2]. مسئولان مترو آمدند. گزارش شروع کار را دادند و نیازها را گفتند. خوشحال شدم.

مسئولان عملیات کربلای سه آمدند. گزارش کار دادند و نقاط ضعف و قوت کار را مطرح کردند. همراه آنها در جلسه سران قوا درمنزل آقای موسوی اردبیلی شرکت کردیم. در آنجا گزارش کامل عملیات را دادند. معلوم شد نگهداری از اسکله‌ها در مقابل بمباران هوایی مشکل است. برای خواب به مجلس آمدم.

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۵ | ۳ محرم ۱۴۰۶ — 8 Sept ۱۹۸۶

اول وقت فرماندهان سپاه آمدند و گزارش عملیات کربلای دو را دادند. موفق نبوده‌اند. در محوری که مجاهدین عراق عمل کرده‌اند، توفیق نسبی داشته‌اند و در محور عمل نیروهای خودمان با دادن حدود چهارصد نفر شهید و مفقود، عقب نشینی کرده‌اند. گزارش عملیات آینده را دادند که امیدوار کننده

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ایران در صورت قبول صلح تحمیلی، باید ذلت و شکست و همچنین شرکت در یک مسابقه تسلیحاتی و خرج دائم جنگ و نزاع دائمی در کانون منطقه را بپذیرد و علاوه بر آن، کینهٔ عمیق بین عرب و عجم، شیعه و سنی، فارس و غیرفارس و همه عناوینی که در منطقه هست ادامه خواهد یافت. جنگ ما جنگ دفاعی است و لازم نیست دفاع، همیشه ماندن در سنگر باشد. در خود جنگ، اصطلاح نظامی‌ها این است که بهترین دفاع، حمله است. در عالم سیاست، آن کسی که واقعاً مورد تجاوز باشد، اگر موضع تهاجمی در کارهایش بگیرد، دفاعش پیروزتر است. پیش دستی کردن در حرکت و در میدان برای مدافع هم یک اصل است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای هاشمی در دیدار با نیروهای تیپ ۹ بدر (مجاهدان عراقی) که در عملیات اخیر در منطقه «حاج عمران» موفقیت‌های چشمگیری به دست آوردند، بر تداوم حضور مجاهدان عراقی در جبهه‌ها تأکید و ابراز امیدواری کرد که این نیروها در آیندهٔ عراق و منطقه نقشی اساسی ایفا نمایند. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ان شاءالله این واحد رزمنده عراقی با تقویت خود عملاً بتواند میدان جهاد عراق را به دست گیرد و ارتش آینده عراق به وسیله هسته‌هایی از آن بنیان‌گذاری شود و با تشکیل سپاه پاسداران عراق بتواند در آینده منطقه و نجات فلسطین نقش اساسی ایفا کند. با برادران بسیجی ایران و عرب که از سایر نقاط می‌آیند و به شما می‌پیوندند ارتش عربی اسلامی را به‌وجود آورید. حرکت شما در روند انقلاب، زندگی مردم و مسلمانان منطقه و سایر کشورهای اسلامی و عربی تأثیر عمیقی خواهد گذاشت. ما ترجیح می‌دهیم حتی‌الامکان شما خودتان عراق را آزاد کنید، البته ما از شما پشتیبانی می‌کنیم تا اینکه فرزندان شما دست در دست افراد ما برای نجات مردم ستم‌دیدهٔ فلسطین و طرد اسرائیل از صحنه، وارد میدان شوند. اگر بعضی‌ها فکر می‌کنند با کار سیاسی، آموزشی و تربیت کادر می‌توانند آینده کشور را تضمین کنند، اشتباه کرده‌اند. کادرها و نیروهای اصیل در همین میدان جنگ تربیت می‌شوند. هیچ کلاس درسی، حوزه حزبی و آموزشی نمی‌تواند بیشتر از محیط سنگرها، لحظات حساس خطر، هنگامهٔ غرش توپ‌ها و مسلسل‌ها و رفت و آمد خطوطی که گلوله‌ها ترسیم می‌کنند، سازنده باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، "دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

نبود.

به جلسه ستاد قرارگاه رفتیم. گزارش کامل دادند و مشورت شد. به خاطر لو رفتن عملیات و به دست نیامدن راهکار کامل، دستور داده شد در قرارگاه تاکتیکی نجف، یکبار دیگر بررسی کنند و نظر بدهند تا در جلسه آینده تصمیم‌گیری شود.

ظهر آقای رفیق‌دوست آمد. گزارش سفر به لیبی و تهیه تدارکات را داد. سپس سرهنگ حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی آمد. نیازهایش و پیشرفت کار سازماندهی جدیدش را گفت. تلفنی با رئیس جمهور که امروز از حراره برگشته‌اند، احوالپرسی کردم. راضی به نظر می‌رسند[1].

ظهر فاطی خبر داد که مهدی از جبهه تلفن کرده است و منشی دفترم گفت چون گردانشان در حاج عمران عمل کرده است، آنها را به عقب آورده‌اند. تا شب در دفترم به خواندن گزارشها و انجام کارها پرداختم.

تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره تشییع جنازهٔ عراقی‌های شهید در عملیات کربلای دو مشورت کردم[2]. شب آقایان محسن رضایی و رفیق‌دوست آمدند. درباره نیازهای جنگ و مشکلات همکاری ارتش و سپاه بحث شد. به خانه رفتم.

---

۱ ـ آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع، بعد از بازگشت از اجلاس سران غیرمتعهدها در «حراره» در مصاحبه‌ای دست‌آوردهای این سفر را تشریح کردند، از جمله: "یکی از مسائل مورد بحث مسأله جنگ بود. اصولاً ماهیت این جنگ را که حمله به یک انقلاب است، خیلی‌ها در دنیا نمی‌دانند. خیلی از کسانی که در این کنفرانس شرکت کردند، خودشان از انقلابیون و مبارزان قدیمی هستند و به آنها گفتم من به عنوان یک مبارز [در خصوص مسائل انقلاب و جنگ] با شما صحبت می‌کنم؛ مثلاً به رهبر جا افتاده و قدیمی زامبیا - «کائوندا» که یکی از پیرمردهای جنبش و محترمین آفریقاست - گفتم بیایید، من به نام خامنه‌ای و شما به نام کائوندا در مورد مسائل مورد علاقه، در مورد مبارزه و در مورد انقلاب صحبت کنیم و برای او تشریح کردم و او متحیر ماند که آیا مسأله جنگ این است؟! و بسیاری از سران بعد از آن‌که حرف‌های ما را می‌شنیدند آن را تأیید و تصدیق می‌کردند که حق با شماست که از خودتان دفاع می‌کنید و چندین نفر به من گفتند که شما حق دارید متجاوز را مجازات و تنبیه کنید. ما در مورد جنگ چند موفقیت بزرگ در این کنفرانس به دست آوردیم: یکی اینکه برای اولین بار در ذهنیت جنبش عدم تعهد مسأله شروع به جنگ و شروع به تجاوز را جا انداختیم و این دفعه بر خلاف اجلاس‌های قبلی مسأله شروع به جنگ و شروع تجاوز مطرح شد و در قطعنامه نیز به آن اشاره گردید. موفقیت دیگر جمهوری اسلامی در این اجلاس این بود که از مدت‌ها پیش یک عده‌ای از دوستان عراق و پشتیبانان عراق با هم همکاری کرده بودند و یک طرح چند ماده‌ای را تهیه کرده که صد در صد به زیان جمهوری اسلامی و به نفع عراق بود و آن را به کمیته سیاسی بردند و به عنوان اصلاحیه‌ای بر قطعنامه پیشنهادی دفتر همکاری جنبش، مطرح کردند. اما نیروهای کارشناس جمهوری اسلامی با فعالیت‌های چشمگیر خود مانع از تصویب این طرح شدند".

۲ ـ هفته نامه عربی «الشراع» چاپ بیروت در مقاله‌ای درباره پیامدهای حمله بزرگ آینده ایران، با اشاره به همکاری نیروهای مجاهد عراقی با نیروهای ایرانی و احتمال طرفداری شیعیان جنوب عراق از ایران در حمله آتی به بصره، نوشته است که ایران طرح سوریه را مبنی بر استفاده از این نیروهای عراقی برای اداره یک جنگ عراقی‌ها علیه رژیم عراق به جای جنگ عراق علیه ایران، رد کرده است. این منبع افزود: "منابع غربی از نتایج حمله قریب الوقوع ایران به بنیهٔ اجتماعی و سیاسی عراق بسیار نگرانند، زیرا اقدامات ایران می‌تواند به تجزیه عراق به سه بخش منجر شود که این امر نه تنها برای عراق بلکه برای مشرق عربی و خلیج [فارس] نیز نتایج فاجعه‌آمیزی را در برخواهد داشت و آنگاه هیچ نیرویی نخواهد توانست ایران را برای رسیدن به هدف امپراتوری بزرگ اسلامی باز دارد".

سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۵ | ۴ محرم ۱۴۰۶ | 9 Sept ۱۹۸۶

در جلسهٔ مجلس آقای فارغ [به مناسبت ماه محرم] ذکر مصیبتی کرد، ولی روضه خوبی نخواند. پس از تنفس به محل مراسم تشییع جنازه شهدای کربلای دو عراقی‌ها آمدیم[1]. جمعیت زیادی بود. آقایان [سیدمحمدباقر] حکیم و نخست وزیر و من صحبت کردیم. حدود صد شهید تشییع می‌شدند، دوازده نفر آنها از اسرای سابق هستند. جمعی از اسرا هم در تشییع شرکت داشتند، جمع زیادی از عراقی‌ها آمده بودند. به دفترم آمدم.

آقای کنگرلو آمد. درباره کمک به گروگانها و خرید اسلحه آمریکایی صحبت شد. وزیر دفاع آمد. برای خرید و پرداخت فوق‌العاده‌های عقب افتاده کمک خواست. آقای قریشی آمد. برای مساجد کمک خواست که نداشتم. آقای رحمانی مسئول معزول تلکس مجلس آمد و از سعید الذاکرین گله‌داشت. آقای [مهدی] جهانگیری آمد و گزارش وضع حج را داد. در مراسم حج، رئیس دفتر آقای [مهدی] کروبی بود.

عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. ضوابط گزینش مراکز آموزش عالی نظامی و انتظامی تصویب شد. کمی سخت‌تر از ضوابط دانشگاه‌های غیر نظامی است.

سر شب با آیت‌الله خامنه‌ای درباره مسائل جاری کشور در غیاب ایشان و کنفرانس حراره مذاکره کردیم. ایشان خیلی از نتایج سفرش راضی است. همان جا شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. دستور مهمی در جلسه نداشتیم. بیشتر به استماع مطالب آقای خامنه‌ای از [کنفرانس جنش غیر متعهد در] حراره گذشت[2].

---

۱ ـ امروز پیکر ۱۰۳ تن از شهدای مجاهدان عراقی که در عملیات کربلای ۲ به شهادت رسیده بودند بر دوش همرزمان و خانواده‌های آنها به سوی مجلس شورای اسلامی برگزار شد، آقایان هاشمی، میرحسین موسوی و نیز رئیس مجلس اعلای عراق، آقای محمد باقر حکیم، طی سخنانی از این شهدا تجلیل کردند. آقای هاشمی در سخنان کوتاهی این حرکت مجاهدان عراقی را تبلور خواست ملت عراق توصیف کرد و افزود: "حضور این میهمانان اسیر که از برادران نظامی عراق می‌باشند، نوید دهندهٔ یک حرکت جدید و یک تحول در نهضت عراق است". سپس در ادامه این مراسم نخست وزیر طی سخنانی پیوند بین نیروهای انقلابی مسلمان ایران و عراق را برای دشمنان درد آور خواند و خطاب به حامیان صدام گفت: "با توجه به وضعیت متزلزل عراق، آنها در حقیقت در مقابل مردم عراق ایستاده‌اند". آیت‌الله حکیم نیز در این مراسم گفت: "ملت مسلمان عراق به نفع انقلاب اسلامی عمل کرده و مردم عراق را روسفید کردند". وی خواستار شرکت دادن بیشتر مجاهدان عراقی برای نبرد علیه نیروهای دولت عراق شد.

۲ ـ در این اجلاس رئیس جمهور وقت ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در نطقی عمیق و صریح به بررسی مواضع ایران در قبال مسائل جاری جهان و نیز جنگ تحمیلی پرداخت. ایشان در بخشی از سخنان خود گفتند: "آیا هیچ جنایتی زشت‌تر از اشغال نظامی یک کشور یا اقدام به تجاوز برای دست‌یابی به سلطهٔ سیاسی و اقتصادی بر یک ملت وجود دارد؟... از جنبش البته توقع نیست که مانند یک پیمان نظامی وارد معرکه شود،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بعد از شام آقای گلپایگانی از تعارضی که بین نمایندگی آقای رحمانی از طرف آیت‌الله منتظری به عنوان نمایندهٔ ولایت فقیه در هیأت سه نفری عراق و حکمی که آقای خامنه‌ای از امام برای رسیدگی به مسائل عراق دارند، اظهار نگرانی کرد.

امروز عراق به پالایشگاه و نیروگاه تبریز حمله کرده که کمی خسارت داشته است[1]. به سپاه گفتیم با زدن موشک به بغداد تلافی کنند. شب به خانه رفتم. بچه‌ها خوابیده بودند، دیر رسیدم.

چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۶۵ | ۵ محرم ۱۴۰۶   10 Sept ۱۹۸۶

به امور جنگ پرداختم. آقای رفیق‌دوست خواست نمایندهٔ لیبی را که حامل پیام سرگرد [عبدالسلام]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

لیکن این انتظار است که شجاعانه و صادقانه از حق و از مظلوم و قربانی تجاوز و سلطه‌طلبی، دفاع کند. صلح به طور کلی و به ویژه برای منطقه حساس ما یک انتخاب نیست، یک ضرورت حیاتی است. ما چاره‌ای جز این نداریم که با مجازات قطعی رژیم متجاوز، جنگ‌افروز و باج‌گیر عراق، برقراری و استحکام چنین صلحی را در منطقه تضمین کنیم". در بیانیهٔ سیاسی اجلاس سران در حراره، بخشی به جنگ ایران و عراق اختصاص یافت که مشتمل بر بندهای ۱۴۶ تا ۱۴۸ بیانیه بود: بند ۱۴۶: رؤسای کشورها یا دولت‌ها بر اصل «استفاده نکردن از زور در روابط بین‌المللی» در رابطه با جنگ جمهوری اسلامی ایران و عراق تأکید می‌ورزند. بند ۱۴۷: در این زمینه از آغاز و ادامه خصومت‌ها بین دو کشور که هر دو از اعضای مهم جنبش عدم تعهد هستند، ابراز نگرانی عمیق می‌شود. بند ۱۴۸: سران کشورها یک بار دیگر از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهند که خصومت‌های خود را به منظور اجتناب از خسارت‌های مالی و تلفات جانی، خاتمه دهند. سران کشورهای عدم تعهد یک بار دیگر خودشان را متعهد می‌کنند که برای خاتمه سریع این درگیری وحشتناک کوشش کنند.

کوشش هایی که ایران در اجلاس حراره برای محکوم شدن متجاوز کرد، اظهار تأسف عمیق جنبش از آغاز و ادامه جنگ و نیز موافقت برخی از سران شرکت‌کننده با نظر ایران را در پی آورد که این خود بیانگر موفقیت ایران در آن اجلاس در خصوص اثبات برحق بودن خود در جنگ با عراق، بود. این توضیح لازم است که موافقت برخی از سران با نظر ایران، آشکارا بیان نشد، بلکه مانند سخنان رئیس جمهوری بورکینافاسو در دیدار با رئیس جمهوری ایران بود که گفت: "من احساس می‌کنم در این جنگ حق با ایران است، ولی متأسفانه کسی جرأت نمی‌کند بگوید!"

۱ - بعد از وقفه‌ای کوتاه، حملات هوایی عراق به مناطق غیرنظامی کشورمان تشدید شد. امروز هواپیماهای عراقی پالایشگاه تبریز و مناطق اطراف سردشت، مریوان و مهاباد را مورد حمله قرار دادند. در ساعت ۹:۰۸ امروز چهار هواپیمای دشمن پالایشگاه نفت تبریز را بمباران کردند که براثر آن، ۴ تن شهید و ۲۲ تن مجروح شدند. در این حمله به دیگ‌های بخار، برج‌های خنک‌کننده، انبار شیمیایی، خطوط لوله مواد نفتی و ساختمان تولید بخار نیروگاه برق خساراتی وارد آمد. طبق برخی گزارش‌ها، پدافند هوایی منطقه در حین حملهٔ دشمن واکنشی از خود نشان نداد و آژیر حملهٔ هوایی نیز پس از خاتمه بمباران به صدا در آمد!

همچنین نیروگاه جدید ۷۰۰ مگاواتی تبریز را امروز هواپیماها بمباران کردند که براثر آن، ۳۵ تن از کارکنان نیروگاه مجروح شدند، یک تن از مهندسان خارجی کشته و یک مهندس خارجی دیگر نیز مجروح شد. این نیروگاه حرارتی از دو واحد ۳۸۷ مگاواتی تشکیل شده است که در این حمله قسمتی از یک واحد آن - که قرار بود به زودی راه‌اندازی شود و در مدار قرار گیرد - هدف قرار گرفت. از سوی دیگر، در ساعت ۸:۱۵ امروز سه هواپیمای دشمن شهرک ربط در منطقهٔ سردشت را بمباران کردند. در این بمباران، پمپ بنزین و یک مینی بوس که در حال سوخت‌گیری بود مورد اصابت چند بمب قرار گرفت که ۱۶ تن شهید و ۱۲ تن مجروح شدند. همچنین هواپیماهای دشمن اطراف مریوان و روستای کوسه کهریز از توابع مهاباد را بمباران کردند که یک تن از اهالی شهید و ۴ تن مجروح شدند.

جلود [عضو شورای فرماندهی جماهیری لیبی] است، بپذیریم. گفتم به مجلس بیاید.

شب سران قوا و وزرای نفت و خارجه در منزل ما بودند. فاطی خانه‌داری کرد. به وزیر نفت اجازه دادیم، قطعات لازم را برای ترمیم خرابیهای بمباران بخرند. احتمال بروز مشکل در رابطه با سوخت با تشدید جنگ وجود دارد و اجازه دادیم برای ذخیره کردن سوخت زمستان، بنزین و گازوئیل کوپنی شود. در مورد قیمت نفت، و نفت و گاز قم و... مذاکره شد.

با درگیری بارزانی‌ها با نیروهای ترکیه در راه نفوذ به مراکز مورد نظرشان مخالفت شد. در خصوص روابط باعربستان به وزرات خارجه ماموریت داده شده، با توجه به اظهارات اخیر سعودی‌ها در خصوص ادعای عدم کمک به عراق و علاقه به تحسین روابط با ما اقدام کنند. در مورد فرانسه و کویت هم بحث شد.

آقای خامنه‌ای گزارشی از اجلاس حراره داد[۱]. قرار بود امشب به عراق موشک بزنیم، اما به خاطر عدم هماهنگی با ماموران لیبی به تاخیر افتاد. امروز هم عراق به تبریز و به یک کشتی حمله کرده است[۲].

---

۱ ـ هشتمین اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها همزمان با بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این جنبش، در حراره پایتخت زیمبابوه آغاز به کار کرد. این اجلاس شش روز به طول انجامید. بیش از پنجاه تن از سران کشورهای عضو جنبش در حراره حضور یافته‌اند که از جمله می توان آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهوری ایران، دانیل اورتگا رئیس جمهوری نیکاراگوئه، فیدل کاسترو رئیس جمهوری کوبا، گاندی نخست وزیر هند و ساموئل کی دو رهبر لیبریا را نام برد. در این اجلاس مسائل خاورمیانه، سیاست آمریکا در مدیترانه، جنگ عراق علیه ایران، خلع سلاح جهان، روابط شرق و غرب و نیز اوضاع آمریکای مرکزی مورد بحث قرار گرفت. در جلسه افتتاحیه این اجلاس «رابرت موگابه» نخست وزیر زیمبابوه و «یاسرعرفات» رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) خواستار پایان یافتن جنگ شش ساله ایران و عراق شدند. یاسرعرفات در این اجلاس خطاب به رئیس جمهوری ایران گفت: "پیشنهادهای میانجی گری را که از سوی جنبش عدم تعهد، سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی به شما شده است، بپذیرید. تمام تفنگ‌ها باید به سوی دشمنان مشترک‌مان یعنی رژیم‌های «پرتوریا» و «تل آویو» گرفته شود. همزمان با اجلاس جاری سران جنبش عدم تعهد در حراره، موضوعی که «پیشنهاد صلح جدید عراق» خوانده شده، مورد بحث رسانه‌های گروهی جهان قرار گرفت. در پیشنهاد جدید عراق که وزیر خارجه این کشور آن را مطرح و طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل تقدیم کرد، آمده است که عراق حاضر است با تضمین‌های بین‌المللی یک پیمان عدم تجاوز با ایران امضا کند تا جنگ شش ساله را خاتمه دهد. این پیمان باید با نظارت سازمان ملل و تضمین شورای امنیت، یا ۳۰ دولت با انتخاب ایران ۳۰ دولت با انتخاب عراق، یا سازمان کنفرانس اسلامی انجام گیرد. همچنین توافقی درباره حسن همجواری و عدم تجاوز بین دولت‌های خلیج‌فارس از جمله ایران و عراق امضا شود.

۲ ـ حملات هوایی عراق به شهرها امروز نیز ادامه یافت که طی آن، شهرهای تبریز، ارومیه و مهاباد مورد حمله دشمن قرار گرفتند. چهار جنگنده عراق ساعت ۱۴:۴۰ امروز مجدداً با تجاوز به حریم هوایی تبریز دو نقطه از تأسیسات پالایشگاه و سه نقطه از محوطه باز منطقه کارخانه‌های تراکتورسازی این شهر را بمباران کردند که علاوه بر وارد آمدن خساراتی به این مراکز، ۲۰ تن از کارکنان و کارگران نیز مجروح شدند. در پی این بمباران، و با توجه به حمله روزگذشته هواپیماهای عراقی فعالیت این پالایشگاه متوقف شد. ظرفیت تصفیه نفت خام این پالایشگاه ـ که حدود ۱۵ درصد از نیاز کشور به فرآورده‌های نفتی را تأمین می‌کرد ـ حدود ۸۰ هزار بشکه در روز است که در برخی مقاطع این رقم به ۱۰۰ هزار بشکه در روز نیز می‌رسید.

پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ | ۶ محرم ۱۴۰۶ — 11 Sept ۱۹۸۶

اول وقت آقای رفیق‌دوست برای گرفتن ارز و اعتبار آمد. سپس دکتر روحانی برای امور جنگ و پدافند و حل مشکل عدم هماهنگی ستاد قرارگاه با سپاه آمد. قبل از شروع جلسه به نمایندگان تذکر دادم که در تعطیلی عاشورا به جبهه‌ها بروند.

پس از شروع جلسه به دفترم آمدم. آقایان دعائی و صفائی ـ که همراه آقای رئیس جمهور به حراره رفته بودند ـ آمدند و ضمن ابراز رضایت از موفقیت‌ها و اثر نیرومند شخص آقای خامنه‌ای، از کثرت افراد هیأت ـ حدود ۲۰۰ نفر ـ و عدم هماهنگی انتقاد داشتند.

آقای [مهدی] عراقی از نمایندگی امام در سپاه آمد. به عملیات کربلای دو از نظر ضعف مدیریت و هدایت عملیات انتقاداتی داشت. ظهر فرماندهان سپاه برای نیازهای عملیات آینده آمدند. عصر جمعی از دادیاران دادسرای انقلاب که حکمشان لغو شده است، به شکایت آمدند. به آقای موسوی اردبیلی گفتم، معلوم شد می‌خواهند آنها را استخدام کنند.

جمعه ۲۱ شهریور ۱۳۶۵ | ۷ محرم ۱۴۰۶ — 12 Sept ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای خامنه‌ای نماز جمعه را اقامه کردند. خبر رسید موشک زمین به زمین که دیشب به بغداد زده‌ایم، در منطقه‌ای نزدیک منطقهٔ هتلها خورده و تلفات زیادی داشته است. با هدف مرکز پلیس مخفی عراق زده‌ایم[1]. مجلس اعلا اعلام کرد، ساختمان‌هایی از استخبارات عراق هم آنجا بوده است[2]. فاطی و سعید به رفسنجان فائزه و حمید هم به شمال رفتند. مهدی هم در جبهه است و من هم

---

۱ ـ ستاد تبلیغات جنگ در اطلاعیه‌ای پس از این حمله موشکی، اعلام کرد: "جمهوری اسلامی ایران برای بازداشتن عراق از تکرار جنایاتش مکرراً به مجامع و سازمان‌های بین المللی روی آورد، اما همان‌گونه که پیش بینی می‌شد، باز هم عکس العمل مناسبی از سوی این مجامع دیده نشد تا آن جا که هم زمان با برگزاری هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در زیمبابوه رژیم عراق مجدداً اقدام به گلوله‌باران شیمیایی مناطق عملیاتی در غرب ایران کرد، اما این مجامع همچنان چشمان خود را در مقابل این جنایات بستند. تجربه شش ساله جنگ نشان داد که جمهوری اسلامی باید خود رأساً در مقابل تجاوزات عراق اقدام کند و در همین راستا بامداد امروز ساختمان اطلاعات و امنیت بغداد مورد هدف حمله موشکی قرار گرفت".

۲ ـ به دنبال حملهٔ موشکی ایران به بغداد، خبرنگار روزنامه لوموند محل اصابت موشک زمین به زمین ایران را در فاصله ۵۰۰ متری میدان سرباز گمنام در قلب بغداد ـ که هتل‌های بیست طبقه مریدین و شرایتون در آنجا قرار دارد ـ ذکر کرده است. لوموند افزود: "شکی نیست پرتاب این

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تنها در خانه.

شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۵ | ۸ محرم ۱۴۰۶ — 13 Sept 1986

دیشب به خاطر اشتغال زیاد، خواب کمی داشتم و امروز کمی کسالت و خستگی دارم. ظهر اطلاع دادند عراق به پنج تلمبه خانه نفت که نفت جنوب را به پالایشگاه‌های تهران، اصفهان و تبریز می‌رساند، حمله کرده و نفت قطع شده است[1]. یک هواپیمای مهاجم سرنگون شده است. وزیر نفت و نخست وزیر خیلی ناراحتند. به خاطر کسالت، شب زودتر خوابیدم*.

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۵ | ۹ محرم ۱۴۰۶ — 14 Sept 1986

اخبار محل اصابت موشک ما به بغداد زیاد است. عراق روی زدن نقاط مسکونی از طرف ما سروصدا

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

موشک - که در بغداد موشک رفسنجانی توصیف می‌شود - در پاسخ به بمباران پنج‌شنبه پالایشگاه تبریز صورت گرفته است. به گفته یک دیپلمات غربی در بغداد، ایران به احتمال قوی قصد داشته است مرکز الکترونیکی بغداد را که در مسیر اتوبان بصره و چند کیلومتری محل اصابت موشک قرار دارد، مورد هدف قرار دهد". خبرنگار خبرگزاری بحرین در بغداد گفت: "براثر حمله موشکی ایران، گودالی به قطر ۱۰ و عمق یک متر ایجاد شده است و ساختمان‌های واقع در دایره‌ای به قطر یک کیلومتر، خسارت دیده‌اند؛ این منبع به نقل از ناظران گفته است که میزان خسارات حاکی از این است که ایرانیان به موشکی پیچیده‌تر از نوع اسکاد ساخت شوروی که در گذشته مؤثر نبوده است، دست یافته‌اند. رادیو بی. بی. سی در این باره گفت: "این واقعیت که موشک به یک کیلومتری محل مورد نظر یعنی ساختمان ستاد پلیس اصابت کرد، نشان می‌دهد که متخصصان توپخانه ایران به تدریج می‌توانند با دقت بیشتری هدف‌گیری نمایند". این منبع افزود: "متخصصان امور نظامی غرب قبل از تأیید مقامات عراق، در اینکه آیا انفجار امروز براثر اصابت موشک بوده است، تردید داشتند. این تردید از آن جا ناشی می‌شود که دقت هدف‌گیری سیستم هدایت کننده موشک‌های «اسکاد» ساخت شوروی که گفته می‌شود در اختیار ایران است، به این کشور اجازه نمی‌دهد که هدفی نظیر یک ساختمان را با دقت زیادی مورد اصابت قرار دهد".

۱ - هواپیماهای عراق امروز نیز چند مرکز غیرنظامی را در استان‌های لرستان، خوزستان و کردستان بمباران کردند. در این حملات ۷ تن شهید و ۱۹ تن مجروح شدند، یک هواپیمای دشمن نیز سرنگون شد. شرح مختصر این حمله‌ها چنین است: "صبح امروز تلمبه خانه‌های «باغ ملک»، و «شماره ۲ رامهرمز» در استان خوزستان و نیز تلمبه خانه‌های «رازان» و «پل بابا» در استان لرستان بمباران گردید. در این حملات یک تن شهید و هفت غیرنظامی مجروح شدند و خساراتی نیز به این تأسیسات وارد شد. به گزارش نیروی زمینی ارتش در این حمله یک هواپیمای دشمن در «تنگه فنی» در استان لرستان در ساعت ۹:۳۰ سرنگون شد و خلبان آن به اسارت در آمد.

* در آستانه برگزاری چهل و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، دبیرکل این سازمان طی گزارش سالیانه‌ای که دربارهٔ مسائل مختلف جهانی منتشر کرد، از ادامه جنگ ایران و عراق به عنوان یک منبع مهم تشنج یاد کرد که گسترش آن خطرهایی برای منطقه و صلح جهانی به دنبال خواهد داشت. «دکوئیار» در این گزارش، در خصوص جنگ ایران و عراق نوشته است که نمایندگان او هنوز نتوانسته‌اند دو طرف را متقاعد کنند که از گلوله‌باران و بمباران شهرهای یکدیگر - که به گفته وی از بی‌رحمانه‌ترین جنبه‌های این جنگ است - صرف نظر کنند. دبیرکل سازمان ملل افزوده است که کشتار روزافزون و وحشتناک جوانان دو کشور همچنان ادامه دارد و ادامه این جنگ در آینده می‌تواند به کشورهای دیگر منطقه هم سرایت کند.

راه‌انداخته[1]. شب به دعوت آیت‌الله موسوی اردبیلی برای سخنرانی به کانون توحید رفتم[2].
مهدی امروز از جبهه برگشت، خوشحال شدم. جبهه اثرات سازنده‌ای بر او گذاشته است. از مدیریت عملیات کربلای دو انتقاد دارد. او را به انتخاب خودش جزو گردان شهدا گذاشته‌اند که خطرناک‌ترین و حساس‌ترین ماموریت را داشته است. ۱۵ کیلومتر در قله‌های ارتفاعات مسکران با کوله پشتی پیاده روی کرده که به پشت دشمن بزنند. از تدارکات جبهه راضی است. از فرمانده لشکر قول گرفته که موقع عملیات آینده او را به جبهه ببرند. اخوی محمد آمد. پسته و انار شیرین سوغات آورده بود. احمدآقا آمد. راجع به مسائل جاری با هم صحبت کردیم.

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۰ محرم ۱۴۰۶ 15 Sept 1986

اول وقت پس از نماز به مطالعه پرداختم[3]. آقای [عباس]کوثری واعظ پس از مراسم عزاداری حسینیهٔ جماران [به مناسبت عاشورای حسینی] در خدمت امام و مطابق معمول سنواتی، برای روضه خوانی آمد. آقای مرتضوی که در جبهه بینائی خود را از دست داده و آقای چهل اخترانی هم آمدند و ذکر مصیبت کردند. گریه زیادی نمودم.
آقای رحمانی که همراه مهدی به جبهه رفته بود، آمد و گزارش وضع عملیات را داد. از مدیریت عملیات شکایت داشت و از تأثیر حضور مهدی در جنگ بر روی لشکر اظهار رضایت نمود. ظهر

---

۱ - عراق با ارسال دو نامه به سازمان ملل اعلام کرد که مناطق مسکونی پرجمعیت بغداد هدف حمله موشک زمین به زمین ایران قرار گرفته است. در اولین نامه آمده است که براثر این حمله، ۲۱ غیرنظامی کشته و ۸۱ تن مجروح شده‌اند. در نامه دوم نیز به نقل از سخنگوی فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق نوشته شده که ایران مناطق مسکونی شهرهای مرزی آن کشور را با آتش توپخانه هدف قرار داده و در نتیجه، خسارات و تلفاتی به وجود آمده است".

۲ - رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ - صدام حسین امروز در پیامی که بعد از حمله موشکی ایران به بغداد (۲۱ شهریور) منتشر شد، با تأکید بر اینکه در تلافی این حمله عجله نخواهد کرد، ادعاکرد که این تصمیم را به منظور تقویت مواضع برخی عناصر هوادار صلح در داخل ایران گرفته است. وی تأکید کرد که مهمترین اولویت عراق این است که جنگ را به نفع خود پایان دهد. صدام در این پیام که از رادیو تلویزیون عراق پخش شد، خطاب به گروهی که خواستار گرفتن انتقام از حمله موشکی ایران بودند، گفت: "من فریاد انتقام شما را شنیدم، خود را آرام کنید، ما به زودی تلافی خواهیم کرد ولی تعیین زمان و نوع این تلافی را به عهده ما بگذارید". وی افزود: "علی‌رغم درخواست‌های عمومی برای انتقام جویی، نیروهای عراقی به آن طریق که ایرانی‌ها اخیراً به مناطق مسکونی عراقی حمله کردند، پاسخ حمله ایران را نخواهند داد... این تصمیم به آن لحاظ اتخاذ شد تا بهانه‌ای به دولت ایران جهت برانگیختن احساسات جنگ‌طلبانه در میان مردم ایران، داده نشود". صدام در ادامه گفت: "بخش اعظم ایرانی‌ها با ما هستند و یا لااقل در دعوت به صلح و پایان دادن به جنگ با ما هم عقیده‌اند، لذا لازم است از لحاظ نظامی، سیاستی را در پیش بگیریم که موضع ملت ایران را در این ارتباط تغییر ندهند".

غذای من و مهدی را از حسینیه آوردند.

عصر دو نفر از عناصر اطلاعات و عملیات لشکر سیدالشهداء آمدند. از مدیریت لشکر و عملیات کربلای دو سخت گله‌مند هستند. معمولاً عملیات که موفق نمی‌شود از این انتقادها زیاد داریم و حق هم دارند. شب اخوی احمد با همسر و فرزندانش آمدند.

سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۱ محرم ۱۴۰۶ — ۱٦ Sept ۱۹۸٦

آقای سرهنگ جمالی، جانشین آقای سرهنگ حسنی سعدی اطلاع داد که عراق در بخشی از ارتفاع ۲۷۰ مهران که قرار بود به آن حمله کنیم، عقب نشینی کرده و نیروهای ما در پایان متوجه شده‌اند. به گروه آخر حمله کرده‌اند و ۱۲ نفر را اسیر گرفته‌اند[۱]. خواست که برای احیای روحیه رزمندگان تبلیغات قوی بشود. به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مسأله مهمی نبود.

به آقای [مسیح] مهاجری گفتم در روزنامهٔ جمهوری اسلامی، سلسله مقالاتی در ارتباط با تصمیم اخیر فرانسه و اعضای ناتو در خصوص مبارزه با تروریسم بنویسد و نقش خود آنها را در ترویج تروریسم بگوید.

از وزیر نفت درباره وضع پمپاژ نفت و فروش توضیح خواستم. با آقای اردبیلی درباره قضات دادگاه انقلاب صحبت کردم. کارکنان تلفنخانه مجلس آمدند و از تفکیک تلفنخانه از تلکس شکایت کردند.

محافل خبری مسأله متوقف ماندن زدن مراکز صنعتی از طرف عراق و ما را بزرگ گرفته‌اند[۲].

---

۱ - قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) با صدور اطلاعیه‌ای از عملیات نیروهای خودی در منطقه مهران، خبر داد. در این اطلاعیه آمده است: "نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ساعت یک بامداد امروز به مواضع دشمن در شمال غربی منطقه عملیاتی مهران حمله کرد. طی این حمله، تپه استراتژیک ۲۷۰ و ارتفاعات اطراف آن در داخل خاک عراق، آزاد شد. با آزاد سازی این مناطق، رزمندگان اسلام بر شهرهای زرباطیه و بدره عراق کاملاً مسلط شده و امکان هرگونه نفوذ احتمالی به منطقه عملیاتی مهران از دشمن سلب گردیده است. در این عملیات، نیروی زمینی ارتش با وارد آوردن تلفات سنگینی به تیپ ۱۱۸ از لشکر ۳۵ ارتش عراق، موفق شد ۵۰ تن از آنان را به اسارت در آورد. در میان این اسرا که افسر و چند درجه‌دار به چشم می‌خورد".

سرفرماندهی ارتش عراق با انتشار اطلاعیهٔ نظامی شماره ۲۳۶۶ خود ادعا کرد که نیروهای این کشور طی عملیات دو شنبه شب و روز سه شنبه علاوه بر دفع یک حمله نفوذی نیروهای ایران به مناطق عملیاتی سپاه دوم عراق، مقادیری از تجهیزات آنها را نیز منهدم کرده‌اند.

۲ - سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ اعلام کرد: "به علت قطع حملات عراق به مناطق مسکونی و صنعتی کارگری کشورمان در دو روزگذشته، ایران نیز اقدامات مقابله به مثل خود را متوقف کرده است. در صورتی که رژیم عراق دست به جنایت تازه‌ای بزند رزمندگان اسلام همچون گذشته به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

فرمانده نیروی دریایی درباره سیاست محاصره محدود دریایی کویت به منظور جلوگیری از رسیدن سلاح به عراق از طریق کویت اجازه خواست.

عصر در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردیم. تصویب شد که به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، اجازه تاسیس دانشگاه برای عراقی‌ها داده شود. همچنین تسهیلاتی در مورد نمرهٔ انشاء و فارسی دانش‌آموزان عراقی در مدارس قائل شدیم. دربارهٔ ضوابط دانشگاه‌های غیر دولتی و غیر انتفاعی بحث شد. شب به خانه رفتم.

عراق به جزیره خارک حمله کرده و دوبازوی بارگیری اسکله T (تی) را زده[1] و چند هواپیما را از دست داده است.

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۲ محرم ۱۴۰۶ 17 Sept ۱۹۸۶

آقایان رضایی و رفیق‌دوست پس از زیارت امام آمدند. درباره جنگ و سپاه و هلی‌کوپترهائی که به امر امام، ارتش باید تحویل سپاه بدهد، صحبت شد[2]. مایلند به مناسبت سالگرد دستور امام در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

شدت با آن مقابله خواهند کرد". خبرگزاری آلمان غربی از بغداد و تهران گزارش داد که عراق و ایران امروز حمله به نواحی غیرنظامی را که خطر یک جنگ جدید شهرها را در خلیج‌فارس پیش آورده بود، متوقف کردند. صدام حسین رئیس جمهوری عراق در یک پیام رادیویی گفت که هیچ عملیات مقابله به مثلی را در برابر حمله موشکی زمین به زمین ایران در فکر ندارد. وی گفت: "به خاطر محروم کردن دولت ایران از هر بهانه‌ای و برای تقویت احساس جنگ در میان مردم خود، خویشتنداری خواهد کرد".

۱ ـ امروز هشت هواپیمای عراقی جزیره خارک را بمباران کردند. در این بمباران به یک اسکله خساراتی وارد شد. در این حمله بازوهای بارگیری شماره "۷" و "۸" دچار حریق شدند که این حریق را تا ساعت ۱۶ مهار و به کلی خاموش کردند. مراکز مهم و حساس اسکله "تی" (T) قبلاً نیز هدف حمله هواپیماهای عراقی قرارگرفته و بخشی از آن آسیب دیده بود. همچنین در حمله امروز عراق به جزیره خارک، کشتی "ایران یاتا" که روی آن پدافند زمین به هوا مستقر بود، هدف بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت و آسیب کلی دید. یکی از جنگنده‌های عراقی در جریان این حمله هدف قرارگرفته و ساقط شده است. فرماندهی ارتش عراق درباره حملات امروز، اعلام کرد که هواپیماهای عراق توانسته‌اند طی یک ساعت، سه بار جزیره خارک را مورد حمله قرار دهند.

۲ ـ فرمانده کل سپاه پاسداران در نامه‌ای به تاریخ ۶ شهریور ۶۵ ضمن ارائه گزارشی از وضعیت امکانات هلی‌کوپتر در اختیار ارتش، درخواست نموده است درصدی از این امکانات به صورت سالم و تعمیری تحویل سپاه شود. در قسمتی از این درخواست آمده است: "ما در جبهه به شدت برای حمل مجروحین عملیات جنگی و نقل و انتقال مسئولین و فرماندهان، به هلی‌کوپتر نیازمندیم که در عملیاتها غالباً در اختیار می‌گرفته‌ایم، اما همواره یا با تأخیر و یا در نهایت تعداد مورد نیاز داده نمی‌شود. ضمن اینکه بعضاً از نظر مدیریتی نیز با اشکال مواجه می‌شویم". امام خمینی (ره) در پاسخ گزارش مذکور چنین مرقوم فرموده‌اند: "بسمه‌تعالی موافقت می‌شود. جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای اقدام نمایند. ۱۱ شهریور ۶۵ روح‌الله الموسوی الخمینی"

رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۳۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

خصوص تأسیس سه نیروی زمینی و دریایی و هوایی سپاه، مراسم داشته باشند. من برای پرهیز از ناراحتی ارتشی‌ها موافق نیستم.

احمدآقا آمد. درباره مسائل اختلافی مشهد صحبت شد. قرار شد به‌گونه‌ای عمل شود که به اتحاد نزدیک شوند و درباره نمایندگی ولایت فقیه در گروه سه نفر سیاستگذار امور داخل عراق، امام دستور داده‌اند به آقای خامنه‌ای و آقای منتظری هر دو واگذار گردد. خبر دادند عراق به مرکز واردات فرآورده نفتی بحرگان حمله کرده، به دو یدک‌کش آسیب زده و یک هواپیما از دست داده است[1].

عصر آقایان نجفی و علی هاشمی آمدند. وضع جزیره جنوبی مجنون و عملیات اخیر را گفتند و برای حفظ جزیره، تعدادی کمپرسی برای کار مهندسی و سهمیه بیشتر گلولهٔ خمپاره برای جلوگیری از کار مهندسی دشمن خواستند.

پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۳ محرم ۱۴۰۶ — ۱۸ Sept ۱۹۸۶

ساعت هشت ونیم صبح به مجلس آمدم. آقایان حمید میرزاده و مظفری برای راه‌اندازی ترمینال کامپیوتری اطلاعات ـ که شعبه‌ای در دفتر من و ریاست جمهوری و نخست وزیری نصب شده ـ آمدند. کار خوبی است. توضیحاتی درباره جزیره کیش که اخیراً بندر آزاد [تجاری] شده و توسعه ماهیگیری و توزیع گوشت دادند.

گروهی از کادر آموزشی پادگان ۲۱ حمزه [آذربایجان] آمدند. مشکلات و نیازها را گفتند. نمایندگان جامعه معلولین آمدند و برای حق بازنشسته شدن پیش از موعد برای معلولان کمک خواستند[2]. آقای صیاد شیرازی آمد. از وضع جنگ اظهار بی اطلاعی کرد. ایشان را در جریان امور

---

۱ ـ یک هواپیمای میراژ عراق امروز نفتکش «سیترانس - ۲۳» متعلق به شرکت ایرانی بحرگان را مورد حمله قرار داد. صدمه‌ای به این نفتکش وارد نشد ولی کاپیتان آلمانی آن به نام «هنرویگز» کشته شد و چهار خدمه خارجی آن نیز زخمی شدند. این افراد مورد اصابت رگبار مسلسل قرار گرفته بودند. بعد از حمله، مجروحان نفتکش را حراست شرکت نفت جمهوری اسلامی ایران به بوشهر انتقال داد. صبح امروز یک میراژ عراقی که قصد حمله به یک شناور نیروی دریایی ارتش را داشت، با آتش پدافند هوایی یک شناور دیگر نیروی دریایی، در آب‌های خلیج‌فارس سقوط کرد و خلبان آن دستگیر شد.

۲ ـ در این روز آقای هاشمی در دیدار با اعضای هیأت مدیره جامعه معلولین ایران اظهار امیدواری کرد اعضای این جامعه در خدمتگزاری به معلولین کشور و انجام خدمات بزرگ انسانی موفق باشند. در این دیدار ایشان گفت: "با توجه به اینکه جمع زیادی از جانبازان جنگ تحمیلی به شما می‌پیوندند، فکر می‌کنم جامعه ما حمایت دو چندانی از شما بکند و ما و شما همگی وظیفه داریم که خدمت کنیم و برای شما دعا می‌کنم که موفق باشید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

گذاشتم. دفتر ارتباط نخست وزیر با ائمه جمعه و جماعات آمدند[1]. گزارش کارشان را دادند.

آقای سنجقی آمد و چند امضاء برای امور جنگ گرفت. جمعی از افراد انتظامات مجلس آمدند و گزارش دادند. برای آنها صحبت کردم[2] و نصیحت به انضباط و تاکید بر اهمیت کارشان نمودم. آقای انصاری فرمانده سپاه ناحیه تهران آمد. از فکر تبدیل منطقه تهران به هشت ناحیه کوچک و از فکر فرماندهی فرماندهان واحدهای رزمی بر نواحی مربوطه که امروز زمزمه آن وجود دارد، انتقاد داشت.

جمعی از همافران آمدند و تعجیل برای تصویب طرح ارتش نوین دارند. برای آنها صحبت کردم و وعده تسریع دادم[3]. آقای امامی کاشانی درباره مطالب خطبه‌های نماز جمعه، تلفنی مشورت کرد. اول شب در دفترم کارهای دفتری را انجام دادم و بخشی از گزارش‌ها را خواندم.

جمعه ۲۸ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۴ محرم ۱۴۰۷ — ۱۹ Sept ۱۹۸۶

در منزل بودم. جمعی از مسئولان آموزش نظامی سپاه آمدند. از کمبود جا و مربی و از عدم استفاده از

---

۱ ـ آقای هاشمی خطاب به اعضای دفتر رابط نخست وزیری با ائمه جمعه و روحانیت، گفت: "شما وارد مسائل سیاسی نشوید و با روحانیون مختلف از هر جریانی که هستند کار کنید. ایشان افزود: "اگر وارد مسائل سیاسی شوید، موضع‌گیری می‌کنند، بنابراین در این مسائل دخالت نکنید. یکی از چیزهایی که حرکت شما را تهدید می‌کند، آن است که آقایانی که به شما مراجعه می‌کنند، احساس کنند که مطلبشان جدی گرفته نمی‌شود. کار شما در نوع خود ابتکار کم سابقه‌ای است. قبلاً معمول بوده و حکومت‌ها با روحانیون جلسات و ملاقات‌های ویژه‌ای داشته‌اند. اما به این شکل فعلی کار تازه و خوبی است. ارباب رجوع شما ممکن است با کارهای اجرائی سروکار نداشته باشند. وقتی کسی از دور مشکلات را ببیند خیلی طرحها و فکرها به نظرش می‌رسد و فکر می‌کند مسئولین نمی‌توانند این کارها را حل کنند، چون از نزدیک با مسائل در رابطه نیستند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، "دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای هاشمی در این دیدار ضمن تشکر و قدردانی از زحمات شبانه‌روزی اعضای واحد انتظامات نهادهای مختلف دولتی گفت: "نیروهای حفاظت و انتظامات بخشی از نیروهایی به شمار می‌روند که برای دفاع از اسلام مسئولیت دارند با ضدانقلابیونی که کارهای تخریبی انجام می‌دهند مقابله نمایند و این بسیار با اهمیت است. ممکن است پاسداری در پست خودش در طول خدمت با مسأله‌ای مواجه نشود و در نتیجه پیش خود فکر کند، جوانی‌اش به هنگام انجام وظیفه در سر چهارراه‌ها و یا کوچه‌ها هدر می‌رود، اما باید توجه داشت که شاید تک‌تک افراد نتوانند در ظاهر کارآیی وظیفه خود را لمس کنند، ولی وقتی این مجموعه با هم کار می‌کنند آن وقت است که اهمیت و حساسیت این وظیفه خطیر نمایان می‌شود و توقع هم همین است که اینها همچون چشم بوده و مواظب کارهای ضدانقلاب باشند. اعضای واحدهای حفاظت و انتظامات نباید احساس کنند کاری انجام نمی‌دهند و تصور کنند که حتماً باید در جبهه و سنگر باشند و وقتی برادران جانباز را می‌بینند احساس کمبود کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ آقای هاشمی با اشاره به حضور همافران در حرکت‌های پیروزی بخش انقلاب اسلامی یادآور شد: "برادران همافر پیش از انقلاب با حضور در جو مبارزات مردم نقش مؤثر خویش را در پیروزی ایفا کردند و مردم ما شاهد حضور آنان در جمع خود در خیابانها بودند". آقای هاشمی با اشاره به تهیه طرح نوین ارتش که به زودی برای شور دوم در مجلس شورای اسلامی مطرح خواهد شد، در این زمینه خاطرنشان کرد: "برای تهیه و بررسی طرح مذکور ملاحظاتی قابل بررسی بود. از جمله در حال جنگ بودن ارتش و نیز آثاری که طرح نوین می‌تواند بر سازمان و تشکیلات ارتش داشته باشد و امر مهم دیگر اینکه نظرات در زمینه تهیه این طرح بسیار متنوع و گسترده بود که به هر حال کاری بس عظیم و گسترده بود که امیدواریم با بهره‌گیری از نظرات واصل شده بررسی و تصویب و طرح کامل و جامعی ارائه گردد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

پادگان امام حسین(ع) گله داشتند. فرمانده نیروی دریایی اقدامات کنترل کشتی‌ها را گفت. جانشین فرمانده نیروی زمینی، خبر عملیات محدود دیشب در غرب مهران را گزارش داد.[۱]

عصر آقایان داریوش [باریکانی] و [حسن] آشن از پاسداران محافظم که عازم جبهه بودند، برای خداحافظی آمدند. آقای عباس طباطبائی آمد و برای تصویب دانشگاه سید رضی که تقاضا کرده‌اند و ادامه تحصیل دخترش در خارج استمداد نمود.

شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۵ محرم ۱۴۰۶ — ۲۰ Sept ۱۹۸۶

در منزل بودم. گزارش‌ها را مطالعه کردم. پیش از ظهر احمدآقا و آقای ری‌شهری آمدند. آقای ری‌شهری گفت آیت‌الله منتظری از کشف و بازداشت مرکز و وسائل مخفی سید مهدی‌هاشمی ناراحت‌اند و می‌گویند این اشیاء را برای کار نهضتها لازم دارند. ولی آقای ری‌شهری نپذیرفته که مواد منفجره و اسناد سری دولت و وسائل جعل و... برای این کار لازم باشد، ضمن آنکه خود نهضتها هم به او واگذار نشده است.

ضمناً آیت‌الله منتظری این بازداشت را با اشاره من و احمدآقا می‌دانسته‌اند که کاملا اشتباه است. امام در جریان قرار دارند. همچنین یک نوار از [آقای احمد کاشانی] نمایندهٔ نطنز آورد که در مقابل اظهارات اخیر امام در حمایت از دولت و ملامت روزنامهٔ رسالت، اظهاراتی کرده است. قرار شد در جلسه سران موضوع اول را مطرح کنیم.

عصر هم دو نفر از مسئولان وزارت اطلاعات آمدند. نتایج تلاش برای کشف و ضربه زدن به [سازمان] فدائیان [خلق] اکثریت را آوردند. تا حدود زیادی آنها را شناخته‌اند و سران آنها را بازداشت نموده و اعتراف و اظهار تسلیم نموده‌اند. اکثر آنها بریده‌اند و همکاری می‌کنند. درباره کیفیت برخورد با افراد معمولی، آنها که زیادند، نظر خواهی کردند. قرار شد در جلسه سران قوا مطرح

---

۱ ـ به منظور تقویت پدافند و تسهیل امر تدارکات و پشتیبانی نیروهای خودی در فاو، امروز مرحلهٔ اول نصب یک پل مهم ثابت روی اروند رود به نام «پل پیروزی» ـ پس از مدتی پل بعثت نام گرفت ـ به همت جهاد سازندگی استان خراسان به اتمام رسید. نصب این پل لوله‌ای که از دهم خرداد سال ۶۵ آغاز شده بود، با مشکلات مختلفی همچون امواج برخاسته از باد و طوفان و نیز آتش دشمن مواجه بود که به‌رغم برخی وقفه‌های موقت در کار، این پروژه مهم امروز تحویل قرارگاه تاکتیکی خاتم‌الانبیاء (ص) شد. در طول اجرای کار، بر اثر اصابت گلوله توپ و همچنین بمباران اطراف پل، مجموعاً شش تن از نیروهای جهادگر و مهندس مجروح شدند. پس از عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) پشتیبانی و تدارک نیروهای خودی ابتدا با شناورهای سنگینی به نام «سطحه خضر» (پل خضر) انجام می‌شد و پس از مدتی پل «یونوفولوت» احداث شد. این پل شب‌ها متصل و روزها به منظور در امان ماندن از خطر بمباران دشمن، باز می‌شد، اما همواره احداث پل ثابت به عنوان یک طرح اصلی دنبال می‌شد که با احداث پل پیروزی این امر تحقق یافت.

شود. ضمناً گفتند که یکی از افسران عالیرتبه نیروی زمینی، برادر یکی از کادرهای کمیته مرکزی [سازمان فدائیان خلق ایران شاخه] اکثریت است و خودش سابقه همکاری با آنها را دارد، که باید تصمیمی بگیریم.

یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۶۵ | ۱٦ محرم ۱۴۰٦ ‏۲۱ Sept ۱۹۸٦

اول وقت به مجلس رسیدم. در جلسه علنی تا ساعت ده ونیم ماندم. مراجعات نمایندگان خیلی زیاد بود. در تنفس برای خانمهای بسیجی تعلیم نظامی دیده خمین و دانشجویان امامیه پاکستان که مهمان وزارت ارشادند، صحبت کردم[۱].

آقایان روحانی و هادی برای پیگیری معاملهٔ تسلیحاتی کمک به آزادی گروگانهای آمریکا در لبنان و تقویت روابط با عربستان و تلاش برای نجات زندانیانمان در عربستان آمدند. آقای روحانی برای عبور هواپیماهای جنگیمان از فضای کویت برای عملیات در خاک عراق اجازه گرفت.

ظهر آقای کبیری و آقای جلالی آمدند. گزارش از وضع کردستان و مشکلات آنجا دادند. عصر آقای ابراهیمی برای همین منظور آمد. اعضای انجمن مدیریت آشوریها آمدند و برای رفع مشکلاتشان در زمینه مدارس و تعلّم زبان و مراسم معاشرت استمداد کردند. آقای [ذبیح‌الله] حاج بخشی از لشکر سیدالشهداء آمد و برای حمایت از حزب‌الله کمک خواست[۲].

آقای هدایت [لطفیان] فرمانده قرارگاه حمزه آمد. مشکلات کار کردستان و عدم انسجام مدیریت و عدم توجه کافی سپاه به نیازهای آنجا و راه‌حل‌ها را گفت. قرار شد توجه بیشتری به کردستان بنمائیم[۳].

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "تا می‌توانید نیروی خود را صرف آموزش کنید، آموزش را توسعه دهید و به آن عمق ببخشید. با توجه به ۵۰۰ گردانی که داریم، باید ابتکار بیشتری به خرج دهید و از وسایل و امکانات جدیدی که قبلاً مورد استفاده قرار نداده‌اید، استفاده کنید. ما به آینده امید زیادی داریم و نصرت خداوند هم همیشه برای ما کارساز و موفقیت‌آفرین بوده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ آقای هاشمی در جمع مسئولان پادگان «حمزه سیدالشهدا(ع)»، با اشاره به تزلزل کنونی دشمن، بر استمرار تجهیز و بالابردن آموزش کیفی نیروها و افزایش حملات و امان ندادن به دشمن در اوضاع کنونی، تأکید کرد و گفت: "از لحاظ امکانات، ابزار و نیرو نسبت به همه دوران‌های جنگ در وضع بی سابقه‌ای هستیم و همه چیز برای اداره یک جنگ وسیع و طولانی آماده است. همین عملیات‌های کوچک در مجموع، کار یک عملیات بزرگ را می‌کند... در حاج عمران عراق واقعاً نیروهای کیفی و زیادی را از دست داد و در شرایط حاضر بازسازی نیروها برای عراق مشکل‌تر و طولانی‌تر از قبل است. اکنون بهترین زمان برای کار و استفاده از زمینه‌های موجود است. اصل تعقیب دشمن و مهلت ندادن به او، از اصول نظامی است و ثمرات زیادی دارد و به خاطر نتایج سودمندی که دارد، حتی تحمل کمبودهایی هم در این زمینه ارزشمند است و برای کارهایی که در آینده می‌خواهیم انجام دهیم مؤثر است. شما باید فرصت تجهیز را به دشمن ندهید".

شب سران قوا مهمان من در دفترم بودند. در برنامه اخبار به طور زنده از دفتر شرکت کردم و درباره جنگ به مناسبت هفته جنگ حرف زدم[1]. در جلسه سران راجع به آوردن پزشک برای حضرت امام، برای حصول اطمینان بیشتر بحث شد و همچنین در مورد گرفتن اجازه از امام برای قرض از بانک [مرکزی] برای تامین کسری بودجه دولت. دیر وقت به منزل رفتم.

دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۶۵ | ۱۷ محرم ۱۴۰۶ — 22 Sept ۱۹۸۶

تا ساعت دو ونیم بعد از ظهر در منزل بودم. استراحت و مطالعه کردم. با دکتر روحانی درباره خرید ضدهوایی‌های اسکای کارد سپاه صحبت شد.

حاج احمدآقا آمد و گفت امام نظر قاطع دارند که گروه سید مهدی هاشمی باید طرد و تعقیب شوند. نگرانیمان این است که آیت‌الله منتظری سخت برنجند و ضرر کنیم. پیشنهاد کردم که برای تعدیل نظراتشان خدمت امام برسم.

عصر برای دیدن و افتتاح نمایش عملیات والفجر ۸ و فتح فاو به محل پارک خرم رفتم و سه ساعت آنجا بودم. صحنه خیلی جالب، برای آنها که مطلع از خصوصیات عملیات بودند، تنظیم نشده ولی برای عموم جالب است. احساس کردم مغزم خیلی خوب کار نمی‌کند و حتی اسم خیلی از اماکن آشنا را فراموش کرده بودم مثل فاو، خورعبدالله و...

پس از مراجعت به خانه احساس سردرد هم داشتم. به پزشکان بیت امام اطلاع دادم. دکتر [مسعود] پورمقدس آمد. معاینه کرد و گفت لازم است پزشک متخصص مغز و اعصاب بیاید. قرار شد زود بخوابم. یک قرص والیوم ۵ خوردم و زود خوابیدم. دکتر [حسن] عارفی و احمدآقا هم آمدند، ولی چون من به خواب رفته بودم به فردا موکول نمودند.

---

۱ ـ در بخشی از این پیام تلویزیونی آمده است: "ما در آستانه شروع هفتمین سال جنگ تحمیلی و یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های تاریخ هستیم. به خاطر اعتمادی که به راهمان و آرمان‌مان و نصرت خداوند داریم، امیدواریم که پایان این جنگ، به نفع حق، اسلام و مردم فداکار و ایثارگر ما و انقلاب اسلامی باشد، البته، ما مایل نبودیم که جنگ در منطقه و آن هم بین دو کشور اسلامی به وجود آید و حقاً این جنگ بر ما تحمیل شد و جنگ هم همراه خودش مشکلات و تلخی‌های فراوانی دارد. نمی‌شود که جنگی وجود داشته باشد و تلخی و مرارت و غصه و خون دل نداشته باشد، منتهی اگر انسان در جنگ، وظیفهٔ خودش را انجام دهد و آنچه که خداوند از او خواسته بتواند به خوبی انجام دهد، نزد خداوند و در پیشگاه تاریخ، سرفراز خواهیم بود و وجدان‌مان هم ما را آزار نخواهد داد، ما، خدا را شاکریم که به ما، ملت ما و رهبری ما، توفیق داد که در این جنگ، آن‌گونه که وظیفهٔ اسلامی و قرآنی و مردمی و ملی ماست، عمل کنیم و به همین دلیل هم، ما آثار جنگ را در مسیر خواسته‌های انقلاب می‌بینیم، حتی علی‌رغم آن که این جنگ به ما تحمیل شد". این پیام در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.



سه‌شنبه ۱ مهر ۱۳۶۵ | ۱۸ محرم ۱۴۰۶ — 23 Sept ۱۹۸۶

به دستور دکتر تا ساعت نه صبح در منزل ماندم. نایب رئیس‌ها مجلس را اداره کردند. دکتر عارفی و دکتر لطفی آمدند، معاینه‌ای کردند و تشخیص دادند که حالت دیروز عصر، معلول خستگی مغز است و کسالت عمده‌ای نیست. خون و ادرار برای آزمایش بردند. ساعت نه ونیم به مجلس آمدم.

در گزارش‌ها حساس شدن اسرائیل روی حزب‌الله لبنان و نیروهای ایرانی در برخوردهای جنوب لبنان و همچنین متهم شدن یک نفر ایرانی در ارتباط با انفجارهای پاریس وجود دارد[۱]. در جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ شرکت کردم. ظهر سلمانی برای اصلاح سرم آمد.

عصر آقایان [محمدباقر] ذوالقدر و [ابراهیم]سنجقی آمدند. گزارش طرح عملیات ویژه پیاده علیه تأسیسات مهم عراق در عمق خاک آن کشور را دادند. این طرح تصویب شد. قرار شد ساعاتی از رادیو ارومیه در اختیار برنامهٔ داخلی عراق بنام "صوت‌المستضعفین" قرار گیرد[۲].

---

۱ - ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سراسری اِی، بی، سی آمریکا، ضمن رد اتهام حمایت ایران، سوریه و لیبی از تروریسم، مدارک موجود را برای اثبات این اتهام ناکافی دانست. شیراک در این مصاحبه در پاسخ به ادعای مجری برنامه مبنی بر دخالت کشورهای ایران، سوریه و لیبی در عملیات تروریستی و سکوت فرانسه در قبال آنها، گفت: "اعلام اینکه ایران، سوریه و لیبی مجری تروریسم هستند کار ساده‌ای است ولی شواهد شما برای اثبات این ادعا کجاست؟ این تهمت‌ها خود یک نوع تروریسم است". وی تأکید کرد که اقدامات اخیر تروریستی علیه کشورش را خانواده و دوستان [ژورژ] عبدالّه - [یک لبنانی]که به اتهام قصد انجام دادن اقدامات تروریستی هم اکنون در فرانسه زندانی است - انجام داده‌اند و پای هیچ کشوری در میان نبوده است. وی همچنین اهمیت روابط فرانسه با کشورهای عرب را مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد که فرانسه مایل نیست مسأله تروریسم منجر به تیرگی این روابط حسنه شود.

۲ - هفته نامه فرانسوی زبان ژون آفریک در مطلبی تحت عنوان «جنگ سخت امواج بین ایران و عراق» به برنامه‌ریزی برون مرزی

آقای روحانی آمد و اطلاع داد امروز هواپیماهای ما با عبور از فضای کویت، مرکز تلمبه خانه نفت جنوب عراق را زده‌اند. خود عراقی‌ها هم اشتباهاً یک هواپیمای خودشان را ساقط کرده‌اند[1]. فرمانده نیروی دریایی اطلاع داد که یک کشتی نفتی انگلیسی ـ که به کویت می‌رفته ـ زده شده است[2].

شب به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. با دکتر روحانی دربارهٔ حفاظت اطلاعات ارتش بحث شد. دکتر روحانی معتقد است که یک روحانی در رأس آن باشد، رئیس جمهور مخالفند. بالاخره آقای خامنه‌ای با استقلال آن و ریاست فردی مثل سرهنگ [مصطفی] ترابی [پور] موافقت کرد. شب شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز درباره اعزام روحانیون متشخّص به جبهه جلسه داشت*.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

رادیوتلویزیون‌های ایران و عراق که برای کشور مقابل پخش می‌شود، پرداخته و اهداف آن را مورد بررسی قرار داده است. در این گزارش آمده است: "ایران به کمک چهار فرستنده رادیویی خود در اهواز، آبادان، باختران و تهران برنامه‌های رادیویی به زبان عربی، کردی و همچنین زبان ترکمنی که زبان بخشی از مردم شمال عراق است، پخش می‌کند که شنوندگان زیادی بین مردم عراق دارد. همچنین تلویزیون ایران یک سوم از مردم عراق را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. در مقابل، عراق نیز با شش ایستگاه رادیویی به تبلیغات ضدایرانی می‌پردازد. در این زمینه رادیو بغداد ۱۲ ساعت در روز به زبان فارسی برنامه دارد. رادیو کرکوک همین پیام‌ها را به زبان کردی پخش می‌کند. طرفداران مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق نیز یک رادیو مخصوص به خود دارند که در نزدیکی مرز ایران در شهر «طویله» عراق مستقر است. همچنین یک ایستگاه رادیویی در بغداد فعالیت می‌کند که پیام‌های شاپور بختیار آخرین نخست وزیر شاه را منتشر می‌سازد و یک ایستگاه رادیویی دیگر نیز در بغداد وجود دارد که در اختیار طرفداران غلامعلی اویسی قرار دارد که در سال ۱۹۸۴ [۱۳۶۳] در پاریس به قتل رسید. حزب دمکرات کردستان ایران نیز دارای یک فرستنده رادیویی در شمال عراق است". ژون آفریک افزود: "می‌توان این طور تصور کرد که تبلیغات طرفین متخاصم به شدت جریان دارد و یکی از موضوعات همیشگی این تبلیغات، خواستن از ملت رقیب در پاخاستن و قیام کردن علیه رهبران خود است".

۱ ـ طبق اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی، در ساعت ۱۴:۲۰ امروز خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با چند هواپیمای شکاری بمب افکن، مجتمع نفتی رومیله واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی بصره را بمباران کردند. تأسیسات تلمبه خانه رومیله در جنوب غربی بصره و در عمق ۹۰ کیلومتری خاک عراق قرار دارد و کار پمپاژ نفت خط لوله نفتی عراق را که از عربستان می‌گذرد، انجام می‌دهد. در پی این بمباران، سخنگوی نظامی عراق ادعا کرد که پدافند هوایی این کشور یک فروند هواپیمای ایرانی را امروز در منطقه جنوب سرنگون کرده است. این سخنگو همچنین مدعی شد که هواپیمای ایرانی هیچ هدفی را در عراق بمباران نکرده است.

۲ ـ به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک منبع دریایی مستقل در خلیج‌فارس تأیید کرد که یک نفتکش ۶۸۷۷۷ تنی انگلیسی به نام «پاونس» بامداد امروز در نزدیکی جزیره ابوموسی و در نیمه راه امارات متحده و ایران مورد اصابت یک راکت قرار گرفت. این گزارش افزوده است: "منابع دریایی منطقه نیز تصریح کرده‌اند این نفتکش خسارت زیادی ندیده و توانسته است به مسیر خود ادامه دهد." وزیر مشاور در امور تدارکات دفاعی انگلیس، در یک مصاحبه مطبوعاتی، ایران را به این حمله متهم ساخت و مورد تهدید قرار داد. او سپس خواستار پایان جنگ شد.

* ـ در این روز یاسر عرفات در دیدار با صدام حسین بر حمایت کامل "ساف" از عراق و حمایت از پیشنهادهای صدام به منظور توقف جنگ، تأکید کرد. وی همچنین پایان یافتن این جنگ را مقدمه آزادی قدس دانست. به گفته رادیو بغداد، یاسر عرفات در این دیدار تأکید کرد که ساف در کنار عراق ایستاده است و از این کشور در مواجهه با تجاوز ایران حمایت می‌کند. عرفات همچنین عراق را به دلیل قبول پیشنهادهای صلح و پاسخ به تلاش‌های میانجیگرانه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ستایش کرد. به گزارش خبرگزاری عراق، عرفات در یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد گفت: "این سخن که جنگ ایران و عراق راه آزادی قدس را هموار خواهد کرد، صحیح نیست بلکه تنها پایان جنگ و برگرداندن تمامی سلاح‌ها به سوی اسرائیل می‌تواند بیت‌المقدس را آزاد کند".

چهارشنبه ۲ مهر ۱۳۶۵ | ۱۹ محرم ۱۴۰۶ — ۲۴ Sept ۱۹۸۶

اول وقت به بیمارستان ژاندارمری رفتیم. حدود یکصد مجروح جنگی آنجا بودند. با همه آنها ملاقات و احوالپرسی کردم و به همه هدیه مختصری دادم. سپس صحبت کوتاهی برای دکترها و خدمه بیمارستان کردم[1]. مجموعاً وضع بیمارستان خوب و مجروحان راضی بودند.

ظهر در دفترم فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. طرح عملیات گسترده و عملیات نیمه گسترده‌ای را آوردند که مذاکره کردیم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. سپس آقای رفیق‌دوست آمد. گزارش تکمیل قایق‌های کنترل از راه دور برای زدن کشتی‌ها را داد. همچنین درباره نیازهای مالی تدارک پانصد گردان و وضع مهمات گزارش داد[2].

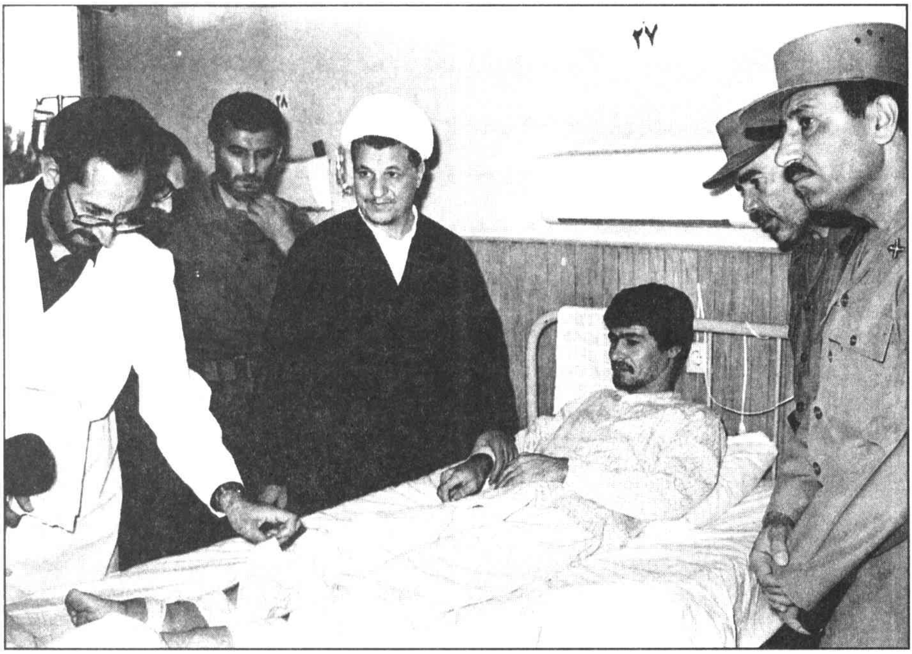
اول شب آقای آقامحمدی آمد و گزارش برنامه عملیات وسیع نفوذی در داخل خاک عراق را ـ که قبلاً مطلع بودم ـ و برنامه‌های بارزانی‌ها و طالبانی‌ها را داد.

شب با سران دیگر قوا مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره نرخ ویزیت دکترها برای افراد بیمه و غیر بیمه تصمیم مهمی گرفتیم که احتمالاً بی واکنش نخواهد بود و در مورد اطبای محکوم به تبعید سازمان نظام پزشکی سابق که تقاضای عفو کرده‌اند، قرار شد با نامهٔ صریح توبه و محکوم کردن

---

۱ ـ آقای هاشمی در سومین روز هفته جنگ، روز مانور بسیج و آمادگی نظامی، با رزمندگان مجروح بستری شده در بیمارستان ژاندارمری دیدار و هدیه‌هایی به‌آنان تقدیم کرد. ایشان همچنین در بازدید از بخش‌های جراحی و ارتوپدی بیمارستان ژاندارمری، در جمع مسئولان، پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان، ضمن سخنان کوتاهی، گفت: "کار انسانی‌ای که شما به عهده گرفته‌اید و وظیفه‌ای که انجام می‌دهید، خداوند و مردم را از شما راضی می‌کند و شما سرافراز خواهید بود. ما آرزو داریم که روزی جنگ نباشد و امکانات بیمارستانها برای معالجه بیماران معمولی به‌کار رود و امکاناتی که صرف جنگ می‌شود، به عمران و آبادانی کشور برسد و آن روز، ان‌شاءالله نزدیک است. من از طرف خود و همه خدمتگزاران، از شما جراحان، پزشکان و پرستاران تشکر می‌کنم و آرزوی موفقیت شما را دارم".

۲ ـ «انستیتو تحقیقاتی صلح استکهلم» در سوئد، طی گزارشی در خصوص جنگ ایران و عراق، با اعلام اینکه حدود ۴۰ کشور به ایران و عراق جنگ‌افزار صادر می‌کنند، نوشته است که قدرت‌های بزرگ مایل به ختم جنگ و پیروزی ایران نمی‌باشند. این گزارش تحقیقاتی افزوده است: "اتحاد جماهیر شوروی و فرانسه مهم‌ترین صادرکنندگان تسلیحات نظامی به عراق هستند و از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا نیز جنگ‌افزار و در درجه اول هلی‌کوپتر و هواپیماهای اکتشافی و سلاح‌های سبک به عراق ارسال می‌کند. اما شوروی و آمریکا در زمینه فروش تسلیحات نظامی به ایران نیز اقدام می‌کنند، البته این امر از طریق کشورهای ثالث و با اطلاع دو کشور شوروی و آمریکا صورت می‌گیرد. تحت چنین شرایطی بر تعداد کشته و زخمی شدگان افزوده خواهد شد و جنگ زمانی پایان می‌یابد که یا هر دو کشور از این جنگ خسته شوند و یا آن که تغییر و تحولی سیاسی و همه جانبه در ایران و یا عراق رخ دهد". رادیو کلن که این گزارش را پخش می‌کرد افزود: "انستیتو تحقیقاتی صلح استکهلم در گزارش خود به این نتیجه می‌رسد که ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی علاقه‌ای به خاتمه جنگ در آینده نزدیک ندارند، زیرا این امر منجر به پیدایش قدرت جدیدی در منطقه خلیج فارس خواهد شد. بنابر تحقیقات این انستیتو، آمریکا مایل است که از عربستان سعودی به عنوان قدرتی غالب در منطقه، حفاظت نماید و شوروی نیز مایل نیست که ایران به عنوان کشور همجوار و مخالف شوروی در این جنگ پیروز شود. از سوی دیگر، شوروی نمی‌خواهد که از طریق اقداماتی همه جانبه برای کمک به عراق، روابط خود با سوریه را نیز به خطر بیندازد".



عیادت از مجروحان جنگ بستری شده در بیمارستان ژاندارمری



رادیوهای بیگانه بپذیریم. در مورد رفتار با فرانسه و آمریکا در امر گروگانها و [دادگاه] لاهه[1] و نیز در مورد اجازه برداشت از بانک‌های داخلی با اجازه امام، تصمیم‌گیری شد[2]. شب برای خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۳ مهر ۱۳۶۵ | ۲۰ محرم ۱۴۰۶ — ۲۵ Sept ۱۹۸۶

تا ساعت هفت ونیم صبح در دفترم کار کردم. تا ساعت ده ونیم در جلسهٔ علنی بودم. مراجعات نمایندگان خیلی زیاد است. پیش از ظهر آقای صیاد شیرازی آمد. قطعات حساس رادارها را کسی برای فروش به ایشان عرضه کرده بود. به دکتر روحانی ارجاع دادم.

آقای آقازاده [وزیر نفت] آمد. آماده سفر به عربستان سعودی است. درباره مطالب قابل مذاکره با ملک فهد [پادشاه عربستان] مشورت کرد. درباره اوپک، جنگ، مبارزه با اسرائیل و آینده عراق مطالبی گفتم.

ظهر آقای جزایری آمد و گفت که می‌خواهد کتابخانه‌اش را به مجلس بفروشد. عصر در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت نمودم. امروز عراق به اراک، اصفهان و خوزستان حمله کرده است[3]. دستور

---

۱ ـ مجله بررسی اقتصادی خاورمیانه (مید) چاپ لندن در گزارشی از احکام جدید دیوان لاهه درباره اختلافات مالی ایران و آمریکا، نوشت: "دادگاه ویژه بررسی دعاوی ایران و آمریکا در لاهه اخیراً به نفع ایران رأی داده است. به حکم این دادگاه، آمریکا باید حدود ۵۰۰ میلیون دلار از حساب پول‌های بلوکه شده ایران را به این کشور مسترد دارد. دادگاه مزبور به طرفین [ایران و آمریکا] اعلام نمود مذاکرات مفصل خود را پیرامون این حکم تا ۲۰ دسامبر [۲۹ آذر] آینده به انجام خواهد رساند". این مجله افزوده است: "چنانچه تا این مدت هیچ‌گونه توافقی میان طرفین حاصل نشد، دادگاه لاهه خود اقدام به انتقال مبلغ مزبور خواهد نمود و احتمالاً تا اوایل سال ۱۹۸۷ [نیمه دوم دی ۱۳۶۵] این کار را انجام خواهد داد".

۲ ـ قیمت نفت «برنت» دریای شمال، در این روز کاهش یافت به طوری که قیمت یک بشکه نفت برای تحویل در ماه نوامبر [آبان و آذر]، در بازار جهانی به ۱۲ دلار و ۶۰ سنت رسید و بدین ترتیب قیمت آن نسبت به جمعه گذشته یک دلار کاهش یافت.

۳ ـ امروز حملات هوایی دشمن به مناطق مختلف کشور بار دیگر اوج گرفت. چند واحد صنعتی کارگری در اراک، یک مجتمع صنایع نظامی در اصفهان و راه آهن لرستان هدف‌های این حملات هواپیماهای عراقی بودند. در این حملات، ۲۰ تن از کارگران و افراد غیرنظامی زخمی شدند و به چند واحد مهم صنعتی و اقتصادی کشور خساراتی وارد آمد. امروز در ساعت ۹:۳۰ چهار هواپیمای عراقی از نوع میراژ به سه واحد صنعتی و کارگری شهرستان اراک حمله و کارخانجات هپکو، آذرآب و آلومینیوم‌سازی را بمباران کردند. در این حمله هوایی، ۱۶ بمب و راکت به کارخانجات هپکو، آلومینیوم سازی و محوطه روبروی پلیس راه اراک ـ خمین اصابت کرد. در ساعت ۹:۵۷ نیز دو فروند هواپیمای متجاوز عراقی به حریم هوایی اصفهان وارد شدند و صنایع نظامی این شهر را مورد حمله قرار دادند. در این حمله هشت راکت به سوی این مجتمع پرتاب شد، ولی تنها سه عدد از آنها عمل کرد که بر اثر آن، ۹ تن مجروح شدند. به گزارش پایگاه هوایی اصفهان، ارتفاع پرواز

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

داده شد که در بصره مقابله به مثل شود[1].

برنامه سفر به جبهه را تنظیم کردیم. اول شب با آقای خامنه‌ای درباره مسائل مشهد صحبت کردم. مصاحبه رادیو تلویزیونی انجام دادم[2]. شب به خانه آمدم.

جمعه ۴ مهر ۱۳۶۵ | ۲۱ محرم ۱۴۰۶ — ۲۶ Sept ۱۹۸۶

تا ساعت چهار بعد از ظهر در منزل بودم. مطالعه می‌کردم* و برای سفر به جبهه، چمدان سفر را آماده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هواپیماهای عراقی چندان پایین بود که خلبان‌های آنها دیده می‌شدند. این هواپیماها به صورت موازی و متقابل در حال پرواز بودند. به گزارش این منابع، از هشت بمب رها شده، سه بمب در کارخانجات شیمیایی این مجتمع نظامی فرود آمد که یکی از آنها منفجر شد و دو بمب دیگر عمل نکرد. در این حمله خسارت‌های نسبتاً عمده‌ای به دستگاه‌های کارخانه وارد شد. به گزارش نیروی زمینی ارتش هواپیماهای عراقی بعد از عملیات خود، روستای ملک آباد در حوالی اصفهان را نیز با رگبار مسلسل هدف قرار دادند که بر اثر این تیراندازی، دو تن از اهالی این روستا مجروح شدند. ستاد مشترک ارتش نیز اعلام کرد که در این حمله هوایی، یک فروند از هواپیماهای مهاجم عراقی هدف قرار گرفت که احتمالاً در ارتفاعات منطقه شهر کرد سقوط کرد.

۱ ـ سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ پیش از ظهر امروز اعلام کرد که رزمندگان اسلام به تلافی حملات دشمن به تأسیسات صنعتی و کارگری اراک و اصفهان، تأسیسات نظامی و اقتصادی حومه بصره را از ساعت ۲۰ امشب به مدت ۴۸ ساعت تا ساعت ۲۰ روز شنبه هدف آتش دوربرد قرار خواهند داد. این سخنگو از مردم عراق خواست که برای مصون ماندن از هرگونه صدمه‌ای، اطراف این تأسیسات را تخلیه کنند.

۲ ـ آقای هاشمی در این مصاحبه مواضع جمهوری اسلامی ایران را در خصوص حملات هوایی اخیر دشمن، عملیات مقابله به مثل، تقویت پدافند هوایی کشور و اظهارات اخیر مقامات انگلیس بعد از حمله به یک کشتی این کشور در خلیج‌فارس و همچنین آمادگی ایران برای تحقق خواسته‌های خود در جنگ را تشریح کرد. ایشان در مورد اهم مسائل مطرح شده در جلسه اخیر شورای عالی دفاع گفت: "در مورد برنامه‌های آتی و وضعیت جبهه‌ها بحث و بررسی به عمل آمد. در این جلسه کمیسیونی به منظور ارائه طرح جامعی جهت تقویت پدافند کشور تعیین شد و همچنین پیرامون وضعیت نظام وظیفه پرسنل جهاد سازندگی که حداقل دو سال در جبهه‌ها به خدمت مشغول بوده‌اند، تصمیماتی اتخاذ گردید و مقرر شد که این مدت جزو خدمت وظیفه این داوطلبان محسوب شود. در مورد حمله به یک کشتی انگلیسی و تحریکاتی که استکبار جهانی در منطقه خلیج‌فارس ایجاد می‌کند، ابرقدرت‌ها می‌دانند کشتی‌هایی که در خلیج‌فارس مورد حمله قرار می‌گیرند، عمدتاً توسط موشک‌های پیشرفته اگزوسه فرانسوی می‌باشد که از سوی استکبار در اختیار عراق قرار گرفته است. این هیاهو و جنجال رسانه‌های خبری استکباری در برابر حمله به یک کشتی، چیزی جز منحرف کردن افکار عمومی جهانی نیست چرا که ما بارها اعلام کرده‌ایم در صورتی که در منطقه خلیج‌فارس برای ما ناامنی ایجاد شود، این ناامنی دامن‌گیر همه کشورهای این منطقه خواهد شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

* ـ در این روز پیام روحانی و عرفانی امام خمینی در مراسمی به مناسبت چهارمین روز هفته جنگ تحمیلی (روز ایثارگران) قرائت شد که بسیار مورد توجه حاضران قرار گرفت و آنان را تحت تأثیر قرار داد. در این مراسم قشرهای مختلف مردم، خانواده‌های شهیدان، مفقودان، اسیران و جانبازان، نمایندگان نیروهای نظامی و انتظامی، تنی چند از مسئولان لشکری و کشوری، رهبران مذهبی و خانواده‌های شهیدان اقلیت‌های مذهبی شرکت داشتند. در این پیام که امام خمینی آن را در روز ۲۰ مرداد ماه نگاشته، چنین آمده است: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم "ولاتحسبن

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نمودم. عصر گزارش‌ها را آوردند. خبر مهمی نداشت. ساعت چهار بعد از ظهر حرکت کردم. و نوشتم که همان وصیت سابق معتبر است.

مانند دفعه قبل با لباس بسیجی در اتومبیل غیر زرهی به ایستگاه رباط کریم رفتیم. حدود ساعت پنج سوار قطار شدیم. واگن مخصوص برای ما آورده بودند. شب را نسبتاً راحت خوابیدم. صبحانه را نزدیک اهواز خوردیم. واگن ما آخرین واگن قطار بود و در عقب بالکنی داشت که قسمتی از وقت را در آن می‌نشستیم و صحرا و بیابان را تماشا می‌کردیم.

شنبه ۵ مهر ۱۳۶۵ | ۲۲ محرم ۱۴۰۶ — 27 Sept ۱۹۸۶

برای نماز صبح، نزدیکی‌های اندیمشک بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. ساعت هشت ونیم به اهواز رسیدیم. البته حرکت با قطار در خوزستان در روز با توجه به علت انتخاب قطار و احتراز از سفر با هواپیما که همان احتمال خطر هواپیماهای دشمن است، منطقی نبود. در محل [ساختمان] گلف مستقر شدیم.

پیش از ظهر فرماندهان سپاه گزارش وضع سراسر جبهه‌ها را دادند و نیازها، مخصوصاً کمبودهای مهندسی را گفتند. عصر فرماندهان قرارگاه نجف و کربلا طرح عملیات بزرگ آینده و عملیات محدود را دادند[1]. طرحی که برای آن پانصد گردان تشکیل داده‌ایم، غیر قابل اجرا به نظر رسیده و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون".

اگر نبود در شأن و عظمت شهداء معظم فی سبیل الله جز این آیه کریمه که با قلم قدرت غیب بر قلب مبارکه نورانی سید رسل ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ نگاشته و پس از تنزل مراحلی، به خاکیان صورت کتبی آن رسیده است، کافی بود که قلم‌های ملکوتی و ملکی شکسته شود و قلب‌های ماوراء اصفیاءالله از جولان در حول آن فرو بسته شود. ما خاکیان محجوب یا افلاکیان چه می‌دانیم که این ارتزاق "عندرب الشهداء" چی است؛ چه بسا مقامی باشد که خاص مقربان درگاه او ـ جل و علاء ـ و وارستگان از خود و ملک هستی باشد. پس مثل من وابسته به علایق و وامانده از حقایق چه گویم و چه خواهم که خاموشی بهتر و شکستن قلم اولی است. بارالها تو واقفی بر اسرار و غیر تو چه داند و چه تواند و چه سان از عهده شکر نعمت‌هایی که به ملت عزیز ما عطا فرموده‌ای، به در آید. ما از عهده شکر شهدای گرانقدر و شهیدان زنده عزیز و اسرا و مفقودین معظم و بازماندگان و وابستگان به آنان و بالجمله ملت بزرگوار نیز نخواهیم برآمد. پس تو که شکور و غفوری، به همه آنان از الطاف خفیه خود مرحمتی فرما و دری از معارف الهیه بر روی همگان بگشا و به شهدای گرانقدر، مقام هر چه والاتر و به شهدای زنده اجر شهید در راه خود، سلامت و عافیت و به مفقودین و اسرا صبر و عودت به وطن و به بازماندگان شهدا و بستگان سایرین اجر و صبر عنایت فرما و ظهور بقیه الله ـ ارواحنا لمقدمه الفدا ـ را نزدیک نما. انک ولی النعم والمغفره. ۲۰ مرداد ۱۳۶۵ / ۵ ذیحجه ۱۴۰۶ روح الله موسوی الخمینی"

[1] ـ مشروح طرح مانور ارائه شده و مسایل مطرح شده در این جلسه، در بخش ضمایم همین کتاب به طور کامل درج شده است.

تغییراتی در آن داده‌اند که از هدف مهم خود دور شده و به ناچار بحث روی طرح‌های جدید شروع شده است[1].

---

۱ ـ در حالی که طرح‌ریزی مانور عملیات بزرگ آتی موسوم به حیدر، مراحل نهایی خود را می‌گذراند، در این روز آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ از نزدیک آخرین مراحل طراحی این عملیات را مورد بررسی قرار داد. در جلسه‌ای با حضور ایشان در قرارگاه خاتم، بعد از بحث‌های طولانی در خصوص طرح مانور، بر عبور از باریکه بین جزایر ماهی و ام‌الرصاص به عنوان مهم‌ترین عامل غافل‌گیری دشمن و تاکتیک ویژه در این عملیات، تأکید شد. در این جلسه که فرمانده کل و دیگر فرماندهان ارشد عملیاتی سپاه در جنوب حضور داشتند، بررسی عملیات اصلی در دستورکار جلسه قرار داشت. قبل از این جلسه، جزئیات طرح تصویب شده در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۹، را فرمانده کل سپاه به اطلاع آقای هاشمی رسانده بود. در جلسه امروز ابتدا فرمانده قرارگاه قدس آقای محمد علی (عزیز) جعفری ـ که مسئولیت اصلی پیگیری عملیات را به عهده دارد ـ پس از مرور مختصری بر سیر طرح‌ریزی عملیات، آخرین طرحی را که مورد نظر فرماندهان یگان‌ها، قرارگاه قدس و نیروی زمینی بود و با طرح ۱۳۶۵/۵/۹ تفاوت داشت، بیان کرد. وی در خصوص این طرح گفت: "در این طرح تلاش اصلی، عملیات از مقابل جزیره «مینو» و «ام الرصاص» است و پیشروی به سوی هدف نیز متکی بر جاده اول و دوم می‌باشد. محور اصلی این طرح از مقابل جزیره مینو و محور فرعی آن متکی به عبور از تنگه است". به دنبال این مقدمات، آقای هاشمی گفت: "اولین طرحی که مطرح گردید، نکته‌ای داشت که غافلگیری را تأمین می‌کرد و آن نکته، شروع عملیات از جزیره «بلجانیه» به بعد بود که دشمن خط دفاعی ندارد و قرار بود که دشمن از پشت غافلگیر شود. اما نقطه قوت اصلی که برای اولین بار طرح اولیه را پذیرفتیم، در این طرح نیست. این طرحی که شما می‌گویید، واقعاً یک حمله رو در رویی [تک جبهه‌ای] است. همان طور که شما گفتید، اگر دشمن در این جا از همه جا هوشیارتر نباشد، حداقل فکر می‌کند از این جا می‌خواهید حمله کنید، پس اگر بخواهید با همین مانور رو در رو با دشمن بجنگید و وارد میدان (آن طرف ام‌الرصاص) بشوید، مشکل‌ترین حمله‌ای است که انتخاب کرده‌اید و سخت‌ترین جا می‌باشد".

برادر جعفری درباره علت تغییر طرح مانور گفت: "اجرای طرح قبلی خیلی پیچیده و مشکل بود. چون نیروهای ما می‌بایست، سوار بر آب حرکت کنند و این لازمه‌اش این است که ما همه قایق هایمان را در رودخانه کارون جا بدهیم و پس از پاک سازی ساحل جزایر ام‌الرصاص و ماهی از آن جا عبور کنیم که با چند مشکل مواجه بود: اول، لزوم تصرف زمین مقابل ام‌الرصاص و قسمت چپ آن جهت تأمین عقبه عملیات؛ دوم، احتمال عدم موفقیت در انجام تاکتیک ویژه وجود دارد و با وضعیت خاصی که ام‌الرصاص دارد، با باقی ماندن یک تیربار دشمن در طول خط یا سواحل چهارگانه [جزایر بوارین، ماهی، ام‌الرصاص و بلجانیه] تمامی امکانات پشتیبانی ماگیر می‌کند که احتمالش نیز زیاد است؛ سوم، پیچیده بودن مانور عبور از تنگه و هوشیاری دشمن در منطقه است. زیرا با توجه به حساسیت دشمن در منطقه، عبور ۴۰۰۰ غواص از تنگه اکنون بسیار مشکل شده است و احتمال لو رفتن عملیات می‌رود؛ چهارم، نبود نهرهای متعدد در منطقه نیز باعث گردیده که غواص‌ها متکی به یک نهر باشند، پس اگر به آب انداختن هر غواص نیم دقیقه طول بکشد برای ۵۰۰ غواص ۲۵۰ دقیقه یعنی بیش از ۴ ساعت وقت لازم است در حالی که مدت زمان مدکامل ۳ ساعت است؛ پنجم، آنکه برآورد می‌شود پاک سازی شلمچه بیش از ۲۴ ساعت طول بکشد و در نتیجه انتقال عقبه ظرف ۴۸ ساعت به آن، غیرممکن می‌باشد در نتیجه با این مشکلات، فرماندهان یگان‌ها این مانور را عملی ندانسته و گفتند: "مانور بسیار پیچیده‌ای است." و نظر همه این بود که مانور به سمت چپ گسترش پیدا کند." پس از توضیح علل تغییر طرح مانور، آقای هاشمی برداشت خود را از طرح مانور قبلی توضیح داد و گفت: "این ادله‌ای که می‌گویید، درست است چون ما اول هم به ذهن‌مان می آمد که عبور دادن غواص از اروند به این شکل که بتوانند در دو طرف اروند به پشت دشمن بزنند، قابل اعتماد نیست و آسان به نظر نمی‌رسد، منتها اگر این تلاش را از این طرح حذف کنیم، اشکالاتش کمتر از عمل به آن نیست". ایشان سپس دو اشکال عمده را بر طرح جدید وارد دانست و اشکال اول را چنین بیان کرد: "اگر شما موفق بشوید جاده دوم را تأمین کنید، همهٔ نیروی سپاه از این به بعد گرفتار و درگیر خطوط پدافندی این منطقه خواهند شد، آن وقت شما دیگر نمی‌توانید نیرویی آماده کنید تا در پایین این منطقه (سمت فاو) عملیات انجام دهد". آقای هاشمی اشکال دوم را چنین مطرح کرد: "به احتمال خیلی قوی دشمن این حرکت شما (یعنی پیشروی از روی جاده اول و دوم در مقابل جزیره مینو تا ابوالخصیب) را کشف می‌کند و حتی اگر در لحظه شکستن خط غافلگیر شود، این آمادگی را دارد که نگذارد شما از آن جا عبور کنید و با همه امکانات جلو عبور شما را می‌گیرد". به دنبال طرح این اشکالات و پس از مدتی بحث، فرمانده کل سپاه برای رهایی از این بن بست، اجرای عملیات محدود

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شب دربارهٔ نقاط ضعف عملیات کربلای دو بحث داشتیم. به نظرم ادعای ضعف مدیریت عملیات اثبات شد؛ گر چه بعضی‌ها قبول نداشتند. دستور دادیم گلوله باران بصره قطع شود، زیرا در این چهل و هشت ساعت، دشمن شرارت مهمی نداشته است.

یکشنبه ۶ مهر ۱۳۶۵ | ۲۳ محرم ۱۴۰۶ | 28 Sept 1986

تمام روز را در محل گلف در یک اتاق به سر بردیم و به امور جنگ و بررسی نیازها و طرحها پرداختیم[1]. [آقایان رفیق‌دوست و زنگنه] وزرای سپاه و جهاد و [آقای حسن فیروزآبادی] معاون

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در شلمچه و بوارین را پیشنهاد داد. اما آقای هاشمی ضمن رد این پیشنهاد گفت: "این خودش یک عملیات سنگینی است. گرفتن «شلمچه» از پنج سال پیش جزو اهداف ما بوده است که اگر این جا وارد عمل شویم، بیش از سه ماه و حتی بیشتر از فاو درگیر خواهیم بود. از طرفی در این جا، دشمن توپخانه‌های زیادی دارد و از همه طرف می‌تواند روی منطقه اجرای آتش بکند. پس اینکه اول اینجا عمل کنیم (شلمچه و جزیره بوارین را تصرف کنیم) و دوباره نیروهایمان را تجهیز کنیم (برای عبور از اروند و بستن تنگه ابوالخصیب) و دوباره عمل کنیم، نمی‌دانم چگونه است! مطمئناً وقتی اینجا بیاییم (بوارین را تصرف کنیم)، دشمن (در جنوب اروند) خط «پتروشیمی» و اطراف آن را خالی نمی‌گذارد و خط تشکیل می‌دهد".

در مجموع، در این جلسه آقایان هاشمی رفسنجانی و محسن رضایی تأکید کردند که تنها راه پذیرفتنی، تلاش برای عبور از تنگه است. آقای هاشمی برادران را به کار بیشتر برای عبور از تنگه سفارش کرد و در توجیه اهمیت مسأله، استدلال کرد: "آن نقطه‌ای که به نظر من کلید منطقه است و باید برای آن راه حل پیدا کنید، این است که پس از شکسته شدن خط اول دشمن، (در جنوب اروند) شما از طرف پتروشیمی وارد شوید، چون دشمن در اینجا (سواحل کارخانه پتروشیمی) آماده این گونه مسائل نیست شما در طرح خود از مقابل جزیره مینو تا ابوالخصیب سه مرحله پیش بینی کرده‌اید در حالی که در اجرای آن با کمبود یگان رو به رو می‌شوید، بنابراین مرحلهٔ اول را تصرف «ام‌الرصاص» و قسمتی از «بوارین» و ساحل «بلجانیه» در نظر بگیرید تا در شب اول از تاریکی استفاده کنید و در این فرصت بدون غواص، [با قایق] نیرو و تدارکات را از تنگه عبور دهید". آقای محسن رضایی نیز ضمن تأیید نظر آقای هاشمی گفت: "اصلاً جهت کلی مانور این است و ضمانتش هم بستگی به حل گره (تنگه) دارد که باید با قوت روی آن عمل شود. البته عبور از تنگه مشکل است که باید آن را حل کرد و برایش نیروگذاشت". در نهایت مقرر شد که بحث در خصوص یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات طرح مانور با تأکید بر عبور از تنگه ام‌الرصاص به عنوان تاکتیک ویژه عملیات ادامه یابد.

۱ ـ در ادامه جلسه قبل طرح‌های دیگر سپاه از جمله طرح عملیات یدک در هور و اجرای عملیات‌های محدود در مناطق بدره، زرباطیه (مندلی) و ماؤوت مطرح شد که آقای هاشمی توجه بیشتر به طرح «هور» داشت و گرفتن بدره، زرباطیه و مندلی را دارای ارزش چندانی ندانست. ایشان در این جلسه طرح ارتش برای تصرف خانقین را مطرح کرد.

در جلسه دیگری در قرارگاه نیروی زمینی سپاه در اهواز، مسئولان این نیرو در حضور آقای هاشمی طی گزارش هایی، فعالیت‌های دشمن در سرتاسر جبهه‌ها، اوضاع خطوط خودی، همچنین مشکلات تأمین مهمات و امکانات مهندسی و لجستیکی را تشریح کردند. در نخستین گزارش، پس از عادی خواندن فعالیت دشمن در مناطق شمال غرب و غرب، بر تشدید حساسیت در مناطق شرق دجله، هور، جزیره مجنون، شلمچه و فاو تأکید شد. سپس افزوده شد که دشمن توان رزمی لشکر گارد و همچنین سرعت بازسازی نیروهایش را افزایش داده است به طوری که هم اکنون

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نخست وزیر در امور جنگ هم که احضار شده بودند، آمدند. فرماندهان لشکر ۲۵ کربلا آمدند. سازمان و نیازهای لازم لشکرشان را توضیح دادند. دو ساعت طول کشید و از این طریق وضع کلی لشکرهای سپاه روشن شد.

معطل ماندن ابزار جنگ و ماشین‌ها به خاطر نداشتن قطعه از مسائل مهم بود که وزیر سپاه مکلف شد برای تامین قطعه تلاش کند. نیازهای رزمی و تدارکات هم بررسی شد. این نیازها حجم عظیمی است و خرج زیادی تحمیل می‌کند. قرار شد دو هزار کمپرسی برای مهندسی هور تجهیز شود[1].

عصر فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند و با حضور فرماندهان سپاه، طرح عملیاتی منصور که از طرف ارتشی‌ها تنظیم شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. فرماندهان سپاه به آسانی آن را نمی‌پذیرند و کار عمده عملیاتی به عهده آنها است. کمیسیونی برای بررسی بیشتر از دو طرف تشکیل شد.

قبل از مغرب، چند دقیقه ای همراه با دکتر روحانی در حیاط خاکی گلف قدم زدیم. هوا به شدت گرم بود. روزها واقعاً بر مردم اهواز سخت می‌گذرد. شب برای جمع بندی مذاکرات دو روزه با فرماندهان سپاه جلسه‌ای داشتیم[2]. بد نبود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

پادگان‌های عراق پر از نیرو می‌باشد. اقدامات مهندسی دشمن در منطقه فاو تا رو به روی جزیره مینو و نفوذ عناصر شناسایی او به مواضع نیروهای خودی در سواحل اروند تا شلمچه، از موضوع‌های گزارش بعدی بود. در ادامه این جلسه، گزارش هایی نیز درباره وضعیت نیروهای خودی و مشکلات آنها از جمله کمبود مهمات، ادوات و تجهیز مهندسی به خصوص در خط فاو مطرح شد و سپس تصمیماتی به منظور رفع این مشکلات اتخاذ گردید.

۱ ـ به دنبال جلسه دیروز قرارگاه خاتم‌الانبیا و منتفی شدن طرح مانور پیشنهادی نیروی زمینی سپاه، برای عملیات آتی، امروز با حضور آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، و آقایان محسن رضایی فرمانده کل سپاه، محسن رفیق دوست وزیر سپاه، علی شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه، رحیم صفوی قائم مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه، غلامعلی رشید مسئول معاونت عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) و جانشین عملیاتی فرمانده کل سپاه، حسن روحانی رئیس ستاد کل پدافند، و محمد فروزنده مسئول مهندسی قرارگاه خاتم، جلسه‌ای دیگر برگزار شد که در آن مباحث دیروز پیگیری و تلاش شد تا بن‌بست طرح عملیات حل شود. در این جلسه فرمانده کل سپاه تلاش می‌کرد تا حاضران را به عملیات در این منطقه امیدوار کند. آقای محسن رضایی ضمن توجیه نقاط ضعف طرح عملیات پیشنهادی، گفت: "ما تلاش خواهیم کرد تا روی طرح قبلی برای حل مشکل عبور از تنگه کار کنیم و در هفته آینده نتایج را ارائه خواهیم داد". سرانجام پس از این دوره از بحث‌ها، تنها یک راه‌حل برای اجرای عملیات در منطقه ابوالخصیب (حیدر) باقی ماند و آن بازگشت به طرح توافق شده در ۱۳۶۵/۵/۷ بود.

در جلسه امروز همچنین در خصوص مشکلات پشتیبانی، مهندسی، تأمین نیرو و نیازهای لجستیکی بحث و تصمیماتی اتخاذ شد. در پایان این جلسه به منظور تسریع در کار، تقسیم وظایفی انجام گرفت که براساس آن مقرر شد تا فرمانده کل سپاه امور مربوط به عملیات در منطقه حیدر و توجیه یگان‌ها و تقویت پدافندی در جنوب را پیگیری کند و فرمانده عالی جنگ نیز مسائل مربوط به تأمین و پشتیبانی تدارکات این عملیات را حل کند. رجوع کنید ← کتاب "روز شمار جنگ ایران و عراق"، کتاب چهل و چهارم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ صفحه ۱۸۶

۲ ـ در این جلسه فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: "ما از عملیات کربلای یک تاکنون با مشکلات بسیار، جنگ را ادامه داده‌ایم و دچار عقب

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تلفنی با نخست وزیر و احمدآقا که در بیت امام جلسه سران داشتند، صحبت کردم و از نخست وزیر اجرای اموری در ارتباط با جنگ خواسته شد.

دوشنبه ۷ مهر ۱۳۶۵ | ۲۴ محرم ۱۴۰۶ ۲۹ Sept ۱۹۸۶

اول وقت فرمانده توپخانه سپاه و استاندار خوزستان برای امور جنگ آمدند. از جمله درباره زدن گلوله توپ به بصره و تعمیر قبضه‌های توپ و [تأمین] مسکن فرماندهان رزمنده در اهواز مذاکره کردیم. با آب سرد اهواز استحمامی نمودم که در اثر گرمی هوا به جای آب گرم قابل استفاده است.

ساعت هشت صبح با ماشین به سوی دزفول حرکت کردیم، ساعت ده رسیدیم. در محل پادگان نیروی زمینی جلسه‌ای با حضور فرماندهان لشکرها، قرارگاه‌ها، تیپ‌ها و سایر واحدها و بخش‌های نیروی زمینی داشتیم.

[سرهنگ حسنی سعدی] فرمانده نیرو صحبت کرد و بعضی از حضار حرف‌های خودشان را

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ماندگی سه ماهه‌ای در این خصوص می‌باشیم، به طوری که عدم تدارک یگان‌های عمل کننده این ذهنیت را در برخی فرمانده یگان‌ها ایجاد کرده که این کار تعمداً انجام می‌گیرد". آقای هاشمی نیز در این جلسه ضمن ابراز رضایت از موفقیت نیروی زمینی سپاه در استفاده از نیروهای وظیفه، برای تأمین نیرو و گسترش سازمان رزم سپاه گفت: "در این باره دست ما باز است و می‌توانیم باکمی فشار آمار مورد نیاز را برای انجام یک عملیات بزرگ تأمین کنیم. حداکثر نیاز مهندسی دو هزار دستگاه کمپرسی است که من شخصاً این مسأله را حل می‌کنم". در این باره فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: "از عملیات خیبر (۱۳۶۲/۱۲/۳) تاکنون در زمینه مهندسی یگان‌ها، ما هیچ اقدامی به منظور جایگزینی یگان‌های انهدامی انجام نداده‌ایم، لذا حالا در حال جمع‌آوری لودر و بولدوزر و دیگر امکانات نظیر آنها هستیم". آقای هاشمی در ادامه گفت: "به هر حال من و حاج محسن رفیق دوست تمام این مسائل را در حد مقدور دنبال می‌کنیم و ما تمام تلاش خود را انجام خواهیم داد و چنانچه انجام نشد، شما این کوتاهی را از جانب ما تلقی نکنید". آقای شمخانی گفت: "ما نمی‌گوییم کوتاهی می‌کنید، ولی مشکلاتی که باید در خردادماه حل شود، قرار است آذرماه حل شود و این برای ما فایده‌ای ندارد". آقای هاشمی در ادامه این جلسه گفت: "ما تمامی امکانات کشور را بسیج کرده‌ایم تا عملیات آتی را انجام دهیم". در این خصوص فرمانده کل سپاه ضمن تعیین شروطی برای عملیات موفق در این منطقه، گفت: "اگر شما به قول‌های خودتان در خصوص تأمین به موقع تجهیزات مهندسی و مهمات و همچنین حضور بیشتر در جبهه‌ها عمل کنید، ما قول یک عملیات موفق را به شما خواهیم داد". آقای هاشمی در پاسخ ضمن قبول موارد یاد شده گفت: "بیشتر پشتیبانی را به عهده من بگذارید و من در کنار شما خواهم بود". در خاتمه این جلسه و در پی توافق فرمانده نیروی زمینی سپاه ضمن اشاره به توانایی فرماندهان سپاه برانجام دادن امور، افزود: "شما اطمینان داشته باشید که هر کار نشدنی را به شدنی تبدیل خواهیم کرد و این کار را با هر وسیله ممکن (فشار، ایثار و...) عملی خواهیم کرد". وی افزود: "ما برای این کار هم شجاعت لازم و هم سابقه لازم را داریم و ان شاءالله ما به قدرت الهی مشکلات انقلاب را حل خواهیم کرد و شکی در این مورد نداشته باشید". آقای هاشمی در پاسخ گفت: "من هیچ شکی ندارم که شما از ما جلوتر هستید و ممکن است ما به دلایلی در کارمان کوتاهی کنیم ولی شماها کوتاهی نمی‌کنید. با این تقسیم کار می‌خواستم تا هر کس تکلیف خود را بداند و الا ما می‌دانیم که شما کوتاهی نخواهید کرد و شما همه هستی خود را برای جنگ گذاشته‌اید".

بیشتر در جهت نیازها گفتند و من مفصلاً صحبت کردم و توضیحاتی دادم. در مجموع جلسه مفیدی بود. به نظر می‌رسد تمایل به جنگیدن بعد از آمدن فرمانده جدید زیادتر شده و منسجم‌تر شده‌اند. نماز را به جماعت خواندیم و ناهار دسته جمعی خوردیم. سپس استراحت کردم و تا ساعت شش بعد از ظهر درباره امور جنگ مذاکره داشتیم.

ساعت شش ونیم به جمع خلبانهای پایگاه چهارم دزفول رفتم. به سخنان فرمانده پایگاه و خواسته‌های خلبان‌ها گوش دادم. بیشتر آنها روی تهیه منزل شخصی برای خلبان‌ها متمرکز بود. خواسته آنها را پذیرفتم و قول کمک دادم و سخنان مفصلی برای تقویت روحیه و امیدشان گفتم[1]. از همان جا علی‌رغم خطرناک بودن پرواز ـ به خاطر احتمال حمله عراق ـ با دو هواپیمای کوچک جت استار و فالکن به تهران پرواز کردیم.

سه‌شنبه ۸ مهر ۱۳۶۵ | ۲۵ محرم ۱۴۰۶ | ۳۰ Sept ۱۹۸۶

اول وقت به مجلس آمدم. در دو سه روز گذشته هم، خلاصه گزارش‌ها را به خوزستان می‌دادند و می‌دیدیم. مطلب مهمی ندارد. در جلسه علنی مجلس تا ساعت نه ونیم ماندم و سپس به دفترم آمدم.

آقای عبدالله نوری آمد و در مورد کم کردن پرسنل غیر نظامی ارتش پیشنهاد داشت. سرهنگ ترابی آمد و پیشنهادهایی در جهت حمایت از نیروی زمینی ارتش برای انجام عملیات گسترده داد.

ظهر جمعی از علمای اهل سنت از لارستان، بندرلنگه، قشم، بندرعباس و ... آمدند. اظهار

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "شهدای زیادی که ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول دفاع امت اسلامی در مقابل متجاوزان تقدیم کرده و اکنون تصاویر شماری از آنان را در این محل شاهد هستیم، دلیل تعهد و وفاداری ارتش به انقلاب و اسلام است. اعتمادی که مردم و مسئولان به ارتش و نیروی هوایی دارند، با خیانت چند عنصر دنیاطلب متزلزل نمی‌شود. امروز نیروهای مسلح ما، از نظر وضعیت نظامی، آمادگی رزمی و لجستیکی و تجهیزات در بهترین شرایط در طول شش سال دفاع خود و در نقطه مقابل زمان شروع تجاوز دشمن قرار دارند و در مقابل، دشمنان ما در تزلزل بسیار شدیدی درگیرند و هر لحظه در انتظار هجوم رزمندگان اسلام می‌باشند. اکنون دشمنان ما، خواب آرام ندارند و پیوسته در این نگرانی‌اند که امشب، فردا شب، این هفته و یا ماه دیگر، نیروهای اسلام آنان را مورد حمله قرار دهند. با وجود اینکه قدرت‌های استکباری، دشمن ما را از نظر تجهیزات و سلاح یاری می‌دهند، خلبانان و متخصصان ما، از هواپیماها و امکانات خود به بهترین وجه استفاده کرده، قطعه‌های بسیاری را که مورد نیاز بوده است، ساخته‌اند. نقش خلبانان و هوانیروز و شبکه‌های پدافند هوایی در عملیات پیروزمند «والفجر ۸» ارزنده بود و در عملیات آینده نیز نیروی هوایی بایستی کماکان آمادگی خود را حفظ کرده، نقش اساسی خود را در ضربه زدن به دشمن ایفاء کند. نیروی هوایی ما می‌بایست در عملیات مقابله به مثل بر حقی که صورت می‌گیرد، بر دشمن ضربه وارد کند و البته، سیستم‌های موشکی و توپخانه‌های قدرتمند رزمندگان اسلام نیز نقش خود را ایفاء خواهند کرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵، " دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

وفاداری به انقلاب نمودند و خود را از همکاری با دولتهای خارجی تبرئه کردند. گفتند کمک‌هایی که از خارج برای مدارس اهل سنت می‌رسد، کمک سنی‌های ایرانی مقیم شیخ‌نشین‌ها است و نه از دولت‌ها. از توسعه مدارس اهل سنت بعد از انقلاب، اظهار رضایت کردند. آنها دو میلیون ریال به جبهه‌ها کمک کردند[1].

عصر به جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نرفتم و گزارش‌های چند روز گذشته را که به علت مسافرت ندیده بودم، خواندم. تلفنی از نخست وزیر خواستم که چهار میلیارد تومان به نیروی زمینی ارتش برای جبران فوق‌العاده عملیات عقب افتاده و سازمان صنایع نظامی بپردازد. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۶۵ | ۲۶ محرم ۱۴۰۶ — 1 October ۱۹۸۶

آقای [مصطفی] کفاش‌زاده به منزل آمد و از قول یک دلال اسلحه ادعا کرد، یکی از افراد موثر نیروی هوایی از او رشوه خواسته است. به دکتر روحانی گفتم موضوع را سریعاً تعقیب کنند.

---

۱ ـ مدرسان و مسئولان مدارس علوم دینی اهل سنت استان هرمزگان و جنوب فارس، پس از بازدید از منطقه آزاد شده فاو و دیدار با رزمندگان اسلام در این شبه جزیره، با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار، شیخ محمد صالح ضیایی امام جمعه اهل سنت بندرعباس، ضمن سخنانی پیرامون مسائل سیاسی جهان اسلام، حمایت جمهوری اسلامی ایران از روحانیون و مدرسان اهل سنت را مورد قدردانی قرار داد. ایشان سپس با اشاره به مسأله جنگ تحمیلی، گفت: "صدام نمی‌تواند مسلمان باشد، بلکه از دشمن معمولی اسلام هم بدتر است. صدام، چند استان میهن ما را ویران کرد و این همه آواره به جای گذاشت. حتی اگر دو همسایه غیرمسلمان هم بودند، حق همسایگی باید رعایت می‌شد، اما صدام آن قدر بی‌وجدان بود که حتی از یک کافر معمولی هم پا فراتر نهاد". آنگاه آقای هاشمی ضمن تشکر، این‌گونه کمک‌ها را سند همکاری و اتحاد شیعه و سنی خواند و تحلیل و بررسی امام جمعه اهل سنت بندرعباس، از مسائل را بسیار خوب و منطقی توصیف کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "تلاش جوانان اهل سنت را که مدرسه‌ها را اداره می‌کنند، مایهٔ امیدواری است. ما روحانیان، معتقدیم عمده پیروزیهایی که به دست آورده‌ایم، در سایه فعالیت طلبه‌های جوان بوده است. ما انقلاب را برای جهان اسلام خواسته و می‌خواهیم و تنها آن را برای خودمان و شیعیان نمی‌خواهیم. شیعه از جهت آماری، حدود یک دهم جمعیت مسلمانان دنیا را تشکیل می‌دهد. به فرض که ما همه شیعیان را انقلابی کنیم و همه‌جا انقلاب شیعی شود، انقلاب اسلامی کامل نخواهد شد، مگر آنکه دنیای اسلام با ما همراه باشد. اگر دنیای اسلام، به‌گونه متحد، انقلاب کنند، در برابر دشمنان اسلام جبهه نیرومندی را تشکیل می‌دهند. در زمان جوشش انقلاب اسلامی و قبل از پیروزی، سخنان علمایی مثل سیدقطب، علمای الازهر، الجزایر و دیگر علمای اسلامی بازگو می‌شد. این گونه نبود که ما تحجر داشته باشیم و بگوییم چون آنها سنی‌اند و ما شیعه، بنابراین نباید سخنان آنها را برای مردم بگوییم. زمانی در حوزه علمیه قم، واعظان ما، مسلح به افکار انقلابیون سنی در کشورهای عربی بودند. کتابهای آنها ترجمه می‌شد و مقاله‌هایی بر اساس افکار آنان نوشته می‌شد و اکنون نیز، همین طور فکر می‌کنیم. ما آرزومندیم، یک دانشگاه دینی در سطح بالا برای اهل سنت ایجاد شود که طلبه‌های اهل سنت نیاز نداشته باشند، تحصیلات خود را در کشورهای دیگر ادامه بدهند، بلکه از دیگر نقاط نیز به کشور ما بیایند. ان‌شاءالله روزی این مهم را با امکانات دولتی و با استفاده از وجوه شرعی انجام خواهیم داد. ما همکاری با اهل سنت ایران و خارج از ایران را بر خود لازم می‌دانیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

آقایان [ابراهیم] سنجقی و [حمید] نقاشیان آمدند. اولی نامه‌هایی برای امضاء در امور جنگ آورد و دومی ادعا دارد که شرکت‌های ژاپنی می‌خواهند پنج میلیارد دلار نفت بخرند؛ پول نقد بدهند و نفت را در آینده به قیمت روز بگیرند، به علاوه بهره. آقای ترابی برای امور جنگ آمد. رفیق‌دوست برای امضای جواز خرید اقلام تسلیحاتی و پول استقراضی برای جنگ از بانک [مرکزی] آمد.

آقای نخست وزیر، تلفنی از طرح مقررات کمیسیون اصل نود که نسبت به وزرا سخت‌گیری دارد، به تلخی انتقاد کرد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. چون مصوبات هیأت رئیسه در دفتری ثبت می‌شود، معمولاً اینجا در خاطرات نمی‌نویسم، مگر اینکه موضوع مهمی باشد.

شب سران قوا مهمان نخست وزیر بودند. وزیر نفت که از عربستان و کویت برگشته بود، گزارش‌های خوبی داشت[1]. ملک فهد اعلام کرده بود که صدور نفت عراق از طریق عربستان قطع شده و دیگر سعودی کمکی به عراق نمی‌کند و موافق حذف صدام است و می‌خواهد روابطش را با ایران حسنه کند. قرار شده فرآورده نفتی از سعودی بخریم.

او پیشنهاد کرده یک هفته جنگ را متوقف کنیم و قول داده که در پایان آن، صدام را کنار می‌گذارند. قرار شد در خصوص کیفیت این امر مذاکره شود. کویتی‌ها ابتدا شدید برخورد کرده‌اند، ولی با برخورد تند آقازاده، کوتاه آمده‌اند. در مورد زدن موشک به کشتی‌ها در بندر کویت و سهمیه‌بندی بنزین[2] و استقراض از بانک‌های داخلی و برنامه‌های جنگ مذاکره شد. دیر وقت به خانه رفتم.

---

۱ ـ خبرگزاری رویترز گزارش داد: "به گفته منابع نفتی و کشتیرانی خلیج [فارس]، خسارات ناشی از حمله هوایی عراق به ترمینال نفتی جزیره خارک، از اوایل ماه اوت گذشته [اواسط مرداد] میزان صادرات نفت ایران را به نصف کاهش داده است. از سوی دیگر، ظرفیت صدور نفت ایران از این جزیره پس از حمله ماه گذشته عراق، از یک میلیون بشکه در روز به حدود نیم میلیون بشکه محدود شده است. گرچه حدود ۲۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز از صادرات نفت ایران از طریق انبارهای شناور در نزدیک جزیره خارک انجام می‌گیرد ولی با این حال مجموع صادرات نفتی روزانه ۷۰۰ هزار تا ۸۰۰ هزار بشکه‌ای ایران در مقایسه با میزان صادرات این کشور تا اوایل ماه اوت گذشته، به نصف کاهش پیدا کرده است. بنا به گزارش نشریه بررسی اقتصادی خاورمیانه (مید)، در هفته جاری میزان صادرات نفت ایران تنها ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. این نشریه حداکثر میزان صادرات نفتی ایران در ماه سپتامبر را یک میلیون و ۴۲۵ هزار بشکه در روز برآورد کرده است که این میزان نسبت به سقف دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز که توسط اوپک برای ایران تعیین شده است، حدود یک میلیون بشکه کاهش نشان می‌دهد".

۲ ـ به دنبال اعلام رسمی طرح جیره‌بندی و کوپنی شدن بنزین، صفوف طویل خودروهای سواری در اغلب شهرهای کشور از جمله اصفهان، همدان، بندرعباس، سنندج و چند شهر دیگر تشکیل شد. وزیر نفت در این باره گفت: "این اقدام موقتی است ولی توسل به آن لازم گشته تا در مصرف فرآورده‌های نفتی صرفه‌جویی شود و ذخایر استراتژیک کشور به مصرف نرسد".

پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۶۵ | ۲۷ محرم ۱۴۰۶ — 2 October ۱۹۸۶

تا ساعت هفت ونیم صبح گزارش‌ها را خواندم. تا ده ونیم در جلسه علنی بودم. طرح اختیارات کمیسیون اصل ۹۰ مطرح است و دولت سخت مخالف آن است، ولی اکثریت نمایندگان موافقند و کاری نمی‌شود کرد.

پیش از ظهر به کارهای جنگ پرداختم. ظهر خانم دباغ و آقای یونس محمدی آمدند. عصر آقای حلیمی نماینده امام در پاکستان ـ که به جای آقای سید حسن طاهری در پاکستان مانده ـ آمد و گزارش کارهای خود را داد و از نیاز دانشجویان ایرانی در پاکستان به کمک ارزی گفت.

[آقای مسعود روغنی زنجانی] وزیر برنامه و بودجه و معاونان آمدند. گزارش برنامهٔ آمارگیری نفوس و مسکن را دادند و خواستند که در نماز جمعه از مردم بخواهیم همکاری کنند[1]. [آقای محمد سعیدی‌کیا] وزیر راه و معاونان آمدند. گزارش عملکرد دادند و به خصوص در مورد پل والفجر روی اروند و پل دریاچهٔ ارومیه مذاکره شد. آقای رحمانی و مسئولان بسیج آمدند و گزارش کار دادند. برای آنها صحبت کردم.

جمعه ۱۱ مهر ۱۳۶۵ | ۲۸ محرم ۱۴۰۶ — 3 October ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم صبح در منزل برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. نماز جمعه را اقامه نمودم[2]. در

---

۱ ـ در این دیدار که آقای روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه همراه با آقای جمشیدی رئیس ستاد سرشماری کشور و آقای الویری معاون امور مجلس وزارت برنامه و بودجه حضور داشتند، گزارشی از کارهای اجرایی که تاکنون انجام شده و برنامه زمان‌بندی برای اجرای سرشماری و همچنین برنامه‌های آتی ارائه شد. همچنین در رابطه با ضرورت و اهمیت سرشماری، همکاری مردم و نقش سرشماری در توسعه بازسازی و برنامه‌ریزی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور گفتگو شد. آنگاه آقای هاشمی بر ضرورت و اهمیت سرشماری تأکید کرد و یادآور شد که لازم است صدا و سیما و مطبوعات در مورد اهمیت سرشماری و آگاه نمودن مردم در این زمینه فعالانه وارد میدان شوند.

۲ ـ آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه به احتمال تغییر موضع حامیان صدام، فشارهای سازمان ملل و کشورهای متعدد بر جمهوری اسلامی برای مصالحه با صدام، مواضع برخی عناصر داخلی در مخالفت با جنگ و سیاست اخیر دولت مبنی بر سهمیه‌بندی بنزین اشاره کرد و تنها راه رسیدن به اهداف جنگ را تجهیز و تأمین نیروهای ۵۰۰ گردان رزمی دانست. ایشان ابتدا دربارهٔ تغییر موضع حامیان صدام گفت: "بعضی از حامیان بسیار جدی صدام به ما اطلاع دادند که کمک‌هایشان را قطع کرده‌اند و می‌خواهند رابطهٔ خود را با عراق قطع بکنند که این مسأله برای ما مقطع جدیدی را باز می‌کند. در ابتدای جنگ که احتمال پیروزی ایران را نمی‌دادند، دشمنان خیلی حرف‌ها می‌زدند اما هنگامی که آشکار شد ایران طرف پیروز این نبرد است، شروع کردند به بیان این مطلب که این جنگ آدم‌کشی است و جنگ مسلمان با مسلمان است". ایشان همچنین پس

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پایان دعا کردم و در دعا برای مرضای مسلمین، مریض منظور گفتم. چون چنین دعائی از من در نماز جمعه، کم سابقه یا بی سابقه بود، خیلی‌ها حدس زدند که امام مریضند و مراجعات تلفنی زیادی داشتیم.

شب اخوی زاده محمد و آقای توکلی آمدند. در مورد سهام شرکت البرز قم و برنامه آینده آن و اقدامات عمرانی و کشاورزی در آنجا مذاکره شد.

آقای رحیم صفوی تلفنی از انجام عملیاتی با همکاری طالبانی‌ها در خاک عراق در جادهٔ دیانا علیه یک مرکز نظامی عراق گفت[1] و برای تخلیه مجروحان، هلی‌کوپتر خواست. به سرهنگ ترابی گفتم به نیروی زمینی بگوید، پنج هلی‌کوپتر در اختیار قرارگاه حمزه بگذارند.

شنبه ۱۲ مهر ۱۳۶۵ | ۲۹ محرم ۱۴۰۶ — ۴ October ۱۹۸۶

بعد از نماز تا ساعت هفت ونیم گزارش‌ها را خواندم. احمد آقا و آقای خامنه‌ای برای هماهنگی در مطالبی که بنا بود خدمت امام مطرح شود، آمدند. ساعت هشت خدمت امام رسیدیم. حالشان خوب است.

درباره پیشنهاد ملک فهد در خصوص توقف یک هفته‌ای جنگ به منظور مهلت دادن به نظامیان عراق، برای رفتن به بغداد و سرنگونی صدام صحبت شد. موافقت کردند که موضوع را تعقیب کنیم که برنامه و هدف آنها روشن شود و اگر جدی بود، تعطیل یک هفته را ـ که عنوان آتش بس نداشته باشد ـ را ممکن دانستند. درباره زدن یک موشک ساحل به دریا به بندر کویت بحث شد؛ آقای خامنه‌ای مخالفند و امام هم موافقت نفرمودند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

از تأیید سیاست اخیر دولت در مورد سهمیه‌بندی بنزین، گفت: "در حال حاضر روزانه سه میلیون لیتر بنزین وارد کشور می‌شود و بابت آن دلار پرداخت می‌گردد. عاقلانه نیست در شرایط فعلی اقتصادی، روزانه این قدر بنزین وارد شود". آقای هاشمی با توجه به هزینه‌های هنگفت تمام شده برای مواد سوختنی افزود: "مصرف بی رویه و غیرضروری بنزین در این شرایط درست و منطقی نیست. البته این سهمیه‌بندی موقتی و مقطعی خواهد بود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ پیشمرگان حزب الله کرد عراق که قرارگاه رمضان آنها را پشتیبانی می‌کند، طی یک عملیات در کردستان عراق در محور دیانا - مرگه سور، موفق شدند گردان واسط ارتش عراق را در عمق ۴۵ کیلومتری خاک این کشور، منهدم کنند. در این عملیات که از ساعت ۱۱ دیشب آغاز و تا اولین ساعات بامداد امروز ادامه داشت، ضمن انهدام کامل این گردان، کلیه پایگاه‌های تابع آن در محور دیانا - مرگه سور تصرف شد و نیروهای عراقی مستقر در آنها به اسارت درآمدند. در طول این عملیات، جادهٔ دیانا - مرگه سور در کنترل کامل پیش مرگان حزب الله کردستان قرار داشت. در جریان انهدام گردان مزبور، بسیاری از تجهیزات نیروهای دشمن منهدم شد و یا سالم به غنیمت پیشمرگان حزب الله کرد عراق در آمد. در میان اسیران عراقی چند تن از فرماندهان این گردان نیز به چشم می‌حورند.

دربارهٔ مسأله سید مهدی هاشمی و مرکز مخفی آنها ـ که اخیراً کشف شده ـ صحبت شد[۱]. نظر امام این است که تعقیب شوند و به آقای منتظری هم گفته شود که دخالت نکنند و نهضت‌ها هم از آنها گرفته شود. ما گفتیم ممکن است تعقیب قضیه، به افراد نزدیک بیت آیت‌الله منتظری منجر شود. پیشنهاد کردیم که کوتاه بیائیم ولی امام اصرار داشتند و قرار شد خودشان مطلب را به آیت‌الله منتظری بفرمایند[۲].

ساعت ده صبح به مدرسه شهید مطهری رفتم. جمع زیادی از روحانیون جمع بودند. برای آنها سخنرانی مفصلی درباره جنگ و ضرورت شرکت روحانیون در جبهه‌ها کردم[۳]. ظهر به مجلس رسیدم.

عصر آقایان سرهنگ جلالی و کنگرلو برای مسائل خریدهای نظامی مراجعه کردند. خبر دادند که عراق به دو کارخانه قند در خوزستان حمله کرده و ۲۷ نفر شهید و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح داشته‌ایم[۴]. قرار شد که به عنوان مقابله به مثل، بصره را گلوله باران کنند. شب در مجلس ماندم.

---

۱ ـ سید مهدی هاشمی پیش از پیروزی انقلاب با همدستی چند تن از طرفدارانش در بخش قهدریجان اصفهان به اتهام قتل آقای شمس آبادی امام جماعت مسجد سید اصفهان و چند نفر دیگر دستگیر و در دادگاه جنایی اصفهان (در اسفندماه سال ۱۳۵۵) محاکمه گردید. وی پس از پیروزی انقلاب آزاد شد و تحت عنوان کمک به سازمان‌های آزادیبخش، سمت‌هایی را احراز کرد. او سپس به اتهام چند فقره جنایت و ارتکاب اعمال دیگر تحت تعقیب قرار گرفت و پس از دستگیری و اعتراف به قتل‌های تکان دهنده ـ که اعترافات وی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید ـ محاکمه و به اعدام محکوم و حکم صادره نیز اجرا گردید. حمایت آقای منتظری از ایشان ـ علی‌رغم تذکرات مکرر امام خمینی و دلسوزان انقلاب ـ که به دلیل نفوذ همفکران وی در بیت آقای منتظری، به ویژه تلاش‌های سید هادی هاشمی ـ داماد آقای منتظری و برادر سید مهدی هاشمی ـ یکی از دلایل متعددی بود که سرانجام منجر به برکناری ایشان از قائم مقامی رهبری گردید.

۲ ـ به دنبال برخی فعالیت‌های اطلاعاتی و قضایی در رسیدگی به تخلفات مهدی هاشمی، امام خمینی در این روز طی نامه‌ای آیت‌الله منتظری را از مخالفت با اقدامات انجام شده و نیز حمایت از نامبرده برحذر داشت. امام خمینی (ره) در بخشی از نامه خود چنین آورده‌اند: "من تأکید می‌کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است والا هیچ عکس‌العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد اتهام، حتمی است. سلامت و توفیق جناب عالی را خواهانم." متن کامل نامه در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۳ ـ آقای هاشمی که به دعوت جامعه روحانیت مبارز تهران در جمع روحانیون، چند تن از فقهای شورای نگهبان و جمعی از نمایندگان مجلس در مدرسه عالی شهید مطهری سخن می‌گفت، با اشاره به سبعیت رژیم عراق و نقض بی پروای مقررات و قوانین بین‌المللی و استفاده بی حساب از سلاح‌های شیمیایی، حمله به هواپیماهای مسافری در آسمانها و کشتی‌ها در دریاها و ویران ساختن شهرها و آبادیهایی مانند سوسنگرد و هویزه، بر ماهیت دفاعی ادامه جنگ از سوی ایران تأکید کرد و خاطرنشان ساخت: "در شرایطی که قدرت‌های جهانی و رژیم‌های منطقه از رژیم عراق حمایت مالی و سیاسی تسلیحاتی می‌کنند، اگر رژیم عراق به حال خودگذاشته شود با تقویت خود، مجدداً یک جنگ چند ساله دیگر را بر ما تحمیل خواهد کرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۴ ـ در این روز دو کارخانه قند واقع در دزفول و جاده اهواز ـ اندیمشک و همچنین شرکت کشت و صنعت کارون در حومه شهرستان شوشتر مورد حمله قرار گرفت که بر اثر این حملات، ۲۴ تن از افراد غیرنظامی شهید و ۱۸۵ تن مجروح شدند. در این حمله‌ها یک فروند از هواپیماهای عراقی هدف قرار گرفت و سرنگون شد. چهار هواپیمای عراقی در ساعت ۱۵:۰۵ بعد از ظهر امروز کارخانه قند دزفول را مورد تهاجم قرار

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۶۵ | ۳۰ محرم ۱۴۰۶ — 5 October 1986

تا ساعت ده ونیم در جلسه علنی بودم. در دفترم آقای [عبدالله]نوری نمایندهٔ امام در جهاد آمد. از عدم همکاری سپاه با پیشنهاد شوراهای روستائی جهاد[1] در اعزام نیرو گله داشت. آقای نادی [نجف‌آبادی] آمد و پیشنهاد تلاش وزارت خارجه برای ابقای سوئدی‌های پیمانکار کارخانجات شیمیائی صنایع دفاع اصفهان داشت. آنها در اثر بمباران گذشته عراقی‌ها، می‌خواهند بروند و کار نزدیک به خاتمه را معطل بگذارند.

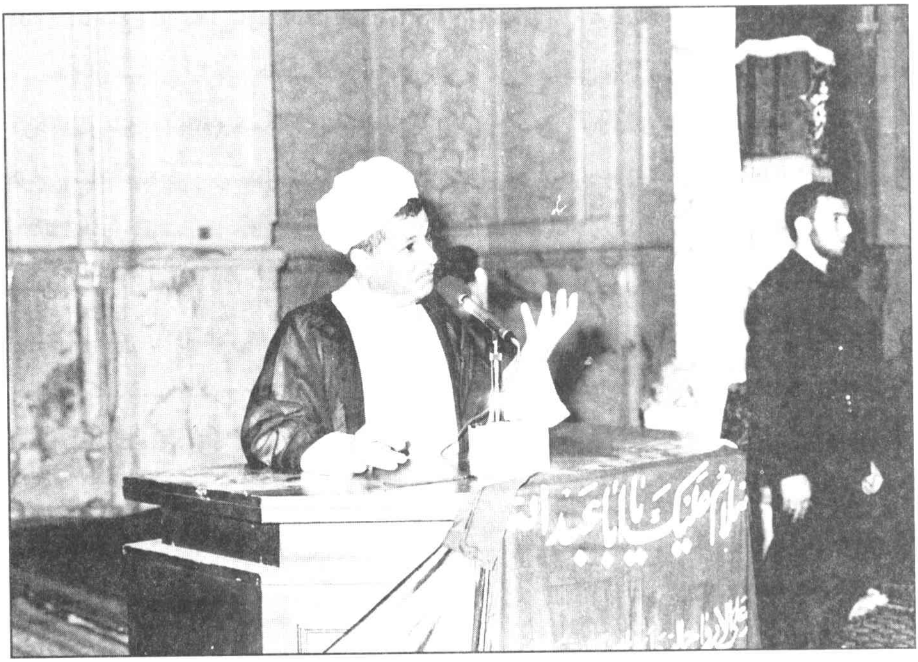
آقای [مهدی] مهدوی [نماینده بابلسر] طرحی برای نحوه [توزیع] برنج‌های شمال مطرح کرد. به طرح بسیج اقتصادی انتقاد داشت. آقای [غلامعلی] شهرکی [نماینده زابل] آمد. از آقای [صادق] خلخالی [نماینده قم] گله داشت و آقای خلخالی هم از اظهارات امروز صبح ایشان شاکی بود.

با دکتر روحانی در امور جنگ و خریدهای نظامی مذاکره کردیم و خبر داد که امروز نیروی هوایی، یک کارخانه مهم حریربافی عراق را در شهر کوت، به تلافی حملات دیروز عراق زده است. آقای سنجقی اطلاع داد که امشب قرارگاه رمضان، عملیات مهم نفوذی‌اش را انجام می‌دهند.

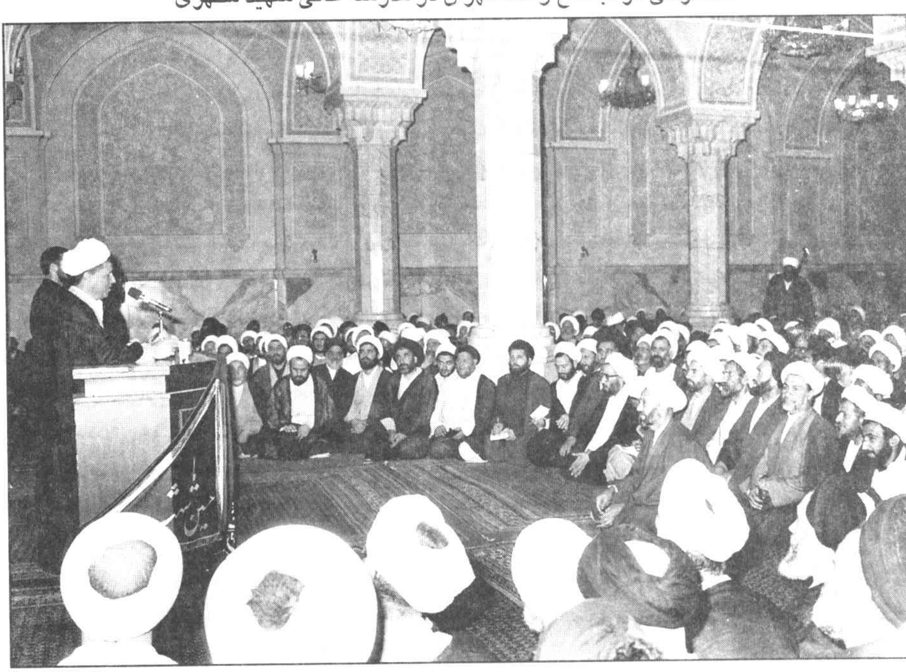
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دادند که منجر به شهادت ۲ تن و مجروح شدن ۲۰ تن گردید. در این حمله کوره تفاله چغندر قند و چند قسمت دیگر از کارخانه هدف قرار گرفت. هواپیماهای عراقی در حدود ساعت ۱۴:۵۰ نیز کارخانه قند و تصفیه شکر واقع در جاده اهواز - اندیمشک را بمباران کردند که بر اثر آن، یک تن شهید و ۱۵ تن مجروح شدند و خساراتی جزئی به کارخانه وارد آمد. شش فروند از هواپیماهای عراقی ساعت ۱۴:۵۰ شرکت کشت و صنعت کارون (در حومه شهرستان شوشتر) و شهرک کارگری این شرکت (شهرک بوستان) را مورد حمله قرار دادند که علاوه بر وارد آمدن خساراتی به تأسیسات و انبارهای شرکت، ۲۱ تن از کارکنان این شرکت و خانواده‌های آنها شهید و ۱۵۰ تن مجروح شدند که در میان آنها تعدادی کودک به چشم می‌خورد. در این حمله، هواپیماهای دشمن با مسلسل انبارها و محوطه شرکت را به رگبار بستند و در هنگام گریز از منطقه، تعدادی راکت به مزارع نیشکر پرتاب کردند که موجب آتش سوزی شد. در حمله هواپیماهای عراقی به شرکت کشت و صنعت کارون، یکی از این هواپیماها از نوع «سوخو» به وسیله پدافند هوایی مستقر در این منطقه هدف قرار گرفت و سرنگون شد.

۱ - در دومین روز از کنفرانس بررسی نقش مشارکت و بسیج مردم در خودکفایی کشاورزی و سازندگی روستاها، پیام آقای هاشمی خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس قرائت شد. در بخشی از این پیام آمده است: "در تداوم روند تکاملی انقلاب اسلامی و صلابت پیروزی رزمندگان اسلام، آمیختن خون سرخ شهادت و خط سبز جهاد صحنه‌های شگفتی از عروج بندگان خالص خدا پیش روی فرشتگان بارگاه الهی (که آفرینش انسان آنان را به تعجب واداشته بود) خلق کرده و پیک مشتاقان جهاد سرود فتح قریب رزمندگان اسلام را در صور دمیده و محرومان و مستضعفان دیار حق را به نزول رحمت الهی بشارت می‌دهد. جهاد سازندگی از میان نهادهای خودجوشی که بنابر ضرورت‌های جامعه انقلابی ما به‌وجود آمده یکی از موفق‌ترین الگوهای سازندگی کشور را ارائه نموده و با اقشار مختلف جامعه سروکار داشته و در بکارگیری نیروهای مؤمن به انقلاب موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده است. تلاش‌های صادقانه و خستگی‌ناپذیر جهادگران در میادین گوناگون سازندگی و شرکت جانانه آنان بر رزمگاه‌های مقابله با کفر جهانی چهره وجیه این نهاد مقدس را جلوه‌ای جذاب داده و سرمایه عظیمی از اعتماد توده‌های میلیونی به آن بخشیده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم." به انضمام پیام‌ها. دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷



سخنرانی در اجتماع وعاظ تهران در مدرسه عالی شهید مطهری



عصر جمعی از انجمن‌های اسلامی بانکها آمدند و خواهان کمک به وزیر اقتصاد در برکنار کردن آقای [محسن] نوربخش از ریاست بانک مرکزی بودند. توصیه به همکاری کردم.

معاونان سیاسی استاندارها همراه با [آقای علی اکبر محتشمی‌پور] وزیر کشور آمدند. صحبت کردم و توصیه به اتحاد و همکاری با سلیقه‌های گوناگون نمودم[1]. [آقای موسی رفان] فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. گزارش کامل تشکیلات و امکانات نیروی نوبنیاد را داد و قول کمک‌هائی گرفت.

شب سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودند. احمدآقا نامه امام به آیت‌الله منتظری را آورده بود که ضمن تجلیل زیاد از آقای منتظری، از ایشان خواسته بودند که در مورد تعقیب اتهامات آقای سید مهدی هاشمی و دوستانش همکاری کنند و حداقل سکوت اختیار نمایند[2]. به آقای ری‌شهری هم گفته‌اند که تعقیب را شروع کند. آقای ری‌شهری حادثه کاردار سفارت سوریه را توضیح داد و درباره مسئول نهضت‌های آزادیبخش صحبت شد.

دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۶۵ | ۱ صفر ۱۴۰۶   6 October 1986

در منزل بودم. بیشتر وقتم با مطالعه گذشت. عصر خبر رسید که عراق به چند مرکز نفتی مثل بیدبلند،

---

۱ ـ در این دیدار آقای محتشمی وزیر کشور گزارش سمینار معاونان را به اطلاع ایشان رساند و سپس آقای هاشمی با اشاره به فعالیت وزارت کشور در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و ناهماهنگی سیاست‌هایی که موجب فرصت‌طلبی گروه‌های متفاوت در نقاط مختلف کشور می‌شد، گفت: "امروز، بحمدالله، دیگر یک نظام وجود دارد، ولی آنچه کم‌وبیش هست شاید مشکل وزارت کشور و خیلی جاهای دیگر نیز باشد، این است که هنوز حدود و ثغور مسئولیت‌ها، به ویژه کارهای سیاسی که تقسیم مادی و مرز جغرافیایی زیاد ندارد تداخل وظایف در امور فرهنگی، و اجتماعی زیاد به چشم می‌خورد و قاعدتاً، مشکل وزارت کشور هم هست. اما، به هر حال، از جمله مسئولیت‌هایی بود که شورای انقلاب به عهدهٔ استانداران گذاشت. تصویب هیأت دولت در مورد انتخاب استانداران، شرط سپردن اختیارات و قدرت بیشتر معلول شرایط غیرمتمرکز آن زمان بوده است. تصور می‌شد، شیوه کار به گونه‌ای باشد که بخش‌های دولتی وزارتخانهٔ دیگر یک نوع تمرکز در ارتباط با او داشته باشند، هیأت دولت، استانداران را تعیین می‌کرد و وزرا با مدیران کل در امور خاص استانداران هماهنگی می‌کردند. کاری که به شما نمایندگان سیاسی وزارت کشور در استانداریها مربوط می‌شود، بسیار ظریف است. امروز، در شرایط جنگ، وحدت و هماهنگی، در شمار نخستین نیازهای جامعهٔ ماست. ما، هنوز به طرف تثبیت و جا انداختن سازمان‌های کشورمان در شرایط انقلاب و هماهنگی آنها پیش می‌رویم که مهم‌ترین الزام برای ما، در این جهت، هماهنگی و وحدت است. چیزی که ما به طورکلی می‌فهمیم، این است که در مسئولان سطح بالای کشور، از وزراء گرفته تا معاونان آنها، استانداران، معاونان، فرمانداران و مدیران کل، حسن‌نیت وجود دارد و نوعاً دیده نمی‌شود که دلسوزی نباشد. اگر هم باشد، ناشناخته است. مطمئن هستم که در همه سطوح، دلسوزی برای انقلاب وجود دارد. اگر عدم دلسوزی باشد، در رده‌های پایین، آن هم در شناخته‌هاست، اکثر مسئولان ردهٔ بالا، تا آنجا که من می‌دانم، در قید اضافه کار و حق جلسه گرفتن نیستند، بلکه سعی می‌کنند کارشان را انجام دهند. مشکل ما، اکنون، ناهماهنگی در سلیقه‌هاست. ما، شیوهٔ غربی‌ها را به آن صورت نظام حزبی نداریم که حزبی انتخاب می‌شود و بقیه، دیگر توقعی نداشته باشند که فکر کنند حالا که مردم به آنها رأی دادند، دیگر ما شکست خورده‌ایم و کنار می‌رویم. آنجا، حزبی که شکست می‌خورد، دیگر توقعی ندارد و می‌رود دنبال برنامه‌ریزی و تبلیغات برای پیروز شدن در دورهٔ بعد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ این نامه در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

بوشهر، اهواز، اسکله آذرپاد و مارون‌ها و کارخانه کاغذ سازی پارس حمله کرده و خساراتی وارد شده[1] و حمله‌ای که دیشب قرار بود قرارگاه رمضان به مراکز نفتی عراق داشته باشد، انجام نیافته است. گویا مانع داشته‌اند، به تاخیر افتاده است.

شب آقای مهدیان آمد. در مورد پولی که از میراث [ابولفضل] تولیت در بانکهای لندن مانده و به خاطر اختلاف وراث نمی‌توانند برگردانند ـ با اینکه پول از وراث نیست و خیریه است ـ صحبت شد. قرار شد خانم تولیت اقرار کند که از خیریه است، تا برای گرفتن آن کمک کنیم. اقرار نامهٔ ناقص آورده بود. خواستار شرکت من در مراسم دانشگاه امام صادق(ع) بود.

سه‌شنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۵ | ۲ صفر ۱۴۰۶ — ۷ October ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم در جلسهٔ علنی مجلس بودم. پیش از ظهر جمعی از نمایندگان که به جبهه رفته بودند، گزارش‌هایی از نیازهای جبهه و مسائل کردستان آوردند. ظهر آقای محمد هاشمی آمد و از مزاحمت شورای روستا در مورد گرفتن دو درصد محصول پسته املاک اجاره‌ای بنیاد به ایشان شکایت کرد.

آقای سید علی هاشمی آمد و از دوگانگی نمایندگی ولایت فقیه در امر مدیریت امور عراقی‌ها ابراز نگرانی کرد؛ آقای رحمانی از طرف آیت‌الله منتظری و آیت‌الله خامنه‌ای که قبلا از طرف امام نصب شده‌اند.

آقای سنجقی آمد و اطلاع داد که عملیات نفوذی قرارگاه رمضان در وقت مشخص آینده انجام

---

۱ ـ حملات هوایی عراق به مناطق غیرنظامی کشور امروز نیز با شدت دنبال شد که در نتیجه آن، پالایشگاه گاز بیدبلند، تأسیسات «یونیت یک» اهواز، شرکت نفت مارون اهواز، کارخانه قند و کاغذ سازی هفت تپه و جزیره خارک بمباران شد. شرح این حملات چنین است: چهار فروند از هواپیماهای عراقی، پالایشگاه گاز بیدبلند (واقع در ۳۰ کیلومتری جاده بهبهان - آغاجاری) را هدف ۸ بمب قرار دادند که بر اثر آن به قسمت‌هایی از آن - از جمله دیگ‌های بخار - خساراتی وارد آمد و ۴ تن شهید و ۲۰ تن مجروح شدند. این هواپیماها همچنین یکی از مناطق عشایرنشین منطقه را نیز مورد هدف قرار دادند و با به رگبار بستن این منطقه غیرنظامی ۳ تن از عشایر را مجروح کردند. هواپیماهای مهاجم امروز همچنین به تأسیسات نفتی اهواز موسوم به یونیت یک (واحد بهره‌برداری شماره یک، واحد پمپاژ نفت) حمله کردند که علاوه بر وارد آمدن خسارات، ٦ تن شهید و تعدادی مجروح شدند. واحد مارون ۲ و واحد «بوستر» اهواز نیز مورد حمله قرارگرفت. در این حمله ۸ تن از کارکنان این واحدها بر اثر اصابت بمب به سنگر محل اجتماعشان شهید و ۱۰ تن نیز مجروح شدند، اما خسارات وارده به این تأسیسات جزئی بوده است. همچنین دو فروند از هواپیماهای دشمن امروز در ساعت ۱۷:۱۱ کارخانه کاغذسازی پارس و قند و شکر هفت تپه را بمباران کردند که بر اثر آن تعدادی مجروح شدند. حمله دیگر امروز عراق به جزیره خارک بود که خسارت‌هایی به اسکله ۱۲ «آذرپاد» وارد آورد. این اسکله در ضلع غربی جزیره خارک و مقابل اسکله تی (T) یا اسکله شرقی قرار دارد که حمله شدید چند روز پیش عراق به آن، سبب آسیب دیدن چند محل بارگیری و کاهش صادرات نفت ایران شد.

می‌شود. شکایتی از عدم اجرای دستور فرماندهی به نزاجا در خصوص تحویل مهمات به جزیره مجنون آورد که توبیخ گونه‌ای نوشتم.

عصر در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. آقای فروزنده تلفنی اطلاع داد که پل لوله‌ای که جهاد سازندگی روی اروند ایجاد کرده‌اند، امروز کامل شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این پل از کارهای عظیم انقلاب است که موقعیت ما را در فاو مستحکم می‌کند و برای عراق امکان تخریب آن با بمباران نیست[1].

شب در دفتر آقای خامنه‌ای و با حضور آقای [سیدجلال‌الدین] طاهری امام جمعه اصفهان، درباره امور جنگ و ارتش صحبت کردیم.

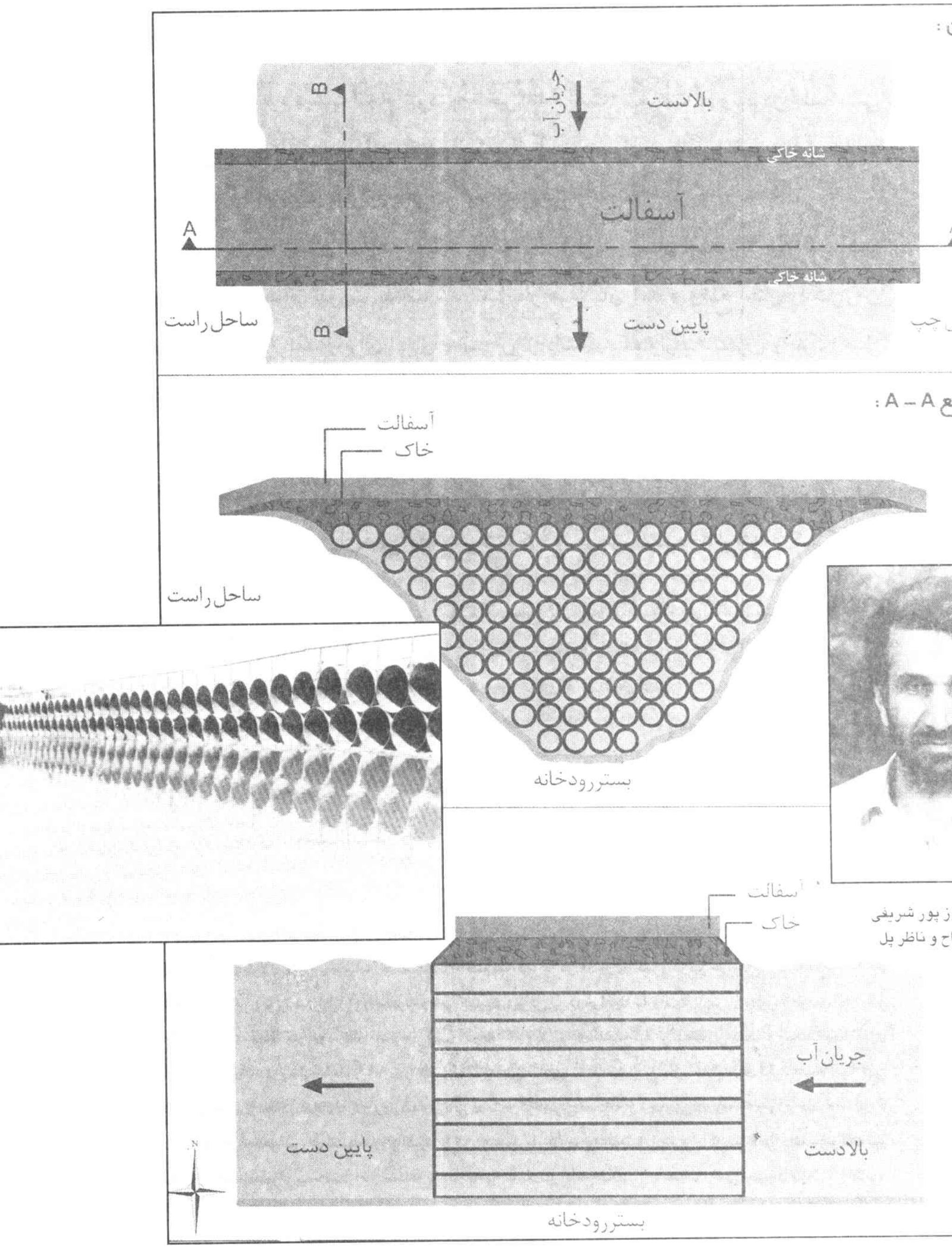
چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۶۵ | ۳ صفر ۱۴۰۶ — 8 October ۱۹۸۶

پیش از ظهر آقایان علوی تبار و صفوی از کمیسیون نفت آمدند و گزارش وضع پدافند تلمبه خانه‌های نفت را دادند؛ خوب نیست.

عصر گزارش‌ها را آوردند. به مجلس نرفتم. به خاطر راه دور بین منزل و مجلس و لزوم آمدن پاسدارها، رفتن از خانه به مجلس و بالعکس کار مشکلی است. به کار خطر ضدانقلاب، زحمت پاسدارها و وقت رفت و برگشت در سطح شهر، سعی می‌کنم کمتر رفت و آمد کنم. گاهی به مجلس نمی‌روم و گاهی به خانه نمی‌آیم. نامه‌ای به آیت‌الله منتظری در ارتباط با شهادت یاسر رستمی ـ نوه ایشان ـ نوشتم.

---

۱ ـ امروز پس از حدود شش ماه تلاش پیگیر و شبانه‌روزی، آخرین مرحله آماده سازی و آسفالت ریزی پل بعثت به پایان رسید و اولین ترددها به دو کرانه «اروند رود» از روی آن انجام گرفت. پل بعثت به درخواست فرماندهان عالی جنگ و به کوشش و ابتکار مهندسان جهاد سازندگی خراسان طراحی و ساخته شده است. پل‌های ساخته شدهٔ قبلی که از نوع شناور هستند، پاسخگوی نیاز منطقهٔ عملیاتی فاو نبود. پل بعثت حدود ۹۰۰ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد و از ۳۴۰۰ لوله به طول ۱۲ متر و قطر ۱/۴۲ متر و ضخامت ۱۶ میلی متری از نوع فولاد «st ۶۰» تشکیل شده است. این لوله‌ها در هر ردیف به وسیله اتصالات گوشواره‌ای به هم زنجیر و متصل شده و سپس در بستر رودخانه متناسب با عرض آن، از کف تا یک متر بالاتر از سطح رودخانه پهن و ردیف شده‌اند. هر ردیف روی ردیف قبلی به گونه‌ای قرار گرفته است که شکل شبکهٔ لانه زنبوری را به وجود آورده‌اند. روی آخرین ردیف پس از تراز کردن سطح فوقانی به وسیله لوله‌هایی با قطر متفاوت، به مقدار و ضخامت لازم آسفالت ریخته شده است. چون روز استقرار نیروهای مهندسی جهاد خراسان در منطقه، در تاریخ دوشنبه ۱۳۶۵/۱/۱۷ و مصادف با روزهای نزدیک به عید مبعث حضرت رسول اکرم (ص) بود، این پل، «بعثت» نامیده شد. طراح و ناظر ساخت این پل، مهندس بهروز پورشریفی فرمانده عملیات مهندسی پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی بود که در یک سانحه رانندگی در سال ۱۳۷۴ درگذشت.



...ز پور شریفی
...اح و ناظر پل

نقشه سه نمای پل بعثت

پنجشنبه ۱۷ مهر ۱۳۶۵ | ۴ صفر ۱۴۰۶ — 9 October 1986

معلوم شد عملیاتی که قرار بود دیشب انجام شود، به تاخیر افتاده است. تا ساعت ده و نیم در جلسهٔ علنی بودم. پیش از ظهر آقای [علی محمد] دستغیب از شیراز آمد و برای سالگرد شهید [آیت‌الله عبدالحسین] دستغیب [امام جمعه شیراز] دعوت کرد که به شیراز بروم.

دو نفر از ائمه جمعه خوزستان آمدند. درباره پدافند و مسائل خوزستان استمداد کردند. دکتر روحانی را خواستیم و تاکید بر تقویت پدافند شد. استاندار هرمزگان آمد و وضع استان را گزارش کرد. عصر سرهنگ جمالی آمد و برای انتقال دخترش از دانشگاه اهواز به تهران و برای حل اختلاف‌شان با سپاه بر سر قرارگاه اصفهان، کمک خواست.

دکتر [محسن] نوربخش [رئیس بانک مرکزی] آمد. وضع ارزی را توضیح داد و در مورد اختلافش با آقای [محمد جواد] ایروانی [وزیر امور اقتصادی و دارایی] گفت. قرار شد برای رفع اختلاف کمک کنم. در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. در مورد بودجه ارتش و کم کردن پرسنل اداری نیروها بحث شد[1].

جمعه ۱۸ مهر ۱۳۶۵ | ۵ صفر ۱۴۰۶ — 10 October 1986

در منزل بودم و کار زیادی نداشتم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت[2]. یاسر با دوستانش به کوهنوردی

---

۱ ـ شورای امنیت که از چند روز قبل به درخواست گروه هفت نفری اتحادیه عرب جلسه‌هایی اضطراری برای بررسی جنگ ایران و عراق تشکیل داده بود، بعد از بحث‌های طولانی، امروز قطعنامه جدید ۵۸۸ را تصویب کرد که در آن از دو کشور درگیر خواسته است که قطعنامه ۵۸۲ مصوب در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۵) را بپذیرند و اجرا کنند. از دبیرکل نیز درخواست شده است تا پس از تماس با طرف‌های درگیر در مورد اجرای این قطعنامه، نتیجه کار خود را تا ۳۰ نوامبر (نهم آذر ۱۳۶۵) به شورای امنیت گزارش دهد. این قطعنامه همانند قطعنامه‌های قبلی فقط توصیه است و در فاصله زمانی ۷ ماه و ۱۲ روز بعد از قطعنامه قبلی صادر شده که نسبت به سایر قطعنامه‌های قبلی، فاصله نسبتاً کمی می‌باشد. ضمناً از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده نیز این قطعنامه کوتاهترین قطعنامه از مجموعه قطعنامه‌های مورد مطالعه است". با توجه به سخنان دبیرکل در اجلاس شورای امنیت در ۳ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۱ مهرماه ۶۵)، تهدیدات ایران مبنی بر انجام دادن حمله سرنوشت ساز و نهایی، در صدور این قطعنامه مؤثر بوده است. در قطعنامه ۵۸۲ با اظهار تأسف از ادامه جنگ - تهاجمات ارضی، بمباران مناطق غیرنظامی، حمله به کشتی‌های بی طرف و هواپیماهای کشوری، نقض مقررات بین‌المللی به خصوص استفاده از سلاح شیمیایی، از ایران و عراق خواسته بودند تا بی درنگ این موارد را عملی کنند: آتش بس، توقف مخاصمات در دریا و هوا و زمین، عقب کشیدن همه نیروها به حوزه‌های شناخته شده بین‌المللی، مبادله اسیران و تبدیل روش‌های خصمانه به میانجیگری مسالمت آمیز.

۲ ـ در واکنش به جو سازی‌های اخیر عراق مبنی بر در معرض خطر قرار گرفتن صلح و امنیت منطقه خلیج‌فارس، امروز به درخواست جمهوری

رفت. خسته و راضی برگشت.

شنبه ۱۹ مهر ۱۳۶۵ | ٦ صفر ۱۴۰٦ — ۱۱ October ۱۹۸٦

اول وقت آقای [ابراهیم]سنجقی اطلاع داد، عملیات ما درمنطقهٔ کرکوک انجام شده است. سیصد نفر از نیروهای ما و دو هزار نفر از نیروهای طالبانی‌ها [= اتحادیه میهنی کردستان عراق] در این عملیات شرکت داشته‌اند[1]. ابتدا نیروهای نظامی، اطراف مراکز نفتی را منهدم کرده‌اند و سپس با حدود سی قبضه از اسلحه‌های متوسط از قبیل خمپاره، مینی کاتیوشا و تفنگ ۱۰٦ و آر. پی. جی به چندین

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اسلامی، متن طرح قرارداد امنیتی پیشنهادی ایران برای منطقه را سازمان ملل متحد منتشر کرد. در این طرح - که ۳۰ اردیبهشت ۱۳٦۵ (۲۰ مه ۱۹۸٦) وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران برای انعقاد یک قرارداد امنیتی منطقه‌ای با کشورهای خلیج‌فارس مبنی بر اصول استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور دیگران و همچنین بی طرفی کامل در جنگ، اعلام آمادگی کرده است. در این نامه آمده است: "برای جلوگیری از حمله به هر کشور دیگر و احتمالاً جلوگیری از توسعه جنگ به سایر کشورها، همان‌گونه که این موضوع در قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت منعکس شده، جمهوری اسلامی از آن حمایت می‌کند". در بخش دیگری از نامه نوشته شده است: "حمله عراق در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) شروع شد و در حال حاضر به مرحله پیچیده خود رسیده و به دلیل خیانت برخی کشورها و عدم آمادگی مجامع بین‌المللی به منظور جلوگیری از این تجاوز، بیم آن می‌رود که یافتن راه حل نهایی مدت زیادی به طول انجامد. در چنین شرایطی جلوگیری از گسترش دامنه جغرافیایی جنگ هدف اصلی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای منطقه می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سیاست اعلام شده مبنی بر جلوگیری از گسترش دامنه جنگ به منظور ایجاد صلح با ثبات در آینده برای منطقه، در جهت توسعه روابط خود با کشورهای منطقه مدام کوشش کرده است، علی‌رغم کمک‌هایی که توسط برخی از همین کشورها به عراق داده می‌شود، عراق توسط تبلیغات سوء و وسیع خود و هماهنگی سیاسی با برخی کشورها این تشنج را تشدید کرده است". در پایان نامه آمده است: "به نظر ما [ایران] حضور یک نماینده بی‌طرف در چنین شرایطی بسیار سودمند خواهد بود. دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به روابط دوستانه و اعتماد متقابل که در خلال سالیان گذشته با آقای دبیرکل بوجود آمده، آماده است برای جلوگیری از گسترش جنگ به خارج از مرز دو کشور همکاری کند. به همین منظور اقدامات و ابتکارات آقای دبیرکل باید در جهت ابقای صلح با ثبات در منطقه مبتنی بر اصول رعایت احترام به استقلال و تمامیت ارضی و همچنین عدم مداخله در امور داخلی دیگران و ایجاد بی‌طرفی کامل توسط همه کشورها، مورد بررسی قرار گیرد."

۱ - ساعت ۱:۳۰ بامداد امروز عملیات بزرگ نفوذی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با همکاری نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق در دو محور در استان «کرکوک» عراق با نام فتح یک آغاز شد. از اولین دقایق شروع عملیات، تأسیسات نفتی، صنعتی و نظامی کرکوک از سه محور با خمپاره‌اندازه‌های ۱۲۰ میلی متری، تفنگ ۱۰٦ میلی متری و مینی‌کاتیوشای ۱۰۷ میلی متری نیروهای خودی زیر آتش شدید قرارگرفت. با اجرای آتش در محور جبل بر و جمبور عملیات آغاز شد. نیروها در محور دوم (سقزلی و دارامان) نیز ساعتی بعد عملیات خود را آغاز کردند. در محور سوم ارتفاعات کانی دملان هم با اندکی تأخیر و پس از رفع مشکلات موجود، درگیری در پاسگاه دشمن و بلافاصله اجرای آتش روی تأسیسات نفتی باباگرگر آغاز گشت. در پی این اقدام، منطقه دچار آتش سوزی گسترده‌ای شد و تمام آن را دود غلیظی احاطه کرد به نحوی که دیده‌بان‌ها دیگر قادر به مشاهده نقاط اصابت گلوله نبودند. آتش سوزی تأسیسات باباگرگر از فاصله ۴۰ کیلومتری به خوبی دیده می‌شد و حتی از آن سوی قله کانی دملان (با ارتفاع ۴۸۰ متر) نیز قابل مشاهده بود. در پایگاه هوایی کرکوک اصابت گلوله‌های مینی کاتیوشا به یک هواپیما، علاوه بر انهدام آن، آتش سوزی وسیعی ایجاد کرد. چند هلی‌کوپتر نیز (حداقل سه فروند) در این پایگاه منهدم شد.

مرکز نفتی از قبیل تلمبه خانه پالایشگاه، بهره برداری، تانک فارم، تصفیه گاز و ... حمله کرده‌اند. خسارت عراق قاعدتاً زیاد است و پس از روشن شدن هوا، نیروهای ما به عقب برگشته‌اند و در منطقه تحت کنترل طالبانی‌ها متفرق شده‌اند.

با قرارگاه و ستاد تبلیغات جنگ مذاکره کردیم. قرار شد اسم عملیات "فتح یک" گذاشته شود. قبلا قرار بود کربلای چهار باشد. خواستیم جنبه عملیات داخلی خود عراق داشته باشد. ظهر به دانشگاه امام صادق(ع) رفتم. از کلاسها و خوابگاه بازدید کردیم. در سالن برای دانشجویان صحبت کردم[1]. بعد از ناهار به خانه برگشتم.

احمدآقا آمد. راجع به عملیات فتح یک توضیح خواست. راجع به حفاظت اطلاعات سپاه که به امام شکایت کرده و دستش از قسمت عمده سپاه کوتاه شده، صحبت کردیم. با تصمیم اخیر امام سه نیروی سپاه از مراعات اساسنامه معاف شده است. برای تسریع در امر جنگ بحث شد. آقایان علی شمخانی و محسن رضایی و [محمدباقر] ذوالقدر، تلفنی گزارش عملیات فتح یک را دادند. عصر عفت و خانم امام به منزل آقای خوانساری رفتند*.

یکشنبه ۲۰ مهر ۱۳۶۵ | ۷ صفر ۱۴۰۶ — 12 October 1986

تا ساعت هفت ونیم صبح گزارش‌ها را خواندم. هنوز انعکاس ضربه به کرکوک، [در رسانه‌های ارتباطی] خوب به چشم نمی‌خورد. عراق و منافقان مذبوحانه تکذیب می‌کنند. در جلسه علنی، قبل از

---

۱ ـ آقای هاشمی که در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) و بعد از اقامه نماز ظهر و عصر به امامت آیت الله مهدوی کنی سخن می‌گفت، بر اهمیت آموزش سیستماتیک و برنامه ریزی شده، تأکید کرد. ایشان در همین مورد نقش طلاب مدرسه حقانی قم که در ابعاد کوچکتر تحت آموزش سیستماتیک قرار داشته‌اند در ابتدای انقلاب را به عنوان مثال یادآور شد و دانشگاه امام صادق(ع) را شکل تکامل یافته آن مدرسه توصیف کرد که امروز با توجه به امکانات موجود وظیفه سنگینی برعهده دارد. ایشان خوب درس خواندن را بهترین قدردانی از ایثارگری رزمندگانی دانست که با فداکاری خود موقعیت جبهه‌ها را تحکیم کرده‌اند و انقلاب را به پیش می‌برند. آقای هاشمی با مقایسه کم و کیف تحصیل طلاب درگذشته و حال، شرایط مساعد و فراهم تحصیل امروز را مرهون خون شهدای انقلاب اسلامی دانست و ضرورت قدردانی از این نعمت از طریق آموزش خالصانه علم و تقویت تقوا و ارائه خدمات به جامعه و انقلاب را مورد تأکید قرار داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷.

* ـ در این روز نخستین دور مذاکرات «رونالد ریگان» رئیس جمهور آمریکا و «میخائیل گورباچف» دبیرکل حزب کمونیست شوروی در «ریکیاویک» ایسلند پایان یافت. به گزارش یونایتدپرس، ریگان و گورباچف ابتدا یک ساعت به طور خصوصی گفتگو کردند، سپس وزیران امور خارجه دو کشور به آنها پیوستند. نخستین دور مذاکرات ریگان و گورباچف دو ساعت به طول انجامید و قرار است دو مذاکره دو ساعته دیگر نیز داشته باشند. سخنگوی کاخ سفید مذاکرات را دوستانه خواند.

شروع توضیحی از عملیات برای نمایندگان دادم و قبل از دستور، صحبت تحلیل گونه‌ای داشتم[۱].

ساعت ده ونیم به دفترم آمدم.

آقای محلوجی آمد. گزارش قایق هدایت شونده صنایع الکترونیک شیراز را داد و از عدم هماهنگی سپاه و ارتش و دخالت درکارهای یکدیگر گفت. آقایان [علی] یوسف‌پور [نماینده اردل] و [مرتضی] رضوی [نماینده تبریز] آمدند و در مورد مراکز اقتصادی و صنعتی عراق توضیح دادند. خواستند نیروی هوایی به مراکز مهم نفتی عراق حمله کنند[۲].

دو نفر از همافران از پایگاه هشتم [شکاری] اصفهان آمدند. از ضعف عمل حفاظت اطلاعات و عقیدتی سیاسی ارتش گفتند. عصر سرهنگ جلالی [وزیر دفاع] آمد و از بمباران کارخانه نظامی اصفهان ناراحت بود.

جمعی از پزشکان آمدند. برای عدم سخت گیری مقصران اعتصاب پزشکان استمداد کردند. گفتم به وزیر بهداشت نامه بنویسند و رادیوهای بیگانه را محکوم کنند و از اعتصاب عذر بخواهند. سختشان بود که به وزیر نامه بنویسند. گفتند به من یا نخست وزیر بنویسند.

---

۱ - آقای هاشمی در این نطق ازکوشش و فداکاری رزمندگان در عملیات فتح ۱ تشکر کرد و پس از تشریح اهمیت این عملیات، اظهار امیدواری نمود که عملیات فتح ۱ باعث درک دنیا از قدرت جمهوری اسلامی ایران و اقدام برای حذف صدام از طریق سیاسی قبل از عملیات بزرگ آتی نیروهای خودی شود. در بخشی از این نطق آمده است: "ما از رزمندگان اسلام به خاطر تحولی که با تحرک جدید خود در عملیات فتح ۱ ایجاد کردند، تشکر می‌کنیم. تردیدی نیست که رسانه‌های استکباری و حامیان آنان تلاش می‌کنند تا از اهمیت این عملیات که برای عراق کوبنده است، بکاهند. این امر در مقطع مناسبی شروع شد زیرا در شرایطی که رزمندگان ما با جدیت در حال آماده شدن برای عملیات سرنوشت ساز می‌باشند، ضرورت داشت که از داخل عراق هم حرکت مناسبی آغاز شود و خوشبختانه با همکاری صمیمانه‌ای که بین قرارگاه رمضان و اتحادیه میهن پرستان کردستان به وجود آمد، این تحول شروع شد. اینکه بتوان تا عمق حدود ۱۸۰ کیلومتری خاک عراق دهها قبضه اسلحه سبک و سنگین را انتقال داده و منطقه‌ای به وسعت ۱۰۰ کیلومتر را به آتش کشید، با ادعای سلطهٔ اطلاعاتی عراق بر تمامی خاک این کشور، سازگار نیست. نفوذ این تعداد رزمنده به درون عراق در شرایطی که عملیات احتیاج به غافل‌گیری کامل داشت، برای ما امیدوار کننده است و جالب اینکه نیروهای رزمنده ما هیچ‌گونه صدمه‌ای نیز ندیدند، یعنی ما هیچگونه تلفات جانی غیر از چند مجروح در این عملیات نداشتیم و این کار بسیار چشمگیری است که در آن وسعت انجام شد. ما از تخریب سرمایه‌های عراق خوشحال نیستیم ولی از اینکه در این مقطع ضربه‌ای به ماشین جنگی عراق بزنیم، خوشحال هستیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - هواپیماهای عراقی امروز مجتمع صنایع اصفهان و پالایشگاه شیراز را بمباران کردند و خسارات بسیاری به این دو مرکز اقتصادی وارد آوردند. ساعت ۱۴ امروز مجتمع صنایع اصفهان که زیر نظر سازمان صنایع دفاع وابسته به وزارت دفاع می‌باشد و در جنوب این شهر (نزدیک زرین‌شهر) واقع است، به وسیله شش فروند هواپیمای میراژ دشمن بمباران شد که طی آن ۱۳ تن شهید و ۱۰ تن مجروح شدند. بنابر اظهار شاهدان عینی، در این حمله دو فروند از هواپیماهای عراق در ارتفاع ۱۵ هزار پا به فریب پدافندهای ضدهوایی پرداخته و چهار فروند دیگر به منظور هدف‌گیری مواضع، در ارتفاع ۱۵۰ پایی پرواز می‌کردند. بمب‌های پرتاب شده، از نوع مدرن‌ترین بمب‌های فرانسوی است که ۷۵۰ پوند وزن دارد. نزدیک به ۱۲ سال است که یک شرکت سوئدی برای راه‌اندازی این مجتمع فعالیت کرده و قرار بود در آینده نزدیک این مرکز فعالیت تولیدی خود را شروع کند.



گروهی از خلبانان دلاور نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی



پایگاه هوایی اصفهان

فارغ التحصیلان دانشکده افسری آمدند. برای آنها صحبت کردم[۱]. دکتر جاسبی آمد و راجع به اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی صحبت کرد. شب سران قوا، مهمان من در مجلس بودند. درباره مطالب مذاکرات آقای نخست وزیر که عازم آلمان شرقی و مجارستان است، و همچنین درباره جنگ و زدن مراکز غیر نظامی مشورت شد.

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۶۵ | ۸ صفر ۱۴۰۶ — ۱۳ October ۱۹۸۶

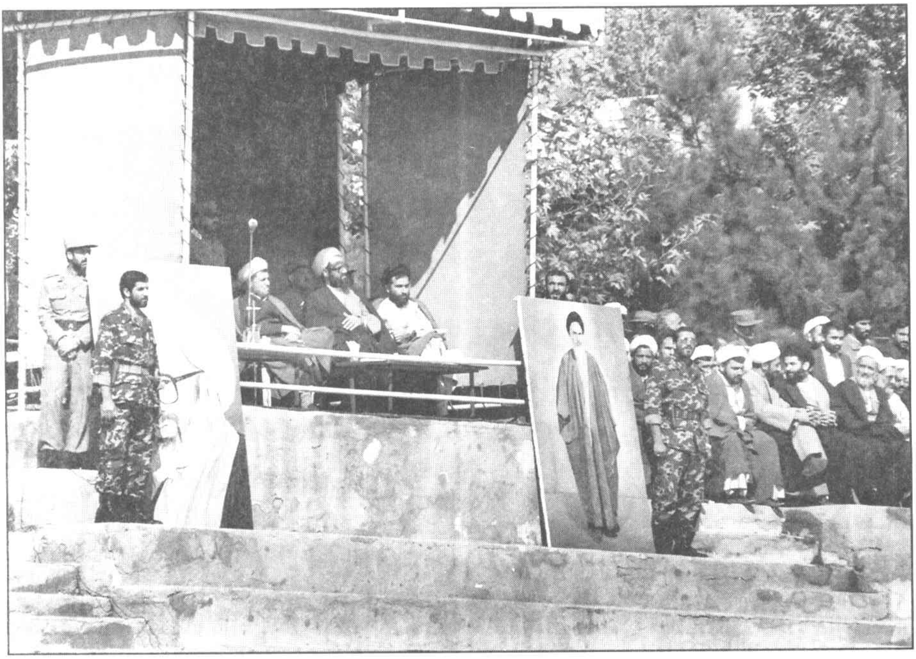
پیش از ظهر امروز، فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. طرح عملیاتی‌شان را توضیح دادند و نیازها را گفتند. شوق جنگیدن دارند. توقعات زیادی ندارند. عصر معلمان که از فشار مسئولان وزارت آموزش و پرورش بر خط مخالف شکایت داشتند، آمدند.

شب آقای محسن رضایی آمد و گزارش پیشرفت کار در طرح وسیع و اصلی عملیات آینده را داد. با فرماندهان قرارگاه‌ها و لشکرها به توافق رسیده‌اند و همان اهداف اولیه در طرح گنجانده شده است. در سفرم به اهواز، تردید مشهود بود. با بحث‌های آقای رضایی با آنها و تذکرات من مشکل رفع شده است. پیشرفت‌هائی در مسأله گروگانهای آمریکایی در لبنان و تأمین سلاح پیش آمده است.

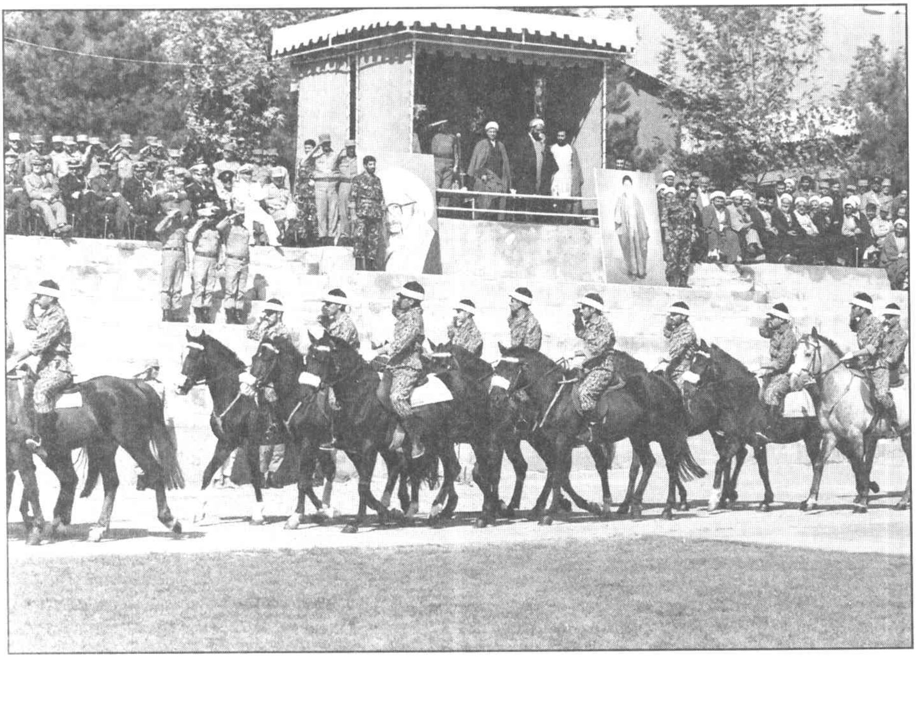
احمدآقا آخر شب تلفنی اطلاع داد که دکترها به خاطر وضع جدید حال امام، ملاقات فردا را لغو کرده‌اند. او نگران بود. از من خواست که در عوض با زائران امام ملاقات کنم.

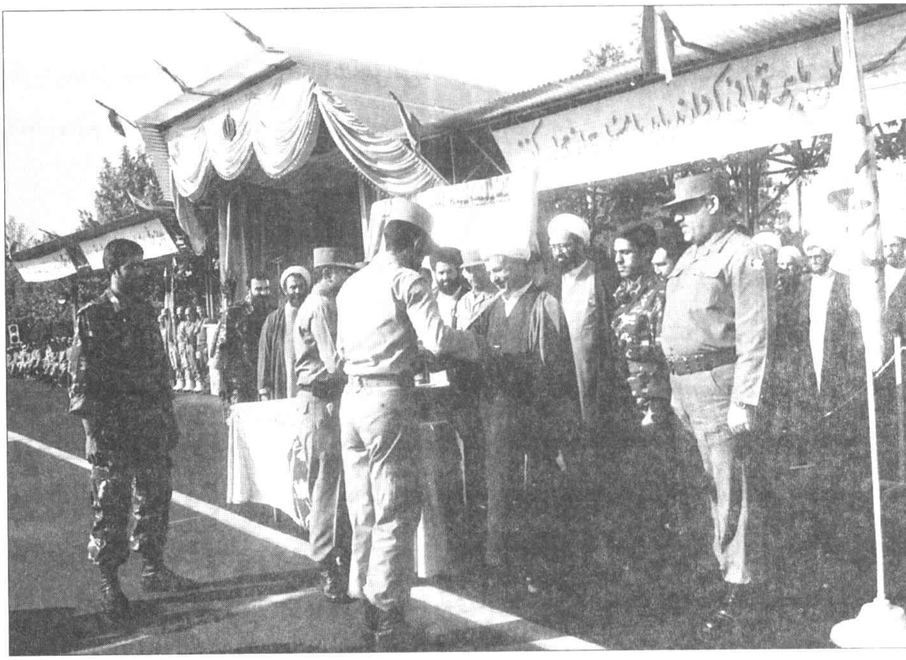
---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "امروز چنان قدرتی در ایران خلق شده است که امیدواریم دنیا طوری روی آن حساب کند که بعد از این جنگ، هیچ جنگی در منطقه واقع نشود و با برقراری صلح دیگر نگران حرکت‌های موذیانه نباشیم. خوابی که دشمنان برای ایران دیده بودند که بعد از انقلاب از داشتن یک نیروی مسلح قوی و مطمئن محروم باشد، تعبیر نشد و در جریان این جنگ، توانمندی نیروهای مسلح اسلام بر همگان ثابت شد. عملیات ظفرمند فتح یک، به عنوان نشانه‌ای بارز از توان رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. عملیات «فتح یک» در مدت ۲ تا ۴ ساعت، تفاوت میان نیروهای اسلام و نیروهای مقابل آن را نشان داد. منطقه کرکوک از مدتها پیش، قله‌های پولادین خوانده می‌شد و واقعاً هم اگر این منطقه در دست نیروهای کارآمد بود، قله‌های پولادین بود. عراقی‌ها، آنجا حدود ۲۰ پایگاه نظامی ایجاد کرده و علاوه بر آن، نیروهای احتیاط قابل توجهی نیز در نزدیکی منطقه مستقر کرده بودند. اما، این قله‌های پولادین به سرعت سقوط کرد، بدون اینکه حتی یک نفر از نیروهای ما شهید شود و تنها چند نفر معدود از افراد طالبانی شهید شدند. وقتی پایگاه‌ها سقوط کرد و نیروهای پشتیبانی عراقی‌ها وارد میدان شدند، دشمن آنقدر بی حساب و بهم ریخته وارد میدان شدند که دقیقاً وارد دامی گردیدند که نیروهای اسلام برایش گسترده بودند و افراد دشمن هیچکدام از آنها نتوانستند از میدان فرار کنند. قله‌های مهم منطقه کرکوک در شرایطی سقوط کرد که ما ۱۵۰ کیلومتر با مرز فاصله داشتیم و آنها در سنگرهای خود می‌جنگیدند و ما با کشاندن ادوات سنگین و سبک و فتح آن قله‌ها، این پیروزی محدود ولی عمیق را در طول چند ساعت بدست آوردیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

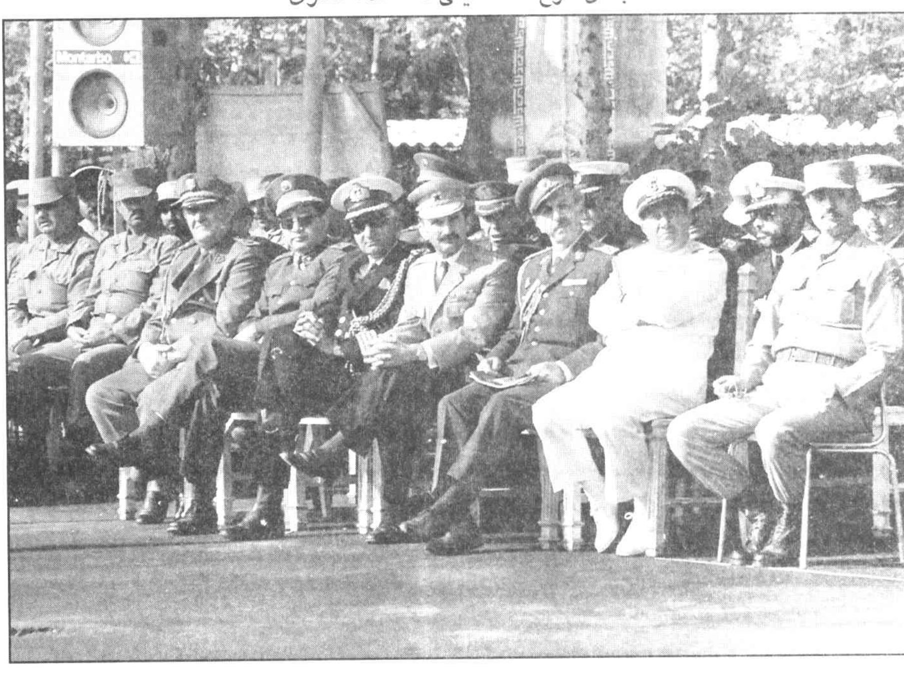


جشن فارغ التحصیلی دانشکده افسری





جشن فارغ التحصیلی دانشکده افسری



آقازاده از ژنو تلفنی اطلاع داد که زکی یمانی [وزیر نفت عربستان سعودی] گفته آقای فهد در عربستان گفته فردی از ایران به آنجا برود تا درباره پیشنهاد کیفیت حذف صدام مذاکره کنند و گفت کویتی‌ها در پیشرفت کار اوپک کار شکنی می‌کنند[1]. کارهای مجلس را آوردند و تا ساعت یازده شب انجام دادم.

سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۶۵ | ۹ صفر ۱۴۰۶ — ۱۴ October ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس رسیدم. از گزارش‌ها چنین به نظر می‌رسد، عراقی‌ها با همکاری مراکز خبری تلاش می‌کنند تا آثار ضربه عملیات فتح یک را خنثی کنند و با صحنه سازی تکذیب می‌کنند. آقای عبدالله نوری آمد و گفت آیت‌الله منتظری در عکس‌العمل جریان بازداشت گروه سید مهدی هاشمی، ملاقات‌ها را تعطیل کردند.

مدتی که در جلسه علنی بودم، مراجعات زیادی از نمایندگان در همین خصوص داشتم. نگرانی شدیدی در نمایندگانی که مطلع شده‌اند، بروز کرده است.

زود به دفترم برگشتم. گروهی از خلبانان پایگاه نوژه آمدند. خواسته‌ها را مطرح کردند: وام مسکن، امتیازات بیشتر، عدم مخالفت با سفر به خارج خلبانها، پرواز ممنوع نکردن عده‌ای به واسطه

---

۱ ـ «زکی یمانی» وزیر نفت عربستان سعودی، در دسامبر ۱۹۸۵ با اعلام سیاست جدید خود مبنی بر افزایش سطح تولید اوپک، در به راه انداختن جنگ قیمت‌ها سهم عمده‌ای داشت. سیاست یمانی در افزایش تولید نفت اوپک بر این تحلیل استوار بود که اوپک باید با سرازیر کردن نفت فراوان و ارزان خود به بازار، سهم انحصاری خود را در بازار جهانی نفت احیا کند، در صورت تثبیت این موقعیت و در دست گرفتن بازار نفت، اوپک قادر به بالا بردن قیمت‌ها خواهد بود. از نظر او کاهش درآمد نفت و زیان‌های اوپک از این راه، قربانی کوتاه مدتی خواهد بود که در برابر منافع طولانی مدت اوپک قابل توجیه است. لکن در عمل، عربستان سعودی با به کار گرفتن این شیوه، هرج و مرجی در عرصه تولید و فروش به‌وجود آورد که سبب شد در مدت شش ماه، بیش از ۶۰ درصد از بهای نفت کاسته شود. کاهش درآمد، بسیاری از کشورهای عضو اوپک و کشورهای تولید کنندهٔ مستقل را که بدهی‌های خارجی و تعهدات مالی سنگینی داشتند، در ورطه بحرانی شدید گرفتار ساخت. سرانجام با تصویب پیشنهاد ایران مبنی بر کاهش تولید نفت، بهای هر بشکه نفت در بازارهای جهانی از زیر ده دلار در ماه اوت، به ۱۴ تا ۱۵ دلار در اواخر اکتبر رسید. طبق این طرح، سقف تولید از ۲۰ میلیون به ۱۷ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. در همان نخستین ساعتی که اعضای اوپک طرح ایران را پذیرفتند، قیمت‌ها به میزان بیش از دو دلار در هر بشکه افزایش یافت. طبق طرح پیشنهادی ایران، تولیدات واقعی اوپک - با احتساب تولید مازاد بر سهمیه - برای مدت دو ماه روزانه چهار میلیون بشکه کاهش یافت. پذیرفتن طرح ایران، پس از مذاکرات طولانی و رد طرح عربستان و کویت مبنی بر کاهش داوطلبانه تولید و نیز رد طرح الجزایر مبنی بر تعیین سقف تولید ۱۵ تا ۱۶ میلیون بشکه و سهمیه‌بندی میان اعضا به استثنای ایران و عراق، صورت گرفت. پذیرش پیشنهاد ایران در هنگامی که هیچ‌یک از اعضای اوپک راضی به کاهش حتی یک بشکه از تولیدات خود نبودند، موجب شگفتی ناظران گردید. در مقابل، ایران نیز به دلیل منافع کلی سازمان اوپک نرمش نشان داد و حاضر شد مستثنی بودن عراق از سهمیه‌بندی قراردادی را بپذیرد.

سوء ظن و ...

جمعی از پرسنل لشکر امام حسین(ع) آمدند که ملاقاتشان با امام لغو شده بود. برای آنها و پرسنل پایگاه هوایی نوژه صحبت کردم[1]. جمعی از نمایندگان آمدند و نگران مسایل جاری آقای منتظری بودند و از من خواستند که خودم به قم بروم. قبول کردم. تلفنی در این خصوص با احمدآقا و آقای خامنه‌ای هم مشورت کردم.

آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد که دیشب عملیات محدودی در جبهه غرب توسط ارتش انجام شده و موفق بوده است[2].

آقای [مرتضی]بنی‌فضل از قم تلفنی مسأله آقای منتظری، قطع ملاقات‌ها و پخش خبر و ناراحتی طلبه‌ها را گفت و از من برای حل مشکل استمداد کرد. احمدآقا از اینکه بعضی‌ها او را مقصر معرفی کرده‌اند و به دروغ مانع ملاقات آقای منتظری با امام معرفی کرده‌اند و... اظهار ناراحتی کرد؛ حق دارد، چون بیشترین تلاش را برای اعتبار آقای منتظری دارد.

ساعت سه بعد از ظهر به طرف قم حرکت کردم. نزدیک غروب به منزل آقای منتظری رسیدیم. کمی پشت در معطل شدیم. ظاهر این بود که ایشان مصمم بوده کسی را نپذیرد ولی در مقابل حضور من، ناچار پذیرفتند. بعداً فهمیدم از پیش مطلع بوده‌اند و منتظر. گفتند آقای [ابراهیم] امینی را نپذیرفته‌اند.

تا ساعت نه شب با ایشان بودم. پس از صرف شام به تهران برگشتم. آقای سیدهادی هم در مذاکرات شرکت داشت. ایشان از دستور امام درخصوص تعقیب گروه سید مهدی هاشمی رنجیده‌اند

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "کاری که سه روز پیش برادران شما با همکاری کردهای مبارز عراق در کرکوک و در اعماق ۱۶۰ کیلومتری خاک عراق انجام دادند از کارهای کم‌نظیر و بزرگ جنگ بوده است و رژیم عراق از این ضربه دچار آن چنان سرگیجه‌ای شده که با پرروئی اصلاً منکر این عملیات شده است. الان وضع ما و شرایط از لحاظ ضعف روحیه دشمن و قدرت روحیه رزمندگان ما و تقویت و پشتیبانی که داریم و حمایت قاطع مردم و بهتر شدن شرایط جهانی و آمادگی نیروهای پشتیبانی هوانیروز و نیروی هوایی برای حمایت عملیات از هر جهت بهتر است و امیدواریم که در لحظه مناسب بتوانیم کاری را که باید انجام بدهیم. دعا می‌کنیم بیش از آنکه به آن نقطه برسیم، خداوند دشمنان ما را هوشیار بکند که دست از لجاجت بردارند و توجه کنند که این ضربه از آن ضربه هایی نیست که به ایشان ارزان تمام بشود، کاری کنند که ما دیگر نیاز نداشته باشیم با آن حرکت وسیعی که تدارک دیده‌ایم بخواهیم اهدافمان را بگیریم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ یگان‌هایی از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۱:۱۰ بامداد امروز عملیات محدودی را با رمز یااباعبداللّه الحسین(ع) در منطقه عملیاتی سرپل ذهاب و قصرشیرین (ارتفاع مقابل تنگ حمام در حدفاصل ارتفاعات قراویز، آهنگران و بیشگان) آغاز کردند. در این عملیات نیروهای ارتش موفق شدند ارتفاع ۶۵۴ را تصرف کنند و ۲۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت درآورند. به دنبال این پیروزی، نیروهای عراقی پس از چند پاتک سنگین و با تحمل تلفات بسیار، مجدداً ارتفاع ۶۵۴ را به تصرف درآوردند. یک مقام نظامی عراق بدون اشاره به تلفاتی که ارتش عراق متحمل شده است، اعلام کرد که نیروهای عراقی در ساعت ۱۸ موفق به پس گرفتن تپه ۶۵۴ شده‌اند.

و دستور امام به اینکه دیگر عفو زندانیان با آقای منتظری نباشد، کار را بدتر کرده و مخصوصاً شیوه ابلاغ که به واسطهٔ افرادی مثل آقای محمدی گیلانی و [سیدمحمد] ابطحی و شورای‌عالی قضائی که برای ایشان قابل توجیه نیست.

ایشان معتقدند در مورد سید مهدی گزارش‌های غلط و اغراق‌آمیز به امام داده شده و پس از دستور تعقیب ماموران در برخورد با متهمان، خیلی تند و غلط عمل کرده‌اند و نمونه‌های زیادی داشتند. احتمال می‌دهند قضیّه ریشه دارد و از منابع دشمنان خارجی سرچشمه می‌گیرد و قرائنی مطرح کردند.

ضمناً به خط سه خیلی بدبین بودند و به خصوص از احمدآقا گله می‌کردند. من شرحی از اقدامات و مذاکراتمان را با امام برای تعدیل قضیه گفتم. از احمدآقا دفاع کردم. از خود من هم گله داشتند که کمک لازم را نکرده‌ام. بالاخره مسأله حل نشد و ایشان معتقدند گزارش‌ها باید اصلاح شود. نزدیک ساعت یازده شب به مجلس رسیدم. کانال دو را گرفتم و سپس خوابیدم

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۵ | ۱۰ صفر ۱۴۰۶ — ۱۵ October ۱۹۸۶

شب در مجلس خوابیده بودم. از اول وقت مشغول کار شدم. آقای حسنی سعدی اطلاع داد، دو ارتفاع که دیروز گرفته بودند، پس داده‌اند.

ساعت هشت صبح آقای عاصمی پور آمد. گزارش از وضع مراکز نفتی، خرابی‌های بمباران، بازسازی‌ها، مشکلات صدور نفت و عدم همکاری ارگانهای دیگر داد. آقای مهدی غیوران و برادرش آمدند. از برخوردهای نامناسب با بازاریان گله‌مندند.

آقای [حبیب‌الله]عسکراولادی آمد. برای کمیته امداد امام، جهت اداره خانواده سربازان متأهل مستمند کمک می‌خواست. در مورد مسأله جدید آیت‌الله منتظری و امام سؤال داشت و پیشنهاد تقویت مدارس خصوصی را داد. آقای [کمال]خرازی آمد. طرحهای جدید تبلیغات جنگ را آورد.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اطلاع دادند عراق به فرودگاه شیراز و برق سدهای دز و شهید عباسپور حمله کرده و صدماتی زده است[1]. با مشورت سران قوا، قرار شد به بغداد موشک بزنیم.

---

۱ ـ امروز هواپیماهای عراقی با افزایش بمباران‌های خود، فرودگاه غیرنظامی شیراز و دو سد در حوالی اندیمشک و مسجد سلیمان و همچنین

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دستور به نیروی هوایی سپاه داده شد که به منطقه مخابرات بغداد بزنند.بعد از عملیات فتح یک در کرکوک، شرارت عراق زیاد شده است[1].

شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. بیشتر بحث درباره مسأله آقای منتظری بود. من گزارش ملاقاتم با ایشان را دادم. درباره پیشنهاد ایشان در حد دادن گزارش جدید براساس واقعیات از طرف وزارت اطلاعات ـ ایشان مدعی‌اند گزارش غلط به امام داده شده ـ بحث و تصمیم‌گیری شد. قرار شد برای تکمیل کار، آیت‌الله خامنه‌ای فردا به قم بروند. نظری این بود که مانعی ندارد، سید مهدی و افرادش را بعد از تکمیل بازجوئی‌ها آزاد کنند.

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۶۵ | ۱۱ صفر ۱۴۰۶ — ١٦ October ١٩٨٦

به مجلس آمدم. در جلسه علنی شرکت نکردم. برای رسیدگی به امور جنگ، آقایان دکتر هادی و دکتر روحانی آمدند. قرار شد در موضوع معامله گروگانهای آمریکایی در لبنان با نیازهای تسلیحاتی و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

شهرهای تبریز و فاو را مورد حمله قرار دادند. در حمله امروز هواپیماهای عراقی به فرودگاه شیراز، خسارات عمده‌ای به هواپیماهای مستقر در پارکینگ وارد شد. این حمله زمانی روی داد که مسافران یک فروند هواپیمای ایرباس متعلق به سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی (هما)، به مقصد بندرعباس در حال سوار شدن به آن بودند. در بمباران امروز، این هواپیما دچار حریق شد و سخت آسیب دید، همچنین سه هواپیمای تانکر سوخت رسان ۷۴۷ متعلق به نیروی هوایی ارتش نیز دچار آتش سوزی شدند که یکی از آنها حدود ۲۰ درصد و دو فروند دیگر به طور کامل سوختند و از بین رفتند. طبق این گزارش، دو فروند تانکر منهدم شده را روز قبل از حادثه، از محل دیگری به این فرودگاه آورده بودند و در هنگام حمله، خارج از آشیانه و بسیار نزدیک به هم قرار داشتند. در این حمله، دو اتومبیل سوخت‌رسانی فرودگاه، دو اتومبیل شارژر، یک اتومبیل حمل بار، یک دستگاه حمل بیمار و معلول، ۴ دستگاه پلکان هواپیما، یک مینی بوس و یک فولکس استیشن خسارت‌های کلی دیدند. به ساختمان پاویون دولتی، برج مراقبت و سالن انتظار فرودگاه نیز با تیربار و موج انفجار آسیب‌هایی وارد شد. علاوه بر این خسارت‌ها، بر اثر پرتاب شش بمب، ٦ تن از هموطنان شهید و ۳۰ تن دیگر مجروح شدند. گفتنی است که در حین این حمله، سلاح‌های پدافند مستقر در محل، واکنشی فوری و مناسب نشان ندادند، به طوری که هواپیماهای متجاوز فرصت یافتند تا علاوه بر بمباران کردن، به دور زدن و به رگبار بستن ساختمان فرودگاه و بدنه هواپیمای مسافربری نیز بپردازند. در چند روز اخیر، این یازدهمین تجاوز هوایی به شیراز بود. به دنبال این حمله، ارتش عراق در اطلاعیه شماره ۲۴۰۳ خود ادعا کرد که هواپیماهای این کشور در بمباران یک پایگاه هوایی در شیراز، ۲۳ فروند هواپیمای نظامی از نوع «سی - ۱۳۰» را منهدم کرده‌اند.

1 ـ در پی حملات هوایی چند روز گذشته هواپیماهای عراقی به مناطق مسکونی و اقتصادی و به خصوص حمله روز گذشته به یک هواپیمای مسافری در فرودگاه شیراز، شبانگاه بغداد هدف یک موشک قرار گرفت و بصره و چند مرکز نظامی و اقتصادی اطراف آن گلوله باران شد. چند ساعت پس از اطلاعیه ستاد تبلیغات جنگ مبنی بر درخواست از مردم عراق برای تخلیه مناطق حوالی تأسیسات نظامی و اقتصادی شهرهای عراق، سپاه پاسداران اعلام کرد که ساعت ۲۱:۱۵ امشب (۶۵/۷/۲۴) یک فروند موشک زمین به زمین یگان موشکی نیروی هوایی سپاه به سوی مرکز مخابرات بغداد هدف‌گیری شد. در ادامه اطلاعیه، بر آمادگی سپاه برای تداوم اقدامات بازدارنده تأکید شده است. در ساعت ۲۳:۱۵ یک سخنگوی نظامی رژیم عراق، از رادیو بغداد ضمن اعلام حمله موشکی ایران به بغداد، ادعا کرد که این موشک روی مناطق مسکونی سقوط کرده و به یک مدرسه و یک مسجد اصابت کرده است. وی تهدید به نابودی کامل شهرهای ایران کرد.

آمدن هیأت مک فارلین آمریکایی به ایران که اخیراً شایع شده بود، برای افراد مورد اعتماد، مخفی توضیح داده شود و کانال واحدی برای این موضوع در نظر گرفته شود. در مورد پدافند و جنگ هم صحبت شد[1].

آقایان آقامحمدی و مرتضی رضایی آمدند. آقای مرتضی رضایی که همراه مسعود بارزانی به منطقه بارزانی آن طرف رودزاب در منطقه زاخو و بارزان رفته بود، گزارش کاملی از نیازهای عملیاتی کردن آنها گفت. قرار شد تعقیب شود. فرماندهان لشکر سیدالشهدا آمدند و گزارش عملیات و وضع لشکر را دادند.

آقای میرزائی آمد. نگران و مضطرب است. وزارت اطلاعات در رابطه با مسأله سید مهدی هاشمی احضارش کرده. آقای سنجقی برای کارهای جنگ آمد. گروه تحقیقات وزارت جهاد سازندگی آمدند. گزارش خدمات جنگی خود را گفتند: تحقیقات دربارهٔ موشک‌های زمین به زمین با برد صد کیلومتر و ساختن موشک از نوع مرکب.

سپس وزیر دفاع و مهندس ترکان و آذین از پنها [= هلی‌کوپترسازی] آمدند. گزارش وضع صنایع نظامی اصفهان و تعمیر هلی‌کوپترها را دادند. تعمیرات هلی‌کوپترها پیشرفت خوبی کرده است. آقای رئیس جمهور که از قم برگشته‌اند، تلفنی گفتند سفرشان به قم بی اثر نبوده، ولی هنوز مشکل حل نشده است.

جمعه ۲۵ مهر ۱۳۶۵ | ۱۲ صفر ۱۴۰۶   17 October ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای [محمدرضا] توسلی آمد و چک کمک به جبهه‌ها را از طرف امام آورد. احمدآقا آمد. دربارهٔ حل مشکل آیت‌الله منتظری صحبت کردیم. قرار شد از امام تقاضا کنیم که ایشان را به تهران بخواهند و به ایشان محبت نمایند. سپس تلاش شود که خاطر ایشان راضی شود. عصر احمدآقا اطلاع داد که امام دستور داده‌اند ایشان به تهران بیایند و قرار شد شب در جلسه سران قوا هم باشند.

---

۱ ـ در این روز جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا ایران را تهدید به دخالت نظامی کرد. او در مصاحبه‌ای با مجله «کرسنت اینترناشنال» گفت: "در صورت پیروزی ایران در جنگ، ایالات متحده دخالت نظامی خواهد کرد... و چنین دخالتی از حمایت کامل شوروی برخوردار خواهد بود؛ زیرا هر دو ابرقدرت دارای یک نفع متقابل در مشاهده پایان این جنگ هستند". شولتز افزود: "این تفاهم بر این واقعیت استوار است که پیروزی ایران در جنگ، تعادل نظامی منطقه را بر هم می‌زند و وضعیت سیاسی آن را کاملاً تغییر خواهد داد".

عصر آقای محسن رضایی و [فریدون] مهدی‌نژاد آمدند. مهدی‌نژاد شرح مذاکرات با هیأت آمریکایی در آلمان درباره گروگانها در لبنان و پیشرفت‌هائی که شده را داد و انجیلی را که ریگان امضاء کرده و فرستاده به ما نشان داد. مرحله بندی آزادی گروگانها و گرفتن نیازهای تسلیحاتی و اطلاعاتی را گفت. قرار شد با امام و سران قوا مشورت شود و سپس به اجرا در آید.

شب آیت‌الله منتظری از قم آمدند. با آقایان خامنه‌ای و اردبیلی مهمان احمدآقا بودیم. امام هم شرکت کردند. به آقای منتظری خیلی محبت کردند و گفتند وجود شما برای انقلاب ضرورت دارد و حفظ اعتبار شما وظیفه همه است و دستور تعقیب گروه سید مهدی هاشمی هم به همین منظور بود که بیت شما مطهر شود.

به ایشان دستور دادند که وضع خودشان را عادی کنند و دوباره عفو زندانیان را امضاء نمایند. آقای منتظری نمی‌پذیرفتند ولی امام اصرار کردند. نزدیک بود امام عصبانی شوند که با دخالت ماها وضع بهتر شد.

امام خیلی کوتاه آمدند و متأسفانه آقای منتظری نرم نمی‌شوند. امام یکی دو بار صریحاً گفتند که عمرشان نزدیک به پایان است و شاید چند روز دیگر بیشتر زنده نباشند. دکترها گفته‌اند امام نباید دچار عصبانیت شوند. خیلی متأثر شدیم. ضمناً به مناسبتی فرمودند احمدآقا که اعّز اشخاص در دل ایشان‌اند، اگر خطائی کند، مثل دیگران او را تعقیب می‌کنند. بالاخره آقای منتظری قبول کردند که ملاقات‌ها را به طور محدود شروع کنند ولی نپذیرفتند که مثل گذشته صحبت و سخنرانی و دخالت در امور نمایند.

آخر شب گزارش‌ها را خواندم. عراق با سانسور آثار موشک، روضه خوانی راه انداخته است. از مجموع مطالب برمی‌آید آمریکا خود را ناچار دیده که رضایت خاطر جمهوری اسلامی را جلب نماید.

شنبه ۲۶ مهر ۱۳۶۵ | ۱۳ صفر ۱۴۰۶ — ۱۸ October ۱۹۸۶

در منزل بودم. آقای صادق طباطبائی آمد. در مورد ادامه اقامه دعوی علیه بیمه لویدز مشورت کرد. حقوقدانی گفته دادگاه به نفع ما رأی نخواهد داد. بیشتر وقت به مطالعه گذشت.

با نخست وزیر که از سفر آلمان شرقی و مجارستان برگشته، تلفنی صحبت کردم. دو روز است که

عراق شرارتی نکرده است؛ یا از موشک درس گرفته یا آماده برای شرارت جدید و وسیعی می‌شود.

عصر احمدآقا اطلاع داد که امروز در درس آیت‌الله منتظری، طلبه‌ای از ناراحتی ایشان اظهار تأسف کرده که پیشنهاد رفتن مقابل مجلس برای حمایت از ایشان را نموده که آقای منتظری ضمن تشکر از ایشان، گفته فعلاً نیازی نیست، ولی نگفته‌اند که مسأله حل شده و این برخلاف انتظار ما از جلسه دیشب و دستورات امام است.

عصر کارها را از مجلس آوردند، مطالعه کردم. مسأله مهمی نداشتیم. آقای خامنه‌ای هم تلفنی از برخورد آقای منتظری در جلسه درس ابراز نگرانی مختصری کردند، ولی راه حمل بر صحّت هم دارند.

یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۶۵ | ۱۴ صفر ۱۴۰۷ 19 October ۱۹۸۶

تا ساعت هفت ونیم صبح گزارش‌ها را خواندم. تا ساعت نه در جلسهٔ علنی مجلس بودم. تا ساعت ده و ربع در دفترم به مراجعات جواب دادم. دکتر هادی آمد. راجع به گروگانها و وضع آقای منتظری صحبت شد. تا ساعت یک در دفتر آقای خامنه‌ای در جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ بودیم. تا ساعت دو آقای محسن رضایی آمد. راجع به جنگ و مسأله آزادی گروگانها صحبت شد.

عصر آقای صدرائی از بنیاد تاریخ انقلاب، همراه آقای بروجردی آمد. او پیشنهاد انتقال اسرار تحقیقات پیچیده از آمریکا را داشت. آقای نورانی روحانی از شهرداری تهران آمد و از شهردار و کارمندان شکایت داشت.

آقای امراللهی آمد و برای گرفتن بودجه انرژی اتمی کمک می‌خواست. آقای منیرالدین حسینی آمد. آثار دفتر تحقیقاتش را آورد که روش تنظیم یک نظام اسلامی را تهیه می‌کنند. آقای رفیق‌دوست آمد و برای کار ساختمان خانه‌های سازمانی سپاه در محل حظیره بهائی‌ها [شهرک شهید محلاتی تهران] که اخیراً با کمک من و دستور امام، از بنیاد گرفته کمک خواست.

اول شب با فرماندهان قرارگاه رمضان جلسه داشتیم. گزارش عملیات فتح یک را دادند. شب سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. موارد مذاکره بسیار زیاد بود: جنگ، مسأله آقای منتظری، تبادل گروگان‌ها و سلاح و کمبود بودجه.



حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح، آقای هاشمی فرمانده جنگ، علی فدوی، مسئول اطلاعات قرارگاه خاتم

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۶۵ | ۱۵ صفر ۱۴۰۶ | 20 October 1986

ناخدا [محمدحسین] ملک زادگان [فرمانده نیروی دریایی ارتش] آمد و گزارش وضع نیروی دریایی را داد و عملیاتی شدن موشکهای استاندارد روسی و کیلر و نیاز نیرو به هلی‌کوپتر بیشتر را داد. قرار شد به تعمیرات به خاطر محدودیت در خرید، اولویت بدهند. بعد از ظهر مطلع شدم که عراق به ایستگاه فرعی قطار در اندیمشک حمله کرده است. در این حمله چند واگن آسیب دیده و پنج نفر شهید شده‌اند[1]. با مشورت دکتر روحانی رئیس ستاد [پدافند کشور] قرار شد، بیست وچهار ساعت

۱ - چهار روز پس از بمباران فرودگاه شیراز، ساعت ۶:۴۵ صبح امروز چند هواپیمای دشمن ایستگاه فرعی راه آهن اندیمشک را بمباران کردند که ۶ نقطه از خط فرعی این ایستگاه مورد اصابت قرار گرفت و به ۷۳ واگن باری خالی خساراتی وارد شد. در اثر این بمباران پنج تن شهید و پانزده تن مجروح شدند. چهار تن از شهدا از کارکنان راه آهن اندیمشک بوده‌اند. درباره این حمله ارتش عراق در اطلاعیه نظامی شماره ۲۴۱۰ خود مدعی شد تعدادی از قطارهای حامل سرباز، جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی را مورد حمله هوایی قرار داده است. حمله صبح امروز هواپیماهای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)


سامورا ماشل

بصره گلوله باران شود.

با نخست وزیر در مورد صفوف اتومبیل‌ها در مقابل پمپ‌های بنزین صحبت کردم. احتمالاً معلول ضعف مدیریت و اعلان بی موقع لغو بعضی از کوپن‌ها در آینده نزدیک است.

در گزارش‌ها سقوط مشکوک هواپیمای حامل سامورا ماشل رئیس جمهور موزامبیک و مرگ او وهمراهانش مهمترین خبر است[۱]. آفریقای جنوبی متهم است که عامل این جنایت بوده. شب تا دیر وقت گزارش‌ها را می‌خواندم.

با نخست وزیر درباره وضع نان تبریز که به نظر نمایندگان تبریز، معلول سوء مدیریت است، صحبت کردم[۲]. قرار شد تعقیب کنند.

سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۶۵ | ۱۶ صفر ۱۴۰۶ — ۲۱ October ۱۹۸۶

در راه مجلس از صفوف طولانی ماشین‌ها برای گرفتن بنزین ناراحت شدم[۳]. نگرانی از حمله عراق به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دشمن به ایستگاه راه‌آهن اندیمشک، بازتاب نسبتاً وسیعی در رادیوهای خارجی داشت که به نقل از منابع جمهوری اسلامی و عراق گزارش این حمله را منتشر کردند".

۱ ـ سامورا ماشل رهبر مبارزه در سرزمینی بود که بزرگترین مستعمره پرتغال در آفریقا به شمار می‌رفت. کشور موزامبیک با رهبری ماشل در سال ۱۹۷۵ استقلال یافت. او در مارس ۱۹۸۴ با آفریقای جنوبی معاهده عدم تجاوز امضاء کرد. در روز ۱۹ اکتبر ۱۹۸۴ (۲۷ مهر ۱۳۶۵) هواپیمای حامل سامورا ماشل که از لوزاکا عازم اموپوتو بود، همراه با ۳۹ سرنشین سقوط کرد. در پی کشته شدن ماشل، "حاکیم چیسانو" وزیر امور خارجه موزامبیک به عنوان رئیس جمهور این کشور انتخاب شد. با توجه به اینکه سانحه هوایی در مجاورت مرزهای آفریقای جنوبی رخ داده بود، رژیم پرتوریا مظنون حادثه قرار گرفت اما این امر اثبات نشد.

۲ ـ در پی انتشار شایعه جیره‌بندی شدن نان و ایجاد صف‌های طولانی خرید نان، یکی از مسئولان شورای آرد و نان کشور گفت: "ضدانقلابیون با پخش این شایعات و با خرید و دور ریختن مقدار زیادی نان، یک جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. خوشبختانه تلاش‌های این عوامل به دلیل آن که سیلوهای ما انباشته از گندم است، عقیم مانده است". رئیس کل سازمان غله کشور نیز در مصاحبه‌ای گفت: "به منظور توزیع بهتر و کاهش صف و اطمینان خاطر بیشتر، از امروز حواله سهمیه کلیه نانوایی‌ها از یک ماه به دو ماه (دوبرابر) افزایش یافت و مقرر شده است تعدادی از نانوایی‌ها تا پاسی از شب به پخت نان مبادرت کنند".

خبرگزاری‌های رویترز و فرانسه و رادیو بی بی سی ضمن انعکاس تکذیب شایعه جیره‌بندی نان، به تفسیر این موضوع پرداختند. از جمله رویترز گزارش داد: "اخیراً افزایش قیمت برنج در ایران، مردم را وادار کرده است تا تقاضای نان را افزایش دهند که این باعث مشاهده صف هایی در جلو نانوایی‌ها شده است".

۳ـ اکثر نقاط کشور در این هفته دچار کمبود بنزین و گازوئیل بوده است که پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته است. از جمله باعث توقف وسایل

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

قم و بمباران مراکز حساس هم خاطرم را مشغول می‌داشت و نیز وضع آیت‌الله منتظری و از عکس‌العمل ایشان در مقابل تصمیمات امام ناراحتم. مجموعاً بیش از گذشته نگرانم.

در جلسه علنی هم مراجعات نمایندگان حاکی از اضطراب آنها است. مسأله اختلاف نظر آقای منتظری با امام برایشان قابل قبول نیست و خبر را هم نمی‌دانند و نمی‌شود به همه گفت و شیاطین وسوسه می‌کنند.

ساعت ده ونیم به دفترم آمدم. دکتر [موسی]زرگر آمد و راجع به چسبندگی که بعد از عمل جراحی سوء قصد برایم پیش آمده صحبت کردیم. گاه گاهی می‌گیرد و درد می‌آورد. قرار شد عکسبرداری و معاینه شود. دکتر [هادی]منافی آمد. از وضعی که پس از نظر شورای نگهبان برای [سازمان]نظام پزشکی پیش آمده، نگران است. پیشنهاد اصلاحی برای لایحه دارد که ظاهراً مقبول نیفتاد.

آقای محمد نژاد مسئول پخش وزارت نفت آمد. تنگناها را گفت و برای ورود بنزین از طریق بندر امام چاره جوئی کرد. آقای حاجی قدیری از قم آمد. برای زایشگاهی که در قم ساخته، دکتر متخصص زنان خواست. گروهی از روحانیون آمدند و در خواست استقلال لامرد از لار را داشتند.

عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. درباره دانشجویان تعلیقی که به علل اخلاقی یا سیاسی از ادامه تحصیل محروم شده‌اند، مذاکره شد. قرار شد به فارغ التحصیلان دانشنامه بدهیم. نسبت به آنها که در ترم آخر تحصیلند و اتمام تحصیلاتشان معمولا در ظرف یکسال یا کمتر ممکن است، اجازه اتمام تحصیل داده شود، ولی قرار شد طرح جامعی را وزیر فرهنگ و آموزش عالی تهیه نماید و در جلسه آینده بحث شود.

اول شب با آقای خامنه‌ای مذاکره کردیم. از نتیجه سفر امروز قم راضیند[1]. کمی تعدیل در روحیه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عمومی در برخی استان‌ها همچون گیلان شده و شایعه اعتصاب رانندگان در این استان را در پی داشته است. همچنین کمبود گازوئیل سبب بروز مشکلاتی برای کشاورزان و تعطیلی بسیاری از پمپ‌های آب در مزارع شده است. در تهران نیز با وجود اجرای توزیع سهمیه‌بندی، در هفته جاری صف‌های طویلی در جایگاه فروش بنزین ایجاد شده است و خیابان‌های مجاور را با ترافیک پیچیده مواجه کرده و برای ساکنان این مناطق مشکلاتی به وجود آورده است.

۱ - آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور به اتفاق آقای میرحسین موسوی نخست وزیر عصر امروز در قم با آیت‌الله منتظری دیدار و گفت و گو کردند. در این ملاقات نخست وزیر گزارشی از نتایج سفر به آلمان شرقی و مجارستان ارائه کرد. در پایان آیت‌الله منتظری توصیه‌هایی بیان کرد که قرار شد رئیس جمهور و نخست وزیر پیگیری کنند.

رادیو بی بی سی امروز طی گزارشی درباره ملاقات‌های اخیر آیت‌الله منتظری با امام خمینی گفت: "در تهران شایع شده بود که آیت‌الله منتظری مشکلات ناشی از ادامه جنگ با عراق را دوباره مطرح کرده است، اما گزارش‌های رسیده از تهران اکنون حاکی است که ملاقات برای اعتراض

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای منتظری دیده‌اند. به خانه رفتم. بچه‌ها همگی جمع بودند، اجتماع خوبی بود.

چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۶۵ | ۱۷ صفر ۱۴۰۶   ۲۲ October ۱۹۸۶

اول وقت آقای ابراهیمی آمد و از وضع پیش آمده برای آقای منتظری و از سمپاشی‌های باند سیدمهدی ابراز نگرانی داشت و چاره‌جوئی نمود. گفتم اصل مهم، حفظ اعتبار و شخصیت آقای منتظری است و بقیه امور، در ارتباط با این اصل باید تنظیم شود. اقدامات امام هم بر همین محور است.

ساعت نه صبح به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. آقای ملک‌زاده اطلاع داد که نیروی دریایی با موشک سی کیلر یک نفتکش را زده است[1].

آقای فومنی سفیرمان در امارات آمد و شرح مذاکرات اخیرش را با شیخ زائد گفت، سفیر ما ابتدا خیلی تند و از موضع بالا حرف زده و او هم در جواب به عنوان اعتراض به دخالت در امور داخلیش سخت بر آشفته و تند جواب داده است. من گفتم تقصیر از شما است. آنها در کیفیت انعکاس خبر جبران کرده‌اند و لازم نیست که عکس‌العمل تندی بروز دهیم.

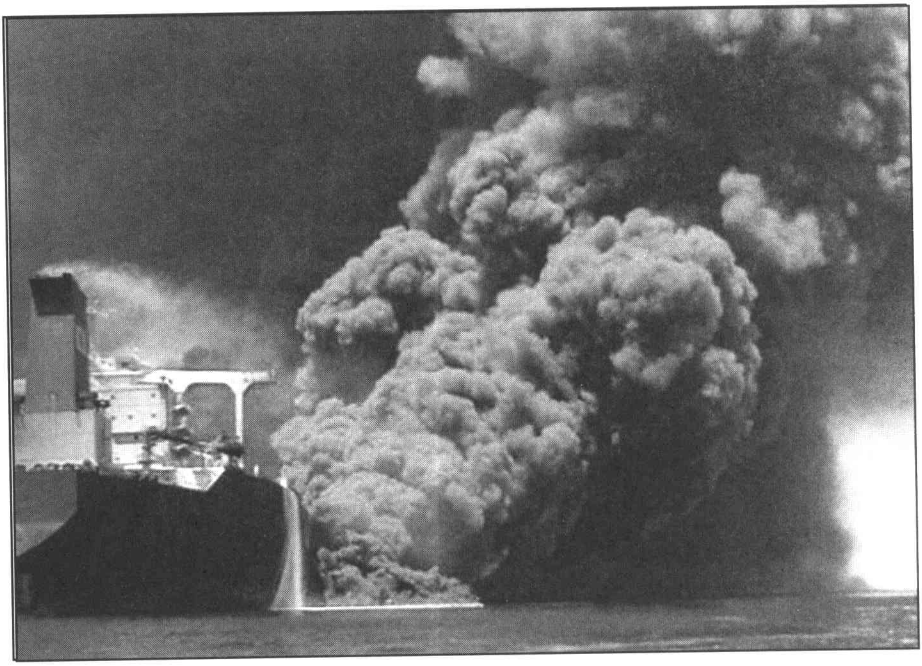
آقای سنجقی و آقای سرهنگ جلالی برای کارهای جنگ و ارتش و سپاه آمدند. آقای فاضل هرندی برای حل مشکل اراضی موات که در مجلس و شورای نگهبان به وجود آمده، استمداد کرد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب در جلسه سران قوا، مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. مسئولان کردستان و وزرای کشور و اطلاعات آمدند و به مشکلات کردستان رسیدگی شد. هماهنگی و قاطعیت مورد نیاز است. قرار شد کمیسیونی زیر نظر نخست وزیر به امور کردستان و آذربایجان غربی رسیدگی کنند و نخست وزیر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

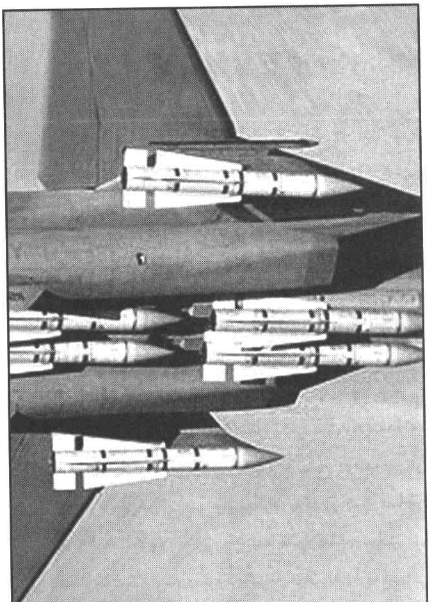
به بعضی اقدامات نیروهای امنیتی علیه نزدیکان آیت‌الله منتظری بوده است. شایع است که یکی از نزدیکان آیت‌الله منتظری یعنی سید مهدی هاشمی در قم بازداشت شده است. گفته می‌شود که سید مهدی هاشمی دارای افکار تند و افراطی است و از سیاست‌های خارجی ایران در سال‌های اخیر انتقاد می‌کرده است. از علت بازداشت وی و یارانش اطلاعی در دست نیست و احتمالاً مربوط به حمله‌های اخیر به دیپلمات‌های افغانی و سوری در تهران باشد. به نظر می‌رسد که آیت‌الله خمینی پس از تحقیق در این زمینه، اقدام مقامات امنیتی در بازداشت مهدی هاشمی را تأیید کرده است".

۱ ـ نفتکش ۱۳۷ هزار تنی کویتی «الفیحاء» ساعت ۳:۱۶ بامداد امروز در ۱۵ کیلومتری ساحل دوبی در جنوب خلیج‌فارس هدف موشک قرار گرفت. به‌گزارش رویترز، حمله رزمناو ایران به این نفتکش خالی، هنگام عزیمت آن به کویت انجام شد. بیمه لویدز نیز ضمن تأیید اصابت یک موشک ایرانی به نفتکش الفیحاء اعلام کرد که خسارت سنگینی بر این نفتکش وارد نشده است.



حمله هوایی به نفتکش در منطقه خلیج فارس







سید مهدی هاشمی

اختیارات کامل از امام بگیرد.

وزیر اطلاعات گزارشی درباره تحرکات افراد باند سید مهدی هاشمی در دفاع از او و به اسم آیت‌الله منتظری و متهم کردن مسئولان کشور داد و گفت امام در جواب نامه‌اش گفته‌اند که با جدیت آنها را تعقیب کنند[1]. شب برای خواب به مجلس رفتم.

---

۱ - امام خمینی در روز ۵ آبان در پاسخ به نامه حجت‌الاسلام ری شهری وزیر اطلاعات که از ایشان خواستار اعلام نظر درباره نحوه رسیدگی به جرائم سید مهدی هاشمی - که به جرم قتل، همکاری با ساواک، نگهداری سلاح، جعل اسناد دولتی و فعالیت‌های مخفی، با اطلاع و نظر امام خمینی دستگیر شده است و اکنون در آستانه محاکمه وی تعدادی از هواداران او به تخریب اذهان و ایجاد اختلاف در جامعه پرداخته‌اند. - طی نامه‌ای بر محاکمه دقیق و منصفانه وی تأکید کرد و نوشت: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم جناب حجت‌الاسلام آقای ری شهری وزیر اطلاعات با توجه به مسائلی که تاکنون کشف و یا مورد سوءظن شده است و با توجه به جوسازی‌ها و اطلاعیه‌هایی که با اسامی مختلف توسط افراد ضدانقلاب و منحرف و وابسته به مهدی هاشمی پخش گردیده است، که نه‌تنها سوءظن را بیشتر می‌کند که خود دلیل مستقلی است بر خط انحراف از انقلاب و اسلام. جناب عالی موظف هستید به جمیع جوانب این امر باکمال دقت و انصاف رسیدگی نمایید و تمام افراد متهمی راکه از سران این گروه محسوب می‌شوند و نیز افراد دیگری راکه در انتشار مسائل کذب و قضایای دیگر دست داشته‌اند تعقیب نمایند و بدیهی است که این امر چون مربوط به اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن منحصراً در اختیار وزارت اطلاعات می‌باشد. باید تأکید کنم که همه در پیشگاه قضاوت اسلام مساوی بوده و نیز به همان اندازه که اغماض از مجرمین گناه بزرگی است، تعرض نسبت به بی گناهان، از گناهان نابخشودنی است. خداوند تعالی را حاضر و ناظر بدانید که این امر عبادتی است که دامان بزرگانی را از اتهامات پاک و توطئهٔ منحرفان را خنثی می‌کند. والسلام، روح‌الله موسوی الخمینی"

آبان ۱۳۶۵



پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۶۵ | ۱۸ صفر ۱۴۰۶ ‏23 October 1986

بعد از نماز صبح تا ساعت هفت ونیم مطالعه کردم. متن فارسی خطبهٔ عربی نماز جمعه را نوشتم. تا ساعت ده ونیم در جلسه علنی مجلس بودم. هنوز نمایندگان از مسائل بیت آیت‌الله منتظری نگران هستند و حق با آنها است. در مورد آقای میرزائی هم که بازداشت شده، مراجعاتی دارند. قرار بود به امام نامه بنویسند. مثل اینکه امضای قابل توجهی نداشته‌اند، منصرف شده‌اند. فاطی و سارا به مجلس آمده بودند. سارا یک ساعت رومیزی را که داشتم، پسندید و برد.

رئیس دبیر خانه مجلس آمد و تذکراتی در امور اداری داد. عصر شورای‌عالی دفاع جلسه داشت. در این جلسه، آئین نامه ستاد تبلیغات جنگ را تصویب کردیم. به خانه رفتم. شب آقای رحمانی [مسئول بسیج] برای امور جنگ آمد.

جمعه ۲ آبان ۱۳۶۵ | ۱۹ صفر ۱۴۰۶ ‏24 October 1986

تا ساعت ده ونیم مطالعه می‌کردم. برای اقامهٔ نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. به مناسبت سالگرد شهادت آقای مصطفی خمینی، مطالبی در ستایش از امام، آیت‌الله منتظری و احمدآقا به منظور تخفیف شرایط جاری که در اثر بازداشت گروه سید مهدی هاشمی و عکس‌العمل آیت‌الله منتظری به

وجود آمده، گفتم[1]. تا شب وقتم به مطالعه گذشت.

اطلاع رسید عراق به مراکز نظامی غرب حملهٔ هوایی داشته و دو هواپیمایش ساقط شده است[2]. به

---

۱ ـ آقای هاشمی، امروز در حطبه‌های نماز جمعه با تبیین وضعیت فعلی جنگ، به بروز تردید در حامیان عراق و عدم مشروعیت مردمی رژیم عراق اشاره کرد و به مقامات ترکیه در مورد هرگونه چشمداشت به شمال عراق هشدار داد و درباره اجلاس اخیر اوپک و حمله به هواپیماهای غیرنظامی مطالبی بیان کرد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "در شهادت حاج مصطفی، امام امت غیر از ابراز رضایت و اینکه شباهتی به سایر خانواده‌های شهدا پیدا کردند، چیزی نفرمودند و همان روحی که در ایشان بود جلوه کرد که من همین جا می‌خواهم روی این نکته تکیه کنم. اصولاً محور حرکت برای شخص امام و شاگردان ایشان مخصوصاً قائم مقام رهبری حضرت آیت‌الله العظمی منتظری و سایر کسانی که با نفس گرم این امام بزرگوار تقویت شده‌اند، همین است که اصل را اسلام و انقلاب و بقیه مسائل را فرع قرار می‌دهند. اگر این ایمان و اعتقاد شد و انسان پذیرفت و این مسأله برای خودش هضم شد خیلی کار راحتی است. هر کس این گونه تفکر کند، یک نقطه‌ای را برای خودش محور و اصل قرار بدهد، آسان می‌تواند بقیه چیزهایی که دارد فدای این بکند و امام امت چنین انتخابی کردند. همین چند روز قبل به مناسبتی در یک بخشی در خدمت امام امت بودیم، ایشان اشاره کردند به حاج احمد خمینی و فرمودند این احمد که یکی از عزیزترین انسان‌هایی است که پیش من است، اگر بنا باشد که فدای اسلام بشود، من یک ذره قلباً ناراحت نمی‌شوم. صحبت اینکه یک وقت اظهار ناراحتی بکنم، نه. ایشان که در هیچ مصیبتی اظهار ناراحتی نمی‌کنند، صحبت اظهار قلبی بود. فرمودند من قلباً اگر ببینم این احمد فدای اسلام شده، هیچ ناراحت نخواهم شد. این مسأله برای ما دو نکته داشت. یکی همین بود که برای شما عرض می‌کنم، یک نکته دیگر اینکه امام فرمودند احمد آقا عزیزترین افراد در نزد من است که، خوب این نشان خدماتی است که ایشان می‌کنند و امام می‌دانند. همین حال را ما در حضرت آیت‌الله العظمی منتظری می‌بینیم. می‌دانیم که ایشان جزو کسانی است که بیشترین فداکاری را در انقلاب کرده است و تقریباً تمامی عمرشان در راه انقلاب صدمه دیدند، یا در زندان بودند یا تحت فشار بودند. یا در تبعید بودند بچه‌هایش مثلاً شهید محمد منتظری، یک عنصر با ارزش در تاریخ این انقلاب بود که خودش، حماسه‌های زیادی از فداکارهایش دارد. ایشان را در راه انقلاب داد. پارسال آن فرزند عزیز دیگرش آقا سعید را دیدیم که در میدان‌های جنگ چشمش را از دست داد و در همین هفته‌های قبل ایشان شهید یاسر [رستمی] را در راه انقلاب در میدان جنگ به پیشگاه خداوند تقدیم کردند و همیشه حال ایشان یکنواخت بود. ما در زندان حدود سه سالی با ایشان در اتاق زندگی می‌کردیم و بیرون هم مثلاً در نجف‌آباد، قم در همین شرایطی که الان هم حاکمیت داریم و خدمت ایشان هستیم، همه شرایط برای ایشان یکسان است. مسئولان جمهوری اسلامی همین جور هستند که خودشان را آماده کردند تا فدای اسلام شوند. زندگی اینها این مسأله را ثابت می‌کند و مردم همه به همین دلیل به اینها اعتماد دارند. چیز دیگری نیست که اینها را پیش مردم عزیز بکند. من به طور قاطع به شما می‌گویم که مسئولین تراز اول جمهوری اسلامی هر کس فرزندی، برادری و نزدیکی که بتواند در جبهه باشد، به جبهه فرستاده و همین حالا نیز در جبهه‌ها حضور دارند. وقتی که حادثه‌ای برای آنها پیش می‌آید، اعلام می‌شود در غیر این صورت مثل بسیجی‌ها می‌روند و می‌آیند و مثل بسیجی‌های دیگر می‌جنگند و کسی هم خبردار نمی‌شود. مسئولان کشور، نمایندگان مجلس، وزراء و شخصیت‌ها عمدتاً این گونه هستند. البته نمی‌خواهم بگویم که همه این گونه هستند چه ممکن است همه این طور نباشند ولی اکثریت به اتفاق این طور هستند و این نظامی که از آن بالا، امامش آن گونه است و جزو شهید داده‌های این انقلاب هستند و جزو رنج دیده‌های بیش از همه که قسمت عمده عمرشان را در انزوا، تبعید و زندان و امثالهم به سر بردند. قائم مقام ایشان این جوری است. مسئولان و شخصیت‌های دیگرش هم این جوری هستند، این نظام می‌تواند از مردم توقع کند که مردم هم در میدان فداکاری کنند و مردم هم همین را می‌بینند که فداکاری می‌کنند. شرط موفقیت یک نظام این است که مسئولانش به مردم راست می‌گویند و با مردم همدل و همزبان هستند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در ساعت ۸:۱۵ چهار هواپیما به شهر اسلام آباد تجاوز کردند که با آتش سلاح‌های پدافند هوایی مواجه و بدون هیچ اقدامی متواری شدند و به سوی باختران رفتند. هواپیمای مهاجم بین راه دو بمب به طرف گردنه حسن آباد پرتاب کردند که بر اثر اصابت ترکش بمب به یک مینی‌بوس، چهار تن مجروح شدند. همچنین چهار بمب به طرف روستای حسن‌آباد پرتاب کردند که منفجر نشد. در پی آن، نیروهای خنثی کننده بمب از سپاه اسلام آباد غرب به حسن آباد اعزام شدند و تعداد ۳۰۰ بمب خوشه‌ای عمل نکرده را جمع آوری و خنثی کردند. در ساعت ۸:۲۸ نیز هواپیماهای عراق در دو مرحله، یک بار با ۱۰ فروند و بار دیگر با ۸ فروند اطراف قرارگاه تیپ نبی‌اکرم(ص) سپاه پاسداران

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نظر می‌رسد، از ترس موشک‌هایی که به بغداد می‌خورد و گلوله باران بصره، از حمله به مراکز نظامی به طور محدود خودداری می‌کند. آقای منتظری امروز در جلسه‌ای تجدید فعالیت را برای رسیدگی به عفو زندانی‌ها اعلان کردند که باعث خوشحالی شد؛ زیرا قهر کرده بودند.

شنبه ۳ آبان ۱۳۶۵ | ۲۰ صفر ۱۴۰۶ ۲۵ October ۱۹۸۶

اول وقت به زیارت امام رفتم. گزارش وضع جنگ و برنامهٔ عملیات آینده را دادم. نظر جلسه سران قوا را در مورد گروه سید مهدی هاشمی گفتم که برای احتراز از عکس‌العمل احتمالی آقای منتظری، بهتر است جریان بازداشت‌ها متوقف شود و اینها که بازداشت شده‌اند، تدریجاً با ضمانت آزاد شوند و در صورت لزوم محاکمه شوند و جریان به مردم هم گفته شود؛ چون رسانه‌های بیگانه به طور ناقص می‌گویند و ایجاد شبهه می‌کنند، ولی نظر امام این است که تمام اعضای تشکیلاتی بازداشت شوند و هوادارها بازداشت نشوند و بنا دارند مطالب را علنی کنند. وضع حالشان بد نبود.

در مورد احتمال تجاوز ترکیه به شمال عراق در صورت سقوط صدام صحبت شد[1]، فرمودند باید منتظر بود که چه پیش می‌آید. نظر خاصی ارائه نکردند. گزارش پیشرفت مسأله گروگان‌های آمریکایی در لبنان و نیازهای تسلیحاتی را دادم، تایید کردند.

تا شب در منزل مطالعه کردم و کار زیادی نداشتم. شب آقای سلامت و خانم اشرف [خواهر همسرم] آمدند. اشرف از آموزش و پرورش کرمان شاکی بود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و هوانیروز باختران را با بمب خوشه‌ای بمباران کردند. در جریان این حمله، با آتش سلاح‌های پدافند هوایی یک هواپیمای «سوخو» دشمن در منطقه کرند غرب (اطراف ریحان) سرنگون شد و خلبان آن به اسارت رزمندگان در آمد. در ساعت ۱۰:۱۰ چند هواپیمای عراقی به حریم سردشت تجاوز کردند که یک فروند آنها هدف آتش رزمندگان قرار گرفت و در منطقه دوپازا سقوط کرد و خلبان آن کشته شد. هواپیماهای دشمن مجدداً در ساعت ۱۱:۳۰ به منطقه سردشت تجاوز کردند و روستاهای عباس آباد و بیوران پایین را بمباران کردند. به گزارش قرارگاه حمزه، در این بمباران، از مردم ۲۶ تن شهید و ۴۰ تن مجروح شدند و از نیروهای نظامی نیز ۴ تن شهید و ۱۰ تن مجروح شدند.

۱ـ اخطار روز گذشته آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه به ترکیه مبنی بر خودداری از هرگونه چشمداشت به شمال عراق، ترکیه را به واکنش واداشت. وزارت خارجه ترکیه امروز طی بیانیه‌ای بر موضع روشن و مشخص بی طرفی ترکیه در جنگ تأکید و اعلام کرد: "آنکارا برخورد منطقی با معنای خود را حفظ خواهد کرد. ما امیدواریم همه همان طور به حاکمیت اراضی تمام کشورها احترام بگذارند که ما می‌گذاریم". خبرگزاری آلمان غربی ضمن اعلام این خبر افزود: "وحید خلف اوغلو وزیر خارجه ترکیه قبلاً این تصور رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی را که ترکیه در صورت تعرض نهایی ایران، حوزه‌های نفتی کرکوک در عراق را خواهد گرفت، تکذیب کرده بود ولی با این حال بر منافع حیاتی ترکیه در این خط لوله‌ای که از کرکوک به یکی از بنادر مدیترانه‌ای ترکیه می‌رود، تأکید نموده بود".

یکشنبه ۴ آبان ۱۳۶۵ | ۲۱ صفر ۱۴۰۶ — ۲۶ October ۱۹۸۶

مجلس را به ملاحظه سفر نمایندگان در اربعین تعطیل کردیم. بنا بود به بازدید کارگاه‌های مترو بروم اما چون ماشین‌های حفاری آماده نشده بود، به تأخیر انداختند.

اول وقت به مجلس آمدم. با آقای ری‌شهری که بنا بود خدمت امام برود، درباره نتیجه مذاکرات دیروزم با امام تلفنی صحبت کردم و نیز درباره مطرح کردن مسأله حفاظت و اطلاعات ارتش تذکر دادم. بعد از ملاقات اطلاع داد که امام در مورد تعقیب گروه سید مهدی هاشمی جدی‌اند و در مورد حفاظت اطلاعات هم نظرشان این است که تحت نظر وزیر اطلاعات ـ به صورت مخفی ـ قرار گیرد. رئیس جمهور قبلاً با این نظر مخالف بودند.

آقای [رسول]منتجب‌نیا [نماینده دفتر مشاورت امام در ارتش در جزیره خارک] آمد. گزارش وضع پدافند فارس و نیازها را داد. انتظامات مجلس آمدند. برای گرفتن تلویزیون مدار بسته کاخ نیاوران برای حفاظت مجلس استمداد کردند. به دکتر [محمد] فرهادی [وزیر فرهنگ و آموزش عالی] تذکر دادم.

سفیرمان از ژاپن آمد. گزارش وضع آنجا را گفت و تاکید داشت که بهتر است عملیات موعود زودتر انجام شود. آقای [محمد جعفر] سعیدی [یان‌فر] نماینده [خمینی شهر] آمد. از مسأله سید مهدی هاشمی و از اینکه رادیوهای بیگانه او را هم جزو بازداشتی‌ها می‌دانند، نگران است. آقای فاضل هرندی آمد، از صدمه احتمالی که در مسأله سید مهدی به آقای منتظری وارد شود، به خاطر مطرح شدن موضع گیری ایشان در مقابل دستور امام، اظهار نگرانی کرد و نمونه‌هایی از اظهار نظر بعضی از طرفداران سرسخت ایشان را نقل کرد. دکتر هادی آمد. عازم قم است. درباره مطالبی که می‌خواهد مطرح کند، مشورت کرد.

آقای [محمدحسن]اختری سفیرمان در سوریه همراه اخوی محمود آمدند. گزارش وضع لبنان و سوریه را دادند. در مورد اعضای شورای لبنان مشورت کردند. نفت اضافی برای سوریه طلب کردند.

عصر چهار نفر از طلاب مدرسه عالی شهید مطهری که در عملیات فتح یک شرکت داشتند آمدند. ضعف‌های عملیات را گفتند و بیشتر روی ضعفهای مدیریت و فرماندهی تأکید داشتند[1].

---

۱ ـ عملیات ایذایی فتح ۲، امروز در عمق خاک عراق به اجرا درآمد. به گزارش قرارگاه رمضان، نیروهای این قرارگاه با اجرای آتش روی نیروگاه ۲۵۰ مگاواتی دوکان خسارات قابل توجهی به این نیروگاه وارد کردند. این نیروگاه قسمت‌های وسیعی از استان اربیل، قلعه دیزه و سد دوکان را زیر پوشش داشت. در این عملیات همچنین پایگاه‌های اطراف نیروگاه و مقرهای استقرار نیروهای جاش در اطراف دوکان، ساختمان

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای رئیس‌زاده آمد. تحلیلهائی برای مسائل جاری، منجمله بازداشت سید مهدی هاشمی و عکس‌العمل آیت‌الله منتظری ارائه داد. آقای موسویان سرپرست ادارات مجلس آمد. عقاید و خط سیاسی اجتماعی خودش را عرضه کرد.

شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند[1]. در این جلسه دکتر ولایتی گزارش سفر به لیبی را داد. درباره گروه سید مهدی بحث شد.

دوشنبه ۵ آبان ۱۳۶۵ | ۲۲ صفر ۱۴۰۶ — ۲۷ October ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر به مطالعه پرداختم. احمدآقا آمد. تصمیم امام را در مورد نوشتن جواب سئوال وزیر اطلاعات در خصوص تعقیب پرونده گروه سید مهدی گفت و متن آن را آورد. بناست از رسانه‌ها پخش شود. به آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی گفتم که نماز جمعه آینده را اقامه کنند. قرار گذاشته‌ایم در سال بیست هفته ایشان و بیست هفته من و هشت هفته آیت‌الله موسوی اردبیلی و چهار هفته آقای امامی کاشانی اقامه نمایند.

اول شب آقای آقازاده وزیر نفت آمد. مدعی است در اوپک، کویت و عربستان از موضع ضعیف حرکت کرده‌اند و قدرت ایران محسوس است. گزارش وضع صادرات و سوخت را داد.

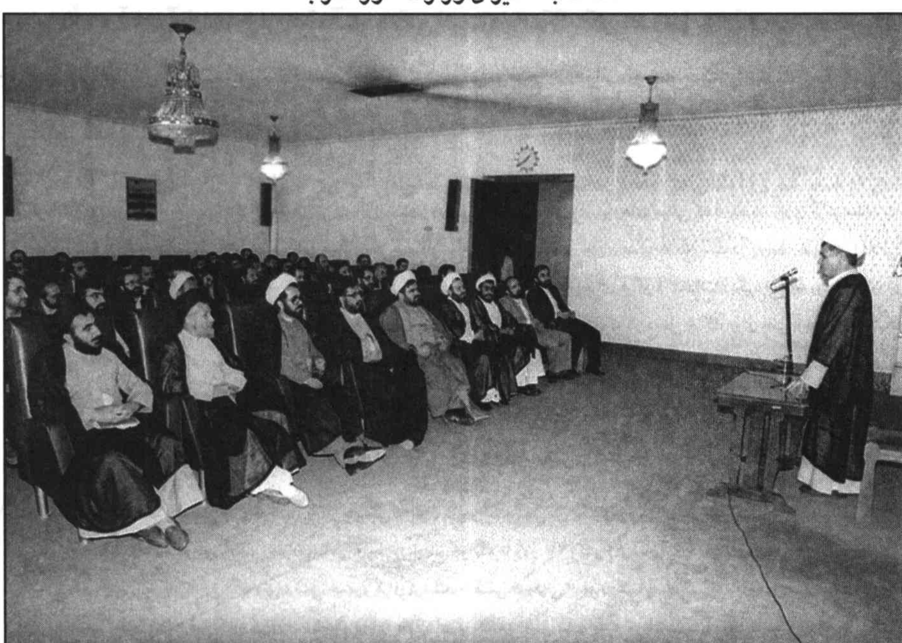
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

فرمانداری شهر و چندین قبضه سلاح ضد هوایی در اطراف شهر منهدم گردید و تعدادی از نیروهای عراقی کشته شدند. راوی مرکز مطالعات جنگ در قرارگاه رمضان در گزارش خود از این عملیات می‌نویسد: "به علت مسائلی که در جریان عملیات فتح یک در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی بروز کرد، مرکزیت اتحادیه اجرای هرگونه عملیات دیگر را منوط به عقد قرارداد رسمی روابط با جمهوری اسلامی ایران کرد، لذا عملیات فتح ۲ صرفاً با نیروهای اندک خودی که در داخل خاک عراق باقی بودند، انجام شد. این نیروها با دیده‌بانی روی مواضع دشمن، توسط دو قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلی‌متری، حدود ۵۰ گلوله خمپاره روی نیروگاه دوکان و تأسیسات و پایگاه‌های اطراف آن شلیک کردند". رادیو بغداد امروز در بخش کردی خود، در تفسیری با حمله شدید به اتحادیه میهنی کردستان، گفت: "خیانت طالبانی به جایی رسیده است که به مزدور رژیم خمینی مبدل گردیده است و آنان را در حملات به خاک وطن رهبری و راهنمایی می‌نماید".

۱ ـ در این روز صدام حسین در جواب نامه پاپ، به طور ضمنی از ایران درخواست آتش‌بس یک روزه کرد. رادیو صوت الجماهیر (بغداد) گفت: "در پاسخ به نامه پاپ که طی آن از رهبران سیاسی و نظامی جهان خواسته تا روز ۲۷ اکتبر (۵ آبان) به مناسبت روز عبادت تمامی ادیان، سلاح‌های خود را به کلی زمین بگذارند، رئیس جمهور عراق نوشت: ما ضمن قدردانی از توجه شما به جنگی که به خاطر اصرار رژیم ایران به ادامه جنگ تجاوزکارانه خود علیه عراق و سیاست توسعه طلبان آن در منطقه، شش سال است جریان دارد و درک شما از اینکه ما مایل به راه‌حل‌هایی عادلانه و دائم برای آن هستیم، قدردانی می‌کنیم... ما مفتخریم که به پیام شما پاسخ مثبت دهیم، ولی اجرای یک طرفه این پیام امکان‌پذیر نیست و ما مسرور می‌شدیم اگر ایرانیان به این پیام پاسخ مثبت می‌دادند".



ملاقات با سفیران وزارت امور خارجه



دکتر هادی [نجف‌آبادی] آمد. در مورد سفر به عربستان برای مذاکره با آقای فهد ـ شاه عربستان ـ مشورت کرد. فهد گفته اگر یک هفته جنگ متوقف شود، صدام را کنار می‌گذارند. قرار شده از طرف ما کسی برود و توضیح کیفیت کار را بگیرد. نامهٔ وزیر اطلاعات و جواب امام در خصوص تعقیب سید مهدی هاشمی امروز منتشر شد؛ احتمالاً آقای منتظری ناراحت‌تر شده باشند.

سه‌شنبه ٦ آبان ۱۳٦۵ | ۲۳ صفر ۱۴۰٦ | ۲۸ October ۱۹۸٦

قبل از دستور، تلگراف آیت‌الله منتظری در جواب تلگراف و تسلیت نمایندگان را خواندم. ساعت ده و نیم به دفترم آمدم. با انتشار جواب امام، آرامشی احساس می‌شود.

جمعی از ارتشی‌ها آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. در جلسهٔ ستاد قرارگاه برای بررسی وضع موجودی مهمات نیروی زمینی ارتش شرکت کردم. به جز دو مورد بقیه وضع بدی ندارند.

آقای [واعظ] طبسی ناهار مهمانم بود. شرح مذاکرات با آقای منتظری و امام را گفتند. آقایان رفیق‌دوست و مهدی نژاد آمدند. در مورد مراحل آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان و نیازهای تسلیحاتی بحث شد[2].

---

۱ ـ آقای هاشمی در جمع عده‌ای از روحانیون و پرسنل دایره عقیدتی - سیاسی و پرسنل تابعه ستاد مشترک ارتش با اشاره به توطئه‌های استکبار جهانی برای ایجاد تفرقه بین مردم و ارتش گفت: "توطئه دشمنان در این زمینه شکست خورد و امروز جمهوری اسلامی دارای ارتشی است که بیش از همیشه به مردم نزدیک است و این حاصل برخورد مدبرانه امام با ارتش بود. الان ارتش ما جزء مطمئن‌ترین ارتش‌های دنیا از لحاظ ارتباط با کل نظام، رهبری و مردم است و پنج شش سال تجربه جنگ این را را به خوبی نشان داد علی‌رغم اینکه قسمت‌های اصلی ارتش در گذشته شکل گرفته بود، با توجه به انگیزه‌های مذهبی که داشته، الان به صورت یک ارتش مردمی درآمده است". خبرگزاری آسوشیتدپرس با نقل قسمتی از سخنان آقای هاشمی مبنی بر اینکه پس از پایان جنگ با عراق، ایران با همسایگان خود در صلح زندگی خواهد کرد... ما امیدواریم پس از پایان جنگ تحمیلی از سوی عراق، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به یک منبع امنیت برای کشورهای منطقه تبدیل شوند". سخنان ایشان را چنین تفسیر کرد: "به نظر می‌رسد این سخنان برای کاهش نگرانی کشورهای عرب خلیج [فارس] که بیم دارند پیروزی انقلابیون مذهبی ایران بتواند کشورهایشان را بی‌ثبات کند، طراحی شده است". آسوشیتدپرس با نقل بخشی دیگر از سخنان آقای هاشمی که گفته بود: "همسایگان، علی‌رغم رفتار غیردوستانه‌شان نسبت به ما، پس از پایان جنگ خواهند فهمید که به سادگی قادرند با ما در صلح زندگی رده و بیشتر به ما اعتماد کنند". اضافه کرد: "جنگ خلیج [فارس] و حمله به کشتی‌ها از مسائل عمده گفتگوهای وزیران خارجه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس است که در ابوظبی تشکیل جلسه داده‌اند. رهبران کشورهای عضو این شورا نیز قرار است روزهای شنبه و یکشنبه آینده تشکیل جلسه دهند. دو کشور بزرگ این شورا یعنی عربستان و کویت در جریان درگیری خلیج [فارس] همواره از عراق حمایت کرده‌اند".

۲ ـ مسأله گروگان‌های فرانسوی و آمریکایی در لبنان و احتمال آزادی آنها، امروز نیز مورد بحث رسانه‌ها قرار گرفت. ادعای شب گذشته رادیو

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر آقامحمدی آمد و در مورد کیفیت رفتار و برخورد با گروههای عراقی برای جنگ با بعث عراق مذاکره شد. در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. مشکل دانشجویان تعلیقی ـ که چند سال است بلاتکلیف مانده‌اند ـ حل شد. کمیسیون مأمور تشخیص، تعیین شد.

شب به مجلس آمدم و کارها را انجام دادم. سرهنگ ترابی که مسئول حفاظت اطلاعات ارتش شده است، برای مشورت در برنامه کار جدیدش آمد.

چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۶۵ | ۲۴ صفر ۱۴۰۶ — ۲۹ October ۱۹۸۶

تا ساعت هفت ونیم صبح مطالعه کردم. تا ده ونیم در جلسهٔ علنی بودم. در تنفس برای جمعی از سپاهیان تیپ بیت المقدس صحبت کردم[1]. آقای [سیدرضا] زواره‌ای آمد و مطابق معمول از مجریان شاکی است. پدر شهید حیدری نماینده سابق بوشهر و مادر ایشان آمدند و برای انتقال فرزند سربازشان به شیراز کمک خواستند.

ظهر جمعی از سفرا و کاردارنمان آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[2]. عصر آقای [احمد]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

صدای لبنان، متعلق به گروه «سمیر جعجع» مبنی بر آزادی قریب الوقوع دو گروگان فرانسوی و شش گروگان آمریکایی و انتقال آنها به مقر فرماندهی نیروهای سوریه در لبنان، شگفتی محافل خبری پاریس را برانگیخت. وزارت خارجه فرانسه این اخبار را تکذیب کرد و روزنامه لیبراسیون آن را بخشی از یک جنگ روانی خواند. رادیو مسیحیان لبنان نیز متنی منتشر کرد که در آن آمده است: "منابع امنیتی اطلاعاتی دریافت کرده‌اند که براساس آن، دو گروگان فرانسوی هم اکنون زیر نظر رئیس اداره اطلاعات سوریه در لبنان هستند و این احتمال وجود دارد که این دو همراه با شش گروگان آمریکایی در مقابل آزادی ژرژ عبدالله که در فرانسه زندانی است، آزاد شوند. روزنامه کویتی القبس نیز امروز نوشت: دو گروگان فرانسوی امکان دارد قبل از گردهم‌آیی وزیران امور خارجه کشورهای جامعه اقتصادی اروپا در ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان) در لندن، آزاد شوند. "القبس به نقل از منابع موثق نوشت که آزادی این گروگان‌ها احتمالاً «هدیه» سوریه به فرانسه برای جبران تلاش پاریس در جامعه اقتصادی اروپا جهت جلوگیری از مجازات‌های سنگین علیه سوریه است. القبس افزود: "فرانسه در حال حاضر نقش مصمم‌ترین مدافع سوریه در اروپا را بازی می‌کند و برای جلوگیری از محاصره سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی جامعه اروپا علیه سوریه - که عواقب آن نزدیکی هر چه بیشتر دمشق به مسکو خواهد بود - تلاش می‌کند. آزادی این دو گروگان که باید با موافقت ایران صورت گیرد، امکان دارد به دلیل انعقاد توافق نامه پاریس و تهران در زمینه بدهکاری «اورودیف»، تسهیل شود".

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای هاشمی در جمع سفیران، کارداران و سرکنسولان جمهوری اسلامی در آسیا و اقیانوسیه به تشریح وضعیت جنگ و اوضاع داخلی کشور پرداخت. در این دیدار ایشان با اظهار اینکه موقعیت فعلی بسیار حساس است و ما در مجموع زمان فوق‌العاده سرنوشت‌سازی را می‌گذرانیم، گفت: "دشمنان ما رو به هزیمت نهاده‌اند... عراق به تنهایی قادر به ادامه جنگ نبود و صدام چون عنصر وابسته‌ای است، سیاست جنگ را دیگران تعیین می‌کنند... فرانسه و شوروی به طور عمده اسلحه عراق را تأمین می‌کنند. عراق مثل ما نیست که اگر از لحاظ اسلحه تدارک نشود

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عزیزی [رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس] آمد و راجع به شایعه آمدن مک فارلین به ایران توضیح خواست؛ توضیح دادم. آقای رحمانی مسئول بسیج آمد و برای شرکت در برنامه فرماندهان بسیج که برای اعزام یکصدهزار نفر در آذر ماه برنامه ریزی می‌کنند، دعوت کرد؛ پذیرفتم. شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم.

مطلع شدیم که یک هواپیما در بندرعباس به زمین نشسته و پانصد موشک تاو و مقداری داروی هدیه از طرف آمریکا آورده که ما برای آزادی گروگانها در لبنان کمک کنیم. در جلسه سران در مورد مسائل مربوط به گروگانهای فرانسوی و آمریکا که در جریان مذاکره و معامله است، بحث و تصمیم‌گیری شد.

آقای امراللهی آمد. گزارش پیشرفتهای سازمان انرژی اتمی را گفت. فرانسوی‌ها اصرار دارند تفاهم نامه سیاسی و اقتصادی، همزمان منتشر شود. مشکل آزادی گروگان آمریکایی، مسائل جدید آنها با سوریه است. در مورد مسائل مربوط به آیت‌الله منتظری هم بحث شد؛ مشکل عمیق است. آقایان معیری و شیخ‌الاسلام درباره تفاهم نامه‌های سیاسی و اقتصادی با فرانسه در جهت عادی کردن روابط نظر خواهی کردند.

شب خبر دادند که عراق به باختران و اسلام آبادغرب حملهٔ هوایی کرده و بیش از صد نفر را شهید و مجروح کرده است[1]. ظاهراً هدف پادگان نظامی بوده، ولی به غیر نظامیان هم آسیب وارد شده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بتواند به جنگ ادامه دهد. ما اگر تمام دروازه‌هایمان را هم ببندیم می‌توانیم در شکل موجود جنگ را ادامه دهیم. آنها تاکنون جنگ را باخته‌اند. اگر هدف آنها سقوط ما بوده، جنگ را باخته‌اند، اگر هدف تجزیه ما بوده، باز باخته‌اند؛ اگر تقویت ضدانقلاب بوده، باز باخته‌اند... آنها حالا تنها می‌خواهند صدام را به هر قیمتی که شده، حفظ کنند. همه همت‌ها این است که وضع موجود را در عراق حفظ کنند... اگر گاهی تحولات هوایی رخ می‌دهد و تخریبی صورت می‌پذیرد در همان جهان است که اهرمی داشته باشند تا آن اتفاق تلخ برای آنها رخ ندهد... ما اگر تصمیم بگیریم که در هر فرصت حرکتی در میدان جنگ بکنیم، چیزی مانع ما نیست. در همین قضیه اخیر که عراق آغازگر آن بود [جنگ شهرها و حمله به پایانه‌های نفتی دوردست] دیگران خیلی به او کمک کردند از جهت شناسایی، اطلاعات، دادن ابزار لیزری و غیره، همه چیز در اختیار عراق گذاشتند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ امروز شهرهای باختران و اسلام آباد غرب زیر آتش سنگین بمب، راکت و مسلسل هواپیماهای عراقی قرارگرفت و تعداد زیادی از مردم را به خاک و خون کشید. تعداد ۹ فروند هواپیمای دشمن ضمن تجاوز به حریم هوایی شهر اسلام آباد غرب ۲۵ نقطه از پادگان الله اکبر این شهر را بمباران کردند که بر اثر آن دژبانی، انبارهای پوشاک، تغذیه، قسمتی از تیپ ۴۵ جوادالائمه و پمپ بنزین جهاد آسیب دید و ۲۲ تن شهید و ۴۸ تن مجروح شدند. همزمان با حمله مذکور، ۱۲ هواپیمای دشمن سه نقطه از اطراف پادگان صالح‌آباد باختران و کوی افسران و درجه‌داران را بمباران خوشه‌ای کردند که بر اثر آن به بیمارستان ۵۲۰ ارتش در باختران، یک سالن پذیرش، چند آسایشگاه، تعدادی خودرو سبک و سنگین و چند واحد مسکونی خساراتی وارد آمد. در جریان بمباران پادگان اسلام آباد ترکش بمب‌های پرتاب شده به خطوط انتقال برق اصابت کرد و باعث خاموشی کامل برق اسلام آباد و بخشی از باختران شد. هواپیماهای دشمن مجدداً در ساعت ۱۸:۴۰ امروز نیز ضمن

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

است. دستور داده شد با زدن بصره تلافی شود و عملیات فتح ۲ که در منطقه دوکان انجام شده اعلان شود.

پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۶۵ | ۲۵ صفر ۱۴۰۶   ۳۰ October ۱۹۸۶

قبل از جلسه علنی مجلس، اطلاعات لازم از بمباران‌های دیروز دشمن[۱] و بمباران امروز پالایشگاه باختران گرفتم[۲]. قبل از دستور صحبت کوتاهی کردم[۳]. طرح واگذاری قطعی اراضی کشت موقت با رای بیش از دو سوم نمایندگان تصویب شد، ولی ظهر آقای انصاری خبر داد که شورای نگهبان به امام

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تجاوز به حریم هوایی شهر باختران مسیر خیابان کسری و قسمتی از خیابان سراب این شهر را هدف گلوله‌های تیربار خود قرار دارند که به چندین واحد مسکونی و بیش از ده دستگاه اتومبیل آسیب وارد شد و شماری نیز شهید و مجروح شدند. تا بامداد ۶۵/۸/۸ شهدای کرمانشاه به ۱۰۶ تن و شهدای اسلام آباد غرب به ۱۸ تن رسید و در این دو شهر مجموعاً ۵۸۰ تن بر اثر بمباران و اصابت رگبار مسلسل هواپیماهای عراقی مجروح شدند.

۱ ـ بنا به گزارش رادیو صوت‌الجماهیر (بغداد) حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق در مصاحبه با هفته‌نامه الفبا ضمن تهدید به تشدید حملات هوایی عراق، گفت: "دورترین نقطه ایران در دسترس خلبانان ما است و نیروی هوایی ما همیشه آماده ستیز با تمام امکانات دفاعی است که ایران تدارک دیده است". وی اضافه کرد: "ایران باید پیش بینی ضربات فزاینده ما به فرودگاه‌ها و پایگاه‌هایش را بکند. وی تأکید کرد موشک‌هایی که ایران از سوریه و لیبی به دست آورده، عراق را نمی‌ترساند".

۲ ـ در ادامه حملات روز گذشته هواپیماها به کرمانشاه که به سبب آن ۱۰۶ تن شهید و ۴۸۰ تن مجروح شدند، در ساعت ۶:۵۵ صبح امروز ۱۸ فروند هواپیما پالایشگاه، چند نقطه مسکونی و بیمارستان ۵۲۰ ارتش را در این شهر بمباران کردند که بر اثر آن ۱۹ تن شهید و ۷۰ تن مجروح شدند و چندین منبع سوخت، بنزین سوپر و ذخیره گاز منهدم یا به آن آسیب کلی وارد شد و بخشی از تأسیسات پالایشگاه خسارت دید. گستردگی آتش به حدی است که امکان نزدیک شدن به مرکز پالایشگاه و قسمت‌های منهدم شده و یا آسیب دیده وجود ندارد. ساعت ۱۶:۵۵ با سرایت آتش به منابع بنزین سوپر، شعاع شعله‌های آتش به دو برابر افزایش یافت، طوری که از ۴۵ کیلومتری خارج شهر قابل رؤیت بود. به سبب حملات مذکور، کرمانشاه به صورت نیمه تعطیل درآمد. توزیع سوخت دچار اختلال شد و صف‌های طویلی از خودروها در جایگاه‌های بنزین تشکیل شد. همچنین مراسم تشییع شهیدان که قرار بود ساعت ۱۵ برگزار شود، لغو گردید.

۳ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "شهادت جمعی از مردم باختران و اسلام آباد باز نشانه‌ای است از اینکه رژیم عفلقی دست از همان شیوه شرورانه خودش برنمی‌دارد و هر وقت در تنگنا قرار می‌گیرد آن طینت درنده خویی خودش را نشان می‌دهد. ما ضمن اینکه حق مقابله به مثل را برای خودمان محفوظ نگه می‌داریم و عمل می‌کنیم، امیدواریم که بعثیان عراق را رزمندگان ما در میدان‌های جنگ به سزای اصلی خودشان برسانند و خواهند رساند و بی‌شک این گونه حرکت‌ها برای انتقام گرفتن از دو ملت ایران و عراق است که بعثی‌ها مرتکب می‌شوند. نمونه دیگر از بن‌بست رژیم عراق حرکتی است که در مورد فرستاده ویژه امیر کویت کردند که برخلاف همه موازین حتی برخلاف ادعاهای عروبت خودشان هواپیمای فرستاده امیر کویت را که برای آوردن پیام برای مقام ریاست جمهوری ما می‌آمدند، مورد تعقیب قرار دادند که اگر جنگنده‌های ما به دفاع بلند نشده بودند تحقیقاً سرنوشت این فرستاده هم مثل وزیر خارجه شهید الجزایر می‌شد. با اینکه کویتی‌ها در این مدت از حمایت عراق دریغ نکردند ما می‌بینیم بعث عراق برای چه جنایت‌هایی آمادگی دارد. ان‌شاءالله این گونه حوادث هم مردم عراق را هم حامیان صدام را هشیارتر بکند و شر این را از سر منطقه بکند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

پیغامی داده که اجازه رد کردن آن را بگیرد.

آقای [علی اصغر] حجازی آمد. مذاکراتش با آقای منتظری را گفت و برای حل مشکل استمداد کرد. دکتر روحانی آمد. دربارهٔ جنگ و خریدها صحبت شد. مهدی نژاد آمد و درباره جدول معامله گروگانهای آمریکایی در لبنان با نیازهایمان بحث شد. دکتر نوربخش [رئیس بانک مرکزی] آمد و مشکلات مضیقه ارزی را گفت.

برای مسئولان امور پرورشی که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم[۱]. عصر در اجتماع فرماندهان بسیج در پادگان امام علی(ع) شرکت و سخنرانی کردم[۲]. اول شب به خانه رسیدم.

جمعه ۹ آبان ۱۳۶۵ | ۲۶ صفر ۱۴۰۶ — 31 October ۱۹۸۶

در منزل بودم. نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند[۳].

---

۱ ـ آقای هاشمی در دیدار با معاونان پرورشی ادارات کل وزارت آموزش و پرورش اهمیت تربیت نیروهای انسانی، متعهد و کارآمد را برای تضمین آینده جمهوری اسلامی مورد تأیید قرار داد و ضمن تأکید بر اهمیت مسئولیت خطیر مسئولین پرورشی آموزش و پرورش خطاب به آنان گفت: "نیروهای جوان که در این مقطع در اختیار شما قرار می‌گیرند، کل سرمایه انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند و آینده جامعه و انقلاب تا حدود زیادی به این عامل بستگی دارد که ما چگونه از ساختن این نسل نو برآئیم. اگر این دسته از نیروهای انسانی که مصدر امور قرار می‌گیرند، واقعاً شایسته باشند، جامعه هیچ مشکلی نخواهد داشت. نیروهایی که ما امروز تربیت می‌کنیم، بیست سال دیگر مسئولیت‌های کل کشور از مجلس، دولت، مدیریت‌ها و سایر بخشها را برعهده خواهند داشت. لذا هر چه ما امروز بسازیم آینده کشور همان خواهد بود. البته سایر عوامل مانند: خانواده، صدا و سیما، مطبوعات، سینماها و مجامع فرهنگی هم مؤثر هستند. ولی کار آموزش و پرورش مهم‌تر از همه است و همه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ ایشان در جمع فرماندهان پایگاه‌های بسیج سراسر کشور که به منظور برنامه‌ریزی اعزام یکصد هزار تن از رزمندگان بسیج در هفته بسیج گرد هم آمده‌اند، ضمن تشریح وضعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران در صحنه جنگ، اعلام کرد که رزمندگان اسلام برای انجام یک هجوم همه جانبه علیه قوای شکست خورده صدام آمادگی کامل دارند. آقای هاشمی گفت: "مجموعه هماهنگی‌های مسئولان جنگ، شرایط سیاسی جهان را برای وارد کردن ضربه نهایی بر رژیم عراق مهیا می‌کند و دور نیست زمانی که رزمندگان اسلام با اتکال به قدرت الهی و بهره‌گیری از طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده برای محور رژیم حاکم بر عراق اقدام نمایند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ حملات اخیر عراق به شهرها و نحوه مقابله به مثل ایران، پیامدهای نظامی و سیاسی عملیات فتح یک و مسائل داخلی کشور از جمله روابط آیت‌الله منتظری و امام خمینی مورد بحث آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه امروز تهران قرار گرفت. رئیس جمهوری سپس به میزان وسیع شایعات منتشره در هفته گذشته به عنوان نمونه اشاره کردند و گفتند: "هدف آنها از این شایعه پراکنی‌ها در قم و تهران تضعیف رهبری کشور و مقام ولایت فقیه و القاء اینکه در رهبری جامعه ما شکاف و رخنه‌ای وجود دارد و تمام رسانه‌های گروهی جهان بدون استثنا این توطئه را دامن زدند. البته نسبت به امام نمی‌توانستند این کار را انجام دهند چراکه می‌دانند ملت ایران نسبت به ایشان ارادت و اخلاص دارد و از این راه به کلی مأیوس‌اند لیکن پرداختند به مقام قائم مقام رهبری حضرت آیت‌الله العظمی منتظری که چهره محبوب و صمیمی این انقلاب و برجسته‌ترین شخصیت این انقلاب بعد از امام هستند. و خواستند شاید بتوانند به حیثیت والای ایشان نزد مردم لطمه‌ای وارد کنند".

شنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۵ | ۲۷ صفر ۱۴۰۶ 1 Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. اعضای شورای سرپرستی صدا و سیما آمدند. درباره لزوم فعال ترکردن صداوسیما در مسائل مهم کشور و بیرون آمدن از حالت انفعالی بحث شد.

حاج احمدآقا آمد. از شیوع خبر سفر مک‌فارلین به ایران به‌گونه‌ای انحرافی نگران است و پیشنهاد داشت که آن را به‌گونه واقعی که برای ما پیروزی است و برای آمریکایی‌ها خفت و شکست مطرح کنیم، پیش از آنکه دشمنان سوء استفاده کنند. قرار شد فردا شب جلسه سران منزل ما باشد و موضوع بحث هم همین باشد. عصر و شب به مطالعه گذشت. در گزارش‌ها تازه مهمی نداشتیم[1].

یکشنبه ۱۱ آبان ۱۳۶۵ | ۲۸ صفر ۱۴۰۶ 2 Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. سرهنگ ترابی آمد. گزارشی از وضع حفاظت اطلاعات ارتش داد و برای ایجاد تحرک پس از حذف پرسنل قدیمی، پول و اختیارات بیشتر برای تعقیب خواست. آقای سالاری آمد و برای مشکل خود در وزارت خارجه استمداد کرد. مدعی است دشمنانش به ناحق او را متهم می‌کنند.

شب سران قوا در منزل ما جلسه داشتند. دکتر هادی گزارش سفر به عربستان را داد. آقای فهد گفته در کنفرانس سران شورای همکاری خلیج فارس به نفع ما حرکت می‌کنند و اظهار آمادگی کرده که در صورت خاموش شدن دو هفته‌ای شعلهٔ جنگ در جبهه‌ها ـ حتی بدون آتش بس ـ برای حذف صدام اقدام شود و گفته سه نفر زندانی کاروان ما را چند روز آینده با پرونده‌ها پس می‌دهد.

آقای دکتر ولایتی گفت سوری‌ها نگرانند و از ما خواسته‌اند که کمک کنیم تا با آزادی چند نفر از گروگان‌های فرانسوی، از این اهرم در جهت استفاده از قدرت فرانسه در مسائل جاری در میان بازار مشترک [اروپا] استفاده کنیم[2]. قرار شد به‌گونه‌ای مسأله استفاده از آن در ارتباط با پرداخت بخشی از

---

۱ ـ در این روز برکناری زکی یمانی وزیر نفت عربستان به عنوان مهم‌ترین خبر در صدر اخبار جهانی و مالی مطبوعات آمریکا قرار گرفت. وال‌استریت ژورنال برکناری یمانی را جزء آخرین تلفات جنگ ایران و عراق و بازوی رو به رشد ایران که ناشی از این جنگ است، دانسته و به نقل از تحلیل‌گران و کارشناسان صنعت نفت این تحول را نتیجه فشار ایران بر عربستان و حاکی از قدرت گرفتن و افزایش نفوذ ایران در خلیج‌فارس و در سازمان اوپک خواند.

۲ ـ دیوید جاکوبسن، گروگان ۵۵ ساله آمریکایی که نزدیک یک سال در دست سازمان جهاد اسلامی لبنان بود امروز آزاد شد. سازمان جهاد اسلامی طی اطلاعیه‌ای در این باره اعلام کرد: "ما دولت آمریکا را مسئول عواقب هرگونه شکست در بهره‌برداری از این فرصت و حرکت با

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

طلبمان از فرانسه که در جریان است، هماهنگ شود.

درباره شایع شدن مسأله آمدن مک فارلین به تهران بحث شد. قرار شد که پس فردا در مراسم سالگرد اشغال لانه جاسوسی در مقابل مجلس، من به گونه درستی موضوع را مطرح کنم، پیش از آنکه مخالفان آن را در جهت غلط و انحرافی مطرح نمایند. آقای موسوی اردبیلی اطلاع دادند که آقای منتظری کمی نرم‌تر شده‌اند و بنا دارند خدمت امام برسند.

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۵ | ۲۹ صفر ۱۴۰۶ — ۳ Novem ۱۹۸۶

بعد از چند روز توقف در خانه به مجلس رفتم. اول وقت مطلع شدم هواپیمای سی ـ ۱۳۰ حامل ۹۰ نفر نظامی، دیشب در زاهدان سقوط کرده و ۱۵ افسر و ۷۵ درجه دار ارتش شهید شده‌اند[1]. به مجلس آمدم. آقای [غلامعباس] زائری آمد و درباره مشکل دیروز ـ که مقر شهید مطهری از کارکنان مجلس خواسته است کارت مخصوص مقر را بگیرند و آنها را به مجلس راه نداده ـ توضیح داد. بین سپاه و کارپردازی مجلس اختلاف نظر است.

سفیر هند آمد. دعوت کرد که کسی را برای دریافت جایزه بانو [ایندیرا] گاندی معرفی کنم. هند این جایزه را برای کسانی قرار داده که خدمت مهمی برای صلح یا کشورشان کرده باشند. از پاکستان گله داشت که می‌خواست هیأت "کشمیر آزاد" را به کنفرانس سران اسلامی بیاورد و من برضرورت توجه بیشتر هند به مسلمانان این کشور تاکید کردم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برخوردهای فعلی که در صورت ادامه می‌تواند به حل موضوع گروگان‌ها بینجامد می‌دانیم. ما به ملت آمریکا، خانواده‌های گروگان‌ها و مردم آمریکا هشدار می‌دهیم در صورتی که دولت آمریکا نتواند برای رسیدن به نتایج مورد امید، این برخوردها را تکمیل کند، موضعی کاملاً متفاوت اتخاذ خواهیم کرد". در این حال ریگان رئیس جمهوری آمریکا گفت: "نمی‌توانم جزئیات آنچه را که منجر به آزادی جاکوبسن شد، افشا کنم. اجمالاً مدت‌ها از طریق کانال‌هایی حساس در این مورد کاری کرده‌ایم". به نوشته واشنگتن پست از قول منابع دیپلماتیک عرب، ایران نقش مهمی در آزادی این گروگان آمریکایی ایفا کرده است. یک مسئول کاخ سفید ـ که نام خود را فاش نساخت ـ به روزنامه مذکور گفت: "ایران در این آزادی سهیم بوده است".

۱ ـ یک فروند هواپیمای سی ـ ۱۳۰ ارتش جمهوری اسلامی در حوالی زاهدان سقوط کرد و ۹۸ سرنشین و خدمه آن به شهادت رسیدند. این هواپیما حامل ۹۱ تن از رزمندگان لشکر ۸۸ زرهی زاهدان و ۷ خلبان و خدمه پرواز بود و از باختران به زاهدان می‌رفت. این هواپیما در اثر نقص فنی در قسمت شرق و در نزدیکی باند فرودگاه حوالی منطقه‌ای به نام «بارگی» با کوه برخورد کرد و کلیه سرنشینان آن در دم به شهادت رسیدند.

فرماندهان لشکر حضرت رسول(ص) آمدند. برای آنها صحبت کردم[1] و پانصد هزار تومان به آنها کمک نمودم. جمعی از پرسنل نیروی هوایی آمدند. از ضعف سیاسی عقیدتی گفتند و از گروه‌کار نظامی رئیس جمهور شاکی بودند.

آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد. از وضعی که در ارتباط با بیت آیت‌الله منتظری پیش آمده، اظهار نگرانی کرد، ضمن اینکه به ضرورت تعقیب گروه سید مهدی تاکید داشت. آقای رفیق‌دوست آمد و گزارش پیشرفت تدارکات پانصد گردان را داد و دو میلیارد تومان برای مخارج اجازه گرفت.

ظهر آیت‌الله خامنه‌ای آمدند. درباره کیفیت اعلان قضیه آمدن مک فارلین به ایران بحث کردیم[2]. توافق حاصل شد. ایشان ابتدا با تصمیم دیشب جلسه ما موافق نبودند. درباره کیفیت کار با

---

۱ ـ آقای هاشمی در این دیدار ضمن تجلیل از خدمات نیروهای لشکر محمد رسول الله (ص) گفت: "ما در آستانه شرایط نسبتاً خوبی قرارگرفته‌ایم که بخشی از این شرایط را شما می‌دانید. از روزی که دشمنان ما ترفندهای جدیدی را برای ما ریختند و تصمیم گرفتند که نگذارند رشادت‌ها و جانفشانی‌های شما به ثمر برسد و نگذارند جنگ با پیروزی شما تمام شود، برخلاف نظرشان نتایج معکوس گرفتند و ما هم به جای ترسیدن و عقب رفتن مصمم‌تر شدیم. مردم و رهبری ما جدی‌تر شدند که حالا که آنها دست بردار از شرارت‌شان نیستند، زودتر کار را تمام کنیم هر نیرویی راکه داریم بسیج کنیم تا جواب توطئه آنها را بدهیم. درست در شرایطی که آنها می‌خواستند به خیال خودشان ما را تحلیل ببرند شما ۵۰۰ گردان را مطرح کردید و تأکید نمودید که اگر با این مقدار مسأله حل نشد آن را به ۱۰۰۰ گردان می‌رسانید. اوائل آنها این مسأله را یک تهدید و یک بلوف تلقی می‌کردند اما در واقعیت با این امر مواجه شدند که مسأله بسیار جدی است. سیل عظیم نیروهای مردمی در سراسر کشور به دنبال این دعوت به راه افتادند. خداوند هم برای این نیروهای عظیم در امر تدارکات کمک نمود. در شمال عراق، ترکیه قرار دارد و نفس کش عراق از طریق آن کشور است، یعنی جایی که لوله‌های نفتش از آنجا عبور می‌کند. ترکیه‌ای که وقتی احساس می‌کند عراق متزلزل است با پررویی در روزنامه‌های خود مطرح می‌کند که شمال عراق از ماست و می‌گویند مردم کرکوک ترک هستند و ادعاهای کهنه و قدیمی را مطرح می‌کنند. شما ببینید عراق با یک چنین حامیانی با ما می‌جنگند و ما می‌دانیم که اگر ترکیه راه تنفس عراق را ببندد و خط لوله آن را قطع کند و یا جاده‌ای مسدود شود، عراق زمین‌گیر می‌شود. در جنوب، کشورهای عربی هم مثل شمال عراق متزلزل هستند. الان مدتی است که لوله‌های نفت عراق به بندر ینبع [واقع در عربستان] کار نمی‌کند که ادله آن را بعداً می‌فهمید. آنها هم در حمایت از عراق متزلزل هستند. همه قدرت‌های بزرگ به امید این ذخایر نفت عراق و به امید سودهای کلان این حمایت‌ها را می‌کردند. الان که در معرض این قرار گرفتند که فردا حزب بعث ممکن است وجود نداشته باشد که پرچمدار و حافظ منافع نامشروع آنان باشد، به فکر آینده افتاده‌اند. آنها نمی‌توانند جواب شرکت‌هایی که اینجا سرمایه‌گذاری کرده‌اند را بدهند. مردم عراق هم فردا هیچ تعهدی برای بازپرداخت این شرکت‌ها که برخلاف میل مردم عراق آنجا رفته‌اند ندارد. ما با جنگ‌های نامنظم روشن کردیم که چقدر داخل عراق ناامن است و به دنیا ثابت کردیم که چقدر عراق آسیب‌پذیر است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در یک اقدام غیرمنتظره، امروز هفته نامه لبنانی «الشراع» از دیدار محرمانه یک هیأت آمریکایی به سرپرستی مک‌فارلین نماینده ویژه دولت آمریکا، از ایران خبر داد. «الشراع» نوشت: "رابرت مک فارلین یکی از فرستادگان آمریکایی در ماه گذشته از تهران به طور محرمانه دیدار کرد و گفتگوهای بسیار مهمی با دکتر محمد لواسانی به نمایندگی از وزارت امور خارجه و محمد علی هادی نائب رئیس کمیته روابط خارجی در مجلس شورای اسلامی و یکی از افسران عالی رتبه ارتش ایران انجام داد". این نشریه افزود: "ایران از واشنگتن خواست تا کمک‌های نظامی، مادی و سیاسی خود را به عراق متوقف کند و به ایران لوازم یدکی سلاح‌های آمریکایی بفروشد. ضمناً آمریکا از تهران خواست تا پشتیبانی و کمک‌های خود را به سازمان‌های آزادیبخش در جهان، به بهانه اینکه این سازمان‌ها تروریست هستند، متوقف نماید و امنیت خلیج [فارس] را

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عربستان سعودی در مورد پیشنهاد حذف صدام مذاکره کردیم. عصر آقای حسنی سعدی آمد و نیازهای نیروی زمینی را گفت. آقای [عباس] دوزدوزانی [نماینده تهران] آمد و از مؤتلفه شکایت داشت.

آقای ریاضی آمد. گزارش پیشنهادهایی را که در مورد خرید اسلحه داریم، گفت که نشان این است که اگر پول داشته باشیم، تامین اسلحه مقدور است. آقای [محمدجواد]ایروانی وزیر دارایی آمد. گزارش اقتصادی داد[1] و برای مشکل بانک مرکزی استمداد کرد. شب در مجلس ماندم.

آقایان [جلال‌الدین] طاهری [نماینده ولی فقیه و امام جمعه اصفهان] و [عبدالله] نوری [نماینده امام خمینی در جهاد سازندگی] آمدند. از مسائل مربوط به آقای منتظری اظهار نگرانی کردند و آقای طاهری مطالب امام و نگرانی ایشان را که در ملاقات امروز شنیده بود، گفتند. از طرف امام مأمور شده‌اند که با آقای منتظری ملاقات و گفتگو کنند. شب در مجلس ماندم.

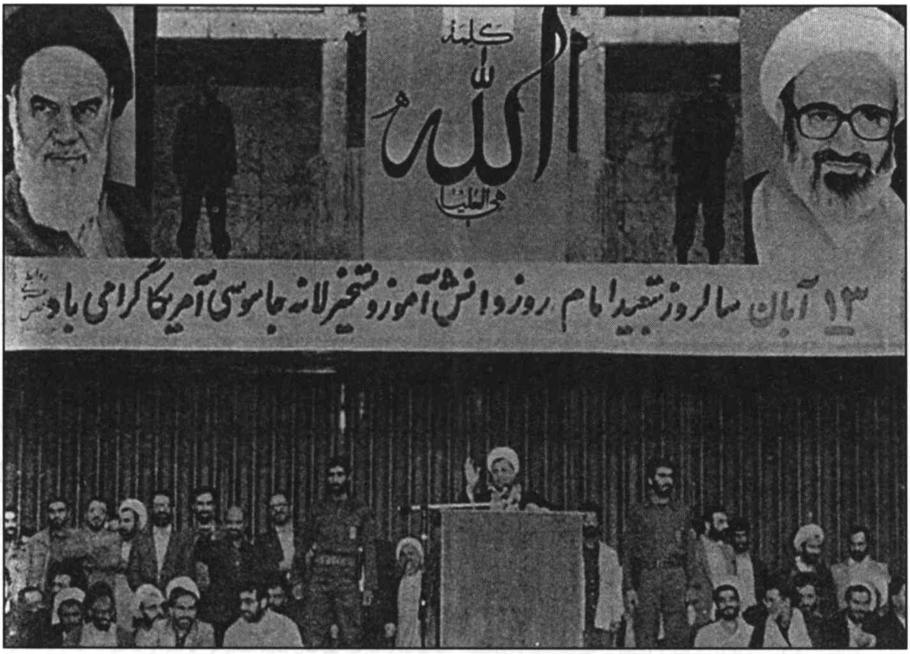
سه‌شنبه ۱۳ آبان ۱۳۶۵ | ۱ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۴ Novem ۱۹۸۶

در جلسه علنی مجلس، قبل از دستور صحبت کوتاهی در مورد ۱۳ آبان و حادثه سقوط هواپیما در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برای آمریکا حفظ نماید". محافل نزدیک به «سیدمهدی هاشمی» که برای انحراف افکار عمومی از اتهامات متعددی که به وی وارد شده است، این گزارش مخلوط از واقعیات و اکاذیب را در اختیار «الشراع» قرار داده بودند.

۱ - عملکرد مالی دولت جمهوری اسلامی ایران طی هفت ماهه اول سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد درآمدهای عمومی دولت طی هفت ماهه اول این سال مجموعاً بالغ بر ۹۶۶ میلیارد ریال بود که نسبت به رقم مشابه سال گذشته (۱۳۶۴) معادل ۳۲٪ تقلیل یافته است. نسبت درصد درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت طی هفت ماهه اول سال جاری ۶۰ درصد بود در حالی که براساس ارقام پیش بینی شده در بودجه مصوب ۱۳۶۵، می‌بایست معادل ۳۸ درصد باشد. درآمد حاصله از صدور نفت طی دوره مورد بررسی بر اثر کاهش بهای نفت به میزان قابل توجهی تقلیل یافته و در این مدت تنها ۲۱۲ میلیارد ریال از این بابت وصول شده است و به این ترتیب حدود ۷۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. این کاهش در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته معادل ۶۸ درصد می‌باشد. کاهش درآمد حاصل از فروش نفت نتیجه سه عامل عمده می‌باشد: ۱ - کاهش حجم صادرات نفت خام. ۲ - کاهش شدید قیمت نفت صادراتی. ۳ - کاهش ارزش دلار در مقابل سایر ارزهای معتبر و در نتیجه کاهش برابری دلار در مقابل ریال. عملکرد سایر درآمدهای پیش بینی شده در قانون بودجه طی هفت ماهه اول سال جاری بالغ بر ۱۷۲ میلیارد ریال بود. رقم مذکور در مقایسه با دوره مشابه سال قبل حدود ۱۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. علت اصلی عدم تحقق این قلم از درآمدها نیز ناشی از تقلیل درآمدهای ارزی کشور می‌باشد. به عنوان نمونه پیش بینی شده بود مبلغ ۲۰۶ میلیارد ریال بابت فروش ارز به نرخ بالاتر از قیمت رسمی، وصول شود که به دلیل کمبود ارز طی دوره مورد بررسی فقط ۳ میلیارد ریال از این طریق حاصل شده است. مجموع پرداخت‌های دولت طی هفت ماهه اول سال ۶۵ بالغ بر ۱۷۰۵ میلیارد ریال می‌باشد. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل معادل ۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. از رقم مذکور ۱۲۹۱ میلیارد ریال مربوط به اعتبارات جاری می‌باشد. سهم هزینه‌های جنگ تحمیلی از مبلغ فوق‌الذکر بالغ بر ۲۶۸ میلیارد ریال می‌باشد.



سخنرانی معروف ۱۳ آبان و افشاگری سفر مک فارلین

زاهدان داشتم[1]. آقای امامی کاشانی از پخش سؤال شورای نگهبان از امام و جواب ایشان در مورد اراضی کشت موقت ـ که به نفع شورای نگهبان نیست ـ گله کرد. گفتم تقصیر خودتان است که سؤال کردید و جواب امام چیزی جز تائید نوشته اولشان نیست.

آقای رحیم صفوی آمد. گزارش طرحهای عملیاتی آینده را داد و نیازها را گفت. آقای سعیدی آمد. توضیحاتی از اشتباه آیت‌الله منتظری و نزدیکان ایشان در مورد مسأله سید مهدی هاشمی دادم و ایشان را از ادامه این راه برحذر داشتم.

آقامحمدی آمد. گزارش برنامه‌های قرارگاه رمضان با گروههای عراقی در داخل خاک عراق را داد و خواسته‌های جلال طالبانی [رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق] را ـ که در همدان با مسئولان قرارگاه مطرح کرده ـ ارائه داد، و از من نظر خواست؛ خوشبین است. دکتر ولایتی آمد و خواست که

---

۱ ـ آقای هاشمی با گرامیداشت روز دانش‌آموز، حرکت دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را به عنوان انقلاب دوم توصیف کرد و آن‌گاه به مناسبت شهادت جمعی از نظامیان در سانحه سقوط هواپیما در زاهدان اظهار داشت: "به خاطر حادثه تلخی که در زاهدان اتفاق افتاد و بر اثر سقوط یک هواپیمای ترابری نظامی‌مان، جمعی از افسران و درجه داران و سربازان‌مان را از دست دادیم، متأسفیم و به ارواح پاک این شهدا که برای مرخصی از جبهه برمی گشتند، درود می‌فرستیم. همچنین برای خانواده‌های محترم‌شان و مردم شریف سیستان و بلوچستان از خداوند تقاضای صبر و اجر می‌کنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

کمک کنیم تا دو نفر از گروگان‌های فرانسوی در اختیار سوری‌ها قرار گیرند. قرار شد در جلسه فردا تصمیم‌گیری شود.

ظهر دکتر روحانی آمد. درباره جنگ و نیازها و ارز و مطالب سخنرانی عصر مذاکره شد. دکتر هادی برای مشورت در مطالب سخنرانی عصر آمد. عصر آشیخ قدرت [علیخانی] آمد و از راه یافتن چند نفر از تائبان منافق در اطراف بیت آیت‌الله منتظری اظهار نگرانی کرد.

در مراسم ۱۳ آبان مقابل مجلس، سخنرانی مبسوطی ایراد کردم. آمدن مک فارلین به ایران را خوب توضیح دادم و استیصال آمریکا را تشریح کردم[1]. نظر امام هم این بود که حقایق جریان به مردم گفته شود[2].

چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۳۶۵ | ۲ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 5 Novem ۱۹۸۶

ساعت هشت ونیم صبح به مجلس آمدم. بیشتر وقت را صرف مطالعه گزارش‌ها کردم. سخنرانی

---

۱ ـ آقای هاشمی ابتدا با ذکر وقایع مهمی که در روز ۱۳ آبان رخ داده است، تبعید امام، کشتار دانش‌آموزان و تصرف لانه جاسوسی، درباره واقعه سوم گفت: "بعد از اشغال جاسوسخانه دونظر کاملاً رو در رو در محیط خودمان و در دنیا می‌دیدیم که یکی نظر مخالفین، لیبرال‌ها و غرب‌زده‌ها بود که به اعتقاد آنان این حرکت مضر و در جهت تضعیف کشور و مایه عقب ماندگی در امور مادی است...البته اینها کسانی هستند که اصولاً بنیه فکری شان با غرب آن چنان گره خورده است که نمی‌توانند حرکت مستقل و آزادی را در دنیا تصور کنند... در مقابل این گروه یک طرز تفکر دیگری بود که مایهٔ اصلی آن از امام است که حضرت امام همان روزها فرمودند که این انقلاب دوم است و انقلابی است که از انقلاب اول بالاتر است و در همین رابطه مطالبی گفتند که «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و یا «ما رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم"... موضع جمهوری اسلامی و حزب الله و موضع کسانی که امروز در جبهه و پشت جبهه جان و مال می‌دهند و حاضرند مشکلات را تحمل کنند، از اول همین بود و حالا هم همین است". آقای هاشمی از یک نمونه تلاش‌های آمریکا برای نزدیک شدن به ایران به عنوان نمونه‌ای از استیصال آنان یاد کرد و ماجرای سفر مک‌فارلین به تهران و مسائل مربوط به آن را به طور شفاف برای مردم توزیع داد. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید ← کتاب "ماجرای مک‌فارلین، محسن هاشمی، حبیب‌الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

۲ ـ در پی افشاگری آقای هاشمی و علی‌رغم اینکه مک فارلین روز گذشته به دنبال گزارش «الشراع»، سفر به ایران را تکذیب کرده بود، شبکه تلویزیونی «ای.بی.سی» آمریکا امشب به نقل از منابع دولتی مطلع، اعلام کرد: "رابرت مک فارلین اخیراً به منظور ارائه پیشنهاد قطعات یدکی تسلیحات آمریکایی به ایران، یک مأموریت سری به تهران انجام داده است. مأموریت مشاور سابق ریاست جمهوری آمریکا در امور امنیت ملی در چارچوب تلاش هایی به منظور آزاد سازی گروگان‌های آمریکا انجام گرفته است". ای.بی.سی. افزود: "مأموریت مزبور توسط مسئولان شورای امنیت ملی در کاخ سفید سازمان‌دهی شده و تعداد کمی از اعضای دولت از آن آگاه بودند". براساس این گزارش، سرهنگ اولیور نورث کارشناس ضد تروریسم در شورای امنیت ملی آمریکا، این مأموریت را سازمان‌دهی کرده است. از سوی دیگر، کاخ سفید امروز از هرگونه اظهارنظر درباره گزارش‌های مربوط به سفر مک فارلین به ایران خودداری کرد و شب هنگام تأکید کرد که تحریم فروش سلاح آمریکایی به ایران، کماکان پابرجاست".

دیروز عصر من، مثل بمب در دنیا منفجر شده است. آمریکایی‌ها به مخمصه افتاده‌اند[۱]. برخورد بدی نداشته‌اند. اطلاع داده‌اند برای جلوگیری از خراب شدن جریان آزادی گروگان‌ها، کوتاه می‌آیند ولی چاره‌ای جز این ندارند، چون چیزی برای گفتن ندارند[۲]، مگر اینکه متوسل به دروغ شوند که احتمال رسوائی بیشتر را دارد. همه رسانه‌های جهانی این مطالب را در صدر اخبار خود گذاشته‌اند. آقای محسن رضایی آمد. درباره جنگ مذاکره کردیم. جمعی از نمایندگان برای شکایت از وزیر کشاورزی آمدند.

آقای ری‌شهری اطلاع داد که احمد کاشانی نماینده نطنز، به جرم شرکت در گروه زیر زمینی از نظامیان که اعلامیه در جهت تفرقه ارتش و سپاه می‌دادند، دستگیر شده است. هشتمین شماره آن اعلامیه در منزل وی برای پخش آماده بوده. آقای [محمدرضا] باهنر مراجعه کرد و در این باره توضیح

---

۱ ـ در پی سخنان دیروز آقای هاشمی درباره مسافرت پنهانی مک‌فارلین به تهران، برخی مقامات کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا، امروز در مصاحبه‌هایی ضمن رد این مطلب که آمریکا به منظور حل مسأله گروگان‌ها حاضر به معامله پنهانی با ایران شده است، به طور صریح از انکار این جریان خودداری کردند. اسپیکز سخنگوی ریاست جمهوری آمریکا گفت: "مادامی که ایران به کارگیری تروریسم را دنبال می‌کند، تحریم ایالات متحده نیز ادامه خواهد یافت... موضع آمریکا کماکان این است که جنگ ایران و عراق می‌بایست متوقف شود و دو طرف منازعه خود به یک حل وفصل مذاکره‌ای دست یابند". وی در پاسخ به‌این سئوال که آیا ایران همچنان در لیست کشورهای حامی تروریسم باقی است یا خیر، گفت: "آری، نشانه‌ای از وقوع یک تغییر قاطع در سیاست ایران ملاحظه نشده است". از سوی دیگر، آسوشیتدپرس گزارش داد: ریگان هنگام سوار شدن به هواپیما برای پرواز از لوس آنجلس به واشنگتن، در جواب این سئوال که مک فارلین در ایران چه می‌کرده است، گفت: "اظهارنظری نیست".

۲ ـ به دنبال اظهارات آقای هاشمی در سخنرانی روز گذشته خود مبنی بر تلاش ژاپن برای آزادی گروگان‌های خارجی در لبنان و درخواست ژاپن از ایران در این زمینه، امروز دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی متن کامل پیام نخست وزیر ژاپن به آقای هاشمی و پاسخ ایشان را منتشر ساخت. در این نامه ضمن تأکید بر اشتراک نظر ایران و ژاپن در نفی تروریسم و تقدیر از کوشش ایران در آزادی مسافران هواپیمای ربوده شده «تی.دبلیو.ای»، از ادامه اسارت هفت آمریکایی در لبنان اظهار تأسف شده و خواستار اعمال نفوذ ایران در این امر شده است. آقای هاشمی در جواب ضمن تأکید بر حل مسأله ریشه‌ای جنگ و تروریسم، درباره اصل ادعای وجود گروگان آمریکایی در لبنان و شناخت عوامل آنها و همچنین صداقت در اقدام آمریکا برای حل آن ابراز تردید شده است. در این نامه همچنین آمده است: "حرکت آمریکا بعد از حل ماجرای هواپیمای ربوده شده تی.دبلیو.ای،این سوءظن را تأیید می‌کند. مسئولان سوریه به ماگفتند که آمریکا تعهد کرده که پس از حل مسأله هواپیما، زندانیان لبنانی که برخلاف مقررات جهانی در اسرائیل زندانی‌اند آزاد شوند، ولی می‌بینید که به وعده خود عمل نمی‌کند. به نظر می‌رسد آمریکا با این خلاف وعده می‌خواهد مردم منطقه را عصبانی و تحریک به این اعمال نماید. اگر سیاست آمریکا این باشد، احتمال بی اعتبار شدن شما و ما در نظر مردم مظلوم لبنان در جریان تلاش جدید، جدی است. به نظر اینجانب برای اثبات جدی بودن مسأله گروگان‌ها و جدی بودن آمریکا در راه نجات آنها، آمریکا باید به وعدهٔ قبلی خود عمل کند و زندانیان لبنانی در اسرائیل آزاد شوند. قابل پیش بینی است که اگر زندانیان لبنان در اسرائیل باقی بمانند حتی در صورت آزادی گروگان‌های ادعایی آمریکا، این‌گونه حوادث با شکل بدتری به‌وقوع بپیوندد. از مسئولان هوشمند ژاپن انتظار داریم به این مذاکرات دوستانه توجه نمایند و فریب ریاکاران را نخورند که تلاش‌ها بی‌نتیجه یا بدنتیجه نباشد". در همین حال یاساهیرو ناکازونه نخست وزیر ژاپن حاضر نشد اظهارات آقای هاشمی مبنی بر دریافت یک نامه مشخص از جانب وی برای جلب حمایت ایران در آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را تأیید یا تکذیب نماید. ناکازونه در پاسخ درخواست توضیح خبرنگاران، تنها به گفتن این جمله اکتفا کرد که «هیچ توضیح ندارم".

خواست. جریان را گفتم و وعده دادم برای حل مشکل کمک کنم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

آقای کنگرلو آمد و گفت [منوچهر]قربانی فر که از جریان گروگانهای آمریکایی کنار گذاشته شده، خیلی ناراحت است و گریه می‌کند. جلسه سران قوا در نخست وزیری بود. تصویب شد که مسأله آزادی گروگانها و تأمین نیازها ادامه یابد. وزارت خارجه مسأله را با فرانسه تعقیب کند و پیشنهاد مبادله جاسوس آمریکایی، با پولهایمان در آمریکا را نیز تعقیب نماید. همچنین مقرر شد اگر بتوانیم، لبنانی‌ها را راضی کنیم تا دو نفر از گروگانها را با خواست سوریه آزاد کنند. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۳٦۵ | ۳ ربیع الاول ۱۴۰٦   ٦ Novem ۱۹۸٦

در گزارش‌های واصله، مسأله مهم روز برای همه رسانه‌های جهانی، افشاگری‌های من در مورد سفر هیأت مک فارلین به ایران است. وقت زیادی را برای خواندن آنها صرف کردم. قبل از شروع جلسه، بازداشت آقای احمد کاشانی را به اطلاع نمایندگان رساندم[1].

در دفترم ملاقات طولانی با مسئولان قرارگاه رمضان داشتم[2]. در این جلسه پیشنهادهای جلال

---

۱ ـ سید احمد مصطفوی کاشانی نماینده مردم نطنز در مجلس شورای اسلامی به همراه چندتن از افسران ارتش هفته گذشته به اتهام تحریک ارتشیان علیه سپاه پاسداران بازداشت شد. این عده به حکم دادستانی نیروهای مسلح دستگیر شدند. اتهام کاشانی، تنظیم، تهیه و تکثیر و توزیع اطلاعیه‌هایی بوده است که در آن ارتشیان علیه سپاه پاسداران تحریک می‌شده‌اند. روابط عمومی وزارت اطلاعات در این باره اعلام کرد: "این شبنامه‌ها با الهام از ضد انقلاب در حساس‌ترین مقطع دفاع مقدس ملت مسلمان ایران منتشر شد تا توجه نیروهای مسلح را در جبهه‌های جنگ به مسائل غیرواقعی بکشاند". نشریه گزارش از انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم در این زمینه نوشت: "به دنبال مسائلی که حول و حوش تغییر در فرماندهی نیروی زمینی ارتش اتفاق افتاد، نیروهایی از جناح راست با استفاده از اطلاعاتی که از این جریان داشتند، اقدام به برخورد با مسائل جنگ کرده و با امضاهای مجعول اطلاعیه‌ها و شبنامه‌هایی صادر کردند. در این رابطه احمد کاشانی نماینده نطنز در مجلس و نیز چند تن از سران ارتش که سابقه فعالیت در انجمن حجتیه داشته‌اند، از جمله سرهنگ کتیبه ریاست رکن ۲ ارتش و سرهنگ آگاه به اتهام شرکت در انتشار مسائل تفرقه افکنانه بین ارتش و سپاه، توسط وزارت اطلاعات دستگیر شدند. رادیو بی بی سی نیز در این زمینه گفت: "سید احمد کاشانی پسر آیت‌الله کاشانی است که مخالفتش با مصالحه کردن با فرانسه در رابطه با بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری ایران به آن کشور به شهرت او افزود. آخرین اعتراض سید احمد کاشانی به دولت در رابطه با بدرفتاری با پرشکان بود. او اعتراض خود را در قالب سئوالی خطاب به وزیر کشور مطرح کرد که در اجلاس روز سه شنبه مجلس صورت گرفت. در پاسخ به سئوال احمد کاشانی، وزیر کشور او را متهم کرد که با سناتورهایی آمریکایی هم صدا شده است. هیچ‌گونه اطلاع رسمی که حاکی از دلایل بازداشت احمد کاشانی باشد در دست نیست".

۲ ـ در گزارشی از قرارگاه رمضان آمده است که کردهای معارض عراقی اخیراً فعالیت و همکاری‌های خود را علیه نیروهای دولتی تشدید نموده‌اند و اخیراً چندین مورد همکاری نظامی بین اتحادیه میهنی کردستان عراق با حزب شیوعی در عملیات‌های مختلف مشاهده گردیده است و احتمال می‌رود این همکاری‌ها در آینده گسترش پیدا کند.

طالبانی در مورد عملیات بررسی شد و درباره احتمال کودتا در عراق مذاکره گردید. با آقای محسن رضایی درباره عملیات آینده بحث کردیم. از تیپ محرم آمدند و درباره آتش توپخانه از جزایر مجنون بحث کردند.

عصر آقامحمدی و آقای شفق آمدند. برنامه همکاری با گروه ایوان در منطقه موصل را گفتند؛ طرح جالبی دارند. دکتر روحانی و دکتر هادی آمدند و درباره لزوم تعقیب طرح عربستان سعودی در مورد عراق بحث شد.

جمعه ۱٦ آبان ۱۳٦۵ | ۴ ربیع الاول ۱۴۰٦   7 Novem ۱۹۸٦

به نماز جمعه رفتم. خطبه دوم را درباره مسائل جاری سفر مک فارلین و تبلیغات جهانی مربوط به آن بحث کردم[1]. شب آقای [فریدون]مهدی‌نژاد برای مشورت در این امر آمد.

شنبه ۱۷ آبان ۱۳٦۵ | ۵ ربیع الاول ۱۴۰٦   8 Novem ۱۹۸٦

برای عکسبرداری و معاینات پزشکی به بیمارستان کوچک کنار خانه امام رفتم. دکتر [حسن]عارفی و دکتر سهراب‌پور بودند. از دیافراگم که بعد از عمل جراحی سوء قصد سال اول انقلاب [توسط تروریست عضو گروهک فرقان] آسیب دیده بود، عکس گرفتند. سالم است. قرار شد فیزیوتراپی

---

۱ ـ در خطبه‌های نمازجمعه امروز، ابتدا ایشان به آثار مثبت قطع ارتباط ایران با آمریکا اشاره کرد و گفت: "اگر ما به آمریکایی‌ها وابسته بودیم هرگز موفق به ساخت موشک نمی‌شدیم در حالی که الان موشک‌هایی با برد بیش از ٦۰ الی ۷۰ کیلومتر و موشک‌هایی با برد بالاتر از آن و پیشرفته در حال طراحی و آزمایش داریم". آقای هاشمی بااشاره به اینکه از مدت‌ها پیش آمریکایی‌ها در صدد جبران اشتباهات گذشته خود بوده‌اند و قصد مذاکره با ایران را داشته‌اند، گفت: "حل مسأله هواپیمای تی دبلیو ای در لبنان مسأله‌ای بود که سوریه از ما درخواست کرد و آنها می‌خواستند که ایران بپذیرد که با آمریکا حرف بزند. من به طور جدی معتقدم که آمریکایی‌ها می‌خواهند از گروگان‌های لبنان به عنوان وسیله اصلاح اشتباهات گذشته خود استفاده کنند و تنها مسأله آزادی چند نفر نیست. آمریکا از مسأله گروگان‌ها می‌خواهد به جمهوری اسلامی ایران برسد و این نشانه باخت آنها و برد ماست". ایشان با اشاره به سخنان اخیر «الکساندر هیگ» وزیر خارجه سابق آمریکا که گفته است: "آمریکا با قبول قدرت اول بودن ایران در منطقه، نمایندگانش را به ایران گسیل داشته" این کار را نشانه پذیرش شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران و پیروزی ایران در جنگ از سوی آمریکا دانست". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

شود.

سپس با احمدآقا درباره مسائل جاری بعد از افشاگری من علیه آمریکا مذاکره کردیم؛ شرایط مجموعاً مثبت است. آمریکایی‌ها در مشکلات افتاده‌اند. آقای [مصطفی] کفاش‌زاده آمد و در مورد خریدهای نظامی صحبت کرد.

آقای اروج آمد. جزوه‌هایی از آثار یکی از شهدای فارس را آورد که مدعی ارتباط با غیب و امام زمان(عج) و ملائکه بوده است. تا شب به مطالعه پرداختم. گزارش‌ها و کارهای مجلس را آوردند. هنوز بحث مهم رسانه‌های جهان، مسأله مک‌فارلین است[1]. عصر و شب باران خوبی آمد.

یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۶۵ | ٦ ربیع الاول ۱۴۰٦   ۹ Novem ۱۹۸٦

تا ساعت ده‌ونیم صبح در جلسه علنی ماندم. دردفترم آقای [ابوالقاسم] خزعلی آمد. راجع به وزارت نفت مطالبی داشتند. دکتر هادی و عبدالله نوری آمدند. آیت‌الله منتظری آنها را خواسته‌اند؛ درباره مذاکرات مشورت کردند. آقای صالحی نمایندهٔ اصفهان آمد و درباره امور جاری مطالبی گفت.

ظهر دو نفر از جمعیت حزب‌الله بابل آمدند. گزارشی از وضع گروه خود گفتند که اعضای آن خود را وقف خدمت به جنگ و نظام و مردم کرده‌اند. مطالب جالبی داشتند. عصر آقای [ابراهیم] سنجقی برای امور جنگ آمد. مسئولان تبلیغات جبهه و اعزام مُبلّغ آمدند و برای حل مشکلاتشان استمداد کردند. سفیر جدیدمان در الجزایر آمد و مشورت و خداحافظی کرد.

شب با دیگر سران قوا، مهمان احمدآقا بودیم. آیت‌الله منتظری هم بودند. آقای منتظری نسبت به

---

۱ - در پی افشای تماس‌های پنهانی اخیر آمریکا با ایران، شبکه‌های تلویزیونی آمریکا طی سه روز اخیر در برنامه‌های مختلف خبری خود مصاحبه‌های متعددی در این باره داشته‌اند. در این برنامه‌ها تحلیل گران و مقامات سرشناس چون الکساندر هیگ وزیر خارجه سابق ریگان، لارنس ایگلبرگر معاون سابق شولتز در امور جنوب و شرق آسیا، گری سیک عضو شورای امنیت ملی کارتر و ریگان، هادینگ کارتر سخنگوی کاخ سفید در زمان کارتر و جیرفری کمپ مشاور سابق ریگان در امور امنیت ملی، به اتفاق اقدام دولت ریگان برای ایجاد رابطه با ایران را تأیید و ادامه آن را تشویق نمودند. تأکید نامبردگان بر این بود که ایران دارای موقعیت بسیار استراتژیک بوده و ایجاد و حفظ رابطه با آن برای آمریکا فوق‌العاده با اهمیت بلکه حیاتی می‌باشد. آنها همچنین ابراز امیدواری نمودند که اوضاع نامطلوب بلکه بسیار وخیم اقتصادی در کنار افزایش نارضایتی در میان مردم و وضع متشنج داخلی و نیز فرسودگی نیروهای مسلح و عدم پیشروی در جنگ با عراق، ایران را وادار نماید بیشتر به غرب نزدیک شود. مصاحبه شوندگان همچنین تأکید کردند که پیروزی ایران در جنگ با عراق، برای آمریکا و منافعش در منطقه بسیار خطرناک است و به هر ترتیب باید از وقوع آن جلوگیری به عمل آورد. از سوی دیگر، مقامات دولت ریگان به طور بی سابقه‌ای درباره تحولات و روابط اخیر میان دو کشور سکوت کرده‌اند و به آنها تأکید شده است که در اظهاراتشان در این زمینه بسیار مراقب باشند.

جلسهٔ گذشته، خوب صحبت کردند و نسبت به امام اظهار ارادات و اطاعت کردند و گفتند از نامه سید مهدی اطلاعی نداشتند، ولی امام تخفیفی در مسأله گروه سید مهدی ندادند. بعد از رفتن امام با حضور آقای منتظری در خصوص مذاکره با عربستان در مورد همکاری در حذف صدام بحث و تصمیم‌گیری شد. قرار شد مذاکره را تعقیب کنم.

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۶۵ | ۷ ربیع الاول ۱۴۰۶ — ۱۰ Novem ۱۹۸۶

صبح زود به بیمارستان جنب خانه امام رفتم. از معده ام عکس برداری شد. فیزیوتراپ‌ها به منزل آمدند و پس از آزمایش گفتند احتیاج به فیزیوتراپی نیست. مقداری از وقتم صرف خواندن آثار یکی از شهدا به نام صادقی شد که مدعی ارتباط با غیب و امام و... بوده است؛ مطالب نه اطمینان آور و نه معلوم است. تا شب در منزل مطالعه می‌کردم.

سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۳۶۵ | ۸ ربیع الاول ۱۴۰۶ — ۱۱ Novem ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم درجلسهٔ علنی ماندم. پیش از ظهر چند ملاقات غیر مهم داشتم. به کارهای دفتر و جنگ پرداختم. عصر آقای جلال طالبانی همراه آقایان [محمدباقر]ذوالقدر و آقامحمدی آمدند. تشویق به همکاری‌شان نمودم[1].

---

۱ - جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان امروز طی مصاحبه‌ای در تهران گفت: "جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تمام نیروهای مخالف عراقی را متحدکند چون هدفش تعیین سرنوشت مردم عراق به دست خود آنها است و ما از این دعوت به وحدت استقبال می‌کنیم". خبرگزاری رویترز در گزارشی از مصاحبه طالبانی به نقل از وی افزود: "طی هفته جاری در تهران ملاقات‌های جداگانه‌ای با ادریس بارزانی از حزب دمکرات کردستان و محمد باقر حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق داشته است". وی به خبرنگاران گفت: "اتحادیه میهنی کردستان کمتر از ۲۰ هزار رزمنده در اختیار ندارد و نواحی استان‌های اربیل، کرکوک، سلیمانیه و صلاح‌الدین عراق راکنترل می‌کند". طالبانی ۵۳ ساله افزود که روز سه شنبه با اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران ملاقات کرده است که وی بر علاقه ایران به جلوگیری از دخالت ابرقدرت‌ها در امور داخلی عراق تأکید کرده است. طالبانی گفت: "در مورد رژیم آینده عراق با مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق بحث کرده و توافق شده که در این مورد باید در یک رفراندوم و انتخابات آزاد تصمیم‌گیری شود". وی افزود: "اتحادیه میهنی کردستان و ایرانیان ماه گذشته برای اجرای حمله‌ای چریکی نزدیک «کرکوک» واقع در حدود صد کیلومتری مرز ایران، نیروی مشترکی تشکیل دادند... چریک‌ها نواحی مشرف بر تأسیسات نفتی را اشغال کردند. سپس حدود صد تن خمپاره‌انداز، تفنگ ۱۰۶، راکت‌انداز کاتیوشا و مهمات را با استفاده از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در جلسهٔ سه‌شنبه نمایندگان شرکت کردم. توضیحاتی درباره جنگ، سفر مک فارلین، معامله با آمریکا بر سر گروگان‌ها در لبنان و بازداشت میرزائی و [احمد] کاشانی دادم و نمایندگان را نصیحت کردم که به اختلافات دامن نزنند.

شب در مجلس ماندم. یک فیلم طولانی درباره هواپیمای تی.دبلیو.اِی و نیروی دلتای آمریکایی دیدم. خشونت مسلمانان و اغتشاش لبنان را بزرگ کرده و خواسته از نجابت و بی‌گناهی غربیان بگوید. اطلاع رسید که عراق به بندر ماهشهر حمله کرده است. آسیب مهمی نداشتیم. دستور مقابله به مثل دادم.

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۵ | ۹ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ 12 Novem ۱۹۸۶

اول وقت دکتر روحانی از اصفهان اطلاع داد که عراق به پالایشگاه این شهر و نقاط دیگر آن حمله نموده و آسیب وارد کرده است[1]. مقرر شد بصره و ام‌القصر و خانقین را به تلافی آن بمباران کنند. در گزارش‌ها مهمترین مسأله، رسوائی آمریکا در ارتباط با ایران است. آقای صیاد شیرازی آمد و گزارش جبهه‌ها را داد و نظراتی اظهار کرد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تراکتور و چهارپا مخفیانه عبور دادند و هیچ‌کس به مقامات اطلاع نداد و این دشمنی مردم علیه دولت را نشان می‌دهد... چریک‌ها از عملیات فیلم‌برداری کرده‌اند. در این عملیات تأسیسات «جبل ایبار» و «جمبور» کاملاً منهدم شدند و دیگر هدف‌های نفتی و نظامی خسارات دیدند".

۱ ـ امروز در یک هجوم کم‌سابقه مراکز اقتصادی، صنعتی، نظامی، نقاط مسکونی و حریم هوایی شهرهای اصفهان، باختران، اسلام آباد، تبریز، جزیره خارک، ایلام، اراک، سومار و کرند غرب هدف بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت.

در ساعت ۷:۵۰ صبح امروز پنج هواپیما پالایشگاه اصفهان را هدف بمباران قرار دادند که در نتیجه ۱۰ تن از کارگران شهید و ۳۰ تن مجروح شدند. همچنین بخش‌های آب و بخار پالایشگاه و محوطه گاز مایع و گذرگاه لوله‌های نفتی آسیب دید. در پی این حمله اکثر بخش‌های پالایشگاه اصفهان متوقف گردید. در عین حال قسمت بارگیری به فعالیت خود ادامه می‌دهد. پالایشگاه اصفهان که بالاترین ظرفیت تصفیه نفت خام را در بین پالایشگاه‌های داخلی دارد تا قبل از حمله صبح امروز حدود ۸۰ هزار بشکه زیر ظرفیت ۳۰۰ هزار بشکه‌ای خود کار می‌کرد. هم‌زمان با حمله مذکور، نیروگاه شهید محمد منتظری اصفهان نیز هدف بمباران دشمن قرار گرفت که در نتیجه ۲ تن شهید و ۷ تن مجروح شدند و به واحد شماره یک این نیروگاه آسیب کلی وارد شد و واحد شماره ۲ آن خسارت جزئی دید. همچنین بر اثر این حمله حدود ۴۰۰ مگاوات برق از تولید برق شبکه سراسری کاسته شد. نیروگاه شهید منتظری دارای چهار واحد ۲۰۰ مگاواتی می‌باشد که تنها دو واحد آن در مدار قرار داشت. در ساعت ۱۶:۰۷ امروز نیز چند هواپیما با تجاوز به حریم هوایی تبریز، پالایشگاه این شهر را بمباران کردند که در نتیجه آن یک تن شهید و چهار تن مجروح شدند و خساراتی به پالایشگاه وارد شد. بر اثر این حمله فعالیت پالایشگاه متوقف شد و گفته می‌شود ترمیم خسارات وارده یک هفته به طول می‌انجامد. در تجاوز به تبریز یک هواپیمای دشمن یکی از مناطق مسکونی تبریز را به رگبار گلوله بست که بر اثر آن چهار تن مجروح شدند.

آقایان ابراهیم امینی و دکتر هادی و ابراهیمی آمدند. آقای امینی درباره پیشنهاد به عهده گرفتن سمت نمایندگی امام در لبنان بحث کرد و شرایطی داشت که قبول کردم. آقای منتظری این سمت را به ایشان پیشنهاد داده است.

هسته گزینش دانشگاه‌های علوم پزشکی آمدند. از مشکلات پیش آمده در اثر عدم همکاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تغییر ضابطه‌ها شاکی بودند. آقای خوشنویسان ـ دانش آموز سال چهارم دبیرستان که نابغه است و استعداد نیرومندی دارد ـ همراه آقای طباطبایی آمد. گفت که در ایران اشباع نمی‌شود، و خواستار اجازه رفتن به خارج برای تحصیل بود. قرار شد مشورت نمایم.

[آقای موسی رفان] فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. گزارش وضع نیرو را داد و استمداد کرد. وزیر دفاع آمد. درباره خریدهای نظامی، مشورت و استمداد داشت. آقای مسیح مهاجری [سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی] آمد. درباره مسائل اخیر و سفر مک فارلین نظرات خوبی داشت. درباره کنار رفتن از روزنامه [جمهوری اسلامی] در آینده دور مشورت کرد که موافقت نکردم و خبر داد برای روزنامه، چاپخانهٔ عظیم و مدرنی تهیه کرده است.

عصر جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. خبر رسید که عراق امروز به تبریز و باختران [= کرمانشاه] حمله وسیعی کرده است. شب مهمان آقای رئیس جمهور بودیم. در این جلسه مسأله بانک مرکزی در دستور بود.

پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۵ | ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ | ۱۳ Novem ۱۹۸۶

ساعت ده ونیم صبح دستور تمام، و جلسه علنی مجلس ختم شد. تا ظهر چند ملاقات داشتم. عصر برای سپاهیان و لبنانی‌ها صحبت کردم. مطالبی گفتم که حکومت آمریکا و فرانسه را تحت فشار تبلیغاتی قرار می‌دهد. آقای میرمحمد صادقی آمد. از برخورد آقای [اکبر]ترکان در مورد پروژه توپ سازی گله داشت.

سرهنگ ترابی آمد و برای کارش استمداد پولی کرد. آقای سنجقی آمد و سفر به جنوب را چند روز به تاخیر انداخت. از مشهد اطلاع دادند که حکم جلب برای [سید حسین] قاضی زاده هاشمی نماینده [فریمان و] سرخس صادر شده است. به آقای موسوی اردبیلی گفتم دستور رسیدگی بدهند. قرار شد به مراکز حساس و نظامی و اقتصادی مهم بغداد به عنوان مقابله به مثل موشک بزنند. تا ساعت

هشت شب در دفترم کار کردم. به خانه رفتم.

جمعه ۲۳ آبان ۱۳۶۵ | ۱۱ ربیع الاول ۱۴۰۶ | 14 Novem 1986

در منزل بودم. آقای [محمدحسن]زورق [معاون سیاسی سازمان صداوسیما] آمد و از وضع برنامه‌های صداوسیما و افراد و خطوط گزارشی داد. خواستار همکاری بیشتر مدیر عامل صداوسیما با ایشان بود. عصر دکتر وحید [دستجردی] آمد. گزارش وضع کنفرانس هلال احمر در ژنو را داد و از وضع مسلمانان سودان و تقویت عمیق انقلاب اسلامی در سودان گفت. دکتر روحانی گزارش وضع پدافند را داد.

سپس آقایان رضایی و مهدی‌نژاد آمدند. مهدی نژاد گزارش سفر به ژنو و مذاکره با آمریکایی‌ها درباره بقیه گروگانها را داد. آنها به وضع بدی افتاده‌اند و از موضع ضعف و با التماس برخورد می‌کنند[1]. خیلی جالب است. قرار شد همان جدول تعیین شده اجرا شود و درباره مسائل سیاسی بحث نکنند و سه نفر آقایان هادی، کنگرلو و مهدی نژاد قضیه را ادامه دهند. سپس درباره جنگ صحبت

۱ـ سرانجام ریگان رئیس جمهوری آمریکا پس از ده روز از افشای سفر یک هیأت آمریکایی به ایران، پنجشنبه شب در یک نطق تلویزیونی درباره ارتباط با ایران، ارسال اسلحه به ایران، گروگان‌های آمریکایی در لبنان، اهمیت ژئوپلیتیک ایران، جنگ ایران و عراق، سخنانی ایراد کرد و از اقدامات خود در این زمینه، دفاع کرد. ریگان در سخنرانی خود گفت: "در این زمان من می‌خواهم تا با شما درباره یک موضوع شدیداً حساس و عمیقاً مهم سیاست خارجی صحبت کنم. اکنون هجده ماه است که ما یک ابتکار سیاسی محرمانه در ارتباط با ایران را در جریان داریم. این ابتکار به خاطر ساده‌ترین و بهترین دلایل در جریان قرار گرفت". وی دلایل مذکور را تجدید روابط با کشور ایران، تحقق خاتمه شرافتمندانه جنگ شش ساله بین ایران و عراق، محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری، تأثیر در امر بازگشت تمامی گروگان‌ها از لبنان دانست و گفت: "بدون همکاری ایران ما قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج‌فارس نیستیم و بدون رضایت ایران امکان برقراری یک صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد". ریگان افزود: "در جریان مذاکرات محرمانه‌ای که ما داشتیم، من اجازه انتقال مقدار کوچکی از تسلیحات دفاعی و قطعات یدکی برای سیستم دفاعی ایران را دادم. هدف من متقاعد کردن تهران به این بود که مقامات مذاکره کننده آمریکایی با اجازه من عمل می‌کنند و هدف این بود تا به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آماده است تا خصومت بین ما [آمریکا و ایران] جای خود را به یک روابط و مناسبات جدید بدهد. این تحویل اندک تسلیحات در مجموع می‌تواند در یک فروند هواپیمای باری جای بگیرد و تمامی این تسلیحات در مجموع نمی‌تواند تأثیری برنتیجه جنگ شش ساله بین ایران و عراق داشته باشد و همچنین نمی‌تواند به هیچ‌وجه در تعادل نظامی بین دو طرف تأثیری داشته باشد. در همان حال که ما این ابتکار را مدنظر قرار دادیم، روشن ساختیم که ایران می‌بایست با تمامی اشکال تروریسم بین‌المللی به عنوان شرطی در پیشرفت روابط ما مخالفت کنند. ما اشاره کردیم که مهم‌ترین قدمی که ایران می‌تواند بردارد، استفاده از نفوذ خود در لبنان برای تأمین آزادی تمامی گروگان‌هایی است که در آنجا نگه‌داری می‌شوند. پیشرفت‌هایی قبلاً به دست آمده بود. از زمانی که دولت آمریکا با ایران در تماس قرار گرفته است هیچ‌گونه شواهدی دال بر اینکه دولت ایران در اقدامات تروریستی علیه آمریکا همدستی کرده باشد، وجود ندارد. گروگان‌ها به کشور بازگشته‌اند و ما از تلاش‌هایی که دولت ایران در گذشته اتخاذ کرده و در حال حاضر مدنظر قرار می‌دهد، استقبال می‌کنیم".

شد. به نظر می‌رسد عملیات باز هم تاخیر داشته باشد[۱].

شنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۵ | ۱۲ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 15 Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر وقت به مطالعه گذشت. عصر احمدآقا آمد. نتیجه مذاکرات مهدی نژاد را برای اطلاع امام گفتم و ضمناً ادعای آمریکایی‌ها را مبنی بر اینکه صادق طباطبائی به آنها مراجعه کرده و خواسته در مسأله گروگانها میانجی شود، گفتم. بعداً احمدآقا گفت صادق به کلی منکر است.

[مصطفی] کفاش‌زاده آمد و ادعاکرد [همایون] انصاری [شیرازی] آدم خدمتگزاری است. او به اخذ رشوه از کمپانی نوریکو در خرید توپهای اتریشی ۱۵۵ متهم شده است. گفتم بالاخره باید به دادستانی برود تا وضع روشن شود. شب آقایان رفیق‌دوست و ادیب آمدند. گزارش وضع تدارکات جنگ را دادند. معلوم شد از برنامه عملیات عقب هستند.

ناخدا ملک‌زاده اطلاع داد یک کشتی را در راه کویت زده است. همشیره فاطمه و همسر مسعود ـ همشیره زاده ـ آمدند و برای ویزای او برای آلمان کمک خواستند. گفتم با رفتن آنها به آلمان مخالفم و نظرم این است که مسعود برگردد. او ممکن است در آلمان دچار مشکل شود.

یکشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۵ | ۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ — 16 Novem ۱۹۸۶

تا ساعت هفت ونیم گزارش‌ها را خواندم و طبق معمول به برنامهٔ فارسی رادیو [بی.بی.سی] لندن و [رادیو] آمریکا گوش دادم. هنوز استیصال و افتضاح آمریکا، مهمترین مسأله روز است. قبل از دستور صحبت کوتاهی درباره پیشنهاد هفته وحدت از طرف آقای منتظری کردم[۲]. تا ساعت ده ونیم در جلسهٔ

---

۱ ـ در این روز اعضای تیپ ۱۱۰ خاتم‌الانبیاء (ص)، تیپ پدافند هوایی سجاد، مسئولین جنگ‌های ش - م - ر و منتخبین واحدهای مختلف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب کشور با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار ایشان ضمن تجلیل از رشادت‌های رزمندگان اسلام گفت: "امسال حرکت تکاملی شما و حرکت نزولی دشمن خیلی شدیدتر به چشم می‌خورد. به خصوص با طرح ۵۰۰ گردان و تجهیز و تدارک نیروهای حرکت‌های سیاسی، تبلیغاتی و جنگ روانی برای شکستن طلسم تبلیغاتی که دشمنان برای روحیه دادن به صدام ایجاد کرده بودند، در مجموع امتیازات چشم‌گیری نصیب امت اسلامی شده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

علنی مجلس بودم. مراجعه خیلی زیادی از طرف نمایندگان داشتم.

پیش از ظهر آقایان روحانی و هادی آمدند و درباره چگونگی تعقیب جریان آزادی گروگانهای آمریکایی بحث کردیم. وزیر دارائی و رئیس بانک مرکزی، جداگانه برای دادن نظرات مکتوب خود و جلب نظر من آمدند.

تلفنی به اخوی محمد گفتم که صدا و سیما در مورد جا انداختن استیصال آمریکا و قدرت ایران کار کند. عصر مسئولان دانشگاه [شهید چمران] اهواز آمدند و کمبودها را گفتند واستمداد نمودند. آقای منوچهر متکی سفیرمان در ترکیه آمد. گزارش وضع ترکیه را داد و در مورد مسائل جدید مشورت کرد. آقای [علی]فلاحیان آمد. گزارش عملیات وزارت اطلاعات را داد.

شب با سران قوا مهمان احمدآقا بودیم. دربارهٔ رئیس بانک مرکزی تصمیم گرفتیم که آقای دکتر [مجید] قاسمی به جای آقای [محسن]نوربخش باشد. علت آن عدم سازش [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر دارائی با آقای نوربخش است. درباره رفتار با آمریکایی‌ها قرار شد فقط در حد معاوضه گروگان‌ها باشد. امام در جلسه شرکت کردند. حالشان خوب است و مزاح کردند و گرم گرفتند.

درباره دادن اختیارات شورای عالی قضائی در صورت اختلاف نظر، به آقای موسوی اردبیلی، بحث شد. ایشان موافقت خودشان را مشروط به درخواست شورا فرمودند. در مورد مسائل اخیر بین ما و آمریکا نظرشان این است که مجموعاً به نفع ما تمام شده است. پیشنهاد شد که آقای منتظری اعضای شورا را بخواهند و به آنها بگویند که از امام برای دادن اختیارات به رئیس شورا درخواست نمایند.
شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۶۵ | ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۰۶   ۱۷ Novem ۱۹۸۶

گزارش‌ها را خواندم. مسأله مهم بین‌المللی، تماس آمریکا با ایران است. حکام آمریکا سخت در موضع دفاعی و انفعال افتاده‌اند و تحت فشارند. ساعت هشت ونیم صبح همراه با آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] برای دیدن پروژه ساخت خمپاره‌ها به کارخانه پارس متال رفتیم. برایم جالب بود. برای کارکنان صحبت کردم[1].

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "در شرایطی که تصمیم گرفتیم ۵۰۰ گردان نیروی جدید وارد میدان جنگ کنیم، تهیه مهمات و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نزدیک ظهر به مجلس رسیدم. آقای رفیق‌دوست برای گرفتن امضای دومیلیارد تومان برای پانصد گردان آمد. آقای قادری [نماینده پیرانشهر] آمد. گزارش عملیات فتح سه را داد[1]. این عملیات را بارزانی‌ها و نیروهای ما به طور مشترک در منطقه زاخو انجام داده‌اند.

عصر سرهنگ ترابی آمد و از احتمال سلطه وزارت اطلاعات بر حفاظت اطلاعات ارتش اظهار نگرانی کرد. آقای محسن رضایی آمد. درباره نیازهای عملیات آینده و کمبودها و آزادی گروگان‌های لبنانی گفت و تاکید کردم که فریدون [مهدی‌نژاد] باید جزئیات را به من بگوید.

به دکتر ولایتی گفتم به کویت گفته شود که حزب الدعوة تعرضی به آنها نخواهد داشت. به احمدآقا گفتم که لازم است [مصطفی] کفاش‌زاده، [همایون] انصاری [شیرازی] را به دادستانی معرفی کند. آقای [محمد] کیاوش از اتریش تلفنی گفت که اتریشی‌ها نسبت به بازداشت آیزنبرگ ناراحتند و عکس‌العمل نشان خواهند داد. این مطلب مربوط به پرونده سوء استفاده در معامله سلاح است. شب در مجلس ماندم. تا دیر وقت به انجام کارها پرداختم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تجهیزات نظامی برای آنها کار ساده‌ای نبود لذا از توان داخلی کشور بیشتر استفاده کردیم. دشمن وقتی فهمید که ما می‌توانیم با توان نظامی خود به خوبی جنگ را اداره کنیم، آثار شکست در او آشکار شد. یکی از این نمونه‌ها همین جریان اخیر آمریکاست. آنها بی‌دلیل تاکتیک خود را در قبال ایران که تا سال گذشته با ما خصومت می‌کردند، تغییر نداده‌اند. البته معنای این موضوع آن نیست که آنها با ما دوست شده. آنها [آمریکایی‌ها] با ملتی که می‌خواهند روی پای خود بایستد، دوست نمی‌شوند. آمریکا با کشورهایی دوست می‌شود که موی دماغش نگردند. خضوع آنها برای این است که مایه‌های قدرت و استقلال را در این مردم می‌بینند و فکر می‌کنند بهتر است که دریچه جدیدی بازکنند. دلیل حرکت جدید آمریکا، قدرت و عزم راسخ مردم ما برای آزاد زیستن و احقاق حق در برابر ستمگران است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ عملیات فتح ۳ در عمق خاک عراق پنجشنبه شب (۶۵/۸/۲۲) آغاز شد. قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) طی اطلاعیه‌ای، این عملیات را چنین تشریح کرد: "رزمندگان پرتوان اسلام با آغاز عملیات چریکی فتح ۳ در منطقه شمال غربی کردستان عراق، واقع در عمق ۳۰۰ کیلومتری زمینی و ۲۰۰ کیلومتری هوایی خاک این کشور موفق شدند تلفات و ضایعات سنگینی را به نیروهای صدامی وارد آورند. در این عملیات متهورانه که در سه محور زاخو، موصل و دشت اربیل انجام گرفت، نیروهای قرارگاه جنگ‌های نامنظم نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مبارز کرد بارزانی موفق شدند مقر لشکر ۳۸ ارتش بعثی عراق را در منطقه «تلگبر» که مسئولیت حفاظت از جاده بین‌المللی و خطوط لوله نفت عراق - ترکیه را به عهده داشت، منهدم سازند. رزمندگان اسلام در محور زاخو با به محاصره درآوردن این شهر، به مواضع دشمن در منطقه دره «گل اسپی» و ارتفاعات مشرف بر آن یورش برده و جاده ترانزیتی عراق - ترکیه را مسدود کردند که درگیری در این محور همچنان ادامه دارد. نیروهای اسلامی هم‌زمان در یک عملیات نفوذی دیگر به شهر موصل در منطقه «حی صدام» مراکز نظامی و دولتی دشمن را مورد حمله قرار داده و تعداد زیادی از آنان را به هلاکت رساندند که در میان کشته شدگان چند افسر و درجه‌دار عراقی به چشم می‌خورد. همچنین در محور دشت اربیل رزمندگان اسلام ضمن حمله به پایگاه‌های نظامی ارتش بعث عراق موفق شدند ۷۰ تن از مزدوران عراقی را به هلاکت رسانده و یک فروند هلی‌کوپتر توپدار دشمن و تعدادی تانک را منهدم سازند. این عملیات همچنان ادامه دارد و دشمن بعثی پس از شکست در محورهای مختلف عملیاتی اقدام به بمباران شهر زاخو و روستاهای اطراف آن نمود که منجر به کشته یا مجروح شدن تعدادی از مردم بی دفاع عراق گردید".

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۶۵ | ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ — 18 Novem ۱۹۸۶

تا ساعت هفت ونیم صبح مطالعه کردم. هنوز هم مسأله مهم دنیا، مسأله ما و آمریکایی‌ها است و حکام آمریکا سخت تحت فشارند. در مجلس هم هنوز علایم سئوال و گاهی هم شیطنت و تحریک دیده می‌شود.

ساعت نه ونیم به دفترم آمدم. چند ملاقات کوتاه داشتم و دو عقد ازدواج خواندم. [آقای منوچهر کلیمی نیکروز] نماینده کلیمیان آمد. به کارهای ضداخلاقی متهم شده و ترسیده است. استمداد کرد. به جلسه شورای انقلاب فرهنگی رفتم. قسمتی از اساسنامه دانشگاه نیمه حضوری تصویب شد. شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. بحث آن درباره اساسنامه و انتخابات جدید بود. دیر وقت به خانه رفتم.

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۵ | ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ — 19 Novemb ۱۹۸۶

به مجلس آمدم. کارهای عقب مانده را انجام دادم. [آقای میرفخار] سفیرمان در اندونزی آمد و گفت وضع اقتصادی اندونزی خراب است. اصرار دارند که ما از آنها هلی‌کوپتر بخریم. [آقای علاءالدین بروجردی] سفیرمان در چین آمد و گفت که چینی‌ها تمایل بیشتری برای فروش سلاح نشان می‌دهند.

[اعضای] شورای مرکزی کمیته امداد آمدند و گزارش کار دادند و استمداد کردند. دکتر روحانی آمد. راجع به جنگ بحث کردیم. قاضی‌زاده هاشمی آمد و از بازداشتش در خراسان شکایت کرد.

شب با سران قوا مهمان رئیس جمهور بودیم. آقای ری‌شهری گزارش نتایج بازجویی‌های گروه سید مهدی هاشمی را داد و فیلم مصاحبه با یکی از اعضای آن را نمایش داد. گفت سید مهدی هم بریده است و مصاحبه می‌کند. در جلسه‌ای با آیت‌الله خامنه‌ای و دکتر روحانی، مشکلات پدافند را بحث کردیم. قرار شد برای تسهیل کار، اختیارات بیشتری به آقای روحانی داده شود.

پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۵ | ۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 20 Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. محسن ـ عموزاده ـ آمد. از [شرکت مس]سرچشمه استعفا داده و پشیمان است. امام

ملاقات داشتند. قرار بود صحبت کنند. مسئولان دعوت نشده بودند که خانواده‌های شهدا و مردم عادی استفاده کنند.

آقایان رحمانی و آشتیانی به منزل آمدند و اطلاع دادند که امام در مورد مسائل اخیر ایران و آمریکا صحبت کرده و اقدامات مسئولان را تایید کرده‌اند و آن را یک پیروزی بی‌سابقه نامیده‌اند و به تلخی به مخالفان و هشت نماینده‌ای که در مجلس از وزیر خارجه سئوال مطرح کرده‌اند، حمله نموده‌اند[1]. احمدآقا هم آمد و همین‌ها را گفت.

از اهواز اطلاع رسید که عراق حمله وسیعی به شهر و اطراف آن کرده است. دستور مقابله به مثل داده شد.

جمعه ۳۰ آبان ۱۳۶۵ | ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۶ — ۲۱ Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. آیت‌الله موسوی اردبیلی نماز جمعه را اقامه کردند. عصر برادر مرحوم لاهوتی و دامادش دکتر ساغری آمدند. دکتر از نیازهای بخش مداوای هسته‌ای بیمارستان شریعتی گفت.

آقای [محمد]عبائی [خراسانی] همراه گروه کار روی یادداشت‌های من درباره قرآن (کلید قرآن) آمدند. برای کیفیت کار مشاوره شد و ترتیبی انتخاب گردید.

آقای میرعماد دادستان تهران اطلاع داد که رد پای [همایون]انصاری [شیرازی] متهم را در منزل [مصطفی] کفاش‌زاده پیدا کرده‌اند. آقای [محمدعلی]انصاری از بیت [امام] آمد و از رفتن ماموران به خانه یکی از خدمتگزاران بیت شکوه کرد و گفت انصاری [شیرازی] را در منزل یکی از آنها گرفته‌اند. احمدآقا هم تلفنی گله کرد.

---

۱ ـ در این ملاقات امام خمینی میلاد پیامبر اکرم (ص) و ولادت امام جعفر صادق(ص) را تبریک گفتند و به بیان رسوایی آمریکا در طرح رابطه با ایران پرداختند. متن کامل سخنرانی حضرت امام (ره) در بخش ضمایم کتاب درج گردیده است.

آذر ۱۳۶۵



خواندم. آمریکایی‌ها خیلی در مخمصه افتاده‌اند. فرانسوی‌ها هم از برکت گروگانها در لبنان، بالاخره ۳۳۰ میلیون دلار را به عنوان قسط اول بدهی خودشان پرداخته‌اند[۱].

یکشنبه ۲ آذر ۱۳۶۵ | ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۷ | 23 Novem 1986

قبل از جلسه گزارش‌ها را خواندم و به اظهارات رادیوهای آمریکا (VOA) و انگلیس (BBC) گوش دادم. هنوز هم مهمترین مسأله، رسوائی آمریکاست و به نظر می‌رسد به طرف بحران سیاسی می‌روند. خبر حمله موشکی ما به بغداد هم توجه را جلب کرده است.

در جلسه علنی، نمایندگان با اهرم سخنان امام، تهاجم شدیدی به هشت نفر سئوال کننده[۲] و خط آنها داشتند[۳] و من پیش ازدستور، صحبت ملایمی در این‌باره نمودم[۴]. آنها خیلی ترسیده و سئوالشان

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

۱۰ دقیقه‌ای برنامه‌های عادی خود، وقوع یک انفجار مهیب در مناطق مرکزی پایتخت را مورد تأیید قرار داد. رادیو بی بی سی گزارش داد: "یک موشک دوربرد زمین به زمین به بغداد اصابت کرد که شدت انفجار آن به حدی بود که صدای آن تا کیلومترها فاصله از محل انفجار شنیده شده است".

۱ ـ این بدهی بخشی از مطالبات مربوط به وام یک میلیارد دلاری بوده که از طرف کمیساریای انرژی اتمی فرانسه پرداخت شد. این وام در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، توسط دولت وقت به فرانسه اختصاص یافته بود. همچنین یک فقره وام ۹۴۳ میلیون فرانکی نیز در سال ۱۹۷۷ از طرف ایران به شرکت فرانسوی «اورودیف» پرداخت شده که این شرکت ۳۵۰ میلیون فرانک از این وام را دریافت کرده اما در بازپرداخت آن قصور کرده بود.

۲ ـ آن هشت نماینده عبارت بودند از: آقایان جلال الدین فارسی، مرتضی فهیم کرمانی، سید محمد سیرجانی، سیدمحمد خامنه‌ای، ابراهیم اسرافیلیان، حسینعلی نجفی، سید حسین موسویانی، نیک روش.

۳ ـ در این روز آقایان علی شوشتری نماینده نیشابور و مهدی شاملو نماینده ملایر پیش از دستور سخنرانی کردند.

۴ ـ آقای هاشمی در نطق پیش از دستور، سخنان امام خمینی (ره) را داروی شفابخشی توصیف کرد که فتنه را از ریشه خواباند. در بخشی از این نطق آمده است: "حضرت امام همان طور که معمول شان است، به صورت یک طبیب حاذق و استاد و معلم وارد، هر لحظه‌ای که تشخیص می‌دهند ممکن است فتنه‌ای بروز کند و مشکلی برای جامعه به وجود بیاید و وحدت اجتماع مخدوش بشود، خودشان دخالت می‌فرمایند و جلوی فتنه را می‌گیرند. الحمدالله این بار هم به موقع وارد شدند و جلوی یک فتنه احتمالی را که ممکن بود به انسجام ما ضربه بزند در شرایط جنگ و در شرایطی که می‌بینیم همه شیاطین دنیا قلمشان و شمشیرهایشان را تیز کردند برای اینکه اختلاف در جامعه ما ایجاد بکنند و متوسل به همه چیز می‌شوند، برای اینکه بگویند در اینجا مسئولان و متصدیان امور با هم اختلاف دارند، در این شرایط بیانات امام مثل داروی شفابخشی بود که فتنه را از ریشه خواباند. البته ما متأسفیم از اینکه در شرایطی که شیرینی این پیروزی می‌توانست همه ملت ما را شاداب بکند، به گونه‌ای مسایل مطرح شود که شیرینی این پیروزی را که امام فرمودند: "بزرگترین پیروزی سیاسی تاریخ اخیر ماست" و واقعاً همین‌طور است، در این شرایط که می‌بینیم دشمنان ما مثل اسپند روی آتش، در مقابل یک حادثه مضطرب هستند، خواستند این شیرینی را برای ملت ما تلخ کنند که الحمدالله، امام با تذکراتشان جلوی این مسأله را گرفتند. من به ملت‌مان و خدمت حضرت امام عرض می‌کنم که اکثریت قاطع نمایندگان مجلس از صمیم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

را پس گرفتند[۱]. آقای [مرتضی] فهیم آمد. درباره راه اصلاح حرکات انحرافی‌اش مشورت کرد. راهنمایی کردم. بعضی نماینده‌ها در صدد اخراج هشت نفر از مجلس بودند که جلوگیری کردم؛ نامه‌ای علیه آنها به امام تهیه کرده بودند و امضا می‌گرفتند[۲].

ساعت ده ونیم به دفترم آمدم. دکتر هادی آمد و درباره ادامه روند آزادی گروگانهای آمریکایی مشورت کرد. دکتر روحانی آمد، در همین باره و درباره جنگ صحبت کردیم. خبر رسید که عراق حمله شدیدی به باختران و اسلام آباد کرده و بیش از یکصد شهید و پانصد مجروح داشته‌ایم[۳]. دستور مقابله به مثل داده شد.

آقای سنجقی آمد و گزارش وضع جبهه‌ها را داد. آقای [میرعلی نقی] خاموشی آمد و از فشار وزارت کشور علیه صندوقهای قرض‌الحسنه گفت و استمداد کرد. آقای میرعماد [دادستان عمومی تهران] تلفنی، گزارش رسیدگی به ادعای فساد در جریان خرید توپهای اتریشی را گفت.

عصر برای کارکنان وزارت دفاع و عقیدتی سیاسی صحبت کردم[۴]. [آقای محمد سعیدی‌کیا] وزیر راه [و ترابری] و معاونانش آمدند. درباره راه آهن و هواشناسی راهها بحث شد. شب سران سه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دل پیرو ولایت فقیه هستند و عمیقاً ایمان به رهبری‌هایی که امام می‌فرمایند، دارند و ذره‌ای تردید در قلب هیچ‌یک از کسانی که تا به حال بارها خودشان را معرفی کرده‌اند و ایمان‌شان را اثبات کرده‌اند، در مقابل راهنمایی که از طرف رهبری معظم این انقلاب می‌شود، بروز نمی‌کند. تحقیقاً امام هم این مجلس را می‌شناسند. نمایندگان نگران نباشید. این مجلس از چشم امام نمی‌افتد. امام همچنان مجلس را در رأس امور می‌دانند و همچنان این مجلس را پایگاهی برای اداره امور این کشور می‌دانند و همچنان اکثریت قاطع نمایندگان مورد علاقه ایشان هستند. من تحقیقاً می‌دانم که امام نظرشان نسبت به کلیت مجلس، اکثریت قاطع نمایندگان، نظر مثبت است. شما نگران نباشید. امیدواریم که دیگر ما از این مسائل تلخ در آینده نداشته باشیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ برای آگاهی از سئوال هشت نماینده جناح راست مجلس از دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه به پاورقی صفحه ۱۴ همین کتاب رجوع کنید.

۲ ـ در این نامه که به امضای ۱۴۵ نفر از نمایندگان رسید، از حرکات خلاف مصالح نظام و تضعیف کنندگان دولت اسلامی ابراز انزجار شده است. متن کامل این نامه و تصویر آن در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۳ ـ در این حمله هوایی بسیار شدید، ۷۰ واحد مسکونی در جنوب شهر اسلام آباد غرب آسیب دید و ۱۵ نفر غیرنظامی به شهادت رسیدند. در کرمانشاه نیز به مسجد زینبیه شهرک آبادانی و مسکن واقع در شمال شرق این شهر، خساراتی وارد شد و شهدای دو مرحله بمباران به ۱۱۲ نفر رسید.

۴ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "اکنون چطور شده است که آقای ریگان می‌گوید ما ۱۸ ماه است در تلاشیم باب مذاکره با ایران را بگشائیم. هر چند تلاش آنها بی فایده مانده و در طول این مدت یک نفر مسئول شناخته شده از کشور ما را پیدا نکردند تا با او یک کلمه حرف بزنند. دنیا اکنون فهمیده است که جمهوری اسلامی ایران به کجا رسیده و در ایران چه خبر است. آنها می‌دانند در ایران چه نیرویی وجود دارد و برای همین است که سر تسلیم فرود می‌آورند. سخنان امام امت که فرمودند پیروزی ما در این صحنه از تمام پیروزی‌ها بزرگتر است، واقعیت حوادثی است که اکنون در جریان است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

قوه در مجلس مهمان من بودند. درباره ادامه روند آزادی گروگانهای آمریکایی و فرانسوی تصمیم‌گیری شد. قرار شد یک گروگان فرانسوی آزاد شود و فریدون [مهدی‌نژاد] برای بحث در جدول زمانبندی ـ که طرف دیگر خواسته در آن تجدید نظر شود ـ به اروپا برود.

دوشنبه ۳ آذر ۱۳۶۵ | ۲۱ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۲۴ Novem ۱۹۸۶

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. اول وقت همشیره طیبه و بستگانش آمدند. دخترش را عروس و پسرش را داماد می‌کند. از امام تقاضا شده بود که عقد ببندند. همراه آنها خدمت امام رسیدیم و عقدها بسته شد. عفت و من به آنها هدیه دادیم.

امام از علت تاخیر عملیات پرسیدند و درباره لزوم حل مشکل قوه قضایی به خاطر مشکل شورایی بودن مدیریت، صحبت کردیم.

عصر آقای [فریدون] مهدی‌نژاد آمد. توصیه کردم که در مذاکره با آمریکایی‌ها، درباره مسائل سیاسی حرف نزنند و درباره جنگ هم چیزی نگوید. اگر آنها حرفی زدند، گوش بدهد. فقط درباره جدول معاوضه گروگانها با نیازها صحبت شود. در جلسه سران قوا و مشورت با امام، این تصمیم اتخاذ شده است.

عفت و فاطی به خانه احمد آقا رفته‌اند. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. هنوز رسوائی آمریکا مسأله روز است. عراق امروز به ماهشهر حمله کرده و خسارات زیادی وارد کرده است. ما هم متقابلاً حمله کرده‌ایم[1].

سه‌شنبه ۴ آذر ۱۳۶۵ | ۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۶ | ۲۵ Novem ۱۹۸۶

تا ساعت هشت و نیم صبح گزارش‌ها را خواندم. هنوز مسأله مهم دنیا، رسوایی آمریکا و پیروزی سیاسی ما است. در جلسه علنی، قبل ازدستور آقایان فواد کریمی [نماینده اهواز] و [حسن]صادقلو

---

۱ ـ چند فروند هواپیمای عراقی در ساعت ۹:۲۲ و ۹:۴۵ چند نقطه مسکونی و صنعتی ـ کارگری بندر امام خمینی، سر بندر و ماهشهر را مورد حمله قرار دادند. در این حملات ۱۰ خانه با خاک یکسان شد و ۳۰ باب منزل مسکونی دیگر آسیب دید و ۱۹ نفر از جمله چند کودک شهید شدند. شمار مجروحان نیز به ۸۰ تن رسید. در پاسخ به این حملات، مجتمع پتروشیمی موصل عراق توسط جنگنده بمب افکن‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی بمباران شد.

[نماینده رامیان] به تلخی، به خط مقابل خود، به دلیل سؤال هشت نفر اخیر حمله کردند[۱]. آنها ترسیده‌اند و چیزی نمی‌گویند. در تنفس به نمایندگان توصیه کردم که دیگر این نزاع را ادامه ندهند.

پیش از ظهر آقایان دکتر روحانی، دکتر هادی، رفیق‌دوست و محلوجی آمدند. درباره عملیات داخل عراق از طریق سوریه بحث کردیم. آقایان کبیری و جلالی آمدند و درباره بهبود روش توزیع کمکهای مردمی برای جنگ نظر دادند. نمایندگان تبریز آمدند و خواستند حضور داوطلبان و بسیجی‌های آذربایجانی را هم در مقابل مجلس بپذیریم.

ظهر آقای [محمد] اشرفی [اصفهانی] نماینده باختران آمد و گزارش نابسامانی باختران بعد از بمباران را داد. عصر در مجلس ماندم و تا ساعت هشت کارهایم را انجام دادم. خبر رسید که عراق به اندیمشک، پایگاه وحدتی دزفول و لارک حمله کرده و تلفات وارد آورده و هواپیمایی از آن ساقط شده است. ما هم به دهوک و بصره حمله کرده‌ایم. مقرر شد که امشب به بغداد موشک بزنند[۲]. به خانه آمدم.

چهارشنبه ۵ آذر ۱۳۶۵ | ۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۶ — ۲۶ Novem ۱۹۸۶

ساعت هشت ونیم صبح به مجلس رسیدم. جمعی از فرماندهان نیروی دریایی و بسیج آمده بودند. برای آنها مفصلاً سخنرانی کردم[۳]. سفیر ترکیه برای خداحافظی آمد. مترجم خوبی نداشتیم. بیشتر

---

۱ - در بخشی از سخنان پیش از دستور نماینده رامیان آمده است: "مصداق بسیج، گردآمدن در پرتو ولایت فقیه است و بس. و اینجاست که به پوچان و نیهیلیست‌های داخلی باید گفت چه می‌گویید؟ آیا اعتراف آمریکا به شکست را شما ارتباط با ایران می‌دانید؟ این دهن‌کجی به ولایت نیست؟ این چه سئوالی است که مطرح شده است؟ آیا این سئوال، خود زیر سئوال نیست؟ آیا سئوال در خود حکم ندارد؟ شاید سئوال کنندگان مظلوم نمایی کنند و بگویند از حق قانونی خودمان استفاده کرده‌ایم. اما گنجاندن عبارت «این ارتباط در چه سطحی صورت گرفته است» خود نوعی حکم است. آیا با طرح چنین سئوالی نمی‌توان گفت که سئوال کنندگان، اصلی از اصول قانون اساسی یعنی اصل ۶۷ را زیر سئوال برده‌اند؟ چراکه اصل مذکور که به عنوان قسم نامه آمده است، عبارت «نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی شدن» آمده است. آیا این است نگهبان انقلاب اسلامی بودن؟ مگر اینکه شیطنت کنیم و بگوئیم شکست مفتضحانه آمریکا، دستاورد نیست. آیا این سئوال، زیر سئوال بردن بهترین مرگ بر آمریکایی که ریاست محترم مجلس در روز ۱۳ آبان فرمودند، نیست"؟

۲ - موشک در ساعت ۳:۵۰ دقیقه بامداد به بغداد شلیک شد. خبرگزاری رویترز گزارش داد بغداد شهر ۴/۵ میلیون نفری در طول شش سال جنگ ۱۷ بار هدف موشک قرار گرفته است. مقامات عراق رسانه‌های ارتباط جمعی را از ارسال گزارش در مورد محل انفجار به دلایل امنیتی منع می‌کردند.

۳ - در این دیدار که جمعی از فرماندهان نیروی دریایی ارتش و فرماندهان منتخب پایگاه‌های مقاومت بسیج حضور داشتند، آقای هاشمی به موفقیت‌های روزافزون جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های سیاسی و نظامی اشاره کرد و خواستار گسترش حضور و تقویت نیروی دریایی کشور در خلیج فارس شد و در عین حال بر تداوم حضور نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ تأکید کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است:

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

صحبت درباره تحسین و تحکیم روابط و جلوگیری از اخلال مغرضان و مخصوصاً مطبوعات ترکیه و حضور ضد انقلاب ایران بود.

آقای [ابولفضل] رهنما سفیرمان در لهستان آمد. از زمینهٔ خوب توسعه روابط گفت و شش هزار دلار بابت خمس درآمدهای اضافه بر مخارج خودش را داد. هیأت کشور مالی به ریاست [آقای مودیبو کیتا] وزیر امور خارجه این کشور که در ایران هستند، به ملاقات آمدند. صحبت‌ها کلی بود و دوستانه[1].

ظهر آقای [علی اصغر] حجازی معاون وزارت اطلاعات آمد و گزارش حدود کمک به جنگ را داد و درخواست یک میلیون ونیم دلار از اعتبار جنگ برای خرید بی سیم‌های دوربرد نمود؛ موافقت کردم.

آقای محسن رضایی آمد و برای توجیه فرستادن علی ـ اخوی‌زاده ـ برای مذاکره با آمریکایی‌ها در مورد گروگان‌های لبنان حرف زد که قانع کننده نبود و گفتم اشتباه کرده است. اما از جهتی به ایشان حق دادم، زیرا احساس نیاز به سلاح را بیشتر از دیگران دارد و از طرفی پی برده که فاز اول در آستانه بن‌بست است و فکر کرده با در صحنه قرار گرفتن برادرزاده من، پیشرفت کار بهتر خواهد بود. جلسهٔ هیأت رئیسه مجلس داشتیم و سپس با آقای رضایی مذاکرات ادامه یافت. برنامه و اهداف و مانور عملیات آینده را توضیح داد.

شب جلسه رؤسای قوا در نخست وزیری بود. [آقای علی اکبر ولایتی] وزیر خارجه آمد. در مورد سیاست برخورد و درگیری‌های لبنان بین امل و فلسطینی‌ها و سیاست رفتار آینده با فرانسه و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

"منابع تأمین تسلیحاتی عراق مدرن‌ترین سلاح‌های جنگی را در اختیار صدام می‌گذارند. شوروی‌ها، در دوران جنگ، انواع هواپیماهای پیشرفته «میگ» و تانکهای «تی ۷۲» و قطعات یدکی به عراق می‌دهند. فرانسوی‌ها، گذشته از فروش هواپیماهای «میراژ»، «سوپراتاندارد» به او قرض نیز می‌دهند و آمریکایی‌ها نیز در زمان جنگ، ضمن خارج کردن عراق از لیست تروریست‌ها، بیش از یک میلیارد دلار اعتبار مالی، گندم، هلی‌کوپتر، مواد شیمیایی و اطلاعات ماهواره‌ای به صدام داده‌اند و ادعای بی طرفی هم می‌کنند. اما تنها موقعی که ادعا می‌شود، فقط به اندازه محموله یک هواپیما برای ما اسلحه ارسال شده که بعداً آن را نیز روشن خواهیم کرد، هیاهوی بزرگی در جهان برپا می‌شود، کابینه آمریکا به هم می‌ریزد، بین آمریکا و اروپا اختلاف می‌افتد و کشورهای عربی هم مانند اسپند روی آتش می‌شوند و این طرف و آن طرف می‌پرند. اینها نشان می‌دهد که ملت ما واقعاً در این ۷ سال، تنها جنگیده و بدون اتکا به دیگر کشورها، با همه ابرقدرتهای جهنمی دنیا به طور مستقیم و غیرمستقیم در جنگ بوده است و توانسته همه مستکبران، از جمله آمریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه را شکست دهد و این افتخار تا حدود زیادی مرهون حضور مردم در جبهه‌هاست". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ در این ملاقات آقای هاشمی گفت: "جمهوری اسلامی ایران همواره تصمیم داشته و دارد که با کشورهای مسلمان، آزاد و مستضعف جهان، روابط حسنه داشته باشد. شما مطلع شدید که ما چه بر سر فرستادگان ویژه آمریکا آوردیم. چراکه سیاست ما با قدرتهای استعماری همواره سر ناسازگاری دارد. جمهوری اسلامی آمادگی دارد تا از امکانات خود جهت احقاق حقوق مردم تحت ستم آفریقا استفاده نماید".

وجوه احتمالی مانده در بانکهای سوئیس از طرف [محمدرضا] شاه [پهلوی] و نصیری [رئیس ساواک] و ادامه روند آزادی گروگانها در لبنان با آمریکایی‌ها و سفر وزیر خارجه به سوریه برای گرفتن اجازه استفاده از خاک سوریه برای عملیات در خاک عراق و تشویق لیبی برای ارسال موشک و مهمات به ایران تصمیم‌گیری شد.

آقای ری‌شهری نوار مصاحبه سید مهدی هاشمی را آورد. او بریده و اعترافاتی کرده است. شب برای خواب به مجلس آمدم.

پنجشنبه ٦ آذر ۱۳٦۵ | ۲۴ ربیع الاول ۱۴۰٦ — ۲۷ Novem ۱۹۸٦

بعد از نماز و ورزش، گزارش‌ها را خواندم و به برنامهٔ فارسی لندن و واشنگتن گوش دادم. هنوز هم مهمترین مسأله بین‌المللی، افتضاح آمریکا است. کمی در جلسهٔ رسمی مجلس ماندم و برای ادامه قرائت گزارش‌ها و کارهای عقب افتاده به دفترم آمدم. [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت از گرفتن امکاناتشان در خوزستان برای جنگ گله کرد.

آقای [علیرضا]افشار [رئیس ستاد مرکزی سپاه] آمد. گزارش وضع نیروهای رزمنده را داد و از تبلیغات زیاد [آقای رحمانی] مسئول بسیج و نادیده گرفتن نقش سپاه در تجهیز سپاه محمد(ص) گفت[1]. آقای [محمد] کیاوش [نماینده آبادان] گزارش سفر به خارج را داد و از وضع پرونده گروه سید مهدی [هاشمی] پرسید.

ظهر عقد ازدواج یکی از کارکنان مجلس را بستم و به او هدیه دادم. عصر جمعی از طلاب تحت

---

۱ ـ در این روز آقای هاشمی در اجتماع طلایه‌داران سپاه محمد (ص) در مقابل مجلس گفت: "همان طور که خداوند دشمنان ما را به خاطر جنایات و حرکت‌های زشت و پلیدشان در مقاطع مختلف دچار اشتباهات بزرگ کرده، این بار هم دشمن بعثی مرتکب اشتباه جدیدی شده است. در شرایطی که نیروهای ما از همیشه آماده‌تر هستند و شرایط جهانی و محلی برای حرکت بزرگ رزمندگان در جبهه‌ها مهیا می‌شود، جنایتکاران صدامی، شرارت‌های جدیدی به صورت آغاز مجدد جنگ شهرها را مرتکب شدند. دشمن با جنایاتی که در باختران، ایلام، اسلام آباد، گیلان غرب، دزفول، اندیمشک، سنقر، سنندج و اهواز انجام داد، ماهیت خودش را برای چندمین بار نشان داد و قلب رزمندگان ما را متوجه کرد که با چه دشمن حیوان صفت و درنده خویی روبرو هستند که نمی‌تواند از شرارت دست بردارد و خشم مقدسی را که دل‌های رزمندگان ما را گرفته بود افروخته‌تر و زمینه را برای یک حرکت نظامی که چنین دشمنی را می‌خواهد شکست بدهد، آماده کرده است. خداوند این الهام را در قلب‌های منور مسئولان ما بوجود آورد که در مناسب‌ترین شرایط و موقع این موج تشکیل سپاه محمد (ص) را بوجود آورند و ما این حرکت را برای خود و رزمندگان دلیل لطف الهی می‌بینیم". آقای هاشمی در این اجتماع پرشکوه، دلاوری‌های مردم آذربایجان در مبارزات نیم قرن اخیر تاریخ کشورمان را برشمرد و آن را مورد قدردانی قرار داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

آموزش زبان‌های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی قم آمدند و گزارش دادند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[۱]. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. امروز تهاجم عراق به شهرها کم بود.

جمعه ۷ آذر ۱۳۶۵ | ۲۵ ربیع الاول ۱۴۰۶ 28 Novem 1986

تا ساعت ده ونیم صبح در خانه برای خطبه‌ها مطالعه کردم و اخبار را گوش دادم. خطبه دوم را در رابطه با افتضاح آمریکا ایراد کردم[۲]. خیلی طولانی شد و خسته شدم.

عصر آقای [ابراهیم]سنجقی و مسئولی از قرارگاه رمضان آمدند. برنامه عملیات فتح چهار را گفتند. دکتر روحانی اول شب آمد. درباره پدافند و مشکل کمبود توپخانه، برای عملیات آینده

---

۱ ـ آقای هاشمی در این سخنرانی بر اهمیت فراگیری زبان برای تسهیل ارتباط با جوامع و مردم بیگانه و در جهت ابلاغ پیام انقلاب اسلامی تأکید کرد و اهمیت این امر را با توجه به تبلیغات فرهنگی شدید علیه انقلاب اسلامی متذکر شد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "اگر روزی تاریخ تهاجمات فرهنگی به این انقلاب از سوی مجامع بین‌المللی و فرهنگی روشن‌تر شود، خواهیم دید که به هیچ انقلابی در دنیا این قدر تهاجم نشده است. و عجیب اینجاست که با وجود این همه دروغ‌ها و تهمت‌ها که هنوز هم با بغض و کینه ادامه دارد، نه تنها از نفوذ و وجهه انقلاب اسلامی کاسته نشده است بلکه روزبه روز نورانی‌تر می‌شود و این بدان خاطر است که محتوای انقلاب ما محتوای عقیدتی و فرهنگی است و متکی به اسلامی است که از آسمان آمده و از وحی سرچشمه گرفته است. آمریکایی‌ها هنوز در دنیا خیلی نیرومند هستند و حتی رقبای آنها تحویل شان می‌گیرند. اما آنها تصور نمی‌کردند که ما آنها را تحویل نگیریم و اهمیت کار در اینجاست که این انقلاب و این حرکت فرهنگی شخصیت خودش را حفظ کرده و راه خود را گم نکرده است و آنها از هر طریقی که عمل کرده‌اند، نتوانسته‌اند در این انقلاب نفود کنند. این همه تضاد در دنیا هست که به جان هم افتاده‌اند و یکدیگر را می‌خورند و هر روز دروغ تازه‌ای در گفته‌های آنها کشف می‌شود، بدون اینکه حرف هایی که ما زده‌ایم یک کلمه کم و زیاد شده و یا نقض شود، همه دلیل استحکام و مایه‌دار بودن این انقلاب است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در خطبه اول نماز مباحث قرآنی در ارتباط با نگاه دین به موضوع زن مطرح شد و اسامی زنانی که نام آنها در قرآن آمده است، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در خطبه دوم بخشی با عنوان «مسأله افتضاح آمریکا و پیروزی سیاسی جمهوری اسلامی» به تفصیل بیان شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "مطالبی که درباره آمریکا کشف شد خیلی چیزهای گویایی است. اولاً روشن شد که اینکه ما خیال می‌کنیم در آنجا، اینها یک مشت آدم‌های مسلط بر امور و جریانات و نقشه‌هایشان هستند و تمام مسائل آنها حساب شده است و شکست‌پذیر نیستند، برعکس روشن شد که یک کشور جهان سومی اگر برنامه ریزی کند برعکس کارهایی که آنها می‌کردند می‌تواند پاتک‌هایی به آنها بزند که خیلی آنها را بیشتر به دردسر بیاندازد. همین کاری که اینها تا به حال می‌کردند. هر وقت که می‌خواستند کشوری را آشوب زده کنند، شیطنت‌هایی می‌کردند و کشور را به آشوب می‌کشیدند، این کار را ما امروز در آمریکا می‌کنیم، یعنی معکوس این کار در آمریکا انجام می‌گیرد، اینها در چنین مقطعی شروع به شیطنت کردند و فکر می‌کردند حالا امام که می‌خواهند ما پرورش پیدا بکنیم و خودکفا بشویم و کمتر حرف می‌زنند، اخبار دروغی که کسب می‌کنند و در خبرگرفتن سرشان کلاه می‌رود، به اینها گفته بودند که امام مریض است و جمهوری اسلامی در حال انتقال فلان چیز است که در چنین شرایطی شروع به حمله کردند. پاتکی که اینها خوردند چیزی است که اکنون در آمریکا می‌بینید. آیا الان کاخ سفید تحت فشار ما است یا ما تحت فشار آمریکایی‌ها"؟ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

مذاکره کردیم. ارتش و سپاه نیازها و موجودی خود را داده‌اند؛ امکانات کم است. بستگان به دیدن ما آمدند.

شنبه ۸ آذر ۱۳۶۵ | ۲۶ ربیع الاول ۱۴۰۶ ۲۹ Novem ۱۹۸۶

امروز بیشتر وقت به مطالعه گذشت. از صبح تا شب باران می‌بارید. آقای [مصطفی] کفاش‌زاده آمد و برای رسیدگی سریعتر به اتهام دوستش آقای [همایون] انصاری [شیرازی] که بازداشت شده، استمداد کرد. عصر همسر آقای سالاری ـ کاردار سابق ایران در آرژانتین ـ آمد و برای رفع اتهام از شوهرش که مشکلی در کارش پیش آمده استمداد کرد.

کارها را از مجلس آوردند. در گزارش‌های خارجی، هنوز مهمترین مسأله، افتضاح آمریکا در ارتباط با تلاش برای ایجاد رابطه با ایران و نجات گروگان‌هاست. اعتبار ریگان سخت ضربه خورده و زمزمه کناره‌گیری او را مطرح می‌کنند[1].

یکشنبه ۹ آذر ۱۳۶۵ | ۲۷ ربیع الاول ۱۴۰۶ ۳۰ Novem ۱۹۸۶

امروز هم مثل دیروز باران می‌بارید. تا ساعت ده ونیم در جلسه علنی مجلس بودم. در تنفس، خواهران عضو بسیج مقابل مجلس آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[2]. آقایان [محسن مجتهد] شبستری

---

۱ ـ بحران و افتضاح سیاسی واشنگتن گریبان سیاستمداران این کشور را گرفت. با اوج‌گیری این بحران احتمال برکناری رئیس ستاد کاخ سفید مطرح شد. همچنین ویلیام کیسی رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به خاطر این بحران مورد بازجویی قرار گرفت. شبکه ABC اعلام کرد نزدیک‌ترین فرد به رئیس جمهور در این ماجرا در معرض اتهام قرار گرفته است. همچنین در ارتباط با بحران جاری کاخ سفید، کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا، شش ساعت از مک‌فارلین بازجویی کرد.

۲ ـ در پنجمین روز از هفته بسیج ده‌ها هزار تن از زنان مسلمان کشورمان به پشتیبانی از رزمندگان کفرستیز اسلام، طی راهپیمایی از چند مسیر و تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی حمایت خود را از ادامه دفاع مقدس رزمندگان اسلام و حضور گسترده سپاهیان محمد (ص) در جبهه‌های جنگ اعلام کردند که در این اجتماع با شکوه، خواهران بسیجی مراکز تربیت معلم، بسیج ادارات و کارخانجات، بسیج دانش آموزی و نواحی و پایگاه‌های مقاومت بسیج سپاه حضور داشتند. آقای هاشمی در این اجتماع بزرگ گفت: "تحول روحی زنان مسلمان ایران، نقطه بسیار ارزنده‌ای در تاریخ زن در اسلام به شمار می‌رود، هیچ‌وقت در فکر کسانی که هدفشان تکامل و آزادی زنان بوده، خطور نکرده است که زنان عفیف و فداکار این‌گونه که خواهران بسیجی ما در صحنه حاضرند از خود ابراز وجود کرده باشند. این حرکات را از اسلام داریم و آن را تا حد زیادی مرهون تلاش این خواهران متعهد می‌دانیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

[نماینده تهران] و [مراد علی] احمدی [نماینده سنقر و کلیایی] و عده‌ای از نمایندگان، جداگانه برای کارهای مربوطه خودشان و کمبودهایشان آمدند.

عصر انجمن اسلامی سازمان آموزش فنی حرفه‌ای و وزیر آموزش و پرورش و معاونان آمدند. درباره اصلاحات در نظام آموزشی و مشکلات کمی حقوق معلمان و برخورد با نمایندگان و قوه قضائیه مطالبی مطرح شد. آنها را به رعایت اعتدال توصیه کردم.

شب با دیگر سران قوا، مهمان آقای اردبیلی بودیم. تلفنی از آقای رفیق‌دوست، نتیجهٔ سفرش به سوریه را گرفتم. با آقای رضایی درباره عملیات صحبت شد. آقای دکتر ولایتی نتایج سفر به سوریه را گفت و مشکل فلسطینی‌ها و امل را در لبنان، و اجازه سوریه برای استفاده از مرزهای آنها برای ورود ما به عراق و سخت‌گیری‌های لیبی از دادن بقیه موشک های موعود را شرح داد.

احمدآقا نظر امام را در مورد پخش مصاحبه سید مهدی هاشمی [از تلویزیون] گفت و قرار شد در جلسه آینده با امام صحبت کنیم. به نخست وزیر گفتم که دربارهٔ آقای سالاری با عجله قضاوت کرده است، مجدداً بررسی نمایند. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۵ | ۲۸ ربیع الاول ۱۴۰۶ | 1 Decem ۱۹۸٦

در منزل بودم. آقای کنگرلو آمد و گفت [منوچهر] قربانی‌فر برای توجیه گران فروشی خودش و سروصداهای آمریکایی‌ها تلفن کرده و مدعی است اگر به ریگان کمک نشود، سقوط می‌کند و جانشینان او با ما بدتر برخورد می‌کنند. گفتم به آنها بگوید اولاً باید مبلغ اضافی مسترد شود و ثانیاً به دروغ، صحبت از دخالت اسرائیل و تماس با میانه روها را نکنند. به ادعای آنها مبلغی طلبکارند ولی چون گران داده‌اند، ما می‌گوییم بدهکارند.

احمدآقا آمد. در مورد ملاقات دوم علی هاشمی با آمریکایی‌ها که با دستور آقای محسن رضایی انجام گرفته بود، بحث و قرار شد به سران قوا هم بگوئیم.

احمدآقا گفت نظر امام این است که مصاحبه آقای مهدی هاشمی پخش شود، ولی برای آقای منتظری ضرر دارد. قرار شد خدمت امام اصرار کنیم که از پخش قسمتی از آن صرف نظر شود و نیز گفت پیشنهاد بازداشت آسید هادی ـ داماد آقای منتظری ـ که از طرف وزیر اطلاعات ارائه شده، مضّر است و آقای منتظری را به شدت می‌رنجاند و قابل ترمیم نیست. قرار شد فردا شب خدمت امام

بگوئیم. ظهر بستگان مهمانمان بودند.

عصر [ناخدا حسینی] فرمانده نیروی دریایی آمد. برنامه مانورشان را گفت. قرار شد من هم شرکت کنم. آقای [احمد] وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. برنامه عملیات را گفت و مشورت کرد و گفتم یک گروگان فرانسوی در لبنان، اگر با شفاعت ما آزاد شود، خوب است. دیروز ژاک شیراک با اعتراف به اشتباه فرانسه در برخورد با ایران در گذشته، موضع خوبی گرفته[1] و سران قوا تصویب کرده‌اند که در مقابل پرداخت قسط اول وام انجام شود. شب تا دیر وقت به خواندن گزارش‌ها گذشت.

سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۵ | ۲۹ ربیع الاول ۱۴۰۶ — ۲ Decem ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم صبح در جلسه بودم. در تنفس برای بسیجیان صومعه سرا که به مجلس آمده بودند، زیر باران صحبت کردم[2]. گروهی از افراد آموزش دیدهٔ موشک‌های ضدهوایی در چین آمدند و مدعی بودند که آموزش دیگران در رده‌های خدمات و مربی‌گری در اینجا را می‌توانند انجام دهند و لازم نیست کسانی دیگر به چین بروند، مگر برای تعمیر و نگهداری.

در تهران از چند روز پیش تاکنون، متناوباً باران می‌بارد و خیلی از جاهای کشور را سیل گرفته است. در گزارش‌های بین‌المللی، افتضاح آمریکا هنوز مسأله اول است ولی تلاش می‌کنند جبهه ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی ما را ملکوک کنند.

---

۱ ـ ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه با اعلام صریح این مطلب که صدام رئیس رژیم عراق جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده است، گفت که وی چند روز پیش از حمله نیروهای عراقی به ایران، از این حمله با خبر بوده است. رادیو لندن گفت: "نخست وزیر فرانسه اظهار داشته است که در سپتامبر ۱۹۸۰ از قصد عراق مبنی بر حمله به ایران مطلع بوده و طی پیامی از صدام استدعا کرده است از حمله به ایران صرف نظر کند. شیراک افزود: صدام در پاسخ به این درخواست وی مدعی شده بود که ارتش ایران روحیه خود را به کلی باخته و اقلیت عرب در ایران قیام کرده و با آغوش باز وی را خواهند پذیرفت و همه چیز ظرف یک هفته به پایان خواهد رسید. ژاک شیراک در ادامه گفت: ولی پس از بیش از شش سال جنگ، این قضیه باعث شد دولت ایران استوارتر گردد".

۲ ـ آقای هاشمی در دیدار با رزمندگان لشکر «میرزاکوچک‌خان» از شهرستان صومعه‌سرای استان گیلان که برای پیوستن به سپاه محمد (ص) در تهران به سر می‌برند اظهار داشت: "تشکیل سپاه محمد (ص) روحیه خوبی به جبهه‌ها داده است. استان‌های گیلان و مازندران، علیرغم خوابی که در رژیم گذشته برای آنها دیده بودند تا فساد را در آنجا گسترش دهند، خوشبختانه تاکنون بیشترین حضور را در جبهه‌های جنگ از خود نشان داده‌اند. اینکه جوانهای کشور در این مقطع، جبهه و جنگ را بر همه چیز ترجیح می‌دهند و جان خود را مردانه در طبق اخلاص می‌گذارند، بسیار با ارزش است. چنین جمعی از جوانان یک شهر که بخش مهمی از نیروهای رزمنده را تشکیل می‌دهند، نمی‌توان در هیچ مقطع تاریخی پیدا کرد و این تحول ناشی از کمک‌های خداوند است که چنین صحنه‌های باشکوهی به وجود می‌آید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

عصر شورای انقلاب فرهنگی جلسه داشت. ضوابطی برای اعزام دانشجو به خارج تعیین کردیم. سپس با آقای خامنه‌ای، مذاکراتی درباره مسائل مربوط به آمریکا داشتیم. درباره مطالب نماز جمعه آینده مشورت شد.

شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. درباره اعزام روحانیون برای تبلیغ به جبهه مذاکره و اتخاذ تصمیم شد. آقای مهدوی کنی پیغام آقای میناچی را درباره پسرش که در آمریکا بیست میلیون دلار از پولهای خرید سلاح ما را برداشته و مخفی شده آورد. او خواسته است که اجازه بدهیم برای تعقیب موضوع به خارج برود. اخیراً آمریکایی‌ها اطلاع داده‌اند که پول ما در حسابی زیر نظر اف. بی. آی [پلیس فدرال آمریکا] است.

آقای جلالی خمینی مواردی در ارتباط آقای رضوانی خمینی در جوانی با اجنه و تسخیر جنّ گفت که چون خود ایشان شاهد بوده، برای حضار جالب بود. دیر وقت به خانه رفتم.

چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۵ | ۳۰ ربیع الاول ۱۴۰۶   ۳ Decem ۱۹۸۶

بعد از نماز تا ساعت هفت ونیم صبح مطالعه کردم و اخبار را گرفتم. هنوز مسأله مهم دنیا رسوائی آمریکایی‌هاست. ساعت هشت ونیم برای سخنرانی در اجتماع یکصد هزار نفری سپاه محمد(ص) به استادیوم [آزادی] رسیدم. خیلی با شکوه بود[1]. بعد از سخنرانی به مجلس آمدم. از دیروز به خاطر احتمال حمله هوایی عراق به اجتماع، نگرانی شدیدی در مسئولان وجود داشت؛ به خیر گذشت.

آقای [مجید] قاسمی رئیس جدید بانک مرکزی آمد. از اعتماد مسئولان تشکر کرد. گزارش وضع دشوار ارز و راههای علاج را داد و سیاست‌های جدید بانکها را گفت. به نظر می‌رسد بتوانند با

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "شما بسیجیان در عمل ثابت کردید که خط شکن هستید. بی‌شک این اجتماع عظیم و باشکوه در طول تاریخ و در زمان ما وگذشته در سراسر دنیا با توجه به کیفیت شرکت کنندگان بی سابقه می‌باشد. این اجتماع بزرگ به صورت یک نقطه برجسته در تاریخ ثبت خواهد شد و در میان افرادی که در این اجتماع شرکت دارند، کسی را نمی‌توان پیدا کرد که به حالت اجبار آمده باشد، بلکه با آمادگی کامل، ایمان و اشتیاق فقط برای رضای خداوند در این کاروان ثبت نام نموده و با اراده خود از این مکان به سمت جبهه‌های نبرد حرکت خواهند کرد. من هرچه از این اجتماع شما توصیف کنم، قادر نیستم آنچه را که در قلب شماست بازگو کنم. در این اجتماع، اقشار مختلف مردمی از قبیل کارگر، روستایی، عشایری و غیره دیده می‌شود که بسیار قابل توجه است. نقطه اتکای پیروزی ما همین مقاومت و ایثارگریهای شما رزمندگان است. با اینکه ما از نظر مادی مانند کشورهای بزرگ دنیا نیستیم ولی در دنیا، کشورهایی همانند ما بسیارند. اما آنچه ما را ممتاز می‌کند، ایمان، احساس وظیفه و ادای تکلیف و قصد تقرب به خداوند می‌باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

گروه حاکم بر وزارت دارایی، تحولی در امور بانکها به وجود آورند.

آقای دکتر [عباسعلی] زالی [وزیر کشاورزی] آمد. وضع کشاورزی را گفت و از فشار بعضی نمایندگان گله داشت. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب با دیگر سران قوا مهمان احمدآقا بودیم. امام هم در جلسه شرکت کردند. از امام درخواست کردیم آن قسمت از نوار مصاحبه سید مهدی [هاشمی] که به ضرر آقای منتظری تمام می‌شود، منتشر نشود. قبول فرمودند و نیز عجالتاً از بازداشت سید هادی صرف نظر کردند؛ به امید اینکه بعد از انتشار مصاحبه‌ها وضع اصلاح شود. دیر وقت به خانه رفتم. آشیخ محمد [هاشمیان] - عموزاده - مهمانمان بود.

پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۳۶۵ | ۱ ربیع الاخر ۱۴۰۶   ۴ Decem ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمدم. تا ساعت ده ونیم در جلسه بودم. پیش از ظهر دکتر روحانی آمد. گزارش سفر به خوزستان و علت تأخیر در انجام عملیات را گفت. سلمانی برای اصلاح آمد. آقای [محسن] میردامادی مسئول اعزام دانشجویان به جبهه آمد و برنامه جذب نیروهای دانشگاهی برای خدمت به جنگ را گفت.

عصر آقای رفیق‌دوست آمد. اجازه تخصیص ارز برای خریدها را گرفت. در جلسه شورای‌عالی دفاع، بحث درباره دادن اختیارات جدید به [ستاد کل] پدافند [کشور] بود. مصاحبه طولانی رادیو - تلویزیونی، داشتم[1]. شب در مجلس ماندم. کارهای عقب مانده را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. هنوز مهمترین مسأله، رسوایی و بحران در کاخ سفید آمریکاست.

جمعه ۱۴ آذر ۱۳۶۵ | ۲ ربیع الاخر ۱۴۰۶   ۵ Decem ۱۹۸۶

اول وقت برای بازدید از عملیات ساختمان مترو رفتم. مراکز قورخانه، دردشت، عباس آباد، حرّ و

---

۱ - در این مصاحبه درباره کیفر متجاوز، ادعای عراق مبنی بر حمله ایران به مناطق مسکونی، تهمت خرید اسلحه از اسرائیل، رسوائی سفر مک‌فارلین به‌ایران و روابط با فرانسه مطالبی مطرح شد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: "کشورهای حوزه خلیج‌فارس باید خود را از رژیم عراق کنار بکشند و همان طور که برادر بزرگتر آنها سرعقل آمده، کوچکترها هم بر سر عقل بیایند. نفتی که برخی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس به حساب عراق می‌فروختند، در آینده نزدیک قطع خواهد شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



بازدید از تونل در حال احداث متروی تهران

خروجی به طرف کرج و ماشین بزرگ حفاری را دیدم. به نظر می‌رسد که خیلی فعال و جدی هستند. مقدمات کار خوب و سریع انجام می‌شود. کارگاهها فعال‌اند. ماشین‌ها را آماده کار کرده‌اند. گویا ژاپنی‌ها برای راه اندازی آنها، پول زیادی با وقت زیاد خواسته‌اند که متخصصان داخلی خودشان انجام داده‌اند[1].

عصر فرماندهان سپاه آمدند. برنامهٔ عملیات آینده و نیازها را توضیح دادند. از ساعت چهار بعد از ظهر تا دو بعد از نصف شب حدود ده ساعت طول کشید؛ باز هم ناقص است. با خستگی در مجلس خوابیدم.

شنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۵ | ۳ ربیع الاخر ۱۴۰۶ | 6 Decem 1986

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح، گزارش‌ها را خواندم. سپس در جلسه ستاد قرارگاه خاتم شرکت

---

۱ ـ متروی تهران علی‌رغم مخالفت‌های بسیار و سنگ‌اندازی‌ها، با حمایت خاص آقای هاشمی، در دوران سازندگی به اوج فعالیت رسید و از سال ۱۳۷۶ به جابجایی مسافر در خطوط مختلف پرداخت. کارشناسان حمل و نقل معتقدند در صورت عدم احداث مترو در تهران، تغییر پایتخت اجتناب ناپذیر بود و شهر تهران با مشکل جدی و بحران مواجه می‌شد.



دیدار با وزیر امور خارجه سیرالئون



کردم. سپاه و ارتش برنامهٔ عملیات آینده خود را با پرده پوشی به منظور حفظ اطلاعات گفتند. مشکل کمبود توپخانه است که به نحوی حل کردم. تقسیم پدافند هوایی، هلی‌کوپترها و چیزهای دیگر هم انجام شد. زمان عملیات هم مشخص گردید. جلسه خوبی بود.

ظهر آقای حسنی سعدی و جانشین نیروی زمینی آمدند. از تقسیم توپخانه اظهار نارضائی کردند و برای انتقال دختر جانشین از دانشکده پزشکی اهواز به دانشگاه تهران استمداد نمودند.

عصر [آقای عبدالکریم کروما] وزیر خارجه سیرالئون برای ملاقات آمد. صحبت‌ها کلی بود[1]. دکتر ولایتی آمد و برای تحویل زمین‌های شهرک دیپلماتیک [در اراضی عباس آباد تهران] برای سفارتخانه‌ها استمداد کرد. سرهنگ جلالی [وزیر دفاع] آمد و برای خرید کامیون کمک خواست.

امروز عراق شهر اهواز را به شدت بمباران کرده و گویا بیش از یکصد نفر شهید شده‌اند و خرابی زیاد بوده است[2]. دستور مقابله به مثل داده شد. برای اولین بار نیروگاه نکا [در استان مازندران] بمباران شده که بعید می‌دانستیم بتوانند آن را بمباران کنند.

شب قرار بود با فرماندهان سپاه جلسه داشته باشیم که به علت عدم نیاز لغو شد. شب در مجلس ماندم و کار جنگ و کارهای دفترم را انجام دادم. کمی هم تب دارم. نخست وزیر تلفنی و با نگرانی، درباره انهدام نیروگاه نکا و بمباران اهواز صحبت کرد.

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۶۵ | ۴ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 7 Decem ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم در جلسه علنی مجلس بودم[3]. دستور کارمان تمام شد و جلسه را ختم کردم. نمایندگان

---

۱ ـ در این ملاقات وزیر امور خارجه سیرالئون، تحولات جمهوری اسلامی ایران را به نفع مستضعفان جهان توصیف کرد و ضمن تشکر از کمک‌های ایران در جهت حل مشکلات کشورهای آفریقایی، خواستار مبادله هیأتهای پارلمانی برای برطرف ساختن نواقص سیستم پارلمانی سیرالئون شد. آنگاه آقای هاشمی گفت: "آفریقا یک قاره بالقوه انقلابی و تا حد زیادی اسلامی است. به همین دلیل هر یک از مسئولین آفریقایی که به ایران بیایند، ما خوشحال و امیدوار می‌شویم که راهی برای همفکری بازگردد. اگر نیروهای اصیل و مردمی آفریقا وارد صحنه شوند، به خوبی می‌توان این قاره را از دست غرب نجات داد. به نظر می‌رسد عمومی‌ترین فرهنگی که می‌تواند بین مردم آفریقا مشترک باشد، اسلام است و اختلافات بر سر مسائل ناسیونالیستی و سایر چیزهایی که غربی‌ها در آنجا از خود به جاگذاشتند، مانع پیشرفت و استقلال آفریقا می‌شود و در جهات دیگری هم آن مایه‌های انقلابی نسبت به اسلام کمتر وجود دارد".

۲ ـ در این روز ده نقطه شهر اهواز در سه نوبت مورد تهاجم هواپیماهای عراقی قرار گرفت و در جریان این حملات بیش از ۱۰۰ نفر شهید و تعدادی نیز مجروح شدند. در این حملات سه واحد کارگری صنعتی نیز آسیب دید. در بمباران نیروگاه نکا در استان مازندران نیز دو تن از پرسنل این نیروگاه شهید و ۲۵ نفر مجروح شدند. در اسلام آباد غرب نیز بمباران جنگنده‌های دشمن موجب شهادت چهار نفر از هموطنان شد. در پاسخ به شرارت‌های ارتش عراق، تأسیسات صنعتی، اقتصادی و نقاط حساس ۱۴ استان عراق آماج حملات سنگین نیروی هوایی و توپخانه‌های ارتش جمهوری اسلامی قرار گرفت.

۳ ـ آقای هاشمی در جلسه علنی امروز مجلس به خانواده‌هایی که بر اثر شرارت‌های اخیر عراق عزیزانشان به شهادت رسیده‌اند، تسلیت گفت و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خوزستان از بمباران دیروز اهواز ناراحتند. گروهی از نمایندگان به خوزستان رفتند و گروهی از کمیسیون نیرو به نیروگاه نکا.

آقای [محمدرضا] رحیمی نماینده قروه آمد و درباره برنامه برخورد با خلبانانی که هواپیماهای ما را ربوده‌اند گفت. به وزارت اطلاعات گفتم همکاری کنند.

آقای صدیق [فرمانده نیروی هوایی] تلفنی اطلاع داد که به تلافی شرارت‌های دیروز عراق، پنج مرکز اقتصادی و نظامی آن کشور را امروز بمباران کرده‌ایم و هواپیماها همگی سالم برگشته‌اند.

عصر کشاورزان نمونه آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. گروهی از طلاب و علمای لبنانی مقیم ایران آمدند. مشکلات سیاسی، عقیدتی و اقتصادی لبنان را گفتند و برای رفع آن استمداد کردند و پیشنهاد تعیین نماینده تام الاختیار امام در لبنان و کمک‌های مالی رفاهی دادند.

شب آقای [فریدون] مهدی‌نژاد آمد. فتوکپی پاسپورت‌های جعلی هیأت آمریکایی [به سرپرستی] مک‌فارلین ـ را که به عنوان ایرلندی آمده‌اند ـ آورد و راجع به مذاکرهٔ آینده در جهت آزادی گروگان‌ها مشورت کرد.

شب سران قوا مهمان آقای خامنه‌ای بودند. وزیر نفت درباره سیاست ما در اجلاس آینده اوپک مشورت کرد. درباره مسائل جاری با آمریکا و مقابله به مثل مذاکره کردیم. دیر وقت به خانه رفتم و وسایل برای رفتن به سفر برداشتم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اظهار امیدواری نمود که رزمندگان اسلام انتقام آنها را از عوامل این شرارت‌ها بگیرند. در بخشی از این نطق آمده است: "ما به خانواده‌های محترم کسانی که در شرارت اخیر بعث عفلقی در اهواز و جاهای دیگر عزیزانشان را از دست دادند، تسلیت عرض می‌کنیم و امیدواریم آنها در آینده، شاهد انتقام جدی رزمندگان ما از عوامل این شرارت‌ها باشند. با وضعی که رزمندگان ما از روحیه وحشیانه صدامی‌ها می‌بینند، انگیزه‌های مقدسشان برای انجام وظیفه‌ای که به آنها محول شده تقویت خواهد شد. نمایندگان استان خوزستان به همه مردم اهواز و خانواده‌های معظم شهدا تسلیت عرض کرده‌اند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هم اکنون تعداد زیادی رودخانه پرآب بدون آنکه استفاده مفیدی از آن بشود وارد خاک کشورهایی مانند عراق، شوروی و نیز دریای خزر و خلیج‌فارس و دریای عمان می‌شود. اکنون با تکنولوژی موجود در جهان می‌شود آب این رودخانه‌ها را وارد دشت‌ها کرد و کشاورزی و دامداری این مناطق را رونق داد. با این امکانات بالقوه و این رهبری و مردم خوب، امکان داشتن زندگی مرفه و سعادتمند برای مردم و تأمین سعادت این دنیا و آخرت کاملاً فراهم است. این همان نقطه‌ای است که دشمنان از آن می‌ترسند، چراکه وجود چنین کشوری می‌تواند الگویی برای دیگران و مسلمانان باشد. اکنون اهل معنا ارزش ما را می‌فهمند و فردا اهل دنیا هم خواهند فهمید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۶۵ | ۵ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — ۸ Decem ۱۹۸۶

صبح زود به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم. آقایان سنجقی، دکتر روحانی، سرهنگ ترابی و آقامحمدی آمدند. درباره جنگ، پدافند، قرارگاه رمضان و حفاظت اطلاعات ارتش مذاکره شد. جمعی از اعضای کمیسیون نیرو که به نیروگاه نکا رفته بودند، گزارش آوردند و از مدیریت پدافند انتقاد کردند.

عصر در دفترم کار داشتم. شب آقایان دکتر هادی، نوری و سعیدیان آمدند. گفتند آیت‌الله منتظری آنها را احضار کرده و پیامی برای من فرستاده‌اند: از ادامه بازداشت بقایای گروه سید مهدی [هاشمی] و خبر برنامهٔ پخش مصاحبه‌های آنها اظهار نگرانی کرده‌اند و از من خواسته‌اند که برای جلوگیری کمک کنم.

به [سرهنگ جمالی] جانشین فرمانده نیروی زمینی مأموریت داده شد که برای مقابله به مثل در پایان مهلت ۴۸ ساعته، چند موشک دیگر به مناطق نظامی، صنعتی و اقتصادی بصره بزنند[1].

سه‌شنبه ۱۸ آذر ۱۳۶۵ | ۶ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — ۹ Decem ۱۹۸۶

صبح زود دکتر هادی و [عبدالله]نوری آمدند و توضیحات بیشتری در مورد اظهارات دیروز آقای منتظری دادند. رادیو فارسی آمریکا و انگلستان را گرفتم. با مطرح شدن رسوایی کاخ سفید در کنگره آمریکا، مسأله اوج گرفته و [جرج] شولتز [وزیر امور خارجه ایالات متحده] و مک فارلین را تحت بازجوئی قرار داده‌اند.

تا ساعت نه صبح در جلسه علنی ماندم. برای انجام مقدمات سفرم به دفتر آمدم. آقای زائری و مهاجری آمدند. درباره برنامه حضور در بندرعباس مذاکره شد. ظهر هیأت اتحاد جماهیر شوروی به ریاست آقای [کنستانتین] کاتاشوف رئیس کمیته دولتی روابط اقتصاد [خارجی] شوروی به ملاقات آمد. پیام رهبران شوروی مبنی برخواست توسعه روابط را آورد. از برخوردهای روسها در روابط با خودمان، دادن اسلحه به عراق، حضور نظامی در افغانستان و تفسیرهای نادرست در مسائل اخیر ما با

---

۱ ـ سه فروند موشک بردکوتاه موسوم به عقاب به سوی بصره پرتاب شد. همچنین مراکز اقتصادی، نظامی و امنیتی بصره در محدوده‌ای به طول ۸۰ کیلومتر از العزیز تا ام‌القصر، به شدت هدف آتش آتشبارهای سنگین نیروی زمینی ارتش قرار گرفت.

آمریکا انتقاد کردم؛ به موضع انفعال افتاده بود[1].

ساعت چهار و نیم به سوی قم حرکت کردم که پس از ملاقات با آقای منتظری با قطار به خوزستان برویم. اول شب به قم منزل آیت‌الله منتظری رسیدم. ایشان و آسید هادی [هاشمی] خوشحال شدند و استقبال خوبی کردند. توضیحاتی درباره مسائل مربوط به سید مهدی برای رفع سوء ظن ایشان دادم و گفتم اشتباه آقای منتظری کار را خراب‌تر می‌کنند. اینکه با سیاست قهر و انتقاد، می‌توانند امام را منصرف کنند، تصور درستی نیست. گفتم اگر امیدی به نتایج کار باشد، فقط از راه تایید مواضع امام و رضایت به آن است.

ایشان از خبر احتمال پخش مصاحبه آنها نگران بودند و اتفاقاً همان جا بودم که تلویزیون اعلام کرد، مصاحبه سید مهدی پخش می‌شود. ایشان ناراحت شدند. در مجموع ملاقات خوبی بود و تفاهم به دست آمد و قرار شد که وضعیتشان را را عادی کنند.

ساعت هشت ونیم شب در ایستگاه قم سوار قطار شدم. دکتر روحانی و سرهنگ ترابی و سنجقی

---

۱ ـ آقای کاتاشوف در این دیدار ضمن تأکید بر روابط حسن همجواری بین دو کشور و رعایت اصول برابری و احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر، خاطرنشان ساخت که رهبران شوروی اهمیت خاصی برای داشتن روابط با جمهوری اسلامی ایران قائل هستند. کاتاشوف ابراز امیدواری کرد که با تلاش مسئولین دو طرف، روابط فیمابین قدم به قدم پیشرفت کرده و موانع موجود یکی پس از دیگری از پیش پای برداشته شوند. آقای هاشمی در این دیدار ضمن تشکر از ابراز تمایل مسئولان شوروی برای تحکیم روابط و گسترش آن و رفع موانع ابراز امیدواری کرد که آنان در تحکیم و فعال کردن روابط دو کشور جدی باشند و به مفاد مذاکرات هیأتها جدا عمل کنند. ایشان با اشاره به وقایع اخیر آمریکا و غرب در رابطه با برقراری روابط با جمهوری اسلامی، گفت: "شما در این اواخر داستان آمریکائی‌ها را به‌خوبی شنیدید و مطلع هستید که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها چقدر برای برقراری روابط و عادی کردن وضعیت ما و آنها التهاب دارند و دیدید که چگونه ما به آنها جواب رد دادیم. مسأله آقای مک فارلین در تاریخ آنها و روابط خارجی آمریکا مسأله بی‌سابقه‌ای است. ایشان با آنکه حامل پیام‌ها و هدایای آقای ریگان بود، نتوانست در اینجا یک نفر آدم رسمی را پیدا کند که با ایشان حرف بزند و آقای مک‌فارلین گفت که اگر من برای تجارت به روسیه رفته بودم آقای گورباچف سه بار با من صحبت می‌کرد. مسئولین آمریکا چه جمهوریخواهان، و چه دموکراتها، علیرغم اختلافاتی که دارند فلسفه ارتباط با ایران را قبول دارند و حاضرند در صورت نرمش ما حتی مشکلات تسلیحاتی ما را حل کنند، با وجود این ما قاطعانه آن را رد کردیم و تنها در حد شفاعت گروگان‌های لبنان بدون مذاکرات رسمی و گرفتن اموالی که در آمریکا داریم، حاضر شدیم تماس باشد. انگلیسی‌ها مکرراً قاصد می‌فرستند و تلاش می‌کنند که سطح روابط را با ما بیشتر کنند. متأسفانه مسئولان کشور شما با ادله‌ای که برای ما قابل قبول نیست، به گونهٔ دیگری عمل می‌کنند. شما با توجه به اینکه می‌دانید عراق کشور متجاوزی است، چرا او را تقویت می‌کنید تا برای ناتوان کردن یک کشور شدیداً ضدامپریالیستی تلاش کند؟ شما که می‌بینید عراق برخلاف تمام موازین بین‌المللی عمل می‌کند، چطور او را کمک می‌کنید تا به انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی ایران صدمه وارد کند؟ متأسفانه در رابطه با برخورد اخیر ما با آمریکا، شما در رسانه‌های جمعی خودتان این مسأله را به گونه‌ای مطرح کردید که گویا ایران به خواست آمریکا می‌خواهد جنگ را طولانی کند. حال آنکه حق این بود که شما در رسانه‌هایتان از این حرکت ما به عنوان یک پیروزی بزرگ از یک کشور جهان سوم یاد می‌کردید. ما در رابطه با افغانستان که مسأله شماست، حاضر شدیم همکاری کنیم تا افغانستان به صورت یک کشور مستقل باقی بماند تا غربی‌ها در آنجا نباشند. این مسأله را دوستانه مطرح کردیم و نمی‌خواهیم یک حرکت سیاسی بکنیم، اما شما با حضور نظامیان در آنجا متأسفانه کار را گره می‌زنید. ما مایلیم افغانستان به صورت یک کشور آزاد و مستقل و ضدامپریالیست باشد و در آنجا حکومتی به وجود آید که مورد خواست اکثریت مسلمان آن کشور باشد. شما اگر واقعاً پیامی برای توسعهٔ روابط دارید، جدی باشید و مطمئن باشید که جمهوری اسلامی در این صورت برای ایجاد روابط آمادگی کامل دارد".

هم بودند. شام خوردیم و ساعت یک ونیم خوابیدم.

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۶۵ | ۷ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 10 Decem ۱۹۸۶

ساعت هفت صبح در اندیمشک از قطار پیاده شدیم و با ماشین به طرف اهواز حرکت کردیم. به خاطر احتمال حملهٔ هواپیماهای عراق به قطار، درست نبود که روز در قطار باشیم.

مصاحبه سید مهدی را از رادیوی ماشین گوش دادیم. چیزهایی در مورد بیت و مدارس و کتابخانه سیاسی ایشان گفت که به نفع آیت‌الله منتظری نبود[1]. قرار نبود این قسمت‌ها پخش شود[2].

ساعت نه ونیم صبح به اهواز رسیدیم و در محل ساختمان گلف مستقر شدیم. تا ظهر به گزارش‌های مربوط به نیروهای شرکت کننده در عملیات آینده و وضع امداد و درمان و بیمارستان‌های صحرایی پرداختیم. آقای [حسین] علایی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] هم راجع به آمادگی سایت موشک انداز ساحل به دریا گفت و قرار شد به اسکله البکر و ام‌القصر و کشتی‌ها زده شود.

عصر جلسه‌ای برای شنیدن گزارش فرماندهان لشکرهای عمل کننده داشتیم. جلسه تا ساعت یازده ونیم شب جلسه طول کشید و سپس تا دوازده دربارهٔ توپخانه‌ها بحث شد. سپاه انتظار دارد قبضه‌های بیشتری توپ از ارتش تحویل آن شود. ساعت دوازده اخبار را گرفتم و خوابیدم.

در طول روز، چند بار وضعیت قرمز اعلان شد و رادیو اهواز اعلان وضع غیر عادی کرد و توپخانه‌های ضد هوایی کار کردند. این وضعیت برای مردم اهواز عادی شده است.

دکتر روحانی برای تمشیت امور پدافند به ستاد پشتیبانی جنگ رفت. گزارش مانور عملیات رزمندگان سپاه، هیجان انگیز و امیدوار کننده است. بیش از ۲۰۰ گردان نیرو از حدود ۲۵ واحد سپاهی در عملیات شرکت می‌کنند. از لحاظ وسایل انتقال نیرو و امکانات ترابری سنگین در مضیقه‌اند. در پایان جلسه برای فرماندهان لشکر، صحبت کوتاهی کردم.

پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۶۵ | ۸ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 11 Decem ۱۹۸۶

هنگام اذان صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. آقای محسن رضایی آمد و درباره عملیات فریب و

---

۱ ـ دفتر آیت‌الله منتظری با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: "آیت‌الله‌العظمی منتظری درمورد آقای سید مهدی هاشمی در دفتر اینجانب و در مدارس مربوط به اینجانب و اداره و برنامه‌های آنها به هیچ نحو دخالت نداشته و اظهارات ایشان نسبت به دو موضوع فوق جدا تکذیب می‌شود". ۲ ـ برای مطالعه متن کامل اعترافات سید مهدی هاشمی، به بخش ضمایم همین کتاب مراجعه کنید.

استفاده از قرارگاه ابوالفضل(س) مذاکره کردیم و با رسیدن دکتر روحانی درباره پدافند و ضدهوایی‌ها بحث شد. سپاه می‌خواهد که [پدافند] تحت امر نیروی هوایی سپاه قرار گیرد. دکتر روحانی رضایت ندارد. قرار شد تحت امر [قرارگاه] خاتم یک باشند. این گونه اختلافات وقت‌گیر و اعصاب خردکن، زیاد است.

ساعت هشت و نیم با اتومبیل به طرف بوشهر حرکت کردیم. از شهرهای ماهشهر، دیلم و بندر گناوه گذشتیم. تقریباً در تمام مسیر آثار سیل زدگی بود. در رامشیر بیشتر از جاهای دیگر، به جاده‌ها، پلها و مزارع آسیب رسیده و سیل خیلی وسیع بوده است[1]. نماز ظهر را در مسجد گناوه خواندیم و ساعت سه ونیم وارد پایگاه هوایی بوشهر شدیم. برای ردگم کردن و اغفال دشمن، قرار شده به کیش و بندرعباس برویم.

هواپیمای ۷۰۷ تانکر نیروی هوایی از تهران آمده بود. فاطی، فائزه و بچه‌هایشان و خانوادهٔ دائی‌شان هم آمده بودند. به سوی جزیره کیش پرواز کردیم و ناهار را در هواپیما خوردیم. ساعت چهارونیم وارد کیش شدیم. استقبال رسمی انجام شد و مصاحبه مختصری کردم و به ویلای اقامتگاه آمدم. نماز مغرب و عشاء را خواندم و خاطرات امروز را نوشتم.

با مسئولان جزیره کیش و استان هرمزگان در هتل [شایان] جلسه داشتیم[2]. توضیحاتی دربارهٔ فعالیت‌های جدید سازمان عمران کیش شنیدیم. استاندار و بعضی از مقامات دیگر استان موافقت ندارند و با هم اختلاف نظر دارند.

در مذاکرات هم بین آقای [حمید]میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر و مسئول [سازمان عمران] کیش با آقای تاجیک استاندار هرمزگان، برخوردهای لفظی هم پیش آمد. در مجموع حق با میرزاده است. شام در هتل صرف شد. دیر وقت خوابیدم.

---

۱ ـ در دهه اول آذر ۶۵ بر اثر بارندگی‌های شدید، در استان‌های جنوبی کشور از جمله خوزستان، بوشهر، شیراز و یزد جاری شدن سیل موجب وارد آمدن خسارات فراوان به منازل مسکونی به ویژه در روستاها و قطع جاده‌های ارتباطی و از بین رفتن اراضی کشاورزی گردید.

۲ ـ در این جلسه آقای میرزاده در گزارشی از فعالیت‌های عمرانی جزیره کیش گفت: "برنامه‌های توسعه این جزیره، در راستای حرکت‌های ملی کشور و با هدف ارتقاء سطح درآمد افراد بومی جزیره کیش انجام گرفته است. بر اساس مصوبه هیأت دولت در زمینه صادرات و واردات کالا در این جزیره، کلیه کالاهای مجاز و مجاز مشروط و مربوط به لیست کالاهای انتقال ارز و کالاهای وارداتی در مقابل صادرات، می‌توانند بدون پرداخت سود بازرگانی، حقوق و عوارض گمرکی به جزیره وارد و از آن خارج شود. هر مسافرکه وارد کیش می‌شود، می‌تواند تا پنج هزار تومان کالا از جزیره خارج نماید". در ادامه جلسه آقای هاشمی با تأیید فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی انجام شده در جزیره کیش، به همکاری هر چه بیشتر مسئولان اجرایی در جهت پیشبرد این برنامه اشاره کرد و گفت: "اجرای این طرح ملی به نفع جمهوری اسلامی ایران و کل منطقه است و ما با تقویت امر صید و صیادی در منطقه و حمایت از بومیان جزیره، می‌توانیم الگوی مصرف کشور را به سوی استفاده از فراورده‌های پروتئینی سوق دهیم و باعث ایجاد اشتغال شویم".

جمعه ۲۱ آذر ۱۳۶۵ | ۹ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 12 Decem ۱۹۸٦

از صبح تا ظهر، مراکزی از جزیره کیش را بازدید کردیم. ساختمان‌های در حال تکمیل، اسکله جدید، کنسرو سازی، نمایشگاه صنایع دریایی و آکواریوم که چهل نوع ماهی را نمایش می‌داد، نمایشگاه صدفها و کارگاه پرورش مروارید مصنوعی که جالب بود.

اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس هم که برای بررسی برنامۀ بندر آزاد و گمرک آمده بودند، رسیدند. ظهر برای ارتشی‌ها سخنرانی کردم[1]. عصر ساعت چهارونیم با هواپیما به طرف بندرعباس حرکت کردیم. مغرب رسیدیم. استقبال رسمی و وسیع بود.

شب در محل مهمانسرای استانداری با علما دیدار داشتیم. سپس در سالن استانداری، مسئولان اداری، نیازها و مشکلات را گفتند و استمداد نمودند[2]. شب در مهمانسرا شام خوردیم و خوابیدیم.

شنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۵ | ۱۰ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 13 Decem ۱۹۸٦

اول وقت به پادگان نیروی دریایی رفتیم. در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح و نظامی و انتظامی شرکت کردیم. برای آنها سخنرانی کردم[3]. به کارخانه‌های صنایع نظامی نیروی دریایی رفتم. از حوضچه‌های ثابت و شناور نیرو که برای تعمیر کشتی‌ها ساخته شده، بازدید کردم.

نمایندگان همراه، به بازدید از کارخانه‌ها گمارده شدند و من با چند نفر به دیدن موشک‌های ساحل به دریا -که به تازگی از چین خریده‌ایم- رفتم. تعداد ۴۸ نفر از نیروی دریایی، آموزش ناقصی

---

۱ ـ آقای هاشمی در اجتماع پرسنل پایگاه هوایی کیش در ارتباط با موقعیت جمهوری اسلامی ایران، اهمیت اقتصادی - سیاسی خلیج‌فارس و تداوم پیروزی‌های رزمندگان اسلام سخنانی ایراد کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هم اینک تنها در جزیره کیش بر اساس گزارش‌های واصله دوازده هزار تن ماهی صید می‌شود و از منابع عظیم خلیج‌فارس، بهره‌برداری‌های مطلوبی با توجه به وضعیت آب و هوایی آن به عمل می‌آید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ آقای هاشمی در این جلسه گفت: "استان هرمزگان به خاطر موقعیت ویژه‌اش در کشور مهم است و نقش اساسی دارد و لزوم اینکه باید به چنین منطقه‌ای رسیدگی بیشتری شود، کاملاً روشن است.

۳ ـ مراسم صبحگاه مشترک نیروهای نظامی در محل میدان صبحگاه منطقه یکم دریایی بندرعباس برگزار شد. آقای هاشمی در سخنرانی خود با محکوم کردن عملیات مانور اخیر نیروهای عمان و انگلیس در خلیج‌فارس گفت: "ما امروز انتظار داریم که شما دلاوران آخرین برگ پیروزی کتاب قطور پیروزمندی‌های ایران را ارائه کنید و منطقه را از شر جنگ تحمیلی با نصرت نهایی خلاص کنید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

دیده‌اند و مشغول تمرین و سوار کردن بودند. دوسه ساعت برای ما توضیح دادند. اشکالاتی دارند. نواقصی در ابزار تحویل شده وجود دارد که باید از چینی‌ها بخواهیم آن را تکمیل کنند. از موشکهای سی کیلر[۱] هم بازدید کردیم.

ناهار در ستاد پادگان نیروی دریایی بودیم. نماینده‌ها نرسیدند. نگران وضع آنها بودیم. استانداری خوب از آنها پذیرائی نکرده. عصر در مسجد شهر در اجتماع مردم بندرعباس سخنرانی کردم[۲]. شب مهمان سپاه بودیم و برای آنها سخنرانی کردم[۳]. فاطی، فائزه و خانواده حسین آقا [مرعشی] در خانه‌ای در مجاورت ما منزل گرفته‌اند. جداگانه مشغولند و در برنامه‌های ما نیستند.

احمدآقا تلفنی از تهران احوالپرسی کرد. گفت آیت‌الله منتظری از پخش مصاحبه سید مهدی گله‌مند شده[۴]. خبر رسید عراق به حومهٔ تهران حمله کرده و پست برق و سایت [پرتاب موشک] سام

---

۱ ـ این موشک ایتالیایی از نوع تاکتیکی سطح به سطح است که در سال ۱۹۶۵ توسعه یافت. سی کیلر به وسیله موتور کمکی پرتاب می‌شود. به این جهت می‌توان گفت نیروی روانه‌سازی موشک مربوط به دو راکت موتور است که با سوخت جامد کار می‌کند و موتور اصلی آن با سوخت مایع کار می‌کند. موشک از روی پرتابگرهای ثابت روی عرشه کشتی پرتاب می‌شود. برای هدایت موشک از هدایت سوار بر موج به اضافه ارتفاع سنج راداری استفاده می‌شود. از طریق لینک رادیویی هم می‌توان برای هدایت موشک استفاده نمود. کشتی‌های کلاس فری گیت نیروی دریایی جمهوری اسلامی مجهز به این موشک می‌باشند.

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هم اکنون پرده نمایش جدیدی در برخوردهای بین‌المللی به وجود آمده که تا حدودی تازگی دارد و آن این است که استکبار با چهره‌ای ظاهر فریب به ما می‌نگرد و حال آنکه می‌دانیم در پشت این چهره، دل‌های پر از بغض و کینه نسبت به اسلام وجود دارد. تحلیل گران جدی دنیا در همین حال که نمی‌خواهند به ما روحیه زیادی بدهند، اذعان می‌کنند که طی ماه‌های آینده ما پیروزیم ولی ما این را می‌گوئیم که تنها صدام نیست که شکست خورده بلکه مدعی هستیم کفر را شکست داده‌ایم. هم‌اکنون عراق بالغ بر ۹۰ میلیارد دلار به دولت‌های استکباری مقروض است و دیگر هیچ‌کس در جهان حاضر نخواهد شد پولی به این کشور بپردازد، لذا جهان خواران در تلاشند، برنامه جدیدی را به اجراگذارند و حرکت اخیر آمریکا نیز شروع همین برنامه است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در این سخنرانی روند تشکیل و تقویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشریح شد. آقای هاشمی در بخشی از این سخنرانی درباره رشد معنوی و نظامی سپاه گفت: "حرکت سپاه پاسداران از اول انقلاب تاکنون به صورت تکاملی بوده و امروز نسبت به گذشته سپاه ما در اوج این روند قرار دارد. سپاه بازوی قدرتمند انقلاب و پیرو راستین پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)، است. یکی از ویژگی‌های سپاه این است که از اول پیروزی انقلاب اسلامی، بچه‌های خالص و مخلص در آن حضور داشتند و اینها برای جانفشانی آماده بودند و امروز کسی که وارد سپاه می‌شود، اول آمادگی از خودگذشتگی پیدا می‌کند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۴ ـ آیت‌الله منتظری روز دوشنبه نامه‌ای به امام خمینی (ره) نوشت: متن نامه چنین است: بسم‌الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله‌العالی، ضمن سلام و تشکر از موضع‌گیری‌های مدبرانه و برخورد قاطع حضرتعالی نسبت به جریانات انحرافی، خواهشمندم دستور فرمائید که جرائم و اتهامات سید مهدی هاشمی و افراد مربوط به وی، بدون اغماض و باکمال دقت مطابق موازین اسلامی «ولو بلغ مابلغ» رسیدگی شود و مبادا ارتباط سببی ایشان و یا دیگران با اینجانب و یا هرکس و یا رعایت حرمت این و آن، مانع تحقیق و رسیدگی گردد زیرا حفظ حرمت اسلام و جلوگیری از انحرافات از دامن اسلام عزیز و انقلاب مقدس و روحانیت بر همه جهات مقدم است. سلامت و طول عمر حضرتعالی و پیروزی رزمندگان مسلمان را در همه جبهه‌ها از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته - حسینعلی منتظری - ۲۴ آذرماه ۱۳۶۵".

آسیب دیده و گویا یک مامور لیبی شهید شده است.

یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۶۵ | ۱۱ ربیع الاخر ۱۴۰۶ | ۱۴ Decem ۱۹۸۶

سحر بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. خاطرات دو روز گذشته را نوشتم. برای حرکت به دریا برای شرکت در مانور نیروی دریایی آماده شدم. به مرکز هواناو رفتیم. باند جدید را افتتاح نمودم.

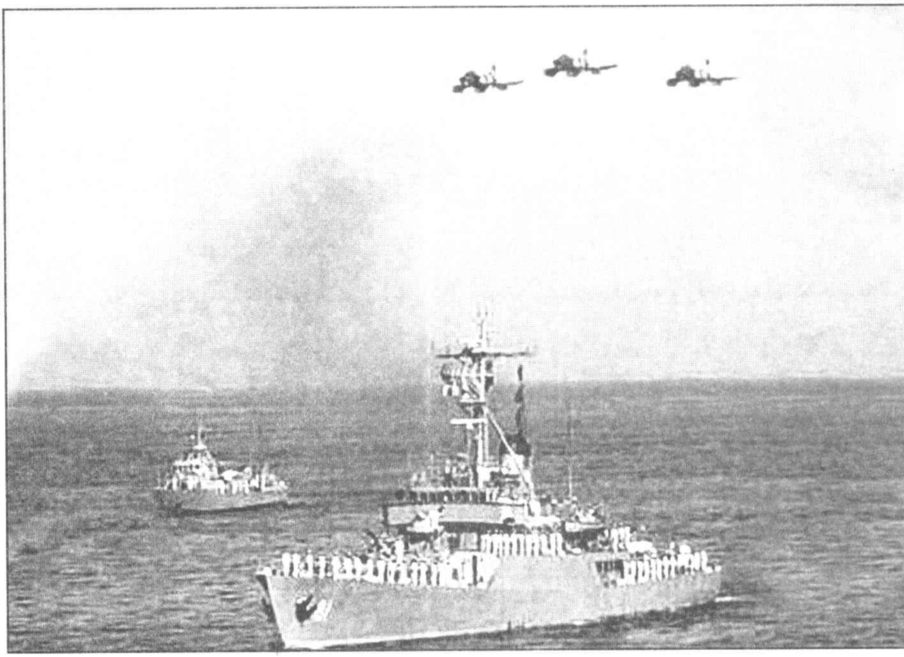
سپس با چند هلی‌کوپتر برای شرکت در مانور به «ذوالفقار» سواحل جاسک در دریای عمان رفتیم. صدای هلی‌کوپتر خیلی زیاد و ناراحت کننده بود. در فضای جزیره لارک گشتی زدیم. روی عرشه ناو لجستیکی خارک، هلی‌کوپترها به زمین نشستند. استقبال رسمی و نظامی به عمل آمد. سپس به ناو سبلان که کنار جزیره خارک پهلو گرفته بود، منتقل شدیم. در آنجا هم کارکنان کشتی استقبال رسمی کردند. تکرار این گونه مراسم خسته کننده است.

در دفتر فرمانده ناو مانور را توضیح دادند. اولین حرکت، رژهٔ ناوچه‌ها از مقابل ناوشکن مابود. از اینکه توانسته‌اند ناوها را عملیاتی نگه دارند، خوشحال بودند. ناوهای دماوند، پلنگ، ببر، دماوند، سبلان، سهند، هنگام، لاوان، خارک، چارک و ... موشک اندازها و سوخت رسانها و هوا ناوها و هلی‌کوپترها در رژه شرکت داشتند. سپس تیراندازی با توپخانه‌ها و خمپاره‌ها و موشک‌ها به هدف انجام شد که موفق نبودند. فقط در حد عملیاتی بودن خوشحال کننده بود. هلی‌کوپترها هم نتوانستند موشک به هدف بزنند. درجه داران ناو، از افسران شاکی بودند. در مجموع نواقص، و نقاط قوتی نیز داشتند[1].

در راه برگشت، از هلی‌کوپتر سایت موشک ساحل به دریای سپاه را در سیری یک دیدیم؛ جای خوبی است. در این سایت شرق تنگه هرمز را کنترل می‌کنند. اول شب به فرودگاه بندرعباس رسیدیم. باز هم بدرقه رسمی و نظامی بود. معلوم شد عده‌ای از همراهان نرسیده‌اند. یکی از هلی‌کوپترها به بهانهٔ نقص فنی آنها را نیاورده و با هاور کرافت حرکت کرده بودند. چهار ساعت در فرودگاه به انتظار

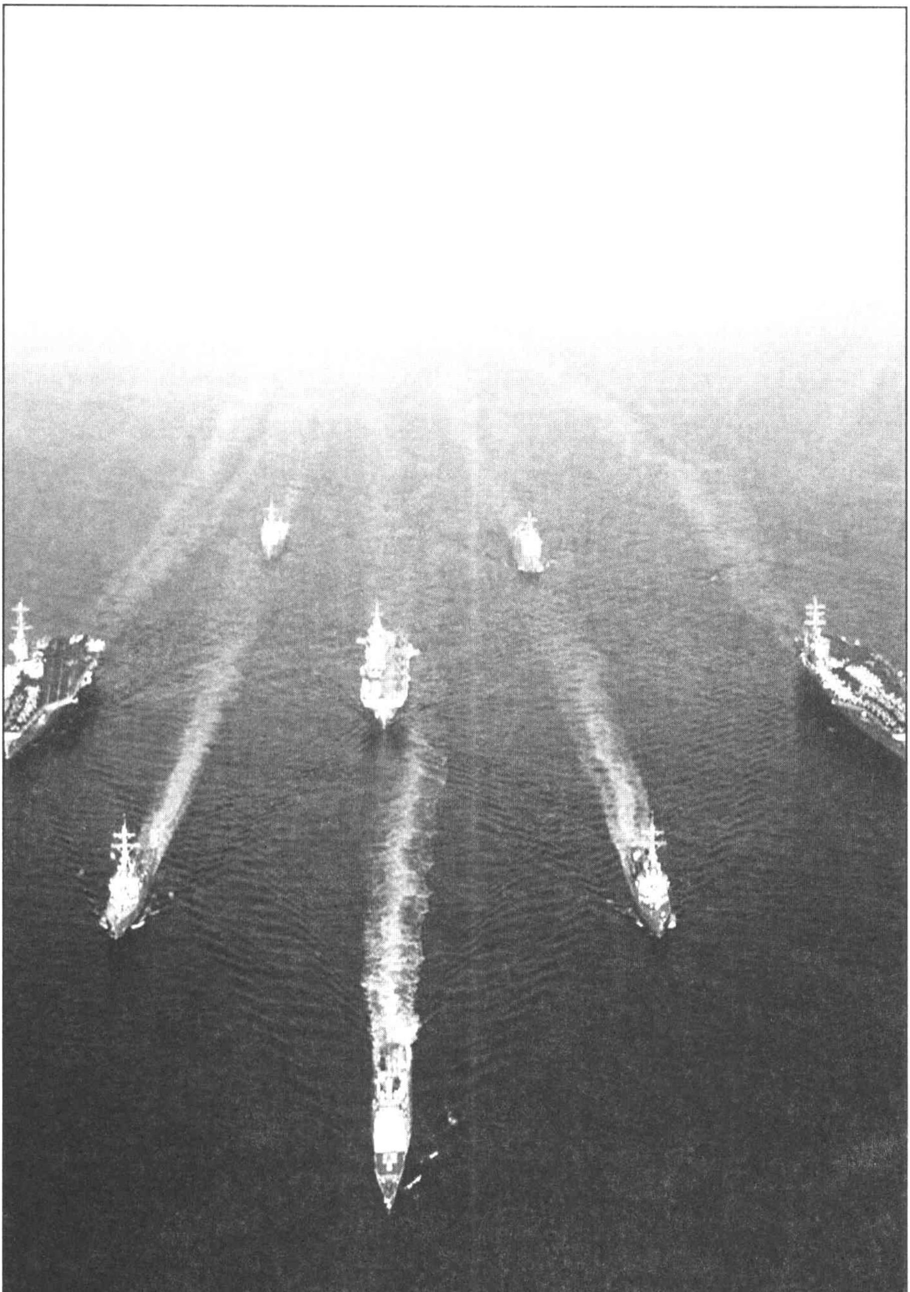
---

۱ ـ آقای هاشمی در خاتمه مرحله سوم مانور ذوالفقار بر روی ناوشکن سبلان به خبرنگاران گفت: "آن چیزی که در این مانور من دنبال آن بودم، یکی از لحاظ زمان مانور بود که مناسب‌ترین زمان انتخاب شد. یعنی بعد از مانوری که با نام "شمشیر برّان" انگلیسی‌ها و عمانی‌ها انجام دادند که در حقیقت مانور انگلیسی‌ها بود، بجا بود که ایران خودش را نشان دهد و با یک اسمی که برّان‌تر از شمشیر باشد، ذوالفقار را انتخاب کردند و مانور را انجام دادند و بعد از آنها هم مخصوصاً انجام دادند. ما هم آمدیم برای اینکه علامتی باشد برای آنها که به فکر بازگشت به این منطقه نباشند. آنچه که من در اینجا مشاهده کردم که برای من جالب بود، این بود که تقریباً نزدیک به تمام امکانات نیروی دریای ما عملیاتی بود، ناوهایمان در همه کلاسهایشان، موشک‌اندازها، ناوهای نیروبر، ناوهای رزمی، ناوهای سنگین، متوسط و سبک همه عملیاتی بودند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



صحنه ای از مانور دریایی ذولفقار در خلیج فارس





صحنه ای از مانور دریایی ذولفقار در خلیج فارس

آنها ماندیم. خسته و عصبانی بودم و مسئولان نظامی شرمنده. ساعت دوازده شب به تهران رسیدیم. بعد از ساعت یک بامداد خوابیدم. فاطی و فائزه، نیم ساعت بعد از من به خانه رسیدند.

دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۶۵ | ۱۲ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 15 Decem ۱۹۸۶

تا ساعت نه صبح در منزل بودم. به مجلس آمدم. تا عصر بیشتر به قرائت گزارش‌های چند روز سفرم پرداختم و کارهای عقب مانده را انجام دادم.

ظهر آقای رفیق‌دوست، برای حل مشکل ارزی خرید تسلیحات آمد. آقای علیزاده گزارش وضع ساخت مهمات را داد. آقای سبحانی امکاناتی از وزارت صنایع، برای توسعه ساخت نیازهای جنگ خواست. عصر سرهنگ جمالی برای گزارش عملیات آینده ارتش آمد، ولی معلوم شد پیشرفتی نداشته‌اند. شناسائی آنها ناقص است.

شب در مجلس ماندم و کارها را انجام دادم. احمدآقا تلفن کرد و گفت نظر وزارت [اطلاعات] این است که آسید هادی [هاشمی] را بگیرند. گفتم درست نیست، اکنون که آقای منتظری حرکت خوبی کرده‌اند، دیگر ایشان را برنجانیم و احتمالا برای حفظ آقای سید هادی این اقدام شده و ممکن است نتیجه مذاکرات چند روز پیش من باشد[1].

نیازهای جنگ را مورد بررسی و اقدام قرار دادم. آقای رضایی اطلاع داد کارها به خوبی پیش می‌رود و گزارش شلیک اولین موشک چینی ساحل به دریا را داد. اگر خوب انجام شده باشد، دلیل این است که سپاه در انجام امور فنی هم موفق است. نیروی دریایی، هنوز تا عملیاتی کردن سایت خود فاصله دارد.

سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۵ | ۱۳ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 16 Decem ۱۹۸۶

تا ساعت ده ونیم در جلسهٔ علنی ماندم. پیش از ظهر دکتر هادی و [عبدالله] نوری آمدند و درباره مسائل بیت آیت‌الله منتظری بحث داشتند. از نامه‌ای که آقای منتظری و آقا سید هادی به امام نوشته‌اند و ابراز اطاعت و رضایت کرده‌اند، راضی بودند و پیشنهاد رفتن سید هادی از بیت و جبران ضربه‌ای که

---

۱ ـ اشاره به نامه آقای منتظری خطاب به حضرت امام (ره) که در پاورقی خاطرات شنبه ۲۲ آذر آمده است.

به آقای منتظری از سوی امام وارد شده را داشتند.

خانم [عاتقه صدیقی همسر شهید] رجائی آمد. تأکید بر حضور یک نماینده زن در هیأت بین‌المجالس داشت. عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. سرشب با آقای خامنه‌ای درباره جنگ مذاکره کردیم.

شب شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. کار بیشتر در جهت کمک به سیل زدگان و پیشنهاد تهیه منازل برای خوابگاه دانشجویان توسط مساجد تهران تصویب شد. بعد از شام به مجلس آمدم. کارهای عقب مانده را انجام دادم و خوابیدم.

چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۵ | ۱۴ ربیع الاخر ۱۴۰۶   ۱۷ Decem ۱۹۸۶

تا ساعت نه صبح مطالعه کردم. مسئولان شورای برگزاری [ستاد خارجی] مراسم دهه فجر آمدند. گزارش برنامه را دادند و من هم نظراتی دادم[1]. دکتر جاسبی آمد. گزارش وضع دانشگاه آزاد اسلامی را داد و مشکلات را گفت.

[اعضای] شورای برگزاری کنفرانس معارضان عراقی آمدند. گزارش وضع کار، برنامه، مشکلات و نیازها را دادند. به خاطر مخالفت بعضی از جریان‌های داخلی اسلامی، حزب کمونیست عراق را دعوت نکرده‌اند. گفتم این ممکن است باعث سرسختی شوروی و کشورهای کمونیستی در حمایت از بعث عراق و ایجاد مشکل در راه پیروزی جنگ بشود. بهتر است دعوت شوند و توصیه

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "مسائلی که اکنون در دنیا در مورد آمریکایی‌ها، غربی‌ها و شرقی‌ها مطرح است، موضوعاتی است که باید درباره آن بررسی شود. شما محورهای جزیی‌تر را پیدا کنید و مدارکی جمع کنید. اکنون، وضع دنیا در این جهت است و غربی‌ها در این خط حرکت می‌کنند که فکر می‌کنند ما پیروزیم و به عنوان یک قدرت در منطقه وجود داریم. آنها می‌خواهند به گونه‌ای برخورد کنند که نگویند علیرغم کارشکنی هایی که قدرت‌های بزرگ کرده‌اند، ما پیروز شده‌ایم. محورهای تبلیغات آنها به طور غیرمستقیم همین است. ما به نحوی توانستیم از آن انزوایی که آنها برای ما می‌خواستند ایجاد کنند، خارج شویم و توانستیم همه دنیای مخالف خودمان را شکست دهیم. در «دهه فجر» باید فصل بندی لازم به عمل آید و رگبار تبلیغاتی چنان باشد که این انقلاب با ویژگی هایی که دارد، پایان‌ناپذیر و آسیب‌ناپذیر شود. ما، نقطه اصلی رمز موفقیت‌های مان را باید در اسلام ببینیم. تفاوتی که در ایران و آمریکا، در برخورد با مسأله «مک‌فارلین» پیش آمد، خیلی گویاست و نقطه روشنی را نشان می‌دهد. در ایران هم تردیدهایی بود و جریان‌هایی بود که می‌خواستند سوءاستفاده کنند و کار را به بحران بکشانند. اصل حادثه هم این بود که شاید آمریکایی‌ها و روس‌ها را در وضعیت انتقال قدرت می‌دیدند و فکر می‌کردند که بهترین وسیله همین است که اینجا درگیری ایجاد کنند، بحران به وجود آورند و انسجام ما را متلاشی کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

کردم که سعی شود در کنفرانس درگیری به وجود نیاید[1].

آقای [سیدحسین] موسویان آمد. گزارش وضع اداری مجلس را داد و از کم بودن مسئولیت منشی‌های کمیسیون‌های مجلس گفت که لازم است وقت خالی آنها را پر کنیم. عصر هیأت رئیسه جلسه داشت و مطابق معمول، دستور کار هفته آینده مجلس معین شد.

شب سران قوا مهمان احمدآقا بودیم. امام هم شرکت فرمودند. تقاضای رادیو ای . بی . سی (A.B.C) آمریکا برای مصاحبه زنده و مستقیم با من مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت. امام موافقت کردند که در صورت تقاضای سودان برای حل مشکل جنگ داخلی‌اش در جنوب، کمک نظامی کنیم.

شرح ملاقات با آیت‌الله منتظری را دادم. خواستم که از بازداشت سید هادی [هاشمی] صرف نظر شود[2]. از ما خواستند که برای کنترل ایشان، بیشتر به ایشان نزدیک شویم. امام از تأخیر عملیات گله کردند و گفتند ممکن است کار سیاسی می‌کنند و می‌خواهند چیزهای بیشتری از جنگ بگیرند. گفتم واحدها اصرار دارند که قبل از عملیات، به اندازه کافی نیازها را تامین کنند.

قرار شد در منزل آقای خامنه‌ای با صادق المهدی [نخست وزیر سودان]، جلسه شام خصوصی داشته باشیم. امام در مورد رسیدگی بیشتر به سیل زده‌ها تاکید کردند. نخست وزیر اطلاع داد که در حملهٔ هوایی امروز عراق، تلمبه خانهٔ تنگه فنی آسیب دیده و پمپاژ نفت به پالایشگاه تهران و تبریز کم شده است.

پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۶۵ | ۱۵ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — ۱۸ Decem ۱۹۸۶

تا ساعت نه ونیم صبح در جلسه ماندم و سپس در دفترم با آقایان دکتر هادی درباره مسائل بیت آقای

---

۱ - در این دیدار که اعضای ستاد برگزار کننده کنفرانس همیاری مردم عراق حضور داشتند، آقای هاشمی با توجه به شرکت تمامی گروه‌های مخالف عراقی در این کنفرانس، بر جامعیت کنفرانس تأکید کرد و گفت: "گروه‌های عراقی محورهای همکاری را تعیین کنند و اعضای کنفرانس وحدت و انسجام هر چه بیشتر حضور مردم مسلمان را به طور جدی در نظر داشته باشند و توجه کنند، آنچه در انقلابات و جریان‌ها قابل توجه است حضور یکپارچه مردم و حاکمیت آنهاست. استقلال و تمامیت ارضی عراق در همین راستا از مهم‌ترین مسائل است که باید توجه دقیقی به آن شود و برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه به ترتیب منظمی صورت پذیرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - در این روز سعید منتظری فرزند آیت‌الله منتظری و سید هادی هاشمی داماد ایشان، طی اطلاعیه‌ای داشتن هرگونه ارتباط فکری و همکاری عملی و تشکیلاتی با سید مهدی هاشمی را تکذیب کردند. در این اطلاعیه "توطئه مرموز ایادی شیاطین خارجی و رادیوهای بیگانه و شکست خوردگان فراری که پیوسته تلاش می‌کنند از ارتباط سببی سید مهدی هاشمی با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در جهت مقاصد شوم خود بهره‌برداری سیاسی نمایند"، محکوم شده است.

منتظری صحبت شد. یوسف پور و شهاب نمونهٔ عکس‌های ماهواره‌ای تجارتی از عراق را آوردند. برای خرید نقشه کامل عراق بودجه خواستند.

ظهر آقای [محمدجواد] لاریجانی [معاون بین‌الملل وزارت امور خارجه] آمد. گزارش سفر به پاکستان را داد و درباره مسائل افغانستان، کویت و آمریکا مشورت کرد. یکی از فرماندهان سپاه ـ که پایش در جنگ قطع شده ـ آمد. از دوستان [پسرم] مهدی است. به او کمک کردم.

عصر آقای منصوری همراه با ذوفن آمدند و درباره مهاجران ایرانی به سایر کشورها صحبت کردند. پیشنهاد محبت و برخورد سازنده داشتند. موافقت کردم. حدود یک میلیون ودویست هزار نفر ایرانی در خارج است. خطرهای مهاجران افغانی به ایران را نیز گفتند.

مسئولان مدارس مهاجران عراقی در ایران آمدند. تقاضا داشتند که انشای شاگردان به زبان عربی باشد که آنها بتوانند نمره بیاورند. نظر دادم که تا پایان جنگ خوب است. اول شب [آقای صادق المهدی] نخست وزیر سودان و همراهان به ملاقات آمدند. بحث‌های کلی و در حدود لزوم همکاری و تحکیم روابط داشتند. تا ساعت هشت ونیم در دفترم کار کردم.

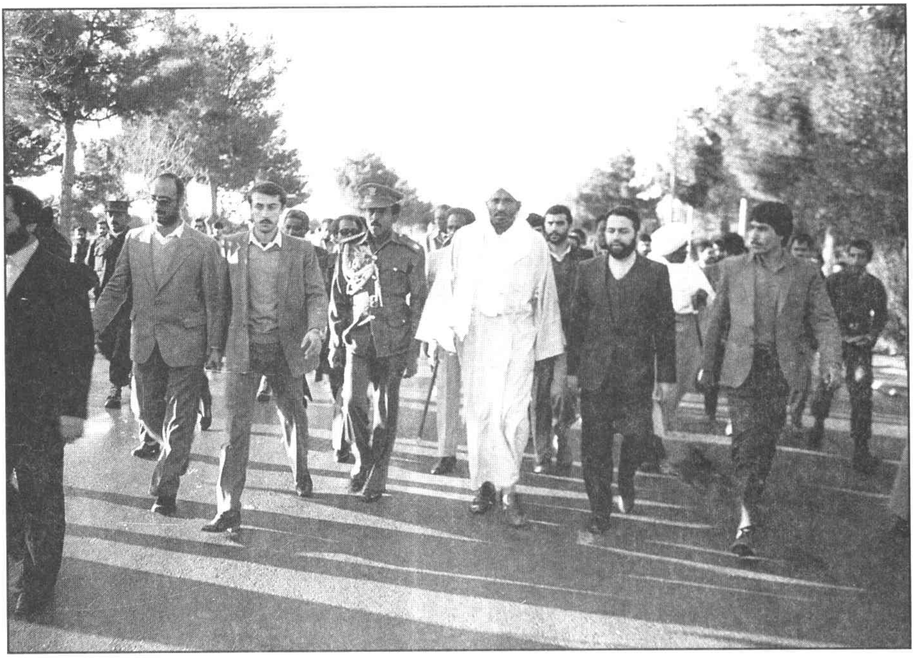
به آقای [غلامرضا] شافعی وزیر صنایع گفتم که به سپاه امکانات برای مسائل جنگ بدهد. آقامحمدی آمد و نامه جلال طالبانی [رهبر اتحاد میهنی کردستان عراق] را آورد که حامل پیغامی از [عبدالرحمن]قاسملو [رهبر حزب دموکرات کردستان ایران] مبنی بر آمادگی ترک مخاصمه با ایران بود.

جمعه ۲۸ آذر ۱۳۶۵ | ۱۶ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 19 Decem ۱۹۸۶

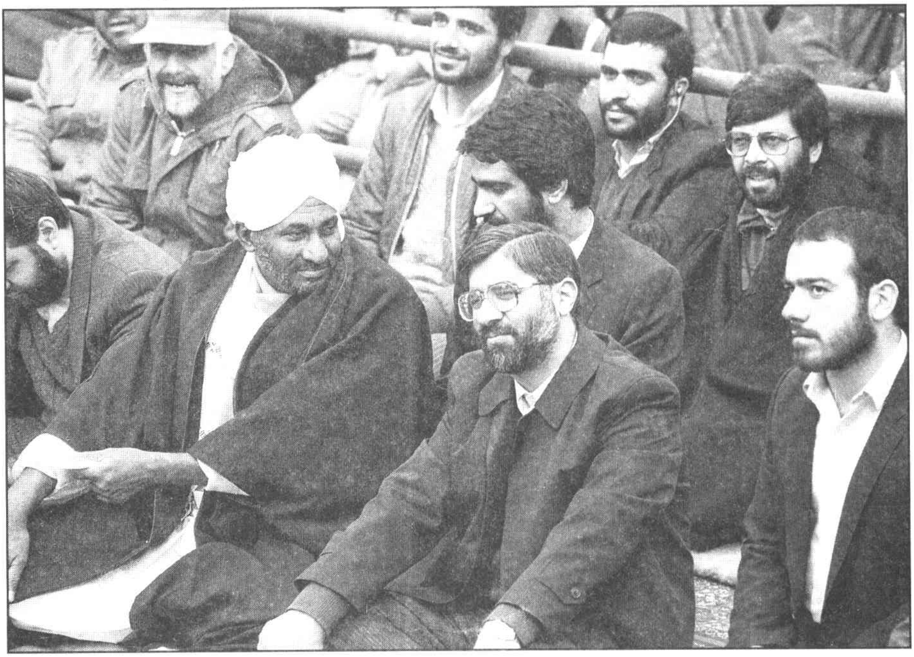
برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. آقای صادق المهدی نخست وزیر سودان که در نماز شرکت کرده بود، در بین دو نماز سخنان کوتاهی ایراد کرد.

---

۱ ـ آقای هاشمی در خطبه اول، در ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام به حقوق زن و مرد و مسأله طلاق در اسلام پرداخت و آثار شوم طلاق در جامعه و زندگی انسان‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. ایشان در خاتمه این بحث تأکید کرد: "تقوا سبب استحکام خانواده‌هاست و آنها را از لغزش‌ها حفظ می‌نماید." در خطبه دوم نیز موضوعات خسارات سیل، کنفرانس مبارزان عراقی در تهران، مسأله نفت و اوپک و تبلیغات وسیع رسانه‌ای درباره ماجرای مک‌فارلین و تحلیل درماندگی و بحران فزاینده در کاخ سفید مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخشی از خطبه دوم نماز آمده است: "حرف ما به آمریکا که تاکنون چند بار اعلام شده، این است که آمریکا اموال ما را که به طور غیرقانونی توقیف کرده است، آزاد کند. در صورتی که آمریکا چنین کاری را انجام دهد، ما نیز از اعتبار و آبروی خود در نزد شیعیان لبنان برای آزادی گروگان‌های آمریکایی استفاده خواهیم کرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



میرحسین موسوی نخست وزیر در کنار صادق المهدی در نماز جمعه تهران



عصر به مجلس آمدم. آقای مهدی‌نژاد آمد و گزارش مذاکره با مأموران آمریکایی را پیرو مبادلهٔ گروگان‌های آمریکایی داد. کار را به وزارت خارجه محول کرده و افراد سابق را خلع نموده‌اند. اختلاف عمیقی بین سردمداران آمریکا بروز کرده است. نمی‌توانند طرح سابق را اجرا کنند. وقت‌گذرانی می‌کنند که ارتباط قطع نشود. برخورد از موضع ضعف دارند.

شب سران قوا و آقای صادق المهدی، [شام را] مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم. [نخست وزیر سودان] توضیحاتی از وضع کشور سودان داد. درباره جنگ قرار شد روی تشکیل دادگاه محاکمه صدام به عنوان متجاوز و مسئول شروع جنگ کار کنند. برای روابط دوجانبه، قرار شد کمیسیون ویژه تشکیل دهیم. دیر وقت به خانه رسیدم.

شنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۵ | ۱۷ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — ۲۰ Decem ۱۹۸۶

از دیشب در تهران برف شدیدی می‌بارد. آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد که در خوزستان هم باران می‌بارد. ظاهراً در مجموع به نفع عملیات آینده است. عصر آقای [محمد] یزدی آمد. گزارش مذاکرات با هیأت چینی را داد و با هیأتی که به ریاست [آقای گنگ پیائو] معاون کمیته خلقی چین است، ملاقات و مذاکره شد[1]. بحث‌ها کلیات بود. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم.

آیت‌الله منتظری و آقای سید هادی هاشمی از قم تلفن کردند و از احضار تلفنی هاشمی به وزارت اطلاعات ابراز نگرانی نمودند و از من خواستند جلوگیری کنم. با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. ایشان هم مثل من نظرشان این بود که نباید بازداشت شود و با نظر آقای منتظری ـ که خواستند در صورت لزوم، ماموری اعزام شود که در قم از او بازجوئی کنند ـ موافق بودند.

احمدآقا را خواستم که به امام پیغام بدهیم. هنوز تماس تلفنی برقرار نشده. با آقای ری‌شهری صحبت کردم. نظرش این است که باید موافقت شود. آخر شب با احمدآقا صحبت کردم. قرار شد فردا جواب بدهد.

---

۱ ـ آقای هاشمی در این ملاقات گفت: "ما انتظار داریم کشور شما با سیاست عاقلانه‌ای که برای آینده خود اتخاذ کرده، بتواند تا حدود زیادی میدان را از ابرقدرت‌ها بگیرد و در آینده نقش اساسی خود را در دنیا ایفا نماید و این در صورتی ممکن است که چین ضمن حفظ روابط عادلانه و دوستانه خود با کشورهای جهان سوم و ملت‌ها، مواظب باشد که در روابط خود با ابرقدرت‌های توسعه طلب، دچار وابستگی نشود".



دیدار با هیات چینی



یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۶۵ | ۱۸ ربیع‌الاخر ۱۴۰۶   21 Decem ۱۹۸۶

در نطق پیش از دستور توصیه کردم که اهل نظر، نظرات خود را در مورد آیندهٔ عراق به کنفرانس معارضان بدهند[1]. بیشتر هدفم از صحبت این بود که حضورم در تهران مشخص شود که سفر به جبهه را بپوشانند. تا ساعت ده ونیم در مجلس ماندم.

در تنفس برای خواهران دانشجویان تربیت معلم بروجرد صحبت کردم[2]. مقداری پول که از خرج سفرشان صرفه‌جوئی کرده بودند، برای سیلزدگان دادند. آقای [سعید] رجائی خراسانی [نماینده دایم ایران در سازمان ملل] آمد. از اینکه در جریان تماس‌های آمریکایی‌ها نبوده و بی اطلاع از سیاست ماست، در برخورد با رسانه‌های جمعی غرب ضعیف است. ایشان را روشن کردم.

ظهر آقایان [عباس]متین و [غلامعباس] زائری برای استمداد در مشکلات بندرعباس از جمله امام جمعه و عدم گماردن بومی‌ها در مسئولیت‌ها آمدند.

آقای لطیف صفری [نماینده اسلام‌آباد غرب] آمد. از تبلیغات خط مقابل خودش در منطقه گله داشت. آقای [سیدجلیل] سیدزاده [نماینده کرمانشاه] اطلاع داد که عراق، باختران را امروز ظهر به شدت بمباران کرده و خسارات زیاد است. مقرر شد که بصره را به تلافی باختران و درود، **۲۴** ساعت گلوله باران کنند.

آیت‌الله منتظری از قم تلفنی دربارهٔ نتیجه شفاعت من خدمت امام پرسیدند و گفتند اطلاعات، احضار سید هادی را دنبال می‌کند. گفتند بنا دارند امروز برای زیارت امام به تهران بیایند. گفتم صبر کنند که من امروز به قم بروم و ایشان را در جریان امور بگذارم. خواستم به احمدآقا بگویم، تماس تلفنی ممکن نشد. پیش از این به ایشان گفته بودم که به امام بگویند سخت‌گیری نشود، ولی جوابی نداده است. بالاخره بعد از ظهر احمدآقا اطلاع داد که امام فرموده‌اند دخالت نمی‌کنند و به من گفته‌اند که به آیت‌الله منتظری بگویم، برای شفاعت به تهران نیایند. گفتم صلاح نیست که این پیغام را ببرم. من خودم به قم می‌روم و نظر امام را می‌گویم، شاید خود آقای منتظری از قصد سفر منصرف شوند و

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "بناست در این هفته در جمهوری اسلامی کنفرانس معارضان نظام بعث عفلقی تشکیل بشود. هدف اصلی این کنفرانس تعیین آینده عراق است، به گونه‌ای که خواست مردم عراق است و ما انتظار داریم اولاً از خود عراقی‌ها در هر جا که هستند اگر نظری درباره آینده عراق، قانون اساسی آینده عراق دارند، به این کنفرانس بدهند و از برادران نماینده مجلس و امتمان هم انتظار داریم که با ارائه نظرشان به این کنفرانسی که سرنوشت آینده عراق را باید تنظیم کند و از پیروزی‌های رزمندگان عزیز اسلام، بهره‌برداری قابل قبول بشود، دریغ نکنند و ان‌شاءالله همه ما فعالانه در این امر مهم شرکت بکنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال **۱۳۶۵**، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال **۱۳۶۵**،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷


نماز جمعه
جلوه ای از
ست
عظمت حکومت اسلامی



رزمندگان دلاور اسلام در حال انجام عملیات

نیازی به گفتن پیش نیاید.

عصر عازم خوزستان برای عملیات آینده بودیم. همراهان ساعت چهارونیم با قطار حرکت کردند و من پس از ملاقات با سفرا و کاردارانمان در امارات متحده عربی و بحث درباره سطح روابط و در برخورد با سیاست موذیانه آنها در ارتباط با جنگ و عراق، با اتومبیل به سوی قم حرکت کردم.

ساعت شش ونیم به بیت آقای منتظری رسیدم. منتظرم بودند. نظر انعطاف ناپذیر وزارت اطلاعات درباره مقصر بودن آقای سید هادی، در جریان سید مهدی را گفتم. باز هم از من خواستند که شفاعت کنم. تلفنی به رئیس جمهور گفتم که شفاعت کنند. ساعت هشت با قطار از قم حرکت کردم. شام خوردیم و زود خوابیدم.

دی ۱۳۶۵



دوشنبه ۱ دی ۱۳۶۵ | ۱۹ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — ۲۲ Decem ۱۹۸۶

نماز صبح را در قطار خواندیم و ساعت شش ونیم در اندیمشک پیاده شدیم و به پادگان نیروی زمینی رفتیم. مقداری در کنار رودخانه در پادگان قدم زدم. بعد از صرف صبحانه و شنیدن اخبار صبح برای احتیاط از خطر بمباران، به زیر زمینی بسیار عمیق و وسیع که قبلا انبار کارخانه لاستیک پادگان بوده رفتیم. مرتباً وضعیت قرمز اعلان می‌شود.

فرماندهان نیروی زمینی و اعضای ستاد قرارگاه خاتم در جلسه شرکت کردند. قرارگاه غرب و فرماندهان واحدهای عمل کننده، طرح و مانور عملیات آینده ارتش را گفتند. تا ظهر طول کشید. اواخر جلسه فرماندهان سپاه هم رسیدند. به نظر می‌رسد طرح و مانور معقولی دارند و امید موفقیت برای آن هست. گرچه آقایان [رحیم]صفوی و [غلامعلی] رشید از سپاه، اعتقاد به پیروزی آن ندارند.

عصر به سوی قرارگاه فرماندهی سپاه که در جاده ماهشهر آبادان است، راه افتادیم که درباره عملیات آینده صحبت کنیم. دو روز عقب انداخته‌اند و خطر لو رفتن و هوشیاری دشمن می‌رود. ساعت هشت رسیدیم و تا ساعت یازده شب، جلسه طول کشید. مشکل کار، تنظیم برنامه با شرایط جوی و جزر و مد است.

سپس به سوی پایگاه امیدیه حرکت کردیم و ساعت یک بامداد رسیدیم. به خاطر دو ساعت حرکت با ماشین در جاده‌های شلوغ، خیلی خسته شدیم.

سه‌شنبه ۲ دی ۱۳۶۵ | ۲۰ ربیع الاخر ۱۴۰۶ | 23 Decem ۱۹۸۶

دو سه ساعت خوابیدم. ساعت شش صبح برای نماز بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. خاطرات را نوشتم و به اخبار صبح ایران، آمریکا و انگلیس گوش دادم. هنوز بحران رسوایی آمریکا دوام دارد[1]. تلفنی با آقای خامنه‌ای در تهران صحبت کردم. در مورد مسأله آقای منتظری هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌اند و همچنان بر تعقیب آسید هادی [هاشمی] اصرار دارند.

برای اینکه غیبت من از تهران توجیه شود، قرار شد به بوشهر مسافرت کنیم. نزدیک ظهر با دو هواپیما با جمعی از همراهان به بوشهر آمدیم. استقبال رسمی به عمل آمد و در پایگاه هوایی مستقر شدیم. پس از ناهار با سه هلی‌کوپتر از روستاهای سیل‌زده اطراف پل موند بازدید کردیم. در کنار چادرهای اهالی سیل زده روستای درویشی [در شهرستان دشتی] نشستیم. با اهالی صحبت کردم. از امداد راضی بودند. کمبودهایی هم داشتند. گفتند چهار روز در محاصره سیل مانده‌اند، تا هلی‌کوپترهای نیروی دریایی رسیده‌اند.

شب در محل مصلای نماز جمعه برای مردم سخنرانی کردم[2] و سپس در استانداری با مسئولان شهر و استان صحبت کردم[3]. مسائل مهم بوشهر، کم آبی و فاضلاب است. شب مهمان نیروی هوایی بودیم. اطلاع دادند که امروز شهر باختران به شدت بمباران شده و به جاهای دیگر هم حمله شده

---

۱ ـ در این روز سخنگوی کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا اعلام کرد که این کمیته گزارش بازجویی‌های محرمانه سه هفته‌ای خود را منتشر خواهد ساخت و این در حالی است که «سکورد» ژنرال بازنشسته آمریکایی مورد بازجویی کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا قرار گرفت. از سوی دیگر رابرت مک فارلین در مصاحبه‌ای اعلام کرد وی قبل از آغاز عملیات نزدیک‌سازی آمریکا با ایران، موافقت رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا را به دست آورده بود. اظهارات مک فارلین با آنچه «دونالدریگان» رئیس کارکنان کاخ سفید مبنی بر اینکه رئیس جمهور موافقت خود را با این عملیات اعلام نکرده بود، تضاد دارد. «پویندکستر» مشاور پیشین امنیت ملی و «اولیور نورث» یکی از معاونان او تاکنون از پاسخگویی به سئوالات کمیسیونهای کنگره خودداری کرده‌اند.

۲ ـ آقای هاشمی در این سخنرانی با اشاره به قدرت روزافزون انقلاب اسلامی گفت: "صدام اکنون مستأصل شده است، زیرا می‌داند فرزندان این ملت که رهسپار جبهه‌ها شده‌اند، تا چیزی را که می‌خواهند به دست نیاورند، از جبهه برنخواهند گشت. صدام که دشمن هر دو ملت ایران و عراق است، می‌خواهد ما را به جریانی بکشاند که هر دو ملت ضربه ببینند، البته ما برای بازداشتن او از جنایاتش باید مقابله به مثل کنیم، ولی کار اساسی ما این است که ریشه حزب بعث عراق را از منطقه برکنیم. این جنگ هر قدر هم طول بکشد، محکوم به این است که اسلام پیروز شود و حزب بعث شکست بخورد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ در جلسه شورای اداری استان بوشهر که با حضور امام جمعه، استاندار، فرمانداران، فرماندهان نظامی و انتظامی، مدیران کل و رؤسای ادارات و ارگان‌ها تشکیل شد، آقای هاشمی گفت: "از این نعمتی که برای ما پیش آمده و مسئولیت خدمت کردن به مردم به ما واگذار شده، باید درست استفاده کنیم. این امتیاز یعنی خدمت کردن به اسلام و مردم به راحتی به دست نیامده و ما موظفیم از آن حفاظت کنیم و برای این مسئولیت ارزش قائل شویم. کوتاهی کردن در زمینه این مسئولیت‌ها، ظلم به اسلام، انقلاب و مردم است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷



شب عملیات امید و انتظار در چهره فرماندهان موج می زند

است[۱]. ما هم مقابله به مثل کرده‌ایم. از تأخیر حمله، با توجه به تراکم نیروها و وسعت شرارت عراقی‌ها مردم ناراضی ولی ساکتند.

چهارشنبه ۳ دی ۱۳۶۵ | ۲۱ ربیع الاخر ۱۴۰۶ ۲۴ Decem ۱۹۸۶

بعد از نماز و گرفتن اخبار و صرف صبحانه، عازم میدان مانور پایگاه نیروی هوایی برای شرکت در مراسم صبحگاه نیروهای مسلح شدیم. بعد از مراسم سخنرانی کردم[۲] و از همان جا به اسکله نیروی

---

۱ ـ کرمانشاه در سه نوبت توسط جنگنده‌های نیروی هوایی عراق به شدت بمباران شد و ۶۰ نفر شهید و ۲۷۸ نفر مجروح شدند. اسلام آباد غرب نیز سه نوبت در صبح و بعد از ظهر بمباران شد. در اثر این بمباران که هم‌زمان با بازدید یک هیأت سازمان ملل انجام شد، بیش از ۳۰ نفر به شهادت رسیدند و به چندین واحد مسکونی و تجاری خساراتی وارد شد. در پاسخ به حملات هوایی به کرمانشاه و اسلام آباد غرب، توپخانه ارتش جمهوری اسلامی، شهر بصره را گلوله باران کرد.

۲ ـ صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی استان بوشهر با حضور نماینده امام و امام جمعه بوشهر، استاندار و فرماندهان نیروی هوایی، دریایی و جمعی از مسئولین استان در میدان صبحگاه منطقه دوم دریایی بوشهر برگزار شد. آقای هاشمی در این مراسم خطاب به نیروهای نظامی گفت: "اتحادی که امروز بین نیروهای نظامی مشاهده می‌شود. بسیار امیدوارکننده است. من تأکید می‌کنم که سعی کنید این اتحاد را حفظ و برادری و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دریایی رفتیم. ناوها و ناوچه‌های زیادی پهلو گرفته بودند که با شرایط خطر حمله هوایی، اجتماع این همه کشتی در یک نقطه درست نیست.

از یک ناو جنگی و یک ناوچه کلاس پیکان که مجهز به موشک [زمین به زمین] هارپون[1] است، بازدید کردیم. سپس به کارگاه رفتیم. توضیحی درباره تعمیر جایروسکپ و ساخت اهداف کاذب دریایی، برای انحراف موشک‌های دشمن بازدید کردیم.

سپس به محل [نیروگاه] انرژی اتمی [بوشهر] رفتیم. مسئول آنجا توضیحی درباره وضع کلی داد. عمده کار حفظ وضع موجود است و مایلند اجازه تکمیل بعضی از فازهای کار داده شود. ناهار را در مهمانسرای نیروی هوایی خوردیم و پس از کمی استراحت و مصاحبهٔ تلویزیونی[2] با هواپیما به سوی امیدیه پرواز کردیم. چون خطر داشت، از سطح پائین پرواز می‌کردیم. [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی، خلبانی هواپیما را به عهده داشت.

مغرب به پایگاه رسیدیم. ارتباط با قرارگاه مقدم نداشتیم. معلوم نبود که امشب حمله آغاز می‌شود یا خیر؟ آقای سنجقی را به منطقه فرستادیم. نزدیک ساعت ده خبر دادند که عملیات با نام کربلای چهار آغاز شده است؛ غافلگیر شدیم. فوراً آقای [منصور] ستاری برای انتقال هاک عازم شد و به قرارگاه غرب به نیروی زمینی ارتش هم اطلاع دادیم. محسن رضایی و محسن رفیق‌دوست، تلفنی خبر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اخوت خود را بیشتر نمائید. بی شک مهمترین مسأله ما، منطقه و دنیا این جنگ تحمیلی می‌باشد و سرنوشت این جنگ می‌تواند در تمام دنیا تأثیر بگذارد. جنگ در درون خود حوادث بسیار مهمی را می‌پروراند و مرزها شاهد مقابله سپاه کفر و ایمان است. نیروهای اهریمنی دنیا از تمامی امکانات خود استفاده می‌کنند که جلوی این سیل عظیمی را که از قلب توده مردم مسلمان سرازیر شده و بنیان کفر و ارتجاع منطقه را لرزانده است بگیرند. می‌بینید که رژیم عراق دست التماس به سوی شما دراز می‌کند و دم از صلح می‌زند و دعوت به آتش‌بس می‌نماید و این نشانه عجز آنها و قدرت شما است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ موشک هارپون یکی از معروف‌ترین و قوی‌ترین سلاح‌های ضدکشتی است که با وجود عمر طولانی آن، هنوز یکی از موشک‌های اصلی ضدکشتی در نیروی دریایی آمریکا و بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران است. موشک هارپون به صورت اختصاصی و تنها برای مقابله باکشتی‌ها ساخته شد و اولین بار به خدمت نیروی زمینی و دریایی آمریکا در آمد. موشک هارپون به دلیل نیاز شدید نیروهای هوایی و دریایی در مدل‌های مختلف به تولید انبوه رسیده است.

۲ ـ در این مصاحبه آقای هاشمی در رابطه با نقش مردم در این برهه از زمان و وظیفه آنان در زمینه همکاری با دولت گفت: "مردم واقعاً وظیفه خود را به خوبی تشخیص داده‌اند. من در اجتماع مردم که شرکت کرده بودم، هیجان، صفا و صمیمیت مردم را دیدم که این خود نشان می‌دهد این مردم بیش از آنچه که وظیفه دارند سرمایه‌گذاری کرده و در جنگ دولت را یاری می‌دهند. البته دولت هم مشکلاتی دارد. بخش عظیمی از امکانات دولت خرج جنگ می‌شود. ولی همیاری مردم در مسائلی مثل سیل، زلزله، جنگ و کمک به آسیب دیدگان می‌تواند تا اندازه زیادی از بار دولت بکاهد، من خواهش می‌کنم که مردم با دل‌گرمی راه خود را ادامه بدهند. تا ما هم بتوانیم با دلگرمی راهمان را ادامه داده و بتوانیم انقلاب را به نقطه مطلوبی که خواست خود مردم هست، برسانیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

از موفقیت اولیه دادند. بعد از ساعت دوازده شب خوابیدم. بیدارم کردند و گفتند عراق حمله را اعلام کرده است.

پنجشنبه ۴ دی ۱۳۶۵ | ۲۲ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — ۲۵ Decem ۱۹۸۶

وقت اذان صبح بیدار شدیم. از وضع میدان جنگ بی اطلاع بودیم. امکان برقراری تماس تلفنی از طرف ما نبود. یک تلفن مبهم آقای رفیق‌دوست ـ که گفت قبل از رسیدن آقای سنجقی که به سوی ما حرکت کرده، مطلبی را اعلان نکنیم ـ نگرانی ایجاد کرد و ابهام را بیشتر نمود.

ساعت هفت صبح و قبل از اخبار [رادیو]، اهواز اعلان وضعیت قرمز کرد. این به معنای تحرک هواپیماهای دشمن است. تلفنی اطلاع دادند که آقای سنجقی می‌آید و اخبار حمله را می‌آورد و گفتند به اهداف اولیه نرسیده‌اند. از تهران مرتباً از طرف بیت امام و مسئولان، خبر می‌خواستند و تأخیر را موکول به رسیدن پیک می‌کردیم.

بالاخره آقای سنجقی رسید و معلوم شد به جز در دوسه محور، موفقیت نداشته‌ایم و قرار شد اسم عملیات را کربلای چهار و هدف را جواب به شرارت‌های اخیر عراق اعلام کنیم[1]. کم کم روشن شد

---

۱ ـ عملیات کربلای چهار با هدف تصرف ابوالخصیب و محاصره نیروهای مستقر در شبه جزیره فاو و تهدید بصره از جنوب، با رمز «یامحمد(ص)» انجام شد. تصرف فاو و رأس البیشه که ایران را با کویت همسایه کرده و راه زمینی عراق را به شمال خلیج‌فارس قطع کرده بود، می‌توانست با تصرف ابوالخصیب کامل شود. با این اقدام کل شبه جزیره فاو آزاد می‌شد، موقعیت ایران در خلیج‌فارس بیش از پیش تقویت می‌گردید و نیز بصره از جنوب در خطر سقوط قرار می‌گرفت. سپاه در نظر داشت که عملیات را بلافاصله پس از عملیات والفجر ۸ انجام دهد، لیکن بدان جهت که سازمان رزم سپاه متکی به نیروهای پیاده بود و ۷۵ روز جنگ در فاو، ضرورت بازسازی یگان‌ها را ایجاب می‌کرد، عملاً امکان اجرای عملیات در زمان مورد نظر میسر نشد. از سوی دیگر، سپاه برای اجرای یک عملیات با موفقیت تضمین شده، درخواست ۱۵۰۰ گردان داشت تا از سه منطقه هور، شرق بصره و ابوالخصیب به دشمن هجوم برد، لیکن با مقدورات کشور، به ۳۰۰ گردان بسنده شد و طرح ریزی عملیات تنها برای محور ابوالخصیب صورت گرفت. نام‌گذاری سال ۱۳۶۵ به «سال سرنوشت» و تأکید بر اجرای «عملیات سرنوشت‌ساز» امیدواری مسئولان کشور و فرماندهان جنگ به نتایج این عملیات را نمایان می‌ساخت. سپاه برای اولین بار در یک تدارک وسیع موفق شده بود ۳۰۰ گردان رزمی را برای یک عملیات، سازماندهی، تجهیز و آماده کند که این در طول جنگ بی‌سابقه بود.

با شروع عملیات، شواهد و قرائن نشان می‌داد که دشمن از طرح عملیات خودی آگاه شده و با آمادگی و هوشیاری کامل، مهم‌ترین معبر عملیاتی را مسدود ساخته است. بدین ترتیب دشمن دو طرف معبر کم‌عرض آبی «ام‌الرصاص» راکه از آن با عنوان «تنگه هرمز» یاد می‌شد، مسدود کرد. اما این هوشیاری که با دریافت اطلاعات ماهواره‌ای و جاسوسی از آمریکا حاصل شده بود، نتوانست از شکسته شدن خطوط مستحکم دشمن جلوگیری کند. اجرای انبوه آتش دشمن روی نقاط خاص و حساس اروند رود، سازمان غواص‌های خط شکن و نیز قایق سواران راکه موج دوم و سوم را تشکیل می‌دادند بر هم زده بود، اما نیروهای غواص از تنگه گذشتند و در جزیره بلجانیه پیاده شدند. در محورهای دیگر نیز با شکسته شدن خطوط دشمن در جزایر سهیل و ام‌الرصاص جنگ به خشکی کشیده شد. در این عملیات برای نخستین بار خط دشمن در شلمچه نیز شکسته شد، امّا با وجود شکسته شدن خطوط دشمن، امکان تداوم عملیات میسر نگردید، لذا به منظور حفظ قوا و طراحی عملیات مجدد، از ادامه نبرد صرف نظر شد.

که از منطقه شلمچه و جزایر بوارین و ماهی عقب نشسته‌اند و از جنوب جزیره مینو نیز که عبور کرده بودند و سر پل قابل توجهی، آن طرف اروند به دست آورده بودند، عقب نشسته‌اند. جزیره ام‌الرصاص را در تصرف دارند، ولی گفتند در بیانیه نیاید که معلوم می‌شود تثبیت نشده‌اند.

با توجه به آمادگی‌ها و روحیه‌های خوب و امیدهای زیاد، تا این لحظه باید عملیات را ناموفق خواند و به فکر عملیات دیگر باشیم. البته چون اطلاع از برنامه قرارگاه خاتم یک ندارم، فعلا نمی‌دانم چه می‌خواهند بکنند.

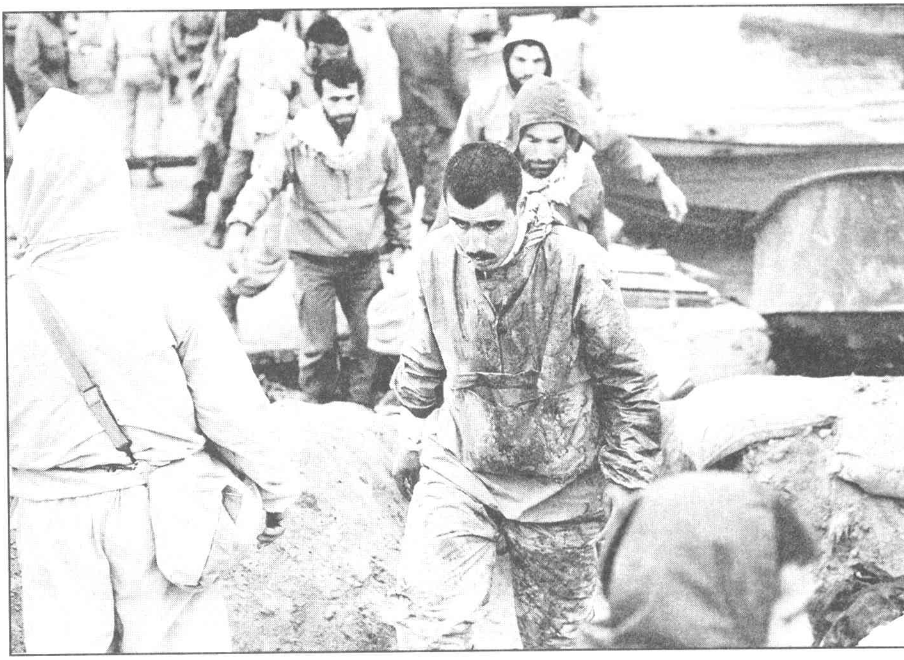
اول شب جمعی از قرارگاه آمدند. گزارش کار را دادند. حدود شصت گردان وارد عمل کرده‌اند و فقط در حال حاضر جزیره ام‌الرصاص و سرپلی در جزیره ام‌اللبابی را در اختیار دارند و قرار است، امشب از همان جا به طرف ساحل دشمن بروند. آقای رشید موافق نبود. بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اگر نروند، ممکن است فردا دشمن بر سر ام‌الرصاص بجنگد و با حالت انفعالی درگیر باشیم. عملیات یدکی هم حاضر نیست و می‌گفتند اگر بخواهیم آن را اجرا کنیم، ممکن است بیش از یک ماه فرصت لازم باشد. بالاخره نتیجه این شد که نظر فرماندهی سپاه که ادامهٔ عملیات از همین امشب است، بهتر است. گفتند فرماندهان لشکرها هم موافقند.

جمعه ۵ دی ۱۳۶۵ | ۲۳ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — ۲۶ Decem ۱۹۸۶

اول وقت معلوم شد که دیشب در ادامه عملیات، کاری نشده و ام‌الرصاص را هم خالی کرده و با اینکه دیشب گفتند می‌خواهند به پیش بروند، به محل اولیه برگشته‌اند. معلوم می‌شود هماهنگی درستی ندارند. به آیت‌الله خامنه‌ای اطلاع دادم که در نماز جمعه امروز، قبل از دریافت مطالب درست، چیزی مطرح نکنند؛ برایشان غیر منتظره بود.

سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی از غرب آمد و گفت عراق، منطقه مورد نظر آنها را تقویت کرده و دیروز بمباران زیاد داشته و در اثر قطع برق منطقه، مشکلات در تدارک نیروها به وجود آمده و مدعی است، عراق از طرح مطلع شده است. گفتم فعلاً صبر کنند تا تکلیف عملیات پایین روشن شود.

فرماندهان سپاه اطلاع دادند که مشغول جمع بندی برای تصمیم‌گیری، با توجه به وضع پیش آمده هستند و پس از بررسی به اینجا خواهند آمد. مدتی به تنهائی در کنار ساختمان محل اقامت قدم زدم و



تخلیه مجروحین و شهدا به پشت جبهه در عملیات کربلای ۴







پیکر پاک شهدا در عملیات کربلای ۴



فکر کردم. شکست عملیات، با آن همه امکانات و تبلیغات که داشتیم، بسیار تلخ است. دشمن از این وضع استفاده زیادی خواهد کرد[1]. اگر بتوانیم جبران کنیم، خوب است ولی روحیه‌ها پائین آمده و روحیهٔ دشمن بالا رفته است.

دکتر هادی و دکتر روحانی آمدند. از مدیریت عملیات انتقاد داشتند. معمولا در شرایط شکست، درد دل‌ها اوج می‌گیرد. آمار مجروحان را دادند: حدود سه چهار هزار نفر؛ قاعدتاً یک پنجم این تعداد هم شهید داریم. خبر دادند که امروز دشمن در منطقه، در سطح وسیعی بمب شیمیایی به کار برده است. [موشک ضدهوایی] هاک هم که تازه عملیاتی شده بود، با ضربه خوردن از کار افتاده و دفاع درستی ندارند.

آقای مهدی‌نژاد آمد. گفت آمریکایی‌ها اطلاع داده‌اند طرحی جدید برای مسأله گروگانها تهیه کرده‌اند. مشورت کردیم. به نظر می‌رسد به این بهانه می‌خواهند رشته مذاکرات قطع نشود. گفتیم بگوید طرح جدیدی نیاز نیست و همان قرار سابق عمل شود.

عصر فرماندهان سپاه آمدند. از عدم موفقیت عملیات ناراحت بودند. برنامه جدید را گفتند. به جای یک حمله بزرگ، سه حمله کوچک‌تر پیشنهاد نمودند. در ستاد بحث و تصویب شد. آقای [غلامعلی] رشید [معاون عملیات سپاه] مخالف بود. قرار شد تا فردا شب، زمان‌بندی شده بگویند. ارتشی‌ها به غرب و سپاهی‌ها به جنوب رفتند. ما هم هواپیما خواستیم که از تهران آمد. ساعت ده شب به طرف تهران پرواز کردیم. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

شنبه ٦ دی ۱۳٦۵ | ۲۴ ربیع الاخر ۱۴۰٦ — ۲۷ Decem ۱۹۸٦

تلفنی با آقای رئیس جمهور صحبت کردم. نگران نتایج حمله بودند. قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم که

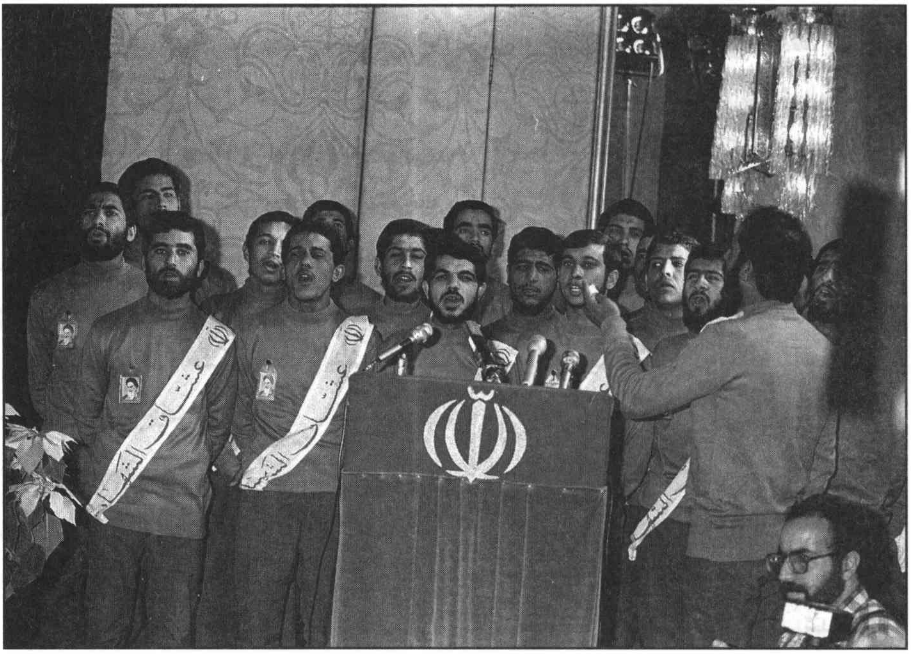
---

۱ ـ رادیو فرانسه ادعای رژیم عراق مبنی بر شهادت ۳۲ هزار تن از رزمندگان اسلام را منعکس کرد: "عراق دیروز اعلام کرد در تلاش نافرجام ایران برای حمله به مواضع این کشور در شبه جزیره فاو، ۳۲ هزار نفر از نیروهای ایران را کشته است. عراق همچنین اظهار می‌دارد در حمله ایران به شهر بصره، ۱۹ هزار سرباز ایرانی کشته و مجروح شده‌اند. ایران تعداد تلفات عراق را ۹۵۰۰ نفر ذکر کرده است. ایران اظهار می‌دارد رقم تلفاتی که از سوی عراق در مورد ایران ذکر شده شدیداً اغراق‌آمیز است". رادیو کلن فارسی نیز به درخواست ایران از سازمان ملل برای جلوگیری از استعمال سلاح‌های شیمیایی رژیم عراق اشاره کرده و گفت: "پس از آنکه حمله اخیر جمهوری اسلامی آنگونه که از ظواهر امر برمی‌آید، سرکوب گردیده است، طرفین یک جنگ تبلیغاتی بر سر تعداد تلفات شروع کرده‌اند. عراق تعداد تلفات ایرانیان را در مبارزات سه روزه بیش از ۹۰ هزار نفر اعلام کرده است. جمهوری اسلامی این رقم را اغراق‌آمیز می‌داند و ادعا می‌کند که عراق در این حمله ۹۵۰۰ نفر تلفات داده است. طرفین طبق معمول درباره تعداد تلفات خود سکوت می‌کنند".



سخنرانی در مراسم اختتامیه کنفرانس همیاری ملت عراق





گروه سرود اسرای عراقی شرکت کنندگان کنفرانس همیاری ملت عراق را تحت تاثیر قرارداد

برنامه آینده را توضیح بدهم. به سرهنگ ترابی گفتم از اقامتگاه تحقیق کنند که دفترچه رمز من که همراهم نیست، کجا مانده است و اگر پیدا نشد به قرارگاه بگوید تا رمزها را عوض کنند.

گزارش‌های خبری دیروز را آوردند، خواندم. عراقی‌ها شکست تهاجم ما را جشن گرفته‌اند و آمار و ارقام مبالغه آمیزی منتشر می‌کنند. احتیاج به سر و صدای تبلیغی دارند ولی چون ما از اول عملیات را محدود و انهدامی معرفی کرده‌ایم، در سطح جهان تبلیغاتشان نگرفته است.

آقای [احمد] سالک برای آمادگی من جهت سخنرانی امشب، تلفنی گزارش کنفرانس معارضان عراقی را داد[1]. احمدآقا آمد. گزارش عملیات و برنامه آینده را برای امام توضیح گرفت و جریان بازداشت سید هادی [هاشمی] را توضیح داد.

عصر هم به استراحت و مطالعه گزارش‌ها گذشت. شب در جلسه کنفرانس همیاری ملت عراق در

---

۱ ـ از زمان آغاز کنفرانس همیاری مردم عراق در تهران رادیوهای بین‌المللی کمتر به این مسأله توجه نشان دادند. طی روزهای سوم لغایت ششم دی تنها رادیو لندن در یک گزارش خبری در ارتباط با اظهارات کاردار ایران در لندن اشاره‌ای به این مسأله داشت. پس از خاتمه کنفرانس مزبور، رادیوها اندکی بیشتر به این موضوع توجه کردند. رادیوهای آمریکا و بی بی سی یکشنبه شب به ترتیب در یک خبر و یک گزارش به نتایج کنفرانس و اهداف آن اشاره کردند. رادیو مونت‌کارلو گفت: "مخالفین عراقی که از سوی ایران حمایت می‌شوند اولین کنفرانس خود را در تهران که به مدت چهار روز انجامید در حالی پایان دادند که مخالفین ایرانی در بغداد از فعالیتی علیه پاسداران انقلاب گزارش دادند. سازمان مجاهدین اعلام کرد به یک عمل انفجاری در بزرگترین پادگان سپاه در تهران که به کشته و زخمی شدن پانصد پاسدار منجر شد، دست زد".

هتل استقلال شرکت کردم. مدیران کنفرانس از نتایج کار و کیفیت برگزاری راضی بودند. سرودی توسط اسرای عراقی اجرا شد که حضار گریه کردند. گزارش کمیسیونها هم قرائت شد. قطعنامه کنفرانس توسط آقای [محمدصادق] تسخیری در ۱۷ بند خوانده شد و آقای سالک صحبت کوتاهی داشت. من سخنرانی مفصلی ایراد کردم[۱]. به خانه برگشتم.

بعد از نیمه شب اعظم و عماد [همسر و فرزند محسن هاشمی] از کانادا آمدند. به دنبال مطرح شدن حضور محسن در کانادا، در مطبوعات غربی و علنی شدن آدرس و محل تحصیل او، دیگر ماندن آنها در کانادا مشکل است و خطر دارد. محسن هم بعد از یک ماه دیگر خواهد آمد. عماد را باحال و شیرین یافتم.

یکشنبه ۷ دی ۱۳۶۵ | ۲۵ ربیع الآخر ۱۴۰۶ | ۲۸ Decem ۱۹۸۶

در گزارش‌ها، تبلیغات عراق بر اساس شکست عملیات سرنوشت‌ساز ما، خیلی زیاد است[۲]. قبل از شروع جلسه در مورد جنگ توضیح کوتاهی، برای نماینده‌ها دادم. در مجلس سرخوردگی شدیدی در

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: "به نظر می‌رسد که تشکیل کنفرانس همیاری در این زمان، یکی از الطاف الهی است و زمان مناسبی برای این تجمع انتخاب شده است. شرایطی که بر منطقه ایران و عراق و دنیا حاکم است، ایجاب می‌کند، ملت عراق که صاحبان اصلی خاک عراق هستند، به طور جدی وارد میدان شوند. از کیفیت برگزاری این کنفرانس باید راضی بود و از کسانی که زحمت کشیدند و این اجتماع را به وجود آوردند، باید تشکر کرد. به طور قطع، نتیجه این اجتماع تا این لحظه بسیار مثبت است و علیرغم اینکه معمولاً در اجتماع گروه‌های سیاسی گوناگون، برخوردهای نامطلوب ممکن است باعث آثار سوء شود، خوشبختانه در این مدت چنین چیزی واقع نشد. لذا ما آن را فال نیکی برای آینده عراق به حساب می‌آوریم. سعی کنید از نقاط اختلاف صرف نظر کنید و بر نقاط اشتراک که بسیار زیاد است، تکیه کنید. اگر همین روحیه باقی بماند، ما به آینده عراق و مردم عراق و استقلال و تمامیت ارضی و سعادت مردم عراق امیدوار می‌شویم و آن را زاییده و از نتایج کنفرانس می‌دانیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - رادیو اسرائیل در گزارشی گفت: "ایران و عراق هر دو اعلام کردند که جنگ شط‌العرب که جمهوری اسلامی آن را کربلای ۴ نامیده بود به پایان رسیده است. حکومت اسلامی تهران ضمن صدور اعلامیه‌ای در این زمینه خاطرنشان ساخت که ادعای عراق مبنی بر اینکه در این نبرد ۹۰ هزار نفر از نیروهای ایرانی به قتل رسیده‌اند، صحت ندارد ولی در ضمن هیچ ذکری نیز از تعداد دقیق و یا حتی تقریبی تلفات جمهوری اسلامی در این اعلامیه به میان نیامده است. ضمناً جمهوری اسلامی از سازمان ملل درخواست کرد از استعمال سلاح‌های شیمیایی به وسیله عراق جلوگیری نماید، این رادیو در ادامه گزارش خود به سخنان آقای هاشمی رفسنجانی پیرامون عملیات نهایی ایران اشاره کرد و گفت وی تاریخی برای این حرکت سرنوشت ساز تعیین نکرد". رادیو اسرائیل همچنین طی خبر دیگری گفت: "روزنامه نگاران کشورهای غربی از مناطق شرق بصره دیدن کردند و به گزارش خبرگزاریها در این منطقه با صدها جسد متعلق به افراد نیروهای مسلح ایران که در نقاط مختلف پراکنده بود برخورد نمودند. فرمانده سپاه ششم عراق به خبرنگاران گفت در طول پنجاه کیلومتر خط جنگی نیروهای مهاجم ایران با تحمل هزاران کشته عقب‌نشینی کردند". رادیو بی بی سی نیز ضمن منعکس ساختن ادعای ژنرال ماهر عبدالرشید مبنی بر دفع کامل تهاجم اخیر ایران، از حمله رژیم عراق به یک هدف دریایی در خلیج‌فارس خبر داد. رادیو آمریکا نیز گفت: "خبرنگاران غربی اجازه یافتند از محل دو روز نبرد سنگین نیروهای عراقی و ایرانی در هفته گذشته دیدن کنند. خبرنگاران گزارش دادند اجساد دهها ایرانی را که گفته می‌شود در جریان تازه‌ترین حمله ایران کشته شده‌اند، مشاهده کرده‌اند. این رادیو در پایان به نقل از ایران و عراق به آمار تلفات طرفین اشاره کرد".

ارتباط با عملیات بروز کرده و قابل توجیه نیست که برای آنها صحبت کنم. من هم در فشار شدید روحی قرار می‌گیرم.

نخست وزیر بودجه سال ٦٦ را تقدیم مجلس کرد و نطقی ایراد نمود. ظهر آقای [محمدحسن] اختری سفیرمان در دمشق، همراه فرمانده سپاه در لبنان آمدند. گزارش آثار میانجی‌گری ایران در نزاع امل و فلسطینی‌ها را دادند و خواستند که کار میانجی‌گری ادامه یابد. طرحی برای برخورد با نیروهای اسرائیلی مستقر در لبنان ارائه دادند. عصر را به مطالعه گزارش‌ها و انجام کارهای عقب مانده چند روز مسافرت گذراندم.

اول شب آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] آمد. از کندی پرداخت بودجه طرح تبلیغات در کردستان گفت. شب با سران قوا مهمان آیت‌الله موسوی اردبیلی بودیم. در جلسه امروز آقای نخست وزیر از شیطنت روزنامهٔ کیهان در برخورد با مسائل و در برخورد با بودجه تقدیمی دولت به مجلس گفت و قرار شد برای اصلاح متصدیان کیهان اقدامی شود؛ معمولاً در شرایط نامناسب ضربه می‌زند[1].

گزارش سفر به قم و عملیات کربلای چهار را به جلسه دادم و برنامهٔ عملیات آینده را گفتم. روح امید گذشته به خاطر عدم توفیق اخیر، ضعیف تر شده است. دیر وقت به منزل رسیدم[2]. سرماخوردگی شدیدی عارض شده که با مسکن، امکان تلاش و کار به دست می‌آورم.

دوشنبه ۸ دی ۱۳٦۵ | ۲٦ ربیع الاخر ۱۴۰٦ | ۲۹ Decem ۱۹۸٦

تلفنی با محسن صحبت کردم. هنوز نگران آثار اخبار کذب حاشیه ماجرای مک فارلین است و بنا دارد

---

۱ ـ روزنامه کیهان در سلسله گزارش هایی انتقادی از بازار مصرف کالا، به انعکاس نارضایتی مردم از چند نرخی بودن کالاها و ضعف دولت در بخش توزیع پرداخته بود. مدیرمسئول روزنامه کیهان در آن سال آقای سید محمد اصغری و معاون ایشان آقای ابراهیم اصغرزاده بود. گزارش روز صفحه ۵ نیز با دبیری آقای محمد مهدی فرقانی تهیه می‌شد. آقای سید محمد خاتمی نیز به عنوان نماینده ولی‌فقیه در مؤسسه کیهان بود. در ۱۰ دی سال ٦۵ حضرت امام (ره) در پاسخ به استفسار آقایان خاتمی و محمود دعایی، با استقلال مؤسسات کیهان، اطلاعات از بنیاد مستضعفان و اداره آن زیر نظر ولایت فقیه موافقت فرمود.

۲ ـ در این روز آقای هاشمی در مراسم سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی در سالن هفتم تیر شرکت کرد. ایشان در این مراسم در سخنانی بی‌سوادی را ارمغان شوم استعمار و پدیده‌ای زشت نامید و با اشاره به درصد بالای بی سوادی در قبل از انقلاب اسلامی و اینکه این قدر بی‌سوادی بعد از انقلاب، زیبنده انقلاب نبود، تأثیر رشد و گسترش سواد آموزی در رشد کیفی انسان‌ها را بسیار پراهمیت توصیف کرد و خدمت سوادآموزی را وظیفه دولت، نهضت سوادآموزی و همه افراد با سواد جامعه دانست و از همه ملت خواست تا بخشی از امکانات‌شان را به این امر اختصاص دهند تا ان‌شاءالله بی‌سوادی این میراث نظام ستم‌شاهی ازکشور ریشه‌کن شود. آقای هاشمی در پایان سخنان خود از همه کسانی که در راه خیر گسترش سوادآموزی به نحوی فعالیت می‌کنند، تشکر و قدردانی به عمل آورد.

به ایران بیاید. به مجلس آمدم. به آقای [جلال] ساداتیان [مسئول دفترم] گفتم که مقدمات سفر به جبهه را فراهم کند. گزارش‌های عقب مانده را خواندم. دکتر روحانی آمد و قرار شد فردا همراه من به جبهه بیاید. فرمانده سپاه برای تقویت اعزام نیرو استمداد کرد. آقای رفیق‌دوست اطلاع داد که هشت موشک اسکاد ـ بی از کره شمالی رسیده است؛ موفقیت است.

عصر آقای [شریف الدین] پیرزاده دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی آمد و تأکید بر شرکت ما در اجلاس کویت در سطح بالا داشت[1]. قبلا وزیر خارجه اطلاع داده بود که موافق رفتن رئیس جمهور به کویت نیستیم و تلاش می‌کنیم که محل اجلاسیه را به خاطر طرفداری کویت از عراق، عوض کنیم. تا ساعت دو شب در دفترم کار کردم. پاسداران به خاطر شهادت برادر یکی از پاسدارانم در جبهه، دیر آمدند.

آقای کنگرلو آمد و گفت [منوچهر] قربانی‌فر از آمریکا، تلفنی از قول [جرج] بوش [معاون رئیس جمهور آمریکا] خواسته است تلاش کنیم یک نفر از گروگانها در لبنان در کریسمس آزاد شود و گفته اگر نشود، خصومت شدید خواهد شد. گفتم بگویید به قرار گذشته عمل کنند تا شفاعت کنیم و بیش از این حرف نزنند.

فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند و گفتند عراق به نقطهٔ عملیاتی‌شان پی برده و نگران بودند. برای راهکار مذاکره کردیم.

سه‌شنبه ۹ دی ۱۳۶۵ | ۲۷ ربیع الاخر ۱۴۰۶ ۳۰ Decem ۱۹۸۶

از منزل به قصد رفتن به جبهه، خداحافظی کردم. یاسر هم بنا بود بیاید. اما وقتی فهمید کار من در

---

۱ ـ آقای هاشمی در پاسخ به درخواست شریف الدین پیرزاده دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، در مورد شرکت ایران در اجلاس پنجم سران کشورهای اسلامی در کویت گفت: "مسأله اصلی این است که در کنفرانس‌های مشابه این سازمان، کار جدی که فراتر از تشریفات و کارهای معمولی باشد، دیده نشده است. ما امید زیادی نداریم که این کنفرانس بتواند حرکتی جدی انجام دهد. اگر کنفرانس از روز آغاز جنگ، متجاوز و مسئول اصلی آن را اعلام می‌کرد، هم جنگ زود تمام می‌شد و هم کنفرانس اسلامی، شخصیتی جدی پیدا می‌کرد". ایشان سپس خطاب به آقای پیرزاده اظهار داشت: "شما اگر در مسئولیتی که به عهده دارید، بتوانید حق را محور قرار دهید و کنفرانس را به صورتی اداره کنید که از رنجیدن دیگران هراس نداشته باشید، همه دولت‌ها آن را جدی تلقی خواهند کرد". آقای هاشمی با اشاره به عدم‌بی‌طرفی کویت در قبال جنگ عراق با ایران، گفت: "حتی اگر ما این عدم‌بی‌طرفی را هم نادیده بگیریم، به نظر ما، باز هم کویت صلاحیت میزبانی کنفرانسی که ۴۶ کشور اسلامی در آن عضو هستند را ندارد. مقامات کویت، آن قدر تحت تأثیر عراق هستند که وقتی هواپیمای فرستاده مخصوصشان توسط عراقی‌ها مورد سوءقصد قرار گرفت و آنها به شوروی فرار کردند، حتی حاضر نشدند یا جرأت نکردند بگویند عراق به ما سوءقصد کرده است. به هرحال این مشکلی است که توسط آنها ایجاد شد و ما، به هر حال، فرستاده کویت را پذیرفتیم و این کویت است که باید موضوع را درک و مواضع خود را اصلاح می‌کرد".

قرارگاه‌هاست و به جلو نمی‌روم، نیامد. برای اعلان حضورم در تهران در جلسهٔ علنی مجلس تا هنگام نطق‌های قبل از دستور و قرائت تذکرات ماندم. قرار بود ساعت نه صبح حرکت کنیم. به خاطر رفتن برق، ماشین‌ها نتوانستند بنزین بگیرند و تا ساعت یازده معطل شدیم. در این فاصله در دفترم کار کردم.

نمایندگان باختران آمدند و از شایعه تهدید بمباران شیمیایی امروز باختران نگران بودند. آقای رفیق‌دوست آمد. گزارش کیفیت انفجار انبار مواد منفجره در پادگان شهید بهشتی[1] را داد و دستور گرفتن ارز برای خریدهای نظامی از بانک مرکزی گرفت.

ساعت یازده همراه دکتر روحانی و سرهنگ ترابی و محافظان، با چند اتومبیل به طرف خوزستان حرکت کردیم. بیرون تهران، لباس نظامی پوشیدم. ناهار را به طور ناشناس در قهوه خانه‌ای بین قم و اراک خوردیم. یک جا هم بنزین زدیم و چای خوردیم و ساعت شش و نیم شب وارد خرم آباد شدیم. در مهمانسرای نیروی زمینی مستقر شدیم. من را نشناختند.

خیلی زود شام خوردیم. بنا نبود من شناخته شوم. گفته شده بود فرمانده نیروی زمینی می‌آید. نمی‌دانم مسئول مهمانسرا که با مهمانان ناشناخته، همراه با محافظان مسلح زیاد مواجه می‌شد، چه فکری داشته است؟ تلفنی رسیدنمان را به تهران اطلاع دادیم. برق قطع شد و اخبار تلویزیون نیمه کاره ماند. ما هم رفتیم خوابیدیم*.

چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۶۵ | ۲۸ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 31 Decem 1986

اذان صبح بیدار شدیم. بعد از نماز به سوی خوزستان حرکت کردیم. صبحانه را در قهوه خانه‌ای از توابع لرستان، بعد از گذشت از کوههای بلند، در کنار رودخانه ای عظیم خوردیم: سرشیر و تخم مرغ.

به سوی اهواز راندیم. در حومه اهواز، گروه پیشرو که برای آماده کردن اقامتگاه به محل گلف رفته بودند، با بی‌سیم اطلاع دادند کمی در راه توقف کنیم. در کنار جاده توقف کردیم و کاهو

---

۱ ـ سازمان مجاهدین خلق (منافقین) مسئولیت حادثه تروریستی انفجار در پادگان شهید بهشتی را بر عهده گرفت.

* ـ در این روز ژنرال عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت: "چنانچه ایرانی‌ها به گلوله باران بصره (جنوب عراق) و بخش‌های مرزی ادامه دهند از این مسأله تعجب نکنید که دسته‌هایی متشکل از صد هواپیمای عراقی، هم زمان شهرهای ایرانی را بمباران کنند". وی در جریان این کنفرانس مطبوعاتی که به آخرین تهاجم ایران در جنوب جبهه اختصاص داشت افزود که صبر عراق حدی دارد و نمی‌تواند تا ابد شاهد کشتار ملت خود باشد. وزیر دفاع عراق آنگاه در تشریح نتایج آخرین تهاجم ایران در جنوب جبهه اظهار داشت که هدف ایران تصرف شهر بصره بوده و هست و سپس با لحنی طنز آلوده گفت: "اما اگر ایرانی‌ها یک بخش دیگر از جبهه را انتخاب کنند ما به آنها خوشامد می‌گوئیم". وی در همین حال مجدداً تأکید کرد که عراق قادر است هرگونه تهاجم ایران را دفع کند".

خوردیم. هوا هم سرد بود. تعجب داشت که هوای خوزستان این قدر سرد باشد.

یک ساعت بعد از ظهر وارد گلف شدیم[1]؛ ناهار و نماز و استراحت و سپس حرکت به سوی قرارگاه خاتم در جاده اهواز ـ خرمشهر. ساعت چهار و نیم بعد از ظهر رسیدیم. همان جاکه در عملیات خیبر مستقر بودیم.

آقای شمخانی اطلاعات لازم را در خصوص نتایج عملیات شکست خورده کربلای چهار داد. خیلی بدتر از آنچه تا به حال گفته بودند: نزدیک ۱۰۰۰ شهید و ۳۹۰۰ مفقودالاثر داشتیم که اکثر آنها را باید شهید حساب کرد و حدود ۱۱ هزار مجروح که حدود نصف آنها، سرپائی معالجه شده یا می‌شوند.

بعد از نماز مغرب، فرماندهان لشکرها و قرارگاه آمدند. گزارش‌ها کامل‌تر داده شد و برنامه دو عملیات در دست تهیه، داده شد که هیچ کدام آمادهٔ کامل و بی اشکال نیست.

صحبت کوتاهی کردم، با مضمون اینکه در این شرایط که این همه نیرو، امکانات و حمایت مردم را داریم، اگر حمله نکنیم معلوم نیست در آینده بتوانیم عملیات موفق داشته باشیم و ضرر سیاسی زیاد است. روحیه همه برای عملیات آماده است. قرار شد بحث را به فردا موکول کنیم.

ساعت دوازده جلسه ختم شد. فرمانده لشکر عاشورا، شهادت مهدی [شریفیان] ـ همشیرزاده ـ و مجروح شدن عباس ـ همشیرزاده دیگرم ـ را تأیید کرد. گفتند گلف امن‌تر است، به اهواز برگشتیم. ساعت یک شب خوابیدم.

پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۶۵ | ۲۹ ربیع الاخر ۱۴۰۶ — 1 Janu ۱۹۸۷

اذان صبح بیدار شدیم. بعد از نماز، خاطرات را نوشتم. آقایان سنجقی و دکتر روحانی دربارهٔ عملیات نظراتی ابراز کردند. با فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌های سپاه از ساعت هشت ونیم تا دوازده ونیم جلسه داشتیم. عده ای از آنها عملکرد خودشان در عملیات گذشته و ماموریتشان را در عملیات آینده و نظرشان را درباره آن گفتند.

بعد از نماز و ناهار و استراحت از ساعت دو ونیم بعد از ظهر تا مغرب، جلسه به همین وضع ادامه یافت و شب نیز از ساعت هفت جلسه را ادامه دادیم. از نظرات فرماندهان درباره عملیات مورد نظر به

---

[1] ـ برای آشنایی با تاریخچه ساختمان گلف به بخش ضمایم همین کتاب مراجعه نمایید.

بسم الله الرحمن الرحیم — پیام — ۶۶/۱۰/۱۷

رزمندگان عزیز

سلام و درود بر شما بزرگوارانی که امروز محور تاریخ و تاریخ‌سازید.
چشمان تمام ناظران امروز خیره به سوی شماست و دلهای مستضعفان در انتظار رسیدن
پیروزیهایتان می‌طپد و قلوب آلوده کفر پیشگان خدا از ترس نهیب سرود حماسه‌های شما
لرزان گردیده و فریاد الله اکبرتان وحشت به دلهای پلیدشان افکنده است.

نبرد حق علیه باطل

این افتخار را که مسلمانان از حرکت کاروان طلایه‌داران کاروان الهی و سوگ پیکان حرکت تاریخ در جهت اجرای حدود اسلام و قرآن دریغ داشته‌اند

امام (ره) یاد

شهامت و شجاعت و ایثار رزمندگان را دوست و دشمن میدانند و مبهوت گردیده

دشمنان با همه تجهیزات با چشم زبان اعتراف دارند و اراده در مقابل آن خاضع اند.

شما دژهای مستحکم دیوارهای دین را شکافته و صاعقه‌وار بر سر دشمنان خدا در سنگرها فرود آمده‌اید و طنین الله اکبرتان ابرهای تیره کفر و ابهام را شکافته و پرده گوشه‌های جهانخواران را در هم شکسته و اینها همه محصول ایمان و تقوی و نمونه‌ای از سنت الهی در تاریخ جهاد است و در پرتو آنها است که حرکت تاریخ پیروزی نهایی مردم مستضعف را ... در تعلیمات قرآن و سنت و ولایت ... و شهادت جهاد در ... لطف خدا بهره‌اید.

الخمینی

پیام به رزمندگان اسلام

جایی نرسیدیم و سرانجام با اتکاء به اظهارات آنها و به ناچار، خودم تصمیم گرفتم و دستور انجام عملیات را دادم و برای دو عملیات بزرگ زمان تعیین کردم.

با اینکه قبلاً حرف داشتند، پس از صدور حکم، معمولا از برخورد قاطع و بریده شدن قضیه خوشحال شدند. اگر به نظر خودشان واگذار شده بود، امکان تصمیم‌گیری نبود[۱].

سپس مسئولان مهندسی جنگ آمدند. نیاز شدید به کمپرسی دارند. قرار شد روی آن تأکید کنیم. برای رفتن به تهران مشورت کردیم. بالاخره قرار شد با اتومبیل برگردیم. به تهران اطلاع دادیم که من برای نماز جمعه به تهران نمی‌رسم. آقای خامنه‌ای، آقای موسوی اردبیلی را برای نماز جمعه، از قم برگرداندند.

جمعه ۱۲ دی ۱۳۶۵ | ۱ جمادی الاول ۱۴۰۶ — ۲ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح، دو پیام جداگانه برای فرماندهان واحدها و رزمندگان به عنوان نمایندۀ امام در شورای‌عالی دفاع و فرمانده جنگ نوشتم و ضمن تشریح اهمیت مسئولیت‌شان، خواستار مقاومت بیشتر در لحظات پاتکها شدم[۲].

آقایان رضایی و شمخانی آمدند. نتایج جلسه دیشب خودشان با فرماندهان واحدها را که پس از دستور قاطع من تشکیل داده بودند، گفتند که واحدها با مسئولیت‌های مشخص، برای شروع عملیات در تاریخ تعیین شده، به دنبال اجرای مأموریت رفته‌اند.

سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی آمد و تغییر زمانی در عملیات آنها هم ابلاغ شد.

---

۱ ـ متن کامل مذاکرات این جلسه در بخش ضمائم همین کتاب درج شده است.

۲ ـ متن پیام به این شرح است: "سلام و درود بر شما بزرگوارانی که امروز محور تاریخ و تاریخ ساز هستید. چشمان تمامی ناظران امروز خیره به سوی شماست و دل‌های پاک مؤمنان در انتظار بشارت پیروزی هایتان می‌تپد و قلوب آلوده کفار و دشمنان خدا در ترس تهاجم سرنوشت سازتان نگران شنیدن خروش الله اکبرتان و مشاهده گام‌های بلند و استوارتان در میدان‌های نبرد حق علیه باطل. این افتخار را که طلایه‌داران کاروان الهی و نوک پیکان حرکت تاریخ در جهت اجرای خواست اسلام و قرآن شده‌اید، مبارک باد. شهامت و شجاعت و ایثار شما را دوست و دشمن می‌دانند و عنودترین دشمنان حق هم ناچار بدان اعتراف دارند و بی‌اراده در مقابل آن خاضع‌اند. شما دژهای مستحکم و پولادین را می‌شکافید و صاعقه‌وار بر دشمنان خدا در سنگرها فرود می‌آیید و طنین الله اکبرتان ابرهای تیره تعصب‌ها و ابهامات را می‌شکافد و پرده گوش جهانیان را مرتعش می‌سازد و اینها همه محصول ایمان و تقوا و نمونه‌های والای سنت الهی در تاریخ جهاد انبیاء و اولیاء ربوبین آنهاست. در تعلیمات قرآن و سنت تاریخ پیروزی نهایی مرهون ایمان، مقاومت‌ها و تحمل مشکلات و پشت نکردن به دشمن و تداوم جهاد است که به لطف خدا شما همه را دارید. ـ اکبر هاشمی رفسنجانی".

فرمانده حفاظت سپاه آمد و درباره کار خودش مشورت کرد.

آماده حرکت به سوی تهران شدیم. قرار شد تا اصفهان با ماشین و از آنجا با هواپیما به تهران برویم، ولی در راه تصمیم گرفتیم، یکسره با ماشین به تهران بیائیم. ناهار را در کافه رستوران «سراب جهانگیر» خوردیم. شام را در ماشین، نان و پنیر و پسته خوردیم. ساعت ده ونیم صبح از اهواز حرکت کردیم و یکسره راندیم و جز برای نماز و ناهار توقف نداشتیم. ساعت دوازده شب به خانه رسیدیم. عفت برای شرکت در مراسم شهادت مهدی شریفیان ـ همشیره زاده‌ام ـ به رفسنجان رفته بود. بچه‌ها خواب بودند. من هم خوابیدم.

شنبه ۱۳ دی ۱۳۶۵ | ۲ جمادی الاول ۱۴۰۶   ۳ Janu ۱۹۸۷

عفت از رفسنجان تلفن کرد. گفت هنوز معلوم نیست جنازه شهید مهدی شریفیان ـ همشیره زاده‌ام ـ به نوق رسیده باشد. منتظر رسیدن خبر بودند که به نوق بروند. با آقای خامنه‌ای صحبت کردم و نتایج سفر را گفتم. احمدآقا آمد. نتیجه سفرم را به ایشان گفتم که خدمت امام بگویند. اظهار نظر کرد که بهتر است آقای سید هادی هاشمی آزاد شود. من هم موافقم. خبر دادند که سید مهدی هاشمی بعضی از اعترافات خود را پس گرفته است.

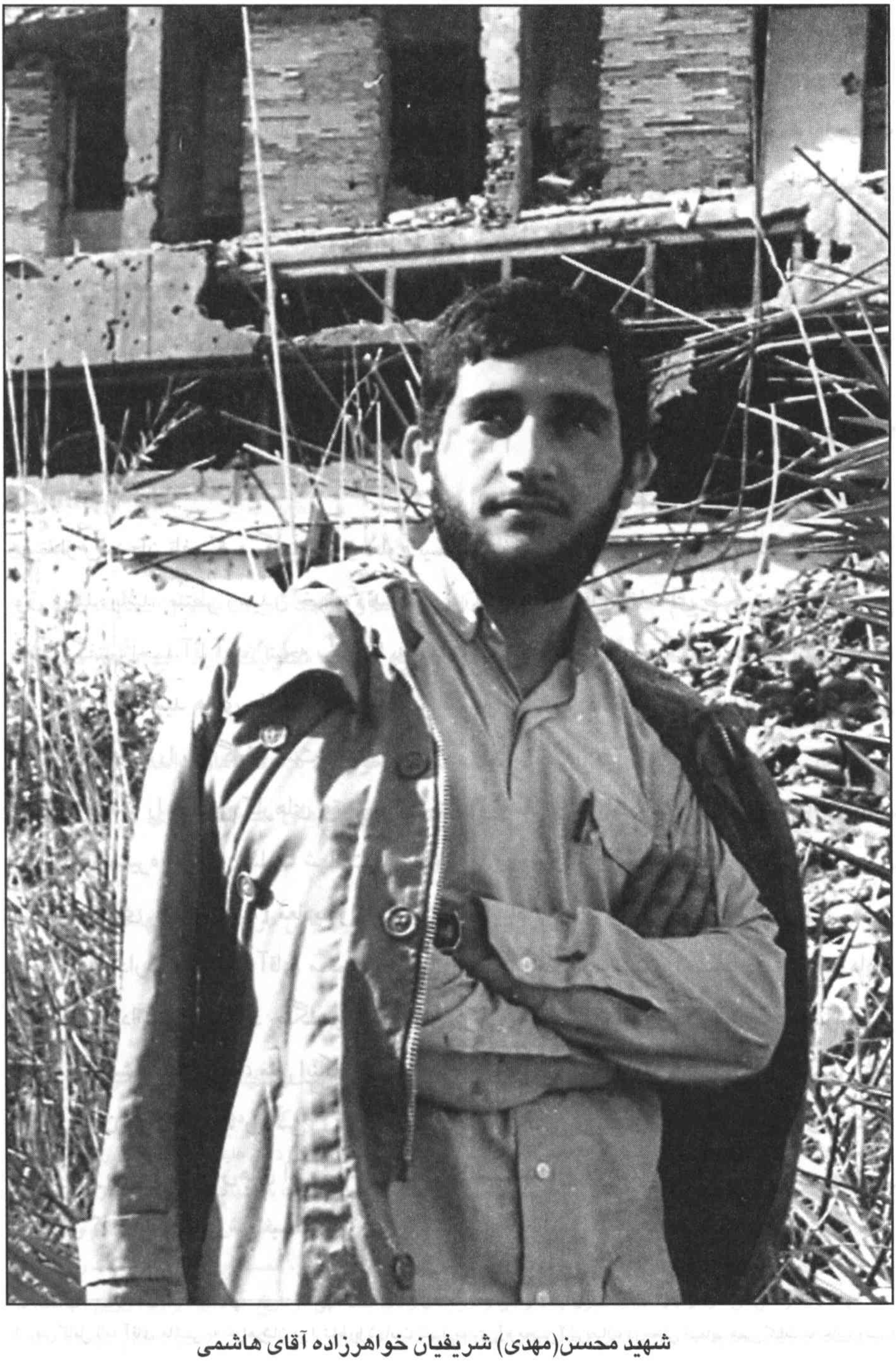
بیشتر وقت را به انجام کارهای عقب مانده چند روز سفر و قرائت گزارش‌ها اختصاص دادم. نامه‌ای به همشیره طیبه در تسلیت شهادت فرزندش مهدی در کربلای چهار نوشتم[1].

عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه برای کارهای بنیاد تاریخ آمد؛ ترمینال کامپیوتری گرفته و خرج ماهانه دارد. اول شب آقای محمدی عراقی آمد. گزارشی از وضع واحدها در جنوب داد و پیشنهادهایی داشت. در مورد جنگ رقم مفقودان کربلای چهار را تا امروز در حدود دو هزار نفر گفت. قبلا بیشتر گفته شده، مثل اینکه کم کم پیدا می‌شوند. معمولاً بعد از عملیات چنین است.

با آقایان فیروزآبادی، ریاضی، رفیق‌دوست، دکتر روحانی و سنجقی درباره نیازهای جنگ مذاکره کردم. در گزارش‌های امروز، خبر مهمی نداشتیم. عراق هم بعد از عملیات کربلای چهار از شرارتش کاسته است؛ روشن نیست چرا؟

---

۱ ـ متن کامل نامه آقای هاشمی به خواهرشان در ارتباط با شهادت شهید مهدی [= محسن] شریفیان، در بخش ضمایم همین کتاب به چاپ رسیده است.



شهید محسن(مهدی) شریفیان خواهرزاده آقای هاشمی



بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران   کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران



یکشنبه ۱۴ دی ۱۳۶۵ | ۳ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 4 Janu 1987

مهدی بعد از دوسه هفته، امروز به مدرسه رفت. ساعت هفت ونیم به مجلس رسیدم. قبل از دستور، رحلت آقای [آیت‌الله حاج شیخ عبدالرحمن] حیدری امام جمعه ایلام [و نماینده مجلس خبرگان] را تسلیت گفتم. تذکرات نمایندگان را که تبریک و تسلیت شهدای کربلای چهار بود، نخواندم. چون نشان کثرت شهدا است و مطابق آئین‌نامه، اجباری به خواندن نیست.

قانون محاسبات در دستور بود. به خاطر اهمیت ماده ۳۰ که مربوط به ذیحسابی است، تا آخر در جلسه ماندم و تعدیل شد. ظهر آقای حمیدزاده آمد. از تربیت بدنی و سازمان محیط زیست گله داشت. عصر آقای امراللهی آمد. از ندادن بودجه به انرژی اتمی گله داشت. آقای [جلیل] بشارتی مسئول پیگیری نخست وزیری آمد. درباره خسارات سیل و کمکهای مردمی و برنامه امداد و بازسازی توضیح داد. مدعی است خسارات از دوازده میلیارد تومان می‌گذرد.

شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. شرح طرح عملیات آینده و کربلای چهار را دادم. در این جلسه اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی تصویب شد. درباره مسائل مختلف بحث کردیم. احمدآقا و من به آقای موسوی اردبیلی در مورد اشتباه بودن بازداشت شهردار خوب اصفهان گفتیم[1]. بعد از جلسه با احمدآقا درباره سید هادی هاشمی صحبت کردیم. نظر هر دوی ما این است که بهتر است ایشان آزاد شود.

شب در مجلس ماندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. عفت هنوز در رفسنجان است. تلفنی با اخوی محمد، درباره نامهٔ مسعود [همشیره‌زاده] که از آلمان نوشته است، صحبت کردیم.

دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۶۵ | ۴ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 5 Janu 1987

تا ساعت نه صبح در دفترم به انجام کارها و خواندن گزارش‌ها پرداختم. آقای دکتر [موسی] زرگر

---

۱ ـ آقای محمد حسن ملک مدنی شهردار اصفهان در پی جلوگیری از ساختمان یک پاساژ تجاری غیرقانونی در فلکه دوم شهدای اصفهان از سوی شعبه ۱۷ دادگاه کیفری این شهر بازداشت و به ۳ ماه زندان و ۲ سال انفصال از خدمت محکوم شد. آقای ملک مدنی درباره بازداشت خود گفت: "صاحبان این مجموعه با مقاومت فراوان سعی در احداث این ساختمان داشتند که بنا به دستور آقای غلامحسین کرباسچی استاندار اصفهان، از ساخت مجموعه جلوگیری به عمل آمد. اتهامی که به شهرداری اصفهان وارد شده، در رابطه با استفاده از ماشین‌های آتش نشانی است که در شستن و از بین بردن بتونی که برای احداث این پاساژ غیر قانونی به کار برده بود".

آمد. اهمیت بیمارستان سینا را گفت و خواستار تحویل ساختمان وزارت آموزش و پرورش بود. این ساختمان از طرف شورای انقلاب به بیمارستان سینا واگذار شده است. دکتر محمد زاده و دکتر لاله از اساتید دانشگاه شهید بهشتی آمدند. [دخترم] فاطی شاگرد آنها است و برایشان وقت گرفته است. از مشکلات برنامه‌ریزی و نفوذ غیر انقلابی‌ها گفتند.

آقای بهرامی از دادگاه لاهه آمد. نگران پرونده‌های تابعیت مضاعف است[1]. از کم کاری دفتر و آقای افتخار جهرمی شاکی بود و از آینده دادگاه نگران است[2].

آقای ریاضی آمد. گزارش خریدهای نظامی را داد. آقای ترکان آمد. از پروژه نوسازی و تولید وسایل دفاع شیمیایی و پیشرفت کار ساخت موشک و مهمات گزارش داد. برای گرفتن ارز و ریال بیشتر استمداد کرد. آقای رفیق‌دوست برای دریافت پول بیشتر برای جنگ آمد.

اخوی محمد [رئیس سازمان صدا و سیما] آمد و از ارز جنگ، برای بازسازی ابزار آسیب دیده امکانات رادیو، تلویزیون در جنگ، سهمیه‌ای خواست. آقای [غلامعباس] زائری برای مسأله ارز مسافرت نمایندگان آمد. آقای صفائی آمد و وضع باختران را گفت.

عصر آقای ری‌شهری آمد. گفت نامه ای به امام نوشته و پیشنهاد کرده سیدهادی [هاشمی داماد آیت‌الله منتظری] به یکی از شهرهای دور تبعید شود و تحت نظر باشد. نظر من این است که ماموریت

---

۱ - یکی از توافقات ایران و آمریکا در الجزایر آن بود که ایران خسارات وارده به اتباع آمریکایی در جریان انقلاب اسلامی را پرداخت کند. دادگاه لاهه که بر مبنای توافق نامه الجزایر تشکیل شده بود، به ادعاهای اتباع آمریکایی رسیدگی می‌کرد. حال آنکه عده‌ای از سرمایه‌داران و عناصر طاغوتی فراری که در آمریکا سکونت داشتند، تابعیت مضاعف آمریکایی می‌گرفتند و به عنوان تبعه ایالات متحده از دادگاه لاهه دعوی حقوقی می‌کردند و دادگاه لاهه نیز به استناد توافق نامه الجزایر به نفع آنان رأی می‌داد.

۲ - گزارش یونایتدپرس از جریان استرداد دارایی‌های مسدود شده ایران در آمریکا حاکی است، سخنگوی سفارت آمریکا گفت: "مقامات آمریکا و ایران برای رفع توقیف ۵۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های بانکی ایران که در آمریکا مسدود شده است با هم ملاقات نکردند". یک سخنگوی سفارت ایران گفت: "او نسبت به انجام توافق خوشبین است و این امر می‌تواند به آزادی برخی گروه‌های آمریکایی که در لبنان نگه داشته شده‌اند کمک کند". او گفت: "ما خوشبین هستیم آمریکایی‌ها موافقت کرده‌اند مقدار زیادی از پول‌ها را مسترد کنند. چند موضوع فنی کوچک هست که باید حل شود اما یقین داریم که آنها می‌خواهند پول را به حساب ما واریز کنند". در پاسخ به این سئوال که آیا این توافق به آزادی گروگان‌های آمریکایی کمک خواهد کرد یا نه، او پاسخ داد این موضوع بسیار حساسی است". سخنگوی مذکور گفت: "آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران گفته است که اگر آمریکایی‌ها آنچه را که لازم است بکنند انجام بدهند، روی کسانی که گروگانها را نگه داشته‌اند تأثیر مثبت خواهد داشت". او گفت: "ایران پیش‌بینی می‌کند که توافق برای رفع توقیف از دارایی بانکی ایران ظرف یکی دو روز آینده عملی خواهد شد. پول ایران پس از آنکه در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) ۵۲ دیپلمات آمریکایی در سفارت آمریکا در تهران به گروگان گرفته شدند، توقیف شد. دیپلمات‌های مذکور بیش از یک سال در تهران گروگان نگه داشته شدند. این پول شامل بهره متعلق به آن در بانک‌های آمریکا و پرداخت‌های سفارش اسلحه از طرف شاه سابق ایران که اسلحه آن به ایران فرستاده نشده، می‌باشد. سخنگوی سفارت آمریکا گفت: "بانکداران ایران و آمریکا برای ادامه گفتگوهای فنی راجع به شرایط و نحوه انتقال پول هایی که در یک حساب بانکی از طرف بانک فدرال نیویورک نگهداری می‌شود، با هم ملاقات می‌کنند".

به یکی از کشورهای خارجی ـ مثلاً از طرف وزارت ارشاد ـ داده شود.

شب به خانه رفتم. کاظم ـ همشیره‌زاده ـ و حسین آقا مرعشی [برادر همسرم] برای کارهای دیگران مراجعه نمودند.

سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۶۵ | ۵ جمادی الاول ۱۴۰۶   ٦ Janu ۱۹۸۷

چمدانم را برای سفر، همراهم به مجلس آوردم. قبل از دستور در جلسه علنی، سخنان کوتاهی به مناسبت میلاد حضرت زینب(س) و روز پرستار ایراد کردم. جمع زیادی از نمایندگان، شهادت مهدی همشیره زاده‌ام را تسلیت و تبریک گفته بودند. تا تنفس در جلسه ماندم. [منوچهر] نیکروز [نماینده کلیمیان] آمد. موضوع پرونده‌اش را گفت. ترسیده است.

آقای روحانی برای تعیین نحوه سفر، به دفتر آمد. برای مراعات امنیت ناچار شدیم به فردا صبح موکول کنیم. سلمانی برای اصلاح آمد. اخوی محمد، تلفنی برای ترتیب مصاحبه مستقیم با رادیو آمریکا در هفته آینده اجازه گرفت.

آقای [جلیل] سیدزاده آمد. گزارش وضع باختران را پس از بمباران و شایعه بمباران شیمیایی داد که منجر به خلوت شدن شهر شده است و برای امکانات بیشتر استمداد کرد.

عصر آقایان [محمد] عبائی و هاتفی آمدند و گفتند کار [تدوین و آماده سازی مجموعه] کلید قرآن با سه گروه شروع شده[1] و برای طلاب اعزامی به جبهه کمک خواستند. شب به خانه رفتم. عفت هم از رفسنجان رسیده بود. توضیحاتی در باره مراسم تشییع جنازه شهدا و از جمله دو نفر از شهدای بهرمان نوق داد که مهدی همشیره‌زاده، یکی از آنهاست؛ با شکوه برگزار شده است.

آقای رضایی، تلفنی اجازه خواست که حمله یک روز تأخیر بیفتد. موافقت کردم. نخست وزیر تلفنی بیدارم کرد و گفت دکتر [حسن]فیروز آبادی، کار فوری دارد. سپس خودش تماس گرفت و گفت لازم است امشب من را ببیند. ساعت دوازده شب با جمعی از دکترهای سپاه آمدند. گفتند از جبهه خواسته‌اند که دکترها را فوراً ببریم و نگران کشف شدن عملیات با اعزام دکترها بودند. قرار شد دوازده ساعت قبل از ساعت حمله حرکت کنند.

---

۱ ـ مجموعهٔ ماندگار تفسیر راهنما و مجموعه فرهنگ قرآن با روش ابتکاری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، یادگار دوران زندان ایشان در سال‌های مبارزه با رژیم ستم‌شاهی است. این مجموعه اکنون چاپ شده و در اختیار تشنگان معارف قرآنی قرارگرفته است. انتشارات بوستان کتاب قم، به دلیل کثرت تقاضا، دوره تفسیر راهنما را چند بار تجدید چاپ نموده است. برای مطالعه تاریخچه تدوین و ایده نخستین کلید قرآن به مقدمه مفصل آقای هاشمی در جلد اول مجموعه ۲۰ جلدی «تفسیر راهنما» مراجعه نمایید.




غواصان دلاور عملیات کربلای ۵

چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۶۵ | ۶ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 7 Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح برای رفتن به جنوب برای عملیات به فرودگاه رفتم. چون فضای خوزستان امن نیست، به شیراز رفتیم. از شیراز ساعت نه صبح با اتومبیل از طریق بهبهان به سوی اهواز حرکت کردیم. در ارتفاعات برف می‌بارید. جاده بد نبود؛ بخشی کوهستانی و بخشی دشت. حدود پانصد کیلومتر راه داشتیم که ساعت هشت شب رسیدیم. خسته شدم.

بعد از نماز و شام به قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) رفتیم. تا ساعت چهار بامداد، فرماندهان سپاه جمع شدند. درباره عملیات و زمان آن بحث شد. بعضی‌ها با زمان مقرر به خاطر اشکال مهتاب موافق نبودند و جمعی با تأخیر، به خاطر آماده شدن نیروها و امکانات در پای کار و احتمال قوی کشف شدن عملیات در صورت تاخیر و برگشتن نیروها که مدت تعهدشان تمام شده، مخالف بودند: آقایان [محسن] رضایی و [علی] شمخانی موافق و آقایان [غلامعلی] رشید و رحیم [صفوی] مخالف.

سرانجام قرار شد من و آقای رضایی تصمیم بگیریم. ما دو نفر به اضافه دکتر روحانی با توجه به اظهارات، به مشورت پرداختیم و عمل کردن در وقت مقرر را ترجیح دادیم و به قرارگاه چهار اعلان کردیم و قرار شد عملیات آغاز شود، مگر اینکه فرمانده سپاه تشخیص بدهد که مشکل عمده‌ای دارند.

تردیدها بسیار رنج دهنده است. برای اولین بار در تاریخ جنگ، قبل از عملیات دچار چنین حالی شده‌ام. شاید به خاطر وضعی که در عملیات کربلای چهار پیش آمد و چشممان ترسید و به خاطر مسئولیت مستقیمی که دارم و همین وضع درباره فرماندهان دیگر هم صادق است.

پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۶۵ | ۷ جمادی الاول ۱۴۰۶   8 Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز همراه دکتر روحانی و سرهنگ ترابی به اهواز آمدم؛ چون محافظان معتقد بودند، قرارگاه در روز امنیت ندارد، قرار شد روزها در قرارگاه نباشیم و شبها باشیم. به دفترم گفتم که خبری در اخبار ظهر پخش کنند که غیبت ما را از تهران توجیه نماید، ولی بالاخره گویا خواسته‌اند خبری در مورد ملاقات با امام باشد. امام موافقت نکرده‌اند که خبر ملاقات بدون واقعیت پخش شود.

دکتر روحانی و سرهنگ ترابی برای سرکشی به مراکز دریایی و پدافند و قرارگاه ابوالفضل(س) رفتند. ما هم در محل گلف ماندیم. آقای رئیس جمهور وضع را سئوال کردند. بعد از شام دسته جمعی دعای توسل خواندیم و برای پیروزی رزمندگان دعا کردیم.

قرار است عملیات ساعت دو بامداد شروع شود. خوابیدم و به آقای سنجقی گفتم هرگونه تحولی را به من اطلاع دهد و تلفنی با قرارگاه‌ها در تماس باشد. ساعت دو و ربع بامداد اطلاع دادند که عملیات ساعت یک شروع شد و در اغلب محورها موفق شده‌اند تا خط دشمن را در شلمچه بشکنند. عملیات کربلای ۵ با رمز "یا زهرا(س)" آغاز شد[1].

---

۱ ـ نام‌گذاری سال ۱۳۶۵ به «سال سرنوشت»، و عدم موفقیت در عملیات «کربلای ۴» بحران بزرگی را برای جنگ ایجاد کرده بود. آقای هاشمی به عنوانْ فرمانده عالی، ادامه جنگ را به شرط تضمین پیروزی مقبول می‌دانست و فرماندهان یگان‌های سپاه نیز که از نتایج عملیات «کربلای ۴» دچار فشار روحی بودند و نیز استحکامات شلمچه را غیرقابل عبور می‌دانستند، نه تنها تضمین پیروزی را میسر نمی‌دیدند، بلکه کسب موفقیت در شلمچه را غیرقابل دسترسی ارزیابی می‌کردند. اما در این میان فرمانده سپاه که از شکست در کربلای ۴، نقط ضعف دشمن در شلمچه را شناسایی کرده بود، از افراد امیدواری بود که در جلسات تصمیم‌گیری بر اجرای عملیات در منطقه شلمچه اصرار می‌ورزید و به عبارت دیگر، اگرچه عملیات «کربلای ۴» به موفقیت نینجامید، لیکن تاکتیک به کار رفته در آن عملیات در محور شلمچه که سبب شکسته شدن خط دشمن و نفوذ به عمق مواضع آن‌ها شد، آسیب پذیری موانع مستحکم شرق بصره را آشکار ساخت. به هر صورت، عملیات «کربلای ۵» در وضعیت بسیار دشواری طراحی و بلافاصله آغاز شد. در این عملیات مواضع عراق در کانال پرورش ماهی، پنج ضلعی و شلمچه از سمت شمال مورد هجوم قرار گرفت و بسیاری از دژهای نفوذناپذیر تسخیر شد. از آن جا که این عملیات تنها دو هفته پس از پایان عملیات کربلای ۴ به وقوع پیوست، دشمن از نظر زمان غافلگیر شد. همچنین به دلیل این که جهت هجوم نیروهای خودی، خلاف جهت آرایش نیروهای عراقی بود، در تاکتیک نیز دشمن غافلگیر شد. به این ترتیب خشنودی عراق در متوقف کردن عملیات ابوالخصیب (کربلای ۴) دیری

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)



صبح روز عملیات کربلای ۵

جمعه ۱۹ دی ۱۳۶۵ | ۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ 9 Janu 1987

ساعت چهار بامداد است و در گلف اهواز هستیم. ساعت دو و پانزده دقیقه بامداد آقای سنجقی بیدارم کرد و اطلاع داد پیشروی آغاز شده و چهار واحد ثارالله، فجر، عاشورا و سیدالشهداء خط‌ها را شکسته‌اند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نپایید و دو هفته بعد بصره که زمین‌های اطراف آن بسیار مسلح و نفوذناپذیر شناخته می‌شد، در مقابل هجومی جدید و تهدیدی جدی قرار گرفت؛ هجوم نیروهای پیاده‌ای که اگر به زرهی و هلی‌کوپتر تجهیز شده بودند، پیشروی آنان تا دروازه بصره مسلم به نظر می‌رسید. فرصت دادن به نیروهای رزمی سپاه و واگذاری این منطقه، به معنای تسلیم عراق و تحقق خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود، لذا عراق پذیرفت که برای سد کردن حرکت رزمندگان ایران بهای سنگینی بپردازد و با گسیل انبوه نیروهای خود به منطقه‌ای با وسعت کم، در زیر آتش شدید و مؤثر نیروی خودی ایستادگی نماید. این اقدام که به متلاشی شدن شمار فراوانی از یگان‌های عراقی انجامید، بدین معنا بود که دشمن برای از دست ندادن زمین شرق بصره، آماده پذیرش تلفات فراوان است. در عین حال ارتش عراق نتوانست مانع از سقوط مواضع خود در شرق بصره شود و ۸۰ درصد از هدف‌های عملیات کربلای ۵ تأمین شد. پیروزی ایران در این زمین شمارش معکوس پایان جنگ را در پی داشت. عبور از استحکامات شرق بصره نشان داد پیروزی ایران در هر وضعیت متصور است و استحکامات و تجهیزات عراق نمی‌تواند در بازداشتن رزمندگان ایران نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد، لذا برای جلوگیری از شکست ارتش عراق تلاش گسترده‌ای صورت گرفت که در نهایت به تصویب قطعنامه ۵۹۸ انجامید. در این عملیات حسین خرازی و اسماعیل دقایقی فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و ۹ بدر به شهادت رسیدند.

بلند شدم، وضو را گرفتم برای نماز شب. احساس کردم حال عبادت دارم. این اثر شکست حمله قبلی است که من را بیشتر متوجه به خدا کرده است. لابد روی دیگران هم چنین اثری داشته است. بالعیان اثر شکست را در ساختن انسان‌ها و شکستن غرورها در وجود خودم لمس می‌کنم و این نعمت عظیم الهی را می‌بینم که بندگانش را با تلخی و مشکلات می‌سازد و از انحراف و غفلت نجاتشان می‌دهد.

مدتی است که لذّت عبادت را خوب درک نمی‌کنم. عدم توفیق در عملیات گذشته که کربلای چهار نام گرفت، ضربه بیدارکننده‌ای بود. نماز شب را و دعای کمیل و دعای صباح و مناجات «راجین» را با حال و میل خواندم.

دو ساعتی را خوابیدم و پس از اذان صبح برای نماز برخاستم. حالی شبیه حال دوران زندان که از بهترین حالات عرفانیم بوده، داشتم. احساس رضایت از تقدیرات الهی سبکم کرده است.

آقای سنجقی در ساعت سه وچهل و پنج دقیقه [بامداد] اطلاع داد، دو لشکر فجر و سیدالشهدا(ع) خوب پیش می‌روند ولی عاشورا و ثارالله کندتر حرکت می‌کنند و لشکر امام رضا(ع) نیز شروع کرده و الغدیر و المهدی هم به خط آمده‌اند. اگر تا روشن شدن هوا، جای پای محکمی بگیرند، ادامه عملیات مقدور است.

پس از طلوع آفتاب، از قرارگاه مقدم اطلاع دادند که در بخشی از منطقه عملیاتی، نیروهای ما جای پای محکمی به دست آورده‌اند و مشغول پیشروی هستند و چند پل را ـ که دشمن در آب احداث کرده بود ـ تصرف نموده‌اند و ضلع شمالی کانال پرورش ماهی را نیز تصرف کرده‌اند.

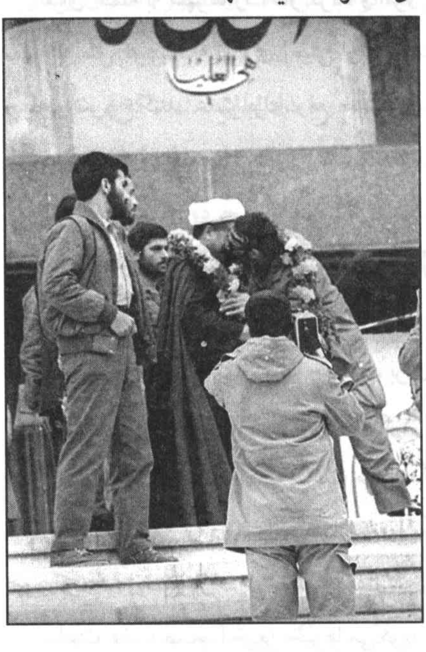
در عملیات رمضان [در سال ۶۱]، هدف عبور از کانال ماهی بود که موفق نشدیم و چند بار تاکنون برای گرفتن شلمچه عملیات کرده بودیم و موفق نبودیم.

ساعت نه صبح آقای رضایی اطلاع داد که در منطقه پنج ضلعی شلمچه، نیروهای ما به جنوب کانال ماهی رسیده‌اند و تعدادی از تانک‌های دشمن را غنیمت گرفته‌اند و راه برای عبور تانک‌های خودمان باز شده و اکنون با تانک، با دشمن آن طرف آب گرفتگی می‌جنگیم و حدود ۶۰۰ اسیر گرفته‌ایم. از اینکه در روز می‌توانند حمله را ادامه دهند، راضی است.

ضمناً دشمن، گویا توپهای خودش را از اینجا به منطقه فاو برده، یا برای حمله یا برای دفاع که گویا فریب خورده و آتش توپخانه دشمن و بمباران هواییاش ضعیف است. [سیستم دفاع موشکی] هاک هم فعال است و تاکنون ـ ساعت ده و نیم ـ دو هواپیمای دشمن را انداخته است. تا شب، یازده هواپیما را ساقط کردیم. در آخرین ساعات روز در نقاط حساسی از زمین دشمن، سر پل داشتیم و پاتک‌های



سخنرانی در جمع خط شکنان لشکر ۱۰ سیدالشهدا







دشمن را دفع کرده‌ایم. پنجاه تانک و نفربر غنیمت و ۶۵۰ اسیر گرفته‌ایم که به عقب تخلیه شده‌اند.

عراق حمله به شهرها را آغاز کرده و امروز سوسنگرد و دزفول را بمباران نموده و ما هم اعلان مقابله به مثل کردیم. به نیروی زمینی ارتش دستور دادم که خودشان را آماده کنند، تا در زمان مقرر حمله را شروع کنند. عصر برای رفع خستگی در جاده اهواز از دزفول رفتیم. کاهو خریدیم و همانجا خوردیم.

شنبه ۲۰ دی ۱۳۶۵ | ۹ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 10 Janu 1987

ساعت پنج بیدار شدم. نماز شب خواندم. برای پیروزی رزمندگان دعا و التماس کردم و مقداری از سوره انفال را خواندم. حال خوبی ایجاد کرد. ساعت شش و نیم از آقای سنجقی آخرین خبرهای میدان جنگ را خواستم. گفت ساعت سه بامداد گفته‌اند که دو لشکر نجف و امام حسین(ع)، یک تیپ مکانیزه دشمن را در محاصره دارند و لشکرهای نصر و علی بن‌ابی طالب(ع) از جاده شلمچه عبور کرده، وارد میدان نبرد شده‌اند. گفتم آخرین اخبار را بیاورد.

ساعت هفت صبح آخرین خبرها می‌گوید، دیشب پیشرفت زیادی نداشته‌ایم. امید زیادی به

پیشرفت بود. معلوم شد دشمن توانسته تعادل خود را بدست بیاورد و در خطوط جدید مقاومت نماید. در مجموع از نقاطی که تا دیشب گفته بودند، در اختیار داریم، در بعضی موارد جلو رفته‌ایم و در بعضی موارد عقب و در مواردی ثابت مانده‌ایم. به احتمال قوی امروز درگیری‌ها، شدید خواهد بود. هوا ابری و نیروی هوایی دشمن ضعیف است.

ساعت هشت و نیم اطلاع دادند یک هواپیمای دشمن ساقط و خلبانش اسیر شده است. درخواست کمک بیشتر هوانیروز و هوایی شد. با سرهنگ جمالی جانشین فرمانده نیروی زمینی برای ساعت(س) روز عملیات ارتش مذاکره کردیم. سه روز مهلت خواست. با مهلت دو روز موافقت و ابلاغ گردید. بعضی‌ها معتقدند آنها می‌خواهند با تأخیر یا از حمله معاف شوند ـ در صورت ناموفق ماندن عملیات جاری ـ و در صورت تداوم یا پیروزی کامل عملیات جاری، جبهه مقابل آنها خلوت شود.

تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر پاتک‌های دشمن به شدت ادامه دارد و گاهی در صفوف ما نفوذ می‌کند و سپس عقب زده می‌شود. در غرب کانال ماهی فشار بیشتر است.

بعد از ظهر آقای رضایی اطلاع داد که حمله‌ای داشته‌ایم و پیشرفت خوبی بوده است. اول شب اطلاع دادند که کلیه پاتک‌های امروز دشمن دفع شده و خودمان را برای حمله به دشمن آماده می‌کنیم.

آقای رفیق‌دوست از قرارگاه مقدم آمد و گزارش حضوری داد. مطلب جدیدی نداشت. خواستار تغییر محل سایت موشکی هاک شدند که با رسیدگی و مذاکره با سرهنگ [منصور] ستاری [معاون طرح و برنامه نیروی هوایی] مصلحت ندیدیم.

آخر شب اطلاع دادند در سه محور حمله کرده‌ایم و ساعت دو بامداد اطلاع دادند که هر سه محور موفق بوده‌اند. آقای محمدی عراقی آمد و خبر آورد که تعداد شهدا در کربلای پنج، خیلی کم است. دکتر کی‌نژاد آمد. وضع هوا در سه روز آینده را گفت. عراق امروز به بروجرد، رامهرمز و نهاوند موشک زد و اصفهان را بمباران کرد؛ همان رفتارهای معمولش که بعد از هر شکست، با شرارت در شهرها و مراکز غیر نظامی عمل می‌کند.

یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۶۵ | ۱۰ جمادی الاول ۱۴۰۶   ۱۱ Janu ۱۹۸۷

ساعت دو بامداد آقای سنجقی بیدارم کرد و گفت برای انتقال مجروحان، نیاز به هواپیمای بیشتر داریم. آقای دکتر روحانی را بیدار کردیم. مذاکره شد. چون هوا در فرودگاه اهواز مساعد نیست، قرار شد

آنها را به امیدیه ببریم و از آنجا منتقل کنیم.

بعد از نماز صبح و استحمام، گزارش جبهه را از آقای رضایی گرفتم. راضی و خوشحال بود و اطلاع داد پاتک‌های دشمن در چند محور با نیروهای تازه نفس گارد مخصوص شروع شده است. مرتباً وضعیت قرمز و آژیر خطر به صدا در می‌آمد. عراق حمله به شهرها را شروع کرده و با وسعت ادامه می‌دهد. ما هم مقابله به مثل می‌کنیم.

نزدیک ظهر، آقای رضایی اطلاع داد که پاتک دشمن دفع شده و در محور جنوب که به سوی جزیره بوارین پیش می‌رویم، موفقیت‌های خوبی داشته‌ایم. از تاخیر دو روزه عملیات ارتش، اظهار شکوه کرد. به نخست وزیر در جلسهٔ هیأت دولت تلفنی گفتم، اعتبار سپاه را بدهند و خبر موفقیت‌های دیشب را دادم.

احمدآقا هم تلفنی از اوضاع جنگ پرسید و جواب گرفت. اطلاع داد که آیت‌الله منتظری نامه‌ای به امام نوشته و از احتمال تبعید آسیدهادی اظهار نگرانی کرده و گفته چون کمک کار نخواهند داشت، اگر بناست او تبعید شود، پس به ایشان اجازه داده شود که منزوی شوند.

اطلاع رسید که امروز صبح اعضای سپاه پاسداران توانسته‌اند، موشک اسکاد ـ بی به بغداد شلیک کنند. خوشحال شدیم، چون مأموران لیبی اخیراً از همکاری استنکاف کرده‌اند و معلوم نبود که خودمان بتوانیم عمل کنیم. مخصوصاً وقتی که خبرگزاری‌ها از شنیده شدن انفجار در بغداد خبر دادند، اطمینان کامل پیدا شد. این توفیق نیروهای خودمان در راه اندازی سایت موشکی، فتح مهمی است[1].

بعد از ظهر، اطلاعات بیشتری از موفقیت در محور جنوبی شلمچه و درگیری در جبهه غربی آن

---

۱ ـ موشک اسکاد برای بسیاری از ایرانیان به ویژه ساکنان استان‌های خوزستان، ایلام و تهران یادآور خاطرات دردناکی از موشک باران‌های شبانه عراق است؛ موشک‌های ۹ متری در خیابان‌های ۶ متری. موشک اسکاد در اواسط دهه ۵۰ میلادی توسط شوروی با الگوبرداری از طرح‌های بدست آمده از آلمان تولید شد. موشک اسکاد ـ بی دومین مدل خانواده موشک‌های اسکاد است. سیستم هدایت این موشک به کنترل اینرسایی تغییر کرد که دقت آن را از ۳۰۰۰ متر به ۴۵۰ متر ارتقا داد. این موشک از یک موتور سوخت مایع استفاده می‌کند که به آن بُرد بین ۱۶۰ تا ۲۵۰ کیلومتر می‌دهد و قابلیت حمل سه کلاهک جنگی تا ۵۴۰۰ کیلوگرم دارد. هر موشک اسکاد بی به همراه خود نیاز به ۶ نفر خدمه برای راه‌اندازی و کنترل شلیک دارد. اولین حضور رزمی موشک اسکاد به سال ۱۹۷۳ و جنگ اعراب و اسرائیل برمی گردد که مصر تعداد محدودی موشک اسکاد به اسرائیل شلیک کرد. در جریان جنگ عراق با ایران نیز بیش از ۶۰۰ فروند موشک اسکاد توسط دو کشور مورد استفاده قرار گرفت. حملات موشکی ابتدا توسط عراق آغاز شد و چون اسکاد دارای دقت زیادی نیست و برای حملات دقیق مناسب نیستند، فقط برای ناامن کردن شهرهای ایران مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در سال‌های بعد نیز ایران برای پاسخگویی به حملات عراق، شهرهای این کشور از جمله بغداد را مورد حمله قرار داد. یک سال پیش از پایان جنگ، عراق سر جنگی موشک‌ها را کوچک‌تر کرد تا میزان سوخت آنها را افزایش دهد، به این ترتیب موشک‌های جدید به برد ۶۵۰ کیلومتر رسید که موسوم به موشک «الحسین» شد و ۱۷۰ فروند به تهران و شهرهای حومه شلیک گردید. در سال‌های بعد عراق موشک «العباس» را با برد ۸۰۰ کیلومتر طراحی کرد که هیچ‌گاه به مرز تولید و استفاده نرسید.

گرفتیم. برای تفرج به بیرون اهواز رفتیم. کاهو خوردیم و اسلحه‌ام را آزمایش کردم. اول شب درباره محل سایت موشکی هاک تصمیم‌گیری کردیم. با آقای خامنه‌ای، تلفنی درباره فرمانده نیروی هوایی صحبت کردم.

امروز عصر هم عراق به باختران و ایلام موشک زده؛ نشان ضعف و استیصال است. با آقای رضایی، آخر شب تماس گرفتم. معلوم شد نیروها در منطقه عملیاتی کربلای پنج از چند محور پیشروی را آغاز کرده‌اند و راجع به ادامهٔ عملیات و عملیات آینده ارتش صحبت کردیم.

تلفنی با عفت در منزل حرف زدم. گفت مردم خیلی از پیروزی‌ها خوشحالند و گفت که نقل شد من مجروح شیمیایی شده‌ام. گفتم دروغ است. لابد خبر مصدوم شیمیایی شدن مهدی در عملیات گذشته هم به این صورت درآمده است. آمار شهدا و مجروحان را گرفتم. تا ساعت نه صبح تعداد ۹۳۱ شهید و ۶۰۱۰ مجروح داشته‌ایم.

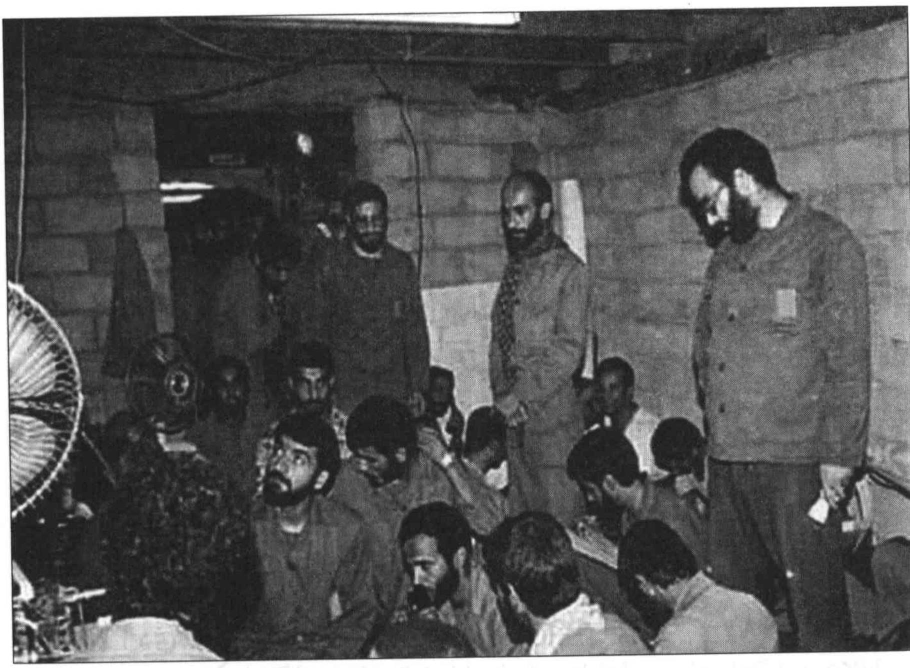
دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۶۵ | ۱۱ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 12 Janu ۱۹۸۷

اول از آقای محسن رضایی در مورد عملیات دیشب اطلاع گرفتم. معلوم شد در محور جنوب به جزیره بوارین رسیده‌اند و مشغول پاکسازی جزیره هستند و در نقطه‌ای بر سر قرارگاه دشمنان درگیرند. در محور غرب شلمچه، پیشرفت نداشته‌اند و فقط انهدام دشمن انجام شده؛ گویا دشمن هم با حضور شخص صدام در این محور، برنامه تهاجم وسیع داشته که شکست خورده است. در شمال جبهه با تصرف پلی بر روی کانال ماهی پیشرفت کرده‌اند. به آقای خرازی گفتم تبلیغات را با شور و حال ادامه دهند. از مشکلات فیلمبرداران در جبهه و سخت‌گیری حفاظت، شکوه شد که کمک کردیم.

آقای روحانی اطلاع داد که به آقای صدیق فرمانده نیروی هوایی گفته‌اند در بیمارستان به صورت ظاهر بستری شود، تا تکلیف مسأله [سرهنگ عابدی] خلبان رئیس ستاد نیرو که با اجازه شخص صدیق به لندن رفته و خانواده‌اش را برده و احتمالا از ترس تعقیب یک اتهام برنمی‌گردد، روشن شود.

عصر آقای روحانی و آقای ترابی، برای بررسی برنامهٔ عملیات ارتش به غرب رفتند. امروز هم عراق به شهرها، حمله وسیع با بمباران و پرتاب موشک داشته است. مهمترین حربه‌اش را به کار گرفته. تعداد شهدا تا امروز ۱۵۰۰ نفر است.

اول شب آقای سعیدی مسئول حفاظت سپاه آمد. گزارشی در مورد پروندهٔ [همایون]انصاری



اتاق فرماندهی عملیات

[شیرازی] ـ دلال اسلحه که اخیرا به اتهام گرفتن مبلغ کلانی از اتریشی‌ها در معاملهٔ توپ ۱۵۵ و رشوه دادن به مسئولان بازداشت شده ـ داد.

شب به محل قرارگاه سابق خاتم در جاده اهواز خرمشهر رفتیم. آقایان رحیم صفوی، رشید و رفیق‌دوست از منطقه عملیاتی آمدند. توضیحاتی دربارهٔ برنامه عملیات و وضع موجود دادند[1]. دشمن به سختی مقاومت می‌کند و پیشروی ما به کندی انجام می‌شود. نیروها نیاز به واحدهای تازه نفس دارند. اصرار داشتند که عملیات ارتش به تاخیر نیفتد که دشمن مجبور به تقسیم نیروهایش بشود و می‌تواند نیروی زیاد به منطقه بصره بیاورد.

در انتهای کانال ماهی، دشمن در میان نیروهای ما موضعی را حفظ کرده و مانع الحاق دو بخش مهم صفوف ما در پنج ضلعی و کانال می‌شود. به گلف برگشتم. امروز دستوری به واحدهای سپاه مبنی بر تداوم عملیات و بهره برداری کامل از امکانات و نیروها خطاب به فرمانده سپاه دادم.

سه‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۶۵ | ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۷ 13 Janu 1987

بعد از نماز صبح با آقای شمخانی تلفنی صحبت کردم. دیشب توانسته‌اند یکی از قرارگاه‌های مهم

۱ـ شرح کامل عملیات کربلای ۵ در بخش ضمایم همین کتاب به تفصیل درج شده است.

دشمن در شرق رود دویجی را تصرف کنند و نیروی کافی وارد جزیره بوارین کنند. دیشب هم وارد شده بودند، ولی چون مشکل همان قرارگاه باقی بوده، پیشرفتی حاصل نشده بود. آقای محسن رضایی اطلاع داد که موشک به بغداد زده شده است. دستور دادم حل مسأله نفوذ دشمن در میان دو بخش در اولویت قرار گیرد. قرار است برای نظارت بر عملیات ارتش به غرب بروم.

آقای [احمد] وحیدی آمد. از قربانی‌فر نقل کرد که به کنگرلو گفته نظامیان شوروی بـه عـراق آمده‌اند و هدایت عملیات در مقابل ما را به عهده گرفته‌اند. لحن شوروی در حمایت از عراق، اخیراً صریح و گستاخ شده است.

ساعت نه صبح به سوی غرب حرکت کردیم. در بین راه از اندیمشک وضع جبهه را پرسیدیم. نگران بودیم، چون نیروهای گارد رئیس جمهور عراق، امروز پاتک سنگینی آغاز کرده‌اند. ناهار را در کافه‌ای در نزدیک کوهدشت خوردیم و نماز ظهر را همان جا خـوانـدیم. نـزدیک غـروب بـه اسلام‌آباد غرب رسیدیم. تازه بمباران شده بود. مردم شهر را تخلیه کرده بودند و شبیه تعطیل عمومی بود، حتی پمپ بنزین‌ها هم کار نمی‌کرد.

اول شب به قرارگاه غرب نیروی زمینی ارتش در ارتـفاعات مشرف بـه سـومار و نـفت شـهر رسیدیم[1]. در بین راه بعد از کوهدشت تا اینجا، همه جا از میان جنگل‌های بلوط گذشتیم. خوشبختانه در غرب این همه جنگل خوب داریم.

در قرارگاه، آقای حسنی سعدی و آقای جمالی گفتند که دیشب یک اسیر عراقی گرفته‌ایم. او گفته که از عملیات ما مطلعند و آنها هم یک درجه‌دار از ما اسیر گرفته‌اند. نظرشان را راجع به انجام عملیات خواستم. گفتند بهتر است عمل بکنیم. آنها برای انجام عملیات جلوتر رفتند. من هم در قـرارگـاه بـه انتظار ماندم.

احمدآقا تلفنی پیغام داد که زدن موشک به بغداد خیلی موثر بوده، باز هم زده شود. گفتم بزنند.

---

۱ ـ عملیات آزاد سازی «نفت شهر» قرار بود هم زمان با عملیات «کربلای ۴» در جنوب، در منطقه‌ای وسیع انجام شود، زیرا آزادی این منطقه و پیشروی به سوی «نفت خانه» عراق، علاوه بر آزاد سازی بخشی دیگر از خاک خودی، می‌توانست جبهه جدیدی را هم زمان با عملیات جنوب، بگشاید و دشمن را تجزیه سازد، اما این حرکت موازی که قرار بود ۴۸ ساعت پس از شروع عملیات جنوب آغاز شود، با توقف عملیات «کربلای ۴» به تعویق افتاد. آغاز عملیات «کربلای ۵» در نزدیکی بصره، به دلیل اهمیت این منطقه برای عراق، واکنش شدید ارتش این کشور را برانگیخت، چندان که سنگین‌ترین درگیری‌های تمام طول تاریخ جنگ تحمیلی به وقوع پیوست و تداوم عملیات با مقاومت بسیار شدید دشمن مواجه شد، در این زمان اجرای عملیات در نفت شهر بیش از پیش ضرورت یافت، بنابراین، عملیات «کربلای ٦» که در ارتش جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی شده بود، به اجرا درآمد. در صورت موفقیت این عملیات، از فشار دشمن در جنوب کاسته می‌شد و پیشروی خودی در منطقه شرق بصره تسهیل می‌گردید. اما در عمل نیروهای خودی در شکستن و عبور از خط دشمن توفیقی نیافتند و عملیات متوقف شد. بدین ترتیب نفت شهر آزاد نشد، نفت خانه مورد تهدید قرار نگرفت و از فشار دشمن در منطقه شرق بصره کاسته نشد.



موشک هاک

بعد از نماز و شام، دعای توسل خواندیم. ساعت ده ونیم، عملیات با رمز یا فاطمه الزهرا(س) آغاز شد. نیروی زمینی با پنج لشکر عمل می‌کند. از بام قرارگاه، خواستم منظره را ببینم، ولی جز صدای توپ‌ها و برق آتش سلاح‌ها، چیزی قابل تشخیص نبود. به انتظار نتیجه ماندیم. اطلاع رسید عراق، خرم‌آباد و باختران را بمباران کرده و در جنوب موفقیت داشته‌ایم.

چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۶۵ | ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۰۶ — ۱۴ Janu ۱۹۸۷

نزدیک صبح بیدار شدم. از نتیجه عملیات اطلاع گرفتم. گفتند در دو محور راست و چپ موفق بوده‌اند، ولی در دو محور وسط که اصل و هدف عملیات بوده، پیشرفتی نداشته‌اند. آقای روحانی هم صبح از قرارگاه جلو آمد و شرح کار را داد. آقایان حجازی و رازینی هم آمدند. مایوس نبودند، ولی آقای روحانی به ادامه کار خوشبین نیست. سایت هاک[1] را هم که بنا بود اینجا باشد، هنوز راه

---

۱ ـ موشک هاوک (HAWK) نوعی سامانه موشکی زمین به هوا برای ارتفاعات بالا است. این موشک، میان برد و ساخت شرکت آمریکایی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نینداخته‌اند. گویا یک بخش آن از هلی‌کوپتر حامل آن افتاده و خراب شده است. برنامه تبلیغی را مشخص کردیم و آقای خرازی به اجرا پرداخت.

با قرارگاه عملیات کربلای پنج در جنوب تماس گرفتیم. دیروز و دیشب هم پیشرفت‌هایی داشته و پاتک‌ها را به خوبی دفع کرده‌اند. امروز مشغول پاکسازی جزیرهٔ بوارین هستند. عصر فرماندهان ارتش آمدند و جمع‌بندی عملیات را گفتند. قرار شد عملیات را ادامه دهند. نیاز به کمپرسی داشتند، به آقای فروزنده گفتم که تأمین کنند. با اتومبیل به سوی تهران حرکت کردیم. از ساعت پنج عصر تا سه بامداد در راه بودیم.

پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۶۵ | ۱۴ جمادی الاول ۱۴۰۶ — ۱۵ Janu ۱۹۸۷

ساعت نه صبح به مجلس آمدم. از جبهه‌ها سراغ گرفتم. جنوب خوب است و غرب جالب نیست. پیشروی جنوب هم کند است. بعد از تنفس در جلسهٔ علنی شرکت کردم. پس از ختم جلسه، اوضاع جبهه‌ها را برای نمایندگان توضیح دادم. خیلی خوشحالند. بمباران شهرها در سایه پیروزیهای جبهه، تلخی و تاثیرات سوء معمولی را ندارد.

ظهر و عصر در دفترم به خواندن گزارش‌ها و رسیدگی به امور جنگ گذشت. شب آقایان نخست وزیر و رئیس جمهور آمدند. توضیحات وضع جبهه‌ها را دادم و در امور مربوط، مشورت شد. در مورد فرماندهی نیروی هوایی و مسأله کویت و انتقاد از شوروی در نماز جمعهٔ فردا بحث شد. شب به خانه رفتم.

جمعه ۲۶ دی ۱۳۶۵ | ۱۵ جمادی الاول ۱۴۰۶ — ۱۶ Janu ۱۹۸۷

از جبهه‌ها خبر گرفتم. در جنوب پیشرفت داشته‌ایم و در جزیره بوارین و در غرب خبری نبوده، جز

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ریتیون است. موشک هاوک که در ایران به «هاک» معروف است، در آغاز برای نابودسازی هواگردها طراحی شده بود، ولی بعداً برای نابود کردن دیگر موشک‌ها نیز تغییراتی در طرح دادند. موشک‌هاوک از سال ۱۹۶۰ میلادی وارد خدمت شده است. در ماجرای مک فارلین، ایران تعدادی از این موشک‌ها را توانست از این کشور خریداری نماید.

پاتک دشمن. در نماز جمعه عمدتاً درباره جنگ حرف زدم[۱]. عصر احمدآقا آمد. درباره جنگ و فرماندهی نیروی هوایی صحبت شد. آقای رحمانی آمد و درباره اعزام نیروهای بسیج، برای اعزام نیروی انبوه در دهه فجر مشورت کرد.

شب بیشتر به مطالعه گزارش‌های رسیده چند روز سفرم گذشت. امروز ما به بغداد موشک زدیم و عراق چند مورد بمباران شهرها داشت. در حال اقامه نماز جمعه و ایراد خطبه، وضعیت قرمز اعلان شد و آژیر خطر به صدا در آمد و وضع مراسم عادی ماند و من به صحبت ادامه دادم و مردم مضطرب نشدند. همان لحظه قم بمباران شد و در نماز جمعه قم، مردم با شعار و حماسه به استقبال بمباران رفتند[۲].

شنبه ۲۷ دی ۱۳۶۵ | ۱٦ جمادی الاول ۱۴۰٦ — ۱۷ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز تا ساعت نه صبح، در منزل گزارش‌ها را خواندم. از [جبهه] غرب، فرمانده نیروی زمینی

---

۱ - در این خطبه آقای هاشمی ابتدا وضعیت جنگ در میدان‌های نبرد را تشریح کرد، سپس به بیان اهمیت جزیره بوارین برای عراق، تحلیل رفتن بنیه نظامی عراق، نقش هوانیروز در عملیات کربلای پنج، تفاوت عملیات کربلای پنج با عملیات والفجر هشت، مقاومت شهرهای مرزی در مقابل بمباران‌های عراق، اشتباه بزرگ عراق در بمباران شهر مقدس قم و لزوم تداوم عملیات اخیر پرداخت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "وارد شدن به بصره در این جنگ مسأله‌ای نیست، یعنی اگر هدف ما این باشد که وارد بصره شویم، ممکن است یک راهی که راه‌های زیادی هم در پیش است، راه باریکی پیدا کنیم و به بصره برویم اما این هدف نیست، چیزی را تأمین نمی‌کند. باید ما در کنار بصره با عراق تسویه حساب کنیم. باید اینجا مسائلی که برای آینده جنگ لازم است، تأمین کنیم. بنابراین هدف خودمان روشن است و تبلیغات انحرافی استکبار جهانی هم نمی‌تواند مسایل را منحرف کند و رزمنده‌ها طرح خودشان برایشان مشخص است و دارند همان راهی که برنامه‌ریزی کرده‌اند و بحمدالله همان گونه که برنامه‌ریزی شده بود و همان جا که ما مایل بودیم با ارتش عراق درگیر باشیم، در همان نقطه درگیر هستیم. اگر یک مقدار عقب‌تر برویم، در آب درگیر بودیم. اگر یک مقدار جلوتر باشیم، مسایل دیگری مطرح است. اینجا جای تسویه حساب است و اینجا جایی است که باید برای دنیا معلوم بشود که قدرت واقعی مال کیست؟ و این ملت ما هستند که قوی‌اند، نه قدرت‌های پوشالی که می‌خواهند در پناه زرق و برق پولاد و غرش هواپیما، خودشان را مخفی کنند و خودشان را حفاظت کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ - شورای امنیت سازمان ملل، در این روز با انتشار یک درخواست فوری، بار دیگر خواستار پایان دادن جنگ میان عراق و ایران به ویژه حمله به هدف‌های غیرنظامی شد. ۱٦ عضو شورا در پی چندین روز اجلاس در پشت درهای بسته، متن کامل درخواست اعضا را منتشر کردند. این متن حاکی است شورای امنیت عمیقاً نگران است که از زمان درخواست اولیه خود در ۲۲ دسامبر، درگیری‌ها میان ایران و عراق شدیدتر شده و خطر جنگ که هم اکنون بیش از شش سال از آن می‌گذرد، تهدید فزاینده را متوجه ثبات منطقه نموده است. این درخواست گسترش قابل ملاحظه جنگ که در برگیرنده نقض جدی اصول و قوانین بین‌المللی و سایر قوانین جنگ می‌باشد را خاطرنشان ساخته که اشاره‌ای به حملات علیه هدف‌های غیرنظامی و استفاده از سلاح شیمیایی بوده است. در این بیانیه از شورای امنیت خواسته شده که هرگونه اقداماتی را جهت توقف درگیری‌ها و حل اختلاف از طریق صلح جویانه ادامه دهد. آقای میرحسین موسوی نخست وزیر در پایان جلسه هیأت دولت بیانیه شورای امنیت را غیرمنصفانه و ناعادلانه خواند و آن را رد کرد.

گفت در اثر پاتک دیروز دشمن، دیشب نتوانسته‌اند عمل کنند و به فردا شب موکول شده است. به مجلس آمدم. تا ظهر به خواندن گزارش‌ها گذشت. آقای معادیخواه، تلفنی خواست بودجه ماهانه بنیاد تاریخ را تا چهار صد هزار تومان بالا ببریم.

آقای اقبالی برای تعیین مسأله سفر به جنوب آمد که قرار بود با قطار برویم، ولی در اثر بمباران پل تله زنگ، قطار نمی‌رود. به آقای شهاب گفتم از امکانات قرارگاه ابوالفضل(س) برای آزمایش استفاده شود. اطلاعات از [جبهه] جنوب می‌گوید که کار تسخیر جزیره بوارین تمام شده و جمعی از عراقیها فرار کرده‌اند. نیروهای ما در حال تسخیر جزیره ماهی و طویله در جنوب بوارین هستند.

ظهر صدای انفجاری شنیده شد و بلافاصله ضد هوایی‌ها کار کردند و سپس وضعیت قرمز اعلان شد. بعداً معلوم شد دو هواپیمای عراقی به شمال غرب تهران نفوذ کرده و در ولنجک بمب انداخته‌اند که دو نفر شهید و جمعی مجروح شده و شیشه‌های خانه‌ها - منجمله منزل اخوی محمد - در منطقه وسیعی شکسته و نیروی هوایی اصلاً اثری از آنها را در رادارها ندیده است[1].

شب با دیگر سران قوا مهمان احمدآقا بودیم. امام هم شرکت کردند. از نتایج عملیات راضی‌اند. توضیحاتی درباره عملیات جنوب دادم. اصرار به ادامه عملیات دارند. اجازه ندادند که موشک به بندر کویت بزنیم.

بعد از رفتن ایشان درباره آسید هادی هاشمی صحبت شد. وزارت اطلاعات از امام اجازه تبعید خواسته و امام به سران قوا محول کرده‌اند[2]. من با تبعید مخالفت کردم و گفتم پستی بدهیم و مامور به

---

۱ - این حمله مقارن ساعت ۱۲:۲۵ دقیقه انجام شد و در اثر آن چهار منزل مسکونی ویران و به چند ساختمان خساراتی وارد آمد. همچنین تا شعاع پانصدمتری محل اصابت راکت یا بمب، شیشه‌های منازل شکست. یک مرد ۵۵ ساله و دوکودک دو و چهار ساله در اثر این حمله هوایی به شهادت رسیدند. در این روز چند نقطه مسکونی شهر تبریز در دو نوبت هدف بمباران هواپیماهای عراقی قرارگرفت. در این حملات ۱۵ نفر شهید و ۲۵ نفر مجروح شدند. در اثر این حمله هوایی ۲۰ واحد مسکونی تخریب شد و به چند واحد مسکونی دیگر خساراتی وارد آمد. در اهواز نیز بمباران وحشیانه هوایی، باعث شهادت ۳۳ نفر و مجروح شدن ۴۰۰ نفرگردید. در اصفهان تجاوز دو هواپیمای مهاجم عراقی و بمباران مناطق مسکونی مستضعف نشین این شهر، موجب شهادت یک نفر و مجروح شدن ۵ نفر شد. درکوهدشت، بمباران هوایی ۱۷ شهید و ۱۰۰ مجروح بر جای‌گذاشت. شهر خرم آباد نیز مورد تجاوز هواپیماهای عراقی قرارگرفت و چهار نفر شهید شدند و به چند واحد مسکونی آسیب رسید.

۲ - آقای محمدی ری شهری این موضوع را در نامه‌ای از محضر حضرت امام (ره) درخواست کرد. امام خمینی در مورخه ۲۴ دی، آن را به رؤسای سه قوه احاله فرموده و در ۲۸ دی با آن موافقت کردند. متن نامه به این شرح است: "بسمه تعالی. رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی - سلام علیکم" با بررسی‌های انجام شده دربارهٔ اتهامات آقای سید هادی هاشمی، وزارت اطلاعات به این نتیجه رسیده که لازم است نامبرده مدتی زیر نظر این وزارتخانه به یکی از نقاط کشور تبعید گردد. موافقت و اجازهٔ حضرت عالی برای اقدام ضروری است. ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ - محمدی ری شهری" پاسخ حضرت امام: " بسمه تعالی، رؤسای محترم سه قوه در این امر رسیدگی نمایند و آنچه تشخیص داده شده مجازید، عمل نمایند. ۲۴ دی روح الله الموسوی الخمینی" پاسخ ۲۸ دی: "بسمه تعالی، با حفظ تمام موازین عدل و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خارج کنیم. آقای موسوی اردبیلی هم با نظر من موافقت کردند. به نتیجه نرسیدیم. درباره مصاحبه من با رادیو آمریکا ـ به طور مستقیم و پخش زنده ـ بحث شد. همه موافقت دارند. قرار شد انجام شود. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۶۵ | ۱۷ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 18 Janu 1987

بعد از نماز به مجلس رفتم. با جبهه تماس گرفتم. در منطقه نفت شهر، ارتفاع مهمی در شرق نفت شهر را گرفته‌ایم. در جنوب هم به طرف بصره پیشرفت داشته‌ایم. قبل از دستور در جلسه علنی سخنانی ایراد کردم[1] که بیشتر به منظور جا افتادن حضورم در تهران قبل از رفتن به جبهه بود[2].

به دفترم آمدم. آقای [علی اکبر] ناطق نوری آمد و برنامه‌ای برای عمل در داخل عراق ارائه داد که قرار شد بعد از سفرم بررسی شود. آقای سیدزاده آمد ودر مورد سفر رئیس مجلس صحرا مشورت کرد.

ساعت نه ونیم با اتومبیل به سوی اهواز حرکت کردیم. در بین راه قم، لباس نظامی پوشیدم. از سلفچگان، جاده دلیجان، محلات، خمین، الیگودرز، ازنا، درود و خرم آباد رفتیم. با اینکه قدری دورتر شد اما به علت تازگی داشتن، کمتر خسته کننده بود.

مغرب به خرم آباد رسیدیم. ناهار را در مزرعه‌ای در حومه الیگودرز خوردیم. پاسداران از کافه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

انصاف موافقت می‌شود. ان‌شاءالله تعالی موفق باشید. ۶۵/۱۰/۲۸ روح‌الله‌الموسوی الخمینی" رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۸۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "از طرف همه نمایندگان مجلس تشکر می‌کنیم از رزمندگان عزیزمان که این روزها حرکات‌شان مایه عظمت اسلام و وحشت کفر و ارتجاع در منطقه است ما از پیروزی‌های چشمگیرشان و موفقیت‌های کم‌نظیرشان مطلعیم و امید به آینده‌ای بهتر در جریان این عملیات داریم. اکنون در ساحل شمال شط‌العرب رزمندگان عزیز ما حدود دوازده کیلومتر از نقطه آغاز به طرف شهر بصره پیش رفته‌اند و منطقه ابوالخصیب و حومه بصره در جنوب شط‌العرب در فاصله ۵۰۰ متری رزمندگان ما است که در جزایر ماهی و طویله و بوارین متمرکزند. در غرب برادران جان برکف ارتشی ماگام‌های بلندی در جهت رسیدن به اهداف شان برداشته‌اند که اخبارشان را از رسانه‌ها خواهیم شنید. چیزی که برای مردم ما، برای دنیا جالب است و باید توجه رسانه‌های جمعی بی‌انصاف و مراکز جهانی بی‌انصاف را به خودش جلب بکند، تفاوتی است که در شیوه عمل رزمندگان ما و بعث عفلقی عراق دیده می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵"، "دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در این جلسه، نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی خطاب به پارلمان‌های دنیا در ارتباط با حملات وحشیانه عراق به شهرها و مناطق مسکونی کشور قرائت شد.

چلوکباب گرفته و به آنجا آوردند. با صفا و خوش هوا بود. نماز مغرب و عشاء را در حومه اندیمشک خواندیم و شام را در راه حاضری خوردیم. ساعت دوازده شب به اهواز رسیدیم و در گلف مستقر شدیم.

با آقای محسن رضایی تماس گرفتیم. گفت عملیاتی شروع کرده‌ایم و به سوی خط دشمن پیشرفت داشته‌ایم. قرار شد فردا برای توضیح و مشورت بیشتر اینجا بیاید. عراق امروز در شهرها شرارت زیادی کرده است. در مقابل شکست در جبهه‌ها، متوسل به زدن شهرها شده است[۱].

دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۶۵ | ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ 19 Janu 1987

بعد از نماز با آقای شمخانی در قرارگاه مقدم تماس گرفتیم. اطلاع داد که در عملیات دیشب پیشرفت خوبی داشته‌ایم و دو جاده در جنوب منطقه عملیاتی را که دشمن از آنها استفاده می‌کرد، قطع کرده‌ایم و خواست که نیروی هوایی، امروز فعال باشد. آقای سنجقی هم اطلاع داد که در غرب هم ارتش در ارتفاعات شرمیل تثبیت شده و چند ارتفاع دیگر را هم گرفته است.

آقای رضایی آمد و توضیحات کاملی در مورد عملیات جاری و برنامه‌های آینده داد[۲]. دیشب از

---

۱ - هواپیماهای عراقی شهرهای سنندج، نهاوند، ملایر، دزفول، مسجد سلیمان، اصفهان، ایلام، بروجرد و خرم آباد را بمباران کردند. در بمباران وحشیانه شهر سنندج ۲۲۰ نفر شهید و بیش از ۵۰۰ نفر مجروح شدند. هشت فروند هواپیمای جنگی ۱۸ نقطه از شهر سنندج را بمباران نمودند. در نهاوند نیز بمباران هواپیماهای مهاجم ۲۳ شهید و ۱۰۰ مجروح برجای گذاشت. در بروجرد نیز در اثر بمباران، قسمت‌هایی از مسجد جامع این شهر تخریب شد.

۲ - پیروزی‌های چند روز گذشته نیروهای ایران در خاک عراق در اغلب روزنامه‌های بین‌المللی امروز دوشنبه بازتاب گسترده‌ای داشت. این روزنامه‌ها تأکید نموده‌اند که رژیم عراق برای مقابله با حملات اخیر ایران با مشکلات روزافزونی مواجه است و قوای بغداد نتوانسته‌اند سربازان ایرانی را از مواضع به دست آورده بیرون کنند. روزنامه «لوکوتیدین دوپاری» ضمن اشاره به فتوحات جدید ایران می‌نویسد: گرچه هرگونه ارزیابی دقیق اوضاع واحوال جبهه‌های جنگ به علت نبودن ناظران بی‌طرف در محل بسیار دشوار است، با این حال به نظر می‌رسد عراقی‌ها پس از خنثی کردن حمله ماه دسامبر (آذرماه) نیروهای ایران و پس گرفتن جزیره کوچک «ام‌الرصاص» برای مقابله با حمله جدید ایران که در ۹ ژانویه (۱۹ دی ماه) از طریق شهر شلمچه در جنوب غربی بصره آغاز شده، با مشکلات به مراتب شدیدتر و ناهموارتر مواجه گردیده است و به هر حال می‌توان با قاطعیت تقریبی گفت ایرانیان موفق شده‌اند در خاک عراق مستقر شوند و عراقی‌ها پس از ده روز نبرد سنگین هنوز نتوانسته‌اند، آنان را از سرزمین خود برانند. «لوکوتیدین‌دوپاری» خاطرنشان می‌کند لحن گفتار رادیو بغداد نسبت به ماه دسامبر گذشته که پس از آزاد ساختن جزیره «ام الرصاص» پیروزمندانه بود، اکنون تردیدآمیز شده و حملات متعدد هواپیماهای عراقی به شهرهای عمده ایران، طی روزهای اخیر به طور قطع نشانه مشکلات نیروهای بغداد در جلوگیری از پیشروی‌های قوای تهران در جبهه جنوبی است. «لوکوتیدین دوپاری» می‌افزاید: "بندر بصره برای نخستین بار پس از دو سال در معرض شدیدترین گلوله باران توپخانه ایران قرار گرفته و برخی از اهالی راه فرار را در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نهر جاسم عبور کرده و یک کیلومتری به طرف بصره پیش رفته‌اند و پاتک‌ها شروع شده است.

آقای [محمدباقر]ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان آمد و برنامه عملیات داخل خاک عراق را گفت. سرما و برف، پیشرفت کار را کند کرده است.

ظهر آقای [محمد] کوثری فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) آمد. گزارش عملیات خودش را داد. پشت کانال ماهی، سخت تحت فشار بوده و تلفات زیادی داشته است. نجیبانه از عدم هماهنگی لشکرهای سیدالشهدا(ع) و ۲۵ کربلا در شب عملیات شاکی بود. اگر مطالب ایشان درست باشد، متاسفانه اشتباهی از یک موفقیت مهم ما را محروم کرده و باعث خسارات عمده‌ای شده است. قرار شد عملیات دیشب را مرحله سه کربلای پنج اعلان کنیم.

آقای [حسین]علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه آمد. قرار شد یک موشک به کشتی مزاحم بزند. عصر فرماندهان گردانهای بعضی از واحدهای عمل کننده سپاه آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1] و پیام امام را در خصوص لزوم تداوم عملیات دادم و سپس با آنها جلسات و مذاکرات خصوصی برگزار کردم[2]. این برنامه از ساعت چهار ونیم تا ده شب ادامه یافت.

معمولاً فرمانده هر گردانی، گزارش عملکرد خود را در عملیات کربلای چهار و پنج می‌داد و من سئوالاتی در مورد وضع فعلی، تلفات، موفقیت‌ها، غنائم و برنامه آینده‌اش می‌کردم. لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) به خاطر حضور در خط پشت کانال ماهی و انجام دو حمله که با دو جناح چپ و راست آن یعنی سیدالشهداء و ۲۵ کربلا هماهنگی نداشته، بیش از دیگران آسیب دیده است.

با لشکرهای نصر، امام رضا(ع)، فجر، المهدی(عج) و تیپ‌های امام حسن(ع) و قائم سمنان نیز مذاکره شد. دو نفر از اطلاعات و عملیات غرب سپاه آمدند و از کمی توفیق عملیات ارتش در غرب

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

پیش گرفته‌اند". همچنین اگر خبر عبور ایرانیان از شط‌العرب و نزدیک شدن آنها به بصره صحت داشته باشد، تأثیر روانی آن در سراسر عراق الزاماً بسیار منفی خواهد بود. به نوشته این روزنامه برخی از کارشناسان نظامی می‌گویند حمله جدید ایران در جبهه جنوبی ممکن است عملیاتی انحرافی باشد و هدف از آن این است که ارتش عراق در منطقه بصره تثبیت شود تا نیروهای تهران بتوانند چند روز دیگر با حمله گسترده‌ای در نواحی شمال، ارتباط بصره و همچنین کویت با بغداد را قطع کنند. به موجب فرضیه‌ای دیگر احتمال دارد هدف از حمله کنونی ایران جلوگیری از کنفرانس عالی سران کشورهای اسلامی در کویت باشد. روزنامه «لیبراسیون» نیز همین فرضیه را مطرح می‌کند و خاطرنشان می‌سازد ایران بر ضد کنفرانس کویت وارد جنگ شده و حمله وسیع و جدید در جبهه جنوبی، تعداد حملات به کشتی‌ها در خلیج‌فارس، هشدارهای تهدیدآمیز جهاد اسلامی، همه و همه در جهت جلوگیری از برگزاری این کنفرانس است. لیبراسیون می‌افزاید: به هر حال بصره بیش از پیش در معرض محاصره قوای تهران قرار گرفته و ده روز پس از حمله کربلای پنج و نزدیک شدن ایرانیان به مرکز صنعتی مهم عراق، بمباران‌های اصولی و منظم شهرهای عمده ایران تنها پاسخ بغداد شده است.

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ مشروح این جلسه و مطالب عنوان شده در آن، در بخش ضمایم این کتاب درج شده است.

گفتند.

آقای امین مسئول قرارگاه ابوالفضل(س) آمد و از عدم تاثیر آن، گزارش داد. آقایان [منصور]ستاری و [عباس]بابائی آمدند. درباره تقویت پدافند منطقه تأکید کردم.

سه‌شنبه ۳۰ دی ۱۳۶۵ | ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۶ — ۲۰ Janu ۱۹۸۷

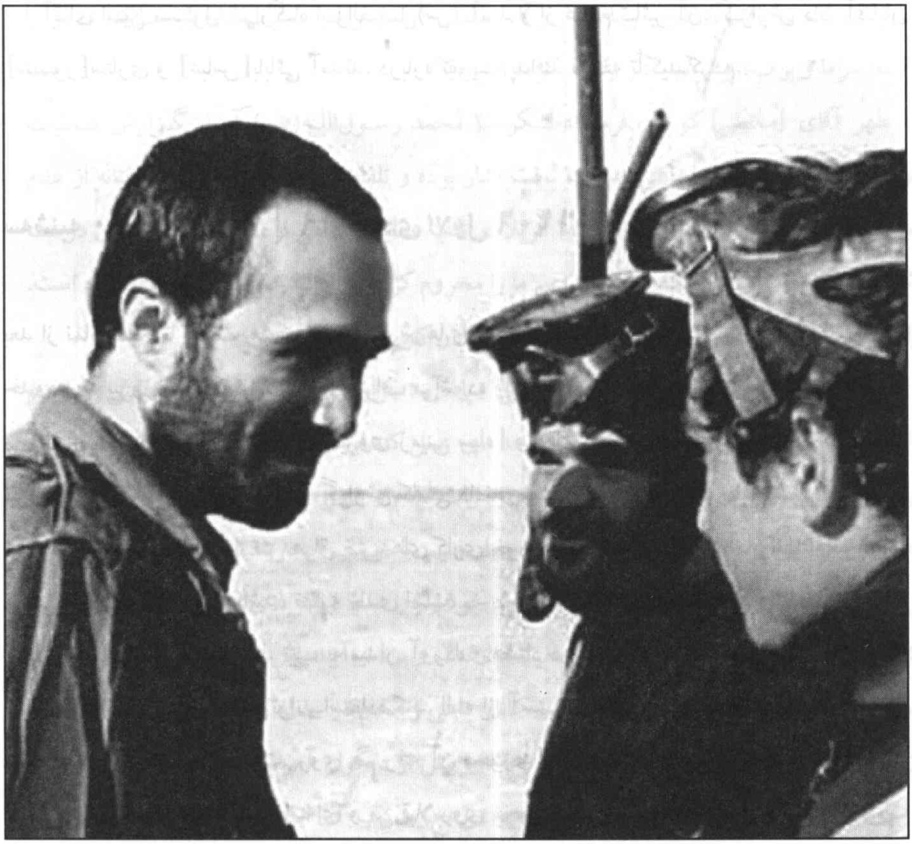
بعد از نماز صبح تا ساعت هشت صبح گزارش‌ها را خواندم و به رادیوها گوش دادم. با اینکه تا حدودی به پیروزی ما در کربلای پنج اعتراف می‌شود، ولی هنوز تلاش در حفظ روحیه عراقی‌هاست.

آقای [علی] شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] و آقای [محمد] باقری [معاون اطلاعات نیروی زمینی سپاه] از جلو آمدند. گزارش کاملی دادند. معتقدند اگر امکانات بسیج شود، همین جا می‌توانیم جنگ را ببریم؛ ارتش عراق ضربه‌های کاری خورده است. آقای باقری آمار انهدام نیروهای عراقی را داد، اگر درست باشد، ضربه جدی است.

[ارتش عراق] حدود صد تیپ به میدان آورده و هشتاد درصد آن آسیب دیده است. از بیست تیپ دست نخوردهٔ دیگر می‌تواند استفاده کند. البته از آسیب دیده‌ها هم استفاده می‌کند. سه محور برای ادامه عملیات مطرح است. روی هم رفته آن محوری که فرماندهان سپاه انتخاب کرده‌اند، مهمترین است، گر چه آقای خامنه‌ای و من قبلا روی محور دیگری تکیه داشتیم. خواستار تقویت مهندسی، پدافند و توپخانه بودند. آقای رفیق‌دوست مدعی است که از نظر مهمات، در مضیقه نمی‌افتیم.

دکتر روحانی و سرهنگ ترابی که از غرب آمده بودند، گزارش وضع آنجا را دادند. مجموعاً امیدی به موفقیت چشمگیر ارتش ندارند. می‌گویند حداکثر دو ارتفاع کوچک شرمیل و تپه سرخه را ممکن است بگیرند. به دکتر روحانی گفتم برای تقویت پدافند خط، چند [توپ] اورلیکن را جلو ببرند و سایت موشکی هاک را هم جلوتر ببرند. عصر آقای [محمدعلی] انصاری هم از طرف امام در این خصوص پیغامی تلفنی گفت.

ظهر با آقای [محمد]فروزنده [مسئول مهندسی قرارگاه خاتم] درباره تقویت مهندسی خط مذاکره و تصمیم‌گیری کردیم. قرار شد برای تعمیر واحدهای آسیب دیده و گرفتن ماشین‌های سنگین از ارگانهای دولتی اقدام کنیم. عصر بیشتر وقت به خواندن گزارش‌ها گذشت. اعتراف به شکست



شهید حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در کنار غواصان

عراق، کم کم رواج می‌گیرد. از آقای ری‌شهری در مورد سه آتش سوزی در کویت پرسیدم. توضیح داد.

آقای رضایی، تلفنی اطلاع داد پاتک‌ها و آتش توپخانه دشمن، امروز شدید بوده و کمی عقب‌نشینی داشته‌ایم. شب دیر وقت آقای رحیم صفوی و آقای [مرتضی] قربانی [فرمانده لشکر ۲۵ کربلا] آمدند. از فشار فوق‌العاده توپخانه و نیروی هوایی دشمن برمحور پیشروی به سوی بصره، اظهار نگرانی کردند و خواستار تقویت پدافند و توپخانه و مهندسی بودند. به نظر می‌رسد در پیشروی دچار مشکل شده‌اند و پیش بینی‌های دیشب و امروز صبح، جای خود را به نگرانی داده است.

بهمن ۱۳۶۵



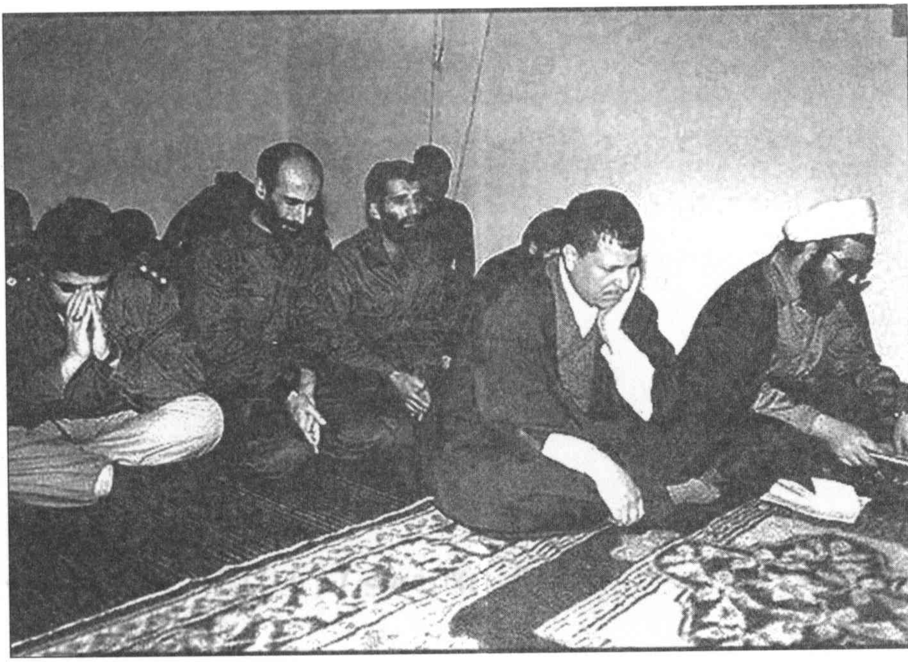
چهارشنبه ۱ بهمن ۱۳٦۵ | ۲۰ جمادی الاول ۱۴۰٦ ۲۱ Janu ۱۹۸۷

قبل از اذان بیدار شدم. نافله شب خواندم و برای پیروزی رزمندگان دعا کردم و بخشی از سورهٔ احزاب را که مربوط به جنگ است، قرائت نمودم.

با اینکه بر اساس مبانی و نظر امام، در این جنگ حق با ماست و ما برای اسلام می‌جنگیم و دشمن برای سرکوب اسلام، جنگ را شروع کرده و ادامه می‌دهد، اما شیطان دست از سر انسان برنمی‌دارد و گاهی که در جنگ، جمع زیادی کشته می‌شوند و یا با انبوه جانبازان در بیمارستان‌ها مواجه می‌شوم و یا آمار اسرای فراوان دو طرف را که سال‌ها در اسارت به سر می‌برند، می‌بینم، وسوسه اینکه مسلمان‌ها در دو طرف کشته می‌شوند و رنج می‌برند، انسان را آزار می‌دهد و با مقداری تفکر و استدلال، این وسوسه را دفع می‌کنم؛ لابد دیگران هم چنین حالی دارند.

مخصوصاً این وسوسه در مواقعی بروز می‌کند، که از جهتی احساس ضعف یا مشکل شدن کار جنگ پیش می‌آید. مشکلات پیشروی دیروز و فشار هوایی بر شهرها و مردم غیر نظامی، در روحیه‌ام اثر گذاشته و امروز صبح دمغ و غمگین هستم. شاید هم به خاطر اینکه پس از ماهها تلاش و آماده کردن همه چیز، برای عملیات سرنوشت‌ساز به منظور ختم جنگ و اکنون ملاحظه علایم عدم تحقق این هدف در این عملیات باشد.

رادیو صدای آمریکا امروز صبح با اعتراف به پیشروی ما، موذیانه بر زیاد جلوه دادن تلفات ما و کم کردن تلفات عراق ـ برعکس واقعیت ـ نوعی عدم موفقیت را القاء کرد. معلوم است که از سقوط



دعا و تضرع به درگاه پروردگار در شب عملیات

احتمالی بصره و در نتیجه پیروزی اسلام و تضعیف یا شکست بعث عراق نگرانند و موذیانه روحیه او را تقویت می‌کنند.

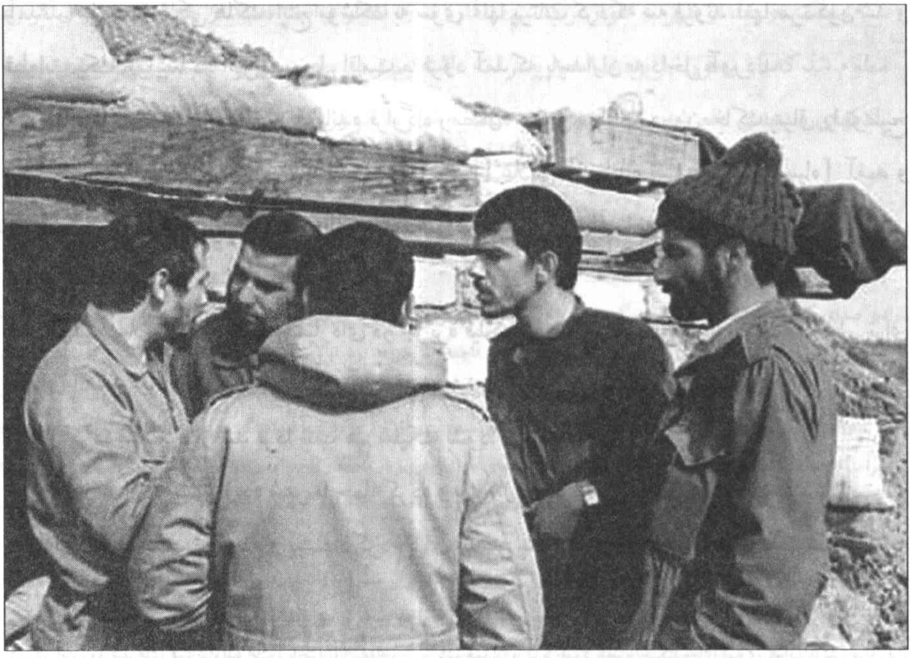
با آقای خرازی برای مبارزه با این خط انحرافی تبلیغات مذاکره کردم. قرار شد در مصاحبه با خبرنگاران خارجی که امروز می‌آیند، آن را مطرح کنند. آقای رفیق‌دوست گفت که دیشب در جهت تحکیم خط، پیشروی داشته‌ایم. تلفنی با عفت در منزل صحبت و احوالپرسی کردم.

آقای [موسی] رفان فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. از بی نیازی واحد موشکی به کمک لیبی و دیگران و شلیک چند موشک به دست خودشان گفت و اجازه گرفت که در یک روز دو موشک متوالی به کاخ صدام بزنند. موافقت کردم؛ چون عراقی‌ها اعلان کرده‌اند که به قصد بمباران جماران به تهران حمله کرده‌اند. قرار شد یک سایت موشک زمین به هوای چینی در اصفهان ایجاد کنند و برای گرفتن موشک جدید، به آقای ریاضی تأکید کردم.

عصر فرماندهان تیپ [مستقل ۱۸] الغدیر، لشکر [۳۳] المهدی و [لشکر ۳۱] عاشورا آمدند. گزارش عملیات اخیر و موفقیت‌ها و تلفات را دادند. سپس به بیرون شهر اهواز رفتیم. هواپیماهای عراقی به اهواز حمله کردند و چند فروند موشک خوردند، یکی از آنها متلاشی شد و روی اهواز سقوط کرد، ولی یک بمب در محل گلف ریختند.



فرماندهان سپاه در حال بررسی پیشرفت عملیات



شب فرماندهان قرارگاه رمضان آمدند. از آمادگی نیروهای نظامی مخالف عراقی برای اجرای عملیات گفتند و برای بازکردن راه کمک به آنها استمداد نمودند. تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره جنگ و نتیجهٔ سفر آقای ولایتی به لیبی که منفی بوده و برنامه گفتن تکبیر بر بامها برای تایید جنگ صحبت کردیم. به چند شهرمان حمله هوایی شده است[1].

پنجشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۱ جمادی الاول ۱۴۰۶ | 22 Janu 1987

دیشب عملیاتی در جبهه نداشته‌ایم و امروز خبری برای پخش نداریم. به خاطر بحران جنگ شهرها، نیازمند خبر پیروزی هستیم. آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. توضیحاتی درباره عدم توفیق در عملیات کربلای شش و برنامهٔ آینده داد. عراق در جزیره صالحیه پاتک انجام داده که سرکوب شده است. به آقای رضایی گفتم بیشتر مواظب باشد. عصر برای رفع خستگی به اطراف شهر اهواز رفتیم.

تعداد زیادی هواپیمای عراقی که گفته شد حدود شصت فروند بوده‌اند، برای بمباران اهواز آمدند. سایت موشکی هاک، پنج موشک به سوی آنها پرتاب کرد که سه فروند آنها سرنگون شد و قطعات یک هواپیما در اطراف محل اقامت ما فرود آمد که پاسداران به داخل آوردند.

آقای [محمدباقر] ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان، برنامه عملیات درون خاک عراق را توضیح داد. خلبانان برای بمباران عراق آمدند. آقای [حسین] علایی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] آمد و جریان شلیک موشک ساحل به دریای چینی به یک کشتی، در ساعت نه دیشب را توضیح داد. مدعی بود موشک به کشتی اصابت کرده است.

کویت اعلام کرده دیشب خمپاره‌ای در جزیرهٔ فیلکه منفجر شده است؛ گویا خواسته محملی برای صدای انفجار معرفی کند و از اعلان آن برای پرهیز از ایجاد جو ناامنی در آستانه کنفرانس اسلامی احتراز کرده است. قرار شد فردا شب هم شلیک بشود.

امروز عراق به بیش از ده شهر ما حمله کرده و بیش از دویست نفر را شهید نموده است. با آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم و پیشنهاد کردم برای ساختن پناهگاه اقدام شود. ظاهراً جنگ شهرها ادامه

---

۱ ـ در این روز شهرهای قم، نهاوند، ایلام، باختران، اصفهان، خرم‌آباد، همدان و تبریز مورد هجوم جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش عراق قرار گرفتند. در این حملات تعدادی از هموطنان ساکن در این ۸ شهر به شهادت رسیدند و عده‌ای مجروح شدند.

می‌یابد. آقای [محسن] رضایی اطلاع داد، امشب در منطقهٔ کربلای پنج عملیات خواهیم داشت و در [منطقه عملیاتی] کربلای شش هم احتمالاً حملهٔ محدودی داریم.

جمعه ۳ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۶ | ۲۳ Janu ۱۹۸۷

از آقای رضایی وضع عملیات دیشب را استفسار کردم. مشخص شد در محور جادهٔ شلمچه به بصره، پیشروی داشته‌ایم. دشمن در غرب کانال ماهی پاتک کرده و شکست خورده و اسیر هم داده است. از گزارش‌ها بوی قصد دخالت آمریکا علیه ما می‌آید و به احتمال بیشتر، قصد ارعاب دارند[1].

امروز خبرنگاران خارجی از محل فتح شده کربلای پنج بازدید کردند. آنها زود برده شدند که قبل از فعال شدن هواپیماهای دشمن برگردند. با همراهان، به طور ناشناس به هفت تپه رفتیم. جای زیبائی است. از مزارع نیشکر، کارخانه و تلمبه خانه آبیاری بازدید کردیم. همان جا یک هواپیمای میگ ۲۵ عراقی را دیدیم که به طرف اصفهان می‌رفت. این هواپیما رفت، بمباران کرد و برگشت؛ تقریبا ربع ساعت طول کشید[2]. آن قدر بالا رفته بود که ضدهواییها تیرشان به آن نمی‌رسید.

ساعت دو بعد از ظهر به اهواز برگشتیم؛ ناهار، نماز، اخبار و استراحت. از خط مقدم سوال کردیم، معلوم شد که در محور جزیره صالحیه پیشرفت داشته‌ایم و در محور دیگر عقب نشینی محدود بوده و پاتکهای شدیدی دفع شده است. شرارت حمله به شهرها امروز کم بوده؛ شاید به خاطر طوفانی بودن هوا.

احمدآقا از تهران تلفنی احوالپرسی کرد[3]. شب با آقای [حسین]علایی درباره زدن موشک

---

۱ ـ رادیو صدای آمریکا اعلام کرد گاسپر واینبرگر وزیر دفاع آمریکا گفت: "در صورتی که ایران شهر بصره را به تصرف خود درآورد، دخالت نظامی آمریکا لزومی نخواهد داشت. پیروزی ایران در جنگ خلیج‌فارس فاجعه‌آمیز خواهد بود. ایالات متحده می‌خواهد کشورهایی را که پیروزی ایران بر آنان تأثیر خواهد گذاشت، یاری دهد، منتها از طریقی که نیاز به دخالت نظامی آمریکا نباشد". روزنامه اکونومیست چاپ لندن نیز نوشت: "ایران با سربازان مشتاق خود و رهبریتی که ابتکار عمل را در دست گرفته است، بر عراق برتری دارد و صدام اگر بصره را هم از دست ندهد، باز در خطر خواهد بود. سقوط صدام مقدمه‌ای برای سقوط بقیه حکومت‌های طرفدار غرب در منطقه و فاجعه‌ای برای غرب است. آمریکا باید اعراب را برای مقابله با ایران متحد کند. پیروزی ایران فاجعه‌ای است که فقط دامن دوستان صدام را نخواهد گرفت. ۵۶ درصد ذخایر شناخته شده نفت در خلیج [فارس] قرار دارد و هرگونه سقوط صدام، امنیت این نفت را به خطر خواهد انداخت".

۲ ـ این حمله هوایی ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه انجام شد و طی آن دو منطقه مسکونی شهر اصفهان مورد تهاجم جنگنده‌های عراقی قرارگرفت. در این حمله ۴ نفر شهید و ۱۰ نفر مجروح شدند. یک مجموعه ورزشی و ۵ واحد مسکونی نیز خسارت کلی دید. در این روز همچنین شهرهای تبریز، خرم آباد، ملایر، همدان، اسلام آباد، نهاوند، دزفول و قم نیز مورد هجوم هواپیماهای ارتش عراق واقع شد.

۳ ـ در این روز مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران در نامه سرگشاده‌ای برای آقای هاشمی از سکوت مسئولان در مورد تلفات مردم

صحبت شد.

شنبه ۴ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۶ — ۲۴ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز صبح به اخبار رادیو فارسی آمریکا گوش دادم. [رونالد ریگان] رئیس جمهور آمریکا در مورد توسعه جنگ به کشورهای دیگر به ما هشدار داده و تصرف اراضی عراق را محکوم نموده است[۱].

آقای محسن رضایی آمد. وضع جبهه را توضیح داد. برنامه ادامهٔ عملیات را در کربلای پنج و نیازها را گفت. ساعت هشت و پانزده دقیقه با اتومبیل به طرف تهران حرکت کردیم. از اندیمشک به بالا باران می‌بارید و در ارتفاعات خرم آباد تا اراک، برف و کولاک بود.

شهرهای پل دختر و خرم آباد را از ترس بمباران عراق به صورت تعطیل دیدیم. ناهار را در کافه محقری در «زاغه» خوردیم که غذای خوبی نداشت. ساعت نه ونیم شب به منزل رسیدیم. امروز تهاجم عراق به شهرها محدود بود، علت آن شاید به خاطر نامناسب بودن وضع هوا است.

یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۴ جمادی الاول ۱۴۰۶ — ۲۵ Janu ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. از دو منطقه کربلای پنج و کربلای شش اطلاع گرفتم؛ تحرکی نداشته‌اند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در ضربات مرگ‌آور دشمن وحشی علیه شهرهای ایران ابراز تعجب کرد. وی همچنین مسئولان نظام را به علت عدم توجه به عقاید رقبای سیاسی و یا مردم، کوبیدن مردم غیرنظامی بی گناه عراقی و عدم شرکت در آخرین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در کویت، مورد سرزنش قرار داده است.

۱ ـ اشاره به صدور بیانیه تهدیدآمیز توسط رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده. ریگان در این بیانیه با اشاره به عملیات اخیر ایران در داخل خاک عراق اظهار داشت: "این حمله یادآور صدمات ناراحت کننده زیادی است که جنگ ایران و عراق در منطقه خلیج‌فارس به ارمغان آورده است و ادامه این جنگ خونین به عنوان یک نگرانی عمیق برای ایالات متحده و تمامی دنیا به شمار می‌رود. این جنگی است که نه تنها منافع استراتژیک آمریکا بلکه ثبات و امنیت دوستان این کشور را در منطقه تهدید می‌کند. ما مصمم و قاطع هستیم که از طریق مذاکره و بدون اینکه یکی از طرفین پیروز شود یا شکست بخورد و با ابقاء استقلال و تمامیت ارضی ایران و عراق به ختم سریع جنگ کمک کنیم. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه گرفتن و اشغال اراضی عراق را توسط ایرانی‌ها، محکوم کرده و مجدداً از دولت ایران بخواهیم که به دولت عراق جهت پیدا کردن یک راه حل سریع از طریق مذاکره بپیوندد. ما با نگرانی دوستان‌مان در منطقه مبنی بر ادامه جنگ و تهدید امنیت آنها شریک هستیم و همچنین توسعه جنگ را یک تهدید عمده به منافع خودمان و منافع دوستان‌مان در منطقه می‌دانیم. ما مصمم هستیم که جریان آزاد نفت از تنگه هرمز را تضمین کنیم. ما همچنین سرسختانه معتقد هستیم که از دفاع یک جانبه و یا چند جانبه دوستان‌مان که با آنها بستگی‌های درازمدت عمیق داریم، حمایت کنیم".

قبل از رسمی شدن مجلس، وضع جنگ را به نمایندگان گفتم و در نطق قبل از دستور جواب اخطار ریگان را دادم[1]. تا هنگام تنفس در جلسه ماندم[2]. مراجعات نمایندگان زیاد بود. مشکلات ناشی از بمباران شهرها خیلی زیاد است، اما پیروزی‌های کربلای پنج آن را قابل تحمل کرده. تا شب در دفترم به کارهای عقب مانده پرداختم.

آقای [علی]شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] اطلاع داد که دشمن در سه محور پاتک داشته و در محور میانه، کمی هم موفق بوده است. دیشب مواد شیمیایی زیاد به کار برده. گفتم اگر شما پیشدستی کنید، نیروها را در پاتک از دست نمی‌دهید؛ تاخیرها دشمن را خیره می‌کند. خواست که خطوط پدافندی را که سپاه دارد، ارتش برای تحصیل بیشتر نیرو، تحویل بگیرد.

آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب پرتاب موشک ساحل به دریای سپاه به خوبی انجام شده ولی تاکنون دلیل و اثری از موفقیت نرسیده است. شب سران قوا در دفتر من مهمان بودند. توضیحاتی درباره جنگ دادم و درباره مسائل جاری، کویت، مصاحبه و احتمال تجاوز آمریکا به ایران مذاکره کردیم.

---

۱ ـ آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ به بیانیه رسمی اخیر ریگان مبنی بر حفظ «منافع حیاتی» آمریکا در خلیج‌فارس و حمایت از کشورهای منطقه، گفت: "پیروزی‌های رزمندگان جان برکف ما در جبهه‌ها، شرایط تازه‌ای را در دنیا به وجود آورده است و همان طور که نمایندگان محترم اطلاع دارند، ریاست جمهور آمریکا، آقای ریگان، به صورت یک هشدار، مسأله را با ما مطرح کردند که به سادگی نمی‌شود از طرف ما با این مسأله برخورد بشود. قابل توجه است که بعد از نزدیک هفت سال جنگ و این همه شرارت که جنگ افروز عفلقی ایجاد کرده، رئیس جمهور آمریکا شخصاً و به طور رسمی بیانیه صادر می‌کند و مسائل، اینگونه ابراز می‌شود. نقطه قابل تأسف برای دنیای اسلام این است که آقای ریگان خود را در مقابل جمهوری اسلامی، حامی کشورهای اسلامی می‌داند و به تعبیر خود اجازه نمی‌دهند که دوستان‌شان مورد تعرض قرار بگیرند. این هم مایه عار و ننگ مسلمان‌هاست که آمریکا دوستانی اینجا داشته باشد که از طرف خود مسلمانها مورد تعرض هستند و او دلسوزتر از مسلمان‌های دیگر است. و زشت‌تر اینکه این کشورهای به اصطلاح اسلامی، به جای اینکه جواب به آنها [آمریکایی‌ها] بدهند، سکوت کرده‌اند، سکوت رضایت‌آمیز از این اظهارات". ایشان سپس در پاسخ به این مطلب که «آمریکا اجازه نمی‌دهد منافع حیاتی‌اش در خلیج‌فارس به خطر بیفتد، گفت: "ما نمی‌دانیم منافع حیاتی آمریکا در خلیج‌فارس در منطقه ما چه می‌کند؟ غیر از اینکه مثلاً اینجا کشورهایی هستند که نفت دارند، و نفت‌شان را اگر بخواهند می‌فروشند و اگر نخواهند، نمی‌فروشند و قیمت تعیین می‌کنند. خوب، اگر اینها منافع حیاتی آمریکاست، پس کالاهای آمریکایی هم مورد نیاز همه مردم دنیا هست. آنها هم منافع حیاتی همه دنیاست. چطور آنها هر کار می‌کنند، ولی اینجا تا مسأله‌ای مطرح می‌شود، منافع حیاتی آنها به خطر می‌افتد؟ کشورهای منطقه نیاز دارند نفت‌شان را بفروشند و دارند می‌فروشند. این چه حرف زشتی است که اینها مرتب مطرح می‌کنند: منافع حیاتی، امنیت خلیج‌فارس؟ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ رادیو صدای آمریکا دربارهٔ نطق آقای هاشمی گفت: "در تهران رئیس مجلس شورای اسلامی گفت که ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای حوزه خلیج‌فارس گسترش دهد. اظهارات علی اکبر هاشمی رفسنجانی نخستین پاسخ به بیانیه روز جمعه پرزیدنت ریگان است که بر تعهد آمریکا نسبت به دفاع از کشورهای دوست در منطقه تأکید ورزید. پرزیدنت ریگان همچنین از ایران خواست، برای پایان بخشیدن به جنگ از راه گفتگو به عراق بپیوندد. آقای رفسنجانی هشدار رئیس جمهوری آمریکا را به شکست آمریکا در بهبود مناسباتش با ایران نسبت داد. وی امروز در آنچه یک جدائی غیرعادی از اظهارات گذشته‌اش تلقی می‌شود حتی یک بار آمریکا را شیطان بزرگ توصیف نکرد و سخنی نیز از استکبار جهانی به میان نیاورد".

دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۵ جمادی الاول ۱۴۰۶ ‏26 Janu 1987

صبح مجید فردوسی‌پور آمد و از وضع بنیاد پانزده خرداد رفسنجان گفت. ساعت نه صبح به مجلس آمدم. اخوی محمد آمد. درباره مصاحبهٔ با تلویزیون سی. بی. اس آمریکا مذاکره کردیم. سپس مصاحبه انجام شد. حدود دو ساعت طول کشید. بیشتر درباره مسأله مک‌فارلین، گروگان‌ها، اسلحه و روابط آینده بود[1].

آقای [مجید] قاسمی رئیس کل بانک مرکزی آمد و گزارش وضع ارزی را داد. مشکل داریم. عصر تا ساعت هشت شب کارهای عقب مانده را در دفترم انجام دادم. آقای شمخانی از جبهه اطلاع داد که امروز تحرک مهمی از دو طرف نبوده است. جنگ شهری هم آرام بود. شب به خانه آمدم. برای هدیه فارغ‌التحصیلی، یک خودکار به فاطی دادم.

سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۶ جمادی الاول ۱۴۰۶ ‏27 Janu 1987

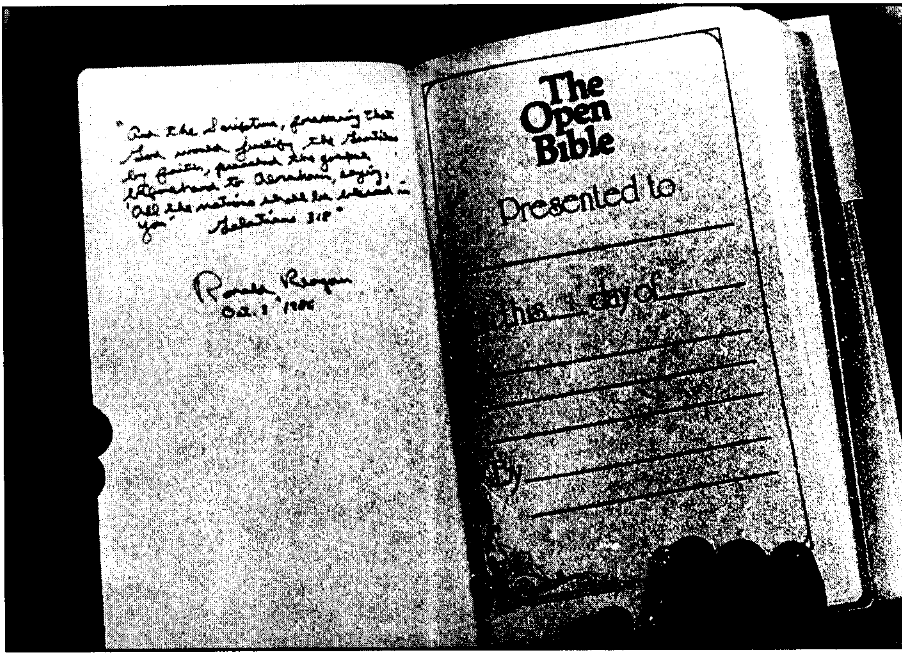
قبل از جلسه از جبهه سراغ گرفتم. پیشرفتی داشته‌ایم، ولی به اندازه مطلوب نبوده است. وضع جبهه را به نمایندگان گفتم. تا آخر جلسه ماندم؛ چون لایحهٔ بیمه کارگران بیکار مطرح بود و اهمیت داشت. مراجعات نمایندگان خیلی زیاد بود و استمداد برای رفع مشکلات شهرهای بمباران شده، خیلی بود.

عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی مطرح بود؛ پیشرفت نداشت. سپس با آقای خامنه‌ای درباره تعیین فرمانده نیروی هوایی مذاکره کردیم. قرار شد سرهنگ [منصور] ستاری را انتخاب کنیم. سرهنگ ترابی با سه نفر که مورد نظر بودند ـ آقایان [عباس] بابائی، [منصور] ستاری و سپید موی ـ مصاحبه کرده و به این نظر منتهی شده است.

شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت. دربارهٔ جلسهٔ چهارده بهمن برای دهه فجر بحث شد. خبر آمد که شهر خمین بمباران شده است. قرار شد ضد هوایی به آنجا ببرند.

---

۱ ـ آقای هاشمی در این مصاحبه مواضع جمهوری اسلامی ایران در مورد ارتباط با آمریکا را بیان نمود و اعلام کرد تا زمانی که آمریکا ثابت نکند که با انقلاب ما خصومتی ندارد و به توقیف غیرقانونی اموال ما در آمریکا پایان ندهد، هیچ‌گونه رابطه‌ای بین ایران و دولت آمریکا وجود نخواهد داشت. آقای هاشمی در این مصاحبه به تمامی سئوالات خبرنگار تلویزیون سی بی اس پاسخ گفت و از این شبکه خواست صادقانه و بدون خیانت، آن را به طور کامل برای افکار عمومی آمریکا پخش کند. اما این مصاحبه در روز ۷ بهمن به صورت تقطیع شده و ناقص و همراه با تفسیر و تحلیل‌های خاص پخش شد. متن این مصاحبه به جهت اهمیت، در بخش ضمایم پایان همین کتاب به طور کامل درج شده است.



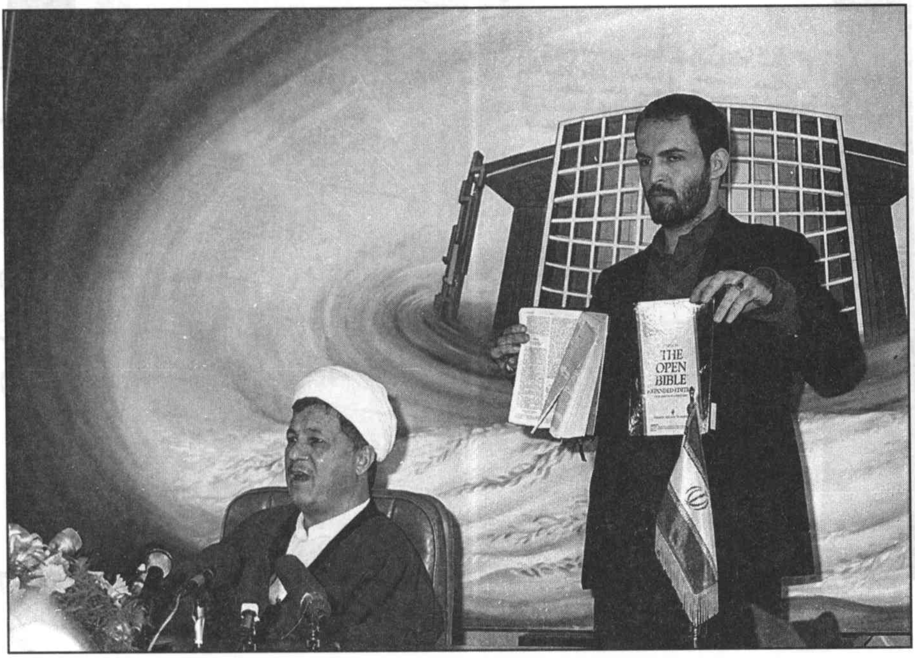
دستخط رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا در کتاب انجیل اهدایی

چهارشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۰۶ — ۲۸ Janu ۱۹۸۷

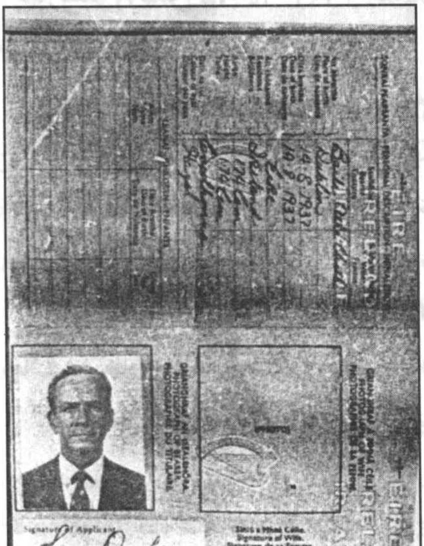
بعد از نماز، ورزش و صبحانه به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم و از جبهه خبر گرفتم. در جبهه دیشب پاتک سنگینی از دشمن را دفع کرده‌ایم. تلویزیون سی. بی. اس آمریکا مصاحبه با من را با تبلیغات به منظور بهره گیری در اختلافات داخلیشان و جلب تماشاگر بیشتر پخش می‌کند. [رونالد] ریگان و [جرج] شولتز هم مطالبی از موضع ضعف گفته‌اند.

آقای مهدی‌نژاد آمد. انجیلی را که ریگان امضاء کرده و به نشانۀ حسن نیت توسط اخوی زاده علی هاشمی فرستاده بود، برای استفاده در مصاحبه امروز آورد.

اطلاع داد اسقف «تری ویت» فرستادۀ کلیسای کانتربری ـ که معمولا برای حل مشکل گروگان‌ها به لبنان می‌رود ـ و نیز یک نفر از مأموران عربستان در لبنان ربوده شده و گفت اطلاع رسیده که به قائم مقام ناتو گفته شده که طرح بمباران ایران را از آرشیو بیرون بیاورد. احتمال دارد درز خبر، عمدی و برای ارعاب ما باشد، ولی قابل توجه است. مخصوصاً با تهدیدهای اخیر ریگان و شولتز و [هنری] کیسنیجر و حضور بیشتر آمریکا در خلیج فارس. قرار شد به لبنان برود.



مدارک جعلی گذرنامه مک فارلین در جریان مصاحبه به خبرنگاران نشان داده شد



تصویر گذرنامه جعلی مک فارلین



برنگاران خارجی حضور پررنگی در مصاحبه مطبوعاتی داشتند

با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه داشتیم[۱]. خیلی مهم و با شکوه بود. تقریبا همه مسائل مهم مطرح شد. به نظرم مفید بود. انجیل اهدائی ریگان را ارائه دادیم.

ظهر آقایان رفیق‌دوست و دکتر روحانی برای امور جنگ، خریدها و پدافند آمدند. عصر جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. قرار شد در دهه فجر برای رسیدن نمایندگان به امور جنگ و اعزام نیرو و مشکلات بمباران شهرها و نیز احتیاط به خاطر احتمال بمباران مجلس ـ که هدف مشخصی است ـ مجلس را تعطیل کنیم.

شب سران قوا مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره مسائل مربوط به گروگانگیری‌ها در لبنان و نیز در مورد کشتی توقیف شدهٔ کویت، سفر آقای ولایتی به روسیه ـ که در خصوص خبر تحویل میگ ۲۹ به عراق اخطار بدهد ـ و احتمال بمباران ایران توسط آمریکا بحث و مشاوره شد. آقای خامنه‌ای در مورد تحویل تانکهای اسکورپیون ارتش به سپاه دستور دادند و دربارهٔ فرمانده جدید نیروی هوایی [ارتش] که قرار شد آقای سرهنگ [منصور] ستاری انتخاب گردد.

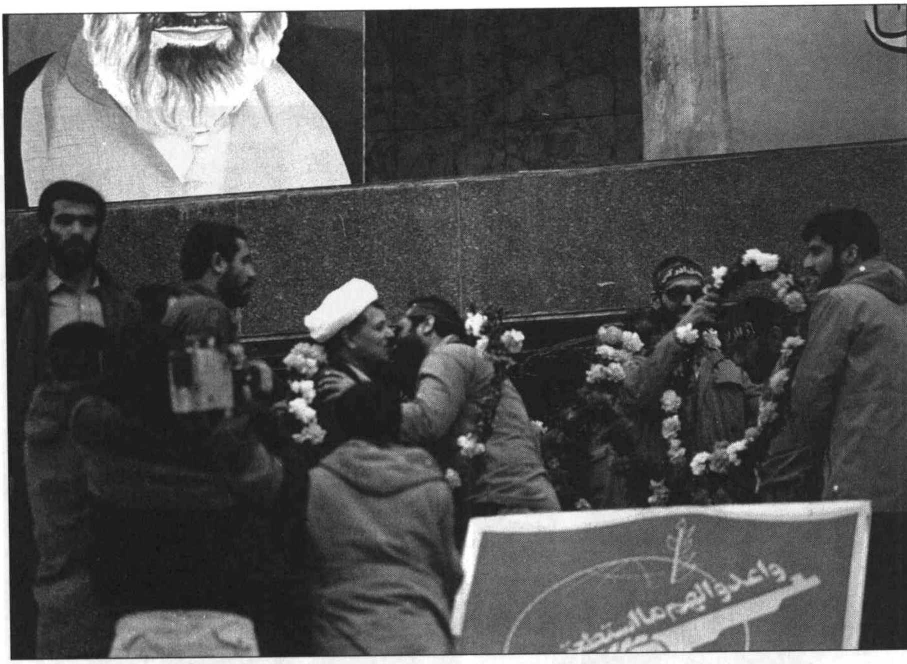
ساعت ده وپانزده دقیقه به خانه رسیدم. ساعت یازده در تهران وضعیت قرمز اعلام شد و ضد هوایی‌ها کار کردند. معلوم شد هجومی نبوده و در آن ساعت به قم حمله شده است. سایت موشکی هاک در جبههٔ جنوب، امروز آسیب دیده که مایه تاسف است. امروز عراق حمله‌های شدیدی داشته که دفع شده است.

پنجشنبه ۹ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ ۲۹ Janu ۱۹۸۷

به مجلس آمدم. با جبهه تماس گرفتم. پاتک‌های دشمن را دفع کرده‌اند و مجدداً از امروز صبح،

---

۱ ـ آقای هاشمی رفسنجانی در جمع بیش از ۱۵۰ تن از خبرنگاران داخلی و خارجی به سئوالات مختلف آنها پیرامون مسائل گوناگون پاسخ گفت. ایشان قبل از آغاز این گفتگو، از کلیه خبرنگاران حاضر در این مصاحبه درخواست کرد تا مطالب عنوان شده را عیناً و بدون هیچگونه تحریفی منعکس کنند. رئیس مجلس در پاسخ به سئوال یکی از خبرنگاران پیرامون اقدامات جمهوری اسلامی ایران در رابطه با آزادی گروگان‌های آمریکایی و فرانسوی در لبنان گفت: "ما تلاش کردیم که در لبنان کسانی را بیابیم که بتوانند روی مجاهدانی که گروگان‌ها را در اختیار دارند اثر بگذارند و تا حدودی هم موفق بودیم. اما توقعی که ما از آمریکا و فرانسه داشتیم توقع معامله‌ای و یا متقابلی نبود. سخن ما با آمریکا و فرانسه این بود که اگر شما توقع دارید که ما در این رابطه کاری بکنیم، باید اقدامی انجام دهید که ما بدانیم شما در صدد ضربه زدن به ما نیستید. ما به آمریکایی‌ها گفتیم که اموالی که از ما توقیف کرده‌اید و اسلحه‌هایی که پولش را ده سال قبل گرفته و در انبارها نگه داشته و حق انبارداری نیز از ما می‌گیرید، پس بدهید تا علامت عدم خصومت شما محسوب شود. به فرانسه نیز گفتیم که نگهداری غیرقانونی پول‌های ما و حمایت از تروریست‌های فراری و کمک‌های تسلیحاتی به رژیم عراق تا حد قرض دادن هواپیماهای مدرن به این کشور، این نشانه عدم حسن‌نیت شما است. شما علامت بی‌طرفی نشان بدهید، خصومت‌ها راکم کنید، ما هم متقابلاً مایلیم که کمک کنیم تا گروگان‌های شما در لبنان آزاد شوند".
رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۵، جلد ششم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



تجلیل لشکر خط شکن سید الشهدا (ع) از فرمانده جنگ

دشمن حمله کرده است. گویا عراق برای تاثیر بر کنفرانس کویت، تلاش مضاعف دارد و مقاومت نیروهای ما خوب بوده. قرار شد برای خنثی کردن حرکات عراق، امروز تبلیغات داشته باشیم. سایت دوم هاک را بنا به خبر آقای دکتر روحانی امروز فعال کرده‌ایم.

برای رسیدن به امور جنگ، به جلسه علنی نرفتم. اعتبارنامهٔ عبدالصاحب موسوی مطرح است. آقای رحمانی [مسئول] بسیج برای تبلیغات اعزام سپاه مهدی آمد. آقای ری‌شهری آمد. برای همکاری [وزارت اطلاعات] در امور جنگ و وضع سیدهادی مذاکره شد.

نمایندگان زابل آمدند و برای توجه بیشتر به زابل و عمران منطقه سیستان و مخصوصاً کارخانه آرد و لوله کشی، استمداد کردند. آقای فاضل هرندی برای حل مشکل تصرف منابع طبیعی آمد که مخالفت شورای نگهبان، مانع تصویب قانون است. عصر لشکر سیدالشهداء که از جبهه بازگشته مقابل مجلس آمدند، برای آنها صحبت کردم[1].

---

۱ - آقای هاشمی در اجتماع اعضای لشکر خط شکن ده سیدالشهداء در مقابل مجلس شورای اسلامی گفت: "کار شما در شکستن دژهای دشمن و بازکردن راه نیروهای اسلام در شلمچه کار بسیار بزرگی بود که در کتاب تاریخ جنگ، موقعیت بسیار بالایی را خواهد داشت و سرفصل دل‌انگیزی در حماسه جنگ تشکیل خواهد داد. کار شما در کربلای ۵ و مجموعه سپاه و بسیج و جهاد و نیروهای پشتیبانی ارتش و سایر نیروهای مردمی، آثار بسیار با ارزشی در منطقه بالاخص در کشورمان خواهد داشت که هنوز ارزیابی آن زود است. این کار بزرگ شما و ادامه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در جلسه شورای‌عالی دفاع شرکت کردم. فرمانده جدید نیروی هوایی انتخاب شد. بعد از جلسه به خانه رفتم و شب را پای تلویزیون گذراندم[۱].

جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۶ ۳۰ Janu ۱۹۸۷

تا ساعت ده ونیم در منزل کار کردم. برای اقامهٔ نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[۲]. با توجه به جریان جنگ شهرها، نگرانی از بمباران نماز جمعه هست، ولی مردم بیشتر شرکت می‌کنند. مهمانان دهه فجر آمده بودند.

عصر از سپاه آمدند و خواستار گرفتن امکانات رزمی و توپخانه‌ای از ارتش برای جنوب و نگران فشار عراق بر کانال ماهی بودند؛ من هم نگرانم. عراق هر چه بتواند روی آنجا سرمایه‌گذاری می‌کند. از پریروز تا حال بیش از ده تیپ، برای پس گرفتن سرپل در دست ما در جنوب غربی کانال به‌کار برده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آن و بهره‌گیری از خطوط شکسته دشمن، امروز شایان توجه است و سایر رزمندگان و خود شماها باید از شکستن خطوط دشمن بهره‌گیری کامل بکنید و ان‌شاءالله دشمن را به زانو درآورید". ایشان حضور رزمندگان در مقابل مجلس را افتخاری برای مجلس و نمایندگان دانست و از طرف نمایندگان مجلس از رزمندگان حاضر تشکر و قدردانی کرد. در این اجتماع چند گلوله منور به نشانه یادآوری خطوط مقدم جبهه‌ها به هوا شلیک شد و آقای هاشمی حلقه‌های گل برگردن فرماندهان گردان‌های مختلف لشکر خط شکن ده سید الشهداء آویخت. لشکر خط شکن ده سیدالشهداء متشکل از ده گردان رزمی خط شکن اعزامی از تهران و کرج است که بعد از شکستن خطوط مقدم و فرو ریختن دژهای دفاعی دشمن و بازکردن راه پیشروی نیروهای اسلام در عملیات کربلای ۵، به تهران و کرج بازگشتند و قبل از رفتن به منازل‌شان، در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتماع کردند.

۱ ـ رادیو بی بی سی گفت: "در تهران آقای هاشمی رفسنجانی درباره تماس‌های محرمانه بین واشنگتن و تهران اطلاعات تازه‌ای منتشر کرده است و به عقیده بسیاری از ناظران امور باعث سرافکندگی بیشتر دولت پرزیدنت ریگان خواهد شد. آقای رفسنجانی در ماه‌های اخیر مهارت تمام و کمال خود را در سرافکنده کردن دولت آمریکا به ثبوت رسانده است. او اکنون در یک کنفرانس مطبوعاتی در مجلس، با نشان دادن انجیل جلد چرمی که توسط پرزیدنت ریگان برای رهبران ایران فرستاده شده بود، برگ تازه‌ای به صفحات ماجرای ایران گیت اضافه کرده است".

۲ ـ در خطبه اول دربارهٔ سالگرد انقلاب اسلامی مباحثی در خصوص مهمترین اهداف، دستاوردهای سیاسی و موضع‌گیری‌های اقتصادی انقلاب مطرح شد. در خطبه دوم تحلیلی درباره آخرین وضعیت جنگ ارائه گردید. در این تحلیل، وضعیت منطقه عملیاتی کربلای ۵، جنگ شهرها و دلایل گسترش آن از سوی عراق و مسأله تداوم جنگ تشریح شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "شرایط جاری جنگ الان طوری است که ما به خودمان نباید مغرور شویم. رزمندگان ما نباید به خودشان مغرور بشوند. خداوند این نصرت را به ما عنایت کرده و اگر لطف و اراده خدا نباشد در همین شرایط پیروزی، باز هم هر چه او بخواهد پیش می‌آید و ما هم تابع او هستیم و اگر خداوند، شکست را هم برای ما تقدیر کند، باز ما همان را قبول می‌کنیم و از صمیم دل می‌پذیریم. ما برای خداوند جهاد می‌کنیم، ما برای خدا و دین خدا انقلاب کرده‌ایم و خداوند همواره قدرتش از ما بیشتر است، برای دین خودش و ما وظیفه خود را انجام می‌دهیم. حالا چه خواهد شد، آن دیگر بستگی به اراده الهی و آن چیزی که در قلم تقدیر الهی رفته دارد و همان برای ما خیر و سعادت است، ولی به هر حال اکنون در جبهه‌ها وضع این طوری است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

که همه شکست خورده‌اند، اما فشار را قطع نکرده است. شب محمد ـ همشیره زاده ـ برای امور [شرکت] البرز قم آمد.

شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۶۵ | ۱ جمادی الاخر ۱۴۰۶   ۳۱ Janu ۱۹۸۷

بعد از نماز، آقای رضایی از جبهه اطلاع داد که دیشب دشمن در کانال زوجی در کنار کانال ماهی در نقطهٔ استقرار لشکر الغدیر عبور کرده و نیروهای ما را عقب رانده است. گفتم خیلی خطرناک است جدیت کنید و پس بگیرید. مدتی است که تأکید دارم، این نقطه در خطر است و اولویت را به اینجا داده‌ام.

تا ساعت هشت کارهای مجلس را که به خانه برده بودم، انجام دادم. ساعت هشت ونیم به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم. ساعت نه صبح، وقت ملاقات وزیر نفت بود، لغو کردم و به جای آن با فرمانده نیروی زمینی، دکتر روحانی، رفیق‌دوست، رشید، باقری و سنجقی در مورد کمک نیروهای رزمی و توپخانهٔ ارتش به جبهه جنوب جلسه‌ای داشتیم.

آقای حسنی سعدی مقاومت می‌کرد و مخالف بود و مایل است نیروهایش را در غرب در نقاط دیگری غیر از نفت شهر ـ که ناموفق بوده ـ به کار گیرد. فرماندهان سپاه اصرار دارند که به عملیات کربلای پنج کمک شود. ۴۸ ساعت وقت دادیم که سعدی طرحهایش را برای غرب بیاورد تا تصمیم بگیریم. قرار شد جلسهٔ بعدی در جنوب باشد.

آقای رضایی اجازه گرفت که دو موشک به بغداد بزنند. آقای صیاد آمد. طرحی آورده بود که پنج تیپ از نیروهای ارتش بیایند و در کنار عملیات کربلای پنج، محور جدیدی باز کنند. تمایل دارد که مسئولیت به خودش سپرده شود و تلویحاً می‌گوید این کار را فرماندهان موجود نیروی زمینی، نمی‌توانند انجام دهند. گفتم به آقای خامنه‌ای هم عرضه کند.

امام جمعهٔ باختران [کرمانشاه] آمد. از مشکلات بمباران باختران و آوارگی مردم گفت و برای تقویت پدافند کمک خواست. برادران آقای [احمد] متوسلیان که مدتی پیش با کاردار ما در لبنان ربوده شده‌اند و بعد از چهار سال هنوز از آنها خبری نیست، آمدند و برای پیدا کردن اثری از آنها استمداد کردند و از کم توجهی گله داشتند. اشاره به تلاشهایمان در رابطه با در فشار قرار دادن فالانژها و غربی‌ها کردم. بنا شد که تبلیغات بیشتر شود.

کارپردازان برای چاره جوئی اختلاف بین دفتر من و روابط عمومی آمدند. آقایان خزاعی، [فخرالدین] انوار و [محمد] بهشتی آمدند. گزارشی از پیشرفت صنعت فیلم سازی و تربیت هنرمندان اسلامی بعد از انقلاب دادند و خواستار توجه بیشتر به فیلم و شرکت در جشنوارهٔ فجر شدند.

آقای آقازاده آمد. از بالا رفتن صدور نفت و فشار اخیر عراق بر کشتی‌ها و انهدام مؤسسهٔ رازی در ماهشهر و اظهار همکاری در برنامهٔ گرفتن امکانات از آمریکا برای جنگ گفت.

عصر آقای رفیق‌دوست خبر داد که نیروهای ما از جنوب کانال ماهی عقب نشینی کرده‌اند. خیلی ناراحت شدم. از قرارگاه پرسیدم که آقای شمخانی تائید کرد. گفتم بیست روز جهاد به هدر رفت. بارها به آنها تاکید کرده بودم که اولویت برای اینجا قائل شوند. قرار گذاشتیم، برای نظارت بیشتر بر امور، فردا به منطقه بروم.

آقای خرازی خبر داد که عراق برنامهٔ فوق‌العاده اعلام کرده است. عصر آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. گزارش سفر به عربستان را داد و تمایل این کشور برای همکاری در امور آینده عراق را گفت. گفتم حرکت آنها مشکوک است. با احتیاط با آن برخورد شود. هنوز به عراق کمک می‌کنند. اخوی محمود و سفیر جدیدمان در لبنان برای خداحافظی و مشورت آمدند.

آقای [علی] یونسی آمد. مشکلات سازمان قضائی نیروهای مسلح و حفاظت اطلاعات ارتش را گفت. خواستار همکاری بیشتر وزارت اطلاعات و شورای عالی قضائی است. مهدی هم خواست برای شرکت در جنگ با من بیاید. مادرش هم موافقت کرد. او صبر می‌کند؛ خدا صبر کامل بدهد که اجرش کم نشود.

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۶۵ | ۲ جمادی الاخر ۱۴۰۶ | 1 Febr ۱۹۸۷

بعد از نماز و استحمام و کمی ورزش، چمدان را برای سفر به خوزستان بستم. تلفنی به آقای خامنه‌ای، وضع نامطلوب جبهه را گفتم و تأکید کردم عقب نشینی از غرب کانال ماهی، بیانگر وضع نامطلوب نیروهای ماست. می‌روم که اوضاع را از نزدیک ارزیابی کنم.

درباره دستور امام در خصوص تحویل وسائل زرهی و توپخانه از ارتش به سپاه، در جواب درخواست آقای رضایی که از من و آقای خامنه‌ای خواسته‌اند اقدام کنیم، مشورت کردم. ایشان گفت به اختیار قرارگاه خاتم باشد و تصمیم قرارگاه را ایشان هم قبول دارند.



فرماندهان سپاه در قرارگاه خاتم الانبیاء

مهدی هم که با من عازم جبهه است، برای خداحافظی از معلمان و همدرسانش، به مدرسه رفت. عفت صبورانه آئینه قرآن درست کرد و صدقه داد و دعای سفر در گوش مهدی و من خواند. از این تحول مبارک در زنان و مادرها که این گونه فرزندان خود را به سوی میدان شهادت بدرقه می‌کند، باید شاکر بود.

مدیر مدرسهٔ مهدی، تلفنی به من گفت که مهدی از شاگردان ممتاز ریاضی است و مغزش در مسائل ریاضی فوق‌العاده است و خوب است در جبهه، در جائی از او استفاده شود که از این استعداد بهره گیرند و اظهار ناراحتی کرد که این گونه استعدادها از دست بروند. گفتم معمولا خوب‌ها و ممتازها در این راه پا می‌گذارند.

ساعت هفت ونیم با مهدی، دکتر روحانی، آقای سنجقی و پاسداران با اتومبیل به سوی خوزستان حرکت کردیم. ناهار و نماز در کافه ای نزدیک بروجرد انجام شد. شام در حومهٔ اندیمشک صرف شد. ساعت ده شب به اهواز رسیدیم و در محل گلف مستقر شدیم.

آقایان [محمدی]عراقی و صدر نماینده امام در سپاه و دادستان سپاه آمدند. گزارش وضع جبهه را دادند و گفتند روحیه و وضع نیروها، نیاز به تقویت دارد. مخصوصاً آقای صدر که در قرارگاه نجف حضور داشته، می‌گفت لشکرهای استان خراسان که مسئول جنگ در جزیره صالحیه و شمال آن

هستند، وضع سختی دارند. نیروهای تازه رسیده هنوز سازماندهی نشده‌اند و فرماندهان در اثر طولانی شدن عملیات خسته‌اند.

دشمن امروز جزیره صالحیه را پس گرفته و احتمالاً فردا به پاتک ادامه می‌دهد. وضع خطوط اطمینان بخش نیست. آقای [محمدی]عراقی برای تشییع جنازهٔ شهید [یاسر]رستمی [نوه آیت‌الله منتظری] به تهران حرکت کرد. با آقای رضایی تلفنی صحبت کردم. اظهار ناراحتی نکرد و پس دادن صالحیه را تأئید کرد. قرار شد فردا ملاقات کنیم.

دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۶۵ | ۳ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۲ Febr ۱۹۸۷

ساعت پنج بامداد بیدار شدم. گزارش‌ها را خواندم و رادیوهای فارسی آمریکا و انگلیس را گرفتم. هنوز مسأله رسوائی آمریکا در ارتباط با ایران مسأله روز است. گروگان‌گیری جدید در لبنان، دارد بحران می‌آفریند. بوی شرارتی از طرف آمریکا می‌آید. پیروزی چشمگیر ایران در عملیات کربلای پنج و تهدید بصره، سه اردوگاه غرب و شرق و ارتجاع را در حمایت از صدام جدی‌تر کرده است.

از قرارگاه مقدم اطلاع گرفتیم. معلوم شد برخورد مهمی نداشته‌اند. از جزیره صالحیه به طور کامل بیرون آمده‌اند و پل‌ها را پشت سر خود خراب کرده‌اند. قرار شد با فرماندهان [لشکر] نصر در قرارگاه خاتم مذاکره داشته باشیم.

تا عصر فرصتی داشتیم. با همراهان به شهر شوشتر در یکصد کیلومتری اهواز رفتیم. در بین راه دو نیروگاه رامین و زرگان را دیدیم. از روستاها و شهرک‌ها عبور کردیم. تقریبا تمام طول راه از میان مزارع عبور کردیم. منطقه آبادی است، ولی در راه جز کمی نخل ندیدیم. در خیابان‌های شوشتر گردش کردیم و شهر را شلوغ و پرجمعیت دیدیم. نگران بمباران آن و سایر شهرها هستیم. در مراجعت، بیرون شهر زیر درخت کُناری توقف کردیم و کاهو مصرف شد. برای ناهار به گلف برگشتیم. مهدی تلفن منزل را گرفت، تلفنی با منزل صحبت کردم.

ساعت چهار بعد از ظهر به قرارگاه خاتم رفتیم. آقایان شمخانی و رحیم صفوی، شرح وضع جبهه و توجیه عقب‌نشینی از غرب کانال ماهی و صالحیه را گفتند که در مورد صالحیه قابل قبول نبود. در مورد کانال ماهی هم نظر من این است که از اول در تحکیم مواضع و الحاق کوتاهی شده است.

بعد از نماز و شام، فرماندهان نیروی زمینی ارتش آمدند. پیشنهاد چهار عملیات محدود در مناطق

غرب و شمال غرب دادند. آقای رضایی گفت بهتر است که امکانات آنها به جنوب بیاید و سپاه را پشتیبانی کند. گفتم تصمیم‌گیری را به بعد می‌گذاریم.

سپس فرماندهان لشکرهای محمد رسول الله(ص)، کربلا و الغدیر که از غرب کانال عقب نشسته‌اند، آمدند و توضیحاتی دادند که ما را قانع کنند که امکان ماندن نبود. در مجموع قبول کردیم که در شرایط موجود نمی‌توانستند بمانند. گر چه اگر از اول تلاش کرده بودند، می‌توانستند شرایط الحاق به سایر نیروها و تحکیم مواضع را فراهم کنند.

سپس دربارهٔ ادامه عملیات بحث شد. نظر آنها این بود که امکان تداوم پس از رسیدن نیروهای سپاه مهدی و سازمان دهی آنها به دست می‌آید و فعلاً باید به پدافند در خطوط فعلی اکتفا شود. حرف ما این بود، با فشاری که در اثر بمباران شهرها بر ما هست، رکود جبهه قابل تحمل نیست. نظر آقای رضایی این بود که به هر اندازه که نیرو جمع شود، می‌توانیم عمل کنیم.

بعضی‌ها نظرشان این بود که صبر کنیم تا نیروی کافی بیاید و حمله وسیع بکنیم. تا ساعت دوازده شب بحث شد. اصرار آنها برای گرفتن امکانات از ارتش بود و موفقیت را مشروط به وجود توپخانه بیشتر و تانک و نفربر می‌دانستند. ساعت یک بامداد به گلف رسیدیم و خوابیدیم. مهدی به جبهه فاو رفت.

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۶۵ | ۴ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۳ Febr ۱۹۸۷

اول صبح هنگام اذان بیدار شدم. استحمامی کردم و پس از نماز به اخبار خارجی و داخلی گوش دادم. آمریکایی‌ها عقب نشینی ما را بر خلاف ادعای عراق که مهم معرفی کرده، جزئی قلمداد کرده‌اند. با دکتر روحانی درباره شیوهٔ رفتار با نیروها و زمان و کیفیت ادامه عملیات و در مورد امکانات ارتش که باید به سپاه برسد، مشاوره کردیم.

آقای رضایی نامه‌ای به امام نوشته و درخواست یکصد تانک، یکصد نفربر و سه ضدهوایی، ۵۷ شنی‌دار و ده گردان توپخانه کرده است. امام هم به من و آقای خامنه‌ای نوشته‌اند که نیازهای کربلای پنج تامین شود و آن را عقلاً و شرعاً لازم شمرده‌اند[1]، ولی سپاه ارقام درخواستی را بعد از این بالا برده

---

[1] ـ فرماندهان منطقه عملیاتی کربلای پنج، طی درخواستی اضطراری به محضر امام خمینی، فرمانده کل قوا، با بیان نیازهای عاجل خویش شامل

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

است. به نظرمان رسید که تامین همین ارقام مصوب امام هم به زحمت قابل امکان است.

با آقای [موسی] رفان [فرمانده نیروی هوایی سپاه] درباره تسریع در عملیاتی کردن سایت‌های ضد هوایی که از چین گرفته‌ایم، صحبت شد. یکی از آنها در تهران عملیاتی است و یکی در اصفهان تا پنجشنبه عملیاتی می‌شود. امروز صبح یک موشک به بغداد زده‌اند و گفتم تا اطلاع ثانوی و در صورت شرارت بعثی‌ها در شهرها، یک روز در میان یکی بزنند.

به آقای رفیق‌دوست گفته شده که تلاش کند تعداد بیشتری موشک از کره شمالی بگیرند. لیبی دیگر به ما موشک نمی‌دهد و کم کم دارد موضع ضد جنگ می‌گیرد. حتی سایت موشکی سام ضدهوایی را که در تهران دارد، به بهانه نقص قطعه، غیر عملیاتی کرده است.

آقای حسنی سعدی به همراه سه فرمانده نیروی زمینی آمدند. درباره نیازهای درخواستی سپاه که امام دستور تحویل آن را داده‌اند، مذاکره شد. نظر آنها این است که با این ابزار هم، سپاه با تلفات زیاد، حداکثر به کانال زوجی می‌رسد و این مقدار پیشرفت، چیزی را عوض نمی‌کند. بهتر است امکانات را حفظ کنیم و با اتکاء به آنها خواسته‌ها را مطرح کنیم، ولی در مقابل این سئوال که با جریان بمباران شهرها در جبهه چه بکنیم، جوابی ندارند. نتیجهٔ حرفشان این است که صبر کنیم تا نیروی بیشتری تجهیز نمائیم.

احمدآقا تلفنی اوضاع جبهه را پرسید و از مسألهٔ تحویل امکانات سپاه پرسید. بالاخره با مشورت با دکتر روحانی، ذیل دستور امام به نیروی زمینی ارتش نوشتم که اقلام درخواستی را برای مدت پنج هفته در کنترل عملیاتی سپاه قرار دهند. عصر به محل سایت موشکی هاک در غرب اهواز در جنگل مصنوعی رفتیم. از قسمت‌های مختلف بازدید کردم. برایم جالب بود. قرآنی به سایت هدیه کردم.

سپس به قرارگاه خاتم رفتم. فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌ها جمع شدند. برای آنها دربارهٔ ضرورت تداوم عملیات و تعقیب دشمن صحبت کردم. آنها عمده مشکل خود را نداشتن حمایت زرهی در مقابل عراق ذکر کردند و خواستار آمدن امکانات نیروی زمینی ارتش به کمکشان بودند و مقداری را که امروز دستور داده شده، کافی نمی‌دانند. ساعت دوازده شب به گلف برگشتیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

توپخانه، نفربر زرهی، تانک و توپ ضدهوایی و ذکر آمار تجهیزات مورد نیاز، خواستار تأمین و ارسال آن شده‌اند. امام خمینی(ره) در پاسخ به این درخواست چنین مرقوم فرموده‌اند: " بسمه‌تعالی، جنابان حجتی‌الاسلام آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی - اعزّهماالله تعالی با وضعیت بسیار خطیری که با آن مواجه هستیم شرعاً و عقلاً لازم است برای رساندن مایحتاج رزمندگان جان به کف کربلای پنج سریعاً اقدام شود. مسامحه در این امر یک فاجعه خدای نخواسته ممکن است به بار آورد. والسلام علیکما و رحمةالله. ۱۱ بهمن ۶۵ روح اللّه‌الموسوی الخمینی"

چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۶۵ | ۵ جمادی الاخر ۱۴۰۶ ۴ Febr ۱۹۸۷

اخبار رادیو آمریکا و انگلستان، بوی توطئه دخالت مسلحانه در منطقه و مخصوصاً در لبنان و شاید در خلیج‌فارس علیه ما می‌دهد[1]. مسأله گروگان گیری اخیر در لبنان و بازداشت [آقای جرالد سیب] یک روزنامه نگار آمریکایی در ایران را بزرگ می‌کنند. تا ساعت ده صبح در گلف به کارهای جنگ رسیدگی کردیم.

سپس برای بررسی وضع منطقه سوسنگرد، هویزه و بستان حرکت کردیم. منطقه عمدتاً سر سبز و اراضی کشاورزی است. هوا طوفانی و گرد و غبار بود. در سوسنگرد از نقطهٔ بمباران شدهٔ شهر بازدید کردیم. شهر را خلوت و نیمه تعطیل دیدیم. لابد از ترس بمباران، بیرون رفته‌اند. هویزه هم خالی بود. هنوز منازل تحویل نشده است. بیرون هویزه، لب جوی آبی توقف کردیم. ساعت دو و نیم بعد از ظهر به اهواز رسیدیم. نماز، ناهار، خواب و سپس در ساعت چهار ونیم شروع به دیدن گزارش‌ها کردم.

احمدآقا تلفنی گفت، نامه‌ای از سرهنگ حسنی سعدی به امام رسیده که نوشته تحویل این همه امکانات به سپاه برای ارتش مشکل است و امام دستور داده‌اند که در جواب نوشته شود، لازم است از دستورات فرماندهی جنگ (من) اطاعت شود و تاخیر موجب کیفر زمان جنگ است.

با آقای [حسین]علایی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] در مورد استفاده از موشک ساحل به دریا، برای شهرها و مراکز زمینی مذاکره کردیم. قرار شد بررسی کنند. از دیروز ظهر تا امشب، دشمن بمباران شهرها نداشته است. ما هم گفتیم نیروها اقدام نکنند و اگر دشمن شروع کرد، مقابله به مثل

---

۱ - رادیو اسرائیل در این باره گفت: "دنیا دوباره به لبنان چشم دوخته و در انتظار کسب اطلاع از سرنوشت افرادی که توسط سازمان‌های تروریسم ربوده شده‌اند، رسانه‌های گروهی تمرکز نیروهای نظامی آمریکا در شرق دریای مدیترانه را به دقت دنبال می‌کنند. هرج و مرج در شهر طاعون‌زده بیروت چنان شدت یافت که در هفته‌های اخیر هر گروه کوچک و ناشناس به آدم‌ربایی دست می‌زند و برای آزادی گروگان‌های خود مبالغ هنگفتی مطالبه می‌کند. یک گروه زیرزمینی کشیش انگلیسی تری‌ویت را به اسارت گرفته و در ازای آزادی او یک میلیون دلار مطالبه می‌کند. اسقف اعظم کلیسای انگلیسی بریتانیا برای کسب آزادی‌تری ویت به آقای هاشمی رفسنجانی متوسل شد. یک گروه تروریستی دیگر که چهار نفر اتباع آمریکایی را ربوده برای آزادی آنها چهار میلیون دلار پول نقد و آزادی چهارصد تروریست زندانی در اسرائیل را مطالبه می‌کند. این درخواست‌ها در اورشلیم و واشنگتن با بی‌اعتنایی و لبخند و تمسخر روبرو گردیده است. ایالات متحده در روزهای اخیر نیز نیروی عظیمی در حوزه شرقی دریای مدیترانه و در فاصله کمی از سواحل لبنان متمرکز ساخته و شایع گردید که نیروهای کماندو قصد دارند برای نجات گروگان‌ها در آن کشور پیاده شوند ولی کارشناسان نظامی به نتایج یک اقدام کماندویی خوشبین نیستند؛ احتمال آن را بسیار ضعیف می‌دانند. از جانب دیگر کارشناسان سیاسی می‌گویند که ایالات متحده بیش از این نمی‌تواند در برابر تحریکات باجگیرانه گروه‌های تروریستی سکوت کند و دیر یا زود ناچار خواهد گردید برای ریشه کن ساختن ترور و حفظ حیثیت خویش به یک واکنش مؤثر علیه سازمان‌های خرابکاری و حکومت‌های تروریست پرور دست بزند".

کنند.

پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۶۵ | ۶ جمادی الاخر ۱۴۰۶ 5 Febr 1987

اول وقت آقایان محسن رضایی و رحیم صفوی آمدند. برنامه و مانور عملیات آینده را گفتند و تاکید بر تحویل ابزار جنگ از ارتش نمودند. ساعت نه و نیم از راه [استان چهارمحال و] بختیاری و اصفهان به سوی تهران حرکت کردیم. در مسیر از شهرهای رامهرمز و ایذه در استان خوزستان گذشتیم.

بعضی از همراهان از جمله دکتر روحانی با رفتن از این راه مخالف بودند، چون در گردنه‌های بعد از ایذه تا دهدز و از آنجا تا سرخون، راه غیر قابل عبور اعلام شده بود. پیشرو که برای بررسی راه رفته بود، در جاده برفی گیر کرده بود و خبری از او نداشتیم. در سفر گذشته هم پیشرو اطلاع داده بود که راه قابل عبور نیست، ولی من برای دیدن منطقه و راه و تنوع در سفر، اصرار داشتم که برویم.

در بین راه به آقای قلی شیخی نماینده ایذه [و باغملک] برخورد کردیم. ایشان مدعی بود راه قابل عبور است و قبلاً هم نمایندهٔ اردل گفته بود که به تازگی از این راه سفر کرده است. در راه به پیشروها رسیدیم که برمی‌گشتند و گفتند که امکان عبور نیست.

در دهدز، بخشدار گفت عبور مشکل است ولی یک تراکتور همراه ما کرد که هر جا گیر افتادیم به ما کمک کند. نزدیک غروب به جاده‌های باتلاقی و برف گرفته رسیدیم. ماشین‌ها در گل ماندند و بالاخره با زحمت و اصرار من عبور کردیم.

اول شب لب رودخانه بازفت رسیدیم. رودخانه پر آب بود و سیل پل آن را برده بود. به کمک بولدوزرهای وزارت راه از آب عبور کردیم. در محل کمپ نماز خواندیم و شام که عدسی بود، صرف شد. چون خسته بودیم و جاده‌های جلو هم خطرناک بود و مایل بودیم برای تماشای منطقه سفر در روز باشد، شب را در همان کمپ خوابیدیم.

من در اتاق خواب رئیس کارگاه آقای جعفری خوابیدم. برای کارکنان آنها قابل تصور نبود که ما شب را در آنجا بمانیم. بد هم نگذشت. به خاطر خستگی شدید نیاز به استراحت داشتیم. پاسدارها هم مطابق معمول نگهبانی می‌دادند. هوای آنجا هم معتدل بود.

مبلغ پنجاه میلیون تومان از بودجه جنگ، به وزارت راه و ترابری کمک کرده‌ام که جاده اصفهان به اهواز زودتر ساخته شود که در جنگ ـ مخصوصاً در صورت مسدود شدن راه تهران اهواز ـ موثر است.

جمعه ۱۷ بهمن ۱۳۶۵ | ۷ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — 6 Febr 1987

بعد از نماز صبح با کارکنان کمپ احوالپرسی کردم و گفتم مبلغی به افرادی که دیشب برای ما زحمت کشیده‌اند، بدهند. آنها قبول نکردند و آن مبلغ را حوالهٔ جبهه نمودند. ساعت شش ونیم صبح به سوی تهران حرکت کردیم.

آقای روحانی نقل کرد که بعضی از کارگران به احترام حضور ما در کمپ، تا صبح نخوابیده بودند و بعضی از آنها با احساسات، پیشنهاد می‌کردند که چون گوسفندی برای کشتن در مقابل ما ندارند، آمادگی دارند خودشان قربانی شوند؛ این محبت‌ها مایه شرمندگی من است. مردم به خاطر اسلام، با مسئولان چنین برخوردی دارند و ما لیاقت این همه محبت را نداریم.

از گردنه‌ها و ارتفاعات صعب العبور و جاده‌های خاکی زاگرس در حواشی رودخانه کارون و سرشاخه‌ها عبور کردیم. به اولین آبادی به نام «سرخون» رسیدیم. جای جالبی است. نزدیکی‌های دوراهی لردگان - بروجن چلوکباب خوردیم. ساعت نه شب به منزل رسیدیم.

شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۶۵ | ۸ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — 7 Febr 1987

در منزل بودم. بیشتر وقتم به قرائت گزارش‌ها گذشت[1]. چند بار با جبهه تماس گرفتم. قرار بود شب یکشنبه عملیات محدودی داشته باشیم. امروز حمله عراق از شلمچه دفع شده است. مذاکرات ارتش و سپاه برای تحویل وسایل ارتش، نیمه موفق بوده است. سه هواپیمای عراق ساقط شده. یک فالکن خودی از سپاه پاسداران در اطراف پایگاه امیدیه، هدف قرار گرفته، سرنگون شده و سرنشینان آن شهید شده‌اند. احتمالاً به اشتباه از طرف پدافند خودمان هدف قرار گرفته، زیرا هنگام وضعیت قرمز به آنجا رسیده است.

امروز هم چند شهر ما بمباران شده است. به آقای رفیق‌دوست گفتم برای گرفتن موشک زمین به زمین بیشتر از کره‌ای‌ها، برای مقابله با زدن شهرها جدیت کند. بناست سه‌شنبه به آنجا برود.

سایت موشک ضد هوایی که از چین گرفته‌ایم از دیروز در اصفهان عملیاتی شده و امروز اولین

---

۱ - رادیو آمریکا در این روز اعلام کرد: ایران در میان اختلاف نظرها و سردرگمی هایی که در مورد ماجرای بازداشت جرالد سیب خبرنگار آمریکایی در داخل حکومت ایران وجود داشت، سیب را آزاد کرد. سیب که خبرنگار وال استریت جورنال است، روز شنبه گذشته به اتهام جاسوسی بازداشت شد و حدود نیمروز چهارشنبه به مقام‌های سفارت سوئیس در تهران تحویل داده شد. رادیو تهران به نقل از موسوی نخست وزیر گفت: "سیب ظرف چند روز آینده اخراج خواهد شد".

موشک را شلیک کرده است، گر چه اصابت نکرده، ولی احتمالاً باعث وحشت میگ‌های ۲۵ عراق که معمولاً بدون ترس از ارتفاع ۷۰ هزار پائی بمباران می‌کردند، خواهد شد. از اینکه افراد سپاه توانسته‌اند موشک را عملیاتی کنند، باید خوشحال بود.

یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۶۵ | ۹ جمادی الاخر ۱۴۰۶ | 8 Febr 1987

تا ساعت هشت صبح در منزل به مطالعه گزارش‌ها پرداختم[1]. به مجلس آمدم. از جبهه سراغ گرفتم. معلوم شد عملیات موعود انجام نشده و به بعد موکول گردیده است. آقای محسن رضایی از توافق با حسنی سعدی تا حدودی راضی بود. آقای موسوی از اعضای دفترم آمد و از عدم همکاری روابط عمومی شاکی بود.

آقای مرتضائی معاون آقای فروزنده [رئیس ستاد قرارگاه خاتم] آمد. از وجود مقدار قابل توجهی راکت ۲/۵ در هوانیروز خبر داد که مورد استفاده قرار نگرفته و خواستار تحویل بخشی از آن به سپاه بود. این راکت‌ها برای هلی‌کوپترها خریده شده که نیاز آنها کمتر است. عجیب است که بعد از حدود هفت سال جنگ، امکانات استفاده نشده کشف می‌شود.

آقایان [مصطفی]ترابی [فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش] و [علی]یونسی [دادستان ارتش] آمدند. خبر از شروع همکاری وزارت اطلاعات با حفاظت اطلاعات ارتش دادند. در گذشته حاضر به همکاری نبودند و از اینکه در پیش نویس قانون ارتش نوین، نظارت وزارت اطلاعات بر حفاظت آمده ناراضی‌اند.

[آقای مختار کوسوماتماجا] وزیر امور خارجه اندونزی به ملاقات آمد. بحث‌ها کلی بود و به خصوص در مسائل اخیر ما با آمریکا سؤال کرد که گفتم آنها مدعی بودند خصومتی با ما ندارند، اما در آزمایش رفوزه شدند و همان شیطان بزرگ، لقب مناسبی است، بعد از آزمایش و آماده‌ایم که در

---

۱ ـ در این روز خبرگزاری مجارستان اعلام کرد آقای هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران در مصاحبه‌ای با تلویزیون مجارستان گفت: "حدود یک ماه پیش تماس هائی میان یک فرستاده آمریکا و نمایندگان دولت ایران انجام گرفته است". خبرگزاری مجارستان به نقل از آقای هاشمی افزود: "حدود یک ماه پیش وزارت امور خارجه آمریکا شخصی بنام «دامبار» و نیز افراد دیگری که قبلاً آمده بودند، عازم ایران کرد. وی حامل طرحی از سوی وزارت امور خارجه آمریکا بود. این شخص اظهار داشت وزارت امور خارجه آمریکا آماده برای مذاکره در آینده با ایران است. "آقای رفسنجانی گفت که به نمایندگان ایران دستور داده شد تا از پذیرفتن طرح خودداری کنند، زیرا ایران دیگر به آمریکا اعتماد ندارد، آمریکا جدی نیست. پس از شکست مأموریت مک فارلین فرستاده‌های آمریکا همچنان به تماس با عوامل ما که به خرید اسلحه اشتغال دارند و زیر نظر ادارات اطلاعاتی عمل می‌کنند ادامه داده‌اند".

امتحان تجدیدی شرکت کنند. او تصریح کرد که حرف‌های ایران درست از کار بیرون آمد.

آقای دکتر ولایتی از حرکات مشکوک روسها در رابطه با سفر ایشان به شوروی خبر داد و گفت شرط کرده‌ایم که [ادوارد شوارد نادزه] وزیر امور خارجه شوروی به استقبال بیاید و هنوز جواب مثبت نرسیده است.

عصر آقای [علی اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد و اسنادی آورد که فرانسه و دیگران، نگران نتایج عملیات اخیرند و هم در تلاش برای حفظ بعث عراق و جلوگیری از پیروزی ما و هم به فکر آینده عراق بعد از صدام هستند.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. بیشتر درباره جنگ، تحصیل و مسائل دفاعی مخصوصاً موشک و اقداماتی که در قرض دادن موشک اس ـ ۱۲ روسی به عراق بتوان انجام داد، بحث شد. شب به خانه رفتم.

دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۰ جمادی الاخر ۱۴۰۶ | 9 Febr 1987

تا ساعت هشت صبح در منزل مطالعه کردم. در راه مجلس از غرفه ابزار تخریبی کشف شده از ضدانقلاب خرابکار و چیزهایی که مأموران خودمان ابتکار کرده‌اند، دیدن کردم. از جبهه خبر گرفتم. باز هم عملیات به تأخیر افتاده است.

آقای [علیرضا]معیری معاون [سیاسی] نخست وزیر آمد و گزارشی از سفر به ترکیه و کوبا داد. تازه مهمی نداشت. نخست وزیر کوبا و ترکیه ابتدا معتقد بوده‌اند که عراق تاب مقاومت را دارد و به این زودی جنگ تمام نمی‌شود.

آقای [اسماعیل] فدائی نماینده اراک آمد و گزارش سفر جبهه را داد و گفت مردم اراک کم کم با بمباران‌ها خو می‌کنند و قابل تحمل شده است. نمایندگان تبریز آمدند و خواستار تقویت پدافند این شهر شدند و از مقاومت مردم تبریز راضی‌اند. نمایندهٔ زاهدان همراه دو هنرمند زاهدانی آمدند. از کمبود امکانات فرهنگی آنجا گفتند. آقای [حسین] مهدیان آمد. راجع به خیریه [مرحوم ابولفضل] تولیت و امور شخصی و شرکت نشر [فرهنگ اسلامی] گفت.

عصر دانشگاهیان آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. آقای [حسن]غفوری فرد آمد. درباره شیوهٔ

---

۱ ـ در این ملاقات که گروهی از نمایندگان دفتر آیت‌الله منتظری در دانشگاه‌ها، مدیران و اساتید دانشگاه‌ها و جهاد دانشگاهی و انجمن‌های



کناره‌گیری از مسئولیت [کمیته ملی] المپیک مشورت کرد. آقای [ابولفضل] توکلی‌بینا آمد و گزارشی از وضع مهندسی و ساختمانهای سپاه داد و خواستار کمک در خانه سازی برای سپاهیان در اراضی حظیره [شهرک شهید محلاتی] شد. سپاه این اراضی را اخیراً با پیشنهاد من و دستور امام از بنیاد مستضعفان گرفته است.

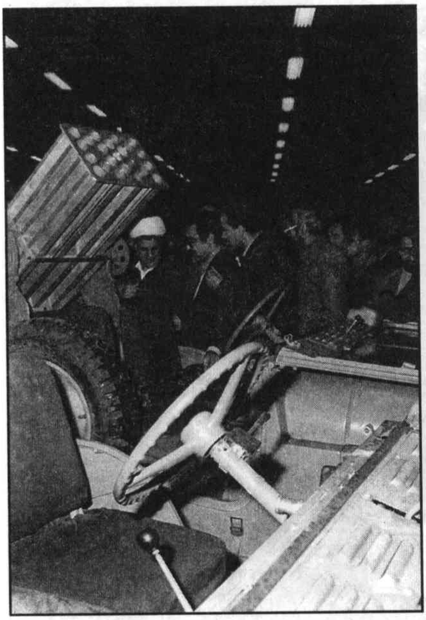
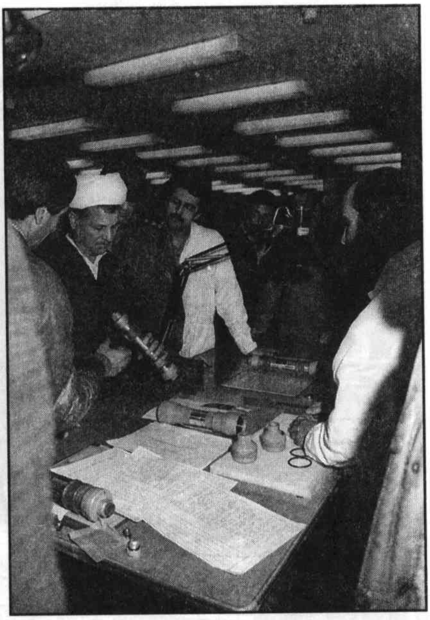
آقای [محسن] نوربخش آمد و از وضع دانشگاه شهید بهشتی ـ که اخیراً استاد و معاون آموزشی آنجا شده ـ گفت. امروز گزارشی از تجاوز هوایی عراق نداشتیم و گفتم که توپخانه‌ها شلیک نکنند. شب به خانه آمدم. عفت و فاطی به مراسم ازدواج یک معلول جنگ رفته بودند.

سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۱ جمادی الاخر ۱۴۰۶ 10 Febr 1987

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم. از جبهه اطلاع گرفتم. گفتند بناست

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اسلامی دانشجویان و کارکنان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "ما انتظار داریم در سالروز انقلاب بار دیگر شاهد حضور وسیع مردم در خیابان‌ها باشیم و امت انقلابی کشورمان با آمدن در خیابان‌های سراسر کشور اثبات کنند که تهدیدها و ارعاب‌ها، آن‌ها را نسبت به انقلاب خودشان صمیمی‌تر و ایثارگرتر می‌کند و این مسأله در مراحل قبلی هم ثابت شده است و اکنون زمان نشان دادن صمیمیت و وفای جامعه انقلابی نسبت به انقلاب است. به خاطر آنکه ما اکنون در مقطعی هستیم که تهاجم شیطانی شده است و ما باید با حضور در صحنه‌ها یک تودهنی به آنها بزنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷

بازدید از صنایع هلی کوپتر سازی (پنها)

امشب عملیات باشد. شب معلوم شد که به علت مهتاب و آمادگی دشمن، از این تصمیم منصرف شده‌اند. من هم تاکید کردم که ممکن است دشمن به خاطر احتمال عملیات در شب ۲۲ بهمن آماده باشد.

آقای عبدالله نوری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه آمد و گزارش وضع بودجه را داد و در مورد بودجهٔ جنگ و قطع کمک دولت به وزارت نیرو و وزارت نفت، به منظور خودکفا شدن از طریق گران کردن برق و نفت، مشورت کرد.

آقای [فریدون] مهدی‌نژاد آمد. گزارش وضع گروگانها در لبنان را داد و امکان آزاد شدن "تری ویت" را گفت که گویا ربایندگان در نظر دارند بعد از تخلیه اطلاعاتی آزادش کنند. او برای مخارج لبنان ارز خواست. به آقای رفیق‌دوست نوشتم که بدهد.

ظهر آقای [سیدحسین] موسویان مدیر کل ادارات مجلس آمد. گفت شخصی بنام دکتر رابرت از آمریکا، تلفنی پیشنهاد کرده که من با شماره تلفنی که داده با ریگان رئیس جمهور آمریکا تماس بگیرم. آن را توطئه‌ای تلقی کردم و جواب ندادم. گفتم روی شخص گوینده که خود را عضو روزنامه «مورنینگ نیوز» معرفی کرده تحقیق شود.

آقای [ابراهیم] سنجقی آمد؛ از وضع جبهه و نیازهای سپاه گفت. عصر به پنها برای بازدید.

کیفیت تعمیر هلی‌کوپترها رفتیم. جالب است. پیشرفت خوبی دارند. برای آنها درباره اهمیت هلی‌کوپترها در جنگ و پشت جبهه و اهمیت کارشان صحبت کردم[1].

شب به تالار وحدت رفتیم. در مراسم افتتاحیهٔ پنجمین جشنواره فیلم فجر سخنرانی کردم[2]. در پایان سخنرانی ضمن شعارها، مرگ بر شوروی گفتند. اعضای سفارتخانه شوروی که جزو مهمانان بودند، به عنوان اعتراض بیرون رفتند. گفتم از آنها دلجویی شود و به حضار تذکر بدهند[3].

به خانه رفتم و فیلمی از تلویزیون تماشا کردم. بد نبود. عفت و بچه‌ها، بیرون شام خورده بودند. برای من هم آوردند.

چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۲ جمادی‌الاخر ۱۴۰۶ 11Febr 1987

راهپیمائی [۲۲ بهمن] با شرکت انبوه مردم حتی در شهرهای مکرّر بمباران شده، بیش از حد انتظار

---

۱ ـ آقای هاشمی در این بازدید ابتدا از نمایش پرواز جمعی انواع هلی‌کوپترها دیدن کرد و در پیامی خطاب به خلبانان هلی‌کوپترهایی که در آسمان تهران به پرواز درآمده بودند، از خدمات آنان در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها قدردانی به عمل آورد. سپس از بخش‌های مختلف ساخت، تعمیر و قطعه سازی صنایع هلی‌کوپترسازی دیدن کرد و در گفتگویی کوتاه از ابتکارات پرسنل این صنایع که در نوع خود در جهان کم نظیر است قدردانی کرد. آقای هاشمی آن‌گاه در جمع کارکنان صنایع هلی‌کوپترسازی حضور یافت و طی سخنانی به تشریح نقش ارزنده خدماتی و رزمی هلی‌کوپتر در عرصه زندگی اجتماعی - اقتصادی و نظامی پرداخت. ایشان با یادآوری تعداد قابل ملاحظه هلی‌کوپترهای موجود در کشور و نقش آنها در کارهای خدماتی و رزمی، حفظ و نگاه داری این امکانات را از جمله وظایف بسیار مهم و با ارزش توصیف کرد. ایشان عملکرد و ابتکارات به عمل آمده در صنایع هلی‌کوپتر سازی را با توجه به هفت سال جنگ و وابستگی وسیع آن به تکنولوژی خارجی و کارشناسان بیگانه، غیرقابل انتظار توصیف کرد و خطاب به کارکنان این صنایع خاطرنشان ساخت: "اگر امروز در زمینه هلی‌کوپتر و مسائل مربوط به آن مضیقه‌ای احساس نمی‌کنیم، این را مرهون زحمات شما می‌دانم و این خیلی افتخارآفرین است که در جایی که روی کاکل خارجی‌ها می‌گشت، الان شما این قدر خوب کار کرده‌اید که از آمریکا و شوروی و انگلیس و دیگر کشورها در این زمینه بی‌نیاز هستیم و هم‌اکنون در کشورهای جهان سوم و بسیاری از کشورهای پیشرفته، تعمیر هلی‌کوپتر در این سطح بالایی که در اینجا صورت می‌گیرد، وجود ندارد". آقای هاشمی در پایان سخنانش خطاب به کارکنان صنایع هلیکوپترسازی تأکید کرد: "شما برای جهان سوم الگویی هستید که نشان می‌دهد می‌توان بدون اتکا به قدرت‌ها از عهده کارهای فنی پیچیده برآمد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "انقلاب مردم را با صنعت سینما آشتی داد و حرکت‌های بسیار خوبی که تاکنون انجام شده است، گام‌های سخت راه است و باید کار در این زمینه خیلی بیش از این اوج بگیرد. با توجه به اینکه ازگذشته هم ما شیوه‌های نمایش برای تبلیغات داشته‌ایم، مثل شبیه گردانی و تعزیه که در مورد نحوه مطرح کردن مسائل، در جهان بی‌نظیر است، چرا نباید از سینما و فیلم برای بیان مسائل خود استفاده کنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۳ ـ سه تن از اعضای سفارت شوروی در تهران که به دعوت برگزار کنندگان پنجمین جشنواره فیلم فجر در مراسم اختتامیه این جشنواره در تالار وحدت شرکت کرده بودند، پس از شعارهای مرگ بر شوروی که توسط حاضران در تالار داده شد به عنوان اعتراض تالار را ترک کردند. پس از خروج سه عضو سفارت شوروی از تالار، مجری برنامه از مردم خواست تا شعار مرگ بر شوروی را از شعارهای خود حذف کنند که با اعتراض یکی از افراد حاضر در تالار روبرو شد.

انجام شد. ارزش سیاسی بالائی دارد. ضمن راهپیمائی‌ها، هواپیماهای عراق به چند شهر منجمله تهران و قم حمله کردند، ولی مردم رشادت به خرج داده و با دست‌های افراشته و شعار جنگ جنگ تا پیروزی و استقبال از شهادت با آن مواجه شده بودند؛ خیلی مهم است.

آقای رفیق‌دوست آمد. علت تاخیر سفر به کره شمالی را که برای گرفتن موشک بیشتر بایستی انجام شود، گفت خیال می‌کند به علت اختلاف دو جریان نظامی و بازرگانی در کره است، ولی احتمال فشار روسها هم هست. گفت پانصد موشک تاو ـ که آخرین محمولهٔ آمریکایی‌هاست ـ از نوع قدیمی و عمدتاً معیوب است؛ بر خلاف قرار که بایستی از آخرین محصول کارخانه باشد. این سند شیطنت و پستی آمریکایی‌هاست.

عصر برای سخنرانی در مراسم ختم برنامه‌های مهمانان دهه فجر به هتل لاله رفتم[1]. فاطی هم با من آمد و شب با عفت و خانم مطهری در مراسم بودند.

شب با دیگر سران قوا مهمان احمدآقا بودیم. امام هم شرکت نمودند. درباره سفر دکتر ولایتی به شوروی مذاکره شد. قرار شد با قبول شرط حضور وزیر خارجه شوروی در استقبال و دادن ملاقات با گورباچف و نخست وزیرشان بروند. گویا مایل نیستند این شرط‌ها را بپذیرند. نظر امام این بود که اگر از موضع ضعف با روسها برخورد کنیم، سفر هم کم نتیجه و احتمالاً مضر خواهد شد.

درباره جنگ شهرها مذاکره کردیم. همه قبول داشتیم که فشارها سخت است و ممکن است به صورت غیر قابل تحمل در آید، ولی چاره‌ای، جز مقاومت و ادامه جنگ به نظر نرسید. فقط با توسعه امکانات موشکی برای مقابله به مثل و فشار در جبهه‌ها قابل تحمل است. قرار شد بحث ادامه یابد.

قرار شد آقای خامنه‌ای برای دیدن آیات به قم بروند که در عین بمباران در قم مانده‌اند. قبول شد که آمدن مهندس غربی به ایران برای تعمیر موشکهای فونیکس را بپذیریم. از طرف یکی از همین آمریکایی‌ها به مهدی‌نژاد، بدون هدف سیاسی و فقط به عنوان کسب و تجارت خودش پیشنهاد شده است.

امروز شرارت بمباران دشمن زیاد بوده است. شاید علت آن عملیات فتح چهار بوده که امشب در شمال عراق انجام داده‌ایم. دیر وقت به خانه آمدم. نیمه شب و صبح زود، عراق به تهران حمله کرد،

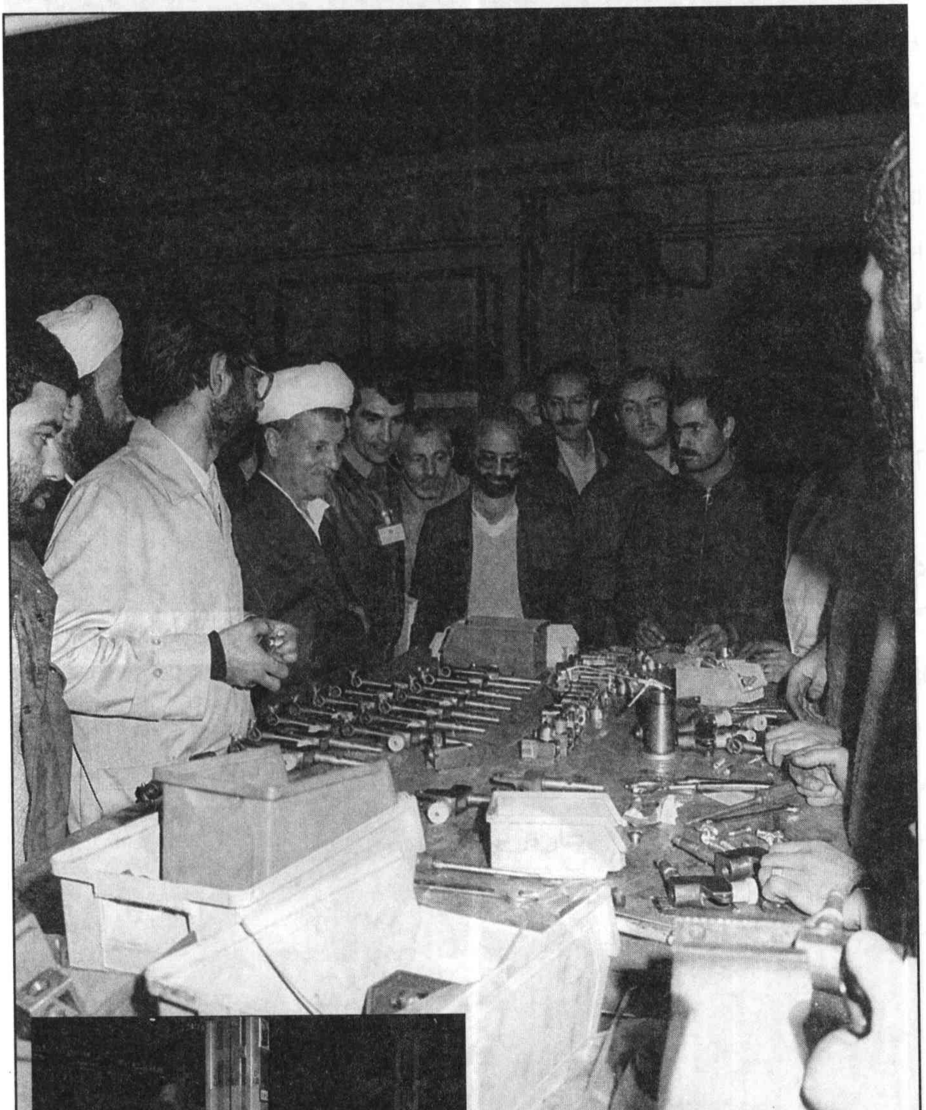
---

۱ ـ آقای هاشمی در این سخنرانی ضمن ابراز خرسندی از حضور مهمانان خارجی، از آنان خواست تا حقایق و واقعیت‌هایی را که در مدت اقامت خود در ایران درک کرده‌اند، برای ملت‌های خود بازگو کنند. ایشان با اشاره به راه‌پیمایی عظیم امت، حزب‌الله در روز ۲۲ بهمن گفت: "خوشحالی ما این است که شما موفق شدید با یکی از حماسه‌های مردم ما از نزدیک آشنا شوید و قدرت اسلام را لمس کنید. من فکر می‌کنم به هیچ زبان و وسیله دیگری نمی‌شد عظمت روح اسلام و قدرت ایمان را آن طور که شما در خیابان‌ها مشاهده کردید، به نمایش گذاشت". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷





مراسم جشنواره فیلم فجر ، حجت الاسلام و المسلمین محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی و فخرالدین انوار معاون سینمایی وزارت ارشاد اسلامی در عکس دیده می شوند



بازدید از صنایع دفاعی کشور

ولی بمب‌ها در بیرون تهران افتاد.

پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۳ جمادی‌الاخر ۱۴۰۶ 12Febr ۱۹۸۷

صبح به مجلس آمدم. نماینده نهاوند برای مسائل آن شهر که در اثر بمباران پیش آمده است، استمداد کرد. تا عصر بیشتر به قرائت گزارش‌ها و انجام امور جنگ گذشت. سفارتمان در انگلستان اطلاع داده که رئیس کلیسای کانتربری نامه‌ای به من نوشته و خواسته که برای نجات «تری ویت» [کشیش انگلیسی] کمک کنم و متقابلا اظهار آمادگی کرده که برای نجات [احمد] متوسلیان و [سید محسن] موسوی در لبنان کمک کنند. وسیله خوبی است برای مطرح شدن مسأله فراموش شدگان ما در لبنان که ظاهراً توسط فالانژها ربوده شده‌اند[1].

آقای [حسین] کمالی [نماینده تهران] آمد. برای منبع مالی لایحه بیمه بیکاری استمداد کرد و از اسراف در مصرف در جبهه گفت. آقای شمخانی اطلاع داد که عملیات به تاخیر افتاده است. هواپیمای عراقی چند بمب در تهران انداخت که شش نفر شهید و جمعی مجروح داشته است. ما هم یک موشک به بغداد زدیم.

عصر دکتر ولایتی آمد و گفت روسها شرط حضور وزیر خارجه‌شان در استقبال را پذیرفته‌اند و ملاقات با نخست وزیر را در برنامه گنجانده‌اند. قرار شد بروند. تذکراتی در مورد مسائل فیمابین از جمله تاکید بر ضرورت بی طرفی شوروی در جنگ یا برخورد مساوی و اشاره به همکاری ما و سوری‌ها و لیبیائی‌ها در عراق بعد از صدام و تهدید به امکان شدت بغض ملت ایران علیه شوروی، به خاطر حمله به شهرها توسط عراق و امکان دریافت سلاح دفاعی از غربی‌ها در صورت ادامه شرارت‌ها، دادم.

تا ساعت هفت ونیم در دفترم کار کردم. برق تهران و بخش وسیعی از کشور قطع گردید.

جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۴ جمادی الاخر ۱۴۰۶ 13 Febr ۱۹۸۷

آیت‌الله موسوی اردبیلی نماز جمعه را اقامه کردند. دیشب و امروز دوسه بار هواپیماهای عراقی به تهران حمله کردند. دو سه بمب روی نقاط مسکونی افتاد و حدود بیست شهید و حدود یکصد

---

۱ ـ متن کامل نامه اسقف کلیسای کانتربری و پاسخ آقای هاشمی در بخش ضمایم کتاب درج شده است.

مجروح به جا گذاشت. ما هم برای مقابله به مثل به بغداد موشک زدیم. از پدافند موشکی خواستم جدی‌تر عمل کنند.

هواپیمای میگ ۲۵ در ارتفاع ۷۵ هزار پا پرواز می‌کند و [سیستم موشکی] هاک به آن نمی‌رسد. موشک‌های چینی دقیق نیستند و [موشک] شباهنگ عملیاتی نبوده و لیبیائی‌ها هم این روزها، سایت موشکی سام ۲ را تعطیل کرده‌اند.

حمله به تهران از لحاظ روانی، باعث کاهش فشار روی شهرستانها شده است و از فشار جمعیت مهاجر شهرستان‌ها به تهران می‌کاهد، ولی برای عراق هم که می‌تواند مرکز را بزند، موفقیت به حساب می‌آید. دیشب شبکه برق سراسری مدتی خاموش شد، ولی به تدریج در مدار قرار گرفت. از این جهت دمغ بودم.

شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۵ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۱۴ Febr ۱۹۸۷

ساعت شش صبح با صدای ضد هوایی‌های تهران بیدار شدم. معلوم شد هواپیمای دشمن نتوانسته بمب به تهران بیندازد و فرار کرده است.

به مجلس آمدم. گزارش‌ها را خواندم. سفر آقای دکتر ولایتی به شوروی، مورد توجه شرق و غرب است. آقای لطیف صفری آمد. گزارش وضع اسلام آباد [غرب] را داد. در بمباران تقریبا کل شهر خالی، ویران و غیر مسکونی شده است. مردم به روستاهای اطراف شهر پناه برده‌اند و امکانات و خدمات به آنها می‌رسد. روحیهٔ مردم، خوب و قابل تحمل است. به نظر خیلی عجیب می‌رسد.

آقای سیدزاده آمد و گزارش وضع باختران را داد. تقریبا شهر خالی است و مردم ناراحتند؛ چون مثل اسلام‌آباد، بافت مردم عشایری نیست. آنها به آسانی جذب روستاها نشده‌اند و مشکلات زیاد است.

آقای رفیق‌دوست آمد و گفت سفرش به کره [شمالی] باز هم به تاخیر افتاده است. به وزیر راه و ترابری و دکتر روحانی و وزارت خارجه گفتم، سریعاً هواپیما برای آوردن موشک‌ها اعزام شود و منتظر سفر رفیق‌دوست نمانند. آقای سنجقی آمد و گفت عملیات محدود را وسیع‌تر گرفته‌اند و زمان معین نکرده‌اند. به نظرم رسید که زودتر به جنوب برویم؛ گویا مشکلی دارند.

آقای روحانی گفت، دولت دستور داده مدارس تهران تعطیل شود. به نخست وزیر گفتم این کار

مصلحت نیست. دشمن را تشویق به ادامه بمباران می‌کند و به سایر اجتماعات هم سرایت می‌نماید. قرار شد برای مشورت بیشتر دست نگه دارند.

عصر دکتر جاسبی آمد. درباره مسائل دانشگاه آزاد اسلامی در ارتباط با وزارتخانهٔ علوم و آموزش عالی صحبت شد. مسئولان ژاندارمری آمدند و برای گرفتن اعتبار استمداد کردند. فوق‌العاده عملیات آنها عقب افتاده است. [آقای محمد سعیدی کیا] وزیر راه و ترابری آمد. درباره شرکت آسمان و اعزام هواپیمای ارتشی به اسم هما، بحث و بر ارسال سریع یک هواپیما به کره شمالی، تأکید شد. امروز هم چندین شهر بمباران شد.

یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۶ جمادی الاخر ۱۴۰۶   15 Febr 1987

نیمه شب با صدای ضد هوایی‌ها از خواب بیدار شدیم. بعداً معلوم شد که بمبی در تهران نیفتاده و در بیرون از شهر افتاده است. اولین جلسهٔ مجلس، بعد از تعطیل دهه فجر تشکیل شد.

قبل از دستور دربارهٔ راهپیمائی عظیم مردم در روز ۲۲ بهمن و مخصوصاً در شهرهای بمباران شده صحبت کردم[1]. تا تنفس در جلسه ماندم. مراجعات نمایندگان زیاد است. روحیه‌ها بد نیست. حضور گسترده مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، روحیه‌ها را قوی کرده است.

دونفر از سپاه و ارتش آمدند. مدعی بودند از کمبود موشکهای فونیکس سرنخی دارند که پس از تحقیق، حرف حسابی نداشتند و متکی به نقل قولهائی بود که نمی‌شد تعقیب کرد.

آقای محسن رضایی و دیگران اطلاع دادند که موشک چینی در اصفهان، یک [هواپیمای مهاجم] میگ ۲۵ را زده و خلبان آن اسیر شده است؛ موفقیت خوبی است. عصر [آقای نومورا]

---

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "صحنه‌هایی که از حضور مردم‌مان در روز ۲۲ بهمن در صحنه دیدیم، واقعاً اعجاب‌انگیز است و برای کسانی که مسائل را با دید مادی تحلیل می‌کنند، قابل باور نیست. آن چنان حضور مردم وسیع و عمیق و با احساسات در صحنه مشاهده شد که عنودترین ناظران بین‌المللی هم که این بار گوش به زنگ بودند تا خیابان‌های شهر را خلوت ببینند، تحت تأثیر قرار گرفته و نتوانستند اعجاب خود را مخفی کنند. آنچه که چنین روحیه‌ای را به مردم ما داده، هدف بزرگی است که مردم ما دارند و این را دشمنان ما نمی‌فهمند. تعیین هدف و آرمان و بزرگی اسلام و عظمت انقلاب از نظر مردم آن چنان است که هر مصیبت و رنجی را آسان می‌کند که دیدیم در این میان شهرهای بمباران شده و زیر تهاجم، جلوه بیشتری داشت. از بین شهرها زیاد است، نام همه آنها را در سخنرانی کوتاه قبل از دستور نمی‌شود برد، ولی تقریباً استثناء ندارد. در شهرهایی که فکر می‌کردیم خلوت هستند، حضور مردم آن چنان در خیابان‌ها زیاد به چشم می‌خورد که گویی این مردم حاضر نیستند یک لحظه از میدان مبارزه و جهاد بیرون باشند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

سفیر ژاپن برای خداحافظی آمد. درباره جنگ و اهمیت خلیج فارس و شرایط بعد از صدام و طرح دبیر کل سازمان ملل و کمک برای نجات گروگانها در لبنان هم سئوال کرد. یک رادیوی کامپیوتری [= دیجیتالی] هم هدیه آورد.

فرماندهان نیروی دریایی سپاه آمدند. دربارهٔ خرید ناوچه پیشرفته و وضع موشک‌های موجود مذاکره شده و برای همکاری بیشتر با نیروی دریایی ارتش استمداد کردند. آقای [محمد حسین] رضایی مدیر کل حج آمد. برای رفتن به جبهه استفسار کرد که گفتم به خاطر اهمیت شغلش نرود، مگر اینکه مسئولیت مهمی در ارتباط با جنگ در کار باشد. فرزندش به جبهه رفته است.

آقایان الویری و حیدری آمدند و پیشنهاد از یک شرکت آلمانی برای اقلام نظامی آوردند. دو سه قلم را مشخص کردم که به عنوان نمونه و آزمایشی بیاورند.

شب سران قوا در مجلس جلسه داشتیم. برای امنیت بیشتر، جلسه را در قرارگاه طبقه پائین گذاشتیم. نخست وزیر برای مخارج ناشی از بمباران شهرها، سه میلیارد تومان خواست که قرار شد با اجازه امام، مخارج ضروری از بانکها استقراض شود.

دکتر ولایتی نتایج سفر به شوروی را گفت. روسها در افغانستان به مشکل و بن بست افتاده‌اند و از ما خواسته‌اند که برای تهیه امکانات خروج آنها از افغانستان، به صورتی که آمریکا جای آنها را پر نکند و طرفدارانشان بعد از خروج شوروی، قتل عام نشوند و حاکمیت افغانستان غیر متعهد و در رابطه با همسایگان باشد، به آنها کمک کنیم.

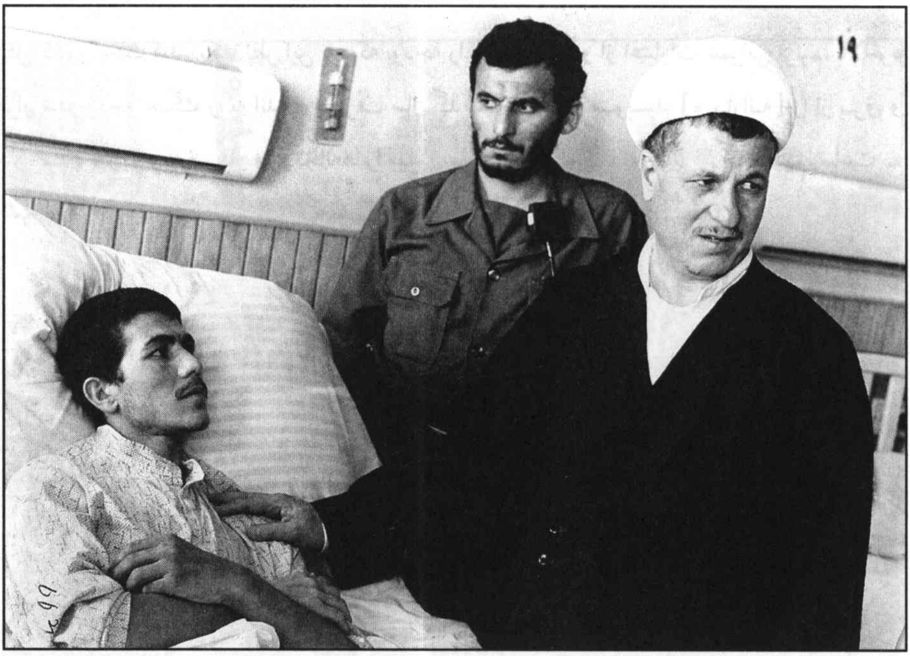
در مسأله عراق حساسیتی نشان نداده بودند و در مورد توسعه روابط اقتصادی از جمله شروع حفاری ما در دریای خزر و رفتن قطار ما تا مسکو و آمدن [هواپیمای شرکت روسی] ایرفلوت به ایران و آمدن کارشناسان ذوب آهن و نیرو و... تفاهم‌هائی شده است. درباره مسائل جنگ، [تعطیلی] مدارس، لبنان و تحکیم روابط با سوریه هم بحث و تصمیم اتخاذ شد*.

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۷ جمادی الاخر ۱۴۰۶   ۱۶ Febr ۱۹۸۷

امروز صبح برای ملاقات مجروحان جنگ به بیمارستان نور افشان رفتم. با حدود نود نفر ملاقات و

---

* ـ در این روز آقای هاشمی در تماس تلفنی با آقای سید هادی خامنه‌ای نماینده مردم مشهد که در یکی از بیمارستان‌های این شهر بستری است، گفت‌وگو کرد و برای وی شفای عاجل طلب نمود. آقای سید هادی خامنه‌ای در جریان راهپیمایی ۲۲ بهمن در مشهد بر اثر انفجار نارنجک مجروح شده بود.



عیادت از مجروحان جنگی در بیمارستان نور افشان

احوالپرسی کردم و هدیه دادم. برای کارکنان صحبت کردم[1]. وضع بیمارستان خوب بود و مجروحان از مدیریت و پزشکان راضی بودند. ظهر به مجلس آمدم.

عصر آقای نقاشیان آمد و گفت یکی از شخصیت‌های آمریکایی از او خواسته که اجازه بدهیم آقای ریگان تماس تلفنی بگیرد. گفتم شیطنت در کار است و باید با سران قوا و امام مشورت شود. هیأت رئیسه مجلس برای بررسی امنیت مجلس در مقابل خطر بمباران، جلسه داشت. قرار شد فعلا در همان محل معمولی کار ادامه داشته باشد و اگر وضع بحرانی شد، جلسه عمومی را به زیر زمین ببریم.

آقای صالحی فرمانده سپاه حفاظت آمد. درباره مسئول تیم حفاظت من و مسئول انتظامات مجلس مذاکره کرد. از ساعت نه و نیم، اعضای کمیسیون‌های دفاع و برنامه و بودجه آمدند. درباره بودجهٔ کل

---

۱ - آقای هاشمی با مجروحان جنگ تحمیلی در بیمارستان نورافشان تهران دیدار کرد و ضمن رسیدگی به مشکلات آنان، در گفتگویی با خبرنگاران، درباره نتیجه این دیدار، اعلام کرد: "حدود ۷۰ تا ۸۰ تن مجروحی که با آنان دیدار کردم، از روحیه خوبی برخوردار بودند و بیشتر آنان در عملیات کربلای ۵ و ۶ آسیب دیده بودند. وضع بیمارستان، رضایت‌بخش بود و خوشبختانه، تمام مجروحان، بدون استثناء از مدیریت بیمارستان، پزشکان، پرستاران و خدمتگزاران رضایت داشتند و خواستار قدردانی از آنان بودند. این بود که هیچ یک از مجروحان تا این لحظه، شاکی نبودند و با وجود آنکه مجروحان، به سبب آسیب دیدگی بدنی، حق دارند بیشتر توقع داشته باشند، ولی آنان حتی یک مورد درخواست شفاهی نداشتند. آسیب دیدگان بمباران‌های باختران و ایلام نیز جزو بستری شدگان این بیمارستان بودند که خلاف انتظار ما روحیه خوبی داشتند و حکایت‌گری‌های آنان از صحنه‌های بمباران، نشانگر وحشی‌گری دشمن و مقاومت مردم ما است". آقای هاشمی در پایان، اظهار امیدواری کرد که در دیگر مراکز بهداشتی نیز امکانات درمانی مجروحان جنگ تحمیلی، به قدر کافی، تأمین شود.

کل کشور بحث شد. یک نظر این بود که بودجه را جنگی کنیم و از اعتبارات عمرانی بزنیم. بالاخره قرار شد بودجهٔ جنگ را به اندازه مصرف سال گذشته بدهیم و سوبسید [= یارانه] را از برق و سوخت برداریم و بعضی از وزارتخانه‌ها را مسئول ترمیم مشکل شهرهای بمباران شده کنیم. ساعت ده شب به خانه رسیدم.

سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۸ جمادی الاخر ۱۴۰۶   17 Febr 1987

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسهٔ علنی ماندم. مراجعهٔ نمایندگان زیاد است. در دفترم آقای رحیم صفوی آمد. برای مشکل در ارتباط با مسأله سید مهدی هاشمی صحبت شد و از وضع جبهه گفت.

آقای [ایرج] صفاتی دزفولی رئیس دیوان محاسبات آمد. از وضع بانک مرکزی گفت و تقاضای اجازه رسیدگی آنجا را نمود. قبلا آقای [مجید]قاسمی [رئیس کل بانک مرکزی] گفته بود که ممکن است با رسیدگی، اسرار محرمانه بانک [مرکزی] فاش شود؛ اجازه دادم.

آقایان سعید الذاکرین و رئیس زاده از روابط عمومی [مجلس] آمدند. دربارهٔ آئین نامه تنظیم روابط با دفتر رئیس مذاکره کردند. از اتاق خبر محرمانه که به تازگی تنظیم شده بازدید کردم. تقاضای دادن مطالب سری را داشتند.

عصر آقایان سازگارنژاد و هاشم زائی برای تجهیز زیرزمین [مجلس] برای تشکیل جلسات اضطراری مراجعه کردند. برای انجام کارهای عقب افتاده به جلسهٔ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و جامعه روحانیت مبارز نرفتم. شب آقای مهدی‌نژاد و دکتر هادی آمدند. درباره پیشنهاد تعمیر موشک‌های فونیکس توسط مهندسین خارجی از طریق یک ایرانی آمریکایی شده، مذاکره شد. قرار شد پذیرفته شود. ساعت هشت و نیم به منزل آمدم.

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۶۵ | ۱۹ جمادی‌الاخر ۱۴۰۶   18Febr 1987

دیشب برف بارید. ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. [آقای موسی رفان] فرمانده نیروی هوایی سپاه آمد. در مورد پدافند هوایی موشکی و خرید موشک زمین به زمین صحبت شد. قرار شد دو سایت



رزمندگان طرح سپاه محمد (ص) عازم به جبهه های جنگ



اسرای عراقی در مراسم نماز جمعه تهران

چینی در تبریز و قم برقرار شود. آقای موسویان آمد. در مورد آئین نامه روابط دفتر [ریاست مجلس] و روابط عمومی صحبت شد.

فرماندهان لشکر سیدالشهداء(ع) آمدند. گزارش عملیات کربلای پنج را دادند و من هم صحبت کردم. توضیحاتی درباره شرکت [پسرم] مهدی در جبهه، به آقای فضلی دادم.

آقای ری‌شهری آمد و درباره پرونده احمد کاشانی و گروه مربوطه و سیاست جدید فرانسه در ارتباط با ایران توضیح داد. خانم [آقای] احمد کاشانی آمد و برای پرونده شوهرش استمداد کرد. گفت تلفنی از او خواسته که از من استمداد کند. آقای نقاشیان آمد. خواستار همکاری با وزارت اطلاعات بود. به آقای ری‌شهری تذکر دادم.

آقای [محمد مهدی] پورگل [نماینده بندر انزلی] آمد. از تعطیل شدن کار تالاب انزلی با فشار محیط زیست شاکی است. آقای [مهدی]مهدی‌زاده نماینده گناباد آمد و درباره نیازهای آن شهر - آب و دانشکدهٔ پزشکی و... - استمداد کرد. عصر آقای [غلامعباس] زائری برای کارهای مجلس مراجعه داشت. آقای مهندس [حسین] طاهری پیشنهادهایی درباره جنگ داشت.

دکتر روحانی آمد. برنامه سفر فردا را تنظیم کردیم. آقای عبدالله نوری آمد و درباره مصوبات کمیسیون برنامه و بودجه توضیح داد.

شب سران قوا مهمان آقای موسوی اردبیلی بودند. خبر رسید که عراق اعلان کرده از فردا ظهر بمباران شهرها را قطع می‌کند. باعث خوشحالی و تعجب شد[1]. احتمال می‌رود که با فشار روسها باشد. احتمال دیگر این است که مقاومت مردم ما، آنها را مایوس کرده است. اگر فشار روسها هم باشد، خود معلول مقاومت مردم است که معلوم شد برای عراق و روسها، اثر معکوس مورد نظرشان از بمباران به دست آمده است.

دربارهٔ جنگ و روابط با روسها و سوریه و لیبی و بودجهٔ خسارات شهرها و... بحث شد. شام را با فرماندهان لشکر سیدالشهدا(ع) که مهمان آقای خامنه‌ای بودند، صرف کردیم[2]. دیر وقت به خانه

---

۱ - مسعود رجوی رهبر گروهک مجاهدین خلق (منافقین) در پیامی که از رادیو مجاهد پخش شد، ادعا کرد: "دیروز من به بغداد رفتم و با رئیس جمهور عراق دیدار کردم و درباره قطع بمباران مفصلاً صحبت کردم. رئیس جمهور و فرمانده کل قوای عراق آقای صدام حسین، از من به عنوان یک ایرانی، به عنوان یک مجاهد خلق و مسئول مقاومت استقبال کردند و من هم تقاضایم را برای قطع بمباران شهرهای وطن‌مان که در هفته‌های گذشته مع‌الواسطه عنوان کرده بودم، مجدداً با خود ایشان در میان گذاشتم و البته اصرار هم کردم تا اینکه ظهر امروز تصمیم گرفتند بمباران را به مدت دو هفته قطع کنند".

۲ - آقای هاشمی در دیدار با فرماندهان لشکر سیدالشهدای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ضمن سخنانی، پیروزی ایران در عملیات کربلای پنج را ضربه‌ای مؤثر در نابود سازی توان جنگی دشمن خواند و تأکید کرد: "با توجه به اعزام نیروهای سپاه حضرت مهدی (عج)، برای تداوم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

رفتم.

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۵ | ۲۰ جمادی الاخر ۱۴۰۶   ۱۹ Febr ۱۹۸۷

چمدان را برای سفر به خوزستان بستم و ساعت هفت و پانزده دقیقه با بدرقه و دعای سفر عفت از خانه بیرون آمدم.

در جلسهٔ علنی، قبل از دستور دربارهٔ ولادت حضرت زهرا(س) و امام و [روز ۲۹ بهمن] سالگرد قیام مردم تبریز [در سال ۱۳۵۶] و سالگرد شهادت جمعی از نمایندگان و دیگران در سقوط هواپیما با موشک عراقی‌ها صحبت کردم[1]. [این نطق] بیشتر به منظور اعلان حضور در تهران بود.

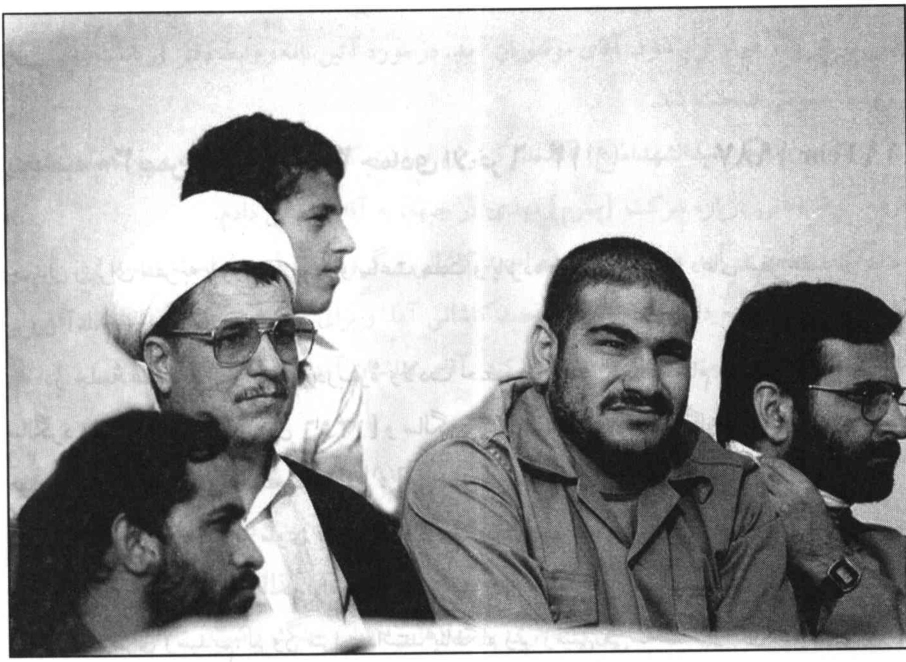
ساعت نه و نیم صبح به سوی قم حرکت کردم. در اثر مسامحه دفتر من که به ایشان اطلاع نداده بود، دکتر روحانی عقب ماند. در راه قم به من رسید و به ماشین من آمد. ساعت یازده به منزل آیت‌الله منتظری رسیدیم. بیرون منزل، داشتند پناهگاه زیر زمینی می‌ساختند. [آقای محتشمی‌پور] وزیر کشور هم آنجا بود. در بیرونی ملاقات کردیم.

اطلاع دادند وضعیت قرمز است. به زیرزمین خانه که ضدبمب و... ساخته شده، منتقل شدیم. شیشه‌های منزل آقای منتظری و اطراف آن در اثر انفجار یک بمب که در چند صد متری خانه در رودخانه افتاده، شکسته است. برای ایشان از نتایج سفر آقای ولایتی به شوروی گفتم. آقای روحانی برای پاسخ به انتقادات ایشان از پدافند، کمبود امکانات پدافند را توضیح داد. ناهار خبر کردند ولی ما

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عملیات، زمان را نباید از دست داد. آن قسمت از اراضی عراق که در عملیات کربلای پنج آزاد شد، بسیار خطرناک است و دشمن دیگر به آسانی نمی‌تواند چنان فاصله‌ای بین ما و بصره ایجاد کند. آمار تلفات وارده به دشمن و نیز ارقام ابزار و ادوات نظامی منهدم شده دشمن در عملیات کربلای پنج، به قدری زیاد است که گاه، آمار اغراق‌آمیز جلوه می‌کند. اگر از آن تعداد ادوات آسیب دیده که دشمن توانسته آنها را از صحنه نبرد خارج کند، فیلم و عکس تهیه می‌کرد، آن وقت اوج شکست عراق در منطقه بصره، با وسعت بیشتری نمایان می‌شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "مبارک باشد بر خانم‌ها و قشر عظیم نسوان کشور، روز زن، میلاد با سعادت حضرت زهرا (س) و نیز میلاد با سعادت رهبر بزرگوار، فرزند صالح حضرت زهرا برای عموم مسلمانان جهان. سالگرد حادثه مهم تبریز، ۲۹ بهمن، یادآور مقاومت مردم غیور آذربایجان است که ما امروز هم شاهد همان‌گونه مقاومت‌ها در تبریز و ارومیه و شهرهای بمباران شده‌مان هستیم و ما این مقاومت را که پیروزی واقعی است به مردم‌مان تبریک عرض می‌کنیم. ضمناً سالگرد فاجعه دلخراش سقوط هواپیمای حامل جمعی از نمایندگان و شخصیت‌های کشور به دست نیروهای متجاوز و جنایتکار عفلقی است که ما در این حادثه جمعی از برادران عزیزمان را از دست دادیم. شهید حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محلاتی نماینده حضرت امام در سپاه، جمعی از قضات معظم، جمعی از روحانیون معظم که برای تبلیغات به جبهه می‌رفتند و همچنین کادر پرواز". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



کمال خرازی ، علی شمخانی ، مهدی هاشمی ، اکبر هاشمی ، محسن رفیق دوست

نماندیم.

قبل از ظهر به سوی اهواز حرکت کردیم. بیرون شهر قم، ماشین و لباس را عوض کردیم. ناهار را در کنار مزار امامزاده جعفر، بین راه قم و اراک خوردیم. سپس یکسره تا دزفول راندیم. در گردنه‌ها باران و برف می‌بارید. خرم‌آباد، پلدختر و ملاوی خلوت بودند. ساعت ده شب به پایگاه وحدتی دزفول رسیدیم. بختیاری معاون فرمانده پایگاه، میزبان بود. شام خوردیم و اخبار ساعت ده ونیم کانال دو [تلویزیون] را گرفتیم و بعد خوابیدیم.

از ظهر امروز، بمباران شهرها قطع شد و ما هم دستور قطع حمله به شهرها را دادیم. تا شب به قرائت گزارش‌ها و مذاکره با دکتر روحانی درباره جنگ گذشت. امروز یک درگیری بین هواپیماهای اف ۱۴ ما و هشت هواپیمای میراژ عراقی در فضای خلیج فارس رخ داد که خلبانان ما مدعی‌اند سه هواپیمای عراق را سرنگون و دو هواپیما را دچار آسیب کرده‌اند.

شب، فرماندهان سپاه آقایان محسن رضایی و [علی] شمخانی و [یحیی رحیم] صفوی آمدند و طرح حملات آینده را توضیح دادند. به نظر می‌رسد جنگ سخت و جبهه‌ای داریم، ولی راه را منحصر به این می‌بینند و به نظر رسید که ماندن ما در اهواز لزومی ندارد. تا ساعت یک بامداد بیدار بودیم.

اسفند ۱۳۶۵



جمعه ۱ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۱ جمادی الاخر ۱۴۰۶ ۲۰ Febr ۱۹۸۷

ساعت شش صبح بیدار شدیم. بعد از نماز و استماع اخبار و صرف صبحانه از راه شوشتر، از دزفول عازم اهواز شدیم.

قبل از حرکت، کمی در خیابانهای پایگاه وحدتی پیاده روی کردیم. خیلی با صفا و خوش هواست. کمی هم با ماشین در خیابانهای شهر دزفول گشتیم. آثار خرابیهای بمباران و موشک باران زیاد است ولی آن طور که انسان از اخبار می‌فهمد، شهر خراب نیست و شهر سر پا به نظر می‌رسد. جمعیت زیادی در شهر به چشم نخورد. جمعه و تعطیل است. در بین راه دزفول تا اهواز از طریق شوشتر، تقریبا همه جا دو طرف جاده اراضی کشاورزی سبزی و سرسبز است، واقعاً که حاصلخیز است.

در بین راه با دکتر روحانی درباره نیازهای تسلیحاتی و ارز لازم برای ارتش و سپاه و... و طریقه کنترل مصرف ارز مذاکره کردیم. ساعت ده به اهواز رسیدیم. آقای رفیق‌دوست هم که دیشب از تهران راه افتاده بود، تازه رسید. اطلاع داد که احتمالاً عملیات محدودی در پیش داریم. قرار نبود محدود باشد و تردید داریم که با توجه به قطع بمباران شهرها و احتمال تجدید آن در صورت شروع عملیات، عملیاتِ محدود به صلاح باشد. منتظر رسیدن خبر از قرارگاه مقدم می‌مانیم. گزارش‌ها را خواندم.

جراید آلمان نوعاً از عکس‌العمل شدید ایران در مقابل برنامه فکاهی تلویزیون آلمان که به امام

اهانت کرده، تعجب کرده‌اند و دولت آلمان ترسیده است. عکس‌العمل زیاد شدید بوده است[1].

شنبه ۲ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۲ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۲۱ Febr ۱۹۸۷

آقای روحانی و آقای [ابراهیم] سنجقی به عیادت آقای [محمد] فروزنده رئیس مهندسی قرارگاه خاتم -که در اثر تصادف در بیمارستان بستری است - رفتند. گزارش‌ها را خواندم. ساعت نه صبح با اتومبیل از راه کهکیلویه به طرف تهران حرکت کردیم. در بین راه از شهرهای امیدیه، بهبهان، گچساران و مراکز نفتی عبور کردیم. ناهار را در کنار رودخانه ای در شرق بهبهان صرف کردیم. از شهر چلوکباب آوردند؛ خوب بود و ارزان.

مغرب به یاسوج مرکز استان [کهکیلویه و بویراحمد] رسیدیم. گشتی در شهر زدیم. تمیز و زیبا است. در مهمان‌سرای استانداری ماندیم. فقط استاندار و معاونش از حضور ما مطلع بودند. تا آخر شب از استاندار، توضیحاتی در خصوص منابع و امکانات و نیازها و اوضاع استان گرفتیم. شام خوردیم و خسته خوابیدیم.

تلفنی با عفت صحبت کردم و گفتم در راه مراجعت هستیم. قبل از یاسوج در گردنه‌ها، در کنار آبشاری توقف کردیم. خیلی با صفاست. در مذاکرات با فرماندهان به این نتیجه رسیدیم که فعلاً ماندن ما در خوزستان ضرورتی ندارد، زیرا فعالیت عملیات موعود انجام نشد و تصمیم به بازگشت گرفته شد.

یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۳ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۲۲ Febr ۱۹۸۷

بعد از نماز و استحمام و پس از صرف صبحانه رفتیم و منطقه آبشار یاسوج را دیدیم. خیلی زیباست؛ شبیه [کوهستان] دربند تهران است. سپس همراه استاندار به سوی اصفهان حرکت کردیم. راه‌ها کوهستانی و با صفا و قسمتی از آن خاکی و صعب العبور است. استاندار برای تکمیل راه کمک

---

۱ - ایران در پی پخش یک برنامه اهانت‌آمیز به امام خمینی در یکی از شبکه‌های تلویزیونی آلمان غربی، دو دیپلمات این کشور را اخراج کرد. وزارت ارشاد اسلامی نیز مرکز فرهنگی آلمان در تهران را تعطیل نمود. دانشجویان دانشگاه‌های تهران با راهپیمایی و تجمع در مقابل سفارت آلمان، اقدام شبکه تلویزیونی این کشور را محکوم کردند.

خواست. قرار شد به وزیر برنامه و بودجه بگویم. تا مرز استان، استاندار همراه ما آمد و توضیحات لازم را داد و سپس برگشت.

از شهرهای سمیرم و شهرضا گذشتیم و ناهار را ساعت دو بعد از ظهر، در مزرعه‌ای در راه شهرضا و اصفهان خوردیم. سپس از شهرهای مبارکه، زرّین شهر، فلاورجان، پولاد شهر، خمینی شهر و دُرچه گذشتیم و از طریق نطنز، کاشان و قم به تهران آمدیم.

ساعت ده ونیم به منزل رسیدم. آقای سنجقی از قرارگاه اطلاع داد که عملیات محدود مقرر در شلمچه از ساعت هشت شب شروع شده و پیشرفت خوب است. امروز عراق به فرستندهٔ کمال آباد حمله کرده و آسیب جزئی وارد کرده و یک هواپیمایش هنگام مراجعت، در کردستان سرنگون و خلبانش اسیر شده است.

دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۴ جمادی الاخر ۱۴۰۶   ۲۳ Febr ۱۹۸۷

در منزل ماندم. خستگی سفر را در کردم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. عصر آقای [حسین] شیخ‌الاسلام [معاون سیاسی وزیر امور خارجه] آمد. گزارش سفر دو ماههٔ خود به لبنان و سوریه و تعقیب طرح حل مشکل بین امل و فلسطینی‌ها و کارشکنی‌های احزاب و لیبی و سوریه را داد.

گفت بعضی‌ها پیشنهاد دارند که حزب‌الله به کمک امل در مقابل احزاب چپ، وارد جنگ شود. گفتم باید بررسی همه جانبه شود و ما هم بنا نداریم در مسائل داخلی لبنان دخالت نمائیم. دکتر ولایتی برای سفر به سوریه، تلفنی خداحافظی و مشورت کرد. گفتم دربارهٔ آیندهٔ عراق با سوریه صحبت کنند.

دیشب عملیات محدود در ادامهٔ کربلای پنج در شلمچه با موفقیت انجام شده است و تقریباً همه اهداف را به دست آورده‌اند[1].

---

۱ ـ در عملیات «کربلای ۵» دشمن از دو سو مورد هجوم قرارگرفته بود. محور شرقی - غربی و محور شمالی - جنوبی. ارتش عراق ناگزیر بود در منطقه‌ای محدود به حد فاصل کانال زوجی تا نهر جاسم، در دو جبهه با دو آرایش و با ۹۰ درجه تغییر جهت، با رزمندگان ایران مقابله کند این نکته - که از پیچیدگی‌های عملیات کربلای ۵ محسوب می‌شد - دشمن را بسیار آسیب‌پذیر کرده بود؛ لذا مدتی پس از تثبیت عملیات کربلای ۵، ارتش عراق کوشید تا از این محاصره بیرون آید که بدین منظور توان زرهی خود را در جنوب کانال پرورش ماهی متمرکز کرد و با انبوه آتش توپخانه و زرهی، در عملیاتی بسیار دشوار، ضلع جنوبی کانال پرورش ماهی را پس گرفت. از این پس عراق در یک جبهه غربی - شرقی در مقابل رزمندگان اسلام پدافند می‌کرد. پس از آن، اقدامات مهندسی عراق آغاز شد که سه دژ مسلح به نام خاکریزهای ۵۰۰، ۱۰۰۰، و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۵ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۲۴ Febr ۱۹۸۷

به مجلس آمدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. از ساعت هشت و ربع تا دوازده و ربع یکسره در مجلس ماندم؛ چون لایحه اراضی شهری مطرح بود و اهمیت داشت.

حدود پنجاه هزار نفر از دانش آموزان تهران در پایان دههٔ مقاومت و انجام مراسم و راهپیمایی به مجلس آمدند. مراسم انجام شد. من برای آنها سخنرانی کردم[۱].

ظهر نمایندگان مازندران آمدند و خواستند که سفری به استان مازندران کنم؛ پذیرفتم. از مسئول حزب جمهوری اسلامی [مازندران] گله داشتند. ظهر عفت، فاطی، فائزه، سارا و مونا به مجلس آمدند. ناهار را اینجا خوردند و ساعت چهار رفتند.

تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. آقای سنجقی آمد. گزارش عملیات محدود شلمچه را داد و نیازها را گفت.

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۶ جمادی‌الاخر ۱۴۰۶ — ۲۵Febr ۱۹۸۷

ساعت نه صبح به مجلس آمدم. تا ساعت ده گزارش‌ها را خواندم. دیشب در شلمچه نیروهای ما پیشرفت داشته‌اند. روحیه عراقی‌ها ضعیف‌تر شده است. مسأله مهم دنیا، حوادث بیروت است و غرب به برخورد حزب‌الله با سوریه و تیره شدن روابط ایران و سوریه امید بسته است. کشتن ۲۲ نفر از

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و ۱۵۰۰ احداث کرد. در «عملیات تکمیلی» عملیات کربلای ۵ - که سپاه طراح و مجری آن بود - هدف، بازپس‌گیری ضلع جنوبی کانال پرورش ماهی بود. در این عملیات با آن که دشمن کاملاً هوشیار بود و تاکتیک و جهت تک رزمندگان نیز مشخص بود، تا پل کانال ماهی‌گیری پیش روی شد، اما سرانجام پس از چهار مرحله عملیات و انهدام بخش مهمی از ارتش عراق، برای تثبیت منطقه، نیروهای خودی به حفظ خاکریز ۵۰۰ اکتفا کردند.

۱ - تعداد پنجاه هزار دانش‌آموز از سوی امور تربیتی استان تهران به نمایندگی دانش آموزان شهر تهران، کلاس‌های درس را به خیابان کشیده بودند تا با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی، خواسته‌های خود را به گوش جهانیان برسانند. آنها در قطعنامه‌ای خواستار ادامه بی‌وقفه عملیات در جبهه‌ها جنگ تا سرنگونی حکومت صدام حسین در کشور عراق شدند. آقای هاشمی در این تجمع دانش آموزی گفت: "این اجتماع نخبگان جوان که در مقابل مجلس شورای اسلامی شاهد آن هستیم، تبلور مقاومت و استقامت نسل جوان ماست و این حماسه‌ای که امروز شما دانش‌آموزان در خیابان‌های تهران خلق کردید، یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های تاریخ انقلاب ما به حساب می‌آید و این فریادهای شما از متن تاریخ بلند شده است و در سرنوشت تاریخ بشریت تأثیر دارد. شما دانش‌آموزان امید آینده و وارثان انقلاب و جهاد و شهادت و خون‌های ریخته شده در صحنه مبارزه هستید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

شیعیان لبنان توسط سربازان سوری در غرب بیروت، احتمال خطر درگیری را بالا برده است.

گروه موشکی سپاه پاسداران آمدند. گزارش دادند و من هم برای آنها سخنان تشویق آمیز ایراد کردم[1]. آقای [عباسعلی] زالی وزیر کشاورزی آمد. از مزاحمت‌های بعضی از نمایندگان گله داشت و قرائنی آورده بود بر مغرض بودن آنها و توضیحاتی درباره شیلات و... داد و نگران ادغام وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی بود که اخیرا در هیأت دولت تائید شده است.

[سرهنگ جلالی] وزیر دفاع آمد. از تقسیم بودجه جنگ در کمیسیون برنامه و بودجه گله داشت. سهم ارتش را کم می‌دانست. گفتم قرار است بودجه جنگ به تناسب شرکت در جنگ تقسیم شود.

آقای [عبدالحسین] ساوه نماینده کرمان آمد. از عدم امنیت در کرمان به خاطر چند شرارت اخیر ضد انقلاب گفت و از وزیر آموزش و پرورش و استانداری [کرمان] گله کرد.

آقای اسحاق مدنی نماینده اهل سنت آمد. پیشنهاد کرد امام فردی را به عنوان رابط با اهل سنت تعیین کنند و مایل بود آن رابط من باشم، که گفتم من فرصت ندارم. قرار شد که خدمت امام بنویسند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب آقای [عبدالله] نوری و آقای روحانی آمدند. درباره تسهیم بودجه جنگ مذاکره شد. همان نظریه کمیسیون را تایید کردیم؛ آقای روحانی راضی نیست.

آقای مهدی‌نژاد آمد. توضیح مذاکراتش با [آلبرت] حکیم در ترکیه، در خصوص همکاری برای تعمیر اسلحه‌های آمریکایی و پیشنهادهای او در جهت ایجاد محیط بهتر در آمریکا در ارتباط با انقلاب اسلامی گفت. قرار شد با دکتر روحانی مذاکره را ادامه دهند.

شب جلسهٔ سران قوا در دفتر رئیس جمهور بود. توضیحی دربارهٔ جنگ دادم. آقای رضایی هم از جبهه اطلاع داد که امشب هم عملیات ادامه دارد و به خوبی از غرب رود جاسم پیش می‌رویم. مسأله سوریه و شهادت ۲۲ نفر از حزب‌اللهی‌ها به دست سربازان سوری و احتمال ورود سوری‌ها به جنوب

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "اینکه ما در هر زمان بخواهیم، بدون هیچ مانعی، می‌توانیم «بغداد» را تحت فشار قرار دهیم و امنیت را از این شهر سلب نماییم، ضربه بزرگی است. البته ما حربه‌های دیگری هم برای مقابله با شرارت‌های رژیم بعثی عراق در جنگ شهرها داریم و اینکه شهرهای مرزی عراق از جمله شهر «بصره» در تیررس توپخانه ما قرار دارد، مسأله مهمی است. قدرت موشکی جریانی است که در طول سال‌های متمادی و باکار طولانی و یک خرج هنگفت قابل تحصیل است. اینکه ما توانستیم علی‌رغم مشکلات متعدد و باکمترین هزینه، یگان موشکی را مجهز سازیم، کار ساده‌ای نیست. خیلی بیش از این باید خرج می‌شد تا یگان موشکی ما به این مرحله از رشد خود برسد و دست‌یابی به این مرحله را نیز باید از آثار خون‌های گران‌بهای شهداء و اراده خداوند دانست". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

بیروت و درگیری با حزب‌الله هم مورد بحث قرار گرفت[۱]. قرار شد به دولت سوریه تذکر دهیم که وارد ناحیه جنوب بیروت نشود.

به مهندس موسوی توصیه کردیم که در مورد ادغام دو وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی عجله نشود و کارشناسی کامل به عمل آید. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۷ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۷ جمادی الاخر ۱۴۰۶ ۲۶ Febr ۱۹۸۷

اول وقت به مجلس آمدم. تا ساعت ده صبح در جلسه علنی ماندم. لایحهٔ بیمه بیکاری مطرح بود. به شورای نگهبان دربارهٔ غیر موجه بودن رد تفسیر مادهٔ ۹ قانون اراضی شهری تذکر دادم. به صدا و سیما گفتم برنامه فوق‌العاده‌ای برای پخش پیروزی‌های دیشب داشته باشد.

ظهر یک هیأت فرهنگی که عازم آفریقا است برای مشورت آمد. آقای [محمدرضا] عباسی فرد نمایندهٔ خرم‌آباد آمد. اجازه خواست، به خاطر اهانتی که پریروز در مجلس به ایشان شده استعفا دهد؛ اجازه ندادم. عصر انجام کارهای عقب مانده وقتم را گرفت. چون به جبهه می‌روم، کارهای اینجا عقب می‌ماند. ریگان در بیانیه ای به ایران حمله کرده و تهمت تروریست و جنگ طلب زده؛ گویا تحت تأثیر رسوائی مبادله سلاح و گروگان است[۲]. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم.

---

۱ - رادیو بی بی سی گزارش داد: "در نخستین روزهای ورود نیروهای سوری به بخش غربی بیروت، تعدادی از شبه نظامیان سازمان شیعه حزب الله که از ایران هواداری می‌کنند، در برخورد با نیروهای سوری کشته شدند. روابط نزدیک ایران و سوریه مانع از آن بوده است که دولت جمهوری اسلامی رسماً سوریه را به خاطر آنچه که در بیروت رخ داده ملامت کند اما چنان که در گزارشی از تهران می‌شنویم مقامات ایرانی تلویحاً یا علناً سوریه را مسئول این حوادث معرفی کرده‌اند. آیت‌الله منتظری امروز پیامی برای روحانیون لبنانی فرستاده و از آنان خواسته است کاری کنید که مسئولین کشتار افراد حزب الله در لبنان مجازات شوند. با اینکه در خبرها آمده بود که افراد حزب الله در برخورد با نیروهای سوریه کشته شده‌اند، آیت‌الله منتظری در پیام خود مستقیماً به دولت سوریه اشاره‌ای نمی‌کند. اما احمد عزیزی، رئیس کمیسیون روابط خارجی در مجلس در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان سخت از سوریه انتقاد کرد. وی گفته سوریه مسئول برخورد اخیر با نیروهای مسلمان در بیروت بوده است و از تضعیف نیروهای اسلامی، سوریه بیش از همه آسیب خواهد دید".

۲ - در این بیانیه رئیس جمهور ایالات متحده خواستار خاتمه جنگ عراق با ایران شد. در بخشی از این بیانیه آمده است: "این جنگ منافع استراتژیک آمریکا و ثبات و امنیت تمام دوستان آن را در منطقه تهدید می‌کند. آمریکا به شدت نسبت به حمایت از خود و دوستانش در منطقه متعهد است و برای تأکید بر این تعهد، نیروهایش را به خلیج‌فارس منتقل خواهد کرد". ریگان همچنین گفت که معاون برگزیده وزارت خارجه را برای جلوگیری از صدور اسلحه به ایران مأمور کرده است.

جمعه ۸ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۸ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۲۷ Febr ۱۹۸۷

خطبه‌های نماز جمعه را آماده کردم. باران از دیشب تا نزدیک ظهر ادامه داشت. چمدان را برای سفر به جبهه بستم. برای نماز به دانشگاه رفتم. باران ایستاد ولی من خطبه‌ها را کوتاه کردم[1]، جمعیت هم زیاد نبود. البته با توجه به بارش باران، حضور این تعداد هم عجیب است. ناهار را در مجلس خوردم.

ساعت دو با دکتر روحانی، محسن رضایی، ترابی، سنجقی و پاسداران حرکت کردیم. نماز و شام در کافه‌ای بعد از خرم‌آباد انجام شد. ساعت یک بامداد به پایگاه وحدتی دزفول رسیدیم. بدون معطلی خوابیدم.

در بین راه گزارش‌ها را خواندم. گزارش کمیسیون تاور درباره رسوائی کاخ سفید آمریکا در رابطه با ایران، در راس همه اخبار است. من هم در نماز جمعه امروز درباره تایید شدن اظهارات ما در این گزارش و انتقاد از بیانیه دیروز ریگان صحبت کردم[2].

---

۱ ـ در خطبه اول بحث عدالت اجتماعی در اسلام با مباحث دیدگاه اسلام نسبت به مقوله طلاق، توصیه قرآن به خانواده‌ها و شرایط مشکل طلاق دنبال شد. در خطبه دوم مطالبی درباره افغانستان، لبنان، رسوایی مک فارلین و گزارش تاور و جلوه‌هایی از ایثارگری مردم ایران بیان گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "این دو سه روزکه بچه‌ها عملیات کردند، اطلاعاتی که آنها می‌دهند می‌گویند عراق حسابی بریده است و آن کاری که کربلای ۵ به سر عراق آورده آن چنان ماشین جنگی عراق را فرسوده کرده که دو سه روز، بچه‌ها سدهای محکم عراق را که به آنها امید بسته بود و مستحکم‌ترین سدهایش را مثل کرباس پاره کردند و عبور کردند و آنجا که می‌خواستند مستقر شدند [تکبیر نمازگزاران و شعار رزمندگان اسلام، تشکر تشکر]. آن بیلانی که قرارگاه خاتم از نتایج عملیات کربلای ۵ داد واقعاً عظیم بود. انهدامی که از نیرو و امکانات و تصرف اساسی‌ترین نقاط میدان جنگ و ضربه‌هایی که به کادرهای ارتش بعثی عراق وارد آمده آنها چیزهایی نیست که آدم خیال بکند، به این آسانی می‌تواند تحقق پیدا کند. آنها پایه‌اش همین‌طور ایثارگری‌ها و مجاهدت‌ها و جانفشانی هاست که انجام شده و من باز تأکید می‌کنم خواهران و برادران‌مان را که ما اگر هم چیزی داریم از تقواست و فراموش نکنید، این جوهر انسانیت و توشه آخرت را فراموش نکنید که همیشه داشته باشید و اگر ما پیروزی نداشته باشیم ولی تقوی داشته باشیم، باز موفق هستیم و خدای نکرده اگر پیروز باشیم ولی بی‌تقوی، شکست خورده‌ایم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۲ ـ اشاره به این بخش از خطبه‌ها: "مسأله دیگری که اتفاق افتاد اعلام نظریه کمیسیون بررسی رسوایی کاخ سفید آمریکا بود که دارای نکات جالبی است. یکی از نکات جالب در این نظریه این بود که همان حرف هایی را که ما در اولین افشاگری گفتیم و حتی تحلیل ما در این تحقیق آمده است. ما آن روز گفتیم آمریکا از قطع رابطه با جمهوری اسلامی ایران پشیمان است و در صدد ایجاد رابطه است و گروگان‌ها را پلی قرار داده اما در عبور از این پل اشتباه کرده و بد عبور کرده، تخلف کرده، دروغ گفته، کلاهبرداری و گران فروشی و توطئه کرده است و حرف ما آن روز این بوده و من همان روز نتیجه‌گیری کمیسیون را که گفته بودم یادآور شدم. این کمیسیون در اصل حرکت به سوی ایران را که به «بده و بستان» منجر شده است قبول دارد، اما می‌گوید کاخ سفید و ریگان در این امر دچار اشتباهاتی شده‌اند منتهی این کمیسیون خجالت می‌کشد که این اشتباهات را بگوید. اشتباهاتش این است که دروغ گفته و همین اسلحه جزیی را که رد و بدل شده است را چند برابر فروخته و تقلب کرده‌اند و اشتباهش اینجا بوده که خیانت کرده‌اند و نتوانسته‌اند گروگان‌هایشان را از دست مردم لبنان آزاد کنند و بد عمل کرده‌اند و به مردم خودشان دروغ گفته‌اند. اشتباه‌شان این بود که مسافرت‌های قاچاق و جعل سند کرده‌اند و اسناد کشور دیگری را برای ورود به کشور ما جعل کرده‌اند. اشتباه‌شان این بود که به اسم خدمه هواپیما آمده بودند در حالی‌که خدمه هواپیما نبودند و از سود این معامله که چیزی نمی‌شود و لابد جای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)



فرمانده کل سپاه مانور عملیات را توضیح می دهد

شنبه ۹ اسفند ۱۳۶۵ | ۲۹ جمادی الاخر ۱۴۰۶ 28 Febr 1987

بعد از نماز، اخبار صدای آمریکا را گرفتم. در کاخ سفید آمریکا، زلزله‌ای شدیدتر از گذشته، بعد از پخش گزارش کمیسیون تاور به وجود آمده است[1].

ساعت نه صبح از دزفول حرکت کردیم و ساعت یازده و نیم وارد گلف شدیم. گفتند قرار است امشب عملیات جدیدی آغاز شود. تا ساعت پنج بعد از ظهر گزارش‌ها را خواندم.

آقای محسن رضایی آمد. مانور عملیات را توضیح داد. با اینکه خیلی به پیروزی مطمئن بود، به دلم نمی‌چسبید، ولی چیز بهتری هم به نظر نمی‌آمد. قرار شد اگر موفق بود، کربلای هفت اعلام شود. فرماندهان نیروی هوایی آمدند. گزارشی از وضع خودشان دادند و نیازها را مطرح کردند. نیازها جدی است و قدرت تأمین بسیاری از آنها را نداریم و خودشان هم می‌دانند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دیگر چیزهایی گرفته‌اند دروغ می‌گویند به جای دیگری به حذف قانون پرداخته‌اند و تمام اینها از اشتباهات‌شان بوده است و تمام اینها مربوط به خودشان می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۵، جلد دهم،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

۱ - برای مطالعه گزارش تاور و تحلیل‌های آن پیرامون آن رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک‌فارلین، محسن هاشمی، حبیب‌الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

ساعت ده شب برای تماشای منظرهٔ میدان جنگ با همراهان به طرف خرمشهر رفتیم. حدود نود کیلومتر از جاده اهواز ـ خرمشهر را رفتیم. به جایی رسیدیم که صدای گلوله‌ها و نور آنها و جهش برق توپها و منورها را می‌دیدیم. حدود یک ساعت از روی خاکریز بلندی که در طرف راست جاده زده‌اند، به تماشای منظره میدان جنگ نشستیم. محافظان مدعی بودند که آنجا هم در برد توپخانه دشمن است. راضی نبودند که بیشتر بمانیم. برگشتیم و ساعت یک بامداد به گلف رسیدیم و خوابیدیم.

امروز تبلیغات دشمنان این است که ما تحت فشار شوروی و در اثر مقاومت عراقی‌ها، عملیات کربلای پنج را خاتمه داده‌ایم. اعلان عملیات جدید وضع را عوض می‌کند. آقای ترابی اطلاع داد که نیروی زمینی ارتش، در صدد اجرای عملیات محدودی در جبهه شمال هستند.

قبل از خوابیدن، از خط مقدم اطلاع گرفتیم. گفتند محور لشکر ۲۷ و محور لشکر ۸ نجف خوب است اما محور لشکر ۲۵ کربلا روشن نیست. در بین ساعات شب، چند بار بیدار شدم و از وضع جبهه‌ها پرسیدم.

یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۶۵ | ۳۰ جمادی الاخر ۱۴۰۶ — ۲۹ Febr ۱۹۸۷

برای نماز صبح که بیدار شدم، از جبهه خبر گرفتم. معلوم شد، لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) در کنار کانال ماهی هدفش را گرفته، ولی چون لشکر ۲۵ کربلا پشت میدان مین و سیم‌های خاردار گیر کرده است، نتوانسته اهدافش را بگیرد و جناح چپ هم که پیشرفت داشته، به خاطر وضع لشکر ۲۵ کربلا به موضع قبلی برگشته است.

درباره سیاست تبلیغات مشورت کردیم. قرار شد عملیات مستقل جدید اعلام نشود و به عنوان جلوگیری از تحرک متوقع الوقوع دشمن که پیشدستی کرده‌ایم، اعلام شود. قرار شد برنامهٔ رادیو را فوق‌العاده کنیم و اخبار جنگ را بگوئیم. آقای روحانی و سرهنگ ترابی برای امور پدافند به امیدیه رفتند و آقای سنجقی را به قرارگاه جلو، برای شرکت در بحث‌های فرماندهان و آوردن اخبار و اوضاع واقعی جبهه و میدان جنگ فرستادم.

آقای [محمدعلی] انصاری از بیت امام تلفنی گفت، امروز نخست وزیر برای مسأله قطع سوبسید [= یارانه] از وزارت نفت و نیرو ـ که در کمیسیون برنامه و بودجه برای [تأمین] مخارج جنگ قطع شده ـ خدمت امام می‌رود. پیغام دادم که نظر کمیسیون هم به امام گفته شود. گفتم راجع به مسائل

اختلافی حزب‌الله و سوری‌ها در لبنان زیاد سر و صدا نشود.

آقایان حسینی تاش و احمدی از نیروی دریایی سپاه آمدند. توضیحاتی درباره موشک ساحل به دریا دادند و خواستار همکاری بیشتر با نیروی دریایی ارتش بودند. ارتشی‌ها چون اینها را رقیب آینده خود می‌بینند، همکاری مشکلاتی دارد. به آقای ناخدا ملک زادگان گفتم عصر برای ترتیب همکاری اینجا بیاید. نخست وزیر با واگذاری انبارهای رباط کریم [متعلق به] وزارت بازرگانی [در جاده ساوه] به نیروی دریایی سپاه مخالفت کرده است و این نیرو گله دارد. وزارت بازرگانی هم برای تأمین نیازهای مردم، به این انبارها وابسته است.

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۵ | ۱ رجب ۱۴۰۶ — 1 March ۱۹۸۷

گزارش‌ها را خواندم. در گلف کاری نداشتیم. قرار شد برای بازدید بخش‌هائی از خوزستان و کهکیلویه برویم. تلفنی از منزل احوالپرسی کردم. ساعت نه صبح به قصد بازدید دریاچه‌ای در منطقه «کُت» از توابع بویراحمد، به سوی رامهرمز حرکت کردیم.

پس از عبور از رامهرمز از جاده بهبهان، از دره‌ای که منطقه نفتی است، عبور کردیم. لوله انتقال نفت در سراسر دره، بدون حفاظ گسترده است. در جاهای دیگر هم وضع همین گونه است. جای تعجب است که در دوران جنگ و حضور ستون پنجم دشمن، با این وضع حفاظت، مشکل مهمی در استفاده از آنها پیش نیامده است.

تا ساعت دو بعد از ظهر پیش رفتیم. بالاخره به دریاچه نرسیدیم. استاندار کهکیلویه و بویر احمد معرفی کرده بود. مردم بومی گفتند دریاچه‌ای در آنجا نیست. به طرف امیدیه رفتیم. نزدیک ساعت چهار بعد از ظهر به پایگاه امیدیه رسیدیم. ناهار خوردیم و استراحت کردیم.

نزدیک غروب رفتیم و ماهشهر را دیدیم و از آنجا از راه شادگان به سوی خط مقدم جبهه حرکت کردیم. در راه در سمت دریا، منظرهٔ جرقه‌هائی شبیه نور رعد وبرق مشاهده می‌شد که بومی‌ها می‌گفتند در گذشته چنین منظره‌ای نداشته‌اند. احتمال دادیم در فاو درگیری باشد، یا طوفان و رعد و برق در دریا است و یا آتش سوزی چاه یا کشتی باشد؛ بالاخره معلوم نشد.

نماز مغرب و عشاء را در مسجد دارخوین خواندیم. صدای انفجار توپها از جبهه به خوبی به گوش می‌رسید. با عبور از پل روی کارون به سوی شلمچه رفتیم. منظرهٔ جرقه آتش توپها و منوّر، نشان از



گروهی از فرماندهان سپاه

هشیاری دشمن می‌داد.

نزدیک ساعت ده شب وارد قرارگاه تاکتیکی سپاه شدیم. فرماندهان سپاه جمع بودند. عملیات آغاز شد. تا ساعت سه ونیم بعد از نیمه شب در قرارگاه بیدار ماندیم. برای دیدن منظرهٔ نبرد، باز روی سقف قرارگاه رفتم. تقریباً در ۱۵ کیلومتری میدان نبرد بودیم. منظره عجیبی بود. نمی‌دانم اگر مردم در بصره مانده باشند، چگونه برایشان قابل تحمل است. انفجار گلوله‌های توپ و تانک و کاتیوشا، صدای هولناکی دارد.

مرتباً از میدان توسط بی سیم اخبار را می‌گرفتند و به ما می‌دادند. بخش قابل توجهی از اهداف در مرحله اول تصرف شده بود، ولی لشکر ۲۵ کربلا و ۳۲ انصار کارشان ناتمام بود و نقطه ضعف برای ادامه کار بود.

ساعت سه و نیم بامداد به سوی اهواز حرکت کردیم. تگرگ و باران شدید می‌بارید. امروز در سراسر ایران هوا متغیر و همراه با بارندگی بود. نماز صبح را خواندم و از جبهه خبر گرفتم که حاکی از بهتر شدن شرایط بود. خوابیدیم.

سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۵ | ۲ رجب ۱۴۰۶ — ۲ March ۱۹۸۷

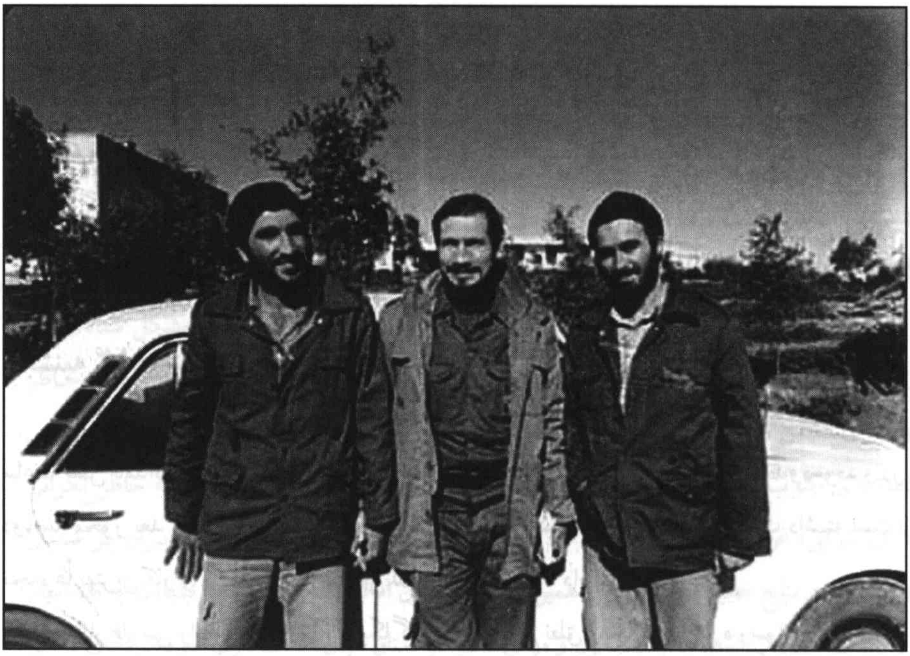
ساعت هفت و نیم صبح بیدار شدم. اخبار را گرفتم. مهمی نداشت. از جبهه کسب خبر کردم، معلوم شد بخشی از تصرف‌های دیشب را از دست داده‌ایم و بخشی را داریم. چون وضع روشن نبود. در کیفیت اعلان خبر مشکل داشتیم که ادامهٔ عملیات کربلای پنج باشد یا عملیات کربلای هفت. تا ظهر همین وضع ادامه یافت و بالاخره قرار شد، بدون اسم و مبهم تبلیغ شود و وضعیت رادیو را فوق‌العاده کنیم.

با احمدآقا، دکتر روحانی، دکتر خرازی و محسن رضایی در این خصوص مشورت شد، ولی رادیو خیلی ضعیف عمل کرد. به آقای [محمد حسن] زورق معاون سیاسی [سازمان صدا و سیما] اعتراض کردم. گفت دیر اطلاع دادند. تا ساعت دو بعد از ظهر از وضع نتایج جنگ جاری ناراضی بودم و با ناراحتی خوابیدم. ساعت سه ونیم آقای سنجقی اطلاع داد لشکر ۴۱ ثارالله در جنوب کانال ماهی با نیروی زرهی وارد عمل شده و پیشرفت خوبی داشته و باعث بالا رفتن روحیه‌ها و تحرک سایر واحدها شده است.

آقای موسوی اردبیلی و احمدآقا، تلفنی از وضع جبهه استفسار کردند. امیدوارکننده حرف زدم. آخر شب آقای سنجقی از قرارگاه مقدم آمد و برنامه عملیات امشب را گفت، ولی باد و باران شدید، احتمالاً مانع ادامه جنگ خواهد شد. زمین‌های میدان جنگ به گونه‌ای است که باران مانع تحرک است.

چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۶۵ | ۳ رجب ۱۴۰۶ — ۳ March ۱۹۸۷

بعد از نماز آقای سنجقی آمد و اطلاع داد که دیشب به علت بارندگی و باد شدید، نیروهای رزمنده تحرکی نداشته‌اند. سرهنگ ترابی و دکتر روحانی اطلاع دادند نیروی زمینی ارتش در منطقه حاج‌عمران حمله کرده و لشکر ۶۴ ارومیه، توانسته اهداف خود را بگیرد. تا عصر دوسه بار سرهنگ حسنی سعدی موفقیت‌ها را توضیح داد و سرانجام معلوم شد ارتفاع ۲۵۱۹ و بالهای آن را گرفته‌اند و بیش از دویست اسیر و مقادیری غنائم به دست آورده‌اند. این پیروزی برای ارتش بسیار گرانبهاست و



شهید حسین خرازی، یحیی رحیم صفوی، شهید احمد کاظمی

ممکن است شروع سلسله عملیات محدود دیگری باشد و در جنگ هم تاثیر شایانی خواهد داشت[1].

باران و برف و تگرگ در سراسر ایران می‌بارد. من هم تمام روز در اتاقم ماندم و بیرون نرفتم. دکتر روحانی و ترابی به امیدیه رفته بودند. عصر آمدند. شب فرماندهان توپخانه سپاه و جمعی از فرماندهان توپخانه ارتش که در والفجر هشت و کربلای چهار و کربلای پنج مامور به سپاه بودند، آمدند. برای آنها سخنرانی کردم و تشویق نمودم[2]. گزارش وضع توپخانه سپاه را دادند. پیشرفت زیادی کرده‌اند. مجموعاً حدود شصت گردان توپ دارند. توپ‌ها بیشتر از انواع شرقی است. نیازها را گفتند.

سه نفر از پزشکان سپاه آمدند. از موفقیت‌های امداد و درمان جنگ گفتند که معدل زمان رساندن مجروح جنگی از خط مقدم به بیمارستان را به کمتر از سه ساعت رسانده بودند و مدعی‌اند این معدل در جنگ جهانی اول ۴۸ ساعت و جنگ جهانی دوم ۲۴ ساعت و در جنگ ویتنام ۸ ساعت بوده

---

۱ ـ تصرف ارتفاعات ۲۵۱۹ یکی از هدف‌های نیروهای مسلح خودی بود. این ارتفاع که در عملیات والفجر ۲ آزاد شده بود، در دوره دفاع متحرک سقوط کرد و در عملیات کربلای ۲ نیز تأمین نگردید، تا در زمستان ۱۳۶۵ در حالی که چند متر برف قله آن را پوشانده بود، آزاد شد. این عملیات با فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی و لشکر ۶۴ ارومیه آن را به اجرا درآورد. در عملیات کربلای ۷ نیروهای خودی موفق شدند با غافلگیر کردن دشمن، ارتفاع ۲۵۱۹ را مجدداً به تصرف درآورند و پس از مقابله با پاتک‌های دشمن، منطقه را تثبیت کنند.

۲ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۵،" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

است. از کمبود پزشک جراح و نیازها گفتند.

فیلم پیروزی‌های جنوب و شمال را دیدیم؛ خوب است. آقای شمخانی اطلاع داد که امشب برنامهٔ حمله وسیعی در جنوب کانال ماهی دارند. ساعت دوازده شب گفت عملیات شروع شده و در چند محور درگیر شده‌اند. ساعت یک بامداد خوابیدم.

پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۵ | ۴ رجب ۱۴۰۶ — ۴ March ۱۹۸۷

ساعت شش بامداد بیدار شدم. آقای سنجقی اطلاع داد که پیشرفت در جنوب کانال محدود بوده و در دو، سه محور بعد از شکستن خط دشمن عقب نشسته‌اند. لشکر ۴۱ ثارالله پیشرفت داشته است؛ مجموعاً بهترین کار را در این مرحله، همین لشکر و لشکر ۲۷ داشتند.

به اخبار فارسی رادیو [صدای] آمریکا گوش دادم. متن نطق ریگان را درباره رسوائی کاخ سفید نقل کرد. اعتراف به اشتباه و شکست کرد و مسئولیت را به عهده گرفت و قول ترمیم داد. مجموعاً خیلی ضعیف صحبت کرد. فکر نمی‌کنم مشکلی را بتواند حل کند[1].

آقای حسنی سعدی اطلاع داد که امروز صبح هم پاتکی در [منطقه عملیاتی] حاج عمران از دشمن دفع شده و شمار اسرا به ۲۳۵ نفر رسیده است؛ تشویقش کردم. عصر هم پاتک دیگری را با گرفتن اسیر و تانک از دشمن دفع کردند.

عصر به سوی جنوب از راه آبادان رفتیم و محل [نیروگاه] انرژی اتمی دارخوین را دیدیم. بنا بود از پل دارخوین از رود کارون عبور کنیم؛ به خاطر زیاد شدن آب در اثر بارندگی، پل را برداشته بودند. به اهواز برگشتیم. از شهر عبور کردیم و ساعت هشت وربع به قرارگاه خاتم رسیدیم.

تا ساعت دو ونیم بامداد، با فرماندهان لشکرهای سپاه مذاکره کردیم. هر یک نحوه جنگیدن خودشان در هفته جاری را گفتند. پیشرفت کم است و علت آن را هوشیاری دشمن و وجود موانع و

---

۱ ـ در این سخنرانی رادیو تلویزیونی ریگان اذعان کرد که تلاش پنهانی‌اش برای ایران که به معامله اسلحه در برابر گروگان‌ها منجر شد، اشتباه بوده است. او گفت: "به عنوان رئیس جمهور، نمی‌توانم از مسئولیت بگریزم. چرا این اشتباه به وقوع پیوست، دلایلی برای آن وجود دارد، اما بهانه‌ای در کار نیست. این مسأله یک اشتباه بود. انسان وقتی دچار اشتباه می‌شود، چه اتفاقاتی باید رخ دهد؟ وقتی شما دچار اشتباه می‌شوید، متنبه می‌شوید، درس عبرت می‌گیرید و بعد از آن به راه خود ادامه می‌دهید. این صحیح‌ترین شیوه پرداختن به یک مشکل است. می‌دانید، وقتی انسان به سن من می‌رسد، اگر درست زندگی کرده باشد، اشتباهات زیادی انجام داده است. بنابراین پند می‌گیرد که هر چیزی را در جای طبیعی آن قرار دهد، نیروهایش را بسیج کند، خود را تغییر دهد و به پیش برود".

ضعف هماهنگی با واحدهای مجاور خود می‌گفتند و بعضی‌ها هم ضعف امکانات خودی و آتش زیاد دشمن را عنوان می‌کردند.

با اینکه باگرفتن بخشی از غرب کانال ماهی توفیقاتی داشته‌ایم، ولی خیلی کمتر از حد انتظار و غیر متناسب با مقدار تلفات بوده است. قرار شد دو سه روزی حمله متوقف شود. ساعت سه وربع بامداد به گلف رسیدیم.

نبرد بعد از پیروزی‌های سریع و وسیع در روزهای اول عملیات کربلای پنج مشکل شده است؛ اولاً به خاطر وضع زمین، باتلاق‌ها، نخل‌ها، کانال ماهی و وضع جزایر درون اروند و ثانیاً به خاطر هوشیاری دشمن و ثالثاً به خاطر نزدیکی به بصره و احساس خطر جدی برای رژیم عراق و نگرانی کشورهای جنوب خلیج فارس از سقوط بصره و همجوار شدن ایران با آنها و رابعاً به خاطر نگرانی حامیان شرقی، غربی و منطقه‌ای صدام در تغییر معادلات منطقه‌ای، با تسلط کامل ایران بر شمال خلیج‌فارس و منابع عظیم نفتی آن و به همین جهت در دادن امکانات، اطلاعات و تبلیغات به صدامیان با دست باز عمل می‌کنند. عملیات مکرر و موفق ما در کردستان عراق، با همکاری خودکردهای عراقی هم نگرانی آنها را دامن می‌زند.

اظهارات صریح ریگان رئیس جمهور آمریکا، پس از اطلاع از پیشرفت‌های ایران در عملیات کربلای پنج، به خوبی همه چیز را روشن می‌کند. او بعد از محکوم کردن عملیات ایران در شلمچه می‌گوید: «آمریکا توسعه این درگیری را به عنوان یک تهدید اساسی به منافع خود در خلیج فارس تلقی می‌کند و.... ما با نگرانی دوستانمان در منطقه خلیج فارس، پیرامون گسترش احتمالی جنگ و مورد تهدید قرارگرفتن امنیت آنها سهیم هستیم....[۱]»

جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۶۵ | ۵ رجب ۱۴۰۶ — 5 March ۱۹۸۷

برای نماز بیدارم کردند. تا ساعت نه صبح کارها را انجام دادم. در اخبار صدای آمریکا به نظرم رسید که می‌خواهند ریگان را حفظ کنند و شیوه تبلیغ علیه ما را عوض کرده‌اند. تهمت ناجوانمردانه و ریاکارانه فساد مالی مسئولان ایران را مطرح کرده‌اند[۲].

---

۱ ـ اشاره به بیانیه رئیس جمهور آمریکا در روز ۲۶ فوریه (۸ اسفند) که در پاورقی خاطرات این روز درج شده است.

۲ ـ رادیو آمریکا اعلام کرد: روزنامه «وال استریت ژورنال» در گزارشی مشروح می‌نویسد مقامات ایرانی ممکن است با موافقت در مورد خرید

استحمامی کردم و عازم برگشت به تهران شدیم. ساعت نه صبح حرکت کردیم. در کنار رودخانه‌ای بعد از اندیمشک توقف نمودیم و ناهاری را که از خرم‌آباد تهیه شده بود، ده کیلومتر بعد از این شهر، کنار رود دیگری صرف شد. بین اراک و قم ماشین پنچر شد. شب ساعت نه ونیم به منزل رسیدیم. آقای سنجقی، تلفنی خبر از دفع سه پاتک عراق در شلمچه داد.

در اخبار و گزارش‌ها، توجه ویژه قدرت‌های حامی صدام به وضع مشکلات اقتصادی ایران محسوس است و نشانه‌های برنامه‌ریزی برای محروم کردن ایران از درآمد نفت از طریق زدن کشتی‌ها و مراکز بارگیری نفت ایران خودنمایی می‌کند و تقویت نیروهای دریایی سپاه را مانعی برای اجرای این توطئه می‌بینند و به فکر بهره‌گیری بیشتر از فضاها، بنادر و پایگاه‌های کشورهای جنوب خلیج فارس به نفع صدامیان هستند.

شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۶۵ | ۶ رجب ۱۴۰۶ — ۶ March ۱۹۸۷

در منزل بودم. وقتم به استراحت و قرائت گزارش‌ها گذشت. حاج احمدآقا آمد. وضع جبهه را برای اطلاع امام گرفت. راجع به اوضاع جاری مذاکره شد. گفت آقای آذری قمی خدمت امام آمده و از امام برای ادای قرض‌های روزنامه رسالت، کمک خواسته است و امام چیزی نداده‌اند.

عصر آقای رفیق‌دوست و دکتر هادی آمدند. نتایج سفر کره شمالی را گفتند و اینکه تعداد پنج فروند موشک اسکاد بی از کره خریده‌اند؛ خوب است. آقای سنجقی اطلاع داد که امروز در جبهه جنوب تحرکی نبوده و در حاج عمران همه پاتک‌های، دشمن شکست خورده است. گفتند در مجلس امروز شایعه فرار صدام بود.

پیروزی‌های خیره کننده رزمندگان در حساس‌ترین نقطه نبرد در شلمچه، باعث کم شدن امید به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اسلحه آمریکائی به قیمت‌های بالاتر رشوه گرفته باشند. مأموران تحقیق اکنون ظنین هستند که بخشی از میلیون‌ها دلار منافع ناپدید شده حاصل از فروش‌های تسلیحاتی به ایران به جیب مقامات ایرانی رفته است. به گفته مقامات دادگستری «لارنس والش» بازرس مستقل به تعقیب و پیگیری مدارکی پرداخته است که از توافق مقامات عالی رتبه ایرانی در مورد پرداخت قیمت‌هایی بالاتر برای سلاح‌های ساخت آمریکا در قبال رشوه‌های کلان حکایت دارد. این مقامات گفتند مأموران تحقیق که برای آقای والش کار می‌کنند، معتقدند که از تابستان ۱۹۸۵ که فروش‌های تسلیحاتی آغاز شد و در سال ۱۹۸۶ نیز ادامه یافت، توطئه رشوه بخشی از معاملات سری تسلیحاتی بود. آنان می‌گویند آقای والش اطلاعاتی کسب کرده است که نشان می‌دهد در نخستین مراحل معاملات تسلیحاتی واسطه‌های اسرائیلی پول رشوه را به مقامات ایرانی داده‌اند".

قدرت مقاومت صدام شده و با شکست حرکت آمریکا در مبادله سلاح با گروگان و ایجاد شبهه در ادامه سیاست حمایت آمریکا از صدام هم فضا را غبارآلودتر کرده است.

مقاومت مردم ایران در مقابل شرارت‌های غیر قابل توجیه و جنایات جنگی صدام از زدن شهرها و کشتی‌ها و استفاده بی‌حساب از سلاح شیمیایی، توان پایداری نظام اسلامی و استحکام آن را آشکار نموده و مهمتر از همه، امواج وسیع داوطلبان جهاد برای رزم و قدرت تجهیز صدها گردان جدید تازه‌نفس و تأمین نیازهای جنگی با تولیدات داخلی و ابتکارات مهندسی در ساخت پل‌های بعثت و خیبر ـ که از حماسه‌های مهندسی نظامی‌اند ـ و سازمان نیروی دریایی سپاه با امکانات ابتکاری، امید به پیروزی را، واقع بینانه جلوه می‌دهد.

یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۶۵ | ۷ رجب ۱۴۰۶ — 7 March ۱۹۸۷

قبل از جلسه گزارش‌ها را خواندم. پیش از شروع جلسه علنی درباره جنگ برای نمایندگان صحبت کردم. در جلسهٔ علنی تا هنگام تنفس ماندم. بحث در کلیات بودجه بود.

امسال به خاطر وضع جنگ و به خاطر تذکر امام به نمایندگان، در خصوص خودداری از صحبت‌های تضعیف کننده و دشمن پسند، مخالفان دولت هم حاضر نبودند صحبتی بکنند و در نتیجه بحث در کلیات، مختصر و کوتاه برگزار شد و موضع گیری‌های سیاسی که معمولاً در بحث بودجه بروز می‌کند، بروز نکرد. انتظار می‌رود بحث در تبصره‌ها هم کوتاه باشد؛ چون وضع مالی کشور میدان مانور زیاد ندارد که در تبصره‌ها جای بحث داشته باشد.

آقامحمدی آمد. درباره برنامه‌های عملیاتی قرارگاه رمضان در داخل خاک عراق توضیح داد. طرح‌ها جالب است و اگر خوب اجرا شود، چشمگیر است. کمک‌ها را مطرح کرد. آقای [سیدرضا] زواره‌ای آمد و از اوضاع، بد گفت. عصر تا شب کارهای عقب مانده را انجام دادم.

شب جلسهٔ سران قوا در منزل احمدآقا بود. امام هم مطابق معمول شرکت کردند. گزارش وضع جبهه را دادم و اشاره به مشکل پیشرفت در شرق بصره و تلفات زیاد طرفین کردم. با تقاضای نخست وزیر و اجازه امام، مبلغ دو میلیارد تومان برای مخارج بمباران شده‌ها و ۲/۴ میلیارد تومان برای فوق‌العاده عملیات ارتشی‌ها و ساصد [= سازمان صنایع دفاع] با تائید سران سه قوه، از بانک مرکزی استقراض شد.

دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۶۵ | ۸ رجب ۱۴۰۶ — 8 March ۱۹۸۷

تا ساعت ده ونیم در جلسهٔ علنی ماندم. ظهر آقای [اکبر] ترکان برای گرفتن بودجهٔ ارزی و ریالی برای ساصد آمد.

عصر [پروفسور لومر] یکی از اعضای هیأت یونسکو که برای دیدن مراکز تاریخی آسیب دیده ایران در بمباران عراقی‌ها به ایران آمده است، به عنوان تقدیم پیام محرمانه [دکتر مختار آمبو] مدیرکل یونسکو به ملاقات آمد، ولی پیامی ارائه نکرد و فقط دربارهٔ متجاوز بودن صدام و لزوم موضع‌گیری ما در جهت پذیرش پیشنهاد نزدن مراکز فرهنگی، پیشنهادی داد.

تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. احمدآقا تلفنی گفت، جمعی از نمایندگان در نامه‌ای به امام از اظهارات در جلسهٔ سالگرد حزب جمهوری اسلامی که علیه دولت و به نفع مخالفان دولت بوده است، اظهار نگرانی و کسب تکلیف کرده‌اند. از من خواست که نوار سخنان را بخواهم و بشنوم. کم کم این گونه کارها، نظر امام نسبت به حزب را دچار تردید خواهد کرد.

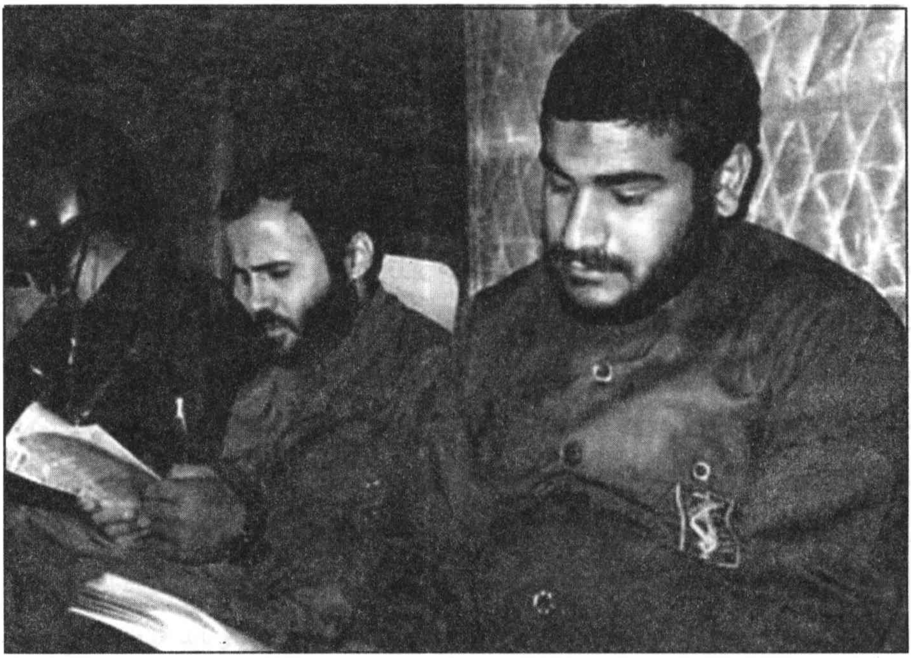
سه‌شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۶۵ | ۹ رجب ۱۴۰۶ — ۹ March ۱۹۸۷

در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. وضع جبهه راکد است. توطئه‌ای تبلیغاتی برای انحراف افکار از افتضاح کاخ سفید به چشم می‌خورد[1]. تا ساعت ده و نیم در جلسهٔ علنی ماندم. ظهر هم چند ملاقات داشتم. عصر در جلسه شرکت کردم؛ چون بحث بودجه جنگ مطرح بود.

بعد از ختم جلسه به شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای، آقای دکتر ولایتی آمد و برای سفر به بلغارستان و سودان مشورت کرد. درباره جنگ، اسلحه و مسائل

---

۱ - روزنامه نیویورک تایمز ادعا کرد قتل اولاف پالمه نخست وزیر فقید سوئد به خاطر میانجی گری در جنگ عراق و ایران بوده است. نخست وزیر و معاون سیاسی وزیر امور خارجه سوئد، ادعا و داستان‌های منتشره در شماره یکشنبه روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در مورد قتل پالمه و ارتباط آن با نقش میانجی‌گری وی در جنگ عراق با ایران از جانب دبیرکل سازمان ملل را به طور قطع رد کردند. خبرگزاری سوئد در گزارش کوتاهی که تحت عنوان «توقف معاملات تسلیحاتی - انگیزه قتل» هم‌زمان با سالروز قتل اولاف پالمه نخست وزیر فقید سوئد به نقل از گزارش نیویورک تایمز به چاپ رسیده است، نوشت: "بعضی از اعضای دولت سوئد به این نتیجه رسیده‌اند که قتل پالمه ناشی از دخالت‌های وی در جنگ عراق و ایران همچنین هم‌زمان با تحویل غیرقانونی سلاح‌های ساخت کمپانی بوفورس به ایران بوده است". خبرگزاری سوئد در خبر کوتاه خود به نقل از گزارش روزنامه آمریکایی از قول یک منبع سوئدی نوشته است اغلب اعضای دولت سوئد مایل نیستند حقایق افشاء شود؛ سوئد علاقمند است مبادلات مهم بازرگانی خود را حفظ کند.



علی شمخانی جانشین فرمانده سپاه و فرمانده نیروی زمینی، غلامعلی رشید معاون عملیات سپاه

سودان نظراتی داده شد. درباره کیفیت برخورد با آمریکایی‌ها، برای ادامه بحران در کاخ سفید هم بحث شد[1].

چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۰ رجب ۱۴۰۶ 10 March 1987

تا ساعت نه و نیم صبح در جلسه علنی بودم. پیش از ظهر آقای شمخانی آمد و برنامه عملیات را گفت. تحلیل خوبی از جبهه شرق بصره ارائه داد و گفت آن قدر دو طرف جدی‌اند که گاهی جنگ به صورت تن به تن در می‌آید؛ مثل این است که مشت به صورت هم بکوبند. ایشان فرمانده عملیات است و خوب اداره می‌کند. او از مشکلات سپاه در مورد اختلاف با مسئول بسیج و دفتر امام و حفاظت نیز مطالبی گفت.

آقای حسنی سعدی آمد و برنامه عملیات آینده را گفت. ظهر آقای [مُطّلب] دشتی نماینده مغان آمد و پیشنهاد می‌کرد فرصت سخنرانی پیش از نماز جمعه تهران به ایشان داده شود تا درباره انحرافات

---

۱ ـ آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه از اطلاعاتی خبر داد که آمریکایی‌ها با ارائه یک عکس ماهواره‌ای ادعا کرده بودند که اتحاد جماهیر شوروی، قصد حمله نظامی به ایران را دارد. این خبر در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب بسیاری داشت و بحران در کاخ سفید را وارد فاز جدیدی کرد.

فکری موجود حرف بزنند.

عصر به خاطر کارهای دفترم به جلسهٔ مجلس نرفتم. هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. مراجعه نمایندگان خط راست، برای نجات آقای احمد کاشانی از زندان، این روزها زیاد شده است. خود من هم مایلم نجات یابد، ولی کسانی هم مانع می‌شوند.

شب آقای موسوی اردبیلی و نخست وزیر در مجلس مهمان من بودند. پانصد میلیون تومان برای نیازهای ارتش و ساصد تصویب کردیم. دربارهٔ ارتش و سپاه بحث شد. آقازاده وزیر نفت که امروز از سفر آمده، گزارش سفر داد. گفت الجزایر و امارات پیشنهاد کرده‌اند که حاضرند به شرط متوقف شدن موقت جنگ، برای حذف صدام اقدام کنند؛ قبلاً عربستان سعودی هم گفته است. به نظر می‌رسد تصمیم منطقه‌ای است، اگر فریبی در کار نباشد. مایل نیستند حذف صدام نتیجه پیروزی ایران باشد. گفت کشورهای عضو اوپک، مصمم هستند تا سطح قیمت را حفظ کنند. در لیبی استقبال خوبی از او نشده است. شب در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۱ رجب ۱۴۰۶ — ۱۱ March ۱۹۸۷

تا ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی تا ساعت ده ونیم ماندم. آقای سنجقی آمد و گزارشی از برنامه‌های آینده در غرب کشور داد و نیازها را مطرح نمود. جمعی از نمایندگان آمدند.

از اظهارات در جلسه سالگرد حزب [جمهوری اسلامی] گله داشتند و از من خواستند که از حق آنها دفاع کنم. توصیه به آرامش و عدم برخورد کردم. شکایتی به امام هم نوشته‌اند و گویا اطلاعیه‌های بی نامی هم در قم منتشر شده است. به نظر می‌رسد درگیری در پی داشته باشد.

ظهر آقای حمید بهرامی آمد. از دکتر افتخارجهرمی گله دارد و می‌خواهد استعفا بدهد و می‌گوید دولت به داوران ایرانی در لاهه دستور داده، فقط ماهانه پنج هزار دلار از حقوق خود استفاده کنند و بقیه را پس بدهند و دکتر مصطفوی گفته در مضیقه خواهد افتاد.

عصر آقای شمخانی برای مسائل جنگ و تغییرات در سپاه آمد. شب به خانه آمدم. بچه‌ها از بیرون شام آوردند.

جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۲ رجب ۱۴۰۶ — ۱۲ March ۱۹۸۷

احوال آقای آذری قمی را پرسیدم؛ امیدوار است. تا ساعت ده و چهل و پنج دقیقه در خانه برای نماز جمعه مطالعه کردم. برف و باران در تهران می‌بارید. به نماز جمعه رفتم[1]. هنگام خطبه‌ها، باران متوقف شد.

عصر آقای [علی اصغر] مروارید آمد. برای تثبیت وضع محل بنیاد انقلاب و پرونده امید نجف‌آبادی کمک خواست. نمونه کار بنیاد انقلاب در جمع کردن متون فقهی قدیمی در یک کتاب را آورد. آقای امیر عراقی آمد. از وزارت نفت استعفا داده است. پسر همشیره‌زاده ـ ملکه ـ همراه بستگان برای عقد ازدواج آمدند.

شب احمدآقا آمد. امام نسبت به اظهارات در جلسهٔ سالگرد حزب انتقاد کرده‌اند. درباره آینده ارتش و سپاه هم بحث کردیم. قرار شد نظر امام را استفسار کنیم، تا سیاست‌مان در ارتباط با نیروی دریایی و نیروی هوایی سپاه روشن شود. سپاه برای توسعه آنها اصرار دارد و باید هدف نهائی امام روشن شود.

شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۳ رجب ۱۴۰۶ — ۱۳ March ۱۹۸۷

رئیس جمهور تلفنی گفت مریض است و مشکل می‌تواند به جلسه ملاقات امام بیاید. گفتم با توجه به

---

۱ ـ خطبه اول این هفته به ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوع حقوق زنان دنبال شد. در خطبه دوم در خصوص شخصیت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) رمز استواری انقلاب اسلامی، خصوصیات ملت و ارتباط صمیمی آنها با انقلاب اسلامی و نتایج گزارش تاور مطالبی بیان شد. رادیو صدای آمریکا در بازتاب خطبه‌های این روز گفت: "ایران، ایالات متحده آمریکا را متهم ساخت که در جهت لطمه زدن به روابط تهران با شوروی تلاش می‌کند. به گفته اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، تلاش‌های آمریکا در این زمینه در مطالبی که در گزارش کمیسیون ویژه تحقیق گنجانده شده به عمل می‌آید. در گزارش کمیسیون ویژه که دربارهٔ ماجرای تماس‌های محرمانه آمریکا با رژیم اسلامی برای فروش اسلحه و آزادی گروگان‌های آمریکائی در لبنان تحقیق کرده بود به جزئیات مذاکرات مقام‌های آمریکایی و رژیم اسلامی درباره هدف‌های شوروی در ایران اشاره شده است. هاشمی رفسنجانی امروز گفت بیاناتی که در این گزارش به مقام‌های رژیم اسلامی نسبت داده شده، دروغ‌هایی است که هدفش برانگیختن شوروی بوده است. آقای رفسنجانی مقام‌های آمریکایی که سال گذشته به طور محرمانه به ایران سفر کرده‌اند، تصاویر ماهواره‌ای با خود به همراه آورده بودند که راه‌های احتمالی تجاوز شوروی به ایران را نشان می‌داد. هاشمی رفسنجانی گفت: جمهوری اسلامی اعتباری برای اطلاعاتی که آمریکا در اختیار ایران گذاشت، قائل نبود و آن را تلاشی در جهت منحرف کردن قوای ایران از جنگ با عراق و لطمه زدن به روابط ایران و شوروی توصیف کرد". خبرگزاری آسوشیتدپرس هم‌چنین گزارش داد: هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران روز جمعه گفت که سربازان سوری در غرب بیروت «امنیت نسبی» را به پایتخت لبنان بازگردانده‌اند. رفسنجانی که برای نمازگزاران جمعه مراسم هفتگی در دانشگاه تهران صحبت می‌کرد گفت: سوریه قوی‌ترین مانع در مقابل اسرائیل است. وی همچنین گفت که اما مسلمانان شیعه طرفدار ایران در حزب الله مبارزترین نیروئی هستند که در لبنان با اسرائیل می‌جنگند".

مطالبی که در ارتباط با سالگرد حزب [جمهوری اسلامی] و نامه جمعی از نمایندگان به امام مطرح است، مصلحت نیست که در این جلسه غایب باشند.

ساعت هشت ونیم به حسینیه جماران رفتم. امام منتظر رسیدن ما بودند که به جلسه تشریف بیاورند. آقای خامنه‌ای نرسیده بودند و قرار شد اگر نیایند، من صحبت کنم. خوشبختانه رسیدند. امام به شدت از تفرقه انگیزی برحذر داشتند و تهدید کردند[۱].

عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. راجع به نیازهای بنیاد تاریخ انقلاب گفت و اساسنامه را که تصویب شده بود، گرفت. شب احمد آقا گفت که سید مهدی هاشمی و همکارانش به قتل سه نفر از قهدریجان اعتراف کرده‌اند و به دنبال کشف محل دفن اجساد آنها، مقداری اسلحه هم کشف شده است. نظرش این بود که پخش این اخبار، چند روزی به تأخیر افتد که ارتباطی با سخنان امروز امام پیدا نکند.

شب تلفنی با محسن و عفت صحبت کردیم. محسن فوق‌لیسانس خود را تمام کرده و از کانادا در راه ایران به آلمان وارد شده است. بنا بود دوره دکترا را هم تمام کند، ولی با توجه به نیاز به تخصص او در صنایع موشک‌سازی و فضای ناامنی که ضدانقلاب و استکبار در کانادا تدارک دیده‌اند، ترجیح دادیم که به ایران برگردد.

---

۱ ـ در بخشی از سخنان حضرت امام (ره) آمده است: "ما باید فکر این معنا باشیم که در این کشور یک وقت ـ خدای نخواسته ـ به تدریج اختلاف واقع نشود. همه پشتیبان هم باشیم. بنابراین، دندان روی جگر بگذاریم و هوای نفسانی را زیر پا بگذاریم و با هم خوب بشویم. اگر در قلب هم یک چیزی هست که الان نمی‌تواند یک آدمی جلویش را بگیرد، ولی در عمل قدرت دارد به اینکه جلویش را بگیرد، جلویش را بگیرد. امروز تأیید همهٔ قشرها بر همهٔ ما لازم است؛ ما باید از مجلس طرفداری بکنیم، مجلس هم باید از همهٔ ملت طرفداری بکند؛ ما باید طرفدار دولت باشیم، دولت هم باید به ملت خدمت بکند. ما باید از همهٔ قوایی که الان هستند تبعیت کنیم به اندازه‌ای که باید بکنیم و پشتیبانی کنیم ازشان به اندازه‌ای که باید بکنیم، آنها هم باید از هم پشتیبانی بکنند. یک دسته بیایند بخواهند یک طرف بکشند، یک دسته هم یک طرف دیگر بکشند ـ در حالی که نیست الان، این طور دارند می‌گویند ـ اگر خدای نخواسته ـ یک جرقه‌ای پیدا بشود، دنیا این را بزرگ خواهد کرد تا آنجایی که بگویند ایران الان دیگر هیچ چیز درش نیست... عقل ما و دیانت ما و اسلام و همه چیز اقتضا می‌کند که حالا وقتی بنا شد که همه با ما بدند، با هم خوب بشویم، طرفدار هم باشیم؛ ارتش طرفدار سپاه باشد، سپاه طرفدار ارتش باشد و همه ارگان‌ها طرفدار هم باشند. این نخواهد ارتش را از بین ببرد، آن نخواهد سپاه را از بین ببرد، آن نخواهد دولت را از بین ببرد، آن نخواهد قوهٔ قضایی را از بین ببرد، همه باید با هم باشند. این یک تکلیف الهی ـ شرعی است به عهدهٔ ما و به عهدهٔ همه ملت. البته در موقع اگر ـ خدای نخواسته ـ یک وقت ما ببینیم که می‌خواهد یک همچو چیزی واقع بشود، تکلیف شرعی‌مان این است که با هر ترتیبی که می‌شود جلویش را بگیریم ولو به افشاکردن، ولو به این که یک نفری را قربانی کنیم برای یک ملت، یک دسته‌ای را قربانی کنیم برای یک ملت. من دارم به شما آقایان عرض می‌کنم، همه توجه به این داشته باشید که دنبال اختلاف نروید. فردا ممکن است که انتخابات پیش بیاید، خوب، در موقع انتخابات البته صحبت‌ها خواهد شد، دنبال این نروید که به هوای نفسانی خودتان برای خودتان درست کنید. می‌خواهد یک قضیه‌ای واقع بشود در ایران، دنبال این نباشید که به نفع من باشد، آن یکی بگوید به نفع من باشد، این مبدأ اختلاف است". رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۲۲۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۴ رجب ۱۴۰٦ 14 March ۱۹۸۷

قبل از دستور درباره اظهارات امام و ولادت حضرت علی(ع) صحبت کوتاهی کردم[1]. تا ساعت ده و نیم در مجلس ماندم و تا عصر چند ملاقات داشتم. عصر هم به جلسه رفتم و بین نمایندگان نشستم.

اول شب منزل آیت‌الله خامنه‌ای رفتم و دربارهٔ صحبت‌های امام و ضرورت کم کردن نزاع‌های دو جریانی و نقش پدری حزب جمهوری اسلامی مذاکره کردیم.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. بحث عمده درباره بودجه بود. کمیسیون برنامه و بودجه، اعتبار وزارتخانه‌های نیرو و نفت را حذف کرده و به آنها اجازه داده که با گران کردن محصولات خود، درآمد کسب کنند. دولت با این کار مخالف است و می‌خواهد از طریق استقراض، این کمبودها را که حدود سیزده میلیارد تومان است، تامین کند. امام تصمیم‌گیری را به سران قوا محول کرده‌اند.

بعد از بحث زیاد به اتفاق آراء نظر دادیم که کار کمیسیون درست است. آقای محتشمی هم آمد و راجع به نتایج سفر به سوریه و ملاقات با حافظ اسد درباره حزب‌الله لبنان و حوادث اخیر گزارش داد. نظر این شد که فعلاً خطری حزب‌الله را تهدید نمی‌کند و قرار شد با سوریه مدارا شود. برای خواب به مجلس آمدم. دیر وقت خوابیدم.

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۵ رجب ۱۴۰٦ 15 March ۱۹۸۷

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسهٔ علنی ماندم. ظهر معاون استانداری یزد و مدیر اراضی شهری یزد

---

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "میلاد پربرکت مولای متقیان، علی بن ابی طالب (ع) این بزرگمرد تاریخ را خدمت نمایندگان محترم و ملت عزیزمان تبریک عرض می‌کنیم. از آثار این روز مقدس، توفیق زیارت حضرت امام بود که برای مسئولان کشور و نمایندگان مجلس دست داد و برخورداری از نعمت نصایح سودمند و پرخیر رهبر عظیم‌الشأن‌مان بود. ایشان، همیشه مثل طبیب حاذق، سکان دار بیدار و هوشیار کشتی انقلاب، مواظب حرکت انقلاب هستند و هر وقت که لازم می‌بینند و مفید تشخیص می‌دهند، فرزندان خودشان را نصیحت می‌کنند و این بار هم مثل همیشه، در شرایطی که دشمنان ما، مأیوس از ترفندها و توطئه‌های گذشته‌شان، در صدد ایجاد تفرقه برآمدند و آثارش از شیطنت‌هایی که در رسانه‌هایشان پخش می‌شود، روشن است. ایشان، هشیار و بیدار، به ما تذکر دادند و همه مسئولان و ملت را متوجه این خطر کردند. حتماً، مردم ما و مسئولان ما، گوش شنوا خواهند داشت و از این نصیحت‌های حیات‌بخش استفاده خواهند کرد و انشاءالله ما همیشه در سایه وحدت و همراهی، انقلاب را به اهداف عالی‌ای که دارد، خواهیم رساند. خداوند، سایه این معلم و مرشد و طبیب و حکیم این انقلاب و این راه را بر سر مستضعفان جهان و ما، مستدام دارد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم" دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷

آمدند. از دادگستری یزد شکایت داشتند. سرهنگ ترابی آمد و پیشنهاد تعویض رئیس ستاد [ارتش] را داد. آقای صفائی مسئول عقیدتی سیاسی ارتش آمد. گزارشی از وضع کارش داد و کمک خواست و پیشنهاد رفتن من برای بازدید از دانشکده افسری و خودکفائی نیروی هوایی را داشت.

آقای دکتر زالی وزیر کشاورزی آمد. شرح مبسوطی از ضررهای احتمالی ادغام کشاورزی در جهاد داد. از پیشرفت‌های کشاورزی گفت.

آقای [محمد تقی] بانکی [وزیر نیرو] و معاونان آمدند. برای تصویب پیشنهادی برای افزایش آب بها در خوزستان برای ساختن سد کرخه استمداد نمودند.

در اثر سرماخوردگی تب داشتم. شب را به منزل رفتم. مهدی هم از مشهد برگشته است. آقای طبسی برایمان قند فرستاده‌اند. با مسکّن خوابیدم.

سه‌شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۶ رجب ۱۴۰۶ — ۱٦ March ۱۹۸۷

به جلسهٔ علنی مجلس رفتم. قبل از شروع جلسه به نمایندگان گفتم، وقت کم و پیشنهاد زیاد است، خوب است از بخشی از پیشنهادها صرف نظر شود که امروز کار بودجه تمام شود. چون تب شدید داشتم زود به دفترم برگشتم. تا عصر به استراحت و مطالعه سطحی در دفترم گذشت. بالاخره آقای کروبی نزدیک ظهر از مجلس رأی گرفت پیشنهادهایی که بار مالی دارد، مطرح نشود که با اکثریت قوی آرای نمایندگان تائید شد. این مصوبه دهها پیشنهاد را از سر راه برداشت و کار بررسی تبصره‌ها تمام شد.

قرار بود وزیر خارجه الجزایر به ایران بیاید و حدس می‌زدیم پیشنهاد کنار گذاشتن صدام را مطرح کنند، ولی سفرش را لغو کردند. نمی‌دانیم چرا؟ گفتند مریض شده است. آقای [سیاوش زرگر] یعقوبی سفیرمان در الجزایر آمد. مدعی است انقلاب ما در میان مردم و مسئولان الجزایری اعتبار و عظمت دارد. در جنگ هم ما را پیروز می‌دانند. گفتم سیاست ما هم به خاطر مواضع سرد و کم وفائی اخیر لیبیائی‌ها، گرمی بیشتر با الجزایر است.

مغرب به خانه رسیدم. دکتر جزایری معاون وزیر بهداشت برایم پزشک آورد. مسکن و آنتی‌بیوتیک و بخور داد و تاکید بر استراحت کرد. با اینکه تب دارم، شب‌ها را به راحتی می‌خوابم. عفت گفت بناست برای عمل روی سینوسها فردا به بیمارستان برود و خواست که دعا کنم و صدقه

بدهیم و گوسفند قربانی نمائیم.

چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۷ رجب ۱۴۰۶ — ۱۷ March ۱۹۸۷

تمام روز در منزل بودم. مراجعات تلفنی هم کم بود. شب دکتر ولایتی آمد. گزارش سفرش را داد. معتقد است بلغارها تمایل زیادی به توسعه روابط دارند و ما را نهایتاً پیروز [جنگ] می‌دانند. آنها در مقابل پیشنهاد تحویل موشک‌های فراگ و اسکاد، جواب را موکول به مطالعه کرده‌اند. یونانی‌ها نیز تمایل زیادی به توسعه روابط نشان داده‌اند.

در سودان مردم تحت تاثیر و نفوذ انقلاب اسلامی ما هستند و حزب حاکم [امت] با ما است. سایرین هم مخالفتی ندارند و خواستار کمک سپاه برای تربیت نیروی نظامی شبیه پاسداران برای محافظت از انقلاب خودشان هستند. قرار شده است برای آموزش نیرو به ایران بفرستند. سعودی‌ها خیلی گرم نیستند. [آقای سعودالفیصل] وزیر خارجه آنها که انتظار می‌رفت برای ملاقات با دکتر ولایتی به جده بیاید، نیامده و پیشنهاد کرده‌اند که ایشان به ریاض برود که او هم نرفته است.

قرار شد در وزارت خارجه برنامه‌ای برای برخورد با تبلیغات آمریکایی‌ها و مخصوصاً جزوهٔ گزارش «تاور» درست شود.

پنجشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۸ رجب ۱۴۰۶ — ۱۸ March ۱۹۸۷

رادیو آمریکا به منظور وارد کردن تهمت سوء استفاده مالی به مقامات دیگر ایران در معامله اسلحه با آمریکا، شطینت جدیدی شروع کرده ولی این تهمت قابل جاانداختن نیست، شاید به خاطر اینکه بخشی از بهای سلاح‌ها را بر خلاف قانون به مخالفان دولت نیکاراگوئه داده‌اند و یا افرادی از خودشان سوء استفاده کرده‌اند، یا با این تهمت‌ها و تبلیغات، می‌خواهند رد گم کنند و ابهام بیافرینند و ضدانقلاب ایران هم در این جهت کمک می‌کردند. به وزارت خارجه گفتم شکایت کنند.

با اینکه هنوز تب داشتم به مجلس رفتم. در جلسهٔ علنی، اصلاحات در لایحه بودجه برای تامین نظر شورای نگهبان انجام شد. ایراد مهمی نگرفته بودند، ولی بر اساس همان نظریهٔ قبلی خودشان،

استقراض را به دلیل ایجاد تورم و در نتیجه پائین آمدن ارزش پول مردم، خلاف شرع دانسته‌اند. با تمام شدن کار بودجه، جلسه را ختم کردم و در پایان صحبت کوتاهی نمودم[1].

با حالت تب و خستگی، در دفترم به کار پرداختم. دکتر روحانی برای امور جنگ آمد و نظر داد بهتر است در صورت تخفیف ۲۵ تا ۳۰ درصد معامله، بقیه توپ‌های اتریشی را بگیریم.

عصر آقای آخوندزاده کاردارمان در لندن آمد. گزارش داد و گفت نفوذ و ابهّت انقلاب ما در انگلستان قوی است. گفتم سعی کند مسائل ربوده شدگان ایرانی در رابطه با [آزادی] "تری ویت" در رسانه‌ها مطرح شود.

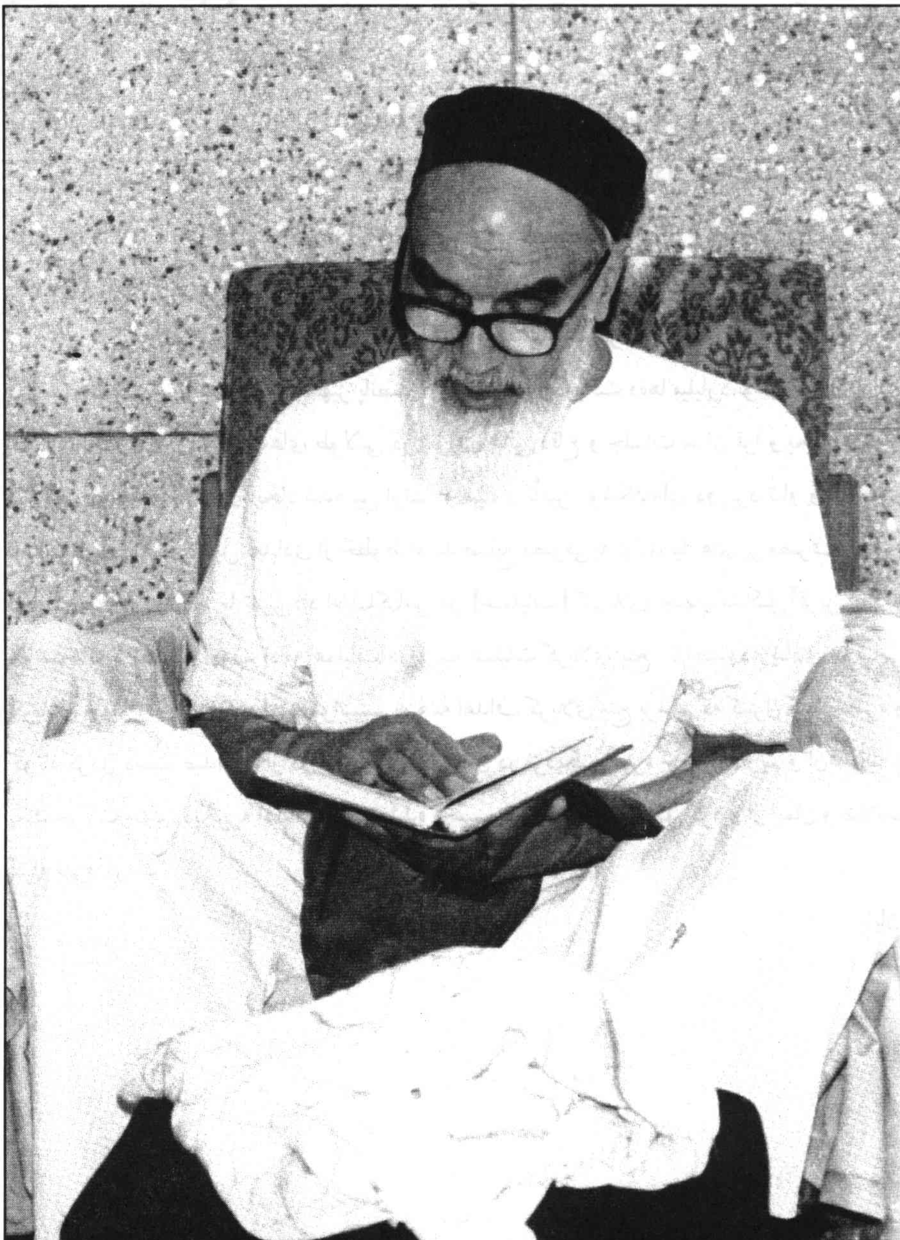
وزیر دفاع و ترابی‌پور آمدند. درباره برخورد با فروشنده مهمات کاتیوشا که به جای جنس روسی، نوع کره‌ای تحویل داده، مشورت کردند. آقای [علی اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد. درباره گروه تبلیغات مربوط به رسوائی کاخ سفید و اطلاعات برای جنگ صحبت کردم. شب به خانه آمدم. حالم رو به بهبودی است. فاطی گفت عمل سینوس‌های عفت به خوبی انجام شده است. خوشحال شدیم. آقا جلال گوسفند بزرگی قربانی کرد.

جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۶۵ | ۱۹ رجب ۱۴۰۶ — 19 March 1987

تلفنی با رئیس جمهور درباره مطالب نماز جمعه، اظهارات دیشب ریگان، جنگ و امور کویت مذاکره کردیم. آقای [محمد حسن] زورق [معاون سیاسی سازمان صدا و سیما] آمد. دربارهٔ تبلیغات جنگ و

---

۱ - در این نطق آمده است: "در پایان سال جاری، در آستانه سال جدید، لازم است از برادران و خواهران نماینده، به خاطر کار قانون‌گذاری و نظارت آنان بر امور، تشکر کنیم، به ویژه از نمایندگانی که به جنگ رفته‌اند، تشکر می‌کنیم؛ زیرا حضور نمایندگان در جبهه‌ها و رفتن آنان به میان رزمندگان بسیار مؤثر است. تشکر می‌کنم از عموم مسئولان کشور و ممنونیم از رزمندگانمان که در سال جاری، مایه افتخار و عظمت اسلام شدند و قدرت اسلام و عظمت انقلاب را به نمایش گذاشتند. ما، امسال شاهد خضوع کفر و استکبار در مقابل اسلام و انقلاب بودیم و آن را از مقاومت مردم و ایثارگری‌های رزمندگان می‌دانیم و از آثار خون‌های گرانقدر شهدایمان می‌دانیم. از طرف همه نمایندگان، از خانواده‌های شهدا و کسانی که در راه این انقلاب، شهید یا معلول داده‌اند یا دچار زحمت شده‌اند، تشکر می‌کنم. امیدواریم که سال آینده را خداوند برای این انقلاب و این مردم و برای مسلمانان، سال پیروزی و موفقیت کامل بگرداند و به ما توفیق دهد تا بتوانیم خدمتگزاران خوبی برای اسلام و انقلاب باشیم. از کارکنان مجلس نیز به خاطر تنظیم لایحه بودجه و نیز به خاطر اینکه در سراسر سال، ما را برای انجام وظایفمان یاری کردند، تشکر می‌کنیم. از شورای نگهبان هم به خاطر مراقبتی که از اسلامی بودن مقررات ما و هماهنگی آنها با قانون اساسی دارند، تشکر می‌کنیم و همه اینها در سایه رهبری‌های رهبر عظیم‌الشأن‌مان است که ما همه شاگردان و پیروان ایشان هستیم. خداوند سایه ارزشمند ایشان را از سر مسلمانان و ما و انقلاب اسلامی، کوتاه نفرماید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۵، جلد ششم، "دفترنشرمعارف‌انقلاب، ۱۳۸۷



مسائل گروگان‌ها و "تری ویت" مذاکره شد[۱] و خطوط تبلیغی مشخص گردید.

آقای سرهنگ جمالی برای مشورت در امور جنگ آمد. آقای رحمانی مسئول بسیج آمد. از فشار فرماندهان سپاه برای تحت کنترل آوردن او و بسیج گله داشت و فرماندهان سپاه هم از او به خاطر عدم اطاعت از فرماندهی سپاه شاکی‌اند و تصمیم گرفته‌اند که یا اطاعت کند و یا برود.

عصر و شب به استراحت و مطالعه گذشت. در گزارش‌ها خبر مهمی نداشتیم. استقرار موشک‌های ساحل به دریای ما در تنگه هرمز، زیاد مطرح می‌شود. ستاد تبلیغات جنگ و صدا و سیما و آقای روحانی درباره اخبار جنگ، تلفنی مذاکره کردند. امروز تب نداشتم ولی نقاهت هنوز هست.

سال ۶۵ هم تمام شد، اما امیدهایی که به ختم جنگ با یک پیروزی قاطع داشتیم، ناتمام ماند. طراحی عملیات سرنوشت‌ساز و تجهیز پانصد گردان رزمی و دریافت ده‌ها میلیارد تومان با اجازه ویژه امام از بانک مرکزی و بحث‌های طولانی در شورای عالی دفاع و جلسات سران قوا و بحث فراوان قرارگاهی و هماهنگی‌های ایجاد شده بین ارتش و سپاه و تأمین موشک‌های دوربرد تاو و هاک و قطعات از آمریکا و تبدیل تعدادی از خطوط تولید صنایع مصرفی به تولید نیازهای پر مصرف جنگ، شرایط جنگ را به نفع ما تغییر داد اما ناکامی در [عملیات] کربلای چهار مشکل‌آفرین شد و خوشبختانه با تصمیم خوب ادامه عملیات در قالب عملیات کربلای پنج، تا حدود زیادی ناکامی کربلای چهار را جبران کرد لکن نتوانستیم به همه اهداف کربلای پنج برسیم که کنترل کامل بصره و کوتاه کردن دست صدامیان از دریا بود؛ گرچه اکنون در نزدیکی بصره حضور داریم و ان‌شاءالله با یک حرکت جدی دیگر به اهداف ترسیم شده برسیم. باید به خداوند توکل کرد و از ایمان و صلابت کرام بهره گرفت.

پایان

۱ - رابرت رانسی اسقف اعظم کلیسای کانتربری انگلیس با ارسال نامه‌ای برای آقای هاشمی از ایشان خواسته است تا در مورد یافتن «تری ویت»، که چند ماه قبل در لبنان ربوده شده همکاری نماید. آقای هاشمی نیز در پاسخ به این نامه ضمن تأکید بر اینکه ایران قبلاً از دوستان خود در لبنان و سوریه خواسته است تا در یافتن تری‌ویت اقدام نمایند، خواستار تلاش اسقف مزبور برای پیدا کردن چهار ایرانی ربوده شده در لبنان شد. متن کامل نامه اسقف اعظم کلیسای کانتربری و پاسخ آقای هاشمی در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

ضمائم

فهرست ضمائم

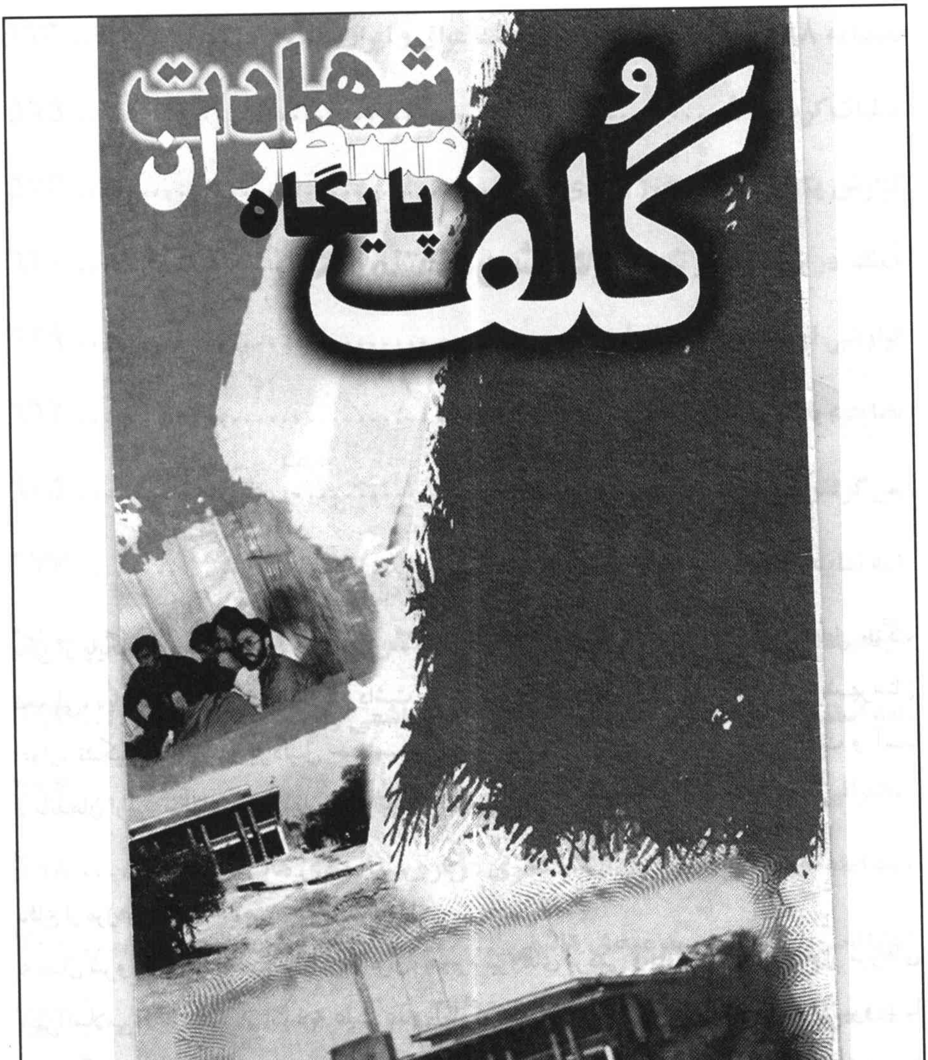
پایگاه منتظران شهادت

(گلف)

یکی از پایگاه‌های مهم و فعال رزمندگان دلاور اسلام در دوران دفاع مقدس و به ویژه اوایل جنگ تحمیلی، «پایگاه منتظران شهادت» نام داشت که در محل باشگاه «گلف» واقع در حومه شهرستان اهواز، تشکیل شده بود و به دلیل حساسیت و اهمیت فعالیتهایش، محل حضور و رفت و آمد فرماندهان ارشد سالهای دفاع مقدس نیز به حساب می‌آمد.

دفاع از مرزهای میهن اسلامی

به دنبال شروع جنگ تحمیلی از سوی عراق، هجوم نیروهای مردمی و داوطلب برای دفاع از مرزهای میهن اسلامی آغاز شد. در ابتدا به علت عدم آمادگی برای پذیرش و سازماندهی، این نیروها با بی‌برنامگی و تشتت روبرو بودند. تا اینکه آقای داود کریمی به عنوان مسئول عملیات جنوب به خوزستان آمد. در ابتدای کار به علت اینکه ستاد عملیات سپاه اهواز، محل مناسبی جهت انجام امور مربوط به نیروهای اعزامی و رسیدگی به امور جبهه‌ها نبود، ساختمانی متعلق به شرکت نفت در بیرون شهر اهواز محل مناسبی تشخیص داده شد. "باشگاه گلف "که پیش از آغاز جنگ برای امور مربوط به حفاظت لوله‌ها و تأسیسات نفتی در نظر گرفته شده بود، به عنوان «ستاد عملیات جنوب» برای پشتیبانی جبهه‌ها و هدایت امور اطلاعاتی، در خدمت جنگ قرار گرفت.


گلف
پایگاه
منتظران
شهادت

تابلویی به در ورودی ساختمان [درب جبهه] نصب و به حق نام «پایگاه منتظران شـهادت» بـرای گلف انتخاب شد. شهید تندگویان وزیر نفت پس از بالاگرفتن شرارت‌های مزدوران عراقی و عوامل داخلی آنان که تحت نام «خلق عرب» دست به انفجار لوله‌ها و تأسیسات نفتی می‌زدند، طی توافقی با آقای علی شمخانی فرمانده سپاه خوزستان، مأموریت حفاظت از لوله‌ها و تأسیسات متعلق به شرکت نفت را به سپاه واگذار کرد. باشگاه گلف که برای این امر در نظر گرفته شده بود، تعمیر و بازسازی و همزمان با حملات سراسری ارتش عراق با صلاحدید مسئولان برای جنگ اختصاص یافت.

انسجام ارتش و سپاه

با گذشت زمان و کسب تجربیات و آمادگی لازم، ستاد عملیات جنوب (گلف) به کارها سروسامان می‌داد. رفته رفته عملیات از حالت شبیخون که با نیروها و اهداف محدود و بیشتر انهدامی و در جهت زمینگیر کردن دشمن انجام می‌شد، به عملیات تعرضی محدود (شامل شکستن خـطوط اولیـه جـبهه دشمن و پیشروی به عمق محدود) تبدیل شد. اولین اقدام و حمله به دشمن، عملیات امام زمان (عج) در غرب سوسنگرد در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۳ بود که با موفقیت زیاد همراه بود. این عملیات منشاء عملیات بعدی بود که در جبهه‌های جنوب و غرب انجام می‌شد. عملیات موفقیت‌آمیز «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» در دارخوین تجربه‌ای مفید و بارقه امیدی بود، برای قدم‌های بعدی در بیرون راندن دشمن.

با انتقال آقای سید رحیم صفوی از دارخوین به ستاد عملیات جنوب در زمستان سال ۵۹، تیم سه نفره آقایان: "رحیم صفوی، غلامعلی رشید و حسن باقری" شکل گرفت. با فرماندهی آقای مـحسن رضایی و انسجام بیشتر فرماندهان ارتش و سپاه، انجام عملیات گسترده و مشترک با شرکت نـیروی عظیم مردمی و ارتش جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گرفت. تبلور این ایده شکستن حصر آبادان و اجرای دستور فرمانده کل قوا بود.

به این ترتیب با توجه به اهمیت منطقه جنوب و ضرورت هماهنگی نیروهای سپاه در این منطقه، ستاد عملیات جنوب به عنوان نخستین اقدام تشکیل شد. تشکیل این ستاد به منزله نقطه عطفی در هویت یابی سازمان سپاه در منطقه جنوب بود، از این پس «ستاد عملیاتی جنوب» محل تمامی هماهنگی‌های درونی و بیرونی سپاه در منطقه جنوب با مرکز سپاه بود. نیروهای اعزامی به جنوب نیز ابتدا به «پایگاه منتظران شهادت» اعزام و از آنجا طبق تدابیر ستاد عملیات جنوب، به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند.

شکل‌گیری هویت نظامی

ستاد عملیات جنوب، مسئولیت منطقه دهلران تا دهانه فاو را به عهده داشت. این مناطق به تناسب معابر تهاجم دشمن و یگان‌هایی که از سپاه برای مقاومت در برابر دشمن تشکیل شده بود، به چند محور تقسیم شدند. به عبارت دیگر ستاد عملیات جنوب به منزله کانون شکل‌گیری هویت نظامی و اندیشه‌های دفاعی سپاه برای شکستن بن‌بست جنگ بود. سردار غلامعلی رشید در توضیح نحوه طرح‌ریزی‌ها می‌گوید: "هر کس در هر محوری مسئول بود. پیشنهادهایی می‌داد، بررسی می‌کردیم. وقتی قانع می‌شدیم، به کمک آنها می‌رفتیم. تیم ما [آقارحیم، شهید باقری و من] مثلاً از اهواز پیش عزیز جعفری در سوسنگرد می‌رفتیم. می‌ماندیم پیش آنها، اگر در عملیات کمک لازم داشتند، کمک می‌کردیم و مشکلات آنها را پیگیری می‌کردیم".

وظایف ستاد عملیات جنوب (گلف) و تشکیلات و واحدهایی که در این ارتباط بسیج شدند، برحسب نیاز و ضرورت شکل گرفت و به مرور زمان رشد کرد. سیستم ارتباطی که بین جبهه‌ها و گلف [ستاد عملیات جنوب] وجود داشت، به این ترتیب بود که هر چند جبهه تحت پوشش یک محور قرار داشت، اما با توجه به شکل گسترش قوای دشمن اکثر پایگاهها (شهرها) مسئولیت محورهای اطراف و مربوط به محدوده جغرافیایی خود را به عهده داشتند. مثلاً پایگاه سوسنگرد که شامل جبهه‌های سویدانی، دهلاویه، مالکیه، جلالیه و... بود، شهرهای اهواز، آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، شوش و دزفول هر کدام به نوبه خود جبهه‌های مختلفی را تحت پوشش داشتند. هر کدام از قسمت‌ها در ارتباط با مسئولیت محوله با کلیه محورها تماس می‌گرفتند و کارهای مربوطه را به طور مستقیم با واحد مشابه در محورها انجام می‌دادند. فرماندهی ستاد عملیات جنوب نیز با سرکشی مستمر به جبهه‌ها و محورها و بررسی اوضاع و نیز تشکیل جلسه هفتگی مسئولین محورها در جریان امور قرار می‌گرفت. هر چهارشنبه مسئولین محورها گزارش آخرین تغییر و تحولات در جبهه را ارائه می‌دادند و مسائل حائز اهمیت هر محور بنا به ضرورت زمانی و مکانی مورد بررسی و توجه بیشتری قرار می‌گرفت.

جلسات هفتگی، ارتباط دائم محورها با ستاد جنوب و حضور فرمانده عملیات در محورها موجب شده بود که فرماندهی ستاد عملیات جنوب (گلف) در جریان کارها قرار بگیرد. قسمتهایی که در ستاد عملیات جنوب (گلف) فعالیت می‌کردند، در جهت پشتیبانی عملیات نقش مؤثری داشتند. به اختصار به فعالیت‌های هر قسمت اشاره می‌شود:

اطلاعات عملیات

از همان ابتدای جنگ، لزوم وجود واحدی که بتواند اطلاعاتی کسب شده از دشمن را بپروراند و با

توجه به موقعیت و استعداد نیروی دشمن، جمع‌بندی لازم را انجام دهد، احساس می‌شد. این قسمت در ابتدای کار صرفاً از دشمن اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کرد، اما کم‌کم به کار خود شکل داد، به طوری که درصد قابل توجهی از پیروزی‌هایی که نصیب رزمندگان می‌شد، مدیون اطلاعات دقیقی بود که توسط برادران به دست می‌آمد و تفسیر، جمع آوری و برآورد اطلاعات می‌شد. بخش‌هایی که اطلاعات را در انجام مأموریت یاری می‌دادند، عبارت بودند از: تیم‌های شناسایی، بازجویی اسرا، پناهندگان، عوامل برون مرزی، عکس‌های هوایی، ترجمهٔ اسناد و مدارک و اطلاعات عملیات. گزارش نوبه‌ای ۲۴ ساعته و گزارش‌های ویژه ۴۸ ساعته تهیه می‌کرد که برای فرماندهی منطقه، مسئول اطلاعات منطقه، مسئول عملیات منطقه، فرماندهی مرکز و اطلاعات عملیات مرکز ارسال می‌شد. گزارش‌های ۴۸ ساعته به محورها ارسال می‌شد. برگه‌های خبر طبقه‌بندی شده و ترجمه اسناد و مدارک بدست آمده و موارد فوریتی بنا به ضرورت، بین ارتش و سپاه تبادل می‌شد. روزهای دوشنبهٔ هر هفته جلسه مسئولان اطلاعات و محورها در «گلف» به سرپرستی شهید حسن باقری به طور مستمر تشکیل می‌شد.

همچنین جلسات تبادل اطلاعات ماهانه با رکن دو لشگرهای مستقر در جنوب برقرار بود. نقش تعیین کننده و بارز شهید حسن باقری در تأسیس اطلاعات عملیات و سایر فعالیتها در فرماندهی ستاد عملیات جنوب، مطلبی مهم و اساسی بود.

طرح و برنامه‌های عملیات

این قسمت فاقد مکان و تشکیلاتی مستقل از فرماندهی ستاد عملیات جنوب بود؛ در واقع فرماندهی، تمامی فعالیت‌های ستادی و ایجاد هماهنگی با محورها را خود به عهده داشت. امور طرح و برنامه‌های ستاد عملیات جنوب را تا قبل از تشکیل قرارگاه‌های کربلا و خاتم‌الانبیاء آقای رحیم صفوی به همراه آقای غلامعلی رشید و شهید حسن باقری به عهده داشتند. در جلسات هفتگی که روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد، فرماندهان محورها ضمن ارائه گزارش وضعیت جبهه، طرح‌های پیشنهادی را جهت آفند و پدافند مطرح می‌کردند. همین جمع پر برکت، بعدها فرماندهی قرارگاه‌های لشکرهای رزمندگان اسلام را بر عهده گرفتند.

اعزام نیرو

مسألهٔ اعزام نیرو به جبهه‌ها، موضوعی بود که سپاه از ابتدای کار با آن مواجه بود. برای پذیرش،

سازماندهی و اعزام نیروهایی که از سراسر کشور به جبههٔ اهواز می‌آمدند، اعزام نیرو در پایگاه منتظران شهادت (گلف) شکل گرفت و با توجه به تغییراتی که در طول سال‌های اولیهٔ جنگ در کار آن پدید آمد، خدماتی ارایه می‌شد. از قبیل:

- پذیرش نیروهای اعزامی با توجه به ضوابطی که تعیین شده بود.

- فراهم کردن مقدمات اعزام برادران به جبهه و اسکان در اردوگاه‌هایی که عموماً در اهواز به این کار اختصاص داشتند. توجیه نیروها و فرماندهان آنان. سازماندهی، تجهیز و جبران تمرین آموزش‌ها به وسیلهٔ هماهنگی و معرفی به تدارکات و آموزش مستقر در گلف. تدارکات داخلی و آموزش گلف به ستاد سپاه خوزستان و منطقهٔ ۸ وابسته بودند. ترتیب اعزام این نیروها به محور مربوطه بنا به تشخیص و دستور فرماندهی ستاد عملیات جنوب و با همکاری ترابری سبک و سنگین گلف انجام می‌شد.

- اعزام نیروی گلف با تشکیل و ارتباط با اعزام نیروی محورها (پذیرش نیرو) تا فرا رسیدن زمان مناسب و امکان آرایش نیرو در محورها آنها را در اردوگاه‌هایی که در اهواز به این کار اختصاص داشت، اسکان می‌داد.

- در اردوگاه «دوکوهه» به جهت نزدیکی به منطقهٔ عملیات فتح‌المبین، قبل از آن عملیات پذیرای نیروهایی بود که به تازگی در قالب سازمانی تیپ به منطقه می‌آمدند. به ویژه تیپ محمد رسول‌الله(ص).

- انجام امور مربوط به پشت جبهه، از قبیل پاسخ به تلفن‌های مربوط به رزمندگان، تهیهٔ آمار هفتگی از محورها در فرم‌های تهیه شده و اطلاع از نیاز محورها به نیرو. پرداخت هزینهٔ سفر، صدور برگ تردد جبهه، صدور برگ پایان مأموریت انفرادی یا گروهی و انجام امور پرسنلی. ارائه و خدمات حقوقی به نیروهای سازمانها و نهادهای دولتی، قبل از فعال شدن پرسنلی رزمی در اواخر سال ۱۳۶۱.

- صدور احکام مأموریت و تقسیم نیروهای خدماتی، فنی، تبلیغاتی، روحانی و... که بیشتر به صورت انفرادی و یا در گروههای کوچک عازم جبهه می‌شدند (تا یک سال و اندی پس از جنگ) - درخواست نیرو با تعیین مشخصات مورد نظر از تهران و سایر مناطق.

- تأمین درخواست‌های متنوع واحدهای مختلف خدماتی و تخصصی پشت جبهه بنا به تقاضا و اقداماتی از این قبیل که به لحاظ نیاز و ضرورت انجام می‌شد.

بعضی از واحدهای دیگر ستادی مانند تدارکات، آموزش و روابط عمومی جهت انجام امور خودشان که به نحوی در ارتباط با نیروهای عازم به جبهه بود، دفتری در «گلف» داشتند که با بررسی

اجمالی از آنها می‌گذریم:

تدارکات

امور مربوط به تدارک جبهه‌ها از طریق واحد تدارکات جبهه و محور مربوطه انجام می‌گرفت. در یکسال و اندی پس از جنگ، دفتر تدارکات در گلف اقدام به تجهیز نیروها و در بعضی موارد تسلیح آنها و پس از پایان مأموریت تسویه حساب با آنها می‌کرد. ترابری سبک و سنگین برای ارایه خدمات به محورهای جنگی و رزمندگان، زیر نظر تدارکات منطقه استقرار داشت.

آموزش

در ماه‌های ابتدایی دفاع مقدس، با توجه به شرایط و نبود سازمان، نیروهای اعزامی نیاز به آموزش‌های تکمیلی داشتند. انواع سلاح‌ها مانند موشک دراگون. تاو. آر. پی. جی. تفنگ ۱۰۶ و انواع خمپاره‌ها در «گلف» توسط مربیان به صورت فشرده آموزش داده می‌شد.

تشکیل سازمان رزم

با سپری شدن ماه‌های اولیه جنگ و فعال شدن سازمان رزم سپاه، «گلف» جوابگوی اسکان و پذیرایی نیروهای مشتاق نبود. از این رو با اسکان نیروها در اردوگاه‌ها، مربیان آموزش نیز به طور غیر مرتب و بدون سازماندهی مشخصی با آموزشهای تخصصی دیگری از جمله مخابرات و تاکتیک و رزم شبانه، اوقات فراغت نیروها را پر می‌کردند و بر آمادگی آنها برای اعزام می‌افزودند. قسمت‌های دیگری در «گلف» فعال بودند. نظیر روابط عمومی، مدیریت داخلی، انتظامات و پدافند که باکمترین امکانات و پرسنل به نوبهٔ خود منشاء خدماتی بود. نباید فراموش کرد که «گلف» تنها یک پایگاه یا ستاد عملیاتی نبود، نقش گلف در جنوب، ارتقای سازمان سپاه، تشکیل سازمان رزم، پرورش و رشد فرماندهان در کلیه زمینه‌ها، طرح ریزی و فرماندهی عملیات مهم و سرنوشت ساز و... عجین شده بود.

مهندسی رزمی

در ماه‌های اولیه دفاع مقدس، دفتر فنی مستقر در «گلف» به فعالیت‌های عمرانی و مهندسی می‌پرداخت. در محورها عموماً خدمات فنی و عمرانی به صورت خودجوش و با استفاده از امکانات محلی و تدارکات منطقه ۸ و استانداری خوزستان در قالب کارهای تدارکاتی و خدماتی کم و بیش

انجام می‌گرفت. با آغاز شکست حصر آبادان، فرماندهی ستاد عملیات جنوب با دعوت و سازماندهی تعدادی از نیروهای داخلی «گلف» و از جمله مدیر داخلی دفتر طرح و برنامه عملیات و دفتر فنی و پیگیری شهید باقری و پشتیبانی سپاه منطقه ۸، گامهای اولیه را در جهت تأسیس و تقویت مهندسی برداشت.

قبل از عملیات «طریق القدس» و ادغام ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران، امکانات و مکانهایی در اختیار آن ستاد به مهندسی ستاد عملیات جنوب واگذار شد. در عملیات فتح‌المبین، مهندسی رزمی جان تازه‌ای گرفت و قبل از شروع عملیات بیت‌المقدس در «دارخوین» در جلسه‌ای که شهید باقری حضور داشت، آقای رحیم صفوی و شهید صیاد شیرازی از راه رسیدند. صحبت از تقویت مهندسی رزمی سپاه و برآوردها شد و اینکه برای هر کیلومتر خاکریز سه لودر و یک بلدوزر در سازمان نیاز دارد. بعد از این جلسه، مهندسی رزمی بنیان گذارده شد. برادران شهید مظفر آقا خورده، علی پشتنانی و صالح شریعتی از مؤسسین و اولین شهدای این واحد بودند. احداث خاکریز، ساخت و تعبیه سنگرهای بتون آرمه، زاغه مهمات، جاده سازی، ارتباط خطوط مقدم با پشت جبهه، پل سازی، جمع آوری و ایجاد میدان مین و امور تخریب از جمله وظایف و حیطه فعالیت مهندسی رزمی ستاد عملیات جنوب بود.

مخابرات

مخابرات «گلف» وظیفه برقراری سیستم ارتباطی در محورهای عملیاتی (بین جبهه‌ها و محورها و بالعکس) و نیز محورهای عملیاتی و ستاد عملیات جنوب را از طرفی و از طرف دیگر ایجاد ارتباط ستاد عملیات جنوب با تهران را برعهده داشت. یک دستگاه بی سیم یک کیلوواتی، ارتباط اهواز با تهران و یک دستگاه ۳۰۰ واتی ارتباط اهواز (ستاد عملیات جنوب) با محورها را میسر می‌ساخت. دستگاه دوم استان‌های خوزستان و لرستان را تحت پوشش داشت. علاوه بر آن مواقعی که حمله‌ای در پیش بود، وظیفه برقراری سیستم ارتباطی بین فرماندهی ستاد عملیات جنوب با خطوط مقدم را مخابرات بر عهده داشت و با کمک فرماندهی، طرح برقراری سیستم ارتباطی و نوع و تعداد بی سیم‌ها تعیین می‌شد. این قسمت به دو بخش کلی «بی سیم» و «باسیم» تفکیک شده بود و بخش باسیم آن به رزمندگان و فرماندهان مستقر در گلف، خدماتی ارائه می‌داد. این قسمت که با امکانات و پرسنل سپاه خوزستان و سپس منطقه ۸ اداره می‌شد با تلاش شبانه‌روزی خود در سالهای ابتدای جنگ تحمیلی و



سلسله عملیات پیروزمندانه، در جهت اجرای مأموریت خود موفق بود و شهیدانی تقدیم انقلاب اسلامی کرد.

پایگاه منتظران شهادت یادگاری از سال‌های پرشور دفاع مقدس است که خاطرات بسیاری از دلیر مردانی را در خود دارد که جان خود را در دفاع از میهن اسلامی بر طبق اخلاص نهادند. اکنون گلف در اهواز به عنوان یکی از مراکز مهم حفظ ارزش‌های دفاع مقدس محسوب می‌شود و اتاق‌های آن که روزی مرکز صدور فرمان آغاز عملیات‌ها بود، به همان صورت نگه داشته شده است. اتاق فرماندهی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوا و فرمانده عالی جنگ، هنگام حضور در صحنه جنگ در آن مستقر می‌شد، به همان سبک و سیاق حفظ گردیده است.



نامه‌ای به فرزند رزمنده

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

نور چشم و فرزند بسیار عزیز و دلبندم مهدی

در گذشته این مضمون فوق را خطاب به فرزندان دیگر نوشته‌ام، ولی هیچ وقت مثل این بار معنا و مفهوم آن در قلبم و مغزم، تأیید و تصدیق دریافت نکرده بود. چند دقیقه بیشتر از تلفن تو و آقای رحمانی محافظ با وفایمان، که از مرکز لشکر سیدالشهداء به خانه زدید، نگذشته است. گفتید که اکنون عازم خط مقدم هستید، برای نبرد علیه صدامیان متجاوز و گفتی آموزش خوب دیده‌ای؛ ۱۵ روز تمرین. صدایت مردانه و محکم بود و نشانی از دلهره و تشویش در آن ندیدم.

نمی‌دانم صدای من در گوش تو چگونه بود؟ تصدیق می‌کنم دلیری و گُردی شما جوانان را. ولی اعتراف دارم که صدای من، نباید مثل صدای تو، پر و پیمان باشد، چون حالم کمی عوض شده بود. البته نه به خاطر نگرانی از شهادت یا آسیب دیدن تو، بلکه به خاطر هیجان ناشی از داشتن فرزندی شجاع و فداکار که در اولین روزهای درک سن مجاز شرکت در جنگ ـ ۱۷ سالگی ـ خانه و مدرسه

و رفاه و مقامات را به سوی میدان جهاد، پشت سر گذاشت و لحن و صدایش، خبر از انتخاب آگاهانه و نه احساس جوانی می‌داد.

منتظر تلفن شما هم بودم. پریشب در قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، طرح حمله را که فرمانده نیروی زمینی سپاه آورده بود، تصویب کردم و مطلع شدم لشکری که شما عضو داوطلب آن هستید، مسئولیت شکستن خط و تصرف نقاط حساسی را دارد. و مایل هم بودم مقداری بیشتر با تو حرف بزنم، ولی نخواستم خط تلفن را که لابد رزمندگان دیگر هم می‌خواهند از آن برای خداحافظی با بستگانشان استفاده کنند، در اشغال داشته باشیم. از تند صحبت کردن شماها هم فهمیدم که شما هم مایل نیستید، تلفن معطل شود.

فقط پرسیدم: آموزش خوب دیده‌ای؟ و تو گفتی: بله. گفتم: خوب بجنگ. پرسیدم کاری اینجا نداری؟ گفتی: نه. راست هم می‌گویی. تو جوان آزاد و بدون وابستگی و مسئولیت‌های شغلی و زندگی، چکاری داشته باشی. کمی پشیمانم که چرا این سئوال را از آقای رحمانی نکردم که همسر و فرزندانش را گذاشته و به جبهه رفته، گرچه خودش عجله کرد و زودی تلفن را به دست تو داد.

مشغول نوشتن تقریظی بر کتاب ارزشمند "صحیفه خون" بودم. این کتاب شرح حال و حاوی وصایای شهدای دانش‌آموز و فرهنگی استان یزد است. مدیر کل آموزش و پرورش یزد از من خواسته که چند کلمه‌ای برای چاپ‌های بعدی آن بنویسم. دو جلد آن چاپ شده و زندگینامه ۱۳۳ نفر از شهدا را آورده است. حال و حواس من در فضای پر نور شهادت و ایثار فرهنگیان بود که صدای تلفن از آن فضای ملکوتی بیرونم کشید، ولی فضای جدید هم دست کمی از آن نداشت و شاید برای شخص من لطافت بیشتری داشت. آخر تو هم دانش آموزی و دانش‌آموز بسیار خوب که معدل کارنامه تحصیلی‌ات همه ساله نزدیک به بیست بوده و مورد رضایت مدرسه و معلمانت است و می‌دانم که در این نبرد همسنگران دیگری از دانش‌آموزان و فرهنگیان داری. شاید در بقیه آن تقریظ اسم تو را هم بیاورم و شاید هم نیاورم، از ترس ابتلاء به ریا، کار را نیمه تمام گذاشتم.

به حیاط خانه آمدم و کمی قدم زدم. دیدم دلم می‌خواهد برای تو نامه بنویسم. شاید هم این اولین و آخرین نامه به تو باشد. اینجا نشستم و مشغول نوشتن شدم و نمی‌دانم که این نامه به دست تو می‌رسد یا نه؟ چون زمان حمله نزدیک است، ولی احتمال شهادت کم است. باشد اگر به فیض شهادت رسیدی، این نامه در زندگینامه‌ات صفحاتی را اشغال می‌کند و نام من هم در سایه نام شهیدی در تاریخ می‌ماند؛ وصف حال پدری است که خودش فرمانده جنگ است و در حین اعزام فرزندش به میدان جنگ به درد تاریخ هم می‌خورد. و اگر از میدان برگشتی، نامه را می‌خوانی. البته دعا می‌کنم که همه

همه رزمندگان اسلام سالم و فاتح برگردند و با ضعفی که در دشمن سراغ دارم و روحیه‌ای که در رزمندگان ایثارگر خودمان هست، امید پیروزی بسیار زیاد است. تنهایی و فراغت مجالم داد که به عقب برگردم و گذشته‌ات را با عجله و سرعت مرور کنم. چیزهای زیادی در خاطرم رژه رفتند.

یادم آمد که مادرت عفت، در سفر زیارت عتبات عالیات در حرم مقدس امام حسین(ع) از خداوند فرزند صالحی خواسته بود و پس از آنکه تو به دنیا آمدی، دعایش را مستجاب می‌دانست و خوابی هم گویا در همین رابطه دیده بود و اکنون می‌بینم، افتخار شرکت در راهیان کربلا را داری. برای نامگذاریت، دو سه روزی با هم حرف می‌زدیم، عموزاده آقای هاشمیان امام جمعه فعلی رفسنجان اطلاع داد که خواب دیده است که باید اسمت را "مهدی" بگذاریم. خوشحال شدیم چه هدایتی از این بهتر که نصیبت شد و ان‌شاءالله خودت یا با خونت، هدایت‌گر هم خواهی شد. راهت ادامه دارد.

در دوران کودکی، تیزهوشی ات مایه اعجاب من بود. مکرر اتفاق افتاد که در خیابان‌های تهران در حال رانندگی، من سرگردان می‌شدم و تو در سنین سه ـ چهار سالگی راه را نشان می‌دادی و این صحنه، در سفر اروپا هم چند بار پیش آمد. البته آن وقت بزرگتر بودی. و یک بار تحت تأثیر هوشت گفتم ابوعلی سینا می‌شود و این اسم در خانه برایت مانده.

از کودکی به خاطر وضع زندگی من و درگیریم با رژیم طاغوت، همیشه در معرض خطر بودی، و سال‌ها فقط من را در پشت میله‌های زندان ملاقات می‌کردی، ولی ندیدم که احساس وحشت و دلزدگی و واماندگی داشته باشی و حتی درس خود را به خوبی می‌خواندی، البته این شرایط زندگی هم در هدایت تو مؤثر بوده و اثرات آن سازنده است.

از آن روزی که به دوران تمیز رسیدی، با همسالان خود مخصوصاً در بین فامیل تفاوت فاحشی داشتی. درون گرا، اهل مطالعه و تحقیق و دنبال کتب سودمند. و بیشتر در کتابخانه بودی. قبل از اینکه به حیاط خانه بیایم، سری به اتاقت زدم. آزمایشگاه کوچکت با ابزار ساده‌اش و دو قفسه کتابخانه‌ات و میز مطالعه‌ات و تخت خواب محقّرت را با فضای کوچک اتاق و موکت کهنه‌اش و باقیمانده لباس‌های کهنه و چروک و وضع بهم‌ریخته، اتاقت را که از ویژگی‌های محصّلان بی‌رغبت به دنیا و علاقه‌مند به تحصیل است، از نظر گذراندم و به جای اینکه ناراحت شوم از جای خالی‌ات احساس رضایت کردم. چه در جای دیگری که جای مردان بزرگ و انسان‌های والامقام است، حضور داری؛ جبهه.

همان جا یادم آمد که چند ماه پیش هنگامی که منظره اعزام دانشجویان به جبهه را با هم از تلویزیون می‌دیدیم، از من پرسیدی که آیا نیازی که انقلاب به نیروهای تحصیل کرده مسلمان و متعهد دارد، درست است که اینها به جبهه بروند؟ و من جواب دادم: اگر درست نیست چرا خودت که شاگرد

موفقی هستی، می‌خواهی بروی؟ و تو با تواضع گفتی: من مثل اینها نیستم. و سپس توضیح دادم اینها همه که شهید نمی‌شوند. تعداد کمی ممکن است شهید بشوند. مثلاً دو درصد. و علاوه خون‌های آنها که شهید می‌شوند و نامشان و یادشان و آثارشان در اصلاح جامعه و محیط دانشگاه‌ها، تأثیر زیادی دارند. و آنها که برمی‌گردند، به خاطر اعتلای روحی که در جبهه کسب می‌کنند، خیلی مفیدتر از جبهه نرفته‌ها خواهند بود. و در مجموع محصول جهاد و فداکاری، برکات بیشتری برای جامعه و آینده انقلاب و اسلام و خود دانشگاه‌ها دارد و علاوه بر اینها، جهاد امروز واجب کفایی است و تا نیاز کامل جبهه‌ها برآورده نشود، همه تکلیف دارند. به نظرم رسید قانع شدی و حالا می‌فهمم خودت هم می‌دانستی و نمی‌دانم که چرا پرسیدی. شاید برای قانع کردن اطرافیان مطرح کردی.

نکتهٔ جالب دیگری که در این رابطه دارم، صبر و تحمل مادرت و برادران و خواهرانت است. مادر شماها که در شرایط عادی، ساعتی دوری مبهم شماها را تحمل نمی‌کند و احتمال خطر و رنج شماها او را از پا می‌اندازد، در اینجا تحمل و صبر جمیلی ارائه داده. تو را مثل پاسداران محافظ که به جبهه می‌روند، بدرقه کرد و مثل آنها برایت صدقه داد و اگر آشوب خاطری دارد، در دل نهان کرده و صبورانه برخورد می‌کند و حال بقیه اعضای خانواده هم کاملاً طبیعی است و گویا همگی می‌فهمند، زیبندهٔ نظام اسلامی همین است که فرزند رئیس مجلس و فرمانده جنگ و نماینده امام و سخنگوی شورای عالی دفاع، مثل سایر فرزندان انقلاب، بی نام و نشان همراه سایر داوطلبان جان برکف در جبهه‌ها باشد. من هم از این بابت خیلی راضی و سربلندم و از خدا می‌خواهم تو را که باعث این سربلندی مسئولان جمهوری اسلامی شدی، مشمول عنایات خاصّش قرار دهد. لابد می‌دانی که فرزند [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس جمهور هم قبل از تو در چند حمله شرکت داشته و فرزند آیت‌اللّه منتظری هم در جبهه مجروح شده و نقص عضو پیدا کرده و فرزندان بسیاری از وزراء و وکلاء و شخصیت‌های درجه اول و دوم کشور منجمله [آیت‌الله موسوی اردبیلی] رئیس شورای عالی قضایی هم‌اکنون در جبهه‌اند و یا بوده‌اند و خبر آن موقعی پخش می‌شود که به فیض شهادت برسند. و اگر مسئولان کشور چنین نبودند، توده ملّت ما اینگونه مقاوم و فداکار و شهادت طلب نبودند و همین است که ملّت ما به تنهایی، قدرت مقاومت در مقابل قدرت‌های جهنمی شرق و غرب و ارتجاع و صهیونیسم پیدا کرده و این پیروزی‌های عظیم را در تاریخ ثبت کرده. و تا این روحیه‌ها باقی باشد و فساد و توجّه به مادیّات و شهوات در سردمداران کشور نفوذ نکند، عظمت انقلاب روزافزون است و راه انقلاب اسلامی از همین مسیر مقدس و با ایثار و فداکاری هموار شده و خواهد شد.

ما مایل به بروز جنگ بین دو کشور ایران و عراق نبودیم. [جنگ] بر ما تحمیل شد و بعث عراق

جنگ را شروع کرد و بخشی از خاک ما را تصرّف کرد و خرابی‌های زیادی به بار آورد و قصد نابودی انقلاب اسلامی‌مان و یا تجزیه کشورمان را داشتند. با همهٔ اینها حال که جنگ ناخواسته پیش آمده، ما با الهام از معارف قرآن کریم، ضمن تحمل مشکلات و خرابی‌های جنگ، می‌توانیم از مواهب و آثار مثبت جهاد برای سازندگی مردم در جهاد و برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی استفاده کنیم. کُتِبَ عَلَیکُم اِلقِتال وَ هُوَ کره لَکُم وَ عَسی اَن... هُو شَیئاً وَ هُوَ خَیرٌ لَکُم....

هنوز دلم می‌خواهد بنویسم و با تو حرف بزنم و حرف هم برای گفتن زیاد است، ولی غروب رسید و کارهای مجلس را آوردند. خداحافظ. **اکبر هاشمی**

ساعت ۷ بعد از ظهر پنج‌شنبه
۶۵/۶/۶

لشکر حضرت سیدالشهداء - گردان علی اصغر -
وسیلهٔ فرمانده گردان - آقای مهدی هاشمی



نامه‌ای به مادر شهید

خواهر بزرگوار و سعادتمندم طیبه خانم هاشمی

به شما و همسر داغدارتان آقای محمد شریفیان و حاجیه والده عزیزتان و همه بستگان، سلام می‌فرستم و برای سعادت همگی دعا می‌کنم. ضمن اینکه از فقدان مهدی عزیز، خالی از تأثر نیستم و از لحاظ عاطفی، دلم برای اندوهی که طبعاً خواهید داشت، اندوهگین است. اما عمیقاً از سعادتی که نصیب خود او، شما و پدرش و سایر بستگان شده، راضیم و از اینکه می‌بینم خواهر بزرگترم، لیاقت افتخار عظیم «مادر شهید بودن» داشته خرسندم.

چند ماه پیش که در تهران شما و پدرش، خبر آمادگی و اشتیاق مهدی را برای جهاد پس از شرکت در صف شکن عملیات والفجر یک در گروه غواصان پیشتاز و شهادت طلب را دادید و دیدم از این وضع خیلی راضی و مهیج هستید، خیلی خوشحال شدم و همان روز هم در دفتر خاطراتم آن را نوشتم و به عنوان سندی برای تحول روحی جامعه و مادران و جوانان ثبت کردم، مخصوصاً که همان روز

خبر مجروح شدنش را در جبهه شنیده بودید و آرامش روحی قابل تحسینی داشتید و بقیه اعضای خانواده هم با شما هماهنگ بودند و بیشتر از همه مادر سالخورده و ضعیف‌مان، از اینکه خداوند به او اینگونه فرزندانی عطا کرده، شاکر و شادمان بود.

اینها همه برای من خیلی زیبا بود. از اینکه می‌دیدم، بستگان نزدیک من، به جای اینکه به فکر ناروای استفاده از موقعیت فامیلی خود در جهت منافع مادی باشند، مثل بسیاری از مردم مستضعف مسلمان کشور، راه جهاد و فداکاری و خدمت به اسلام و انقلاب را ترجیح داده‌اند، عمیقاً خوشحال و خدای را بر این نعمت سپاسگزار شدم.

چه شیرین است زندگی در جامعه‌ای که نزدیکان مسئولان تراز اول کشور، گمنام در کنار سربازان دیگر در سنگرهای جهاد شرکت کنند و در غم و شادی و رنج و رفاه با دیگران همراه و همساز باشند. همین حال و برداشت را هم در روزهایی که مهدی، فرزند خودم در یکی از خطرناک‌ترین خطوط جبهه در عملیات کربلای ۲ شرکت داشت و هر لحظه احتمال شهادتش می‌رفت، داشتم. هنوز جزئیات و کیفیت شهادت مهدی عزیزت را نمی‌دانم و نخواستم از فرمانده محترم لشکرش آقای قاسم سلیمانی که پریروز در اهواز این خبر را به من داد، بیش از آنکه درباره سایر شهدا می‌پرسم، سئوالی درباره مهدی بکنم، در محیط خانه از بچه‌ها شنیده‌ام که از پسرخاله مجاهد و ایثارگرش عباس هاشمیان که با مهدی در یک سنگر در عملیات کربلای ۴ بوده‌اند و او هم به سختی مجروح شده و در همان بیمارستان است، نقل می‌کند گلوله‌ای در سنگرشان فرود آمده و منفجر شده و بعضی‌ها را از همان جا به بهشت شهدا و به بزم گرم صالحان فرستاده، روی بال ملائکه خدا. و شهید مهدی جزو آنها است و بعضی‌ها را هم به بیمارستانی که عباس عزیز در میان آنها است، چه مرگ شیرینی، اگر بشود اسم آن را مرگ گذاشت.

حالا خودم را مغبون می‌بینم که در حیات مهدی او را کم دیدم. برادران بزرگترش حسین و علی را بیشتر از او می‌دیدم، دو سه ماه پیش، یک بار او را اینجا دیدم. بعد از آن تاریخی که شما از شهادت‌طلبی و قهرمانی‌اش گفته بودید، در نظرم خیلی عمیق و وزین جلوه کرد. حرف کم می‌زد، خجول و فکور و آرام و متین بود. بیشتر از شرایط و نیازهای جبهه گفت و کمتر از مسائل دیگر، وقت زیادی نداشتم که بیشتر با او صحبت کنم.

وقتی که می‌رفت به فکرم رسید که ممکن است او را دیگر نبینم. احتمال اینکه او به زودی به ملاء اعلاء و به ملاقات خدا برود و من مثل گذشته در همین دنیای خودمان و با همین اشتغالات روزانه‌ای که زیاد هم بود، لحظه‌ای خواستم با این برداشت، خداحافظی و از او قول شفاعت بگیرم، ولی منصرف

شدم و با خودم گفتم درست نیست، قبل از موعد مسأله احتمال شهادت با رزمنده جوان مطرح شود. بهرحال در فامیل ما از همه جلو افتاد و خداوند او را از همه لایق‌تر دید و دعوتش کرد و برداشت و بردش. البته قبل از او فرزند بزرگوار ملکه، پرواز کرده که با این حساب ملکه و فرزندش، شهید کاظم داودی را باید جلودار به حساب بیاوریم. با اینکه می‌دانم شما و پدرش و دیگران صبر جمیل و اجر جزیل الهی را به دست خواهید آورد ولی باز هم تأکید و توصیه می‌کنم.

انتظار این است که شما در میان خانواده‌های شهدا از نمونه‌های بارز صبر و رضا و تسلیم باشید و روح مهدی عزیزت را با صبر و رضایت، شاد و راضی نگهداری. با اسناد قطعی معارف اسلامی، شهید زنده است و با بازماندگان رابطه دارد و همیشه ناظر حال و اعمال بستگان است و اگر آنها را در راه خودش ببیند، خوشحال است. او از راهی که رفته و آن همه نعمت و عظمت را به دست آورده، خیلی راضی است و مایل است پدر و مادر و برادران و خواهران و سایر بستگان خود را هم در راه خودش ببیند و سعادتش موقعی کامل است که دوستانش را با خودش داشته باشد. قرآن چنین به ما می‌گوید: "وَ لَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتًا بَلْ أَحْيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُواْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ"[1].

همیشه در خاطرم خواهد ماند که مهمترین خواست شما در سال گذشته این بود که بتوانی در مورد جبهه رفتن مهدی، صابر و شاکر باشید و اکنون خدای را شاکر باش. آنچه برای ما می‌ماند، رضایت خداست و مادیات ماندنی نیست.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۶۵/۱۰/۱۵

---

۱ ـ سوره آل عمران آیات ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱

تهاجم به ارتفاعات دربندیخان

۶۵/۱/۱۶

ارتش عراق در تاریخ ۶۵/۱/۱۶ در سه محور «یال بیاروک» «بردکان» و «شاخ شمیران»، با مسئولیت سپاه یکم و به کارگیری ۱۰ گردان پیاده که گردان‌های کماندوئی منطقه خود بودند، درگیری را آغاز کرد.

دریال بیاروک، دشمن با استفاده از آتش تهیه و نیز دور زدن نیروها، توانست مناطقی را به تصرف خود درآورد. پس از آن نیروهای خودی دست به پاتک زدند که در نتیجه آن قسمتی از مناطق تصرف شده آزاد و چند تن از نیروهای عراقی، از جمله یک افسر، به اسارت درآمدند.

در محور شاخ شمیران، نظر به اینکه نیروهای اندک در مواضع وجود داشتند، لذا دشمن پس از مدتی مقاومت که صورت گرفت، توانست ارتفاع مزبور را به تصرف خود در آورد.

نحوهٔ مانور دشمن در محورهای یاد شده بدین شکل بود که با استفاده از تک رخنه‌ای در طی روز اول توانست در جناحین خطوط پدافندی خودی نفوذ کرده، اقدام به گسترش خود در این مناطق بنماید و جا پای مناسبی را بدست آورد. بعد از آن با حضوری که بر روی یال بیاروک قله بردکان و شاخ شمیران داشت، از دو سو به محور شاخ شمیران و بر ددکان فشار آورد و این محور را اشغال کرد و بدین وسیله توانست جاده تدارکاتی خود را به خطوط اول جدید متصل نموده، نیز خط پدافندی جدیدی را در امتداد بردکان به تنگه گرگمل ایجاد کند.

همچنین تک دشمن به «پشت قلعه» و تصرف آنجا موجب شد ارتباط «کی بره» و «شاخ سورمر» قطع شود و بعد از آن، با فشاری که توسط دشمن از سمت ساحل دریاچه در بندیخان وارد شد و نیز دور خوردن جناح چپ، ارتفاع «شاخ سورمر» به تصرف دشمن درآمد.

دشمن در این تهاجم تلفات سنگینی را متحمل شد، به طوری که ۸۰ درصد از گردان‌های «الکفایه» و «فلسطین» که جمعاً شامل حدود ۷۰۰ نفر می‌شد، منهدم گردید.

تهاجم به ارتفاعات سومار (۶۵/۱/۲۲)

وجود رشته ارتفاعات نسبتاً مرتفع «گسیکه» و «کهنه ریک» در منطقه سومار و مندلی، از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود؛ بدین معنی که نزدیک‌ترین راه به بغداد محسوب می‌شد ضمن اینکه تسلط بر ارتفاعات مزبور، منجر به اشراف کامل بر شهر مندلی عراق می‌شد.

به همین جهت در تاریخ ۶۵/۱/۲۲ در حالی که باران به شدت می‌بارید، دشمن تک خود را در محور کهنه ریک از سمت تپه‌های اسماعیل خان آغاز کرد.

بارانی بودن هوا امکان تک دشمن را نامحتمل می‌نمود، لیکن بر خلاف انتظار، دشمن تلاش خود را آغاز کرد، در ابتدا مبادرت به قطع ارتباط تپه ۳۳۵ با دیگر تپه‌ها نمود و سپس تپه ۳۴۶ و ۳۴۵ را به تصرف خود درآورد.

در ساعت ۲۲/۴۰ دقیقه همان روز دشمن با ریختن آتش بر روی جبل کهنه ریک، از محل استقرار اورژانس نیروهای خودی تا رودخانه کنگیر، توانست قلعه جوق را تصرف کند. به دنبال وضعیت یاد شده، نیروهای سپاه پاسداران جهت ممانعت از پیشروی بیشتر دشمن، در تاریخ ۶۵/۱/۲۳، به منطقه اعزام شد و طی اتخاذ تصمیمی در قرارگاه مشترک با نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آماده تهاجم شدند. در نتیجه در تاریخ ۶۵/۱/۲۵ نیروهای خودی با نیروهای دشمن که به استعداد یک گروگان کماندو و یک گروهان پیاده از گردان ۱ تیپ ۶۰۶ بودند، رویارو شدند.

با اجرای آتش مناسب و فعالیت چشمگیر تیر بارها، تک دشمن متوقف و تلفاتی بر آنها وارد شد. دشمن بر اثر این حرکت مجبور شد سه تپه‌ای را که در محور کهنه ریک تصرف کرده بود و نیز ارتفاع ۴۰۲ را تخلیه و عقب نشینی نماید.

مجموعاً دشمن طی ۴ روز درگیری در این محور توانست تپه‌های اسماعیل خان، تپه اورژانس و یال قلعه جوق به سمت میان تنگ و پاسگاه دوله شریف را به تصرف خود درآورد؛ لیکن به دلیل

مقاومت نیروهای خودی، از ادامه تک باز ماند و از تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریک ناامید شد.

تک دشمن به محور گیسکه

دشمن پس از ناکامی در محور کهنه ریک، در تاریخ ۶۵/۱/۲۶، به دنبال اجرای آتش بر روی رودخانه گیسکه، تهاجم را با استعداد ۲ گردان و یک گروهان از گردان ۳ از تیپ ۴۶ مکانیزه، آغاز کرد.

صبح همان روز تعدادی از نیروهای خودی جهت مقاومت در مقابل دشمن، که هنوز کاملاً بر روی ارتفاعات تسلط نیافته بود، حرکت کردند، لیکن علیرغم رشادت‌هایی که نشان داده شد، امکان پاکسازی کامل دشمن فراهم نیامد. منطقه سومار تحت مسئولیت سپاه دوم عراق بوده و در تهاجم دشمن مجموعاً نزدیک به ۱۵ گردان پیاده - مکانیزه به کار گرفته شد.

تهاجم به ارتفاعات منطقه لولان (۶۵/۲/۵)

سپاه پنجم عراق در تاریخ ۶۵/۲/۳ در منطقه سیدکان طی چند مرحله و با بکارگیری ۵ گردان پیاده و مشارکت نیروهای ضدانقلاب، پس از انجام تک سنگین بر روی ارتفاعات لولان، در ۱۵ کیلومتری خاک عراق توانست این منطقه را به تصرف خود در آورد.

تهاجم به منطقه فکه پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه (۶۵/۲/۱۰)

دشمن مدتها - حتی قبل از انجام عملیات والفجر ۸ - به تقویت سراسری منطقه در محورهای فکه، شرهانی و زبیدات مبادرت می‌ورزید. از جمله اقدامات دشمن افزایش موضع توپخانه، تجمع بیش از حد نیرو و تانک و همچنین ورود یگان‌های جدید بود.

چنین به نظر می‌رسید که تحرکات دشمن در منطقه فکه، اجرای طرح فریب برای محور شرهانی است تا بدین وسیله بتواند جبال حمرین را که در عملیات محرم به تصرف نیروهای خودی درآمد، دور زده، آنجا را اشغال نماید. چنانکه فرمانده سپاه چهارم عراق، طی جلسه‌ای با فرماندهان لشکرها در قرارگاه لشکر ۱ در فکه، تصرف جبال حمرین را به عنوان دستور کار سپاه چهارم ابلاغ کرده بود.

نظر به اینکه جبال حمرین در خط الرأس جغرافیایی قراردارد، تسلط بر روی آن دید و تیر مناسبی را فراهم می‌سازد. بر این اساس چنانچه دشمن بر روی آن استقرار می‌یافت، می‌توانست منطقه عین‌خوش تا دهلران را زیر دید و تیر مستقیم خود قرار دهد، در حالی که اکنون نیروهای خودی با

استقرار بر روی آن، بر قسمتی از خاک عراق اشراف و تسلط کامل داشته‌اند، علاوه بر این وجود یک حوزه نفتی بر روی ارتفاعات و نیز مرز مشترک ایران و عراق بر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه می‌افزاید.

بر این اساس ارتفاعات جبال حمرین مورد نظر ارتش عراق بود. از این رو نیروهای عراقی - طی تلاش هایی که انجام دادند - در نظر داشتند ارتفاعات چم سری و چم هندی را بگیرند؛ به این صورت که هفت تیپ در مرحلهٔ اول، تا چم سری را تأمین کنند و سپس لشکر ۱۰ عبور کرده بر روی ارتفاعات جبال حمرین مستقر گردد.

بدین ترتیب در تاریخ ۶۵/۲/۱۰ پس از یک روز سکوت رادیویی (بی سیم) دشمن، نیروهای عراقی، به استعداد ۲ لشکر پیاده مکانیزه و زرهی با پشتیبانی آتش توپخانه در محور فکه، تعرض خود را به مواضع پدافندی نیروهای خودی آغاز کرد.

بدنبال این حمله، یکی از یگان‌های ورزیده سپاه در مدتی کوتاه پس از کسب اطلاع از وضعیت موجود، در بعد از ظهر ۶۵/۲/۱۰ - به منظور مقابله با تهاجم دشمن - عازم منطقه شدند.

تدبیر تهاجم به دشمن بر این اساس بود که قبل از جاگیر شدن نیروهای عراقی، حمله صورت گیرد. بدین قرار نیروهای یگان یاد شده در ۶ محور سازماندهی شده، با هدف بازپس‌گیری خط مقدم، به دشمن حمله‌ور شدند و بلافاصله توانستند در مواضع نیروهای عراقی رخنه کنند.

از آنجاکه غافلگیری رعایت شده بود و سرعت عمل نیز با آن همراه گردید، مواجهه با حرکت یاد شده برای دشمن غیرمنتظره تلقی می‌شد.

کثرت نیروهای دشمن در منطقه عملیاتی چشمگیر بود، به طوری که نیروها باکمبود مهمات مواجه شده، در ادامه کار از مهمات غنیمتی دشمن بر علیه خودشان استفاده می‌کردند. پس از عملیات، از منابع مختلف و اسرا کسب اطلاع شد که در منطقه فوق، مجموعاً ۶ تیپ از نیروهای دشمن مستقر بوده، که ۳ تیپ آن نیروهای مستقر در خط بوده‌اند. در همان شب ۳ تیپ دیگر به منظور تعویض خط وارد منطقه شده بودند. در این فاصله نیروهای خودی به دشمن مجال نداده، تنها با استعداد یک تیپ به مصاف ۶ تیپ آنها می‌روند.

تا حوالی صبح اکثر گردان‌ها توانستند خود را به خاکریزهای دشمن برسانند، لیکن به دلیل تجمع بیش از اندازه نیروهای دشمن، الحاق جناحین در تمامی محورها صورت نگرفت و بدین ترتیب در حوالی ۴ صبح، قبل از روشن شدن هوا، نیروها جهت سازماندهی مجدد از ادامه تک و استقرار در مواضع تصرف شده خودداری کردند.

در این تهاجم مجموعاً بیش از ۷۶ تانک و ۱۰۰ دستگاه نفربر و ۱۲ دستگاه خودرو و ۱۵۵ قبضه خمپاره و تیربار دشمن منهدم شده، تعدادکثیری از نیروهای عراقی کشته و زخمی شدند.

تعرض عراق به بجلیه

بر اساس دریافت و استنباطی که نسبت به ادامه تک دشمن در منطقه عمومی فکه وجود داشت، چنین تدبیر شد که ۲ یگان از نیروهای سپاه، به عنوان احتیاط و تقویت نیروهای پدافند کنندهٔ ارتش، در منطقه حضور داشته باشند.

دشمن یک روز پس از تک اصلی خود در (۶۵/۲/۱۸)، به وسیله یک تیپ زرهی در محور فکه تظاهر به تک نمود و سپس در تاریخ ۶۵/۲/۱۹ تک اصلی خود را در بجلیه آغاز کرد.

در مقابل تهاجم دشمن، مقاومت‌هایی به صورت جسته و گریخته از سوی نیروهای مستقر در خط صورت گرفت، تا اینکه ۲ یگان احتیاط منطقه جهت سد کردن راه تهاجم دشمن و در هم کوبیدن آن، از دو محور از طریق پل چم هندی و چم سری وارد منطقه شدند.

علیرغم محدودیت زمان و وضعیت خاصی که بر منطقه و نیروها حاکم شده بود، یگان‌های مزبور به دشمن زده، در مجموع آنها را بیش از ۲ کیلومتر عقب راندند و ضمن دور زدن دشمن از رودخانه دویرج، موفق به الحاق شده، بدین‌وسیله از پیشروی آنها ممانعت به عمل آوردند.

از طریق اطلاعات واصله و اظهارات اسرا، معلوم شد که پیش آمدن وضعیت فوق و مقاومت نیروهای خودی و در نتیجه، عقب راندن دشمن نامحتمل تلقی می‌شده است.

در هر حال، دشمن پس از این واقعه، نیروهای مختلفی را وارد منطقه کرد تا شاید با تقویت آنها اهداف مورد نظر خود را تأمین نماید؛ لیکن با آسیب پذیری آنها، عملاً مجبور به تعویض و انتقالشان به عقب جبهه می‌شد. چنانکه در این میان یگان‌های زیر، به منظور بازسازی از منطقه خارج شدند:

- تیپ‌های ۵۱، ۶۰، ۸۰۵، ۴۳۷، ۹۵
- تیپ ۱ گارد جمهوری و تیپ ۲ حطین و تیپ ۴ ویژه و لشکر ۱۰ و لشکر ۱ و تیپ ۹۱ و ۶۲ پیاده.
- در مجموع ۱۱ تیپ و ۲ لشکر پیاده، مکانیزه، زرهی در طول ۱۰ روز اول عملیات به منطقه آمدند و با نیروهای خودی درگیر شدند.

طبق آنچه که بعدها از اظهارات اسرا و شواهد و قرائن موجود به دست آمد، دشمن قصد داشته است ضمن گرفتن جناح از نیروهای خودی در محور فکه، عملیات اصلی خود را در محور بجلیه

شروع کرده، با تصرف پل‌های چم‌سری و چم‌هندی ادامه تک داده، ضمن تصرف سه راهی شرهانی از طریق جاده نهر عنبر، سلسله جبال حمرین را دور زده، در نهایت به رودخانه میمه جناح دهد.

با این حساب، کلیه ارتفاعات مشرف به منطقه را از قبیل ۲۹۰ و ۴۰۰ و ۱۷۵ ـ که تماماً بر جاده آسفالت مهران، دهلران دید دارند ـ تصرف می‌کرد و تقریباً ۲ لشکر از نیروی زمینی ارتش در محاصره قرار می‌گرفتند. در نتیجه کل منطقه‌ای که طی عملیات محرم آزاد شد، مجدداً در اختیار دشمن قرار می‌گرفت.

تهاجم به ارتفاعات حاج عمران (۶۵/۲/۲۴)

منطقه حاج عمران، واقع در خاک عراق و شمال پیرانشهر است و از نظر نظامی، دشمن استحکامات قابل توجهی را بر روی آن ایجاد کرده بود. لیکن علیرغم وضعیت یادشده، طی انجام عملیات والفجر ۲، پادگان حاج‌عمران و ارتفاعات کدو، گرده‌مند و گرده‌کو به تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اهمیت منطقه، دشمن در چارچوب تدبیر جدید خود، با ابتکار عمل در به‌کارگیری عشایر ضد انقلاب، تلاش جدید را برای بازپس‌گیری منطقه سازماندهی نمود.

مدتی قبل از تعرض دشمن به حاج‌عمران، شواهد و قراین گوناگونی دال بر تقویت نیرو نمایان بود؛ چنانکه از ۱۰ روز قبل، ۸۰ فروند هلی‌کوپتر دشمن در فرودگاه دیانا مستقر شده و ۱۰۰ قبضه توپ، علاوه بر توپ‌های موجود در منطقه، به منطقه وارد شد. همچنین اخبار بدست آمده حاکی از حضور بیش از ۴ تا ۸ هزار جاش (مزدور) در منطقه بود.

بدین قرار قطعی به نظر می‌رسید که عراق پس از منطقه لولان، در منطقه حاج‌عمران عملیاتی را سامان بخشد. بدین منظور، با ورود چند یگان از سپاه به منطقه، اقدامات پیشگیرانه صورت گرفت.

دشمن از نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه مورخ ۶۵/۲/۲۴ پس از اجرای آتش تهیه سنگینی بر روی ارتفاعات شهید صدر، تپه شهداء، ۲۵۱۹، کدو و سرسول، تک خود را شروع کرد. استقامت واحدهای پدافند کننده نیروی زمینی ارتش و یگان‌های تقویت کننده سپاهی در این منطقه چشمگیر بود؛ به طوری که در ساعات اولیه درگیری موفق شدند رخنه دشمن بر ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر راکنترل کرده، به ترمیم آن بپردازند.

جهت حرکت اصلی دشمن در این محور ایجاد رخنه در محور چپ و تسلط بر ارتفاعات کدو و سرسول بود و عملیات از طریق شیار «انه» طراحی شده بود.

علیرغم اینکه دشمن از هلی‌برد به منظور انتقال نیرو و پشتیبانی بهره می‌جست، لیکن مقاومت‌هایی

که انجام می‌گرفت مانع از پیشروی آنها و دست یافتن بر اهداف از قبل تعیین شده بود. در واقع، دشمن نیروهای خود را به دست خود وارد دهلیز مرگ کرده بود. وضعیت خاص زمین منطقه و فقدان جاده تدارکاتی بر روی ارتفاعات شهید صدر و ۲۵۱۹، دشمن را بر این داشت که بهره‌گیری بیشتر از هلی‌کوپتر بنماید. به دنبال آن، تا ۷ صبح روز اول عملیات، آمار هلی‌کوپترهای ساقط شده دشمن به ۶ فروند رسید و تا ساعت ۱۵ همان روز به ۸ فروند و در روز پنج‌شنبه ۶۵/۲/۲۵ مجموعاً به ۹ فروند، افزایش یافت.

دو روز پس از تهاجم دشمن، در تاریخ ۶۵/۲/۲۶، از سوی نیروهای خودی طی یک سازماندهی تعجیلی و هماهنگی با برادران ارتشی به دنبال آن، منطقه مزبور از وجود نیروهای عراقی پاکسازی شد.

در تاریخ ۶۵/۲/۲۸ نیز مجدداً از سوی نیروهای خودی تلاش جدیدی بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ به عمل آمد، بدین صورت که عملیات از دو محور آغاز شد و با پیش روی قابل توجه نیرو از سمت چپ و راست توأم بود. چنان که در محور چپ ۴۰ نفر و از محور راست ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. تلفات وارده بر دشمن نیز قابل توجه بود. علاوه بر این فرمانده تیپ ۴۳۳ پیاده از لشکر ۲۳ عراق بنام سرهنگ عبدالرزاق به هلاکت رسید و این امر نقش به سزائی در به اسارت درآمدن نیروهای دشمن داشت.

دشمن پس از چند روز مجدداً در تاریخ ۶۵/۳/۱، طی تلاشی، موفق به ایجاد رخنه بر روی تپه شهداء شد؛ لیکن نیروهای سپاه و ارتش به طور مشترک بعد از ۹ روز مقاومت و تلاش موفق شدند نیروهای عراقی را پس زده، تپه شهداء را به طور کامل پاکسازی نمایند.

در تاریخ ۶۵/۳/۲ از سوی نیروهای خودی مانوری به منظور آزادسازی ارتفاع شهید صدر (۲۴۳۵) طراحی شد و به دنبال آن، در ساعت ۲ بامداد روز جمعه، عملیات آغاز شد. یک ساعت و نیم پس از آغاز تک، تمامی مواضع دشمن سقوط کرد و بدین ترتیب، ارتفاع شهید صدر آزاد گردید. در این عملیات ۸۰۰ تن از قوای دشمن کشته و زخمی شدند و ۳۴ نفر به اسارت درآمدند. که در میان آنها ۸ نفر درجه دار و افسر مشاهده می‌شد.

تهاجم به مهران (۶۵/۲/۲۷)

سپاه دوم عراق در منطقه مهران وارد عمل شد. عراق برای این منطقه سرمایه‌گذاری نسبتاً سنگینی کرد؛ بدین معنا که لشکر ۱۷ با ۳ تیپ زرهی به همراه حدود ۵ تیپ پیاده و از چند محور وارد عمل شدند.

عراق با بکارگیری ۲۶ گردان مختلط توانست پس از اجرای آتش تهیه سنگین هجوم خود را با تصرف ارتفاعات ۳۰۷، تپه رحمان و پاسگاه آبزیان آغاز کند و سپس موفق به قطع جاده دهلران - مهران شد و بدین وسیله شهر را در کنترل خود گرفت.

پس از اشغال شهر مهران، رادیو عراق طی قرائت اطلاعیه‌ای به توضیح و تشریح علت تغییر سیاست ارتش عراق از پدافند به آفند و پدافند از مناطق حساس پرداخته، اظهار می‌دارد:

"ایران از عقب نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی و سیاست پدافندی سوءاستفاده کرده است. تصرف فاو توسط ایران به دنیا نشان داد که ایران دنبال کشورگشایی است. اکنون سپاه‌های مختلف عراق عملیات دارند و این در حالی است که تنها سپاه هفتم جلوی ایران را گرفته است"!

عراق اقدام به تصرف مهران نمود که ایران فکر نکند ما ضعیف هستیم! ما اعلام می‌کنیم در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم، در صورتی که:

۱ - عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین‌المللی و عدم دخالت در مسایل داخلی یکدیگر صورت می‌گیرد.

۲ - عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی عراق از مهران خواهد بود والا شهر مهران را در اشغال خود نگه می‌داریم".

در ضمن دشمن در شب ۶۵/۲/۲۷ طی نمایش فیلمی در تلویزیون بغداد، صحنه‌هایی را نشان می‌دهد. که در آن شهر مهران در اشغال سربازان عراقی است و تعدادی از آنها در حالی که پرچم این کشور را در دست دارند، شادی کنان می‌دوند و بربالای پشت بام رفته، پرچم‌ها را تکان داده، دستها را به علامت پیروزی بلند می‌کنند.

همچنین دشمن، غنایم مختصری راکه به دست آورده بود و نیز تعدادی قلیل از اسرا را به اشکال مختلف (سواره، پیاده، ستونی) و بیش از ۲۰ بار به نمایش گذارد. دشمن مجموعاً در طول این مدت (اتخاذ استراتژی دفاع متحرک)، دهها هزار نفر کشته و زخمی و اسیر داد و نیز چندین فروند هواپیما، ۲۷ فروند هلی‌کوپتر و ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دست داد.

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که نیروهای خودی، هم در یک عملیات تاکتیکی و هم در رویارویی با استراتژی کلی دشمن مبنی بر پدافند متمرکز، موفق بودند و عملاً دشمن را زمین‌گیر کردند به‌گونه‌ای که ادامه تک از سوی دشمن، به لحاظ تلفات وارده و نیز امکان از دست دادن توان لازم جهت رویارویی با والفجر ۱۰ و یا هرگونه تحرک در فاو و سایر مناطق عملیاتی، متوقف گردید و مجدداً نیروهای عراقی، ناتوان‌تر و مأیوس‌تر از گذشته، در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

عملیات کربلای یک

(آزادسازی شهر مهران)

پس از اشغال مهران برخی شواهد نشان دهنده این بود که دشمن از حملات زمینی خود دست برنداشته و همچنان در محورهایی خود را آماده تک می‌نماید و احتمال داده می‌شد، در صورتی که نیروهای خودی به دشمن مجال بدهند، قصر شیرین و سپس سومار نیز مانند مهران به تصرف عراق در خواهد آمد.

در این صورت علاوه بر اینکه برخی نقاط استراتژیک و شهرهای مرزی را از دست می‌دادیم، در روحیه نیروهای خودی اثر سوء می‌گذاشت و برای کشور نیز تبعات سیاسی نامناسبی داشت. همین ضرورت‌های سیاسی و نظامی برای اجرای عملیات بود که حتی امام خمینی(ره) مکرراً دربارهٔ مهران سئوال می‌کردند، به طوری که دوبار به مسئولان جنگ فرمودند: "پس مهران چه شد؟"

اهداف عملیات

باز پس‌گیری شهر مهران و سلسله ارتفاعات قلاویزان و دستیابی به مرز و تأمین کل منطقه.

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی از جنوب به ارتفاعات قلاویزان، از شمال به ارتفاعات نمه کلان کوچک، از غرب به

امتداد غربی ارتفاعات قلاویزان و پاسگاه مرزی بهرام آباد و از شرق به جاده مهران - دهلران محدود می‌شد.

پس از اشغال مهران، دشمن استحکامات و موانع متعددی در این منطقه ایجاد کرد. در محور شمالی (جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی) موانع دشمن، دارای هفت ردیف مین همراه با کانال و بیش از پنج ردیف سیم خاردار رشته‌ای بود. در محور میانی، حدفاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران - مهران، به دلیل کوهستانی بودن منطقه، استحکامات نسبتاً ضعیف بود. دشمن در محور جنوبی (ارتفاعات قلاویزان) نیز سنگرهای کمین و در بعضی شیارها یک ردیف سیم خاردار و مین ایجاد کرد.

اقدامات عملی برای اجرای عملیات

شناسایی

عناصر اطلاعات عملیات قرارگاه نجف با هماهنگی واحد اطلاعات یگان‌های عمل کننده، کار شناسایی را در سرتاسر خطوط دشمن آغاز نمودند. اطلاعات به دست آمده نشان می‌داد که در مجموع خطوط دشمن در ۳ محور: محور شمالی (جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی)، محور وسط (حدفاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران - مهران) و در محور جنوبی (مجموعه ارتفاعات قلاویزان) از سه نوع مختلف استحکامات و موانع برخوردار است. در محور شمالی به دلیل استحکامات قوی و موانع متعدد، ادامه شناسایی متوقف گردید. دو محور واحدهای شناسایی، اطلاعات نسبتاً خوبی از خطوط دشمن به دست آوردند و شناسایی از اوضاع عمق نیروهای دشمن را نیز عناصر دیده بانی انجام دادند.

حفاظت، فریب و غافلگیری

پس از تصرف مهران به دست دشمن، سپاه دوم نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موسوم به قرارگاه نجف اشرف وارد منطقه شد و اقدامات عملی به منظور متوقف کردن قوای دشمن و برنامه ریزی برای آزادسازی مهران را شروع کرد.

پس از متوقف کردن پیشروی عراقی‌ها در ۳ تا ۵ کیلومتری جاده کمربندی مهران، نیروی زمینی سپاه برای پر کردن فاصله خط خود با دشمن و آماده کردن زمینه اجرای عملیات، به قرارگاه نجف اشرف و یگان‌های تابعه ابلاغ کرد تا خاکریز خط مقدم خود را به طرف دشمن نزدیک کنند.

در مورخ ۱۳۶۵/۳/۱۵ با پیگیری‌های آقای رحیم صفوی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه

اولین اقدام مؤثر برای احداث خاکریز نیروهای خودی بدون هیچ گونه درگیری با نیروهای عراق، به وسیله لشکرهای ۲۵، ۲۷ و ۴۱ سپاه انجام شد. احداث خاکریز مزبور به طور پراکنده و نامنظم در شب‌های متوالی ادامه یافت، به طوری که بعضی از خاکریزها تا پشت سنگر کمین دشمن رسیده بود.[۱]

طرح احداث خاکریز که تا شب‌های قبل از عملیات به طول انجامید، یکی از عوامل فریب دشمن بود. عامل دیگری که باعث فریب دشمن شد، مسأله عکس العمل نیروهای خودی در برابر تحرکات و جا به جایی‌های دشمن در محورهای مختلف بود، به طوری که در زمان احتمال آمادگی دشمن برای اجرای تک، نیروهای خودی به منظور تقویت آن مناطق و فریب دشمن، ترددها و مکالمات کاذبی انجام دادند. از جمله مناطقی که در این باره با تأکید بسیار کار شد، محورهای فاو، سومار و قصرشیرین بود.

پس از آماده شدن زمینه اجرای عملیات در مهران، به نیروهای خودی در محورهای یاد شده تأکید گردید که با چراغ روشن به طرف خطوط مقدم ستون کشی کنند و مکالمات بی سیمی را افزایش دهند. این طرح فریب نتیجه مناسبی داد که از جمله دلایل آن بمباران پادگان ابوذر در سر پل ذهاب و شادگان بود.

البته تا قبل از عملیات به دلیل وضعیت خاص زمین و دشمن، تصورات گوناگونی درباره امکان رعایت حفاظت در این منطقه وجود داشت که دلیل اصلی آن تسلط دشمن بر ارتفاعات سرکوب منطقه و در دید قرار داشتن عقبه‌های خودی بود. از سوی دیگر به طور محسوسی اخبار مربوط به عملیات در مهران پراکنده شده بود و به دلیل ضعف حفاظت، احتمال فاش شدن تک خودی زیاد بود. اما این وضعیت به دلیل وجود زمینه‌های غافلگیری و انجام طرح‌های فریب و مسدود بودن برخی کانال‌های اطلاعاتی، ضایعه‌ای برای عملیات ایجاد نکرد.

طراحی عملیات

مباحث و سیر طرح مانور

شاید بتوان گفت مانور عملیات کربلای یک با توجه به محدودیت زمان در طراحی و تصمیم‌گیری و وضعیت خاص منطقه در طول جنگ، از بهترین و موفق‌ترین مانورها بوده است.

---

۱ - در یک مورد نیز لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) به قدری خاکریز را به دشمن نزدیک کرده بود که با روشن شدن هوا نیروهای خودی ۱۱ تن از نیروهای سنگر کمین دشمن را در یک درگیری کوتاه به اسارت درآوردند.

پس از ساعت‌ها بحث و گفت وگو درباره طرح مانور و راه کارهای حمله به مواضع دشمن، سرانجام دو محور برای عملیات در نظر گرفته شد: ۱ - جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی ۲ - جاده دهلران - مهران و ارتفاعات قلاویزان به طرف شهر و غرب قلاویزان.

اجرای این طرح عملیات به بیش از ۳۰ گردان نیروی رزمی نیاز داشت، اما این توان آماده نبود. از سوی دیگر به تعویق انداختن عملیات، ضایعات دیگری در پی داشت، لذا طرح مانور بر اساس ۳۰ گردان مورد توجه فرماندهان سپاه قرار گرفت. مدتی بعد در سمینار فرماندهان نظامی سپاه در کرمانشاه، مانور عملیات بار دیگر بررسی شد و فرمانده سپاه درباره تعجیل در اجرای عملیات گفت: امام تأکید دارند قضیه مهران به سرعت حل شود.

در نهایت مقرر شد به دلیل کمبود نیرو و وجود استحکامات دشمن، محور باغ کشاورزی حذف و از محور قلاویزان و یال‌های آن تا رودخانه گاوی تلاش قوی‌تری انجام شود. سه مرحله برای تحقق اهداف عملیات در نظر گرفته شد: مرحله اول، تأمین ارتفاعات قلاویزان تا روستای امام زاده سید حسن به عنوان مهم‌ترین فلش حمله که مورد تأکید فرماندهی کل بود. مرحله دوم، تأمین انتهای جبل حمرین تا شیار میگ سوخته و در امتداد آن تأمین روستای بهین بهروزان و هرمز آباد، مرحله سوم تصرف خاکریز والفجر ۳ که از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلاویزان امتداد داشت.

سازمان رزم

نیروی زمینی سپاه به عنوان فرماندهی عملیات در منطقه حضور داشت و قرارگاه نجف با شش لشکر، سه تیپ و یک گردان مستقل زرهی، مأمور به آزادسازی شهر مهران بود.

یگان‌های قرارگاه نجف عبارت بودند از:

لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) ۷ گردان پیاده ۱ گردان زرهی و ۱ گردان ادوات

لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) ۳ گردان پیاده، ۱ گردان زرهی و ۱ گردان ادوات

لشکر ۴۱ ثارالله (ع) ٦ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

لشکر ۲۵ کربلا ۴ گردان پیاده ۱ گردان زرهی و ۱ گردان ادوات

لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) ۳ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

لشکر ۵ نصر ۳ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

تیپ ۲۱ امام رضا(ع) ۴ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

تیپ ۱۵ امام حسن (ع) ۲ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

تیپ ٦٦٢ بیت‌المقدس ۲ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

تیپ ٦٦٢ بیت المقدس ۲ گردان پیاده و ۱ گردان ادوات

گردان مستقل ۳۸ زرهی ذوالفقار

در مجموع سپاه با ۳۴ گردان پیاده، ۹ گردان ادوات و ۴ گردان زرهی، عملیات کربلای یک را آغاز کرد.

پشتیبانی آتش این عملیات را گروه ٦۳ توپخانه خاتم و گردان ادوات قرارگاه نجف از نیروی زمینی سپاه و ۳ گردان توپخانه از نیروی زمینی ارتش به عهده داشتند. تیپ ۴۵ مهندسی جوادالائمه (ع) و لشکر مهندسی ۴۳ امام علی(ع) و جهاد ستاد نجف (که واحدهای مهندسی جهاد تهران، فارس و.... را تحت امر داشت) نیز تلاش‌های مهندسی را عهده‌دار بودند. همچنین نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با تعهد روزی ۱۰ سورتی پرواز به منظور بمباران مواضع دشمن و هوانیروز ارتش با ۲ تیم آتش و تخلیه مجروح، پشتیبانی هوایی عملیات را به عهده داشتند. علاوه بر این، تیپ ۴ لشکر ۲۱ حمزه که در خط پدافندی باغ کشاورزی مستقر بود، موظف به اجرای آتش مستقیم و تظاهر به تک شد.

وضعیت دشمن

عراق پس از تصرف مهران، یگان‌های بیشتری در منطقه مستقر کرد. شهر مهران و اطراف آن تحت مسئولیت لشکر ۱۷ زرهی از سپاه دوم عراق بود که با تیپ‌های ۴۴۳، ۷۰۵، ۴۲۵ پیاده از آن دفاع می‌کرد. علاوه بر این، تیپ‌های ۷۰ زرهی، ۵۹ مختلف و ۵۰۱ پیاده در احتیاط نزدیک و تیپ ۱ کماندویی کمی عقب‌تر در احتیاط قرار داشتند. در مجموع، دشمن تا قبل از عملیات کربلای یک دارای ۴۲ گردان پیاده و ٦ گردان زرهی در این منطقه بود.

شرح عملیات

۲۴ ساعت قبل از شروع عملیات ۲ گردان از لشکر علی بن ابی طالب (ع) برای دور زدن ارتفاعات قلاویزان حرکت کردند. هم زمان با حرکت این نیروها، طوفان نسبتاً شدیدی همراه با گردوغبار، سطح منطقه عملیات و عقبه‌های خودی را پوشاند و دقیقاً این وضعیت در زمانی بود که یگان‌های خودی مشغول انتقال نیرو و امکانات به منطقه بودند.

از غروب روز دوشنبه ۱۳۶۵/۴/۹ نیروها از خط خودی به طرف دشمن حرکت کردند، حدود یک ساعت مانده به زمان شروع عملیات، نیروهای دشمن که به دلیل تردد روزانه رزمندگان حساس شده بودند، به طور گسترده‌ای اقدام به پرتاب گلوله‌های منور و شلیک سراسری تیربار نمودند. در این وضعیت نیروهای خودی که در حال نزدیک شدن به دشمن و بعضاً در حال باز کردن معابر بودند، تصور کردند عملیات لو رفته و دشمن هوشیار شده است. قرارگاه نجف را سکوت فرا گرفت اما ساعتی بعد (قبل از شروع عملیات) مشخص گردید که آتش دشمن تنها به دلیل احساسی کاذب بوده است، نه اطلاع از عملیات رزمندگان. سرانجام حدود ساعت ۲۲/۳۰ دوشنبه ۱۳۶۵/۴/۹ عملیات با رمز "یا ابوالفضل العباس ادرکنی" آغاز شد.

با اعلام رمز عملیات، رزمندگان به قوای دشمن حمله کردند و در بیشتر محورها خطوط دشمن را شکستند و به داخل مواضع آنها نفوذ کردند، اما در محور لشکر ۲۵ کربلا در ارتفاعات قلاویزان به دلیل وجود جاده‌ای در ارتفاعات و استحکامات و موانع بسیار که موجب تسلط دشمن بر این جاده شده بود، پیشروی با کندی رو به رو شد، طوری که فرمانده گردان خط شکن لشکر ۲۵ کربلا اعلام کرد امکان پیشروی در این محور وجود ندارد، اما پس از یک ساعت درگیری و حرکت خودروها، دستگاه‌های مهندسی و ادوات زرهی به صورت ستونی با چراغ روشن به طرف خط، نیروهای دشمن متزلزل شدند و بدون مقاومت قابل توجه، عقب نشینی کردند که در پی آن نیروهای پیاده به پیشروی ادامه دادند.

از سوی دیگر، هم زمان با شروع عملیات، تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه ارتش با نیروهایی از تیپ ۱۱۴ امیرالمؤمنین (ع) سپاه در محور باغ کشاورزی تظاهر به تک کردند و با اجرای آتش توپخانه و تیر مستقیم، دشمن را به خود مشغول نمودند.

در محور لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع) نیز نیروها در حالی به بالای ارتفاعات رسیدند و به دشمن مسلط شدند که دشمن متوجه حرکت آنها نشده بود و این یگان هم زمان با سایر محورها درگیری را آغاز کرد. حمله رزمندگان لشکر ۱۷ به قدری برای نیروهای عراقی غافلگیر کننده بود که بسیاری از آنها برای فرار از محاصره، خود را به پایین ارتفاعات می‌انداختند و بعضاً به طرف خط خودی فرار نمودند.

در مجموع با توجه به وضعیت دشمن هنگام شکسته شدن خط و نفوذ سریع نیروهای خودی در مواضع آنها، به نظر می‌رسید دشمن غافلگیر شده بود.

تلاش نیروهای لشکر ۲۵ کربلا با توجه به مانور احاطه‌ای که روی جاده واقع بر ارتفاعات انجام

دادند، تلفات بسیار سنگینی بر دشمن وارد کرد و آنها تا صبح توانستند به اهداف مورد نظر دست یابند و یک قرارگاه فرماندهی تیپ دشمن را تصرف نمایند.

لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) پس از دور زدن ارتفاعات قلاویزان، با توجه به موفقیت لشکر ۲۵ کربلا، یک گردان نیروی دیگر را وارد عمل کرد، این یگان تا صبح محدوده مأموریت خود را تصرف و پاکسازی کرد و تعداد بسیاری از افراد دشمن را اسیر نمود. لشکر ۴۱ ثارالله ضمن تأمین اهداف از پیش تعیین شده خود به طرف ارتفاعات حمرین حرکت کرد و در کنار لشکر ۲۵ کربلا قرار گرفت. لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) ضمن وارد کردن ۴ گردان نیرو، پس از شکستن خط، روستای امام زاده سید حسن را پاکسازی کرد و تپه مهم ۱۷۷ را تصرف نمود. لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) هم زمان با سایر یگان‌ها پس از شکستن خط و پاکسازی آن، در کنار لشکر ۲۷ مستقر گردید.

در مجموع یگان‌های عمل کننده تا قبل از روشنایی صبح، اهداف مرحله اول عملیات را کاملاً تصرف کردند و با روشن شدن هوا تا یک سوم از محدوده مرحله دوم عملیات را نیز تأمین نمودند.

هر چند ارتش عراق در روز اول عملیات با وارد کردن یگان‌های احتیاط با قوای خودی درگیر شد، لیکن در این روز هیچ حرکت اساسی و حساب شده‌ای اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه مشاهده نشد و این وضعیت برای عموم فرماندهان عملیات غیرمنتظره بود. مسئول واحد شنود قرارگاه نجف به فرمانده کل سپاه، در این باره گفت:

"به کار نگرفتن نیروی هوایی در ۲۴ ساعت گذشته و وارد نکردن نیروهای احتیاط در عین حال که لشکر ۶ و لشکر گارد به طور طبیعی قرار بوده وارد منطقه شوند، مشکوک به نظر می‌رسد. شاید دشمن در مناطق دیگر قصد تک به مواضع نیروهای خودی را دارد. به هر حال ما با تأکیدات شما به نیروهایمان در فاو اعلام آماده باش داده‌ایم و گفته‌ایم وضعیت دشمن را بررسی نمایند".

از سوی دیگر، بنا به درخواست قرارگاه از نیروی هوایی ارتش، یک هواپیمای جنگندهٔ خودی مواضع دشمن را بمباران کرد، لیکن هنگام برگشت هدف یک موشک دشمن قرار گرفت و در جنوب منطقه عملیاتی مهران، در خاک عراق سقوط کرد. همچنین یک هلی‌کوپتر کبری که در حال اجرای مأموریت در این منطقه عملیاتی بود، بر اثر اصابت گلوله سقوط کرد که خلبانان آن مجروح شدند و به عقب منتقل گردیدند.

در ادامه عملیات مقر تیپ‌های ۴۴۳ و ۷۰۵ پیاده - که فرمانده یکی از این دو تیپ در کنار خودروی خود کشته شده بود - تصرف شد. این وضعیت حاکی از این بود که قبل از اینکه رزمندگان با

نیروهای عمده این دو تیپ درگیر شوند، قرارگاه فرماندهی تیپ‌ها را منهدم کرده‌اند، لذا عمده قوای این دو تیپ با یک حالت گیجی ضمن جنگ و گریز عقب نشینی کردند.

در مجموع در شب اول عملیات ۸۰ درصد از ۱۰ گردان نیروهای پیاده دشمن که در محدوده منطقه مرحله اول عملیات حضور داشتند، منهدم شدند.

البته با شروع عملیات، تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم عراق از بدره حرکت کرد و در ساعت ۵ صبح به منطقه وارد و در ساعت ۶ صبح با نیروهای خودی درگیر شد که در نتیجه هر ۳ گردان منهدم گردید. علاوه بر این، صبح هنگام، نیروهای احتیاط دشمن در محور امام زاده سید حسن دست به پاتک زدند که با مقابله لشکر ۲۷ مواجه شدند و با ورود هلی کوپترهای هوانیروز به صحنه نبرد و انهدام چندین دستگاه تانک عراقی، این پاتک خنثی گردید.

یگان‌ها با هماهنگی یکدیگر، عملیات را در تمام محورها با قدرت و سرعت و بدون وقفه در طول روز اول ادامه دادند. قرارگاه فرماندهی عملیات تقریباً در موضع انفعال قرار گرفته بود، چرا که دشمن از هم گسیخته شده و یگان‌ها از موقعیت استفاده کرده، بدون توقف به پیشروی ادامه دادند و سپس به قرارگاه پیشنهاد نمودند که عملیات در روز ادامه پیدا کند. از این به بعد یگان‌ها ابتدا پیشروی می‌نمودند و هدف را تصرف می‌کردند و سپس قرارگاه را در جریان وضعیت قرار می‌دادند. به طور مثال پس از اینکه نیروها تا شیار «میگ سوخته» پیشروی کردند، خبر آن را به قرارگاه دادند[1]. به این ترتیب بود که اهداف مرحله دوم عملیات تا پایان روز اول تأمین گردید.

در شب دوم، اجرای مرحله سوم عملیات آغاز شد. در این شب لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) به استراحت پرداخت و تیپ ۲۱ امام رضا (ع) با ۳ گردان نیرو در محور لشکر ۱۰ عملیات را شروع کرد و پس از پاکسازی هرمزآباد تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کرد. لشکر ۴۱ ثارالله نیز همراه با لشکر ۲۵ کربلا از شیار میگ سوخته (بعد از جبل حمرین در امتداد مرز) عبور کردند و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) روستای بهین بهروزان را پاکسازی نمود.

در نهایت کلیه یگان‌های عمل کننده ضمن پیشروی در باقی مانده محدوده مرحله دوم عملیات، تا قبل از روشنایی صبح خط سراسری از هرمزآباد تا شیار میگ سوخته و مقداری از محدوده مرحله

---

۱ ـ به علت سرعت عمل نیروها، پیشرفت عملیات عملاً از دست فرماندهان رده بالا خارج شده بود و با وجود اینکه هدایت عملیات به عهده قرارگاه بود، بعضی اوقات فرماندهان قرارگاه تنها نظاره‌گر پیشرفت عملیات بودند. فرمانده قرارگاه نجف در این باره گفت: "عملیات از دست ما خارج شده است و همه چیز دست خداست" محسن رضایی نیز گفت "بله امام فرمودند، فرمانده کل قوا خداست، الان واقعاً همین طور است."

سوم عملیات را تأمین کردند.

در شب دوم خبرهای مختلفی از عقب نشینی دشمن در محورهای باغ کشاورزی و تپه‌های غلامی و پاسگاه دراجی می‌رسید که قرارگاه با ناباوری با این خبر برخورد می‌کرد. صبح روز عملیات مشخص شد که اکثر نیروهای دشمن در محورهای فوق عقب نشینی کرده‌اند و سرعت عقب نشینی چنان بوده که بسیاری از وسایل زرهی آنها از روی جاده آسفالت به پایین افتاده و واژگون شده است.

آزادسازی شهر مهران (۱۳۶۵/۴/۱۱)

با روشن شدن هوا، در روز دوم نیروها با روحیه‌ای تهاجمی ضمن تقویت خود به سمت دشمن حرکت کردند. در محور باغ کشاورزی، دشمن سازمان رزم خود را از دست داده و در حال عقب نشینی بود. در این محور نیروهای اطلاعات قرارگاه نجف به سرعت به بازکردن معابر مین مشغول شدند. سپس با کمک تعدادی از نیروهای ارتش با سوار شدن بر نفربر، بدون درگیری مهمی وارد باغ کشاورزی شدند و از نیروهای پراکنده دشمن حدود ۱۰۰ اسیر گرفتند.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) نیز از طریق روستای هرمزآباد از پشت به طرف باغ کشاورزی حرکت کرد و ضمن جنگ و گریز با نیروهای در حال فرار دشمن، بسیاری از آنها را به اسارت درآورد.

علاوه بر این، تیپ ۲۱ امام رضا (ع) که در شب گذشته تا پشت دیوارهای شهر مهران پیشروی کرده بود، با روشن شدن هوا از ۲ محور شهر را دور زد و به طرف روستای فرخ‌آباد و روستای رستم آباد رفت و ضمن پاکسازی و تصرف آنهادر غرب مهران الحاق نمود. سپس اقدام به احداث خاکریز کرد و شهر مهران بدون هیچ گونه درگیری به محاصره نیروهای خودی درآمد.

نیروهای تیپ امام رضا (ع) نزدیک ظهر از چند محور وارد شهر شدند و دشمن که قبلاً عمده قوای خود را از شهر تخلیه کرده بود[1] با ورود نیروهای خودی ضمن جنگ مختصری تسلیم شد و شهر مهران تا غروب همین روز کاملاً پاکسازی گردید. همچنین نیروهای عراقی از محورهای باغ کشاورزی و تپه‌های غلامی و پاسگاه دراجی کاملاً عقب نشینی کردند و این مناطق هم زمان با مهران به تصرف نیروهای خودی درآمد.

---

۱ - دشمن در تخلیه شهر هیچ گونه امکانات وتجهیزاتی حتی سلاح سبک بر جای نگذاشته بود. در سنگرهایی که به نظر می‌رسید مقر فرماندهی دشمن بوده ۳ جسد عراقی به صورت دست بسته مشاهده گردید. به نظر می‌رسد این ۳ تن در جریان عملیات نیروهای خودی تخلف کرده‌اند و سپس به دست فرماندهانشان تیرباران شده بودند.

در محور لشکر ۴۱ ثارالله نیروهای خودی هنگام پیشروی به سمت ارتفاعات قلاویزان عراق، نیروهای دشمن را در چند نقطه دور زده و محاصره کردند[1]. از سوی دیگر مرکز شنود اعلام کرد نیروهای فراری عراقی گفته‌اند که نیروهای ایرانی قصد دارند به طرف شهر بدره و زرباطیه پیشروی کنند. متعاقب آن دو گردان مهندسی دشمن، مأمور احداث خاکریز برای دفاع از شهر زرباطیه شدند و یک تیپ نیز مأموریت دفاع از این شهر را به عهده گرفت.

ظهر روز دوم، در قرارگاه ادامهٔ عملیات طرح ریزی شد که بر مبنای این طرح نیروهای خودی در شب سوم باید برای تأمین ارتفاعات قلاویزان عراق (قله ۲۱۵ و یال‌های آن) آماده عملیات می‌شدند. اما لشکر ۵ نصر که به طرف ارتفاعات ۲۱۵ و لشکر ۴۱ ثارالله که به طرف یال‌های ان پیش می‌رفتند، به دلیل روحیه بالای نیروهای خودی و از هم گسیختگی دشمن، همچنان به پیشروی ادامه داده و طرح مذکور را از بعد از ظهر همین روز آغاز کردند.

به طور خلاصه می‌توان گفت دشمن در روز دوم به دلیل ضربه مؤثری که در آغاز عملیات متحمل شد، همچنان دچار وضعیتی نابسامان بود و حتی نیروهای احتیاطی که وارد منطقه می‌کرد قادر نبودند محور اصلی عملیات را تشخیص دهند و پاتک مؤثری علیه نیروهای خودی اجرا نمایند.

استیصال در جبهه دشمن به گونه‌ای بود که نیروی هوایی عراق تنها به بمباران‌های پراکنده و معدود اکتفا می‌کرد و توپخانه و زرهی آن نیز به جز تحرکات ضعیفی قادر به فعالیت دیگری نبود. همچنین در روز دوم عملیات تیپ ۶۶ نیروی مخصوص وارد منطقه شد و در مقابل مهران مستقر گردید. این تیپ که احتمالاً برای تأمین مهران یا قلاویزان در تردید به سر می‌برد، تأمین ارتفاعات قلاویزان را به شهر مهران ترجیح داد و برای جلوگیری از پیشروی نیروهای خود به سمت قلاویزان رفت.

غافلگیری و فریب در عملیات و سرعت پیشروی نیروهای خودی به حدی موفق و مؤثر بود که دشمن پس از عقب نشینی از خط مقدم خود در شب اول عملیات، در روز دوم عملیات همچنان در

---

۱ ـ در این اوضاع فرمانده لشکر ثارالله برای بررسی آخرین وضعیت نیروهای خود و هدایت آنها به سمت هدف، به منطقه رفته بود. وی وارد یکی از مناطق محاصره می‌شود و قبل از اینکه متوجه موضوع شود با عده‌ای حدود ۶۰ نفر که در نقطه‌ای تجمع کرده بودند مواجه می‌گردد و با تصور اینکه اینها بسیجی هستند به طرف آنها می‌رود. در فاصله ۱۰ متری متوجه هیکل‌های بلند و لباس سبز آنها می‌شود. نیروهای عراقی هم که متوجه آقای قاسم سلیمانی شده بودند فریاد می‌زنند: «قف قف». وی از مقابل آنها فرار می‌کند که آنها به طرف وی تیراندازی می‌کنند. سرانجام فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بدون هیچ برخوردی از آن محل دور می‌شود و بعد نیروهایی را با یک دستگاه نفربر به آن منطقه می‌فرستند که آنها کلیه افراد دشمن را به اسارت درمی آورند.



گیجی به سر می‌برد و به صورت جنگ و گریز در حال عقب نشینی بود و از فرماندهان رده بالای دشمن و یگان‌های مؤثر و قوی برای مقابله با نیروهای خودی اثری دیده نمی‌شد.

در شب و روز سوم عملیات مطابق طرح قرار بود روستای فیروزآباد و ارتفاعات قلاویزان عراق و ارتفاعات ۲۲۳ آن به صورت یک خط ممتد تأمین گردد، اما نیروهای خودی در ادامه عملیات روز دوم در محور قلاویزان به طرف اهداف فوق پیشروی کردند.

لشکرهای ۲۵ کربلا و ۵ نصر با هماهنگی یکدیگر به طور تلفیقی عمل نموده و به طرف ارتفاعات ۲۲۳ پیشروی کردند و لشکر ثارالله نیز در یال‌های آن به پیشروی پرداخت. این یگان‌ها تا قبل از صبح روز سوم به نزدیکی ارتفاعات مزبور رسیدند. همچنین لشکر حضرت رسول (ص) در قسمت یال ارتفاعات قلاویزان به سمت غرب و تیپ امام حسن (ع) نیز با وارد کردن ۲ گردان نیرو از خسروآباد به سمت فیروزآباد عملیات را ادامه دادند که تیپ امام حسن(ع) قبل از تصرف روستای مذکور متوقف گردید.

خبرهای مختلفی از طریق لشکر ۵ نصر به قرارگاه می‌رسید مبنی بر اینکه ارتفاعات ۲۲۳ تصرف شده است ولی هیچ کدام به طور قاطع تأیید نگردید و بعد معلوم شد در ۸۰۰ متری آن یعنی قلّه ۲۱۰ مستقر شده‌اند.

در طول روز سوم به رغم درگیری رزمندگان با قوای دشمن، محورهای پاسگاه دراجی و باغ کشاورزی و تپه‌های غلامی کاملاً پاکسازی نشد و دشمن کم و بیش به طور پراکنده در این محورها حضور داشت.

در ادامه عملیات تیپ بیت‌المقدس به استعداد ۲ گردان وارد منطقه شد و تحت امر تیپ ۲۱ امام رضا(ع) در خط پدافندی فرخ‌آباد مستقر گردید. لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) از محورهای قلعه کهنه و فرخ‌آباد به طرف تپه‌های غلامی و باغ کشاورزی و پاسگاه دراجی حرکت کرد و ضمن پاکسازی کامل منطقه، عده بسیاری از نیروهای دشمن را به اسارت درآورد و سپس نیروهای ارتش در پاسگاه دراجی مستقر شدند.

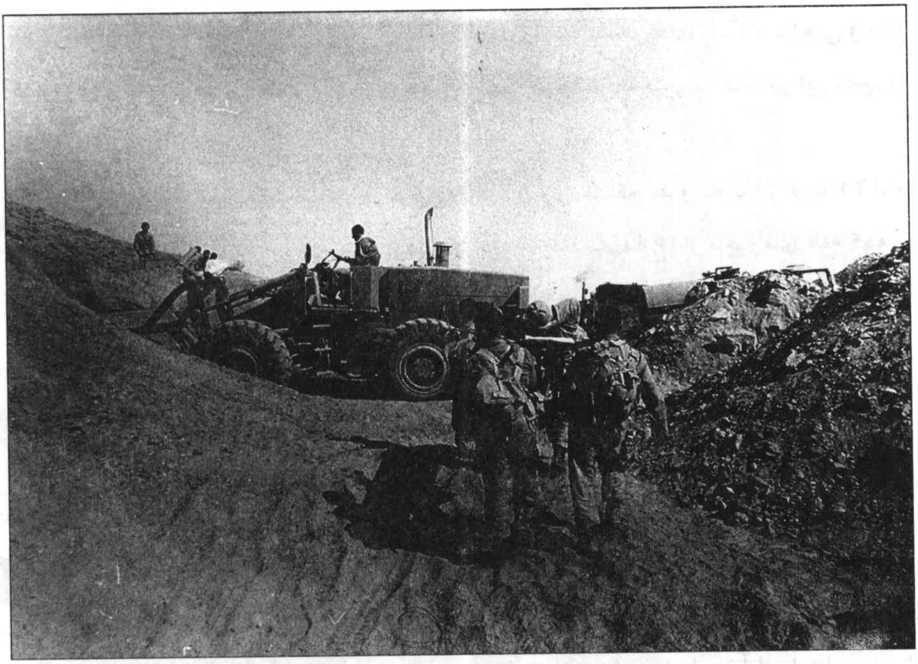
ساعت ٦ صبح روز سوم تیپ‌های ۴ و ۵ گارد ریاست جمهوری عراق به ارتفاعات ۲۱۰ پاتک نمودند و پس از یک درگیری سخت آن را تصرف کردند. به همین علت لشکرهای ۲۵ کربلا و ۵ نصر حدود ۲۰۰ متر عقب آمدند. این محور استحکاماتی قوی داشت و نیروهای خودی برای نفوذ در آن تلاش می‌کردند.

در شب چهارم عملیات نیروهای خودی ضمن تصرف مواضع دشمن در فیروزآباد وارد این روستا شدند و در حالی که دشمن از این منطقه عقب نشینی کرده بود، اقدام به احداث یک خاکریز از فیروزآباد به سمت خاکریز قدیمی در فرخ آباد نمودند و سپس خاکریز را از فیروزآباد در مقابل استقرار لشکر حضرت رسول (ص) ادامه دادند و به یال‌های ارتفاعات قلاویزان رساندند.

در این شب، درگیری در اطراف ارتفاعات ۲۲۳ ادامه یافت و نیروهای دشمن که هنوز این ارتفاعات را در تصرف داشتند، فشار زیادی را در نقاط مختلف وارد کردند. البته دشمن همچنان در گیجی به سر می‌برد و هر چند تحرکات هوایی عراق شروع شده بود، ولی ضعیف و در حد شناسایی بود. آتش توپخانه‌اش نیز چشمگیر نبود. نیروهای تازه نفس دشمن هم تنها توانستند قسمت‌هایی از ارتفاعات قلاویزان را حفظ کنند.

پاتک شدید دشمن حدود ساعت ۷ صبح ۱۳۶۵/۴/۱۳ (روز چهارم عملیات) آغاز شد. تیپ‌های ۷۲،۷۱،۹۵ پیاده و تیپ‌های ۴ و ۵ گارد ریاست جمهوری ارتش عراق پاتک شدیدی را روی ارتفاعات قلاویزان برای تصرف قله ۲۰۰ شروع کردند. با مقاومت سخت رزمندگان و حملات پی در پی آنان، این پاتک شکست خورد و قوای دشمن متحمل تلفات سنگینی شدند. در جریان این درگیری‌ها فرمانده تیپ ۴ گارد کشته شد که عراقی‌ها جسد او را به عقب منتقل کردند.

در ادامه عملیات، لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) قسمت هایی از یال قله ۲۱۰ را تصرف کرد. مرکز



شنود نیز گزارش داد که در حمله هواپیماهای خودی به مواضع دشمن، ۲۰ خودرو منهدم و ۴۰ تن کشته و زخمی شدند.

در روز پنجم عملیات (۱۳۶۵/۴/۱۴) لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) به سمت قله ۲۱۰ تک نمود و این قله را مجدداً به طور کامل تصرف و بیش از ۱۰ اسیر گرفت.

پنجمین مرحلهٔ عملیات کربلای ۱ در سحرگاه ۱۳۶۵/۴/۱۵ با حملهٔ هماهنگ لشکرهای ۱۰ و ۲۷ شروع شد. در این حمله لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) مأموریت تصرف قلّه ۲۲۳ را داشت و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) مأمور تصرف یال‌های آن بود. تلاش لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در تزلزل دشمن مؤثر بود، طوری که لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) با سرعت به طرف قله ۲۲۳ رفت و با تاکتیک‌های احاطه‌ای اهداف خود را تأمین و ضمن آن قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۷ زرهی عراق را تصرف کرد.

سرانجام در مورخ ۱۳۶۵/۴/۱۸ لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) باقی مانده یال‌های ۲۲۳ در غرب این قلّه را تصرف کرد. در جریان این عملیات قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ دشمن منهدم و تعدادی عناصر آن از جمله فرمانده تیپ به اسارت درآمد. عملیات مزبور در واقع آخرین پیشروی نیروهای خودی در عملیات کربلای ۱ بود و از این پس نیروها به تثبیت و تحکیم

مواضع تصرف شده و تقویت خطوط پدافندی موجود پرداختند و این عملیات با پیروزی کامل و با دستیابی به اهداف آن به میزان بیش از ۱۰۰ درصد به پایان رسید.

در نهایت نیروهای خودی با تسلط کامل بر قلّه ۲۲۳ و یال‌های آن تا ۱/۵ کیلومتر از قلّه مزبور به سمت غرب گسترش یافتند. در شمال این قلّه ادامه آخرین خط خودی به این شرح بود: امتداد خط از تپه ۱۷۰ به سمت شمال تا مقابل روستای فیروزآباد و از آنجا به طرف یک کیلومتری غرب فرخ آباد و سپس به سمت پاسگاه دراجی دشمن و در نهایت به ارتفاعات نمه کلان بو ختم می‌شود.

نتایج عملیات کربلای یک

ده روز جنگ و مقاومت در منطقه مهران به آزاد سازی ۱۷۵ کیلومتر مربع از خاک ایران و عراق، از جمله جاده دهلران - ایلام، شهر مهران و بیش از ۸ روستای اطراف آن، ارتفاعات حساس و سرکوب قلاویزان و حمرین خصوصاً بلندترین قله منطقه (قله ۲۲۳) و ۲ پاسگاه مرزی منجر گردید. همچنین عقبه‌های دشمن از جمله شهرهای بدره و زرباطیه در دید و تیر نیروهای اسلام قرار گرفت. در این عملیات ۷۰۰ تن از نیروهای خودی شهید و ۴۵۰۰ تن مجروح شدند.

عملیات در اسکله‌های البکر و العمیه

تصرف و یا انهدام دو اسکله البکر و العمیه عراق همواره از اهداف مورد نظر مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این دو اسکله که در شمالی‌ترین قسمت آب‌های خلیج‌فارس و در ضلع غربی شبه جزیره فاو واقع شده‌اند، قبل از شروع جنگ از عمده‌ترین محل‌های صدور نفت عراق بود به طوری که یک سوم نفت عراق از این دو اسکله صادر می‌شد. همچنین این دو اسکله به دلیل قرار داشتن بر سر راه ام‌القصر، بندر بصره و جزیره بوبیان حساسیت جغرافیایی خاصی داشته است.

عراق همواره در تبلیغات خود با استفاده از این اسکله‌ها تلاش می‌کرده است تا تسلط خود را بر شمال خلیج فارس - مخصوصاً بعد از تصرف فاو - اثبات نماید. علاوه بر ویژگی‌های مذکور، جنبه‌های تاکتیکی این اسکله‌ها نیز بسیار حائز اهمیت بوده، زیرا دشمن می‌کوشیده است که با بهره‌مندی از دو پایگاه دریایی در شمال آب‌های خلیج‌فارس برای خود برتری دریایی کسب کند، چون نبودن عارضه طبیعی و مصنوعی در کل منطقه موجب دید مفید، برای تجهیزات راداری و اجرای تیر مؤثر برای نیروهای او می‌شده است.

از سوی دیگر، تصرف اسکله‌ها به دست نیروهای خودی، «ام‌القصر» را ناامن می‌کرد. گفتنی است که دشمن در این منطقه از امتیاز آزادی عمل در استفاده از پشتیبانی هوایی سکوها و نیز تردد شناورها برخوردار بود زیرا از تمامی فضای آب‌های جنوبی منطقهٔ جزایر وربه و بوبیان استفاده می‌کرد. بدین ترتیب هواپیماهای دشمن از امکان مانور مناسب برای پوشش تقویتی پایانه‌های خود برخوردار بودند.

مجموعه این عوامل باعث گردید تا از همان ابتدای جنگ تلاش برای تصرف و یا انهدام سکوهای مذکور، یکی از برنامه‌های نیروهای نظامی جمهوری اسلامی باشد. به طوری که در ۷ آذر ماه ۱۳۵۹ نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به این دو اسکله حمله و خسارت‌های سنگینی به آنها وارد کردند. از آن پس دشمن با استقرار نیرو و ادوات جنگی از این دو پایانه نفتی به عنوان دو دژ محکم و مجهز برای کنترل آب‌های خلیج‌فارس و اروند رود و زیر نظر گرفتن تحرکات دریایی نیروهای خودی بهره می‌گرفت و بر روی شناورها و کشتی‌های تجاری خودی آتش می‌گشود، همچنین با استفاده از پشتیبانی سکوهای موشکی مستقر در فاو، منطقه را ناامن می‌کرد.

متعاقب تقویت نظامی این اسکله‌ها و ناامن ساختن منطقه، انگیزه رزمندگان برای انهدام این اهداف بیشتر شد، لذا در پاییز سال ۱۳۶۲ مجدداً مقرر شد همزمان با عملیات خیبر، مانوری به عنوان فریب در این منطقه به اجرا درآید که به دلیل نوپا بودن نیروی دریایی سپاه این عملیات اجرا نشد. در سال ۱۳۶۴ نیز قرار شد همزمان با اجرای عملیات فاو، یگان‌هایی از نیروی دریایی سپاه و ارتش به طور مستقل ولی هماهنگ به ترتیب به دو اسکله دریایی العمیه و البکر حمله کنند که در این عملیات، تک ارتش روی اسکله البکر منتفی شد و سپاه نیز با سه روز تأخیر در ۱۳۶۴/۱۱/۲۳ عملیات خود را روی اسکله العمیه آغاز کرد لیکن به دلایلی از جمله نبودن امکانات و تجهیزات، عملیات با موفقیتی همراه نبود.

پس از فتح فاو، فعالیت نیروهای دشمن در اسکله‌ها تشدید شد و استفاده از اسکله‌ها به عنوان پایگاه اطلاعاتی برای کنترل تردد شناورهای تجاری و جنگی در کل خلیج‌فارس و راهنمایی هواپیماها به منظور بمباران نفت‌کش‌ها شدت یافت. بدین منظور آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی عالی جنگ مأموریتی برای انهدام اسکله‌های مذکور به ارتش واگذار کرد. طبق طرح قرار بود با کمک چندین فروند قایق مسلح به توپ، ضمن حمله به اسکله العمیه آن را منهدم کنند، اما درگیری زود هنگام و از راه دور نیروهای خودی باعث هوشیاری و اجرای آتش متقابل دشمن گردید و عملیات بدون نتیجه خاصی پایان یافت.

با تشدید حملات عراق به کشتی‌ها، اجرای حرکتی مؤثر برای ساقط نمودن این حوزه جاسوسی و عملیاتی دشمن، یک بار دیگر به نیروی دریایی سپاه ابلاغ شد تا برنامه‌ریزی مجددی را برای عملیات روی اسکله العمیه طراحی کند. سپاه نیز این مأموریت را به قرارگاه نوح سپرد، اما به دلیل کم تجربگی یگان‌های عملیاتی این قرارگاه، در عمل، فرمانده سپاه رسماً مأموریت اجرای عملیات روی اسکله‌های مذکور را در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۵ به فرمانده لشکر امام حسین (ع) که از جمله یگان‌های مجرب و

مانوری سپاه به حساب می‌آمد و از حیث توازن رزمی در مرتبه‌ای بالا قرار داشت واگذار کرد تا به عنوان واحد عمل کننده قرارگاه نوح به اجرای این مأموریت بپردازد.

مسئولان این یگان بعد از ابلاغ مأموریت، در منطقه حضور یافتند و اقدامات لازم را برای آماده‌سازی، سازمان‌دهی و آموزش نیروها برای اجرای عملیات فراهم کردند؛ از جمله اینکه از همان ابتدا (۱۳۶۵/۲/۲۷) آموزش نیروهای غواص را با هدف اجرای عملیات مهم مذکور آغاز کردند. این امر با سازمان دهی مجدد گردان غواص یونس - که قبلاً عملیات والفجر ۸ را پشت سر گذاشته بود - انجام شد که با گزینش نیروهای ورزیده و مجرب سایر گردان‌ها برای تکمیل این گردان اقدام شد. پس از مدتی با فعالیت گردان حضرت یونس (ع) به عنوان خط شکن و گردان‌های امام رضا (ع) وامام محمد باقر(ع) به عنوان پشتیبان با اولویت‌های اول و دوم، آمادگی یگان وارد مرحلهٔ جدیدتری شد، سپس نیروها آموزش‌های مختلفی را در این مدت طی کردند. گردان یونس(ع) با دو گروهان غواص و یک گروهان سوار شناور (غواص) و گردان امام رضا(ع) با استعداد دو گردان تقویت شده خود را مهیای یک عملیات بزرگ و خطیر ساختند. نیروهای مذکور در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۱ برای آشنایی با منطقه عملیاتی و تکمیل آموزش، وارد منطقه شدند.

تهیه تجهیزات برای بالا رفتن از اسکله العمیه

لشکر امام حسین (ع) به منظور برنامه‌ریزی برای ساخت امکانات ابتکاری متناسب با عملیات دریایی، با جذب افراد مبتکر و متخصص بسیجی، «کمیته ابتکار» تشکیل داد که از جمله اقدامات این کمیته، ساخت نردبان‌هایی به منظور بالا رفتن از اسکله‌ها بود که با توجه به طرح مانور قرار بود سه نوع نردبان تهیه و به روی قایق‌های عملیاتی نصب شود که عبارت بودند از:

۱ - نردبان دو پایه ۸ شکل: این نوع نردبان از اتصال دو نردبان آلومینیومی ۱۲ متری به یکدیگر درست شده است که در مانور خارک مورد استفاده قرار گرفت. در این آزمایش ضعف‌های موجود از جمله عدم تعادل لازم و محکم نبودن محل اتصال نردبان به شناور، مشخص شد که با تدابیری از جمله محکم کردن آن با لبهٔ قایق با سیم بکسل، مشکل برطرف گردید.

۲ - نردبان کشویی: این نوع نردبان از آهن و به شکل یک منشور با قاعده مربع که هر یک از سطح‌های جانبی آن، یک نردبان است، طرح ریزی شده بود. ارتفاع آن ۱۲ متر است که ۶ متر آن ثابت و ۶ متر دیگر با قرقره و وینچ بالا و پایین می‌شود.

۳ - نردبان ۱۲ متری مورب: این نوع نردبان از جنس آلومینیوم و به ارتفاع ۱۲ متر ساخته شده و

به طور مورب در قایق‌های تندرو عاشورا نصب گردیده است. تعادل نردبان با میله‌ای که از وسط نردبان به کف قایق متصل گردیده، حفظ شده است. هنگام عملیات، قایق‌های مزبور با سرعت زیاد به اسکله نزدیک می‌شدند و با تماس نردبان مزبور با اسکله، عبور نیرو به آسانی و سرعت کافی انجام می‌گرفت.

به دلیل سنگینی نردبان‌های یک و دو و ارتفاع نسبتاً زیادشان که باعث به اصطلاح «لنگرانداختن» و عدم تعادل می‌شد، لازم بود که اینها فقط روی قایق‌های بزرگ «والفجر» نصب شوند. علاوه بر این برای پیشگیری از هرگونه پیش آمد احتمالی از قبیل شل شدن نردبان‌ها و یا بریده شدن پیچ و مهره‌های کف قایق، ابتدا یک صفحه فلزی محکم در کف این قایق‌ها جوش دادند، آن‌گاه نردبان را به روی آن سوار نمودند. در نهایت، یک نردبان کشویی آهنی، دو یا سه نردبان دو طرفه «۸ مانند» آلومینیومی و پنج نردبان یک طرفه مورب به روی قایق‌ها نصب گردید و برای استفاده در عملیات آماده شد.

عملیات کربلای ۳ و تصرف اسکله العمیه

در آخرین دقایق شب نیروهای غواص پس از اینکه با قایق به سه کیلومتری اسکله العمیه رسیدند، وارد آب شدند و طبق دستور به سمت اسکله حرکت کردند. اندکی بعد، یعنی از اولین ساعات بامداد، مشکلاتی پدید آمد که عملیات را با تهدیدی جدی مواجه ساخت. از جمله مشکلات اینکه بر اثر وزش باد از سمت مخالف، آب به شدت به سینه نیروهایی که به طرف اسکله در حال پازدن بودند برخورد می‌کرد و سبب خستگی مفرط، کندی حرکت و انحراف مسیر آنها می‌گشت. علاوه بر این، نفوذ آب به داخل محفظه مخصوص بی سیم غواص‌ها، تماس بی سیمی را نیز با آنها قطع کرد و تلاش برای برقراری مجدد ارتباط به جایی نرسید. در آخرین تماس مشخص شده بود که عده‌ای از نیروها به فاصله ۷۰۰ متری اسکله رسیده‌اند. با نزدیک شدن به ساعت ۲:۰۰ بامداد و آغاز مدّ، حتی ادامهٔ این گونه حرکت نیز برای نیروها دشوار می‌شد و این امر هرگونه امیدواری را به موفقیت غواص‌ها کم‌کم به یأس مبدل می‌ساخت به این ترتیب، همه گمان می‌بردند که به علت شدید بودن موج و تلاطم، آب نیروهای غواص را به اسکله خودی خواهد راند.

از سوی دیگر، به دلیل اینکه از وضعیت ۱۲۰ غواصی که در آب بودند اطلاع درستی در دست نبود، احتمال می‌رفت که اگر به «سوار شناور»ها دستور حرکت داده شود، شناورها غواص‌ها را زیر بگیرند. این مسأله نیز وجود داشت که با روشن شدن هوا، قایق‌ها را دشمن از روی اسکله ببینند و

غواص‌ها داخل آب در خطری دیگر قرار گیرند، به ناچار قرار شد یک قایق جهت کسب اطلاع از وضع غواص‌ها به بررسی آب‌های منطقه بپردازد. آقای موسوی مسئول اطلاعات لشکر ۱۴ امام حسین(ع) برای پیگیری این کار به طرف اسکله العمیه رفت و پس از بازگشت، از وضعیت نیروها اظهار بی اطلاعی کرد.

سرانجام حدود ساعت ۴ صبح دستور عقب نشینی نیروها صادر شد. از سوی دیگر، طی این مدت غواص‌ها به رغم قطع ارتباط شان با فرمانده، به راه خود ادامه داده بودند در حالی که بین ستون‌ها فاصله افتاده و ارتباط بین آنها (ستون‌ها) نیز قطع شده بود. با مد شدن آب و تلاطم فوق‌العاده آن، گروه‌هایی که آقای علی حجازی فرمانده آن بود و می‌بایست در سمت چپ عمل می‌کرد، از رسیدن به اسکله بازماند و محور میانی نیز نتوانست به اسکله نزدیک شود، تنها گروهان حضرت موسی (ع) به فرماندهی آقای مهدی مظاهری، حدود ساعت ۴ صبح به اسکله رسید، ولی غواصان این ستون نیز به جای سمت راست به سمت چپ اسکله، یعنی محل پد هلی کوپتر رسیده بودند.

آن گاه برادران می‌بایست تصمیم می‌گرفتند که چگونه علاوه بر مأموریت خود، مأموریت نیروهای دیگر را انجام بدهند. در همان جا با مشورتی کوتاه، سریعاً طرحی ریخته شد و طبق آن، در ۱۰۰ متری اسکله، فرمانده نیروهای محور راست به همراه معاون خود و یکی از مسئولان دسته‌ها از گروه جدا شدند و به طرف اسکله رفتند تا به زیر آن رسیدند. این برادران در عمل موفق شدند با سلسله‌ای از حرکت‌ها و تاکتیک‌های ابداعی بی نظیر، خود را به بالای اسکله، روی پد هلی کوپتر برسانند.

برادران در بالای پد، یک سنگر نگهبانی و سه نگهبان را در حال گفت و گو - شاید برای تعویض پست - دیدند؛ در آن وضعیت کار پاکسازی بدون سر و صدا مشکل به نظر می‌رسید، ناگزیر در تاریکی منتظر فرصتی برای غافلگیری دشمن ماندند. ناگاه با برخورد دست یکی از برادران به کلاه آهنی‌اش و افتادن آن، صدایی برخاست که سبب کنجکاوی یکی از نگهبان‌ها شد؛ با حرکت وی به سمت محل صدا، نیروهای خودی چاره‌ای جز درگیری نداشتند. درست در لحظه رسیدن نگهبان به نزدیکی غواصان، یکی از آنها که لباس غواصی سیاه و دارای لوله مخصوص بر تن داشت، بلند شد و ایستاد، نگهبان عراقی که در تاریک و روشن بامداد ناگهان دید موجود عجیب و پرهیبتی در جلوی او ظاهر شده، از شدت وحشت بی‌هوش بر زمین افتاد. سپس برادران با اسلحه کلت، بدون دادن فرصتی به نگهبانان دیگر، آنها را هلاک کردند.

غواصان به سرعت عملیات پاکسازی پد هلی کوپتر، انهدام موانع و آماده کردن محل برای ورود

دیگران را انجام دادند. بدین ترتیب، بقیه نیروها آماده بالارفتن از اسکله شدند. در این هنگام، یک عراقی در حالی که فریاد زنان تیراندازی می‌کرد، به بالای سر نیروهای خودی رسید، که برادران با کلت او را از پا درآوردند. دشمن خیلی دیر متوجه حضور نیروهای ما در اطراف پد هلی‌کوپتر شد زیرا در این زمان، نیمی از نیروهای محور راست از اسکله بالا رفته بودند. قدرت و سرعت عمل نیروهای خودی - هر چند که ساعت‌ها با امواج مبارزه کرده و خسته بودند - آن چنان بود که اقدامات دشمن بی اثر ماند، به نحوی که برادران بدون دادن تلفات، توانستند خود را به بالای اسکله برسانند و در ساعت ۴:۳۰ بامداد، آخرین نیرو به بالای اسکله رسید.

به جایگاه فرمانده عملیات باز می‌گردیم. چنان که ذکر شد، حدود ساعت ۴ بامداد برادران درصدد اجرای عملیات عقب نشینی برآمدند، اما در اوج نومیدی و نگرانی جانشین فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و در حالی که تنها حدود نیم ساعت به روشنی هوا مانده بود، شنود خودی خبر داد که بالای اسکله العمیه درگیری است. به دنبال آن از کنار «بویه ۷» شلیک چند رگبار تیر «رسام» مشاهده شد، از این زمان به بعد تصمیم‌گیری در مورد عقب کشیدن نیروها وارد مرحله جدیدی شد؛ می‌بایست دقیقاً مشخص می‌شد که آیا عراقی‌ها بر اثر مشکوک شدن تیراندازی کرده‌اند، یا اینکه نیروهای پیشتاز خودی با آنها درگیر شده‌اند.

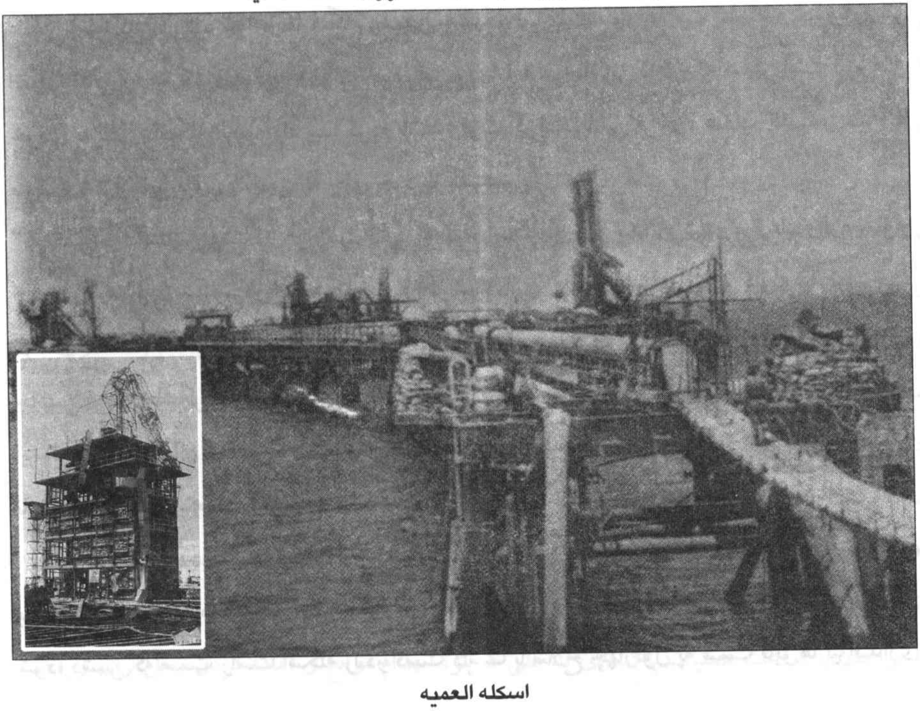
از آنجا که قرار بود غواص‌ها هنگام رسیدن به اسکله، با کلت منور علامت بدهند و هنوز این امر اتفاق نیفتاده بود، شک و تردید به قوت خود باقی بود، اما به هرحال این فرض که ممکن است نیروهای خودی به بالای اسکله العمیه راه پیدا کرده باشند، قوت گرفت. با این فرض، عقب کشیدن نیروها متوقف شد و قایق‌های «والفجر» به جای خود بازگشتند.

سپس در آستانه روشنایی هوا، در حالی که شبح اسکله از دور پیدا می‌شد، نیروها دوباره سوار قایق‌های «عاشورا» شدند. در این هنگام بار دیگر تیراندازی آغاز و همراه آن دو گلوله «آر.پی.جی» نیز شلیک شد. با شلیک «آر.پی.جی.»ها مسلم شد که نیروهای خودی درگیر شده‌اند، برای همین جانشین فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) دستور داد «سوار شناورها» به طرف اسکله حرکت کنند.در این فرصت نیروهای غواص با سلاح‌های محدود خود (۶ قبضه آر.پی.جی با ۱۲ گلوله، ۲ قبضه نارنجک تفنگی و تعدادی کلاش) توانستند از پد هلی‌کوپتر تا بریدگی وسط اسکله را پاکسازی کنند.

مقاومت شدید دشمن در سمت راست، خستگی نیروها و محدودیت سلاح نیز مانع از پیش روی بیشتر نیروها می‌شد. در ساعت ۵:۳۰ گروهان سوار شناور «یونس» (ع) نیز توانست به اسکله نزدیک شود. دشمن که سمت راست اسکله را در دست داشت با سلاح چهارلول به سمت قایق‌ها تیراندازی



فرماندهان نیرو های عمل کننده روی اسکله العمیه



اسکله العمیه

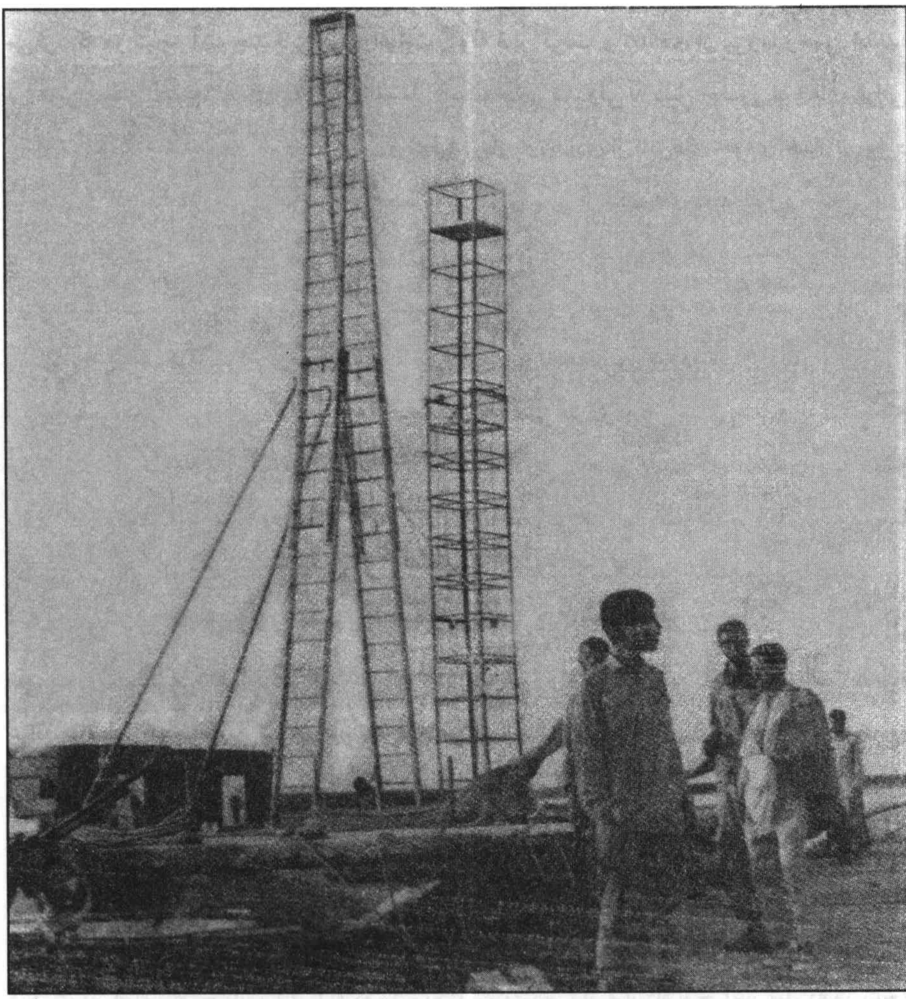
می‌کرد که در نتیجه آن، چند قایق مورد اصابت گلوله قرار گرفت و تعدادی از نیروها زخمی شدند. در همین لحظه یک هواپیمای دشمن در آسمان اسکله ظاهر شد ولی به دلیل حضور نیروهای عراقی روی اسکله، از حمله به آن خودداری کرد و تنها با تیربار به تعدادی از قایق‌های خودی خساراتی وارد ساخت. در این هنگام یکی از غواصان زبده با به کارگیری یکی از قبضه‌های «چهارلول» دشمن روی اسکله، به طرف این هواپیما آتش گشود و آن را سرنگون کرد. خلبان آن به رغم خارج شدن از هواپیما، به علت انفجار آن به هلاکت رسید. سقوط هواپیما و رسیدن نیروهای تازه نفس گردان امام رضا(ع) به شدت موجب تقویت روحیهٔ نیروهای خودی و تضعیف روحیه دشمن گردید.

در همین حال، نیروهای دشمن با دو قبضه توپ ۵۷ میلی متری که در انتهای سمت راست اسکله قرار داشت، اسکله و مسیر قایق‌ها را زیر آتش گرفته بودند. عراقی‌ها در پشت هتل سمت راست اسکله سنگر گرفته بودند و نیروها را هدف قرار می‌دادند، اما به رغم همه این فشارها، نیروهای خودی با جدیت تمام در پناه آتش آر.پی.جی به جلو می‌رفتند و به پاکسازی و تأمین منطقه می‌پرداختند.

با ورود توپ ۲۳ و تفنگ ۱۰۶ میلی متری خودی و شلیک آنها به طرف اسکله و به دنبال آن تصرف اولین قبضه ۵۷ میلی متری دشمن در سمت راست و شلیک آن به داخل ساختمان هتل، عراقی‌ها تسلیم شدند. بدین ترتیب کار تصرف اسکله ساعت ۸ صبح پایان یافت. در ساعت ۹ صبح، دشمن اسکله العمیه و قایق‌های اطراف آن را بمباران کرد و چند بار نیز در «اروند رود» قایق‌ها را هدف قرار داد. ناوچهٔ توپداری که در کنار اسکله «البکر» پهلو گرفته بود نیز چندین گلولهٔ توپ به سمت اسکله العمیه شلیک کرد.

از سوی دیگر، در ساعت ۵:۳۰ همان روز همزمان با اجرای عملیات در اسکله العمیه، عملیات دیگری (بر اساس طرح مانور قبلی) به کوشش یک تیم مهندسی از قرارگاه نوح آغاز شد که در نتیجه آن، اسکله البکر نیز در ساعت ۹ صبح به آتش کشیده شد. در این زمان، دود و آتش یک انفجار مهیب سراسر اسکله را فرا گرفت و قارچ انفجاری بزرگی روی اسکله ایجاد شد که از فاصله ۳۴ کیلومتری دیده می‌شد.

در این عملیات که در قالب یک طرح ابتکاری تحت عنوان «نارالرحمه» اجرا شد، با پمپاژ مقدار فراوانی نفت به داخل لوله‌های نفتی فاو - البکر به وسیله ۶ پمپ با دبی ۴ متر مکعب در ثانیه و با اعمال فشار بر دریچه لوله‌های نفتی روی اسکله، مقدار فراوانی از نفت داخل لوله‌ها به بیرون فوران کرد و بر روی اسکله پاشیده شد، سپس نیروهای خودی با شلیک آتش توپخانه به روی اسکلهٔ آغشته به نفت، آن را به آتش کشیدند.



تجهیزات ابتکاری لشکر ۱۴ امام حسین (ع) برای بالا رفتن از اسکله العمیه

بر اساس گزارش شنود، نیروهای دشمن ـ که سخت وحشت زده شده بودند و در محاصره آتش قرار داشتند ـ از فرماندهان خود در عقبه کمک می‌خواستند و تقاضا می‌کردند از اسکله خارج شوند. برخی از آنها هم از ترس خود را به داخل دریا پرتاب می‌کردند.

در ساعت ۱۱:۳۷ فرمانده نیروهای دشمن، مستقر روی سکوی البکر، به رده بالاتر خود گزارش داد که انبار مهمات سبک و سنگین توپخانه‌های مستقر بر سکو، منفجر گردیده و هم اکنون در حال سوختن است. وی سپس افزود: "پرسنل نیروی دریایی مستقر روی سکو هیچ‌گونه مهماتی ندارند و در صورت نزدیک شدن هلی‌کوپتر و یا ناوچه ایرانی‌ها، قادر به دفاع کردن نیستیم".

در این عملیات قسمت‌های مهمی از اسکله البکر منهدم شد و تجهیزات آن به کلی در آتش سوخت. این اقدام بزرگ با برانگیختن شور و شعف رزمندگان مستقر روی اسکله العمیه، روحیه نیروها را بسیار افزایش داد.

از این سو، در مقر فرماندهی عملیات، با پیش بینی شروع آتش شدید دشمن روی محدودهٔ کوچک اسکله العمیه، تصمیم گرفته شد که با تخلیهٔ هر چه سریع‌تر نیروهای اضافی از اسکله، فقط تعدادی نیرو برای پدافند باقی بمانند. این کار با توجه به سرعت عمل دشمن در استفاده از هواپیماها، هر چه سریع‌تر انجام پذیرفت و حدود ساعت ۱۰ صبح کلیه نیروهای گردان یونس(ع) چه غواص، چه «سوار شناور» به عقب برده شدند.

تنها نیروی باقی مانده روی اسکله، گردان امام رضا(ع) بود که به دلیل شهید و زخمی شدن ۲۰ تن از نیروهایش تنها ۷۰ تن را در اختیار داشت. بالای اسکله تعداد ۴ قبضه پدافند «چهارلول»، ۲ قبضه «دولول» و چند قبضه «توپ ۵۷ میلی متری» و یک قبضه هم «شلیکا» موجود بود که نیروها بلافاصله اقدام به راه‌اندازی آنها نمودند.

نخستین فشار شدید دشمن با پرتاب یک فروند موشک پرقدرت «کرم ابریشم» آغاز شد. این موشک در ساعت ۱۰ به باند هلی‌کوپتر اصابت کرد که در نتیجه ۸ تن از نیروهای مجروح خودی را شهید و ۱۵ تن از اسیران عراقی را که در حال تخلیه بودند نیز به هلاکت رساند. شلیک این موشک احساس ناامنی را در نیروهای خودی برانگیخت و آنان را نگران ساخت. در طول روز به رغم پیش‌بینی‌های قبلی، هواپیماهای دشمن اقدامات مهمی انجام ندادند، شاید دلیل آن سقوط اولین هواپیمای عراقی بوده باشد. اما دشمن به جای استفاده از هواپیما، چهار موشک کرم ابریشم در ساعت ۱۶، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ به اسکله شلیک کرد. این موشک‌های هشت متری بر سطح آب پیش می‌آمدند و پس از برخورد با اسکله منفجر می‌شدند که در مجموع، قسمت‌های مهمی از آن را تخریب کردند. برای جلوگیری از تلفات بیشتر، نیروهای مستقر در اسکله را به حداقل کاهش دادند و نیز ۷۵ تن از اسیران عراقی را به عقبه تخلیه کردند.

گزارشی از جلسه ۵ مهر ۱۳۶۵

گزارش اوضاع جبهه‌ها در قرارگاه خاتم ۲ فرماندهی عالی جنگ

طرح مانور مطرح شده در این جلسه به این ترتیب است:

هدف: بستن «تنگه ابوالخصیب» (عنوانی که در محاوره رزمندگان به حدفاصل اروند رود تا خور زبیر در ناحیه مجاور ابوالخصیب، داده شده بود).

محدودهٔ عملیات: محدودهٔ عملیاتی در جهت عرضی از جزیرهٔ «مینو» (درجناح چپ) تا کارخانه پتروشیمی و نهر «ابوالفلوس» (در مقابل جزایر «بوارین») و در عمق تا جاده دوم (در محاورهٔ برادران موسوم به جادهٔ استراتژیک) می‌باشد.

برای تصرف این منطقه دو قرارگاه سپاه (کربلا و قدس) به فرماندهی برادران احمد غلامپور و محمدعلی (عزیز) جعفری با تحت امر داشتن تمامی یگان‌های مانوری سپاه، در سه مرحله وارد عمل می‌شوند. مانور قرارگاهی آن در مراحل مختلف چنین است:

الف - قرارگاه کربلا: در عرض از جزیرهٔ «قطعه» که در جنوب اروند، در مقابل جزیره مینو قرار

دارد - تا جزیره «ام البابی» غربی و در عمق تا جاده دوم (موسوم به جاده استراتژیک) به نحوی که جاده سوم زیر آتش خمپاره ۱۲۰ میلیمتری و مینی کاتیوشا قرار بگیرد. این قرارگاه که تأمین جناح چپ عملیات را به عهده دارد، با شش لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، ۴۱ ثارالله، ۷ ولی عصر(عج)، ۱۷ علی بن ابی طالب (ع)، ۵ نصر و ۳۳ المهدی و تیپ مستقل ۴۴ قمر بنی هاشم(ع) در سه مرحله عمل می‌کند.

ب - قرارگاه قدس: در عرض از جزیره «ام البابی» شرقی تا انتهای جزیره «بوارین» تا (کارخانه پتروشیمی) و در عمق تا جاده دوم پیش روی نموده تا پشت نهر «ابوفلوس» پدافند کنند. این قرارگاه نیز با شش لشکر ۲۵ کربلا، ۲۷ حضرت رسول(ص)، ۸ نجف اشرف، ۱۰ سیدالشهدا(ع)، ۳۱ عاشورا و ۲۱ امام رضا (ع) و تیپ مستقل ۱۸ الغدیر در سه مرحله وارد عمل می‌شود. تیپ ۳۲ انصارالحسین در مرحله اول تحت امر قرارگاه قدس و در مرحله سوم تحت امر قرارگاه کربلا قرار دارد.

در جلسه ۵ مهر ۱۳۶۵ قرارگاه نیروی زمینی سپاه در اهواز که در حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برقرار شد، مسئولان نیروی زمینی سپاه در گزارشی به تشریح اوضاع خطوط خودی و فعالیت‌های دشمن در سرتاسر جبهه‌ها و مشکلات نیروهای خودی در تأمین مهمات و امکانات مهندسی و لجستیکی پرداختند.

در این جلسه ابتدا مسئول اطلاعات نیروی زمینی «برادر محمد باقری»، اطلاعاتی از وضع عمومی دشمن در طول جبهه‌ها در فاصله زمانی دهم شهریور تا چهارم مهرماه را بیان کرد. وی در خصوص وضع جبهه‌ها به ترتیب از شمال به جنوب گزارش داد که اهم موارد آن به اختصار بدین شرح است:

"وضعیت دشمن در منطقه عمومی «پیرانشهر» و «شمال غرب» اکنون عادی است و به تحکیم مواضع پدافندی مشغول می‌باشد. عمده فعالیت دشمن در این محور گلوله‌باران عقبه نیروهای خودی به وسیله تانک است. در این منطقه دشمن تا بیستم شهریور ماه گذشته احتمال حمله نیروهای خودی را می‌داد و به همین دلیل پرتاب «منور» و فعالیت‌های هوایی دشمن تشدید شده بود اما بعد از این تاریخ وضعیت عادی شده است.

در منطقه سردشت نیز دشمن تلاش دارد تا راه ارتباطی بین نیروهای خودی و نیروهای «اتحادیه میهنی کردستان در شمال عراق را در «هرزینه» و ارتفاعات «ویسی» قطع کند، که این تلاش‌ها بعد از عملیات اخیر اتحادیه در منطقه «کاریزه» تشدید شده است.

در منطقه «بانه» و «پنجوین» (منطقه عملیاتی والفجر۴) نیز علی‌رغم اینکه دشمن نیروهای «جاش»

را تقویت کرد اما به طور کلی وضعیت کنونی منطقه عادی است.

در منطقه سد «دربندیخان» فعالیت‌های هوایی و بمباران دشمن متوقف شده اما نیروهای قبلی دشمن در منطقه باقی مانده‌اند و اکنون منطقه حالت عادی به خود گرفته است. در منطقه عمومی غرب نیز عمده فعالیت‌های دشمن در منطقه «مندلی» و پشت «نفت شهر» می‌باشد که طی آن اقدام به ساختن چند جاده در پشت ارتفاعات این منطقه کرده است. دشمن نسبت به منطقه تا حدی حساس می‌باشد و به همین دلیل منطقه را به طور محدود تقویت کرده است.

یکی از اهداف کنونی دشمن در منطقه غرب، گرفتن اسیر است تا بتواند اطلاعات لازم را کسب کند که به این منظور اقدام به اعزام گروه‌های گشتی رزمی می‌کند و در گرفتن اسیر از نیروهای خودی نیز تا حدی موفق بوده است.

در مناطق شمال «عماره» عمده فعالیت دشمن، فعالیت‌های پدافندی است و علی‌رغم اینکه در شهریور تا حدی نسبت به این منطقه حساسیت پیدا کرد اما اکنون وضعیت منطقه عادی است. دشمن اکنون نسبت به منطقه «شرق دجله» و «هور» حساسیت بیشتری دارد به طوری که در منطقه «القرنه» ۱۷۰ تانک را مجتمع کرده است.

دشمن در منطقه «هور» حساسیت مؤکد و ویژه‌ای دارد، دلیل این امر افزایش آب «هور» در این فصل سال و همچنین سابقه انجام حملات در این فصل از سال می‌باشد. دشمن در جزیره «مجنون» از مدت‌ها قبل آماده عملیات بود ولی با عملیات نیروهای خودی در پد غربی جزیره (عملیات انصار)، نیروهای عملیاتی دشمن منهدم شده‌اند ولی به هر حال «صدام حسین» به فرمانده لشکر ۳۱ عراق مأموریت داده است تا جزیره را از نیروهای ایرانی بازپس گیرد و به همین دلیل نیروهای تیپ ویژه عراق در جزیره مستقر شده‌اند و ضمن گلوله باران نیروهای خودی با توپ، تانک و خمپاره، خود را برای عملیات روی پد شرقی در جزیره، آماده می‌کنند.

با تغییر فرمانده سپاه سوم که در جنوب مستقر است و جایگزین شدن سرلشکر «ضیاءالدین جمال» که از فرماندهان گارد و از منسوبین صدام نیز می‌باشد، به نظر می‌رسد که حساسیت دشمن در جنوب زیاد شده و قصد تقویت جبهه سپاه سوم در جنوب را دارد.

دشمن همچنین در منطقه آب گرفتگی (پاسگاه) «بوبیان» نیز در حال احداث جاده‌ای است تا بتواند خط دفاعی جدیدی را در «شلمچه» ایجاد کند و پدافند خود را عمق دهد و پیشرفت در جاده‌سازی، هر شب حدود ۱۰۰ متر است.

در منطقه «آبادان» و «خرمشهر» نیز دشمن در حال حفر کانال، احداث خاکریز، سیل‌بند و ادامه

کارهای پدافندی می‌باشد. همچنین جدیداً سکوهایی برای تانک به منظور زیر آتش قرار دادن پشت جبهه نیروهای خودی احداث کرده و با توجه به حساسیتی که نسبت به منطقه دارد، تعداد دکل‌ها و نقاط دیده‌بانی خود را در این منطقه افزایش داده است.

دشمن منطقه فاو را در تاریخ یازدهم شهریورماه با نیرویی به استعداد یک لشکر پیاده تقویت کرد و چیزی حدود چهار گردان توپخانه به منطقه اضافه کرد و ضمن تقویت منطقه، اقدام به احداث مواضع و سنگرهای جدید کرده است.

بازسازی نیروهای دشمن با شدت دنبال می‌شود که از جمله می‌توان به گسترش توان رزمی لشکر گارد (در حد سپاه) و افزایش آن تا حد ۱۵ تیپ اشاره کرد.

در مورد نیرو نیز اکنون تمامی پادگان‌های عراق پر از نیرو است که عمدتاً نیروهای دانش‌آموز و دانشجو می‌باشند و در حال گذراندن دوره آموزشی هستند، اما به دلایل نامعلومی آنها را وارد واحدهای پدافندی در مناطق عملیاتی نمی‌کنند. البته استعداد نیروهای عملیاتی تقویت نشده است.

عمده فعالیتی که الان دشمن دارد، همین حفظ هوشیاری است و تلاش می‌کند تا محل عملیات آتی احتمالی نیروهای خودی را در سراسر جبهه‌ها کشف کند".

در ادامه این جلسه مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا (برادر محرابی) گزارشی از اقدامات شدید مهندسی دشمن در «فاو»، بیان کرد و افزود: "دشمن با یک برنامه‌ریزی اساسی از شمال «کارخانه نمک» تا «ام القصر» و تا منطقه جزیره «مینو» به فعالیت مهندسی مشغول است و اکنون رده‌های دوم و سوم پدافندی او در منطقه ساخته شده و آتش خود را روی خطوط نیروهای خودی گسترش داده است.

دشمن در مورد سواحل «اروند» تا «شلمچه» حساسیت خاصی دارد؛ به طوری که از یک سو نیروهای شناسایی دشمن در این منطقه به مواضع خودی نفوذ می‌کنند و دکل‌های دیده‌بانی خود را افزایش داده است و در حال کسب اطلاعات می‌باشند و از سوی دیگر با شلیک تیر مستقیم تانک تمامی دکل‌های دیده‌بانی خودی را منهدم کرده است". وی در خاتمه گفت: "علی‌رغم عدم تغییر زیاد در خطوط مقدم خودی، دشمن در منطقه فاو و کل سپاه هفتم دست به یک تقویت نسبی زده و آمادگی خود را افزایش داده است".

در ادامه این جلسه گزارش هایی نیز از وضعیت نیروهای خودی بیان شد که در این گزارش ضمن تشریح نحوه گسترش این نیروها در خطوط پدافندی، به مشکلات آنها از جمله کمبود مهمات و ادوات مهندسی مخصوصاً در خط فاو اشاره شد و گفته شد که تاکنون برخلاف آنچه قرار بود، تنها

۱۷ کیلومتر از ۲۰۰ کیلومتر جاده‌های منطقه فاو شن ریزی شده است. در این باره فرمانده قرارگاه کربلا (برادر غلامپور) ضعف امکانات مهندسی را مهم‌ترین دلیل این کندی کار دانست.

مشکلات عقبه و عدم تقویت خاک‌ریزها به منظور کاهش تلفات در خطوط خودی، اقداماتی برای جلوگیری از نفوذ نیروهای اطلاعاتی دشمن به خطوط خودی، از دیگر مباحثی بود که در این جلسه مطرح و تصمیمات لازم در مورد آنها اتخاذ شد.

قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت
درباره جنگ عراق و ایران

متن قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت در خصوص جنگ ایران و عراق (در جلسه ۲۷۱۳، روز ۸ اکتبر ۱۹۸۶):

با بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» با در نظر گرفتن اینکه شورا این موضوع را بیش از شش سال زیر نظر داشته و تصمیماتی در مورد آن گرفته است؛

با نگرانی بسیار در مورد طولانی شدن و شدت یافتن برخورد مزبور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی قابل ملاحظه شده و صلح و امنیت بین‌الملل را به خطر انداخته است؛

با در نظر گرفتن تعهد دولت‌های عضو که در روابط بین‌المللی‌شان از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی، یا هر روش دیگر مغایر با مقاصد ملل متحد خودداری کنند؛

با خاطر نشان ساختن مفاد منشور ملل متحد و به ویژه تعهد همه اعضا به حل اختلافات بین‌المللی‌شان از راه‌های مسالمت‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد؛

همچنین با خاطرنشان ساختن اینکه دولت‌های عضو، بر اساس منشور، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار و بدین منظور موافقت کرده‌اند نقش شورای امنیت را در حل اختلافات بپذیرند؛

با ستودن تلاش‌های دبیرکل برای یافتن راهی مسالمت‌آمیز برای برخورد مزبور:

۱ - از ایران و عراق می‌خواهد که بی‌درنگ و به طور کامل قطعنامه ۵۸۲ را که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ به اتفاق آراء تصویب شد، اجرا کنند.

۲ - از دبیرکل درخواست می‌کند همراه با طرفین برای اجرای قطعنامه بالا تلاش هایش را شدت بخشیده و حداکثر تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ به شورا گزارش دهد.

۳ - تصمیم می‌گیرد به منظور بررسی گزارش دبیرکل و شرایط استقرار صلحی پایدار میان دو کشور طبق منشور ملل متحد، اصول عدالت و حقوق بین‌المللی، بار دیگر تشکیل جلسه دهد.

عملیات کربلای ۵

دو هفته پس از توقف عملیات کربلای ۴ در منطقه ابوالخصیب (غرب خرمشهر)، عملیات گسترده دیگری در منطقه شلمچه آغاز گردید که کربلای ۵ نامگذاری شد و به رغم ناامیدی‌های قبل از عملیات و مشکلات و پیچیدگی‌هایی که در این منطقه وجود داشت، ایران به یکی از موفق‌ترین عملیات‌های گسترده خود در طول جنگ دست یافت.

این عملیات که با هدف پیشروی به سمت بصره طراحی شده بود، به رغم شکسته شدن خط دشمن در غالب محورها و تلاش بسیار و جانبازی رزمندگان غواص و خط شکن، به دلیل هوشیاری دشمن، موفقیتی در پی نداشت و پس از ۲۴ ساعت متوقف شد. در موقعیت بسیار دشوار و پیچیده پس از این عدم‌الفتح، کار بررسی برای انتخاب منطقه‌ای دیگر و طرح‌ریزی عملیات گسترده دیگری از ۱۳۶۵/۱۰/۵ شروع شد و سرانجام در نیمه شب ۱۳۶۵/۱۰/۱۱، پس از بررسی‌ها و بحث‌های طولانی، منطقه شلمچه برای عملیات انتخاب شد و آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ دستور آمادگی برای عملیات طی یک هفته را صادر کرد و برای جلوگیری از تردید و تزلزل، بر کار آماده‌سازی و عملیات در این منطقه، به عنوان یک تکلیف تأکید نمود.

مأموریت و طرح مانور

با قطعی شدن منطقه عملیاتی، قرارگاه قدس مأموریت یافت که در مرحله دوم عملیات پس از اینکه قرارگاه کربلا جای پایی در منطقه پنج ضلعی گرفت وارد عمل شده، به طرف جنوب و غرب پیشروی

نماید. منطقه مأموریت قرارگاه قدس از طرف غرب به کانال زوجی، از جنوب به اروند رود، از شرق به نهر دوعیجی و از شمال به اولین دژ غربی کانال پرورش ماهی محدود می‌گردید. یگان‌های زیر برای انجام دادن این مأموریت تحت امر قرارگاه قدس قرار گرفتند:

"لشکرهای ۷ ولی عصر، ۸ نجف، ۱۴ امام حسین، ۲۷ حضرت رسول، ۳۲ انصار الحسین و تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم.

اکثر فرماندهان یگان‌های مأمور به قرارگاه قدس، موافق عملیات در این منطقه نبودند و موفقیتی را برای این عملیات پیش‌بینی نمی‌کردند. ولی با توجه به اینکه فرماندهی عالی جنگ، به اجرای این عملیات به عنوان "تکلیف" تأکید نمود، خود را ملزم به آماده سازی و اجرای عملیات می‌دانستند و اقدامات مناسبی در جهت آماده سازی نیرو، امکانات و منطقه عملیاتی انجام دادند.

فرمانده لشکر ۸ نجف (احمد کاظمی) در صحبتی با فرمانده قرارگاه قدس (عزیز جعفری)، گفت: "من دیشب مسئولین لشکرمان را جمع کردم و به آنها گفتم برادران می‌خواهیم برویم شهید بشویم. به آنها گفتم که قرار شده یک عده شهید شوند و خونشان ریخته شود تا کار جنگ حل شود؛ هر کس حاضر است بفرماید، هر کس حاضر نیست بیاید بگوید... ما که دلیل نداریم".

هنگامی که فرمانده قرارگاه قدس از فرمانده لشکر نجف و فرمانده لشکر امام حسین، تقاضا کرد که در امر خط شکنی در آغاز عملیات شرکت کنند، برادر خرازی با بیان اینکه ما در کربلای ۴ انهدامی زیاد داشتیم، نپذیرفت و برادر کاظمی نیز گفت: "ما ان‌شاءالله به حول و قوه الهی در این جهت [مأموریت مشخص شده] کمک می‌کنیم و در آن جهت [خط شکنی] هم کمک فکری و ذهنی و مسائلی که از دستمان برمی‌آید انجام می‌دهیم. اگر تلفات به من وارد نشده بود و مشکلات نداشتم، در امر خط شکنی گردان خط شکن من منهدم شده است خدا وکیلی کمک می‌کردم. قلبم هم روشن است برای این عملیات و این مبنا که با یک واسطه از امام گفته شده، دیگر برایمان روشن است که دیگر شهادت می‌خواهد باشد؛ هر چه می‌خواهد باشد. ما اصلاً برای پیروزی قدم برنمی‌داریم..... الان با این حالی که دارم، اطمینان ندارم که بتوانم خط را بشکنم ولی با این حالتی که دارم به من بگویند خط بشکن، خداوکیلی می‌گویم می‌روم، ولی من گردان‌های خط شکنم همه‌اش را وارد کردم، منهدم شدند".

با توجه به شروع مأموریت قرارگاه قدس در دومین مرحله عملیات، تعیین مأموریت قطعی یگان‌ها ممکن نبود. لذا طی چند جلسه به بررسی طرح‌های مختلف پرداخته شد و در آخرین روز قبل از عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۱۸)، در جلسه‌ای با حضور فرماندهان دو لشکر نجف و امام حسین، فرمانده

قرارگاه قدس ضمن پیش بینی وضعیت‌های مختلف، مأموریت این دو یگان را چنین مشخص کرد:

"در حالتی که لشکر عاشورا و لشکر کربلا آماده هستند به طرف گوشه (نوک) کانال ماهی‌گیری بپیچند، ما هم عبور می‌کنیم و خط خودمان را تأمین می‌کنیم.

در حالتی که یگان‌های قرارگاه کربلا نتوانستند عبور کنند و آن گوشه را تأمین کنند، تعداد پنج (موضع) هلالی شکل اول غرب نهر دوعیجی را لشکر امام حسین و پنج (موضع) هلالی شکل ادامه آن را لشکر نجف تصرف کرده و پاکسازی کنند و پشت آن بایستند.

در حالتی که یگان‌های قرارگاه کربلا تا کانال (۹ پل، جنوب پنج ضلعی) آمدند و نتوانستند ادامه دهند، لشکر کربلا مواضع هلالی شکل اول و دوم غرب نهر دوعیجی را بگیرد و لشکر امام حسین هم دو موضع بعد را تصرف نماید؛ لشکر نجف هم جاده آسفالت شلمچه را گرفته و پدافند کند. در این حالت باز هم در ادامه عملیات، پنج موضع هلالی شکل (غرب نهر دو عیجی و پایین جاده شلمچه) را لشکر امام حسین و پنج موضع ادامه آن را لشکر نجف باید تأمین کنند و [بدین منظور] لشکر نجف باید دو فلش بگذارد: "یکی در ادامه حرکت لشکر امام حسین و دیگری از جلو (شرق) نهر دوعیجی؛ در این حالت قرارگاه نجف باید قبلاً وارد عمل شود تا جناح چپ را تأمین نماید". ضمناً در اولین مرحله عملیات قرارگاه قدس، تیپ قمر بنی‌هاشم در احتیاط این مرحله قرار داشت.

همچنین با توجه به اینکه یگان‌های قرارگاه قدس باید از محور دو لشکر فجر و عاشورا (از قرارگاه کربلا) وارد عمل می‌شدند طی جلسه‌ای در روز قبل از عملیات، موضوع بررسی و مقرر شد که لشکر امام حسین از لشکر عاشورا و لشکر نجف از لشکر فجر عبور نمایند.

آماده‌سازی

پس از قطعی شدن منطقه شلمچه به عنوان منطقه عملیاتی، فرصت آماده‌سازی ابتدا یک هفته و سپس پنج روز اعلام گردید؛ یعنی قرارگاه و یگان‌ها باید روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ برای شروع عملیات اعلام آمادگی می‌کردند. پنج روز برای آماده سازی یک عملیات گسترده، نسبت به فرصت‌های چند ماهه‌ای که معمولاً برای این گونه عملیات‌ها در نظر گرفته می‌شود، زمان ناچیزی بود. البته با توجه به نزدیکی این منطقه عملیاتی به منطقه عملیاتی کربلا ۴، و حتی محورهای مشترکی نظیر پنج ضلعی، بوارین و... بین این دو منطقه و حضور نیروها و امکانات آماده عملیات در منطقه کربلای ۴، تا حدود زیادی مشکل کمبود زمان را حل می‌کرد. مبنای اصلی انتخاب منطقه شلمچه و در نظر گرفتن این فرصت محدود نیز همین نزدیکی و آمادگی بود. علاوه بر این، سه نکته اجرای هر چه سریع‌تر عملیات را

ضروری می‌ساخت: لزوم به کارگیری سریع نیروهای آماده نبرد، لزوم غافلگیری دشمن و ضرورت کاهش عواقب نامطلوب توقف عملیات ناموفق کربلای ۴. به هر صورت، علی‌رغم فرصت محدود و امیدوار نبودن عده‌ای از فرماندهان به موفقیت، و حتی ناباوری برخی در مورد اجرای عملیات در این منطقه، اعلام شدن "تکلیف" از زبان فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) و اقدامات پیگیر فرماندهی کل سپاه، موجب تلاش‌های همه جانبه و بی‌سابقه در زمینه آماده‌سازی شد.

به طور کلی آماده‌سازی در چهار زمینه باید انجام می‌گرفت: نیرو، امکانات و تسلیحات، مهندسی و عبور.

الف ـ نیرو

نیروهای عمل کننده، همان نیروهای آماده شده برای عملیات کربلای ۴ هستند. گردان‌هایی که در این عملیات وارد عمل نشده‌اند، آمادگی کامل دارند. دستور داده شده که گردان‌هایی که وارد عمل شده و ضربات و تلفاتی به آنها وارد شده، حتی‌المقدور با استفاده از نیروهای اعزامی جدید بازسازی و تکمیل گردند و سریع آماده عملیات شوند.

ب ـ امکانات و تسلیحات

با قطعی شدن منطقه عملیاتی، اقدام برای استقرار امکانات لازم به منظور پشتیبانی عملیات اعم از یگان‌های آتش، ترابری، تدارکاتی، اورژانس و... شروع گردید. با توجه به آمادگی این امکانات در منطقه عملیاتی کربلای ۴ و دستور خارج نکردن این امکانات از منطقه پس از توقف این عملیات، مشکل چندانی برای انتقال امکانات لازم به منطقه عملیاتی شلمچه وجود نداشت، لیکن مشکل اصلی کمبود محل استقرار بود. منطقه، وسعت لازم را برای استقرار همه امکانات و تسلیحات ضروری به نحوی که پراکندگی لازم رعایت شود، نداشت.

ج ـ مهندسی

یگان مهندسی می‌بایستی در دو زمینه اقدام می‌کرد: اول، آماده سازی مقدمات عملیات؛ مثل ایجاد مواضع توپخانه، سنگر و سوله‌سازی، جاده‌سازی عقبه و آماده‌سازی جاده اتصالی به خط دشمن. دوم، کسب آمادگی برای ورود به منطقه آزاد شده و منطقه درگیری برای پشتیبانی مستقیم نیروهای رزمنده.

مهندسی علاوه بر مأموریت‌هایی که قبل از شروع عملیات به عهده داشت، قسمت مهمتر کارش

آمادگی برای پشتیبانی نیروهای رزمنده در حین عملیات بود. پیچیدگی خطوط و زمین دشمن در منطقه شلمچه و استحکامات آن ایجاب می‌کرد تا مهندسی سرمایه‌گذاری بیشتری در این زمینه بنماید. فرمانده قرارگاه قدس بارها بر اهمیت این مسأله و لزوم به کارگیری همه امکانات مهندسی و زرهی یگان‌ها تأکید می‌نمود؛ از جمله وی چند ساعت قبل از شروع عملیات به فرماندهان لشکرهای نجف و امام حسین چنین تأکید می‌کند:

"خودتان می‌دانید که جنگ بدون تانک و بولدوزر نمی‌شود. اینجا نمی‌توانیم بدون تانک و بولدوزر بجنگیم".

به دلیل چنین اهمیتی بود که واحدهای مهندسی یگان‌ها آماده شدند تا با کمک واحدهایی از مهندسی جهاد سازندگی که در اختیار آنها قرار می‌گرفت، به پشتیبانی نیروهای رزمنده شتافته، اقدامات لازم از جمله ایجاد خاکریز و استحکامات را شروع نمایند.

د ـ عبور

یکی از مهمترین مراحل عملیات در منطقه شلمچه، عبور سریع و بدون درگیری با دشمن از منطقه آب گرفتگی بود. اگر چه این موضوع برای یگان‌های قرارگاه کربلا که در اولین مرحله عملیات وارد می‌شدند بسیار اهمیت داشت (چون شکستن خط به توفیق در آن وابسته بود)، برای یگان‌های قرارگاه‌های قدس و نجف هم که در مرحله دوم وارد عمل می‌شدند، خالی از اهمیت نبود، زیرا پیش‌بینی می‌شد انتقال سریع گردان‌های اولیه این دو قرارگاه برای ادامه دادن به عملیات قرارگاه کربلا در موفقیت عملیات تأثیر به سزایی داشته باشد.

از محور شرقی که طبق طرح مانور می‌بایست ابتدا لشکر سیدالشهدا وارد می‌شد و پس از شکستن خط، سرپل را می‌گرفت، سپس یگان‌های اولیه قرارگاه‌های نجف و قدس وارد می‌شدند در اولین مرحله عملیات به دلیل نبود راه خشکی قابل استفاده، تنها راه ممکن برای وارد شدن نیروها، عبور از آب و استفاده از قایق بود. برای مرحله دوم به دلیل احتمال باقی نماندن قایق و خشایار، تلاش برای ترمیم و گشودن جاده‌های عقبه قرارگاه‌های قدس و نجف بسیار ضروری می‌نمود، خصوصاً اگر به دلیل عدم موفقیت لشکر سیدالشهدا در تصرف سرپل، دید و تیر مستقیم دشمن از روی جاده برداشته نمی‌شد.

حفاظت و غافلگیری

اعتقاد همه دست اندرکاران جنگ بر اینکه علت اصلی عدم موفقیت کربلای ۴ هوشیاری دشمن بوده

است، ضرورت فوق‌العاده غافلگیری دشمن را برای عملیات بعدی گوشزد می‌نمود، اما بین آنچه طبق معمول غافلگیری عنوان می‌شد و عجله و شتابی که برای آمادگی و شروع عملیات وجود داشت، تناقضی آشکار بود.

با شروع اقدامات آماده‌سازی منطقه بسیار شلوغ شد. جاده‌های اصلی مخصوصاً جاده اهواز - خرمشهر انبوهی از انواع خودروهای سبک و سنگین و مهندسی و باری و... را بر روی خود تحمل کرد. در آخرین روزهای قبل از عملیات، منطقه عملیاتی به خصوص خط دوم از فرط شلوغی به گونه‌ای شد که فرمانده لشکر نجف (احمد کاظمی) آن را به بازارچه تشبیه کرده و گفت:

"اینکه خط نیست، بازارچه است! هر کجایش دشمن آتش بریزد، هدف است".

همچنین در آخرین جلسه هماهنگی، برادر کاظمی نظر خود را در مورد هوشیاری دشمن چنین بیان کرد:

"خدا وکیلی همه چیزمان را عراقی‌ها می‌فهمند. لوله توپ‌ها که از این طرف، جهت ماشین‌ها همه به این طرف، خرمشهر هم که دیگر خبری نیست. با این [برج دیده‌بانی کارخانه] پتروشیمی عراق که مثل این است که دشمن یک کمین توی آسمان داشته باشد این برای من روشن است که دشمن می‌داند".

فرمانده قرارگاه قدس سعی می‌کند که در این نظر تردید ایجاد کند، لذا می‌گوید:

«معلوم نیست، این را نمی‌توانی بگویی»

با وجود همه شواهدی که نشان دهنده هوشیاری دشمن و در صد ناچیز غافلگیری او بود، دو موضوع در غافلگیری دشمن اهمیت زیاد داشت:

سرعت عمل:

هر چند دشمن از طرق مختلف به خوبی متوجه اقدامات و تحرکات خودی در منطقه شده بود، ولی در طول جنگ به خصوص سه چهار ساله اخیر سابقه نداشته که دو عملیات گسترده به فاصله زمانی کوتاهی از یکدیگر انجام شده باشد، به ویژه پس از عملیات ناموفق کربلای ۴، که از نظر دشمن ضربه سختی به اردوگاه خودی وارد شده و تا مدت‌ها توان روحیه عملیات برای ما باقی نگذاشته است. دشمن اگر تحرکات چند روز قبل از عملیات را نقل و انتقالات پس از عملیات کربلای ۴ تلقی نمی‌کرد، حداقل هرگز انتظار نداشت ما در کمتر از دو هفته آماده عملیات گسترده دیگری شویم. در نتیجه، هر چند امکان غافلگیری در مکان میسر نگردید، ولی دشمن در زمان غافلگیر شد.

وضعیت جوی مناسب:

وضعیت جوی در روزهای دوم و سوم (۱۶ و ۱۳۶۵/۱۰/۱۷) قبل از عملیات که از شلوغ‌ترین و فعال‌ترین روزهای قبل از عملیات محسوب می‌شد به گونه‌ای بود که دشمن هیچ گونه دیدی روی منطقه عملیاتی نداشت. از اوایل روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۶ آسمان نیمه ابری بود و بر اثر وزش شدید باد از جنوب به طرف شمال، غبار غلیظی سطح زمین را تا ارتفاع چند متری پوشاند به طوری که منطقه از دید دشمن در امان بود و همه برادران آرزو می‌کردند این وضعیت ادامه یابد. روز بعد هم با آنکه آسمان صاف بود، وجود غبار در سطح زمین همچنان تحرکات خودی را از دید دشمن می‌پوشاند.

در آن دو روز هواپیماهای شناسایی دشمن امکان هیچ گونه فعالیتی نداشتند و آتشی نیز اجرا نگردید.

آخرین روز قبل از عملیات هوا کاملاً صاف و بدون غبار بود و دشمن با استفاده از دید کاملی که به منطقه داشت، از اوایل صبح شروع به اجرای آتش روی محل استقرار دستگاه‌های زرهی، محورهای کار مهندسی و محل استقرار گردان‌های پیاده و واحدهای پشتیبانی نمود.

زمان بندی عملیات:

پس از قطعی شدن عملیات در منطقه شلمچه، ابتدا ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ سپس ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ به عنوان زمان آغاز عملیات تعیین گردید.

در شب ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ جلسه‌ای با حضور آقای هاشمی رفسنجانی و همه فرماندهان سپاه تا رده قرارگاه‌ها و چند تن از فرماندهان ارتش و دیگر مسئولان سپاه برای بررسی ساعت شروع حمله برگزار شد که با توجه به پیچیدگی‌های این موضوع، در بحثی طولانی، حتی آغاز عملیات در فردا شب مورد تردید قرار گرفت. مشکل اصلی بر سر راه تصمیم قطعی، وضعیت ماه بود. فردا شب آغاز تاریکی و بر طرف شدن مهتاب، ساعت ۲ بامداد بود و با توجه به مسافت طولانی که بعضی از یگان‌های قرارگاه کربلا باید تا خط دشمن طی می‌کردند، فرصت کمی تا آغاز روشنایی روز باقی می‌ماند و نیروها قبل از رسیدن به یک جا پای محکم با دشمنی روبه رو می‌شدند که آمادگی خوبی برای جنگ در روز داشت؛ مسأله مهمتر اینکه در این صورت یگان‌های قرارگاه قدس می‌بایست در روز با قوایی آماده و هوشیار روبه‌رو می‌شدند و بدین ترتیب موفقیت چندانی برای نیروهای خودی متصور نبود.

بالاخره پس از بحث بسیار و نظر خواهی آقای هاشمی از فرماندهان در مورد تصمیم‌گیری قطعی

و عدم اعلام نظر قطعی آقای هاشمی و برادر رضایی در یک بررسی دو نفره، ساعت ۲ بامداد روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ را به عنوان زمان شرع عملیات اعلام کردند. آقای هاشمی این تصمیم را چنین بیان کرد:

"ما با آقایان اینجا مشورت کردیم. با توجه به همه اظهاراتی که شده، نظرمان این است که ان‌شاءالله فردا شب انجام شود و فرماندهی آقای رضایی که حضور دارند اینجا تا لحظات آخر (قبل از عملیات) مسائل را زیر نظر دارند. اگر وضع فوق‌العاده پیش نیامد، همین طور که دستور داده عملیات انجام می‌شود. اگر ایشان تشخیص داد که خواست متوقف کند، ایشان این حق را دارند که متوقف کنند. ولی فقط ایشان این حق را دارند؛ یعنی فرماندهان دیگر این حق را ندارند...".

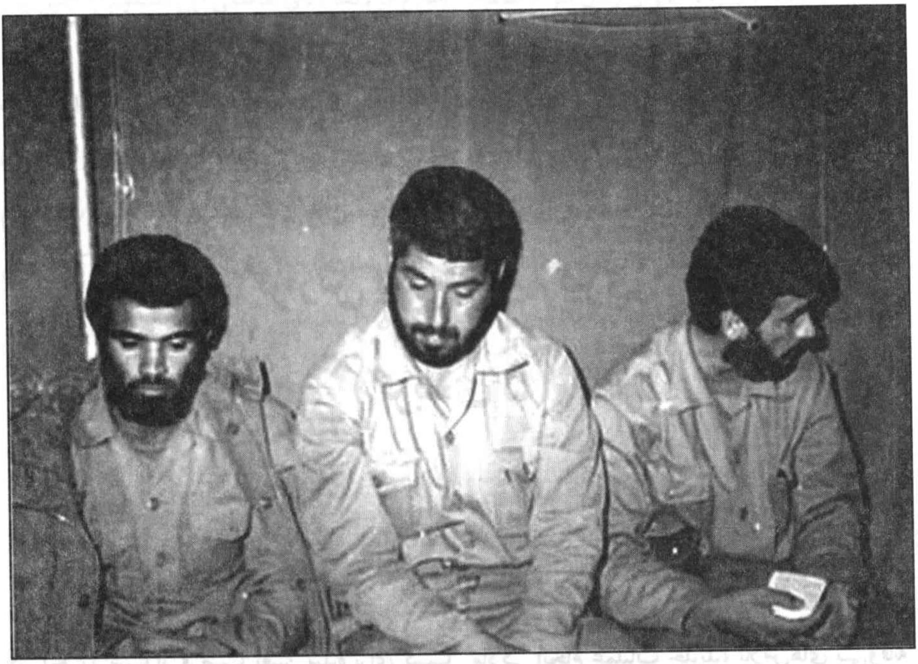
گزارش یک تصمیم‌گیری *
(کربلای ۵)

در آخرین شب از فرصت تعیین شده برای کسب آمادگی انجام عملیات جدید، تلاش‌های بی‌وقفه همچنان در اوج خود قرار داشت. گزارش‌های پی در پی که به فرماندهی کل سپاه می‌رسد، حاکی از آن است که کارها با سرعت و جدیت پیش می‌رود.

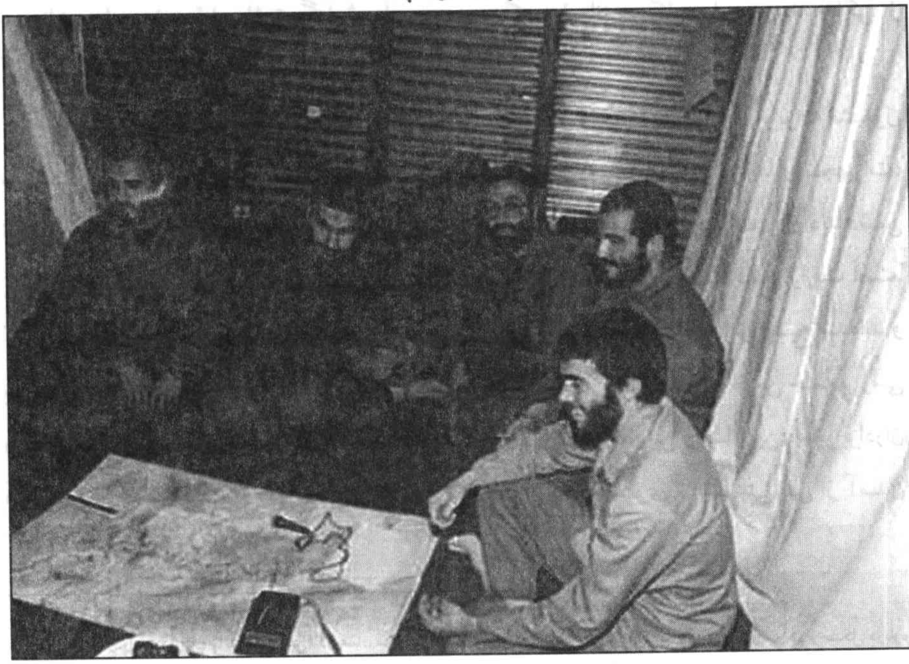
منطقه عملیاتی به شدت شلوغ و در هرگوشه آن یگان‌ها و واحدها به اقدامات مربوطه مشغول هستند. در دو روز اخیر زمین منطقه با کارهای مهندسی و جاده کشی و استقرار نیروها و تجهیزات، ناگهان به کلی تغییر یافته ولی وجود گردوغبار شدید همراه با مه، تمامی این تحرکات را از دید دشمن پوشانده است. خبر می‌رسد که در برخی نقاط حتی فاصله ۱۰۰ متری به زحمت قابل رؤیت است. کلیه کادرهای عملیاتی و فرماندهان و مسئولین برای پیگیری و سرعت دادن انجام امور بسیج شده‌اند و با وجودی که قرار است آقای هاشمی در همین شب به قرارگاه خاتم یک آمده و آخرین جلسه بررسی و پیگیری امور را برگزار کند، به جز فرمانده کل سپاه و تنی چند از معاونین و مشاورین، سایر برادران هنوز به قرارگاه مراجعت نکرده‌اند؛ حتی برادران شمخانی و رحیم صفوی تا ساعتی پس از آمدن

---

* ـ این گزارش را راوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) در همان سال ۶۵ نوشته است. در این گزارش روند تصمیم‌گیری بسیار سخت و مشکل درباره آغاز عملیات کربلای ۵ کاملاً نمایان است. برای درک بهتر متن خاطرات روزهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ دی را مطالعه نمایید.



فرماندهان سپاه



آقای هاشمی، به دنبال کارها هستند و هنوز برای شرکت در جلسه در قرارگاه حاضر نشده‌اند.

در مجموع مشکلات باقیمانده، تحت‌الشعاع اقدامات انجام شده است و وضعیت، حاکی از آن است که عملیات در زمان تعیین شده (فردا شب) انجام خواهد شد. البته این مسأله ناشی از رفتار و برخوردهای برادر محسن است و دیگران، امّا و اگرهایی در ذهن دارند که در سیر پرشتاب پیشرفت کار، چندان مجال بروز و ظهور نمی‌یابد.

حضور آقای هاشمی در قرارگاه:

آقای هاشمی دقایقی پس از ساعت ۲۲ (۱۳۶۵/۱۰/۱۷) به قرارگاه می‌رسد و قبل از آن‌که برادران حاضر شوند و جلسه اصلی تشکیل گردد، با برادر محسن به گفت‌وگو می‌پردازد. آنچه در این جلسه خصوصی طرح گردید نشان دهنده وضعیت و موقعیت از دیدگاه فرماندهی کل سپاه است.

برادر محسن رضایی طی گزارش اجمالی اقدامات انجام شده و همچنین ضمن پاسخ به سئوال آقای هاشمی و توضیحات لازم در مورد کارهای باقیمانده و تدابیر اتخاذ شده، در واقع اعلام می‌کرد مشکلات لاینحلی که منجر به توقف شود، باقی نمانده و عملیات انجام خواهد شد. قسمتی از گفت وگوهای انجام شده ذیلاً ارائه می‌شود:

گفت و گو با موضوع کمبود زمان و تراکم کارهای لازم شروع شد.

برادر محسن رضایی: مقداری عجله شده.

آقای هاشمی: چرا عجله، چند روز هم دیر شده.

برادر محسن: خشایارها حاضر نبود.

آقای هاشمی: شما که اینها را در هور به کار می‌گرفتید، دیگر چه...؟

برادر محسن: مقداری کوتاه کردن[1] پایه لاورها طول کشید و [زمان لازم برای] آموزش غواص‌ها، چون [منطقه] با هور فرق دارد و غواص‌ها باید سینه‌خیز بروند.

آقای هاشمی: اینها که آموزش نمی‌خواهد.

برادر محسن: منطقه جای استقرار یگان‌ها را ندارد و خیلی محدود است.

آقای هاشمی: قبلاً لشکرهای دیگر بوده‌اند.

برادر محسن: مشکل لشکر ۴۱ هنوز حل نشده.

---

۱ - آماده کردن نوعی قایق برای استفاده در آب کم عمق.

آقای هاشمی: ۴۱ از اول مخالف بود.

برادر محسن: حالا از همه موافق‌تر شده.

سپس اقدامات انجام شده و برخی نکات مربوط به عملیات مطرح می‌گردد.

برادر محسن (ضمن توضیح مانور و برخی نکات مربوط به یگان‌ها): یک مقداری شناسایی‌ها در روحیه‌ها مؤثر بوده، یک مقداری پل کوثری که قرار شده بزنیم، یک تعداد خشایارها به دست بچه‌ها رسیده که مؤثر بوده و یک مقدار اطمینانش بهتر از گذشته است.

آقای هاشمی: وضع بهتر شده‌ها؟

برادر محسن: لشکر سیدالشهداء یک سری شناسایی‌هایی کرده، که امیدوارکننده است؛ ان‌شاءالله. رفته‌اند تا پشت دشمن را شناسایی کرده‌اند.

برادر محسن به تلاش‌های اصلی مانور اشاره می‌کند و می‌گوید:

سه سرپل حیاتی در منطقه داریم (روی نقشه سرپل پشت کانال ماهی، نوک جنوبی کانال و جاده آسفالت جلوی شلمچه را نشان می‌دهد) برای اینکه عملیات‌مان قفل نشود، باید این سه گره با آتش توپخانه و ادوات و... حل شود و بچه‌ها بکشند داخل و حرکت پیاده و مکانیزه شروع شود و بعد در عمق جنگ سختی داریم که با آتش توپخانه و زرهی باید کار کنیم که الحمدالله آمادگی مان [از این نظر] خوبست. ۲ گردان تانک داریم، یعنی دو تا ۳۰ دستگاه، زرهی ما که راه بیافتد در قلب دشمن و اولین نیروهای ما که آنجا برسند دیگر تمام است. (امیدواری زیاد است)

آقای هاشمی: دشمن هم که زرهی دارد.

برادر محسن: عرصه بهش تنگ می‌شود، میدان مانورش تنگ می‌شود.

آقای هاشمی: چرا؟

برادر محسن: در این صورت زمین ندارد برای مانور، وقتی ما از این جاده رد شویم (جائی که از آن پس زرهی وارد می‌کنیم) دیگر با دشمن قاطی می‌شویم.

سپس گزارش تشکیل سه قرارگاه پشتیبانی در کنار قرارگاه‌های عمل کننده همراه با محسنات و پیامدهای راه‌گشای این اقدام، داده می‌شود. توضیحات برادر محسن به نحوی است که خود به خود قوت قلب می‌دهد. وی سپس اضافه می‌کند:

"به یگان‌ها گفته‌ایم تا ۴۸ ساعت روی جاده‌ها حساب نکنند برای اینکه مدام مسأله (حل نشده احتمالی) جاده مشغول شان‌می کند، گفته‌ایم که طوری برنامه‌ریزی کنند که فقط متکی به ابتکارات

عبور آبی باشند اما به مهندسی گفته‌ایم تا صبح باید جاده‌ها تمام شود.

نهایتاً جمع‌بندی این است که در عملیات زرهی توفیق خواهیم داشت، از توپخانه استفاده مؤثر خواهد شد، البته مقداری کندی در اول کار ممکن است باشد که با آتش باید حل شود، البته دشمن هم باید خیلی هوشیار نباشد که زودتر از آن که پیش‌بینی می‌کنیم، کند نشویم".

برادر محسن روی این قید آخر زیاد مکث نمی‌کند و آقای هاشمی نیز حساسیتی نشان نمی‌دهد، جلسه از این به بعد به مباحث حاشیه‌ای کشیده می‌شود و مسائلی از قبیل تراکم ۷۰ کشتی در جلوی بصره، پل متحرک سندباد که سابقاً جهت عبور کشتی‌ها بالا و پایین می‌رفت، لزوم گرفتن توپ سنگین(۲۰۳ برای کوبیدن منطقه) و (۱۷۵ جهت کوبیدن شعیبیه) از ارتش، پیش می‌آید.

برادر رحیم صفوی وارد می‌شود، امّا بعضی از برادران از جمله شمخانی هنوز نیامده‌اند و گفت‌وگوهای پراکنده ادامه می‌یابد.

آقای هاشمی (خطاب به برادر رحیم): قرارگاهتان را کجا زده‌اید؟

برادر رحیم منطقه‌ای را نشان می‌دهد و این باعث بحث کوتاهی در زمینه لزوم حضور فرماندهان در جلو و مخاطرات احتمالی می‌شود.

آقای هاشمی: چرا این قدر جلو است؟

برادر محسن: باید کنترل کنیم.

آقای هاشمی: با جلوبردن؟

برادر محمدزاده: برادرها (فرماندهان قرارگاه‌ها و لشکرها) عقب می‌آیند برای جلسه و...

برادر محسن: اگر بگویید نفربرهای ام ۱۱۳ بدهند برای فرماندهان خیلی خوبست، اینها که وصیت‌هایشان را نوشته‌اند ولی... از این نفربرها دو تا داده‌اند به من و آقا رحیم و شمخانی، خیلی مناسب است ارتباط دارد و...

آقای هاشمی: این را زیاد دارند؟

برادر محسن: اینها که گرفته‌اند برای ما صفر کیلومتر است.

آقای هاشمی از هوشیاری دشمن سئوال می‌کند و بحث عوض می‌شود و...

برادر محسن: شام خوردید شما؟

دیگر صحبتی باقی نمانده و همه منتظر جلسه‌اند، آقای هاشمی که ظاهراً در جو جلسه جایی برای نگرانی، از آن نوع که سابقاً مطرح بود، نمی‌بیند چیزی به یاد می‌آورد و می‌پرسد: رشید قبلاً موافق

نبود، الان چه نظری دارد؟

چند ثانیه مکث جلسه.

برادرمحمدزاده: اصولاً بچه‌ها تردید دارند.

آقای هاشمی: همه تردید دارند؟

برادر محمدزاده: بله، به هر حال با مشکل بودن کار و کمی وقت و...

آقای هاشمی: از چیش تردید دارند؟

برادر محمدزاده: از اینکه بشود هدف را بگیرند، مشکلات دارند چون واقعاً عملیات جدیدی شد و مدت خیلی کم است.

چند ثانیه سکوت جلسه نشان می‌دهد که به خصوص از سوی برادر محسن، تمایل و زمینه‌ای برای ادامه بحث وجود ندارد و برادر محمدزاده موضوع را عوض می‌کند.

دیشب اگر اینجا می‌آمدید، برادر محسن، کانال سلمان را کرده بود یک نهری، خیلی عجیب بود.

آقای هاشمی: آب انداخته بودند.

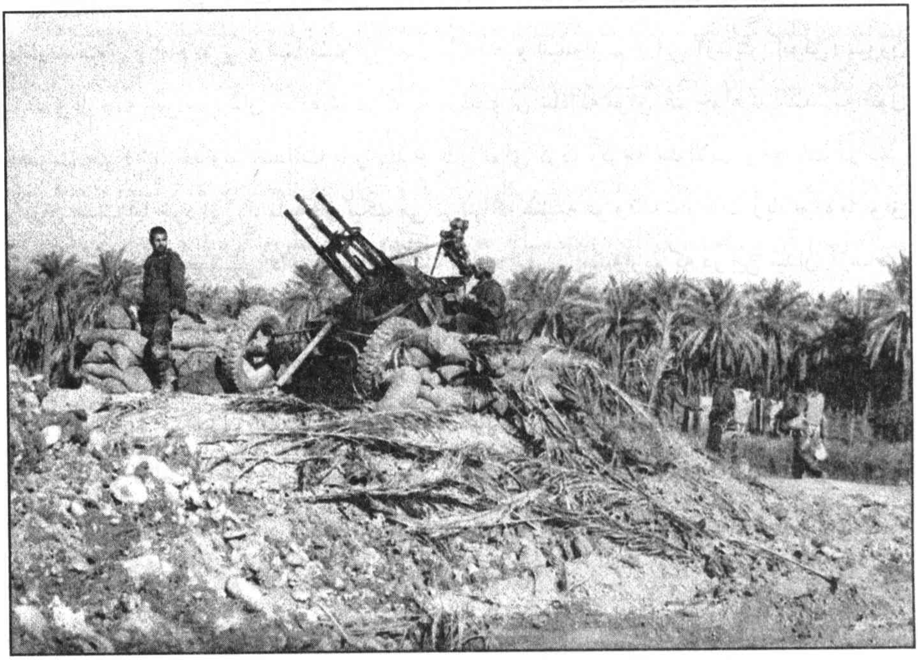
مقداری راجع به مانور خشایار و کاربرد آن و اینکه اگر ۱۵ روز زودتر می‌رسید، چه نتایجی گرفته می‌شد و... صحبت می‌شود. هنوز برخی برادران از منطقه نیامده‌اند.

آقای هاشمی: اگر جلسه طول خواهد کشید، ما یک کمی استراحت کنیم تا بچه‌ها بیایند.

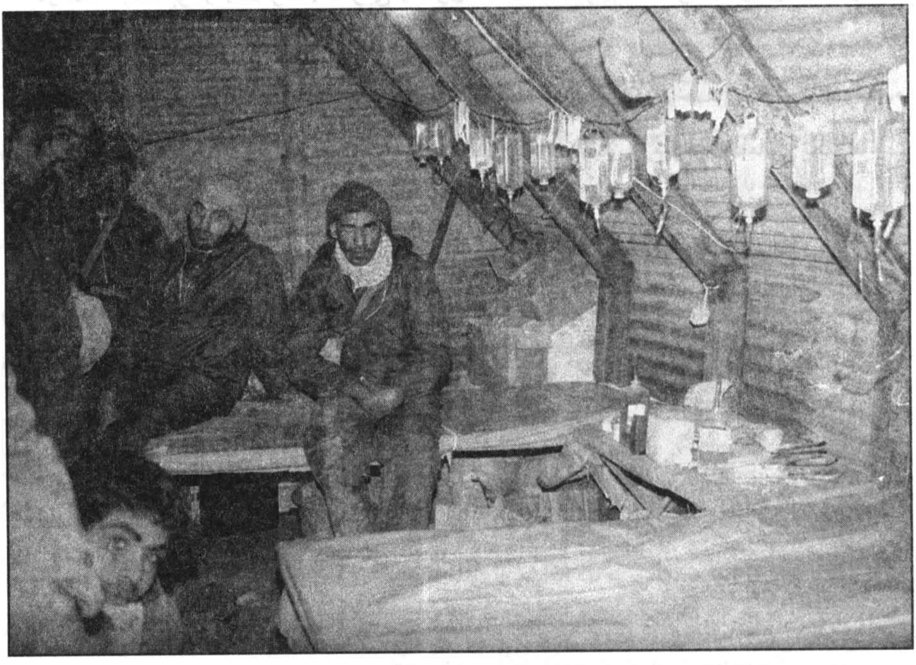
در شرایط طبیعی، نحوه شروع، ادامه و پایان یافتن جلسه نشان می‌دهد که در رده فرماندهی کل جنگ و سپاه در مورد عملیات، مسأله چندانی وجود ندارد ولی در شرایط جدید، این گونه جلسات کافی نبود و همان گونه که در مباحث ذکر شد، آقای هاشمی پس از کربلای ۴ به ورود و دخالت در جزئیات بیشتر تمایل نشان می‌داد. و در واقع جلسه بعد، که شرح آن خواهد آمد، در نظر آقای هاشمی، چیزی بیشتر از یک جلسه توجیهی بوده و حالت تعیین کننده داشت.

تشکیل جلسه

در ساعت ۲۳:۳۰، پس از حضور کلیه برادران مورد نظر در قرارگاه، جلسه تشکیل شد. پس از تلاوت قرآن، ابتدا برادر محسن رضایی به طور اجمالی از کلیات اقدامات انجام شده گزارشی داد که نشان می‌داد آمادگی‌ها به دست آمده و در برخی زمینه‌ها نیز عقب افتادگی هایی وجود دارد که تا فردا حل خواهد شد. سپس به وضع دشمن اشاره کرد که به جز تحرکاتی در ۵ ضلعی، مطلب خاصی نداشته است. برادر محسن اشاره کرد که برادران جزئیات را توضیح خواهند داد و افزود:



توپ ضد هوایی در منطقه عملیاتی



بیمارستان صحرایی در جبهه

"همه برادران دیگر به صورت جدی آماده شده‌اند. ان‌شاءالله اینجا صداقت‌شان را نسبت به خداوند متعال و امام عزیز و شما مسئولین نشان می‌دهند و امیدواریم از این آزمایش [موفق] بیرون بیایند و از همه چیز خودشان آماده شوند که بگذرند و ان شاءالله موفق هم خواهند شد. به قول حضرت امیر (ع): خداوند صداقت ما را دید و ما را موفق کرد، اگرچه سئوالات و ابهامات در ذهن برادران هست اما خود این را، ما به فال نیک می‌گیریم. که همیشه هر وقت سئوالات زیاد بوده ما موفق بوده‌ایم و هر وقت خوشبینی داشته‌ایم با شکست مواجه شدیم. امیدواریم که در این میدان آزمایش همه‌مان روسفید بیرون بیاییم و بتوانیم یک حداقل کاری را انجام بدهیم".

نحوه شروع جلسه نشان دهنده مساعد بودن وضعیت است و امیدواری فراوانی را نشان می‌دهد، آقای هاشمی نیز در همین زمینه می‌گوید: "تشکر داریم از برادران که علیرغم فترتی که پیش آمد، روحیه‌ها را و تسلط بر خودشان را حفظ کردند و سریعاً برای ادامه کار آماده شدند. با ادله قطعی قرآنی، ما با آمادگی که در برادران‌مان می‌بینیم، مستحق نصر خداوند هستند (ان شاءالله حضار) هر چه خداوند تقدیر کرد، ما تابع همان هستیم و آن را خیر خودمان می‌دانیم. با ادله قرآنی زمینه نصرت الهی را درک کردید، ان‌شاءالله خداوند نصرش را نازل می‌کند".

در ادامه جلسه برادر [غلامرضا] محرابی [مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا] دربارهٔ وضعیت و تحرکات دشمن، شناسایی‌های انجام شده و وضعیت عمومی منطقه به خصوص آب گرفتگی، مفصلاً توضیح می‌دهد و به سئوالات آقای هاشمی پاسخ می‌گوید و سپس برادر [احمد] غلامپور [فرمانده قرارگاه کربلا] پیرامون مأموریت قرارگاه کربلا و مسائلی چون سازمان رزم قرارگاه، مانور یگان‌ها و... گزارش مبسوطی ارائه نمود.

تا پایان گزارش برادر غلامپور که حدود یک ساعت از شروع جلسه می‌گذرد، روال جلسه عادی و متناسب با مضمون گفت وگوهای قبلی و شروع جلسه است و تنها در آخرین گزارش فرمانده قرارگاه کربلا، مقداری دربارهٔ کانال زوجی و نحوه پدافند در آن و پیش بینی‌ها و احتمالات مربوطه بحث می‌شود و مختصر ابهامی باقی می‌ماند به نحوی که آقای هاشمی با مختصر امّا و اگرهایی اشاره می‌کند که حالا بقیهٔ برادران هم بگویند که مهمترین مسأله همین پایان کار اینجا است.

به خلاف آنچه تاکنون از مفاد جلسه حاصل می‌شد، با شروع گزارش برادر [عزیز] جعفری [فرمانده قرارگاه قدس] و توضیحات وی راجع به مانور و مشکلات مربوطه، به تدریج جو جلسه تغییر می‌یابد. قبلاً برادر جعفری، وقتی از زمان حضور مجدد آقای هاشمی در منطقه مطلع شده بود، به اطلاع برادر شمخانی [فرمانده نیروی زمینی سپاه] می‌رساند که وی تصمیم دارد با آقای هاشمی راجع

به مسائلی که نسبت به عملیات در ذهن دارد، صحبت کند، لیکن فرصتی فراهم نشد و ظاهراً همان مطالب در قالب گزارش توضیح مشکلات در همین جلسه طرح گردید و باعث شد روال بحث‌ها تغییر کند. نکته مهم اینکه آقای هاشمی، برخلاف جلسات قبل، این بار روی ابهامات می‌ایستاد و بحث می‌کرد.

برادر عزیز جعفری پس از آنکه مانور کلی قرارگاه و یگان‌های تحت امر را توضیح داد، به عبور مسأله زمان آن پرداخت، در این رابطه مسأله عقبه و ترابری نیرو مطرح گردید و نتیجه این شد که عملیات به روز خواهد کشید حتی اگر غافلگیری هم باشد و دشمن در مواضع آماده خود تا آن زمان استقرار خواهد یافت و نیروهایش را پس خواهد زد.

پس از حدود ۲۰ دقیقه از گزارش برادر عزیز جعفری که ضمن آن بعضی برادران نیز سئوالات و توضیحاتی داشتند، آقای هاشمی به نتایج جدیدی می‌رسد و اولین آثار نگرانی و تزلزل در این زمان ظاهر می‌گردد.

آقای هاشمی: شما با همه محاسباتی که دارید، می‌گویید اگر در وضع فعلی بخواهد عملیات شود، روز وارد عمل خواهید شد.

برادر جعفری: بله، به روز کشیده می‌شود.

آقای هاشمی: روز هم که قاعدتاً نمی‌توانید اینجا بجنگید.

برادر جعفری: من مطمئنم، یعنی با این پیش بینی هایی که دشمن [اینجا کرده و با این عبور از نهرهای ما و این مواضع مسلط دشمن]، عمل در روز کار آسانی نیست و باید شب باشد.

سپس بحث به اینجا کشیده می‌شود که دشمن در چه خطوطی نیروی کامل دارد و چگونه با شروع عملیات جاهای خالی را پر خواهد کرد و اینکه از کانال‌ها و نهرها و آب گرفتگی‌ها چگونه عبور خواهند نمود و... در آخر،

آقای هاشمی: پس مطلقاً شب اول نمی‌رسد ایشان؟

برادر جعفری (با خنده): نه.

برادر رحیم صفوی: اگر آن نون شکلی‌ها را بگیرند، اگر آن گرفته شود، این‌ها شب اول می‌رسند.

برادر جعفری: بستگی دارد. من نمی‌دانم روی ساعت (س) چه تصمیمی گرفته شده، یک بحث ما وجود مهتاب است، مگر اینکه فردا شب یک ابر تاریک تاریک باشد. از آقای فضلی که امشب در جلسه سئوال می‌کردم گفت که یک محورشان چهار ساعت وقت می‌خواهد.

اکنون یک موضوع جدید به بحث اضافه شده است.

پس از گفت‌وگوهایی معلوم می‌شود که به گفته هواشناسی، امشب و فردا شب هوا نیمه ابری است و از آن به بعد، دیگر تا ساعت ۲۲ صاف خواهد بود.

بحث‌های فراوانی راجع به مهتاب، دید دشمن، دوربین مادون قرمز، ساعت (س)، وضع نیروهایی که می‌خواهند مسافت طولانی را در آب گرفتگی طی کنند، انجام می‌شود و آقای هاشمی و برادران محرابی، شمخانی، جعفری و در یکی دو مورد برادر محسن، مسائلی را مطرح می‌کنند و سپس آقای هاشمی نتیجه می‌گیرد که خوب اگر این طور که شما می‌گویید که هیچ وقت نمی‌توانیم عمل بکنیم. برای اینکه فرض می‌کنیم که الان عمل نکنید، برویم شب بیستم.[۱] آقای غلامپور می‌گوید چهار ساعت حداقل وقت لازم است تا تیپ الغدیر بخواهد خودش را به خط برساند، شما در آن شب اول غروب...

برادران توضیح می‌دهند که در آن صورت، حدود ساعت ۲۲:۳۰ می‌توان به خط زد و زمان پیش‌بینی شده برای پاکسازی برای نیروهای عبور کننده، حداقل از ۳ تا ۷ صبح فرصت عمل باقی می‌ماند امّا در ادامه بحث، مشکلات پشتیبانی محورهای دیگر و... نشان می‌دهد که حتی در این وضعیت هم امیدواری چندان بالا نیست. به هر صورت گزارش قرارگاه قدس خاتمه می‌یابد و آقای هاشمی از برادر [مصطفی] ایزدی [فرمانده قرارگاه نجف] می‌خواهد که اوضاع قرارگاه نجف را گزارش دهد امّا برادر عزیز جعفری یک مطلب دیگر را نیز مطرح می‌کند که بر نگرانی‌ها افزوده می‌شود.

برادر جعفری: مشکل دیگری هم هست و آن اینکه این دو روز هوا خیلی خوب بوده یعنی الحمدالله اصلاً دشمن روی جاده‌ها و منطقه که اصلاً دید نداشت یعنی هوا [پراز] غبار و مه بود. اگر فردا دید خوب باشد، منطقه وضعیت خیلی ناجوری دارد. خدا خدا کنیم که فردا هوا خراب باشد. همه جاده‌ها توی دید دشمن است.

آقای هاشمی که با مشکل تازه‌ای مواجه شده می‌پرسد: چرا، [مگر] فردا می‌خواهیم فعالیت مهندسی باشد؟

برادر جعفری: فعالیت باید باشد یعنی کارهای توپخانه عقب است، یک سری جاده دارند می‌زنند، یک سری امکانات بچه‌ها می‌آورند پای کار، این کارهایی که توی منطقه هست، این تحرکی که توی منطقه هست، اگر فردا خدای ناکرده دید خوب باشد، با این وضعیتی که آقای محرابی می‌گوید، دیگر

---

۱ - شب بیستم مهتاب نیست و از تمامی مدت تاریکی شب می‌توان استفاده نمود.

دشمن صددرصد متوجه می‌شود.

سپس برادر ایزدی به توضیح مأموریت قرارگاه نجف و مانور یگان‌های تحت امر پرداخت و مسأله بحث‌انگیز در این قسمت از جلسه، عملیات لشکر ۲۱ امام رضا(ع) در روی نوک بوارین بود.

برادر ایزدی: ما عمدتاً اینجا را به عنوان تک پشتیبانی در نظر داریم، با وضعیت منطقه و تسلط دشمن، امکان اینکه بتوانیم بمانیم را نمی‌بینیم. حالا فرضاً ان شاءاللّه بتوانیم بمانیم، از این سمت تقریباً غیرممکن است. با این حال گفتیم تیپ ۱۲ قائم از اینجا هم مانور بچینند برای ادامه حرکت امّا عمدتاً توجه روی عبور از لشکر ۵ نصر است (بالای بوارین).

آقای هاشمی با عمل عملیات از نوک بوارین، چندان موافق نبود و استدلال می‌کرد نیروهایی که وارد اینجا بشوند منهدم خواهند شد، اما برادر محسن روی ضرورت انجام تک پشتیبانی در این منطقه تأکید داشت و نظر می‌داد که به فرض اینکه دشمن به سرعت قادر خواهد بود که در منطقه اصلی تمرکز دهد، امکان فعال شدن عملیات نیز وجود خواهد داشت. برادر محسن در ادامه تأکید کرد: "ما باید حتماً به عنوان یک عملیات پشتیبانی آنجا عمل کنیم، ضمن اینکه این بوارین یک منطقه خیلی بزرگی است، یک کمین که نیست، دو تیپ دشمن در آن استقراردارد. اگر ما آن گوشه‌اش را نگیریم و بخواهیم از این عقب بیاییم، لقمه خیلی بزرگی است".

آقای هاشمی: نه، شما اگر این عقبش را بگیرید، خود به خود دشمن توی بوارین نمی‌ماند.

برادر شمخانی: چرا وصل می‌کند

آقای هاشمی: وصل می‌کند به کجا؟

برادر شمخانی: ام‌الرصاص، بلجانیه

آقای هاشمی: نه، به‌ام‌الرصاص پل ندارد.

برادر شمخانی: تدارک می‌کند.

برادر محسن: نه، سریع پل می‌زند، کمتر از ۲۴ ساعت، کاری ندارد، توی بیت‌المقدس همین کار را کرد (نیروهایی که برد از اینجا)، سرپل هایش هم آماده است. اینجا پل می‌زند، تقویت می‌کند و به ما فشار می‌آورد.

بحث از مسأله تک پشتیبانی دور شده و اذهان به موضوع تصرف جزیره بوارین و عکس‌العمل دشمن معطوف گردیده است، برادر محسن مجدداً مسأله ضرورت تک پشتیبانی را یادآوری می‌کند:

"این تنها پشتیبانی عملیات است، ما می‌خواستیم جزیره مینو و جزیره جنوبی عمل کنیم، این دو تا نشد، این‌ها اگر حذف شود دیگر این عملیات هیچ تک پشتیبانی ندارد".

آقای هاشمی: همین نیرویی که می‌خواهد اینجا عمل کند، جزیره جنوبی موفق‌تر است.

برادر محسن: چرا؟

آقای هاشمی: برای اینکه یک تکه از پل را هم بگیرد، آنجا عملیات جدی‌تر هم تلقی می‌شود.

برادر محسن: نه، اینجا مؤثر است، آنجا عمل کنیم، اگر بگیرد هم کاری نمی‌توانیم بکنیم، باید برگردیم، امّا اینجا اگر بگیرد قابل اتصال است.

برادر ایزدی: با وضعیتی که این جاده‌ها دارد، باید حداقل ۴۸ ساعت، ما نباید روی عبور خودرو از آن حساب کنیم. دشمن با توجه به آگاهی که نسبت به منطقه دارد، وقتی متوجه بشود که عملیات فقط در این نقطه است یقیناً همان طور که برادر محسن فرمودند، اینجا را می‌بندد.

آقای هاشمی: اینجا هم بعد از ۵ ساعت، صبح زود می‌فهمد که اینجا آن قدر نیست.

برادر ایزدی: همین فرصت برای ما مغتنم است.

برادر محسن: اینجا اگر بگیریم برای ما مهم نیست که یک کیلومتر برویم یا دو کیلومتر، مهم این است که ما برویم آن طرف نهر خین. دشمن از این وحشت دارد و تا ما را بیرون نکند همچنان در وحشت و نگرانی است. مهم این نهر ۵۰ متری است که عبور از این مشکل شده.

آقای هاشمی: فرض بر این است که لشکر نصر رسیده و عقب بوارین را گرفته، در این صورت شما از نهر خین عبور کردید اینجا، خین اینجا هم هست.

مجدداً بحث می‌شود و برادر ایزدی مجدداً به این مسأله اشاره می‌کند که باز شدن جاده ۴۸ ساعت طول خواهد کشید. بنابراین محور بالای بوارین تا این زمان وارد عمل نخواهد شد. در اینجا آقای هاشمی روی این مطلب درنگ می‌کند.

آقای هاشمی: اگر شب اول وارد نشود دیگر نمی‌تواند.

برادر ایزدی: خوب

آقای هاشمی: تحقیقاً دیگر نمی‌توانید، یعنی واقعاً اگر مانور شما این طور باشد که مصلحت نیست وارد شویم، برای اینکه فرض کنید فردا صبح ۵ ضلعی را هم گرفته باشید، دشمن از اینجا از آب و زمین نیرو می‌ریزد و عوارض به این مهمی را هم دارد، آتش هم دارد. دیگر چطور می‌توانید او را بزنید عقب؟

برادر ایزدی: حالا ان‌شاءالله که شب اول بشود ولی...

پس از چند دقیقه بحث، سرانجام با این گفته برادر ایزدی که یگان‌ها بنا بر وضعیت ادامه تک خواهند داد، گزارش قرارگاه نجف نیز بدون رفع کامل ابهامات، تمام گردید.

پس از گزارش سه قرارگاه و گذشتن حدود دو ساعت از جلسه، آقای هاشمی جلسه را با دستورالعمل زیر ادامه می‌دهد:

"خیلی خوب، حالا دورنمایی روشن است از وضع، حالا آقایان که نظری دارند صحبت کنند دیگر".

سپس نظر سرهنگ حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی ارتش را جویا می‌شود. از آنجا که وی دیر به جلسه رسیده بود، برادر غلامپور یک بار دیگر جهت اطلاع، مختصراً مانور قرارگاه کربلا را توضیح می‌دهد. سرهنگ حسنی سعدی نظر می‌دهد که اگر نیروها در همان شب اول به نهر جاسم برسند، ادامه عملیات میسر خواهد بود و لازمه این حرکت نیروها از ساعت ۷ الی ۸ شب است که فرصت کافی برای کار باشد. آقای هاشمی اشاره می‌کند که در فرض یاد شده نیز ادامه عملیات دیگر مقدور نخواهد بود و دشمن با استفاده از فرصت به دست آمده اجازه پیشروی بیشتر نخواهد داد و بایستی همان شب اول به دژ پشت کانال زوجی برسیم. سرهنگ حسنی می‌گوید که با آمادگی بعدی می‌توان از نهر جاسم به طرف جلو حرکت کرد و حتی در وسط زمین منطقه نیز در روز خود را حفظ نمود، خاکریز هم می‌توان زد و اضافه می‌کند: "به هر صورت اینکه یک شبه به نهر جاسم هم برسیم مشکل است، چه برسد به اینجا (دژ پشت کانال زوجی)".

برادر جعفری: یک شبه غیر ممکن است.

سرهنگ حسنی سعدی: فاصله ۶ - ۵ کیلومتری باقیمانده را، در شب بعد، وقتی نیروی تازه نفس پای کار است و از سر شب فرصت دارد، می‌توان عمل کرد.

برادر جعفری: ولی باز می‌رود تا یک کیلومتری، دو کیلومتری کانال باز هم عبور از کانال دوباره...

سرهنگ حسنی سعدی: بله، عبور از کانال دیگر مشکل می‌شود، مسأله می‌شود اینجا.

برادر جعفری: بایستی در یک کیلومتری کانال خاکریز زد، دوباره...

آقای هاشمی: اگر ما اینجا متوقف شدیم و نرفتیم جلو، دشمن تا شب وقت دارد نیرو بچیند.

برادر محسن: الان مشکل ما پدافند در وسط این منطقه است، این مسأله‌ای نیست خاکریز می‌زنند می‌مانند.

آقای هاشمی: نه، من می‌گویم اصلاً نمی‌گذارد برویم جلو، دیگر بیدار شده.

برادر محسن: باشد، جنگ است دیگر، یعنی او توی مواضعش نیست، ما هم وضع‌مان....

آقای هاشمی: مواضع که دارد.

برادر محسن: دیگر جاده‌هایمان باز شده و می‌جنگیم. (پس از مقداری بحث)

آقای هاشمی: اگر شب اول نگیرید آن دژ را، دیگر باید از آن صرف نظر کنیم، برای اینکه آن دژ تحقیقاً ظرف روز بعد پرپر می‌شود.

برادر محسن: حالا یک کیلومتر آن طرف ترش [حداکثر] می‌رویم می‌مانیم تا یک بازسازی کنیم.

آقای هاشمی: بله، حداکثر با یک تلفات زیاد ما... (مکث کوتاه) تا تیررس تانک (اگر ۳ - ۴ کیلومتر را می‌زند) دیگر شما نمی‌توانید خاکریز بزنید، نمی‌گذارد، تانک می‌چیند کاملاً روی آن دژ، محدودیتی هم ندارد، یک ردیف...

برادر محسن: خاکریز را که شب می‌زنیم.

آقای هاشمی: شب مگر تانک نمی‌تواند بزند؟

برادر محسن: شب می‌رویم تا خود کانال را پاکسازی می‌کنیم، یک کیلومتر پشت سرمان را خاکریز می‌زنیم، نیروها برمی‌گردند پشت آن.

آقای هاشمی: شب نمی‌تواند مزاحم خاکریز زدن باشد؟

برادر محسن: آتش می‌کند، امّا نمی‌بیند بولدوزر را که نقطه‌ای بزند. همین طور تیر تراش مرتب می‌زند، تلفات هم بالاست، مثل فاو، مثل جاهای دیگر، تلفات هم خیلی بالاست ولی معمولاً ما در صورتی که زمین را بگیریم خاکریزمان را می‌زنیم. البته دستگاه باید بتوانیم برسانیم که جاده‌ها را باز کنیم، دستگاه می‌توانیم برسانیم.

آقای هاشمی: اگر روز اول اینجا بودید دیگر یعنی جاده‌ها باز است؟

برادر محسن: بله دیگر.

برادر شمخانی: این فشار تانک و آتش که دائمی است.

برادر محسن: از اون به بعد مسأله حل است، مشکل نداریم.

آقای هاشمی: ببینید، اگر واقعاً توی...

آقای هاشمی می‌خواست نتیجه‌ای بگیرد اما باز هم ترجیح داد که نظرخواهی کند، بنابراین با یک لحظه مکث چنین ادامه داد.

"حالا آقایان دیگر نظری دارند بگویند تا یک نتیجه‌ای بگیریم، (مکث کوتاه جلسه) هر کس نظری دارد صریح بگوید، الان توی حرف هایی که آقای جعفری این‌ها زدند، مسأله مشکلات خیلی



رزمندگان در جبهه های جنگ



برایشان بزرگ است اینجا".

در حالی که آقای هاشمی با تأکید برادران را به اعلام نظر تشویق می‌کرد، برادر محسن به نحو زیر نشان داد که با روال جلسه موافق نیست و سیر مباحث را در جهت دامن زدن به تردیدها و ابهامات می‌بیند. وی عملاً یادآوری کرد که تعیین کننده شمردن مسائل برادر جعفری، که آقای هاشمی آن را به عنوان دلیلی بر ضرورت اعلام نظرهای صریح شمرده بود، درست نیست.

برادر محسن: این‌ها قرارگاه‌های ناظر هستند.

آقای هاشمی: هان؟

برادر محسن (با چاشنی خنده که موجب آزردگی برادران هم نشود،): اینها قرارگاه ناظرند، قرارگاه عمل کننده که...

آقای هاشمی: آقای جعفری که قرارگاه عمل کننده است.

برادر محسن: منظورم این است که دنبال پشتیبان هستند.

آقای هاشمی: بالاخره مسئولیت سنگینی هم دارد، یعنی این قسمت را او می‌خواهد بگیرد.

برادر محسن: آقای عزیز [جعفری] نگرانی توی این قسمت ندارد. ایشان نگرانیش این است که توی شب بتواند از اینجا (شلمچه) عبور کند.

آقای هاشمی: همین، خوب بالاخره ایشان معتقد است که شب اول نمی‌رسد.

برادر محسن(با تأکید): نگرانیش از آنجا اصلاً نیست.

آقای هاشمی: [او] معتقد است شب اول نمی‌رسد، ما هم فکر نمی‌کنیم اگر ایشان شب اول نرسد، دیگر از همین جا هم عبور نمی‌تواند بکند. دیگر از اینجا...

برادر محسن تلاش می‌کند بحث را شکل داده و از گسیختگی بیرون آورد. وی به سه نکته زیر اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که اینها از قبل هم روشن بوده است:

۱ - احتمال عدم غافلگیری وجود دارد، بحث تجربه ۵ الی ۶ سال جنگ در این منطقه است و با توجه به تسلط دشمن به منطقه از دکل پتروشیمی، برادران همه توجیه هستند این مسأله را.

۲ - اگر گیرهایی در وسط کار ایجاد شد، باید برای آن تدبیری اندیشید.

۳ - عدم اتکاء یگان‌ها به جاده‌های خشکی تا ۴۸ ساعت و فشار به مهندسی جهت بازکردن جاده‌ها طی چند ساعت اول عملیات.

برادر محسن اضافه می‌کند: "این فرضیات از اول بوده است، خوب حضرتعالی هم دستور فرمودید، برادران هم کار کردند منتهی چون زمان کم بوده یک مقدار عقب ماندگی وجود دارد ولی

برای این‌ها پیش‌بینی هایی شده است، امّا ممکن است پیش‌بینی‌ها موفق باشد یا نه".

برادر محسن سپس توضیح می‌دهد که از سه سرپل مهم منطقه (قبلاً به آن اشاره شده) دو سر پل آن حیاتی است که بایستی تأمین شود. وی پس از چند دقیقه توضیحات پیرامون نحوه حرکت و چگونگی استفاده از آتش زرهی و نحوه گسترش وضعیت و... نتیجه می‌گیرد که کار مشقات و مشکلات زیادی دارد ولی امیدواری وجود دارد. در اینجا این مسأله مطرح می‌شود که آیا زمان کافی برای گرفتن سرپل‌های مذکور و کسب آمادگی برای گسترش وضعیت وجود دارد؟

برادر محمد زاده: شما مسأله‌ای را که می‌فرمایید با زمان تطبیقش بدهید و همه ابعادش را در نظر بگیرید.

برادر شمخانی: روشنایی ماه را می‌گوید.

برادر محسن: اگر ما ساعت (۵ صبح) هم خودمان آن طرف کانال وصل بکنیم می‌شود. ضمن اینکه تیپ سیدالشهداء را که به این کمین‌ها می‌زند باید تقویت کنیم، این‌ها همه کارهایی است که باید بکنیم، یعنی این احتمالات برای همه جا هست، اینجا هم قابل پیش‌بینی بود که ممکن است اینجا گیر کنیم، خوب چکار باید کرد؟

برادر جعفری: یعنی در روز ادامه بدهیم؟ برادر محسن!

برادر محسن: اینجا در روز باید با تانک و آتش ادامه بدهیم... به هر حال عملیات مشکلی‌اش روی همین است دیگر.

اکنون قضیه تا حد زیادی روشن است، بر اساس خوشبیانه‌ترین نظرها که متعلق به برادر محسن است، با ادامه و انجام یک جنگ شدید و مشکل در روز، امیدواری به عملیات وجود دارد و برادر محسن با همین تلقی تأکید می‌کند که باید پای کار رفت.

آقای هاشمی باز هم سئوال می‌کند: آقایان دیگر حرفی ندارند؟

برادر غلامپور که مسئولیت اصلی در شروع عملیات را به عهده دارد، لزوم سرعت عمل برای رسیدن به جا پای مناسب و مشکلات عقبه و ترابری را مجدداً مرور می‌کند. وی با آن که نظر قطعی و تعیین کننده‌ای نمی‌دهد، امّا نشان می‌دهد که نگرانی‌های عمده‌ای در موارد ذکر شده دارد.

ظاهراً دیگر کسی تمایل به اعلام نظر ندارد. آقای هاشمی نظر سرهنگ لطفی را جویا می‌شود.

سرهنگ لطفی: ما صحبتی با آقای رضایی کردیم که با توجه به وسائل دید شبانه و دستگاه‌های شنود رازیت که دشمن دارد، این عملیات از اول کشف شده است. ما وقتی عملیات شبانه می‌کنیم تا زمانی که کشف نشده غافلگیری را در خود دارد، یعنی با توجه به این وسائل کشف شده است، بنابراین

باید زمان را تطبیق بدهند و برسند. یعنی باید هر چه زودتر شروع کنند، اگر به این فرصت بمانند که تاریک شود، با این زمان کم نخواهند رسید.

در ادامه سرهنگ لطفی برای رسیدن به نقاطی که لازم است به عنوان جاپا، گرفته شود به آتش و حرکت سریع خشایارها در حمل نیرو اشاره می‌کند. ولی همچنین در جواب سئوال آقای هاشمی میزان موفقیت در عبور از کانال ماهی که حرکت تهدید کننده‌ای برای دشمن است را به تعداد خشایارها و حرکت آنها وابسته می‌داند. پس از سخنان سرهنگ لطفی، نظرخواهی ادامه می‌یابد.

آقای هاشمی: شما آقای دکتر روحانی چیزی نگفتید، خوابید؟ خوابید شما؟

آقای روحانی: آن آخرش قدری من خواب بودم.

آقای هاشمی: نظری ندارید؟

آقای روحانی پس از قدری سکوت، به احداث خاکریز پیشنهادی در جلسه و نقشی که قبلاً برادران برای کانال زوجی قائل بودند، اشاره مختصری می‌کند و سپس یادآوری می‌نماید که برای ترابری نیروها در آب گرفتگی آسیب‌پذیر است و ممکن است موج اول را برساند امّا در موج‌های بعدی ایجاد اشکال کند.

واضح است که بحث‌ها به تدریج حاشیه‌ای و تکراری است و مخاطب قرار دادن افراد جلسه توسط آقای هاشمی و وادار کردن آنها به اظهارنظر نیز نمی‌تواند به تعیین تکلیف و روشن‌تر شدن وضعیت کمکی بکند، از این رو آقای هاشمی در صدد است نظرخواهی را تمام کرده و خود به صحبت بپردازد. قبل از آن سرهنگ حسنی سعدی نکته‌ای را تذکر می‌دهد: "من یک نکته را اشاره کنم، در جنوب قوی‌ترین جبهه دشمن اینجا است. باید خیلی دقیق و حساب شده کار کرد تا بتوانیم واقعاً مطمئن عمل کنیم. باید خیلی دقیق و حساب شده، درست، قدم به قدم رویش محاسبه بکنند در جهت پای کار آوردن نیرو، بعد شکستن خط، رسیدن به هدف. که ان‌شاءالله این خط را [بتوانند] تأمین کنند".

آقای هاشمی مجدداً خطاب به اعضای جلسه گفت: خوب حالا، آقایان که دیگر نمی‌خواهند صحبت بکنند، من هم بگویم یک قدری، بعد به نتیجه‌ای برسیم.

"بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اولین مطلب این است که انصافاً اشتباه کردیم اینجا نجنگیدیم. اگر به جای جنگ‌هایی که هر جا کردیم، جزیره مجنون، بدر، این شهدایی که دادیم، اینجا حساب شده شهید می‌دادیم و می‌رفتیم جلو، ارزش اینجا خیلی بیشتر از جاهای دیگر بود. حتی در عملیات متوقف شده‌مان [کربلای ۴] اگر اینجا را محور اصلی کرده بودیم، ادامه داده بودیم، اینجا بهترین جا بود.

غفلت کردیم که تا به حال اینجا نیامدیم. ما اگر یک مقدار برویم جلو و خودمان را به نهر کتیبان برسانیم اینجا را برده‌ایم. در ۲ تا ۳ عملیات تمام کرده‌ایم [برادر شمخانی: این هدف رمضان ما بود] متوقف شدیم بعد هم چشم‌مان ترسید و از اینجا رفتیم، هر جا کار کردیم چیز حسابی به دست نیاوردیم غیر از اینکه جنگ را گرم نگه داشتیم. پس اولین چیزی که می‌فهمیم اینکه باید روی اینجا کار کنیم.

مسأله دوم که مهم است اینکه اگر ما الان نخواهیم اینجا بجنگیم، معلوم نیست دیگر کی می‌توانیم بجنگیم. البته اگر بد بجنگیم خیلی ضرر می‌کنیم. یعنی اگر ما شکست بخوریم حتی متوقف هم بشویم، یعنی مثل کربلای ۴ در بیاید اینجا، برای ما خیلی ضرر دارد [اشاره به وضعیت روحی مردم و اینکه اطلاع دارند و اگر بار دوم هم شکست باشد خیلی ضربه می‌بینند] بنابراین ما می‌خواهیم عملیاتی بکنیم که حداقل فتحی داشته باشیم.

پس یکی این شد که اینجا جای جنگ ماست و از اینجا که بگذریم، جای درستی نداریم که با نیروی موجودمان بجنگیم و دوم اینکه باید به گونه‌ای بجنگیم که پیروز شویم. ما اگر فکر کنیم که اینجا نمی‌توانیم پیروز شویم این معنایش این است که ما بی‌خود به امام می‌گوییم ما اینجا می‌خواهیم بجنگیم، یعنی امام را در حقیقت فریب می‌دهیم. چون الان مهم‌ترین کسی که اصرار دارد بر جنگ، بیش از همه ماها، شخص امام هستند. امام هم متکی هستند به حرف هایی که ما می‌زنیم. دیگر که ما می‌توانیم بجنگیم و دشمن چگونه است و...".

در اینجا جلسه با مسائلی مهمتر از یک عملیات خود را رو به رو می‌بیند، از طرفی شرایط به گونه‌ای است که نمی‌توان شروط ذکر شده را [انجام عملیات در این منطقه با تضمین پیروزی] با هم الزاماً تعهد نموده و از طرفی هرگونه نتیجه‌گیری، جز آن که ذکر شد، معنا و مفهومی یافته است که کسی بدان راضی نیست. آقای هاشمی که این را برای اولین بار است به این شکل مطرح می‌کند، در ادامه موضع برادران سپاه را تأیید می‌کند اما قوی کردن همت و برنامه‌ها را به عنوان ملزومات این موضع ذکر می‌نماید: "اگر حالا که شما این همه نیرو و امکانات به دست آورده‌اید، نتوانید بجنگید، حتماً چند ماه دیگر بدتر از این خواهد شد، دشمن قوی‌تر از حالا می‌شود و ما قوی‌تر نمی‌شویم. آقایان که جای بهتری سراغ نداشتند. ما توی آن جلسه بحث کردیم و البته همین آقایان هم هستند که باز هم می‌گویند ما باید بجنگیم، یعنی هیچ راهی غیر از جنگ، می‌گویند ۲۰ سال می‌جنگیم، حق هم با آنهاست ما باید بجنگیم و اگر از این جنگ پیروز بیرون نیاییم خیلی ضرر می‌کند انقلاب. خوب، باید همت‌ها را قوی کرد، باید برنامه را قوی کرد بجنگیم".

سپس مباحث قبلی در مورد عملیات توسط آقای هاشمی به نحو زیر جمع‌بندی می‌شود: "الان مثل

اینکه مسأله رسیده به یک نقطه خیلی روشن، از حرف‌های شما من این را می‌فهمم که شما روی زمان حرف دارید، یعنی آقایان مسأله نور ماه را بیشتر به عنوان یک مانع مطرح می‌کنند که وقت کمی را به آنها می‌دهد، یعنی ۳، ۴، ۵ ساعت از شب برایشان می‌ماند".

آقای هاشمی از نتیجه فوق می‌خواهد راه‌حلی را پیشنهاد کند اما از آن به این مسأله می‌پردازد که در امر تعیین تکلیف و فرصت یک هفته‌ای که لزوماً شب شروع عملیات را در وضعیت فعلی ماه قرار داده است، تدابیر اتخاذ شده توسط فرماندهی جنگ ناشی از اظهارات برادران بوده، فی‌الواقع آقای هاشمی ذکر این مطلب را برای جلوگیری از ایجاد شائبه‌هایی در اذهان برادران لازم می‌دانست. زیرا این می‌توانست یک مسأله شود که چگونه فرماندهی جنگ، خود زمان عملیات را تعیین می‌کند و خود نیز مشکلات ناشی از انتخاب این زمان را معضل اصلی می‌داند.

"این را گرچه ما توی آن جلسه قبلی گفتیم یک هفته، من تعیین کردم، ولی این متکی بود به حرفی که خود برادران بعد از عملیات کربلای ۴ زده بودید. شما آمدید و گفتید که ما در ظرف یک هفته تا ۱۰ روز وقت می‌خواهیم که همین جا بجنگیم، آن موقع هم محاسبه کرده بودید. حالا شاید آن موقع غفلت شده بود از نور ماه و این مسأله‌ای که الان هست قابل قبول است که باشد".

پس از جمع‌بندی یاد شده و طرح مسأله فوق، آقای هاشمی به نحوی که در زیر خلاصه آن می‌آید، سه وضعیت را برای انجام عملیات مطرح کرد تا روی آن بحث شود و یکی از آنها به عنوان راه‌حل انتخاب گردد:

"۱ - یک راه همین است که تصمیم گرفته‌ایم، همین را عمل کنیم یعنی بعد از مهتاب.

۲ - در مهتاب و از اول شب وارد عمل شویم، در این صورت باید ببینیم اینکه دشمن بیشتر می‌بیند یا کمتر می‌بیند ما را، چقدر مؤثر است روی برنامه‌های ما.

۳ - فرض سوم - که توی ذهن و اظهارات خیلی از آقایان این طور دیده می‌شود - این است که بگذاریم برای زمانی که ما از سر شب بتوانیم از تاریکی استفاده کنیم که از ۱۰ روز دیگر، زودتر نمی‌شود. در فرض سوم شما یک امتیازی به دست می‌آورید ولی احتمالاً امتیازات زیادی را از دست دست می‌دهید. منجمله الان خبر عملیات شایع شده و خود من موارد زیادی را شاهد بوده‌ام، اگر اینجا هم لو برود که احتمال لو رفتنش کم نیست شما نفعی که از مهتاب به دست می‌آورید با هوشیاری دشمن از دست می‌دهید. به علاوه ما واقعاً الان امنیت نداریم. عراق احتمال دارد همین فردا به جایی حمله کند، مثل سومار و یا فاو یا جایی دیگر، همین الان حملات هوایی به ما می‌شود، توی کربلای ۴ مردم یک ضربه روحی خورده‌اند، پس فردا هم با خبر شوند که عراق آمده صدتا اسیر گرفته، یک

ارتفاعی جایی را هم از ما گرفته، آثار بدی دارد. آن وقت ما باید دنبالش کشیده شویم، نیروهایمان را هی برداریم برویم آنجا...، این خطرها را هم دارد. آقایان این سه راه اول انتخاب شد. ما اصرار داریم که باید تلاش این باشد که شب اول به خطی برسیم که منجر به برگشت‌مان نشود، حالت دوم را هم بحث کنید، در مورد حالت سوم هم اگر موافقت شد، از ۱۰ روز دیگر هر وقت شما الان تعیین کردید، شب مناسب را انتخاب می‌کنیم".

با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فوق و مطالبی که در حاشیه آن ذکر شد به نظر می‌آمد که جلسه شکل جدی به خود گرفته و بحث چارچوب دیگری پیدا کرده است اما در اینجا برادر محمد زاده پیشنهاد نمود که برادران در مورد هرکدام از این سه وضعیت نظر می‌دهند، درصد احتمالی موفقیت را نیز ذکر کنند که در مجموع مشخص شود که چه حالتی احتمال موفقیت بیشتری را دارد. این پیشنهاد باعث شد که مسأله تضمین پیروزی به نحو بارزتری در جلسه طرح شده و مشکلی بر مشکلات قبلی اضافه گردد.

آقای هاشمی (در پاسخ به پیشنهاد): با توجه به آن دو اصلی که من قبلاً گفتم، یعنی حتماً...

برادر محمد زاده: حتماً هم باید پیروزی...

آقای هاشمی: بله، ما واقعاً پیروزی می‌خواهیم. الان ما حتی اگر عمل هم نکنیم، همینجوری مردم را در خوف و رجاء نگهداریم بهتر است از اینکه عمل کنیم و پیروز نشویم. اگر مثلاً حمله کنیم، ما یک مقدار از دشمن منهدم کنیم و یک مقدار هم خودمان منهدم شویم، عراق این را برای خود پیروزی تلقی می‌کند، الان هر وقت عراق بتواند حمله ما را برگرداند پیروزی حساب می‌کند، همین دفعه (کربلای ۴)، بنابراین ما پیروزی می‌خواهیم یعنی آقایان که بحث می‌کنند روی این صحبت کنند که ما می‌خواهیم پیروز شویم، بهترینش این است که خیلی جلو برویم و حداقلش اینکه از این کمتر نباشد که بتوانیم ما ۵ - ۶ کیلومتر رفتیم نزدیک بصره رسیدیم، خط شلمچه را شکستیم، البته این خیلی پیروزی تلقی نمی‌شود، چون این هدف سیاسی مشخصی ندارد خیلی رویش نمی‌شود حرف بزنیم، منتهی از نظر نظامی پیروزی است. خوب آقایان بگویید تا به نتیجه برسیم.

در وضعیت به وجود آمده خود به خود بحث نمی‌تواند به صورت‌های متعارف و به شکل کلاسیک ادامه یابد و با وجود آن که چارچوب بحث مشخص است، اما مسائل مهمی که خاص این عملیات هم نیست از زوایای مختلف خود را به جلسه تحمیل می‌کند، مسائل حل نشده‌ای که در طول جنگ هرگاه زمینه‌ای یافته بروز کرده است. در اینجا نیز یک سئوال برادر جعفری جلسه را به مباحث دیگری می‌کشاند.

برادر جعفری: اول یک سئوال هم هست اگر اجازه بفرمایید.



محسن رضایی در کنار فرماندهان سپاه

آقای هاشمی: بفرمایید.

برادر جعفری: توی بحث‌های نظامی (ما)، دو تا بحث اساسی هست، یکی تدبیر و یکی توکل. سئوالم این است که مرز بین این دو چی بوده و چی هست؟ به طور مثال برای ما اصل این است که با غافلگیری حمله کنیم، از آن طرف می‌بینیم زمان کم می‌آوریم، یک تناقض به وجود می‌آید. می‌گوییم توی مهتاب حمله کنیم در این صورت هم دشمن قشنگ می‌بیند، حالا اینجا یک چیزی کم می‌آوریم، بعد این را می‌گذاریم به حساب خدا، می‌گوییم این را توکل می‌کنیم، یا مثلاً این عملیات پشتیبانی سنگین می‌خواهد، دشمن جاده‌ها را بسته، مین گذاری کرده و بریدگی ایجاد کرده، ما هم ناچاریم عمل کنیم، می‌بینیم برای پشتیبانی سریع چیز روشنی نمی‌توانیم بگوییم، البته خشایار و سطحه و... چیزهای خوبی است ولی امکان دارد به مشکلات بخورد. باز هم اینجا یک چیز روشنی نداریم، می‌گوییم ان شاءالله خدا کمک می‌کند و... به همین ترتیب باید مرز این دوتا روشن شود، این را شما برای ما بگویید.

آقای هاشمی: نه، توکل این طور نیست اصلاً. شما وظیفه دارید تدبیر بکنید، اگر نقطه ابهامی دارید رفع بکنید، ما چنین دستوری نداریم، یعنی خداوند به ما اجازه نمی‌دهد چنین توکل بکنیم. ببینید خیلی فرق می‌کند، الان شما روی اصل جنگ دارید توکل می‌کنید، در شرایطی که روس و آمریکا و

انگلیس و فرانسه از عراق حمایت می‌کنند، ما باز هم داریم می‌جنگیم این توکل است. امّا برای جنگ‌مان باید برنامه درست بکنیم.

حرفی که با شما هست این است که ببینید، تنها نیرویی که ایستاده و می‌گوید ما باید بجنگیم و اگر یک کسی یک گوشه‌ای بگوید مثلاً برویم آتش‌بس بدهیم یا... چه بکنیم، دنیا را می‌گذارد روی سرش سپاه است، یعنی بچه‌های سپاه هستند.

این نهایت قدرت ماست که الان جمع کردیم، بهترین شرایط را هم داریم، شما اگر الان نتوانید عملیات بکنید، باید بروید به امام بگویید ما نمی‌توانیم بجنگیم. یعنی رسماً مردانه قدم بردارید، همه‌تان امضاء کنید نمی‌شود با عراق جنگید. امام بنشینند ما بنشینیم، فکر کنیم ببینیم، آخر مملکت را که نمی‌شود...، ما یک انقلابی داریم، مردمی داریم، مردم را انداختیم به دردسر، همین جوری که نمی‌شود چیز بکنیم. توکل قضیه اینجاست که می‌خواهید بجنگید، خوب باید کار کنید.

وضعیت بغرنجی برای برادران سپاه به وجود آمده است، از سوئی سپاه به عنوان تنها عامل ادامه جنگ مطرح می‌شود و حتی تصمیمات امام ناشی از نحوه برخورد سپاه تلقی می‌گردد. از سوی دیگر گفته می‌شود که تنها اثر نیروهای گذشته، بعد از رمضان، گرم نگه داشتن جنگ بوده است و اساس اقدامات سپاه در رابطه با خیبر و بدر و کربلای ۴، یعنی تمامی اقدامات جمهوری اسلامی طی چند سال اخیر، زیر سئوال می‌رود. از سوی دیگر تأکید می‌شود که توان فعلی، بالاترین قدرت ممکنه جمهوری اسلامی در جنگ است و با این توان عملیات تعیین کننده و پیروز طلب می‌شود. از طرف دیگر وضعیت کشور ترسیم می‌شود، که تحمل ادامه چنین وضعی را ندارد قدرت روزافزون دشمن با اتکاء به کمک قدرت‌های بزرگ هم مزید بر علت است و هر روز که بگذرد ممکن است با اقدامات آن توازن قوا به کلی (به ضرر ما) تغییر کند به واقع در این وضعیت سرگیجه‌آور، سپاه عملاً به انتخاب یکی از این دو راه مخیر و موظف می‌شود:

۱ - ادامه و پافشاری بر مواضع قبلی در مورد ادامه جنگ، که در این صورت بایستی در همین منطقه و در یکی از سه حالت ذکر شده عملیات داشته باشد، آن هم با تضمین پیروزی.

۲ - قبول پایان جنگ با اعلام این مسأله که نمی‌توان با عراق جنگید.

آقای هاشمی به عنوان فرماندهی عالی جنگ «به نیابت از امام» خود نشان می‌دهد که با راه اول موافق است امّا انتخاب را به سپاه وامی‌گذارد و می‌گوید که با حالت دوم نیز مخالفتی نخواهد داشت و در این صورت امام و مسئولین و مشخصاً خود ایشان، فکری خواهند کرد.

البته هر یک از حضار، متناسب با اطلاعات و درک و تحلیل خویش از روند قبلی و عوامل مؤثر

در به وجود آمدن وضعیت کنونی جنگ، تلقی خاص خود را از وضعیت به وجود آمده دارد، امّا جلسه تصمیم‌گیری برای عملیاتی که قرار است فردا شب انجام شود، محیط مناسبی برای پرداختن به مسائل و مشکلات اساسی و استراتژیک جنگ نیست به خصوص که سپاه و فرماندهی آن هنوز زیر بار فشار و ضربه کربلای ۴ قرار دارند. به هر صورت از سوی برادران مطلبی در رابطه با مسائل ذکر شده ابراز نمی‌گردد و تنها برادر جعفری می‌گوید: "حاج آقا، این جوری هم که می‌فرمایید (با چاشنی خنده) ببخشید ما مجبور می‌شویم که اینها [اشکالات] را فراموش کنیم، بگوییم می‌شود بجنگیم و [بدون حل مسائل] برویم بجنگیم، چون ما می‌خواهیم بجنگیم".

آقای هاشمی: نه، من واقعاً نمی‌خواهم بگویم...

برادر جعفری: شما ما را در فشار قرار می‌دهید، بعد [نتیجتاً ما هم] هیچ چیز نمی‌گوییم...

آقای هاشمی: من واقعاً این را نمی‌خواهم بگویم، لذا با اینکه قاطع گفته بودم ظرف یک هفته عمل کنید، الان که می‌بینم حرف دارید، گفتم باید یک راهی پیدا کنیم. شما الان قدرت، نیرو و امکانات دست‌تان است بروید راه پیدا کنید که درست بجنگید. نشستیم بحث می‌کنیم برای اینکه راه پیدا بکنیم. خوب و این طور فشار لازم نیست. درست هم نیست، چون بچه‌های مردم دست ما هستند که ما نباید آنها را، درست هم نیست، شکست بدتر است، الان [اگر] ما یک شکستی بخوریم، همه دشمنان‌مان را شاد می‌کنیم و روحیه می‌دهیم و خودمان را ضعیف می‌کنیم. ما اصلاً نمی‌خواهیم واقعاً شکست بخوریم و اصلاً نمی‌خواهیم کار ضعیف بکنیم، این تحقیقات جناب عالی است.

آقای هاشمی در وضعیت به وجود آمده لازم می‌بیند که مواضع برادران سپاه را(به نحوی که ذیلاً می‌آید) تأیید و تأکید کند و نشان بدهد که خود این مواضع ایجاب می‌کند که با قید پیروزی حتمی، یکی از سه راه یاد شده برگزیده شود. البته در پایان اضافه می‌کند که اگر راه چهارمی هم وجود داشته باشد که زمان نبرد، حاضر است آن را بشنود. به هر حال ایشان در ادامه سخنان خود مطالب زیر را اضافه می‌کند: "ولی من به شما می‌گویم که من هم مثل شما هستم، من هم الان معتقدم که غیر از پیروزی (در جنگ) هیچ راهی نداریم. ما اگر بخواهیم جنگ را بدون پیروزی تمام کنیم شکست خورده‌ایم، یعنی جواب مردم را نمی‌توانیم بدهیم. ما پنج سال است داریم می‌گوییم سقوط صدام، امام دارد می‌گوید، ما داریم می‌گوییم، شما دارید می‌گویید سقوط صدام و در این پنج سال، بعد از فتح خرمشهر این همه شهید دادیم، این همه خسارت بار آوردیم، حالا بخواهیم یک دفعه رها کنیم اصلاً توی دنیا زیرپای انقلاب سست می‌شود. به علاوه صدام دیگر نمی‌گذارد توی منطقه چیزی پا بگیرد.

تحقیقاً ما راهی غیر از جنگ نداریم، من هم با نظرات شما موافقم اما فکر می‌کنم این طور هم

نیست که ما نتوانیم، بالاخره ما باید تدبیر کنیم و راه مختلف پیدا کنیم و من خیال می‌کنم جای جنگ واقعی همین جاست".

در ادامه آقای هاشمی مجدداً توضیح می‌دهد که مناطق دیگر یا ارزشی ندارد (مثل سلیمانیه) که فرضاً اگر هم آن را بگیریم چیزی نیست و صدام سقوط نمی‌کند یا اینکه تا بخواهیم برویم و در آنجا و آماده شویم، وضعی شبیه یا بدتر از همین جا را پیدا می‌کند (مثل هور و...) و تأکید می‌کند که هر متر اینجا به اندازه یک کیلومتر جاهای دیگر ارزش دارد. در آخر با ذکر مطالب زیر دستور جلسه تعیین می‌گردد:

"حالا در این سه راه یکی را انتخاب کنند. آقایان، البته آن جلسه هم گفتیم که اگر جای بهتری دارند بگویند، ما راه را نبسته‌ایم، منتهی نمی‌شود یک ماه و دو ماه فرصت بدهیم بچه‌ها بروند و دوباره برگردند خانه‌هایشان، الان نمی‌شود این کار را کرد. باید با این نیرویی که الان دستمان است بجنگیم، حالا اگر جای بهتری دارید، پیدا بکنید. این سه راه هم الان وجوددارد، اگر راه چهارمی دارید ما حاضریم گوش بدهیم".

ظاهراً مباحث جلسه مجدداً به چارچوب مسائل مربوط به عملیات بازگشته است. آقای روحانی یادآوری می‌کند که فرماندهان لشکرها در جلسه قبلی تأکید داشتند که اگر زمان از ۱۰ روز (از آن تاریخ) بیشتر شود، قادر به نگهداری نیروها نخواهند بود و این مسأله از عوامل تصمیم‌گیری بوده است. به هرحال در محاسبه مد نظر قرار گیرد. سپس فرمانده قرارگاه عمل کننده (کربلا) طی بحث نسبتاً مفصلی (که خلاصه آن ذیلاً می‌آید) هر سه راه را بررسی کرد. از مجموع سخنان وی مشخص می‌شد که با وجود تلاش‌ها و فداکاری‌های بی‌حد برادران، در هر سه راه حل تناقضات و ابهامات حل نشدنی وجود دارد.

برادر غلامپور: از زمانی که شما فرمودید اینجا حتماً باید بشود، خوب ۸ روز بیشتر نگذشته، واقعیت امر این است که انصافاً برادران در این ۸ روز در حد چند ماه (به روال دیگر عملیات‌ها) کار کرده‌اند و با یک وضع بدی که سابقاً نداشتیم. (مثلاً) این بچه‌ها توی سیل‌بندها، کنار خاکریزها نشسته‌اند و پتو رویشان کشیده‌اند چون فرصت سوله ساختن نبوده است و اینکه شما هم تکلیف کرده بودید و برادرها هم رفتند و الحمدالله...

آقای هاشمی: قبل از (گفتن) من آنجا تعیین شده بود.

برادر غلامپور: بله، کار اساسی نشده بود، چون منطقه اصلی که نبود، اینجا فقط یک لشکر ما و ۱۹ فجر فعال بود، بقیه یگان‌های ما اینجا نبودند اصلاً.

آقای هاشمی: چطور نبود؟ لشکر نصر اینجا بود، تیپ امام رضا (ع) بود...

برادر غلامپور: پایین بودند حاج آقا.

(در ادامه صحبت) منطقه‌ای که کسی حضور نداشت و... الحمدالله برادرها رفتند پای کار، توپ‌ها را بردند، نیروها مستقر شدند، حوضچه‌ها را زدند و... الان توی منطقه یک غلغله‌ای است، همه چیز پای کار است، حتی گردان‌ها هم امشب می‌روند پای کار که برای فردا شب آماده شوند.

برادر غلامپور پس از اعلام آمادگی نسبی، به بررسی راه‌حل‌های پیشنهادی می‌پردازد و می‌گوید: ما متأسفانه، با یک تناقضاتی مواجه هستیم که نمی‌دانیم این‌ها را چگونه حل کنیم. الان مهتاب مشکل عمده‌ای شد برای ما، که وقت کمی را برای ما گذاشته، از طرفی وضعیت منطقه طوری است که ما نیاز به زمان کافی داریم تا جای پای مؤثر و مفیدی بگیریم و بتوانیم خودمان را، ولو در روز نگه داریم تا شب بعد ادامه دهیم. این تناقضی است که ما توی حلش مانده‌ایم. اگر بخواهیم فردا شب عمل کنیم واقعیتش این است که ما در حد قرارگاه کربلا می‌توانیم یک جای پا بگیریم امّا بعید است قرارگاه قدس و نجف بتوانند وارد شوند. وارد شدن آنها هم به این معنی است که جای پای ناقص احتمالاً گرفته شده باید تثبیت شود تا آنها شب بعد بیایند، این را بعید است آدم بتواند روی آن ضمانت بدهد.

از طرف دیگر به هر حال همه چیز رفته پای کار، اگر امشب تصمیم گرفته شود که عمل نشود و بخواهیم طولش بدهیم تا ۱۰ روز دیگر، فردا اگر هواپیمای دشمن بیاید یک عکس بگیرد کل تجمع آنجاست، اگر هم بگوییم همه برگردند که اصلاً کلی توی روحیات تأثیر می‌گذارد.

این تناقض است که ما خودمان توی حل آن مانده‌ایم. حالا (اگر هم) تصمیم بگیرید مثلاً توی مهتاب عمل بکنیم؟ یا نکنیم؟ یا چه بکنیم؟ که واقعاً این‌ها مشکلاتی است که ما الان با آن مواجه هستیم.

در واقع برادر غلامپور هیچ یک از این راه حل‌ها را با چشم‌انداز روشن و پیش‌بینی حداقل پیروزی قابل حفظ، نمی‌تواند انتخاب کند. این وضعیت قرارگاه عمل کننده و خط شکن است که تاکنون نسبت به دیگران ابهام و تردید کمتری را بروز داده بود. با این اوصاف، خطر ایجاد بن‌بست کامل در کار، به صورت تهدید کننده‌ای خود را نشان داد و پس از حدود سه ساعت بحث، نظر عناصری که مستقیماً در عملیات مسئولیت دارند، مشخص شده است.

برادر ایزدی در شب اول فقط عملیات نوک بوارین را به عنوان یک عملیات پشتیبانی که به احتمال زیاد منجر به استقرار نخواهد شد، حتمی می‌داند و چون بایستی منتظر وضعیت به دست آمده بماند در مورد بقیه مأموریت حرف چندانی ندارد، البته امیدواری به وارد شدن در عملیات اصلی در اولین شب

را نیز ندارد. برادر جعفری به طور جدی وجود ابهام و تردید را چه در گام اول و چه در گام‌های بعدی و در کل عملیات، خود مطرح کرده است.

برادر غلامپور که مسئولیت اصلی را در شروع عملیات به عهده دارد، معترف است که نمی‌داند با تناقضات موجود چه باید کرد. برادر رشید که اصلاً در صحنه مباحث حضور ندارد و ظاهراً مسائل جاری برای وی جنبهٔ حادتری یافته است. برادران رحیم صفوی و شمخانی نیز در عین اینکه در اجرائیات فعال بوده‌اند امّا در این جلسه به جز موارد معدودی آن هم در حواشی بحث، از اظهارنظر خود داری کرده‌اند و این خود علامت نامساعد بودن وضعیت است. در این میان برادر محسن رضایی نظر روشن و قاطعی برای ادامه کار نشان داده و چشم‌انداز نسبتاً امیدوارکننده‌ای را ترسیم نموده است، امّا وضعیت به گونه‌ای نیست که بتواند دخالت تعیین کننده‌ای در روند جلسه داشته باشد و آقای هاشمی خود مستقیماً با مسائل برخورد می‌کند و جلسه را هدایت می‌نماید.

به نظر می‌رسد آقای هاشمی دچار تنگناهای فراوانی ناشی از مسائل سیاسی کشور و اوضاع اجتماعی است که به نحوی به جنگ و شخص وی مربوط می‌گردد. وی هر چند در رده فرماندهی کل جنگ نظر مشخص دارد (ادامه جنگ با انجام عملیات موفق در همین منطقه و یا عدم انجام این عملیات به معنای اعلام ناتوانی در ادامه جنگ و نتیجتاً برگزیدن راه‌های دیگر) امّا تطبیق این نظر با اوضاع جاری و نظرات برادران، به نظر غیر ممکن می‌آید و همین به حساسیت بالای مسأله و لاینحل جلوه کردن آن دامن زده است.

در این میان، آن دسته از حاضرین که نقش مشورتی در سپاه دارند و یا به دعوت آقای هاشمی به همین منظور (مشورت) به جلسه فرا خوانده شده‌اند نیز، عموماً و تنها در تأیید و تأکید وجود مشکلات نظر داده‌اند و در عمل لاینحل بودن قضیه را تصدیق کرده‌اند.

پس از سخنان برادر غلامپور، به نظر می‌رسید که ادامه بحث در چارچوب یاد شده مقدور نبوده و مسائل به گونه‌ای نیست که بتوان صرفاً سه راه حل پیشنهادی را بررسی کرده و نتیجه گرفت.

در عمل نیز این چنین شده و طرح دو سئوال از سوی آقای عراقی و به دنبال آن طرح یک سئوال از سوی برادر محمد زاده باعث شد که مجدداً یک سلسله مسائل کلی‌تر مطرح شود. آقای عراقی ضمن ذکر مطالبی، در باب غافلگیری و هوشیاری دشمن، مهتاب و... به هوشیاری دشمن در کربلای ۴ اشاره نمود و با فرض هوشیاری دشمن که آن را محتمل خواند، دو سئوال زیر را مطرح ساخت و خاطر نشان کرد که سئوال اول باید بر مبنای اصول نظامی جواب گفته شود، امّا سئوال دوم فقط به نظر تصمیم گیرنده جنگ بستگی دارد.

آقای عراقی: [سئوال اول] اگر دشمن اینجا هوشیار باشد، که در این صورت فرقی بین مهتاب و غیرمهتاب و حتی روز و شب نباشد، جای این سئوال پیش می‌آید که ما چون می‌خواهیم پیروز هم بشویم آیا با این نیرویی که داریم می‌توانیم بر مبنای اصول نظامی موفقیت داشته باشیم؟ فرض کنید روز هم می‌جنگیم. در این حالت درصد موفقیت چقدر است؟

و اما مطلب دوم که بالاخره تصمیم گیرنده جنگ بایستی تصمیم بگیرد، این است که اگر پاسخ سئوال او این باشد که بله ما می‌توانیم موفقیتی به دست بیاوریم منتهی با تلفات بسیار بالا، آن وقت آیا مجوزی داریم برای رسیدن به هدف با فرضاً ۵۰ هزار تلفات؟

اگر این فرض (وجود هوشیاری دشمن) صحیح باشد و پاسخ این دو سئوال روشن شود، به نظر من می‌شود تصمیم گرفت.

قبل از هرگونه پاسخ و یا اظهارنظری پیرامون سئوالات یاد شده، برادر محمد زاده سئوال دیگری را مطرح کرد که پاسخ به آن قید پیروزی تضمین شده را زیر سئوال می‌برد.

برادر محمد زاده: حاج آقا با اجازه‌تان یک جمله هم بگویم. برادرهای نظامی ما اینجا هستند، [سئوال این است که] چگونه می‌توان در یک عملیات، اول پیروزی حتمی را فرض گرفت و بعد عمل کرد. من عکس این فرض [هوشیاری دشمن و جنگ در مهتاب و روز و...] را هم می‌گذارم یعنی از اول شب تاریک است، دشمن هم صد در صد غافل است [در این حالت هم] چه کسی، کدام سردار جنگی توی دنیا پیدا شده که عملیات را منحصر بکند به پیروزی و این پیروزی‌اش هم تضمین باشد؟

آقای هاشمی: [بحث] تضمین که نیست، بالاخره ما...

آقای عراقی: پیش گویی منظور نیست، بر مبنای اصول.

برادر محمد زاده: همین الان می‌بینیم که اصول...

سرهنگ لطفی: برمبنای اصول اگر بخواهیم [صحبت کنیم] چهار عامل، پیروزی را تضمین می‌کند: ۱ - برتری هوایی - ۲ - تفوق آتش - ۳ - عمده قوای برتر از دشمن - ۴ - قبول تلفات، این اصول نظامی است.

آقای عراقی: ۵ - استقامت.

سرهنگ لطفی: آن یکی از فرعیاتش است ولی چهار عامل حاکم است: ۱ - کسی که حمله می‌کند باید برتری هوایی داشته باشد، اگر نداشته باشد نباید حمله کند. ۲ - باید برتری آتش داشته باشد، اگر نداشته باشد می‌کوبند او را. ۳ - برتری توان رزمی نسبی، یعنی سه بر یک حمله کند، این را اصول می‌گوید. ۴ - قبول تلفات. حمله جنگ است.

عملیات بنابر آنچه در جلسه خواه ناخواه مطرح گردید، با شرط پیروزی کاملاً منتفی بود، فقط نقطه امید کمرنگی روی مسأله غافلگیری باقی می‌ماند که سرهنگ لطفی آن را هم به عنوان امری که بتواند تضمینی داشته باشد منتفی می‌دانست. گذشته از اظهارات سرهنگ لطفی در مورد غافلگیری، سخنان برادر شمخانی به‌کلی این مسأله را منتفی کرد، چیزی که آقای هاشمی نیز آن را تصدیق نمود.

برادر شمخانی: این را همین الان ما حاضریم زیرش را امضاء کنیم. با این وضعیت که توان‌مان و کلیت ما دارد، در هیچ نقطه از جبهه، در هیچ زمان، اگر این وضعیت را داشته باشیم، اصلاً نمی‌توانیم غافلگیری را رعایت کنیم. دشمن حتماً کشف می‌کند.

آقای هاشمی: کاملاً دیگر ما نمی‌توانیم غافلگیری را رعایت کنیم.

در اینجا برادر شمخانی، در زمینه به دست آمده، به توضیح نقش غافلگیری و چگونگی آن در وضع فعلی جنگ و سپاه می‌پردازد و ضمن آن به برخی مسائل که همیشه مبتلا به جنگ و سپاه بوده است نیز می‌پردازد. وی سخنان خویش را چنین ادامه می‌دهد: "غافلگیری یکی از اصول مهم و لاینفک پیروزی ماست. به طور قطع برای ما روشن است که بدون غافلگیری، توان پیروزی ما به شدت پایین است. به دلیل تفوق هوایی دشمن، تفوق آتش و تفوق نیرو. دشمن هر جا تمرکز قوا بدهد ما هجوم کننده هستیم و او سه بر یک با ما می‌جنگد. غافلگیری انواع و اقسام دارد، غافلگیری در زمان، غافلگیری در مکان و غافلگیری در تاکتیک. ما در تمام جنگ‌هایی که کرده‌ایم فقط در یک جا توانسته‌ایم غافلگیری در سه بعد را بر دشمن تحمیل کنیم آن هم در فاو بود. در عملیات‌های دیگر نظیر فتح‌المبین غافلگیری در تاکتیک داشتیم. در فاو هم اگر دشمن ۱۵ روز جنگ خودش را ادامه می‌داد، یعنی زمینش برای ادامه جنگ مساعد بود و از نظر سیاسی شرط چهارم، یعنی تلفات بیشتر را می‌پذیرفت، قطعاً ما را از فاو عقب می‌راند.

البته این وضعیت، وضعیت ۷ سال جنگ است. ما اگر سال ۵۹ تصمیم می‌گرفتیم که این وضعیت را دچار نشویم [می‌شد]. کما اینکه صدام تصمیم گرفت دچار این وضعیت نشود و امروز به همین دلیل می‌تواند محکم صحبت کند. به این دلیل است که ۷ سال روی جنگش برنامه‌ریزی کرده است. ما عقب ماندگی ۷ ساله را در سال ۶۵ نمی‌توانیم حل کنیم.

البته این تحلیل سیاسی است ولی در رابطه با وضعیت نظامی: ما امروز هم هر جا بخواهیم قدم بگذاریم باید بلدوزر کار بکند. همین الان وقتی بلدوزرمان دارد اینجا کار می‌کند، فاومان مانده است، و یعنی قاسم سلیمانی و مرتضی قربانی می‌گوید آقا خط شن ندارد. من نمی‌توانم به مهندسی بگویم شن ببر، چون می‌گوید من کمپرسی ندارم. یعنی ما هرگز نمی‌توانیم هم‌زمان دو زمین را آماده کنیم.

الان زمینی که از دشمن گرفتیم کجاست؟ یکی جزیره است و یکی فاو. چند سال است جزیره را گرفته‌ایم و یک سال و نیم هم فاو را. تا این لحظه ما مسأله جزیره و فاو را نتوانستیم حل بکنیم.

همین منطقه عملیاتی (کربلای ۴)، گزارش هایش هست، همان شبی که عملیات کردیم قبضه‌هایمان توی موضع نبود. همین الان اگر فردا باران بارد هیچ یک از این جاده‌ها قابل استفاده نیست. برادرها عمق دشمن را گفتند، توان مهندسی ما این است.

برای ما غافلگیری با این توان و با این استعداد امر محالی است. غافلگیری شرایطی دارد. می‌شود رعایت کرد البته اگر ما این وضعیت را نمی‌داشتیم".

برادر شمخانی درباره موضوع مورد بحث (حرکت در مهتاب یا...) اضافه می‌کند: "امّا این هم به این مفهوم نیست که ما توی دید دشمن برویم هجوم بکنیم. یعنی اگر با دوربین دید در شب ما را ببینند به تعداد دوربین‌هایی که دارد احتمال دیدن ما هست، امّا اگر توی ماه روشن برویم طبیعی است هر چشمی که روی دژ باشد ما را می‌بیند، تمام چشم‌هایی که روی دژ باشد ما را خواهند دید. این بالا و پایین بودن میزان موفقیت است".

پس از چند دقیقه مباحث پراکنده برادران، پیرامون غافلگیری و شکستن خط، برادر شمخانی می‌گوید: این نتیجه را می‌شود گرفت حاج آقا که اگر فردا شب نتوانیم خط را بشکنیم، ۱۰ شب دیگر قطعاً نمی‌توانیم، یعنی میزان غافلگیری فردا شب یقیناً بیشتر از ۱۰ شب آینده است.

آقای هاشمی: من هم به همین معتقدم.

برادر شمخانی: من زیر این را امضاء می‌کنم که فردا شب، احتمال شکستن خط ما بیشتر از ۱۰ شب آینده است ولی فردا شب را هیچ‌کس، هیچ فرماندهی نمی‌تواند تضمین کند، حتماً خط را می‌شکنیم.

آقای هاشمی: بنده هم آن نکته‌ای را که گفتم همین است که هر روزی که بگذرد وضع شما ضعیف‌تر می‌شود.

مجدداً بحث‌های پراکنده پیرامون غافلگیری و شکستن خط و... درمی گیرد، بیشتر نظرها نومید کننده است. مطلب کم‌کم به مسائلی چون سخنرانی صدام و نقش منافقین و احتمال حرکت دشمن در فاو یا حمله به شهرها کشیده می‌شود گویا همه ناخودآگاه از وضعیت حاکم بر جلسه مفری طلب می‌کنند، پس از مدتی آقای هاشمی می‌گوید، خوب، از بحث بیرون نرویم، برویم سراغ...

اما بحث هم کارساز نیست، مطالب تکراری می‌شود و به هنگام نتیجه گیری همان بن‌بست سابق. در ادامه مباحث، وقتی برادر غلامپور راجع به مشکلات جنگ در روز و مسلح بودن زمین منطقه صحبت می‌کند آقای هاشمی می‌پرسد: بالاخره چی؟ حالا شما نظر روشن بدهید، جمع‌بندی کنید و نظر

بدهید.

برادر غلامپور: من که گفتم خدمت‌تان، حقیقتش نظری که بخواهیم بدهیم من خدمت‌تان گـفتم، گفتم از یک طرف انصافاً همه رفته‌اند پای کار...

آقای هاشمی: دوباره همان حرف‌ها را تکرار نکنید، نظر بدهید.

برادر غلامپور: نظر که، گفتم...

برادر غلامپور قبلاً آنچه می‌توانست بگوید گفته بود ولی اکنون آقای هاشمی از او می‌خواست که نظر قطعی بدهد، چیزی که وی نه قادر به تصمیم‌گیری قاطع در مورد آن بود و نه آن را در صلاحیت خود می‌دانست، زیرا با توجه به مسیر مباحث و نحوه هدایت جلسه توسط آقای هاشمی، مسأله از حد سرنوشت مأموریت یک قرارگاه بالاتر رفته بود و مسائل پیچیده و مـهمی را بـه هـمراه داشت. ایـن وضعیت، آن هم در ساعت ۳ بامداد روز (۱۳۶۵/۱۰/۱۸) بروز اوضاع نامطلوبی را گواهی می‌داد و بایستی به ترتیبی شکل قضیه تغییر می‌یافت. برادر محسن کـه از ابـتدای جـلسه نشـان داده بـود بـا چگونگی طرح مسائل و سیر جلسه در آن شرایط، چندان موافقتی ندارد، در اینجا وارد گفت وگـو شد.

برادر محسن: اصلاً آقای هاشمی، شما نباید نظر بگیرید. برای اینکه الان موقع نظر نیست که، فردا کارمان با اینها مشکل می‌شود چون همین آقای غلامپور، فردا باید برود بجنگند و ایشان الان متزلزل شده است. ما از فردا باید فکری بکنیم و اصلاً نیروها توی منطقه هستند، این بحث مـی‌بایست یک هفته پیش صورت می‌گرفت و آن موقع بحث و صحبت می‌شد.

آقای هاشمی: یک هفته پیش هم صحبت شد.

برادر محسن: نه، هیچ صحبت نشد.

آقای هاشمی: چطور نشد.

برادر محسن: نه، این مواضع به این دقیقی صحبت نشد، شما فرمودید که ما تصمیم گرفتیم...

آقای هاشمی: ما تکلیف کردیم... (برادرها داخل صحبت هم حرف می‌زنند)

برادر محسن: الان که، تا شب عملیات که نمی‌شود تصمیم را برگرداند. این را باید تا آخـر خـط بروید.

آقای هاشمی: این تصمیم را روز قبلش شما گرفته بودید. آمدید در امیدیه و گفتید دستور داده‌ایم که تا ۱۰ روز دیگر بروند در آنجا بجنگند، گرفته بودید این تصمیم را، همه ما گرفته بودیم، خود اینها گرفته بودند، یعنی با اینها مشورت کرده بودید و تصمیم گرفته بودید.

برادر محسن: حالا این بحث را نداریم که تصمیم چه بوده، حالا... تا آنجا گفته بودیم که در اینجا [شلمچه] و هور و غرب سه قرارگاه فعال شدند [مکث، برادر محسن از پرداختن به این بحث که منطقه شلمچه را چگونه پیشنهاد کرده است منصرف می‌شود] حالا کاری به اون نداریم آنچه مسلم است اینکه تصمیم گرفته شده است و اینها پای کار رفته‌اند. اگر [همین حالا] اینجا نخواهیم عمل کنیم هیچ وقت نباید عمل کنیم، یعنی این مشکلات هست، یعنی یک طور شده که الان...

آقای هاشمی: آخر یک وقت فرمانده لشکرها حاضر نیستند و یک وقت ایشان فرمانده قرارگاه است و اصلاً قبول ندارد این را.

برادر محسن: خوب، اینها ابهاماتی است که هست، خوب مانده دیگر، قبلش باید حل می‌شد. حالا که حل نشده، الان همه پای کارند، الان هیچ تصمیمی ما نمی‌توانیم بگیریم، ما چه بگوییم به اینها، بگوییم نیروها بیایند عقب؟!

برادر محسن در حالی که روی عمل کردن نظر قاطع دارد و کار را تمام شده می‌داند اما مشکلات و عوارض احتمالی را تلویحاً متوجه آقای هاشمی می‌کند و آن را ناشی از عملکرد ایشان می‌خواند، آقای هاشمی نیز این را قبول نمی‌کند و می‌گوید که تصمیم‌گیری اعلام شده از سوی او، مبتنی بر نظرات و پیشنهادها و گزارش‌های برادر محسن و دیگر برادران سپاه بوده است. آقای هاشمی برای اثبات این مدعا برادر رحیم صفوی را به شهادت می‌خواند.

"آقای صفوی! آن شب وقتی شما به امیدیه آمدید، وقتی می‌خواستید بروید، یادتان است؟ من در دستشویی سئوال کردم که شما ایمان دارید به این، گفتید ایمان دارم".

برادر رحیم صفوی: بله ایمان داریم که این بهترین منطقه است، بله همه قبول دارند این منطقه خوبست ولی باید شرایطش را فراهم کرد برای جنگیدن، باید شرایط جنگیدن در این منطقه فراهم بشود.

آقای هاشمی: چیه شرایطش؟

برادر رحیم: یکی اینکه نیروها توجیه بشوند، زمان داشته باشند، یعنی کار عجولانه اینجا، جنگ سختی است اینجا حاج آقا، [اگر] یک کار عجولانه اینجا بکنیم برگردیم. این را باید با دقت و قوت و سرعت و...

پس از چند دقیقه گفت‌وگوی پراکنده، برادر رحیم اظهار نگرانی می‌کند که چند ساعتی به روشن شدن هوا نمانده و زودتر باید تصمیم گرفت که در صورت لزوم، منطقه سبک [تخلیه] شود وگرنه فردا با این همه نیروی بی‌سنگر و موضع در منطقه، احتمال تلفات سنگین وجود دارد. امّا با وضع

موجود رسیدن فوری به تصمیم‌گیری چیزی دور از ذهن می‌نماید. در اینجا برادر جعفری پیشنهاد مشخصی به نحو زیر ارائه می‌دهد: "ما نمی‌دانیم دشمن در اینجا غافلگیر است یا نه؟ کسی که نمی‌تواند بگوید دشمن در اینجا صددرصد هشیار است. درسته؟ ولی این را می‌توان امتحان کرد حتی تا نیم ساعت قبل از عملیات. یعنی تصمیم گرفتیم نیروها بروند پای کار، ولی به یک شرط که آن موقع این شهامت را داشته باشیم که وقتی یک ساعت مانده به عملیات، دیدیم نیروها دارند رها می‌شوند و در وسط راه مثل آن دفعه [کربلای ۴] منور زد، تیر زد و فهمیدیم دشمن هشیار است، یا از غروب متوجه شدیم که دشمن یک آتش غیرعادی دارد، دو تا بمباران کرده است و خلاصه فهمیدیم عملیات لو رفته، آن موقع بگوییم نه. یعنی نگوییم که دیگر چون حالا رفتیم پای کار ان‌شاءالله دروغ است. با این شرط می‌شود و حتی این گونه تصمیم گرفت".

برادر محسن: حالا که هیچ تصمیمی نمی‌توان گرفت.

برادر محمد زاده: آن وقت باید در مهتاب برویم دیگر، چون وقت کم می‌آوریم.

برادر جعفری: البته آن دو حالتش هست [عمل در مهتاب یا پس از تاریکی] باید بررسی شود.

برادر غلامپور: این مشکل را حل نمی‌کند، فرض کنید فردا شب خط را هم شکستیم ولی با این مشکل زمان که با آن مواجه‌ایم یعنی سه نیمه شب، چهار صبح بزنیم به خط و نتوانیم هدف‌هایمان را کامل بگیریم و برویم توی زمین دشمن و بعد بخواهیم برگردیم اینکه خیلی بدتر است.

پیشنهاد برادر جعفری در عین اینکه حاوی نکته راه‌گشایی بود، امّا نتوانسته همه مسأله را حل کند و بحث به پراکندگی کشیده شد. آقای هاشمی مجدداً از برادر رحیم نظر خواست، وی گفت که چند روز اجازه تعویق داده شود و بعد هم عمل بشود، برادر عزیز جعفری تأکید کرد که اگر نیروها را برگردانیم عملیات لو می‌رود و... مشکل باقیمانده بود برادر رحیم اشاره کرد که آقای هاشمی به عنوان فرمانده جنگ باید هر نتیجه‌ای به بار آمد را تقبل کند، برادر محسن ادامه داد که این بحثی ندارد و برادر شمخانی این مطلب را که از گره‌های اساسی کار بود به نحو زیر پیگیری و تأکید کرد.

برادر شمخانی: فردا شب مناسب‌ترین شب برای عملیات است، امّا همین‌طور که برای هیچ شبی، هیچ‌کس هیچ نوع تضمین برای پیروزی نمی‌دهد، فردا شب هم نمی‌دهد.

در میان نظرهای پراکنده‌ای که هم زمان ابراز می‌شود، برادر شمخانی در ادامه زیان تأخیر را به صورت جدی مطرح می‌کند.

"مهم این است که شما اگر ۱۰ روز دیگر بخواهید خط اول و دوم و سوم دشمن منضبط خواهد بود، بلکه آتش توپخانه، بمب‌های شیمیایی و همه را عراق می‌آورد در خط".

برادر جعفری: مگر آیه قرآن است که ما تا ۱۰ روز دیگر حتماً و در هر شرایطی باید عمل کنیم.

برادر شمخانی: اون یک بحث دیگر است.

برادر محسن: تا کی پس؟ یک ماه دیگر؟ دو ماه دیگر؟ سه ماه دیگر؟

جلسه بار دیگر متوقف شده است و برادران اظهاراتی مبنی بر این می‌کنند که اگر دستور است و حل مسائل برادران لازم نیست، این را آقای هاشمی باید بگویند و برادران هم ولو برای عاشورا درست کردن با کمال میل و با جدیت پای کار خواهند رفت. آن گونه که سیر مباحث پیش رفته است معلوم شده که اگر قرار است عملیاتی باشد، زمان آن همان زمان قبلی (فردا شب) امّا نه تنها تضمین مورد نظر آقای هاشمی پذیرفته نشده است. بلکه مسئولیت نتایج غیرقابل پیش بینی کار نیز تماماً متوجه ایشان گردیده است. از این رو لازم می‌بینند که نحوه تصمیم‌گیری و نقش برادران در این تصمیم را توضیح بیشتری بدهد و عملاً نقش برادران در این تصمیم‌گیری و نتیجتاً مسئولیت مشترک آن را یادآور شود. طرح چنین مسائلی با وجود فرصت بسیار کم و شرایط حساس، نشان دهنده درجه اهمیت و موضوع مورد نظر بازگو کننده میزان نیاز به قبولاندن این مطلب است.

علاوه بر این، آقای هاشمی که قبلاً با قاطعیت انجام عملیات را تکلیف کرده بود، اکنون خود دچار تردید شده‌است و این را نیز ملزم می‌داند حل کند تا از بروز سئوالات احتمالی در این زمینه، جلوگیری شود.

آقای هاشمی: "اگر من نظامی باشم با مجموعه اطلاعات خودم این تصمیم را روشن‌تر می‌گیرم. [الان] تصمیم‌گیری من یک مقدارش متکی است به نظراتی که از شماها می‌فهمم. می‌توانم همین طوری بگویم که بزنید و بروید. این کار را نمی‌توانم بکنم. [علت] آن که آن شب تصمیم گرفتم مقدماتی داشت. مقدماتش هم این بود که بعد از عملیات کربلای ۴، آقایان فرماندهان آمدند پیش ما و گفتند که ما تصمیم گرفتیم که در ظرف یک هفته و یا ۱۰ روز در شلمچه بجنگیم، [برای] ما هم این منطقه خوبی بود. از بعضی از آقایان هم پرسیدیم، بحث هم کردند، ارتشی‌ها هم بودند، همه گفتند خوبست. همانجا من علیرغم اینکه خود آقایان پیشنهاد کرده بودید گفتم که این، دستور تلقی بشود که دیگر بعضی‌ها [چون گفته شد که ممکن است بعضی‌ها مخالف باشند] که دیگر با قاطعیت بروید و وقت تلف نکنید. بعد هم هر چی که به من اطلاع داده شد [نشان می‌داد] واحدها [منظور یگان‌هاست] دیگر حرفی ندارند.

آن شب (۱۳۶۵/۱۰/۱۰) که آمدیم بحث کردیم، از واحدها که پرسیدیم نقطه نظر مناسبی ندادند. ضمن اینکه اینجا نظر روشنی ندادند هیچ جای دیگر هم ندادند. یعنی یک وقت افرادی هستند

که می‌گویند ما اینجا را قبول نداریم یک جای دیگر می‌رویم می‌جنگیم [اما اینها] هیچ جا را هم نمی‌گفتند، هیچ کس هم هیچ چی نمی‌گفت. [در مورد] هور هم به نحوی توضیح داده شد که ما منصرف شدیم. به آن گونه‌ای که می‌گفتند که اینجا اگر شد، یک ماه ونیم دیگر شد، اگر دیدیم شد کمی جلوتر می‌آییم، یک جای پایی آنجا می‌گیریم، اگر دشمن غافلگیر شد، چه شد، چندتا اگر داشت. من هم از طرز صحبت دیدیم که آن هم نمی‌شود. خوب این [شد] واقعاً راه را بست.

تنها جایی که بعضی‌ها با شرط قبول کردند [همین جا بود] بعضی‌ها گفتند اگر منطقه زید اضافه شود، بعضی‌ها گفتند اگر این پایین باشد، بعضی‌ها با... اینجا، با یک اگرهایی، تنها جایی بود که واحدها [منظور یگان‌هاست] قبول کردند. خوب آن شب به اینجا رسید که دیدیم باید با قاطعیت بگوییم. بعدش هم خوب مخصوصاً آقای رضایی صبح که آمدند با آقای شمخانی، آقای رضایی گفتند که بعد از جلسه ما، شب آقایان جمع شدند و کار تقسیم شد و رفتند دنبال کار، باز در این فاصله می‌فهمیم که خوب، سر زمان بود دیگر، ما یکی از عناصر مهم‌مان زمان بود که تأخیر الان برای ما خسارت نظامی دارد. همین طوری که دارید می‌بینید روز به روز دارد کشف می‌شود.

الان مسئولین و کسانی که می‌خواهند بجنگند و بچه‌های مردم را ببرند، قبول ندارند این را، یعنی بعد از یک هفته هم که کار کردند قبول ندارند. چه جوری می‌شود تصمیم گرفت؟ (مکث) آقای صفوی صریح می‌گوید که، خوب ایشان از کسانی است که تصمیم گیریش مهم است، در این قضیه می‌گوید که این جوری نه".

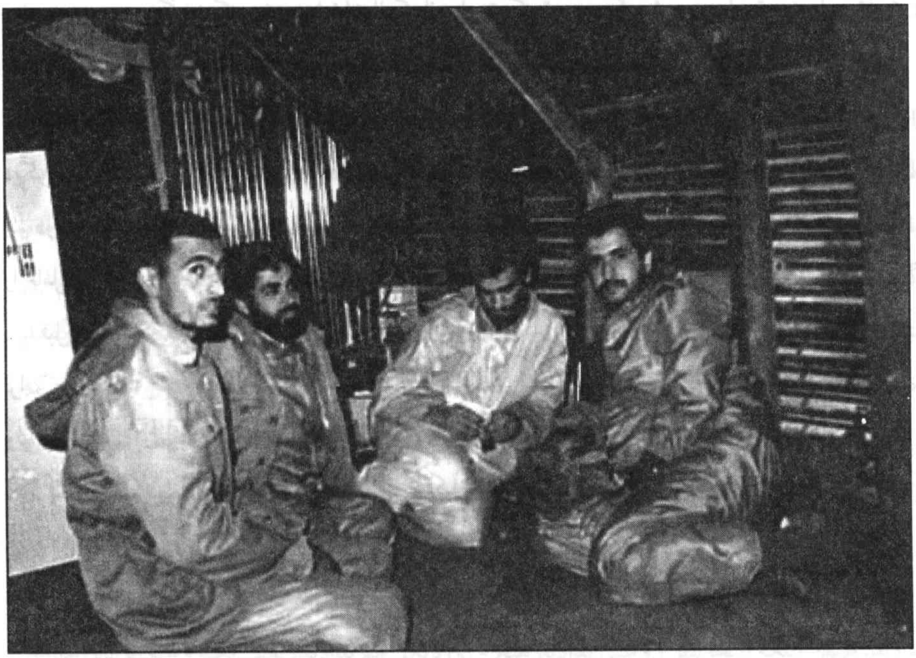
اینکه برادران که در تنگناها و بحران ناشی از عدم الفتح کربلای ۴، این منطقه را در کنار دو منطقه دیگر پیشنهاد کرده بودند، اکنون به صورت عاملی در آمده بود که برمبنای آن آقای هاشمی آنان را هم در تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف گذشته و هم در بروز تردیدهای امروز شریک دانسته و حتی آنان را عامل اصلی ایجاد وضعیت کنونی می‌دانند.

قبل از آن که انعکاسی از سخنان فوق در جلسه ظاهر گردد و یا پیرامون آن مطلبی گفته شود، برادر سنجقی به طرح مسأله‌ای پرداخت که در خلال آن مختصر اشاره‌ای به سخنان یاد شده داشت ولی بر اساس آن پیشنهاد مشخصی را مطرح کرد که می‌توانست شکل دیگری به جلسه بدهد.

ایشان گفت: در آن جلسه‌ای که در گلف تشکیل شد این طوری نبود که برادران، فرماندهان



جمعی از فرماندهان سپاه



لشکرها نظر خاصی در رابطه با منطقه عملیاتی نداشته باشند. همه در این زمینه صاحب تجربه و به منطقه آشنا بودند، امّا مسأله‌ای که شما فرمودید به عنوان یک تکلیف (مخصوصاً یکی از برادران سئوال کردند که این تکلیف است و حضرتعالی فرمودید این تکلیف است بروید وارد کار شوید) از آن موقع یک دفعه ورق برگشت.

همه با یک نیت خالص ان‌شاءاللّه و در اصل با یک قوت قلبی رفتند و مشغول کار شدند. همان شب در جلسه‌ای که بعد از آن جلسه تشکیل شد، متعهد شدند که امکانات‌شان را یک کاسه بکنند. این برادران رفتند پای کار و الحق والانصاف هم یک زحمت خیلی خیلی معجزه آسائی کشیدند.

الان به یک نقطه‌ای رسیده‌ایم که اگر بخواهیم به یک جمع‌بندی مشخصی در خلال این مشورت‌ها برسیم قطعاً نمی‌رسیم. چون میزان پراکندگی نظرات خیلی زیاد است. البته شاید بشود گفت که ما در هیچ عملیاتی نتوانیم به نقطه نظر واحدی برسیم. در خود عملیات فاو موفق‌ترین عملیات ما بود، می‌بینیم که اختلاف نظرها خیلی زیاد بود، بیش از این بود.

برادر محسن: در کجا؟

برادر سنجقی: در فاو.

برادر محسن: در فاو خوب از اول تا آخر یک نفر تصمیم می‌گرفت، اون فرق داشت. الان یک مقدار کار قاطی شده، ما در آنجا وقتی می‌دیدیم رده‌های پایین‌تر دارند مانع کار ما می‌شوند آنها را کنار می‌زدیم. تصمیم را یکی بیشتر نمی‌گرفت. الان یک مقدار قاطی شده وگرنه الان هم...

انتقاد برادر محسن از نحوه تصمیم‌گیری می‌توانست مجدداً باب بحث هایی را که به کل حرکت جنگ و سپاه مربوط می‌شود، باز کند و بار دیگر تصمیم‌گیری راجع به عملیات را به تعویق اندازد، امّا برادر سنجقی در همین جا به سخنان خویش ادامه داده و پیشنهاد مورد نظر را مطرح ساخت و گفت: "الان می‌خواهم به همین نقطه برسم که الان برادران نظرشان را داده‌اند، حضرتعالی [خطاب به آقای هاشمی] اگر خواستید نظر برادرها را بگیرید، نظرشان را داده‌اند و بیش از اینکه گفته‌اند دیگر چیزی ندارند. هر کس هر چه داشت الحق والانصاف رو کرد. حضرتعالی یک جلسه‌ای با آقا محسن بگذارید، به یک تدبیر برسید و تدبیرتان را ابلاغ بفرمایید که برادران بروند پای کار، دیگر کسی چیزی برای گفتن ندارد هر کس چیزی برای گفتن داشت و ته دلش بود دیگر گفته است".

مکث کوتاه جلسه نشان می‌داد که آقای هاشمی این پیشنهاد را نپذیرفته است و به دنبال آن جلسه به گفت وگوهای پراکنده ما بین برادران ادامه می‌یابد.

معلوم بود که آقای هاشمی هنوز به نظر مشخصی نرسیده است و در خلال همین گفت وگوهای

پراکنده نیز با برخی سئوالات در صدد یافتن راهی بود، امّا مطالب همچنان تکراری می‌شد و مدام نظرات و احتمالات با امّا و اگرهایی بیان می‌گردید که فقط وجود بن‌بست را تأیید می‌کرد. از جمله برادر ایزدی پس از ذکر مطالبی در مورد حفاظت منطقه و برخی کلیات گفت که همه مسائل صحبت شده و بالاخره باید تصمیم گرفت ولی وی همچنین پیشنهاد کرد که می‌توان ابری بودن هوا را به عنوان شرط شروع عملیات فردا شب در نظر گرفت [وی به صحبت برادر محسن که گفته بود به پیش بینی هواشناسی احتمالاً هوا نیمه ابری است اشاره کرد]. به طورکلی وضعیت جلسه به اینجا رسیده بود که عموماً هر برادری وقتی نظری می‌داد سئوالات آن توسط خود او با دیگران به سرعت بازگو شده و منتفی می‌گردید. این موضوع در مورد خود آقای هاشمی نیز صادق بود و نشان می‌داد که در تردید به سر می‌برند. آقای هاشمی پس از پیشنهاد و تذکر برادر ایزدی مبنی بر لزوم تصمیم‌گیری گفت: "من تردیدی که به طور جدی تردید دارم به همین جا رسیده که یک مهلت ۱۰ روزه بدهیم که یک قدری وضع مهندسی شما بهتر شود و یک قدری هم زمان شب را بیشتر داشته باشیم".

آقای هاشمی بلافاصله افزود: با این شبهاتی که مطرح می‌کنید، مخصوصاً حرف آقای سعیدی مهم‌ترینش است الان نیروهای شما می‌دانند نقطه عمل را [برادر ایزدی گفته بود تا رده دسته همه توجیه شده‌اند] در این نیرویی که شما آورده‌اید سربازهای عادی هم هستند، منحصر به بسیجی‌ها که نیست.

برادران برخی استقبال کردند امّا اشکالات مربوطه را نمی‌توانستند پاسخ‌گو باشند و برخی نیز اشکالات را با وجود تکراری بودن یادآور می‌شدند.

برادر جعفری: اینها را برگردانید می‌شود به آنها گفت به هم خورده، تمام شده.

برادر محمد زاده: این را به عنوان فریب تلقی می‌کنند و تمام شده.

برادر جعفری: برشان گردانید و بگویید که جای دیگر است.

برادر غلامپور: فقط که عامل نیرو نیست که، آنها (دشمن) عکس هوایی می‌گیرند، نیاز نیست کسی به آنها بگوید.

برادر جعفری: کافی است یک روز هوا صاف باشد یک نفر از بالای پتروشیمی منطقه را نگاه کند.

برادر غلامپور: حاج آقا، پریشب اینجا دژ بوده، فردا صبح که دشمن چشمش را باز کند جاده شده این تا خط کمین‌مان امشب جاده می‌شود، یعنی نصفش را بریده‌اند، فردا دشمن نگاه می‌کند می‌بیند، اینجا که دژ بوده جاده شده!

آقای هاشمی: به نظر می‌رسد که تا ۱۰ روز دیگر همه چیز لو می‌رود اینجا.

برادر محسن: اینکه مسلم است.

برادر نجات: توپ‌ها توی موضع رفته‌اند، اکثر خشایارها که رفته منطقه در کنار جاده‌هاست. اگر فردا هوا خوب باشد عکس هوایی همه آنها را مشخص می‌کند.

برادر نجات: اصلاً صبح از این جاده حرکت کردیم، بعد از ظهر موقع برگشتن جاده را نشناختیم، از بس موضع زده بودند، از بس سنگر درست کرده بودند، مثل اینکه همان جاده نیست.

اشکالات فراوان است و ذکر آنها می‌تواند گفت و گوی بی‌پایانی باشد و در نهایت هم به تصمیم مشخصی منجر نشود. آقای هاشمی گفت و گوها را قطع می‌کنند و می‌گویند: خیلی خوب، حالا شما چه می‌گویید آقای صفوی؟

برادر رحیم: دیگر شما با آقا محسن می‌توانید تصمیم بگیرید. اینجا دیگر اصلاً جای نظر نیست. ما حرف هایمان را زده‌ایم.

آقای هاشمی: تصمیم را آدم ممکن است برسد بگیرد. حالا که این بحث‌ها را کردیم ممکن است به یک نقطه برسیم تصمیم بگیریم. ولی خودتان بگویید که به چی می‌رسید الان. شما که صاحب نظر هستید به چی می‌رسید؟

با این چیزی که پیش می‌آید به احتمال قوی ۱۰ روز دیگر کاملاً منتفی است عملیات شلمچه. این فرض را چه جور؟ اگر این طور شد چکار می‌کنید؟

برادر رحیم: شاید هم منتفی نشود.

آقای هاشمی: به احتمال قوی منتفی است. دشمن در این ۱۰ روز این سربازهایی که برمی گردند...

برادر رحیم: چنانچه تصمیم این گونه شود، تمامی مواضع و توپخانه‌ها باید از آنجا آورده شود کنار، اطراف کارون و... تمامی کارهایی که متناسب این عقب افتادن زمان است باید انجام شود، نه اینکه توپ‌ها را ۱۰ روز بگذاریم توی موضع، همه باید برود عقب جایی که قابل عکس‌برداری نباشد.

مقداری راجع به عملی بودن این تدابیر بحث می‌شود. برخی برادران با این تدابیر نیز هوشیاری دشمن را محتمل می‌دانند امّا برادر جعفری تدابیر یاد شده را عملی می‌داند و آشکارا به عملی شدن این نظر اشتیاق نشان می‌دهد و خود در این رابطه، طرح اجراء می‌دهد. امّا آقای هاشمی یک نکته جدیدی را مطرح می‌کند.

آقای هاشمی: یک بحث دیگر هم پیش می‌آید [و آن اینکه] این نیرویی که این کار را بر سرش آوردیم، ۱۰ روز دیگر دوباره بخواهیم بیاوریم آنها را در اینجا بجنگیم، دیگر چه اعتمادی به

فرمانده‌اش دارد؟ فرماندهی که آنها را در کمپرسی ریخته و رویشان پلاستیک کشیده و آنها را آورده است، ما که دیدیم خیال کردیم گونی است.

برادر محسن: اصلاً امشب جزء عملیات محسوب می‌شود و چنانچه بگوییم عمل نشه، خود یک شکست است، از قبل نمی‌بایستی می‌شد ولی حالا که شده یک وضع خاص و اضطراری است.

آقای هاشمی (با تأنی و تأمل): مجموعه بیشتر به این طرف می‌چربد.

برادر جعفری: حاج آقا آدم یاد والفجر مقدماتی می‌افتد. من دقیقاً یادم است که تصمیم والفجر مقدماتی هم چنین حالتی بود. نیروها پای کار بودند و... دقیقاً همچنین حالتی بود و عمل شد.

این در واقع جمع‌بندی نهایی و پیش‌بینی برادر عزیز جعفری از نتیجه عملیات بود که لحظاتی حالت خاصی را به جلسه حکم‌فرما کرد، عباراتی نظیر شما یاد والفجر ۸ بیفتید، از برادر عزیز بعید است که در چنین شبی همه‌اش آیه یأس بخواند، برادر عزیز وقتی تصمیم گرفته شد از همه محکم‌تر است از حضار شنیده می‌شود و برادر عزیز گفت که اینها نباید آیهٔ یأس تلقی شود و او وظیفه خود می‌داند که بگوید. به دنبال آن لحظاتی سکوت ناخوشایندی همراه با کلماتی نظیر لااله الاالله برقرار شد. در این وضعیت آقای هاشمی مطلبی را عنوان کرد که ناگهان روال آرام جلسه را بر هم زد و موجب برخورد برادران با مسأله مطرح شده گردید و بحث مجدداً از چارچوب تصمیم‌گیری برای عملیات خارج شد.

آقای هاشمی: آنچه که مهم است این است که، حالا این عملیات ۱۰ روز، ۵ روز تأخیر بیافتد مسأله‌ای نیست، آنچه که آدم می‌فهمد این است که مجموعه فرماندهان سپاه که حالا مسئول جنگ هستند، دیگر در شرایط آینده، قدرت تصمیم‌گیری برای عملیات نخواهند داشت.

برادر شمخانی: چرا حاج آقا.

آقای هاشمی: برای اینکه هیچ عملیاتی در آینده بدون این محدودیت نخواهد بود.

برادر محمد زاده: نه بحث این منطقه هستش که همین الان اگر ما تاریکی را داشتیم این حرف‌ها را نداشتیم؟

آقای هاشمی: بله، آقایان می‌دانند دیگر، در والفجر ۸ مگر همین بحث‌ها را نداشتیم.

برادر محمدزاده: من آن دفعه خدمت‌تان عرض کردم... ولی کلاً سپاه معتقد هست که بجنگند. یک، دو سال، روشن ترش این است که ما، اعتقاد سپاه را دارم عرض می‌کنم، من بینی و بین الله حرف بچه‌های سپاه را فکر می‌کنم دارم می‌گویم. امام گفته‌اند که این جنگ ممکن است ۲۰ سال هم طول بکشد. سپاه هم واقعاً می‌خواهد ۲۰ سال بجنگد، بحث این را هم ندارد که حتماً یک پیروزی در این

لحظه به دست بیاورد و عرض کنم که فردا این یک پیروزی سیاسی باشد و مسأله جنگ تمام بشود. سپاه می‌خواهد ۲۰ سال بجنگد. ولو آن که نهایت این ۲۰ سال جنگ هم کربلا باشد. تازه روش امام حسین (ع) است. نه خون ما از امام حسین (ع) رنگین‌تر است و نه پدر و مادر و خواهر ما از حضرت زینب (س) بالاترند.

آقای هاشمی: شما فکر می‌کنید امام می‌خواهند ما همین طوری بجنگیم؟ همین طوری...؟

برادر محمد زاده: ما این طوری فهمیدیم. یک ماه و نیم پیش فرماندهان سپاه رفتند پیش امام، نوارش هم هست، ایشان عین جملاتشون را من عرض می‌کنم، در عملیات کربلای ۴ هم برادرها این سخن امام را به صورت پلاکارد روی سر در اتاق فرماندهی عملیات، درشت زده بودند. شما ان‌شاءالله... می‌روید کربلا، من هم می‌آیم آنجا با هم نماز می‌خوانیم. این برای ما خط مشی است حاج آقا.

آقای هاشمی: به شرط اینکه بجنگند.

برادر محمدزاده: می‌جنگیم، جنگ ما کربلا هم تویش دارد.

آقای هاشمی: آقای محمدزاده شما چه حرفی دارید [می‌زنید]. شما از اول سال تا به حال، پشت سر هم نیروهای مردم آمده‌اند برگشته‌اند، این جور امام آن روز که آمدید پیش امام، امام نگفتند ولو ایذائی بجنگید؟

برادر محمدزاده: خوب ما آمدیم یک عملیات بزرگ برای پیروزی سیاسی در نظر گرفتیم که این طور شد.

آقای هاشمی: نگفتند مگر؟

برادر شمخانی: امام فرمودند، بله.

آقای هاشمی: ولی شما اصلاً تعطیل کردید، شما اصلاً چند ماه است که تعطیل کردید.

برادر شمخانی: ما عملیات ایذایی که کردیم...

آقای هاشمی: جنگ فقط از طرف عراق است. یعنی الان مدت‌هاست که هر روز یک کارخانه‌مان، یک تلمبه‌خانه‌مان و همه چیزمان را عراق دارد می‌زند. هر روز دارد یک شهرمان را می‌زند و خراب می‌کند. از طرف ما که جنگی نیست، چه جنگیه، غیر از اینکه ما هر روز مردم‌مان را قطار می‌کنیم و می‌آوریم اینجا، بعد سه ماه می‌مانند بعد هم برمی‌گردند و می‌روند. یا باید بروید و (مکث)... حرف امام که این نیست که، امام چند روز قبل از این با اوقات تلخی با من یک حرفی زدند سر این تأخیرها.

برادر محمد زاده: ما عملیات ایذایی نمی‌توانیم بکنیم؟ ما عملیات محدود نمی‌توانیم بکنیم؟ واقعاً می‌توانیم بکنیم حاج آقا، واقعاً می‌توانیم.

آقای هاشمی: پس چرا نکردید؟

برادر محمدزاده: به خاطر اینکه رفتیم سراغ عملیات بزرگ‌تر.

آقای هاشمی: خب عملیات بزرگ‌تر هم این طور... [اشاره به عملیات کربلای ۴]

برادر محمد زاده: به هر حال حاج آقا من که گفتم که واقعاً، کی فکر می‌کرد که عملیات کربلای ۴ این طوری بشود.

آقای هاشمی: حالا...

برادر محمدزاده: شما خودتان، وقتی می‌آمدیم خدمت‌تان، واقعاً به نظر من که این طوری می‌رسید که شما حتی مرحله را بالاترش می‌گرفتید، یعنی واقعاً تردیدی در مسأله عملیات نبود.

آقای هاشمی: نه من نداشتم، تردیدی نداشتم.

برادر محمدزاده: خب، به هر حال وقتی شما فرمانده ما بودید و تردیدی نداشتید ما هم اگر عمل نمی‌کردیم آدم بدی بودیم.

آقای هاشمی: من حرفی توی آن ندارم، من می‌گویم در این جنگ، الان اگر ما نتوانیم اینجا تصمیم را درست دربیاوریم، خب داریم پیش‌بینی می‌کنیم دیگه، که ۱۰ روز دیگر هم بیاییم بنشینیم همین جا و بگویند که خوب دشمن متوجه شده. واقعاً هم احتمالش خیلی قوی است که برگردیم بگوییم دشمن بیدار شده، کجا می‌بریم نیروهامان را، کجا می‌جنگیم؟

برادر محمد زاده: چرا، مأموریت بدهید، من فکر می‌کنم همه بچه‌ها آمادگی دارند که از حداقل عملیات ایذایی تا عملیات محدود انجام بدهند.

آقای هاشمی: خوب اون یک رویه دیگری است. یعنی اگر این جوری نمی‌خواهیم بجنگیم، یعنی واقعاً نمی‌توانیم، همان حالا...

برادر محمدزاده: نه، هر وقت هم جایی مثل فاو پیدا کردیم باز می‌رویم عمل...

آقای هاشمی:... همین حالا لشکرها را تقسیم کنیم بگوییم بروید از بالا تا پایین. بروید هر کدام یک محلی برای خودتان پیدا کنید.

ایشان خطاب به آقای رضایی: خوب آقای رضایی بیایید یک تصمیم بگیریم دیگر. مثل اینکه آقایون به جایی...

برادر محسن(باخنده) این جمع فایده نکرد. با هم بریم ان شاءالله خدا کمک می‌کند یک چیزی...

آقای هاشمی (زیرلب) بعله.

در اینجا برادر شمخانی نکته‌ای را که در مورد انجام عملیات کوچک [ایذایی و محدود] مبهم مانده لازم می‌داند یادآوری کند. از نظر وی اهمیت مطلب آن قدر است که حاضر شد باز هم نتیجه‌گیری را به تأخیر بیاندازد، البته این بار قطع بحث طولانی نشد.

برادر شمخانی: حاج آقا، چون در جلسه پیش هم شما فرمودید، ما عملیات‌های... ما در طول امسال عین حکم حضرت امام را اجرا کردیم.

آقای هاشمی: یک مدتی راست می‌گویید. یعنی العمیه، کربلا...

برادر شمخانی: کربلای ۱ و ۲ و ۳، فتح ۱ و ۲ و ۳ و کربلای ۵ و ۶ و سد دربندیخان و... را داشتیم.

آقای هاشمی: آخرش هم به خدمت امام، همین اخیراً گفتم، گفتم که ما برای عملیات وسیع برنامه‌ریزی می‌کردیم.

برادر شمخانی: علت هم دارد. اصلاً تناقض دارد عملیات سرنوشت ساز و عملیات ایذایی. ما همین الان که شب عملیات‌مان است، مهمات خمپاره ۱۲۰ ما به اندازه یک آتش شکستن خط نیست. اگر عملیات (کوچک) می‌کردیم همین اندازه امکاناتی هم که داریم، آن را هم نداشتیم.

آقای هاشمی: درست است، ما هم می‌خواستیم عملیات وسیع بکنیم، ناچار بودیم. اگر آن عملیات را کرده بودیم، همین را هم نداشتیم. به همین دلیل هم ما پذیرفتیم که مدتی متوقف بشود.

علی‌رغم آن که قرار شده بود آقای هاشمی با برادر محسن به تصمیم‌گیری بنشینند، در همین جا و در ادامه سخنان قبلی با ایشان تصمیم نهایی را به نحو زیر اعلام می‌کنند. خیلی خوب، تصمیم بگیریم که به حول و قوهٔ الهی آقایان بروند پای کار، مشروط به همان حرفی که آقای جعفری می‌گویند، یعنی اگر تا فردا شب روشن شد که دشمن هوشیار است نسبت به عملیات، قبول بکنیم که برگردیم.

باز هم گفت و گوهایی در می‌گیرد و چند تن از برادران به طور پراکنده مسائلی چون ساعت عملیات، غافلگیری دشمن و... را مطرح می‌کنند امّا برادر محسن قبل از آن که این وضعیت چندان طول بکشد می‌گوید... با این وضع روحیات اینها به هم می‌خورد، اینها بروند دنبال کارشان، ما با هم بنشینیم و...

آقای هاشمی: اینها نشسته‌اند که ما تصمیم بگیریم بروند دیگر، بعد که...

برادر محسن: آخر شما، با شرط که نمی‌شود فرماندهی کرد. شما می‌گویید اگر این طور شد، اگر آن طور شد، یک بلبشوئی می‌شود شب حمله. فردا لشکر می‌گوید آقا! آقای هاشمی گفت اگر بشود،

اگر نشود. پس این سیستم ما به هم می‌ریزد که، ما نمی‌توانیم این طوری کار بکنیم. شما مشورت‌هایتان را کرده‌اید، باید بنشینیم با همدیگر بحث کنیم. کار به اینجا رسیده باید به یک طریقی آن را از این گردونه خارجش کنیم دیگر.

آقای هاشمی: اگر روشن شود که دشمن می‌داند، باز بگوییم بروند جلو؟

ظاهراً آقای هاشمی ترجیح می‌دهد که در حضور همین جمع تصمیم نهایی گرفته شود و باز هم گفت و گوها می‌رود که شروع بشود امّا در اینجا آقای عراقی نظر برادر محسن و پیشنهاد قبلی برادر سنجقی و برادر رحیم را بار دیگر به این نحو مطرح می‌کند.

در این مدت بحث دسته جمعی شده، نیم ساعت هم اگر صلاح می‌دانید مذاکره دو نفره بفرمایید و برادران در این نیم ساعت، نماز امام زمان را می‌خوانند (برادر رحیم با خنده: نماز جعفر طیار)، کنایه از احتمال طولانی شدن جلسه آقای هاشمی و برادر محسن و نیم ساعت دیگر می‌آیند و جواب را می‌گیرند.

ساعت نزدیک چهار بامداد است، حاضرین همه همین را ترجیح می‌دهند و با صلوات جلسه تمام می‌شود.

اعلام تصمیم فرماندهی:

پس از مشورت و بحث دو نفره آقایان هاشمی و محسن رضایی، جلسه مجدداً تشکیل شد و تصمیم اتخاذ شده به نحو زیر توسط آقای هاشمی اعلام و ابلاغ گردید: "ما آقایان اینجا مشورت کردیم، با توجه به همه اظهاراتی که شده نظرمان چربید که ان شاءاللّه فردا شب انجام شود و فرماندهی، آقای رضایی که حضور دارند اینجا، تا لحظات آخر مسائل را زیر نظر دارند. اگر وضع فوق‌العاده‌ای پیش نیامد، همین طور که دستور داده شده شد، عملیات انجام می‌شود. اگر ایشان تشخیص داد که خواست متوقف کند، ایشان این حق را دارند که متوقف کنند ولی فقط ایشان این حق را دارند، یعنی فرماندهان دیگر این حق را ندارند. ضمناً آقایون هم در محورهایی که پیش می‌روند حتماً آقای رضایی را در جریان بگذارند که یک وقتی مثلاً عقب گردی، چیزی، بدون هماهنگی با ایشان پیش نیاید. مسئولین محورها اینجا الان هستند، آخرین وضعیت را دائماً به ایشان بگویید.

من هم باید جایی مستقر باشم که اطلاعات هم به من برسد، آقایان اطلاعات را دقیق و صریح بدهید به مقر ایشان (برادر محسن) و ایشان به من برسانند. ان شاءاللّه با توکل بر خداوند و این مقدار که عقل‌مان می‌رسد مشورت کردیم و مجموعاً راه حل صحیح را تشخیص دادیم. خداوند نصر می‌دهد

ان شاءالله...".

پس از آن که مقداری در مورد محل استقرار آقای هاشمی و واگذاری برخی امکانات ارتش توسط سرهنگ حسنی سعدی صحبت شد، آقای هاشمی مجدداً در مورد انجام عملیات تأکید کرد و چنین گفت: حالا بعد از این تصمیمی که گرفتیم و ابلاغ کردیم، [لازم است بگویم] به‌هرحال ما یک جنگ قطعی باید با عراق داشته باشیم و بهترین جای جنگ هم اینجاست و بهترین شرایط زمانی همین حالاست. ما نیروی‌مان و روحیه‌مان و شرایط‌مان مساعد است برای این جنگ. بچه‌ها به خاطر آن فترتی که پیش آمده حتماً انگیزه بیشتری الان دارند که انتقام را از دشمن بگیرند. جنگ را ادامه می‌دهید ان شاءالله حالا یک جا متوقف شد همان جای پا را می‌گیریم و بالاخره خط را شکسته‌اید شما دیگر، این کار را که می‌توانیم بکنیم، بعد از شکستن خط ان شاءالله میدان به میدان می‌رویم جلو. نیروهای‌مان را بسیج می‌کنیم، مردم را دعوت می‌کنیم، ادامه می‌دهیم جنگ را. اینجا دشمن بیشتر از ما منهدم می‌شود. ما ۲۰ کیلومتر که برویم جلو رسیده‌ایم به بصره".

ان‌شاءالله حضار و ختم جلسه.

پس از پایان جلسه بلافاصله برادر محسن جلسه دیگری را به منظور فراهم سازی مقدمات انجام عملیات و پیگیری آخرین وضعیت برگزار کرد. در ابتدای این جلسه برادر محسن طی یک جمع‌بندی از وضعیت کلی جنگ و نحوه تصمیم‌گیری انجام این عملیات گفت: "ما در امر جنگ، در شرایط خیلی خاصی قرار گرفته‌ایم که برادران ما باید این شرایط را حداقل درک بکنند و اینکه چقدر می‌توانید در این میدان عمل بکنید، این بحث دیگری است...

یک سری از مسائل را خود شما می‌دانید و من نمی‌خواهم بگویم. یک سری مسأله دیگر هست و آن اینکه همان طور که تشخیص داده بودیم امام تأکید بر انجام عملیات دارند و از عدم انجام عملیات نگران هستند و من فکر می‌کنم به همه بزرگان توپیده و گفته این چه وضعش است؟ ما فعلاً نباید تقصیر را به گردن کسی بیندازیم. به هر حال مسائل مشخص است که اگر ما ضعف‌هایی هم داشته‌ایم مشخص است. خط مشی، استمرار جنگ است ولو یک قدم رفتن، دو قدم رفتن، ۱۰ نفر اسیر گرفتن، ۵ نفر اسیر گرفتن. چه عملیات بزرگ بشود چه کوچک، به هرحال استمرار عملیات است.

مسأله دوم اینکه به هر حال در ذهن ایشان [آقای هاشمی]طرح شده و در ذهن امام طرح شده اینها نمی‌خواهند بجنگند این استنباط شخص خود من است که نکند فرماندهان سپاه نمی‌خواهند بجنگند و یک مقدار صداقت شما در انجام تکلیف مان شاید مورد سئوال قرار گرفته.

مسأله بعدی اینکه دشمن قصد دارد به فاو حمله بکند و نباید کوچک‌ترین فرصتی به دشمن داد تا

وارد عمل شود.

مسأله بعدی تصمیم‌گیری طوری بود که وضع به نحوی شد برخلاف عملیات فاو که از اول و آخرش یک ابتدایی داشت و یک انتهایی داشت، بعد از یک مدتی به هر حال بعد دوگانگی‌ها زیاد شد، الان ما اگر بخواهیم این وسط تعیین تکلیف کنیم که چطور شود و چطور نشود، وضع دوباره پیچیده‌تر می‌شود و همین‌طور مسأله اینجا بین زمین و آسمان می‌ماند همین طور به یک بن‌بستی می‌رسد که بدتر از هر کار دیگری است و هر آن ممکن است از جای دیگری سر در بیاورد. اینها یک سری مسائلی است که وجود دارد و ما ان‌شاءالله باید برویم پای کار و به امید خدا آماده عملیات بشویم و در تلاش باشیم که عبور بکنیم. اگر احیاناً دیدیم همان سر شب، مشکلات مثل عملیات کربلای ۴ هست، یک نقطه‌ای است که می‌شود روی آن تصمیم گرفت، و اگر وسط کار مشکلاتی پیدا شود ما باید به هر حال با انتقال زرهی و تمرکز آتش تلاش‌هایی بکنیم که یکی از آن عملیات‌های ایذایی که امام می‌گوید، اینجا یک جاپایی، بگیریم... و در ۵ـ۶ کیلومتری، با خاکریز و زیر آتش و به هر صورت با تعدادی اسیر و... و یکی از آن عملیات‌های ایذایی باشد که امام توی ذهنشان هست.

ما الان در وضعیتی هستیم که باید به سرعت بر خودمان غلبه بکنیم که از این وسوسه‌های جانبی خودمان را نجات بدهیم و همان طور که ایشان هم [آقای هاشمی] تصمیم گرفتند که خوب ما کمک‌شان کردیم که همین طور هم تصمیم بگیرند، و بایستی الان اگر بخواهیم از خسارات بیشتر جلوگیری بکنیم فقط بایستی با تمام قدرت و با تمام توان قوا و قبول هر مسأله‌ای جلوگیری بشود. خلجان‌هایی که در فکر و افکار هست این را بیرون بیاوریم.

حالا ایشان [آقای هاشمی] با همین نتیجه‌ای که رسیدند، حالا لازم نیست همه تصمیمات را در عمل هم خودشان بگیرند، این یک مقدارش حل شد در رابطه با برادرهایی هم که پایین‌تر هستند. [فرمانده قرارگاه‌ها و یگان‌ها]باید همین طور باشد و از خلجان‌ها پرهیز کنیم. هر خلجانی الان ما را به سرنوشت بسیار بدی درگیر می‌کند و برای ما خطرناک است. ایشان در ذهنشان این بود هر لحظه‌ای برایشان گزارش شود که فلان لشکر اگر می‌خواهد عقب بیاید، باید مثلاً ایشان [آقای هاشمی] را در جریان بگذاریم که بگویند عقب نیا، که گفتیم بابا اینکه خیلی مشکل است، نمی‌شود و خوب ایشان لطف کردند و گفتند که شما [محسن رضایی]خودتان اختیار داشته باشید و من فکر می‌کنم تنها راه حلی که برادرها باید انجام بدهند، این است که با یک روحیه ایثارگرانه‌ای که واقعاً صداقت‌مان را هم به امام نشان بدهیم و هم ان‌شاءالله بتوانیم به خداوند متعال نشان بدهیم و ثابت کنیم که ما برای آخرت‌مان واقعاً می‌جنگیم و نه برای هیچ مسأله دیگر و این را باید در عمل ما نشان بدهیم و شاید این میدان

آزمایش که بتواند ما را از بوته آزمایش در بیاورد، بهتر از این جنگ، چیز دیگری نباشد و آنچه که مسلم است اینکه به هر حال این بیت یک صاحبی دارد که بیشتر از ما دلش می‌سوزد و برای مسائل باید به او توکل کنیم و پیش برویم.

مجموعه این مسائل ما را وادار می‌کند که بدون خلجان فکری، الان تمام قوایمان را بسیج کنیم و کارهایی که تا حالا عقب مانده پیش ببریم تا ببینیم ان شاءالله خدا چه می‌خواهد".

در ادامه جلسه یاد شده همچنین پس از مباحثی ساعت ۲ بامداد نیز به عنوان زمان شروع عملیات تعیین شد و سپس جلسه خاتمه یافت[1].

---

۱ ـ فصلنامه نگین، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۸۶، صفحه ۱۰۸ تا ۱۳۰.

جنگ در سال ۶۵
از نگاه دیگران

عبدالحلیم ابو غزاله
وزیر دفاع مصر در دوران جنگ تحمیلی

کربلای ۱

در ۲۰ جولای (۲۹ تیر ۱۳۶۵) حمله ایران بر مواضع عراقی‌ها و ارتفاعات اطراف مهران آغاز شد و با فرا رسیدن ظهر، رزمندگان ایرانی در نبرد کوهستان بر قوای عراقی تا حدی به برتری دست یافتند. غفلت نیروهای عراقی از انجام دادن گشت‌های شناسایی، فرصت خوبی برای ایران فراهم آورد. عراق به تأمین پیرامونی و جلو خطوط دفاعی خود تا فاصله ۲۰ کیلومتری نپرداخت، در نتیجه نیروهای ایران به سرعت مواضع دفاعی عراق را شکستند و ۲۰۰۰ کشته بر او تحمیل کردند.

عراق پس از شکست خود در مهران، کوشید تا حملاتی را در جزیره مجنون علیه ایرانی‌ها انجام دهد، اما در این کار نیز موفقیتی حاصل نکرد و ناگزیر شد به استفاده از نیروی هوایی پناه ببرد، لذا پس از یک توقف سه ماهه، سلسله‌ای از بمباران‌های هوایی علیه اهداف متعدد را آغاز کرد و در روزهای ۲۰ تا ۳۰ جولای (۲۹ تیر تا ۸ مرداد) یک کارخانه قند، یک پادگان، یک تلمبه خانه نفت و برخی اهداف غیرنظامی را در اراک و مریوان و سنندج هدف حمله قرار داد و حملات هوایی به اهداف نفتی را نیز افزایش داد. در ۱۲ آگوست (۲۱ مرداد) جنگنده‌های ایرانی به تلافی حمله هوایی عراق -

که برای اولین بار به جزیره سیری صورت گرفت و طی آن سه نفتکش ایرانی آسیب دید - حملاتی را به تأسیسات نفتی عراق انجام دادند. جزیرهٔ سیری در فاصله ۶۴۰ کیلومتری عراق و ۲۴۰ کیلومتری تنگه هرمز قرار دارد. این حمله نشان داد که ایران برای یافتن راه امن صدور نفت خود، دچار مشکل گردیده است. پیش از آن، ایران گمان داشت که مناطق انتخابی جدیدش برای صادرات نفت، دور از تیررس عراق قرار دارد. عراق حمله به این جزیره را چند بار تکرار کرد و بمباران اهداف نفتی در زمین را نیز ادامه داد. در اواخر آگوست (اوایل شهریور) عراق ۱۲۰ سورتی پرواز فقط بر ضد جزیره خارک انجام داد و در ۳ سپتامبر (۱۲ شهریور) اعلام کرد که همه تأسیسات نفتی ایران را در تیررس نیروی هوایی خود دارد.

واکنش ایران، شلیک موشک به مراکز صنعتی و تأسیسات نفتی عراق بود. ایران استفاده از موشک‌های ساخت خود به نام «عقاب» را با ۴۰ کیلومتر برد و ۷۰ کیلوگرم وزن سر جنگی آغاز کرد. ظاهراً این موشک مدل بهینه سازی شده از موشک چینی «مارک - ۸۲» باشد. تعداد موشک‌های شلیک شده ایران در سال ۱۹۸۶ (زمستان ۱۳۶۴ تا پاییز ۱۳۶۵) به ۱۹ فروند، در سال ۱۹۸۷ (زمستان ۱۳۶۵ تا پاییز ۱۳۶۶) به ۸۱ فروند و در سال ۱۹۸۸ (زمستان ۱۳۶۶ تا پاییز ۱۳۶۷) به حدود ۱۰۴ فروند رسید. با این حال تأثیر این موشک‌ها به دلایل بسیار، نسبتاً ضعیف بود.

از همهٔ این وقایع و سایر اتفاقات می‌توان چنین دریافت که ایران راهی جز کسب پیروزی در نبرد زمینی در پیش رو نداشت. ایران نیروی انسانی بیشتری در اختیار داشت.[1] هر چند که با مشکلات فراوانی در این زمینه رو به رو بود. با همه این احوال، نیروی زمینی ایران به ۱/۲۵ میلیون تن رسید و به این کشور امکان داد تا سازمان‌دهی و تشکیلات آن‌ها را بهبود بخشد. تعداد ۶۵۰ هزار تن نیروی دائمی و عملیاتی؛ حدود ۵۵۰ هزار تن نیروی بسیجی و احتیاط که در مقاطع زمانی مختلف به کار گرفته می‌شدند؛ ارتش نیز حدود ۳۵۰ هزار تن نیرو داشت که در لشکرها سازمان دهی شده بودند. گرچه سقف نیروی لشکرها به ۱۰ هزار تن کاهش یافته بود. سپاه پاسداران انقلاب هم با استعداد ۳۵۰ هزار تن در لشکرهای کوچک‌تر از ارتش سازمان دهی شده بود. سپاه پاسداران بر خلاف ارتش، نقشی اساسی در برقراری امنیت داخلی نیز بر عهده داشت.

---

۱ - نیروی زمینی ایران همواره در کلیه مقاطع جنگ بسیار کم‌تر از نیروهای عراقی بوده است. شاید منظور نویسنده، مقایسه جمعیت ایران با جمعیت عراق بوده باشد.

عملیات فاو باعث شد تا ایران مجبور شود در سیستم فراخوانی نیروهای سرباز و داوطلب خود تغییراتی بدهد و تنها اتکاء بر شور انقلابی و قومیت نکند. در ماه آوریل، [امام] خمینی فتوای ضرورت انجام دادن حمله جدید را صادر کرد و دستور داد که این حمله تا قبل از عید نوروز آینده یعنی آغاز سال ایرانی (۲۱ مارس ۱۹۸۷ برابر ۱ فروردین ۱۳۶۶) انجام گیرد. به این جهت دولت بلافاصله پس از صدور این فتوی، ۵۰۰ گردان داوطلب را به جبهه فراخواند. (هر گردان هزار تن).

کربلای ۲ و ۳

به رغم تمام تلاش هایی که ایران برای افزایش توان هجومی خود انجام داد و تا آگوست و سپتامبر (شهریور) به نهایت خود رسید، اختلافات حادی در داخل فرماندهی ایران بروز کرد و شایعاتی منتشر شد که رقابتی بین [امام] خمینی و رفسنجانی در گرفته است. موضوع این رقابت، اظهارات گروه‌های لائیک بود که استراتژی به کارگیری شدید امواج انسانی در حملات ارتش و سپاه و نبردهای خونین و شور انقلابی را محکوم می‌کردند.[1]

صرف نظر از آن که این شکاف در سطوح بالای فرماندهی ایران وجود داشته است یا نه، این امر مانع آمادگی هجومی ایران نشد. در ۲۹ آگوست (۱۳۶۵/۶/۷) رفسنجانی اعلام کرد که ۶۵۰ هزار بسیجی، آماده حمله نهایی شده‌اند. در سپتامبر (شهریور) ایران گزارش هایی مبنی بر اعزام ۳۵۰ هزار نیروی جدید برای پیوستن به سپاه پاسداران انقلاب جهت اجرای حمله نهایی منتشر ساخت و اعلام کرد که ۵۰۰ گردان جدید بسیجی تشکیل شده است. ایران در همین زمان برای بهره‌برداری از تمام شکاف‌های داخلی عراق می‌کوشید، به این جهت تمایل خود را برای تبادل اسیران اعلام کرد و مقام‌های رسمی ایران در سخنان خود می‌گفتند که در صورت پیروزی، از هر حکومت جدیدی در عراق خسارت نمی‌گیرند.

ایران برای بازپس‌گیری ارتفاعات حیاتی در منطقه حاج عمران، حمله جدیدی را در ۳۱ آگوست (۱۳۶۵/۶/۹) با نام کربلای ۲ آغاز کرد. در این حمله نیروهای کرد نیز همراه قوای ایرانی بر ضد پنج تیپ از سپاه پنجم عراق عمل کردند. ظاهراً ایران توانست ارتفاعات کریمان [گردمند] مشرف بر

---

۱ - آقای هاشمی در این زمان از طرف حضرت امام (ره) فرمانده جنگ بود و تدابیر وی در نحوه جنگیدن تضادی با نظر ایشان نداشت، به سبب همین واقعیت بود که به قول نویسنده در جمله بعدی، «آمادگی هجومی ایران با مانعی روبرو نشد»، زیرا در غیر این صورت امکان آمادگی هجومی برای ایران به دلیل بروز آن شکاف ادعایی نمی‌بایست وجود می‌داشت.

کردستان [عراق] را به دست آورد. نیروی هوایی عراق، یک صد پرواز در روز برای پشتیبانی از نیروهای پدافندی انجام داد. جنگ سنگین و سختی بود. در ۳ سپتامبر (۱۲ شهریور) کوه گردمند (کارمانه) و برخی تپه‌های حاج عمران به دست ایران افتاد، پس از آن، نیروهای سپاه پاسداران و بسیجیان وارد عرصه نبرد شدند، اما بدون هماهنگی و نظم لازم.

نیروهای احتیاط نزدیک عراق از سپاه پنجم (گردان ۴۰۴ نیروی مخصوص و گردان گارد ریاست جمهوری) با استفاده از بی‌نظمی و ناهماهنگی بین نیروهای ایرانی، به اجرای پاتک پرداختند و توانستند ایرانی‌ها را از بیشتر تپه‌هایی که بر آن مسلط شده بودند، عقب برانند. در نهایت، حمله ایران با تسلط بر برخی روستاهای کوچک و چند پل روی جاده و یک تپه در نزدیک جاده، به پایان رسید.

در عملیات کربلای ۳ نیز بار دیگر مشکلات ناهماهنگی و بی‌نظمی در نیروهای ایران بروز کرد حمله در روز اول سپتامبر (۱۰ شهریور) با تسلط تفنگداران سپاه هوایی [نیروی هوابرد] بر پایانه نفتی [العمیه] که نیروی اندکی روی آن مستقر بود، آغاز شد.[۱] ایستگاه رادار عراق که مراقبت کشتی رانی در خلیج‌فارس را به عهده داشت، منهدم شد. ایرانیان امیدوار بودند که از سمت جنوب بتوانند بندر «ام‌القصر» و «البکر» را با توپخانه هدف قرار دهند. در دوم سپتامبر (۱۱ شهریور) فرمانده سپاه پاسداران انقلاب دستور داد تا ۲۰۰۰ نیروی تکاور در مجموعه‌های کوچک با قایق از «رأس البیشه» به سمت پایانه العمیه و پایانه البکر در خلیج‌فارس حرکت کنند. هواپیماها و هلی‌کوپترهای هجومی و توپخانه عراق به اجرای آتش روی این نیرو پرداختند و تنها ۱۳۰ تن توانستند به اسکله العمیه برسند. پس از آن، چتربازان عراق روی اسکله فرود آمدند و آن را بازپس گرفتند.[۲]

تمام آنچه ایران توانست در خلیج‌فارس انجام دهد، فراتر از اجرای یک عملیات گشت رزمی نبود. ایران فعالیت دریایی خود را با بازرسی کشتی‌ها در خلیج‌فارس افزایش داد و روزانه به بازرسی ۱۵ تا ۲۰ کشتی می‌پرداخت.

---

۱ ـ اجرای عملیات انهدامی کربلای ۳ روی اسکله نفتی العمیه، به عهده نیروی هوابرد سپاه نبوده است؛ این عملیات به همت نیروهای غواص و تفنگداران دریایی نیروی دریایی سپاه (با کمک نیروی زمینی) انجام شد.

۲ - هدف عملیات کربلای ۳ انهدام سکوهای البکر و العمیه بود که انهدام سکوی العمیه با موفقیت ۱۰۰درصد همراه بود و اسکله البکر نیز پس از پمپاژ نفت روی آن از طریق خط لوله‌های فاو، به آتش کشیده شد که خسارات و آسیب بسیاری بر آن وارد آمد. نیروهای ایرانی از قبل می‌دانستند که قادر به ماندن روی این سکوها نیستند، بنابراین، طبق برنامه به عقب بازگشتند و اساساً فرود آمدن چتربازهای عراقی انجام نشده است و عراق فقط با موشک و بمباران هوایی به این سکوها حمله کرده است.

عراق همچنان بر جنگ هوایی تکیه داشت و حملات هوایی در عمق سرزمین ایران را ادامه می‌داد و عملاً پالایشگاه نفت تبریز را در آگوست ۱۹۸۶ (مرداد ۱۳۶۵) بمباران کرد. سپس در سپتامبر (شهریور) به نقطه بارگیری نفت ایران در جزیره «لاوان» حمله برد و پس از آن، سلسله حملات موفقی را به «خارک» و «لارک» انجام داد که آثار ملموسی بر صادرات نفت ایران گذاشت.

نیروی هوایی عراق حمله به انبارها و زاغه‌های مهمات و یگان‌های توپخانه ایران را در طول مرز ادامه داد و شهرهای مرزی مانند مریوان را بمباران کرد. ایران هم در ماه نوامبر حمله‌ای موشکی به بغداد انجام داد که تأثیر محدودی برجای گذاشت. ایران از رویارویی با حملات هوایی عراق ناتوان بود و تعداد کمی از این حملات با مقابله ایران رو به رو می‌شد و تعداد هواپیماهای ساقط شده نیز اندک بود. جنگ به سمتی پیش می‌رفت که [به نظر می‌رسید] عراق با بهره‌گیری از نیروی هوایی خود، [قصد دارد] اقتصاد ایران و توان به کارگیری نیروی زمینی ایران را در حمله به عراق، تضعیف کند. اما عراق همچنان درگیر مشکلات همیشگی‌اش در به کارگیری نیروی هوایی بود و به همین جهت تأثیر حملات هوایی‌اش چندان تعیین کننده نبود و نتوانست حملات و ضربات هوایی پی در پی و مؤثری انجام دهد و این ناتوانی دلایل متعددی داشت، از جمله، عدم قابلیت پشتیبانی فنی. با همه این احوال، عراق از این حملات هوایی به موفقیت‌هایی بر ضد صادرات نفت ایران و توان بودجه ایران و کاهش قیمت نفت او دست یافت. (ایران ناگزیر شد تسهیلات و تخفیفاتی برای مشتریان نفت خود در نظر بگیرد). اما این حملات با شدت و قدرت کافی استمرار نیافت و همین موجب پایین آمدن تأثیر آن در صادرات نفت ایران شد. عراق پس از هر حمله هوایی، بار دیگر همان اهداف را بمباران نمی‌کرد تا ایران را از تعمیر و بازسازی آن بازدارد و به عبارت دیگر، حملات هوایی عراق تأثیر مورد نظر را در انهدام اقتصاد ایران نداشت.

ظاهراً عراق این حقیقت را دریافته بود و به همین جهت در عمل، به تقویت نیروی زمینی خود پرداخت. مسئولان عراقی هشدار می‌دادند که هجوم اصلی ایرانی‌ها به زودی انجام می‌گیرد و این بار به منظور فرسایش توان عراق حمله در چند جبهه صورت خواهد گرفت. عراق با وجود مشکلات مالی که با آن مواجه بود، استعداد نیروی زمینی خود را به ۸۲۰ هزار تن افزایش داد و توانست سپاه‌های هفت گانه خود را به حد سازمان رزم کامل برساند (این نیروها در طول جبهه‌ای به وسعت ۱۱۰۰ کیلومتر رو در روی ایران قرار داشتند). تعداد لشکرهای عراقی به ۴۶ لشکر رسید. کارشناسان غربی استعداد لشکرهای عراق را در مقایسه با استعداد مورد نیاز در دکترین رزم غربی، در حد یک تیپ تقویت شده (گاهی بیشتر) می‌دانستند. فرماندهی عراق یگان‌های گارد ریاست جمهوری را از ۶ تیپ به ۱۷ تیپ

مکانیزه و زرهی افزایش داد و آن‌ها را به تانک‌های «تی - ۷۲» مجهز ساخت. به این ترتیب عراق قدرت هجومی بالنده و آموزش دیده‌ای در عملیات تک و پاتک فراهم ساخت و کم‌کم دکترین پدافند ثابت را تغییر داد؛ خطوط و مواضع پدافندی و میدان‌های مین و سیم‌های خاردار و شمار تانک‌های ثابت در خطوط اولیه پدافندی، همچنین یگان‌های توپخانه را در تمام مناطق پدافندی افزایش داد و طرح آتش پدافندی مناسبی برای توقف نیروهای مهاجم و تجمعات آن‌ها و بر ضد نقاط ثبت شده قبلی، تهیه کرد.

بعد از نبرد کربلای ۳، عملیات رزمی مهمی تا اواخر دسامبر (اوایل زمستان) صورت نگرفت، اما ایران فعالیت زمینی خود را پس از نبردهای کربلای ۲ و کربلای ۳ متوقف نساخت و برخی تپه‌های مشرف بر مهران و اطراف «بدره» و «زرباطیه» و «ورمهراز» را به تصرف خود در آورد. در ماه سپتامبر [امام] خمینی اجتماع بزرگی با فرماندهان داشت و شایعاتی مبنی بر اجرای حمله سالیانه ایران در روز ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور) به گوش می‌رسید.

در طول سپتامبر و اکتبر (شهریور و مهر)، ایران برخی تهاجمات زمینی کوچک برای فشار بر روحیه نیروهای عراقی را انجام داد و آتش ایذایی توپخانه بر بصره و عملیات ویژه کماندویی بر برخی اهداف حیاتی مثل پالایشگاه اصلی در کرکوک را ادامه داد. اما موفقیت قابل ذکری به دست نیامد. در برابر، عراق هم ایراد ضربه به اهداف نفتی ایران (تلمبه خانه شیراز، مراکز صنعتی اصفهان و غیر آن) را ادامه داد.

در ماه سپتامبر (شهریور)، عراق حملات موفقی را بر خارک انجام داده و در اکتبر (مهر) توانست دو اسکله عملیاتی آن را که باقی مانده بود، از کار بیندازد، به این ترتیب، صدور ۸۰۰ هزار بشکه نفت ایران در روز موقتاً قطع گردید.

پس از آن، ماجرای افشاگری ایران بود که پرده از اقدام ایالات متحده آمریکا در ارسال اسلحه به ایران برداشته شد. در بین سلاح‌های ارسال شده، موشک‌های ضدهوایی «هاک» و ضد تانک «تاو» نیز بود، اما تأثیر این سلاح‌ها در میدان نبرد محدود بود.

در زمانی که عراق مشغول ادامه عملیات هوایی بود، ایران خود را آماده حمله زمینی جدیدی می‌کرد. در ماه نوامبر (آبان)، عراق سلسله حملات هوایی جدیدی را آغاز کرد. حدود ۵۴ جنگنده به شش هدف، از جمله مواضع موشکی هاک نزدیک دزفول و یک پایگاه زمینی و هوایی و دو ایستگاه راه آهن حمله بردند. هواپیماهای میراژ اف - ۱ عراق برای بمباران «لارک» مسافتی حدود ۱۰۵۰ مایل پرواز کردند؛ این حمله برای ایران ناگهانی و غیرمنتظره بود. در این حمله تعدادی شناور ایرانی

نیز مورد اصابت قرار گرفت. حمله به لارک، یک پیروزی استراتژیک برای عراق به حساب می‌آمد. با اینکه عراق به هواپیماهای پشتیبان و سوخت رسان دست یافته بود، اما حمله به لارک ثابت کرد که برد عملیاتی نیروی هوایی عراق بیشتر از گذشته شده است. همچنین اطلاعاتی مبنی بر بهینه سازی ۱۰ فروند هواپیمای ایلوشین - ۱۱۲ روسی و تغییر آن‌ها به سوخت رسان به دست آمد و البته توانایی استفاده از یک سیستم فرانسوی برای سوخت رسانی به میراژهای اف - ۱ را نیز باید به آن افزود. در ماه نوامبر (آبان)، عراق حملات هوایی خود را به خارک (۲۷نوبت) و پالایشگاه‌های تهران و اصفهان و تبریز و سایر اهداف دیگر ادامه داد. به کارگیری بمب‌های لیزری در حملات هوایی عراق به خوبی انجام می‌گرفت، میانگین حملات این کشور بالا رفت و تاکتیک‌های هجوم هوایی آن بهبود یافت.

با وجود قراردادهای خرید سلاح که ایران منعقد ساخت، در توان رزم هوایی این کشور بهبود خاصی حاصل نشد. با فرا رسیدن زمستان ۱۹۸۶، ایران بیش از ۴۰ فروند هواپیمای قادر به عملیات برای نبرد هوایی (دفاع هوایی) نداشت و ۸۰ تا ۱۰۰ فروند هواپیما نیز برای مأموریت‌های دیگر باقی مانده بود. برخی منابع می‌گفتند که تنها ۷ فروند هواپیمای اف - ۱۴ و ۲۰ فروند اف - ۴ و ۱۰ یا ۱۵ فروند اف - ۵ برای ایران باقی مانده است. با همه این اوصاف، ایران قادر شد پدافند هوایی از پایگاه‌های هوایی خود را بهبود بخشد.

کربلای ۴

با آن که ایران در فاصله زمانی بین آخر سپتامبر و اواخر دسامبر (مهرماه تا دی ماه) به انجام دادن چند عملیات زمینی پرداخت، لیکن تبلیغات او در مورد انجام یک حمله مهم ادامه یافت و همچنین مدعی شد که در نیمه اکتبر، کردهای هوادار ایران اقدام به گلوله باران کرکوک کرده‌اند.[1]

در دسامبر (آذرماه)، ایران اعلام کرد که نیرویی بالغ بر یک صد هزار داوطلب بسیجی را به جبهه‌ها گسیل داشته است. در ۲۳ و ۲۴ دسامبر (اول و سوم دی ماه) هجوم شبانه ایران آغاز شد که

---

۱ ـ در ۱۳۶۵/۷/۱۹ (یازدهم اکتبر) نبرد نامنظمی با عنوان «فتح ۱» در کرکوک (عمق ۱۵۰ کیلومتری داخل خاک عراق) به کوشش کردهای معارض عراقی و نیروی زمینی سپاه پاسداران برای بمباران زمینی تأسیسات نظامی - اقتصادی عراق صورت گرفت. تأسیسات پالایشگاه کرکوک و واحد بهره‌برداری شماره یک تأسیسات نفتی، نیروگاه حراراتی برق کرکوک، تأسیسات پالایش نفت و گاز، تأسیسات نفت و گاز جبل بور، ایستگاه راه‌آهن بانی کوره - مرکز ذخیره و پمپاژ نفت کیوان، بیش از ۲۰ پایگاه دشمن در ارتفاعات «دوملان»، و مقر منافقین و ضدانقلاب، هدف این حملات قرار گرفتند.

این هجوم نام «عملیات کربلای ۴» به خود گرفت و طی آن، نیروهای ایرانی شط‌العرب [جنوب شط العرب (دجله) و نیمه شمالی اروند رود] را پشت سر گذاشتند و در طول جبهه‌ای حدود ۲۵ مایل از ابوالخصیب در جنوب بصره تا جزیرهٔ ام‌الرصاص در نزدیکی آبادان، خط را شکستند. این هجوم در خط حد سپاه سوم عراق در منطقه شرق بصره و سپاه هفتم در منطقه نزدیک شبه جزیره فاو به وقوع پیوست. حمله با نیرویی حدود ۱۵۰۰۰ تن آغاز شد که جزیره‌های ام الرصاص، ام‌البابی، قطعه [۱] و سهیل را تأمین کردند.

این جزایر [به صورت پی در پی در کنار هم قرار گرفته و تا ساحل عراق می‌رسند] مجموعاً یک شبه پل را بر روی شط العرب [اروند رود] تشکیل می‌دهند (عرض این رود ۴۸۰ متر و جریان آب در آن آرام است). رهبری حمله به عهدهٔ مجموعه‌ای از تکاوران و مردان قورباغه‌ای بود که موفق به استیلا بر جزیره ام‌الرصاص و جزایر نزدیک به آن شدند. پس از آن و در طول روز، حملهٔ ایران به مواضع عراق در داخل خاک این کشور ادامه یافت. این مواضع برای پدافند از راه‌های شط العرب [اروند رود] ایجاد شده بودند. این هجوم را عناصری از لشکری که نام لشکر محمد رسول اللّٰه (ص) به آن داده بودند، رهبری می‌کردند. این نامی بود که ایران برای بسیج یکصد هزار جنگ آور اضافی داوطلب در قالب ۵۰۰ گردان، گذاشته بود.[۲] در حالی که تعداد بسیاری از نیروهای باتجربه و با کیفیت در عملیات شرکت داشتند، اما حمله اساساً بر پایه واحدهای کم‌تجربه و با آموزش اندک، استوار بود.

عبوراز شط‌العرب [اروند رود] به سمت ام‌الرصاص و ساحل عراقی شط‌العرب [اروند رود] را نیروهایی حدود ۶۰ هزار پاسدار انقلاب و داوطلبان بسیجی انجام دادند. اما هنگامی که این نیروها برای حرکت به سوی بصره در کنار ساحل شط‌العرب [اروند رود] تلاش خود را آغاز کردند، پشتیبانی کافی به وسیله نیروهای نظامی ایران [ارتش] انجام نشد و پشتیبانی آتش نیز در طول شط‌العرب [اروند رود] کم و ضعیف بود.

بیشترین نیروهای نظامی ایران [ارتش] در جای دیگری در نزدیکی شهر بصره مستقر شده بودند و با تجمع آنان در جبهه میانی رو به روی بغداد بود. همچنین آمادگی‌های عملیاتی برای حمله ضعیف

---

۱ - در متن اصلی قاطیه نوشته شده است.

۲ - آنچه نویسنده به آن اشاره کرده است، سپاه محمد (ص) نام داشت که با لشکر محمد رسول اللّٰه (ص) تفاوت دارد. سپاه محمد (ص) نام یک نوبت اعزام همگانی نیروهای بسیجی به جبهه بود که رهبری این عملیات را نیز بر عهده نداشتند، بلکه از نیروهای حاضر در نبرد بودند.

بود و به آماده سازی عملیات فاو شباهت داشت.

این نیروها به مواضع بسیار مجهز و قوی و ویژه‌ای که در منطقه ام‌الرصاص به دست نیروهای عراق احداث شده بود، حمله آوردند و مواجهه آنان با سیم‌های خاردار و میدان‌های مین ضد نیروی خط‌شکن، منطقه را تبدیل به یک میدان کشتار نمونه کرد. سازماندهی رزمی هجوم نیز بد بود و نیروهای ایرانی نتوانستند تاکتیک‌های نفوذی را که آموخته بودند، به کار بندند. به محض آن که فرماندهان ایرانی نیروهای خود را رها کردند (در نقطه رهایی)، آتش انبوهی را از سلاح‌های پیاده بر سنگرها و مواضع مجهز عراق فرو ریختند. در واقع عملیات کربلای ۴ از حیث سازماندهی و طراحی مانور، بدترین عملیات در طول جنگ محسوب می‌شود. این عملیات شباهت بسیاری به حمله پیادگان مأیوس و ناامید انگلیس و فرانسه و آلمان علیه نیروهای سنگر گرفته یکدیگر در کانال‌ها و مواضع دفاعی مجهز به تجهیزات پیشرفته در جنگ جهانی اول داشت.[1]

در خلال یک و نیم روز پس از آغاز این عملیات، به وضوح حجم خساراتی که نیروهای ایران در حمله‌ای اشتباه به مواضع دفاعی منظم و قوی متحمل شده بودند، مشخص گردید. نیروهای عراقی برای از بین بردن نیروهای ایرانی، فقط از سلاح‌های مستقیم و توپخانه بهره نبردند، بلکه هواپیماها و هلی‌کوپترهای مسلح را نیز علیه نیروهای بی‌سرپناه و آشکار در منطقه، به کار گرفتند. بخش عظیمی از نیروهای آب خاکی ایران غرق شدند و عبور آنان از شط‌العرب [اروند رود] دفع گردید و ۱۲۰۰۰ کشته و زخمی برای ایران برجا ماند. عراق اعلام کرد که در برابر هر کشته عراقی، یک صد سرباز ایرانی کشته شده‌اند و خسارات تقریبی ایران بین ۶۰ تا ۹۰ هزار کشته و زخمی است. در برابر، ایران نیز اعلام کرد که بین ۹۵۰۰ تا ۱۴۰۰۰ سرباز عراقی در این عملیات کشته شده‌اند.[2]

---

۱ - شرط لازم برای موفقیت عملیات کربلای ۴، غافلگیری دشمن بود و برای این منظور اقدامات بسیاری را نیروهای نظامی ایران برای فریب دشمن و ایجاد تردید در کشف منطقه اصلی نبرد انجام دادند که با امکانات عادی ارتش عراق قابل کشف نبود. لیکن کمک‌های اطلاعاتی آمریکا به عراق - که به منظور حفظ موازنه در جنگ و جلوگیری از برتری ایران صورت می‌گرفت - به دشمن امکان مقابله و طراحی پدافند لازم را داد. این همکاری مشترک اطلاعاتی بین عراق و آمریکا را مقام‌های آمریکایی در اوج جریان اختلاف آمریکا با عراق بر سر اشغال کویت به وسیله ارتش عراق در سال‌های آخر دهه ۹۰ میلادی (۱۹۹۰) افشا کردند.

۲ - در عملیات کربلای ۴ نیروهای ایران به تعداد اندک و محدود وارد عمل شدند و فرمانده سپاه پاسداران بلافاصله پس از اطلاع از هوشیاری دشمن دستور عقب نشینی نیروها را صادر کرد و اساساً به همین دلیل ایران موفق شد با نیروهایی که برای این عملیات تدارک دیده بود، عملیات موفق کربلای ۵ را به انجام رساند. در نتیجه آمار ارائه شده از سوی نویسنده به هیچ وجه صحیح نمی‌باشد.

حمله نهایی ایران به بصره

پس از گذشت چند هفته از عملیات کربلای ۴، ایران دو حمله جدید دیگر را آغاز کرد که هجوم اول با نام کربلای ۵ مستقیماً علیه بصره و دومی، کربلای ٦، نام داشت که در منطقه شمالی بغداد، بین قصرشیرین و سومار انجام گرفت.[1]

اما اهمیت عملیات کربلای ۵ بیشتر و طراحی آن نیز بهتر از عملیات کربلای ٦ بود. ایران آموزش نیروهای خود را در منطقه‌ای مردابی نزدیک دریای خزر صورت داد تا مناسب‌ترین شیوه عملیات را برای اجرای حمله و عبور از موانع آبی رو بروی بصره برگزینند. این تمرینات، طرح آموزشی مشترک بین چند لشکر ایرانی بود و این اولین مانور و تمرین منظم بود که در آن از اندیشه عملیات مشترک استفاده می‌شد. در اوایل ژانویه (نیمه دوم دی ماه)، ایران حدود ۲۰۰ هزار نیروی خود را در جبهه جنوبی گسترش داد و این میزان تقریباً برابر با نصف نیروهای عراقی بود که می‌بایست با آنان مواجه می‌شدند. در واقع، ایران به نسبت ۱ به ۱ در نیروی انسانی دست یافته بود. بیشترین بخش این نیروها را پاسداران انقلاب و بسیجیان تشکیل می‌دادند. در موج اول، حدود ٦۰ هزار تن شرکت کردند که از مواضع عراق در نزدیکی منطقه مرزی شلمچه گذشتند. این منطقه مرزی در فاصله ۲۰ کیلومتری بصره قرار دارد. سپس نیروهای تثبیت کننده شامل ٦۰ هزار نیروی دیگر به عنوان احتیاط وارد عمل شدند (موج دوم). ترکیب این نیروها شامل ۷۰درصد از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب و بسیجیان و ۳۰درصد از ارتش بود.[2]

---

۱ - نبرد کربلای ۵ به فاصله کوتاهی (دو هفته) پس از عملیات کربلای ۴ در منطقه شمالی این عملیات به کوشش نیروی زمینی سپاه، طراحی واجرا شد. سرعت عمل نیروهای ایرانی در طراحی و اجرای یک عملیات سنگین دیگر در زمانی اندک پس از عملیات پیشین (کربلای ۴)، سبب شد تا فرصت هماهنگی و هم‌کاری اطلاعاتی بین عراق و آمریکا فراهم نشود و عراق در وضعیت نسبتاً غافلگیر شده‌ای قرار گیرد. با این حال، نبرد کربلای ۵ به مدت ۴۵ روز به طول انجامید و این نشان دهنده اراده و آمادگی و توان نیروهای ایران برای ادامه چنین درگیری‌های سنگین و به دست گرفتن ابتکار عمل میدان نبرد بود. نبرد کربلای ٦، چهار روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵، در منطقه شمالی سومار به وسیله نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمد. گرچه منطقه این عملیات از لحاظ حساسیت، به دلیل نزدیکی به بغداد، مهمتر از منطقه عملیات کربلای ۵ بود، با این حال عراق در تشخیص حمله اصلی دچار اشتباه نشد و عمده یگان‌های اصلی خود را در منطقه عملیاتی کربلای ۵ وارد عمل ساخت.

۲ ـ فرماندهی جنگ پس از عملیات بدر و در ابتدای سال ٦۴ تدبیر جدایی عملیات ارتش از سپاه را اعلام داشت. بر اساس این توافق، مقرر گردید که در سازمان مستقل ارتش و سپاه طرح‌های عملیاتی مورد نظر به فرماندهی جنگ پیشنهاد گردد و هر یک به صورت جداگانه به اجرای عملیات

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

هدف تاکتیکی عملیات کربلای ۵ عبارت بود از: ایراد ضربه بر ارتش عراق در مرزهای نزدیک بصره و سمت‌گیری به سوی این شهر و پشت سر گذاشتن موانع آبی منطقه. روشن بود که هدف استراتژیک این عملیات، تسلط بر بصره و تبدیل آن به پایتخت عراق در جنوب[1] و انهدام نیروی موجود عراق در این منطقه (جنوب) و ساقط کردن حزب بعث عراق و نظام حاکم بر این کشور، سپس حرکت به سمت شمال و تصرف کربلا و نجف، دو شهر مقدس شیعیان، بوده است و به عنوان کم‌ترین دست‌آورد، تضعیف ارتش عراق و فرسایش آن و محاصره بصره و دادن درس فراموش ناشدنی به سایر دولت‌های خلیج [فارس][2]، ایران در مسیر تحقق این اهداف، با سختی‌های بسیار مهمی رو به رو شد. عراق خطوط دفاعی قوی و مستحکمی را احداث کرده بود که غلبه بر آن‌ها بسیار دشوار بود. غیر از موانع آبی [3] که در اطراف بصره بود. عراق یک مانع آبی نیز با عرض یک کیلومتر در امتداد شمال - جنوب مرزهای بصره ایجاد کرده بود که یک زاویه ۹۰ درجه به سمت شرق ایجاد می‌کرد. همچنین سیل بندهایی خاکی در طول مرز کشیده بود تا آب گرفتگی‌ها خشک نشود.

در آغاز سال ۱۹۸۲ (زمستان ۱۳۶۰) عراق به ساخت دریاچه مصنوعی بزرگی در طول شط‌العرب [اروند رود] از بصره تا دریاچه ماهی پرداخت. در نقطه‌ای که سپاه سوم و هفتم عراق به هم متصل می‌شدند. این دریاچه با موانع و تله‌های هشدار دهنده و سیم‌های خاردار و برق فشار قوی (در مناطق ممکن) پر شد. عراق خود از جاده خاکی که از شلمچه آغاز می‌شد و تعدادی خشکی‌های خارج از دریاچه برای تحرک بهره می‌گرفت. سپس این موانع آبی با حفر کانال‌های کوچک و موانع آبی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بپردازند. پس از این تاریخ سپاه پاسداران جدای از عملیات‌های محدودی که به صورت مستقل انجام داد. عملیات‌های والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ را نیز طرح‌ریزی و اجرا نمود. بنابراین اطلاعات نویسنده درباره حضور ۳۰درصد از توان ارتش در عملیات کربلای ۵ نادرست است.

۱ - ظاهراً منظور نویسنده آن است که ایران قصد تجزیه جنوب عراق را داشته و از بصره به عنوان پایتخت این منطقه یاد می‌کند.

۲ - مشخص نیست اهداف استراتژیکی که نویسنده برای این نبرد ذکر می‌کند از کدام منبع و مأخذی به دست آمده است زیرا تحقق اهداف مذکور نیاز به اجرای چندین عملیات زنجیره‌ای دارد که هرگز در طراحی‌ها و اجرا وجود خارجی نداشته است و از لحاظ تحلیلی نیز قابل قبول نمی‌باشد. بصره به تنهایی نیز هدف ارزشمندی به حساب می‌آید. موقعیت خاص بصره به عنوان دومین شهر بزرگ عراق و بندری تاریخی، از لحاظ جغرافیای سیاسی و نظامی و اقتصادی، به آن اهمیت استراتژیک می‌بخشد. به کارگیری حجم وسیعی از یگان‌های گارد ریاست جمهوری و چهار سپاه عراق در دفاع از این شهر، نشان دهنده میزان اهمیت و ارزش استراتژیک این منطقه برای عراق بوده است.

۳ - منظور از موانع آبی، آب گرفتگی‌های شلمچه بود که به دلیل عمق کم، امکان استفاده از قایق و غواص در آن نبود.

مختلف پشتیبانی شد به طوری که حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع زمین را پوشیده از آب ساخت و این امر برای دفاع از ساحل نزدیک کمک شایان توجهی می‌کرد. خود شط‌العرب [اروند رود]نیز مهمترین مانع آبی در پشت این دریاچه بود. عراق این موانع آبی را با مواضع مستحکم دیگری تقویت کرد. این مواضع در هنگام آغاز حمله ایرانیان، شش ضلعی یا دایره‌ای بودند.

عراق همچنین به اجرای عملیات خاکی قوی و احداث مواضع دفاعی محکم در طول مرزهای شمال شط‌العرب [اروند رود] پرداخت، با آن که به موانع آبی خود به عنوان حاشیه امنیتی ضد ایران، اعتماد داشت. عراق در پشت جبهه برای حضور و استقرار نیروهای نزدیک به مرز مواضعی ایجاد نکرد. خطوط دفاعی جلو نیروهای عراق در ساحل جنوبی شط‌العرب [اروند رود] در شرق ابوالخصیب بسیار قوی بود. این شهر مرکز پالایشگاه‌های بزرگ بود که در فاصله‌ای نه چندان دور از مرز و در ۱۰ کیلومتری بصره قرار داشت.

این خطوط دفاعی، بسیار بیشتر می‌توانست برای عراق مورد استفاده قرار گیرد، اگر ایران قادر به استفاده از غافلگیری تاکتیکی نمی‌شد. ایران چگونه به این غافلگیری دست یافت؟ برای پاسخ به این پرسش، هیچ‌گونه عوامل و اسباب روشنی یافت نمی‌شود. عراق آمادگی‌های ایران را برای انجام دادن عملیات کربلای ۵ دریافته بود، لیکن قادر به درک زمان بندی و کشف جهت اصلی حمله نشد. عراق در منطقه نیروهای قدرت‌مندی داشت: چهار لشکر و پنج تیپ از گارد ریاست جمهوری. چنین مفروض بود که عراق قدرت مهار حمله و اجرای یک عملیات پدافندی قوی را از همان لحظه اول دارا باشد، اما زمانی که حمله آغاز شد، بعضی از یگان‌های اصلی در خارج از مواضع دفاعی (در مواضعی که برای پدافندی احداث نشده بود) به سر می‌بردند. فرماندهی عراق دو لشکر را در جناح غربی شط‌العرب [اروند رود] نگه داشت تا از بصره پدافند کنند و بر این اساس، عراق نیروی کافی برای دفاع از خطوط اول پدافندی را در اختیار نداشت. همچنین روشن است که عراق از جنگ‌های مردابی سال ۱۹۸۵ [عملیات بدر، اسفند ۱۳۶۳] و یا خساراتی که در اوایل سال ۱۹۸۶ [عملیات والفجر ۸ در بهمن و اسفند ۱۳۶۴] در فاو متحمل شد، درس‌های عبرت لازم راکه باید می‌گرفت، نگرفته بود!

نیروهای احتیاط عراقی به آن درجه از آمادگی نرسیده بودند که بتوانند با شروع حمله ایران تحرک سریعی داشته باشند. این نیروها به کندی وارد عمل می‌شدند. اوضاع جوی نیز به نفع ایرانیان بود؛ گرچه آب در مرداب‌ها به بالاترین حد خود نرسیده بود، اما این میزان برای به کارگیری موتور

قایق‌های کوچک کافی بود.[۱] و از طرفی تحرک نیروهای زرهی عراق را با مشکل مواجه می‌ساخت، در نتیجه تمام این عوامل، ایرانیان به موفقیت‌های زودرسی دست یافتند. در ۹ ژانویه ۱۹۸۷ (۱۹ دی ۱۳۶۵) نیروهای ایرانی به دو سمت کوشک (در شمال شرق دریاچه ماهی) و شلمچه در جنوب شرق هجوم بردند و به نظر می‌رسد که این امر برای تصرف جناحین کانال ماهی و انهدام نیروهای عراقی مدافع بصره در ساحل شرقی شط‌العرب [اروند رود] صورت گرفته است به نحوی که دو جناح حمله کننده در نزدیکی ابوالحازب [۲] با یکدیگر الحاق کنند.

ایران در موج اول حمله خود، ۵۰ هزار نیروی رزمی را رأس ساعت ۱:۰۰ نیمه شب وارد عمل کرد، اما ایرانیان در حالی که اوضاع جوی هم به نفع آنان بود، مهارت کافی برای بهره‌گیری از این فرصت و هجوم شبانه را نداشتند و مانند سایر دفعات موج‌هایی از داوطلبان برای حمله ابتدایی به مواضع عراقی‌ها روانه شدند که نیروهای پاسدار انقلاب به دنبال آنان وارد عمل می‌شدند[۳]. هجوم اولیه نسبتاً موفق بود، خصوصاً آن که فرماندهی نیروهای بسیجی و نیروهای پاسدار انقلاب از تعدادی افسران و افسران صف [۴] که دارای تجربیات جنگی قبلی در به کارگیری شیوه امواج انسانی بودند، بهره می‌گرفت. در خلال روز اول نبرد نیروهای ایرانی موفق به تسلط بر شهر مرزی کوچکی شدند و با وجود شدت و انبوهی آتش عراق پیشروی ایرانیان به آرامی ادامه یافت و بر برخی مواضع در نزدیکی مرز نیز مسئولی شدند. ظاهراً هر دو طرف از گازهای سمی در این نبرد استفاده کرده‌اند.[۵]

---

۱ - میزان آب در برخی جبهه‌ها برای قایق‌های بسیار سبک کفایت می‌کرد. البته وجود جاده‌های زیرآب رفته در مسیر، مانع عمده‌ای برای بکارگیری قایق در هر صورت محسوب می‌شد.

۲ - شاید ابوالخصیب مورد نظر باشد(!) که البته ربطی به این منطقه ندارد.

۳- نویسنده این سبک از عملیات را «عادت» جنگی ایرانیان دانسته است و این نشان دهندهٔ عمق بی‌اطلاعی وی از سازمان رزمی سپاه و بسیج است. البته در ادامه همین جمله، نکته‌ای را آورده که حکایت از آن دارد که برای توجیه مطالب نادرست خود، حتی جملات قبلی خویش را نیز فراموش کرده است.

۴ - نحوه سازمان دهی سپاه محمد (ص) به این شکل بود که نیروهای اعزامی در قالب سازمان‌های رزمی شکل می‌گرفتند که کادر این سازمان‌ها از اعضای ثابت سپاه بوده‌اند، در حد افسران عملیاتی

۵ - نویسنده با استفاده از کلمه «ظاهراً» تردید نسبی خود را در مورد استفاده ایران و عراق ازگازهای سمی در این نبرد، بیان کرده است. غیر از اسناد و مدارکی که پس از جنگ عراق و کویت به وسیله متحدین افشا گردید و غیر از آن چه گروه خلع سلاح سازمان ملل از عراق کشف و منهدم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نیروهای ایران بر شلمچه در ۳۰ کیلومتری جنوب بصره دست یافتند و دو خط پدافندی در نزدیکی کوشک در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال بصره را نیز شکستند. به این ترتیب نیروهای ایرانی سر پل عبور از مرز را به دست آوردند و آن را تأمین کردند، سپس در طول ساحل شرقی شط‌العرب [اروند رود] در فاصله ۲۰ کیلومتری حومه بصره به حرکت درآمدند. تمام پاتک‌های عراق در ۱۰ ژانویه (۲۰ دی) شکست خورد. عراق کوشید از زره پوش‌های آبخاکی استفاده کند، ولی این خودروها در زمین‌های سست به آرامی حرکت می‌کردند و نیروهای عراقی نتوانستند از قابلیت مانوری آن در برابر نیروهای پیاده ایرانی که مجهز به سلاح‌های خفیف ضد زره بودند، بهره‌ای بگیرند. نیروهای ایرانی موفق به تثبیت نواری به عرض شش کیلومتر از زمین‌های بین دریاچه ماهی و شط‌العرب [اروند رود] شدند و پیشروی به سمت جنوبی شرقی را آغاز کردند. حتی برخی از یگان‌های ایرانی موفق شدند خطوط پدافندی اطراف بصره را نیز بشکنند. در روز ۱۱ ژانویه (۲۱ دی ماه) ایران اعلام کرد که ۱۴ هزار سرباز عراقی را کشته است و عراق هم اعلام کرد که ۱۱ لشکر از نیروهای داوطلب بسیجی و پاسدار انقلاب و چهار تیپ شامل ۶۰ هزار نیرو را منهدم کرده است!

در ۱۳ ژانویه (۲۳ دی) وزیر سپاه پاسداران ایران بیانیه‌ای خطاب به شهروندان ایرانی منتشر کرد که در آن از داوطلبان برای پیوستن به سپاه محمد رسول الله دعوت شده بود. تاکنون ۲۰۰ هزار جوان از بین ۵۰۰ هزار نیرویی که دولت طلب کرده بود، داوطلب شده بودند. همچنین در ۲۱ ژانویه عراق اعلام کرد که داوطلبان خدمت بین ۱۴ سال تا ۳۵ سال را می‌پذیرد.

سیر نبرد به سمتی می‌رفت که امکان آوردن پشتیبانی‌های بیشتر [برای عراق] فراهم می‌شد. در روز ۱۲ ژانویه (۲۲ دی) نیروهای گارد ریاست جمهوری وارد عمل شدند و خطوط دفاعی عراق کم‌کم به حالت پیوسته درآمد. در حالی که خسارت‌های عراق واقعاً فراوان بود، اما نسبت به خسارت‌های

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کرد، می‌توان اعزام مصدومان و مجروحان شیمیایی ایران به بیمارستان‌های اروپایی به ویژه آلمان را اشاره کرد. این امر اثبات می‌کند که عراق از این گازها همانند گذشته استفاده کرده است. گرچه شدت استفاده از این گازها در مناطق نزدیک سبب می‌شد که برخی سربازان عراقی نیز در اثر وزش باد مخالف، آسیب ببینند. اما با توجه به عوامل شیمیایی استفاده شده در این نبرد که مشابه عوامل قبلی و بعدی شیمیایی مورد استفاده عراق بوده است و با توجه به عدم گزارش مستندی دال بر استفاده ایران از هرگونه عامل شیمیایی در قبل و بعد از این نبرد، روشن است که طرف ایرانی از گازهای جنگی استفاده نکرده است.

ایران بسیار کمتر بود[1]. عراق بخش عظیمی از سلاح‌ها و تجهیزات اصلی خود را حفظ کرده بود و همچنان قادر به استفاده روزافزون از قابلیت‌های خود بود، در حالی که هر چه نیروهای ایرانی به سمت زمین‌های خشک و به هم پیوسته بیشتر می‌رفتند و خطوط پدافندی اصلی بصره را مورد تهاجم قرار می‌دادند، خسارات بیشتری را در نتیجه کاهش قدرت آتش و پایین آمدن میانگین خط شکنی‌های مناسب، متحمل می‌شدند. ایرانیان کم‌کم با مشکلات مهمی که ناشی از بدی سیستم پشتیبانی رزم و نقص ذخایر بود، رو به رو شدند.

در این ماه، عراق قادر به استفاده از نیروی هوایی خود بود که با جرأت و قوت عمل می‌کرد. میانگین تعداد پرواز نیروی هوایی عراق در انجام دادن حملات پشتیبانی از نیروی زمینی، به ۵۰۰ پرواز در روز رسید.

به این ترتیب ایران موج دوم خود را با نیرویی بالغ بر ۵۰ هزار تن وارد میدان کرد. ولی موفقیت‌های قابل ذکری به دست نیاورد. در ۱۷ ژانویه (۲۷ دی) ایران حمله زمینی دیگری علیه برخی اهداف موجود در نزدیکی شط انجام داد و در ۱۸ ژانویه (۲۸ دی) بر جزایر بوارین، دویحه، ام‌التلول و فیاض (داخل شط) مسلط شد. اما نیروهای ایران در سمت شمال میدان نبرد نتوانستند با نیروهای جنوب آن طور که در مانور طراحی شده بود، الحاق کنند. با ورود موج دوم نیروهای ایران، خسارات سنگینی متوجه ایرانیان شد و پیشروی آن‌ها تقریباً متوقف گردید. در ۱۶ ژانویه (۲۶ دی) منابع نظامی جهانی اعلام کردند که ایران حدود ۴۰ هزار تن و عراق حدود ۱۰ هزار نفر خسارت دیده‌اند.[2]

---

۱ - مطالعه مطلب حاضر نشان می‌دهد که اطلاعات نویسنده نسبت به واقعیت‌های صحنهٔ جنگ بسیار ضعیف است و معلوم نیست نویسنده بر اساس چه اسناد و مدارکی چنین نتایجی را ارائه کرده است. آنچه معلوم است در این عملیات خسارت‌های سنگینی به ارتش عراق وارد آمد، تا جائی که تحلیل گران نظامی معتقد بودند که ارتش عراق مجبور به تجدیدنظر در استراتژی و تاکتیک‌های دفاعی است.

۲ - آمارهای ارائه شده ذهنی است و با واقعیت تطبیق ندارد. ارتش عراق در عملیات کربلای ۵ بیشترین خسارت‌ها را متحمل شد. آمار دریافتی از واحدهای اطلاعاتی، بر اساس گزارش‌های مستند به اظهارات اسیران عراقی و اجساد نظامیان عراقی و شنود ارتباطات و برخی اسناد به دست آمده از ارتش عراق حاکی است که حداقل ۸۶ تیپ از سپاه‌های سوم، چهارم، ششم و هفتم عراق وارد عمل شده‌اند که ۷۴ تیپ آن از ۱۰ تا ۱۰۰ درصد متحمل خسارت شده‌اند (۱۱ تیپ ۱۰۰ درصد ۳۰ تیپ بین ۷۰ تا ۹۰ درصد و ۱۰ تیپ بین ۵۰ تا ۷۰ درصد و بقیه تیپ‌ها کمتر از ۵۰ درصد منهدم شده‌اند) همچنین ۲۰۵۶ تن از ۶۵ تیپ و ۱۸ گردان (و سه خلبان) به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند. تلفات ارتش عراق به دلیل کثرت آن،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کل دست‌آورد عملیات بین ۱۶ تا ۱۹ ژانویه (۲۶ تا ۲۹ دی) برای ایران، شکستن جزئی برخی مواضع نزدیک به بصره بود و ایران به این ترتیب به تلاش برای محاصره این شهر و بمباران موشکی و توپخانه‌ای آن پرداخت. نیروهای داوطلب در روز ۱۹ و ۲۶ ژانویه (۲۹ دی،۶ بهمن) هجوم جدیدی را آغاز کردند و به فاصله حدود ۱۵ کیلومتری بصره و ۳ کیلومتری مواضع پدافندی اصلی ابوالخصیب رسیدند، ولیکن چیزی به مساحت ۶۰ کیلومتر مربع سابق که قبلاً به آن دست یافته بودند، اضافه نشد. دیگر نیروهای ایران به جای پیشروی‌های کیلومتری، به پیشروی‌های متری دست می‌یافتند، تازه اگر موفق به پیشروی می‌شدند.

اما خسارات عراق در تمام نیروهای مسلح ادامه یافت تا جایی که عراق به از دست دادن ۵۰ هواپیمای نظامی خود که ۱۰درصد کل هواپیماهای عملیاتی را شامل می‌شد، اعتراف کرد. در فوریه (بهمن)، عراق با مشکلی در قابلیت آتش توپخانه و هواپیماهای جنگنده مواجه شد، چراکه نوع زمین منطقه، گل بود و بسیاری از گلولهٔ بمب‌ها پیش از آن که منفجر شود، در خاک و گل فرو می‌رفت و این چیزی است که آن را انفجار زیر سطحی می‌نامیم. (و تأثیر قابل توجهی ندارد) در نتیجه، نیروهای ایرانی امکان یافتند که به رخنه‌های شبانه و کندن کانال و تحمل آتش انبوه توپخانه در مواضع پدافندی، ادامه دهند.

فشار ایران بر بصره به حدی بود که فرماندهی عراق ناچار به استفاده نیروهای بیشتری از گارد ریاست جمهوری شد و نیروهای سپاه هفتم را برای پشتیبانی از خطوط دفاعی اطراف بصره به کار گرفت.

نبرد زمینی بسیار وحشتناک بود، خصوصاً در روزهای بین ۲۹ تا ۳۱ ژانویه (۹ تا ۱۱ بهمن). ایران در ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) در حمله شبانه جدیدی، خط سوم پدافندی عراق را در هم شکست و به ساحل غربی شهر جاسم رسید.

با این حال این موفقیت دارای ارزش عملیاتی نبود[1] و ایرانیان خسارات بسیاری را متحمل

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

قابل محاسبه دقیق نبود. بر اساس درصد انهدام یگان‌ها و میزان بازسازی آن‌ها و برخی گزارش‌ها از منابع اطلاعاتی داخل عراق، حدود چهل هزار کشته و زخمی برای عراق برآورد شده است.

۱ - ظاهراً نویسنده از اهمیت این منطقه تغافل می‌کند. نزدیک شدن ایران به شهر بصره حتی یک قدم، خسارات جبران ناپذیری را چه از نظر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

گردیدند. سپس میزان خط شکنی‌ها و حمله‌های ایران به شدت رو به کاستی گذاشت.

شدت خسارات ایران به حدی بود که ابتکار عمل [1] به دست نیروهای عراق افتاد. در ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) عراق اقدام به چند پاتک کرد و ۲۰ کیلومتر مربع از منطقه دریاچه ماهی را بازپس گرفت. در اوایل فوریه (بهمن) خسارات ایران به ۱۷ هزار کشته و ۴۵ هزار زخمی رسید، اما خسارات عراق به ۶ هزار کشته و ۱۵ هزار زخمی بالغ می‌شد(!) ایران بیش از یک صد هزار نیرو وارد عمل کرده بود [2]. به هر حال وضع نیروهای ایرانی به حالتی در آمد که ارسال مهمات و پشتیبانی‌های جدید برای آنان ممکن نبود. نبرد نزدیک تا نیمه فوریه (اواخر بهمن) ادامه یافت و اقدامات نیروهای عراقی خوب بود.

در همین هنگام که نیروهای ایرانی قوسی از مواضع عراقی در فاصله ۱۰ کیلومتری بصره را در اشغال خود داشتند، با این حال قادر به تحرک در خارج از این نوار باریک که بین شط‌العرب [اروند رود]و دریاچه ماهی قرار داشت نبودند. بخش عظیمی از نیروها در منطقه‌ای تجمع کرده بودند که طول آن از ۵ کیلومتر و عرض آن از ۱ کیلومتر بیشتر نبود.

در پایان سومین هفته از ماه فوریه، مساحت زمینی که ایران بر آن مسلط شده بود از یک صد کیلومتر مربع تجاوز نمی‌کرد که شامل باتلاق‌ها، آب گرفتگی‌ها و برخی نخلستان‌ها بود.

ایران بخشی از واحدهای ارتش را نیز از سمت سومار به حرکت درآورد و چنین به نظر می‌رسید که اگر می‌توانست نیروهای زرهی و توپخانه خود را به این منطقه وارد کند، حتماً هجوم همه جانبه نهایی علیه بصره را صورت می‌داد. در عمل، ایران اقدام به دو حمله در ۲۲ و ۲۳ فوریه (۳ و ۴

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تاکتیکی و چه از لحاظ استراتژیکی به ارتش عراق و حکومت این کشور تحمیل می‌کرد. اگر این منطقه برای عراق ارزش عملیاتی نداشت، لشکرهای گارد ریاست جمهوری بدین شکل وارد عمل نمی‌شدند. از نقطه جغرافیایی مورد اشاره نویسنده، شهر بصره زیر برد توپخانه‌های سبک ایران قرار می‌گرفت و همین امر به ارزش عملیاتی این منطقه می‌افزود.

۱ - انجام دادن پاتک در اوج شکست و از دست دادن مواضع پدافندی مستحکم (که مثال زدنی است)، ابتکار عمل نام ندارد. عراق از سر استیصال و ناچاری این اقدامات را انجام می‌داد و چاره‌ای جز این نداشت، در غیر این صورت ارتش این کشور به طور کامل منهدم می‌شد.

۲ - چنانچه ادعای نویسنده را در میزان خسارات انسانی وارد شده بر نیروهای ایرانی صحیح فرض کنیم، تا این تاریخ نیمی از استعداد رزمی ایران از رده خارج شده است(!) و ادامه این نبرد سنگین، با نیم دیگر صورت می‌گیرد! - که شرح آن را خواهید خواند - آیا نویسنده، خود در لحظه نگارش این جملات به معانی آن توجه داشته است؟

اسفند) کرد که در آن، گروه اندکی از لشکرهای پیاده به مواضع عراقی در شرق بصره و در طول جاده شلمچه - بصره حمله بردند. نام این حمله را «یا زهرا» گذاشتند که موفقیت‌های محدودی به دنبال داشت و بار دیگر حمله ایران برای تضعیف پدافند عراق با شکست رو برو شد و خسارات سنگینی را پذیرفت. این شکست، پایان عملیات کربلای ۵ بود. در فوریه ایران اعلان کرد که مرحله جدیدی از جنگ آغاز شده است. ولیکن اعلام نکرد که عملیات کربلای ۵ به معنای پایان نبردها بوده است و بعد از گذشت سه روز از این اعلامیه که پایان عملیات کربلای ۵ را اعلام کرده بود، نیروهای ایرانی به هجوم دیگری علیه قوای پدافندی عراق در اطراف بصره دست زدند. با شکست این حمله، نیروهای عراقی اقدام به اجرای پاتک محدودی روی مواضع ایرانیان در کنار دریاچه ماهی کردند که این پاتک نیز جز موفقیتی اندک، چیزی برای آنها به ارمغان نیاورد.

این نبرد با محاصره بصره به وسیله انبوهی از نیروهای ایرانی به پایان رسید و روشن شد که فرماندهی ایران قادر به شکست عراق نیست و عراق نیز گرچه قادر به دفاع از بصره می‌باشد، لیکن توان لازم برای عقب راندن نیروهای ایرانی را ندارد.

بصره و جنگ شهرها

جنگ بر سر بصره، سبب شد تا عراق بار دیگر به «جنگ شهرها» روی بیاورد. در طول ماه ژانویه (دی) عراق به شلیک موشک‌های دوربرد[1] (۲۰۰ فروند) به روی ۳۵ شهر ایرانی پرداخت که شهرهای قم، نهاوند (در سمت جنوب غربی تهران)، رامهرمز، اصفهان و دزفول نیز در شمار اهداف عراق بودند. در پایان ماه ژانویه (۱۱ بهمن) ایران اعلام کرد که در طول یک هفته بیش از ۳۰۰۰ غیرنظامی بر اثر حملات عراق کشته شده‌اند. همچنین عراق ۷۵ حمله هوایی به تأسیسات اقتصادی ایران در روزهای اول ژانویه تا ۱۴ فوریه ۱۹۸۷ (۱۱ بهمن تا ۲۵ بهمن) صورت داد و ایران اعلام کرد که حملات هوایی عراق در ماه ژانویه، ۱۸۰۰ کشته و ۶۲۰۰ زخمی بر جای گذاشته است. ایران نتوانست مقابله به مثلی در همان شدت و قوت انجام دهد و تنها در ۹ فوریه (۲۰ بهمن) هواپیماهای ایران، بصره را بمباران کردند و حملات موشکی علیه بصره و بغداد نیز صورت گرفت. عراق به حملات هوایی علیه اهداف موجود در خلیج‌فارس ادامه داد و ایران نیز با زدن کشتی‌های کشورهای دوست و اساساً علیه کویت متمرکز شده بود به گونه‌ای که این کشور در طول چهار ماه (بین

---

۱ - منظور نویسنده موشک‌های با برد بالاتر از ۳۰۰ کیلومتر است.

اول دسامبر تا آخر مارس - ۱۰ آذر تا ۱۱ فروردین) ۷۵ کشتی از دست داد. همین ضربات، بهانه‌ای شد برای کویت تا با برافراشتن پرچم یکی از ابرقدرت‌ها بر روی کشتی‌های خود، پناهی برای نجات از حملات ایران بجوید. این موضوع جنگ را وارد مرحله جدیدی کرد.

قطعاً جنگ شهرها برای عراق پیروزی هایی به ارمغان آورد، اما هزینه بسیار سنگینی به همراه داشت. در ژانویه ایران ادعا کرد که ۷۵ هواپیمای عراقی را ساقط کرده است. از این تعداد، عراق به سقوط ۱۵ فروند اعتراف کرد. بنابراین تعداد هواپیماهای ساقط شده عراقی به حدود ۴۱ فروند رسید که بیشترین میزان سقوط، بر اثر اصابت موشک‌های قابل حمل بر روی کتف و یا در نتیجه اشتباه خلبانان بود[1].

---

۱ - منبع: «جنگ عراق و ایران»، عبدالحلیم ابو غزاله، ترجمه نادر نوروزشاد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، تهران - صفحه ۱۹۶-۲۱۷.

گزارشی از ماجرای مک‌فارلین *

اگر چه برخی بر این اعتقادند که نوشتن درباره وقایع گذشته بهتر است زمانی انجام گیرد که حب و بغضهایی که ممکن است درباره یک پدیده یا اشخاص تاثیرگذار وجود دارد، از میان رفته باشد و اسناد و مدارک اعم از محرمانه و غیرمحرمانه نیز اجازه انتشار نیافته باشند؛ اما نمی‌توان به انتظار آینده نشست و از امروز و گذشته نزدیک، به این بهانه سخن نگفت، چراکه با انتشار خاطرات و اسناد و کتابهایی درباره این حوادث، می‌توان از داوری‌های دیگران آگاه شد و روایت خود را به نقد گذاشت. از جمله شاخص‌ترین اقدام‌ها در این زمینه می‌توان به انتشار خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اشاره کرد که به نیاز محققان و مردم برای دانستن درباره حوادث انقلاب و جمهوری اسلامی پاسخ گفته و خود زمینه‌ای برای ورود دیگران در این عرصه شده است .

مطالب مندرج در خاطرات سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره ماجرای موسوم به رسوایی کاخ سفید و وعده ضمنی ایشان در مقدمه خاطرات سال ۶۴ مبنی بر شرح ماوقع در آینده، دفتر نشر معارف انقلاب را برآن داشت تا بر اساس اهداف تشکیل خود، نسبت به بررسی و روشنگری ابعاد گوناگون این ماجرا، که در روایت ایرانی اش به رسوایی مک فارلین و نزد رسانه‌های آمریکایی به ماجرای ایران ـ کنترا معروف شده است، اهتمام ورزد.

---

* ـ این مطلب، پیشگفتار کتاب "ماجرای مک‌فارلین، فروش سلاح ـ آزادی گروگان‌ها" نوشته محسن هاشمی و حبیب‌الله حمیدی می‌باشد که توسط دفترنشرمعارف‌انقلاب در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.

هدف اثر حاضر بازگویی و شرح دقیق ماجرایی است که در یک سوی آن ایران قرار داشت که به منظور دستیابی به مهمات و سلاح‌های ویژه، در کنار ملاحظات انسان دوستانه، به رهایی گروگان‌های غربی در لبنان کمک کرد و در سوی دیگر، دولت وقت آمریکا بود، که کوشید با هدف آزاد ساختن گروگان‌های مذکور، به ایران سلاح انباری بفروشد و عواید آن را صرف کمک به کنتراها ـ از مخالفان دولت انقلابی نیکاراگوئه ـ سازد و در میانه نیز واسطه‌ها با هدف کسب سود یا شاید هم کمک به ایران یا آمریکا وارد صحنه شدند. افشای این ماجرا، به بحرانی منجر شد که روزنامه‌نگاران در آمریکا ابعاد آن را با ماجرای واترگیت سنجیدند و بر آن نام «ایران گیت» نهادند.

امید است مطالعه این مستند، به عنوان مکمل سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از افشای ماجرا و به خصوص خاطرات ایشان در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۴، برای علاقه‌مندان و محققان علوم سیاسی و علوم ارتباطات اجتماعی، تاریخ نگاران، اصحاب رسانه‌ها و عموم مردم مفید و روشنگر باشد.

ماجرای مک‌فارلین تاکنون از ابعاد گوناگون بررسی و نقد شده است و جریان‌های مختلف سیاسی کوشیده‌اند از دید خود آن را تحلیل کنند. به طور کلی، بررسی‌ها و تحلیل‌های گوناگون درباره این ماجرا را به ویژه در ایران می‌توان به شرح ذیل، تقسیم کرد:

الف. برخی تحلیل گران هدف نهایی دولت آمریکا را از فروش سلاح و سفر مک‌فارلین به ایران، تضعیف وجهه ضدآمریکایی یا ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی در جهان می‌دانند و استدلال می‌کنند که آمریکا همواره کوشیده است با جاذبه ضدامپریالیستی جنبش‌ها و کشورهای مخالف ایالات متحده مبارزه کند و ضمن محدود کردن اولیه، آنها را از اهداف انقلابی‌شان به تدریج منحرف کند. این تحلیل‌گران به نمونه‌هایی از قبیل شروع رابطه با چین در زمان مائو با دیپلماسی پنهان یا برقراری رابطه با مصر در زمان ناصر استناد می‌کنند. این گروه اظهار می‌دارند شکی نیست که اگر دیپلماسی مخفی آمریکا در این ماجرا موفق می‌شد، این امر توفیقی برای دیپلماسی آمریکا به حساب می‌آمد. زیرا این گروه عملیات یادشده را فرایندی برای برقراری رابطه پنهان با یک نظام انقلابی جهت استحاله تدریجی آن می‌دانند. این دسته با اشاره به سیاست چماق و هویج، یادآور می‌شوند استراتژیست‌های آمریکایی با توجه به اینکه تهاجم سیاسی ـ نظامی آمریکا علیه انقلاب اسلامی به اندازه کافی مردم و مسئولان را واقع‌بین کرده بود، به دیپلماسی پنهان روی آوردند. بنابراین نسبت به یک دیپلماسی مخفی که به برقراری پلی بین تهران و واشنگتن بیانجامد، خوشبین نبودند و افشای به موقع معامله اسلحه با ایران را به سود انقلاب اسلامی دانسته‌اند.

ب. گروه دوم، آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را هدف اصلی عملیات کاخ سفید دانسته و عنوان می‌دارند که آمریکایی‌ها از گروگان گرفته شدن دیپلمات‌ها و نیروهای برجسته اطلاعاتی خود در خاورمیانه به ویژه در بیروت، صدمه روحی و روانی سختی خورده بودند. همچنین آزادی گروگان‌ها برای تبلیغات انتخاباتی و حیثیت دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا اهمیت ویژه داشت. از این رو به انجام عملیات سری فروش سلاح در برابر آزادی گروگان‌ها حاضر شدند. این گروه از استدلال‌گران به دلیل نیاز ایران به سلاح‌های پیشرفته آمریکایی برای ایجاد تغییر موازنه نیروها در جنگ تحمیلی با عراق افشای این عملیات را در آن برهه از زمان به سود ایران نمی‌دانند.

ج. گروه سوم، این موضوع را چنین تحلیل می‌کنند که دلالان اسلحه و آمریکایی‌ها در آغاز با شیوه‌ای فریبکارانه با ارسال سلاح‌های کهنه و از رده خارج، کوشیدند آزادی گروگان‌ها را در برابر کالاهایی کم ارزش محقق سازند؛ اما با هوشیاری متخصصان نظامی و مسئولان ایران در فهم موضوع و با تعمیر و قابل استفاده کردن بخشی از سلاح‌ها و یا برگرداندن بخشی دیگر و دریافت سلاح نو، این بخش از عملیات نیز به نفع ایران تغییر مسیر یافت.

این گروه از تحلیل‌گران برای اثبات نظر خود چنین استدلال می‌کنند آمریکایی‌ها با کمک دلالان اسلحه، موشک‌های انباری در کشور ثالث را با قیمت‌های بالاتری به ایران فروخته و از درآمد آن برای هدف دیگری، که رساندن نقدینگی به مخالفان ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه یعنی کنتراها بود، استفاده کردند و در معامله خود با ایران نیز صادق نبودند. هر چند که برای موفق نمودن پروژه خود مجبور به استفاده از الفاظ و ژست‌های غیر صادقانه نیز بودند.

ورای نظریه‌های فوق هر چند به طور قطعی هم نمی‌توان احتمال علاقه آمریکا را به تغییر سیاست خود در مقابله با ایران از زاویه منافع استعماری‌اش رد کرد، در نهایت آنچه رخ داد، شکست سیاست آمریکا و موفقیت ایران بود که با دریافت بخشی از نیازهای خیلی ضروری دفاعی خود، به هدف انسانی‌اش در مورد آزادی تعدادی از گروگان‌ها نیز نائل آمد. زیرا با توجه به افشای ماجرا، امکان بهره‌گیری مناسب برای دولت آمریکا از این ماجرا مهیا نشد و نتیجه کاملاً به زیان برنامه‌ریزان آن شد، در ضمن سفر مک‌فارلین به ایران نه تنها به آزادی گروگان‌ها و برقراری رابطه با ایران نینجامید، بلکه افشای سفر وی به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا و عدم پذیرش او از سوی مسئولان رده بالای کشور، موجب رسوایی آمریکا و تقویت جاذبه ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی ایران شد.

آمریکا اگر چه سرانجام توانست با تحویل موشک‌های مورد نیاز به ایران، که واسطه‌های ایرانی نمی‌توانستند در هیچ جای دنیا و حتی در بازار قاچاق آنها را تهیه کنند، تعدادی از گروگان‌ها را آزاد

کند، اما افشای سیاست فروش سلاح در مقابل تأثیر برآزادی گروگان‌ها از سوی ایران باعث سرشکستگی سیاستمداران ارشد آمریکایی نزد افکار عمومی کشورشان و هم پیمانانشان در جهان شد.

در نهایت این ایران بود که توانست در رسوایی کاخ سفید، آمریکا را هم در بعد نظامی و هم در بعد سیاسی شکست دهد. به همین دلیل گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که در این زمینه توسط آمریکایی‌ها منتشر شده است، از جمله گزارش تاور، بیشتر برای کتمان این شکست است. متأسفانه در برخی تحلیل‌های داخلی نیز با هدف تخریب سیاسی، کوشش شده است واقعیت به گونه دیگری جلوه داده شود. لذا هم در خارج و هم در داخل، با استفاده از تبلیغات ژورنالیستی، سعی شده فضایی پرابهام پیرامون این ماجرا ایجاد شود؛ برای نمونه، با استفاده از نقل قول‌هایی با چندین واسطه بحث مبارزه با اسرائیل در کنار ارسال سلاح از اسرائیل به ایران[1] کنار هم قرار گرفته و از این طریق سعی گردیده بر خواننده تأثیری خاص گذاشته شود.

با توجه به این مسائل، یکی از اهداف این مکتوب، ابهام زدایی و زدودن القائات و شبهات، بر مبنای اسناد و اطلاعات موجود و همچنین مصاحبه با مقامات درگیر در ماجرا بوده است تا حقیقت ماجرا هر چه بیشتر آشکار شده و از آن درس‌هایی برای آینده آموخت، چراکه:

این مستند کاملاً روشن می‌سازد که قضیه برای آمریکا و به ویژه جمهوری خواهان بسیار دردسرساز بوده است. نخست، از جهت فروش پنهانی اسلحه به ایران، آن هم در زمانی که سیاست رسمی آمریکا مبتنی بر تضعیف و منزوی کردن ایران بود. دوم، به دلیل انتقال بخشی از منافع این معامله به شورشیان نیکاراگوئه (کنتراها) در هنگامی که کنگره هر گونه کمک مستقیم یا غیر مستقیم آمریکا را به این گروه ممنوع کرده بود.

البته این رسوایی اگر چه به کناره گیری رئیس جمهور آمریکا، رونالد ریگان، نینجامید، اما ضربه سختی به وی زد؛ به گونه‌ای که او را یکسره ناتوان کرد. پس از افشای خبر نیز ریگان و اطرافیانش بارها کوشیدند ـ به اصطلاح خودشان ـ «این زخم را بسوزانند»، اما با سیاست‌های هوشمندانه ایران موفق نشدند.

سیاست‌های تبلیغاتی ایران در این مقطع به قدری برای آمریکا دردسرساز بود که بارها ریگان و تیم کاری‌اش را به استیضاح کشاند و مکرراً بحث سیاست‌های اشتباه رئیس جمهور ایالات متحده

---

۱ - بعدها مشخص شد که برخی از سلاح‌های ارسالی از سوی آمریکایی‌ها به ایران، بدون اطلاع ایران، از اسرائیل بارگیری شده بود، که با هوشیاری مسئولان ایرانی این سلاح‌ها پذیرفته نشد و برگشت داده شد و به جای آن سلاح‌های مورد نظر دریافت گردید.

مطرح شد. ریگان و اطرافیانش گزارش‌های ضد و نقیضی ارائه دادند تا وانمود کنند در صدد آزادی گروگان‌ها در مقابل سلاح نبوده‌اند. اما گزارش‌ها آشکار می‌کرد که این عمل اتفاق افتاده است، زیرا که پس از ارسال چند محموله سلاح، یکی از گروگان‌ها آزاد می‌شد.

اکنون که این ماجرا در قالب این مستند به خوانندگان تقدیم می‌گردد، لازم است این موارد تذکر داده شود:

نخست آنکه با توجه به ضرورت حفظ امنیت و مصالح ملی، تلاش بسیاری برای بیان حقیقت، بدون وارد شدن خدشه به سیاست‌های امنیتی کشور صورت گرفت و بدین منظور با افراد صاحب نظر در این زمینه نیز مشورت شد و مطالب به رؤیت آنان رسید.

دوم آنکه ویرایش اسناد و متون با دقت بسیار انجام گرفت و وقت بسیاری برد، به گونه‌ای که بیش از دو سال طول کشید تا این اثر آماده انتشار گردد.

سوم اینکه، مستند حاضر ممکن است از جنبه‌های گوناگون نواقصی داشته باشد که کوشش خواهد شد در ویرایش‌های بعدی با لحاظ کردن نظریات تکمیلی و دیدگاه‌ها و انتقادات خوانندگان، صاحب نظران عرصه سیاست، اهالی رسانه و... با در نظر گرفتن ملاحظات امنیت ملی، تکمیل شود.

چهارم اینکه، در آمریکا پس از این جریان ۵ کمیته از سوی دولت، کنگره، سنا و دادستانی برای بررسی موضوع تشکیل شد و هر یک از کمیته‌ها نیز با توجه به وظایف خود گزارش مشروح و مکتوبی از ماوقع تهیه کردند و دو مورد از این گزارش‌ها (گزارش تاور و گزارش والش) منتشر هم شد. اما در ایران گزارش مکتوبی از این جریان منتشر نشد، لذا برای دستیابی به برخی از جزئیات در اثر حاضر، به ویژه در مباحث مربوط به تصمیمات و مذاکرات آمریکایی‌ها دربارهٔ ماجرا، از این گزارش‌ها نیز استفاده شده است.

و سرانجام اینکه نکتهٔ مهمی که عامل اساسی بهره‌گیری ایران و خسارت آمریکا از این جریان بود، این است که در ایران سران قوا و شخص امام راحل از ابتدا تا آخر در جریان امور بودند و هیچ اقدامی برخلاف مقررات کشور انجام ندادند؛ ضمن اینکه دو هدف اساسی تأمین نیازهای دفاعی و رفع گرفتاری انسان‌های ربوده شده را دنبال می‌کردند. اما آمریکا در این جریان علاوه بر اینکه از سیاست‌های رسمی خود تخلف کرد، با پنهان‌کاری و فریب‌کاری در معاملات نیز نقاط ضعف فاحشی در کارنامهٔ خود ثبت کرد که در نهایت بخشی از این تخلفات با تلاش رقبای سیاسی دولت وقت آمریکا فاش گردید که منجر به بحرانی واقعی در این کشور شد.

پیش درآمدی بر ماجرا

در تاریخ دیپلماسی هر کشوری گاهی به ناگهان یک اتفاق رخ می‌دهد و بدل به نقطه عطفی شگرف می‌شود. این رخدادهای نادر گاه حتی طومار یک دولت را نیز می‌توانند در هم بپیچند.

تاریخ دیپلماسی ایالات متحده نیز، که خود را با ثبات‌تر و نیرومندتر از اروپای کهنسال می‌شمارد، به رغم این جوانی و زورمندی، خالی از زمین لرزه‌هایی نیست که کاپیتول[1] را نلرزانده باشد؛ از جمله گلوله‌ای که در یک لژ تئاتر به زندگی آبراهام لینکلن پایان داد، سقوط بورس در وال استریت، ناوهایی که کامیکازه[2]های ژاپنی در پرل هاربر به قعر اقیانوس فرستادند، پاگذاشتن نخستین سرباز آمریکایی در جنگل‌های ویتنام، گلوله‌هایی که لی هاروی[3] از فراز ساختمانی در دالاس به سوی کندی شلیک کرد، مقالهٔ باب وودوارد[4] دربارهٔ رسوایی واترگیت در نیویورک تایمز، تسخیر سفارت آمریکا در تهران و سردرگمی‌های کارتر و همکارانش در قبال لشکرکشی آمریکا به ایران در واقعه طبس که رسوایی بزرگی برای دولت آمریکا گردید و بالاخره رخ دادن ماجرایی که در آمریکا آن را «ایران - کنترا» نامیدند و در ایران به «رسوایی کاخ سفید» معروف شد. البته در حال حاضر نیز گرفتاری آمریکا در عراق و افغانستان در نتیجه سیاست‌های غلط را می‌توان به این فهرست افزود.

اما آنچه موضوع بحث این نوشتار است، ماجرای مک فارلین است؛ ماجرایی که به نظر می‌رسد همه چیزی دربارهٔ آن می‌دانند اما این دانستنی‌ها تنها به منزله بخشی از کوه یخی بر سطح اقیانوس است. لذا برای فهم حقیقت ماجرای مک فارلین و دیدن تمامی کوه یخ باید در اعماق اقیانوس غوطه‌ور شد و برای این غواصی بایستی به عقب بازگشت. از این رو لازم است از پیشینه و ریشه‌ها آغاز کرد تا گرفتار سطح نشویم.

ریشه‌ها و پیشینه: آغاز ماجرا

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) روند جدیدی در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. پیروزی این انقلاب مبانی و موازین حاکم بر سیاست و روابط خارجی ایران را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دگرگون ساخت. نفی سلطه، که با شعار «نه شرقی و نه غربی» مردم در راهپیمایی‌ها مطرح

---

۱ - کاخ سفید

۲ - خلبانان انتحاری ژاپنی

۳ - ضارب جان اف کندی، رئیس جمهور آمریکا

۴ - یکی از دو خبرنگاری که به افشاگری تقلب انتخاباتی نیکسون رئیس جمهور وقت ایالات متحده پرداختند.

می‌شد، در روابط خارجی نظام نوپا تبدیل به یک سیاست اصلی شد و در نتیجه، برخی از هم پیمانان دیرینه و قدیمی دولت پهلوی در عداد مخالفان و دشمنان نظام جمهوری اسلامی درآمدند و ملت‌هایی که در سپهر سیاست خارجی رژیم پیشین جایگاهی نداشتند، در سیاست استراتژیک نظام نوپا واجد اهمیت شدند.

اما یکی از مهمترین چرخش‌های سیاست خارجی ایران، بی شک تغییر نوع روابط ایران و ایالات متحده بود. آمریکا پس از همراهی و دخالت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر مصدق به قصد بازگرداندن شاه به قدرت، به مهمترین حامی شاه مبدل شد. پس از این کودتا، ۲۵ سال رابطه‌ای عمیق و استراتژیک میان شاه و مقامات کاخ سفید برقرار شد، یعنی دوره‌ای که با سرکوب و خشونت در داخل کشور همراه بود و در سایه حمایت ایالات متحده آمریکا از رژیم شاه، آزادیخواهان ایرانی اعم از مذهبی و غیرمذهبی، سرکوب می‌شدند.

انقلاب اسلامی مهر پایانی بر این رابطه استراتژیک نهاد و طبیعتاً جمهوری اسلامی و مردم ایران به دلیل حمایت‌های بی دریغ آمریکا از شاه و تجربه تلخ دخالت آمریکایی‌ها در کودتای ۲۸ مرداد، نسبت به دولت ایالات متحده بدبینی بسیار داشتند. آنان در این سال‌ها سفارتخانه آمریکا را به عنوان محل تعیین کننده سیاست‌های رژیم شاه می‌شناختند. در این اوضاع و احوال، انقلابیون از یک طرف نگران تجربه کودتای ۲۸ مرداد بودند، و از طرف دیگر، جذابیت ایدئولوژیک و ضدآمریکایی انقلاب ایران برای دیگر کشورهای منطقه، دولتمردان آمریکایی را به شدت نسبت به حکومت جدید ایران نگران ساخته بود.

یک گام پیش از جنگ

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) سفارت آمریکا در ایران به دست دانشجویان انقلابی تسخیر و کارمندانش به گروگان گرفته شدند.

در پی تسخیر سفارت، ایالات متحده با بلوکه کردن تمامی اموال دولت ایران در آن کشور، تحریم تجاری و قطع روابط دیپلماتیک واکنش نشان داد. در این میان آمریکا هرگونه فروش سلاح را به ایران ممنوع کرد و حتی از ارسال محموله‌های نظامی که دولت پیشین ایران خریداری کرده و بهای آنها را هم پرداخت کرده بود، ممانعت کرد.

پنجه عقاب: عملیاتی به سبک فیلم‌های هالیوود

در دومین قدم، دولت کارتر به یاری شورای امنیت ملی ایالات متحده، نقشه اجرای عملیاتی غافلگیرانه به نام «پنجه عقاب» را برای آزاد ساختن گروگان‌های آمریکایی در ایران تدارک دید.

در واقع، از همان آغاز تسخیر سفارت آمریکا در تهران، این کشور ناوگان نظامی خود را به خلیج‌فارس اعزام داشت و کارتر اعلام کرد: "من می‌خواهم به محض آزاد شدن افرادمان، ایرانی‌ها را تنبیه کنم و واقعاً به آنان ضربه بزنم. آنان باید بدانند که نمی‌توانند ما را به بازی بگیرند".[۱] مایلز کاپلند، از دست اندرکاران سابق دستگاه اطلاعاتی آمریکا و همکار روزولت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بعدها گفت: "هدف از تهاجم طبس تنها آزادی گروگان‌ها نبود، بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران هدف اصلی این عملیات بوده است".[۲]

به هرحال، عملیات نظامی نیروهای ویژه آمریکایی برای آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران، در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ صورت گرفت. آمریکایی‌ها در این شب با تعدادی بالگرد و هواپیمای نظامی و حدود صد کماندوی ورزیده با تجهیزات کامل به صورت هوایی وارد خاک ایران شده و در صحرای طبس فرود آمدند. آنان قصد داشتند پس از تجدید قوا، در زمین فوتبال استادیوم امجدیه (شهید شیرودی) فرود آمده و به کمک گروههای ضدانقلاب که از پیش آماده شده بودند، همزمان به دو مرکز نگهداری گروگان‌های آمریکایی حمله کنند و پس از آزاد ساختن آنها به بمباران شدید مراکز حساس کشور بپردازند. اما توفان شن در صحرای طبس و برخورد یک بالگرد و هواپیمای نظامی آمریکایی با هم، عملیات را با شکست مواجه ساخت؛ اتفاقی که جز نام معجزه بر آن نمی‌توان نهاد.

با این همه، باز توطئه‌ها پایان نیافت و مقدمات کودتای نوژه فراهم شد که آن هم در نطفه خفه گردید.

بی‌گمان شکست کارتر و دموکرات‌ها در برابر ریگان و جمهوری خواهان در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به سبب عدم موفقیت به موقع کارتر در آزاد سازی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران بود، به عبارتی کشتی کارتر در نتیجهٔ گروگان‌گیری در ایران به گل نشست. از همین روی، دولت وقت آمریکا که از طریق نظامی نتوانسته بود گروگان‌های خود را آزاد سازد، ناچار به توافقی سیاسی تن داد که به بیانیه الجزایر معروف شد.

---

۱ - برژینسکی، «سقوط شاه، جان گروگانها و منافع ملی»، ترجمه منوچهر یزدانیار، تهران کاوش ۱۳۶۲، ص ۹۵.

۲ - جلویتوکیه‌زا، «هدف تهران، تهاجم کارتر و وقایع پشت پرده»، ترجمه هادی سهرانی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲، ص ۱۳۶.

در ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ (۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) بسیاری از محدودیت‌های ایجاد شده از سوی آمریکا به عنوان بخشی از شروط دولت ایران که منجر به رهایی گروگان‌های آمریکایی شد، منتفی گردید، اما این امر شامل رفع تحریم ارسال تسلیحات به ایران نمی‌شد. حتی فراتر از آن، برخی تحلیل‌گران مخالف انقلاب اسلامی، اعلام داشتند بهترین راه مقابله با انقلاب اسلامی ایران و ممانعت از گسترش موج آن به کشورهای دیگر منطقه، درگیر کردن دولت نوظهور با تهدید خارجی است. از این رو نه تنها جای شگفتی نیست که سران ایالات متحده از وقوع جنگی میان جمهوری اسلامی نوپای ایران با یکی از همسایگانش از صمیم قلب خرسند شوند، بلکه طبق اسنادی که بعداً فاش شد در تشویق صدام به تجاوز فعال بودند و درطول جنگ نیز از متجاوز به ایران حمایت کردند.

و جنگ آغاز می‌شود...

صدام حسین در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) با پاره کردن قرارداد الجزایر و ادعای دروغین تعرض نیروهای ایرانی به مرزهای عراق، به ایران حمله کرد. بی‌شک صدام حسین که از بحران موجود میان ایران و ایالات متحده آگاه بود، روی این دشمنی حساب زیادی باز کرده بود و وقایع بعدی ثابت کرد که او چندان اشتباه نکرده بود زیرا آمریکا و متحدانش با کمک‌های بی‌دریغ به صدام در پیشگیری از اضمحلال قطعی او مؤثر بودند. در واقع آمریکا و غرب جز شکست جمهوری اسلامی هدف دیگری نداشتند، چرا که صدام خطری فوری برای غرب محسوب نمی‌شد و این آرمان‌های انقلاب ایران بود که هر لحظه می‌توانست موجب شگفتی‌ای در منطقه شود. از همین رو، ماهواره‌های جاسوسی آمریکا اطلاعات مربوط به نقل و انتقالات نیروهای ایران را در اختیار ارتش عراق قرار می‌دادند تا بتوانند در برابر ایران ایستادگی کند. آمریکا همچنین با ادامه تحریم تسلیحاتی ایران به ارتش عراق کمک می‌کرد. متحدین منطقه‌ای آمریکا همچون عربستان و کویت نیز به انتقال تقریباً نامحدود تسلیحات غربی به عراق اقدام می‌کردند و بخشی از درآمد کمپانی آرامکو که امتیاز نفت عربستان را داشت، صرف خرید تسلیحات و تجهیزات جنگی برای عراق می‌شد.

در همین دوره، سازمان‌های امنیتی آمریکایی اعلام کردند ایران از گروه‌های به اصطلاح خودشان تروریستی منطقه به ویژه لبنان، حمایت می‌کند. در پی این امر، در اول بهمن ۱۳۶۳ (۲۰ ژانویه ۱۹۸۴) وزارت امور خارجه آمریکا، دولت ایران را یکی از حامیان تروریسم بین‌المللی معرفی کرد. پس از آن ایالات متحده فعالانه کشورهای اروپایی و به طورکلی متحدان خود را وادار ساخت به بهانه حمایت از تروریسم، از فروش نیازهای لجستیک و قطعات و تجهیزات نظامی سبک و سنگین که

مورد استفادهٔ ایران در جنگ بود، ممانعت به عمل آورند. گفتنی است که بخش عظیمی از درآمدهای حاصل از فروش نفت در اواخر دهه‌های ۱۳۵۰ صرف خرید تسلیحات و تجهیزات جنگی شده بود. اما ارسال آخرین محموله‌های نظامی که مجموعه‌ای از سلاح‌های پیشرفته از قبیل هواپیماها، زیردریایی‌ها، تانک‌ها، موشک‌های پیشرفته و... را شامل می‌شد، در روزهای واپسین حکومت شاه لغو شد، بی آنکه بهای پرداخت شده آن به ایران بازپس داده شود.

سال ۱۳۶۴: سال سرنوشت ساز

در این میان سال ۱۳۶۴، سال سرنوشت سازی در حیات جمهوری اسلامی است. با وضعیتی که در جبهه‌های جنگ به وجود آمده بود، ضرورت داشت که ایران یک تغییر عمده در جبهه‌ها و سرنوشت جنگ به وجود بیاورد و با کسب امتیاز وافی، برای پایان دادن به جنگ از طریق سیاسی بکوشد که این مهم در خاطرات ۱۳۶۳ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با نام «به سوی سرنوشت» منعکس است.

در راستای این سیاست، ایران انجام چند عملیات سرنوشت‌ساز در این سال را هدف قرار داده بود که به طور طبیعی تأمین و تعمیر تجهیزات نظامی، سلاح‌های سنگین، قطعات یدکی هواپیما، رادار، و موشک‌های ضدتانک و هواپیماهای بلند پرواز روسی، موشک‌انداز و کشتی ضروری بود. اگر چه در داخل کشور تلاش‌های فراوانی در راستای ساخت و تولید سلاح صورت می‌گرفت، اما در کوتاه‌مدت نمی‌توانست جایگزینی مناسب برای نیازهای تسلیحاتی ایران باشد که عمدتاً ساخت کشورهای غربی، به ویژه آمریکا بود. بنابراین طبیعی بود که دولت ایران برای تأمین نیازهای تسلیحاتی و قطعات یدکی مورد نیاز خود به منظور دفاع از مردم، کشور و انقلاب، به بازار سیاه اسلحه در سطح جهان مراجعه کند. از طرفی سلاح‌های عراق عمدتاً بر پایهٔ تکنولوژی روسی بود و آمریکا سلاح‌هایی بر ضد آنها ساخته بود؛ این در حالی بود که به علت قطع روابط با دولت آمریکا، تحریم اقتصادی ایران توسط ایالات متحده و متحدانش، همزمان با دادن همه گونه سلاح‌های مدرن به رژیم بعثی عراق، به فشار بر جمهوری اسلامی ایران روز به روز افزوده می‌شد. در این وضعیت، منافع استراتژیک ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه اجرای برنامه‌های زیر را ایجاب می‌کرد:

کنترل صدور نفت توسط کشورهای صادر کننده نفت خاورمیانه که از نظر سیاست خارجی با ایالات متحده همسویی داشتند؛ ممانعت از اتحاد سیاسی کشورهای عربی با شوروی و عدم گرایش به آن کشور؛ تأمین منافع اسرائیل در کشمکش با مسلمانان فلسطین و لبنان؛ و ممانعت از پیروزی ایران بر

عراق به منظور تضعیف جمهوری اسلامی که در منطقه نفوذ معنوی فراوان داشت و تبدیل به خطر بالفعلی برای منافع آمریکا شده بود؛ ضمن اینکه وابستگی بیشتر دولت عراق به آمریکا نیز نتیجهٔ قطعی چنین سیاستی بود.

با توجه به آنچه گفته شد، ایران در شرایط حساس جنگی و تحریم تسلیحاتی ناجوانمردانه آمریکا و غرب در بازارهای بین‌المللی، به دنبال تسلیحات و به ویژه اقلامی مانند موشک‌های تاو[۱] (TOW)، قطعات پرتاب‌کننده موشک هاک[۲] (HAWK)، موشک هارپون[۳] (Harpoon)، موشک فونیکس[۴] (Phoenix) سایدویندر[۵] (Sidewinder) و لامپ‌ها و قطعات حساس رادارها بود، که همگی آنها ساخت کارخانه‌های آمریکایی بودند.

آخرین ساعات سال ۱۳۶۳، آسمان تهران، از شلیک ضد هوایی‌ها روشن بود. دو روز بعد در آغاز سال نو هنگامی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مشغول ایراد خطبه دوم نماز جمعه تهران بود، یک هواپیمای عراقی دیوار صوتی در این شهر را شکست.

---

۱ - موشک ضد تانک تاو (TOW) برای عملیات ضدزرهی طراحی شده است. تاو یکی از بهترین موشک‌های ضدتانک در دنیاست و می‌تواند به راحتی انواع تانک‌ها مخصوصاً تانک روسی جدید تی ۷۲ را منهدم کند. خود موشک درون محفظه مخصوصی قرار دارد و پس از پرتاب توسط دورشته سیم به سایت پرتاب متصل است. به این ترتیب، پرتاب کننده تا لحظه رسیدن موشک به هدف می‌تواند فرامین اصلاحی به موشک بدهد. تاو را می‌توان از روی جیپ تانک، نفربر و حتی از روی زمین شلیک کرد.

۲ - هاک (HAWK) از مهم‌ترین موشک‌های ضدهواپیما در ارتفاع بالاست. این موشک وقتی به سوی هواپیما شلیک می‌شود، در نزدیکی هواپیما منفجر شده و به هزاران ترکش آتشین بدل می‌گردد. هاک موشکی راداری است؛ یعنی رادار آن روی جنگنده مهاجم قفل می‌کند وموشک به طور خودکار تا نابودی هدف دنبال آن می‌رود.

۳ - موشک هارپون یکی از معروف‌ترین و قوی‌ترین سلاح‌های ضد کشتی است که با وجود عمر طولانی‌اش هنوز از بهترین موشک‌های ضدکشتی در نیروی دریایی آمریکا و بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران است. این موشک گرچه رقبایی از روسیه و چین دارد، اما هنوز برتری خود را حفظ کرده است.

۴ - فونیکس موشک هوا به هوا است که مجهز به رادار بوده و برای اهداف دور استفاده می‌شود. این موشک بر روی جنگنده‌های اف - ۱۴ نصب می‌شود، فونیکس نخستین موشک دوربرد هوا به هوای ایالات متحده است که توانایی درگیری هم زمان با چند هدف مشترک را دارد.

۵ - این موشک گرماگیر کوچک از نوع موشک‌های هوا به هوا است که توسط جنگنده‌ها حمل می‌شود. این موشک می‌تواند گرمای بدنهٔ هدف را تشخیص دهد و به سمت آن برود.

این آغاز برای سال جدید نشان از خاص بودن وضعیت جنگ داشت، چراکه شکست پی در پی نیروهای عراقی در جبهه‌ها آنان را واداشته بود بمباران شهرها را تشدید کنند؛ اقدامی که حکایت از عدم پایبندی دولت بعثی به موازین بین‌المللی و انسانی داشت و همچنین مبین گرفتن چراغ سبز از قدرت‌های غربی و شرقی در ارتکاب به این اقدامات بود.

با انجام عملیات خیبر و بدر، ایران ثابت کرد که می‌تواند از مرزها بگذرد و با حضور در خاک عراق، این کشور را تحت فشار بگذارد. با این اتفاق مهم و بزرگ، تحرکات از دو جانب آغاز شد. یکی از سوی میانجیگران بین‌المللی اعم از افراد، کشورها و سازمان‌های جهانی که همگی به تکاپو افتادند تا جنگی راکه اکنون دیگر به ضرر عراق در جریان بود، متوقف سازند. نخستین اقدام از این‌دست، سفر خاویر پرز دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل متحد به تهران در هشتم فروردین ۱۳۶۴ بود. دیگری، آن که حامیان رژیم صدام سلاح‌های جدید و تدارکات مالی و نظامی فزون از حد را در اختیار او قرار دادند، بدون اینکه بازخواستی از این رژیم برای بمباران و موشک‌باران شهرهای ایران، ربودن هواپیماهای مسافربری، حمله به کشتی‌های حامل نفت و کالا، بمباران چاه‌ها و تأسیسات نفتی ایران در خلیج‌فارس و استفاده از سلاح‌های شیمیایی بشود.

بنابراین، سال ۱۳۶۴ برای ایران در جنگ یک نقطه عطف محسوب می‌شد. هاشمی رفسنجانی، فرماندهٔ وقت جنگ، که خاطرات خود در این سال را بعدها تحت عنوان «امید و دلواپسی» منتشر ساخت، شرحی از این وضعیت داده است که در لابه لای اشارات مختصر این خاطرات می‌توان با توجه به شرایط آن زمان دریافت که به راستی این سال، سال امید و دلواپسی بود.

به هر روی، وضعیت جنگ بغرنج بود. بخش عظیمی از سلاح‌های ایران میراث دورانی بود که روابط شاه با آمریکا، امکانات بسیاری را در اختیار ایران قرار داده بود. اما تحریم آمریکا و فرسودگی زرادخانه نظامی ایران و از طرف دیگر، هم پیمانی شوروی با عراق که مانع از تأمین سلاح‌های مورد نیاز ایران از این کشور می‌شد، ایران را وادار کرد برای تأمین تجهیزات مورد نیاز خود راهکارهایی بیندیشد.

یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۶۴، عراق دو کشتی ایرانی را مورد اصابت موشک قرار داد و مسئولان کشور را واداشت بر تلاش‌ها برای تهیه موشک بیفزایند.

در همین اوان، اولین جرقه‌های شکل‌گیری درخواست آمریکایی‌ها برای کمک به آزادی گروگان‌ها مطرح می‌شود. هاشمی رفسنجانی در یادداشت‌های ۵ فروردین ۱۳۶۴ نوشت: "پیش از ظهر احمد آقا [خمینی] آمد و گفت که بعضی از رسانه‌ها گفته‌اند، آمریکا به خاطر گروگان‌هایی که

در دست مردم لبنان دارد، تحت فشار است و مایل است که برای حل مشکل از ایران استمداد کنند. اگرچه ما گروگان گیرها را نمی‌شناسیم، اما گفتم اگر چنین درخواستی شد، درباره آن و راهکار ممکن مشورت کنیم".[۱] تقدیر چنین بود آمریکایی که از همه سو در پی مقابله با ایران بود، دست نیاز به سوی ما دراز کند.

حملات برای قطع شریان اقتصادی ایران

عراق که از رویارویی با رزمندگان ایران در جبهه‌های جنگ ناتوان بود، ناجوانمردانه حملات خود به کشتی‌ها، مراکز غیرنظامی و شهرهای ایران را ادامه داد. در ششم فروردین محمد غرضی، وزیر نفت، به مسئولان اطلاع داد فشار به کشتی‌های نفتی زیاد شده و ممکن است در آن ماه نتواند به تعهد خود در استخراج و فروش نفت عمل کند. به تدریج با گسترش جنگ، سیاست حمله به سکوهای نفتی ایران از سوی عراق در پیش گرفته شد تا با مانع شدن از صدور نفت، ایران از لحاظ اقتصادی به زانو درآید. از حملات متعدد عراق به منابع نفتی ایران می‌توان به حمله ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ به جزیره خارک اشاره کرد که طی آن اسکله تی و یک کشتی در اسکله آذرپاد صدمه دید. رادیو بغداد با بزرگ نمایی این جریان اعلام کرد که نیروهای هوایی عراق ضربه مهلک و نابود کننده خود را بر شریان حیاتی ایران وارد ساخته و جزیره خارک را با خاک یکسان کرده‌اند.

با این اوصاف، ایران در تکاپو بود هرچه زودتر موشک‌های ضدهوایی، چه از نوع روسی و چه آمریکایی، را برای دفاع از جزیره خارک به دست آورده و سایت موشکی‌اش را در آن جزیره مستقر کند. در واقع ایران در این قسمت بیشتر در صدد پیشگیری بود تا عراق نتواند از این طریق فشاری به ایران وارد آورد.

روز ۲۸ شهریور ماه بار دیگر خبر رسید عراق با حمله هوایی به اسکله آذرپاد خارک و دو نیروگاه دز و کارون، خسارات سنگینی به تأسیسات این مناطق وارد کرده است.

تمامی این حوادث موجب شد برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از خطر قطع صادرات نفت اظهار نگرانی کرده و جلسه‌ای اضطراری در مورد بررسی بستن خلیج‌فارس روی نفتکش‌ها از طریق کنترل تنگه هرمز داشته باشند که این خود امری بحران زا تلقی می‌شد. حملات عراق در روزهای دیگر نیز ادامه پیدا کرد.

---

۱ - هاشمی رفسنجانی، امید و دلواپسی، به اهتمام سارا لاهوتی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷، ص ۴۳.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در یادداشت ۵ مهر خود نوشت: "در اسکله‌های تی و آذرپاد به دو هدف با دقت توسط عراقی‌ها بمب اصابت کرده است. دلیل بر دقت هدف گری، اطلاع کامل قبلی و ضعف مفرط دفاع ماست و خسارات زیاد است. مسئولان [ترمینال‌های] نفتی جزیره خارک گفتند اگر درست دفاع شود، با وضع موجود می‌توانیم روزانه تا چهار میلیون بشکه نفت صادر کنیم ولی اعتمادی به دفاع نیست".[۱]

تمامی این موارد نشان از حیاتی بودن دستیابی به موشک‌های دفاعی و اقدام به عملیاتی سرنوشت‌ساز علیه مواضع عراق داشت.

در جستجوی سلاح

ایران با توجه به نیاز مبرم به سلاح‌های حیاتی برای دفاع از خود از هیچ گزینه‌ای غفلت نکرد و کوشید از منابع گوناگون، از جمله بازار سیاه، سلاح به دست آورد.

در این میان دلالان اسلحه نیز به تکاپو افتادند تا از این نمد کلاهی برای خود دست و پا کنند. اگرچه گاه به دنبال فریب طرف‌های ایرانی نیز بودند. البته این تلاش‌ها با درایت مسئولان جمهوری اسلامی ناکام می‌ماند.

هاشمی رفسنجانی مواردی از این دست را چنین ذکر کرده است. "آقای محلاتی پیشنهادی برای فروش ۳۵ [فروند] موشک هارپون از پاریس آورده بود. به فرمانده نیروی هوایی و دفترم گفتم که رسیدگی کنند. معمولاً دلالان اسلحه این گونه پیشنهادها را با اغراض خاص می‌آورند". [۲] یا: "شخصی با معرفی اخوان مرعشی آمد و از طرف یک شرکت هلندی، اسلحه برای فروش عرضه می‌کرد. او را به وزارت دفاع فرستادم. از این مراجعات این روزها زیاد داریم و نوعاً اسلحه‌های پیشرفته و کمیاب آمریکایی را پیشنهاد می‌کنند، ولی کمتر به نتیجه می‌رسد".[۳]

در همین حین محسن رفیق دوست نیز پس از هماهنگی و مشورت با فرماندهان سیاسی و نظامی جنگ، از جمله هاشمی رفسنجانی، سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضایی، برای تهیه موشک از سوریه و کره شمالی اقدام کرد. همچنین یکی از نظامیان که برای خرید اسلحه به ژنو رفته بود، در دیدار با هاشمی رفسنجانی مدعی شد، آمریکا آمادگی دارد هواپیمای اف ۴ و موشک فونیکس و قطعات لازم را در قالب یک شرکت به ایران بفروشد. این پیشنهاد با قید احتیاط مورد موافقت هاشمی

---

۱ - پیشین، ص ۲۶۴.　۲ - پیشین، ص ۴۶.　۳- پیشین، ص ۹۸.

رفسنجانی قرار گرفت و وی اعلام کرد از آنجا که سلاح‌های نیروهای مسلح ایران اکثراً امریکایی است، وسایل مربوط به آنها را از هر کجا - به جز اسرائیل - می‌خریم. این قید مجدداً در یادداشت روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ در ذکر یکی از ملاقات‌ها آمده است: "حاجی‌یوسف آمد و گزارش سفر تیم خرید اسلحه را داد. مدعی است که آمریکا مایل است اسلحه‌ها، هواپیما، موشک و... مورد نیاز ما را از طریق شرکت‌های غیرآمریکایی به ما بدهد، ولی ما نمی‌توانیم باور کنیم. استدلال آنها این است که آمریکا چون می‌ترسد ما اجباراً سیستم نظامی خودمان را که متکی به اسلحه‌های آمریکایی است، عوض کنیم، به اندازه‌ای که بتوانیم سیستم موجود را حفظ کنیم، تحویل می‌دهند؛ ممکن است نظرشان درست باشد. به هرحال به نفع ماست که بخریم و اجازه داده‌ایم، ولی امروز و فردا می‌کنند. به هرحال اجازه را تأکید کردم. آقای خامنه‌ای هم در این باره تلفنی مشورت کردند؛ نظر واحدی داریم".[1]

برخی پیشنهادها و گزینه‌ها برای خرید سلاح، به ویژه از طریق کشورهای غربی، از سوی دلالان و واسطه‌ها ارائه می‌شد، دلالانی که چندان هم قابل اعتماد نبودند و گاه ایران ناچار می‌شد علیه کلاهبرداری آنان در معامله‌های سلاح متوسل به شکایت‌های حقوقی شود. این امر افزون بر این نکته است که معمولاً دلال‌ها، سلاح‌های مورد نیاز ایران را بسیار گران‌تر از قیمت واقعی می‌فروختند؛ چنانچه هاشمی رفسنجانی نقل کرده است: "آقای [غلامرضا] آقازاده آمد و درباره خرید موشک تاو - که ۳۰ درصد گران‌تر از قیمت اصلی می‌دهند - کسب تکلیف کرد. با رفیق دوست مشورت کردیم. او معتقد است، تعدادی بخریم بهتر است".[2]

البته در این اثنا ایران کوشش خود را برای طراحی و ساخت یا تعمیر موشک‌ها در داخل کشور نیز پی گرفت. تحقیق و ساخت موشک‌هایی شبیه به موشک تاو آمریکایی و مالیوتکا روسی در صنایع دفاعی سپاه شروع شده بود. ولی هنوز نتیجهٔ قطعی نداده بود. روز ۱۳ خرداد اعلام شد که موشک شباهنگ ایران برای نخستین بار شلیک شده و گویا به هدف نیز اصابت کرده است. این امر برای نخستین بار رخ می‌داد که در ارتفاع هفتاد هزار پایی هواپیمای مهاجم مورد اصابت موشک قرار می‌گرفت. خبرگزاری شین هوا در همین باره گزارش داد: «ایران برای نخستین بار با استفاده از موشک زمین به هوا یک هواپیمای عراقی را که به تهران حمله کرده بود، سرنگون ساخت. هاشمی رفسنجانی، نماینده رهبر ایران در شورای عالی دفاع، چندی قبل اشاره کرده بود که ایران با استفاده از سلاح‌های تدافعی جدید از حمله هواپیماهای عراق به خاک ایران جلوگیری می‌کند.»

---

۱ - پیشین، ص ۹۴.
۲ - پیشین، ص ۲۱۴.

استفاده از موشک زمین به هوا به شکل موفقیت‌آمیز، تأثیر به سزایی در روحیه مردم و مسئولان داشت. اما بدیهی است تلاش‌های داخلی برای ساخت موشک در گرماگرم جنگ شهرها، کفاف نیاز کشور را نمی‌داد و خرید و تهیه آن از منابع دیگر نیز حیاتی بود. سفرهای هاشمی رفسنجانی در اواخر خرداد / اوایل تیر ۱۳۶۴ به لیبی و سوریه و سپس به چین و ژاپن (در تیرماه همان سال) گشایش‌هایی در این باره ایجاد کرد. این گشایش‌ها البته مشکلات خاص خود را داشت. نظامیان ایرانی اغلب از عدم همکاری لازم تیم موشکی لیبی گلایه می‌کردند. سوری‌ها نیز نگران بودند که تحویل موشک به ایران خشم و دلخوری شوروی را در پی داشته باشد. محسن رفیق دوست در بازگشت از کرهٔ شمالی، اطلاع داد نتوانسته است برخی از قطعات مورد نیاز را برای موشک‌های چینی بگیرد. او در عین حال حامل پیغام رهبر کره برای هاشمی رفسنجانی مبنی بر درخواست یک کشتی نفت در برابر درخواست‌های ایران بود. چینی‌ها هم در امر فروش سلاح بهانه جویی کرده و به طورکلی اغلب کج دار و مریز رفتار می‌کردند. در کل اینکه، تهیه سلاح‌های مورد نیاز با تأخیر و مشکلات فراوان صورت می‌گرفت.

و جنگ ادامه دارد: دشواری‌ها و گشایش ها

شرایط ایران در این مقطع با توجه به طولانی شدن جنگ با عراق و تحلیل توان نظامی و اقتصادی ایران از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در حالی که عراق از همه طرف حمایت می‌شد، بسیاری از سلاح‌های مهم و به ویژه رادارهای ایران به خاطر نداشتن قطعات یدکی بدون استفاده مانده بود. این مسئله علاوه بر تشدید بمباران شهرها بر وخامت اوضاع می‌افزود.

بنابراین نیاز ایران به خرید و واردات اسلحه و تجهیزات جنگی امری بدیهی بود، اما این که این سلاح‌ها چقدر حیاتی بود و در سرنوشت جنگ چه تأثیری داشت، مسئله‌ای است که نظریات متفاوتی درباره آن مطرح شده است. هاشمی رفسنجانی، فرمانده جنگ، در مصاحبه‌ای به اهمیت حیاتی سیستم دفاعی هاک و موشک‌های ضد تانک و زرهی تاو اشاره کرده و می‌گوید: «آمریکایی‌ها می‌فهمیدند که ما می‌توانیم به اندازه کافی در بازار سیاه و جاهایی که هست نیازهایمان را برآورده کنیم و نمی‌توانستند جلویش را بگیرند. در نیازها به سلاح‌های استراتژیک مذکور که مستقیماً از آمریکا و یا زیر نظر آن بود، مشکل می‌توانستیم دست پیدا کنیم.» او می‌افزاید: «از محدودیت‌های بسیار جدی ما لوازم یدکی و تجهیزات سیستم دفاعی هاک بود که برای ما خیلی اهمیت داشت.» همچنین: «تانک‌های دشمن نیروهای ما را اذیت می‌کردند. برای من که فرمانده جنگ بودم، خیلی مهم بود که در عملیات ما تاو داشته باشیم. بچه‌ها خیالشان راحت بود. تانکی را که می‌زدند، کلی روحیه می‌گرفتند.»

شایان ذکر است که ارتش عراق در برابر برتری نیروی انسانی ایرانی‌ها تکیه قابل توجهی به تانک و ادوات زرهی داشت. موشک تاو یکی از جنگ افزارهای دقیق برای منهدم کردن نیروی زرهی چنین ارتشی بود، از این رو اهمیت تأمین موشک‌های تاو در پیشبرد اهداف جنگ و تغییر روند آن به نفع ایران، بسیار بود.

بعدها نیز وقتی ایران بیشتر به سلاح‌هایی مانند هاک دست یافت تأثیر بزرگ آن در تعیین نتیجه نبرد بیش از پیش آشکار شد. هاشمی رفسنجانی نیز پس از پیروزی در عملیات سرنوشت ساز فاو به این موضوع اشاره کرد و در مصاحبه‌ای اشاره کرد که از بخشی از امکاناتی که در جریان مک‌فارلین به دست آمد، در حمله به فاو استفاده شد: «این موشک‌ها در عملیات فاو مؤثر بود. در فاو خیلی تانک زدیم. فضایمان را با این هاک‌ها که تجهیز کرده بودیم، امن‌تر کردیم.»

از سوی دیگر، این پرسش مطرح است که آیا تهیه این سلاح‌ها و تجهیزات جنگی از طریق دیگری غیر از مسیر آمریکا امکان‌پذیر بود؟ البته از آنجا که این تجهیزات توسط آمریکا تولید می‌شد، سرانجام این مسیر با هر واسطه‌ای به آمریکا ختم می‌شد. کشورهایی که می‌توانستند این موشک‌ها را به طور مستقیم بخرند، عبارت بودند از اسرائیل، آلمان، آفریقای جنوبی و چند کشور تحت نفوذ آمریکا. همچنین جابه جایی و انتقال این تجهیزات از آنجا که جنبهٔ استراتژیک داشتند، تحت نظر سیا (CIA) بود و هیچ کس حق نداشت بدون اطلاع مسئولان ایالات متحده نسبت به انتقال آنها اقدام کند.

از طرف دیگر، مسئله تأمین اسلحه هر چند برای ایران مهم و حیاتی بود، اما در حدی نبود که ایران هر شرایطی را از سوی آمریکا بپذیرد. این امر در درجه اول به سیاست‌های اصولی و عقیدتی ایران باز می‌گشت و از طرف دیگر به این واقعیت که ایران خود در صدد تولید این سلاح‌ها بود.

البته واقعیت این است که خرید این سلاح‌ها از خود آمریکایی‌ها شاید با قیمت کمتری عملی بود تا پس از چند دست چرخیدن در میان واسطه‌ها.

کورسوی امید

در آن شرایط بحرانی تحریم تسلیحاتی ایران، هفت مأمور امنیتی و سیاسی غربی، از جمله آمریکایی، طی هفت حادثه بین مارس ۱۹۸۴ (۱۳۶۲) تا ژوئن ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) در بیروت به گروگان گرفته شدند. یکی از ربوده شدگان ویلیام باکلی، رئیس سیا در بیروت بود که در مارس ۱۹۸۴ (اواخر اسفند ۱۳۶۲) ربوده شد. نهادهای امنیتی آمریکایی بر این باور بودند که اگر نه همه

گروگان‌ها، دست کم بیشتر آنان در اختیار اعضای حزب اللّه لبنان هستند، که متأثر از آرمان‌های انقلاب اسلامی بودند.

به رغم تلاش‌های فراوان دولت ریگان، نتیجه مثبتی در آزادی این افراد حاصل نشد و حتی بدتر از آن، گروگان‌گیری‌ها شدت یافت.

در چهاردهم ژوئن ۱۹۸۵ (۱۴ خرداد ۱۳۶۴) نیز دو لبنانی هواپیمای پرواز ۸۴۷ شرکت هوایی «تی. دبلیو.ای» را با ۱۴۵ مسافر و هشت خدمه در مسیر آتن به رم ربودند و خلبانان را مجبور کردند در فرودگاه بیروت به زمین بنشینند. گروگان گیران پس از چندین بار جا به جا کردن گروگان‌ها سرانجام پس از ۱۷ روز آنان را رها کردند. این ماجرا تا زمانی که در ۲۹ ژوئن گروگان‌های نجات یافته آزاد شدند، تمام توجه دولت آمریکا را به خود معطوف داشت.

در این جریان، پس از شکست سوریه برای حل بحران، اقدامات دولت ایران در قبال حل مسئله گروگان‌گیری در لبنان امری بود که نمی‌شد از آن چشم پوشید، به ویژه در سفر هاشمی رفسنجانی (رئیس وقت مجلس شورای اسلامی) به سوریه و لبنان، کمک مؤثری برای حل مشکل گروگان‌های هواپیمای تی. دبلیو. ای صورت گرفت. در مقابل نیز آمریکا وعده داد برای آزادی اسرای لبنانی از زندان‌های اسرائیل کمک کند.

وقایع فوق‌الذکر، توجه دوباره برخی دولتمردان آمریکایی را به ایران جلب کرد. دولت ریگان در پی یافتن راهکارهایی بود تا مسئله گروگان‌گیری و بحران ناشی از آن را حل کند و افکار عمومی ایالات متحده را که در آستانه انتخابات کنگره نیز قرار گرفته بود، آرام گرداند.

ریگان به خوبی از این تجربه درس آموخته بود که یکی از علل پیروزی او در انتخابات پیشین ریاست جمهوری بر جیمی کارتر، این بود که کارتر در حل به موقع بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران، موفق نشده بود. بنابراین حتی به روایت اسناد و گزارش‌های خود آمریکایی‌ها - از جمله گزارش سناتور تاور - علت اصلی تمایل ریگان به فروش اسلحه به ایران، آزاد ساختن گروگان‌های آمریکایی در لبنان، آن هم به منظور کسب امتیازی سیاسی در صحنه رقابت‌های تبلیغاتی ایالات متحده بود. چنانچه سیر وقایع را از طریق اسناد مرور کنیم، در می‌یابیم هر چه زمان انتخابات کنگره در آمریکا نزدیک می‌شود، بر شدت فعالیت آمریکایی‌ها برای معامله با ایران و نیز بر میزان امتیازات پیشنهادی افزوده می‌شود، آنچنان که در مصاحبه‌های فرمانده وقت جنگ، هاشمی رفسنجانی آمده است، وی نیز بر این عقیده بود که آمریکایی‌ها صرفاً «می‌خواستند مسئله گروگان‌های خود را در لبنان حل کنند.»

تأمین سلاح در برابر کمک به آزادی گروگان‌ها

با توجه به این که دولت ایالات متحده بر این باور بود که گروه‌های اسلامی در لبنان تحت تأثیر جمهوری اسلامی هستند و در صورت توصیه ایران ممکن است گروگان‌های غربی را آزاد کنند، پس از ماجرای حل بحران هواپیمای تی - دبلیو - ای آمریکا بیش از پیش کوشید نظر موافق ایران را برای وساطت در آزاد سازی گروگان‌هایش جلب کند.

در ۱۶ مرداد فرستاده ویژه نخست وزیر ژاپن با نامه‌ای از طرف وی، برای دیداری محرمانه از هاشمی رفسنجانی کسب اجازه کرد. مطلب عمده او درخواست کمک از ایران برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان بود. پاسخ رسمی هاشمی رفسنجانی چنین بود: «گفتم اولاً نمی‌دانیم که آیا واقعاً گروگانی هست یا خیر؟ و ثانیاً اگر باشد، نمی‌دانیم که صحنه‌سازی از خود آمریکا یا اسرائیل برای ایجاد بهانه دخالت در کشورهای منطقه نباشد، ثالثاً نمی‌دانیم آمریکا خواستار آزادی آنها هست یا خیر؟ عمل نکردن آمریکا به وعدهٔ قبلی در مورد آزادی زندانی‌های لبنانی از اسرائیل در مقابل حل مشکل هواپیمای ربوده شده آمریکایی تی - دبلیو - ای که با همکاری ما و سوریه حل شد، دلیل اهداف غیرصادقانه آمریکا است. اگر آمریکا حسن‌نیت دارد به وعده قبلی عمل کند تا ما بتوانیم در این مسئله جدید اقدام نماییم. او مایل بود از طرف من برای آمریکایی‌ها پیغامی ببرد. نپذیرفتم و گفتم من با ژاپنی‌ها حرف می‌زنم.»[1]

با این حال، هاشمی رفسنجانی از فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضایی خواست که سپاه پاسداران بکوشد سرنخی از عوامل گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در لبنان بیابد تا ایران بتواند در مقابل آزادی اسرای لبنانی در اسرائیل به نجات گروگان‌های آمریکایی کمک کند. هم زمان گزارش رسید که آمریکا آمادگی تحویل برخی از نیازهای مهم جنگی ایران را در مقابل کم کردن فشار انقلابیون لبنانی بر آمریکا و آزادی گروگان‌ها دارد.

اعلام آمادگی آمریکا برای فروش اسلحه به ایران از چه کانال هایی صورت می‌گرفت؟ سیاست ایران و آمریکا در این موضوع چه بود؟ نحوهٔ تصمیم‌گیری‌ها به چه صورت بود؟ اجازه اقدامات چگونه داده می‌شد؟ چه کسانی درگیر این عملیات بودند؟ اقدامات چگونه اجرا می‌شد؟ و سئوال هایی از این دست، مواردی است که در ماجرای مذکور مطرح می‌شود.

در این بین در مرحله اول پای واسطه‌ها و دلالان اسلحه مانند منوچهر قربانی‌فر از یک سو و

---

۱ - پیشین، ص ۲۱۳.

شورای امنیت ملی ایالات متحده از سوی دیگر به میان آمد. از این پس ماجرای اصلی که بعدها به ماجرای مک فارلین (ایران گیت / ایران کنترا) معروف شد، آغاز شد. اما پیش از ادامه این ماجرا و شناختن دلالان و واسطه‌های این جریان، به آگاهی دربارهٔ بسیاری از نکات و ابهامات نیاز است.

فروش سلاح، اما با چه هدفی؟

منابع آمریکایی، همچون گزارش تاور، کوشیده‌اند انگیزه مهم‌تری را نیز درباره تصمیم بخشی از حاکمیت ایالات متحده در فروش سلاح به ایران، مطرح کنند. این منابع از اهمیت استراتژیک ایران و نیز لزوم برقراری ارتباط با آن به منظور جلوگیری از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در منطقه و بی‌اثر بودن سیاست‌های خصمانه ایالات متحده در قبال این کشور سخن گفته‌اند. در نامه‌ای از قربانی‌فر به کنگرلو، مشاور وقت نخست وزیر ایران نیز بر همین نکته تکیه شده است.

برای نمونه، هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه ایالات متحده در زمان نیکسون در کتاب «دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یکم» نوشته است: "کمتر کشوری در جهان مانند ایران وجود دارد که ایالات متحده دلایلی اندک برای مخاصمه با آن داشته باشد یا منافع آنها تا بدین حد با یکدیگر همگرا باشد. منافع دو کشور به شخص خاصی وابسته نیست. این منافع بازتابی از واقعیت‌های سیاسی و راهبردی است که در حال حاضر نیز وجود دارد. آمریکا هیچ دلیل ژئوپولتیکی برای خصومت و دشمنی با ایران ندارد. دولت‌های متعدد در آمریکا برای عادی ساختن روابط بین دو کشور اعلام آمادگی کرده‌اند".[1]

در این زمان بر اساس اطلاعاتی در آمریکا که مبنای آن امکان فوت رهبر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بود، این فرض پذیرفته شده بود که ایران به زودی وارد یک مرحله بی‌ثباتی می‌شود و این امر از نظر آمریکا به منزله بهره‌برداری بیشتر شوروی از شرایط ایجاد شده بود، تا جایی که حتی بحث جلوگیری از تجزیه ایران نیز در زمره عوامل تغییر استراتژی آمریکا در قبال ایران ذکر شده بود.

در این زمینه گراهام فولر، مأمور اطلاعات ملی ایالات متحده در خاورمیانه و جنوب آسیا، در یک برآورد اطلاعاتی پنجاه صفحه‌ای به ویلیام کیسی، رئیس وقت سازمان سیا (CIA) چنین آورده است:

"آمریکا با اوضاع نامساعدی در مورد گسترش و بسط خط مشی جدید در مورد ایران

---

۱ - هنری کیسینجر، «دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یکم»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.



مک فارلین در حال بازجویی در کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا



روبه‌روست، سیر وقایع به طور عمده علیه منافع ماست و به زودی شاهد مبارزه برای جانشینی [امام] خمینی خواهیم شد. آمریکا هیچ برگی برای بازی ندارد. اتحاد شوروی برگ‌های زیادی دارد. ایران به طور آشکار به این نتیجه رسیده است که چه روسیه و کمونیسم را دوست داشته باشد و چه نداشته باشد، اتحاد شوروی کشوری است که باید با آن کنار آمد. شوروی و آمریکا هر دو فاقد دسترسی مطلوب به ایران هستند. هر کسی اول برسد، موقعیت مستحکمی برای حذف دیگری خواهد داشت".

فولر همچنین افزوده است: "پایه‌های خط مشی در آمریکا در ایران در جهت تسهیل منافع شوروی است". وی معتقد است "هیچ کس ایده روشنی برای تعیین نحوه بازگشت آمریکا به تهران ندارد".

تردیدهای جدی در نیات آمریکایی‌ها!

دلایل و شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت ریگان نه به راستی در فکر ایجاد رابطه‌ای جدی‌تر و بلندمدت با ایران بود و نه اصولاً امکان چنین کاری را داشت. قوی‌ترین دلیل آن است که اصولاً مصوبات کنگره ایالات متحده، فروش سلاح به ایران را ممنوع کرده بود و به این ترتیب، هر تلاشی در این باره غیرقانونی تلقی می‌شد. دوم اینکه، اگر قصدی جدی از سوی ایالات متحده برای ایجاد رابطه با ایران وجود داشت، نیازی به پنهان کاری و ارسال مخفیانه سلاح به ایران نبود، بلکه این امر می‌توانست به شکلی آشکار و رسمی صورت بگیرد.

سوم اینکه، همان گونه که بعدها آشکار شد، سلاح‌های ارسالی از سوی آمریکا در مواردی کهنه و معیوب و از رده خارج بودند که با قیمتی بالاتر نیز به ایران تحویل داده شدند و طبیعتاً این طرز معامله ناصادقانه نمی‌توانست با دغدغه ایجاد رابطه‌ای واقعی صورت گرفته باشد. دیگر اینکه، آمریکایی‌ها در این معاملات کوشیدند با همراهی و همکاری اسرائیل وارد عمل شوند، در حالی که می‌دانستند ایران بارها و بارها رسماً اعلام کرده است که به هیچ وجه حتی دربارهٔ تأمین سلاح‌های حیاتی‌اش وارد معامله از طریق اسرائیل نخواهد شد.

با توجه به این دلایل و دیگر دلایل که در ادامه به شکل مشروح‌تری صحبت خواهد شد؛ می‌توان گفت در واقع ابتدا طرح فروش اسلحه به ایران از طریق دلالان بین‌المللی و تأیید آن تنها از سوی بخشی از حاکمیت در آمریکا و به شکلی پنهانی و غیرقانونی صورت گرفت و هدف آن هم صرفاً امید به حل بحران گروگان‌گیری در لبنان به منظور کسب وجهه نزد افکار عمومی در آستانه انتخابات کنگره بود. زیرا علی‌رغم پیروزی جمهوری خواهان در ریاست جمهوری ولی کنگره هنوز در اختیار دموکراتها بود و آنها قصد پیروزی در انتخابات را در سر می‌پروراندند که در مواجهه با این استراتژی

گروه‌های درون حاکمیت آمریکا نیز نظرات متفاوتی داشتند. از جمله کنگره و وزارت امور خارجه و سیا (CIA) نظرات بعضاً متفاوت و حتی مخالف ابراز می‌داشتند. این اختلاف نظرها از دید ایران نیز پنهان نبود و لذا مقامات ایرانی نیز موضوع را در حد محملی برای تهیه سلاح می‌دانستند. به همین دلیل این گونه برخوردها تا زمان آزاد سازی گروگان‌ها موضوعیت داشت و اصولاً این گونه مذاکرات مخفیانه و غیرصادق آن هم از طریق دلالان اسلحه و همراه با تقلب در کیفیت سلاح و قیمت آن هیچ‌گاه نمی‌توانست به رابطه‌ای رسمی و دائمی بیانجامد، به ویژه آنکه آمریکایی‌ها نیز به خوبی از سوءظن مقامات ایرانی نسبت به ایالات متحده و عدم رغبت آنان به رابطه با آن کشور آگاه بودند و می‌دانستند که هدف ایران نیز صرفاً تهیه تسلیحات مورد نیاز و حیاتی خود است. بنابراین زمینه‌های لازم برای ایجاد رابطه در هیچ یک از دو کشور هنوز مهیا نبود.

بر این اساس، گمان می‌رود آن دسته از منابع آمریکایی که در مورد پروسه فروش اسلحه به ایران به منظور نزدیکی بیشتر ایالات متحده به حکومت ایران و تلاش برای دگرگونی سیاست‌های خصمانه آن کشور نسبت به جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند، در واقع کوشیده‌اند انگیزه‌های مهم سیاسی و بین‌المللی برای عملکرد غیرقانونی دولت ریگان بتراشند و از شدت رسوایی مورد نظر و مشکلات خود و ریگان بکاهند. این گونه تحلیل‌ها علاوه بر خارج از ایران، در داخل ایران نیز به صورت ناآگاهانه یا با انگیزه‌های خاص مطرح شده است. حتی ارائه گزارش تاور که ظاهراً به منظور کشف چگونگی و چرایی ماجرای فروش اسلحه به ایران تهیه شد، تلاش بسیار زیرکانه‌ای برای فرافکنی مسئولیت این امر بر دوش کارمندان میان پایه و نجات شخص رئیس جمهور از یک رسوایی بزرگ‌تر و جلوگیری از گونه‌ای «ایران گیت» در قیاس با «واترگیت» بود.

البته در مورد کانال دوم که شورای امنیت ملی آمریکا مستقیم و خارج از روابط دلالان اسلحه وارد موضوع شده بود در صورتی که بهتر مدیریت می‌شد شاید می‌توانست امکان تأمین منافع درازمدت ایران در جنگ و منطقه را فراهم نماید.

مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی بی اس آمریکا

شبکه تلویزیونی «سی.بی.اس» آمریکا درباره تلاش آمریکایی‌ها برای برقراری روابط با ایران با آقای هاشمی رفسنجانی به گفتگو پرداخت متن گفت و گو به این شرح است:

خبرنگار شبکه تلویزیونی سی.بی.اس در ابتدا از آقای هاشمی رفسنجانی تشکر می‌کند و سپس می‌گوید:

س: خبرنگار سی بی اس: مهم‌ترین سئوال این است که بسیاری، از آمریکایی‌ها، مایلند بدانند که مسأله اسلحه و ارتباط با ایران را چه کسی شروع کرد؟

ج آقای هاشمی: اگر واقعاً آمریکایی‌ها مایلند بدانند که قاعدتاً مایلند، انتظار ما این است که چون باید مردم واقعیت ما را خوب بفهمند، حرف‌های من را با دقت و حفظ امانت برای مردم‌تان نقل کنید. حتی همین جمله را. برای ما مسأله یک روند طبیعی و معمولی از اول داشته است. ما بعد از انقلاب و با شروع جنگ به دلیل اینکه اسلحه‌هایمان عمدتاً آمریکایی بود، هواپیماها، هلی‌کوپترها، رادارها، بخشی از توپ ها و پدافند کشور، مخصوصاً موشک‌ها و آمریکا هم به تعهداتی که برای لجستیک آنها داشت، عمل نکرده بود، طبعاً ما از هر جایی که برایمان امکان داشت، قطعات این اسلحه‌ها را تهیه می‌کردیم، به جز اسرائیل که ما متعهد هستیم که با اسرائیل به خاطر هویتش که یک هویت غاصبانه

است، معامله نکنیم.

خبرنگار سی بی اس: پس به این ترتیب که من استنباط می‌کنم ابتکار به دست آوردن اسلحه آمریکایی را شما شروع نکردید.

آقای هاشمی : الان توضیح می‌دهم. پیش از آنکه شما استنباط بکنید، خودم می‌گویم، بهتر است.

ما اسلحه‌های مورد نیازمان را از واسطه‌ها و شرکت‌هایی می‌خریدیم و این هم چیز مخفی ای نبود و اعلام می‌کردیم و مردم ما هم می‌دانستند. بعد از حادثه هواپیمایی تی، دبلیو، ای که در لبنان اتفاق افتاده ما کمک کردیم برای رفع آن غائله و بعدش که من سفر کردم به ژاپن، به نظر رسید که مسئولان آمریکا به فکر افتادند که وضع جدیدی به وجود بیاورند.

پیام‌هایی از طریق دولت‌ها و مقامات رسمی دادند که ما آمادگی داریم که نیازهای شما را تأمین کنیم و در پیغام‌هایشان از ما می‌خواستند که در نجات سایر گروگان‌های آمریکایی در لبنان به آنها کمک کنیم. که من قبلاً یک موردش را گفته‌ام، و آن از طریق ژاپنی‌ها بود و موارد دیگری هم دارد که فعلاً چیزی نمی‌گوییم.

البته ما باور نمی‌کردیم، ما آثار دشمنی آمریکا را با خودمان می‌دیدیم و نمی‌توانستیم باور کنیم که اینها با ما صادقانه برخورد کنند. مثلاً ما می‌دیدیم که تبلیغات آنها علیه ما خصمانه است، می‌دیدیم به ضدانقلاب کمک می‌کنند. می‌دیدیم که آنها به عراق کمک می‌کنند هلی‌کوپتر و اطلاعات و چیزهای دیگر می‌دهند، اطلاعات می‌دهند، می‌دیدیم اقمار آمریکا مثل اردن و دیگران در جنگ شریک صدام هستند و حتی می‌دیدیم آمریکا آنقدر فشار می‌آورد که ما چند فروند هلی‌کوپتر که از ایتالیا خریده بودیم و پولش را هم داده بودیم، ایتالیایی‌ها را ممنوع کردند که جنس ما را تحویل بدهند. می‌دیدیم آن اجناسی که ما ده سال پیش پولش را به آمریکا داده‌ایم، آنها مسدود شده و به ما نمی‌دهند. نمی‌توانستیم باور کنیم که آمریکا در ادعایش صادق باشد و تنها حرف‌مان این بود که آمریکا باید در حرفش صداقت نشان بدهد تا ما باور کنیم که آمریکا خصومتش را پشت سر گذاشته و هیچ وقت هم چنین چیزی ندیدیم که آمریکایی‌ها از خودشان این صداقت را نشان بدهند.

و همین که آمریکایی‌ها از پیغام‌ها مأیوس شدند، مسئولان شما به فکر استفاده از واسطه‌های خرید اسلحه افتادند و متوسل شدند به دلال‌های اسلحه، که آنها نقشی را که انتظار می‌رفت دولت‌های واسطه انجام بدهند، اینها انجام دهند. این دیگر در سطح مأموران پائین ما بود. مأموران اطلاعاتی که مأموران خرید را همراهی می‌کنند. با آنها صحبت کرده بودند که آمریکا حاضر است این قطعات را که شما از بازار سیاه و آزاد می‌خرید، اینها را به شما بدهد و توقعش هم این است که شما کمک کنید به موضوع

گروگان‌ها، مأموران اطلاعاتی به ما اطلاع دادند که چنین حرفی توسط دلال‌های اسلحه زده می‌شود و ما پذیرفتیم. گفتیم اقدام بکنند و از طرف ما یک آزمایش بود که واقعاً آمریکایی‌ها راست می‌گویند، یا اینکه شیطنت دیگری در سر دارند.

ما تلاش زیادی کردیم، به مأموران‌مان گفتیم در لبنان سرنخی پیدا کنید که از چه راهی می‌شود به نجات گروگان‌ها کمک کرد و بالاخره به یک سرنخی رسیدیم. دو سه مورد از آنها هم انجام شد و در طول برخوردها، دو سه گروگان مثل اینکه آزاد شدند و چیزهایی هم در لابلای آن به ما تحویل دادند و گفتند اینها را از آمریکا گرفته‌ایم که مشخصاً تا آخر حدود دوهزار موشک تاو و تعدادی هم قطعات سیستم هاوک بود. البته ما همیشه در طول جنگ اینها را می‌خریدیم، این بار اینها مدعی شدند که با اجازه آمریکا یا مستقیم از آمریکا تحویل گرفته‌ایم. البته اینها به ما می‌گفتند و ما پول را به دلال‌ها می‌دادیم و حتی شیوه پرداخت پول به شیوه پرداخت معاملات بازار آزاد بود. یعنی اعتباری در بانک باز نمی‌شد و معامله از طریق دولت به دولت انجام نمی‌شد. آنها مدعی بودند، البته ما باور نمی‌کردیم و در حال آزمایش بودیم. نتیجه آزمایش برای ما منفی بود که حالا می‌گویم چرا منفی بود. یک دفعه ما متوجه شدیم در همین جریان به ما اطلاع دادند که یک هیأت آمریکایی به ایران آمده است، با هواپیمایی که قبلاً اجازه گرفته بود که از ایرلند برای ما قطعات بیاورد.

تعجب ما بیشتر شد، وقتی که گفتند آقای مک فارلین هم در رأس این هیأت است. ما ابتدا می‌خواستیم آنها را نپذیریم و از فرودگاه برگردانیم، اما بعد فکر کردیم که چیزهایی را باید از اینها بفهمیم و چرا این سفر را انجام دادند، گفتیم این آقایان را با احترام منتقل کردند به هتل و آنجا هم مأموران امنیتی ما آنها را زیر نظر گرفتند.

در جریان صحبت‌هایی که به وسیله مأموران امنیتی انجام گرفت و به اضافه یک نفر از افراد واردتر به امور سیاسی که به طور ناشناس در میان آنها بود، ما بیشتر به این نتیجه رسیدیم که حسن‌نیتی در کار نیست. اولاً چرا بدون اجازه ما آقایان وارد ایران شده‌اند، ثانیاً چرا دروغ گفته‌اند؟ احتیاجی به دروغ گفتن نبود. ثالثاً یک چهارم مقدار قطعاتی که باید به وسیله هواپیما بیاورند را آورده بودند. ما خیلی از این خشمگین شدیم که چرا اینها اسناد دولت دیگری را جعل کرده‌اند. پاسپورت و چیزهای دیگر را، از اینکه با خودشان پیام ریگان را برای سران کشور ما آورده بودند، سوءظن ما بیشتر شد، ما که هنوز در حد خصومت با هم برخورد می‌کنیم، چطور برای ما پیام می‌فرستند؟ آوردن هدیه اسلحه کمری و اینطور چیزها بوی توطئه را می‌داد. در عین حال همان موقع که آنها اینجا بودند، ما هیأتی را به لبنان فرستادیم و موفق شدیم خواسته‌های گروگان‌گیرها (مجاهدین لبنان) را برای اینها بیاوریم و دیدیم اینها

ترتیب اثر چندانی نمی‌دهند.

البته در مذاکرات هم مطالبی گفتند که ما می‌دانستیم دروغ می‌گویند؛ گفتند سی و چند لشکر شوروی در مرزهای شمالی آماده شده‌اند تا به ایران حمله کنند و چیزهایی از این قبیل، ما حق داشتیم که اینها را اینجا بازداشت کنیم و نگذاریم از ایران خارج شوند، آقای مک‌فارلین را از اینکه مسئولین ایرانی موافقت نکردند با او ملاقات کنند و یا هدیه‌اش را قبول کنند، به سختی عصبانی بود و ابراز عصبانیت می‌کرد و ماجرا را هم فاش نکردیم، برای اینکه به کلی مسایل قطع بشود.

بعداً، در حوادث بعدی معلوم شد که مسایل دیگری هست که بیشتر سوءظن ما را تحریک کرد و اسناد بیشتری به دست ما داد که آمریکا باز همان خصومت خودش را با ما دارد. یکی اینکه مسأله را با اسرائیل مخلوط کردند، با اینکه هنوز ما حاضر نیستیم هیچ گونه ارتباط معامله‌ای و یا غیرمعامله‌ای با اسرائیل برقرار شود و آنها خودشان می‌دانند که در موارد قبل یک بار گفته شد هواپیمایی که وسایل با خودش به فرودگاه تهران آورده بود، هنگام بازگشت در اسرائیل به زمین نشسته است و ما مطلع شدیم و گفتیم که چیزهایی که آورده‌اند اینجا ما قبول نمی‌کنیم و بیایند ببرند و دوباره مجبور شدند آن چیزهایی راکه آورده بودند، برگرداندند و بردند. چون ما دیدیم هواپیمایی که محموله را آورده، در موقع بازگشت در تل آویو نشسته و گفته شد که عیب فنی پیدا کرده است و ما باز تا این اندازه مایل نبودیم که دست اسرائیل در این جریان باشد. ما اسرائیل را از ریشه غیرمشروع می‌دانیم و حتی آمریکا و مردم آمریکا دولت قانونی و رسمی هستند و برای ما تفاوت زیادی دارد. برخورد با این دو دولت و خصوصاً ما با مردم آمریکا، هیچ مشکل و خصومتی نداریم. مسأله افغانستان و نیکاراگوئه را مخلوط کردند که باز از نشانه‌های سوءظن و سوءاستفاده‌های آنها است. گفتند اسلحه‌هایی که آمریکا به ما داده بعضی هایش برای تحویل به افغانستان بوده است. این مطلب را رسانه‌های شما بعد از رفتن مک فارلین گفتند. گفتند که ما برای برقراری تماس با میانه‌روهای ایران این اقدام راکردیم که هدف آنها ایجاد تفرقه و سوءظن در داخل کشور ما بود. دروغ به این بزرگی را مطرح کردند.

در همین معامله کوچک معلوم شد که سوءاستفاده مالی کردند و برای ما خیلی زشت و کوچک بود که ببینیم مسئولان آمریکایی در یک معامله به این کوچکی هم دست از فساد مالی برندارند. اینها ادعا کردند که از سود حاصل از این معامله به نیکاراگوئه پول داده‌اند، با اینکه می‌دانستند ما به دولت نیکاراگوئه برای سرکوب شورشیان کمک می‌کنیم. اصلاً اخیراً آمدند گفتند، همان وزیر دفاع آنها به ما گفت که ما «تاو»ها را ارزان فروختیم به سیا و سیا از طریق دلال‌ها به ایرانی‌ها گران فروخته است. اینجا واقعاً معلوم نیست در آمریکا چه کسی سوءاستفاده کرده و این سود چه مقدار بوده است، کل

معامله‌ای که در این قسمت انجام شده در بخش‌های دیگر ما با دلال‌ها خیلی معامله کردیم، شاید مجموعاً ۴۰ میلیون دلار و یا یک مقدار کمتر از آن بوده است، حدود ۳۰ میلیون دلار پول از ما گرفته‌اند.

چیز دیگری که برای ما روشن نشد و برای دنیا هم روشن نشد، ضعف مدیریت در خود آمریکاست. به خاطر این ضعف مدیریت، مسئولان آمریکا نمی‌توانند شجاعانه برای کشور و ملت‌شان تصمیم‌گیری کنند و منافع حزبی و شخصی را بر منافع مردم‌شان مقدم می‌دانند. برای نجات جان شهروندانشان اهمیت کمتری قائل هستند، تا برای حیثیتی که می‌خواهند برای یک حزب و یا یک فرد درست بکنند یا یکی را بدنام کنند. رقابت احزاب در آمریکا به قیمت از دست دادن منافع ملت و کشور تمام می‌شود. به مردم شان و مردم دنیا، زیاد دروغ می‌گویند.

آخرین دروغی که گفته شد، دروغ آقای شولتز است که یکی دو روز پیش گفته است. ایشان ادعا کرده است که بعد از فاش شدن قضیه، مذاکرات بین مقامات کاخ سفید و مأموران ما ادامه داشته و وزارت خارجه آمده و آن را قطع کرده است. در صورتی که خود همین آقای شولتز شخصی را بنام «دانیار» فرستاده بود که با مأموران خرید ما - با همان دلال ها - مذاکره بکند و طرحی را آورده بود. ما گفتیم که به آنها بگویند ما هیچ طرحی را از طرف آمریکا نمی‌پذیریم، چون به کار آنها اعتماد نداریم. اما او به ملت آمریکا می‌گوید که خودش مذاکرات را قطع کرده است، ولی ما نوار ایشان را داریم، در خارج با مأموران ما ملاقات کرده، فکر می‌کنم در فرانسه باشد.

● **چه چیزی را سعی می‌کرده در این حرفش بگوید؟**

آقای هاشمی: گفته است طرحی را برای ادامه مذاکرات در دست داریم، و خواسته است طرح را ارائه بدهد که ما نپذیرفتیم، ما گفتیم که به آنها بگویند حرف ما روشن است. اموال ما در آمریکا است، شما به عنوان حسن‌نیت اموال ما را آزاد بکنید. ما هم تلاش می‌کنیم در لبنان به شما کمک بکنیم. در این حد، الان ما می‌توانیم با شما برخورد بکنیم، بیش از این هم جلو نمی‌آئیم. آقایان صریحاً دروغ به ملت آمریکا گفتند که ما با پاسپورت خودمان رفتیم به ایران، در صورتی که فتوکپی پاسپورت‌هایی که اینها داشتند، پیش ما موجود است که ایرلندی است.

● **می‌توانیم اینها را ببینیم؟**

آقای هاشمی: یکی از آنها را برای نمونه به شما نشان می‌دهم. بقیه‌اش بماند برای بعد.

(ایشان در این هنگام اسناد مربوط را به خبرنگار سی.بی.اس نشان می‌دهد.)

اینها همه پاسپورت‌های ایرلندی آقایان است. این مال آقای مک فارلین است.

● این فتوکپی یک پاسپورت ایرلندی است به اسم آقای مک فارلین؟

آقای هاشمی: خیر، اسم مک فارلین در آن نیست، اسمش را هم عوض کرده است.

● خود پاسپورت‌ها چه شده است؟

آقای هاشمی : به خود آنها پس داده‌ایم. مأمورین ما در فرودگاه فتوکپی گرفته‌اند، اگر لازم شد بعداً می‌دهیم به آمریکایی‌ها.

● منظورتان به آمریکایی‌ها است؟

آقای هاشمی: هر کس، به ملت آمریکا. همین الان آمده‌اند مسأله دادگاه لاهه را که خودش یک جریان مستقلی است، مخلوط کرده‌اند با مسائل گروگان‌ها و حکم دادگاه لاهه را که باید بر اساس آن پانصد میلیون دلار ما را آمریکا پس بدهد، دارند به تأخیر می‌اندازند. اینها همه به ما نشان می‌دهد که آمریکا در داخل خودش یعنی دمکرات‌ها و جمهوری خواه‌ها و کاخ سفید از گرفتن یک تصمیمی که همه‌شان هم می‌گویند به مصلحت‌شان است تا روابط شان را با ایران اصلاح بکنند، عاجزند.

این دو ماجرا از دید ما، شما اگر توضیحات بیشتری لازم دارید بپرسید تا من به شما جواب بدهم.

● کلاً ایران چقدر برای این معامله پرداخته است؟

آقای هاشمی: من دقیقاً نمی‌دانم چون این را مأمورین خرید اسلحه انجام می‌دهند، ولی فکر می‌کنم که برای بانک‌ها حدود بیست میلیون دلار پرداخت شده است و برای قطعات موشک «هاوک» حدود ده میلیون دلار، من دقیقاً نمی‌دانم البته چون ما از این دلال‌ها همیشه خرید می‌کنیم، ممکن است بعضی از اینها مربوط به این قسمت‌های اخیر نباشد.

دلال‌ها مدعی‌اند هنوز یک مبلغی از ما طلبکارند، ولی ما منتظریم بمانیم ببینیم که قیمت واقعی چقدر است.

● در آمریکا گزارش شده است که دولت ایران چهل و پنج میلیون دلار از طریق این دلال‌ها به دولت آمریکا پرداخته و یک تفاوت پانزده میلیونی در این وسط است؟

آقای هاشمی : بعید می‌دانیم این طور باشد. این در حدی است که من می‌گویم، البته من دقیقاً نمی‌دانم.

● باز در آمریکا گزارش داده‌اند که ایران پول خیلی زیادی برای اینها پرداخته است، یعنی چندین برابر قیمت اصلیش و اینها ایران را تیغ زده‌اند.

آقای هاشمی : همین است که الان مطرح است، مدعی هستند قیمت واقعی این‌ها شش هزار و سیصد دلار است که در یک مورد اینها از ما هفت هزار دلار و خورده‌ای گرفته‌اند، با حمل، در یک

مورد هم ده هزار دلار گرفته‌اند که آن بقیه‌اش را بدهکارند. الان یعنی ما به آنها نپرداخته‌ایم، باید از آن طلبی که خیال می‌کنند از ما دارید، کسر بشود. بنابراین اگر دو هزار [موشک] تاو بوده، قسمت کمتر از اینها می‌شود، به همین دلیل مأمورین شما راست نمی‌گویند. خوب هرچه گرفته‌اند راستش را به مردم بگویید.

● هم آمریکا و هم اسرائیل گفته‌اند که در این معاملات نقش داشته‌اند و البته شما هم قبلاً توجه کرده‌اید به آن چیزهایی که گفته‌اید، تعجب هم این است که چگونه می‌تواند چنین چیزی باشد، با آن موضع علنی که ایران نسبت به اسرائیل دارد؟

آقای هاشمی: اگر صحیح باشد به ما خیانت شده و این هم از آثار شیطنت دولت آمریکاست. اگر ما می‌دانستیم اسرائیل در این قضیه، دستش در دست آمریکاست، این عاملین را آزادشان نمی‌کردیم.

● یعنی در زندان می‌بودند؟

آقای هاشمی: در خانه آنان را نگه می‌داشتیم

● آخرین تماس آقای دانیار دقیقاً با ایران کی بوده است؟

آقای هاشمی: من دقیقاً نمی‌دانم و فکر می‌کنم مثلاً سه چهار هفته پیش باشد که مأموران خرید ما این گزارش را داده‌اند.

● دولت آمریکا اعتراف کرده است که تا اوایل ماه گذشته با ایران تماس داشته است، آیا این مسأله با موضوع «دانبار» تطبیق می‌کند؟

آقای هاشمی: اینها هیچ‌وقت با ایران به عنوان ایران تماس نداشته‌اند، آنان با مأمورین خرید اسلحه از طریق همان دلال‌ها تماس داشته‌اند و فکر می‌کنم هنوز هم این تماس قطع نشده باشد.

● البته رابطه‌ای با ایران داشته‌اند.

آقای هاشمی: با دولت ایران رابطه‌ای نداشته‌اند، با مأمورین خرید اسلحه رابطه داشته‌اند.

● تا حدی که جناب عالی می‌توانید بیاد بیاورید، آقای «دانبار» از طریق این پیشنهادات و طرحش چه چیزی به ایران می‌خواسته بفروشد؟

آقای هاشمی: ما حاضر نشدیم به طرح جدید آقای «دانبار» گوش بدهیم.

● هیچ دلیل و یا شاهدی دارید که ارائه بدهید ایشان نماینده چه کسی در آمریکا بود؟

آقای هاشمی: خودش «دانبار» گفت من نماینده وزارت خارجه آمریکا هستم، و همراه کسانی بودند که قبلاً از طرف کاخ سفید به ایران آمده بودند.

● شما چگونه متوجه شدید که همراه او افرادی بودند که از کاخ سفید به ایران آمده بودند؟

آقای هاشمی: به ما گزارش دادند. اجازه خواست که به طرح او گوش بدهیم و ما گفتیم گوش نمی‌کنیم.

● در حال حاضر هیچ گونه تماس و یا ارتباطی با او «دانبار» ندارید؟

آقای هاشمی: ممکن است مأمورین خرید ما با او تماس داشته باشند، به طوری که الان نیز قطعات برای ما می‌آید.

● در ماه گذشته که مک فارلین به ایران آمد، چه هدایایی برای دولت ایران آورده بود؟

آقای هاشمی: به ما گفتند به همراه خود یک کمک و اسلحه کمری برای رؤسای کشور آورده‌اند که ما نپذیرفتیم و هر چه بوده برگشته است.

● گفته می‌شود که در میان این هدایا، کتاب انجیل نیز بوده است. آیا شما تأیید می‌کنید؟

آقای هاشمی: بعد از اینکه آقای مک‌فارلین رفته بود با یک واسطه دیگری، کتاب انجیل را که امضای آقای ریگان نیز در آن نقش بسته بود و یکی از آیات انجیل را که پیروان ادیان را دعوت می‌کند که با هم همکاری بکنند را نیز با خط خودشان نوشته بودند که این انجیل در ایران محفوظ است.

● آن کتاب انجیل اکنون در کجاست؟

آقای هاشمی: اینجاست. (در ایران است) الان اینجا پهلوی من نیست، بعداً ممکن است نشان بدهیم.

● اگر ما کتاب انجیل را نتوانیم ببینیم که مشکل می‌شود چنین چیزی را بپذیریم که در ایران این کتاب موجود بوده است؟

آقای هاشمی: بگذارید یک بار دیگر تکذیب کنند و دروغ بگویند، آن وقت ما پخش می‌کنیم نشان می‌دهیم.

● گفتید ما از این صحبت‌ها و مذاکرات در مدتی که در هتل هیلتون بودند نوار گرفته‌ایم، آیا چه چیزهایی در این نوارها گفته شده است؟

آقای هاشمی: خیلی چیزها در این نوارها می‌باشد و اگر لازم شد این نوارها را پخش خواهیم کرد.

● آیا می‌توانید بگوئید چه چیز کلی در این نوارها می‌باشد؟

آقای هاشمی: الان لازم نمی‌دانم که بگویم چه چیز کلی در این نوارها بوده است.

● آیا این مطالبی که در نوار ضبط شده برای دولت آمریکا ضرر دارد؟

آقای هاشمی: بگذارید فعلاً در این باره صحبتی نکنیم.

● حتماً این نوارها را دارید، چه موقع آنها را پخش خواهید کرد؟

آقای هاشمی: همه این نوارها را داریم، و هر وقت که وقتش را تشخیص دادیم پخش خواهیم کرد.

● با اینکه گفته‌اند فتوکپی از پاسپورت‌ها در فرودگاه گرفته شده است، اصل پاسپورت‌ها کجاست؟

آقای هاشمی: اصل پاسپورت‌ها را به خودشان پس داده‌اند.

● آیا پاسپورت‌ها را با خودشان برده‌اند؟

آقای هاشمی: لابد با خودشان برده‌اند، می‌توانید از آنها بپرسید.

● فتوکپی هر دو پاسپورت را در ایران دارید و آیا یادتان می‌آید پاسپورت چه کسانی بوده است؟

آقای هاشمی: اسم هایش در اینجا نوشته شده است. خیلی این موضوع را کش ندهید بهتر است. بحث‌های دیگری را مطرح بکنید.

ایشان آنگاه فتوکپی پاسپورت‌ها را به خبرنگار «سی بی اس» نشان داد.

● دولت ایران برای خلاص شدن گروگان‌ها در لبنان چه نقشه‌ای ارائه داده است؟

آقای هاشمی: همان چیزهایی که قبلاً گفته‌ایم. ما کمک کردیم و درخواست نمودیم و آنها نیز قبول کردند. این موضوع به خوبی روشن است.

● اعلام شده که دولت آمریکا اطلاعات جاسوسی در اختیار دولت عراق و دولت ایران گذاشته است. عکس‌العمل دولت ایران راجع به این مسأله چه بوده است؟

آقای هاشمی: درباره اینکه اطلاعات جاسوسی در اختیار دولت عراق گذاشته است به خوبی برای ما روشن است. به طوری که مسئولین خودتان این موضوع را اعتراف کرده‌اند. در مورد اینکه آمریکا اطلاعات در اختیار ما قرار داده شدیداً تکذیب می‌کنم، زیرا هنوز ما به آمریکا اعتماد نداریم. در ضمن اگر اطلاعات در اختیار ما قرار دهند این اطلاعات برای ما ارزشی ندارد.

● اخیراً دولت آمریکا اخطار کرده که ایران سعی کند شعله جنگ را گسترش ندهد، زیرا منافع آمریکا نیز به خطر خواهد افتاد. عکس‌العمل ایران در این زمینه چه بوده است؟

آقای هاشمی: عکس‌العمل ما را حتماً دیده و شنیده‌اید. من خودم صحبت کردم و وزیر خارجه ما نیز در این رابطه بیانیه داده است، ما می‌دانیم که آمریکایی‌ها می‌دانند که ما نمی‌خواهیم جنگ را گسترش بدهیم و این موضوع دقیقاً روشن است. ما فکر می‌کنیم که آقای ریگان برای کم کردن فشار داخلی از خودشان و برای اینکه عوامل شان در منطقه (کشورهای عامل آمریکا) دوباره به آمریکا بیشتر توجه بکنند، این اظهارات را کرده است. چون می‌داند که جنگ گسترش پیدا نخواهد کرد، مسأله

خیلی جدی نیست.

● روابط ایران و آمریکا در آینده به چه صورت خواهد بود، چه شرایطی را ایران مایل است آمریکا تعقیب بکند تا بر اساس آنها روابط دو جانبه ایران و آمریکا بهبود پیدا کند؟

آقای هاشمی: ما با مردم آمریکا هیچ احساس بدی نداریم و فکر می‌کنم مثل سایر مردم کشورها می‌توانیم با آنها ارتباط داشته باشیم. دولت آمریکاست که بد عمل کرده است. علاوه بر اینکه مسئول بخشی از جنایات دوران شاه برای رژیم قبل بوده و علاوه بر اینکه بعد از انقلاب در اینجا بد عمل کردند، سفارتخانه شما مرکز جاسوسی شده بود و دشمنان ما در آنجا برنامه داشتند و مطبوعات شان منتشر شده است. در کودتایی که علیه ما می‌خواستند راه بیندازند رابطه آمریکا را به طور روشن ملاحظه کردیم، در شروع جنگ به روشنی دیدیم که آمریکا دست داشته، در کمک به عراق نیز این موضوع را مشاهده کردیم.

این دولت شماست که واقعاً با مردم ما پیش از انقلاب خصومت داشته و بعد از انقلاب هم با مردم و هم با دولت ما خصومت کرده است و تنها یک شرط است و آن این است که آمریکا باید ثابت کند که خصومت با این دولت ندارد، خصومت با این مردم و این انقلاب ندارد. اگر این موضوع را آمریکا بتواند ثابت کند، راه ما برای آینده صاف خواهد شد. البته شرایطی هم هست و اگر آمریکا بخواهد همین طور که از اسرائیل حمایت می‌کند، حمایت کند، طبعاً هیچ‌وقت رابطه‌مان با آمریکا حسنه نخواهد شد. چون اسرائیل مایه بسیاری از ضررها در منطقه است و چیزهای دیگری نیز در این رابطه وجود دارد، ولی عمده کاری که آمریکایی‌ها باید بکنند، این است که باید ثابت کنند که خصومت با ما ندارند و ما این کار را به عنوان یک آزمایش، الان شکست خورده می‌بینیم.

● چگونه آمریکا می‌تواند نشان دهد که خصومت با ایران ندارد، به چه وسیله‌ای می‌تواند این موضوع را ثابت کند؟

آقای هاشمی: مشخصاً من این موضوع را تعیین کرده و اعلام داشته‌ام، اموالی را که ما الان در آمریکا داریم غیرقانونی توقیف می‌باشد، آمریکا این اموال را آزاد کند و این یک دلیل برای ماست.

● از این موضوع بگذریم، با کمال احترام به شخص جنابعالی و کشور ایران، باید بگوییم که همانطور که در مورد مردم ایران فرمودید، مردم آمریکا هم کمابیش همین‌طور هستند و ممکن است خیلی از ایرانی‌ها را دوست داشته باشد ولی به دولت ایران اعتماد ندارند.

آقای هاشمی: به هر صورت تبلیغات گمراه کننده‌ای مثل تبلیغات شما باعث این مسأله می‌باشد.

● در زمینه‌هایی مانند تروریسم و گروگان‌گیری یا خاطره زندانی کردن افراد در لانه جاسوسی

برای ۴۴۴ روز چه کاری ایران می‌تواند بکند که عدم اعتماد مردم آمریکا به کلی مرتفع بشود؟

آقای هاشمی: اینها را رسانه‌های جمعی شما در افکار عمومی القاء کرده‌اند. هیچ کشوری به اندازه خود ما از تروریسم خسارت ندیده است. شما می‌دانید که نخست وزیری ما را منفجر کردند و رئیس جمهور و نخست وزیر ما را به شهادت رساندند. رئیس دیوان عالی کشور ما و هفتاد و چند نفر از سران کشور ما و نمایندگان و وزرا را در انفجارهای تروریستی به شهادت رساندند. هزارها نفر از مردم خوب ما را همین تروریسم در داخل ایران از بین برده است و همین تروریست‌ها در کشور شما پناه دارند و دفتر و دستک دارند. در کشورهای دیگر اروپایی نیز دفتر دارند و رسماً اعلامیه منتشر می‌کنند و شما به آنها کمک می‌کنید.

آیا این انصاف است که می‌گوئید ما تروریسم هستیم و شما نیستید؟ چطور اگر یک آمریکایی را گروگان بگیرید، این عمل، عمل تروریستی است. اما اگر آنهایی که در رادیوی شما می‌آیند صحبت می‌کنند و ده‌ها ایرانی را شهید می‌کنند و بمب در نمازخانه ما منفجر می‌کنند، اینها تروریست نیستند؟! پس شما به مردم‌مان توضیح بدهید. در مورد مسأله سفارتخانه شما، در آنجا شما به ما و مردم ما خیانت کردید، به این خاطر ملت ما عکس‌العمل نشان داد، اگر به مردم‌مان توضیح بدهید که آمریکا به ایران خصومت کرده و ما عکس‌العمل نشان داده‌ایم مردم شما قانع خواهند شد و می‌فهمند. به هرحال اگر آمریکا در فکر حل این مسائل است، حال این مسائل دست خودش (آمریکا) هست.

متأسفانه شما به خاطر غروری که دارید - آمریکایی‌ها را می‌گویم - عادت کرده‌اید که عیوب خودتان را هر قدر که بزرگ باشد، کم ببینید و نواقص دیگران را هر چقدر هم کوچک باشد، بزرگ ببینید؛ این مشکل شماست.

● دلیل اینکه مردم آمریکا احساس می‌کنند ایران هم در مسأله گروگان‌گیری شرکت دارد این است که ایران در نتیجه معاملاتی مثل اسلحه و غیره توانسته است فشار بیاورد تا برخی از گروگان‌ها را آزاد نماید. نظر شما در این مورد چیست؟

آقای هاشمی: شما اکنون نمی‌توانید فشار بیاورید بر کسانی که در اروپا و آمریکا پناهنده هستند و تحت حمایت شما هستند؟

ما می‌توانستیم از ابتدا به شما بگوئیم که هیچ کاری برای شما نمی‌توانیم انجام دهیم و خودمان را راحت کنیم، ولی اکنون جرم ما این است که به شما کمک کرده‌ایم.

من در سوریه که بودم حادثه هواپیمای تی، دبلیو، ای پیش آمده بود، دولت سوریه از من خواست که کمک کنیم. من همان جا در مصاحبه‌ای اعلام کردم که ما از انقلابیون لبنان می‌خواهیم که به این

حادثه خاتمه بدهند و آنها به خاطر احترامی که برای ما قائل بودند، مسأله را حل کردند. این ممکن است برای شما یک سند باشد که ما با آنها ارتباط داریم.

● آیا ایران هنوز هم مایل است نسبت به آزاد سازی گروگان‌هایی که اکنون در لبنان هستند کمک کنند؟

آقای هاشمی: ما واقعاً مایل هستیم کمک کنیم و ما از این نوع حوادث رنج می‌بریم، ولی ما دلیلی نمی‌بینیم به کسی که با ما دشمنی می‌کند کمک کنیم.

● آمریکا چه اقدامی که مورد قبول شماست انجام دهد تا شما به آزاد سازی گروگان‌ها کمک کنید؟

آقای هاشمی: اموال ما را آزاد کند و در صورت چنین اقدامی می‌توانیم آن را دلیلی به حساب آوریم که آمریکا با ما به طور خصمانه رفتار نمی‌کند و ما هم نسبت به آزاد سازی گروگان‌ها کمک خواهیم کرد.

● امام خمینی خسته و ضعیف به نظر می‌رسند، ممکن است بفرمائید از لحاظ جسمی و روحی امام در چه حالی هستند؟

آقای هاشمی: الحمدالله حضرت امام با توجه به سن زیاد ایشان، حالشان بسیار خوب است و کاملاً سر حال هستند و ممکن است در اثر کثرت کار و مطالعه به دلیل خستگی که برای انسان پیش می‌آید، گاهی خسته به نظر برسند ولی ایشان هم شاداب هستند و هم سالم و ما امیدوار هستیم ایشان برای انقلاب، عمر طولانی داشته باشند و این انقلاب را به اهدافش برسانند.

● امام خمینی تا چه حد در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دارند؟

آقای هاشمی: ایشان عادت ندارد در کار مسئولین دخالت کنند، لذا هر مسئولی کار خود را انجام می‌دهد و گاهی که ایشان تشخیص بدهند که کاری باید بهتر انجام شود، راهنمایی می‌کنند و ما اگر مشکلی در کارهایمان داشته باشیم، به کمک ایشان آن را برطرف خواهیم کرد.

● عکس‌العمل امام در مورد حوادث اخیر مربوط به آمریکا چه بوده است؟

آقای هاشمی: ایشان عکس‌العمل خاصی نداشته‌اند ولی معمولاً نصیحت می‌کنند مواظب باشید که کلاه سرتان نرود.

● آینده روابط ایران و آمریکا را چگونه می‌بینید؟

آقای هاشمی: این مسأله بستگی به آمریکا دارد، زیرا بدی‌ها همواره از سوی شما بوده است و ما از خودمان دفاع کرده‌ایم.

● موضع ایران نسبت به جنگ با عراق چیست؟

آقای هاشمی : ما بدون حذف حزب بعث از عراق جنگ را تمام نخواهیم کرد و حزب بعث که حذف شد، در منطقه هم صلح و امنیت پیش می‌آید و هم عراق آزاد می‌شود و هم ما راحت می‌شویم.

● اکنون وضعیت جنگ برای ایران چگونه است؟

آقای هاشمی : خبرنگاران شما اینجا هستند و می‌توانند بروند و مشاهده کنند، آنها می‌توانند از نزدیک شهر بصره را ببینید.

آقای هاشمی رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان این مصاحبه، خطاب به خبرنگار شبکه تلویزیونی سی. بی. اس اظهار داشت: "من انتظار دارم که امانت را مراعات کنید، در غیر این صورت، این آخرین مصاحبه ما خواهد بود".

پس گرفتن سئوال

نامه هشت تن از نمایندگان مجلس به هیأت رئیسه مجلس در ارتباط با پس گرفتن سئوال خود از دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه، پیرامون تماس آمریکا با ایران که هفته پیش از آن مطرح کرده بودند به این شرح است:

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام، پیرو فرمایشات اخیر حضرت امام امت در روز میلاد حضرت پیامبر اکرم (ص) و اظهار پیروی کامل از رهنمودهای حکیمانه مقام رهبری، چون طرح سئوال از وزیر امور خارجه به تصور این بود که طرح مسأله در مجلس به مصلحت انقلاب و در سطح رضای امام امت نیست، پس از اطلاع از نظر امام امت و مصلحت ملت، نیازی به سئوال مزبور نمی‌بینیم.

امضاء کنندگان سئوال از وزیر خارجه

جلال الدین فارسی - سید محمد سیرجانی - موسویانی - نیک روش - مرتضی فهیم کرمانی - سیدمحمد خامنه‌ای - نجفی - اسرافیلیان.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره ـــــــ
تاریخ ۶۵/۹/۲۰

هیئت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی
با سلام،
پیرو فرمایشات اخیر حضرت امام امت در روز میلاد حضرت پیامبر اکرم (ص) و اظهار پیروی کامل از رهنمودهای حکیمانه مقام رهبری چون از طرح سؤال از وزیر امور خارجه مقصود این بود که طرح مسأله در مجلس به مصلحت انقلاب و در حدود رهنمودهای امام امت است با پس از اطلاع از نظر امام امت و مصلحت ملت نیازی به سؤال مزبور نمی بینیم.

امضاکنندگان سؤال از وزیر خارجه

[illegible]

نامه نمایندگان برای پس گرفتن سؤال از وزیر امور خارجه

نامه نمایندگان مجلس به امام خمینی(ره) در حمایت از سخنان ایشان

عده زیادی از نمایندگان در نامه‌ای به محضر حضرت امام(ره) در ارتباط با سخنان ایشان در روز میلاد حضرت پیامبر اکرم(ص) چنین نوشتند:

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی

متع‌اله المسلمین بطول بقائه الشریف.

سلام علیکم و رحمةالله و برکاته

احتراماً با عرض تبریک به مناسبت بزرگ‌ترین پیروزی ملت و نظام که رئیس جمهور آمریکا را به رسوائی و عزا نشانده و به حق موسم شادی برای امت اسلامی در سراسر جهان پیش آورده است.

متعاقب فرمایشات گهربار امام عزیز در عید میلاد حضرت ختمی مرتبت، صل الله علیه و آله و سلم و حضرت صادق علیه‌السلام در رابطه با حرکت خلاف مصالح نظام و خلاف اسلام و دیانت عده‌ای که هر از چندگاه، موجبات تکدر آن وجود پر برکت را فراهم می‌آورند، و این بار نیز به جای فریاد زدن بر سر آمریکا، با فریاد زدن بر سر مسئولین ما، می‌خواستند شیرینی این پیروزی عظیم را به کام مردم تلخ نمایند. ما نمایندگان مجلس باکمال تأسف عرض می‌کنیم که این حرکت از همان طیفی



نامه نمایندگان مجلس به امام خمینی برای حمایت از سخنان ایشان

سر زده که مدتهاست در جهت تضعیف دولت اسلامی، از طریق انتشار مطالب خلاف یا محرمانه در روزنامه وابسته به خود[1] موضع‌گیری‌های منفی در مجلس، دفاع از پولداران و زمین خواران و محتکران در مقابل محرومان و از همه قبیح‌تر و نابخشودنی‌تر، ایجاد نفاق بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در شرایط جنگی و توطئه‌های گوناگون متوسل شده‌اند، با توجه به وضعیت خاصی که این گروه اندک جدای از امام امت، در مجلس و خارج از مجلس بوجود آورده و هر روز به نحوی مسائل نظام و حرکت‌های دولت اسلامی را زیر سئوال می‌برند و نفعی جز تضعیف جبهه اسلام و تقویت جبهه مقابل ندارند، ما امضاءکنندگان اکثریت نمایندگان مجلس، با ابراز انزجار و تبری از اینگونه حرکت‌های شیطانی، اعلام می‌داریم که بیش از این تحمل و رنجش خاطر امام بزرگوار و عزیز را توسط گروهی پوچ و منحرف از اصول انقلاب نداشته، بر این میثاق تأکید می‌نمائیم که مجلس شورای اسلامی همچون گذشته، همواره در خط ولایت فقیه و تبعیت کامل از آن رهبر عالیقدر، همه جانبه خواهد کوشید، ان‌شاءالله تعالی.

---

۱ ـ اشاره به روزنامه رسالت با مدیر مسئولی آیت‌الله احمد آذری قمی

بازتاب‌های رسانه‌ای کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی آقای هاشمی

تهران - خبرگزاری فرانسه - ۱۳۶۵/۱۱/۸

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران امروز (چهارشنبه) در تهران یک جلد انجیل به امضای رونالدریگان رئیس جمهوری آمریکا و همچنین یک فتوکپی از گذرنامه‌ای که رابرت مک فارلین مشاور سابق رئیس جمهوری، سال گذشته با یک نام جعلی، از آن برای ورود به ایران استفاده کرده بود را در اختیار مطبوعات قرار داد.

هاشمی رفسنجانی ضمن اظهار این مطلب که ایران هیچ اعتمادی به آمریکا ندارد، طی کنفرانس مطبوعاتی خود تصریح کرد این انجیل که تاریخ امضای آن روز سوم اکتبر ۱۹۸۶ می‌باشد شخصاً توسط فرستاده ویژه رئیس جمهوری آمریکا تسلیم وی نشده است. فرستاده ویژه ریگان در ماه اکتبر گذشته به طور مخفیانه با یک فروند هواپیمای حامل اسلحه وارد ایران شده بود. وی دارای یک گذرنامه ایرلندی با نام «شون دولین» بوده است.

رئیس مجلس ایران به واقعیت تلاش‌های رئیس جمهوری آمریکا، جهت برقراری مجدد روابط با ایران معترف است و عقیده دارد که بیانات ریگان مبنی بر اینکه آمریکا هیچ مدرکی دال بر شرکت ایران در تلاش هایش با مخالفت دستگاه رهبری‌اش و همچنین رقبای سیاسی‌اش مواجه شده و لذا این نکته وی را تضعیف کرد.

هاشمی رفسنجانی خاطرنشان ساخت که ریگان شکست خورده است. وی افزود: "ضمناً ما می‌دانیم که او از سلامتی کامل برخوردار نیست. او یک میانسال است".

هاشمی رفسنجانی سپس تماس‌های احتمالی آمریکا پس از سفر مک‌فارلین به ایران را فاش ساخت که واسطه‌هایی از طریق وزارت امور خارجه آمریکا مأموریت یافته بودند، طی ماه گذشته در فرانکفورت با ایرانی‌ها به منظور امضای قراردادهای جدید در خصوص تحویل تسلیحات ملاقات کرده‌اند.

آقای رفسنجانی افزود: "واسطه‌های مزبور می‌خواستند تا ضمناً پیام دولت آمریکا نیز ابلاغ گردد لیکن تهران این مسأله را رد کرد".

آقای رفسنجانی یادآور شد که ایران عمدتاً با سلاح‌های آمریکایی که از بازارها به دست می‌آورد و نیز با سلاح‌هایی که خود تولید می‌کند، می‌جنگند.

وی ضمن تصریح این مطلب که سلاح‌های مزبور گاهی با قیمت‌های بسیار زیادی خریداری می‌شوند افزود: ایران همچنین دارای سلاح‌های ساخت شوروی، انگلیس و دیگر کشورهاست.

آقای رفسنجانی همچنین اعلام کرد که ایران موشک‌های ضدتانک آمریکایی از نوع (تاو) با ۴ کیلومتر برد دریافت کرده است.

وی افزود: "لیکن تاکنون این موشک‌ها عمدتاً در داخل تولید می‌شد و اینکه ایران خود در آینده نزدیک قادر خواهد بود تا از این نوع موشک‌ها را صادر کند".

رئیس مجلس ایران خاطرنشان ساخت که وی دخالت نظامی آمریکا در خلیج [فارس] را باور ندارد.

وی افزود: "در صورتی که این اقدام انجام گیرد به ضرر خود آمریکا خواهد بود".

هاشمی رفسنجانی سپس ضمن مطرح کردن مسأله گروگان‌های خارجی به ویژه آمریکایی در لبنان تأکید کرد که ایران در صورتی که واشنگتن دارایی‌های ایران را که از زمان انقلاب اسلامی در آمریکا ضبط شده مسترد کرده و سپس رفتار خصمانه خود در قبال ایران را نیز رها نماید از تمامی نفوذ خود بهره خواهد گرفت.

در خصوص ناپدید شدن تری ویت فرستاده کلیسای انگلیس در بیروت، آقای رفسنجانی ضمن اعلام این مطلب که وی چیزی درباره این ناپدید شدن نمی‌داند، اظهار داشت اگر ایران برای پیداکردن تری ویت کاری بتواند انجام دهد، این کار را خواهد کرد.

وی سپس ضمن هشدار به کشورهایی که در مقابل تروریسم بر می‌خیزند یادآور شد که ایران نیز از

برای ۴۴۴ روز چه کاری ایران می‌تواند بکند که عدم اعتماد مردم آمریکا به کلی مرتفع بشود؟

آقای هاشمی : اینها را رسانه‌های جمعی شما در افکار عمومی القاء کرده‌اند. هیچ کشوری به اندازه خود ما از تروریسم خسارت ندیده است. شما می‌دانید که نخست وزیری ما را منفجر کردند و رئیس جمهور و نخست وزیر ما را به شهادت رساندند. رئیس دیوان عالی کشور ما و هفتاد و چند نفر از سران کشور ما و نمایندگان و وزرا را در انفجارهای تروریستی به شهادت رساندند. هزارها نفر از مردم خوب ما را همین تروریسم در داخل ایران از بین برده است و همین تروریست‌ها در کشور شما پناه دارند و دفتر و دستک دارند. در کشورهای دیگر اروپایی نیز دفتر دارند و رسماً اعلامیه منتشر می‌کنند و شما به آنها کمک می‌کنید.

آیا این انصاف است که می‌گوئید ما تروریست هستیم و شما نیستید؟ چطور اگر یک آمریکایی را گروگان بگیرید، این عمل، عمل تروریستی است. اما اگر آنهایی که در رادیوی شما می‌آیند صحبت می‌کنند و ده‌ها ایرانی را شهید می‌کنند و بمب در نمازخانه ما منفجر می‌کنند، اینها تروریست نیستند؟! پس شما به مردم‌مان توضیح بدهید. در مورد مسأله سفارتخانه شما، در آنجا شما به ما و مردم ما خیانت کردید، به این خاطر ملت ما عکس‌العمل نشان داد، اگر به مردم‌مان توضیح بدهید که آمریکا به ایران خصومت کرده و ما عکس‌العمل نشان داده‌ایم مردم شما قانع خواهند شد و می‌فهمند. به هرحال اگر آمریکا در فکر حل این مسائل است، حال این مسائل دست خودش (آمریکا) هست.

متأسفانه شما به خاطر غروری که دارید - آمریکایی‌ها را می‌گویم - عادت کرده‌اید که عیوب خودتان را هر قدر که بزرگ باشد، کم ببینید و نواقص دیگران را هر چقدر هم کوچک باشد، بزرگ ببینید؛ این مشکل شماست.

● دلیل اینکه مردم آمریکا احساس می‌کنند ایران هم در مسأله گروگان‌گیری شرکت دارد این است که ایران در نتیجه معاملاتی مثل اسلحه و غیره توانسته است فشار بیاورد تا برخی از گروگان‌ها را آزاد نماید. نظر شما در این مورد چیست؟

آقای هاشمی : شما اکنون نمی‌توانید فشار بیاورید بر کسانی که در اروپا و آمریکا پناهنده هستند و تحت حمایت شما هستند؟

ما می‌توانستیم از ابتدا به شما بگوئیم که هیچ کاری برای شما نمی‌توانیم انجام دهیم و خودمان را راحت کنیم، ولی اکنون جرم ما این است که به شما کمک کرده‌ایم.

من در سوریه که بودم حادثه هواپیمای تی، دبلیو، ای پیش آمده بود، دولت سوریه از من خواست که کمک کنیم. من همان جا در مصاحبه‌ای اعلام کردم که ما از انقلابیون لبنان می‌خواهیم که به این

کار نباشد.

رئیس مجلس خطاب به یکصد خبرنگار و فیلمبردار که در یک اتاق در ساختمان پارلمان ایران گرد آمده بودند گفت: "وقتی ما شاهد این هستیم که آمریکایی‌ها خصومت خود را نشان می‌دهند، ما شرایط برای ادامه گفتگوها با آمریکایی‌ها را مناسب نمی‌بینیم و ما هیچ طرح تازه‌ای نداریم".

وی گفت: "ایران معامله قبلی را به عنوان یک مبادله تسلیحاتی در مقابل آمریکایی‌های ربوده شده در لبنان تلقی نمی‌کند، اما از آمریکا انتظار داشته‌ایم که اگر مایل است تهران کمکی به آزادی گروگان‌ها که تصور می‌رود توسط گروه‌های طرفدار ایران گرفته شده باشند، بکند سلاح هایی را که ایران پول آن را پرداخت کرده آزاد کند".

رفسنجانی گفت: "تماس آخر ایران با مقامات آمریکایی حدود یک ماه پیش در فرانکفورت صورت گرفته است: شخصی به نام دونبار، با طرحی از سوی وزارت خارجه و به همراه افراد عادی".

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا دیروز در واشنگتن گفت که وی چارلز دونبار دستیار خود را برای ملاقات با مقامات ایرانی روز سیزدهم دسامبر به فرانکفورت فرستاد تا روشن کند که دیگر هیچ فروش تسلیحاتی از هر نوعی، وجود نخواهد داشت.

رفسنجانی گفت: "طرف ایرانی در گفتگوهای فرانکفورت که وی آنها را به عنوان مأموران خرید که زیر نظر مقامات اطلاعاتی کار می‌کنند، توصیف کرد، گفته شد که طرح وزارت خارجه را نپذیرد".

ما دیگر به ایالات متحده اعتماد نمی‌کنیم. آنها صداقت ندارند.

وی گفته به مأموران ایرانی گفته شده بود که هیچ طرحی قبل از آنکه آنها مایملک ما را آزاد کنند، قابل پذیرش نخواهد بود.

وی گفت: "ایران تلاش نکرده است که سیستم‌های تسلیحاتی اکثراً آمریکایی خود را در طول جنگ تغییر دهد زیرا که این کار پر هزینه بوده و هیچ کشوری نیست که مایل باشد سلاح‌های پیشرفته به ایران بفروشد".

رفسنجانی افزود: "ما قطعات یدکی سلاح‌های آمریکایی خود را از هر جا که توانسته‌ایم مگر از اسرائیل خریداری کرده‌ایم. ما آماده‌ایم آنها را از آمریکا نیز بخریم، در صورتی که هیچ شرطی در کار نباشد".

رفسنجانی این مطلب که سلاح‌های خریداری شده از آمریکا در سال گذشته که وی می‌گوید حدود ۳۰ میلیون دلار هزینه در برداشته و گران هم با ما حساب کرده‌اند، هیچ تأثیر قاطعی بر تهاجم جاری ایران علیه عراق در جبهه‌های جنوبی جنگ نداشته است را تکذیب کرد.

رفسنجانی در رابطه با اظهارات ریگان مبنی بر اینکه این به نفع آمریکا است که با ایران در صحبت باشد گفت: "وی ضعف از خود نشان داده و این مطلب را تحت فشار مخالفان داخلی خود بیان کرده است".

وی گفت: "ریگان با آگاهی از اینکه وی دیگر انتخاب نخواهد شد باید با بذل توجه بیشتری به منافع آمریکا شجاعت بیشتری از خود نشان داده باشد".

رفسنجانی گفت: "گفتگوهای مالی میان ایران و آمریکا در لاهه در چارچوب موافقت‌نامه‌های الجزایر که به بحران گروگان‌گیری تهران پایان داد، سیاسی نبوده و هیچ ارتباطی با مسأله آمریکایی‌های ربوده شده در لبنان ندارد".

وی گفت: "ایران تلاش کرده و تا اندازه‌ای موفق شده است افرادی را بیابد که می‌توانند نفوذی در مجاهدین (رزمندگان مسلمان) که گروگان‌ها را در اختیار دارند، داشته باشد".

رفسنجانی گفت که در مورد گزارش هایی مبنی بر اینکه تری‌ویت فرستاده کلیسای انگلیس در لبنان دستگیر شده است، اطلاعی ندارد. اما در عین حال گفت: "تأسف آور است شخصی که برای حل مشکلاتی عمل کرده است، خود دچار مشکل شود. ما قطعاً در صورتی که بتوانیم به تری ویت کمک خواهیم کرد. من از جزئیات مأموریت وی اطلاعی ندارم، اما ظاهراً این مأموریت بشردوستانه بوده است".

تهران - آسوشیتدپرس - ۱۳۶۵/۱۱/۸

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران امروز چهارشنبه کتاب انجیلی را که وی گفت توسط ریگان رئیس جمهوری آمریکا به ایران ارسال شده به نمایش گذارده و افزود: "ریگان با جرأت است، اما با کارشکنی رقبای سیاسی مواجه است".

رفسنجانی در این کنفرانس مطبوعاتی، انجیل یاد شده را که دارای نوشته و امضائی از سوی ریگان به تاریخ سوم ماه اکتبر ۱۹۸۷ (۱۱ مهرماه سال جاری) بود به نمایش گذارد. رفسنجانی که پس از آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر انقلاب، دومین مرد قدرتمند در ایران است گفت: "آمریکایی‌ها همین اواخر حدود یک ماه قبل در فرانکفورت سعی کردند از طریق دلالان اسلحه ایران بار دیگر تماس حاصل کنند و این دفعه توسط آقای دانبار در هیأت وزارت خارجه این کشور این اقدام صورت گرفت ولی ایران این ابتکار و پیشگامی را رد کرد. رفسنجانی از طریق یک مترجم گفت: "من تصور می‌کنم زمان برای گفتگو یا مذاکره با آمریکا مناسب نیست".

خبرنگاران خارجی هنگام ورود به مجلس در مرکز تهران، مجبور شدند ساعت‌ها، کیف‌ها، حلقه‌های انگشتری، کتاب‌ها و تمامی لوازم شخصی خود به غیر از پول، یک قلم و یک دفترچه را هنگام بازرسی دقیق بدنی در مدخل ساختمان تحویل دهند. فقط دوربین‌ها و ضبط صوت‌ها که از شب قبل برای بازرسی تحویل داده شده بود، مجاز بود به داخل سالن کنفرانس برده شوند.

رفسنجانی همچنین یک فتوکپی از پاسپورت‌های ایرلندی جعلی را که وی گفت "رابرت مک فارلین مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا در ماه مه سال گذشته در دیدار محرمانه‌اش از تهران به همراه داشت" به نمایش گذارد. یک پاسپورت که دارای تصویری از مک فارلین ولی به نام شان دولین صادر شده بود، نوشته بود. وی در روز ۱۴ ماه سال ۱۹۳۷ در دوبلین متولد شده و در ایرلند زندگی می‌کند، دارای چشمانی رنگ میشی و ۱۷۴ سانتی‌متر قد دارد.

نسخه‌هایی از این پاسپورت و نیز صفحه اول این انجیل با شرحی که ظاهراً به خط ریگان نوشته شده بود، به خبرنگاران داده شد و نوشته‌ای که پیش بینی می‌کند که خداوند امت‌ها را به وسیله ایمان‌شان مورد قضاوت قرار می‌دهد. رفسنجانی گفت که این انجیل را مک فارلین نیاورد، اما به وسیله یک فرستاده دیگر دولت آمریکا آورده شده که وی هویت او را افشاء نکرد.

این مقام ایرانی گفت: "ریگان در جستجوی روابط بهتر با ایران و ابراز اینکه هیچ مدارکی دال بر مسئولیت ایران در قبال اقدامات تروریستی در یک و نیم سال گذشته وجود ندارد، از خود جرأت و جسارت نشان داده است".

رفسنجانی اضافه کرد: "علیرغم تبلیغات موجود در آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، من تصور می‌کنم این یک بیان جسارت‌آمیز توسط ریگان است"، اما وی افزود: "ریگان مسن، ضعیف و در وضعیت بد مزاجی است و نمی‌تواند با بعضی از رقبای خود در حزب جمهوری خواه مواجه شود. رفسنجانی درباره تری ویت فرستاده کلیسای انگلیس به بیروت که در صدد آزاد ساختن گروگان‌ها است، ابراز بی‌اطلاعی کرد و گفت: "ویت در صدد کمک به دیگران است و ممکن است خودش اکنون به کمک نیاز داشته باشد. اگر بتوانیم کاری برای وی انجام دهیم، این کار را خواهیم کرد".

گمان می‌رود بعضی از گروه‌ها که گروگان‌های غربی را در بیروت در اختیار دارند، روابط نزدیک با ایران دارند. مقامات ایرانی این مطلب را که دارای اختیاراتی برای آزادسازی آنها هستند، تکذیب می‌کنند.

رئیس پارلمان ایران گفت: "ایران در صدد شناسایی افرادی در لبنان است که روی گروگان گیرندگان نفوذ دارند و تصور می‌کنند در این زمینه موفق بوده و به آمریکا و فرانسه گفته است اگر

مایل به کمک هستند، باید از خصومت نسبت به ایران دست بردارند".

وی گفت: "اگر شما اسناد دارید ما کاری برای شما انجام دهیم، شما هم باید کاری کنید که نشان دهید مخالف نیستید. "رفسنجانی در مورد دولت آمریکا گفت: "بزرگ‌ترین نگرانی، دارایی‌های ایران است که هنوز در آمریکا بلوکه است".

وی درباره فرانسه گفت: "این کشور باید پولی را که به ایران بدهکار است بپردازد. از تحمل شورشیان ایرانی مخالف دولت در فرانسه امتناع کنند و عرضه سلاح به عراق را که از ماه دسامبر سال ۱۹۸۰ تاکنون با ایران در جنگ بوده، متوقف کنند".

رفسنجانی گفت نمی‌تواند احتمال یک حمله نظامی آمریکا به ایران را رد کند، اما افزود: "چنین اقدامی اشتباه خواهد بود، زیرا آنها آسیب‌پذیر هستند". وی گفت: "مردم لبنان گروگان‌گیری می‌کنند زیرا آنها برخلاف قدرت‌های صنعتی غربی، راه دیگری برای اعمال فشار ندارند. آنها مجبورند حمله خود را متوجه هواپیماها یا فرستادگان و مقامات شما بکنند. بنابراین اگر می‌خواهید تروریسم ریشه‌کن شود، متجاوز نباشید".

رفسنجانی همچنین در مورد یک مهندس نفت کانادایی که در دوم دسامبر در ایران به اتهام جاسوسی دستگیر شده است، اشاره کرد.

فیلیپ انکس ۲۹ ساله از کارمندان شرکت اسکلامبرگ اینترنشنال مستقر در نیویورک و پاریس پس از بازگشت به ایران در دیدار از وطنش بازداشت شد.

یک سخنگوی وزارت خارجه ایران در آن زمان گفت که انکس متهم به گرفتن عکس از مراکز حساس نظامی است.

رادیو مسکو - ۱۳۶۵/۱۱/۸

رادیو مسکو امروز چهارشنبه گزارش داد: هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران اطلاع داد که وزارت امور خارجه آمریکا چند هفته پیش، بار دیگر تلاش کرد که با ایران تماس بگیرد.

رفسنجانی در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی سی بی اس آمریکا گفت: شولتز وزیر امور خارجه آمریکا شخصی بنام دانتون را جهت دیدار با نماینده ایران برای گفتگو پیرامون مسأله تحویل اسلحه فرستاد، رفسنجانی گفت: "ایران این پیشنهادها را رد کرد. اکنون در آمریکا جنجال سیاسی در رابطه با تحویل محرمانه قبلی جنگ‌افزار آمریکایی به ایران و ارسال بخشی از وجوه به دست آمده برای ضدانقلابیون نیکاراگوئه خاموش نمی‌شود".

بخش فارسی رادیو اسرائیل - ساعت ۱۹ - ۱۳۶۵/۱۱/۸

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی در تهران شرکت جست تا درباره ماهیت تماس‌های محرمانه با ایالات متحده توضیح بدهد.

به دنبال آن رادیوی دولتی ایران ظهر امروز متن کامل مصاحبه شبکه تلویزیونی آمریکایی سی بی اس را با وی انتشار داد.

رئیس مجلس ایران در مصاحبه امروز، کتاب مقدسی را به خبرنگاران نشان داد که در یکی از صفحات آن امضای پرزیدنت ریگان و تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۶ دیده می‌شد.

وی تأیید کرد که شش هفته پیش در فرانکفورت دوباره ملاقاتی بین نمایندگان حکومت اسلامی و ایالات متحده صورت گرفته است ولی افزود: "هنوز زمان برای چنین مذاکراتی مساعد نیست".

به گزارش رادیو دولتی تهران حجت‌الاسلام رفسنجانی طی مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی بی اس آمریکا تأیید کرد که حکومت اسلامی ایران از همه منابع ممکن جز اسرائیل که به گفته وی یک رژیم غاصب است، اسلحه آمریکایی خریداری کرده است.

وی در ضمن گفت: جنگ تا سقوط حکومت حزب بعث عراق ادامه خواهد یافت.

حجت‌الاسلام رفسنجانی در پاسخ به پرسش دیگر خبرنگار آمریکایی گفت: "حال آیت‌اللّه خمینی با توجه به سن زیاد وی، بسیار خوب است، اگر چه ممکن است که گاهی به علت کار و مطالعه زیاد، خسته به نظر برسند".

ارائه انجیل امضاء شده توسط ریگان به خبرنگاران خارجی و رفع موانع موجود در بهبود روابط سیاسی تهران و رم پس از مشاجرات اخیر از سوی جراید ایتالیا به عنوان دو محور اصلی مصاحبه مطبوعاتی آقای هاشمی رفسنجانی قلمداد شده است. روزنامه‌های کثیرالانتشار ایتالیا به ویژه سه روزنامه معتبر ایل ساجرو و کوریر دلاسرا و لارپوبلیکا در شماره‌های امروز پنج شنبه به نقل از فرستادگان ویژه خود به تهران، بخش‌هایی از مصاحبه مطبوعاتی آقای هاشمی رفسنجانی را منعکس ساخته‌اند. در گزارشات منتشره از این مصاحبه مطبوعاتی تنها قسمت‌هایی که طی آن ماجرای سفر مک‌فارلین به تهران و تلاش‌های آمریکا برای برقراری رابطه با ایران تشریح شده است، توجه جراید را به خود جلب نموده است و در این مقالات کوچک‌ترین اشاره‌ای به نتایج عملیات اخیر رزمندگان اسلام نگردیده، اما از ظاهر گزارشات و نحوه نقل قول از اظهارات آقای هاشمی نکته منفی به چشم نمی‌خورد. در این میان روزنامه‌های امروز، اظهارات ریاست مجلس ایران در مورد رفع موانع موجود در بهبود روابط میان ایران و ایتالیا را نیز مورد توجه قرار داده و این بخش را به صورت جداگانه‌ای

انتشار داده‌اند.

رادیو آمریکا ساعت ۲۰/۳۰ - فارسی

گزارشی به نقل از روزنامه وال استریت ژورنال درباره مصاحبه مطبوعاتی حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی:

جرالد سیب خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال در سفر به تهران برای تهیه گزارش هایی در مورد اوضاع ایران در مصاحبه مطبوعاتی حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد. وی در مورد این مصاحبه مطبوعاتی مقاله مفصلی نوشته است که در شماره امروز روزنامه وال استریت ژورنال به چاپ رسید. به ترجمه فارسی این مقاله توجه فرمائید. جرالد سیب خبرنگار وال استریت ژورنال از تهران می‌نویسد: سخنگوی قدرتمند مجلس ایران آشکار ساخت که ایران همچنان به بهبود روابط با ایالات متحده علاقمند است و پا فشاری کرد که آمریکا نیز خواستار چنین تحولی است. علی اکبر هاشمی رفسنجانی با اعتماد به نفس در یک مصاحبه دو ساعته به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت و چنین به نظر می‌رسد که افشای فروش تسلیحات آمریکا به ایران و تماس‌های مخفیانه با آمریکاییان، موفقیت سیاسی وی را تضعیف نکرده است. به نوشته وال استریت ژورنال هاشمی رفسنجانی گه‌گاه نسبت به پرزیدنت ریگان ابراز همدردی کرده ولی هشدار می‌داد که ایالات متحده باید برای بهتر شدن روابط با ایران بیشتر تلاش کند.

این روزنامه به نقل از هاشمی رفسنجانی می‌نویسد: پرزیدنت ریگان گفته است که خواستار برقراری روابط با جمهوری اسلامی است و ما نیز به صداقت وی معتقدیم، زیرا این مسأله به نفع وی است ولی هاشمی رفسنجانی افزود: آمریکا برای نشان دادن حسن‌نیت و عدم خصومت می‌تواند تسلیحاتی را که ایران در زمان شاه خریداری کرده بود به ایران تحویل دهد و در راه آزادی گروگان‌هایش در لبنان از کمک‌های تهران بهره‌مند شود. به گفته رفسنجانی زمان برای گفتگو در مورد تسلیحات مساعد نیست، اذعان گه‌گاه وی به اینکه تسلیحات ایران غالباً ساخت آمریکا بوده و دیگر کشورها علاقه‌ای به ارسال تسلیحات پیشرفته به ایران نشان می‌دهند، اشاره به لزوم روابط دوستانه با آمریکا بود.

جنگ ایران و عراق سبب شده تا ایران برای مقابله با برتری تسلیحات عراق در جستجوی تسلیحات کارا باشد.

هاشمی رفسنجانی صحت ملاقات نمایندگان ایران با آمریکا را که ماه گذشته در فرانکفورت انجام

گرفت و طی آن پیام وزیر امور خارجه آمریکا مبنی بر خودداری آمریکا از ارسال تسلیحات به ایران به مقامات تهران تسلیم شد، تأیید کرد. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا پیش‌تر گفته بود که چارلز دانبار دستیار خود را روز سیزدهم دسامبر به فرانکفورت فرستاد تا به ایرانیان بگوید، دیگر هیچ گونه اسلحه‌ای از آمریکا دریافت نخواهند کرد. جرالد سیب خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال از تهران می‌نویسد: رفسنجانی به قدری زیرک است که هنوز روشن نیست آیا وی خواستار دوستی مصلحتی با آمریکا و از روی احتیاج است و یا اینکه خواستار یک رابطه مداوم است. هاشمی رفسنجانی به عنوان یک رهبر مقتدر در حال ظهور است و به نظر می‌رسد از تسلیحات آمریکا با مهارت خاصی برای تحکیم موقعیت خود استفاده کرده باشد. به صورتی که وی توانست با دریافت سلاح‌های کلیدی از آمریکا چیز زیادی به آمریکا پس ندهد. هاشمی رفسنجانی کتاب انجیل اهدایی پرزیدنت ریگان را نیز به خبرنگاران نشان داد. هاشمی رفسنجانی گفت برخلاف گزارش‌های اولیه، این انجیل به وسیله رابرت مک فارلین مشاور پیشین امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا به ایران برده نشده بود و تحویل انجیل، مدتی بعد به وسیله یک فرستاده ناشناس از سوی رئیس جمهوری آمریکا انجام گرفت. وی انجیلی را به خبرنگاران نشان داد که ظاهراً در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۶ به وسیله پرزیدنت ریگان امضاء شده است. رئیس مجلس شورای اسلامی بار دیگر تکرار کرد که آزاد ساختن تسلیحات خریداری شده از آمریکا، می‌تواند به آزادی گروگان‌های آمریکا در لبنان کمک کند. البته وی هرگونه ارتباط مستقیم با آدم ربایان را انکار کرد. هاشمی رفسنجانی اشاره کرد که ایران بنا به درخواست آمریکا و فرانسه با گروه‌های رباینده لبنانی تماس حاصل کرد و برخی اوقات نیز موفق شد. رفسنجانی همچنین خاطرنشان ساخت که ممکن است آدم ربایی‌ها توسط لبنانی‌ها قابل توجیه باشد، زیرا مسلمانان لبنان توسط اسرائیلی‌ها که از جانب غرب حمایت می‌شود سرکوب می‌شوند و راهی برای دفاع از خود ندارند. رفسنجانی به خبرنگاران گفت:

"مردم لبنان طوری هدف سرکوب قرار گرفته‌اند که مجبورند خطوط هوایی، سفارت‌خانه‌ها و مقامات غربی را هدف قرار بدهند". هاشمی رفسنجانی در طول گفتگو با خبرنگاران بارها تأکید کرد که آمریکا اگر می‌خواهد حسن نیت خود را ثابت کند، باید تسلیحات توقیف شده ایران که بهایش هم پرداخت شده آزاد کند.

رادیو بی بی سی فارسی ـ ساعت ۱۹/۴۵

در این احوال در تهران حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران درباره تماس‌های

محرمانه بین واشنگتن و تهران اطلاعات تازه‌ای منتشر کرده است و به عقیده بسیاری از ناظران امور، باعث سرافکندگی بیشتر دولت پرزیدنت ریگان خواهد شد. رئیس مجلس ایران در کنفرانس خبری که در ساختمان مجلس شورای اسلامی تشکیل داده بود همچنین آمریکا و چند دولت غربی دیگر را به بی‌اعتنایی نسبت به سرنوشت ایرانی‌هایی که توسط تروریست‌ها به گروگان گرفته شده‌اند متهم کرد.

دیوید براتشو از مفسرین بخش شرقی بی بی سی تأثیر اظهارات تازه آقای رفسنجانی را مورد بررسی قرار داده است:

"آقای رفسنجانی در ماه‌های اخیر مهارت تمام و کمال خود را در سر افکنده کردن دولت آمریکا به ثبوت رسانده است. او اکنون در یک کنفرانس مطبوعاتی در مجلس با نشان دادن انجیل جلد چرمی که توسط پرزیدنت ریگان برای رهبران ایران فرستاده شده بود، برگ تازه‌ای به صفحات ماجرای ایران گیت اضافه کرده است. انجیل مزبور به خط پرزیدنت ریگان در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۶ امضاء شده بود و نشان می‌داد که مسافرت مک فارلین به ایران، چند ماه بعد از آنکه تصور می‌شد، یعنی فقط یک ماه قبل از فاش شدن ماجرای ایران گیت انجام گرفته است. تاکنون تصور می‌شد که انجیل مزبور جزو یکی از هدایایی بوده است که مک فارلین برای رهبران ایران به همراه آورده بود ولی آقای رفسنجانی گفت که انجیل مزبور که نشانه تأیید موضوع توسط پرزیدنت ریگان می‌باشد، بعداً توسط یک هیأت دیگر آمریکایی به ایران آورده شده است.

دولت آمریکا آمدن یک چنین هیأتی را به تهران تاکنون تأیید نکرده است. عکس‌العمل‌های ناشی از این افشاگری، ممکن است تحت‌الشعاع این امر واقع گردد که جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا روز سه شنبه اذعان کرد که در تاریخ ۱۳ دسامبر گذشته نمایندگان ایران و آمریکا در فرانکفورت در مورد فروش اسلحه به ایران سرگرم مذاکره بودند.

معهذا این موضوع یک بار دیگر این احساس که پرزیدنت ریگان درباره میزان گسترش رابطه با ایران صادق گردیده است را تقویت می‌کند.

آقای رفسنجانی جزء گروهی از رهبران ایرانی محسوب می‌شود که در حالی که قطعاً و حقیقتاً میانه رو یا طرفدار غرب نیستند، معهذا به مزایای ایجاد روابطی دوستانه با آمریکا، البته بدون هیچ گونه تعهدی واقف‌اند. با توجه به این نکات سئوالی که پیش می‌آید این است که چرا آقای رفسنجانی سعی می‌کند که زندگی را برای پرزیدنت ریگان دشوار نماید. یکی از دلایلی که می‌توان در این باره برشمرد، این است که رئیس مجلس ایران، به منظور حفظ موضع خود در داخل ایران که احساسات ضدآمریکایی هنوز خیلی شدید است، لازم است که به پرده پوشی نقشی که در تماس‌های اخیر با

آمریکا داشته است، بپردازد.

دلیل دیگر این است که دولت آمریکا هنوز حسن نیت خود را از طریق آزاد کردن دارایی‌های محدود شده ایران در آمریکا و یا رفع توقیف از تسلیحات متعلق به ایران که در زمان شاه خریداری شده بود، نشان نداده است. از دید آقای رفسنجانی لااقل تندروهایی که در دستگاه اداری آمریکا هستند هنوز حاضر نیستند که بر اساس شرایط مساوی با ایران رابطه برقرار شود. آقای رفسنجانی گفته است که پرزیدنت ریگان شخصاً پر جرأت بوده و در نظر خود به منظور بهبود روابط با ایران صادق است.

نامه اسقف اعظم کلیسای کانتربری
و پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی

حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی - ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با احترام و افتخار به شما سلام می‌گویم. به شما به عنوان کسی که به خدای واحد رحمان و رحیم معتقد هستید درود می‌فرستم. ما بیانات قاطع شما را درباره رنج‌های ملت لبنان شنیدیم و به آنچه که درباره «تری ویت» گفتید توجه نمودیم. تری ویت انسانی با ایمان قوی است که علاقه شدید به ایرانیان دارد. من خودم نیز دوستان بسیاری در میان مؤمنین جامعه شما دارم. تری ویت یک انسان مذهبی است که احترام عمیق نسبت به اسلام و مسلمانان قائل است. وی نماینده شخصی من است و مأموریت وی صرفاً یک مأموریت انسانی است.

وی کاملاً از دولت انگلیس یا هر حزب سیاسی دیگر مستقل است. و چنانچه به فعالیت‌هایش در سال ۱۹۸۱ توجه بفرمائید، عدم وابستگی، ایمان و احترام او نسبت به اسلام بود که باعث شد موفقیت‌هایی بدست آورد که نیل به آنها از طریق کانال‌های رسمی و کاملاً سیاسی دشوار بود. من سخنان این هفته شما درباره «[احمد] متوسلانی» که چهار سال قبل به دست شبه نظامیان فالانژ ربوده شد شنیدم، اگر به من اجازه بدهید خوشحال خواهم شد تا ضمن تماس با جامعه مسیحی بیروت اطلاعی از سرنوشت وی به دست آورم. من می‌دانم که مردم لبنان از تروریسم به شدت رنج برده‌اند. دو کشور خود ما نیز از این مصیبت رنج برده‌اند. امیدوارم که ایمان مشترک ما به بهترین سنت‌های

جوامع ما در استقرار صلح و عدالت در این جوامع کمک کند.

خدمت حضرت آیت‌الله امام خمینی سلام احترام آمیزم را همراه با احساسات مذهبی خود تقدیم می‌نمایم.

با احترام اسقف اعظم کلیسای کانتربری

پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی:

اسقف اعظم کلیسای کانتربری جناب آقای رابرت رانی

نامه جناب عالی در خصوص گرفتاری جناب آقای تری ویت و آقای متوسلانی دریافت شد. با اظهار تأسف شدید از حوادث تلخ که باعث رنج انسان‌ها می‌شود و اظهار آمادگی برای همکاری در راه مبارزه با این گونه حوادث، لازم می‌دانم از اظهار آمادگی آن جناب در خصوص وساطت نزد مسیحیان لبنان که آقایان [احمد] متوسلانی و [سید محسن] موسوی و دو نفر از همراهان‌شان را در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱۳ ربوده‌اند و هیچ گونه اطلاعی به ما و خانواده‌های رنجیده و غمگین آنها نمی‌دهند، تشکر کنم، متأسفم که مسئولان و رسانه‌های جمعی غرب عادت دارند که فقط در مورد ناراحتی‌هایی که برای غربی‌ها پیش می‌آید، تلاش کنند و حاضر نیستند که در اندوه و عزای مردم مظلوم دنیای سوم شریک باشند و بی شک اقدام جناب عالی برای نجات چهار نفر مظلوم ربوده شده ایرانی و خانواده‌های داغدار و چشم انتظار آنان که متأسفانه مورد بایکوت خبری غربی‌ها قرار گرفته‌اند نقطه درخشانی در فضای تاریک و آلوده امپریالیسم خبری غرب است و مایه اعتبار کلیسا و مسیحیت.

به هر حال اینجانب از پیشنهاد جناب عالی استقبال نموده و از مأموران و دوستان خودمان در لبنان و سوریه خواستاریم که پیگیرانه برای پیدا کردن اثری از تری ویت اقدام کنند. و از جناب عالی انتظار دارم که هرچه زودتر نتیجه تلاش خودتان را درباره پیدا کردن چهار انسان ربوده شده ایرانی و لبنانی و برگرداندن آنها به آغوش خانواده‌شان اطلاع دهید و دعا می‌کنم که این تلاش مشترک برای رفع رنج رنجیدگان دیگر هم ادامه یابد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبرهاشمی رفسنجانی ـ ۶۵/۱۲/۱۸

سخنرانی امام خمینی(ره)
در مورد رسوایی مک‌فارلین

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آنچه که من امروز می‌خواهم عرض کنم، این است که ما در روزی عید گرفتیم که از جهاتی ملت ایران باید جشن بگیرند؛ یکی جهات پیروزی ملت ایران در جهان، در جبهه‌ها در پشت جبهه‌ها، در همهٔ کشورهای اسلامی و غیراسلامی و یک امر مهمی که در این روز عید باید تبریک به همه عرض بکنم، این انفجار عظیمی است که در کاخ سیاه واشنگتن رخ داد و این رسوایی بسیار مهمی که برای سران کشور آمریکا پیدا شد. شما ملاحظه بکنید و ببینید که در تمام دنیا، در سراسر جهان، مطبوعات‌شان و رسانه‌هایشان و خطابه‌هایشان تمام متوجه این معناست که سرپوشی بگذارند بر این رسوایی که برای رئیس جمهور آمریکا پیش آمد. رئیس جمهور آمریکا در این رسوایی باید عزا بگیرد و کاخ سفید مبدل به کاخ سیاه بشود - گرچه همیشه بوده است - لکن این متفرقه گویی و اضطرابی که در کاخ سفید پیدا شد و در طرفداری‌های آمریکا، حکایت از عظمت مسأله می‌کند یک مقام عالیرتبه - به قول خودشان - از آمریکا به طور قاچاق و با تذکرهٔ جعلی وارد ایران می‌شود، در صورتی که ایران نمی‌داند چی است. به مجردی که وارد می‌شود و معلوم می‌شود که این از مقامات آمریکاست، ایران او را در یک جایی تحت نظر قرار می‌دهد و محبوس می‌کند و تمام حرکات او را تحت نظر قرار می‌دهد

و او با هرکس خواسته است ملاقات کند، ملاقات نمی‌کند. آنی که ادعا می‌کند که اگر من به شوروی رفته بودم، رئیس شوروی سه مرتبه به دیدن من آمد، گمان می‌کند اینجا هم شوروی است! اینجا کشور اسلام است. اینجا نه کرملین قابل این است که ذکری ازش بشود و نه کاخ سیاه؛ اینجا کشور رسول خداست، اینجا کشور حضرت صادق است، اینجا پاسدارهای ما شرافت دارند بر کاخ نشینها، اینجا بسیجی‌های ما و امت ما شرافت دارند بر تمام کاخ نشین‌های عالم و همهٔ کسانی که ادعای پوچ خودشان را می‌کنند و گمان می‌کنند که باید عالم پیش آنها خاضع باشد.

آنهایی که می‌گفتند ما چه می‌کنیم و چه می‌کنیم و قطع رابطه می‌کنیم و از این مسائل می‌گفتند، امروز معلوم شد که با عجز و ناله در پیشگاه این ملت آمده‌اند و می‌خواهند که رابطه برقرار کنند، می‌خواهند عذر تقصیر بخواهند و ملت ما قبول نمی‌کند. این یک مسأله است، مسأله‌ای است که از تمام پیروزی‌های شما بالاتر است. مسأله رئیس آمریکا با آن همه به قول خودش جلال و جبروت، کسی را از مقامات عالی بفرستد به اینجا که با مقامات اینجا ملاقات کنند و هیچ یک از آنها حاضر به ملاقات نشود. این مسأله بزرگی است که دنیا را منفجر کرده است و باید هم بکند، کاخ سفید را به عزا نشانده است و باید هم بنشاند، مسأله مسأله مهم است. الان تسابق می‌کنند تمام کشورهای بزرگ برای رابطه پیدا کردن با ایران، این چی است؟ این افراد ایران است؟ این جمعیت کثیر ایران است؟ ایران جمعیتی ندارد در مقابل عالم. این ایمان جوانهای ماست، این برکات رسول اکرم است، این برکات امام صادق است. این برکاتی است که چشم دنیا را خیره کرده است و همه را مضطرب کرده. آنهایی که گمان می‌کردند که با یک تشر ایران را می‌توانند چه بکنند، گمان کردند که حالا هم زمان قاجار است. حالا هم زمان پهلوی است که مردم بیدار نبودند. امروز زمان بیداری مردم ماست، زمان هوشیاری و شکوفایی ایمان است در این کشور. و لذا، می‌بینید که الان هر رادیویی را باز کنید از خارج، از هر گوشهٔ عالم راجع به قضایای آمریکا و راجع به خضوع او در مقابل ایران صحبت می‌کنند و حرفها را هم می‌زنند. اضطراب در کلمات خود ریگان این قدر هست، تناقض گویی، اضطراب هست که انسان نمی‌تواند باور کند که یک آدمی که رئیس یک همچو کشوری هست و ادعایش آن قدر زیاد است، این قدر تناقض گویی، این قدر اضطراب، این قدر وحشت که او را گرفته است، امروز یک چیز مهمی است. نه فقط او را، کرملین هم همین‌طور است، آنها هم مسابقه می‌کنند با آمریکا در رابطه با ایران.

چی است مسأله؟ چی شده است ایران؟ چه قصه‌ای در ایران واقع شده است که سابق چنانچه در زمان سلاطین سابق، در زمان قاجار، در زمان پهلوی اگر یک کلمه در آنجا می‌گفتند، اینها تمام کنار می‌رفتند، اگر یک تشر می‌زدند آنها خلع سلاح می‌شدند. چه شده است که حالا پاسدارهای ما هم

اعتنا به آنها نمی‌کنند؟ برای اینکه آن وقت مردم را خواب کرده بودند. تبلیغات دامنه‌دار دشمن‌های اسلام، مردم را خواب کرده بودند، از هم جدا کرده بودند، شهرها از هم جدا بود، احزاب مختلفه همه با هم مختلف بودند، حکومت‌ها همه دست نشانده بودند. اما امروز مسأله این نیست، امروز ایران بیدار شده است امروز اسلام در ایران رواج پیدا کرده است. امروز حقیقت ایمان در ایران شکوفایی پیدا کرده است اینها برکات ایمان است. غافل نباشید از این، برکات وحدت شما در تمام امور است. غافل از این وحدت نباشید، غافل از این حظّ الهی نباشید. در عین حال انسان می‌بیند که در حالی که کاخ کرملین به لرزه درآمده است و کاخ سیاه سیاهپوش شده است و می‌خواهند توجیه کنند هی حرف های خودشان را و هی از این ور به آن ور می‌زنند که توجیه کنند این خطایی که کردند و این کسی را که اینجا فرستادند و با رسوایی از اینجا بیرونش کردند، می‌خواهند توجیه کنند. مع‌الاسف، بعض از اشخاصی که در خود ایران هستند، توجه به مسائل یا ندارند یا متعمدند. اینها هم به تبعیض از تبلیغات آنها، آنها هم با همان لسان، اینجا تبلیغ می‌کنند.

من نمی‌خواهم در این روز مبارک اسباب افسردگی اشخاص بشوم، لکن می‌خواهم عرض کنم چرا این قدر ما عقب افتاده هستیم؟ چرا ما باید به واسطهٔ اغراض نفسانیه این قدر خودمان را ببازیم؟ چرا باید وقتی که دنیا به تزلزل در آمده است برای این بی‌اعتنایی ایران به کاخ سفید و سیاه، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آنها را؟ چرا ما باید این قدر غربزده باشیم یا شیطان‌زده؟ من هیچ توقعی نداشتم از بعض این اشخاص، ولو بعضی‌شان در نظر من پوچ‌اند، لکن از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم که در این زمان که باید فریاد بزنند سر آمریکا، فریاد می‌زنند سر مسئولین ما! چه شده است؟ شماها چه‌تان است؟ چه کردید شماها؟ شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان؟ در یک همچون مسأله مهمی که باید همهٔ شما دست به هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که هفتهٔ وحدت است چرا شماها می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دو دستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟ کجا دارید می‌روید؟ این تذهبون؟ من نمی‌توانم که آن طوری که می‌خواهم،با شما صحبت کنم و نمی‌خواهم در روز عید رنجش برای شما پیدا کنم، لکن شما انصاف بدهید که در یک همچو وقتی، وقت یک همچو اموری است؟! وقت یک همچو تأییدی است از کاخ سفید؟ وقت یک همچو تأییدی است از ریگان؟ لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرائیل تندتر است، از لحن خود کاخ نشینان آنجا تندتر است. شما چه شده است این طور شدید؟ شما که این نبودید بعضی‌تان. من بعضی‌تان را می‌شناسم، شما این طور

نبودید.

من امیدوارم که شما باز توجه کنید به مسائل، توجه کنید به دنیا، توجه کنید به خودتان، توجه کنید به قدرت خودتان. نشکنید این قدرت را، گرچه شماها نمی‌توانید، لکن نباید یک همچو کاری در ایران بشود. من نمی‌خواهم دل شما را بشکنم، لکن شما دل ملت ما را نشکنید، شما دل مسئولین ما را نشکنید، شما هی تندرو و کندرو درست نکنید، دو دستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است، نکنید این کارها را.

من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همهٔ ملت ما سلامت و سعادت عنایت کند، و دوستان ما را به خود بیاورد و کسانی که می‌خواهند تفرقه ایجاد کنند، ان‌شاءاللّه، خدا هدایتشان کند و خدای تبارک و تعالی شرّ اشرار را از سر این کشور کوتاه کند. و این عید مبارک را بر همه مبارک‌تر کند. و رزمنده‌های ما را در هر جا که هستند با دل قوی به پیش ببرد و بدانند رزمندگان که پیروزند و بدانند که این پیروزی که اخیراً پیدا شد، از همهٔ پیروزیها در نظر دنیا بالاتر است و توجه کنند به اینکه با عنایت خدا به پیش بروند و سیلی آخر را بزنند"[۱].

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۵۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)

نامه امام خمینی(ره) به آیت‌الله منتظری درباره سید مهدی هاشمی

بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین، فقیه عالیقدر، آقای منتظری - دامت ایام برکاته

پس از اهدای سلام و تحیت، علاقهٔ اینجانب به جنابعالی بر خود شما روشن‌تر از دیگران است. به حسب قاعده طول آشنایی صمیمانه و معاشرت از نزدیک، مقام ارجمند علمی و عملی شما، مجاهدت با ستمگران و قلدران، و رنج‌های فراموش نشدنی جنابعالی در سالهای طولانی برای اهداف اسلامی، قداست و وجاهت و وارستگی کم نظیر آن جناب، و بالاتر حیثیت بلند پایه‌ای که دنبالهٔ این امور به خواست خداوند تعالی برای شما فعلاً حاصل است، و احتیاج مبرمی که جمهوری اسلامی و اسلام به مثل جنابعالی دارد، انگیزه علاقه مبرم است. لهذا این حیثیت مقدس باید از هر جنبه محفوظ و مصون باشد. حفظ این حیثیت به جهات عدیده بر شما و همهٔ ماها واجب، و احتمال خدشه‌دار شدن آن نیز منجز است برای اهمیت بسیار آن.

با این مقدمه باید عرض کنم این حیثیت واجب المراعاة به احتمال قوی، بلکه ظن نزدیک به قطع، در معرض خطر است؛ خصوصاً با داشتن مخالفین مؤثر در حوزه قم، که ممکن است دنبال بهانه‌ای

باشند. این خطر بسیار مهم از ناحیه انتساب آقای سید مهدی هاشمی است به شما. من نمی‌خواهم بگویم که ایشان حقیقتاً مرتکب چیزهایی شدند؛ بلکه می‌خواهم عرض کنم ایشان متهم به جنایات بسیار، از قبیل قتل، مباشرت یا تسبیباً، و امثال آن می‌باشند. و چنین شخصی، ولو مبرا باشد، ارتباطش موجب شکستن قداست مقدم جنابعالی است که بر همه حفظش واجب مؤکد است.

آنچه مسلّم است و در آن پای فشاری دارم رسیدگی به وضعیت و موارد اتهام او است، رسیدگی به خانهٔ تیمی و انباشتن اسلحه، آن هم با پول ملت، به اسم کمک به سازمان‌های به اصطلاح آزادیبخش. اصولاً یک همچو اعمالی بدون دخالت دولت جرم است. و باید ایشان، که صلاحیت این امر را ولو واقعاً برای این سازمانها باشد ندارد و دخالت در حکومت است، جواب بدهد. این امر قطعی است. و آنچه از شما می‌خواهم در رتبه اول پیشنهاد مستقیم شما به دخالت وزارت اطلاعات و رسیدگی به این امور است. و اگر برای شما محذور دارد، به طوری که تکلیف شرعی از شما ساقط است، سکوت است. حتی در محافل خصوصی دفاع از یک همچو شخصی که خطر برای حیثیت شما است و احتمال فساد و خونریزی بیگناهان است سم قاتل است. باید تمام فعالیت‌ها که به اسم کمک به سازمان‌های به اصطلاح آزادیبخش است قطع شود، و تمام کسانی که در این امور دخالت داشته‌اند محاکمه شوند.

و آنچه مسلّم است و مایهٔ تأسف، حسن ظن جنابعالی به اعمال و افعال و گفته‌ها و نوشته‌هاست که به مجرد وصول به شما ترتیب اثر می‌دهید و در مجمع عمومی صحبت می‌کنید و به قوهٔ قضائیه و غیره سفارش می‌دهید. و من از شما، که دوست صمیمی سابق و حال من هستید و مورد علاقه ملت، تقاضا می‌کنم که با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت نمایید، پس از آن ترتیب اثر بدهید، تا خدای نخواسته لطمه به حیثیت شما، که برگشت به حیثیت جمهوری است، نخورد. آزادی بی رویهٔ چند صد نفر منافق، به دستور هیأتی که با رقت قلب و حسن ظن‌شان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و دزدیها را بالا برده است. "ترحم بر پلنگ تیزدندان - ستمکاری بود بر گوسفندان".

من تأکید می‌کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است؛ والا هیچ عکس‌العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایاتِ مورد اتهام حتمی است. سلامت و توفیق جنابعالی را خواهانم.

۱۲ مهرماه ۶۵ - روح‌الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱ - رجوع کنید ← کتاب "صحیفه امام"، جلد بیستم، صفحه ۱۳۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

اعترافات تلویزیونی سید مهدی هاشمی

مهدی هاشمی در یک مصاحبه تلویزیونی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، به اتهامات خود که از سوی وزارت اطلاعات اعلام شده بود، اعتراف کرد. متن کامل اعترافات وی در پی می‌آید:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

با سلام و درود به محضر مبارک حضرت بقیةالله اعظم امام زمان ارواحناء له الفدا و نائب برحقش بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی مدظله العالی و قائم مقام معظم رهبری، فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری و به امید پیروزی هر چه سریع‌تر رزمندگان کفر ستیز اسلام و فتح کربلا.

اینجانب سید مهدی هاشمی فرزند مرحوم سید محمد، مصاحبه خود را به شرح زیر آغاز می‌کنم. انگیزه من از این مصاحبه که به پیشنهاد و رضایت خودم انجام می‌گیرد، اولاً روشن کردن اذهان نسبت به عملکردهای خلاف خود و همفکرانم و ثانیاً پرده برداشتن از یک سیر تصاعدی لغزش‌ها، اشتباهات و انحرافاتی است که متأسفانه از بدو انقلاب، در وجود من بوده، تا لحظه بازداشت و به خاطر همان تسلط هوای نفس و تسهیلات شیطانی و نپرداختن به تذهیب نفس، دوری از خط امام، این اشتباهات در من رشد کرد و در مدتی که در بازداشت به سر می‌بردم، در اثر برخوردهای سازنده و آموزنده و اسلامی برادران بازجو و همچنین تفکر و مطالعه و بازنگری خودم به اعمال و رفتار و اندیشه‌ها و افکار

گذشته‌ام، به مجموعه‌ای از اشتباهات، انحرافات و لغزش هایی که در من بوده، پی بردم. در این لحظه اعتراف می‌کنم که خودم را مصداق بارز آن جمله حضرت امام که در جواب جناب آقای ری شهری فرمودند یافتم. امام فرمودند «منحرف و توطئه‌گر».

قبل از بازداشت، طبعاً به خاطر این جو عمل زدگی و غرق شدن در این جو، من فرصت مطالعه و تفکر پیدا نمی‌کردم و نمی‌توانستم در خودم و اعمال و رفتارم بازنگری کنم. شاید اگر فرصت پیدا می‌کردم، اصلاح می‌شد، اما امروز در این لحظات تنبه‌خیز زندان و بازداشت، من در خودم مطالعه کردم و در اثر بازنگری و تعمق و مطالعه در خودم، به مجموعه وسیعی از این اشتباهات پی بردم و واقف شدم و متأسفانه این اشتباهات، نه فقط در من بوده بلکه همفکران و همکاران من هم به این ورطه خطرناک کشیده شدند و در حقیقت، من آنها را به این وضع خطرناک کشیدم. خوشبختانه در این لحظات خوب زندان و لحظات تنبه خیز بازداشت، یک فرصت طلائی و ارزنده خداوند نصیب ما کرده و من بسیار خوشحالم.

در این لحظات من به نفسم بازنگری کردم و برای اصلاح نفسم که یکی از وظایف بسیار مهم اسلامی است، اشتباهات و انحرافاتم را ریشه‌یابی کردم که هم‌اکنون با یک ارزیابی و تحلیل ریشه‌ای، من این اشتباهات و انحرافاتم را بازگو می‌کنم.

به امید اینکه درسی باشد برای دیگران و عبرتی باشد برای سایرین و قبل از اینکه مصاحبه را آغاز بکنم، از محضر مبارک حضرت امام امت مدظله‌العالی و فقیه عالیقدر و مسئولین محترم کشور و امت حزب‌الله درخواست جدی عفو، اغماض و گذشت دارم.

مصاحبه من کلاً به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول مربوط به قبل از پیروزی انقلاب و بخش دوم مربوط به پس از پیروزی انقلاب:

فعالیت‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

قبل از انقلاب چون فعالیت‌های سیاسی من، دقیقاً از اواسط دهه ۴۰ شروع شد و عمدتاً به دلیل کم تجربگی و نپختگی و شتابزدگی در برداشت‌هایی از اسلام و مکتب و قرآن و اینکه خط امام تبیین نشده بود در آن زمان رگه‌های التقاط و روشنفکری اسلامی، در من رسوخ کرد و در ادامه به جایی رسید که حتی لباس عزیز و مقدس روحانیت را از تنم بیرون کردم.

از طرفی دیگر از دوران خدمت سربازی، بنا به دلایلی روح تقوی، معنویت و اخلاق در من کاهش یافت و این کاهش معنویت در آن جو مبارزات آن زمان که یک جو عمل زدگی، برای من بود و مرا

وارد افراطی عمل زدگی کرد، موجب شد همین که خواستم برای زندگی‌ام برنامه‌ریزی کنم و خط مشی انتخاب نمایم، به یک سلسله اشتباهات و لغزش هایی دچار شدم که این لغزش‌ها در استمرار منتهی به انحراف شد.

بارزترین اشتباهات و خطاهای من در آن زمان، دو چیز است و من با صراحت عرض می‌کنم:

رابطه با ساواک

محور اول نرمش و رابطه با ساواک است که در اثر همان نپختگی‌ها غلبه نفسانیات و برداشت‌های نپخته از اسلام، من بعضی ضرورت‌های مقطعی و زمانی را مجوزی و توجیهی دانستم برای اینکه با ساواک نرمش بکنم و این نرمش یک لغزش کوچک بود، تدریجاً منتهی شد به تماس با یکی از عوامل محلی ساواک، به دنبال آن این اشتباه رشد کرد و به اینجا رسید که من با یکی از بازپرس‌های ساواک نشستم صحبت کردم و این روند رو به رشد این لغزش و اشتباه به جایی رسید که من دستگیر شدم. در زندان اصفهان بودم رسماً به ساواک نامه نوشتم و اعلام همکاری کردم با آنها و این اوج یک لغزش بود که می‌توانم بگویم یک اشتباه بزرگ و یک انحراف است و از بارزترین اشتباهات من در قبل از پیروزی انقلاب است.

قتل

محور دوم، محور قتل هاست و یکی از بارزترین اشتباهات من قبل از انقلاب، محور قتل هاست. در محور قتل‌ها باید عرض کنم که دو فقره قتل صورت گرفت، در رابطه با مبارزه با منکرات و فحشاء یک زن و یک مرد و یک فقره هم در مورد قتل مرحوم آقای شمس آبادی بود.

در محور قتل آقای شمس آبادی، من در اثر همان برداشت‌های عجولانه که از اسلام داشتم، اینها را مجوز قتل یک عالم دینی دانستم و این قتل را مجاز دانستم که حس می‌کنم یک اشتباه بسیار بزرگی بود، که در آن زمان در برداشت من از مبانی اسلامی نسبت به یک عالم دینی صورت گرفت.

نکتهٔ دیگری که در گشودن واقعیت این مسأله مؤثر است، این است که بعد از انجام قتل، مأموران انتظامی مانند ژاندارمری و ارتش وارد عمل شدند.

یک تعدادی از مردم آن منطقه را دستگیر کردند، و تا آن لحظه هم ساواک به طور رسمی در ماجرا دخالتی نداشت. بعد که من بازداشت شدم، من به انگیزه اینکه از زندان آزاد شوم و بروم برای بچه‌هایم یک اقدامی بکنم و به دنبال همان رابطه‌ای که با ساواک قبل از دستگیری داشتم، آن شیطان و

نفسانیات بر من غلبه کرد و من مکاتبه کردم و رسماً از ساواک درخواست همکاری کردم و از آن لحظه ساواک به طور رسمی وارد ماجرا شد و این هم یک نکته است که باید در رابطه با قتل آقای شمس آبادی روشن بشود که دخالت ساواک از چه لحظه و از چه مقطعی عیناً آغاز شد.

نکتهٔ دیگری که مهم است و باید دقت کنیم، در ایامی که من دستگیر و زندانی شدم و برای ساواک هم به آن انگیزه نامه نوشتم و ساواک هم به هر دلیل ترتیب اثر نداد، بعد از محکومیت من با نوشتن یک سلسله نامه‌های زیادی به شخصیت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی در داخل و خارج، مسأله قتل آقای شمس آبادی را در آن نامه‌ها، به عنوان یک قتل مرموز و اسرارآمیز قلمداد کردم. انگیزه‌ام هم روشن بود. آن زمان هم می‌خواستم خودم را از مهلکه نجات بدهم و هم اینکه می‌خواستم در آن شرایط برای رژیم و ساواک یک نوع محکومیتی در افکار عمومی به‌وجود بیاورم. اینکه یک مدتی این قتل به حالت اسرارآمیز و مرموز معرفی می‌شد، به این انگیزه بود. در حقیقت مطلب روشن بود، منتهی من در آن مقطع بر این شدم که با مکاتباتم و نامه‌هایی که می‌نویسم، این واقعیت را این طور قلمداد بکنم تا هم رژیم را محکوم بکنم و هم در عین حال خودم را از مهلکه رها کنم.

نکته‌ای که باز باید در اینجا عرض بکنم، افرادی هستند که مرتکب این حادثه شدند، برادران جعفرزاده، شفی زاده و ابراهیمی بودند.

قبل از پیروزی انقلاب بارزترین خطا و اشتباه و لغزش من در این محور بود که معلول همان عواملی بود که عرض کردم.

اما پس از پیروزی انقلاب با اینکه در جریان زندان فی‌الجمله تنبهی برای من حاصل شده بود ولی آن ذهنیت‌ها و اندیشه‌هایی که در وجودم ریشه دوانده بود، همچنان وجود داشت و همین که از زندان آزاد شدیم در سال‌های نخست پیروزی انقلاب بر اساس همان تندروی و افراط و همان برداشت‌های نسنجیده که در وجود من ریشه داشت، در منطقه لنجان سفلی وقتی که مسأله سپاه و کمیته مطرح شد که طبق یک تضاد و رقابتی بین این دو نهاد انقلابی بود به وجود آمد. من با الهام از همان روح تندروی و افراط که متأسفانه هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب بوده است، در آن لحظه و آن مقطع از جمله حمایت کنندگان جدی بودن سپاه در منطقه بودم و روی این مسأله هم سخنرانی زیاد می‌کردم و هم حمایت زیادی و البته دیگران هم بودند، منتهی حمایت و تأیید من خیلی کارساز بود که در نهایت این رقابت‌ها بین سپاه و کمیته اوج گرفت و بعداً متأسفانه بین این دو ارگان، تبدیل به زدوخورد شد و تلفاتی هم به بار آورد که باز من این نقطه را یک نقطه عطفی می‌دانم در رابطه با پیوندی که بین افکار و اندیشه‌های تند افراطی و انحرافی از قبل و بعد از انقلاب در من وجود داشته است.

طبیعتاً در سال‌های اول انقلاب، یک شور و احساسات عجیبی در جامعه حاکم بود و آن قدر شور و احساسات زیاد بود که تندروی‌ها و انحرافات من در آن امواج خیلی تند انقلاب، محو شده بود و معلوم نبود. ظهور و بروزی نداشت و از آن طرف من یکسره مشغول کار اجرایی بودم و شبانه روز برای کار اجرائی تلاش می‌کردم.

از این نقطه باز اشتباهات من ظهور کرد. وقتی که قانون‌مندی خواست بر این انقلاب حاکم شود و با هرگونه برقراری نظم مدیریت و قانون‌مندی مخالفت می‌کردم و لذا به این نظم‌ها و مدیریت‌ها هم معتقد نشدم و نوعی خود محوری و گستاخی در اعمالم ظهور کرد. من حتی فراموش نمی‌کنم آن زمانی که عضو شورای فرماندهی سپاه در سال‌های اول انقلاب بودم، گاهی برخلاف نظر شورا و فرماندهی خودم، طبق تشخیص خودم تصمیم‌گیری و کار می‌کردم که البته نتایج خیلی تلخی هم داشت و آن نتایج هم من احساس کردم اما این یک غریزه‌ای بود که در وجود من به خاطر همان خود محوری‌ها و گستاخی هایی که مربوط به تندروی‌ها بود.

در ارتباط با همین عوامل و علل فکری و بینشی و برداشتی که در وجود من بود، در تداوم سیر تاریخی عملکردم از روزهای اول انقلاب به این طرف محورهای مشخصی را سراغ دارم که یکی یکی عرض می‌کنم.

محور سوم خارج کردن مقادیر زیادی اسلحه و مهمات مواد منفجره و اسناد از سپاه بود.

وقتی که واحد نهضت‌ها از سپاه جدا شد که در حقیقت جدائی نهضت‌ها از سپاه، مصوبه مجلس بود. از آنجا که به خط فکری و عملی خودم بیش از حد اعتماد می‌کردم و نوعی مطلق گرایی را در خودم حاکم کرده بودم، وسوسه‌های خطی و گروهی بر من عارض شد و در ارتباط با همان ریشه‌های قبلی یعنی ضعف معنویت، غلبه نفسانیات و دوری از خط امام و نپرداختن به تهذیب نفس، این وسوسه‌ها در آن مقطع بر من قوت گرفت. وسوسه گروهی و خطی به حدی رساند که من به قانون و مقررات بی‌اعتماد شدم. فکر می‌کردم خودم یک فرد انقلابی هستم و انقلاب در من خلاصه شده - خودم را مطلق کردم، بزرگ کردم و به قانون و مقررات کلاً بی‌اعتماد بودم و بی‌اعتماد شدم و از این جهت وقتی که واحد نهضت‌ها از سپاه جدا شد، با اینکه من قدرت داشتم برای جلوگیری، اما متأسفانه از همان روح بی‌اعتمادی به قانون و مقررات و عوامل خطی، وقتی که تعداد زیادی از اسلحه، مهمات، مواد منفجر و اسناد سپاه را برادران از سپاه خارج کردند. به این کار به سادگی تن در دادم. در ادامه این روند انحرافی بود که یک سلسله خلاف قانونی توسط دوستان ما انجام می‌گرفت مثل جعلیات.

جعلیات بعد از انحلال باید ما تحویل می‌دادیم به مقامات ذیصلاح، ولی باز همان روحیه ما را به

جائی رساند که این جعلیات را نگه داریم در خانه‌ای که آن خانه هم باید تحویل مقامات می‌شد ولی باز به خاطر همان روح گرایش به خلاف قانون، ما حفظ کردیم هم جعلیات و هم خانه را و کار را ادامه می‌دادیم. و اینها همه‌اش ملهم از همان اشتباه کاری‌ها، خطاکاری‌ها و تفکرات انحرافی است که در من قبل از انقلاب بود و بعد انقلاب هم همچنان رشد کرد.

محور دیگری که باز قابل توجه است و باید به آن دقت بکنیم، محور افشاگری هاست. تحت عنوان انتقاد، افشاگری‌ها شروع شد که این افشاگری‌ها، عناوین مختلفی داشت. به عنوان روحانیت بیدار، گاهی صورت می‌گرفت. گاهی عنوان حوزه علمیه بود. حزب الله شاهد بود. اعلامیه‌ای بود علیه وزارت خارجه که با تأیید ما پخش شد.

این مجموعه اوراقی که هم جنبه انتقادی و هم جنبه افشاگری داشت، بر محور آن تحلیل و آن بینشی که در ذهن ما بود و رسوخ پیدا کرده بود، انجام گرفت و به دنبال پخش این اعلامیه‌ها بود که ما حس کردیم در کشور یک طیفی از نیروها این فکر ما را پذیرفته‌اند. این فکری که شاخص‌هایش معلوم است، یکی بدبینی به دولت بود، یکی تندی و افراط در هم فکر و هم عمل بود و یکی هم مبارزات خطی یعنی در کشمکش‌های خطی دخالت کردن. این چندتا شاخص در فکر آن زمان ما وجود داشت و ما فکر می‌کردیم در اثر این افشاگری‌ها که داریم، این فکر بین مردم گسترش و رواج پیدا می‌کند و غافل از اینکه دو انحراف بزرگ در این کار نهفته بود و ما امروز می‌فهمیم این انحرافات را.

انحراف اول این بود که ما با این کارمان بین مسئولین تفرقه ایجاد می‌کردیم که باید خدا ما را ببخشد و دیگر اینکه ما مردم را به مسئولین و انقلاب بدبین می‌کردیم و نمی‌فهمیدیم که پخش یک سلسله مسائلی که درخور صلاحیت مردم نیست، تحت عنوان انتقاد و افشاگری این توده‌های امت حزب‌الله را که باید خوشبین باشند به انقلاب و نظام و اسلام، اینها را به مسئولین بدبین می‌کردیم. این انحرافاتی بود که در قعر ما نهفته بود، اما به خاطر آن جو عمل زدگی و در خود فرو رفتن و عوامل دیگر ما نمی‌فهمیدیم، دیگر اینکه ما نمی‌فهمیدیم که یک جریان جدایی از دولت و جدایی از نظام به هر عنوانی، اگر در کشور جمهوری اسلامی پا بگیرد، رشد بکند به کجا منتهی می‌شود. واقعاً فکر نمی‌کردیم این خطرات، این انحرافات در عمق این عمل ما وجود داشت، ولی بدبختانه آن حالت در خود فرو رفتن، خود بزرگ بینی، این غلبه نفسانیات و دوری از خط امام و برداشت‌های غلط، مجموعاً ما را به یک حالت حصار ذهنی رسانده بود که نمی‌توانستیم معایب کار را بفهمیم و الآن خوشحالیم که می‌فهمیم که عیب و انحراف کار ما در کجاها بود در تداوم و استمرار همان اشتباهات و لغزش‌ها که تدریجاً به انحراف منتهی می‌شد، می‌توانیم محور دیگری به نام محور مدارس علمیه نام ببریم.

مدارس علمیه

همان بینش‌ها و دیدگاه‌هایی که در محور قبل به آنها اشاره کردیم به اضافه چندتا عامل دیگر در ما احساسی ایجاد کرد که ما را در مسأله مدارس علمیه فعال کرد.

اصولاً با مشی جامعه مدرسین [حوزه علیمه قم] مخالف بودیم، یعنی ما با مواضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنها مخالف بودیم منهای ارادتی که به اینها داشتیم، اما با مشی مخالف بودیم و این هم باعث شد که من زمانی یک موضع‌گیری تند افراطی علیه اینها بکنم.

شورای مدیریت طبعاً قسمتی از جامعه مدرسین است و ما سیستم اداره و مدیریت این شورا را برای حوزه نمی‌پذیرفتیم. در رابطه با جامعه مدرسین، این نکته را باید عرض بکنم که ما در عین حال که با مواضع‌شان تقریباً مخالف بودیم، آن زمانی که حس کردیم از طرف جامعه مدرسین یک حرکتی برای قبضه کردن بیت فقیه عالی‌قدر و تسلط بر بیت شروع شده، بیشتر این مواضع‌مان داغ‌تر شد و نمی‌توانستیم این سیستم را بپذیریم. هم زمان با این تصور و تحلیل ما فقیه عالیقدر هم اعلام کردند مدارس جدید را و این مدارس رسماً وارد صحنه شد و ما حس کردیم که از طریق این مدارس می‌توانیم به نحو احسن، این افکار و اندیشه هایمان را در کشور علنی بکنیم و لذا من خودم را نزدیک کردم به این جریان مدارس.

در اینجا باید عرض کنم که جریان مدارس، ذاتاً یک جریان مقدسی بود که فقیه عالیقدر اعلام کردند، منتهی منی که آن همه آلودگی فکری و عملی داشتم و من با آن تفکرات غلط و اشتباه خیزم نمی‌بایستی نزدیک می‌شدم، ولی من در آن جو عمل‌زدگی نزدیک شدم به مسأله مدارس، بعضی مسئولین این مدارس را خود من پیشنهاد می‌دادم، مثل آقای کیمیایی که به پیشنهاد من مسئول مدرسه بعثت شدند. بعضی مسئولین دیگر این مدارس را هم فکر خودمان می‌دیدیم و برای اینکه افکارمان را در کشور جامه عمل بپوشانیم، احساس کردم که باید جمعی و شورائی تشکیل شود برای مدیریت و برنامه ریزی این مدارس و لذا من از جناب آقای کیمیایی و آقای صلواتی، همچنین آقای محمودی و صفری و جناب آقای شکوری، دعوت کردم با خودم، می‌نشستیم هر دو هفته یکبار مسائل مدارس را مطرح می‌کردم.

در اینجا یک نکته ضمنی هم هست که کتابخانه سیاسی قبلاً در دفتر تبلیغات [اسلامی حوزه علمیه قم] بود و بعداً هم اختلافی بروز کرد بین آقای محمودی و دفتر تبلیغات و بعد از اینکه ما دیدیم این *اختلاف به جایی نمی‌رسد و آقای محمودی هم همفکر ما بود و زمینه پذیرش داشت، آن هم جذبش کردیم به جلسات خودمان و در آن جلسات آن هم شرکت می‌کرد. بنابراین جلسات ما فکر می‌کردیم*

باید مدیریت مدارس و کتابخانه سیاسی را باید در رابطه با بیت آیت‌الله منتظری ما هدایت بکنیم.

البته این نزدیکی من به این جریان، باعث آفات و عوارض و بدبختی هایی شد که من ناچارم عرض بکنم.

اولی‌اش این است که افکار تند و انحرافی ما به دوستان‌مان منتقل شد به مدارس، منتقل شد به مربیان مدارس، منتقل شد. ما نمی‌فهمیدیم اما این یک نکته طبیعی بود که وقتی دیدگاه‌های ما، تفکرات ما در شورای مدیریت این مدارس باشد در آموزش و مدیریت رخنه می‌کند و این افکار به بچه‌ها منتقل می‌شود. این یک انحراف اصولی بود.

انحراف دوم این بود که در اثر همان سیستم فکری و بینشی که ما متأسفانه داشتیم و غلط بود و حال داریم می‌فهمیم، روح سیاست گری و خط بازی و رفتن در وادی خط بازیها بر روح معنویت و اخلاق اسلامی متأسفانه غلبه کرد. و ما در چند مورد شاهد بودیم که در بعضی طلبه‌ها عوارضی پیدا شد که این عوارض گویای یک نوع انحراف بود.

طلبه‌ای برای اثبات یک موضع‌گیری حق، چاقوکشی می‌کند. این با هیچ منطقی سازگار نیست. یک طلبه روحانی برای اثبات حقانیت موضعش چاقوکشی بکند و یا طلبه دیگری به فکر این بیفتد که چند نفر را پیدا بکند، دسته و گروهی تأسیس بکند برای ترور کله گنده‌ها و این دقیقاً معلول انتقال این دیدگاه‌های انحرافی و این سیستم فکری به مدارس بود.

ما آرمان‌مان این بود که این سیستم آلترناتیو شورای مدیریت بشود. در حوزه علمیه قم. البته به خاطر اینکه این افکار و نیات خودمان را جامعه عمل بپوشانیم، کلیه طرح‌ها و پیشنهاداتی که به ذهن‌مان می‌رسید، در این شورا به اخوی [آقای سید هادی هاشمی] در دفتر فقیه عالیقدر منتقل می‌کردیم و ایشان هم به خود آقا منتقل می‌کردند و یک کانال فعالی راه انداخته بودیم.

خطر اینکه من امروز اعتراف می‌کنم که این خطرات جدی بوده و آن زمان ما به دلایلی این خطرات را نمی‌فهمیدیم، حس نمی‌کردیم یکی پیدایش جو ناسالم رقابت در حوزه است. حوزه‌ای که مهد اسلام و مرکز فقه امام جعفر صادق (ع) است، در اثر رشد این جریان دچار یک رقابت و کشمکش ناسالمی می‌شد و این برای حوزه زیبنده نبود و نیست، امروز می‌فهمیم. از آن طرف یک جریان انحرافی در روحانیت اسلام رشد بکند، این گناه کمی نیست. ما نمی‌فهمیدیم که در روحانیت شامخ اسلامی که منبع همه خیرات و برکات در انقلاب ماست، یک جریان انحرافی و غلط رشد بکند و متأسفانه در همان جو عملزدگی ما دچار این غفلت‌ها بودیم و امروز احساس می‌کنم که این اشتباهات و لغزش‌ها در آینده این حرکت وجود داشت.

مطلق کردن دیدگاه

بینش‌های خودم که به غرور، تعصب و خود محوری، گستاخی، خود بزرگ بینی و کج‌اندیشی منتهی شده بود یک تحلیلی نسبت به مسئولین کشور پیدا کردم. البته این معلول این بود که من به نظرات خودم بی‌نهایت اعتماد داشتم، نه با کسی مشورت می‌کردم و خود من دیدگاه هایم را مطلق می‌کردم. اعتماد بی‌حدی به دیدگاه هایم داشته اما غافل از یک سلسله اشتباهات وسیع که در نطفه عمل ما و خلال عمل ما وجود داشت و من امروز با نهایت شرمساری این نکات را از عمق جانم حس می‌کنم.

نکته اول اینکه ما در این وضع حساس کشور با این توطئه استکبار جهانی که علیه انقلاب ما هست، حرمت مسئولین را می‌شکستیم. یعنی ما وقتی که این تحلیل غلط را به چهارتا بچه جوان طلبه یا غیر طلبه، مستقیم یا غیر مستقیم منتقل می‌کردیم و فکر می‌کردیم کار خوبی می‌کنیم، این نتیجه را داشت که حرمت مسئولین جمهوری اسلامی شکسته می‌شود. مسئولینی که باید در این موقعیت حساس، کشور را و جنگ را اداره می‌کنند و این یک نقطه انحراف بود.

نقطه دوم این بود که ما نمی‌فهمیدیم که ما با اینکارمان، داریم از خط امام دور می‌شویم. ما از محور خط امام از قبل از انقلاب، تدریجاً داشتیم فاصله می‌گرفتیم اما خیلی ضعیف بود. به‌تدریج با رشد این ریشه‌های غلط و افکار انحرافی، این فاصله بیشتر شد و در این اواخر وقتی که برای مسئولین کشور تحلیل می‌کردیم، نمی‌فهمیدیم که تدریجاً داریم از خط امام فاصله می‌گیریم. امام دارد مسئولین را تأیید می‌کند. ما داریم علیه مسئولین کارشکنی می‌کنیم. از آن طرف ما به طور خواه ناخواه - خواسته یا ناخواسته - کشیده می‌شدیم به ایجاد یک طیف فکری مستقل، جدای از مسئولین و این هم یک عامل خطر خیز در کشور است که ما متأسفانه متوجه نبودیم.

در اینجا یک محور دیگری که باید به آن اشاره کنم و آن هم نقطه عطفی است، در بازشناسی و بازیابی اشتباهات و انحرافات خودم، مسأله دفتر فقیه عالیقدر است. این عوامل نفسانی و ذهنی من را به این تحلیل کشاند که دفتر فقیه عالیقدر را به عنوان یک پایگاه برای تحقق اهداف خودم اهدافی که بهش ایمان داشتم و فکر می‌کردم اهداف حق مطلق است، انتخاب بکنم.

زمینه‌هایی که مثبت بود و مرا در این تخیل یاری می‌کرد، چند چیز بود اول اینکه مسئول دفتر، برادر من بود و آن رابطه متقابل و اعتماد متقابلی که بین من و اخوی وجود داشت، این زمینه و پارامتر مثبتی بود که من را در این فکر موفق بکند.

از آن طرف فقیه عالیقدر از سال‌های خیلی دور به من اعتماد داشتند و این اعتماد را من به عنوان

یک پارامتر بسیار مثبتی در جهت اهداف خودم می‌دانستم.

سوم اینکه آقا سعید، فرزند آیت‌الله هم با ما همدلی و هماهنگی داشت. از آن طرف تعدادی از دوستان هم در دفتر وجود داشتند، از قدیم و جدید. از طرف دیگر در شخص فقیه عالیقدر، یک سلسله رهنمودهایی را می‌دیدیم که ایشان دارند و من آن را برای آینده کشور کارساز می‌دانستم. طلیعه خوشبختی آینده می‌دانستم.

اینها مجموعاً عوامل مثبتی بود که من را جذب کرد به طرف اینکه دفتر به تصورم پایگاه من است و من می‌توانم از طریق دفتر، افکارم را و تمایلاتم را جامه عمل بپوشانم.

مسأله چهارم یک سلسله از نیروهای کشور بودند. همفکران ما در سراسر کشور مراجعه می‌کردند به ما، مورداتی داشتند به دفتر که بعضی هایشان از طریق ما انجام می‌گرفت و ما هم در این رابطه با دفتر رفت و آمد می‌کردیم. از آن طرف ملاقات‌های حضوری که من با فقیه عالیقدر داشتم که حضوراً مسأله را گزارش بدهم و یا به طور کتبی خدمت‌شان بنویسم.

این هم یک عاملی بود که ما را به دفتر مربوط می‌کرد. از آن طرف تماسم را با اخوی هر چه بیشتر می‌کردم برای تحلیل، بحث، بررسی که اینکه چه باید کرد، از آن طرف گزارشاتی به آقا می‌نوشتم که این گزارشات معتقد بودم کارساز است.

و در همین جا باید عرض کنم من با گزارشاتی که به آقا می‌نوشتم، در حقیقت از اعتماد پاک و بی‌شائبه فقیه عالیقدر به خودم سوءاستفاده کردم. من می‌خواستم با نوشتن این گزارشات و نامه‌ها خدمت ایشان، در حقیقت افکار خودم را القاء و تلقین بکنم، خط بدهم و در مقابل خطر تخیلی که احساس می‌کردم وجود دارد، خودم را مصون نگه دارم خدمت ایشان و در دفتر ایشان. من از این اعتماد پاک و بی‌شائبه‌ای که این فقیه بزرگوار به من داشت، سوءاستفاده کردم و در این لحظه خودم را جداً گناهکار می‌دانم که از این اعتمادها سوءاستفاده شد.

در مجموع در این محور که دفتر فقیه عالیقدر باشد، من به چند نقطه انحرافی امروز باید اعتراف کنم که اینها وجود داشته و ما غافل بودیم و خیلی خوشحالم که امروز متوجه شدیم. و خدا را شکر می‌کنم که این توجه و تنبیه برای ما حاصل شد.

یکی از این تحلیل‌های ذهنی ما که اکثراً خیالاتی بود، توهمات بود متکی به افکار و بینش‌های غلط انحرافی بود، اینها را ما منتقل به دفتر و آقا می‌کردیم و اینکار کار عاقلانه نبود و کار زشتی بود که مقام معظم رهبر آینده و دفتر ایشان را ما آلوده بکنیم به تحلیل‌های غلط، زشت و انحرافی ذهنی خودمان. از آن طرف من که یک آدم آلوده‌ای بودم به یک سلسله اعمال و بینش‌های غلط، زشت، انحرافی و

اشتباهی، من نباید خودم را نزدیک دفتر کنم. ولی خوب این نزدیکی صورت گرفت و من تلاش بر خط دادن داشتم، تلاش بر القاء فکر داشتم هم بر دفتر و هم بر آقا. و این را یک خیانت بزرگی می‌دانم.

در حقیقت در محور دفتر فقیه عالیقدر هم که من امیدهائی بهش داشتم به عنوان یک پایگاه برای افکار آینده خودم در کشور در آنجا هم تبلوری از لغزش‌های فکری، انحرافات عملی من وجود داشت و بالاخره می‌رسیم به محور دهم. در این محور مجموعه آن همه عواملی که از قبل از انقلاب به طور خیلی ریز در وجود من بود و تدریجاً همپای زمان رشد کرد و بعد از پیروزی انقلاب هم این رشد ادامه پیدا کرد و رسید به مسائلی و نقاط انحراف خیزی در رابطه با روحانیت و مسئولین کشور و دفاتر و اینها این به‌جائی از انحراف و خطر رسید که حرمت حریم امامت را هم شکست.

و این واقعاً عبرت است که یک اشتباه کوچک چگونه به انحراف تبدیل می‌شود، و انحراف چگونه تبدیل به انحراف بزرگ می‌شود. آن هم چه انحرافی و انحرافی که به حریم محترم و با حرمت امامت و رهبری انقلاب سرایت بکند و منجر بشود. و این به نظر من بالاترین خیانت است. از انحراف هم خیلی بالاتر است. ما متأسفانه در اثر همان علل و عواملی که در من بود، هم در بینشم و افکارم و اعمالم یک زمانی به یک تصوراتی نسبت به امام رسیدم که امروز هم زبانم شرمنده است و هم قلمم عاجز است که این مسائل را بازگو بکنم.

و این نقطه اوج انحراف من بود. چرا من به اینجا رسیدم این سئوال را باید من از خودم بکنم و کردم و امروز با کمال شهامت به این گناه اعتراف می‌کنم. من از چهار چوب خط امام و رهبری دور شده بودم و نمی‌فهمیدم نفسانیات بر اعمال و اندیشه‌های من به شدت حاکم بود. نمی‌فهمیدم من بیش از اندازه به نقطه نظرهای کج اندیشانه خودم متکی بودم، مطلق می‌کردم دیدگاه‌های خودم را، من در باتلاق خط و خط بازی‌ها غرق شده بودم و من تحت تأثیر غرور و تأثر فکری و استبداد فکری قرار گرفته بودم و خلاصه من جایگاه خود را درک نمی‌کردم کجا هستم و حس نمی‌کردم این حق جسارت با من نیست. با هیچکس نیست. نفسم با من نسبت به رهبری خودش و پیشرو خودش این جسارت‌های غلط‌آمیز را بکنند.

من از خداوند بزرگ اولاً جداً درخواست مغفرت دارم و خودم را در مقابل خدا گناهکار می‌دانم و احساس می‌کنم خدا اگر مرا نبخشد، من در دنیا و آخرت معذّبم.

از مقام معظم رهبری هم درخواست می‌کنم مرا ببخشند. من ایمان دارم به اینکه نیروهای من و انرژی‌های من این قدر هست که در کشور و انقلاب کارساز باشم، می‌توانم گذشته‌هایم را جبران کنم.

قادرم بر اصلاح امور.

امیدوارم که اولاً خداوند مرا ببخشد، ثانیاً حضرت امام امت مرا با دیده عفو و اغماض مرا مورد عفو و رحمت خود قرار دهد.

پیام به همفکران

در خاتمه یک پیام مختصری دارم عرض می‌کنم.

من از عموم برادران و عموم دوستانی که از فکر من، اندیشه من، عمل من الهام می‌گرفتند و مرا الگوی خودشان می‌دانستند، خواهش می‌کنم در اعمالشان تجدید نظر کنند. استدعای من این است که فکر و عمل مرا الگو قرار ندهند و سعی کنند در خودشان و اعمالشان و اندیشه‌هایشان تجدید نظر کنند. من با توجه به موقعیت حساس کشور و توطئه استکبار جهانی در خواستم از نیروها این است که با تعصب خودشان بنشینند و خودشان را و کردار خودشان را به نقد بکشانند و از روح خود بزرگ بینی و تعصب خلاص شوند.

من فکر می‌کنم که اگر از این خصلت‌های کثیف، انسان خارج بشود و خط خود را در راستای خط امام و چارچوب مقام رهبری ببیند، همان طوری که اسلام دستور داده با ملاک‌های شرعی و ضوابط اسلامی خودش را به دور از حب و بغض‌ها بسنجد، خواهد توانست یک زندگی اسلامی منطبق با خط امام تنظیم بکند و من استدعایم از همه نیروها و برادرانی که به گونه‌ای با من ارتباط داشتند و نزدیک بودند، خواهش بر این است که به دور از همه تعصبات و همه خواهش‌های نفسانی، خودشان را در چهارچوب تعبدی نسبت به رهبری ببیند و با آنها خودشان را محک بزنند. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

نامه به رئیس مجلس ملی فرانسه

جناب آقای ژاک شابان دلماس

رئیس محترم مجلس ملی فرانسه

نامه جنابعالی را که توسط هیأت سیاسی ارسال شده بود، دریافت داشتم و تأکیدی که بر لزوم رفع تیرگی‌های روابط دو کشور و نقش دو مجلس ما در این زمینه داشتید، مورد تصدیق اینجانب نیز هست و از شما که پیشقدم شده‌اید متشکرم.

در مذاکره با هیأت فرانسوی به طور مختصر مطالبی درباره علل تیرگی روابط و راه رفع تیرگی گفتم که لابد گزارش را به شما داده‌اند. فکر کردم حال که جواب نامه جنابعالی را می‌نویسم مطالب را مشروح‌تر و باز بنویسم که اگر جنابعالی مایل باشید، مسائل را تعقیب کنید، با اطلاع کامل اقدام نمائید و اگر مصلحت می‌دانید، مطالب من را در اختیار نمایندگان مجلس فرانسه قرار بدهید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فرانسه به خاطر میزبانی رهبر انقلاب ما، در میان مردم ما بیش از کشورهای دیگر محبوب بود. همان روزهائی که سفارتخانه دیگر کشورهای غربی به خاطر همراهی‌تان با رژیم گذشته، مورد تعرض مردم بودند، مردم برای سفارت فرانسه گل هدیه می‌کردند. اسم خیابان‌ها و شهرک‌هائی را "نوفل لوشاتو" گذاشتند و زمینه توسعه همکاری با فرانسه و جایگزینی با روابط آمریکا در اینجا فراهم بود. متأسفانه مسئولان فرانسه با اطلاعات ناقص و گمراه کننده خود در مورد انقلاب ایران، یا تحت تأثیر عوامل دیگر، برخورد درستی با ایران نداشتند و کار به اینجا رسیده

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۲۱۸۶۴۷/د.ر.ه
تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۲
پیوست

بسمه تعالی

جناب آقای ژاک شابان دلماس رئیس محترم مجلس ملی فرانسه

نامه جنابعالی را که توسط هیئت پارلمانی ارسال شده بود دریافت داشتم و تأکیدی که بر لزوم رفع تیرگیها در روابط دو کشور و نقش دو مجلس ما در این زمینه داشته‌اید مورد تقدیر اینجانب نیز هست و از اینکه پیشقدم شده‌اید متشکرم.

در مذاکره با هیئت فرانسوی بطور مختصر مطالبی درباره علل تیرگی روابط و راه رفع تیرگی گفتم که لابد گزارشش را به شما داده‌اند.

فکر کردم حالا که جواب نامه جنابعالی را می‌نویسیم مطالب را مشروحتر و باز بنویسم که اگر جنابعالی مایل باشید مسائل را تعقیب کنید با اطلاع کامل اقدام نمائید و اگر مصلحت میدانید مطالب من را در اختیار نمایندگان مجلس فرانسه قرار بدهید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فرانسه بخاطر میزبانی از رهبر انقلاب ما در میان مردم ما بیش از کشورهای دیگر محبوب بود. بیاد دارم زمانیکه سفارتخانه‌های دیگر کشورهای غربی بخاطر سوابق حمایت از رژیم گذشته مورد تنفر مردم بودند مردم برای سفارت فرانسه گل هدیه میکردند. اسم خیابانها و شهرکها را نوفل لوشاتو گذاشتند. در زمینه توسعه همکاری با فرانسه در جهت جایگزینی با روابط امریکا

نامه به رئیس مجلس ملی فرانسه

است که می‌بینید و مهم این است که ایران هیچ گونه سهمی در تیره کردن روابط نداشته و طبیعی است که برای عادی شدن روابط، گام‌های عملی را باید کشور شما بردارد و ذیلاً قسمتی از اقدامات غیردوستانه و بلکه خصمانه فرانسه را می‌آوریم:

۱- بدون عذر موجهی از پرداخت وام یک میلیارد دلاری ما خودداری شد؛ آن هم در شرایطی که ما به خاطر جنگ بیش از شما به آن نیازمند بودیم.

۲- در مورد جنگ تحمیلی با اینکه فرانسه می‌داند عراق متجاوز و آغازگر جنگ و هتک کننده مقررات بین‌المللی در موارد به کارگیری اسلحه شیمیایی، زدن شهرها، حمله به هواپیماهای مسافربری، ناامن کردن راه‌های دریایی و آلوده کردن محیط زیست دریایی است، به صورت کامل و همه جانبه از عراق حمایت کرد و حمایت را تا جایی پیش برد که بی‌سابقه کرایه دادن جنگنده‌های غیر قابل فروش و..... به عراق برای زدن کشتی‌ها نمود و مطمئناً بیش از نود درصد از کشتی‌های آسیب دیده ما در خلیج فارس، با موشک‌ها و پرنده‌های شما مورد اصابت قرار گرفته و هنوز هم ادامه دارد و می‌شود ادعا کرد که حمایت فرانسه از عراق، از همه کشورهای غربی و عربی بیشتر است.

۳- کشور شما از تروریست‌های فراری ضدانقلاب ایران، به گونه‌ای بی سابقه در عرف روابط بین‌المللی حمایت کرده و می‌کند. تا آنجا که هواپیمای دزدیده شده ما و حامل جنایت کارانی که دستشان به خون ۷۲ نفر از شخصیت‌های درجه اول انقلاب ما، منجمله سی نفر نماینده مجلس و چهار وزیر و رئیس قوه قضائیه بود، به صورت قهرمان در کشور شما مورد استقبال قرار گرفتند و امکانات تبلیغی فراوانی در اختیارشان قرار گرفت که هر چه می‌خواهند دروغ بگویند و تهمت بزنند و عجیب اینکه شبیه رؤسای درجه اول خودتان، از آنها حفاظت می‌کنید.

یقیناً شما می‌دانید که نشریات و رادیوهای رسمی آنها هر روز مسئولیت چند جنایت و جرم روشن را از قبیل انفجار بمب و ترور افراد غیر نظامی و تخریب و آتش‌سوزی و سرقت و جاسوسی و ربودن هواپیما را به عهده می‌گیرند.

۴- در تمام این مدت رسانه‌های جمعی شما، شبیه عراق و ضدانقلاب فراری، با مسائل ایران برخورد کرده است.

۵- نمایندگان شما تقریباً در همه مراکز بین‌المللی، با حرف و رأی، مواضع خصمانه علیه ما داشته‌اند و شما نمی‌توانید موردی را نشان بدهید که جمهوری اسلامی با شما رفتار مشابه موارد فوق داشته باشد.

از مدتی پیش وزارت امور خارجه شما ادعای اراده اصلاح روابط داشته، ولی تاکنون اقدام

قابل توجهی جز حرف ندیده‌ایم.

البته پس از انتخابات و روی کار آمدن دولت جدید، آثاری از جدی بودن دولتمردان فرانسه در اصلاح مواضع خصمانه گذشته دیده می‌شود، از قبیل سرعت عمل و اظهارات نخست وزیر در مجلس و نامه‌های چهار مسئول طراز اول شما به مسئولان ایران و قرائنی دیگر. اما این مقدار برای جبران مافات کافی نیست و ما را مطمئن نمی‌کنید. در خاتمه با صراحت ـ که از ویژگی‌های مسئولان نظام ما است ـ اعلان می‌کنم:

اگر مسئولان شما بخواهند گذشته را جبران کنند و روابط دوستانه بر اساس منافع طرفین ایجاد نمایند، جمهوری اسلامی هم آمادگی دارد و توقعی خارج از عرف و مقررات بین‌المللی و مقررات دو کشور ندارد

و اگر باز هم بنا است مثل گذشته، ادعا و عمل در دو جهت متناقض حرکت کنند، بهتر است وقت شما و ما تلف نشود و ما را هم لابد در این چند سال آزموده‌اید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی ۱۳۶۵/۱/۲۶

نامه به نخست وزیر چین

جناب آقای ژائوزیانگ نخست وزیر چین

با تشکر از مساعدت‌های شخص جنابعالی در خصوص انجام بخشی از معاملات مورد نظر، لازم است که جنابعالی مطلع باشید، به خاطر محدود بودن افراد آموزش دیده، ما هنوز نتوانسته‌ایم از امکانات تهیه شده استفاده ببریم و آن گونه که کارگزاران کشور شما می‌گویند، تا تکمیل کادر مورد لزوم برای حداقل استفاده، فاصله داریم و چیزهائی که انتظار می‌رفت در مدت چند ماه به کار گرفته شود، پس از گذشت بیش از یک سال هنوز به نتیجه نرسیده است.

خواهشمند است دستور خاص جنابعالی برای اعزام گروه مربی و آموزش به ایران صادر شود که بتوانیم سریعتر به اهداف خود برسیم. در اینجا همه امکانات برای حسن اجرای برنامه‌ها و محرمانه ماندن حضور افراد شما آماده است، و بی شک تکمیل مساعدت شروع شده، اثر نیرومندی در توسعه روابط دو کشور در آینده خواهد داشت. سلامت و سعادت ایران و مردم کشور دوست خودمان چین را خواستاریم.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی ۱۳۶۵/۴/۲۵

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۲۲/۱۹۹۴/۲۵۰ ه
تاریخ ۱۳۶۵/۴/۲۵
پیوست ....

بسمه تعالی

جناب آقای ژائو زیانگ نخست وزیر محترم چین

با تشکر از مساعدتهای شخص جنابعالی در خصوص همکاریها بخشی از معاملات مورد نظر لازم است که جنابعالی مطلع باشید متأسفانه به خاطر محدود بودن افراد آموزش دیده ما هنوز نتوانسته‌ایم از امکانات تهیه شده استفاده بهینه و آنگونه که کارگزاران کشورتان میگویند ما تنها کمتر در مورد برخی از حداقل استفاده فاصله داریم و چیزهایی که با انتظار مرغوبیت در مدت چند ماه بکار گرفته شود بیش از یکسال است ... هنوز به نتیجه نرسیده.

خواهشمندست دستور خاصی جنابعالی برای اعزام گروه مربیان آموزش به ایران صادر شود که بتوانیم سریعتر به اهداف خود برسیم. در این صورت امکانات را صرف اجرای برنامه‌ها و مهیا نمودن حضور افراد آماده و مشترک تکمیل مساعدت شریفانه شما اثر فزاینده‌ای در توسعه روابط دو کشور

[illegible]

نامه به نخست وزیر چین

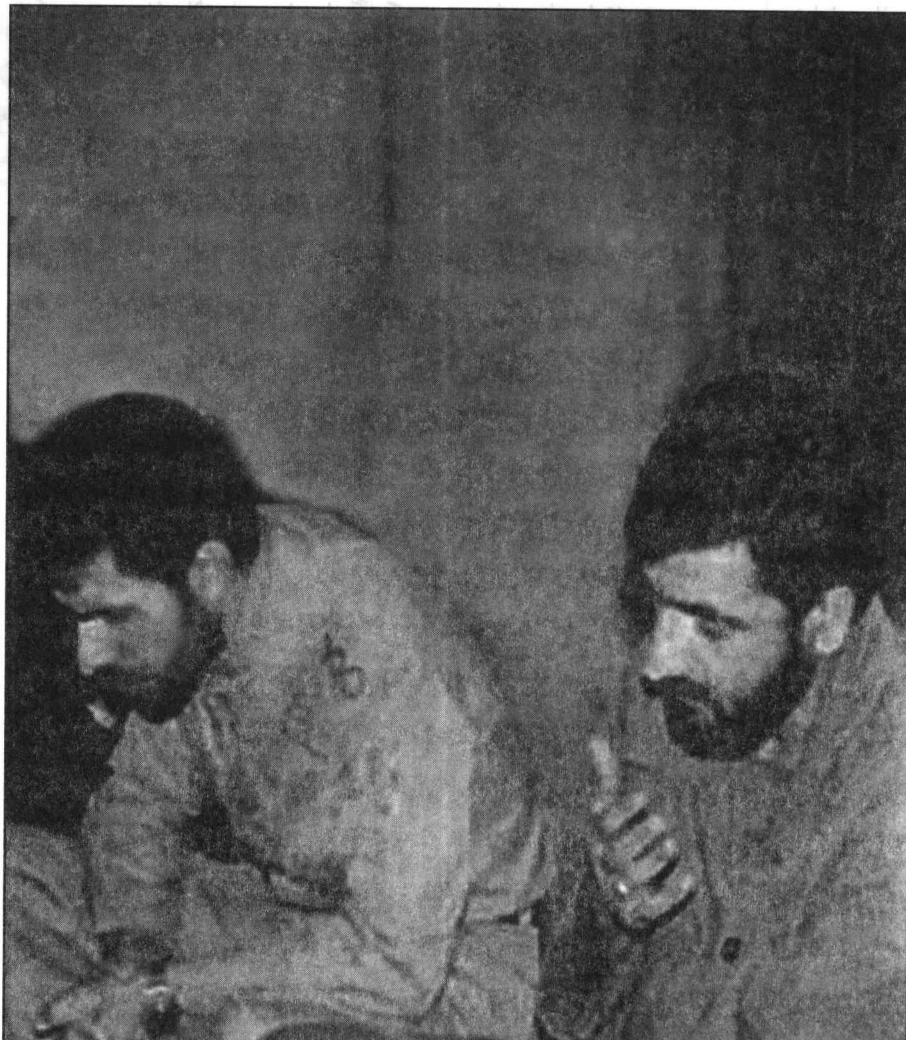
حکم برای فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

جناب آقای محسن رضایی

فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بر اساس اختیارات تفویضی حضرت امام و پس از کسب اجازه از مقام محترم ایشان و مشورت با ریاست جمهوری، جنابعالی را به عنوان جانشین خود در امور جنگ تعیین می‌نمایم و جناب سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش بنا به موافقت شما و ایشان، به معاونت شما انتخاب می‌شوند.

در این شرایط که با اشاره مقام معظم رهبری نیروهای مردمی و امکانات دولت و مردم برای جنگ بسیج شده و دشمن در اثر ضربه ناشی از پیروزی‌های والفجر ۸ پریشان است، لازم است با توکل بر خدای قادر قاهر جبهه را فعال و عرصه را بر دشمن متجاوز تنگ نمائید.



محسن رضایی و شهید صیاد شیرازی

با توجه به تلاش‌های مذبوحانه دشمن در برخی از نقاط جبهه برای اعاده روحیه سربازان شکست‌خورده‌اش لازم است با هماهنگ کردن نیروهای سپاه و ارتش و مردمی در درجه اول مواضع پدافندی را تقویت و آسیب‌ناپذیر کنید و سپس بدون فوت فرصت در نقاط حساس و استراتژیک به بعثیان عفلقی ضربه بزنید.

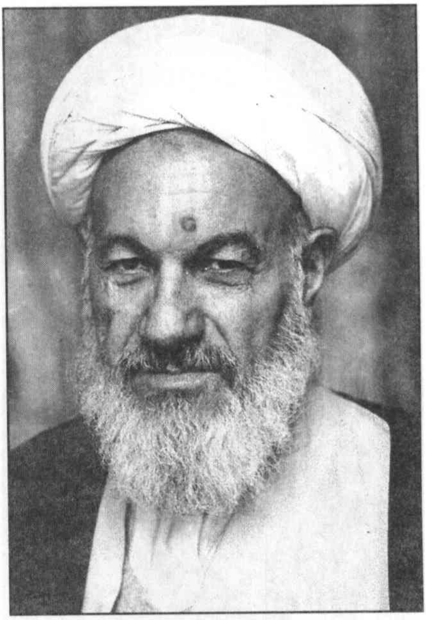
سریعاً سازمان جدید خود را با توجه به مسئولیت جدید، برای تصویب به اینجانب پیشنهاد کنید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

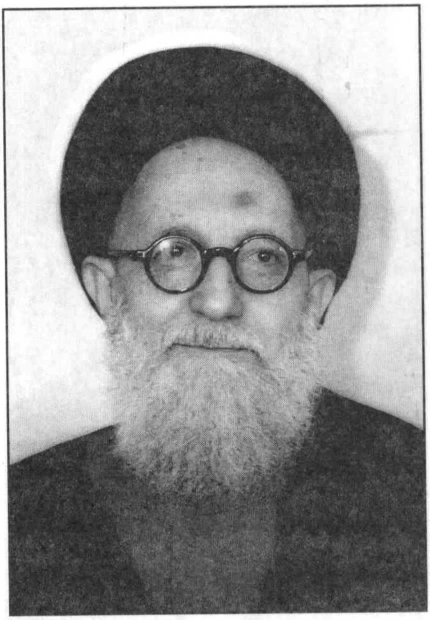
فرمانده جنگ

۱۳۶۵/۱/۲۴

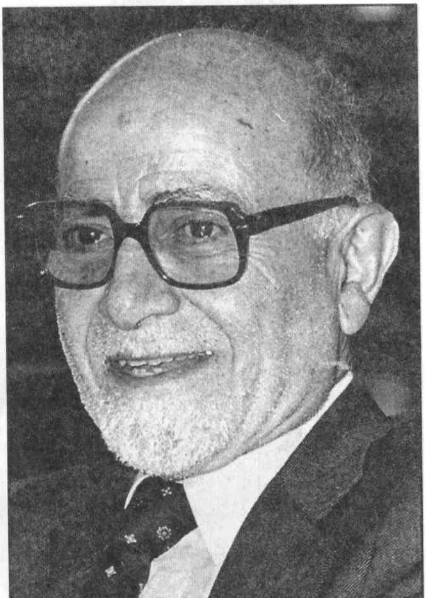
تصاویر



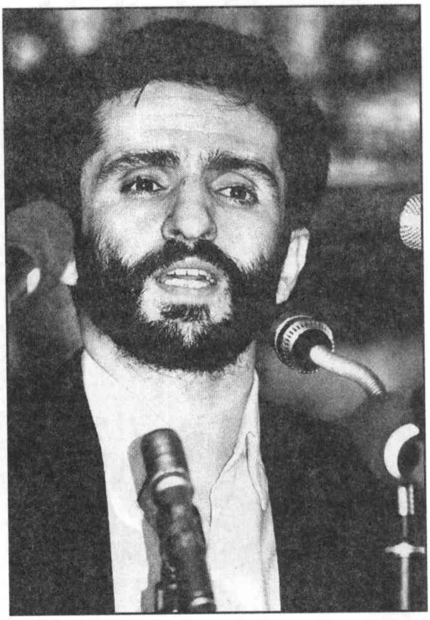
آیت الله احمد آذری قمی



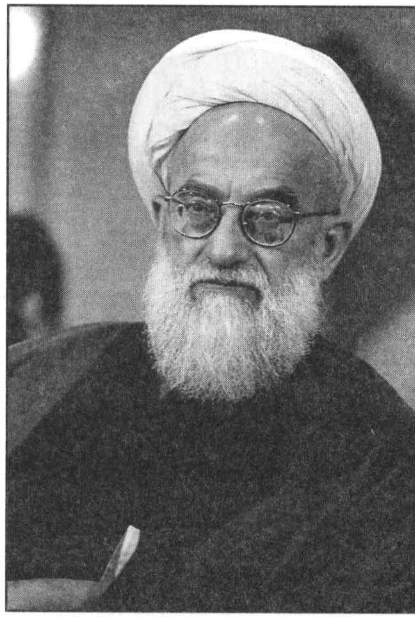
آیت الله سید کاظم شریعتمداری



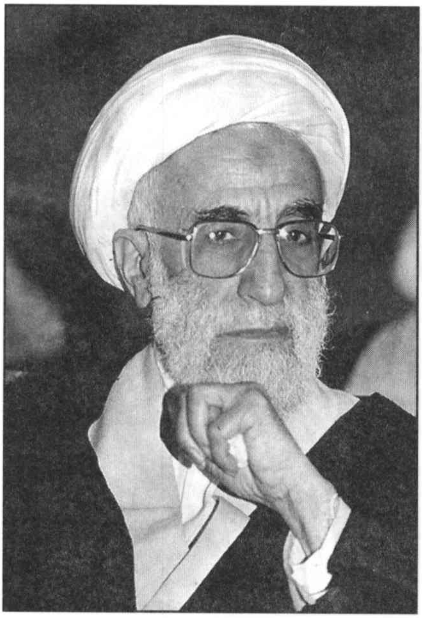
مهدی بازرگان



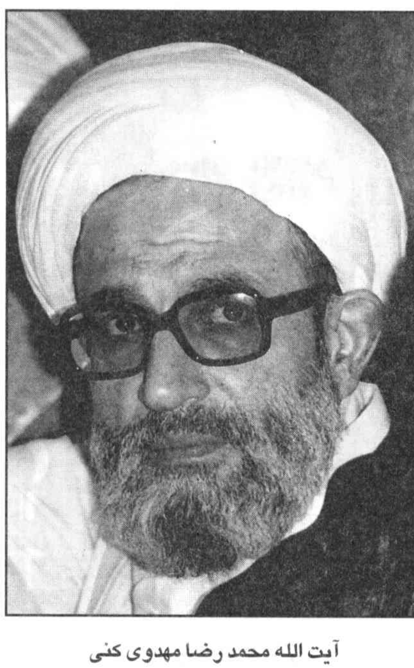
سید احمد کاشانی



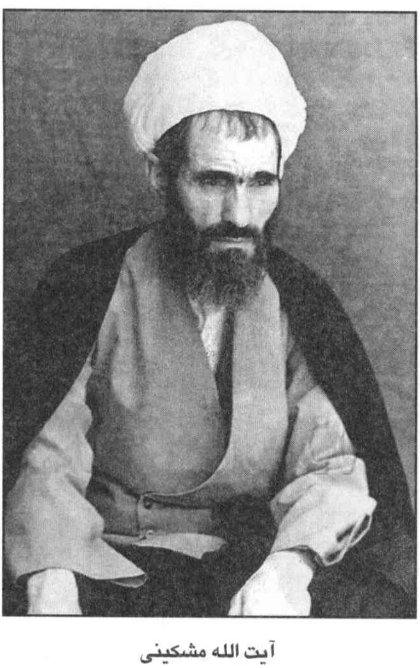
آیت الله امامی کاشانی



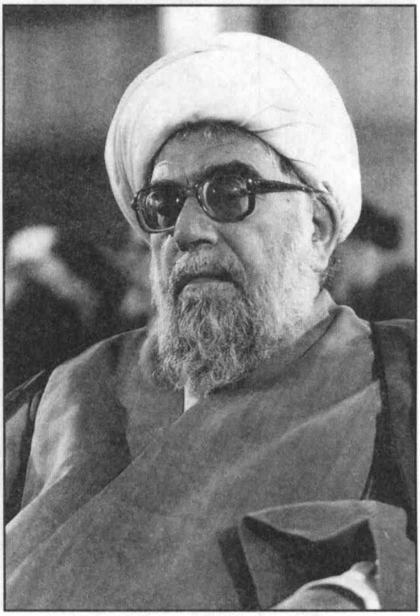
آیت الله احمد جنتی



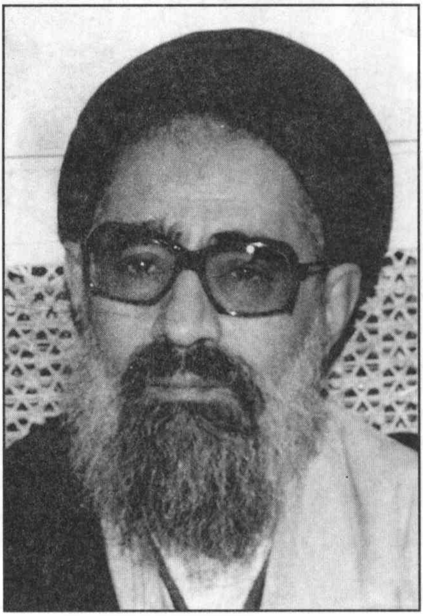
آیت الله محمد رضا مهدوی کنی



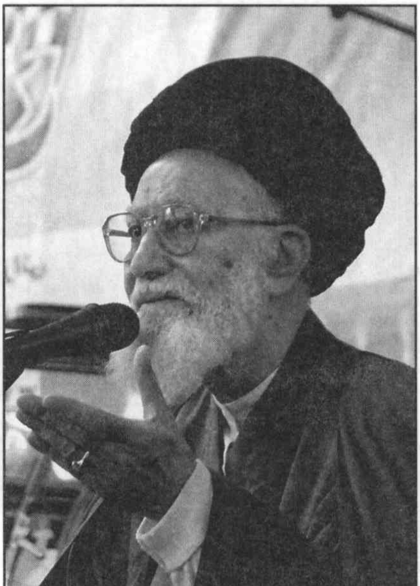
آیت الله مشکینی



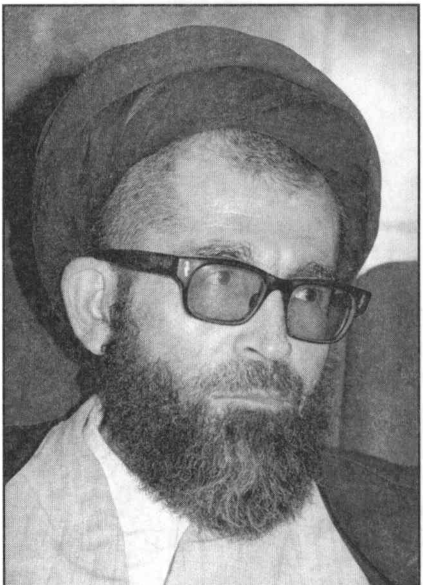
آیت الله محمد هاشمیان



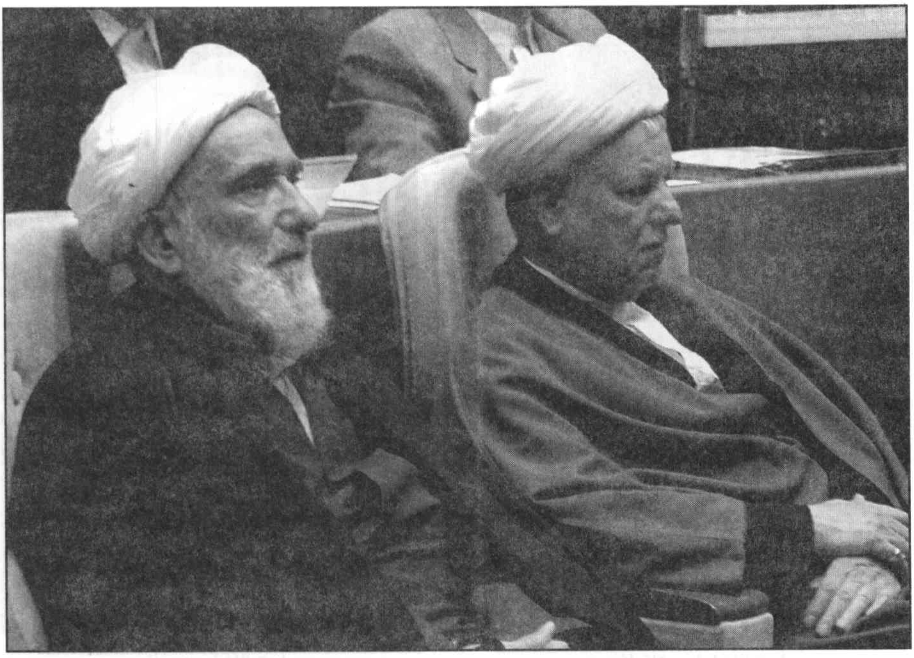
آیت الله سید جلال الدین طاهری اصفهانی



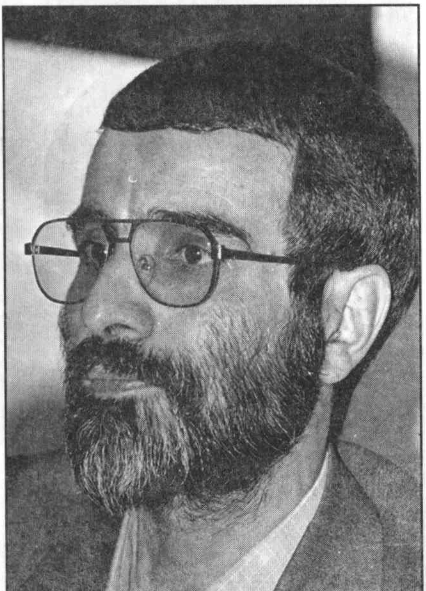
آیت الله سید مهدی دستغیب



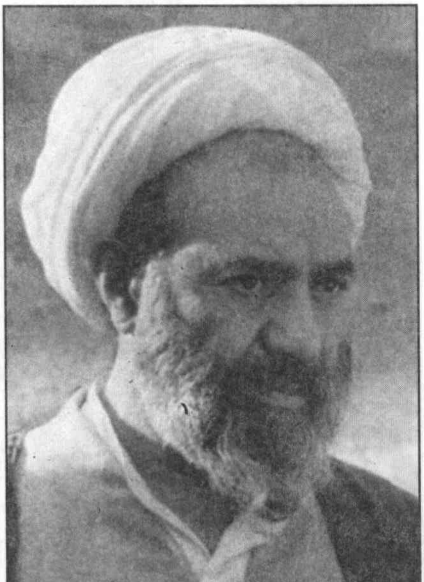
آیت الله سید علی محمد دستغیب



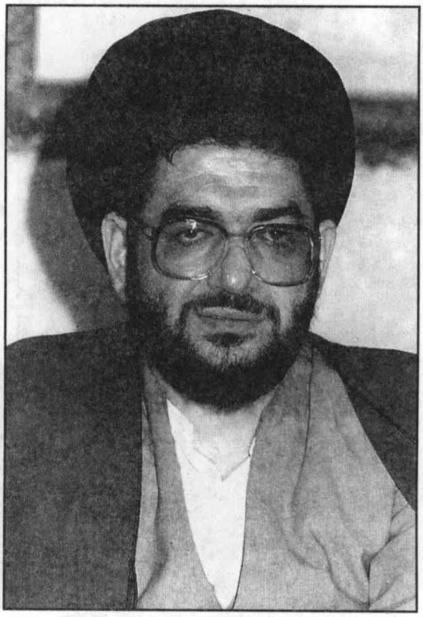
آیت الله هاشمی، آیت الله محمد رضا توسلی



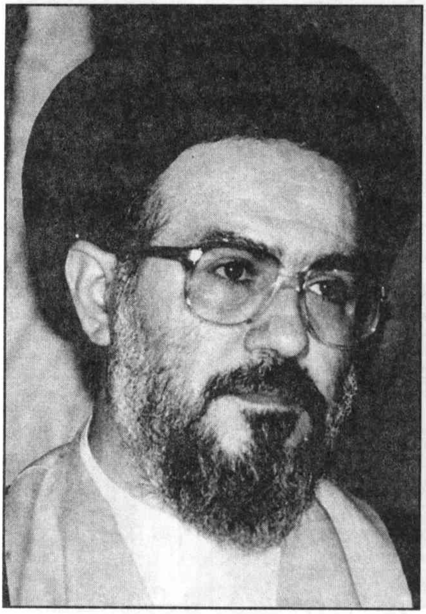
محمد علی انصاری



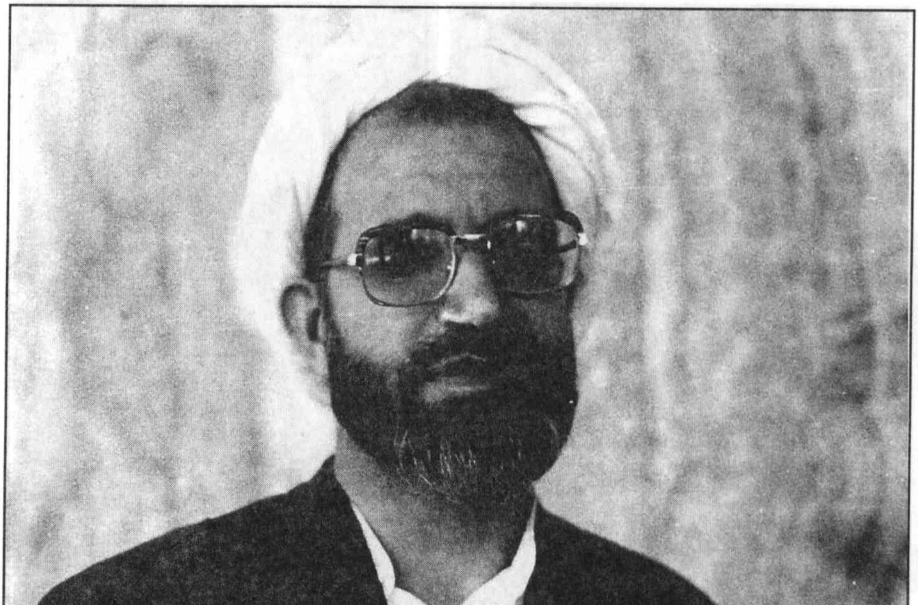
حجت الاسلام و المسلمین حسن صانعی



حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر محتشمی



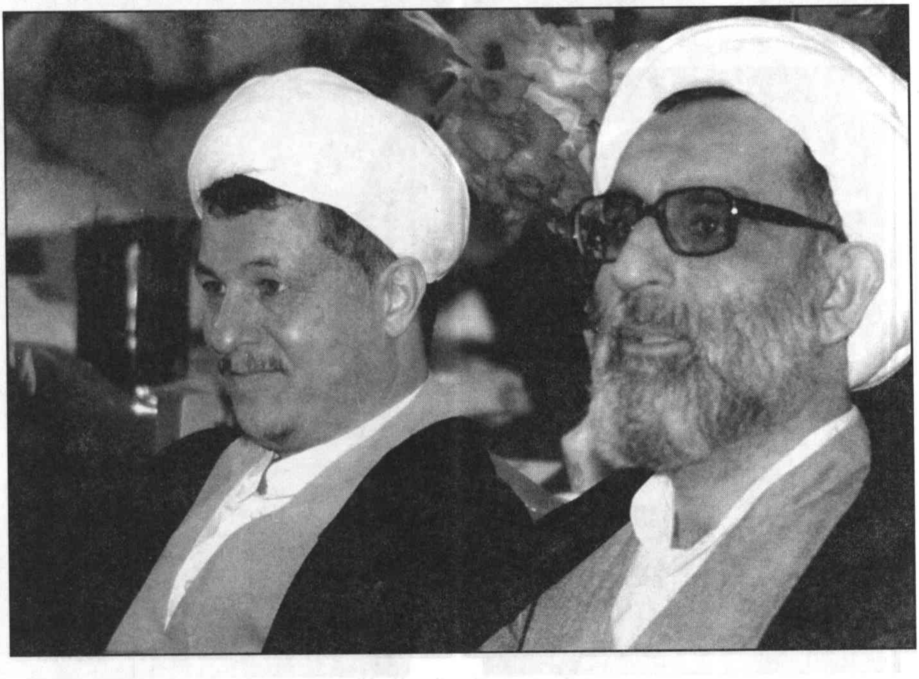
آیت الله موسوی خوئینی ها



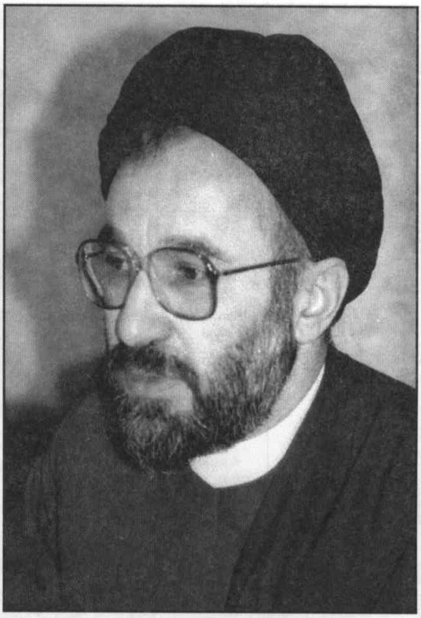
حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی



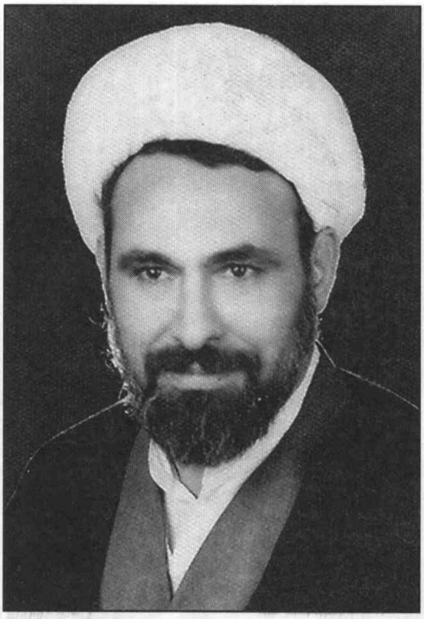
آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه



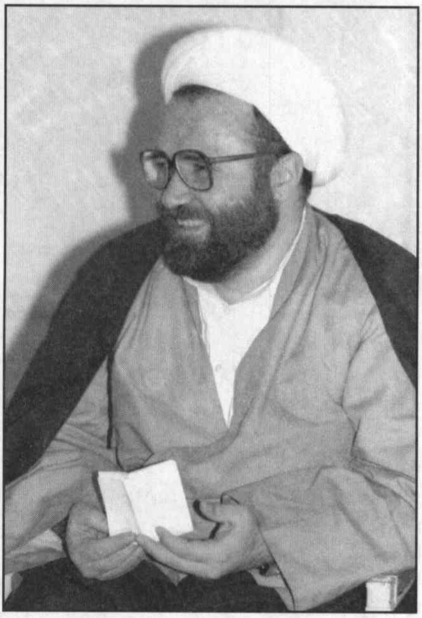
آیت الله عباس واعظ طبسی نماینده امام در استان خراسان و تولیت آستان قدس رضوی



حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی



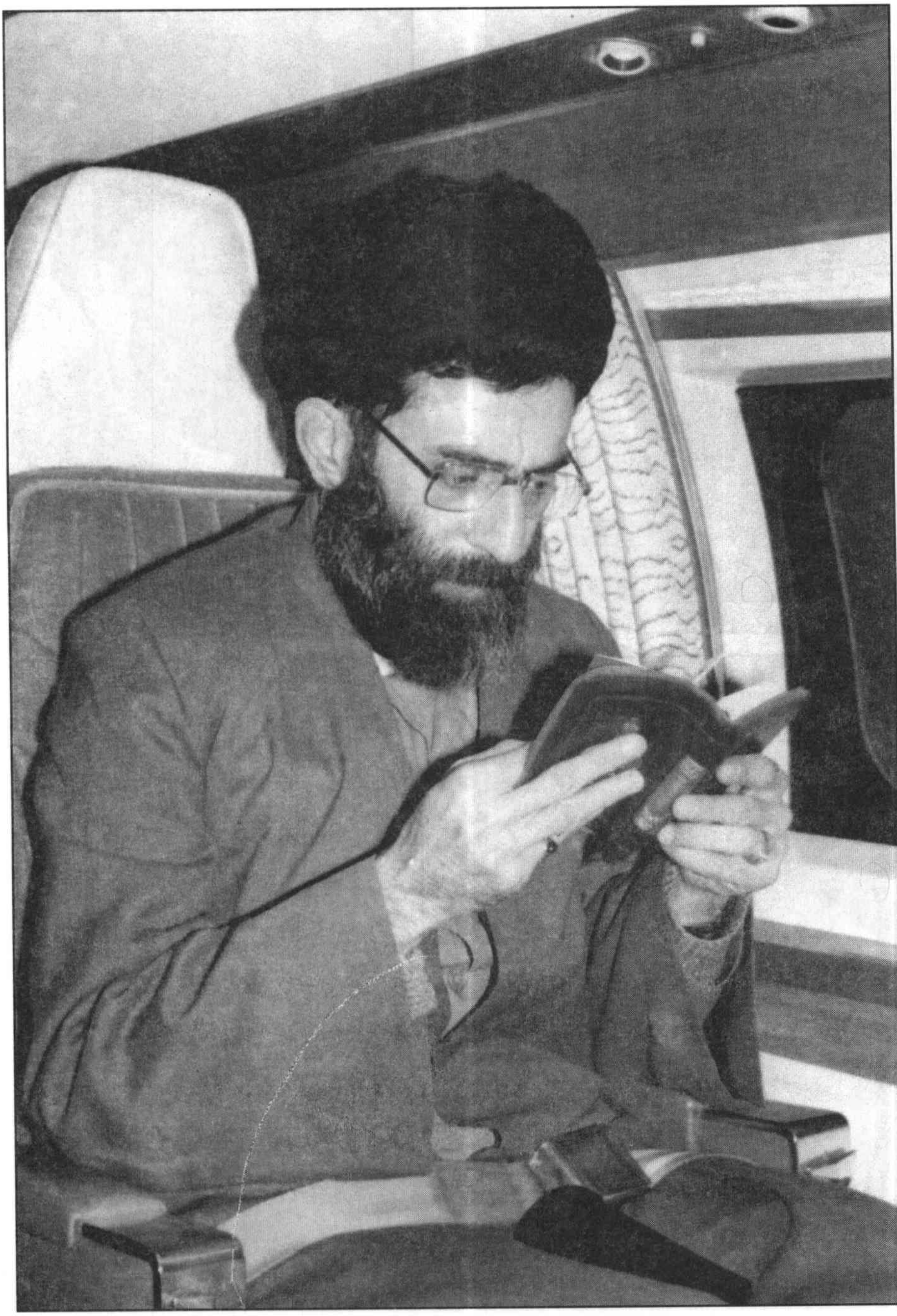
حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان



حجت الاسلام و المسلمین مسیح مهاجری



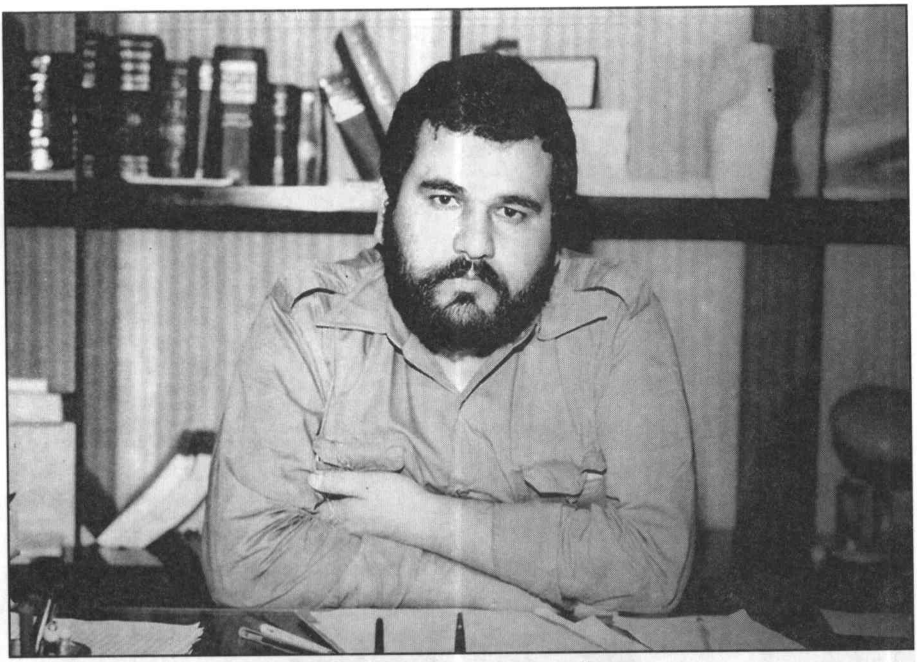
سید محمد رضا بهشتی



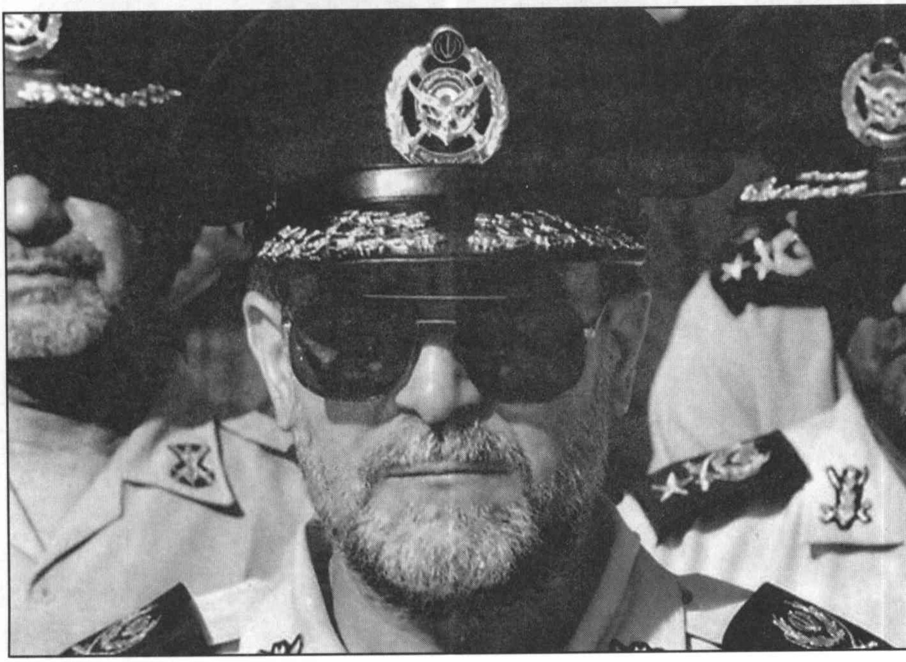
آیت الله خامنه ای در سفر به زیمبابوه جهت شرکت در کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد



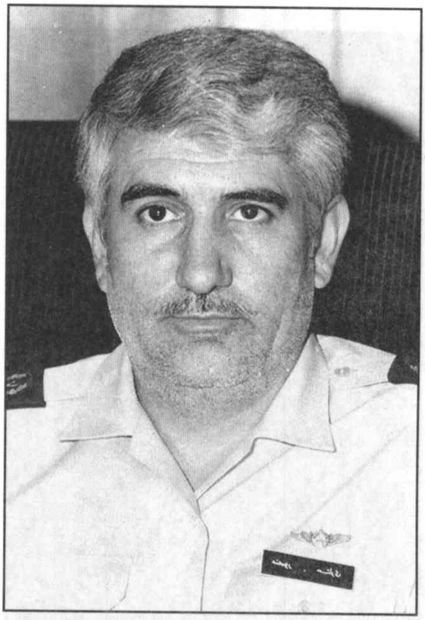
شهید علی صیاد شیرازی



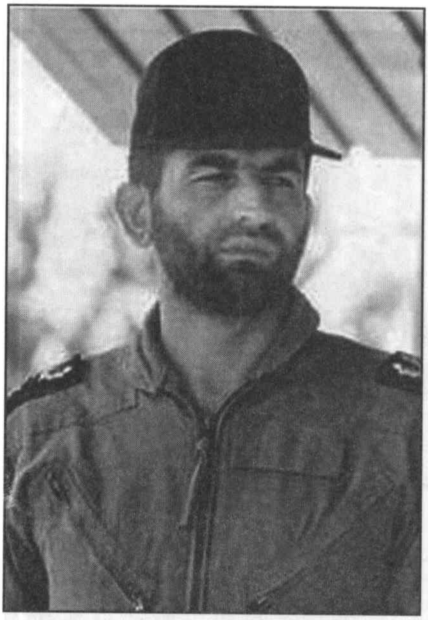
حسن فیروز آبادی مشاور نخست وزیر در امور جنگ



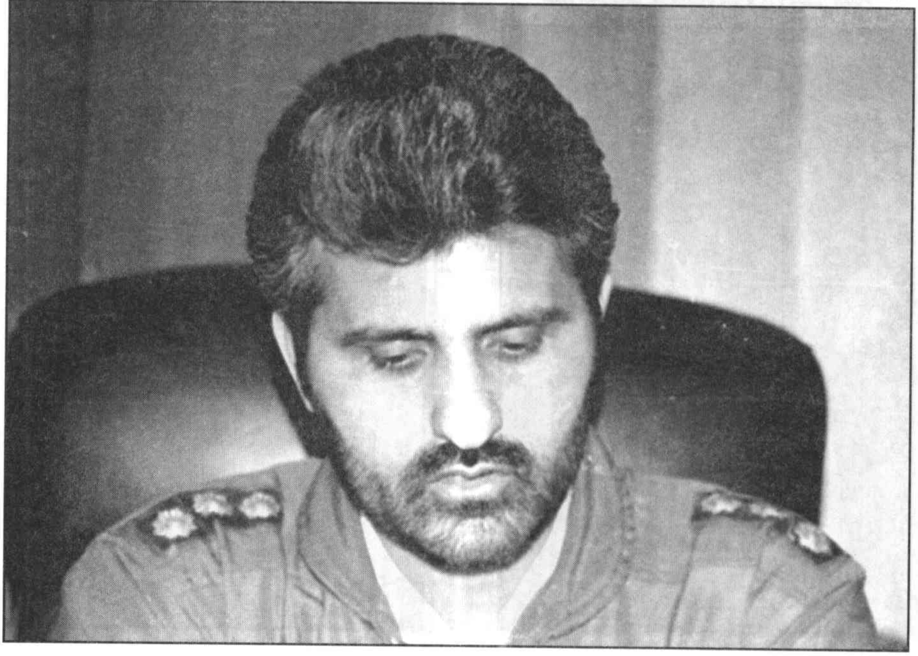
مصطفی ترابی پور رئیس حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی



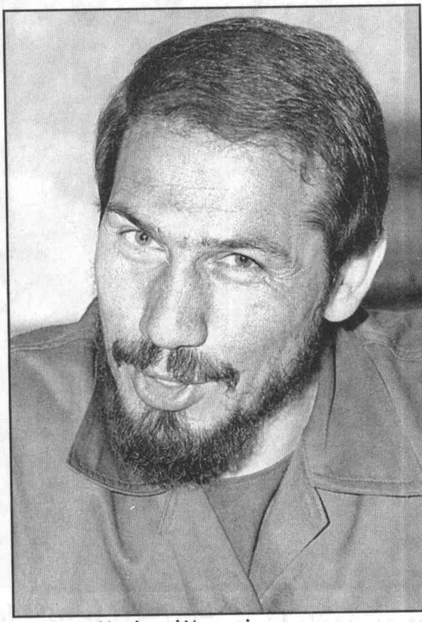
شهید سرهنگ منصور ستاری‌فرمانده نیروی هوایی ارتش



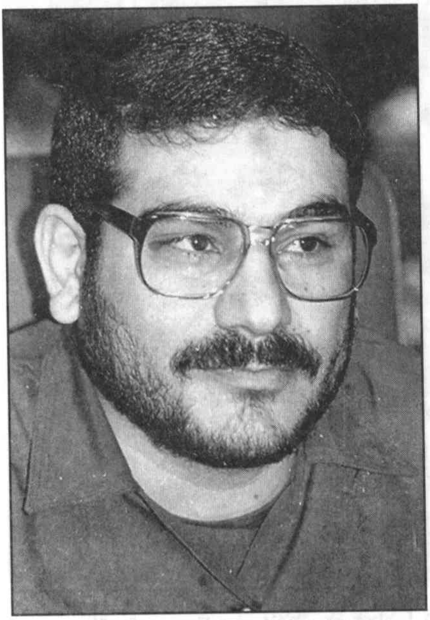
شهید سرهنگ عباس بابایی معاون فرمانده نیروی هوایی



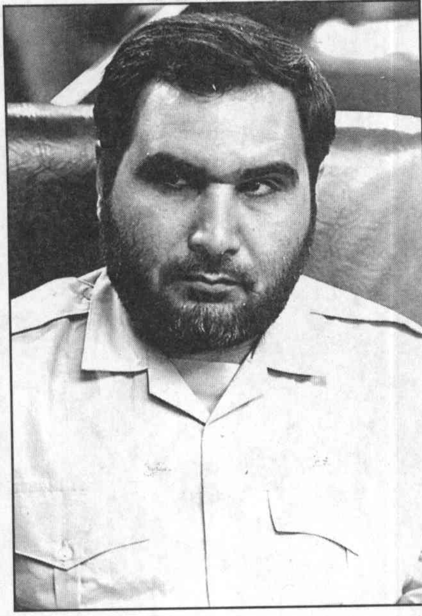
سرهنگ هوشنگ صدیق فرمانده نیروی هوایی ارتش



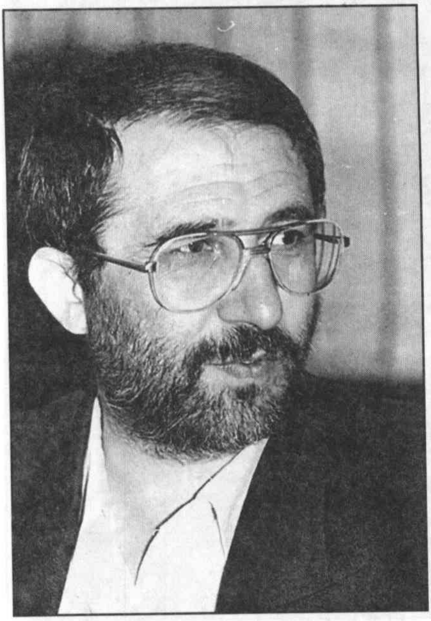
یحیی رحیم صفوی جانشین فرمانده
نیروی زمینی سپاه



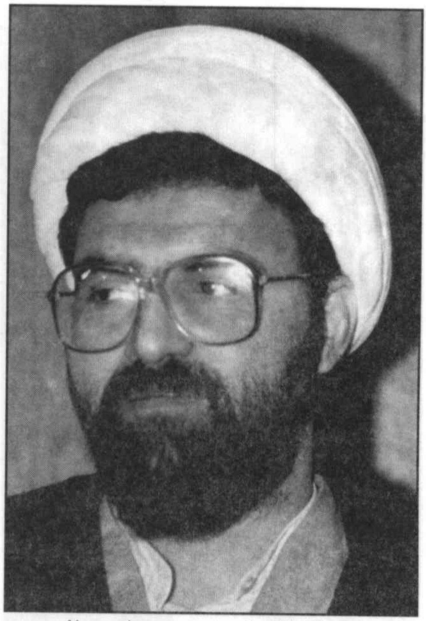
علی شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه



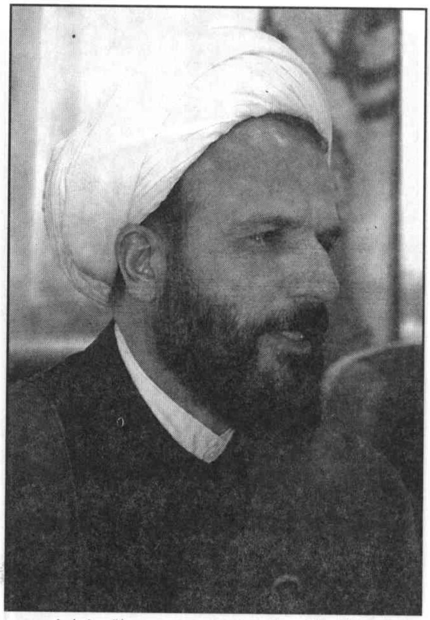
محمد فروزنده فرمانده مهندسی قرارگاه خاتم



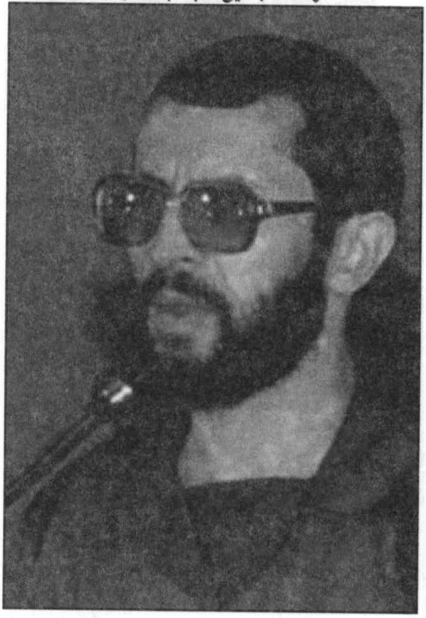
حسین علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه



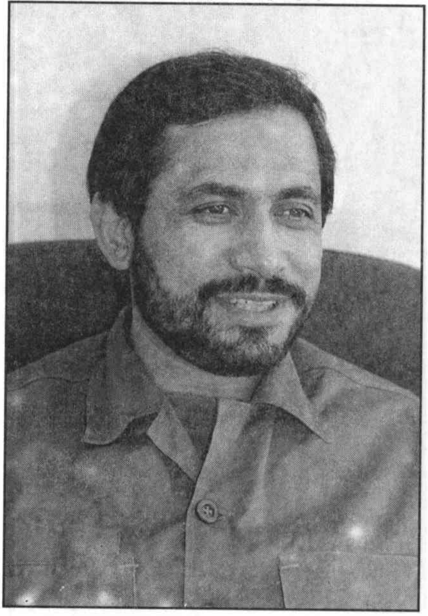
حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی‌رحمانی
فرمانده بسیج سپاه پاسداران



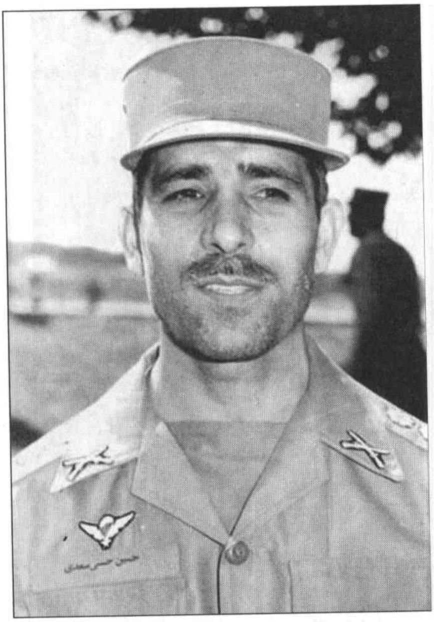
حجت الاسلام و المسلمین محمدی عراقی نماینده
ولی فقیه در سپاه پاسداران



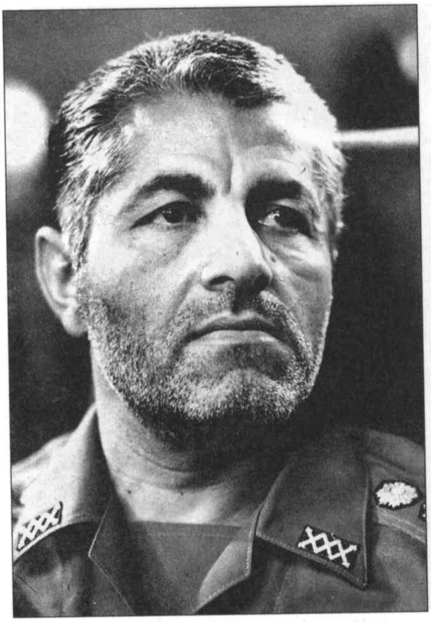
علیرضا افشار رئیس ستاد سپاه پاسداران



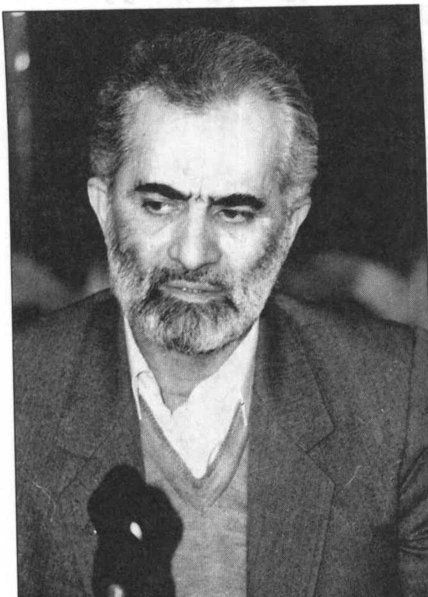
محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران



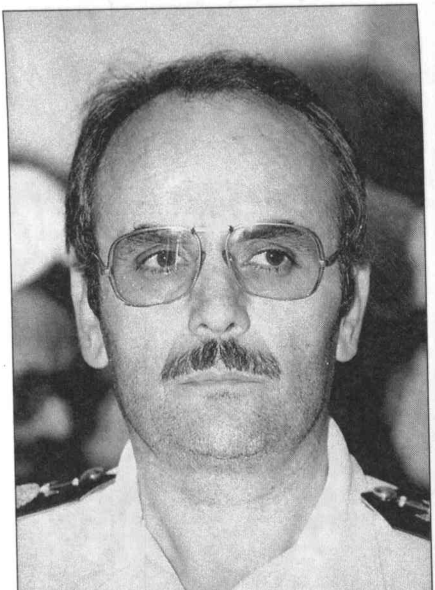
سرهنگ حسنی سعدی فرمانده نیروی زمینی ارتش



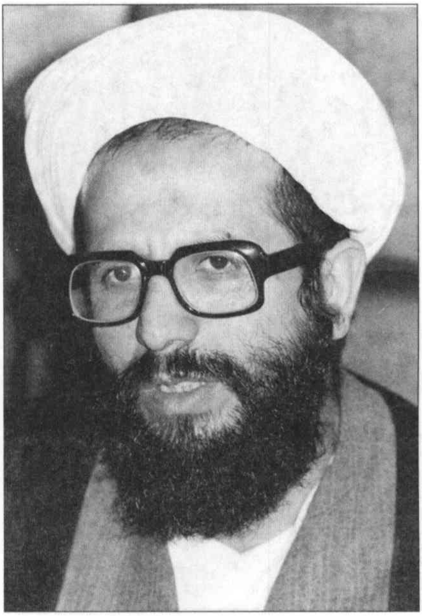
سرهنگ محمد حسین جلالی وزیر دفاع



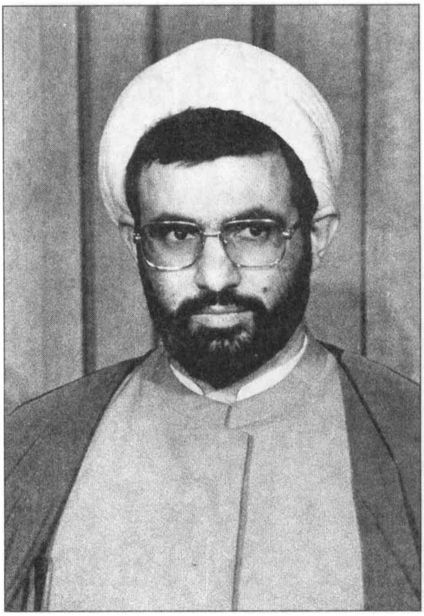
محمد علی نظران رئیس کمیسیون اسرای عراقی



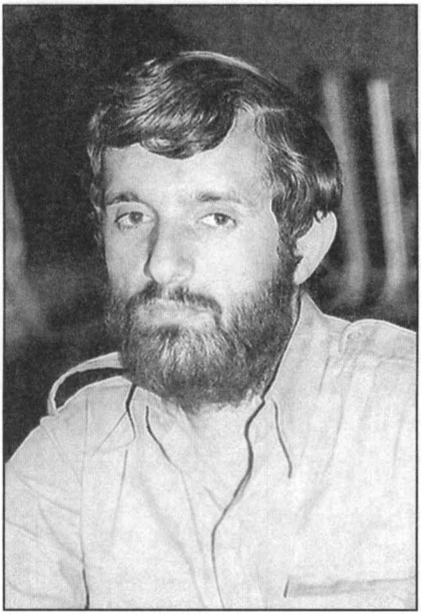
ناخدا ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی ارتش



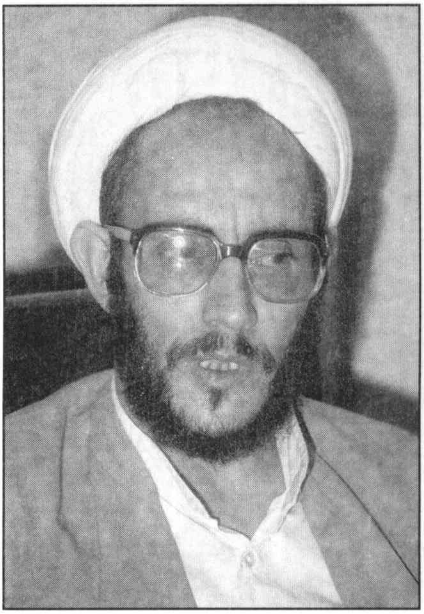
حجت الاسلام و المسلمین محمدی ری شهری



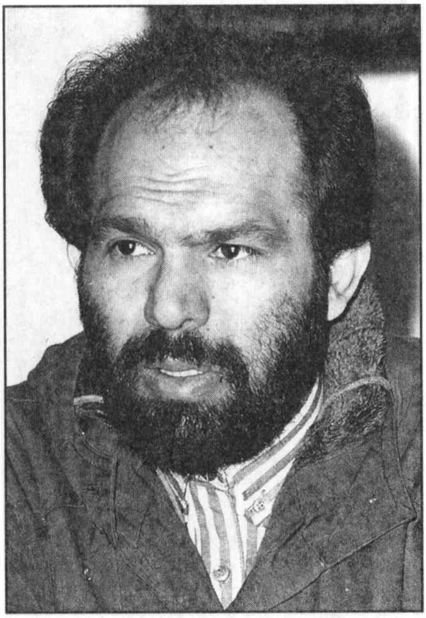
حجت الاسلام و المسلمین علی فلاحیان



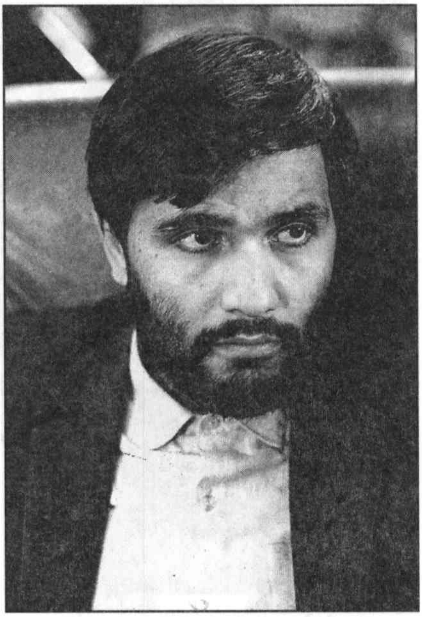
علی آقا محمدی



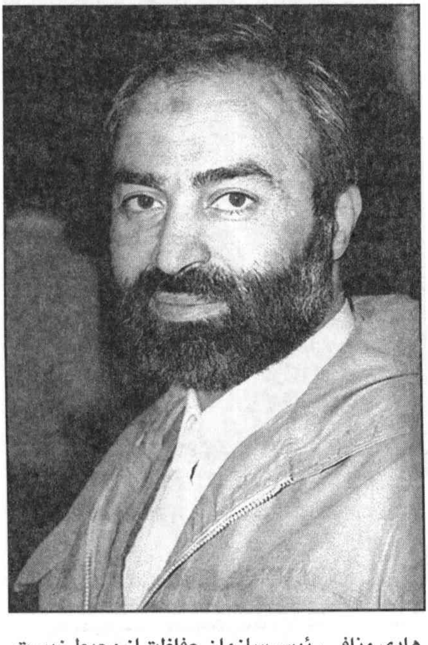
حجت الاسلام و المسلمین علی یونسی



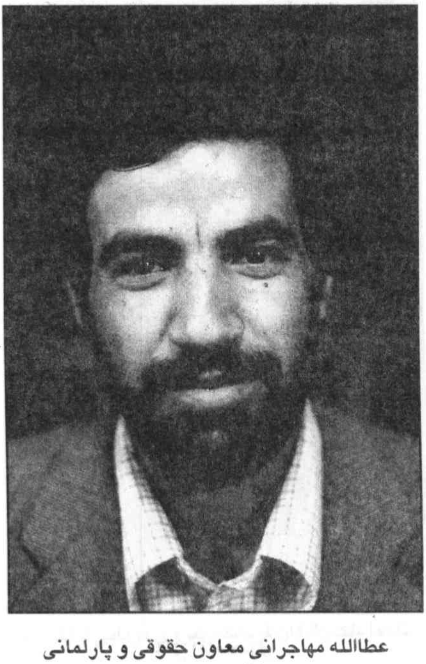
حمید میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر



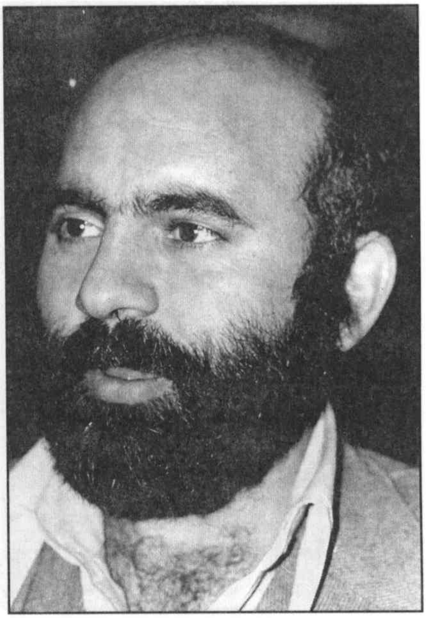
مسعود روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه



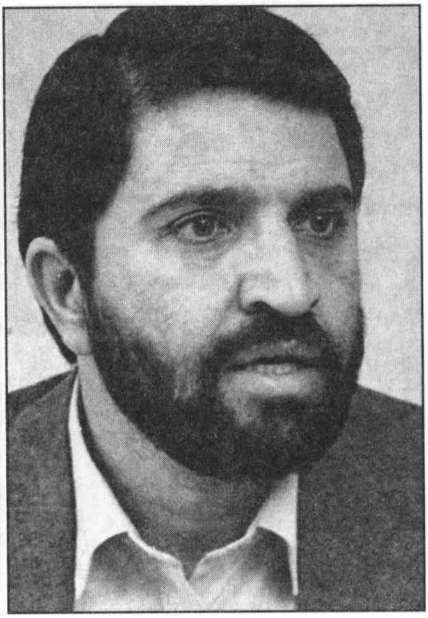
هادی منافی رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست



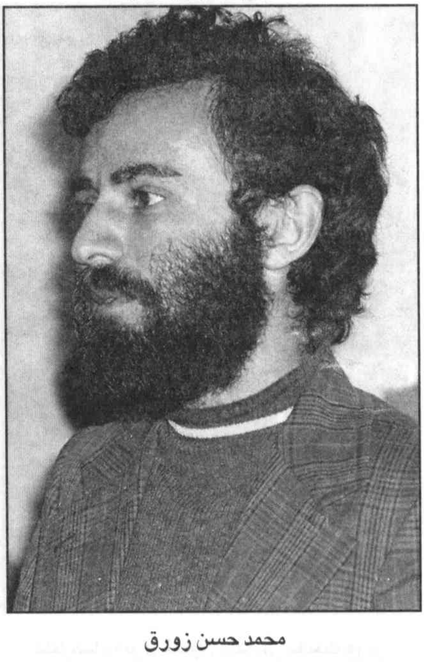
عطاالله مهاجرانی معاون حقوقی و پارلمانی نخست وزیر



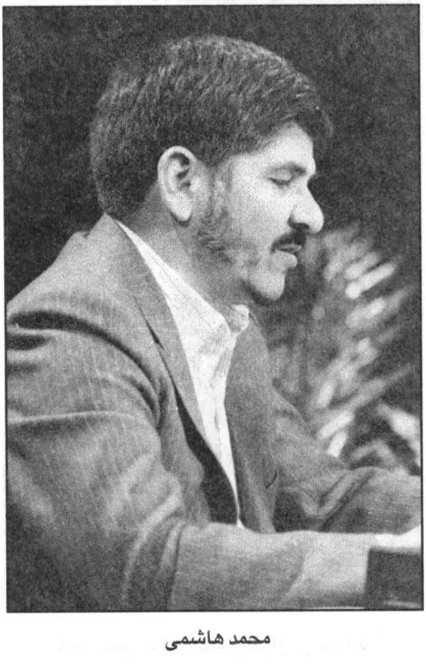
محمد علی هادی نجف آبادی



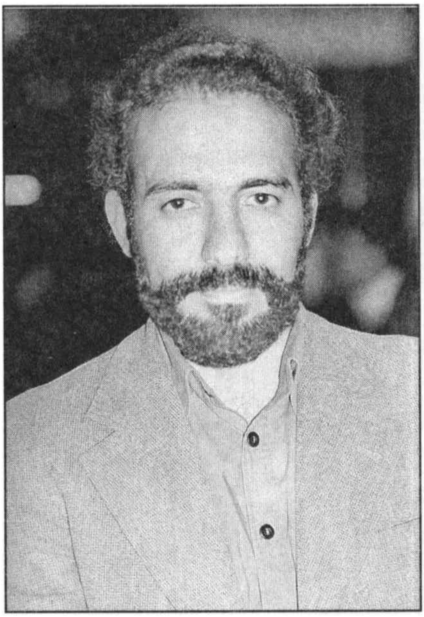
عبدالله جاسبی



محمد حسن زورق



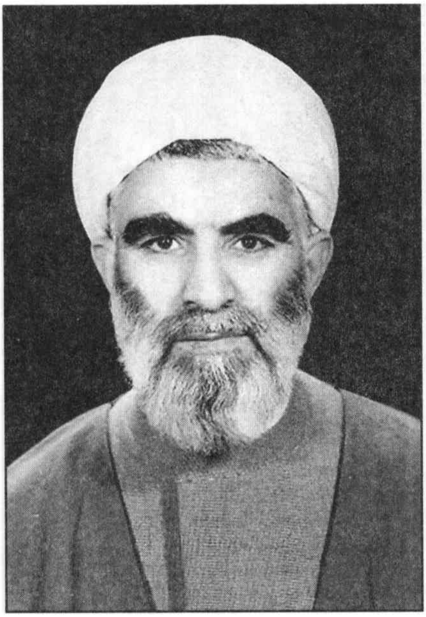
محمد هاشمی



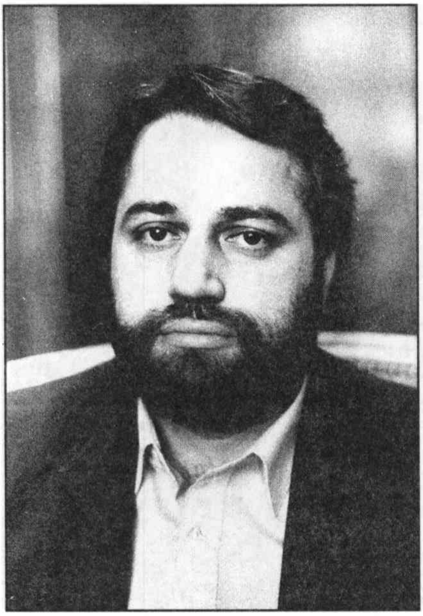
علی محمد بشارتی قائم مقام وزیر خارجه



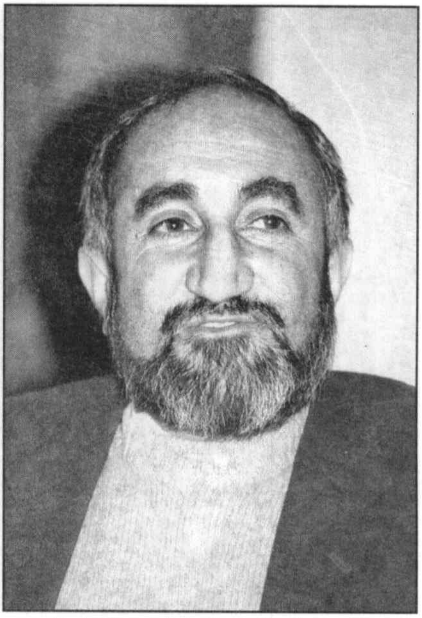
علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه



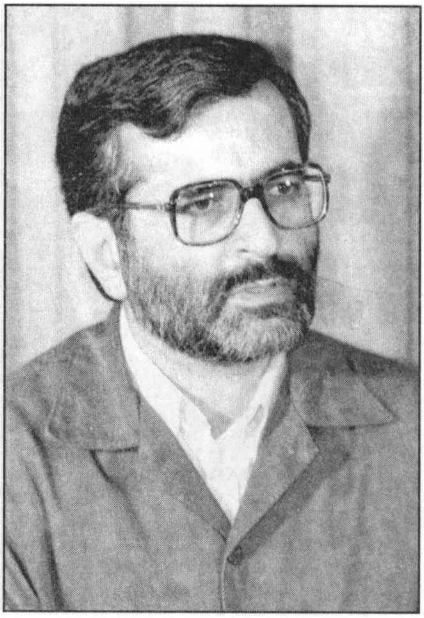
محمد حسن اختری سفیر ایران در سوریه



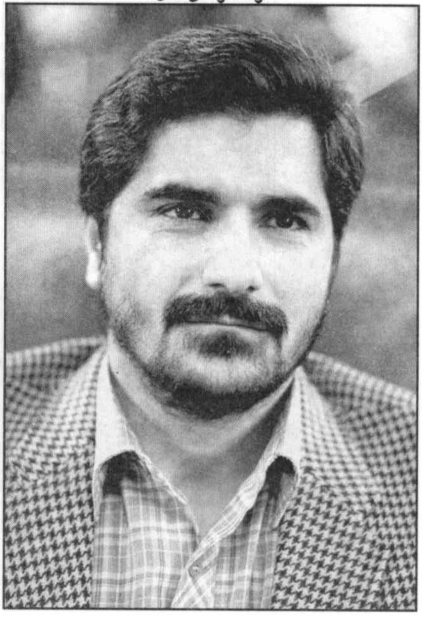
علیرضا معیری معاون سیاسی نخست وزیر



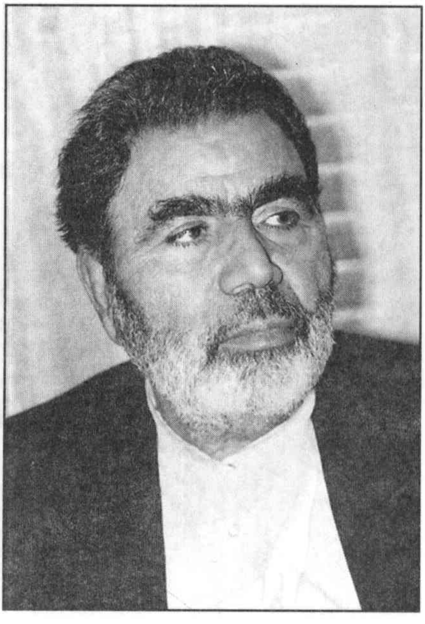
سعید رجایی خراسانی نماینده دائم ایران در سازمان ملل



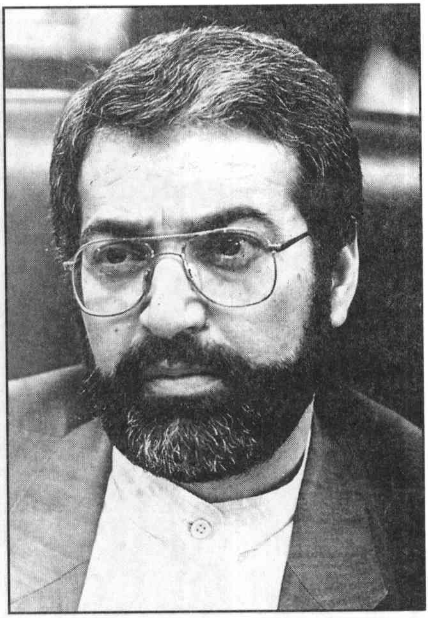
کمال خرازی رئیس ستاد تبلیغات جنگ



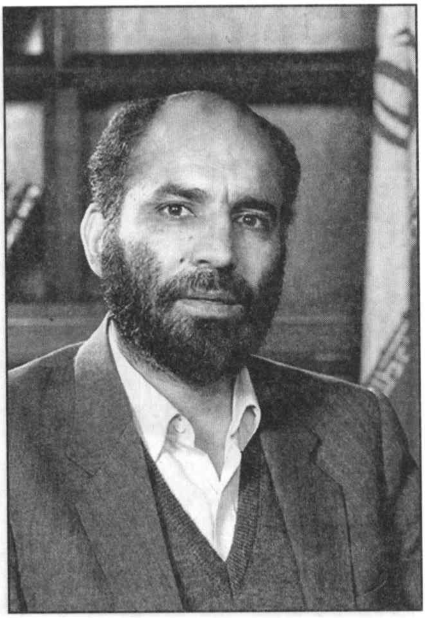
محمد فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی



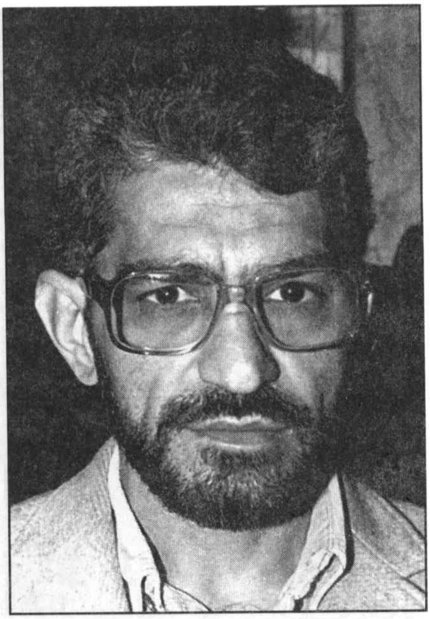
وحید دستجردی رئیس جمعیت هلال احمر



محسن نوربخش



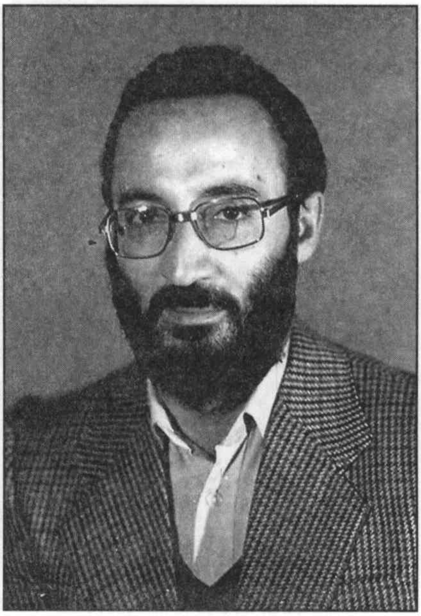
رضا امراللهی



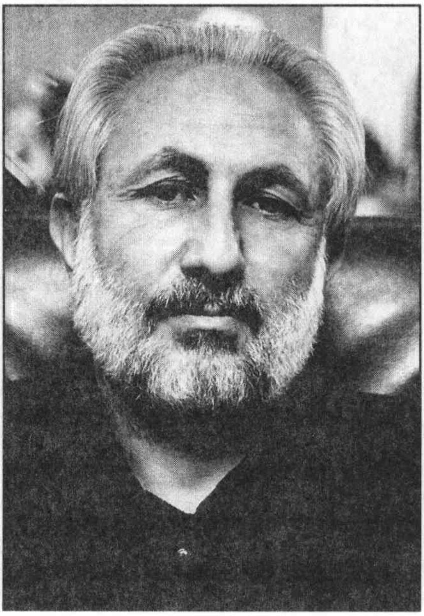
ایرج صفاتی دزفولی



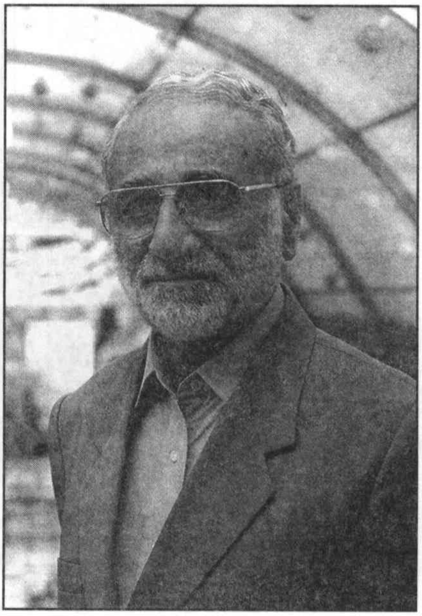
بیژن افتخار جهرمی



سید جلیل سید زاده



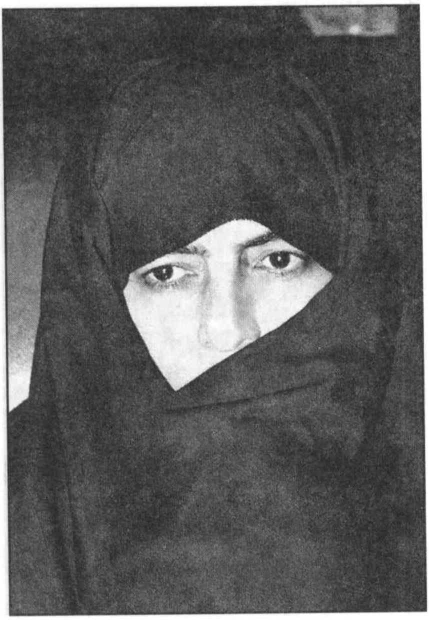
موسی زرگر



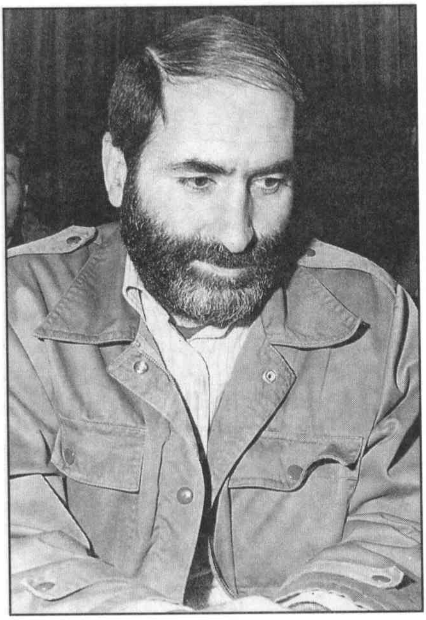
حسین مهدیان



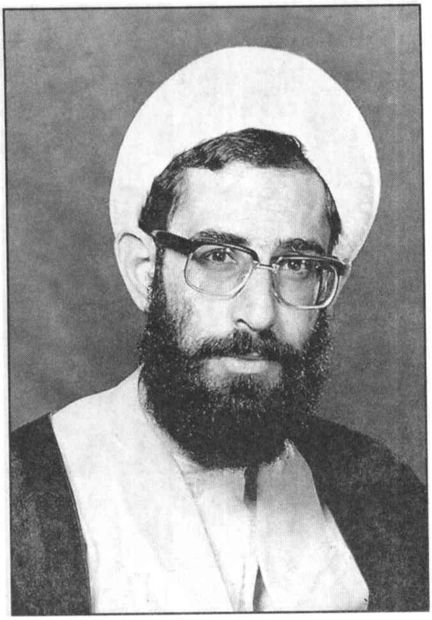
عبدالحسین ساوه



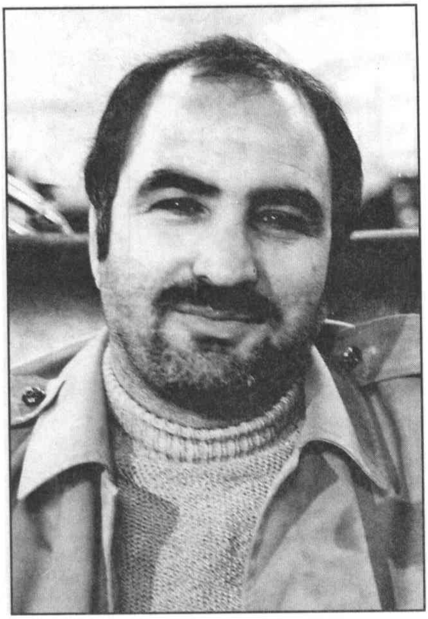
عاتفه صدیقی همسر شهید محمد علی رجایی



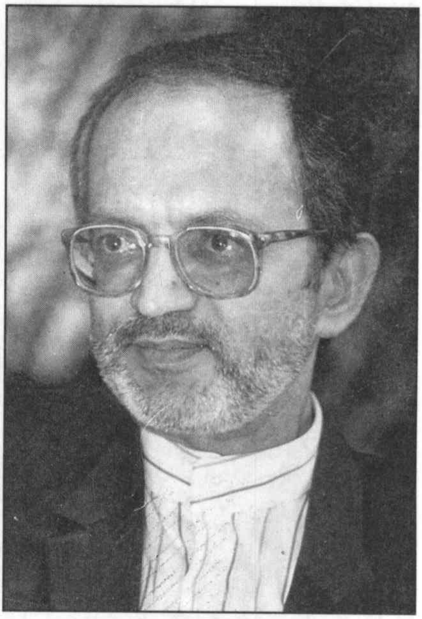
بهزاد نبوی



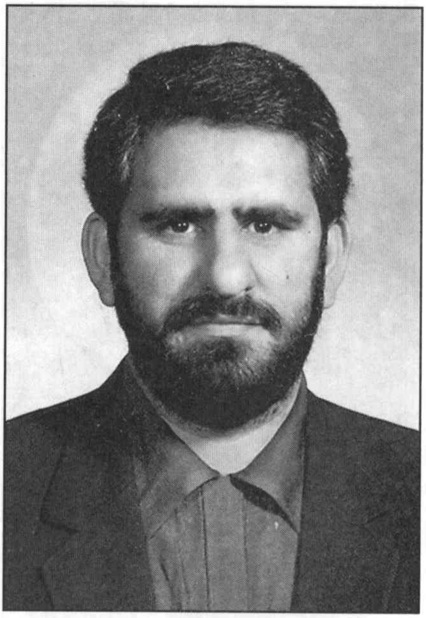
رسول منتجب نیا



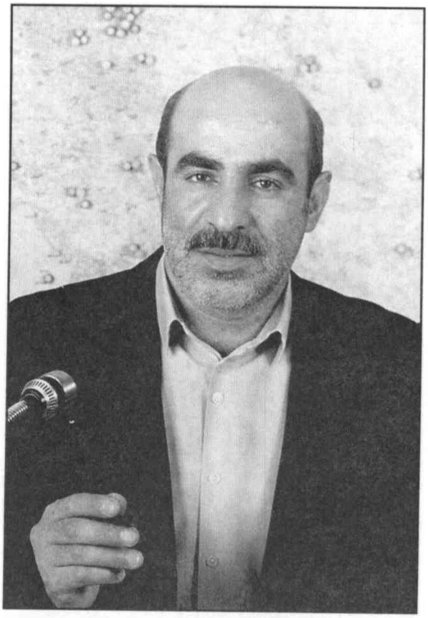
لطیف صفری



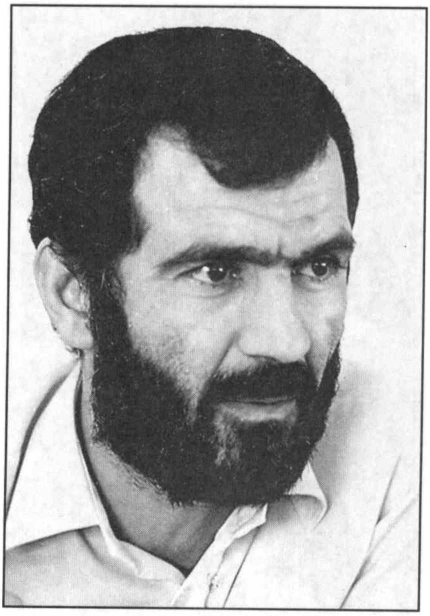
حسین محلوجی



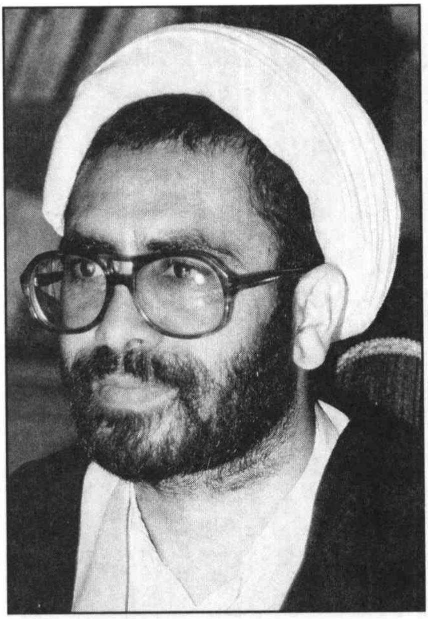
اسحاق جهانگیری



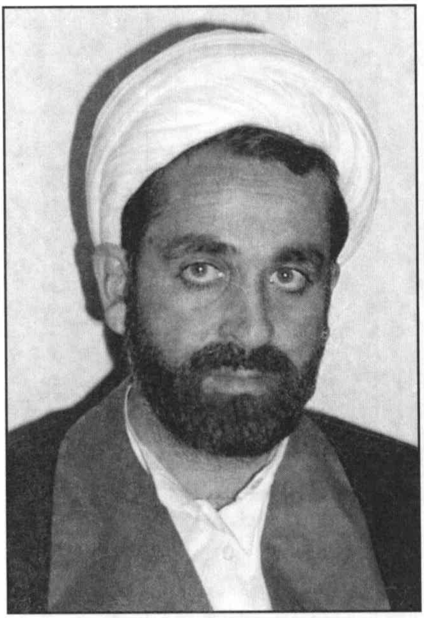
حسین کمالی



حسن غفوری فرد



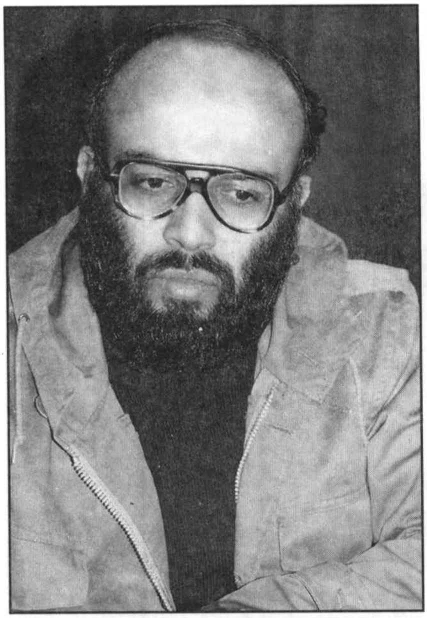
حجت الاسلام و المسلمین محسن دعاگو



حجت الاسلام و المسلمین احمد سالک



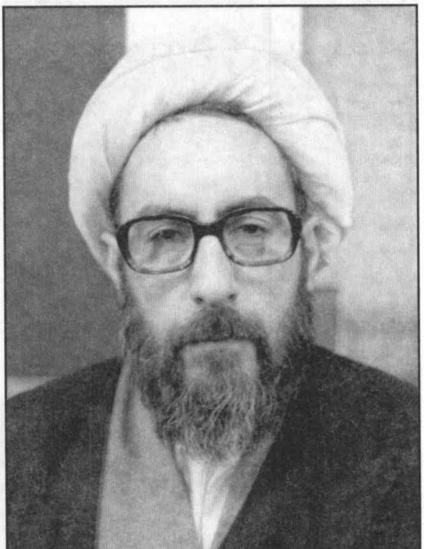
سید صادق طباطبائی



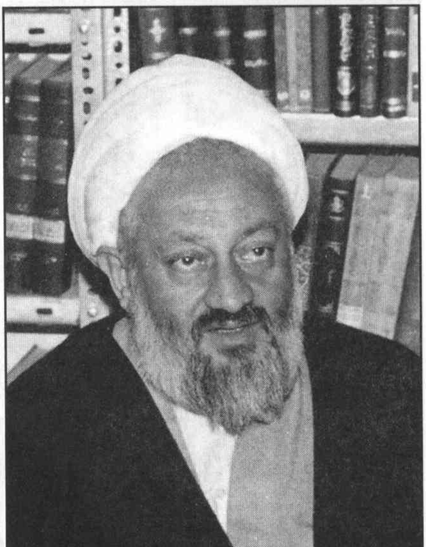
حسن عابدی جعفری



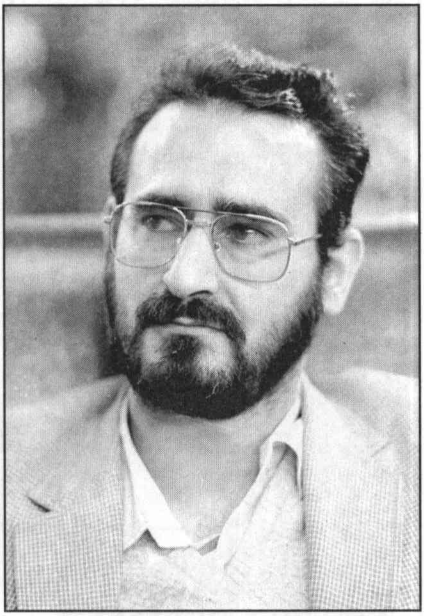
آیت الله سید جلال الدین طاهری نماینده امام و امام جمعه اصفهان



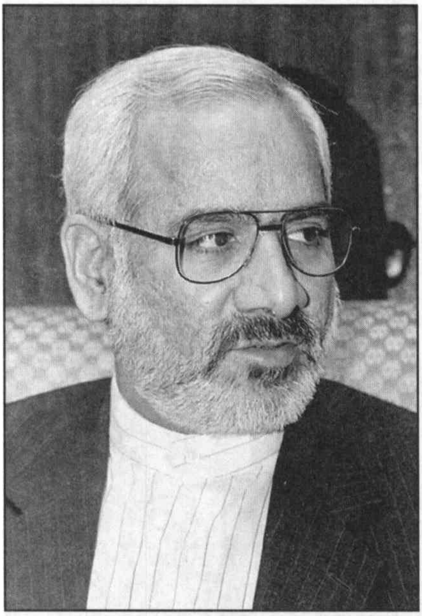
حجت الاسلام و المسلمین محسن مجتهد شبستری



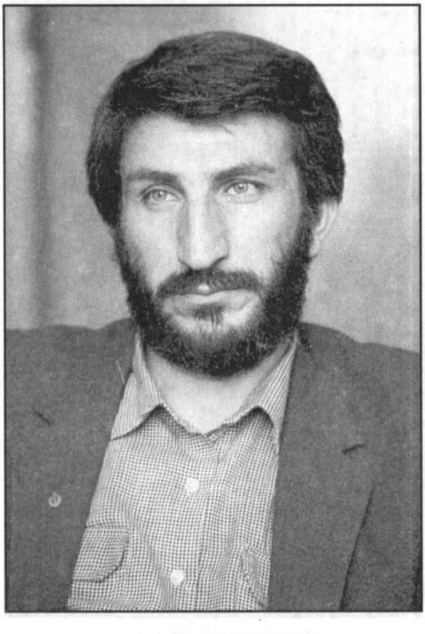
آیت الله محمد عبایی خراسانی



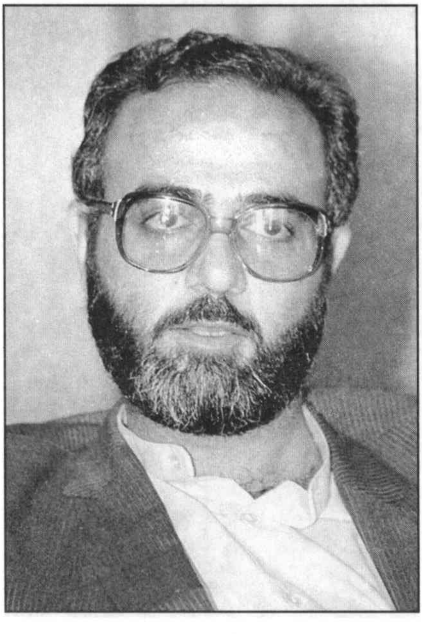
غلامرضا شافعی وزیر صنایع



غلامرضا آقازاده وزیر نفت



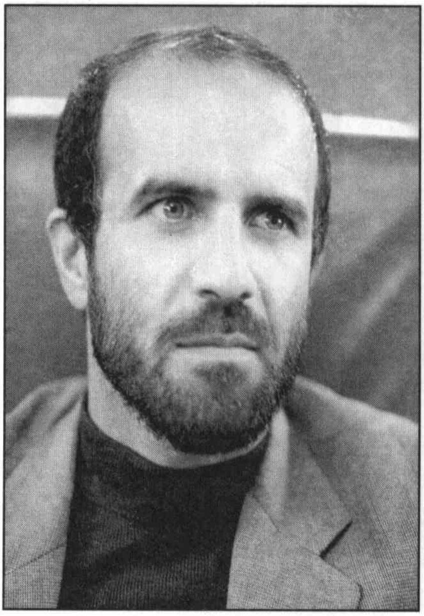
محمد سعیدی کیا وزیر راه و ترابری



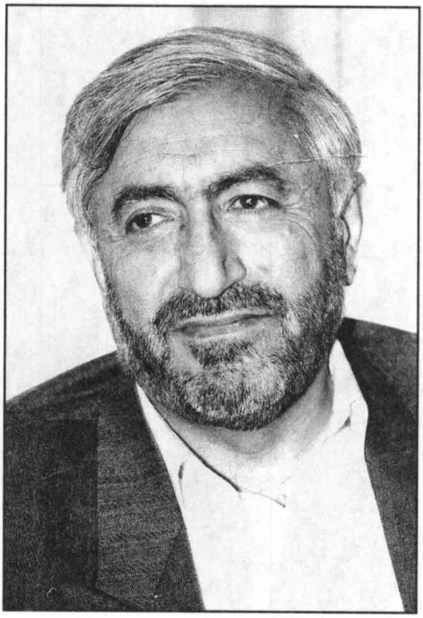
محمد جواد ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی



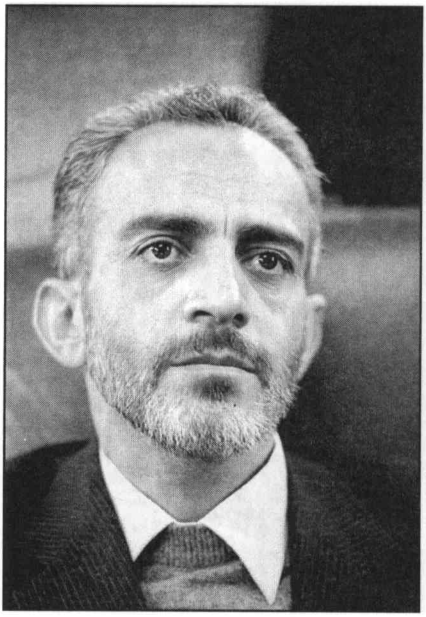
عباسعلی زالی وزیر کشاورزی



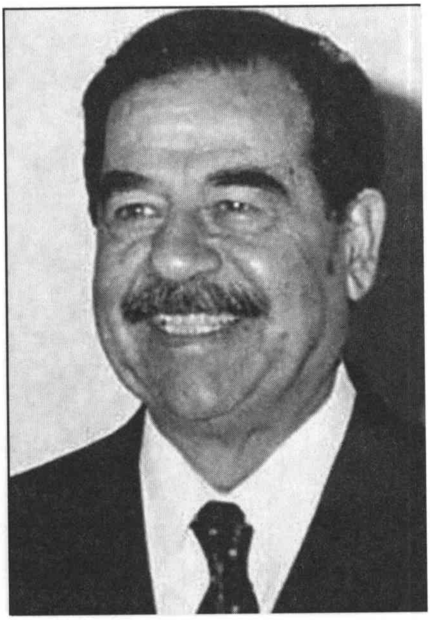
بیژن نامدار زنگنه وزیر جهاد سازندگی



محمد غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن



سید کاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش



صدام حسین تکریتی رئیس جمهور عراق



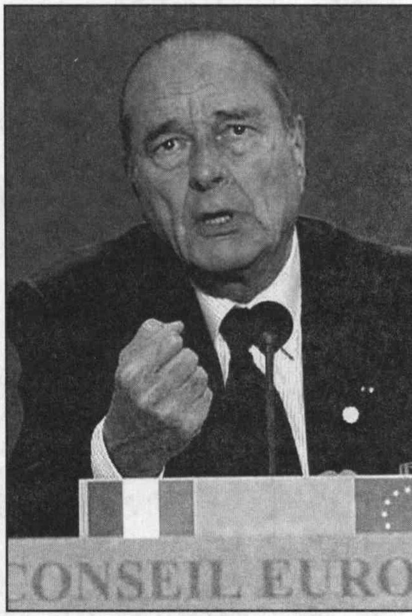
رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا



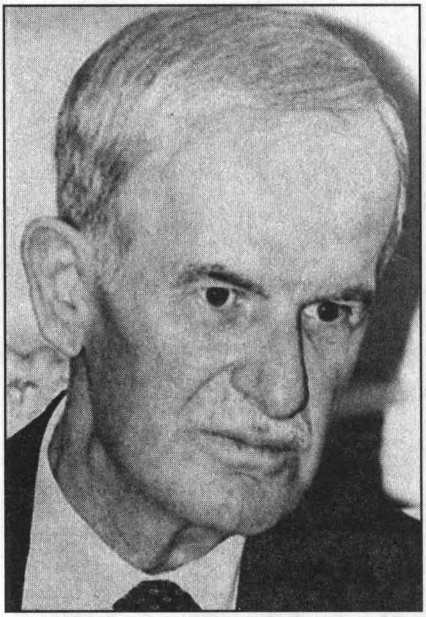
جرج بوش معاون رئیس جمهور آمریکا



جان پویند کستر مشاور امنیت ملی آمریکا



ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه



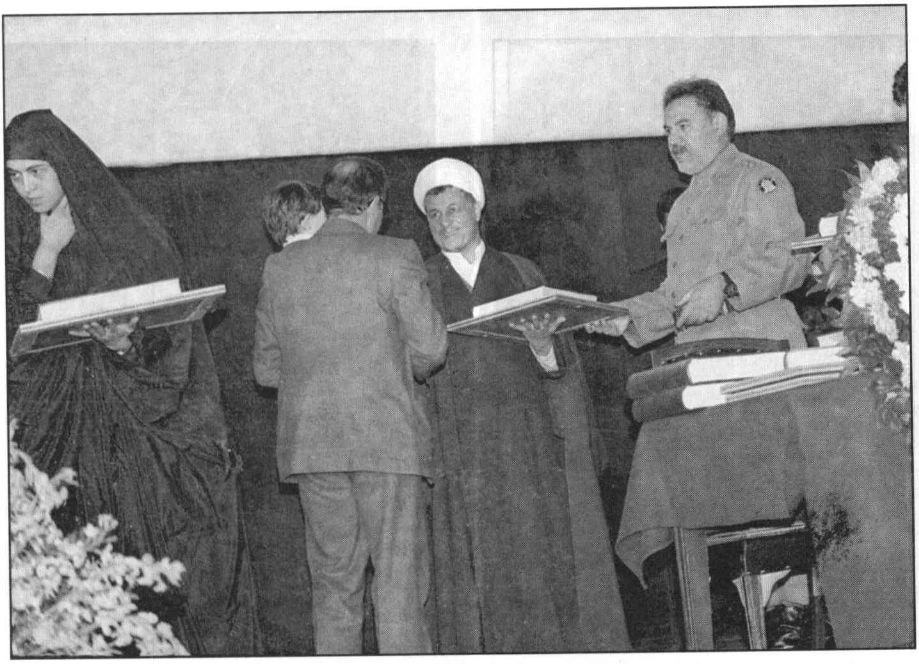
حافظ اسد رئیس جمهور سوریه



زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی

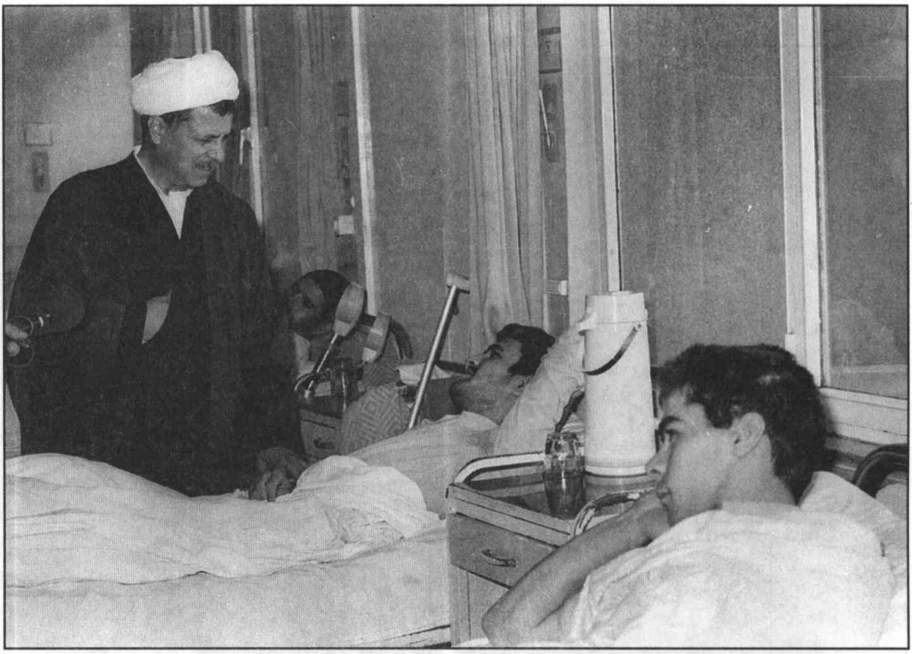


ملک فهد پادشاه عربستان سعودی

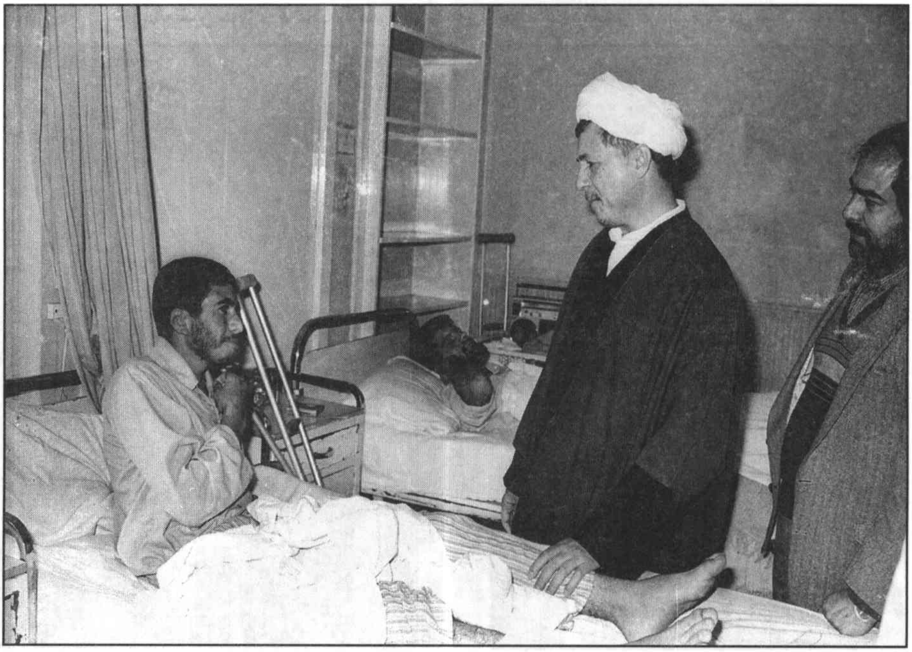


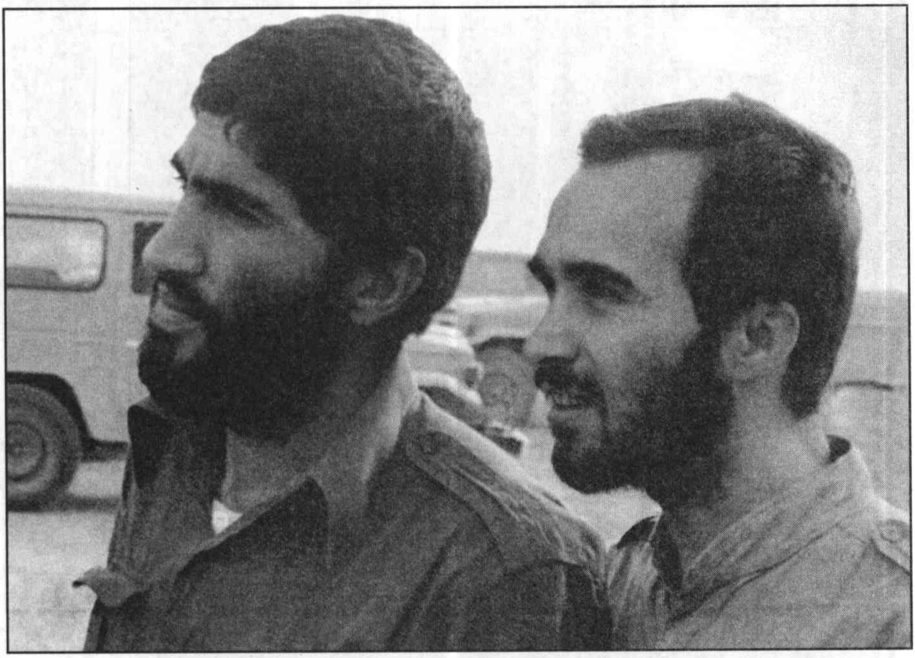
سخنرانی در مراسم بزرگداشت شهدای ارتش



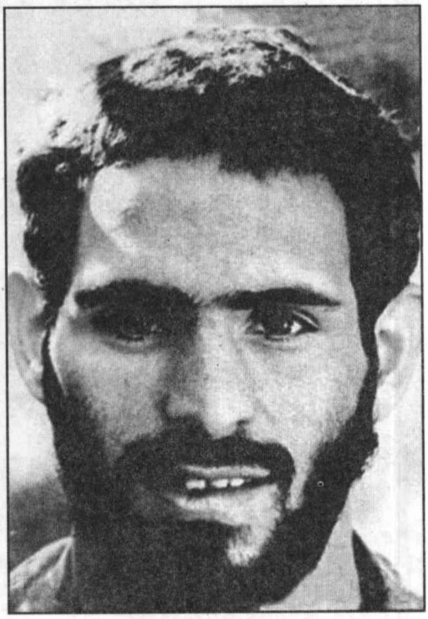


عیادت از مجروحان جنگی

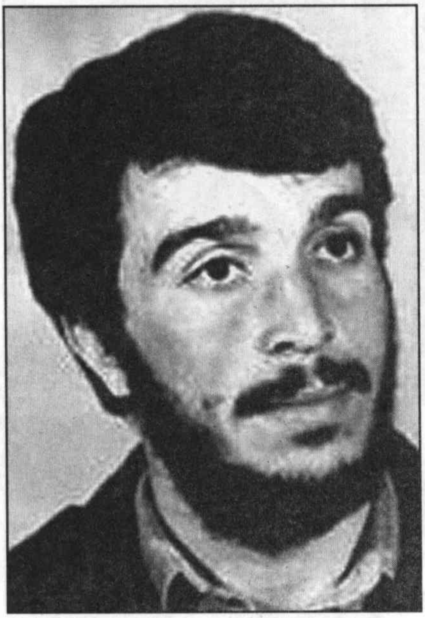




شهید حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین ، شهید احمد کاظمی فرمانده لشکر نجف



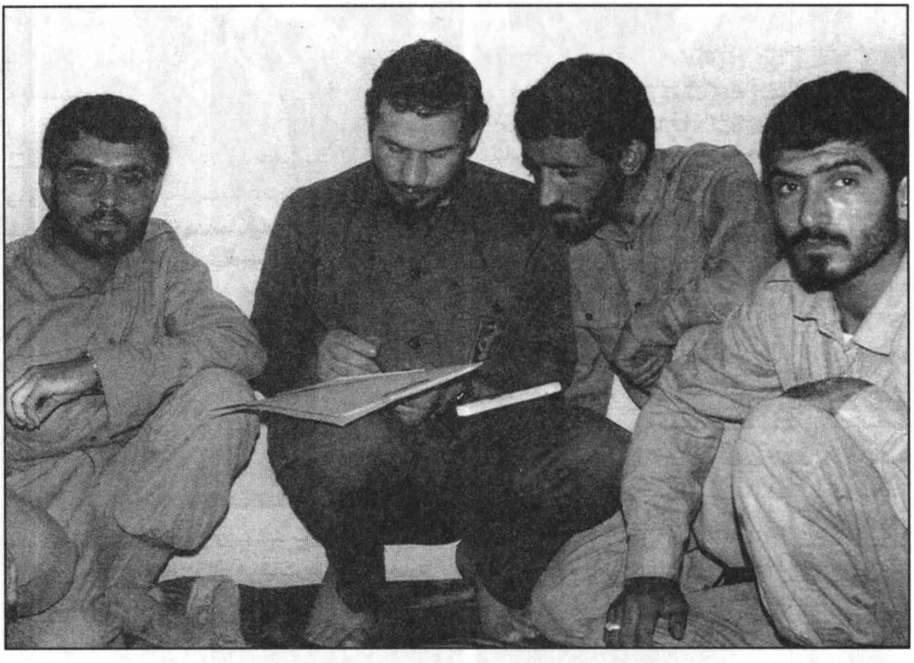
شهید اسماعیل دقایقی فرمانده لشکر ۹ بدر



شهید محمود کاوه فرمانده تیپ ویژه شهدا



فرمان آغاز عملیات کربلای ۵



یحیی رحیم صفوی در کنار رزمندگان اسلام



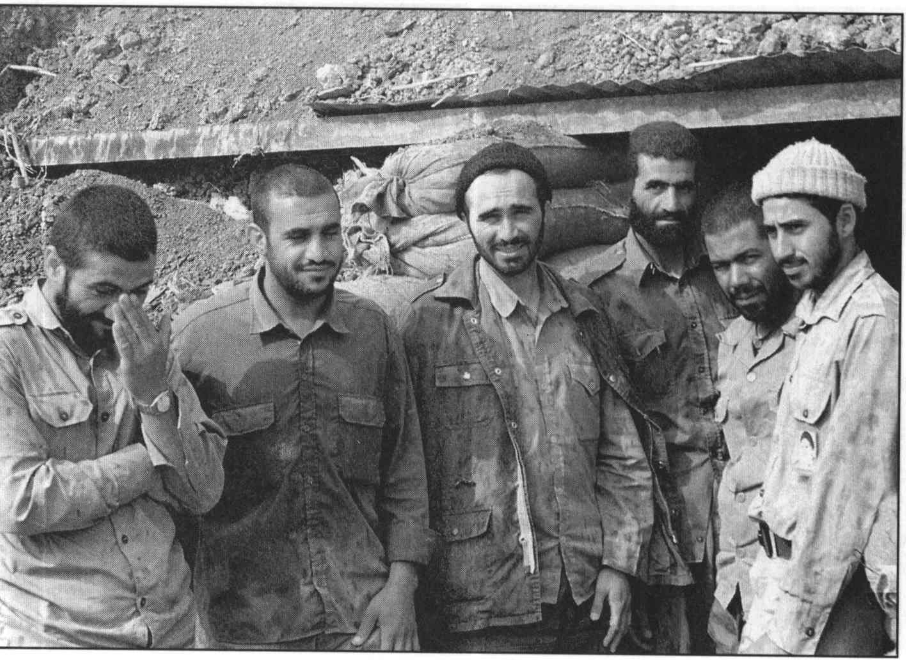
سخنرانی در مراسم هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

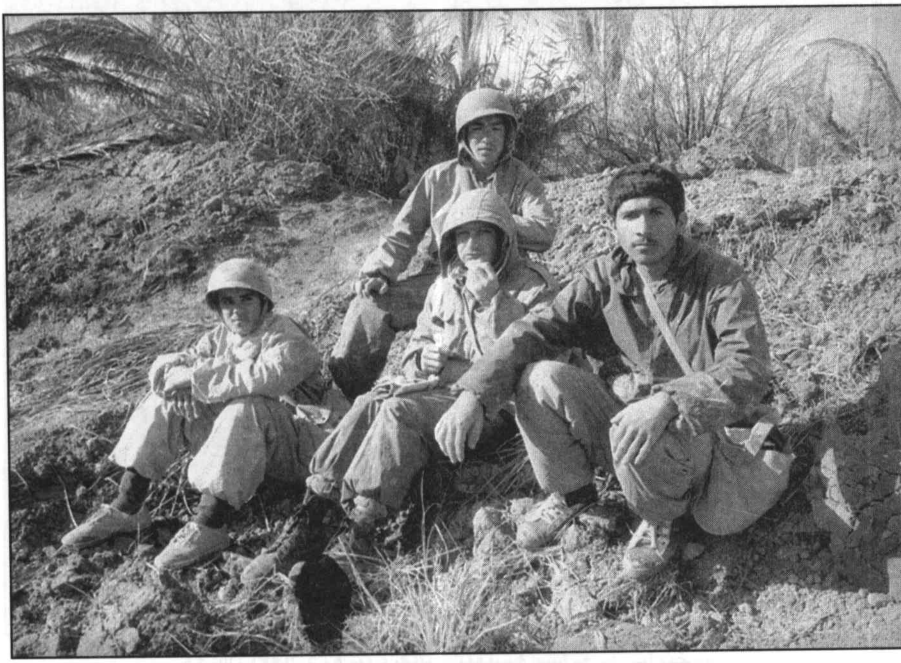


اقامه نماز جمعه در دانشگاه تهران



یاد باد آن روزگاران یاد باد





رزمندگان در جبهه های جنگ





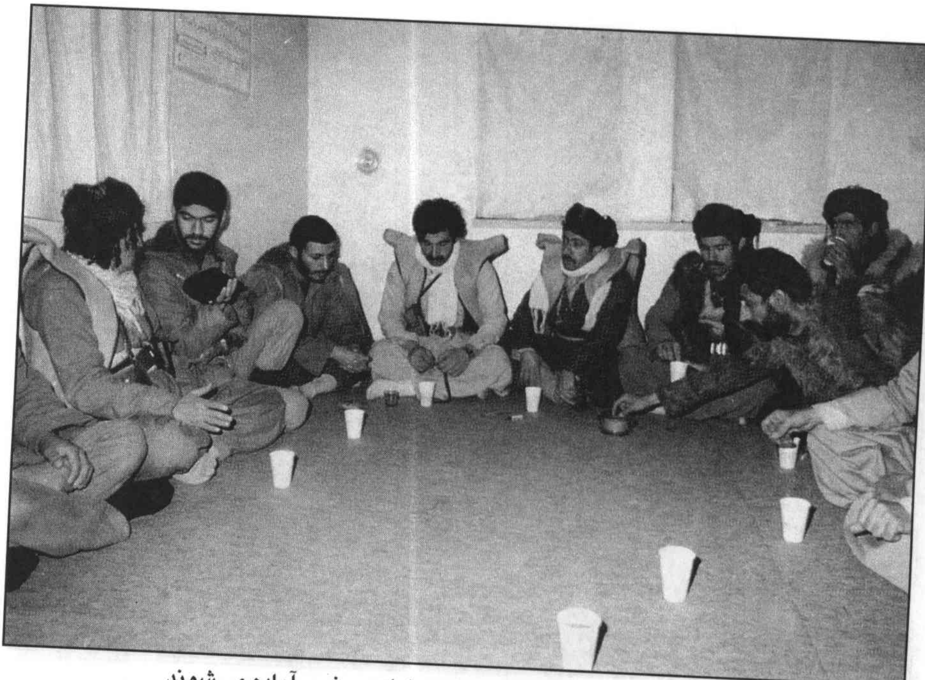
صحنه هایی از بمباران وحشیانه شهرها



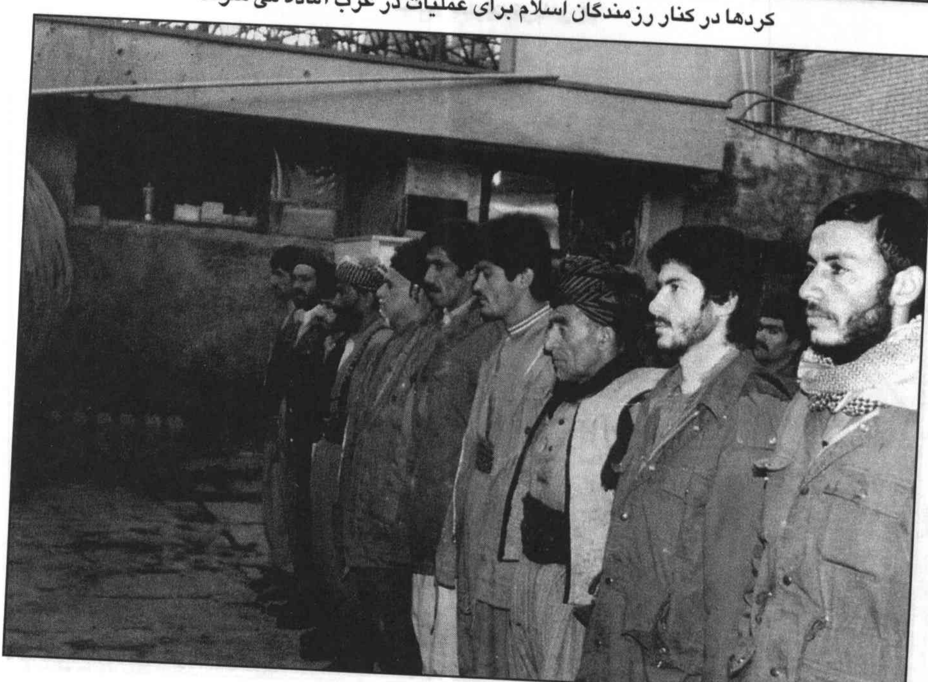


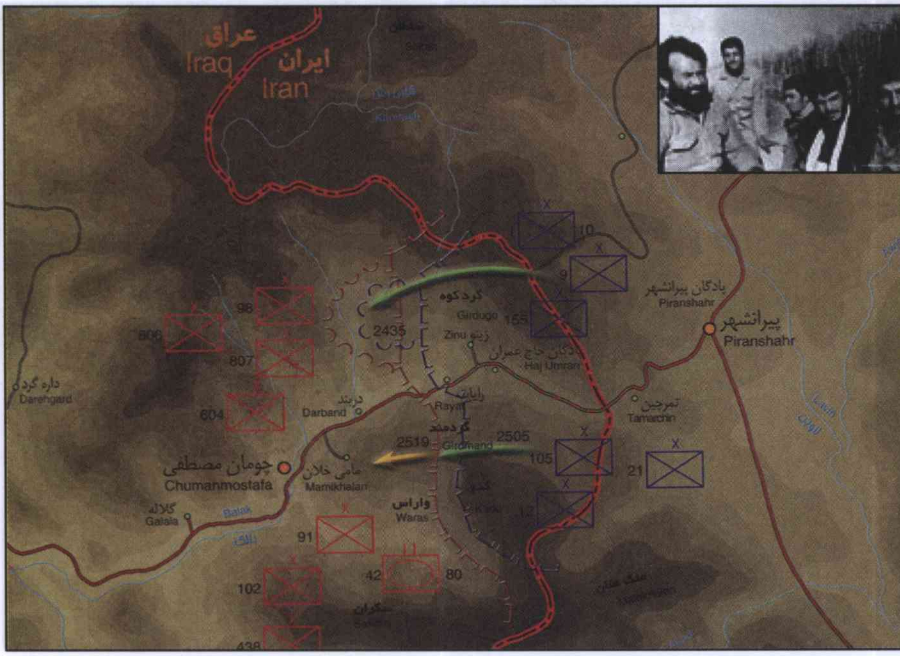
در جبهه های نور تفاوتی میان فرماندهان لشکرها و رزمندگان نبود.یاد شهیدان والامقام جبهه ها گرامی باد



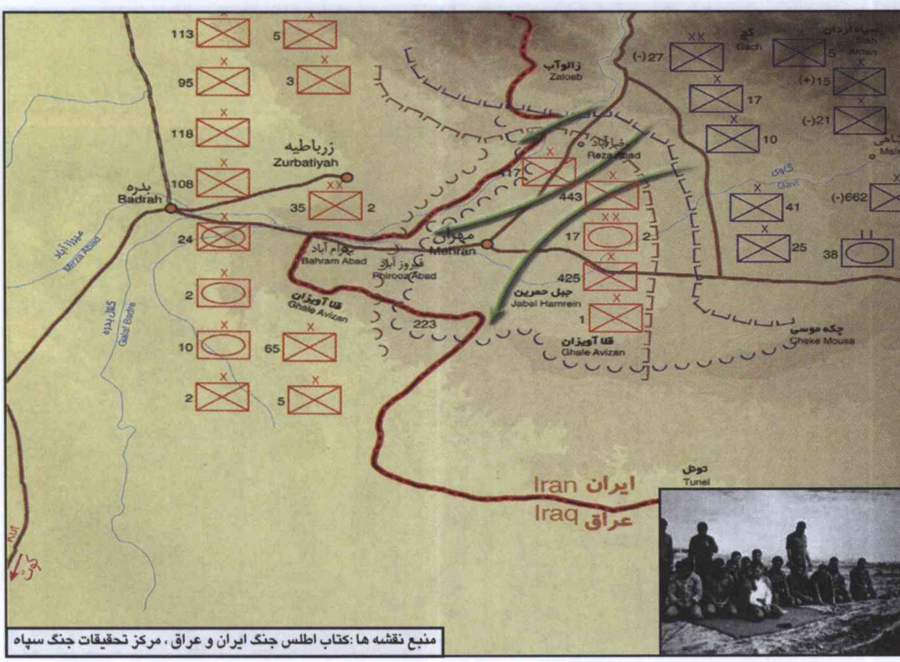


کردها در کنار رزمندگان اسلام برای عملیات در غرب آماده می شوند



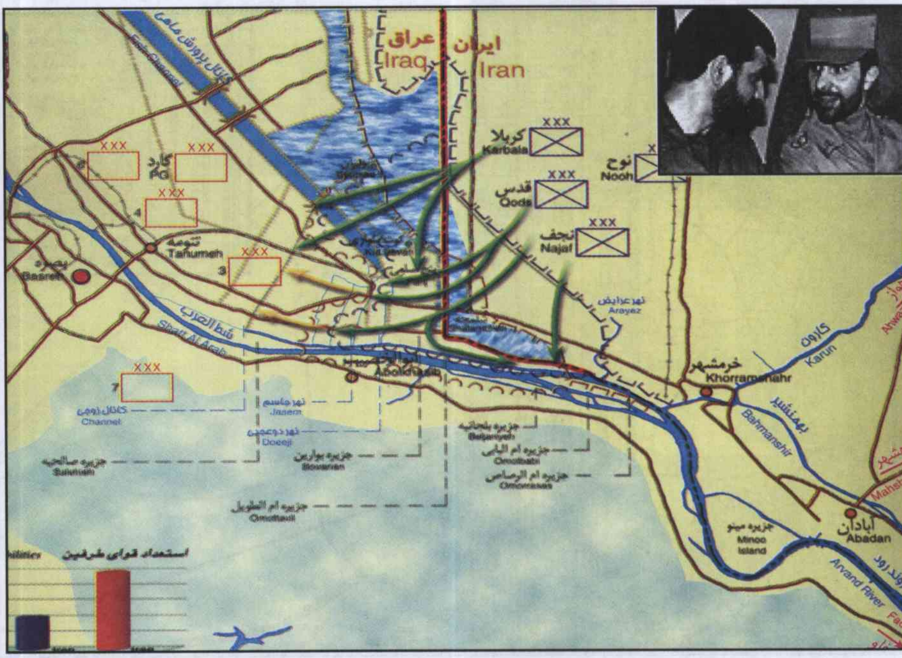


نقشه عملیات کربلای ۲

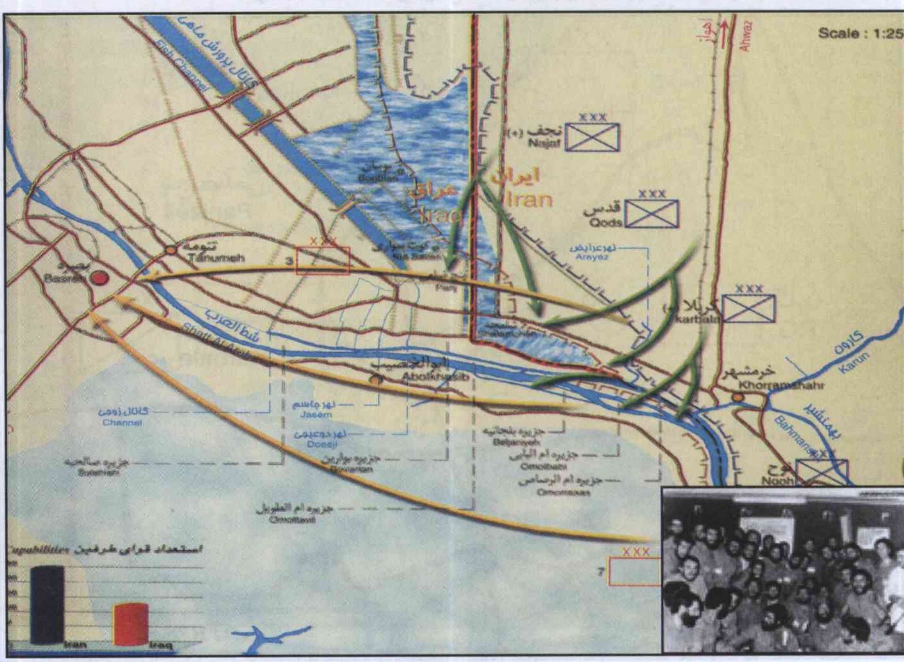


منبع نقشه ها :کتاب اطلس جنگ ایران و عراق ، مرکز تحقیقات جنگ سپاه

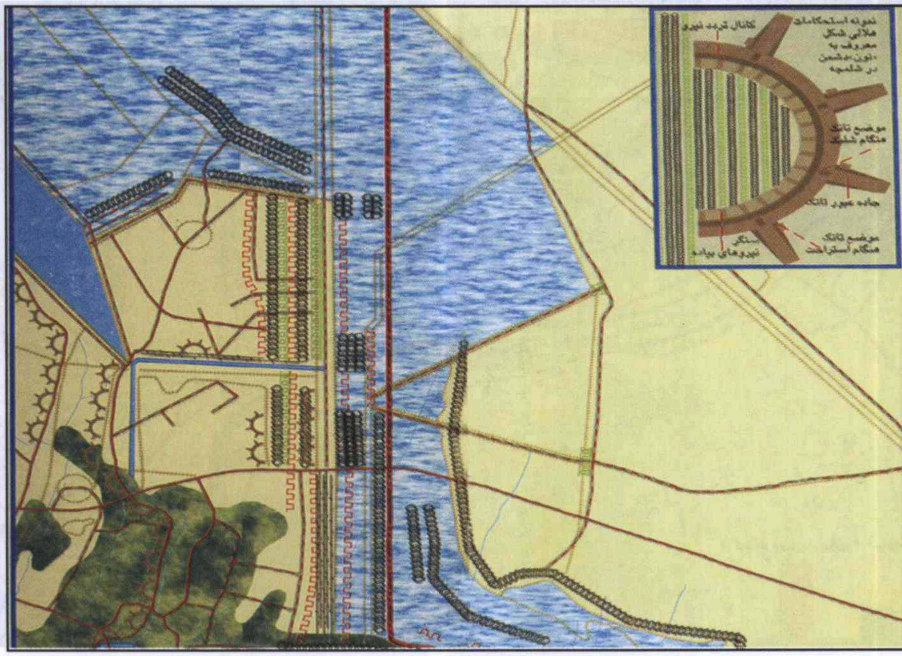
نقشه عملیات کربلای ۱



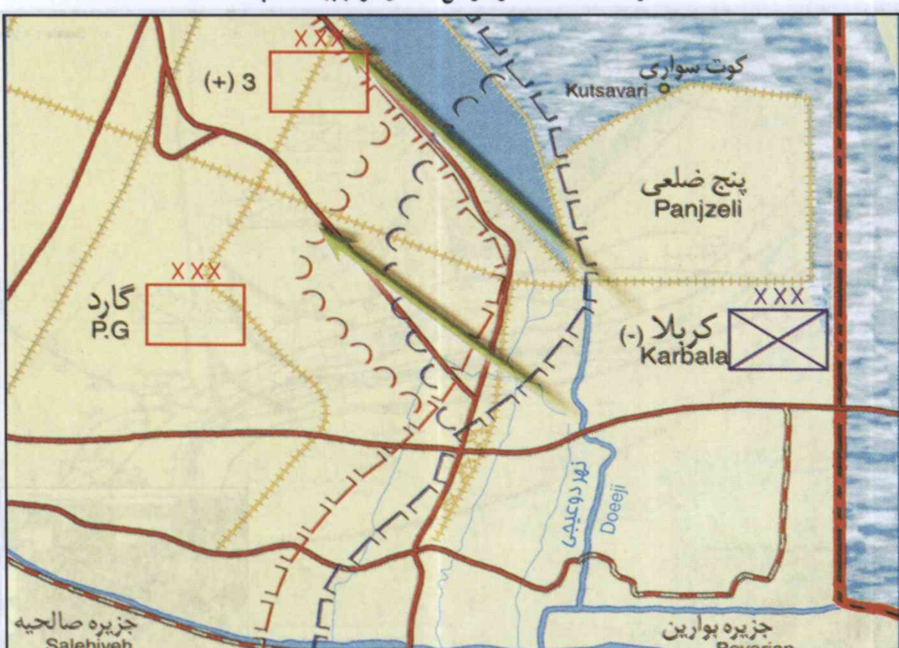
نقشه عملیات کربلای ۵



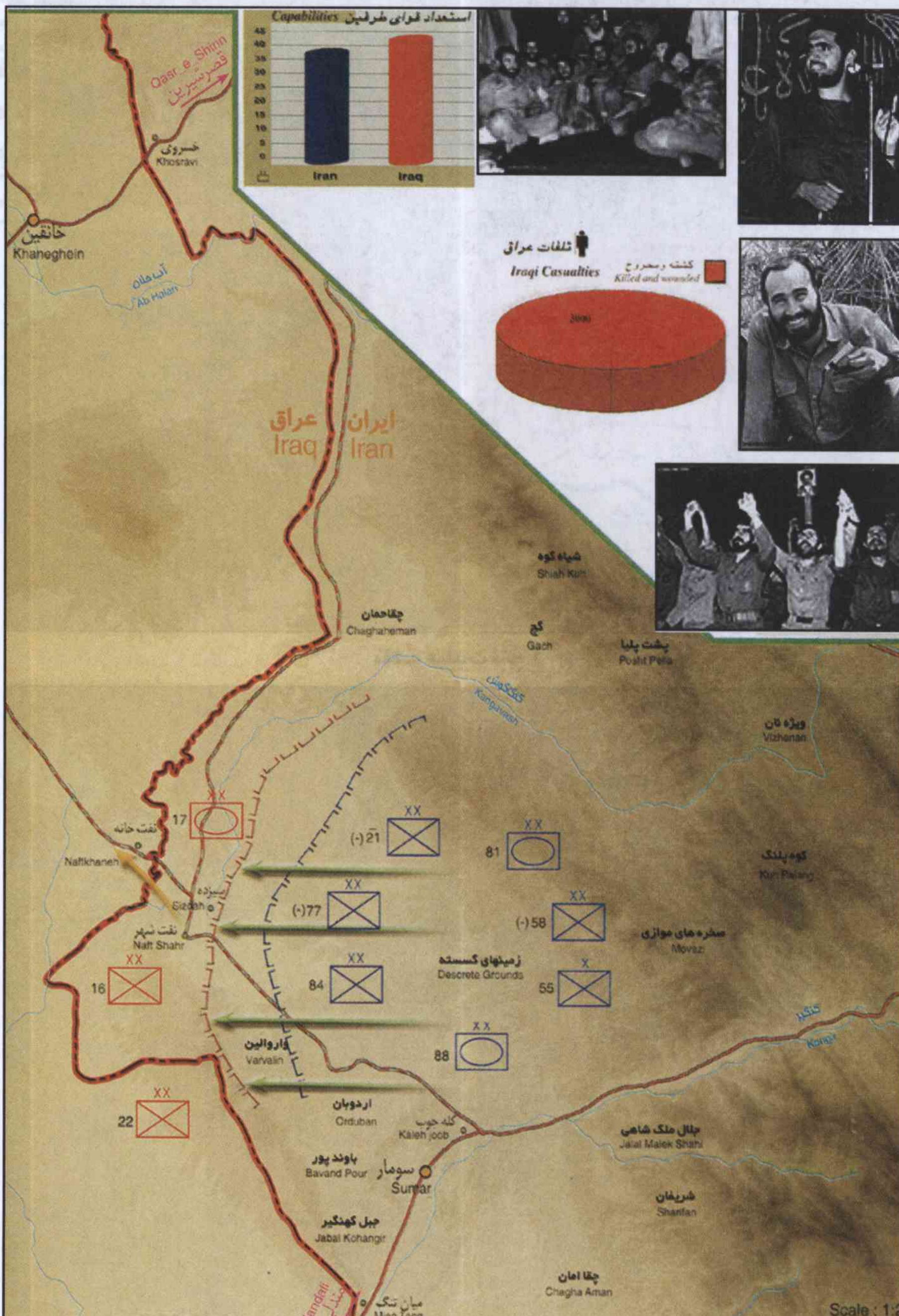
نقشه عملیات کربلای ۴



نمونه استحکامات و موانع دشمن در جبهه شلمچه



نقشه عملیات تکمیل کربلای ۵



نقشه عملیات کربلای ۶



نقشه عملیات فتح ۱



نقشه عملیات کربلای ۷

نمایه

فرصت دادن به نیروهای رزمی ما و واگذاری منطقه، به معنای تسلیم عراق و تحقق خواسته های ما در جنگ بود، لذا عراق پذیرفت که برای سد کردن رزمندگان ایران، بهای سنگینی بپردازد و با گسیل انبوه نیروهای خود به منطقه ای با وسعت کم، در زیر آتش شدید و موثر نیروها ایستادگی نماید. این اقدام که به متلاشی شدن شمار فراوانی از یگانهای عراقی انجامید، بدین معنا بود که عراق برای از دست ندادن زمین شرق بصره، آماده پذیرش تلفات فراوانی است. پیروزی ایران در این زمین، شمارش معکوس پایان جنگ را در پی داشت. عبور از استحکامات شرق بصره نشان داد پیروزی ایران در هر وضعیت متصور است.

عبور از موانع مستحکم شلمچه و شکستن خطوط دشمن و عبور از استحکامات کم نظیر که به نظر عراقی ها غیر قابل نفوذ خوانده می شد، افتخار بزرگ نظامی در تاریخ نبردهای کلاسیک به نام رزمندگان ایران اسلامی ثبت کرد و نتایج حاصل از این عملیات سند محکمی بر قدرت نظامی ایران در سال ششم جنگ است. در این حال تلاش گسترده ای برای جلوگیری از شکست ارتش عراق صورت گرفت که در نهایت به تصویب قطعنامه ۵۹۸ انجامید.

بخشی از مقدمه کتاب

9 789647 193207

دفتر
نشر معارف انقلاب